



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
پوهنتون البیروني
معاونیت تحقیقات علمی

د افغانستان د دوامداره پرمختیا لپاره د صنعتي انقلاب ملي کنفرانس
کنفرانس ملي انقلاب صنعتي برای توسعه پایدار افغانستان

مجموعه مقالات (علوم اجتماعی)

سال نهم؛ شماره اول؛ ۱۴۰۴ ه. ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله علمی- تحقیقی البیرونی

صاحب امتیاز: پوهنتون البیرونی

مدیر مسؤول: پوهنوال دکتور محبوب الرحمن صافی

سر دبیر علوم طبیعی: پوهندوی دکتور گل افغان عادل

سر دبیر علوم اجتماعی: پوهنمل اسدالله آریا

آمر مجله علمی: پوهنمل دکتور حسیب الله جهش

مدیر عمومی مجله علمی: محمد شایق میرزاده

صفحه آرا: جواد رحیمی

نشانی الکترونیکی: journals@au.edu.af

vc.academic@au.edu.af

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴ هـ. ش

تلفون: ۰۷۷۰۶۸۶۵۱۹ - ۰۷۹۷۱۰۰۸۹۶

اعضای هیئت تحریر علوم اجتماعی:

پوهنوال ذبیح الله قریشی، استاد پوهنځی حقوق و علوم سیاسي.

پوهندوی دوکتور محمد سلیم مدنی، استاد پوهنځی شرعیات.

پوهندوی احمد جاهد مشتاق، استاد پوهنځی ژورنالیزم.

پوهندوی دکتور احمد حنیف حنیف، استاد پوهنځی حقوق و علوم سیاسي.

پوهنمل دکتور عبدالمنیر رحیمی، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

پوهنمل دکتور غلام محمد پیمان، استاد پوهنځی زبان و ادبیات.

پوهنمل عبدالقهار صمیم، استاد پوهنځی شرعیات.

اعضای هیئت تحریر علوم طبیعی:

پوهندوی گل آقا انوری معاون تحقیقات علمی.

پوهنوال فضل الرب آریا، استاد پوهنځی زراعت.

پوهنوال محمد هارون صابری، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

پوهندوی دکتور میر حکیم الله سیدی، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

پوهندوی عبدالقهار قرلق، استاد پوهنځی زراعت.

پوهندوی محمد ناصر طاهری، استاد پوهنځی زراعت.

پوهنمل عید الله یوسفزی، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

پوهنمل سید علی آقا سادات، استاد پوهنځی تعلیم و تربیه.

یادداشت:

- مقاله‌های ارسالی به مجله علمی- تحقیقی البیرونی باید علمی، جدید و برابر با معیارهای اکادمیک باشد.
- مقاله‌های ارسال شده به این مجله باید در نشریه دیگر نشر نشده یا برای نشر فرستاده نشده باشد.
- مقاله ارسالی جهت مرور به مرورگران فرستاده می‌شود مرورگران مقاله را به صورت دقیق مطالعه نموده و در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌نمایند.
- هیئت تحریر مجله که متشکل از اعضای کادر علمی است، طبق پالیسی مجله، در مورد نشر مقاله تصمیم اتخاذ می‌نماید و مدیریت اجرایی مجله تصمیم هیأت تحریر را به آگاهی نویسنده می‌رساند.
- تمام مسئولیت محتوایی مقاله به عهده‌ی نویسنده/نویسنده‌ها و مرورگران (تقریظ دهندگان) می‌باشد.

تمامی حقوق این اثر برای پوهنتون البیرونی محفوظ است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
رهنمود نوشتن مقاله برای مجله علمی - تحقیقی البیرونی	۱
پیام معاون تحقیقات و مجله علمی پوهنتون البیرونی	۳
تحلیل رسالت آموزشی پوهنتون‌ها برای حمایت از توسعه پایدار؛ در پرتو دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد	۵
نقش آب در توسعه پایدار افغانستان	۲۱
امنیت آبی و نقش آن در توسعه پایدار از دیدگاه اسلام	۳۷
ضرورت جوامع اسلامی به انقلاب صنعتی از دیدگاه اسلام	۵۵
نقش ادبیات در آگاهی‌دهی انقلاب صنعتی و تأثیر آن بر توسعه پایدار افغانستان	۷۷
د اسلامی فقهی له نظره د زکات، مالیاتو راتولو کې د صنعتی انقلاب مدیریت	۹۷
عوامل تأثیرگذار بر تغییر تمدنی در جهان اسلام	۱۲۱
بررسی نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در مسیر انقلاب صنعتی و تحقق توسعه پایدار در افغانستان	۱۵۹
جایگاه صنعت در پرتو قرآن کریم	۱۸۱
رویکردی بر توسعه پایدار و زیرساخت‌های صنعتی تحت شرایط تغییر اقلیم (منطقه مورد مطالعه حوضه کابل)	۲۰۱
نقش سرمایه انسانی آموزش دیده در گذار افغانستان به توسعه صنعتی و پایدار	۲۱۹
بازتاب مفاهیم صنعت و تکنالوژی در مجموعه اشعار «ادب در فن» محمود طرزی بر مبنای مفهوم واژگانی	۲۴۹
نقش میراث فرهنگی در توسعه اقتصاد پایدار (مطالعه موردی موزیم ملی افغانستان)	۲۶۳
تحلیلی بر بازتاب نقش علم و فن برای پیشرفت و بیداری جوامع اسلامی در دیدگاه اقبال لاهوری	۲۸۳
ارتقاء کیفیت زندگی در شهرها از طریق بهبود زیرساخت‌های سبز (مطالعه موردی: کلان شهر کابل)	۳۱۵
بررسی نقش انقلاب صنعتی در الگوبرداری شاه امان‌الله خان برای صنعتی سازی افغانستان (۱۹۲۹-۱۹۱۹)	۳۴۳
سیاست تقنینی کار دیجیتال و نقش آن در توسعه پایدار افغانستان	۳۷۳
تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی	۴۰۱
اهمیت تحولات صنعتی از نظر اسلام	۴۲۳

- ۴۴۵..... بررسی تأثیر انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی مورد مطالعه: شهر شیرخان
- ۴۶۱..... بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان
- ۴۷۷..... آموزش زبان عربی و نقش آن در توسعه‌ی پایدار افغانستان
- ۴۹۳..... انقلاب صنعتی در پرتو عدالت اجتماعی در فقه اسلامی
- ۵۰۵..... په صنعتي انقلاب کې د لاسي صنايعو ارزښت
- د ديني عالمانو له نظره د صنعتي پراختيا اخلاقي لارښوونې «ننگرهار ولايت کې د ننگرهار علماؤ يوه
موردي څېړنه» ۵۲۳
- ۵۴۳..... بررسی تنش‌های آب‌های فرامرزی افغانستان در راستای توسعه‌ی پایدار این کشور
- ۵۶۷..... اصول اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام
- په صنعتي انقلاب کې د تحصيلي نصاب او مارکيټ موازنه او اغېز ۵۸۷
- ۶۰۹..... بررسی حقوقی اثرات صنعتی شدن افغانستان بر محیط‌زیست
- تأثیر تکنالوژی بر آموزش و توسعه‌ی سبک‌های زبانی در راستای انقلاب صنعتی در افغانستان ۶۲۷
- مطالعه فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان مطالعه موردی: ولایت هرات ۶۴۳
- پیامدهای اقتصادی توسعه‌ی پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان ۶۵۷
- ۶۸۱..... بررسی تأثیر صنایع دستی بر صنعت گردشگری در ولایت هرات
- په افغانستان کې د پانگونې فرصتونه او ننگونې ۷۰۷
- ۷۲۵..... بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری: با مروری بر افغانستان
- ۷۴۵..... مراحل توسعه و شیوه‌های تأمین مالی انرژی‌های تجدیدپذیر در افغانستان

رهنمود نوشتن مقاله برای مجله علمی - تحقیقی البیرونی

مقالات به زبان‌های رسمی کشور و شماره‌های ویژه به زبان‌های انگلیسی و عربی، به نشر می‌رسد. روش منبع‌نویسی درون‌متنی طبق روش APA صورت می‌گیرد (تخلص، سال نشر)، اما در مقالات شرعی و عربی (تخلص، سال نشر، نام کتاب: جلد و صفحه). در فهرست منابع هر دو بخش: تخلص، نام مؤلف. (تاریخ نشر). عنوان کتاب. (شماره چاپ). مکان نشر: دارالنشر. نوع خط به دري B Zar، به پشتو خط Bahij Zar، برای زبان انگلیسی Times New Roman، و برای زبان عربی Traditional Arabic استفاده گردد.

اندازه خط متن مقاله (۱۲)، عنوان اصلی مقاله (۱۴)، عناوین فرعی (۱۲) بولد می‌باشد. فاصله میان خط‌ها (۱،۱۵) و پاراگراف‌ها با (۰،۵) انچ فرورفتگی (indent) نوشته می‌شود. فاصله میان پاراگراف‌ها در نظر گرفته نمی‌شود.

ارقام به کاررفته در متن باید مطابق زبان متن عیار گردد.

تعداد صفحات مقاله بین ۵ الی ۱۵ صفحه معیاری (وزیری) = (طول: ۲۴ سانتی متر و عرض: ۱۷ سانتی متر) تنظیم می‌گردد.

مقاله دارای حد اقل ۱۰ منبع باشد، ۵۰ فیصد آن در علوم تجربی از ۱۰ سال اخیر، و در علوم اجتماعی طبق لزوم دید تنظیم گردد.

جدول‌ها و شکل‌ها باید کیفیت خوب داشته باشند. اندازه خط برای عناوین شکل‌ها و جدول‌ها (۱۱) در نظر گرفته شود.

هرگاه متن مقاله به زبان فارسی دری و یا پشتو باشد، چکیده باید به زبان انگلیسی ترجمه گردد. هرگاه مقاله به زبان‌های بین‌المللی باشد، ترجمه چکیده به زبان فارسی دری و یا پشتو تهیه گردد. نوت: ترجمه حاوی عنوان، نام نویسندگان، چکیده و کلید واژه‌های مقاله نیز باشد.

چکیده ضمناً دارای (بیان مسأله، اهداف، روش تحقیق، نتایج و پیشنهادات) به شکل فشرده باشد و از (۲۵۰) کلمه بیش تر نباشد.

واژه‌های کلیدی بین ۳-۷ باشد.

مقدمه دارای حد اقل این موارد (بیان مسأله، اهمیت موضوع، اهداف و فرضیه‌های تحقیق) بدون ذکر عنوان فرعی باشد.

بعد از مقدمه، پیشینه‌ی تحقیق و روش تحقیق در عناوین فرعی درج می‌گردد. بعداً موضوع تحقیق. در
 اخیر مناقشه (در صورت نیاز)، نتایج و فهرست منابع می‌آید.

نتیجه‌گیری که شامل چگونگی حل مسأله (یافته‌های پژوهش) مختص به علوم تجربی می‌باشد.
 معادل نام‌ها و اصطلاحات تخصصی که به زبان انگلیسی باشد در پاورقی به زبان ملی توضیح داده شود.
 آیات قرآن کریم داخل اقواس قرآنی: ﴿ ۱ ﴾ [نام سوره: شماره آیت]، احادیث شریف و نصوص علما
 داخل اقواس « » درج می‌گردد.

آیات قرآن کریم، احادیث نبوی مبارک و نصوص عربی باید به فونت عربی مناسب تنظیم شود.
 آیات قرآن کریم طبق رسم عثمانی، احادیث نبوی مبارک و نصوص عربی باید طبق قواعد علامات
 ترقیم زبان عربی نوشته شود.

عنوان باید واضح و مختصر باشد. زیر عنوان نام نویسنده/ نویسندگان و موقف علمی آن با ایمیل آدرس
 نویسنده مسؤول درج شده باشد.

مقاله‌های ارسالی در گام نخست توسط هیأت تحریر مجله که تطبیق‌کننده پالیسی نگارش مجله‌اند،
 بررسی می‌گردد. هیأت تحریر مجله متشکل از اعضای کادر علمی می‌باشد. مقاله‌ها پس از بررسی
 ابتدائی توسط هیأت تحریر به مرورگران رشته مربوطه (تقریظ دهنده) جهت مرور (Review) فرستاده
 می‌شود. مرورگران در مورد اعتبار علمی مقاله تصمیم اتخاذ می‌کنند و نتایج بررسی خود را به هیأت
 تحریر می‌نگارند. مسئولیت محتوای مقاله به عهده‌ی نویسنده/ نویسنده‌ها و مرورگران (تقریظ
 دهندگان) مقاله می‌باشد.

هیأت تحریر بر مبنای تصمیم مرورگران و پالیسی نشراتی مجله، در خصوص نشر مقاله تصمیم نهائی
 اتخاذ می‌کنند. هیأت تحریر مجله ماه یک بار جلسه‌های منظم را برگزار نموده و بر علاوه جلسه‌های
 عادی، جلسه‌های ویژه نیز در صورت نیاز برگزار می‌گردد.

پیام معاون تحقیقات و مجله علمی پوهنتون البیرونی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد وعلى آله واصحابه اجمعين. خرسندم که انتشار کتاب مجموعه مقالات علوم اجتماعی «کنفرانس ملی انقلاب صنعتی برای توسعه پایدار افغانستان» را که حاصل تلاش جمعی از استادان، محققان، کارمندان پوهنتون البیرونی، نهادهای علمی و وزارت تحصیلات عالی کشور است، به عنوان دستاوردی علمی و ملی، با افتخار تقدیم جامعه علمی و فرهیخته افغانستان می‌نمایم. این مجموعه نه تنها کتابی از مجموعه مقالات ارزشمند کوشش‌های علمی، بلکه نشانی روشن از اراده و باور ما به آینده‌ای خودکفا و آباد برای توسعه و پیشرفت وطن عزیز؛ افغانستان است.

جهان امروز در میانه موج چهارم انقلاب صنعتی قرار دارد؛ عصری که با هوش مصنوعی، روباتیک، انرژی‌های نو، استفاده خودکار تکنالوژی و ماشین‌آلات با دقت بیشتر و تحول بنیادین در شیوه‌های تولید شناخته می‌شود. اگر به گذشته بنگریم، چهار مرحله این انقلاب بزرگ چنین بوده است: مرحله نخست در قرن هجدهم با اختراع ماشین بخار و مکانیزه شدن تولید آغاز شد؛ مرحله دوم در اواخر قرن نوزدهم با برق، نصب ماشین‌آلات و تولید گسترده شکل گرفت؛ مرحله سوم در قرن بیستم با ورود کمپیوتر و تکنالوژی اطلاعات و ارتباطات، تولید را الکترونیکی ساخت؛ و مرحله چهارم در قرن بیست و یک که امروز در آن هستیم، با هوشمندسازی، اینترنت اشیا، هوش مصنوعی و تلفیق فناوری‌های فیزیکی، الکترونیکی و محیط زیست شناخته می‌شود.

افغانستان نیز با وجود چالش‌ها، از ظرفیت‌هایی کم‌نظیر برخوردار است: منابع معدنی و طبیعی غنی، زمین‌های حاصل‌خیز، موقعیت جغرافیایی راهبردی، و نیروی انسانی جوان و بانگیزه. این فرصت‌ها، اگر با مدیریت هوشمندانه، پشتوانه علمی و بهره‌گیری از تجربه جهانی در انقلاب صنعتی، همراه شوند، می‌توانند کشور را به سمت خوداتکایی اقتصادی و صنعتی هدایت کنند.

تحقیقات علمی و نوآوری‌های پوهنتون‌ها، زمانی بیشترین اثرگذاری را خواهند داشت که در امر سیاست‌گذاری ملی و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نهادینه شوند. پیوند میان تحقیق و صنعت، و ارتباط میان نهادهای علمی و دولت، کلید استفاده مؤثر از ظرفیت‌های کشور است. یافته‌های علمی-تحقیقی باید راهنمای عملی برای توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد صنایع بومی، افزایش بهره‌وری و ورود به بازارهای منطقه‌ای و جهانی باشد.

مقالات این مجموعه، هر یک به گونه‌ای چشم‌اندازهای نوینی برای بهره‌برداری از فرصت‌های صنعتی و ارتقای سطح توسعه پایدار افغانستان ترسیم کرده‌اند. نتایج مقالات حاضر، علاوه بر تحلیل چالش‌ها، پیشنهادهای عملی برای سرمایه‌گذاری، ایجاد ارزش افزوده، و استفاده از منابع داخلی ارائه می‌نمایند. امید است که یافته‌های کنفرانس ملی انقلاب صنعتی برای توسعه پایدار افغانستان، الهام‌بخش برنامه‌های عملی و پروژه‌های ملی در مسیر پیشرفت و توسعه کشور باشد.

باور راسخ دارم که افغانستان، با تکیه بر دانش بومی، تحقیقات هدفمند و همگرایی نهادهای علمی، دولتی و خصوصی، می‌تواند نه تنها نیازهای داخلی را برآورده سازد، بلکه به صادرکننده محصولات صنعتی و فناوری‌های بومی نیز بدل شود. آینده روشن این سرزمین، در گرو اتحاد، دانش محوری و بهره‌گیری خردمندانه از فرصت‌های صنعتی است.

در پایان، از همه دست‌اندرکاران، برگزارکنندگان، نویسندگان، و حامیان علمی و تخنیکی این رویداد علمی که با تلاش صادقانه و روحیه ملی، این کنفرانس مهم را به ثمر رسانده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین از تمویل‌کنندگان مالی که با حمایت سخاوتمندانه خود، زمینه برگزاری این کنفرانس مهم و چاپ مجموعه مقالات آن را فراهم ساختند، به‌خصوص عالیقدر وزیرصاحب تحصیلات عالی، ریاست محترم تحقیق، تألیف و ترجمه، ریاست محترم مالی و اداری و همه‌ی رهبری ولایت کاپیسا و پوهنتون البیرونی قدردانی ویژه به عمل می‌آورم، بی‌تردید، پشتیبانی مالی آنان گامی مهم در حمایت از تحقیقات علمی و پیشرفت کشور است.

والسلام

پوهندوی گل آقا انوری

معاون تحقیقات و مجله علمی پوهنتون البیرونی

تحلیل رسالت آموزشی پوهنتون‌ها برای حمایت از توسعه پایدار؛ در پرتو دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد

پوهاند دکتور باز محمد فروغ^{۱*}

۱. دیپارتمنت مدیریت آموزشی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون بامیان

* نویسنده مسئول- ایمیل: bforogh3@gmail.com

چکیده

توسعه پایدار که امروزه به عنوان یکی از مباحث اساسی و یکی از چالش‌های بزرگ قرن حاضر به حساب می‌آید، در سپتامبر ۲۰۱۵، از طرف روسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در مجمع عمومی ملل متحد، با عنوان «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» مورد تصویب قرار گرفت. این دستورکار که شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف خاص است نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌نماید. آموزش ۲۰۳۰ که هدف چهارم این دستورکار را تشکیل می‌دهد و با عنوان «به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر باکیفیت، برابر و فراگیر» تصریح شده است، نقش آموزش را برای موفقیت همه اهداف توسعه پایدار، اساسی می‌داند و براین باور است که آموزش قادر است تحقق هر یک از اهداف توسعه پایدار را تسریع کند براین مبنا لازم است به عنوان عامل مؤثر در تحقق اهداف دیگر دستورکار نیز در نظر گرفته شود. تحقیق حاضر باهدف تحلیل رسالت آموزشی پوهنتون‌ها برای حمایت از توسعه پایدار؛ در پرتو دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد با روش توصیفی - تحلیلی و به صورت مروری انجام شد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است رسالت پوهنتون‌ها این است که توسعه پایدار باید در مأموریت دانشگاهی انعکاس یابد؛ پایداری در تمام رشته‌های پوهنتونی و الزامات آموزشی تخصصی و تحقیقات اساتید و محصلان پوهنتون مدغم گردد؛ پوهنتون‌ها باید برای ارتقاء پایداری در جهت خدمت‌رسانی به جامعه محلی و جهانی سهم فعال داشته باشد؛ باید در سیستم جذب، ایفای مسئولیت و ارتقای خود، به پایداری متعهد باشد؛ در راستای خدمات نهادی و محصلی، پایداری را به صورت مؤکد مدنظر داشته باشد؛ باید با آگاهی از آثار محیطی خود به گونه متعهدانه در تولید و مصرف خود روش پایداری را در تمام فعالیت‌های خود شامل سازد؛ تأثیر پوهنتون باید بر سیستم‌های محیطی و اجتماعی اطراف، تشخیص و اندازه‌گیری شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش، توسعه پایدار، دستورکار ۲۰۳۰ ملل متحد، رسالت پوهنتون‌ها؛

Study and analysis of fish farming and its economic and environmental role in Kapisa Province

Professor Dr. Baz Mohammad Forough^{1*}

1. Department of educator in Education Administration, Faculty of Education, Bamyan University.

* Corresponding Author Email: bforogh3@gmail.com

Abstract

Sustainable development, widely regarded as one of the most pressing challenges of the 21st century, was formally adopted by world leaders, high-level representatives of UN specialized bodies, and civil society at the UN General Assembly in September 2015 under the title "Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development." This ambitious agenda, comprising 17 Sustainable Development Goals (SDGs) and 169 specific targets, serves as a global framework for addressing critical issues such as poverty, inequality, climate change, and environmental degradation over the next 15 years. Education, encapsulated in SDG 4 "Ensure inclusive and equitable quality education and promote lifelong learning opportunities for all", is recognized as a cornerstone for achieving all SDGs. It highlights the transformative potential of education in fostering sustainable development by equipping individuals with the knowledge, skills, and values needed to address global challenges. This study investigates the Analyzing the Educational Mission of Universities to Support Sustainable Development In Light of the United Nations 2030 Agenda. The findings reveal that universities must integrate sustainability into their core missions, curricula, and research activities. This includes embedding sustainability principles across all academic disciplines, promoting interdisciplinary collaboration, and encouraging faculty and students to engage in research that addresses sustainability challenges. Furthermore, universities should actively contribute to local and global communities through outreach programs, partnerships, and initiatives that promote sustainable practices. Institutional operations, from recruitment and resource management to infrastructure development, must also reflect a commitment to sustainability. The study underscores the importance of measuring and mitigating the environmental and social impacts of university activities, ensuring that sustainability becomes an integral part of institutional culture. By aligning their missions with the 2030 Agenda, universities can serve as catalysts for sustainable development, driving progress toward a more equitable and sustainable future.

Keywords: Education; Sustainable Development; United Nations 2030 Agenda; Mission of Universities.

مقدمه

توسعه پایدار که امروزه به عنوان یکی از مباحث اساسی و یکی از چالش‌های بزرگ قرن حاضر به حساب می‌آید، با توجه به اینکه تا اوایل دهه هشتاد میلادی تصور از توسعه، رشد اقتصادی مبتنی بر افزایش تولید و مصرف نسبتاً بی‌رویه از منابع طبیعی بود و پیامدهای آن رشد اقتصاد با چرخه معیوب، رشد غیر کنترل شده جمعیت، تخریب منابع طبیعی، آلودگی محیط زیست، تشکیل گازهای گلخانه‌ای، تخریب لایه اوزون و امثال آن بود (آراسته و امیری، ۱۳۹۱)، در سال ۱۹۸۳ به منظور رفع این مشکلات، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه توسط سازمان ملل متحد عرض اندام نمود و در گزارش نهایی خود با عنوان، "آینده مشترک ما" و با «تعریف توسعه که نیازهای نسل کنونی را بدون درخطر قرار دادن توانایی نسل‌های آینده در رفع نیازهایشان، برآورده می‌سازد» (کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، ۱۹۸۳) مسئولیت بشریت را در راستای توسعه پایدار، مضاعف ساخت.

توسعه پایدار، متضمن حفظ تعادل بین نیازهای افراد به منظور بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها از یکسو و حفظ منابع طبیعی و اکوسیستم از سوی دیگر است. منابعی که نسل حاضر و نسل‌های بعدی به آن نیازمند است. به عبارت دیگر، توسعه پایدار برای بقای بشر توجه دارد و درصدد ایجاد تعامل بین حال و آینده، انسان و طبیعت و عدالت و رفاه میان نسل‌هاست. توسعه پایدار در ارتباط با همه زندگی فکری ما استوار است و از ما می‌خواهد به وسیله یادگیری، با چالش‌های فعلی و آینده، آگاهانه و متعهدانه مبارزه کنیم تا یک جامعه پایدار به وجود آید؛ چون چنین جامعه‌ای در پی بقاء و بهبود جنبه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است تا زمینه ادامه حیات سالم برای خود و بی‌ضرر به دیگران را فراهم سازد.

در نگاه دیگر، توسعه پایدار، نیازمند برخورداری از ویژگی‌ها و قابلیت انسانی است که آموزش، به ویژه تحصیلات عالی در ایجاد آن نقش اساسی دارد. از این جهت است که توسعه پایدار به انسان‌های کل‌نگر، آینده‌اندیش، خردگرا، دارای تفکر سیستمی، آگاه، خلاق، نوآور و مشارکت‌جو نیاز دارد تا نظامی متناسب با ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌های ذهنی و ساختارهای شناختی پیش نیاز توسعه، از طریق آموزش دانشگاهی را ایجاد نمایند. تحصیلات عالی به دلیل ضریب تأثیر بسیار بالایی که دارد دارای توانایی لازم برای آغاز حرکتی اساسی به سمت توسعه پایدار می‌باشد (Barlett and Chase, 2004). این مهم در حالی مطرح می‌شود که چگونگی مقابله با تغییرات مختلف و حفظ نشاط توسعه در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های ناشی از تغییرات جهانی و تشدید فعالیت‌های بشری خود مسئله

پوهاند دکتور باز محمد فروغ

بسیار مهم است (Savari et al. 2020).

با توجه به آنچه بیان شد و با در نظر داشت این که کشور ما عضو جامعه جهانی است و توسعه پایدار نیز به عنوان یک پروسه جهانی و ملی برای کشور و جامعه ما از اهمیت خاص برخوردار است، اما رسالت پوهنتونها به عنوان اساسی ترین نهاد مسئول در توسعه هر کشور برای حمایت از توسعه پایدار مورد تحقیق و بررسی مشخص قرار نگرفته است و معلوم نیست پوهنتونها در این راستا چه رسالتی دارند؟ و سوال اساسی این است که رسالت آموزشی پوهنتونها برای حمایت از توسعه پایدار؛ در پرتو دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد کدام ها اند؟ براین اساس برای یافتن به پاسخ این سوال، این مقاله با هدف تحلیل رسالت آموزشی پوهنتونها برای حمایت از توسعه پایدار؛ در پرتو دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد انجام شد تا در پرتو نتایج آن پوهنتونها مخصوصاً پوهنتونهای افغانستان رسالت شان را برای حمایت از توسعه پایدار بیشتر و بهتر درک نمایند و سهمی لازم را در این امر مهم جهانی داشته باشند.

ادبیات تحقیق

در سال ۱۹۹۲ کنفرانس سازمان ملل در زمینه محیط زیست و توسعه (UNCED) در ریو، توسعه پایدار را به عنوان پاسخی به بحران های محیط زیست و توسعه اعلام کرد. این کنفرانس، بحران محیط زیست را در صدر دستور کار بین المللی قرارداد و ارتباط محیط زیست با توسعه را در پارادایم جدید توسعه پایدار مطرح کرد. در سال ۱۹۹۲ اغلب حکومت های جهان دستور کار ۲۱ را در اجلاس سران زمین در ریودوژانیرو اتخاذ کردند (UNCED, 1992). اعلامیه ریو، درباره محیط زیست و توسعه بیانگر نوعی توافق بین المللی موسوم، دستور کار ۲۱ بود که بر اهداف توسعه پایدار تمرکز می کرد. این اهداف شامل سعادت اقتصادی همگام با حفاظت از اتمسفر جهان، ارتقای تولید پایدار مزارع، مبارزه با بیابان زایی و جنگل زدایی، حفاظت از اقیانوس ها، حفظ تنوع زیستی و حفاظت از منابع آبی است. در این اعلامیه آمده است که: "افراد انسانی مستحق زندگی سالم و مولد در هماهنگی با طبیعت هستند و حفاظت از طبیعت باید بخشی جدانشدنی از فرایند توسعه باشد و نمی تواند مجزا از آن مدنظر قرار گیرد (United Nations, 1992: Agenda 21)."

طی بیش از چهل سال از ۱۹۷۲ (کنفرانس استکهلم)، ده ها کنفرانس بین المللی، قوانین ملی، ابتکارات محلی، برنامه های حکومتی و پیکارهای غیردولتی هنوز نتوانسته است تشکلهای بنیادین بین جهانی شدن و محیط زیست را حل نماید. در عوض تمام این تلاش ها کشورها را در معرض این چالش

قرار داده تا تنش‌ها را به گونه مدیریت کنند که در چارچوب سیاست داخلی و در محدوده منابع مالی آن‌ها قابل حل باشد. نتایج این فرایند برای محیط زیست و توسعه انسانی هنوز نیازمند بررسی است. این مهم از آن روست که در سال‌های اخیر دو رویکرد تضییعی؛ ولی متقابل در درک مفهوم توسعه پایدار بروز کرده است. از نظر عده‌ای، توسعه پایدار موضوع یک تعصب شدید اقتصادی است که غالباً به عنوان توجیهی برای رشد سریع‌تر جوامع از رهگذر کاهش فقر و کسب پایداری زیست‌بوم به کار می‌رود و در عین حال هدف ارتقای گشودگی بازارها، مقررات زدایی مالی و خصوصی سازی منابع طبیعی را دنبال می‌کند. از نظر دیگران، توسعه پایدار شکلی از ساده سازی اکولوژیک است که مفهوم آن محدود به پایداری زیست محیطی است. به رغم این دو برداشت متفاوت، همگان اذعان دارند که شایسته است سیاست‌هایی برای ارتقای پایداری زیست محیطی هم‌زمان با توجه به توسعه اقتصادی کشورها در عصر جهانی شدن اندیشیده شود (دهشیری، ۱۳۹۴).

در دهه‌های اخیر توسعه پایدار خود را بر پارادیم‌های متعارف توسعه در تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی تحمیل کرد. به طور کلی تکامل مفهوم توسعه پایدار را می‌توان به سه دوره متمایز قبل از کنفرانس استکهلم، از استکهلم تا برانتلند، و بعد از برانتلند تقسیم‌بندی نمود (Mebratu, ۱۹۹۸).

در دوره اول اعتقادات مذهبی و سنت‌ها جایگاه ویژه‌ای در حفاظت از محیط داشته است، به عبارت دیگر همه تفکرات مذهبی و سنتی با وجود این که در بافت‌ها و ساختارهای مختلف قرار داشتند؛ اما به نوعی به هماهنگی بشر با محیط تأکید می‌کردند و عنصر اصلی همه تفکرات و سنت‌های بومی «اهمیت زندگی هماهنگ با طبیعت» بود. همچنین چشم‌انداز غالب «کلی‌نگر» بوده و اهمیت ارتباطات مردم با طبیعت هم به طور ذاتی در اعتقادات و عرف‌ها دیده می‌شود.

دوره دوم از سال ۱۹۷۲ و با برگزاری «کنفرانس محیط انسانی سازمان ملل» در استکهلم شروع شد و در این کنفرانس به «اهمیت مدیریت محیط زیست و استفاده از ارزیابی محیطی به عنوان یک ابزار مدیریت» تأکید گردید که این مسئله نشان از برداشته شدن گام‌هایی به سوی توسعه پایدار بود. در زمان برگزاری این کنفرانس، گروهی خودجوش از متخصصان و شهروندان تجمع نمودند و باشگاه رم را تشکیل دادند که بعداً این کلپ گزارش جامعی درباره محیط طبیعی تهیه کرد و در سال‌های بعد واژه‌هایی نظیر «محیط زیست و توسعه»، «توسعه بدون تخریب»، «توسعه سالم از نظر محیط زیست» و نهایتاً «توسعه اکولوژیکی» در برنامه محیطی سازمان ملل ظاهر شد

پوهاند دکتور باز محمد فروغ

(WCED,1987).

در سال ۱۹۸۰ اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت به‌عنوان اصلی‌ترین تلاش در یکپارچگی توسعه و محیط، راهبرد حفاظت جهانی را مطرح و تدوین کرد. هرچند خود واژه توسعه پایدار در متن آورده نشده بود، اما یکی از زیر بخش‌های این راهبرد «حفاظت از منابع برای توسعه پایدار» بوده است که قطعاً مفهوم پایداری را دربرداشته است (Bossel,1999).

دوره سوم با شروع کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل شروع شد. اگرچه اتحادیه حفاظت جهان به دلیل طرح «توسعه پایدار» برای اولین بار اعتبار یافت، اما کمیسیون برانتلند در گزارش خود تحت عنوان «آینده مشترک ما» مفهوم توسعه پایدار را رسماً برای اولین بار تعریف کرد و اعتبار این تعریف تا به امروز به قوت خود باقی است. از نشست‌های اصلی بعدازاین کنفرانس، «نشست زمین» در سال ۱۹۹۲ است که منجر به انتشار سند بین‌المللی اعلامیه ریو، دستورکار ۲۱، کنوانسیون‌های بیابان‌زدایی، تنوع زیستی و تغییر اقلیم گردید (نادرمهدی، کلاتری، حسینی و اسدی، ۱۳۸۸، ص ۳).

درنهایت می‌توان گفت توسعه پایدار به عنوان یک پدیده حیاتی و مهم جهانی از دیرباز مورد توجه جهانیان قرار داشته است و توجه به آن برای جهان بشریت بسیار مهم محسوب می‌گردد.

روش تحقیق

این تحقیق باهدف تحلیل رسالت آموزشی پوهنتون‌ها برای حمایت از توسعه پایدار؛ در پرتو دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد با روش توصیفی - تحلیلی و به‌صورت مروری انجام شد. در مرحله نخست در حدود ۹۸ مقاله و ۵ جلد کتاب مرتبط با توسعه پایدار تهیه شد و در مرحله دوم منابعی که دربردارنده کلمات کلیدی و مفاهیم اساسی این تحقیق بودند انتخاب شدند و مطالب مرتبط استخراج گردیدند و به‌صورت مستند به‌صورت خلاصه کردن و عبارت کردن مورد استفاده قرار گرفت و در متن مقاله تنظیم شدند.

یافته‌های تحقیق

مفاهیم توسعه پایدار

اولین تعریف رسمی توسعه پایدار توسط «کمیسیون جهانی محیط‌زیست» معروف به کمیسیون برانتلند در سال ۱۹۸۷ ارائه شد. بر این اساس، «توسعه پایدار عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره

پوهاند دکتر باز محمد فروغ

افکنند « (WCED,1987) ». به عبارت دیگر، توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای حال را بدون وجه المصلحه قرار دادن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهایشان تأمین می‌کند (WCED,1987).

همان‌گونه که (Pearce, ۲۰۰۷) خاطر نشان کرده است کامل‌ترین تعریف از توسعه پایدار مشتمل بر دو مفهوم کلیدی است: نخست مفهوم نیاز به ویژه نیازهای اساسی فقرای جهان که باید به آن اولویت داده شود و دوم ایده محدودیت‌های تحمیل شده از سوی وضعیت تکنالوژی و سازمان‌دهی اجتماعی بر توانایی زیست‌بوم برای تأمین نیازهای حال و آینده (WCED1987,P3).

نظریه توسعه پایدار تعریفی سخت‌گیرانه را از مصرف پایدار ارائه می‌دهد، توسعه پایدار به معنی تضمین روند رو به افزایش ذخایر سرانه ثروت جهانی متضمن اتخاذ سیاست‌های تضمین مصرف پایدار شامل سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، سرمایه‌گذاری در تکنالوژی، سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی، کاهش خسارات محیط‌زیستی و تشویق به حفظ منابع و سرمایه‌های طبیعی و محیط‌زیستی است (Pearce,2007b.p614) از این رو، در پی اجلاس سران زمین در ریو سازمان‌هایی از جمله کمیسیون ملل متحد در زمینه توسعه پایدار ایجاد شدند تا موجبات اجرای اعلامیه و دستور کار ۲۱ را فراهم آورند. در این رهگذر، علاوه بر این که بیش از ۱۵۰ کشور به ایجاد شوراهای ملی برای ارتقای دستور کار ۲۱ مبادرت ورزیدند، ۱۸۰۰ شهر نیز به تدوین برنامه‌هایی برای اجرای دستور کار ۲۱ در عرصه محلی پرداختند (Beatley,2004).

اقتصاد پایدار با موضوع حفظ رشد اقتصاد در عین توجه ویژه به نگرانی‌های محیط‌زیستی در زمینه استفاده از انرژی و مصرف بی‌رویه منابع به ویژه سوخت فسیلی و رابطه آن با تغییرات اقلیمی در ارتباط است. آنان بر این اعتقادند که با توجه به مزایا آشکار اجتماعی و اقتصاد جهانی شدن، نیروهایی وجود دارند که هم‌زمان خواستار حفظ محیط‌زیست و تحقق رشد و یا توسعه اقتصاد مستمر هستند که منجر به مجموعه پیچیده‌ای از مناسبات میان آن‌ها در چارچوب وابستگی متقابل می‌شود. آنان معتقدند که ثروت در نتیجه جهانی شدن و تجارت آزاد و باز در سطح جهان به گونه فزاینده در حال افزایش است (Ayres,1995,p5-25). باید توجه داشت، علاوه بر تعیین مقیاس و نحوه مداخله

^۱. Earth Summit

^۲. UN Commission on Sustainable Development.

^۳. Sustainability Economics

پوهاند دکتور باز محمد فروغ

در سیاست گذاری توسعه‌ای، باید مناطق عملکردی و نه صرفاً اداری مد نظر باشند تا مناطق دور افتاده تر و درحاشیه و روابط روستا - شهری در یک مجموعه یکپارچه، مورد پلانگذاری قرار گیرند (OECD, 2020).

توسعه پایدار، در شرایط نبود صلح و امنیت نمی‌تواند تحقق یابد و صلح و امنیت نیز در نبود توسعه پایدار به مخاطره می‌افتد. دستورکار حاضر، باوقوف به لزوم ایجاد جوامعی فراگیر، عادل و صلح‌جو تهیه شده است که این جوامع امکان دسترسی برابر به عدالت را فراهم می‌کنند و بر مبنای احترام به حقوق بشر (از جمله حق توسعه و پیشرفت)، حاکمیت مؤثر قانون و راهبری بهینه در همه سطوح و ایجاد نهادهایی تأثیرگذار، شفاف و پاسخگو استقرار می‌یابند. در این دستورکار، به عواملی همچون: نابرابری، فساد، حاکمیت نامناسب و قاچاق غیرقانونی دارایی و تسلیحات که مبنای ایجاد خشونت، ناامنی و بی‌عدالتی هستند، پرداخته شده است. ما باید تلاش‌های خود را برای پایان دادن به درگیری و یا پیشگیری از آن و نیز برای حمایت از کشورهای که در شرایط پس از جنگ به سر می‌برند، دو برابر کنیم. از جمله روش‌های تحقق این امر، تضمین حضور زنان در فعالیت‌های صلح‌آفرینی و در عرصه دولت، ملت‌سازی است. برای تحقق کامل حق خودمختاری افراد ساکن در سرزمین‌های اشغالی و یا مستعمره‌ها، با نظر به اینکه این عوامل همواره بر محیط‌زیست، توسعه اجتماعی و همچنین بر اقتصاد افراد تأثیر منفی دارد، از همه نقش‌آفرینان می‌خواهیم تا برای رفع موانع موجود بر سر راه تحقق حق خودمختاری افراد، هم‌نوا با حقوق بین‌الملل، اقدامات مؤثرتری را انجام دهند.

دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار

در سپتامبر ۲۰۱۵، روسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی گردهم آمدند و در مجمع عمومی ملل متحد، دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف خاص است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم نمود. شعار اصلی آن «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار بود». آموزش ۲۰۳۰ که هدف چهارم این دستورکار را تشکیل می‌دهد و با عنوان «به‌سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر باکیفیت،

برابر و فراگیر» آورده شده است، فقط به اهداف آموزشی محدود نمی‌شود؛ بلکه در تحقق اهداف دیگر دستور کار نیز که شامل تأمین صحت، دستیابی به رشد اقتصادی و اشتغال پایدار، الگوهای تولید و مصرف پایدار و تغییر اقلیم می‌شود، نقش اساسی ایفا می‌کند. دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار، نقش آموزش را برای موفقیت همه اهداف توسعه پایدار، اساسی می‌داند و بر این باور است که آموزش قادر است تحقق هر یک از اهداف توسعه پایدار را تسریع کند و از این منظر لازم است به عنوان عامل مؤثر در تحقق اهداف دیگر دستور کار نیز در نظر گرفته شود.

اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰

پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جا؛ پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه زراعت پایدار؛ تضمین یک زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین؛ تضمین آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه؛ دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران؛ تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه؛ تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه، مطمئن، پایدار و نوین؛ ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره‌ور و اشتغال شرافتمندانه برای همه؛ ساختن زیربنای مقاومتی، ترویج صنعتی سازی پایدار و فراگیر، و ترویج نوآوری؛ کاهش نابرابری در درون و در میان کشورها؛ تبدیل شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی به مکان‌های همه‌شمول، امن، مقاوم و پایدار؛ تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف؛ اقدام عاجل برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن؛ حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها، و منابع دریایی برای توسعه پایدار؛ پاسداشت، احیا و ترویج استفاده پایدار از شیوه‌های بومی زمین‌ها، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی و توقف و معکوس سازی روند تخریب (یا فرسایش) زمین و همچنین متوقف ساختن تخریب تنوع زیستی؛ ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح؛ تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای (تحقق) توسعه پایدار.

رسالت آموزشی پوهنتون‌ها برای توسعه پایدار

نخستین مأموریت اساسی نظام آموزشی و در رأس آن، تحصیلات عالی، ایجاد نظام شخصیتی متناسب با توسعه است که در آن ارزش‌ها، هنجارها، انگاره‌های ذهنی، و ساختارهای شناختی پیش‌نیاز توسعه، از طریق آموزش در افراد جامعه به وجود خواهد آمد. بر همین مبنا آموزش‌های رسمی در

پوهاند دکتور باز محمد فروغ

گام نخست، لازم است ارزش‌ها، اندیشه‌ها، تفکرات و خواسته‌هایی را به وجود آورند که می‌تواند مسیر را برای توسعه هموار سازد (جاودانی، ۱۳۹۱، ص، ۶۶).

اگر انسان‌ها خوب آموزش ببینند، زمینه حرکت به سوی نوگرایی و جامعه دانش‌بنیان فراهم می‌گردد. براین اساس، نظام آموزشی به طور عام و تحصیلات عالی به طور خاص، از عناصر مهمی‌اند که زمینه رسیدن به توسعه پایدار را فراهم می‌سازد. بر همین مبنا پیوستگی و همبستگی جدایی‌ناپذیر، میان توسعه پایدار و تحصیلات عالی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد. مبتنی بر همین همبستگی، اگر به اسناد بین‌المللی ملل متحد از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد مراجعه شود، نقش و مسئولیت تحصیلات عالی در رابطه با توسعه پایدار به شکل عام چنین ملاحظه می‌شود.

۱- پایداری باید در تمام رشته‌های پوهنتونی و الزامات آموزشی تخصصی و تحقیقات اساتید و محصلان دانشگاه مدغم گردد.

۲- توسعه پایدار باید در مأموریت پوهنتونی انعکاس یابد.

۳- پوهنتون باید برای ارتقاء پایداری در جهت خدمت‌رسانی به جامعه محلی و جهانی سهم فعال داشته باشد.

۴- پوهنتون باید در سیستم جذب، ایفای مسئولیت و ارتقای خود، به پایداری متعهد باشد.

۵- پوهنتون در راستای خدمات نهادی و محصلی، پایداری را به صورت مؤکد مدنظر داشته باشد.

۶- پوهنتون باید با آگاهی از آثار محیطی خود به گونه متعهدانه در تولید و مصرف خود روش پایداری را در تمام فعالیت‌های خود شامل سازد.

۷- تأثیر پوهنتون باید بر سیستم‌های محیطی و اجتماعی اطراف، تشخیص و اندازه‌گیری شود (Schek, 2007).

در این راستا، اگر به نقش پوهنتون در توسعه پایدار تأمل شود، پوهنتون‌ها ایده خلق می‌کنند، نگرش ایجاد می‌کنند، چشم‌انداز ترسیم می‌نمایند، طرح می‌دهند، راهکار پیشنهاد می‌کنند و در پرتو دانش و مهارت عملی می‌شوند؛ اما باید توجه داشت تازمانی که ساختار اجرایی در زمینه توسعه پایدار ایجاد نشود و ضمانت اجرایی به وجود نیاید و تا وقتی که اراده صادقانه سیاسی دولت‌ها به وجود نیاید، آب در هاون کوبیدن بیش نخواهد بود؛ بنابراین لازم است تا رویکرد مشارکتی توسعه پایدار بر اساس استراتژی درازمدت، با چشم‌انداز و مأموریت مشخص و با اهداف روشن در دیدگاه استراتژیک

پوهاند دكتور باز محمد فروغ

پوهنتون‌ها ایجاد شود آنگاه پوهنتون‌ها می‌توانند برای به ثمر رسانیدن توسعه پایدار رسالت خویش را ادا نمایند و لازم است این فعالیت‌ها انجام شوند.

تفاوت آموزش و مهارت‌آموزی در توسعه پایدار

کاستلز آموزش و مهارت‌آموزی را از هم جدا می‌پندارد، براین باور است در جوامعی که مهارت‌آموزی را جایگزین آموزش می‌کنند، جوامعی ازهم گسیخته هستند و به دوگانگی اجتماعی دامن می‌زنند. وی در این زمینه می‌نویسد: «بر اساس دیدگاه‌های دیگری که در سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، صندوق بین‌المللی پول و محافل دولتی در بیشتر کشورهای غربی حکمفرماست، روند افزایش بیکاری، اشتغال ناکافی، نابرابری دستمزدها، فقر و قحطی در جامعه، تا حد زیادی ناشی از نامناسب بودن مهارت‌هاست که نبود انعطاف‌پذیری در بازارهای کار، آن را تشدید می‌کند» و نتیجه می‌گیرد که: «به‌موجب چنین دیدگاه‌هایی، درحالی‌که ساختار شغلی - اشتغال از حیث محتوای آموزشی مهارت‌های لازم برای مشاغل اطلاعاتی بهبود یافته است، نیروی کار، توانایی انجام وظایف جدید را ندارند و این ناشی از کیفیت پایین نظام آموزشی یا بی‌کفایتی این نظام در فراهم آوردن توانایی‌های موردنیاز در ساختار شغلی در حال ظهور است (کاستلز، ۱۳۸۴، ص، ۳۲۷، به نقل از جاودانی، ۱۳۹۲، ص، ۶۴).

این موضوع علاوه بر رسالت پوهنتون‌ها برای توسعه پایدار، آموزش توسعه پایدار را کافی نمی‌داند؛ بلکه مهارت‌آموزی را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. واقعیت امر نیز همین است با توجه به مسئله جهانی شدن، گسترش سریع تکنالوژی و انفجار اطلاعات، لازم است که مهارت‌های مرتبط به توسعه پایدار در زمینه‌های گوناگون برای محقق ساختن اهداف توسعه پایدار و دستور کار ۲۰۳۰ ملل متحد مدنظر قرار داده شوند.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر باهدف تحلیل رسالت آموزشی پوهنتون‌ها برای حمایت از توسعه پایدار؛ در پرتو دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد با روش توصیفی - تحلیلی و به‌صورت مروری انجام شده است. مجمع عمومی ملل متحد، با عنوان «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» توسعه پایدار را مورد تصویب قرارداد. این دستورکار که شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف خاص است نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم نموده است آموزش ۲۰۳۰ که هدف چهارم این دستورکار را تشکیل می‌دهد و با عنوان «به‌سوی آموزش و یادگیری

پوهاند دکتور باز محمد فروغ

مادام‌العمر باکیفیت، برابر و فراگیر» تصریح شده است، نقش آموزش را برای موفقیت همه اهداف توسعه پایدار، اساسی می‌داند و از طریق آموزش می‌توان تحقق هریک از اهداف توسعه پایدار را تسریع نمود براین مبنا پوهنتون‌ها ملزم می‌گردد تا به‌عنوان عامل مؤثر در تحقق اهداف دیگر دستور کار نیز در نظر گرفته شود.

هم‌چنین، نتایج این تحقیق حاکی از آن است در رسالت آموزشی پوهنتون‌ها توسعه پایدار باید در مأموریت پوهنتونی انعکاس یابد؛ پایداری در تمام رشته‌های پوهنتونی و الزامات آموزشی تخصصی و تحقیقات اساتید و محصلان پوهنتون مدغم گردد؛ پوهنتون‌ها باید برای ارتقاء پایداری در جهت خدمت‌رسانی به جامعه محلی و جهانی سهم فعال داشته باشد؛ باید در سیستم جذب، ایفای مسئولیت و ارتقای خود، به پایداری متعهد باشد؛ در راستای خدمات نهادی و محصلی، پایداری را به‌صورت مؤکد مدنظر داشته باشد؛ باید با آگاهی از آثار محیطی خود به گونه متعهدانه در تولید و مصرف خود روش پایداری را در تمام فعالیت‌های خود شامل سازد؛ تأثیر پوهنتون باید بر سیستم‌های محیطی و اجتماعی اطراف، تشخیص و اندازه‌گیری شود.

درنهایت، رسالت پوهنتون‌ها این است که برای تحقق توسعه پایدار باید فرهنگ توسعه پایدار ترویج و نهادینه‌سازی شود. برای نائل آمدن به چنین امری لازم است که پوهنتون‌ها پلان‌های لازم و اقدامات عملی را روی دست داشته باشد و ایجاب می‌کند که توسعه پایدار در کریکولم تمام دیپارتمنت‌های دوره لیسانس گنجانیده شود و به‌عنوان یک مضمون مهم موردتوجه قرار گیرد. باید توجه داشت که رسالت پوهنتون‌ها تنها برای آموزش مبتنی بر توسعه پایدار کافی نیست؛ بلکه آموزش مهارت‌های نوین برای تحقق اهداف توسعه پایدار نیز اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد.

پیشنهاده‌ها

۱- ابعاد بنیادی برای توسعه پایدار به‌صورت علمی شناسایی و شامل کریکولم و نصاب تحصیلی پوهنتون‌ها شود و عناوین و سرفصل‌های آن در مطابقت با چشم‌انداز و اهداف ترسیم‌شده موردنظر تدوین گردد.

۲- تفاهم‌نامه همکاری‌های علمی - پژوهشی و آموزشی بین پوهنتون‌ها و صنعت امضاء شود.

۳- فعالیت‌های علمی و تحقیقی اساتید و محصلان پوهنتون‌ها در ارتباط با توسعه پایدار انجام شود.

۴- سیمینارها و کنفرانس‌های علمی بین پوهنتونی میان پوهنتون‌های کشور در مورد توسعه پایدار

پوهاند دكتور باز محمد فروغ

در مقاطع گوناگون و مورد نیاز، برگزار گردد.

۵- پوهنتون ها برای ادای رسالت بین المللی توسعه پایدارشان ملزم گردند.

۶- گروه های حمایت کننده از توسعه پایدار تشکیل و برای تبادل افکار زمینه اشتراک در

جلسات و بازدیدهایشان از صنعت فراهم گردد.

۷- پوهنتون ها آموزش مهارت های توسعه پایدار را نیز نهادینه سازند.

منابع

- آراسته، حمید و امیری، الهام. (۱۳۹۱). نقش دانشگاه در توسعه پایدار. مجله نشاء علم، سال دوم، شماره (۲)، ۲۹-۳۶.
- جاودانی، حمید. (۱۳۹۲). نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه پایدار، از رهگذر تولید سرمایه اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دره ششم، شماره (۱)، ۵۵-۸۰.
- جاودانی، حمید. (۱۳۹۱). نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه پایدار، از رهگذر سرمایه اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، (۱)۶، ۵۵-۸۰.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۴). جهانی شدن و توسعه پایدار، فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، سال چهارم، شماره (۲)، ۶۴-۷۷.
- نادری مهدی، کریم؛ کلانتری، خلیل؛ حسینی، سید محمود؛ اسدی و علی. (۱۳۸۸). تحلیل محتوای میزان مطابقت سیاست های برنامه های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پس از انقلاب با الگوی پایدار. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۳)، ۱-۲۵.
- Ayres, R. U. (1995). Economic growth: politically necessary but not environmentally friendly. *Ecological Economics*, 15(2), 97-99.
- Beatley, T. (2015). Planning for sustainability in European cities: A review of practice in leading cities. *The city reader*, 536-547.
- Barlett, P. F., & Chase, G. W. (Eds.). (2004). *Sustainability on campus: Stories and strategies for change*. Mit Press.
- Bossel, H. (1999). *Indicators for sustainable development: theory, method, applications* (p. 138). Winnipeg: International Institute for Sustainable Development.
- Mebratu, D. (1998). Sustainability and sustainable development: historical and conceptual review. *Environmental impact assessment review*, 18(6), 493-520.
- OECD. (2020). Rural well-being: Geography of opportunities, OECD rural policy reviews paris: OECD publishing.
- Clark, D. (Ed.). (2006). *The Elgar companion to development studies*. Edward Elgar Publishing.
- Savari, M., Eskandari Damaneh, H., & Eskandari Damaneh, H. (2020). Factors influencing local people's participation in sustainable

پوهاند دكتور باز محمد فروغ

forest management. *Arabian Journal of Geosciences*, 13(13), 513.

Schek, S.(2007).” Sustainability in Higher Education” . Doctoral Dissertation, Stony Brook University.

The World Commission on Environment and Development (1987).” Our Common Future”. Oxford University Press: New York.

WCED (World Commission on Environment and Development) (1987). “Our Common Future. Oxford: Oxford University Press. Oxford. New York”.

United Nations Conference on Environment and Development (UNCED)(1992). Agenda 21. Rio de Janeiro. June 3–14.

نقش آب در توسعه پایدار افغانستان

پوهنوال سیف الله ضیایی^{۱*}، پوهنمل عبید الله حمید^۲، پوهنیار غمی آرش^۳

۱. دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: saifullah.ziaee786@gmail.com

چکیده

امروزه نقش آب در توسعه پایدار کشور، امری اجتناب ناپذیر بوده؛ چراکه آب افغانستان و جهان به یک منبع مهم و کم یاب تبدیل شده است. ازدیاد نفوس، استفاده بی رویه از منابع آب (عدم مدیریت خوب)، خشک سالی و عدم توجه به آن در عرصه های مختلف مانند: زراعت، صنعت، تولید برق، نوشیدن و شست و شو، بر اهمیت نقش آب در توسعه کشور افزوده است، هدف این تحقیق شناخت و آگاهی منابع آب در توسعه پایدار افغانستان می باشد. روش تحقیق در زمینه توصیفی – تحلیلی بوده و از کتب، مقالات، قوانین و سایت های معتبر استفاده به عمل آمده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که ۷۰٪ آب های افغانستان، بدون استفاده و منفعت گیری که در توسعه پایدار یک فکتور اساسی است، به خارج از کشور سرازیر می شود که این امر در کاهش توسعه پایدار نقش مهم و اساسی دارد، بنابراین، ایجاب می نماید تا دولت به خاطر توسعه پایدار تلاش نماید تا منابع آبی کشور را مدیریت مناسب نموده و نقش خود را در ن راستای توسعه پایدار ادا نماید.

واژه های کلیده: آب های زیرزمینی، آب های سطحی، حوزه های دریایی، توسعه پایدار، منابع آب.

The role of Water in sustainable development of Afghanistan

Associate professor Saifullah Ziaee^{1*}, Seneor Teaching Assistant Obaidullah Hamid², Teaching Assistant Ghami Arash³

1. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: saifullah.ziaee786@gmail.com

Abstract

Today, the role of water in sustainable development of our country is an unavoidable necessity, as water has become a vital and scarce resource worldwide. Population growth, unregulated and excessive use of water resources (lack of proper management), drought, and insufficient attention to water in various sectors—such as agriculture, industry, electricity generation, drinking, and sanitation—have all heightened the importance of effective water management. The aim of this study is to understand and raise awareness about water resources and their role in sustainable development in our country. This research adopts a descriptive-analytical approach, utilizing books, articles, laws, and credible websites. The findings reveal that 70% of Afghanistan's water resources are unmanaged and flow into neighboring countries without being utilized—despite their crucial role in sustainable development. Only 30% is used for agriculture, electricity production, industrial purposes, and sanitation. Therefore, the government should take serious steps toward managing water resources and playing a key role in their sustainable and effective utilization.

Keywords: Groundwater, Surface water, sea areas, Sustainable Development, Water Resources, Water Rights

مقدمه

امروزه یکی از موضوعات مهم در جهان و به خصوص افغانستان، منبع آب و نقش آن در توسعه پایدار می باشد. افزایش نفوس در شهرها و روستاها، تقاضای مردم به آب آشامیدنی از یک طرف، از جانب دیگر خشک سالی بیش از حد در سال های اخیر و کمبود آب برای کشت و زراعت، مصرف بی رویه آب، رفته رفته به چالش و مشکلات جدی در زمینه توسعه پایدار مبدل شده است. مدیریت ضعیف حکومت های گذشته سبب گردیده که از آب کشور استفاده معقول صورت نگرفته و آب های سرشار افغانستان به کشورهای همسایه سرازیر و مورد بهره برداری آن ها قرار گیرد.

رویه م رفته، دولت افغانستان ناچار برای مهار و مدیریت آب های کشور جهت توسعه پایدار، برنامه های مفید و مؤثر را در بخش های آب آشامیدنی، زراعت و بندهای برق روی دست گرفته؛ از یک طرف مشکلات شهروندان کشور را در عرصه های آب آشامیدنی مرفوع سازد و از سوی دیگر، نیازمندی های زراعت، صنعت، شست و شو و تولید برق نیز تاحد ممکن تأمین نموده، و از وابستگی کشورهای دور و نزدیک، مردم افغانستان را تاحد ممکن بی نیاز سازد. رسیدگی به این همه مشکلات، می تواند، در یک چهارچوب برنامه ریزی سالم و طرح های روشن و زمان بندی شده جامه عمل بپوشد.

بیان مسأله

یکی از عوامل حیاتی برای تمام موجودات به خصوص انسان ها، در جوامع بشری، همانا آب است. بدون آب نمی توان به توسعه پایدار دست یافت. آن چه که امروزه جهان و به خصوص کشور ما افغانستان را به چالش جدی مواجه ساخته، عدم استفاده سالم از آب می باشد. این امر بیش از پیش نقش جدی شهروندان و دست اندرکاران امور را در زمینه می طلبد، تا هر کدام به سهم خود، از استفاده بی رویه آب در عرصه های مختلف مصرفی، تولیدی و صنعتی صرفه جویی نمایند.

مسأله دیگر، افزایش تعداد نفوس در کشور، ساختن شهرک های بی نقشه و خانه های خودسر، خشک سالی های پیاپی در سال های پسین، باعث گردیده که کشور ما به کمبود منابع آب مواجه شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهش و تحقیق در این عرصه، می تواند کمک به سزایی در جهت توسعه پایدار کشور نموده بر اهمیت و ضرورت هر چه بیشتر نگارش مقاله در شرایط کنونی می کند. از طرف دیگر، عدم بهره برداری

پوهنوال سیف الله ضیایی

درست از آب کشور، به خصوص در زمینه تولید برق و صناعی که نیازمند استفاده آب می‌باشد، باعث کندی توسعه پایدار گردیده اهمیت تحقیق در این عرصه را بیش تر می‌سازد.

اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق پیرامون منابع آب و نقش آن در توسعه پایدار افغانستان، آگاهی در موارد ذیل می‌باشد:

- مقدار آب و چگونگی استفاده آن در عرصه‌های صنعت، زراعت، تولید برق و آب آشامیدنی در کشورما افغانستان.
- شناسایی نقش منابع آب در توسعه پایدار افغانستان.
- چالش‌های عدم استفاده مؤثر از منابع آب، در داخل کشور ما افغانستان.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

- آب در زمینه توسعه پایدار کشور ما افغانستان چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

سوالات فرعی

- تاچه حدی منابع آب افغانستان در عرصه‌های مختلف استفاده گردیده و چه مقدار آن بدون استفاده به کشورهای همسایه سرازیر می‌گردد؟
- چه راه حل‌های مناسب و معقول می‌تواند برای سرازیر شدن آب‌های افغانستان به کشورهای همسایه در مناسبات دوجانبه و چندجانبه وجود داشته باشد؟

پیشینه تحقیق

هرچند تحت عنوان نقش آب در توسعه پایدار افغانستان، به صورت مشخص کدام کتاب یا مقاله به چاپ نرسیده؛ اما یک سلسله معلومات مرتبط به موضوع در کتب، مقالات، مصاحبه‌ها و تبصره‌ها به نظر می‌رسد که در تحقیق حاضر از آن‌ها استفاده به عمل آمده که در ذیل به تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

از لحاظ اقتصادی، شیوه‌های مدیریت عاقلانه تولید، و محصولات کشاورزی بیش تر و بهتر است؛ بدون این‌که اساس و پایه‌های منابع طبیعی و خاک را تخریب کند (National Book Foundation، ۲۰۰۵: ۲۰). افغانستان کشور زراعتی است و اکثر مردم آن از لحاظ مصروفیت، معیشت و عاید متکی به محصولات زراعتی (محصولات نباتی و حیوانی) می‌باشد. ساحه زمین‌های

زراعتی آبی افغانستان ۲۶۳.۲ ملیون هکتار و ساحه زمین‌های زراعتی آبی جهانی ۲۵۰ ملیون هکتار راپور داده شده است (ایوبی، ۱۳۹۴: ۲۳۱). از بین عوامل طبیعی، آب و هوا تأثیر ژرف و عمیق خود را در پراکندگی جامعه‌های انسانی، اشغال فضاها و جغرافیایی و نوع زندگی درهمه نواحی سیاره زمین اعمال می‌کند (محمدی، ۱۳۸۵: ۴). ملتی که بتواند روش موفقیت آمیزی را به منظور شیرین کردن آب دریاها و مدیریت منابع آبی جستجو کند از کسانی که در فضا پیشقدم شده اند در آینده بهره‌مندتر خواهد بود (محمد رضا مرتضوی و سید رضا مرتضوی، ۱۳۷۴: ۱۶۲). زندگی و کار و تلاش بسیاری از انسان‌ها بستگی مستقیم به آب و رودخانه‌ها داشته و از ثمرات و مواهب طبیعی آن بهره جسته‌اند و تأمین آب شرب و کشاورزی به عنوان اصلی‌ترین نیاز جوامع حاشیه رودخانه‌ها برای بشر بوده است (رفاهی، ۱۳۸۲: ۵۸۷).

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله بیش‌تر به شکل توصیفی - تحلیلی بوده و جنبه کتاب‌خانه‌ای دارد که از کتب، مقالات، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و سایت‌های اینترنتی استفاده به‌عمل آمده است.

چگونگی استفاده منابع آب افغانستان

در این بحث پیرامون، تعریف آب، منابع آب، اهمیت آب، جایگاه و اهمیت آب در اسلام، ظرفیت منابع آب و چگونگی مصارف آن در افغانستان، عوامل تهدید کننده عدم مدیریت منابع آب کشور، بحث صورت می‌گیرد.

تعریف آب

فرهنگ عمید آب را چنین تعریف نموده:

آب جسمی است مایع، بی طعم و بی بو، مرکب از اکسیژن و هایدروژن. فارمول کیمیائی آن H_2O است. در طبیعت به مقدار زیادی موجود است. و سه ربع زمین را فرا گرفته، درصد درجه حرارت به جوش می‌آید و در درجه صفر منجمد می‌شود. در اصطلاح قدما یکی از چهار عنصر «آب، آتش، باد، خاک» محسوب می‌شود (عمید، ۱۳۶۵: ۱).

منابع آب: آب‌هایی است که در جو، سطح و زیر زمین یا سایر مخازن یا مجاری به صورت دائمی یا موسومی وجود داشته، جاری یا از آن خارج می‌شود. (قانون تنظیم آب ماده سوم شماره ۱

اهمیت آب

آب از تاریخ پیدایش انسان تا به مرگ آن، از جمله ضروریات اولیه انسان می‌باشد. درواقع زندگی انسان در طول حیات آن با آب گره خورده است. «اداره و منجمنت آب سابقه تاریخی طولانی دارد. قدیمی‌ترین سد و بند جهان در مصر اضافه‌تر از ۵۰۰۰ سال سابقه دارد و به منظور آب آشامیدنی، آب آبیاری و احتمالاً کنترل سیلاب‌ها اعمار گردیده است. آبیاری در جهان بیشتر از ۵۰۰۰ سال و در افغانستان اضافه از ۴۵۰۰ سال قدامت تاریخی داشته و زراعت آبی درحال حاضر هم از اهمیت فوق العاده برخوردار است. مملکت ما در قدیم دارای سیستم‌های وسیع آبیاری بود و موجودیت نشانه‌های زراعت قدیم نزدیک به شهر کندهار گزارش داده شده است (ایوبی، ۱۳۹۴: ۲۲۸).

جایگاه آب در اسلام

آب در اسلام از جایگاه عالی برخوردار بوده و از آن به عنوان منبع حیات نام برده است. در زمینه استفاده مناسب و عدم اسراف آب در آیات زیادی تأکید شده است. چنانچه که ما در موارد ذیل مطالعه می‌کنیم:

باران از نشانه‌های خداوند

نزول باران از آسمان از یک‌طرف باعث رویش گیاهان و درختان در زمین می‌گردد؛ ازجانب دیگر انسان را به قدرت بی‌نهایت بزرگ خداوند متوجه می‌سازد که زمین مرده را به سبب آب زنده می‌سازد و در آن انواع گیاهان و درختان میوه دار به قدرت ربوبیت و آفرینش خداوند، در زمین به اشکال مهم می‌روید که نشانه‌های عظمت و بزرگی هرچه بیشتر خداوند آشکار می‌شود، برای کسانی که تعقل می‌کنند. چنانچه که به وضوح در آیات ذیل آمده است: «هو الذی انزل من السماء ماء لکم منه شراب و منه شجر فیه تسمون. ینبت به الزرع و الزيتون و النخیل و الاعناب و من کل الثمرات ان فی ذلک لآیت لقوم یعقلون» (نحل ۱۰-۱۱).

ترجمه: اوست آنکه فرود آورد از آسمان آب را برای شما آشامیدنی ست و از آن آب بیشه‌ی درختان است که در آن می‌چرانید می‌رویانند برای شما به سبب آب زراعت را و زیتون را و درختان خرما و انگور و از هر جنس میوه‌ها هرآینه درین نشانه است گروهی را که تفکر می‌کنند.

آب مبدأ آفرینش

آب در قرآن مایه‌یی حیات گفته شده که زندگی انسان و حیوانات بستگی به آن دارد. «وهوالذی خلق من الماء بشراً». (سوره فرقان آیه ۵۴). ترجمه: و اوست آنکه که آفرید انسان را از آب.

هم‌چنان در قسمت آفرینش سایر موجودات و جانوران، خداوند سبحان می‌فرماید «والله خلق کل دابه من ماء» (سوره نور آیه ۴۵).

ترجمه: خداوند آفرید هر جانوری را از آب.

آب وسیله روزی

انسان برای زنده ماندن خود در روی زمین نیاز به رزق و روزی دارد. بدون آب رزق و روزی آفریده نمی‌شود. چنانچه که در این مورد آیه مبارکه قرآن مجید صراحت دارد: «وانزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقاً لکم» (سوره بقره آیه ۲۲).

ترجمه: و (خداوند) فرود آورد از آسمان آب را، پس بیرون آورد به سبب آن انواع میوه‌ها روزی برای شما.

آب وسیله نظافت و پاکی

آب وسیله نظافت و پاکی برای انسان است. چنانچه خداوند جل جلاله می‌فرماید: «ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین» (سوره بقره آیه ۲۲۲).

ترجمه: هرآینه خداوند جل جلاله دوست دارد توبه‌کنندگان را و دوست دارد پاکیزگان را (عثمانی، ۱۳۷۷: ۲۷۱). دین مقدس اسلام مسلمانان را به پاکی و پاکیزگی دعوت نموده و به پاکی تأکید نموده است. و در حدیث شریف آمده است: «الطهور شطر الایمان» طهارت جزء ایمان است.

ظرفیت منابع آب و چگونگی مصارف آن در افغانستان

آب‌های کشور به دو دسته تقسیم گردیده‌اند: منابع سطحی و تحت الارضی یا زیرزمینی. از جمله منابع سطحی آب، در افغانستان یکی هم برف و دیگری باران می‌باشد. برف در ارتفاعات بیشتر از ۲،۰۰۰ متر ۸۰٪ منابع آبی افغانستان را تشکیل می‌دهد (به استثنای آب‌های زیر زمینی) که از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و در کشور ما منحصراً ذخایر آبی به حساب می‌آید. در مناطق کوهستانی افغانستان مرکزی، در دشت‌های شمال و همه مناطق صحرایی، صحرایی غرب و جنوب غرب کشور، در تابستان قطعاً باران نمی‌بارد (رفیق پور و برکلی، ۲۰۱۹: ۴۲۱).

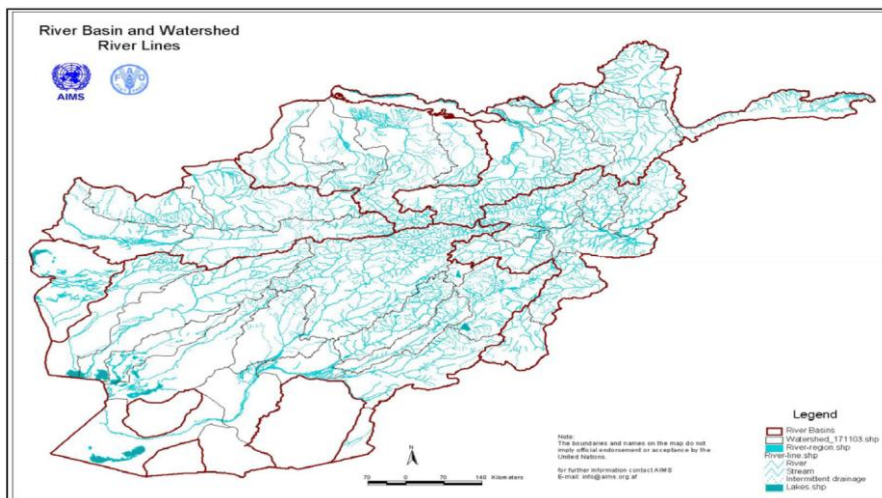
شکل (۱) منابع آب سطحی و تحت الارضی افغانستان و بیلاتس آن.

منابع آب	مجموع (بیلیون مترمکعب)	مقدار مورد استفاده (بیلیون مترمکعب)	مقدار استفاده (فیصد)	مورد بیلاتس (بیلیون مترمکعب)
منابع سطحی آب	۵۷	۱۷	۳۰	۴۰ (٪۷۰)
منابع تحت الارض یا آب	۱۸	۳	۱۷	۱۵ (٪۸۳)
مجموع	۷۵	۲۰	۲۷	۵۵ (٪۷۳)

طوری که در شکل (۱) دیده می شود «در مجموع تنها از ۲۷٪ منابع آبی سطحی و منابع تحت الارضی افغانستان در داخل کشور استفاده می شود و باقی مانده ۷۳٪ بدون استفاده مانده است. اگر منابع آبی مملکت را به طور جداگانه در نظر بگیریم دیده می شود که تنها ۳۰٪ آب های سطحی و ۱۷٪ آب های تحت الارضی استفاده صورت می گیرد و بیشتر از دو برسه حصه (۷۰٪) آب های سطحی بدون استفاده در داخل مملکت، به ممالک خارجی می رود. در حالی که، مملکت ما به قلت آب دچار است و به آب شدیداً ضرورت داریم (ایوبی، ۱۳۹۴: ۲۴۴).

حوزه دریاها و خطوط آن ها در شکل ذیل نشان داده شده است.

شکل ۲: حوزه های دریا ها و خطوط دریا های افغانستان در نقشه



منبع: ایف - ای - او و ایمز

به صورت مجموعي حد اوسط سالانه ذخاير منابع آبي به شكل بارش در حدود ۱۶۵،۰۰۰ ميليون متر مكعب در تمام كشور مي باشد. به صورت مجموعي مقدار سالانه حجم آب هاي سطحي در حدود ۵۷۰۰۰ ميليون متر مكعب است كه تقريباً در حدود ۳۵٪ اين مجموعه است. بادر نظر داشت استفاده تقريباً ۶۵٪ در آينده (در حال حاضر فقط ۳۰٪ مي باشد) حد اوسط موجوديت آب هاي سطحي براي هر نفر تقريباً ۴۸۰،۲ متر مكعب در سال تخمين شده است و در صورت كه كدام مشكل از نگاه شرايط فصلي و توزيع ساحوي رخ ندهد اين مقدار كافي خواهد بود.

تفصيلات حوزه های دریایی افغانستان در جدول و شکل ذیل نشان داده شده است.

شکل ۳: حوزه های دریایی افغانستان:

مقدار ممکنه آب برای هر نفر	نفوس	مساحت		استفاده فعلي		حجم سالانه آب		حوزه دریائی
		فیصدي مجموعي	کیلو متر مربع	فیصدي آب موجود	میلیارد متر مکعب	فیصدي مجموعي	میلیار متر مکعب	
۶۴۷۰	۳،۴	۱۴	۹۱،۵	۲۴	۵،۳	۳۹	۲۲،۰۰	دریای آمو
۱۴۵۷	۲،۱	۱۲	۷۸،۴	۴۲	۱،۳	۵	۳،۰۶	هریرود- مرغاب
۱۳۱۰	۷،۱	۴۱	۲۶۴۹	۵۸	۵،۴	۱۶	۹،۳۰	هلمند
۲۳۳۳	۸،۹	۱۲	۷۷،۷	۲۴	۵،۲	۳۶	۲۰،۷۸	کابل
۵۷۰	۳،۳	۱۱	۷۱،۷	۱۰۰	۱،۸۸	۳	۱،۸۸	شمالي
	۰،۲	۱۰	۶۷،۹					بدون مجرا

منبع: وزارت انرژی و آب

مقدار ظرفیت موجود و مصرف سالانه آب طبق استراتژی انکشاف ملی افغانستان در فاصله سالهای

۱۳۸۳-۱۳۹۱

- آب تجدید شونده سطحی ۴۸ میلیارد متر مکعب و آب های زیرزمینی ۱۸ میلیارد متر مکعب

درسال.

- استفاده از آب های سطحی ۱۹ میلیارد متر مکعب و آب های زیرزمینی ۳ میلیارد متر مکعب در سال
- ظرفیت استفاده سرانه آب ۷۵۰ متر مکعب در سال (حدود ۳۰ فیصد از مجموع آب موجود)
- ظرفیت ذخیره سرانه ۷۰ مترمکعب (ظرفیت مفیده بندهای ذخیره وی)
- ساحه قابل آبیاری ۵,۶ میلیون هکتار
- ساحه تحت آبیاری در سال ۱۳۹۳ - ۲۰۲ میلیون هکتار
- تولید برق آبی در سال ۱۳۹۵ - ۳۱۰ میگاوات
- پوتانسیل تولید برق آبی ۲۳۰۰۰ میگاوات. (استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۱۳۸۷-۱۳۹۱)

ظرفیت تولید برق در افغانستان

افغانستان، از جمله کشورهایی است که ظرفیت بالایی در تولید برق در منطقه و جهان را دارد. این کشور؛ علاوه بر تأمین نیازمندی های داخلی، می تواند از جمله بزرگترین صادر کنندگان برق در جهان باشد. طوری که مطالعه گردیده، این کشور از منابع مختلف دارای ظرفیت های قابل ملاحظه تولید برق بوده در صورتی که آب های این کشور مدیریت سالم شود؛ می تواند به یک ظرفیت بالای تولید کننده برق تبدیل شود که در توسعه پایدار نقش به سزایی دارد، مطالعات نشان می دهد که (از میان ۳۱۰ هزار میگاوات ظرفیت موجود تولید انرژی برق در کشور، بیش از ۲۳ هزار میگاوات از منابع آبی، بیش از ۲۰۰ هزار میگاوات برق از آفتاب و بیش از ۶۸ هزار میگاوات برق از منابع بادی و ۱۹ هزار میگاوات برق از منابع دیگر تولید شده می تواند . با آن که افغانستان ظرفیت تولید ۳۱۰ هزار میگاوات برق از منابع گوناگون را دارد؛ اما ۷۵ درصد انرژی برق مصرفی کشور وارداتی است) (طلوع نیوز ۱۸ جوزا ۱۳۹۵). به گفته رئیس برق افغانستان در همان زمان (نزدیک به ۸۰ درصد برق این کشور از خارج تأمین می شود، تنها ۳۸ درصد مردم افغانستان دسترسی به برق دارند). (خبرگزاری فارس، ۳۱ اسد ۱۴۰۱). به گفته صدای امریکا دری: (کابل پایتخت افغانستان در حال حاضر حدود ۱۴۰۰ میگاوات برق ضرورت دارد. سال گذشته این کشور به ارزش ۲۹۹ میلیون دالر برق وارداتی خریداری کرد. به گفته این منبع واردات برق از سه کشور آسیای میانه و ایران صورت گرفته است) (صدای امریکا، ۱۴ جوزای ۱۴۰۲).

آب برای تولیدات زراعتی و آشامیدنی

چنانچه که در سال‌های اخیر به مشاهده می‌رسد، جمعیت کشورهای آسیایی در حال رشد و افزایش است. هر قدر که تعداد نفوس افزایش پیدا کند؛ میزان مصرف آب در عرصه زراعت و آب آشامیدنی به سرعت بیش‌تر می‌شود. در افغانستان سال‌ها پیش، به طور میانگین مصارف روزانه مردم تا ۱۰ لیتر در روز بوده است. در زمان ظاهر شاه، ریاست آبرسانی برای هر فرد ۲۰-۲۵ لیتر آب سنجیده به همان پیمانه در شهر کابل آب رسانی می‌کرد. با افزایش نفوس و کم سرعت بودن کار دولتی، توازن توزیع تا امروز از میان رفت؛ مردم در هر گوشه و کنار از آب‌های زیر زمینی استفاده اعظمی می‌نمایند. طبیعتاً آب‌های زیر زمینی برای زنده نگهداشتن جانوران زنده، حفظ نباتات و مرطوب نگهداشتن قشر و فضای زمین خلق شده است. مصارف آب یک نفر در کشورهای پیشرفته ۵۰۰ تا ۶۰۰ لیتر رسیده است؛ در حالی که در بیشتر کشورهای آسیایی توزیع آب به طور عادی ۲۰ تا ۲۵ لیتر سنجیده می‌شود. اکنون مصارف آبی یک انسان در همه عرصه‌ها، روزانه ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ لیتر است. حدود ۸۰-۸۵ درصد آب‌های شیرین، در عرصه کشاورزی، ۸ درصد آن غرض آشامیدن به مصرف می‌رسد. در یک کیلو گوشت ۱۵۴۰۰ لیتر آب به مصرف رسیده که ۹۳ درصد این آب در مزرعه به مصرف رسیده است. در یک کیلو گرام نان گندم ۱۶۰۰ لیتر آب به مصرف رسیده از جمله ۷۰ درصد این آب در مزرعه به مصرف می‌رسد. در یک کیلو گرام برنج مصارف آب آن ۲۵۰۰ لیتر است که ۶۹ درصد این آب در مزرعه به مصرف می‌رسد. در یک کیلو لباس پنبه ۱۰،۰۰۰ لیتر آب به مصرف می‌رسد از جمله ۵۴ درصد این آب در مزرعه به مصرف رسیده است. (ویکی پدیا) در مورد نحوه مصرف آب و مدیریت آن در عرصه زراعت، قانون تنظیم آب چنین نگاشته است:

«وزارت آب و برق، به اشتراک وزارت زراعت و اصلاحات ارضی و اداره هایدرو متروپولی به اساس پیش‌بینی جریان آب در حوزه‌های دریایی نرم آبیاری و یا حقا به هر جریب زمین را با رعایت عنعنات محلی با نظر داشت ساحات تحت آبیاری و نوع نبات، عادلانه تثبیت می‌دارد. (ماده ۲۳ قانون استفاده از منابع آبی، شماره پانزدهم ۱۵ عقرب ۱۳۷۰ نمبر مسلسل-۷۵۵). چیزی که امیدواری مردم را در عرصه مدیریت آب بیش‌تر می‌سازد، مدیریت آب در دستور کار مسئولین حکومت افغانستان است. برای مثال کانال قوش‌تپه (کانال قوش تپه یکی از بزرگترین کانال‌های انتقال آب افغانستان و منطقه است که از ولسوالی کلدار در ولایت بلخ شروع شده و آب رود آمو دریا را به طول ۲۸۵ کیلومتر با پهنا و عرض ۱۰۸ متر و عمق ۸/۵ متر تا ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب منتقل خواهد شد.) (ویکی

پوهنوال سیف الله ضیایی

پدیا، دانشنامه آزاد) در صورتی که به همین منوال آب‌های افغانستان مدیریت شود، افغانستان در سال‌های نه‌چندان درور در عرصه‌های زراعت و تولید برق از جمله بزرگترین تولید کنندگان تبدیل می‌شود.

عوامل تهدید کننده عدم مدیریت منابع آب کشور

بیش از چهارده می‌شود که کشور ما، بنا به عوامل گوناگون از قبیل جنگ‌های متمادی، مداخله کشورهای دور و نزدیک اسیب‌های فراوانی در بخش‌های مختلف به شمول مدیریت آب متحمل گردیده است. «باوصف موجودیت منابع سرشار آبی در افغانستان، قسمت عمده مملکت به مشکل قلت آب مواجه است؛ زیرا به طور عموم از منابع آبی کشور استفاده مؤثر صورت نمی‌گیرد و قسمت اعظم آن ضایع گردیده و بدون استفاده مؤثر به ممالک خارج می‌رود. عوامل و اسباب عمده قلت آب به‌خصوص برای اهداف زراعتی در مملکت ما را می‌توان قرار ذیل طبقه بندی نمود:

- عدم اداره درست منابع آبی؛
- عدم موازنه و تعادل بین ساحات جغرافیوی به خصوص زمین‌های زراعتی آبی و جریانات آبی؛
- موسمی بودن بارندگی‌ها و منابع آبی؛
- عدم استفاده مؤثر از آب در وقت انتقال، توزیع و استعمال. (ایوبی، ۱۳۹۴: ۲۴۳) علاوه برآن:
- عدم پالیسی‌ها و پلان‌های مناسب برای تنظیم، نظارت، مدیریت و انکشاف آب‌های کشور؛
- عدم دقت و بی‌پروایی مردم در مصارف آب و سایر ضروریات،
- عدم موجودیت کافی بندها و نه‌رهای آب، برای تولید برق و آبیاری زمین‌های زراعتی،
- مداخله پیدا و پنهان کشورهای همسایه، در امور آب‌ها و سرازیر شدن ۷۰ درصد آب‌های کشور به کشورهای همسایه از سالیان متمادی،
- بی‌میلی و بی‌کفایتی اکثر مسئولین رده بالای تصمیم گیرنده گذشته، در ادارات دولتی افغانستان.

یافته‌ها

آنچه از یافته‌های تحقیق بدست می‌آید چنین فشرده می‌شود:

ظرفیت مجموعی آب‌های سطحی افغانستان در سال، ۴۸ میلیارد متر مکعب و مقدار آب‌های زیر زمینی ۱۸ میلیارد متر مکعب تخمین و برآورد شده است. از جمله ۴۸ میلیارد متر مکعب آب‌های سطحی، تنها ۱۸ میلیارد متر مکعب آب استفاده داخلی می‌شود. از جمله ۱۹ میلیارد متر مکعب آب‌های زیر زمینی، صرف ۳ میلیارد متر مکعب آن سالانه در داخل افغانستان بهره برداری صورت می‌گیرد. ساحات زمین قابل آبیاری ۵,۶ میلیون هکتار زمین می‌باشد که از این جمله تنها ۲,۲ میلیارد هکتار زمین تحت پوشش آبیاری قرار می‌گیرد. مزید بر آن این کانال هرثانیه توانایی انتقال ۶۵۰ متر مکعب آب را دارد که طرح قرار است ۵۵۰ هزار هکتار زمین زراعتی را در طول مسیر آبیاری کند. (همان منبع) این اقدام یکی از گام‌های مهم در راستای شگوفایی و توسعه پایدار کشور ما است.

از جمله ۳۱۰ هزار میگاوالت ظرفیت موجود تولید انرژی برق در کشور، بیش از ۲۳ هزار میگاوالت از منابع آبی، بیش از ۲۰۰ هزار میگاوالت برق از آفتاب و بیش از ۶۸ هزار میگاوالت برق از منابع بادی تولید شده می‌تواند. با آن‌که افغانستان ظرفیت تولید ۳۱۰ هزار میگاوالت برق از منابع گوناگون را دارد؛ اما ۷۵ درصد انرژی برق مصرفی کشور وارداتی است. از جمله ظرفیت تولید برق آبی ۲۳,۰۰۰ میگاوالت در کشور، تنها طبق برآورد سال ۱۳۹۵ فقط ۳۱۰ میگاوالت تولید صورت می‌گرفت.

مناقشه

منابع آب افغانستان، ۳۰ درصد استفاده می‌شود؛ اما با ظرفیت موجود هم‌خوانی ندارد و در واقع ۷۰ درصد آب‌های افغانستان به بیرون از کشور می‌ریزد. از ۲۳,۰۰۰ میگاوالت ظرفیت تولید برق آبی در کشور، تنها حدود ۳۱۰ میگاوالت برق تولید می‌شود که ۳۰ درصد نیاز مندی‌های کشور را پوره نمی‌کند. باوجود آن‌که عواملی از قبیل، موسمی بودن آب‌ها، عدم موازنه و تعادل بین ساحات جغرافیایی به خصوص زمین‌های زراعتی آبی و جریانات آبی، نبود امکانات استفاده از منابع آبی در بخش زراعت و آبیاری، صنعت و ساخت و ساز بندهای برق، مداخله آشکار و پنهان کشورهای همسایه و دیگر عوامل وجود دارند؛ با آن‌هم در صورتی که اراده قاطع، مدیریت سالم و قواعد حقوقی روشن و پالیسی‌های معقول در امر مدیریت منابع آبی کشور از طرف حکومت‌های گذشته افغانستان وجود می‌داشت، چالش‌ها به فرصت تبدیل می‌شد و درصد بالایی از آب‌های کشور در عرصه‌های زراعت، تولید برق، صنعت، آب آشامیدنی و سایر نیازمندی‌ها استفاده مناسب می‌گردید. روی هم رفته طی سال‌های اخیر در افغانستان، شاهد عملی سازی یک‌تعداد پروژه‌های مهم ملی مانند، کانال قوش‌تیپه و سایر پروژه‌ها هستیم.

نتیجه گیری

آنچه که از خلال مطالعه کتب، مقالات، مجلات، مصاحبه‌ها و تبصره‌ها به دست آمده، محقق به این نتیجه رسیده که در قسمت استفاده از آب در راستای توسعه پایدار افغانستان قبلاً، توجه جدی و لازم صورت نگرفته، با آن‌که از اهمیت بسزای برخوردار می‌باشد. لذا با در نظر داشت این‌که استفاده درست از آب، باعث می‌شود که افغانستان در قسمت برق، زراعت، آب آشامیدنی، صنعت خودکفا شود؛ بر علاوه از هدر رفتن آب‌ها جلوگیری به عمل می‌آید. بنابراین دولت افغانستان نیاز دارد که منابع آبی کشور را به شکل منظم استفاده نموده؛ تا از یک طرف بسیاری از مشکلات که در عرصه‌های برق، صنعت، آب آشامیدنی و زراعت مرفوع و از سوی دیگر جلوگیری گرفته شده و مردم مجبور به ترک وطن و راهی کشورهای دیگر نشوند و از سوی دیگر افغانستان به سمت توسعه پایدار و خود کفایی گام برمی‌دارد.

پیشنهادات

تحقیق حاضر نشان داد که بیش از ۷۰ درصد آب‌های افغانستان به خارج از کشور سرازیر می‌شود، بنابراین، جهت رسیدن به توسعه پایدار، موارد ذیل به توجه دولت و حکومت افغانستان رسانیده می‌شود:

۱. افغانستان دارای ظرفیت تولید ۳۱۰ هزار میگاوات برق از منابع مختلف تولید برق را دارد، برای این‌که از آب‌های کشور استفاده معقول شود بندهای برق را جهت تولید برق در اولویت برنامه ریزی ساخت و ساز قرار دهند تا از ظرفیت ۲۳،۰۰۰ میگاوات آبی در داخل کشور استفاده گردد.
۲. طبق برآورد آمار فوق ۷۰ درصد آب‌های افغانستان به خارج از کشور سرازیر می‌شود، برای اعمار نه‌های زراعتی شبیه به قوش تپه در سایر نقاط کشور نه‌های آب کشیده شود.
۳. آب‌های افغانستان، که به خارج کشور سرازیر می‌شود؛ طی توافقات دوجانبه در بدل نفت و گاز و یا امتیازات دیگر، با کشورهای همسایه معامله صورت بگیرد.

منابع

.قرآن کریم

- . استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۱۳۸۷-۱۳۹۱)
- . ایوبی، عبدالغنی. (۱۳۹۴). حفاظت آب و خاک، چاپ ۱. کابل: انتشارات عازم.
- . عثمانی، محمد شفیع. (۱۳۸۸). تفسیر معارف القرآن، مترجم: محمدیوسف حسین پور، چاپ ۶، تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام.
- . عمید. (۱۳۶۵). فرهنگ عمید جلد ۱، چاپ ۲، تهران: چاپخانه سپهر.
- . قانون استفاده از منابع آب، شماره پانزدهم ۱۵ عقرب ۱۳۷۰ نمبر مسلسل - ۷۵۵).
- . قانون تنظیم آب
- . محمدی، حسین. (۱۳۸۶). آب و هواشناسی کاربردی. چاپ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه.
- . محمدداود، رفیق پور. (۲۰۱۹). اکولوژی زون‌های اقلیمی و پوشش گیاهی کره زمین. چاپ ۱، مکنیهم آلمان: انتشارات DCM.
- . خبرگزاری فارس، ۳۱ اسد ۱۴۰۱)
- . (صدای امریکا، ۱۴ جوزای ۱۴۰۲).
- . طلوع نیوز ۱۸ جوزا / ۱۳۹۵).
- . ویکی پدیا، دانشنامه آزاد. وزارت انرژی و آب. (۱۹۹۵). نقشه آب‌های افغانستان.

امنیت آبی و نقش آن در توسعه پایدار از دیدگاه اسلام

پوهنوال سیدخلیل کوهی^{۱*}، پوهنمل علی الهادی هدایتی^۲، پوهنمل محمدصدیق صدیقی^۳

۲.۱. دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون بامیان

۳. دیپارتمنت انگلیسی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون پنجشیر

* نویسنده مسئول- ایمیل: kohi_khalil23@bu.edu.af.

چکیده

امنیت آبی یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند برای انسان‌ها است. امنیت آبی باعث ایجاد قدرت، مکت و توسعه در زمین شده، زمینه را برای رفاه و ترقی جوامع انسانی فراهم کرده است. قرآن کریم در آیات مختلف از امنیت آبی و ارتباط آن با توسعه جوامع بشری صحبت کرده است. آیات مختلفی از قرآن از جمله ششم سوره انعام، پنجاه و دوم سوره هود، پانزدهم و شانزدهم سوره سبا و دیگر آیات ارتباط امنیت آبی و رفاه توسعه جوامع بشری را بیان داشته است. نمونه واضح ارتباط مستقیم میان امنیت آبی و توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع بشری داستان مردم سبا است که در قرآن آمده است. آیاتی از سوره انعام، هود و بقره نزول باران از آسمان به صورت پیوسته را شکلی از اشکال امنیت آبی است در مکت و قدرت انسان‌ها در زمین مؤثر می‌داند. ارتباط میان امنیت آبی و توسعه در قرآن کریم پیوسته و ناگسستنی است. یکی از راه‌های رسیدن به امنیت آبی بهینه‌سازی مصرف آب است. پیامبرگرامی اسلام در احادیثی به صرفه جویی در مصرف آب، حفاظت منابع آبی از آلاینده‌ها، عدالت در توزیع آب و دیگر موارد ضروری صحبت کرده است. آموزش فرهنگ صرفه‌جویی در مصرف آب و استفاده از فناوری‌ها برای صرفه‌جویی در مصرف آب از دیگر موارد تضمین امنیت آبی و استفاده درست از منابع آبی است. این تحقیق به هدف بررسی دیدگاه اسلام پیرامون امنیت آبی و نقش امنیت آبی در توسعه جوامع بشری به نگارش درآمده و در نگارش آن از روش کیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای دست‌اول کار گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: آب، اسلام، امنیت آبی، توسعه پایدار، صرفه‌جویی.

Water security and its role in sustainable development from the perspective of Islam

Associate Professor Sayed Khalil Kohi^{1*}, *, Seneor Teaching Assistant Ali al - Hadi Hedayati², Seneor Teaching Assistant Mohammad Sadiq Sedighi³

1.2. Department of Islamic education, Faculty of sharia, Bamyar University

3. Department of English, Faculty of education, Panjsher University

* Corresponding Author Email: kohi_khalil23@bu.edu.af.

Abstract

Blue security is one of the great blessings of God for humans. Water security has created power, mastery and development on the ground, providing the basis for the prosperity and prosperity of human societies. The Holy Qur'an has spoken of water security and its relation to the development of human societies. Various verses of the Qur'an, including the sixth of Surat al -Anam, the fifty -two of Surah Hood, the fifteenth and sixteenth of Surat al -Saba, and other verses of the relationship between water security and the welfare of human societies. The clear example of the direct relationship between water security and economic and economic development in human societies is the story of the people of Saba. The verses of Surat al -Anam, Hood and Baqarah are constantly a form of water security forms of water in the earth and the power of human beings in the earth. The connection between water security and development in the Holy Quran is continuous and inextricable. One way to achieve water security is to optimize water consumption. The Holy Prophet of Islam has spoken in hadiths in water consumption, the protection of water resources from pollutants, justice in water distribution and other essentials. Teaching a culture of water saving and using technologies to save water are other things to ensure water security and proper use of water resources. The study aims to investigate Islam's view of water security and the role of water security in the development of human societies, and has been used in the quality of the quality of the library resources.

Keywords: water, Islam, water security, sustainable development, savings.

مقدمه

آب به عنوان یکی از اساسی ترین نیازهای بشر، نقشی حیاتی در زندگی انسان‌ها و توسعه جوامع بشری دارد. با این حال، افزایش تقاضا برای آب و کاهش منابع آبی موجود، امنیت آبی را به یکی از مهم ترین چالش‌های قرن بیست و یکم تبدیل کرده است. در این میان، آموزه‌های اسلامی به عنوان منبعی الهام بخش، می‌توانند راهنمایی ارزشمند برای مدیریت منابع آبی و بهینه‌سازی مصرف آن ارائه دهند. در این مقاله، تلاش شده است تا با بررسی متون اسلامی و بهره‌گیری از اصول علمی تحقیقی، ارتباط میان بهینه‌سازی مصرف آب، امنیت آبی و توسعه قدرت سیاسی و اقتصادی یک ملت بررسی شود. منظور از امنیت آبی حفاظت از منابع آب موجود، استفاده بهینه از آن، نگهداری از آلوده شدن آب با آلاینده‌های مضر به صحت انسان، کاهش مصرف به علاوه جستجوی منابع جدید آبی و کشف فناوری‌های جدید، جایگزین استفاده از آب‌های غیرقابل استفاده برای متعادل کردن منابع آبی موجود و افزایش تقاضا برای آن است (الدلیمی، ۲۰۲۰).

حفاظت از منابع آبی مسئولیت دولت است که باید آن را در نظر بگیرد، همچنان که استفاده بهینه از آن و جلوگیری از مصرف زیاد به عهده هر فردی جهت تضمین ماندگاری آب که اساس ماندگاری زندگی است؛ گذاشته شده است. این مسئولیت را اسلام بیشتر از چهارده قرن قبل بیان کرده است. در حدیثی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) آمده است که «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مَرَّ بِسَعْدٍ، وَهُوَ يَتَوَضَّأُ، فَقَالَ: «مَا هَذَا السَّرَفُ؟» فَقَالَ: أَفِي الْوُضْوءِ إِسْرَافٌ؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَإِنْ كُنْتُ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ» (ابن ماجه، ۱۴۳۰). اگر بر رودخانه‌ای هم قرار داری در آب اسراف نکن. اگر به این حدیث نبوی تفکر شود مسئولیت‌های دولت و افراد هر کدام در حیطه صلاحیت‌های خودش مشخص می‌شود.

از طرف دیگر امنیت آبی که یکی از طریقه‌های به دست آوردن آن بهینه‌سازی مصرف آب است ارتباط مستقیم با افزایش قدرت یک ملت و کشور و توسعه همان ملت دارد. قرآن کریم در آیات پانزدهم الی نوزدهم سوره سبأ به قدرت، ثروت و مکنث که مردم سبا داشتند اشاره داشته و اساس توسعه آن مردم را امنیت آبی و وجود سدهای مارب بیان می‌دارد.

تحقیق حاضر باهدف بررسی امنیت آبی و نقش آن در توسعه قدرت و مکنث از دیدگاه قرآن به نگارش گرفته شده و به این سؤال‌ها که آیا در اسلام به امنیت آبی اشاره شده است؟ آیا امنیت آبی در توسعه یک ملت نقش دارد؟ جواب ارائه کرده است.

تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت کیفی و از لحاظ هدف بنیادی است. نگارش یادشده به صورت تحلیلی، استدلالی توصیفی با استفاده از منابع دست اول کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است. در این روش اولاً مطالب از لابه‌لای منابع مختلف به صورت فیش برداری جمع‌آوری گردیده، سپس دسته‌بندی، تحلیل، تجزیه و بررسی گردیده و به صورت یک واحد نوشتاری با همدیگر تألیف شده است.

این تحقیق امنیت آبی را از دیدگاه اسلام مورد بحث قرار می‌دهد بنابراین شامل بررسی امنیت آبی از دیدگاه هیدرولوژی نیست. در ضمن بهینه‌سازی مصرف آب از دیدگاه اسلام در این تحقیق مطرح شده است، بنابراین در قسمت بهینه‌سازی مصرف آب از دیدگاه علمی مطالبی را ارائه نخواهد کرد.

پیشینه تحقیق

تاجای که نویسنده بررسی کرده است کنفرانسی تحت عنوان اهمیت و جایگاه آب در آکادمی علوم افغانستان در سال ۱۴۰۱ برگزار و در آن مقالاتی در رابطه به موضوعات مختلف از جمله اهمیت آب از نظر اسلام به نگارش درآمده است. به علاوه؛ کنفرانس دیگری تحت عنوان آب در پوهنتون پلتنخینگ کابل به تاریخ ۶-۸ حوت سال ۱۴۰۳ برگزار شد که در آن مقالات مختلف از دیدگاه علمی و دینی در رابطه به موضوع آب ارائه گردید، نگارنده نیز در جمع ارائه‌کنندگان مقاله حضور داشته است. مقاله حاضر با همه موارد که در فوق ذکر شد تفاوت دارد. این مقاله به بحث امنیت آبی از دیدگاه اسلام پرداخته است که قبلاً در هیچ‌یک از این مقالات به بحث و بررسی گرفته نشده است، هرچند در بخش بهینه‌سازی مصرف آب از دیدگاه اسلام مطالبی در مقالات ارائه شده در هردو کنفرانس یافت می‌شود که ارتباط نزدیکی با نتایج مقاله حاضر ندارد.

چارچوب نظری مقاله

الف- امنیت آبی: امنیت آبی به معنای دسترسی پایدار به مقدار کافی آب با کیفیت مناسب برای تأمین نیازهای انسانی، اقتصادی و زیست محیطی است. این مفهوم نه تنها شامل تأمین آب شرب، بلکه مدیریت پایدار منابع آبی برای کشاورزی، صنعت و حفظ اکوسیستم‌ها را نیز در برمی‌گیرد. اهمیت امنیت آبی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم بحران آب می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی نظیر فقر، بیماری‌های ناشی از کمبود آب سالم و حتی منازعات بین‌المللی شود (United Nations, 2023).

پوهنوال سید خلیل کوهی

امنیت آبی و آب اهمیت ویژه‌ای در زندگی همه انسان‌ها، خصوصاً مسلمانان دارد، زیرا به‌علاوه سایر ضروریات، برخی عبادات همانند وضو و غسل بدون آب امکان‌پذیر نیست.

ب- بهینه‌سازی مصرف آب: بهینه‌سازی مصرف آب به معنای استفاده مؤثر، کارآمد و پایدار از منابع آبی است به‌گونه‌ای که نیازهای فعلی برآورده شود بدون اینکه منابع برای نسل‌های آینده به خطر بیفتد. این مفهوم شامل کاهش هدر رفت آب، استفاده از فناوری‌های نوین در مدیریت منابع آبی و تغییر الگوهای مصرف برای صرفه‌جویی در آب است (اسمیت و جانسون، ۲۰۱۵).

ج- توسعه پایدار: توسعه پایدار به معنای توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازد بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهایشان را به خطر بیندازد. این مفهوم بر سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تمرکز دارد و هدف آن ایجاد تعادل میان این ابعاد برای دستیابی به توسعه‌ای پایدار و ماندگار است (هاکر، ۲۰۰۸).

دیدگاه اسلام درباره آب

اسلام به‌عنوان دینی جامع و الهی، نگاه ویژه‌ای به موضوع آب دارد. در قرآن کریم، آب به‌عنوان منبع حیات معرفی شده است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (قرآن کریم، الانبیا: ۳۰). این آیه نشان‌دهنده اهمیت آب در نظام خلقت است. همچنین در احادیث پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وسلم) توصیه‌های فراوانی درباره صرفه‌جویی در مصرف آب و حفاظت از منابع آن آمده است.

امنیت آبی از دیدگاه اسلام

امنیت آبی در آیه‌های متعددی از قرآن آمده که بیانگر اهمیت آن است؛ در این نگارش به یک نمونه از آن‌ها بسنده می‌شود. قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ» (قرآن کریم، المومنون: ۱۸). از آسمان آبی به‌اندازه نازل کردیم و آن را در زمین جای دادیم، بدون شک به از بین بردن آن کاملاً توانمندیم.

این آیه دلیل بر اهمیت این عنصر مهم است که خداوند آن را سبب استمرار حیات قرار داده است. خداوند آب را مستقر و ساکن زمین ساخته است تا زندگی را به همه شکل‌هایش تأمین کند؛ یعنی اگر آب در زمین مستقر نمی‌شد امکان زندگی در زمین وجود نمی‌داشت. به‌علاوه اگر زمین طوری ساخته می‌شد که همه آب را جذب کند و یا طوری که هیچ آب را جذب نکند، زندگی برای انسان‌ها و دیگر جانداران مقدور نمی‌بود. پس استقرار آب در زمین باعث حیات زنده جان‌ها است.

تمکین در زمین یکی از ثمرات امنیت آبی

مفهوم امنیت آبی در قرآن کریم به صیغه تمکین در زمین آمده است. خداوند متعال می‌فرماید «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» (قرآن کریم، الانعام: ۶). آیا ندیدند پیش از آن‌ها چه نسل‌ها را نابود کردیم، درحالی‌که به آن‌ها امکاناتی در زمین داده بودیم که در اختیار شما نگذاشته‌ایم. باران‌های پی‌درپی برای آن‌ها فرستادیم و نهرهای در زمین برای ایشان جاری ساختیم و سپس به خاطر گناهان‌شان آن‌ها را نابود کردیم و بعد از آن‌ها نسل‌های دیگری را به وجود آوردیم.

آیا با عقل، بصیرت و تأمل در حرکت تاریخ بشری بینشی را که شامل تحقق اعمال قلب، عقل و وجدان و مسافرت است در ارتباط کشورها و امپراتوری‌ها که تاریخ شاهد آن است ندیده‌ایم؛ قرآن کریم از این موارد به قرون تعبیر کرده و سرنوشت همه آن‌ها را مقدرات الهی می‌داند «الم یرو کم اهلکنا من قبلهم من قرن».

خطاب متوجه اهل مکه است، آیه با استفهام تقریری آغاز شده است. آیا بسیاری قرون را نمی‌دانید که دست انتقام آن را در برگرفت؛ این خطاب برای انداز همه ملت‌ها و مردم است و به‌مرور زمان الی قیام قیامت دوام دارد. طبق مدلول این خطاب تا زمانی که گناه جریان دارد، هلاکت نیز دوام دارد، اگر اهل قریه‌ها درباره این آیات تفکر کنند، این نصیحت و اندرز برای آن‌ها کفایت می‌کند. آیا به اقوام گذشته ننگریستید که در وقت و زمانش با نعمت و آسایش زندگی می‌کردند. نعمات آسمانی الهی رمز قدرت و نیروی آن‌ها بر زمین بود، خداوند از آسمان برای آن‌ها روزی می‌فرستاد، آسمان بر آن‌ها باران می‌فرستاد و هر وادی به‌اندازه ضرورت از آن استفاده می‌کرد، خداوند چشمه‌های را در زمین ایجاد کرد؛ حتی آن‌ها فکر می‌کردند که خداوند همیشه به آن‌ها عطا می‌کند، نمی‌دانستند که خداوند می‌بخشد و می‌گیرد؛ وای بر کسی که قانون الهی را در مورد بخشش درک نکرده است، خداوند آن‌ها را به علت گناهانشان نابود کرد و قوم دیگری را پس از آن‌ها مکتد داد. دیدن بصری و به‌اندازه توان است؛ آیا آثار ملت‌های گذشته همانند قوم نوح، عاد، ثمود را ندیده‌اید؛ آثارشان تا هنوز باقی است. برای شما از طریق سکونت گاه‌های شان بیان می‌کنیم که با آن‌ها چه‌کار کردیم (ابن عاشور، ۱۹۷۲).

منظور از قرن امتی که پس از امت دیگر می آید (ابن منظور، بی تا)؛ اهل هرزمانی قرن است (جوهری، ۱۳۵۰). معروف این است که مدت صدسال زمان یک قرن حساب می شود؛ هرچند غیر این نیز گفته شده است.

فرموده خداوند در آیه ششم سوره انعام، «مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ» سخن درباره ملت های که ظلم و یا گناه کردند و به هلاک و دمار مواجه شدند دوام دار است. پس از این که خداوند اسباب بقا و استقلال آن ها در زمین را به علاوه تمکین و آزادی تصرف؛ طوری که به مردم مکه نداده بود عطا کرد؛ اموال و اولاد آن ها در مقال عذاب خداوند کاری از پیش نبردند. در عبارت قرآنی فوق ایجاز شدید است. از طریق آن ایجاز مقایسه کامل اصناف تمکین جهت نشان دادن برتری زیاد آن قرن ها بر اهل مکه و سایرین را بیان می کند.

برای نشان دادن بزرگی قانون هلاک سازی ملت ها و تمدن ها از فن التفات برای گذاشتن نقاط بالای حرف ها و برجسته ساختن نعمت توانمندسازی در زمین؛ آنچه را که خداوند به اقوام گذشته عطا کرده بود، کار گرفته است. خداوند می فرماید (مالم نمکن لکم) به جهت فوق تصور بودن نعمت ها خطاب را از غایب به ضمیر خطاب هنگام مواجه به علت ضعف حال بیانیه ای در مورد دو گروه و برای رفع اشتباه از مراجع هردو ضمیر و سیاق آورده است مالم نمکن لهم (الصافی، ۱۴۱۰).

جمله مکناهم صفت قرن آمده و دلالت بر جمع آنچه ذکر شد می کند؛ تقدیر آن اهل قرن یا اینکه در ضمیر معنای قرن که دلالت بر جمع می کند، بوده باشد. کسی که در مکانی تصرف می کند به آن تمکین، تثبیت، تقویت و استقلال به امر گویند. این اصطلاح به حدی استعمال شده است تا اینکه همانند حقیقت شده است (ابن عاشور، ۱۹۷۲).

(مالم نمکن لکم) گفته شده است نه (مالم نمکنکم) یا (و مکنالهم ما لم نمکن لکم) این مقتضای مطابقت است. به این دلیل که او را در زمین یا در چیزی توانمند کرد؛ او را قادر ساخت تا در آن کاملاً مستقل عمل کند (ابن منظور، بی تا).

در آیه اثبات و نفی میان هردو فعل است. شاید بلاغت آن در نشان دادن شکاف گسترده میان توانمندسازی مردمان فوق الذکر باشد، تمکن آنان نسبت به تمکن اهل مکه فوق تصور بود. همان طور که کلمات طباق منفی هنگامی که بر کاربردها و وجه ترکیب آن ها مثل اینکه بالاتر از زبان است آشکار می شود؛ این چیزی است که در آیه ملاحظه می شود (الدلیمی، ۲۰۲۰).

فرموده خداوند «وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا» (قرآن کریم، الانعام، ۶).

هیچ زندگی درروی زمین مهم‌تر از زندگی انسان نیست. بشر خلیفه خدا درروی زمین است «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (قرآن کریم، البقره: ۳۰) زمانی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی قرار می‌دهم. این اوج افتخار تکریم و برتری است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (قرآن کریم، الاسراء: ۷۰). ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا سیرشان دادیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان کردیم و بر بسیاری از آفریده‌های خویش آنان را برتری کامل دادیم. تغییر و تجدد در زندگی انسان از زمان که آدم به حیث وارث زمین و آنچه در آن است فرستاده شد دوام دارد. زندگی با تمام جزئیاتش مقدر شده است که در اطراف آب بچرخد. فرزندان آدم و همه موجودات به این مخلوق عجیب خداوند نیازمند هستند.

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (قرآن کریم، الانبیاء: ۳۰) هر چیزی را از آب زنده نگهداشتیم. به این جهت آب سبب اصلی قدرتمند شدن در این دنیا و مدعی ایجاد تمدن‌ها و تثبیت ارکان آن‌ها است. وجود و قدرت تمدن‌ها مرتبط به وجود آب و نبود آن‌ها به نبود آب وابسته است؛ تاجای که تمدن‌ها و ملت‌ها را به نام رودخانه‌ها و وادی‌ها نام‌گذاری کرده‌اند؛ مثلاً تمدن بین‌النهرین و تمدن نیل و غیره.

یکی از روش‌های ایجاد امنیت آبی بهینه‌سازی و استفاده درست و مناسب از آب است. ملتی که از آب‌های دست‌داشته‌شان به گونه درست استفاده می‌نمایند و این ثروت خدادادی را ضایع نمی‌کنند می‌توانند به امنیت آبی برسند. در ذیل به روش‌های مختلف بهینه‌سازی مصرف آب از دیدگاه اسلام که یکی از روش‌های رسیدن به امنیت آبی است، اشاره شده است.

راه‌های بهینه‌سازی مصرف آب از دیدگاه اسلام

در اسلام، بهینه‌سازی مصرف آب، به‌عنوان یکی از نعمت‌های الهی همواره مورد تأکید قرار گرفته است. آموزه‌های اسلامی بر استفاده صحیح از آب و سایر منابع طبیعی تأکید دارند و اسراف در مصرف آن را ناپسند می‌دانند. در احادیث و روایات آمده است که حتی در هنگام وضو گرفتن که عملی عبادی است، نباید در مصرف آب زیاده‌روی کرد. این اصول نشان‌دهنده اهمیت حفظ منابع آب و استفاده مسئولانه از آن در زندگی روزمره است. در ذیل به نمونه‌های رهنمودی اسلام درباره بهینه‌سازی مصرف آب اشاره می‌شود:

الف- صرفه جویی در مصرف آب

یکی از اصول اساسی در آموزه‌های اسلامی، پرهیز از اسراف است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (قرآن کریم، الاسراء: ۲۷). این اصل در زمینه مصرف آب نیز صدق می‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) حتی هنگام وضو گرفتن که یک عمل عبادی است، توصیه به صرفه جویی کرده‌اند و فرموده‌اند: «وضو را با کمترین مقدار آب انجام دهید، حتی اگر کنار یک نهر جاری باشید» (ابن ماجه، ۱۴۳۰).

به علاوه خود آن بزرگوار نیز در مصرف آب حتی در انجام عبادت بی نهایت صرفه جویی می نمودند چنانچه از حضرت ایشان روایت شده است که با یک مد آب وضو می گرفت و با یک صاع آب غسل می نمود عَنْ عَائِشَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «كَانَ يَتَوَضَّأُ بِمُدٍّ وَيَغْتَسِلُ بِنَحْوِ الصَّاعِ» (النسائی، ۱۴۰۶).

ب- حفاظت از منابع آبی

اسلام تأکید فراوانی بر حفاظت از منابع طبیعی دارد. طبق آموزه‌های اسلامی، طبیعت امانتی الهی در دست انسان است و هرگونه آسیب رساندن به آن گناه محسوب می‌شود. چنانچه آیه کریمه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (قرآن کریم، البقره: ۱۹۵) به دست خود، خودتان را به هلاکت نیفکنید؛ به صورت ضمنی شامل این مورد نیز می‌شود. یکی از موارد حفاظت منابع آبی آلوده نکرده آب است. به این لحاظ نبی کریم در حدیثی مردم را از آلوده کردن آن بر حذر داشته و فرموده است «لَا يَبُولَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْمَاءِ الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَجْرِي» (البخاری، ۱۴۲۲). هیچ یک از شما آب ایستاده ادرار نکند.

موارد فوق حفاظت از منابع آبی را در مقابل آلودگی‌های مختلف بیان می‌دارد، منابعی که زندگی بشر به آن وابسته است و حتی نمی‌تواند لحظه‌ای بدون آن زندگی کند. در آن زمان اگر می‌توانست تنها فضولات انسانی آلوده کننده باشد، در عصر حاضر زباله‌ها یکی از مهم‌ترین آلاینده‌های آب‌ها در جهان است (مؤمنی مهموئی و دیگران، ۱۴۰۳).

ج- عدالت در توزیع آب

یکی دیگر از اصول اسلامی که می‌تواند در مدیریت منابع آبی مفید باشد، اصل عدالت است. اسلام تأکید دارد که منابع طبیعی باید به صورت عادلانه بین همه انسان‌ها تقسیم شود. این اصل می‌تواند راهگشای حل بسیاری از مشکلات مربوط به توزیع نابرابر منابع آبی باشد. عدالت در توزیع آب یکی از مفاهیم بنیادین در اسلام است که با توجه به منابع اسلامی، به ویژه و سنت پیامبر (ص)، مورد تأکید

پوهنوال سید خلیل کوهی

قرار گرفته است. پیامبر گرامی اسلام در روایتی مردم را در آب دارای سهم عادلانه می‌داند. ایشان فرمودند: «المسلمون شركاء في ثلاث: في الكلاء، والماء، والنار» (ابو داود، ۱۴۳۰). مسلمانان در سه چیز شریک هستند: آب، چراگاه و آتش. این حدیث نشان می‌دهد که منابع عمومی مانند آب نباید به انحصار افراد یا گروه خاصی درآید و باید به صورت عادلانه میان مردم تقسیم شود.

ج- آموزش و فرهنگ‌سازی

اسلام همواره بر اهمیت آموزش و آگاهی‌بخشی تأکید داشته است. در زمینه مصرف آب نیز فرهنگ‌سازی نقش مهمی در کاهش هدر رفت منابع دارد. آموزش اصول اسلامی مرتبط با صرفه‌جویی و حفاظت از منابع طبیعی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتار افراد داشته باشد. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام آمده است «المُسلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ» (البخاری، ۱۴۲۲) مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان هستند. اسراف بی‌جای آب می‌تواند زمینه زندگی را برای آیندگان تنگ ساخته و در این بخش امنیت و مصونیت آنان را به خطر می‌اندازد.

د- توسعه فناوری‌های پایدار

هرچند آموزه‌های اسلامی بیشتر بر اصول اخلاقی و رفتاری تأکید دارند، اما این اصول می‌توانند الهام‌بخش توسعه فناوری‌های پایدار در حوزه مدیریت منابع آبی باشند. برای مثال، استفاده از فناوری‌های نوین برای تصفیه و بازیافت آب می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق امنیت آبی باشد (فضل‌اولی و دیگران، ۱۴۰۳).

ارتباط میان امنیت آبی، توانمندی و توسعه پایدار

در آیه ششم سوره انعام که در فوق به آن اشاره شد وابستگی واضح میان نزول آب از آسمان، توانمند شدن در زمین و توسعه وجود دارد. بهره‌وری با اسباب قدرت از زمین و ارسال باران در زمین، از بزرگ‌ترین اسباب توانمند شدن در زمین است. بکار گرفتن کلمه ارسلا؛ دلیل عالی بر تصور نزول آب از آسمان به دفعات، شبیه نامه‌ای بشارت انسانی است که از یک دوست برای شاداب کردن قلب گیرنده، درحالی‌که از انتظار او لذت می‌برد و سپس به او می‌رسد تا در رأس سعادت قرار گیرد. او کلمات زیبایی را از فرستنده دوست و از آسمان از باران دریافت می‌کند (شجاعی، ۱۴۰۳). در (وانزلنا من السماء ماء). کلمه سماء مجازاً به باران اطلاق شده است، چون از آسمان نازل می‌شود. در قرار دادن باران به جای آسمان مبالغه در برانگیختن احساسات و علاقه به آن پس از نیاز شدید است (عبدالله محمد، ۱۴۱۸)؛ یعنی باران پی‌درپی در زمان ضرورت می‌فرستد؛ و آیه «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا»

قرآن کریم، هود: ۵۲). تا آسمان باران را پی در پی برایتان نازل کند. ارسال برای رسیدن و اعطای وعده به شما اشعار به این که رسیدن از بالا است (عبدالله محمد، ۱۴۱۸).

این کلمه به این جهت آمده است که نشان دهد همه آسمان برای خدمت به زمین مسخر شده است، وقتی امر خدا بیاید از سر اطاعت با خضوع آنچه را که خداوند امر کرده است انجام می دهد. آسمان با باران زمین را دُر باران می کند، زمانی که باران آن زیاد باشد. آسمان مدرار و ابر مدرار؛ مدرار صیغه مبالغه از برگرداندن ناقه و برگرداندن پستان شتر وقتی که اجازه دوشیدن دهد، گرفته شده است. وصف باران به مدرار مجاز عقلی و مدرار ابر است (ابن عاشور، ۱۹۷۲).

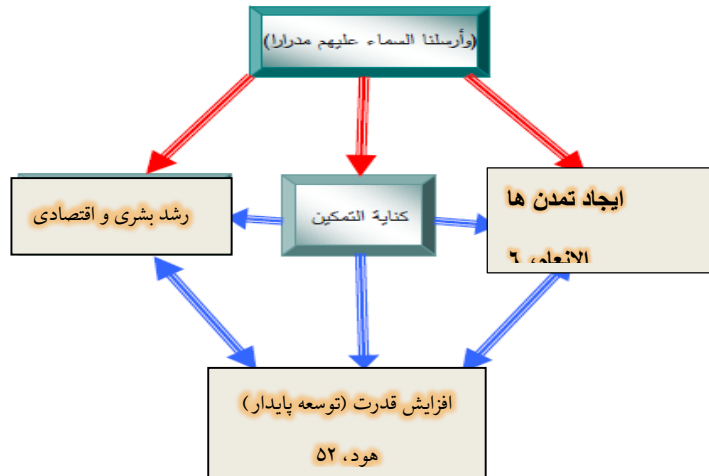
کلمه مدرار از هماهنگی موسیقی منسجم باسلیقه شنیداری از یک سو و الزامات سیاق از سوی دیگر برای تأیید نشانه علمی که در نهایت اهمیت است و این تصویر نشان علمی عالی را به جا می گذارد. از طریق آن دوره های آبیاری و پیاپی بودن آن بیان می شود. حروف کلمات به صورت پی در پی تکرار شده و بیانگر دوره آبیاری حاصل از فرایند منسجم با آن است. حروف تکرار شده (راء و الف) که به صورت (رارا) تکرار شده است تصور تکرار مداوم را ایجاد می کند و هر تکراری بیانگر دوره ای از دوره های آبیاری است. عبارت (و ارسلنا السماء علیهم مدرارا) در سه جا در قرآن ذکر شده است که همه آنها در سیاق قدرت و تمکین در زمین آمده است. در موضع دوم خداوند می فرماید «وَاِذَا قَوْمٌ اسْتَفْعَرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا وَ یَزِدُّكُمْ قُوَّةً اِلٰی قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِیْنَ» (قرآن کریم، هود: ۵۲). ای قوم من! از پروردگارتان طلب آموزش نمایید و سپس به سوی او توبه کنید تا آسمان باران را پی در پی برایتان نازل کند و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، بنابراین درحالی که گنه کارید، روی برنگردانید. در این آیه نشانه مطمئن وجود دارد که باران مدرار قدرت اصلی برای ایجاد تمدن ها است.

موضع سوم آیه ای از سوره نوح است که خداوند از زبان نوح که قومش را مخاطب قرار داده است می گوید «یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا» (قرآن کریم، نوح: ۱۱). تا باران های پی در پی از آسمان برای شما فرستد. سپس به وعده قدرت و تمکین در آیه بعدی پرداخته می گوید «وَاِمْدِدْكُمْ بِاَمْوَالٍ وَ بَنِیْنَ وَ یَجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَ یَجْعَلْ لَّكُمْ اَنْهَارًا» (قرآن کریم، نوح: ۱۲)؛ و شما را به وسیله ثروت ها و فرزندان یاری کند و باغ هایی سرسبز و نه رهای جاری در اختیارتان بگذارد. گویند که سه سال شده بود خداوند به آنها فرزندی عطا نکرده بود (الفراء، ۱۴۰۳). کمک کردن به اموال و فرزندان و تملیک باغ ها و چشمه ها را کنایه از قدرت و تمکین در زمین قرارداد. این نمایش هنری برای این تصویر زیبایی شناختی

پوهنوال سید خلیل کوهی

را قرارداد و انواع نعمت‌ها را تجسم شریعت الهی و سنت ثابت او را به صورت ضرب المثل به مردم عرضه شد. مفاد آن این است که نعمت‌های الهی بزرگ و دائمی هستند تا زمانی که انسان از آنچه انجام داده است استغفار نموده و به درگاه خداوند توبه نماید (رمضان، ۱۴۱۵).

نموداری که انواع تمکین در فرموده خداوند (و أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا) را نشان می‌دهد



فرموده خداوند «وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ» (قرآن کریم، الانعام، ۶)

جریان رودها طبیعتاً نتیجه باران است. تا زمانی که باران بیارد ناگزیر رودها جاری می‌شود. رودها از کف دره‌ها و فرورفتگی‌ها عبور می‌کنند، از زیر خانه‌هایشان می‌گذرند. این مطلب اهمیت زیبایی‌شناختی و سرگرم‌کننده بسیار شگفت‌انگیزی دارد و یکی از جلوه‌های توانمندسازی است. رودخانه‌ها از میان باغ و بستان‌ها گذشته آن‌ها را سیراب می‌سازد که این خود نیز یکی از صورت‌های زیبا و دلربا است؛ هردو تصویر مفهوم اقتصادی دارند که به هسته توانمندی روی زمین می‌ریزد. این مطلب تعریضی به آن ملت‌ها و مردم‌ها است که خداوند اساس قدرت و توانمندی آن‌ها را مهیا ساخته است. جز اینکه آن‌ها در کفرشان تأکید ورزیدند و خداوند اسباب قدرت و مکنت را از آن‌ها گرفت؛ همانند گفته فرعون که در قرآن نقل قول شده است، زمانی که پیامبری برایش آمد «وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (قرآن کریم، الزخرف: ۵۱)؛ و فرعون در میان قومش آوازه بلند کرد که ای مردم، آیا کشور با عظمت مصر از من نیست؟ و چنین نهرها از زیر قصر من جاری نیست؟ آیا (عزت و جلال مرا در عالم به چشم) مشاهده نمی‌کنید؟

فرعون ملکیت مصر را به علت وجود رودخانه‌های که گفته از نزدش می‌گذرد به خود اختصاص داده است. ملکش را در یک بخش و تسلط بر رودها را در بخش دیگر قرار داده است. این کنایه از قدرت، توانمندی و تسلط است، درحالی‌که این در نزد خداوند هیچ سودی برای او نداشت.

جمله (من تحتهم) که دلالت بر حرکت رو به پایین دارد، همراه جمله (و أرسلنا السماء) که دربردارنده حرکت از طرف بالا است (من فوقهم) طباق ذهنی تشکیل می‌دهد.

فرموده خداوند «فَاهْلِكُنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ»

خداوند بر امت‌های پیشین عذاب فرستاد و آن‌ها را برای گناهانش نابود کرد. این نابودی و عقاب جماعی برای امتیازی که خداوند برای آن‌ها داده بود و دلیل خشم الهی بر آنان و نتیجه گناه و معاصی است (ابن عاشور، ۱۹۷۲، ج ۶، ص ۱۳۹). معنای اهل‌کنام این است که عصیان و گناه کردند، به علت گناهان ایشان را عذاب کردیم (الدلیمی، ۲۰۲۰). لفظ قرآنی بذنوبهم به این جهت استفاده شده است که نشان دهد سبب هلاکت این ملت‌ها گناه خودشان بوده است، گناه سرطانی بوده که در بدن و استخوان آن‌ها رشد کرد تا به خاکستر تبدیلشان کرد. واو در (وأنشأنا) بیان می‌دارد که ایجاد قرن جدید پس از هلاکت قرن گناه‌کار صورت گرفته است. آیه ایجاد بقعه زمین را به تصویر می‌کشد که هلاکت روی آن صورت گرفته و هلاکت قرن سابق آغاز قرن آینده به حساب آمده و این بیانگر قدرت کامل الهی در ایجاد و نابودی است. در این مطلب تعریض برای مخاطبان جهت هلاکت آنان است، همانند ملت‌های که قبل از آن‌ها بودند اگر گناه کنند مورد هلاکت قرار می‌گیرند (ابن حیان اندلسی، ۱۴۲۲). درآیات مورد اشاره به وضوح نشان داده شد که صیغه تمکین در زمین از طریق قدرت و کنترل بر آب و ثباتی که دارد، در ارتباط مستحکم است. این ارتباط میان آب که اساس زندگی است با قدرت کنترل، اساس این همه ایمان به خدا است. آیه‌ای مبارکه اشاره دارد که اگر این توانایی و این کنترل به ایمان به خدا متصل نباشد، هیچ کدام از آن‌ها سودی برایشان ندارد.

قرآن کریم به بهترین شکل مثال قومی را به ما می‌گوید که خداوند به آن‌ها روزی فراوان در نظر گرفته بود ولی آنان به نعمت خداوند کفر ورزیدند و حال آنان به وخامت گرایید؛ این قوم کشور سبا است «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ. فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ» (قرآن کریم، سبا: ۱۵-۱۶). در مقابل قرآن کریم ما را به توبه و ایمان به خدا که عامل فراوانی آب و روزی است و توانایی و امنیت آبی و زمینی را فراهم می‌کند، تشویق می‌کند. در فرموده

پوهنوال سید خلیل کوهی

خداوند «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (قرآن کریم، هود: ۵۲). به دلیل اینکه توبه سبب نزول باران و قدرت لازم برای دستیابی به امنیت آبی می‌شود.

نسفی درباره تفسیر (ویزدکم قوه الی قوتکم) می‌گوید هدف اصلی از تشویق آن‌ها به ایمان افزایش باران و زراعت بود، زیرا آن‌ها داری زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها بودند و بیشترین نیاز به آب داشتند (النسفی، بی‌تا)؛ اما نویسنده التحریر التنویر در تفسیر این آیه اشاره می‌کند؛ توبه که در آن آمرزش گناه طلب می‌شود، به معنای عدم مجازات برای گناهان گذشته است؛ یعنی عدم مجازات برای شرک و در اینجا از ترک عقیده شرک منصرف می‌شود؛ زیرا استغفار الهی نیازمند اعتراف به وجود او است و نیازمند اعتراف مستغفر به گناه در زمینه‌ای که قبل از آمدن هود (ع) به آن‌ها، جز اعتقاد شرک نداشتند، هیچ گناهی قبل از آمدن هود جز گناه شرک نبود؛ و هیچ دینی قبل از آنکه هود پیامبر بیاورد دین دیگری نداشتند. گناه شرک در همه شرایع قبلی تثبیت شده بود؛ بنابراین امر به توبه به‌طور کلی برای تمام این گناهان تصریحی و پنهانی بود. توبه به معنای دوری از گناه در آینده، پشیمانی از گذشته و عزم بر عدم بازگشت به گناه است که منجر به پایداری بر توحید و انکار شرک می‌شود. این دو موضوع عامل اصلی برای نازل شدن باران از آسمان هستند (ابن عاشور، ۱۹۷۲).

(فیرسل السماء علیکم) جواب امر از (استغفروا) است. ارسال، آمدن از جای دور است؛ ارسال به نزول باران اطلاق می‌شود زیرا با تقدیر الهی حاصل می‌شود، به این جهت به ارسال تشبیه شده است که از مکان ارسال شده به جای که در نظر است فرستاده می‌شود. سماء از نام‌های باران است، نام‌گذاری چیزی به اسم مصدر آن. (مدرارا) حال سماء و صیغه مبالغه درور به معنای ریختن شدید است. جزای آن‌ها برای استغفار و توبه و کمک کردن آنان به باران به عنوان بزرگ‌ترین نعمت الهی در دنیا است. قوم عاد مردم زراعت‌پیشه بودند به آن جهت به آب نیاز داشته سدهای برای ذخیره آب می‌ساختند. ظاهراً خداوند دو سال باران را از آن‌ها دور داشت در نتیجه نسل و رزق آنان اندک شد؛ این کار کیفر شرکی بود که پس از ارسال هود به آن مبتلا بودند. (یرسل السماء) وعده و اشاره‌ای به غضب خداوند به آنان است، کشور ایشان از حضرموت الی احقاف شهر، گنبد و بارو بود.

آنان به قدرت‌هایشان مفتخر بودند و می‌گفتند (من اشد منا قوه) به این جهت خداوند جزای برای ترک شرک به آنان داد؛ قدرت‌شان را با کثرت عدد و صحت بدنی و وسعت رزق افزایش داد. همه

این‌ها قدرت یک امت است که آنان را در بی‌نیازی از ملت‌های دیگر قرار داده و قادر بر حفظ استقلال می‌گرداند. ملت‌های زیادی را محتاج آنان می‌کند.

(الی قوتکم) متعلق به (یزدکم) است. انما متعدی به الی برای تضمین معنای پیوست است. به این جهت به آنان بهتر شدن احوال در دنیا را وعده داده است. (ولاتتولوا مجرمین) به علت حذر از رجوع از شک عطف در آن جمله است.

یافته‌های تحقیق

امنیت آبی یکی از مهم‌ترین عوامل رشد، ترقی پیشرفت و توسعه جوامع بشری است که در آیات مختلف از قرآن به آن اشاره رفته است. قرآن کریم در آیاتی از سوره‌های انعام، هود، سبا، بقره و دیگر آیات به آن اشاره کرده و امنیت آبی را تهداب انکشاف و اقتدار معرفی کرده است. یکی از راه‌های به دست آوردن امنیت آبی استفاده بهینه از منابع آبی است. این روش می‌تواند با صرفه‌جویی در مصرف آب، حفاظت منابع آبی از آلاینده‌های مختلف، عدالت در توزیع آب، آموزش فرهنگ مصرف آب و توسعه فناوری‌های برای صرفه‌جویی در مصرف آب است. طبق فرموده خداوند آب وسیله حیات زنده جان‌ها است.

نتیجه‌گیری

امنیت آبی یکی از مسائل حیاتی جهان امروز است که نیازمند توجه جدی و اقدامات عملی است. آموزه‌های اسلامی با تأکید بر صرفه‌جویی، حفاظت از منابع طبیعی، عدالت در توزیع و آموزش می‌توانند راهنمایی ارزشمند برای مدیریت پایدار منابع آبی ارائه دهند. با بهره‌گیری از این اصول و ترکیب آن‌ها با فناوری‌های نوین، می‌توان گام‌های مؤثری در جهت امنیت آبی برداشت.

امنیت آبی با توسعه پایدار، قدرت و مکت در زمین ارتباط نزدیک دارد. طبق محتویات آیاتی از قرآن کریم در سوره‌های مختلف امنیت آبی باعث ایجاد قدرت، مکت و توسعه در زمین شده است. آیاتی از سوره انعام، هود و دیگر آیات، نزول باران از آسمان به صورت پیوسته را که شکلی از اشکال امنیت آبی است، در مکت و قدرت انسان‌ها در زمین مؤثر می‌داند. همان‌گونه آیاتی از سوره سبا ثروت، قدرت و مکت مردم سبا را بر خواسته از آبی که در درون سدهای مارب ذخیره کرده بودند بیان داشته است. ارتباط میان امنیت آبی و توسعه در قرآن کریم پیوسته و ناگسستنی است.

پوهنوال سید خلیل کوهی

منابع

قرآن کریم

- البخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲) الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه= صحيح البخاری، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، شرح وتعليق مصطفى ديب البغا، بيروت، دار طوق النجاة. ج ۱، ص ۵۷، ح ۲۳۹. ج ۱، ص ۱۱ ح ۱۰.
- ابن حیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۲ ق) البحر المحيط، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية. ج ۴، ص ۷۷.
- ابن ماجه، ابو عبد الله محمد بن يزيد قزوینی (۱۴۳۰ ق) سنن ابن ماجه، محقق، شعيب الأرناؤوط، عادل مرشد، محمد کامل قره بللي، عبد اللطيف حرز الله، بی جا، دار الرساله العالميه. ج ۱، ص ۲۷۲؛ ح ۴۲۵. ج ۱، ص ۲۷۲.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۹۷۲) التحرير التنوير، بی جا، الدار التونسية للنشر. ج ۷، ص ۱۳۷. ج ۷، ص ۱۳۷. ج ۶، ص ۱۳۹. ج ۸، ص ۱۲۲.
- اسمیت، سارا و جانسون، مايكل. (۲۰۱۵) بهینه سازی مصرف آب در مناطق شهری، رویکرد ها و چالش ها، ژورنال مدیریت منابع آب، شماره ۴۵. ص ۸۰.
- ابن منظور (بی تا) لسان العرب، بيروت، دار لسان العرب. ج ۳، ص ۴۷. ج ۳، ص ۵۱۷.
- ابو داود، سليمان بن اشعث (۱۴۳۰ ق) سنن ابی داود، محقق، شعيب الأرناؤوط، محمد کامل قره بللي، بی جا، دار الرساله العالميه. ج ۵، ص ۳۴۴، ح ۳۴۷۷.
- جوهری، الشيخ طنطاوی (۱۳۵۰ ق) الجواهر فی التفسیر القرآن الکریم، مصر، مطبعة مصطفى بابی الحلبي. ج ۳، ص ۲۴.
- الدليمی، احمد عامر (۲۰۲۰) هندسه المياہ فی القرآن الکریم دارسه فی الاعجاز القرآنی، موصل، دار ماشکی. ص ۱۲۰. ص ۱۱۰. ص ۱۱۵.

پوهنوال سيد خليل كوهي

فضل اولی، رامین و دیگران. (۱۴۰۳ ش). کاربرد روش‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در برآورد بهره‌وری مصرف آب (مطالعه موردی: شهر ساری)، مجله آب و توسعه پایدار، دوره یازدهم، شماره پیاپی ۳۳، ص ۱۳۶.

رمضان، احمد فتحی (۱۴۱۵ ق) الکنایة فی القرآن الکریم، أطروحة دکتوراه، مقدمة إلى كلية الآداب - جامعة الموصل، بإشراف: د. مناهل فخر الدین فلیح. ص ۳۳۸۹.

شجاعی، مینا (۱۴۰۳ ش) نقش مدیریت آب در توسعه پایدار، ارایه شده در سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در آب، فاضلاب و مهندسی رودخانه، ارایه شده به تاریخ ۲۷ میزان. ص ۲۳.

الصادی، محمود (۱۴۱۰ ق) الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، قم، مطبعة النهضة. ج ۷، ص ۸۶. عبدالله محمد، عبدالصمد (۱۴۱۸ ق) خطاب الأنبياء فی القرآن الکریم - خصائصه التركيبية وصوره البيانية، القاهرة، مكتبة الزهراء. ص ۲۷۶. ص ۲۶۲.

الفراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد (۱۴۰۳ ق) معاني القرآن، بیروت، عالم الكتب. ج ۲، ص ۱۹. مومنی مهموئی، فاطمه و دیگران (۱۴۰۳) ارائه مدل یکپارچه برای توسعه پایدار «آب، انرژی و غذا» در ایران با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد، مجله آب و توسعه پایدار، دوره یازدهم، شماره پیاپی ۳۳، ص ۱۲۰.

النسائی، احمد (۱۴۰۶ ق) السنن الصغرى للنسائي، تحقیق عبدالفتاح ابو غده، حلب، مكتب المطبوعات الإسلامية. ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۳۴۶.

النسفی، عبدالله بن احمد (بی تا) تفسیر النسفی، بیروت، دار الكتاب العربی. ج ۴، ص ۲۵۵.

هاکر، دبی (۲۰۰۸) مبانی توسعه پایدار، کمبریج، انتشارات دانشگاه کمبریج. ص ۲۲.

English Reference

United Nations. (2013). Water Security and the Global Water Agenda. UN-Water Analytical Brief. P6.

ضرورت جوامع اسلامی به انقلاب صنعتی از دیدگاه اسلام

پوهندوی داد الله برهانی^{۱*}، پوهنیار سردارولی سیرت^۲، پوهنمل امام جان حلیمی^۳

۱. دیپارتمنت علوم و فرهنگ اسلامی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: dadallahburhani52@gmail.com

چکیده

انقلاب صنعتی برای جوامع اسلامی، نه تنها به عنوان یک ضرورت برای بهبود وضعیت اقتصادی، بلکه ابزاری برای کاهش وابستگی به اقتصادهای خارجی و تقویت استقلال ملی محسوب می شود. در تمدن های امروزی صنعت، عامل رشد و پیشرفت تمدن است. بسیاری از کشورهای اسلامی، با وجود کثرت منابع طبیعی مانند نفت، گاز و معادن، نیروی کار جوان، هنوز با چالش های جدی در مسیر صنعتی شدن مواجه اند. برخی از این چالش ها، می تواند ضعف نهاد های آموزشی و پژوهشی در تولید علم و فناوری، عدم توجه به کار آفرینی، نوآوری و حمایت از صنعت داخلی، و تکیه بر واردات خارجی در حوزه ی صنعت باشد. هدف از این تحقیق علمی همانا، بررسی ضرورت انقلاب صنعتی جوامع اسلامی و دست یابی به توسعه ی پایدار و راه های صنعتی شدن آن می باشد. این تحقیق علمی بر اساس روش، توصیفی، تحلیلی بوده و از منابع معتبر، کتب، مقالات، مجلات معتبر استفاده گردیده است و به اساس آن موضوع متذکره نگاشته شده است. و از خلال تحقیق به این نتیجه دست یافتیم که بدون انقلاب صنعتی مستقل، امت اسلامی نمی تواند به عزت و رهبری جهانی باز گردد. و پیشنهاد می کنم که برای غلبه بر مشکلات و حرکت عملی در مسیر صنعت گرایی، توجه بیشتر بر توسعه منابع انسانی اسلامی، اعتماد بر تجربیات خود، مدیریت منابع داخلی و تمرکز بیشتر روی صنایع ماشین آلات و صنایع سنگین صورت گیرد.

واژه های کلیدی: انقلاب صنعتی، جوامع اسلامی، راه های صنعتی شدن، ضرورت، عوامل نیاز

The Need for Industrial Revolution in Islamic Societies from the Perspective of Islam

Assistant Professor Dadullah Burhani ^{1*}, Teaching Assistant Sardar Wali Seerat^۲, Seneor Teaching Assistant Imam Jan Halimi³

1. Department of Islamic Sciences and Culture, Faculty of Education, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: dadallahburhani52@gmail.com

Abstract

The industrial revolution for Islamic societies is not only a necessity for improving economic conditions but also a tool to reduce dependence on foreign economies and strengthen national independence. In modern civilizations industry is a key drive of growth and progress. The issue at hand is that many Islamic countries despite having abundant natural resources such as oil gas and minerals as well as a young workforce still face serious challenges on the path industrialization. Some of these challenges include educational weak and research institutions in the of since and technology lack of attentions to entrepreneurship and innovation insufficient support for domestic industry and overreliance on foreign imports in the industrial sector. The aim of this scientific study is to examine the necessity of an industrial revolution in Islamic societies and the achievement of sustainable development as well as explore the pathways to industrializations. This study it has been concluded that without an independent industrial revolution the Islamic ummah cannot regain its dignity and global leadership. And I recommended that in order to overcome these challenges and move practically toward industrialization greater attention should be paid to the development of Islamic human resources trust in local experiences management of internal resources and a stronger focus on machinery and havey industries.

Keywords: Islamic societies industrial revolution factors of necessity importance. Ways to industrialize

مقدمه

إن الحمد لله، نحمده ونستعينه، ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

اما بعد:

جهان امروز به سرعت در حال تغییر است و جوامع اسلامی نیز نمی‌توانند از این تحولات جدا باشند. برای رقابت در عرصه جهانی، افزایش رفاه عمومی و تحقق اهداف توسعه‌ای پایدار، جوامع اسلامی نیازمند یک انقلاب صنعتی و توسعه‌ای پایدار هستند.

در دنیای معاصر، توسعه‌ی صنعتی به عنوان یکی از ارکان اصلی پیشرفت کشورها شناخته می‌شود. کشورهای صنعتی به واسطه‌ی تولید فناوری، بهره‌وری بالا، استقلال اقتصادی و قدرت سیاسی بیشتر، در جای‌گاه برتری نسبت به کشورهای غیر صنعتی قرار دارند. با این حال بخش عمده‌ای از کشورهای اسلامی هنوز با چالش‌های جدی در مسیر صنعتی شدن مواجه‌اند. با وجود کثرت منابع طبیعی مانند نفت، گاز و معادن، نیروی کار جوان و جمعیت بالا، بسیاری از این کشورها از نظر فناوری، زیر ساخت‌های صنعتی و نوآوری‌های علمی، در سطح پایینی قرار دارند. این مسأله موجب شده است که کشورهای اسلامی که اغلب به واردات وابسته باشند، نتوانند سهم قابل توجهی در زنجیره‌ای جهانی ارزش داشته باشند. برخی از این چالش‌ها و موانع، می‌تواند ضعف نهادهای آموزشی و پژوهشی در تولید علم و فناوری، عدم توجه به کار آفرینی، نوآوری و حمایت از صنعت داخلی، مشکلات فرهنگی مانند عدم باور به توان داخلی و تکیه بر واردات و تقلید از غرب و نبود سیاست‌گذاری‌های بلند مدت و راهبردی در حوزه‌ای صنعت و فناوری باشد.

در این مقاله ضرورت این امر را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کنیم:

اهمیت این تحقیق در این است که، تحولات صنعتی و فناوری‌های جدید از دیدگاه اسلام، نه تنها جایز، بلکه، بالای دولت اسلامی و مسلمانان واجب است تا جوامع اسلامی بتوانند به خود کفایی برسند و دیگران، آن‌ها را به بردگی و وابستگی نکشانند و در تصمیمات شان تأثیر نگذارند. بدون انقلاب صنعتی مستقل، امت اسلامی نمی‌تواند به عزت و رهبری جهانی باز گردد. صنعت، باعث افزایش تولید، بهبود کیفیت و توسعه‌ای منابع می‌شود که در نهایت به عمران و آبادانی زمین می‌انجامد، آبادانی که الله متعال، آن را بر انسان‌ها واجب کرده است، و در زبان اقتصاد، به معنای تولید یاد می‌شود.

پوهندوی داد الله برهانی

به دلیل اهمیت خاص فعالیت‌های صنعتی، پیمبر اکرم صلی الله علیه و سلم اموال سرمایه و تجهیزات تولید را از زکات معاف نمود تا مردم را به سرمایه‌گذاری در صنعت تشویق نماید.

سوالات تحقیق را می‌توان اینگونه بیان نمود که:

آیا جوامع اسلامی، برای صنعتی شدن و توسعه‌ای پایدار ضرورت دارد و یا خیر؟

دلایل ضرورت انقلاب صنعتی در جوامع اسلامی، کدام چیزها شده می‌تواند؟

نقش دین اسلام و آموزه‌های اسلامی در حمایت از توسعه‌ای صنعتی پایدار چیست؟

مبنای فرضیه تحقیق بر این بوده که در جوامع اسلامی تحقق انقلاب صنعتی با تکیه بر اصول بومی و آموزه‌های اسلامی، می‌تواند به توسعه‌ای پایدار و عدالت اجتماعی منجر شود.

نهادینه سازی فرهنگ کار، علم محوری و خلاقیت در جوامع اسلامی، پیش نیاز ورود به انقلاب صنعتی می‌باشد.

اگر به پیشینه‌ی تحقیق پیرامون این موضوع، نگاه کنیم، کتاب‌هایی که به رشته‌ی تحریر در آمده، می‌توان در ذیل به آن‌ها اشاره نمود:

۱- اسلام و توسعه‌ای پایدار: جهان‌بینی‌های نوین، از اوده راشد الجیوسی که در سال (۲۰۱۲م) طبع و به نشر رسیده است، این کتاب به بررسی ابعاد اجتماعی، انسانی و اقتصادی توسعه‌ای پایدار، از دیدگاه اسلام می‌پردازد و چارچوبی برای توسعه‌ای پایدار با تأکید بر ارزش‌های اسلامی ارائه می‌دهد.

۲- السياسة الصناعية فی الدولة الإسلامية، از انجیر، عطاء ابورشته می‌باشد که پیرامون، مفهوم انقلاب صنعتی و تاریخچه‌ای آن، حکم ایجاد صنعت بالای دولت و امت و راه‌های صنعتی شدن جوامع اسلامی می‌پردازد.

۳- مقاله‌ای تحت عنوان "سیاسة التصنيع وبناء الدولة صناعياً من وجهة نظر الإسلام"، نیز از مهندس، عطاء ابن خلیل ابو رشته می‌باشد که در سال (۱۴۱۱هـ) به نشر رسیده که پیرامون عوامل صنعت، استقلال اقتصادی، توسعه‌ای صنایع سنگین و نظامی، منع مالکیت خصوصی در صنایع کلیدی و توزیع عادلانه‌ی ثروت، بحث می‌کند.

۴- مالیه‌ای اسلامی و توسعه‌ای پایدار: چارچوب جهانی برای دستیابی به مالیه تأثیر گذار پایدار، از محمد معصوم بیلکه که در سال (۲۰۲۴م) به نشر رسیده، این کتاب به بررسی، تعامل بین اصول اسلامی، توسعه‌ای صنعتی و پایدار ی می‌پردازد و راه کارهایی برای هم‌راستایی ارزش‌های

اسلامی با نیازهای توسعه‌ی مدرن، ارایه می‌دهد. البته چیزی را که محقق در صدد آن است که همانا، ضرورت جوامع اسلامی به انقلاب صنعتی، عوامل نیاز به صنعت و دلایل ضرورت صنعتی شدن جوامع اسلامی، هیچ یک از علما و دانشمندانی که از آن‌ها در فوق تذکر رفت، پیرامون موضوع، مفصل و مشرح و به‌صورت همه جانبه، بحث ننموده اند. بنا بر این محقق را وا داشت تا پیرامون این موضوع موشکافی نموده و نظریات علماء و دانشمندان را همراه با نصوص شرعی و قانونی به بحث و بررسی بگیرد.

هدف از تحقیق پیرامون این موضوع، همانا، بررسی ضرورت انقلاب صنعتی و دستیابی به توسعه‌ای پایدار در جوامع اسلامی با تأکید بر چارچوب‌های شرعی و اصول اسلامی است. در این راستا، تحقیق به دنبال تبیین نقش صنعت در تقویت استقلال اقتصادی، سیاسی و شناخت دلایل ضرورت جوامع اسلامی به انقلاب صنعتی و پاسخ‌گویی به نیازهای روز افزون جوامع اسلامی می‌باشد.

مواد و روش کار

روش تحقیق در این نوشته، توصیفی، تحلیلی بوده و از منابع معتبر، کتب، مقالات، مجلات علمی و سایت‌های معتبر استفاده گردیده است و به اساس آن موضوع متذکره نگاشته شده است

ضرورت جوامع اسلامی به انقلاب صنعتی از دیدگاه اسلام

مفهوم صنعت

الف- در لغت

در معجم الوسیط، تعریف صنعت چنین آمده: (الصَّنْعَةُ) عمل الصَّانِع وحرفته (الصَّنِيعَةُ) کل ما عمل من خیر أو إْحْسَان (ج) صنائع (مصطفی، ب ت، المعجم الوسیط: ۵۲۶/۱).

صنعت عبارت از کار صانع و حرفه او را گویند. و صنیعة، برای هر نوع کار و فعالیت نیکی که انجام بگیرد، گفته می‌شود و جمع آن صنایع می‌آید.

ب- در اصطلاح

صنعت، عبارت از مجموعه تغییراتی که بشر در مواد طبیعی می‌دهد تا بهتر و بیشتر از آن‌ها استفاده کند (عمید، ۱۳۶۴هـ، فرهنگ عمید: ۲۴۵).

ج- انقلاب صنعتی

انقلاب صنعتی به مجموعه‌ای از تغییرات فناورانه، اقتصادی و اجتماعی گفته می‌شود که باعث افزایش تولید و بهره‌وری می‌شود. و صنعتی شدن به معنای استفاده از نیروی ماشینی به جای نیروی انسانی است. انقلاب صنعتی، یعنی در دست گرفتن مهار و سرچشمه‌ای اصلی صنعت، که همانا صنعت ساخت ماشین آلات است (ابورشته، ۱۴۱۱هـ، السياسة الصناعية في الدولة الاسلامية: ۱۲).

موقف دین اسلام درباره صنعتی شدن

جوامع اسلامی در طول تاریخ، همواره نقش برجسته‌ای در توسعه علم، صنعت و فناوری داشته‌اند. از دوران طلای اسلام تا عصر حاضر، مسلمانان دست‌آورد‌های علمی و صنعتی متعددی ارائه داده‌اند که در زمینه‌های مختلف تأثیرگذار بوده است در ادامه به برخی از مثالها و نمونه‌های شاخص از صنایع و فناوری‌های مرتبط به جوامع اسلامی اشاره می‌شود:

در مورد صنعت به‌خصوص، صنایع دفاعی که هم خود صنعت در ایجاد و انکشاف تمدن مهم است و هم دفاع، قرآن کریم در جاهای مختلفی از این دو صنعت یاد کرده است. در مورد داود علیه السلام می‌فرماید:

﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ [انبیاء: ۸۰].

ترجمه: و بدو ساختن زره را آموختیم تا (این لباس جنگی) شما را در جنگ‌ها حفظ کند. آیا (خدا) را در برابر همه این نعمت‌ها) سپاس‌گزاری می‌کنید؟

و در مورد صنعت فلزات و آهن که اساس تمدن صنعتی است الله متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحديد: ۲۵].

ترجمه: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعتی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی آنکه او را ببیند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است. پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم، نیز در رابطه به ارزش صنعت فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُدْخِلُ الثَّلَاثَةَ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ الْجَنَّةَ: صَانِعَهُ يَحْتَسِبُ فِي صَنْعَتِهِ الْخَيْرَ، وَالْمُمدِّ بِهِ، وَالرَّامِيَ بِهِ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶هـ، مسند احمد، شماره: ۱۷۳۰۰).

پوهندوی داد الله برهانی

ترجمه: خداوند به واسطه‌ای یک تیر، سه نفر را داخل بهشت می‌گرداند، کسی که او را ساخته است و در ساخت آن نیت خیر داشته، کسی که آنرا به تیر انداز داده و کسی که آنرا انداخته (تیر انداز) همه ای آنها در پاداش برابر اند.

صحابه کرام رضی الله عنهم هم اهل حرفه و صنایع بودند. حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه پیشه ای بزازی داشتند و حضرت عمر رضی الله عنه عطار بود، طلحه ابن عبیدالله و سعید بن زید در بحر روم کار تجارت را مینمودند (ابن ابی دنیا، ۱۴۱۴هـ، اصلاح المال: ۷۶/۱).

عمر رضی الله عنه می‌گوید: من مردی را می‌بینم و از او خوشم می‌آید، اما وقتی از او می‌پرسم آیا حرفه داری؟ و گفته شود که ندارد، از چشمم می‌افتد.

نمونه‌های صنعتی شدن در صدر اسلام

۱ - زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره هجرت نمود و در آنجا دولت اسلامی را بنا نهاد، با وجود آنکه نوعیت اسلحه در آن زمان بسیار ساده و ابتدائی بود و خریداری آن در حد ممکن بود، اما پیغمبر صلی الله علیه وسلم، پیوسته مسلمانان را تشویق می‌نمود تا صنعت سلاح سازی را حتی از کفار بیاموزند و هنوز اوایل سال هشتم هجری بود که وی صلی الله علیه وسلم توانایی آن را پیدا نمود تا قلعه‌های طایف را با منجنیق هدف قرار داده و آنرا فتح کند.

این نوع سلاح (منجنیق) در آن زمان از جمله سلاح‌های سنگین به‌شمار می‌رفت، و مسلمانان صنعت تولید آن را فرا گرفتند و شروع به ساختن آن نمودند. و اقدی، در خصوص محاصره طایف توسط رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین روایت کرده است: «رسول الله صلی الله علیه وسلم با اصحابش مشوره نمود، سلمان فارسی به وی صلی الله علیه وسلم گفت: ای رسول الله! نظر من این است که بالای قلعه شان منجنیق برپا کنید، زیرا وقتی ما در سرزمین فارس بودیم (در هنگام جنگ) بر قلعه ها منجنیق برپا می‌کردیم و دشمنان ما نیز بر ما منجنیق برپا می‌کردند و به این ترتیب ما به آنان پیروز می‌شدیم و آنان بر ما. باور من این است که اگر منجنیق برپا نکنید این محاصره طولانی خواهد شد. به دنبال آن رسول الله صلی الله علیه وسلم فوراً دستور ساخت منجنیق را داد و خودش با دستان مبارکش منجنیق ساخت، سپس آنرا به طرف قلعه های طایف هدف گرفته و از آن در شکستن قلعه استفاده نمود» (واقعی، ۱۴۰۹هـ، المغازی: ۹۲۷/۳).

۲- دولت اسلامی در زمان خلافت عباسی و دقیقاً در عهد هارون رشید برای برجسته‌ترین و مشهور ترین پادشاه اروپا (شارلمان) ساعت رقاصک دار بزرگی را به عنوان هدیه فرستاد، در باریان او بسیار

پوهندوی داد الله برهانی

شگفت زده شدند و نتوانستند شیوه ای ترکیب اجزا و کار آن‌ها را دریابند، وقتی این ساعات در دفتر کارش صدا می داد اطرافیان‌ش گمان می‌کردند که در داخل آن جنیات قرار گرفته است، تا جایی که برخی از آنان با شنیدن صدای آن، فرار می‌کردند (زیدان، ۱۳۸۹هـ، تاریخ تمدن اسلام: ۲۳۴).

۳- در عصر خلافت اسلامی به ویژه در زمان "محمد فاتح" شخصی به نام "اوربان" که یکی از مخترعین ابزار جنگی بود، تولیدات نظامی‌اش را برای پادشاهان اروپا به نمایش گذاشت، اما پادشاهان اروپا به آن توجه و اعتنایی نکردند؛ تا جایی که حتی پاپ روحانیون کلیسا، این کارش را ارتداد تلقی نمودند. وقتی محمد فاتح از این مسئله با خبر شد آن را جدی گرفت و آن شخص را اکرام کرده و مال فراوانی در اختیارش گذاشت تا تولیداتش را گسترش دهد. محمد فاتح، کار و نوآوری‌هایش را ادامه داد تا آن‌که شروع به طراحی توپ‌های سنگین نمود. یکی از بزرگ‌ترین توپ‌هایی که وی ساخته بود، هفت صد تن وزن داشت، و وزن گلوله‌اش به دوازده هزار پوند می‌رسید که توسط صد گاو نر با کمک صد تن از نیرومندترین مردان جابجا می‌شد. صدای شلیک این توپ از فاصله سیزده میل به گوش می‌رسید و گلوله‌اش مسافت یک میل را هدف قرار می‌داد و به عمق شش قدم، زمین را سوراخ می‌نمود. هرچند برخی از مراجع اوصاف این توپ را به گونه‌ای دیگری روایت می‌کنند، اما ابتکار و ساخت چنین سلاحی در بیشتر از پنج قرن قبل، و در زمان خلافت عثمانی، خود دلیل روشنی است بر جلال و جبروت سلطان اسلام و توجه ویژه‌اش به صنایع سنگین (بلازری، ۱۹۸۸، فتوح البلدان: ۶۳/۱).

عوامل نیاز به صنعت

از آنجایی که الله متعال انسان را خلق نمود و نیز انسان، موجودیت خود را در روی زمین دریافت، در صدد اشباع حاجیاتش با اشیایی که در محیط و ماحول وی قرار داشت، برآمد. از ابتدا انسان تلاش نمود تا برای حفظ امنیت، حاکمیت و حفظ بقای خود چه در حالت هجوم و چه در حالت دفاع، از ابزار اولیه استفاده نماید. انسان در تمام دوره‌های تاریخ با استفاده از صنعت مواد اولیه و تبدیل نمودن آن به اشکال مختلف و پیشرفت، جهت بهبود شرایط زندگی‌اش در کل برای بهره‌برداری، روی دو عامل استفاده نمود:

۱- اشباع حاجات عضوی

انسان به حسب آفرینش و غریزه خود به اسباب معاش و لوازم مادی زندگی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و نظایر آن‌ها نیازمند است و بدون آن‌ها نمی‌تواند در هیچ بخشی از زندگی

گام بردارد؛ لذا به صورت طبعی در تأمین آن‌ها تلاش وافر انجام دهد طوری که ابن خلدون می‌گوید: "بخاطر آن‌که انسان بتواند غذا تهیه کند، نیاز به کشت و زراعت دارد. کشت و زراعت بدون صنعت ممکن نیست؛ زیرا حتی وسایل ابتدائی زراعت، به صنعت آهنگری نیاز دارد. چه رسد به زراعت مدرن که مرهون ده‌ها وسیله صنعتی مدرن است (ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۳۶هـ. مقدمه ابن خلدون: ۶۱).

۲- دوم: حفظ امنیت، بقا و سیاست در حالات جنگی

تمدن‌ها به هر اندازه که پیشرفت کرده باشد با دشمنانی روبه‌رو هستند، این دشمنان تلاش می‌کنند آن تمدن را اگر بشود تصاحب کنند و یا از میان بردارند. بسیاری از تمدن‌های که، روزگاری شگوفا بودند اما بر اثر تهاجم دشمنان خود، نیست و نابود گردیدند و از بین رفتند. روی این اساس، هر تمدن، نیاز به قدرت و توان نظامی دارد تا خود را در برابر دشمنان خویش در جنگ تمدن‌ها حفظ و مراقبت نماید (ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۳۶هـ. مقدمه ابن خلدون: ۶۱).

این دو عامل، از ابتدا به ویژه، پس از آن‌که انسان‌ها زندگی اجتماعی پیشرفته‌ای را شناختند از جمله مهم‌ترین عواملی بودند که استفاده از صنعت و گسترش آن بیش‌تر، مورد توجه قرار گرفت.

تاریخچه‌ی صنعت

دقیقاً انسان با استفاده از منابع اولیه و بهره‌گیری از آن؛ مانند: چوب، تخته و نیز، ذوب آهن و فلزات با کوشش و تلاش جسمی، این کار را الی آخر قرن هجدهم میلادی و آغاز قرن نوزدهم ادامه داد، یعنی تا زمانی که منبع جدید انرژی که همانان بخار بود، کشف گردید. این پیشرفت سریع، تنها در بخش صنعت بود که اتفاق افتاد. در ابتدا کارخانه‌جات محدود و به شکل دستی و ابتدایی بودند، زمانی که انسان نسبت به استخدام و به کار گرفتن بخار در ساده کردن وسایل به پیشرفت دست یافت، کارخانه جات جدید، جای کارخانه جات دستی را گرفت، و با آمدن این اختراعات مدرن، انقلاب خطرناکی در بخش صنعت رُخ داد، چنانچه تولید با اندازه‌ی افزایش یافت که هرگز کسی تصور آن را نمی‌کرد و صنایع خودکار، یکی از پایه‌های زندگی اقتصاد بشر قرار گرفت.

از آن‌جایی که انرژی، ستون فقرات صنعت به حساب می‌رود، انسان‌ها همیشه در تلاش این بوده اند که از منبع انرژی بگونه‌ای زیاد و آسان استفاده نمایند، ذغال سنگ را توسط قوه بخار به انرژی تبدیل کردند که از آن، نتیجه مثمثری به دست آوردند با ادامه این روند ذغال سنگ، منبع کلیدی انرژی تا اوایل نیمه قرن بیستم قرار گرفت. سپس نفت، جای ذغال سنگ را پر نمود. در نیمه دهه شصت،

پوهندوی داد الله برهانی

نفت منبع اصلی انرژی در جهان تبدیل شد و ذغال سنگ در رتبه دوم قرار گرفت. به دنبال آن گاز طبیعی بزرگ‌ترین کمک در انرژی جهان جای‌گاه پیدا نمود.

در جریان جنگ دوم جهانی و پس از آن، منبع جدیدی بروز نمود که همانا، انرژی هسته‌ای می باشد. دولت‌های متخاصم و در حال جنگ با یک‌دیگر با تمام توان، سرگرم کشف راز و رمز نیروی هسته‌ای شدند. از آن زمان به بعد صنعت هسته‌ای، پیوسته و با جدیت تمام، در حال پیشرفت است (آبورشته، ۱۴۱۱هـ، سیاست التصنيع وبناء الدولة صناعياً من وجهة نظر الإسلام: ۳).

حکم ایجاد صنعت بالای دولت و اُمت از دیدگاه اسلام

باید گفت که ایجاد انقلاب صنعتی بالای دولت و ملت، یک امر واجب و ضروری است؛ زیرا ایجاد پیشرفت صنایع سنگین از واجب شرعی بوده که بالای دولت اسلامی و مسلمانان فرض می‌باشد طوری - که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ [الانفال: ۶۰].

ترجمه: و آنچه نیرو در توان داری برای (مقابله با) آنها [دشمن] آماده سازید.

فخر رازی در تفسیر این آیه می‌گوید:

مقصود از «قوه» در این جا هر چیزی است که سبب به دست آمدن قدرت شود. و وجوه مختلفی

برای آن ذکر کرده‌اند:

اول: مقصود از قوه، انواع سلاح‌هاست.

دوم: روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) این آیه را بر منبر خواند و فرمود: «أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِّيَّ، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِّيَّ» آگاه باشید که قوه، تیراندازی است. این را سه بار تکرار کرد.

سوم: برخی گفته‌اند قوه یعنی دژها و قلعه‌های محکم.

چهارم: اهل معانی (مفسران) گفته‌اند: درست‌تر آن است که بگوییم این آیه عام است و شامل هر چیزی می‌شود که در جنگ با دشمن به کار آید، و هر وسیله‌ای که برای جهاد و غزوه استفاده شود، جزئی از «قوه» محسوب می‌شود. و سخن پیامبر (صلی الله علیه وسلم) که فرمود: «قوه، تیراندازی است»، به این معنا نیست که غیر از تیراندازی اعتباری ندارد، همان‌گونه که فرمود: «حج، عرفه است» و «ندامت، توبه است»، به این معنا نیست که غیر از این‌ها اعتبار ندارد، بلکه نشان می‌دهد که این مورد ذکرشده، بخشی مهم و شریف از مقصود است. همین‌گونه در اینجا نیز چنین است.

و این آیه دلالت دارد بر اینکه آمادگی برای جهاد با تیر و سلاح، آموزش سوارکاری و تیراندازی، یک فریضه است، اما از جمله واجبات کفایی می‌باشد (رازی، محمد، ۱۴۲۰هـ، مفاتیح الغیب، ۴۲۳/۷).

دلایل ضرورت انقلاب صنعتی در جوامع اسلامی

۱- نجات از وابستگی بیگانگان

دولتی که صنعت تولید ماشین آلات در آن وجود نداشته باشد، قطعاً به سایر دولت‌های دیگر که صنعت ماشین آلات را در اختیار ندارد محتاج خواهد بود چنان‌که نبود صنعت ماشین آلات و ابزار سنگین دولت را ناتوان ساخته و سایر پایه‌های اساسی دولت را متزلزل می‌سازد. دولت‌ها باید در پهلوی این که دست به صنعتی سازی گسترده بزنند همچنان در توسعه‌ای صنعت جدید، نیز پیش‌دستی نمایند؛ این مسأله به ویژه در زمان بروز دشمنی میان دولتی که این امکانات را در اختیار دارد و دولت واردکننده ماشین آلا جنگی مورد نیاز. خطر جدی را بوجود می‌آورد، زیرا امنیت و حاکمیت دولت واردکننده را با خطر نابودی مواجه می‌کند اما دولت‌هایی که همیشه واردکننده اند به ویژه کشورهای عقب‌مانده، در هر زمانی نیازمند کمک‌های بیگانه‌گان، از جمله قدرت‌های غربی می‌باشند. احتمالاً در چنین شرایط دولتی که خودش صنایع مورد نیازش را برآورده نتواند و یا تولید تمام وسایل سنگینی را که برای حفظ کیان و بقایش وابسته است نتواند فراهم سازد، در آن صورت هر گونه تهدید، می‌تواند آن را نابود سازد (آبورشته، عطاء، ۱۴۱۱هـ، سیاست التصنیع و بناء الدولة صناعياً من وجهة نظر الإسلام: ۷).

در عدم موجودیت صنایع سنگین و کارخانه‌جاتی که در سرزمین‌های اسلامی وجود دارند مسلمانان و حاکمیت آنها در هر شرایطی به ویژه در شرایط جنگ و تهدید، نیازمند کمک‌های بیگانه‌گان خواهد بود چنانچه در شرایط کنونی و در نبود حاکمیت اسلامی چنین است. لذا تا زمانی که صنایع مورد نیاز دولت مطابق آنچه که در عصر حاضر بدست استعمارگران در سرزمین‌های اسلامی استخراج و مورد استفاده قرار می‌گیرد، توقف داده نشود، به صورت همیشگی در برابر هر نوع تهدید می‌تواند بر بیگانگان محتاج خواهیم بود. هرچند ایستادگی در برابر وضعیت کنونی در کوتاه مدت اضرار اش متوجه ما خواهد بود، ولی آنچه می‌توان آن را فواید دایمی عنوان نمود، بیرون شدن از روند کنونی هست که استعمارگران با استفاده از امکانات مسلمانان بر پیشرفت خود و عقب‌مانی سرزمین‌های اسلامی متوسل شده‌اند. با این انقلاب می‌توان صفحه‌ای جدیدی از بیداری صنعتی را بوجود آورد.

بناءً در عدم توجه به صنعت سازی نزد مسلمانان و حتی سایر ملت‌هایی که استعمار، آن‌ها را مورد تجاوز قرار داده است، از وابستگی دایمی نجات نخواهند یافت آنچه‌که در شرایط کنونی، بسیاری از گروه‌های اسلامی بدون در نظر داشت این روند، دست به انقلاباتی مختلف زدند، سرانجام بر تسلط و حاکمیت کفار بر سرزمین‌های اسلامی انجامید. در حالی‌که الله متعال، تسلط و حاکمیت کفار بر مسلمانان را حرام قرار داده و می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۱]. ترجمه: الله سبحانه و تعالی هرگز برای کافران راهی به (زیان) مؤمنان قرار نداده است.

۲- تدارک نظامی برای آمادگی جنگ با کفار جهت رسانیدن دعوت اسلامی

تدارک و آمادگی مطلوب، بر هراسانیدن و ارهاب انداختن در دل دشمن و رسانیدن پیام الهی به آن‌ها، بالای مسلمانان، فرض می‌باشد. اما اگر چنین امکانات نزد مسلمانان وجود نداشته باشد و یا مسلمانان به ویژه، حاکم مسلمان بر این امر توجه جدی نداشته باشد، نه تنها این تطبیق احکام، تحقق نخواهد یافت بل هیچ نوع پیشرفتی در میان مردم بوجود نخواهد آمد (أبوزهرة، ۱۴۱۵هـ، العلاقات الدولية فی الاسلام: ۵۳).

بنابراین معنا و مفهوم هراسانیدن و ارهاب دشمن در اسلام به معنای زیر بنای صنعت و انقلابی صنعتی می‌باشد. چنان‌که الله سبحانه و تعالی به این امر تأکید نموده می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾ [الأنفال: ۶۰].

ترجمه: و آنچه نیرو در توان داری برای (مقابله با) آن‌ها [دشمن] آماده سازید، و از اسبان بسته (ورزیده، مهیا کنید) تا به وسیله آن دشمن الله و دشمن خود را بترسانید، و (هم چنین) دشمنان دیگری غیر از آن‌ها را که شما نمی‌شناسید و الله آن‌ها را می‌شناسد (بترسانید) و هر چیزی را که در راه الله سبحانه و تعالی خرج می‌کنید، (پاداش) به تمام و کمال به شما داده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد. بدون شک جهاد، بلندترین قله اسلام بوده و یگانه طریقه‌ی اساسی برای نشر اسلام در خارج از جغرافیای اسلامی می‌باشد. جهاد بر صنعت جنگی استوار است، هرگاه بر دولت کافر اعتماد شود بدون آنکه توجه بر تقویت صنایع سنگین در برابر هر نوع تجاوز و تهدید صورت گیرد به این معناست که هدف اصلی جهاد معطل قرار داده شده است.

هم چنین قاعده فقهی مشهور است که: "ما لا يتم الواجب إلا به فهو واجب" (الزحیلی، محمد مصطفی، ۱۴۲۷هـ، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة: ۸۹۱/۲).

یعنی چیزی که منجر به تطبیق واجب (فرض) شود همانا خود آن، نیز واجب می‌گردد" بناءً، صنایع سنگین و ایجاد ماشین آلات، نیز برای مسلمانان و دولت اسلامی از مهم‌ترین فرض است.

۳- دفاع از ارزش‌های اسلامی در برابر تهاجم فرهنگی

انقلاب صنعتی، در واقع، بخشی از یک جنگ تمدنی با غرب است. امت اسلامی زمانی می‌تواند این نبرد تمدنی را به پیروزی برساند که همان قدر که در ایمان و فکر قوی است، در فناوری و تولید، نیز پیشتاز باشد. صنعت گرایی آزادی، یعنی باز پس‌گیری حاکمیت و داشتن اختیار و تصمیم‌گیری، که به خودی خود، انقلابی است بر ضد نفوذ خارجی و چالشی برای آن. این انقلاب با توطئه‌های سیاسی متعددی روبرو خواهد شد. در عصر حاضر، اکثریت سرزمین‌های اسلامی به ویژه، خاورمیانه، عاری از صنایع سنگین و ماشین آلات مورد نیاز برای حمایت از منابع و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. برعکس، این کشورها تمام صنایع و ماشین آلات مورد نیاز خود را از آمریکا و اروپا وارد می‌کنند. جالب این‌که اکثر صنایع و ماشین آلات که وارد سرزمین‌های اسلامی می‌شود استهلاکی و دست دوم و سوم می‌باشد که غرب انواع پیشرفته‌تر از آن را تولید نموده، و اما تولیدات استهلاکی دست دوم و سوم را برای حاکمان سرزمین‌های اسلامی در برابر پول گزاف به فروش می‌رسانند. از این رو دست به کارشدن با صنایع سنگین در سرزمین‌های اسلامی از یک طرف، باعث بدست آوردن این بازار و مارکیت پُر منفعت می‌شود، و از طرف دیگر، ما را از دست درازی کشورهای دیگر رهایی کامل می‌بخشد؛ البته در صورتی که ما چنین انقلابی را برپا نماییم. علاوه بر آن، خرید صنایع و ماشین‌الات خارجی، هزینه زیادی را دارا است که به نرخ بلند به ما فروخته می‌شود. اگر ما دست به چنین انقلاب بزرگ بزنیم با در نظر داشت نفت، منابع طبیعی فراوان و نیروی بشری پر انرژی و جوانی که داریم به آسانی می‌توانیم از این امکانات دست آوردهای بزرگی را در میان بشریت از آن خود سازیم تا این‌که محتاج به صنایع دست و سوم اروپا و آمریکا باشیم (أبورشته، ۱۴۱۱هـ، سياسة التصنيع وبناء الدولة صناعياً من وجهة نظر الإسلام: ۷).

۳- افزایش قدرت ژئوپلیتیکی

قدرت اقتصادی و صنعتی، یکی از عوامل مهم در تعیین جای‌گاه کشورها در عرصه بین‌المللی است. یکی از ابزارهای سلطه استعمارگران بر سرزمین‌های اسلامی، برتری صنعتی آنان می‌باشد. کشورهای صنعتی نفوذ بیشتری در معادلات جهانی دارند و می‌توانند سیاست‌های خود را به طور مؤثری اجرا کنند و در سطوح تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرند. ناگفته نماند که، صنعت باید بر مبنای صنایع جنگی

استوار گردد؛ این بدین معناست که صنعت جنگی باید گذشته از سایر بخش های صنعتی، اساسی ترین هدف صنایع سنگین باشد؛ زیرا که دولت، بدون صنعت جنگی، حتی اگر در سایر بخش های صنعتی دیگر، پیشرفت داشته باشد در عرصه های بین المللی و سیاست جهانی، بی تأثیر خواهد بود. مسلمانان باید، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی، از موقف برتر و دست بالا برخوردار باشند. همان طوری که الله متعال در قرآن عظیم الشان می فرماید: ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالُكُمْ﴾ [محمد: ۳۵].

ترجمه: سست مشوید، و (کافران را) به صلح مخوانید، چرا که شما برترید و خدا با شما است، و هرگز از (اجر و ثواب) اعمالتان نمی کاهد. ملتی که در فقر دست و پنجه کند و دست به تکدی زند، هیچ گاه دست بالا نمی داشته باشد و نمی تواند رهبری و سیادت دنیا را به دست گیرد و همیشه دنباله رو دیگران می باشد.

۵- ایجاد اشتغال پایدار و کاهش فقر

بحران بیکاری، یکی از معضلات اصلی بسیاری از کشورهای اسلامی است. رشد صنایع و فناوری های نوین، می تواند به کاهش بیکاری در جوامع اسلامی کمک کند. توسعه ای صنعتی فرصت های شغلی جدیدی ایجاد می کند و نیروی کار را از مشاغل سنتی به سمت مشاغل پر درآمدتر و پایدار سوق می دهد. سرزمین های ما با تمام آنچه که در انقلاب صنعتی ضرورت است، برخوردار است. کثرت مواد خام به شکل کافی جهت ایجاد صنایع سنگین، رهبری جهان برای سعادت مندی مسلمانان، نه غصب کردن ثروت های و ریختاندن خون آن ها، چنانکه دولت های صنعتی و پیشرفته فعلی بر اساس نظام سرمایه داری چنین سیاست های را به پیش می برند.

صنعتی سازی می تواند فرصت های شغلی متنوعی برای جوانان فراهم کند، به ویژه در بخش های تولیدی، فناوری، مهندسی و خدمات صنعتی که منجر به کاهش نرخ بیکاری در جوامع اسلامی می شود.

برای کاهش فقر و بیکاری، دین اسلام توجه خاصی به کار و عمل نموده است و شخصی که توانایی کار و فعالیت را دارد، بروی لازم گرانید که کار و عمل نماید. انقلاب صنعتی هرگز بدون کار و عمل، به وجود نمی آید و جوامع بیکار و تنبل هرگز نمی تواند دست به انقلاب صنعتی بزند.

الله متعال، همان طوری که به نماز امر کرده است، با نفس همان صیغه، به کار و عمل هم امر نموده است طوری که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الجمعة: ۹].

ترجمه: ای مؤمنان! هنگامی که روز آدینه برای نماز جمعه اذان گفته شد، به سوی ذکر و عبادت خدا بشتابید و داد و ستد را رها سازید. این (چیزی که بدان دستور داده می شوید) برای شما بهتر و سودمندتر است اگر متوجه باشید.

و بعد از ادای نماز جهت بدست آوردن رزق حلال امر نموده که در زمین پراکنده شوید. طوری که می فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الجمعة: ۱۰].

ترجمه: آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید، تا این که رستگار شوید. بدست آوردن رزق حلال بدون کار و عمل، امکان پذیر نمی باشد.

البته کار، کلمه ای است که جامع تمام معانی سعی و کوشش است و هر گونه کار و فعالیت را شامل می شود، اعم از کار زراعتی، تجارتي، فرهنگی، علمی، صنعتی، سیاسی و غیره. همه انواع کار در ایجاد انقلاب صنعتی نقش بسزا دارند.

در مورد کار صنعتی، الله متعال می فرماید: ﴿أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [السبا: ۱۱].

ترجمه: (ما به داود دستور دادیم) که زره های کامل و فراخ بساز، و بافته های (حلقه های آنها) را به اندازه و متناسب کن، و کار شایسته ای انجام دهید (و دقت کافی در کیفیت و کمیت محصول و مصنوع خود داشته باشید) چرا که من می بینم آنچه را که انجام می دهید (و ساخته و پرداخته کسی، بی حساب و کتاب نمی ماند).

الله متعال در قرآن کریم جمعاً (۲۷۴) بار واژه عمل و مشتقات آنرا به کار گرفته که نشانه اهمیت در زندگی انسان ها است. طوری که الله متعال می فرماید:

﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسِرِّي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [التوبه ۱۰۵].

پوهندوی داد الله برهانی

ترجمه: و بگو عمل کنید پس به زودی خدای تعالی و رسولش و مؤمنان کار شما را می بینند و بسوی دانای نهان و آشکار بر می گردید پس او شما را به آنچه که عمل کردید خبر می دهد. ملتی که کار و عمل نکند، هرگز قادر به ایجاد تغییر نخواهد بود. طوری که الله متعال می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ} (رعد: ۱۱).

ترجمه: خداوند وضعیت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آن که خودشان وضعیت شان را تغییر دهند

این آیه، در واقع، نشان دهنده اهمیت تلاش و پیشرفت در تغییر شرایط زندگی انسان ها است. در مورد حرفه و صنعت پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُحْتَرِفَ» (طبرانی، المعجم الأوسط، شماره حدیث: ۸۹۶).

ترجمه: خداوند بنده ای را که حرفه ای دارد و کار می کند، دوست دارد

۶- ضرورت تحقق استقلال سیاسی و اقتصادی

صنعت، در نظام اسلامی فقط برای تولید کالاهای مصرفی نیست بلکه وسیله ای برای تحقق استقلال واقعی امت از سلطه ای استعماری غرب و باز دارندگی نظامی و حفظ امنیت امت اسلامی در برابر تهدیدات خارجی است. صنعت سنگین، محور اصلی سیاست صنعتی است از این رو اقتصاد دانان، صنعت را به دو نوع تقسیم می کنند، صنایع سبک و مصرفی (مثل صنایع غذایی، نساجی و غیره) و دیگر صنایع سنگین و استراتژیک مثل صنایع هواپیما، نظامی، ماشین آلات، انرژی و فناوری اطلاعات. تمرکز دولت اسلامی باید بر صنایع سنگین باشد؛ زیرا که استقلال واقعی را تضمین می کند و امکان ساخت تجهیزات نظامی پیشرفته و زمینه ای انتقال قدرت علمی و فنی به امت اسلامی را مهیا می سازد. الله متعال، بخاطر اشغال و استعمار سرزمین های اسلامی، جهاد را در قدم نخست، بالای اهل منطقه و در مرحله بعدی، بالای تمام امت مسلمه فرض گردانیده است تا دشمن استعمارگر و متجاوز را از سرزمین های اسلامی بیرون نماید. و جهاد بدون داشتن صنایع سنگین نظامی، امکان پذیر نخواهد بود همان طوری که الله متعال می فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ [الأنفال: ۶۰].

ترجمه: و آنچه نیرو در توان دارید برای (مقابله با) آنها [دشمن] آماده سازید.

قوت، در این آیه به صورت مطلق آمده و شامل قدرت صنعتی، نظامی، اقتصادی و علمی می شود. الله متعال در این آیت، خود مسلمانان را امر نموده که اسلحه را بسازند نه اینکه انتظار بکشند، تا دشمن به آنها اسلحه تهیه نماید؛ چون با اسلحه دشمن، نمی شود جهاد نمود و توسط اسلحه دشمن،

پوهندوی داد الله برهانی

نمی‌شوده به سوی دشمن نشانه گرفت. نمونه‌اش را می‌توانیم در جنگی که حزب الله لبنان در سال (۱۴۰۳هـ) با اسرائیل نمود، مشاهده نمود که در جنگ، حزب الله لبنان از بیج‌های که شرکت خارجی به آنها درست کرده بود و به هدایت اسرائیل مواد منفجره در آنها جابجا شده بود حینی که اسرائیل خواست آنها را نابود سازد با یک فشار دادن دکمه، تعداد زیادی از آنها را کشته و زخمی ساخت. اگر آن بیج‌ها، توسط خود آنها و در شرکت خود آنها ساخته می‌شد، چنین اتفاقی رخ نمی‌داد.

قرطبی در رابطه به تفسیر آیه ای فوق، چنین می‌گوید:

خداوند به مؤمنان دستور داده است که در برابر دشمنان، نیرو و امکانات آماده کنند این آیه دلالت بر وجوب آماده‌سازی قدرت نظامی دارد، برای در امان ماندن از هجوم و شدت دشمن. و در زمانی که اُمراء و حکام بر مقتضای این آیه در دوران تمدن اسلامی عمل می‌کردند، اسلام عزیز و بزرگ بود، ستم ناپذیر، با نیزه‌ای نیرومند، دارای جای‌گاهی بلند و آوازه‌ای گسترده بود؛ زیرا پرچم حکومت خود را بر گستره زمین گسترانید و بر سرزمین‌ها و شهرها مسلط شد. اما امروز، مسلمانان عمل به این آیه کریمه را رها کرده‌اند و به رفاه و نازپروردگی روی آورده‌اند، پس واجبی از واجبات کفایی را ترک کرده‌اند و تمام امت به سبب ترک این فریضه گناه‌کار شده‌اند، و به همین دلیل امروز آن رنج‌هایی را تحمل می‌کنند که می‌بینند.

چگونه دشمن به سرزمین‌های اسلام طمع نورزد، در حالی که در آن هیچ کارخانه‌ای برای ساخت سلاح و مهمات جنگ نمی‌بیند، بلکه همه این‌ها را از کشورهای دشمن خریداری می‌کند؟ آیا زمان آن نرسیده که از غفلت خود بیدار شوند و آنچه را خداوند برای مقابله با دشمنان دستور داده آماده کنند، و کوتاهی‌های گذشته را جبران نمایند، پیش از آنکه دشمن با سپاه خود به آنچه از سرزمین‌هایشان باقی مانده یورش برد؟

همانا نیرویی که خداوند از مؤمنان خواسته تا برای ترساندن دشمنان آماده کنند، شامل هر چیزی می‌شود که موجب قدرت مؤمنان گردد. مانند آماده‌سازی سپاه‌های آموزش دیده و سلاح‌های گوناگون که بستگی به زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت است. و آنچه در تفسیر «قوه» (که در آیه آمده) به «پرتاب تیر» روایت شده، تنها به عنوان مثال است، زیرا در آن زمان، تیراندازی، قوی‌ترین ابزار جنگ محسوب می‌شد (قرطبی، محمد، ۱۳۸۴هـ، الجامع لأحكام القرآن، ۳۵/۸).

۷- ضرورت عمران و آبادانی زمین

عمران و آبادانی زمین، نیازمند توسعه‌ای صنعت کشاورزی، فناوری و مدیریت منابع است. از دیدگاه شریعت اسلامی، رها کردن صنعت و تکنالوژی، نوعی ترک عمران و تخلف از وظیفه خلافت است. طوری که الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ﴾ [هود: ۶۱]. ترجمه: او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است (و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطاء و در شما پدید آورده است). وجه استدلال: الله متعال در این آیه، عمران و آبادانی زمین را بر انسان‌ها واجب گردانیده است و همین عمران و آبادانی، صنعت گفته می‌شود.

یافته ها

انقلاب صنعتی در جوامع اسلامی، ابزاری ضروری برای احیای اقتدار سیاسی، استقلال نظامی و رهبری تمدنی امت اسلامی است. وابستگی صنعتی و یا عدم استقلال صنعتی به صورت مستقیم با سلطه‌ای فرهنگی و سیاسی غرب پیوند دارد. بنا بر این، توسعه‌ای فناوری باید هم زمان با خود باوری و اتکاء به عقیده اسلامی باشد. کشورهای اسلامی، به رغم دارا بودن منابع عظیم طبیعی، به دلایل مختلفی هم چون استعمار، وابستگی اقتصادی، ضعف در نوآوری و نبود زیر ساختهای قوی از لحاظ صنعتی، عقب مانده اند. برای جبران این عقب ماندگی و ورود به عرصه رقابت جهانی، صنعتی شدن، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

سیاست صنعتی، فقط با وجود ساختار نظام اسلامی ممکن است، چرا که تنها چنین دولتی توان بسیج امت و جهت دهی به صنعت بر اساس عقیده اسلامی را دارد. تمرکز نظام اسلامی، بیشتر بر صنایع کلیدی بوده از جمله، صنایع نظامی، سنگین، هوا پیم، موشک، پهپاد، سلاح های هوشمند، انرژی و اطلاعات، اولویت های اصلی در انقلاب صنعتی اسلامی هستند که باید هدف گذاری شود.

مناقشه

بحث در باره ضرورت انقلاب صنعتی در جوامع اسلامی، نه صرفاً یک مسأله‌ی تکنولوژیک یا اقتصادی، بلکه یک مسأله تمدنی و راهبردی است. از منظر دانشمندان اسلامی، فقدان صنایع سنگین و پیشرفته در سرزمین های اسلامی، نه تنها نشانه‌ای از عقب ماندگی فناورانه است، بلکه نشانه‌ی از وابستگی سیاسی، نظامی و فرهنگی به غرب به شمار می‌آید. انقلاب صنعتی در واقع، یکی از ابزار سلطه‌ای تمدنی غرب می‌باشد و امت اسلامی، تنها با احیای قدرت صنعتی مستقل می‌تواند به استقلال

پوهندوی داد الله برهانی

حقیقی و رهبردی تمدنی باز گردد. در جهان امروز، پیشرفت صنعتی، از عوامل اصلی قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها به شمار می‌رود. جوامع اسلامی برای رسیدن به استقلال واقعی و جایگاه شایسته در جهان، نیازمند انقلاب صنعتی بومی هستند. اما این مسیر باید در چارچوب ارزش‌ها و احکام اسلامی طی شود. دیگر اینکه صنعت باید بر مبنای صنایع جنگی استوار گردد؛ این بدین معناست که صنعت جنگی باید گذشته از سایر بخش‌های صنعتی، اساسی‌ترین هدف صنایع سنگین می‌باشد. در اینجا متذکر باید شد که دولت بدون صنعت جنگی، حتی اگر در سایر بخش‌های صنعتی دیگر پیشرفت داشته باشد در عرصه‌های بین‌المللی و سیاست جهانی بی‌تأثیر خواهد بود.

البته خاطر نشان باید نمود که بنا بر پیشینه تحقیق همه علماء و دانشمندانی که پیرامون این موضوع قلم فرسایی نموده‌اند، اذعان نمود که حکم ایجاد انقلاب صنعتی، از دیگاه اسلام، بالای دولت و ملت، یک امر واجب و ضروری می‌باشد؛ زیرا ایجاد پیشرفت صنایع سنگین از واجب شرعی بوده که بالای دولت اسلامی و مسلمانان فرض می‌باشد. هم چنین نظر به قاعده فقهی مشهور: "ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب" چیزی که منجر به تطبیق واجب (فرض) شود همانا خود آن، نیز واجب می‌گردد. "بنای صنایع سنگین و ایجاد ماشین‌آلات، نیز برای مسلمانان و دولت اسلامی از مهم‌ترین فرض است، فرضی که باید انجام شود، و در عدم انجام آن هیچ اختیاری نبوده مگر عقوبت و عذاب زیرا که در عدم موجودیت صنایع سنگین و کارخانه جاتی که در سرزمین‌های اسلامی وجود دارند مسلمانان و حاکمیت آنها در هر شرایطی به ویژه در شرایط جنگ و تهدید نیازمند کمک‌های بیگانه گان خواهد بود. لذا تا زمانی که صنایع مورد نیاز دولت، مطابق آنچه که در عصر حاضر بدست استعمارگران در سرزمین‌های اسلامی استخراج و مورد استفاده قرار می‌گیرد، توقف داده نشود، به صورت همیشگی در برابر هر نوع تهدید می‌تواند بر بیگانه گان محتاج خواهیم بود.

نتیجه‌گیری

از خلال مطالبی که در فوق آن را بررسی نمودیم به این نتیجه دست پیدا می‌کنیم که: انقلاب صنعتی در جوامع اسلامی نه تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه یک مسئولیت دینی، اجتماعی و تمدنی است که بدون انقلاب صنعتی مستقل، امت اسلامی نمی‌تواند به عزت و رهبری جهانی باز گردد. این تحول باید در راستای اهداف بزرگ اسلام، یعنی عدالت، رفاه عمومی، توسعه ای علمی و اخلاق محوری انجام شود. جوامع اسلامی اگر این مسیر را با اتکا به ایمان و علم مدیریت طی کنند، می‌توانند به جایگاه شایسته‌ای در سطح جهانی دست یابند و الگویی برای سایر ملل باشند. انقلاب

پوهندوی داد الله برهانی

صنعتی و توسعه‌ای پایدار برای جوامع اسلامی، فرصتی برای رشد و پیشرفت است. با سرمایه‌گذاری در فناوری، اصلاح ساختارهای اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های بومی، کشورهای اسلامی می‌توانند در مسیر توسعه قرار گیرند. کشورهای اسلامی باید بر تکیه بر دانش، نوآوری و برنامه‌ریزی استراتژیک، آینده‌ای پایدار و رقابت پذیر را رقم بزنند. انقلاب صنعتی برای جوامع اسلامی، نه تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت حیاتی است، بدون توسعه‌ای صنعتی، این کشورها از نظر اقتصادی، علمی، اجتماعی و سیاسی دچار ضعف خواهند شد و از رقابت جهانی عقب خواهد ماند. بنا بر این، سرمایه‌گذاری در فناوری آموزش، تحقیق و توسعه و ایجاد زیر ساخت های صنعتی، از مهمترین اولویتهایی است که باید در جوامع اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادهات

برای غلبه بر مشکلات و حرکت عملی در مسیر صنعت گرایی، اقدامات زیر باید انجام داده شود:

- ۱- توسعه منابع انسانی اسلامی
صنعتی شدن بدون ایجاد نسلی از مهندسان، دانشمندان و متخصصان متعهد به اسلام امکان پذیر نیست؛ لذا نظام آموزشی باید باز سازی شود. تمرکز باید بر تربیت افراد خلاق، مستقل و دارای روحیه جهادی باشد. علم و صنعت در خدمت اهداف امت اسلامی قرار گیرد نه غرب.
- ۲- تحریم کامل الگوی توسعه غربی
نظام اسلامی، باید الگوی خاص خود را از درون احکام اسلامی استخراج نماید. زیرا الگو برداری از نظام های غربی، مبتنی بر مفاهیم مادی گرایانه، سکولاریزم و استعمار فرهنگی بوده و جامعه اسلامی را وابسته، مصرف گرا و متلاشی می‌کند.
- ۳- اعتماد بر تجربیات خود:
جلوگیری از نفوذ خارجی در فرایند صنعتی، به ویژه کار شناسان؛ زیرا این یکی از روشهای نفوذ بیگانگان به کشورهای اسلامی است. ایجاد صنایع سنگین باید تنها توسط مردم کشور انجام شود.
- ۴- تأمین مالی پروژه ها از منابع داخلی کشور
دولت باید از کمک‌ها و وامهای خارجی، چه از مؤسسات بین المللی یا آن‌هایی که به کشورهای بزرگ یا بانک‌های خصوصی تعلق دارند، خود داری کند؛ زیرا که این وامها و کمک‌ها معمولاً برای کنترل کشورهای بدهکار و فقیر کردن آنها، ارایه می‌شود.
- ۵- توقف در صنایع مصرفی و توجه بیشتر به صنایع ماشین آلات و آغاز تولید صنایع سنگین.

پوهندوی داد الله برهانی

پیشرفت مادی و تبدیل کشور به یک کشور صنعتی، تنها با شروع صنایع سنگین ممکن است. بنا بر این، باید تلاش‌ها معطوف به راه‌اندازی صنایع سنگین شود.

۶- مدیریت منابع داخلی

تمامی عواملی که منجر به انقلاب صنعتی می‌گردد در اختیار مان قرار دارد؛ زیرا زمین از آن ماست، ثروت از آن ماست، نیروی کار ماهر شامل کارشناسان، مهندسان و کارگران از میان فرزندان ماست و آن‌ها در سرزمین ما حضور دارند و تنها چیزی که کم دارند، مدیریت و هدایت صحیح است.

منابع

قرآن کریم

إبراهيم مصطفى / أحمد الزيات / حامد عبد القادر / محمد النجار، (ب ت) المعجم الوسيط، دار الدعوة.

ابن أبي الدنيا، أبو بكر عبد الله، (١٤١٤هـ) إصلاح المال، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت، لبنان.

ابن حنبل، أحمد، (١٤١٦هـ) مسند الإمام أحمد بن حنبل، دار الحديث - القاهرة.

ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، مترجم، محمد پروين گنابادی، (١٣٣٦هـ) تهران، نشر احسان.

أبورشته، عطاء، (١٤١١هـ) سياسة التصنيع وبناء الدولة صناعياً من وجهة نظر الإسلام، عمان، دار الدعوة.

أبورشته، عطاء، (١٤١١هـ) السياسة الصناعية في الدولة الإسلامية، عمان، دارالدعوة.

أبوزهرة، محمد، (١٤١٥هـ) العلاقات الدولية في الاسلام، دارالفكر العربي، بيروت.

بلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر بن داود، (١٩٨٨م) فتوح البلدان، بيروت، دار ومكتبة الهلال.

رازي، محمد بن عمر، (١٤٢٠هـ) مفاتيح الغيب، دار إحياء التراث العربي، بيروت.

الزحيلي، محمد مصطفى، (١٤٢٧هـ) القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، دارالفكر، دمشق.

زيدان، جرجي، (١٣٨٩هـ) تاريخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش: علي جواهر كلام، تهران، مؤسسه انتشارات امير كبير.

طبراني، سليمان بن أحمد، (١٤٠١٥هـ) المعجم الأوسط، دار الحرمين، القاهرة.

عميد، حسن، (١٣٦٤هـ) فرهنگ عميد، امير كبير، تهران، ايران.

قرطبي، محمد، (١٣٨٤هـ) الجامع لأحكام القرآن، دار الكتب المصرية، القاهرة.

مصطفى، ابراهيم / احمد الزيات / حامد عبد القادر / محمد نجار / تحقيق، مجمع اللغة العربية بالقاهرة (ب ت) دار الدعوة.

واقدي، محمد بن عمر، (١٤٠٩هـ) المغازي، دار الأعلمي، بيروت.

نقش ادبیات در آگاهی دهی انقلاب صنعتی و تأثیر آن بر توسعه پایدار افغانستان

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی^۱، نامزد پوهنیار محب الله قیومی^۲، نامزد پوهنیار محمد بارز بهروز^۳

۱. دیپارتمنت فارسی دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: muhebullahquomi@gmail.com

چکیده

ادبیات همواره به عنوان آینه‌یی از تحولات اجتماعی و فکری بشر، نقش مهمی در آگاهی دهی نسبت به علم، فناوری، حفاظت از محیط زیست، و ارزش های اجتماعی و اخلاقی داشته است. این مقاله با تمرکز بر نقش ادبیات در آگاهی دهی پیرامون انقلاب صنعتی و توسعه پایدار، به بررسی محتوای ادبیات فارسی می پردازد. نویسندگان با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، متون منظوم و منثور ادبیات معاصر را واکاوی کرده و نشان می دهند که چگونه آثار ادبی می توانند نگرش ها و رفتارهای زیست محیطی، اجتماعی و علمی را در میان مردم تغییر دهند. در این مقاله، نمونه هایی از اشعار شاعران برجسته چون سهراب سپهری، محمود طرزی، مستغنی و قاری عبدالله، استاد خلیل الله خلیلی و میر بهادر واصفی تحلیل شده و تأثیر آن ها بر شکل گیری فرهنگ علمی، اخلاقی، و زیست محیطی بررسی شده است. ادبیات، به ویژه در جوامع در حال گذار مانند افغانستان، می تواند نقشی محوری در شکل گیری ذهنیت توسعه گرا، صنعتی و پایدار ایفا نماید.

واژه های کلیدی: ادبیات، آگاهی دهی، انقلاب صنعتی، توسعه پایدار، محیط زیست، ارزش های

اجتماعی، تعلیم و تربیه، فناوری

Examining the Role of New Media and Artificial Intelligence in the Path of the Industrial Revolution and Achieving Sustainable Development in Afghanistan

Assistant Professor Mir Ahmad Khosraw Wasifi^{1*}, Teaching Assistant Muhebullah Qaumi³, Teaching Assistant Mohammad Bariz Behroz³

1. Department of Dari Persian, Faculty of Languages and Literature, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: muhebullahqaumi@gmail.com

Abstract

Literature has always served as a mirror reflecting humanity's social and intellectual transformations, playing a vital role in raising awareness about science, technology, environmental protection, and social and ethical values. This paper focuses on the role of literature in promoting awareness around the industrial revolution and sustainable development, analyzing the content of Persian literature. Using an analytical-descriptive method, the author examines contemporary poetic and prose texts to demonstrate how literary works can influence people's environmental, social, and scientific attitudes and behaviors. The study analyzes examples from prominent poets such as Sohrab Sepehri, Mahmud Tarzi, Mostaghni, Qari Abdullah, and Khalilullah Khalili, exploring their impact on the formation of scientific, ethical, and environmental culture. In transitional societies like Afghanistan, literature can play a central role in shaping a mindset oriented toward industrial, sustainable development.

Keywords: Literature, awareness, industrial revolution, sustainable development, environment, social values, education, technology

مقدمه

در عصر کنونی، ادبیات به عنوان یکی از نیرومندترین ابزار فرهنگی، فراتر از زیبایی شناسی و تخیل، به ابزاری مؤثر برای آگاهی دهی در عرصه های کلان اجتماعی، زیست محیطی، علمی و اقتصادی تبدیل شده است. این مقاله با عنوان «نقش ادبیات در آگاهی دهی انقلاب صنعتی و تأثیر آن بر توسعه پایدار افغانستان»، به تحلیل تأثیرات چندبعدی ادبیات فارسی در بیدارسازی ذهنیت های عمومی نسبت به تحول و پیشرفت پرداخته است.

انقلاب صنعتی ابعاد گستردهای را شامل می شود، ادبیات به عنوان ابزار قدرتمند در زمینه ی آگاهی دهی آن از گذشته های دور به این طرف نقش عمده و اساسی را داشته که در این مقاله نخست، در بخش محیط زیست، نشان داده شده است که چگونه شعر معاصر با صدای شاعرانی چون سهراب سپهری و میربهادر واصفی می تواند انسان را نسبت به بحران های زیست محیطی هوشیار ساخته و در ایجاد فرهنگ تعامل مسئولانه با طبیعت نقش آفرینی کند. استفاده از نمادهای طبیعت در شعر، نه تنها ابزاری هنری، بلکه صدای هشدار نسبت به آینده زمین است.

در بعد دوم، یعنی ارزش های اخلاقی و اجتماعی، ادبیات به ویژه در آثار مستغنی، طرزی و قاری عبدالله و میربهادر واصفی نقش حیاتی در ترویج مفاهیمی چون وطن دوستی، عدالت، آزادی و مبارزه با فساد ایفا کرده است؛ عناصری که ستون های توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تشکیل می دهند.

در بخش تعلیم و تربیه، ادبیات به مثابه یک ابزار تعلیمی و تربیتی در رشد فکری نسل نو عمل می کند. از اشعار عباس یمنی شریف تا ادبیات کودک، همگی در مسیر ساختن نسل آگاه، خلاق و مسئول گام برداشته اند؛ نسلی که در آینده نزدیک نقش آفرین اصلی توسعه ی پایدار افغانستان خواهند بود.

در محور علم و فناوری نیز، شعر و نثر ادبیات معاصر افغانستان، به ویژه در آثار روشنفکران مشروطه خواه چون محمود طرزی، بازتاب دهنده ی اهمیت گفتمان صنعتی و علمی است. ادبیات از سویی مردم را با مظاهر فناوری نوین آشنا می سازد و از سوی دیگر ذهنیت جامعه را برای پذیرش تغییرات بنیادین صنعتی آماده می سازد.

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

بدین سان، ادبیات نه تنها آئینه‌ی فرهنگ و هویت یک ملت است، بلکه موتور محرکه‌ی آگاهی، پایداری و پیشرفت در افغانستان نیز می‌باشد. بی‌تردید، بدون بهره‌گیری از این سرمایه فرهنگی، دستیابی به توسعه‌ی پایدار، عادلانه و انسانی ممکن نخواهد بود.

در دنیای معاصر، چالش‌های زیست محیطی، فرهنگی و صنعتی نیازمند واکنش چندبعدی هستند. ادبیات به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر فرهنگی، چگونه می‌تواند در راستای آگاهی‌دهی نسبت به علم و فناوری، حفاظت از محیط زیست، و ترویج ارزش‌های اجتماعی نقش آفرینی کند؟

اگر چه مقاله‌ی مشخصی زیر نام «نقش ادبیات در آگاهی‌دهی انقلاب صنعتی و تأثیر آن بر توسعه‌ی پایدار افغانستان» نگاشته نشده؛ اما می‌توان از مقاله‌ها و پژوهش‌های علمی نام برد که با این تحقیق ارتباط موضوعی دارند. چنان‌که؛ پژوهشی تحت عنوان «خلیلاالله خلیلی؛ شاعر بیداری و پایداری» توسط (رضای چهارقانی و اسماعیل شفق، ۱۳۹۳) نوشته شده است که در آن مضامین اتحاد و همبستگی و دوری از نفاق‌های قومی در شعر استاد خلیل‌الله خلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. هم‌چنان، بانو سیما عباسی و زهرا رضایی مقاله‌ی تحت عنوان «آموزش محیط‌زیست و شعر فارسی» (۱۳۹۷) نوشته اند که در آن به ارتباط انسان با طبیعت و تأثیرات طبیعت بر انسان با اتکا بر ادبیات فارسی پرداخته اند. آقای امین هادوی در مقاله‌ی تحت عنوان «نقش ادبیات در ترویج ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی» (۱۴۰۳) به چگونگی ترویج ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در ادبیات داستانی و شعر معاصر پرداخته که می‌گوید: «آثار ادبی نه تنها به بازتاب واقعیت‌های اجتماعی می‌پردازد، بلکه به شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز کمک می‌کنند» (هادودی، ۱۴۰۳: ۱۱). در این مقاله نقش ادبیات به عنوان یک ابزار انتقادی در برابر نابرابری‌ها و نواقص اجتماعی عمل کرده و آن‌ها را به چالش میکشد. «نقش درس ادبیات در تعلیم و تربیه دانش آموزان» عنوان مقاله‌ای است که توسط حسین رحیمی حسینی و مهدی صادی (۱۴۰۲) نوشته شده است. در این مقاله در مورد نقش ادبیات در آموزش و پرورش دانش آموزان و تقویت مهارت زبانی و تفکر انتقادی در اطفال و دانش آموزان بررسی شده است. اما پژوهش حاضر نقش ادبیات را در آگاهی‌دهی انقلاب صنعتی و توسعه‌ی پایدار افغانستان مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

ادبیات چگونه می‌تواند در راستای آگاهی‌دهی پیرامون انقلاب صنعتی، توسعه پایدار، علم و فن، حفاظت محیط زیست و تقویت ارزش‌های اجتماعی و تعلیم و تربیه مؤثر واقع شود؟

ادبیات معاصر فارسی افغانستان با بهره‌گیری از عناصر بومی، فرهنگی و هنری، ظرفیت بالایی در ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به مفاهیم انقلاب صنعتی، توسعه پایدار و تحولات علمی-فرهنگی دارد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده که با استناد به نمونه‌هایی از متون منظوم و منثور ادبیات معاصر فارسی و نقش آن در آگاهی‌دهی زمینه‌های مختلف انقلاب صنعتی بررسی شده است.

نقش ادبیات در آگاهی‌دهی حفاظت از محیط‌زیست

تأثیرپذیری انسان و طبیعت از یکدیگر از دیر باز اجتناب‌ناپذیر بوده است. با رشد نهادهای مدنی و ابزار فناوری، انسان در سطح گسترده‌ای در طبیعت تغییراتی ایجاد کرده که گاه سبب تهدیدهای محیط‌زیستی و اکولوژیکی شده است. ادبیات و به‌ویژه شعر به‌عنوان رسانه‌ی فرهنگی، تأثیرگذاری ویژه‌ای در حوزه‌های رفتاری و انگیزشی مخاطبان و بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری جامعه نسبت به محیط زیست دارد (عباسی و رضایی، ۱۳۹۷: ۴۹). در دنیای معاصر، با توجه به چالش‌های زیست‌محیطی و فشارهای ناشی از توسعه صنعتی و استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، ادبیات می‌تواند نقش حیاتی در حفاظت از محیط‌زیست و آگاهی‌دهی استفاده از منابع طبیعی و حفاظت از آن‌ها داشته باشد؛ شاعران با بیان شاعرانه افراد جامعه را نسبت به خطرات ناشی از آلودگی‌ها، تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری ناپایدار از منابع هشدار می‌دهند. میربهادر واصفی در کتاب «جنون‌آباد حیرانی» با بیان شاعرانه پیرامون دریای آمو و مشکلات ناشی از آن پرداخته و بزرگان حکومت را متوجه می‌سازد تا با استحکام و ایجاد کانال‌ها بهره‌برداری درست از آن صورت گیرد. آقای واصفی می‌گوید:

رود آمو رود مست تند سیر آن که در او خفته رمز شرّ و خیر
آن که آب او ممد است بر حیات جان ببخشد بهر زیر و نبات....

(واصفی، ۱۳۹۸: ۱۴۷)

دریای آمو در موقعیتی قرار گرفته که مرز میان افغانستان و کشورهای همسایه را تشکیل داده است، همسایه‌ها سمت خود را مهار نموده اند، از این که سمت افغانستان تحکیم نگردیده، سالانه خسارات فراوانی برجای می‌گذارد. از این رو شاعر دریای آمو را «ازدهای پرغضب» می‌خواند و از بزرگان دولت می‌خواهد تا کار تحکیم آن را روی دست گیرند. چنان که در ادامه این شعر می‌فرماید:

گر شود تحکیم و ور گردد مهار آید از وی فیض و خیر بی‌شمار
موجب سرسبزی کشور شود دفع آفات زیان پرور شود

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

سعی دولت را همی خواهیم عطف تا زیان از وی بگردد برطرف
تا نباشد عزم صاحب خانه چست خشت کی معمار بگذارد درست
واصفی خواهد ز لطف کردگار عزم جزم دولت و توفیق کار
(واصفی، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۸)

ادبیات و آموزش محیط‌زیست

آموزش مؤثرترین ابزار و شیوه افزایش آگاهی فرد در مواجهه با مسائل و مشکلات جامعه است که با ایجاد تغییر در رفتار افراد با بالا بردن سطح سواد، آگاهی‌دهی و حساسیت می‌تواند به کاهش مشکلات کمک کند. «آموزش محیط‌زیست عبارت است از ایجاد بینش مطلوب، ارزش، مهارت، آگاهی و علاقه در مورد محیط‌زیست به‌طوری که آن را نگهداری و به‌منظور ادامه حیات انسان‌های موجود در حال حاضر و آینده توسعه دهد» (عباسی و رضایی، ۱۳۹۷: ۵۱).

از آنجاکه ادبیات به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ‌ساز نقش قابل توجهی در تأثیرگذاری بر حوزه‌های فرهنگی و ایجاد نگرش‌ها و سوگیری‌های خاص در حوزه‌های مختلف و به‌ویژه در آگاه‌سازی و آموزش برای رفتار صحیح و مناسب با طبیعت دارد و نیز با توجه به این‌که در دوره معاصر، تغییر دید ویژه‌ای در برخورد با طبیعت و خوش‌رفتاری با آن در داستان‌ها، رمان‌ها، نمایشنامه‌ها و از همه مهم‌تر شعر فارسی ایجاد گردیده است؛ می‌توان ادبیات فارسی را به‌عنوان رسانه‌ای در نظر گرفت که با استفاده از زبان شعر، داستان، رمان و نمایشنامه‌ها که در حوزه‌های شنیداری و نوشتاری می‌تواند جلوه‌گر شوند و با بهره‌گیری از ظرفیت تأثیرگذاری ادبیات بر ذهن و رفتار مخاطبان، با شگردهای آموزش غیررسمی و ضمنی سعی در ایجاد فرهنگ برخورد مناسب با طبیعت و پاسداشت آن نماید (پارساپور، ۲۰۱۳: ۲۳).

طبیعت در شعر فارسی

در شعر کهن، طبیعت با همه گستردگی‌اش، غالباً در خدمت اغراض دیگر شعری بود، اما در نظر بسیاری از شاعران معاصر خود طبیعت ابژه مهرورزی قرار گرفته است؛ طبیعت و انسان از هم جدایی ناپذیرند و این موضوع می‌تواند در آگاهی‌دهی توسط شعر و داستان در حفاظت از محیط‌زیست نقش عالی را ایفا کند.

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

در ادبیات معاصر فارسی هرچند شاعران زیاد از عناصر طبیعی برای زیبایی سخنان‌شان استفاده‌ی زیاد کرده‌اند، اما سهراب سپهری را می‌توان آغازگر جریان آموزش برای محیط‌زیست دانست. نگاه و رفتار سهراب، سازگاری بسیاری با رفتار طرفدار محیط‌زیست دارد (عباسی و رضایی، ۱۳۹۷: ۵۶)

در نظر سهراب اتحاد و یکسانی و درک عمیق به طبیعت می‌تواند انسان‌ها را وادار به همراهی و رفتار مناسب با طبیعت کند.

درخت‌ها را بکنیم،

آب در یک قدمی است.

روشنی را بچشیم.

شب یک دهکده را وزن کنیم، خواب یک آهو را.

گرمی لانه لک لک را ادا کنیم.

روی قانون چمن پا نگذاریم.

در موستان گره ذئقه را باز کنیم؛ و دهان را بگشاییم اگر ماه در آمد..

(سپهری، ۱۳۷۶: ۲۷۸).

سهراب همه‌ی پدیده‌های طبیعت را مکمل یکدیگر دانسته وجود یکی را مکمل وجود دیگر می‌داند:

و نخواهیم مگس از سرانگشت طبیعت ببرد،

و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون؛

و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت؛

و اگر خنج نبود، لطمه می‌خورد به قانون درخت؛

و اگر مرگ نبود دست ما در پی چیزی می‌گشت؛

و بدانیم اگر نور نبود، منطق زنده پرواز دگرگون می‌شد؛

و بدانیم که پیش از مرجان خلایی بود در اندیشه دریاها

(سپهری، ۱۳۷۶: ۲).

سپهری در شعر «آب را گل نکنیم» به آموزش حفاظت از محیط‌زیست و پاسداشت از طبیعت

به‌خصوص آب که منبع حیات تمام هستی است می‌پردازد:

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

آب را گل نکنیم.

در فرودست انگار، کفتری می خورد آب
یا که در بیشه دور، سهره‌یی پرمی شوید
یا در آبادی کوزه‌های پر می گردد..

(سپهری، ۱۳۷۶: ۳۴۶).

در این ابیات سهراب افزون بر طرح نحوه رفتار با آب به موضوع ارزشمند دیگری نیز اشاره می‌کند و پیوستگی زنجیروار عناصر طبیعت با یکدیگر و نیز با طبیعت و زندگی انسانی است. آزدگی سهراب از زندگی ماشینی و شهری، نوع جهان‌بینی و دغدغه‌های دورنی شاعر و نهایتاً «رهایی از هویت انسانی و محو شدن در طبیعت»، عوامل مؤثر بر طبیعت‌گرایی ویژه او هستند (عباسی و رضایی، ۱۳۹۷: ۵۹).

سهراب در مواجهه فناوری و عناصر طبیعت، در صورت حمایت نکردن از طبیعت آینده نامطلوب را فراراه این نعمت بی‌بدیل خداوند متعال می‌داند:

شهر پیدا بود:

رویش هندسی سیمان، آهن، سنگ.

سقف بی کفتر صدها اتوبوس.

گل فروشی گل‌هایش را می‌کرد حراج.

درمیان دو درخت گل یاس، شاعری تاب می‌بست.

پسری سنگ به دیوار دبستان می‌زد.

کودکی هسته زردآلو را، روی سجاده

(سپهری، ۱۳۷۶: ۲۸۰).

فریدون مشیری، یکی از شاعران معاصر ادبیات فارسی که با استفاده از لحن طنزآمیز، پیام خود را غیر مستقیم در مورد خواسته‌ی زشتی را که انسان مدرن خودخواهانه در دل می‌پسندد اما بر زبان نمی‌آورد، ترسیم می‌کند و این گونه از دل گفتمان، نقایص را برجسته می‌کند. برای مثال می‌توان به بخشی از شعر او «خوشه اشک» اشاره کرد که نشان می‌دهد انسان مدرن در ذهن خود هیچ محدوددهی قلمروی برای سایر موجودات قایل نیست و زمین و آسمان را برای خود می‌داند. مشیری این ذهنیت را به زبان می‌آورد و خواننده را به تأمل وامیدارد (عباسی و رضایی، ۱۳۹۷: ۶۰).

خوشه‌ی اشک

قفسی باید ساخت

هرچه در دنیا گنجشک و قناری هست،

با پرستوها،

روزگاریست که پرواز کبوترها

در فضا ممنوع است.

که چرا

به حریم جت‌ها

خصمانه تجاوز شده است! (مشیری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۰۴).

ادبیات به عنوان ابزاری قدرتمند می‌تواند نقش کلیدی در آگاهی‌دهی مردم نسبت به اهمیت استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست ایفا کند. در فرایند انقلاب صنعتی و توسعه پایدار افغانستان، ادبیات می‌تواند از طریق ترغیب به تغییر رفتارهای ناپایدار و ترویج شیوه‌های صنعتی سبز و پایدار به موفقیت‌های بزرگ کمک کند. با استفاده از این ابزار، می‌توان همگان را به مشارکت در فرایندهای زیست محیطی و اقتصادی پایدار فراخواند و به ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و مسئول کمک کرد.

نقش ادبیات در آگاهی‌دهی ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی

ادبیات به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای فرهنگی، نقش بسزایی در ترویج و آگاهی‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ایفا می‌کند. این نقش از طریق داستان‌ها، شعرها، نمایشنامه‌ها و دیگر اشکال ادبی به وضوح قابل مشاهده است (هادی، ۱۴۰۳: ۲). در جوامعی مانند افغانستان، که با چالش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روبرو هستند، ادبیات می‌تواند به عنوان ابزار قدرتمند برای ارتقاء آگاهی‌دهی اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی عمل کند.

ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در هر جامعه نقش اساسی در شکل‌گیری تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند. در رابطه به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و نقش آن‌ها در انقلاب صنعتی و توسعه پایدار کشورمان؛ ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی چون داشتن استقلال، حس وطن دوستی، اتحاد و مبارزه با تفرقه، عدم اختلافات قومی، مبارزه با استبداد، ستایش آزادی، مبارزه با مفاسد اقتصادی، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌تواند نقش بسزای داشته باشد که تمام

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

این موضوعات را شاعران و نویسندگان از طریق شعر و آثار هنری شان برای ما بیان نموده‌اند و نقش بزرگ را در قسمت آگاهی‌دهی آن‌ها برای رفا و پیشرفت کشورمان بیان داشته‌اند. در ذیل به بررسی چند نقش مهم ادبیات در آگاهی‌دهی و ترویج ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی می‌پردازیم. آگاهی‌دهی، حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی: ادبیات به‌عنوان یک وسیله برای آگاهی‌دهی حفظ و انتقال فرهنگ و هویت ملی عمل می‌کند. داستان‌ها و شعرها، به ویژه در جوامع با تاریخ و فرهنگ غنی، به ترویج آگاهی‌دهی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کنند.

شکل‌دهی به هویت ملی: ادبیات می‌تواند به تقویت هویت ملی و احساس تعلق به یک فرهنگ خاص کمک کند. آثار ادبی با روایت داستان‌های قهرمانی، اسطوره‌ها و تاریخ، به شکل‌گیری هویت ملی و اجتماعی کمک می‌کنند. افراد یک جامعه تا زمانی از گذشته پر بار و غنی خود آگاهی بسنده نداشته باشند در راهی صنعتی شدن ممکن ارزش‌های هویتی و فرهنگی شان را فراموش نمایند و انقلاب صنعتی بدون آگاهی از ارزش‌های فرهنگی و هویتی بدون شک راه را بجای نخواهد کشید. یکی از ارکان اساسی انقلاب صنعتی و توسعه پایدار داشتن آزادی، استقلال ملی و اندیشه‌های ملی‌گرایی می‌باشد. اکثراً شاعران و نویسندگان از طریق شعر و داستان در تشویق مردم برای داشتن آزادی و اندیشه‌های ملی و حس وطن دوستی مردم کشورشان را تشویق نموده‌اند:

خامه در وصف وطن چند گلافشان نشوی چند در فکر وطن سر به
گریبان نشوی

حرف اصلاح وطن سرکن و با خاطر جمع می‌نویس این که وطن باز پریشان نشوی
سوء رفتار اگر کرد دمی چند خراب دیگر ای کاخ وطن درهم و
ویران نشوی

(مستغنی، ۱۳۴۲: ۲۴۲)

محمود طرزی به دلیل اینکه بیست سال طعم تلخ تبعید و دوری از وطن را چشیده بود، بیشتر از دیگر شاعران عصر-مشروطه در شعر خود به وطن پرداخته و عشق و علاقه‌ی وافرش را به وطن و زادگاه خود آشکار ساخته است. او وطن را مایه‌ی حیات و زندگی خود و رسیدن به هرگونه سعادت و نیکبختی می‌داند. در نظر طرزی وطن چون کعبه و نماز مقدس است (کرمانی و رضوانی، ۱۴۰۲: ۴۲۰).

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

کسی که در دل او نیست حب خاک وطن محقق است که او نیست نسل پاک وطن
رسول گفت که حب وطن ز ایمانست اگر تو مؤمنی در دل بگیر پاک وطن
به حفظ و خدمت او لحظه‌ای مشوبی پاک بنوش بادهی حب وطن ز تاک وطن
(طرزی، ۱۳۹۲: ۴۲).

قاری عبدالله از شاعران نامدار و وطن دوست، از رنج که بخاطر دوری از وطن کشیده سخن می‌گوید. او تا جایی به وطنش محبت دارد که آماده است تا خون خود را در راه وطن نثار کند که وطن به گلستان زیبا و آرام بدل شود:
امروز می‌نمایم من زخم خود نمایان شاید شود به خونم بزم وطن گلستان
امروز ای وطن من سازم وفای خود را در خدمت تو ظاهر در حضرتت نمایان
(قاری، ۱۳۴۲: ۳۶۶).

به همین گونه شاعران معاصر کشور عشق خویش به میهن را به گونه‌های مختلف بیان داشته اند. میربهارد واصفی شاعر درد آشنای کشور می‌گوید:
در عشق وطن واصفی بگذشته ز خویشیم آب رخ ما بسته به آب رخ خاک است
(واصفی، ۱۳۸۴: ۶۰).
حب وطن چنان در ضمیر شاعر جای گرفته است که غیر از وطن را زندان می‌داند:
جوهرم از بسکه با حب الوطن پی ریختند غیر میهن پهنه‌ای این چرخ زندان من است
(واصفی، ۱۳۸۴: ۷۷).

نقش ادبیات در آگاهی دهی تعلیم و تربیه

ادبیات، کارکردهای گوناگونی از جمله بازنمایی، تعلیمی، رسانه‌ای، لذت بخشی، تمهیدی و درمانی دارد که بُعد تعلیمی آن در ادبیات فارسی، اصلی‌ترین کارکرد در طول تاریخ داشته است. همانطوری که ادبیات نمایشی در کنار انواع غنایی، از انواع مهم ادب غربی محسوب می‌شود، در ادب فارسی،

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

ادبیات تعلیمی از ارکان اصلی شمرده می شود (رضی، ۱۳۹۱: ۹۷). در ادبیات فارسی در کنار سایر ژانرهای ادبی، ژانر تعلیمی آن مسئولیت مهم را در مورد تعلم و تربیه و آموزش به خود اختصاص داده است «در ادبیات فارسی ادبیات تعلیمی یکی از مناسب ترین محل های است که شاعر می تواند اندیشه های خود را بیان کند. این نوع ادبی، دانشی را برای خواننده تشریح می کند یا مسایل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی غرضه می دارد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷۰). تعلیم و تربیه نقش اساسی در زمینه های انقلاب صنعتی و توسعه پایدار کشور دارد. در حقیقت تحولاتی که در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و صنعتی در یک کشور رخ می دهند به طور مستقیم با سطح تعلیم و تربیه آن کشور ارتباط دارند. در کشور ما توجه به تعلیم و تربیه می تواند زمینه ساز تحولاتی بزرگ و بنیادی در مسیر توسعه پایدار و انقلاب صنعتی باشد. ادبیات به ویژه ادبیات تعلیمی یکی از ابزارهای مهم در مورد آگاهی دهی از مزایای تعلیم و تربیه در میان جوامع بشر بشمار می رود که تعداد زیاد از شاعران و نویسندگان از زمان های گذشته به این موضوع توجه داشته اند و با خلق آثار گرانبها در این مورد آگاهی دهی نموده اند.

نویسندگان ادبیات کودکان و نوجوانان با آفرینش آثار ادبی در این مورد می توانند در آگاهی دهی و جهت دهی ذهنی کودکان و جوانان نقش آفرینی بارز داشته باشند. در طول تاریخ بشر، ادبیات همیشه یکی از پر ارزش ترین و مهم ترین الگوهای آموزشی و پرورشی انسان ها بشمار رفته است. در بین شاخه های متعدد ادبیات، ادبیات کودک و نوجوانان جای خود را در جهان امروز باز کرده است و بخش عظیمی از تربیت و پرورش آنان را تحت تاثیر قرار داده است. بنابراین، از مهم ترین و موثرترین روش هایی که امروزه می توان از طریق آن مطالب و نکات آموزشی و پرورشی را به فرزندان منتقل کرد، استفاده از کتاب ها و نشریات کودکان و نوجوانان است (میری کرمانشاهی، ۱۳۸۳: ۴).

یکی از نویسندگان فعال در این عرصه عباس یمین شریفی اس که با خلق داستان ها و شعرهای آموزشی خواسته است در زندگی کودکان و نوجوانان تأثیرات عمیق را رونما کند و خود در این مورد چنین می گوید: «موضوع شعر، گاه خود پیش می آمد و محیط القاء می کرد، گاه برای بیان منظوره های خاص موضوع های من انتخاب می شد. فی المثل بنا به وظیفه یک معلم و مربی از جمله کارای من این بوده است که گاه در برابر موضوع شعری که از سابق وجود داشته و در اذهان جای گیر شده است، ولی از نظر اجتماعی و تربیتی و تاثیر روانی در آن، عیبی تشخیص می دادم و زیان آورش

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

می‌دیدم، شعری از نو می‌ساختم و منتشر می‌کردم به امید اینکه روزی جایگزین آن شود (یمینی شریف، ۱۳۴۵: ۷۴).

تعلیم و تربیه جزء اساسی پیشرفت و ترقی یک کشور به حساب می‌آید. ادبیات در زمینه‌ای اساسی آگاهی‌دهی آن از آنجایی که مردم ما الفت زیاد با کلام هنری دارند می‌تواند سهم خیلی ارزشمند در میان کودکان، جوانان و نوجوانان داشته باشد.

نقش ادبیات در آگاهی دهی علم و فن و تأثیر آن بر انقلاب صنعتی و توسعه پایدار کشور

افغانستان در طول چندین دهه شاهد فراز و فرودهای فراوانی بوده است. توسعه پایدار و صنعتی شدن این کشور، مستلزم فراهم‌آوری نه تنها زیرساخت‌های فنی بلکه فرهنگ سازی گسترده است. در این راستا، ادبیات می‌تواند نقش حیاتی ایفا کند؛ زیرا ابزار بیان دغدغه‌ها، امیدها، ترس‌ها و الهام‌بخشی برای حرکت بسوی آینده‌های بهتر است. ادبیات می‌تواند به‌طور مستقیم یا نمادین مردم را با اهمیت علم، نوآوری، اقتصاد نوین، حمل و نقل مدرن (مانند خطوط ریل) و حفاظت از منابع طبیعی آشنا کند.

در اشعار شاعران معاصر افغانستان، علم نه فقط به‌عنوان ابزار شناخت بلکه عامل آزادی و پیشرفت معرفی شده است.:

محمود طرزی یکی از شاعران برجسته معاصر افغانستان در زمان حکومت امیر حبیب‌الله خان از رشد و پیشرفت کشورهای دیگر سخن می‌گوید تا باشد که امیر وقت به فکر توسعه و رفاه مردم سرزمینش گردد.

بیا ببین که در جهان چگونه گشته کارها جهان جهان ریل شد زمان زمان تارها

چه بحرهای که بر شده چه خشک‌های بحارها چه کوه‌های شکاف شد از آن گذشت قطارها

جهان جهان علم و فن زمان زمان کارها بس است صید بودنه میان کشتزارها

(قویم، ۱۴۰۰: ۲۷)

و یا هم عبدالرحمان لودین یکی از شاعران برجسته‌ی عصر مشروطیت در مورد اهمیت مراکز آموزشی در رشد و ترقی کشور چنین لب می‌گشاید:

باید مکاتب بشمر گردد معارف بیشتر تا علم و فن باید مقرر در قلب اولاد وطن

(قویم، ۱۴۰۰: ۴۹)

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

ورود واژه‌های چون تلگراف، ماشین، برق، ریل و کامپیوتر در شعر و داستان معاصر فارسی زبانان افغانستان، نشان‌دهنده‌ی حضوری فناوری و علاقه‌مندی به جهت نیل به پیشرفت و ترقی و رشد اقتصادی و رفاه مردم در زندگی و ذهن نویسندگان است که در ذیل چند نمونه از یک شاعر مطرح و یکی از پیش‌کسوتان انقلاب صنعتی افغانستان را در زمان مشروطه برای مثال می‌آوریم:

چیست آن سیمی که گویندش خطوط تلگراف کو خبر آرد بیک لحظه ترا از کوه قاف
اسم اعظم برق و آن دیو و پری و وحش طیر زیر حکم آصف علم است بی لاف و گزاف.

(طرزی، ۱۳۳۳: ۱۳۴)

در مورد برق (الکتریک)

روشن شده جهان بضیای الکتریک سرعت مجسمست بپای الکتریک
ذات یگانه خالق این کاینات ژرف بیچیده دهر را بردای الکتریک...

(طرزی، ۱۳۳۳: ۱۳۶)

انوارها پدید شده از زغال سنگ ظلمت ز ما بعید شده از زغال سنگ
ظلمت کجا و نور کجا آنچه حکمت است تاریک شب سفید شده از زغال سنگ...

(طرزی، ۱۳۳۳: ۱۳۷)

از عجایب‌های عصر ما یکی ریلست ریل راحت و ثروت سعادت جمله‌گی ریلست ریل
ریل بھر ملک رگ‌های حیات دل بود دل بود پایتخت و هر قاصدش ریلست ریل
آن خطوط آهن ریل بروی زمین هست پنداری که سیل آهن ریلست ریل

(طرزی، ۱۳۳۳: ۱۳۹)

در داستان‌های سپوژمی زریاب (۱۹۹۵) شخصیت‌هایی که با دنیای مدرن (تلفن، رادیو، موتر....) مواجه می‌شوند، دچار تغییر در سبک زندگی، آرزوها و هویت می‌گردند. به همین گونه شاعر هم‌روزگار ما استاد میربهادر واصفی شعری در بیان کار دهقان و کشت و زراعت سروده است که زمام‌داران عصر خود را متوجه اهمیت کشت و بدیل و فراهم سازی تخم‌های اصلاح شده و عملی سازی ماسترپلان کاری وزارت زراعت کشور، احداث بندها برای آبیاری زمین‌های للمی و رسیدن به خودکفایی می‌سازد؛ او می‌گوید:

یابد چو کود و تخم و تأمینی بر معیشت دیگر نشان نبینی از کوکنار دهقان
احداث بند باید در کار آبیاری تا ارتقا ییابد محصول کار دهقان

حاصل به کف نیاید از کشت زار للمی پر گشته آب دیده از جویبار دهقان
رشد زراعت هر جا پایان فقر باشد باشند مستمندان امیدوار دهقان
ماسترپلان کاری گر در عمل بیاید گردد بلند از وی عز و وقار دهقان
خوش آن دمی زراعت بر خود کفایی آید جشن فتوح گیریم، بر افتخار دهقان
تا واصفی به کشور صلح و سعادت آید پاینده باد و جاوید، جشن بهار دهقان
(واصفی، ۱۳۹۸: ۱۲۴)

انقلاب صنعتی فقط انتقال فناوری نیست؛ بلکه نیازمند آمادگی فکری و ذهنی جامعه است. ادبیات با داستان‌پردازی و ایجاد تخیل، جامعه را با مظاهر انقلاب صنعتی آشنا می‌سازد. در نمایشنامه‌های نوین افغانستان مانند آثار فرهاد دهمدار (۲۰۱۷) تضاد سنت و نوگرایی، ماشین و انسان، صنعت و طبیعت به وضوح دیده می‌شود. این نمایشنامه‌ها گفتوگویی را درباره‌ی آینده کشور باز می‌کنند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهند که ادبیات، به‌ویژه در اشکال شعر و داستان نه تنها وسیله‌ای برای بیان احساسات می‌باشد؛ بلکه ابزاری مؤثر در آگاهی‌دهی زیست‌محیطی، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، تعلیم و تربیه و تکنالوژی و فن‌آوری می‌باشد.

یکی از راه‌های دست یافتن به انقلاب صنعتی و توسعه پایدار در کشورمان استفاده درست از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست می‌باشد. شاعران و نویسندگان ادبیات فارسی از گذشته‌های دور به این امر مهم توجه جدی داشته‌اند در عصر معاصر شاعران این زبان در قسمت آگاهی‌دهی حفاظت از محیط زیست و استفاده درست و معقول توجه بیشتر از خود نشان داده‌اند، چنانچه که نمونه‌هایی را از اشعار سهراب سپهری و میربهادر واصفی در حوزه حفاظت محیط زیست، بررسی کردیم مبین این نکته است که شاعران و نویسندگان توانسته‌اند ازین دریچه مردم را در قسمت حفظ و نگهداری محیط زیست و هم‌چنان استفاده درست از آن در پیشرفت و توسعه کشور آگاه سازند.

یک کشور زمام به انقلاب صنعتی و توسعه پایدار مهم و حیاتی دست پیدا می‌کند که در آن فرهنگ انقلاب صنعتی و توسعه پایدار از طریق ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نهادینه شود؛ ادبیات به‌عنوان وسیله مهم فرهنگی نقش عمده‌ی در ترویج فرهنگ انقلاب صنعتی و توسعه پایدار از طریق داستان‌ها، شعرها، نمایشنامه‌ها و سایر اشکال ادبی نقش آفرین است. شاعران چون؛ مستغنی،

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

طرزی، قاری عبدالله، خلیلی و میربهادر واصفی در اشعارشان در زمینه‌ی آگاهی‌دهی ارزش‌های مهم اجتماعی و اخلاقی چون: داشتن استقلال، حس وطن دوستی، اتحاد و مبارزه با تفرقه، عدم اختلاف قومی، مفساد اخلاقی و اقتصادی، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آگاهی‌دهی نموده اند.

یکی از نقش‌های مهم و اساسی که ادبیات می‌تواند در زمینه‌ی انقلاب صنعتی و توسعه‌ی پایدار داشته باشد آن آگاهی‌دهی از اهمیت تعلیم و تربیه است. ادبیات به‌ویژه ادبیات کودکان و نوجوانان در قالب شعر، نظم، نثر و داستان‌های آموزنده می‌تواند ذهن کودکان و نوجوانان را آماده تعلیم و تربیه بهتر نموده و آن‌ها را با خلق شعر و داستان‌های آموزنده و سرگرم‌کننده به این موضوع مهم تشویق نماید.

جهان مدرن و پیش‌رفته بدون شک دست‌آوردهای زیاد خویش را مدیون تکنالوژی و فناوری است، در این زمینه ما می‌توانیم با استفاده از ادبیات و خلق آثار هنری و نمایش‌نامه‌ها جلوه‌های از تأثیرپذیری تکنالوژی و فناوری را در ذهن اطفال، جوانان و نوجوانان کشور که محرک اصلی انقلاب صنعتی و توسعه‌ی پایدار افغانستان در دستان هنرمند این قشر جامعه می‌باشد حکم نموده و آن‌ها را از ابتدا با این بخش مهم آشنا بسازیم. اشعار محمود طرزی، مستغنی، میربهادر واصفی و سایر شاعران و نویسندگان در زمینه علم و فناوری، نشان می‌دهند که چگونه ادبیات می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی ذهنیت توسعه‌گرا و صنعتی در میان مردم داشته باشد. ادبیات کودکان و نوجوانان نیز با ایجاد بسترهای تربیتی می‌تواند پایه‌گذار نسلی آگاه، خلاق و مسئول باشد. در مجموع، ادبیات در افغانستان می‌تواند ابزار کلیدی برای تحقق اهداف توسعه‌ی پایدار، تحکیم هویت ملی، تقویت اخلاق اجتماعی، و آماده‌سازی جامعه برای انقلاب صنعتی باشد.

پیشنهادهای

با در نظر گرفتن یافته‌های این پژوهش پیرامون نقش ادبیات در آگاهی‌دهی انقلاب صنعتی و تأثیر آن بر توسعه‌ی پایدار افغانستان، پیشنهادهایی به منظور گسترش ابعاد تحقیق و استفاده عملی از نتایج آن مطرح می‌گردد که می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، آموزشی و پژوهشی آتی مورد بهره‌برداری قرار گیرند:

نخست: پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده به بررسی عمیق‌تر نحوه بازتاب مفاهیم توسعه‌ی پایدار در متون ادبی بومی افغانستان بپردازند. ادبیات، به‌ویژه شعر و داستان، به‌عنوان حاملان فرهنگ و

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

زبان مردم، می‌توانند نقش مؤثری در ترویج ارزش‌هایی چون عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، و مسئولیت‌پذیری جمعی ایفا کنند.

دوم: طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی محیط‌زیستی مبتنی بر متون ادبی، داستان‌های محلی و اشعار بومی، روشی نوآورانه و فرهنگی‌محور برای ترویج آگاهی عمومی در مورد محیط زیست و پایداری به‌شمار می‌رود که می‌تواند در مناطق روستایی و جوامع سنتی افغانستان مؤثر واقع شود.

سوم: کاربرد ادبیات به‌عنوان ابزار آموزشی برای ساده‌سازی مفاهیم علمی و تکنولوژیک پیشنهاد می‌گردد. استفاده از روایت‌های ادبی، تمثیل‌ها و اشعار در توضیح موضوعاتی چون انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری‌های دیجیتال، و تأثیرات تغییرات اقلیمی، می‌تواند موجب ارتقای سواد علمی و تکنولوژیک در سطوح مختلف آموزشی شود، به‌ویژه در مناطقی که دسترسی به منابع رسمی محدود است.

چهارم: تحلیل ادبیات معاصر افغانستان در زمینه بازتاب تحولات صنعتی، ورود فناوری‌های نوین و تجربه‌ی دیجیتالی شدن، می‌تواند به‌عنوان شاخصی فرهنگی برای درک نحوه مواجهه جامعه با پدیده‌های نوین صنعتی و تکنولوژیک مورد توجه قرار گیرد. این تحلیل‌ها می‌توانند تصویری بومی شده از فرصت‌ها و چالش‌های انقلاب صنعتی در افغانستان ارائه دهند.

در نهایت، توصیه می‌شود که نهادهای فرهنگی، دانشگاهی و رسانه‌ای کشور از ظرفیت ادبیات برای تقویت تفکر انتقادی، فرهنگ علمی و درک اجتماعی از فناوری‌های نوین بهره‌برداری کنند و با ادغام ادبیات در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی، زمینه‌ساز مشارکت عمومی در فرآیند توسعه پایدار و صنعتی‌سازی آگاهانه گردند.

منابع

- بختیاری، محمد رضا. (۱۳۹۲). *نقش ادبیات در تعلیم و تربیت*، چهارمین همایش پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری.
- پارساپور، زهرا، حسن‌پور، هیوا. (۱۴۰۱). *نقش ادبیات در تحولات گفتمان محیط‌زیست*، دو فصل‌نامه تاریخ ادبیات، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۲۴۹-۲۶۸؛
- پوریزدان پناه کرامی، آرزو، رضوانی، غلام‌علی. (۱۴۰۳). *بررسی درونمایه‌های اجتماعی شعر دوره‌ی دوم مشروطه‌ی افغانستان (مطالعه‌ی موردی: اشعار عبدالعلی مستغنی، محمود طرزی، قاری عبدالله، عبدالهادی داوی و لودین)*، پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۸ (۲)، ۴۳۲-۴۱۳؛
- چهرقانی، رضا، شفق، اسماعیل. (۱۳۹۳). *خلیل‌الله خلیلی؛ شاعر بیداری و پایداری*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۵۱-۳۲؛
- خلیلی، خلیل‌الله. (۱۳۶۴). *اشک‌ها و خون‌ها*، اسلام‌آباد: انتشارات رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
- خلیلی، خلیل‌الله. (۱۳۶۵). *شب‌های آورگی*، اسلام‌آباد: شورای ثقافتی جهاد افغانستان؛
- خلیلی، خلیل‌الله. (۱۳۷۲). *مجموعه اشعار*، به کوشش مهدی مدائنی، تهران: مطالعات تحقیقات و فرهنگی؛
- خلیلی جهان‌تیغ، مریم؛ دهرامی، مهدی. (۱۳۹۰). *ادبیات تعلیمی و تربیتی در شاهنامه فردوسی*، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال سوم شماره یازدهم، پاییز؛
- داوی، عبدالعلی. (۱۳۶۹). *مجموعه اشعار*، کابل: انتشارات انجمن نویسندگان افغانستان؛
- دهدار، فرهاد. (۲۰۱۷). *نمایشنامه‌های معاصر افغانستان*، هرات: نشر نقش؛
- رضی، احمد (۱۳۹۱). *کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی*، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال چهارم، شماره ۱۵؛
- رحیمی حسینی، حسین، صادقی، مهدی. (۱۴۰۲). *نقش ادبیات در تعلیم و تربیه دانش‌آموزان*، شانزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران؛
- رشتجی، مرگان. (۱۳۸۹). *ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۳۷-۲۳؛
- زریاب، سپوژمی. (۱۳۹۳). *دشت قابیل*، تهران: انتشارات سپیده باوران؛

پوهندوی میراحمد خسرو واصفی

- سپهری، سهراب. (۱۳۷۶). هشت کتاب، چاپ هفدهم، تهران: نشر کتابخانه طهوری؛
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). انواع ادبی، تهران: فردوس؛
- عباسی، سیما، رضایی، زهرا. (۱۳۹۷). آموزش محیط زیست و شعر معاصر فارسی، فصلنامه علمی پژوهشی، آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، سال هفتم، شماره دوم، صص ۶۲-۴۹؛
- قاری، عبدالله. (۱۳۳۴). کلیات، تصحیح محمد زهیر، کابل: انتشارات بینا؛
- قاری، عبدالله. (۱۳۷۹). غزلیات ملک الشعراء قاری عبدالله، تصحیح عفت مستشارنیا، تهران: عرفان؛
- قویم، عبدالقویم. (۱۴۰۰). مروری بر ادبیات معاصر دری، کابل: انتشارات سعید؛
- طرزی، محمود. (۱۳۳۱). ادب در فن، کابل: معارف؛
- مستغنی، عبدالعلی. (۱۳۵۴). ساقی نامه، کابل: دالرتالیف؛
- مستغنی، عبدالعلی. (۱۳۵۳). گلزار حشر، مجموعه شعری: کابل دالرتالیف؛
- مستغنی، عبدالعلی. (۱۳۵۳). دیوان غزلیات، کابل: مطبع ملی؛
- مستغنی، عبدالعلی. (۱۳۴۲). قصاید استاد سخن، کابل: مطبع ملی؛
- مشیری، فریدون. (۱۳۸۰). بازتاب نفس صبح دمان، ۲ ج، تهران: چشمه؛
- میری کرمانشاهی، مهر انگیز. (۱۳۸۳). سیر موضوعی ترجمه داستان های کودکان و نوجوانان طی سال های ۱۳۸۳-۱۳۷۱ پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتاب داری و اطلاع رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛
- واصفی، میربهادر. (۱۳۸۴). دیوان شعری، مشهد: انتشارات واقفی؛
- واصفی، میربهادر. (۱۳۹۸). جنون آباد حیرانی، تهران: عرفان؛
- یمینی شریف، عباس. (۱۳۴۵). آواز فرشتگان، تهران: سازمان کتاب های طلایی وابسته به انتشارات امیر کبیر؛
- هادوی، امین. (۱۴۰۳). نقش ادبیات در ترویج ارزش های اجتماعی و اخلاقی، پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات نوین در علوم انسانی، علوم تربیتی، حقوق و مطالعات اجتماعی.

د اسلامي فقهي له نظره د زکات، مالياتو راتولو کې د صنعتي انقلاب مدیریت

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی^{۱*}، پوهنمل دکتور محمد ابراهیم صافی^۲، پوهنمل نصیر احمد شریعتی^۳

۱. دشرعیاتو، پوهنځي د فقهي او قانون د څانگې استاد، البيروني پوهنتون

* دمسؤول ليکونکي ايميل: salim۰۷۷۵۰۴۰@gmail.com

چکیده

انقلاب صنعتی برای جوامع اسلامی، نه تنها به عنوان یک ضرورت برای بهبود وضعیت اقتصادی، بلکه ابزاری برای کاهش وابستگی به اقتصادهای خارجی و تقویت استقلال ملی محسوب می‌شود. در تمدن‌های امروزی صنعت، عامل رشد و پیشرفت تمدن است. بسیاری از کشورهای اسلامی، با وجود کثرت منابع طبیعی مانند نفت، گاز و معادن، نیروی کار جوان، هنوز با چالش‌های جدی در مسیر صنعتی شدن مواجه‌اند. برخی از این چالش‌ها، می‌تواند ضعف نهاد‌های آموزشی و پژوهشی در تولید علم و فناوری، عدم توجه به کار آفرینی، نوآوری و حمایت از صنعت داخلی، و تکیه بر واردات خارجی در حوزه ای صنعت باشد. هدف از این تحقیق علمی همانا، بررسی ضرورت انقلاب صنعتی جوامع اسلامی و دست یابی به توسعه‌ای پایدار و راه‌های صنعتی شدن آن می‌باشد. این تحقیق علمی بر اساس روش، توصیفی، تحلیلی بوده و از منابع معتبر، کتب، مقالات، مجلات معتبر استفاده گردیده است و به اساس آن موضوع متذکره نگاشته شده است. و از خلال تحقیق به این نتیجه دست یافتیم که بدون انقلاب صنعتی مستقل، امت اسلامی نمی‌تواند به عزت و رهبری جهانی باز گردد. و پیشنهاد می‌کنم که برای غلبه بر مشکلات و حرکت عملی در مسیر صنعت‌گرایی، توجه بیشتر بر توسعه منابع انسانی اسلامی، اعتماد بر تجربیات خود، مدیریت منابع داخلی و تمرکز بیشتر روی صنایع ماشین آلات و صنایع سنگین صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب صنعتی، جوامع اسلامی، راه‌های صنعتی شدن، ضرورت، عوامل نیاز

إدارة جمع الزكاة والضرائب في ظل الثورة الصناعية في ضوء الفقه الإسلامي

الأستاذ الدكتور محمد سليم مدني^١، الدكتور محمد إبراهيم صافي^٢، الأستاذ المشارك نصير احمد شريعتي^٣

١. عضو هيئة التدريس بكلية الشريعة. قسم الفقه والقانون. جامعة ابي ريحان البيروني

* البريد الإلكتروني للباحث المسؤول: salim0775040@gmail.com

الملخص

يُعتبر هذا الموضوع من المواضيع الحديثة والمهمة؛ لأن جمع الزكاة والضرائب في ضوء الفقه الإسلامي يُعدّ عملاً ضرورياً لتحقيق العدالة الاقتصادية في المجتمع الإسلامي، كما يُعدّ عاملاً مهماً في نمو وتقدم المجتمع إلى التخصر والرفي؛ حيث يلعب دوراً فعالاً في ظل الثورة الصناعية.

وتهدف هذه الدراسة إلى تسليط الضوء على الصناعة الثورية لبلدنا الحبيب، وتقديمها، ومن ثم كيفية إدارتها بشكل سليم. وقد اتبعت الدراسة المنهج التحليلي، الوصفي، وتم الاستفادة فيها من العديد من المصادر سيما من كتب التراث الإسلامي القديم، والرسائل العلمية، والبحوث والمقالات التي كتبت وحُكمت حول هذا الموضوع في المجالات العلمية والشبكة العنكبوتية (الإنترنت).

ومن النتائج المهمة التي توصلت إليها هذه الدراسة أن الدولة مُلزَمة بتعيين أشخاص أمناء لجمع الزكاة، بحيث يتمكنون من جمع الزكاة والضرائب في الوقت المناسب وتسليمها للدولة. كما يجب على من يجمع الزكاة أن يراعي أحوال الزكاة المقدرة من الشرع الحكيم من كل صنف، كما يجب عليه معرفة ممن تجب عليه الزكاة ومقدارها، وأوقات وجوبها

كذلك، فإن جمع الزكاة يلعب دوراً لا مثيل له في الثورة الصناعية للبلد، لأنه عند ما تُجمع الزكاة بطريقة صحيحة، وتوزع تحت إشراف الدولة بشكل مناسب، فإن ذلك يقلل من حاجات المجتمع. كما يجب أن يُعرف أحكام الضرائب التي تُضرب وتعين من الدولة، وعلى الدولة أن تُصرف أموال الضرائب في الأماكن الصحيحة التي تفتقر إلى الموارد البشرية العامة والمصالح ذات المنفعة العامة؛ لتكون بإذن الله سبباً رئيسياً لتفادي البلد من احتياجات الواردات التي تستوردها للقضاء على تغطي الاحتياجات العامة داخل البلد

الكلمات المفتاحية: الثورة الصناعية، الفقه الإسلامي، الزكاة، الضرائب، الجمع، الإدارة.

سریزه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف المرسلين، نبينا محمد وعلى آله وصحابه أجمعين.

أما بعد:

گران هیواد افغانستان د ډیرو لسیزو راهیسی د جنگونو، خپل منځي اختلاف په لمبو کې سوزي، ډیری ستونزي دې هیواد کې شتون لري چې د دغو سترو ستونزو څخه په لویه کچه د صنعت، جوړښت شاته پاتې کیدل دي چې د نورو هیوادونو په کچه بیخي په نشتون شمېرل کیږي، د دې اړینې موضوع د څه ناڅه د ژوندي کولو لپاره زموږ گران، د قدر وړ د لوړو زده کړو وزارت، او د البیروني پوهنتون علمي څېړنو، علمي مجلې معینیت دا مناسبه وگڼل چې د دې ستر کار لپاره یوه هڅه وکړي، یو ملي کنفرانس (د افغانستان د دوامداره پرمختګ لپاره صنعتي انقلاب) د عنوان د لاندې وړاندې کړي چې گڼ اړخونه لري چې د فقه، او قانون د څانگې په نوموړی کنفرانس د گډون په موخه (د اسلامي فقهي له نظره د زکات، مالیاتو راتولو کې د صنعتي انقلاب مدیریت) د عنوان د لاندې برخه خپرل کیږي. د دې موضوع ارزښت دا دی چې د زکات، مالیاتو راتولو د اسلامي فقهي له نظره په اقتصادي جوړښت، صنعتي انقلاب کې یو ډیر اړین رول لري؛ ځکه چې هر کله د زکات، مالیاتو راتولو په سمه توګه مدیریت کړای شي، نو دا د هیواد په روغونه، جوړښت کې لوی، ستر انقلاب، تحول رامنځ ته کوي، چې په پای کې هیواد د بهرنې اړتیاګانو څخه ژرغول کیږي، په خپلو پښو دریري، عین وخت کې د کار کولو زمینه، فرصت ملکي وگړو ته برابرېږي. د بیلګې په توګه زکات چې پرته لدی چې د اسلام له اړینو رکنونو څخه یو رکن دی، د دې اداء کول په هغه کس چې واجد الشرائط وي حتمي کار دی، زکات ډیری فضیلتونه لري هر کله چې په سمه توګه مدیریت کړای شي، دولت یې بیا په سمه توګه خرج کړي، خپل مستحق، اړمند کسانو ته تې ورسوي، نو د دې په مقابل کې یو صنعتي انقلاب رامنځ ته کیږي چې پای کې دولت په عموم کې، او ټول وگړي په ځانګړی توګه یو اقتصادي پرمختګ ته رسیږي.

د نوموړی مقاله ځینې فرضي پوښتنې دا دی: د اسلامي فقهي له نظره د زکات، مالیاتو راتولو کې د صنعتي انقلاب مدیریت څه معنا لري؟

د زکات، مالیاتو راتولو په انقلابي صنعت کې څومره ونډه اخلي؟

هغه کومی نوری اسلامي، دیني حل لارې دی چې په انقلابي صنعت کې اړین رول لوبوي؟

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی

هدف، موخې د دې موضوع د اسلامي فقه د زکات، مالیاتو په راټولو کې رول په ډاگه کول دي چې په پای کې په صنعتي انقلاب کې رول، مدیریت څرگند کړای شي، چې د دې په پلي کولو کې دولت یو ښه اقتصادي، صنعتي ته رسیري چې د ډیری بهرنیو اړتیاگانو څخه یې ژغورنه کیري، همدا راز د اسلامي فقهي شمولتیا په ډاگه کول چې نه یوازې دا چې اسلامي فقه عبادت اړخ ته پاملرنه کوي بلکې د نوی پرمختګ اړوند موضوع گاني هم تل لپاره په نظر کې نیسي، او د هغو د د ودې لپاره گوتلي گامونه اخلي.

د موصوف موضوع په اړه کومه زما د شخصي معلومات مطابق کومه لیکنه تر دې مهال شتون نه لري؛ بناء اړتیا ده چې د اسلامي فقهي، له نظره دا موضوع وڅیړل شي، اړوند مطالب یې څرگند شي؛ لدی امله چې گران هیواد یو گټور انقلابي جوړښت، صنعت کې پرمختګ وکړي، دا لیکنه کتابتوني ښه لري، تحلیلي - توصیفی میتود په کې کارول شوی دی، د گټو سرچینو څخه ور په کې استفاده شوی لکه: علمي څیړنې، د ماستری رسالې، علمي مجلې، د انټرنټ سایټونه، او داسې نورې سرچینې.

د زکات لغوي پیژندنه.

زکات د عربي «زکى» کلمې څخه اخیستل شوی، چې اصلي معنا یې پاکوالی، تصفیه، او له ناوړه شیانو څخه خلاصون ته وایي. دا کلمه د مال د پاکوالی تر څنګ د برکت، زیاتوالي مفهوم هم لري؛ ځکه چې مال د ناوړه شیانو څخه پاکوي، او د هغه د برکت، زیاتوالي لامل گرځي. (ابن منظور، ب)، ت)، لسان العرب: ۱۴-۳۵۸.

د زکات اصطلاحی پیژندنه

«زکات د شریعت له نظره داسې تعریف کیدای شي: «تملیک مال مخصوص، لمستحقه بشراطة، علی وجه التقرب».

ژباړه: «زکات یو ټاکلی مقدار مال مستحق ته د ځانگړو شرطونو سره سم د الله جل جلاله د تقرب لپاره ورکول کیري» (ابن عابدین، ۱۴۱۲هـ)، رد المختار علی الدر المختار: ۲-۲۵۷).

مالیې پیژندنه

مالیه یو لازمی مالیه ورکول دی چې ورکونکی (مکلف) دولت ته یې د خپلې وسې مطابق ورکوي، پرته له دې چې د عامه خدماتو گټې مستقیمې یا غیر مستقیمې ورباندې راشي. د مالیې عواید د عامه لگښتونو، اقتصادي، ټولنیزو، سیاسي، او نورو حکومتي موخو لپاره کارېږي. (القرضاوي، ۱۴۲۷هـ، فقه الزکاة، ص: ۹۳۸).

په حنفي فقه کې مالیه، خراج، عشر، جزیه سره پېژندل شوې، خو په عمومي ډول هر هغه مال چې اسلامي حاکم د عامه مصلحت لپاره اخلي، تر بحث لاندې نیول شوی. احنافو دا مشروع گڼلې، خو لاندې دوه شرطونه یې ورته لازمي بللي.

۱. عامه مصلحت ته کتنه: یعنې د ټولنې د سوکالۍ، امنیت، تعلیم، بنسټیزو خدماتو لپاره وکارول شي.

۲. عدالت مراعت شي: یعنې پر خلکو غیر عادلانه فشار رانه وړي شي. (السرخسي، (۱۴۲۱هـ)، المبسوط: ۳-۳۱).

د زکات، مالیاتو راتولولو لپاره عادلانه معیارونه

د زکات راتولولو لپاره عادلانه معیارونه د اسلامي نصاب د رعایت، د افرادو د مالي وړتیا سره متناسب کیدو، د عادلانه استازو د غوره کولو ش، خوا گرځي. دا ټول په نظر کې نیولو سره ډاډ ورکوي چې زکات په سمه، عادلانه توګه راتول، ویشل کیږي. له همدې امله، زکات یوازې له هغو کسانو څخه اخیستل کیږي چې شتمنۍ یې اسلامي نصاب ته رسیدلي وي (د شتمنۍ لږترلږه اندازه چې زکات پرې واجب دی). د مثال په توګه، د سرو زرو نصاب ۲۰ مثقال سره زر (۸۷،۴۸ ګرامه) دی، د سپینو زرو نصاب ۲۰۰ درهم سپین زر (۶۱۲ ګرامه) دی. په کرنیزو محصولاتو کې زکات یوازې عشر ۱۰٪ دی کوم محصولات چې د زکات وړ وي، اسلامي شریعت په هغو زکات غوښتلی وي. (الزحيلي، ب، ت)، الفقه الإسلامی وأدلته: ۳-۱۵۹).

هغه شتمني چې د حنفیانو فقهاو، په آند زکات پرې واجب دی په دوو برخو ویشل شوې ده. الف: ظاهري ملکیت: (لکه غله، خاړوي، کانونه) چې حکومت یې د مالک له اجازې پرته د راتولولو حق لري.

ب: داخلي ملکیت: (لکه نغدي پیسې، سوداګریز توکي) چې تادیه یې د مالک په اختیار کې پاتې ده، مګر حکومت یې څارنه کولی شي. (الکاساني، (۱۴۰۹هـ)، بدائع الصنائع: ۲-۴۶).

حنفي فقهاء په دې ټینګار کوي چې زکات باید په داسې ډول نه وي چې په خلکو باندې ډیر فشار راوړي. له همدې امله، زکات په کال کې یوازې یو ځل په یوه ملکیت واجب دی، په مکرر ډول یې راتولول ظلم گڼل کیږي. (السرخسي، (۱۴۲۱هـ)، المبسوط: ۲-۱۹۸).

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی

د مالیه ورکونکو د مالي وړتیا په تناسب: حکومت حق نه لري چې په هغو کسانو زکات ولگوي چې پخپله په فقر، اړتیا کې دي. یوازې هغه کسان چې د قانوني حد څخه ډیر مال لري پر زکات ورکولو مکلف دي. (الکاساني، (۱۴۰۹هـ)، بدائع الصنائع: ۲- ۵۰).

د زکات راټولونکو په ویش کې د عدالت رعایت: حکومت باید داسې زکات راټولونکي وټاکي چې عادل وي، د اسلامي احکامو څخه خبر وي. د غلطو خلکو گمارل ممکن د فساد، بې عدالتۍ لامل شي. (الکاساني، (۱۴۰۹هـ)، بدائع الصنائع: ۲- ۵۲).

د زکات، مالیاتو په راټولولو کې د نوې ټیکنالوژۍ کارول

په حنفي فقه کې، هر هغه نوبت چې د ديني واجباتو د ښه والي، اسانتيا لپاره مرسته کوي معمولاً منل کيږي، په دې شرط چې دا د اسلامي اصولو سره سم وي، لکه څنگه چې الله تعالی فرمايي: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» [سورة النساء: ۲۸].

ژباړه: «الله تعالی غواړي ستاسو لپاره شيان اسانه کړي، انسان کمزوری پیدا شوی دی». په بل ځای کې الله تعالی فرمايي: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» [سورة البقرة: ۱۸۵].

ژباړه: «الله تعالی ستاسو لپاره اسانتيا غواړي، او ستاسو لپاره سختي نه غواړي».

استدلال: اسانتيا د دې دين په ټولو دندو کې يو لوی قانون دی. په اسلام کې عقیده څه ده؟ دا اسانه ده او هيڅ مشکل پکې نشته. دا آيت هغه زړه ته الهام ورکوي چې خوند يې اخيستی، پوه شوی دی ترڅو د ژوند په ټولو اړخونو کې سادگي، اسانتيا عملي کړي، د مسلمان روح د عظمت، وقار په يوه ځانگړي شکل بدلوي چې پکې د سختۍ يا پيچلتيا هيڅ يادونه نشته...». (سيد قطب، (ب، ت)، في ظلال القرآن: ۱- ۱۴۰).

په مبارکو احاديثو کې په ديني چارو کې د اسانتيا، ساتلو ټينگار شوی دی. له انس رضی الله عنه څخه روايت دی چې رسول الله صلی الله عليه وسلم وفرمايل: «يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَبَشِّرُوا وَلَا تُنْفِرُوا». (البخاري، (۱۴۲۲هـ) صحيح البخاري: ۱- ۲۵)، يعنې: «په ديني چارو کې اسانتي، ې رامنځته کړئ، سختي مه کوئ. زيری ورکړئ، نفرت مه پيدا کوئ».

له همدې امله، د زکات، مالیاتو په راټولولو کې د نويو ټیکنالوژيو کارول د دې هدف د ترلاسه کولو لپاره د اسانتيا وسيله گڼل کېدای شي، د دې مثالونه په لاندې ډول دي.

۱- د زکات آنلاین تاديه: د آنلاین پليټ فارمونو په کارولو سره، افراد کولی شي خپل زکات په

اسانۍ، فوري توگه ورکړي، کوم سيستم چې په دې هکله مرسته کوي.

- ۲- ډیجیټل پیسې: مالي ټیکنالوژي لکه ډیجیټل پیسې کولی شي اړمنو خلکو ته د زکات لیردولو لپاره د یوې وسیلې په توګه عمل وکړي. دا طریقه کولی شي د پیسو لیرد سرعت، دقت زیات کړي..
- ۳- برېښنایي خیریه سازمانونه: هغه خیریه سازمانونه چې د اسلامي اصولو سره سم زکات راټولوي، او ویشي، په پای کې، دوی د زکات د لګولو په اړه واضح، دقیق راپورونه وړاندې کوي.
- ۴- موبایل اېلیکېشنونه: هغه اېلیکېشنونه چې کاروونکو ته اجازه ورکوي چې خپل زکات محاسبه کړي، مستقیم یې د اړمنو حسابونو ته وسپاري.

دا غوښتنلیکونه معمولاً د زکات د احکامو په اړه تعلیمي لارښوونې هم لري. (دارالافتاء مظهر اهل السنة، خالد زرعی، ۱۴ ربیع الثاني، ۱۴۴۶هـ).

د زکات په راټولولو کې د حکومت رول

حنفي فقهاء رحمهم الله تعالى په دې باور دي چې د زکات راټولول د اسلامي دولت له اساسي دندو څخه یو اړینه دنده ده؛ ځکه چې زکات نه یوازې یو مالي عبادت دی، بلکې یو ټولنیز حق هم دی چې باید په سمه توګه اداره شي. له همدې امله، حکومت د زکات د څارنې، راټولولو، ویشلو دنده لري ترڅو دا مکلفیت په عادلانه توګه ترسره شي، که چېرې افراد د زکات له ورکولو څخه انکار وکړي، حکومت حق لري چې دوی زکات ورکولو ته مجبور کړي. (السرخسي، (۱۴۲۱هـ)، المبسوط: ۲-۱۹۰).

حکومت مکلف دی چې له خلکو څخه د زکات راټولولو لپاره استازي وټاکي چې هغوی پیاوړتیا ولري، او خپل دغه اړین امانت له خلکو څخه په ښه توګه راټول کړي، او بیرته یې دولت ته په سمه توګه وسپاري.

مالیاتو نه ورکونکو (سرغړونکو) لپاره سزاګانې ټاکل

په اسلامي شریعت کې اصل قانون، اساس دا دی چې هیچا لره جائز نه دی چې د بل چا مال پرته د هغې د اجازې څخه خرچ کړي، په کې تصرف وکړي رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمایي: «حلال نه دی یو مسلمان لره چې د بل مسلمان مال استفاده کړي پرته د هغې له خوښۍ څخه». (الدارقطني، (۱۴۲۴هـ)، سنن الدارقطني: ۴-۴۲۴)؛ البته کله چې د دولت لخوا په ګڼو ادارو، محلاتو، مالداره وګړو د شرعي عمومي مصلحت په بناء مالیات وټاکل شي، مقدار، اندازه په سمون مالیات وټاکل شي نو په دې صورت کې د عمومي مصلحت پر بناء، د دولت د ښه لید، کتنې سره سم باید مالیات له ټاکلو لوړو لخوا ورکړای شي، (القرطبي، (۱۴۲۳هـ)، الجامع لأحكام القرآن: ۱۱-۶۰). د سرغړونې، تخلف پر مهال

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی

باید دولت د سرغړونکو لپاره تعزیری سزاګانې په نظر ونیسي، په سرغړونکو باندې یې پلې کړی چې نور خلک ترینه پند، عبرت واخلي چې د دی اساس، بنسټ په اسلامي فقه کې شتون لري چې دلته دیلګې په توګه یادښت کيږي.

اگر چې د مالیاتو په اړه ما شخصاً کوم خاص قول د فقهاو پیدا نکړه؛ البته عمومي کوم تعزیرات چې د حکومت د، امرو د سرغړونې په صورت کې فقهاو ذکر کړي دي په لاندې ډول دي.

۱- په زور، جبر سره اخېستل

۲- ضرب (وهل)

۳- مالي جرمانه ټاکل

۴- حبس کول. (الزحيلي، (ب،ت)، الفقه الاسلامي وأدلته ص: ۴-۳۱۴۵).

مخکنې ټول سزاګانې د حاکم، قاضي په مشوره اجراء کيږي؛ ځکه چې هغه د دی مسلک، تخصص خاوند دی کومه سزا چې مجرم ته مناسبه وي نو هغه ورته په نظر کې د قاضي د لاري ټاکل کيږي.

د زکات د اقتصادي پرمختګ په سمون باندې د زکات، صدقاتو د اغیزو تاریخي بېلګې

اسلام په هره برخه د ژوند کې په مخکنیو، اوسنې وختونو کې د پراختیا، پرمختګ ډګر کې یو الهي، رباني ورکړه، ډالۍ ده چې د ژوند په هر اړخ کې، که دیني چارې دی، او که دنيوي چارې دی د دواړه په هکله یې بی ساري ښیرلې وړاندې کوي چې دلته یوازې د زکات ښې اغیزې په اقتصادي بهیر باندې چې د تاریخ په، اوږدو کې یا دښت شوې دي ځینې له هغو څخه دلته ذکر کوو.

۱- نبوي عهد

۱- رسول اکرم صلی الله علیه وسلم د صحابو څخه د صدقې غوښتنه وکړه نو لومړي خلیفه أبو بکر رضی الله عنه خپل ټول مال راوړل، دوهم خلیفه عمر رضی الله عنه خپل نیم مال راوړل. (الترمذي، ۱۳۹۵هـ)، سنن الترمذي: ۵-۶۱۴).

د لومړی خلیفه دور

کله چې رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وفات شو، د اسلامي خلافت واګی لومړی خلیفه أبو بکر رضی الله عنه ته وسپارل شوي، نو د اسلام لومړی خلیفه په لومړي کارونو کې د هغه کسانو سره جهاد وکړه چې هغوی زکات نه ورکوو، او وویل: «قسم په الله جل جلاله زه به وجنګیرم د هغه چا سره چې د زکات، لمونځ منځ کې توپیر کوي؛ ځکه زکات د مال حق دی باید چې ورکړای شي». (البخاري، ۱۴۰۷هـ)، صحيح البخاري: ۲-۵۰۷).

۲- د عمر بن عبد العزيز خليفه دور

د عمر بن عبد العزيز رحمه الله په وخت کې د زکات راټولول، په سمه توګه وويشل دی کار په اسلامي اقتصاد دومره ښه اقتصادي اغيز رامنځ ته کړه چې داسې وخت راغی چې د زکات ورکولو لپاره په مستحقو کسانو غږ وشو خو څوک مستحق پيدا نه شو. لکه چې يحيى بن سعيد رحمه الله فرمايې: «ما ته عمر بن عبد العزيز رحمه الله د زکات په راټولولو دنده وسپارله، ما زکات راټول کړه، بيا می پلټنه وکړه چې زکات بې وزله خلکو ته ورکړم نو ما څوک پيدا نکړه چې دغه زکات څوک واخلي، نو بيا ما په هغه زکاتونو باندې غلامان واخستل، د هغوي ولاء (وفاداري) مې مسلمانانو ته وسپارله». (ابن عبد الحكم، (۱۴۰۴هـ)، سيرة عمر بن عبد العزيز على ما رواه الإمام مالك بن أنس وأصحابه: ۱- ۱۶۵). دا لدی امله چې زکات خپلو مستحقينو ته په سمه توګه وويشل کيدل، بې وزله خلق مالداره شوی وو، اړتياوي لمنځه تللي وي.

د زکات، مالياتو د راټولولو لپاره د اسلامي ارزښتونو ترويج

- ۱- په لومړۍ پړاو کې د زکات، مالياتو مفهوم، پيژندنه ترويج کول، په دی معنا چې د زکات، مالياتو مفهوم څه شی دی؟
- ۲- په رسنيو، مجازي پاڼو، د جوماتونو په منبرونو، وغيره نورو وسائلو کې د خلکو سره شريکول.
- ۳- د زکات ارزښتونه، د مشروعيت حکمت، فلسفه له قرآن کریم لمخې، همدا راز د سنت نبوي لمخې، اړ د فقهاو له نظره بيانول.
- ۴- د زکات ارزښت، د دی اړوند احکام د پوهنتونونو، نور مؤسساتو له لارې په ويناوي بڼه، ليکنه بڼه خپره ول.
- ۵- د زکات د مشروعيت موخې، اهداف په مفصله توګه بيانول؛ ځکه زکات يوازې عبادتي اړخ نه لري؛ بلکې زکات پرته لدی چې يو ځانګړې عبادت دی، د الله تعالی حق دی، همدا راز سياسي، تضامني، ټولنيزی ډيری موخې لري.
- ۶- د زکات، مالياتو د راټولولو لپاره ځانګړي ډله ټاکل (العاملين عليها).
- ۷- د دواړو اندازه، مقدار په ډاګه کول، همدا راز زکات، ماليات د واجد الشرائط کسانو څخه اخيستل.
- ۷- د زکات وويشل په ښه توګه د يو عادل حکومت د سيوری دلاندی.

۸- د زکات د نیو، معاصرو بیلگو په ډاگه کول، د هغوی په پلې کولو کې د معاصرو فقهاو، و سره مشوره کول.

۹- اسلامي سوچه، بشپړه توگه بانکدارۍ لپاره کار کول، بانکونه پرانیستل.

۱۰- رسمي، غیر رسمي د زکات د راټولو لپاره ځای پر ځای، په ځانگړې توگه په سترو ښارونو کې مؤسسې جوړول. دا، او دې ته ورته معلوماتو د کتلو لپاره. (القرض، ی، (ب، ت)، فقه الزکاة: ۲-۴۴)، (مجله الجمع الفقه الإسلامي: ۴-۳۶۳-۳۶۴) وگورئ.

د زکات په ویشلو کې د نوي ټکنالوژۍ رول

نن سبا د نوي ټکنالوژي اوج ته رسیدلی دي، د نړۍ په هر گوډ کې په هره برخه کې د نوي ټکنالوژۍ څخه په گڼو برخو کې وگړي کار اخلي، خپل ټول کارونه د دې لارې څخه مخکې وړاندې یوسي، د زکات د ویش موضوع د نوي ټکنالوژۍ له لارې څخه ډیر اړین رول لري؛ ځکه زکات یو ټولنیز عبادت دی چې د ټولنې سره مستقیمه اړیکه لري، بناء په دې باید زکات د نوو نورمونو په سمون ویشل شي چې

دلته د نوي ټکنالوژۍ د زکات د ویشلو لپاره ځینې پروگرامونه په لاندې ډول ذکر کیدای شي.

۱- زکات د مؤسساتو رسمي (دولتي)، غیر رسمي لارو څخه توزیع کول يعني: په هغو کسانو چې زکات واجب شوی وي، دولت په ځینو نورو مواردو کې مصروف وي، د زکات مصارف ته د بې وزله وگړو اړتیا وي؛ نو لدی کبله چې حق خپلو خاوندانو ته وسپارل شي باوري، معتمدي مؤسسې کولای شي چې د زکات د ویش دنده په خپله غاړه واخلي، یا د مؤسسې له لارې زکات بې وزله، مستحقینو کسانو ته تسلیم کړی شي. معاندي، (۲۰۲۴هـ)، مجله الأصيل للبحوث الاقتصادية والإدارية، لومړۍ شمیره ۸ ټوک.

۲- د ټکنالوجۍ د نوو سیستمونو څخه چې په ځیرکتیا باندې سمبال دي گټه اخيستل؛ ځکه دی سیستمونو کې په اکثره توگه نمگړتیاوي شتون لري، شفافیت، د زکات موخه، اهداف خپلو خاندانو ته په ښه توگه سپاري چې په راتلونکو کړنو کې د نوي سیستمونو ځینې بیلگې ذکر کیدای شي.

۱- BLOCK Chain

چې دا عبارت دی د یو ځانگړي سیستم څخه چې مالي تړونونو کې لاس په کار کیري چې ارقام، شمیري په ډیره دقیقه توگه سرته رسوي چه زکات، نورو حساباتو کې ښه ونډه اخلي.

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی

۲- البلوکشین. چې دا هم عبارت دی د یو ځانګړي سیستم څخه چې مالي تړونونو کې لاس په کار کېږي چې ارقام، شمیري په ډیره دقیقه توګه سرته رسوي چه زکات، نورو حساباتو کې ښه ونډه اخلي.

۳- مصنوعي ځیګرتیا: چې نن سبا ټیکنالوجی د یو ځانګړي پروګرام نړۍ ته وړاندی کړي چې ډیر عجیب، ناشنا پروګرامونه یې رانغښتي دی، په ځانګړی توګه په علمي ډګر کې چې نوی څیړني، تحقیقات یې ډیر پیاوړي کړی دي، په عموم کې په هره برخه کې چوپړتیاوي وړاندی کوي چې زموږ د موضوع سره د زکات، مالیاتو کې ونډه اخلي؛ ځکه د دی دواړو د ارقامو، حساباتو سره مستقیما اړه لري چې سمه توګه، اسانه لاره سرته رسیږي، د کمی، زیاتی څخه ژغورونه صورت مومي. معاندي، (۲۰۲۴هـ)، مجله الأصل للبحوث الاقتصادية والإدارية، لومړی شمیره ۸ ټوک.

۴- مالي ټیکنالوجي پلیتارمونه.

د نوی ټیکنالوجی د پرمختګ په لړۍ کې ډیر زیات نوی پلیتارمونه نړۍ ته راغلی دي چې د ټولو خپل به سخت تمام شي؛ البته ځینې د بیلګې په توګه دلته یا دښت کوو.

۱- د زکات ټولنیز انټرنټيبي صندوقونه: یعنی د اسانتی، ی په موخه په ځانګړی توګه اطرافي سیمو کې هلته نوی ټیکنالوجی پرمختګ نسبتاً ښارونو ته کم وي د دی لارې څخه زکات، مالیات راټولول، وروسته یې په بې وزله وګړو د یو ټاکلی شوې سیستم دلارې څخه ویشل.

۲- د خپل معاشونه څخه د بانک له لارې زکات، مالیات راټولول، بیا د بې وزله وګړو حسابونو ته تې حواله، انتقال کول.

۳- د خپل ځانګړې ځیرک ټلفون، د انټرنټ دلارې څخه زکات، مالیات راټول، بیا د بی وزله وګړو شمیرو ته انتقال کول. (معاندي، (۲۰۲۴هـ)، مجله الأصل للبحوث الاقتصادية والإدارية، لومړی شمیره ۸ ټوک.

۴- د الکتروني وسائلو دلارې څخه دینار، درهم په ګرامونو ویشل، چې دا د دې کار په شفافیت، څرګندوالی کې ډیر رول لوبوي، خلکو ته یې دشمیرل کولو، بې وزلو ته ورکول پروسه ډیر په چټکۍ سره سرته رسوي. آل الشیخ، (ب،ت)، ضوابط توظيف تقنية المعلومات التطبيقية في خدمة الفقه ص: (۳۱).

د دولت رول د زکات په وېش کې

زکات د اسلام دریم رکن دی، دا یو مالي حق دی چې الله تعالی په وس لرونکو مسلمانانو فرض کړې دی. ترڅو ټولنیز یووالی، اقتصادي عدالت ترلاسه کړي، د دې رکن د اهمیت له امله دولت د زکات د تنظیم، مدیریت، وېش کې مرکزي رول لوبوي ترڅو زکات په عدل، اغېزمنتیا سره مستحقینو ته ورسېږي. (القرضاوي، (ب، ت)، فقه الزکاة: ۵۵۴).

قال الإمام النووي: «ينبغي للإمام والساعي وكل من يفوض إليه أمر تفريق الصدقات، أن يعتني بضبط المستحقين، ومعرفة أعدادهم، وأقدار حاجاتهم بحيث يقع الفراغ من جمع الصدقات بعد معرفتهم أو معها، ليتعجل حقوقهم وليأمن هلاك المال عنده». (النووي، (۱۴۱۲هـ)، روضة الطالبين وعمدة المفتين: ۲-۳۳۷).

ژباړه: امام نووي رحمه الله تعالی فرمایي: «حاکم، زکات راټولونکي، هر هغه څوک چې دا کار ورته سپارل شوی وي پکار ده چې د زکات د مستحقو کسانو سمه پلټنه وکړي، د هغوي شمېر معلوم کړي، د هغوی داړتیا اندازه معلوم کړي؛ لدی امله چې د دوی حق اداء کړای شي، او مال د هلاکت ته ونه رسیږي».

د زکات مالونه راټولول، اداره کول

۱- د زکات په چارو کې د کارکوونکو ټاکل، دولت ځانگړي کارکوونکي ټاکي چې زکات راټول، ووهشي، چې دوی ته "العاملین علیها" ویل کېږي. دوی د زکات مستحقینو له ډلې څخه دي، لکه څنگه چې الله تعالی فرمایلي: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا» (التوبه: ۶۰). ژباړه: «یقیناً زکات حق د بې وزلو کسانو، غریبانو، د زکات راټولونکو کسانو... دی».

پیغمبر ﷺ، وروسته خلف، و راشدینو به د زکات راټولولو لپاره خلک قبایلو، سیمو ته استول، د بخاري شریف په حدیث کې راغلي: (چې پیغمبر ﷺ "ابن اللتیبة" د صدقو د راټولولو لپاره استولی وو). (البخاري، (۱۴۲۲هـ)، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه: ۹-۲۸).

د مالونو ارزونه، د نصاب ټاکل

دولت د زکات د مالونو ارزونه کوي، د هر ډول نصاب (سره رز، سپین زر، کرنیزې حاصلات، څاروي، سوداگریز مالونه) ټاکي، ترڅو ډاډ ترلاسه کړي چې مکلفین خپله زکات په سم ډول ادا کړي، ابن قدامه فرمایي: "پر امام باندې لازم دي چې د زکات راټولونکي ولېږي، زکات مستحقینو ته ووهشي" (ابن قدامة، (۱۴۰۵هـ)، المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني: ۲-۴۹۹).

د تادیې، راټولولو لارې چارې تنظیمول

په ننني عصر کې دولت کولی شي رسمي ادارې یا مؤسسې د زکات راټولولو لپاره جوړې کړي، د تادیې بېلابېلې لارې، لکه الکترونیکي تادیې، اسلامي بانکونه برابر کړي.

زکات وېش په مستحقینو باندې

۱- د مستحقو کسانو ټاکل: د قرآن کریم په ۶۰ آیت کې (التوبه) د زکات مستحقین اته ډوله کسان دي: فقیران، مسکینان، عاملین علیها، المؤلفة قلوبهم، فی الرقاب، الغارمون، فی سبیل الله، ابن السبیل، دولت مسؤل دی چې د ټولنیزو سروې گانو، مطالعاتو په مرسته د ډېر اړمنو طبقو پېژندنه وکړي، ترڅو زکات مستحقینو ته ورسېږي.

۲- په شفافیت، عدالت سره د زکات وېش: دولت باید د زکات د وېش لپاره روڼ، څرگند میکانیزمونه وضع کړي، لکه د مستحقینو لېستونه جوړول، د اړتیا پر بنسټ د برخو ټاکل، خلیفه راشد عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) به خپله د زکات په وېش څارنه کوله، ډاډ یې ترلاسه کوو، په عادلانه ډول وېشل کېدل. وگوره: (مالك، ب، ت)، الموطأ (روایة یحییٰ الليثی): ۱- (۲۶۵).

۳. د بېوزلو لپاره د پرمختیايي پروژو جوړول

دولت باید د زکات پیسې د وړو پروژو، پروگرامونو لپاره وکاروي، ترڅو بېوزله وگړي خپله اقتصادي اړتیا پوره کړي.

د دولت رول د زکات نه ورکولو په صورت کې

۱- زکات په زور اخیستل

کله چې اړتیا وي د دولت حق دی چې زکات نه ورکونکو څخه په زور زکات واخلي. خلیفه راشد ابو بکر صدیق (رضی الله تعالی عنه) د زکات نه ورکونکو پر وړاندې جهاد وکړه، او وویل: «که دوی یو د اوبن پری هم رسول الله ﷺ ته ورکوه، که هغه منع کړي، نو زه به ورسره جگړه کوم». (البخاري، (۱۴۲۴هـ): ۹-۹۳). دا کړنه ښيي چې دولت مسؤل دی چې د زکات رکن د هر ډول تېرې یا انکار څخه وساتي.

۲- په زکات تېښته کوونکو باندې د سزا پلي کول

دولت کولی شي په هغو کسانو چې د زکات له ورکولو تېښته کوي، مالي یا تنظیمي سزا ولگوي، ترڅو د شرعي احکامو پیروي ډاډمنه کړي، ابن قدامه رحمه الله تعالی فرمایي: «که یوه ډله د زکات له ورکولو ډډه وکړي، نو تر هغو پورې به ورسره جگړه وشي ترڅو چې زکات ورکړي». (ابن قدامة، (۱۴۰۵هـ)، المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني: ۲-۴۲۸).

د زکات د مالونو مدیریت، پانگونه د عمومو گټو لپاره

۱- د زکات د مالونو پانگونه

دولت کولی شي د زکات مالونه په داسې پروژو کې پانگونه کړي چې عواید یې مستحقینو ته ورسېږي. (استثمار اموال الزکاة لمحمد شبیر مجله دراسات الجامعة الاردنية العدد الخامس عام ۱۹۹۴م: ۳۱۴ ، زکاة الاموال العامة المستثمرة في القطاع العام دراسة فقهية مقارنة المجلة جامعة دمشق للعلوم الاقتصادية والقانونية، المجلد ۲۵ - العدد الثاني - ۲۰۰۹م، ص: ۷۸۸).

۲- د زیربناو، ټولنیزو خدمتونو پراختیا

د زکات مالونه د روغتونونو، ښوونځیو، هغو پرمختیايي پروژو جوړولو لپاره کارېدلی شي چې په دوامداره توګه بېوزلو ته ګټه ورسوي.

د زکات وېش کې شفافیت، محاسبه

دولت باید داسې کنټرولي میکانیزمونه جوړ کړي چې د زکات مالونو ښه اداره ډاډمن کړي، لکه: منظم راپورونه، مالي څارنه، د پیسو ناسمه استفاده منع کول، دولت په زکات وېش کې د څارنې رول د هغې شرعي، اقتصادي مسئولیتونو یوه مهمه برخه ده، هدف یې د ټولنیزې عدالت ترلاسه کول، د فقر کمول، د ټولنې د افرادو ترمنځ د یووالي روحیه پیاوړې کول دي.

د زکات، مالیاتو د تخصیص ملاتړ د پروگرامونو پراختیا

زکات په اسلام کې یو اساسي اصل دی، قرآن کریم، د رسول الله صلی الله علیه وسلم احادیث د زکات د ځانګړي کولو پر اړتیا ټینګار کوي. الله تعالی د زکات مصرف لپاره اته اصناف ټاکلي دي: "إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ" (التوبة: ۶۰).

ژباړه: «بېشکه زکات یوازې د فقیرانو، مسکینانو، د زکات راټولونکو، د هغو خلکو لپاره چې زړونه یې نرمېږي، د غلامانو د آزادولو، د پور لرونکو، د الله په لار کې، او مسافرو. دا د الله تعالی حکم دی، الله ښه پوه، حکیم دی».

پیغمبر صلی الله علیه وسلم هم د قرآن د حکم سره سم د زکات د ځانګړي کولو پر اړتیا ټینګار کړی.

معاذ بن جبل رضي الله عنه ته یې وفرمایل: «فَاعْلَمْهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيائِهِمْ فَتَرُدُّ فِي فُقَرَائِهِمْ». (البخاري، (۱۴۲۴هـ) صحيح البخاري: ۲-۱۰۴).

ژباړه: «دوی ته خبر ورکړه چې زکات پر دوی فرض دی، له بډایانو اخیستل کېږي، بېرته فقیرانو ته ورکول کېږي».

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمائي: «لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِغَنِيِّ إِلَّا لِخَمْسَةٍ: لِعَازٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ لِعَامِلٍ عَلَيْهَا، أَوْ لِعَارِمٍ، أَوْ لِرَجُلٍ اشْتَرَاهَا بِمَالِهِ، أَوْ لِرَجُلٍ كَانَ لَهُ جَارٌ مُسْكِينٌ فَتَصَدَّقَ عَلَى الْمُسْكِينِ، فَأَهْدَاهَا الْمُسْكِينُ لِلْغَنِيِّ» (أبو د، د، (١٤٣٠هـ)، سنن أبي د، د: ٣-٧٧).

ژباړه: «زکات بهای ته نه دی روا، مگر پنځو کسانو ته: هغه مجاهد چې د الله تعالی په لاره کې جنگېږي، د زکات راټولونکی، پور لرونکی، هغه کس چې زکات یې د خپل مال په بدل کې اخیستی، هغه کس چې گاونډی یې مسکین وي، مسکین ته زکات ورکړل شي، بیا مسکین دا بهای ته هدیه کړي».

په اسلام کې د زکات د تخصیص د ملاتړ پروگرامونه

قرآن کریم، د رسول الله (صلی الله علیه وسلم) سنت د زکات د ځانگړي کولو لپاره ځانگړي پروگرامونه وړاندې کړي دي. پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) د زکات د راټولولو لپاره ځانگړي کسان ټاکلي وو، چې "عاملین" بلل کېدل.

د رسول الله صلى الله عليه وسلم د زکات د راټولولو تگلاره

د زکات راټولولو لپاره ځانگړی بیت المال جوړ شو، ځانگړي کسان د زکات د راټولولو لپاره واستول شول، همدا رنگه د زکات د راټولونکو څخه حساب اخیستل کېدل، ترڅو د فساد مخه ونیول شي، ابن التییه د زکات راټولو مامور وو. کله چې بېرته راغی، ویي ویل: «هَذَا الَّذِي لَكُمْ، وَهَذِهِ هَدِيَّةٌ أُهْدِيَتْ لِي، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَهَلَّا جَلَسْتَ فِي بَيْتِ أَيْبِكَ، وَبَيْتِ أُمِّكَ حَتَّى تَأْتِيَكَ هَدِيَّتُكَ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا»». (البخاري (١٤٢٤هـ)، صحيح البخاري: ٩-٧٦).

ژباړه: «يعني: دا زکات دی چې ما راټول کړی، او دا هغه هدیه ده چې خلکو ماته راکړې ده، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) ورته وفرمایل: ولې دې د پلار، مور په کور کې نه کښېناستی، چې وگورې خلک واقعاً هدیه درکوي که نه؟».

د زکات د تخصیص د ملاتړ د برنامه پراختیا

اسلام د زکات د تخصیص لپاره اساسي بنسټ ایښی، نو باید د شرایطو مطابق د زکات د تخصیص پروگرامونه پراخه شي.

١. سنتي لاره: په دې طریقه کې خلک خپل زکات حکومت ته ورکوي، او حکومت یې مستحقو خلکو ته ویشي. دا طریقه د بې وزلۍ د کمولو، د تولید د زیاتوالي، او د ټولنې د اقتصادي پرمختګ لپاره غوره ده.

خو دا طریقه ځینې ستونزې لري: د دولت له خوا د نظارت کمښت، د زکات ورکونکو د عقیدې کمزورتیا، د زکات د منابعو خپرېدل، د زکات د محاسبې کمزوري سیستم، د مستحقینو نه پېژندنه.

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی

۲. **عصري لاره:** په دې طريقه کې د زکات راټولولو لپاره د نظارتي، مشورتي، تطبيقي کمېټو جوړښت رامنځته کېږي.

د دې طريقې ځانګړتياوې: د متخصصينو کسانو ټاکل (د فقه، اقتصاد، سياست، حقوقو پوهان)، د زکات راټولولو لپاره بانکي حسابونه،

د مالي شفافيت ساتنه، د محاسبې، کنټرول عصري سيستمونه، د تکنالوژۍ کارول (ډيټابيس، سافټويرونه)، دا طريقه د زکات د تخصيص لپاره مناسبه ده، ځکه چې د وخت له شرايطو سره برابره ده. شفافيت تضميني. (پناهی، (۱۴۰۰ش)، الګوی مطلوب تخصيص وجوهات شرعی در فعاليت های اقتصادی با استفاده از تکنیک AHP، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی وهفتم ص: ۱۱).

د مالیاتو تخصیص، ملاتړ

مالیات د دیني اصالت پر بنسټ نه دي، بلکې د دولت اړتیا ته په کتو وضع کېږي.

دولتونه د لاندې اړتیاو لپاره مالیات ټاکي

د اداري لګښتونو پوښښ، د دفاعي لګښتونو تأمین، د عامه خدماتو تمویل (روغتیا، زده کړه، ترانسپورت)، د ټولنیزو اقتصادي پروژو مالي ملاتړ، د مالیاتو ډولونه: د عوایدو مالیه، د شتمنۍ مالیه، د سپما مالیه، د صادراتو، وارداتو مالیه، د صنعت، تجارت، شرکتونو مالیه. زینت، (مالیات های اسلامی وجایگاه آن در تأمین منابع مالی، مجله اقتصادی، شماره های ۴۳ و ۴۴ سال ۱۳۹۴ ش ص: ۵).

د مالیاتو د تخصیص د ملاتړ لپاره، لاندې تدابیر نیول کېدای شي

د راټولولو شفاف سیستم، د متخصصینو ټاکل، د بانکي حسابونو جوړول، د عصري تکنالوژۍ کارول، د محاسبوي سافټويرونو کارول

په دې توګه، د زکات، مالیاتو تخصیص د اسلامي اصولو سره سم تنظیمېدای شي، د ټولنې د اقتصادي، اجتماعي ودې لپاره مؤثر تمامېدای شي. زینت، ((مالیات های اسلامی وجایگاه آن در تأمین منابع مالی، مجله اقتصادی، شماره های ۴۳ و ۴۴ سال ۱۳۹۴ ش ص: ۹۸ - ۱۱۰).

د اقتصادي بحرانونو پر مهال د زکات، مالیاتو د راټولولو ارزښت

اقتصادي بحرانونه لکه رکود، انفلاسیون، طبعي آفتونه، وبډاګانې د زکات، مالیاتو له لارې د دولتونو د عوایدو پر راټولولو جدي اغېزې لري. له همدې امله، د انعطاف وړ، مؤثر و پالیسو جوړول د مالي ملاتړ د دوام، د اړو کسانو مرستې، د عامه خدمتونو تمویل لپاره ډېر مهم دي.

د بحرانونو پر مهال د زکات راټولولو ستونزې

الف: د خلکو عواید کمېدل: چې دا د زکات شرعي نصاب اغېزمنوي، د زکات ورکونکو شمېر کموي.

ب: د شتمنیو د ارزښت راټیټېدل: لکه د ملکیتونو، او ونډو ارزښت، چې دا د زکاتي مالونو ارزول ستونزمنوي.

ج: د زکات مستحقینو زیاتېدل: د بې روزگاری، فقر د لوړېدو له امله.

د زکات د راټولولو مؤثرې لارې چارې: د زکات د محاسبې په انعطاف (خوځښت) کې بدلون: د بېلگې په توګه، که څوک د مالي ستونزې سره مخ وي، د زکات ورکولو وخت وځنډول شي. (النووي، (ب، ت)، المجموع شرح المذهب: ۶-۱۷۳).

د زکات د محاسبې لپاره یوازې د موجودو نقدي پیسو پر اساس محاسبه: پر ځای د هغو شتمنیو چې پلورل یې ممکن نه وي.

د زکات ورکولو اسانتیاوې: د بېلگې په توګه، د زکات راټولولو لپاره د آنلاین پلیټفارمونو جوړول، د قسطونو یا خیریه موسسو له لارې د زکات ورکړه. (تقریر مرکز الزکاة المالیزی: ۲۰۲۱م).

د اقتصادي بحرانونو پر مهال د مالیاتو راټولولو ستونزې

د مالیاتي عوایدو کمېدل: د اقتصادي فعالیت د کمېدو له امله.

د زیانمنو شویو سکتورونو څخه د مالیاتو راټولولو ستونزې: لکه سیاحت، خدمتونه.

د عامه خدمتونو پر فشار زیاتوالی: چې اضافي سرچینې غواړي. (وزارت الخزانة الأمريكية، ۲۰۲۱ز).

انعطاف (خوځښت) وړ مالیاتي پالیسی

د مالیاتي بار کمول: د زیانمنو کسانو لپاره د مالیاتو د ورکړې ځنډول یا قسط بندي.

د مالیاتو د موقتي کمښت پالیسی: د اقتصادي فعالیت د هڅونې لپاره.

د مالیاتي اساس پراخول: د هغو سکتورونو مالیه اخیستل چې لږ زیانمن شوي وي، لکه ټکنالوژي، او ای کامرس (وزارت الخزانة الأمريكية، ۲۰۲۱م).

د زکات، مالیاتو د بحرانونو (کړکېچ) پر مهال د اقتصاد ملاتړ

د زکات د پیسو کارونه

د بې وزلو، اړمنډو، پور لرونکو کسانو مستقیم ملاتړ

د وړو پروژو پیل کول: چې مرسته شویو ته دوامداره عاید رامنځته کړي.

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی

د مالیزیا د زکات صندوق تجربه: د کرونا پر مهال چټکې مرستې، نقدي، عيني مرسته وړاندې کول.

د مالیاتو څخه د عاید کارونه

د عوایدو د بیا تنظیم: د وړو، منځنیو کاروبارونو ملاتړ لپاره.

د ټولنیزو پروگرامونو تمویل: لکه خوراکي مرستې، د اغېزمنو شویو کورنیو نغدي مرسته. (تقریر مرکز الزکاة المالیزی، ۲۰۲۱م).

د بحرانونو (کړکېچ) پر مهال د زکات، مالیاتو ترمنځ توازن

د ټولنیز عدالت، مالي ثبات ترمنځ توازن: د زکات، مالیاتو پر ورکونکو د بار زیاتولو څخه ډډه کول د هغوی د مالي وړتیا د ساتلو لپاره.

د مالي بارونو بیا وېش: د پرمختللو مالیاتي پالیسو یا د زکات د نرخونو په موقتي توګه تنظیمولو سره.

د حکومتي، خیریه ادارو ترمنځ همکاري: د زکات ادارې په حکومتي پلانونو کې شاملول د مرستو د ساحې پراخولو لپاره. (تقریر مرکز الزکاة المالیزی، ۲۰۲۱م).

مناقشه

د اسلامي فقهي فقهاء رحمهم الله د زکات په راټولولو، او دی ته ودې ورکولو، زکات په اړه د نوو سیستمونو څخه ګټه اخستلو کې کوم اختلاف نه لري، په دی کې هم اختلاف نه لري چې د زکات مالونه دی د عادل، با انصافه دولت د سیوري لاندې ویشل شي؛ البته د مالیاتو په راټولولو کې جدي، قوي اختلاف لري چې دلته موږ تفصیل نه ذکر کوو یوازي په لنډه توګه ويلي شو چې د مالیې مشروعیت، نه مشروعیت د پخوا وختونو له راهیسې یوه اختلافي مسئله ده چې د لیلونو ته، مصلحت، اړتیا په کتنه ويلي شو چې د ځانګړو شرطونو په پام کې نیولو سره کوم شرعي محظور نه لري چې ځینې له هغو څخه د بیلګې په توګه یادانې کیدای شي.

۱- د دولت، یا د عمومي وګړو حقيقي، او واقعي اړتیا.

۲- د دولت د سیوري دلاندې دا کار ترسره کول.

۳- له انصاف، عدالت څخه کار اخیستل یعنې: د افرادو، مؤسساتو، مالداره، بې وزلو خلکو توپیر، اندازه نظر کې نیول.

۴- د مالیې د اخیستلو په بدل کې چوپړتیاوي، خدمات وړاندې کول په ځانګړي توګه عام المنفعت خدماتو ته لومړیتوب ورکول.

لاسته راوړنې، او موندنې

- ۱- اسلامي شريعت عموماً، او اسلامي فقه په ځانگړي توگه د صنعتي انقلاب د زکات، مالياتو برخه کې د نيو ستونزو حل لارې، فرصتونه نن عصر ته په ډاگه کړي دي.
- ۲- د زکات، مالياتو په راټولولو کې د حکومت رول خورا ارزښت لوبوي.
- ۳- د اسلامي فقهي پراخه، مفصل اصول لکه "مقاصد الشريعة"، "المصلحة" نظر کې نيول د نويو اقتصادي بدلون په سمون کې بې ساري اړتيا غني کړي.
- ۴- په نويو رسنيو کې د زکات، مالياتو اهميت، مکان، مقام د گڼو لارو څخه خپرول د هر فرد فرد مسلمان اړينه دنده ده څرگنده شوه؛ تر دې چې د اسلامي فقهي صلاحيت، وړتيا دهر ځای، وخت، هر قوم لپاره په ډاگه کړی شوه.
- د زکات، مالياتو راټولولو کې ښه مدیریت کول په دې معنا دی؛ چې زکات بايد له چا څخه واخيستل شي، څومره اندازه، او په کوم وخت کې راټول کړای شي.

وړاندیزونه، سپارښتنې

- ۱- د زکات، مالياتو په برخه د نويو سيستمونو څخه کار اخيستل مشروط، په دې هغه سيستمونه اسلامي فقه سره ټکر ونه لري.
- ۲- زکات، ماليې راټولولو د لا نورو ښه تادييات لپاره ديجيتلي سيستمونه جوړ شي چې شفاف، منظم، له درغليو پاک وي، د دولت دسيوری د لاندې وي.
- ۳- د افغانستان د اقتصاد په پوهنځيو کې د اسلامي اقتصاد مضمون د يو اساسي، تخصصي مضمون پر ځای کول، په ځانگړي توگه د نوموړی مضمون په مفرداتو کې د زکات، ماليې اړوند موضوع گانې پر ځای کول.
- ۴- د اسلامي مالياتو تعليمي نصاب ته پراختيا ورکړل شي تر څو راتلونکي اقتصاد پوهان د شريعت د روح پر سمون عصري حل لارې چارې وړاندیز کړي، او د ودې، پرمختگ لپاره کوتلي گامونه واخلي.
- ۵- د صنعتي شتمنيو لپاره ځانگړی فقه وضع شي چې له کلاسيکو اصولو سره همغږي ولري، او نن عصر غوښتنې پوره کړي.

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی

۶- د دې ملي کنفرانس د اړینو، ځانګړو مقالو لنډیزونه د محترم ماليې وزارت سره شریکي کړي شي.

د سرچینو لړلیک

القرآن الكريم

آل الشيخ، هشام بن عبد الملك بن عبد الله بن محمد (ب، ت)، ضوابط توظيف تقنية المعلومات التطبيقية في خدمة الفقه، بحث منشور في مجلة البحوث الفقهية المعاصرة، العدد السادس والسبعون.

ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي، (١٤١٢هـ)، رد المحتار على الدر المختار، الناشر: دار الفكر، بيروت.

ابن عبد الحكم، (١٤٠٤هـ)، سيرة عمر بن عبد العزيز على ما رواه الإمام مالك بن أنس وأصحابه تحقيق: أحمد عبيد، الناشر، عالم الكتب، بيروت، لبنان.

ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن المقدسي، (ب، ت)، المغني في فقه الإمام أحمد، الناشر: مكتبة القاهرة.

ابن منظور، محمد بن مكرم بن منظور الأفرقي المصري، (ب، ت)، لسان العرب، الناشر: دار صادر، بيروت.

أبو داود، سليمان بن الأشعث الأزدي السجستاني، (١٤٣٠هـ)، سنن أبي داود، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمّد كامل قره بللي، الناشر: دار الرسالة العالمية.

البخاري، أبو عبد الله، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة، (١٤٢٢هـ)، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة.

البخاري، أبو عبد الله، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة، (١٤٠٧هـ)، صحيح البخاري، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا أستاذ الحديث وعلومه في كلية الشريعة، جامعة دمشق، الناشر: دار ابن كثير، اليمامة، بيروت.

البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله الجعفي، (١٤٠٧هـ)، صحيح البخاري، الناشر: دار ابن كثير، بيروت.

البيهقي، (١٤٢٤هـ)، سنن الدارقطني، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف حرز الله، أحمد برهوم، الناشر، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان.

پوهندوی دكتور محمد سليم مدني

پناهی، محمد سعید، (۱۴۰۰ش)، الگوی مطلوب تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت های اقتصادی با استفاده از تکنیک AHP، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی وهفتم، زمستان.

تقرير مركز الزكاة الماليزي، (۲۰۲۱م).

الجصاص، أحمد بن علي الرازي أبو بكر، (۱۴۰۵هـ)، أحكام القرآن، الناشر: دار إحياء، بيروت.

الزُّحَيْلِي، أ.د. وَهْبَة، (ب.ت)، الفقه الإسلامي وأدلته، الناشر: دار الفكر، دمشق.

زكاة الاموال العامة المستثمرة في القطاع العام دراسة فقهية مقارنة المجلة جامعة دمشق للعلوم الاقتصادية والقانونية، المجلد ۲۵ - العدد الثاني - ۲۰۰۹م. زينت (سال ۱۳۹۴ش)، ماليات های اسلامی

وجايگاه آن در تامين منابع مالي، مجله اقتصادي، شماره های ۳ و ۴.

السرخسي، شمس الدين أبو بكر محمد بن أبي سهل، (۱۴۲۱هـ)، المبسوط، الناشر: دار الفكر، بيروت.

سيد قطب، ابراهيم حسين الشاذلي، (۱۹۵۲م)، في ظلال القرآن، الناشر: دار الشروق، القاهرة.

شبير، محمد، (۱۹۹۴م)، استثمار أموال الزكاة، مجلة دراسات الجامعة الأردنية العدد الخامس.

الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير، (ب.ت)، جامع البيان، الناشر: دار الفكر، بيروت.

القرضاوي، دكتور يوسف بن عبد الله، (۱۴۲۷هـ)، فقه الزكاة، الدوحة، قطر.

القرطبي، (۱۴۲۳هـ)، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق: هشام سمير البخاري، الناشر: دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية.

الكاساني، علاء الدين أبو بكر بن مسعود الحنفي، (۱۴۰۹هـ)، بدائع الصنائع، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت.

مالك، مالك بن أنس أبو عبد الله الأصبغي، (ب.ت)، الموطأ - رواية يحيى الليثي، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي. مصر.

مجلة الجمع الفقه الاسلامي مجلة مجمع الفقه الاسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الاسلامي بجدة، المؤلف، تصدر عن منظمة المؤتمر الاسلامي بجدة وقد صدرت في ۱۳ عددا، وكل عدد يتكون من مجموعة من المجلدات، كما يلي: العدد ۱: مجلد واحد، العدد ۲: مجلدان، العدد ۵ و ۷ و ۹ و ۱۲: كل منها ۴ مجلدات، بقية الأعداد: كل منها ۳ مجلدات، ومجموع المجلدات للأعداد الـ ۱۳: أربعون مجلدا.

معاندي، بن عامر (۲۰۲۴م)، مجلة الأصيل للبحوث الاقتصادية والإدارية، لومړی شميره ۸ ټوک.

پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی

النووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف، (١٤١٢هـ)، روضة الطالبين وعمدة المفتين، تحقيق: زهير الشاوش، الناشر، المكتب الإسلامي، بيروت.

النووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف، (ب، ت)، المجموع شرح المذهب مع تكملة السبكي والمطيعي، دار الفكر، بيروت.

وزارت الخزانة الأمريكية، (٢٠٢١م).

عوامل تأثیرگذار بر تغییر تمدنی در جهان اسلام

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر^{۱*}، پوهنمل دکتور علی احمد محمدی^۲، پوهندوی دکتور احمد حنیف حنیف^۳

۱. دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون غالب هرات

۲. دیپارتمنت کیمیا، پوهنځی ساینس، پوهنتون هرات

۳. دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: aa_heravi@hu.edu.af

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی عوامل علمی و فرهنگی مؤثر بر تغییرات تمدنی در جهان اسلام پرداخته است. در این پژوهش، با تحلیل دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان و تمدن‌پژوهان غربی، اهمیت بازشناسی مؤلفه‌های تمدن‌ساز همچون دین، عقلانیت، نظم اجتماعی، و پیشرفت علمی تبیین شده است. مسأله اصلی پژوهش، شناسایی علل افول تمدن اسلامی و راه‌های احیای آن در عصر معاصر است. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش کتاب‌خانه‌ای انجام شده و ابزار گردآوری اطلاعات شامل منابع مکتوب و دیجیتالی معتبر می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دین اسلام، به‌عنوان نیروی محرکه تمدن اسلامی، در انسجام اجتماعی، رشد علمی و توسعه تمدنی نقشی کلیدی ایفا کرده است. بحران هویت، وابستگی اقتصادی و سلطه فرهنگی غرب از جمله عوامل انحطاط تمدنی به شمار می‌روند. بازنگری در سیاست‌های فرهنگی، احیای عقلانیت دینی، تقویت علوم انسانی و ایجاد وحدت اسلامی، از راه‌کارهای اصلی بازسازی تمدن اسلامی عنوان شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تمدن اسلامی، تغییر تمدنی، دین و تمدن، توسعه علمی، هویت فرهنگی

Examining the Role of New Media and Artificial Intelligence in the Path of the Industrial Revolution and Achieving Sustainable Development in Afghanistan

Seneor Teaching Assistant Dr. Basir Ahmad Mobasser^{1*} Seneor Teaching Assistant Dr. Ali Ahmad Mohammadi², Assistant Professor Dr. Ahmad Haneef Haneef

1. Department of Islamic Culture, Faculty of of Law and Political Science, Ghalib Herat University.

2. Department of Chemistry, Faculty of Science, Herat University.

3. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University

* Corresponding Author Email: aa_heravi@hu.edu.af

Abstract

The present study examines the scientific and cultural factors influencing civilizational changes in the Islamic world. Through an analysis of the perspectives of Muslim thinkers and Western civilization scholars, the importance of re-evaluating key civilizational components such as religion, rationality, social order, and scientific advancement is emphasized. The main research problem is identifying the causes of the decline of Islamic civilization and exploring strategies for its revival in the contemporary era. This study employs a descriptive-analytical approach using a library-based research method, relying on both written and digital reputable sources for data collection. The findings indicate that Islam, as a driving force of Islamic civilization, has played a crucial role in social cohesion, scientific growth, and civilizational development. Identity crises, economic dependency, and Western cultural dominance are among the main factors contributing to civilizational decline. Revising cultural policies, revitalizing Islamic rationality, strengthening the humanities, and fostering Islamic unity are proposed as key strategies for reconstructing Islamic civilization.

Keywords: Islamic Civilization, Civilizational Change, Religion and Civilization, Scientific Development Cultural Identity

مقدمه

تمدن اسلامی در گذر تاریخ دچار تحولات شگرفی شده است که عوامل علمی و فرهنگی در آن نقشی بنیادین ایفا کرده‌اند. درک دقیق سازوکار این تحولات، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های معاصر نظیر بحران هویت، وابستگی اقتصادی و سلطه فرهنگی غرب، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای احیای تمدن اسلامی محسوب می‌شود. بررسی ابعاد گوناگون این دگرگونی‌ها از منظر پیشرفت علمی، عقلانیت دینی، نظم اجتماعی و تعاملات فرهنگی می‌تواند چشم‌اندازی روشن برای بازسازی تمدن اسلامی فراهم آورد.

ضرورت انجام این پژوهش از آنجا نشأت می‌گیرد که تمدن اسلامی در مواجهه با پدیده جهانی شدن و تحولات شتاب‌زده عصر حاضر، نیازمند بازخوانی دقیق مبانی تمدن‌ساز خود است. بدون شناخت مؤلفه‌های مؤثر در رشد یا افول تمدن، برنامه‌ریزی برای آینده‌ای مبتنی بر هویت اسلامی ناممکن خواهد بود. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد اندیشه‌مندان مسلمان، از ابن خلدون تا سید جمال الدین افغانی، محمد عبده، اقبال لاهوری و مالک بن نبی، و همچنین تمدن‌پژوهانی چون ویل دورانت و آرنولد توین‌بی، هر یک از منطری خاص به تحلیل پدیده تمدن می‌پردازند.

پژوهش پیش‌رو با هدف نقد تطبیقی دیدگاه‌های این اندیشه‌مندان، در پی ترسیم تصویری جامع و تحلیلی از عوامل مؤثر در تحولات تمدنی در جهان اسلام است. هدف اصلی، شناسایی و تحلیل علمی و فرهنگی مؤثر بر تغییرات تمدنی و ارائه راهکارهایی برای احیای تمدن اسلامی متناسب با نیازهای معاصر می‌باشد.

روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل منابع مکتوب و دیجیتال معتبر و پایگاه‌های علمی معتبر نظیر Sciencedirect, Web of Science, Doaj است و محدوده تحقیق، تحلیل تحولات تاریخی و معاصر تمدن اسلامی و نقد دیدگاه‌های تمدن‌پژوهانه اسلامی و غربی را دربرمی‌گیرد.

یافته‌های تحقیق می‌تواند در تبیین نقش دین، علم و فرهنگ در احیای تمدن اسلامی مؤثر باشد و مبنایی نظری برای تدوین سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی جهان اسلام فراهم آورد. این پژوهش در عین حال می‌تواند به نخبگان فکری، مراکز علمی و نهادهای فرهنگی در بازاندیشی تمدنی و ارتقاء هویت اسلامی جوامع معاصر یاری رساند. همچنین از بنیادی‌ترین مباحث

امروزه بشر و به‌ویژه پژوهشگران، تحلیل و بررسی تاریخ تمدن‌ها برای آینده‌پژوهی است و آثار مستشرقین یکی از مهمترین منابع مکتوب به شمار می‌روند. آنان با شناخت و ارزیابی گسترده فرهنگ و تمدن بشری به‌ویژه خاور و با واکاوی و کنکاش در سیر تحول تاریخی زندگی انسان از آغاز، تحلیلی از تاریخ جهان داشته و جوامع تمدن را از غیر آن شناسایی نموده‌اند. معیار و ملاک آنان رشد و پیشرفت جامعه انسانی بوده و عوامل پویایی یا ایستایی تمدن‌ها را بررسی کرده‌اند. شایسته است میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معنوی، نظیر دین به‌عنوان مقوله‌ای الهی و وحیانی، و اخلاق به‌منزله ارزش‌هایی حاکم بر رفتار فردی و اجتماعی، در فرایند زایش یا بازدارندگی تمدن، از منظر اندیشه‌مندان مورد بازخوانی و تحلیل قرار گیرد.

درباره نسبت دین و تمدن در اندیشه بزرگانی چون مالک بن نبی (الویری و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲)، سید قطب و اندیشه‌مندان دیگر (احمدی، [بیتا]) پژوهش‌هایی انجام شده که معتقدند دین اسلام در ذات خود توانمندی تمدن‌سازی را دارد؛ اما درباره بررسی انتقادی دیدگاه تمدن‌شناسان غربی و شرق‌شناسان در این زمینه اثر خاصی دیده نشده است. این پژوهش درباره جامعه‌شناسان و مسئله تمدن از نوشته‌های نزدیک به موضوع است که با نگاهی اجمالی به دیدگاه‌های متعدد، مفهوم‌سازی متفاوتی از مسأله‌سازی فرهنگ - تمدن ارائه و از منظری متفاوت به خوانش دیدگاه‌ها و نظرات مختلف تمدنی تاریخی، پروژه‌های آینده‌نگر از دو منظر خوش‌بینانه و بدبینانه می‌پردازد (اباذری، شریعتی، فرجی، ۱۳۹۰).

کلمه «تمدن» نیز دارای تعاریفی متفاوت و در مواردی متشابه نزد تمدن‌شناسان و شرق‌شناسان است با دو رویکرد مهم مادی و معنوی؛ چنان‌که «پیشرفته‌ترین مرحله از توسعه اجتماعی و سازمانی انسان را تمدن گویند». ویل دورانت، تمدن را بر پایه تجمل استوار می‌داند و ظرافت، نازک‌کاری و هنرهای عالی را از مظاهر اصلی آن برمی‌شمارد. (دورانت، ۴: ۱۳۸۷) جرجی زیدان نیز شناختی صرفاً ظاهری و مادی از تمدن دارد. او حضاره را با ثروت و تجمل مرادف می‌داند. (زیدان، ۹۵۳: ۱۳۹۳) در رویکرد معنوی تمدنی، تمامی جوانب و ابعاد وجودی انسان لحاظ شده است. انسان موجودی دو بعدی است که در

ساحت مادی و معنوی وجود خود، خواهان رشد و تعالی است چنانکه تمدن را به معنای گسترش عقلانیت دانسته‌اند (وبر، ۱۳۸۴). هنری لوکاس بین تمدن و فرهنگ تفاوت چندانی قائل نیست، مگر آنکه دامنه و زمان فرهنگ را محدودتر از تمدن می‌داند. او به فهم‌های ویژه گروهی از مردم، اعم از دریافت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فکری، هنری و دینی فرهنگ می‌گوید (لوکاس، ۲۰، ۱۳۹۳) ساموئل هانتینگتون نیز با باور به عدم جدایی فرهنگ از بنیاد آن یعنی تمدن بیان می‌کند، هر دو در برگیرنده ارزش‌ها، معتقدات، نهادها و شیوه اندیشیدن نسل‌های متوالی در یک جامعه است (هانتینگتون، ۴۰: ۱۳۸۰).

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان اذعان داشت که تعاریف گوناگون و متفاوتی از مفهوم «تمدن» ارائه شده است. این تعاریف، علی‌رغم اشتراکاتی نظیر تأکید بر اجتماع انسانی، پیوند با آداب و رسوم شهری، و توجه به نظم و انضباط مادی در مسیر رشد و توسعه، در نگرش‌های معنوی و نوع نگاه به انسان و جامعه‌ی بشری تفاوت‌هایی اساسی دارند. بر همین اساس، در یک رویکرد، تمدن به عنوان ابزاری برای تسلط بر طبیعت تلقی می‌شود، حال آنکه در رویکردی دیگر، تمدن بستری برای تعالی انسان و شکوفایی ابعاد وجودی انسانی و معنوی او فراهم می‌سازد. با توجه به دسترسی گسترده به آثار و نوشته‌های اندیشه‌مندانی همچون ویل دورانت، آرنولد توین‌بی، آلبرت حورانی، برنالد لوئیس، برونشوویک، جان برنال، جوئل کرم، رژی بلاشه، فون گرونبوم، گوستاو لوبون، موننگمری وات، هنری لوکاس، ساموئل هانتینگتون و یوکیشی، و با عنایت به نقش برانگیزاننده این آثار در تحریک میل به دانایی و پژوهش در میان علاقه‌مندان، تمرکز اصلی این تحقیق بر بازخوانی، تحلیل و واکاوی دیدگاه‌های این متفکران و اندیشه‌مندان در خصوص تمدن خواهد بود. در تبیین نسبت میان دین و تمدن، پرداختن به کارکردها و نقش‌های دین به عنوان پدیده‌ای الهی در جهان انسانی امری ضروری به نظر می‌رسد. مقصود از نقش و کارکرد در این زمینه، هرگونه اثر، فایده یا ویژگی‌ای است که از دین و تعالیم پیامبران بر فرد انسانی یا بر ساختارهای اجتماعی مترتب می‌گردد. این تأثیرات می‌توانند در ابعاد گوناگون فرهنگی، اخلاقی، حقوقی و تمدنی ظاهر شوند و نقشی بنیادین در شکل‌گیری، رشد و پویایی تمدن ایفا نمایند (سروش، ۱۳۷۲: ۲۲۸ و ۲۶۹). شرق شناسان نیز بنا بر تعریف خود از دین - انسان - اجتماع و تمدن نسبت به دامنه نفوذ دین و نقش حداقلی یا حداکثری یا تأثیر مثبت یا منفی آن نظر داده‌اند. اندیشه‌های آنان درباره

نسبت دین و تمدن سه گونه است: نخست دیدگاه همگرایان که نقش حداکثری برای دین در زایش و پایایی تمدن قائل‌اند. فون گرونبوم، آلبرت حورانی و هنری لوکاس، ژاویه پلان‌هول، جوزف شاخت، رابرت برونشوویک و رنه گنون چنین دیدگاهی داشتند (گرونبوم، ۱۳۴۲ و ۱۳۷۳؛ حورانی، ۱۳۸۴؛ لوکاس، ۱۳۹۳؛ توین بی، ۱۳۹۴؛ هونکه، ۱۳۸۶؛ وایتهد، ۱۳۷۱)، دوم دیدگاه برخی است که دین و تمدن را در تقابل و تعارض با هم می‌بینند. در این پژوهش از این گروه با عنوان وا گرایان یاد می‌شود. در نوشته‌های وا گرایان، دین، عامل ایستایی و افول تمدن معرفی گردیده است. این گروه دین را در مدنیت ناتوان دیده و عناصر و مؤلفه‌های تمدنی را در جامعه دینی نیافته یا ضعیف می‌انگارند. از مشهورترین معتقدین این نظرگاه ویل دورانت است. او عقیده دارد لازمه مدنیت برقراری نظم اجتماعی است و در اجتماعات و مدنیت‌های عالی همیشه کشمکشی میان دین و اجتماع برقرار است که به شکست دین می‌انجامد (دورانت، ۱۳۸۷: ۸۵). مونتگ‌مری وات و شاتوبریان نیز با رویکرد مادیرگرایانه به تمدن آن را از اخلاق و دین که اموری فرامادی تلقی می‌شوند جدا می‌سازند و تصویری زشت از دین را ترسیم می‌نمایند (وات، ۱۳۷۳: ۱۳۴۴، سعید، ۱۳۹۰). سوم دیدگاهی است که دین را هم عامل تمدن‌سازی و هم ایستایی و فروپاشی آن می‌داند. گوستاو لوبون، رژی بلاشر، هولت، هانتینگتون چنین دیدگاهی داشتند (گوستاو لوبون، ۱۳۱۶؛ هولت، ۱۳۹۰؛ هانتینگتون، ۱۳۸۰) این پژوهش به بررسی دیدگاه ویل دورانت در قامت نماینده وا گرایان می‌پردازد و در نقد دیدگاه وی به برداشت‌های دیگر خاورشناسان استناد می‌کند. همچنین تمدن را از دیدگاه اسلام که مفهومی گسترده و عمیق دارد که تنها به مظاهر مادی مانند معماری، علم، یا تکنولوژی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد معنوی، اخلاقی، و انسانی را نیز دربر می‌گیرد، می‌پردازد. دین اسلام به تمام جوانب زندگی انسانی می‌پردازد و همه اقشار جامعه را در بر می‌گیرد. در این مقاله تمدن از دیدگاه اسلام و اندیشه‌مندان مسلمان نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق به صورت زیر می‌باشد، که مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

دين مجموعه‌ای از باورها، اعمال، مناسک، و ارزش‌هایی است که انسان‌ها برای درک و تبیین پدیده‌های هستی، معنا بخشیدن به زندگی، و برقراری ارتباط با امر متعالی یا مقدس از آن بهره می‌گیرند. در این تعریف، دین به عنوان نظامی فرهنگی - معنوی در نظر گرفته می‌شود که چارچوبی برای جهان‌بینی فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد. که در این میان ادیان ابراهیمی به عنوان ادیان توحیدی جایگاه والایی دارند. ادیان ابراهیمی که شامل یهودیت، مسیحیت و اسلام هستند، به عنوان بزرگ‌ترین سنت‌های دینی توحیدی جهان شناخته می‌شوند و ریشه‌ی مشترکی در باور به پیامبری حضرت ابراهیم (ع) دارند. این ادیان، دین را نه تنها به عنوان مجموعه‌ای از باورها و مناسک، بلکه به مثابه پیمان و رابطه‌ای خاص میان انسان و خدا تعریف می‌کنند (کامبی، ۲۰۱۱).

الف) یهودیت

در یهودیت، دین با مفهوم عهد (بریت) میان خدا و قوم بنی اسرائیل تعریف می‌شود. یهودیان بر این باورند که خداوند با حضرت ابراهیم (ع) و سپس با حضرت موسی (ع) پیمانی بسته است که طی آن، قوم بنی اسرائیل باید به شریعت الهی (تورات) پایبند باشند و در مقابل، از برکات و رحمت الهی برخوردار خواهند شد. دین در یهودیت بیشتر معطوف به عمل به احکام، شرایع و رعایت قوانین شرعی (هلاخاه)، و حفظ هویت قومی - دینی است. ارتباط با خدا از طریق عبادت، تلاوت تورات، رعایت آداب و رسوم مذهبی و پایبندی به سنت‌ها برقرار می‌شود (لیمن، ۲۰۱۰).

ب) مسیحیت

در مسیحیت، دین با تأکید بر ایمان به حضرت عیسی مسیح (ع) یا عیسی بن مریم به عنوان پسر خدا و نجات‌دهنده معنا می‌یابد. محور دین در مسیحیت نه صرفاً عمل به شریعت، بلکه رابطه شخصی با خدا از طریق ایمان، عشق و محبت است. به باور مسیحیان، حضرت عیسی مسیح (ع) با مرگ و رستاخیز خود، نجات و آموزش گناهان را برای انسان‌ها فراهم کرده است. دین در این سنت، بیشتر بر عشق الهی، محبت و دوست داشتن، اخلاق، فداکاری، رستگاری و زندگی جاویدان تأکید دارد. کتاب مقدس انجیل (عهد جدید و عهد عتیق) منبع اصلی آموزه‌های دینی است (شارما، ۲۰۱۲).

ج) اسلام

در اسلام، دین مفهومی جامع دارد و به معنای تسلیم و اطاعت در برابر اراده‌ی الهی است. واژه‌ی "اسلام" خود از ریشه "س ل م" به معنای تسلیم شدن در برابر معبود است. دین در اسلام مجموعه‌ای هماهنگ از عقاید، اعمال عبادی، احکام فقهی، و ارزش‌های اخلاقی است که در قرآن کریم و سنت

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی (ص) تبیین شده‌اند. از دیدگاه اسلامی، همه پیامبران گذشته، از حضرت آدم(ع) تا حضرت محمد (ص)، حامل یک دین واحد یعنی دین توحیدی بوده‌اند (آرمسترانگ، ۲۰۰۰).

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»... (آل عمران: ۱۹)
یعنی: «همانا دین نزد خدا، اسلام است».

اسلام، دین را فطری می‌داند و معتقد است که انسان با گرایش طبیعی به سوی توحید و حقایق دینی آفریده شده است. انسان‌های پاک سرشت فطرتاً به دین اسلام تمایل دارند. همچنین، دین در اسلام رابطه‌ای بین فرد و خداست که باید در رفتار اجتماعی نیز بازتاب یابد.

تعریف تمدن

تمدن، در عربی به معنای حضارة، به انگلیسی در معنای عام Civilization نامیده می‌شود، و به مرحله‌ای پیشرفته از توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فناورانه در یک جامعه‌ی انسانی اطلاق می‌شود. در این مرحله، انسان‌ها در قالب جوامعی سازمان‌یافته و دسته جمعی، اقدام به ایجاد نهادهای سیاسی، ساختارهای اقتصادی، نظام‌های آموزشی و تربیتی، حقوقی، جلوه‌های فرهنگی و هنری، و شیوه‌های پیچیده‌ی زیست اجتماعی می‌نمایند. تمدن معمولاً با ویژگی‌هایی نظیر شهرنشینی، پیدایش خط و نوشتار، تقسیم کار، قانون‌گذاری، دین سازمان‌یافته، تکنولوژی‌های پیشرفته، هنر و معماری، و شبکه‌های گسترده‌ی روابط اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شود (ویی و فاروقی، ۲۰۱۲).

ویژگی‌های اصلی تمدن

از جمله شاخصه‌های مهم یک تمدن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. وجود سازمان‌های سیاسی و اجتماعی پیشرفته (مانند دولت، حکومت و نظام‌های قانونی)
۲. شکل‌گیری نظام اقتصادی منظم، از زراعت و تجارت گرفته تا صنعت
۳. استفاده از خط و نوشتار برای ثبت و انتقال دانش، فرهنگ و تاریخ
۴. حضور نهادهای دینی، فلسفی و سیاسی سامان‌یافته
۵. شهرنشینی و بروز معماری و سازه‌های ساختمانی پیچیده و ماندگار
۶. پیشرفت و توسعه در حوزه‌های علمی و تکنولوژی
۷. توسعه‌ی هنر، ادبیات و فرهنگ کتابت (کاواورا، ۲۰۰۷)

ریشه‌شناسی واژه‌ی تمدن

واژه‌ی «تمدن» برگرفته از ریشه‌ی «مدن» به معنای شهر و شهرنشینی است. در زبان عربی، واژه‌ی «حضاره» نیز از ریشه‌ی «حضر» در برابر «بدو» (بیابان‌نشینی) مشتق شده که به معنای «شهرنشینی» به کار می‌رود. در زبان لاتین، واژه‌ی (civilization) از ریشه‌ی (civis) به معنای شهروند و (civitas) به معنای دولت‌شهر مشتق شده است که همگی به ماهیت شهری و اجتماعی این پدیده اشاره دارند (ساکولچای، ۲۰۰۱).

دیدگاه‌های گوناگون درباره تمدن

مفهوم تمدن از منظر مکاتب و علوم مختلف، تعاریف و تفسیرهای متفاوتی دارد:

۱. در تاریخ‌نگاری کلاسیک، آغاز تمدن با ظهور خط، شهرها و دولت‌ها هم‌زمان دانسته می‌شود.
۲. در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، تمدن به مثابه فرایندی پیچیده در تکامل فرهنگی و شکل‌گیری نهادهای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.
۳. از منظر برخی اندیشمندان مسلمان، تمدن حاصل تعامل متعادل میان عقل، وحی و طبیعت در مسیر رشد و تعالی انسان است (مانند دیدگاه‌های مالک بن نبی و سید حسین نصر).
۴. منتقدان مدرنیته، تمدن را گاه با پیامدهای منفی همچون بهره‌کشی از طبیعت، بی‌عدالتی اجتماعی و زوال ارزش‌های انسانی همراه می‌دانند (بوتز-برنشتاین، ۲۰۱۲).

تفاوت تمدن با فرهنگ

با وجود آن‌که در کاربردهای روزمره، واژگان «تمدن» و «فرهنگ» گاه به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما در علوم انسانی میان آن دو تمایز روشنی وجود دارد: فرهنگ بیشتر ناظر بر جنبه‌های معنوی و نرم‌افزاری جامعه از جمله باورها، ارزش‌ها، زبان، هنر و رسوم است. تمدن افزون بر عناصر فرهنگی، شامل ساختارهای نهادی و دستاوردهای مادی و سخت‌افزاری فناورانه جوامع نیز یاد می‌شو. (مک نامی، ۲۰۱۸). برخی اندیشمندان در این باره معتقدند: «فرهنگ، روح تمدن است و تمدن، جسم فرهنگ».

دیدگاه اندیشمندان و متفکران مسلمان درباره تمدن

الف) دیدگاه عبدالرحمن ابن خلدون در مورد تمدن:

ابن خلدون، جامعه‌شناس و مورخ برجسته مسلمان و عرب در قرن چهاردهم، در سال ۱۳۳۲ میلادی در کشور تونس دیده به جهان گشود و در سال ۱۴۰۶ وفات نمود. در اثر مشهور خود "مقدمه بر تاریخ" یا "مقدمه ابن خلدون" نظریات منحصر به فردی درباره تمدن، جامعه و تاریخ ارائه کرده است. دیدگاه‌های او در مورد تمدن، نه تنها در تاریخ‌نگاری اسلامی بلکه در نظریه‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ جهان تأثیرات عمیقی بر جای گذاشته است.

۱. چرخه حیات تمدن‌ها: ابن خلدون معتقد بود که تمدن‌ها دارای یک چرخه طبیعی هستند. او تمدن‌ها را به مراحل مختلفی تقسیم می‌کند که شامل ظهور، رشد، افول و نابودی می‌شود. این مراحل به طور معمول از طریق یک سلسله حوادث اجتماعی و اقتصادی رخ می‌دهند که به تدریج موجب دگرگونی در وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه می‌گردند.

۲. عصبیت (روح جمعی، همبستگی اجتماعی یا قبیله‌گرایی): یکی از مهم‌ترین مفاهیم در اندیشه ابن خلدون "عصبیت" است. عصبیت به معنای همبستگی اجتماعی و اتحاد گروهی و جمعی است که در ابتدای شکل‌گیری یک جامعه نقش اساسی و حیاتی دارد. ابن خلدون معتقد است که قدرت و توان یک گروه در ایجاد و حفظ تمدن‌ها از عصبیت و قبیله‌گرایی آنها ناشی می‌شود. در آغاز، گروه‌های کوچک و قبایل با این همبستگی توانایی ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی را کسب می‌کنند، اما با گذشت زمان و افزایش پیچیدگی‌های جامعه، این عصبیت ضعیف شده و جامعه رو به فساد، افول و انحطاط می‌گذارد.

۳. رابطه بین اقتصاد و تمدن: ابن خلدون به تأثیرات اقتصادی بر روند تشکیل تمدن توجه زیادی دارد. او معتقد بود که ابتدا قدرت مالی و اقتصادی نقش اساسی در ایجاد تمدن ایفا می‌کند، اما با افزایش رفاه و راحتی‌های مادی در جوامع موجب کاهش "عصبیت" و انگیزه‌های سخت‌کوشی می‌شود. و خلق و خوی زندگی تجملاتی در بین شهروندان افزایش می‌یابد. از این رو، هرچقدر که جامعه به مرحله‌ای از تجملات و رفاه مادی برسد، توانایی‌های جمعی آن کاهش یافته و از شتاب رشد تمدن کاسته می‌شود.

۴. نقش دولت و حکومت: ابن خلدون همچنین تأکید داشت که در هر تمدن، حکومت و قدرت دولتی در حفظ نظم و ثبات نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. به نظر او، در مراحل ابتدایی، دولت‌ها از طریق حمایت از گروه‌های متحد و همبسته شکل می‌گیرند. اما در مراحل بعدی، هنگامی که فساد و تفرقه به جامعه نفوذ می‌کند، دولت‌ها دچار ضعف و زوال می‌شوند.

۵. پایان و تجدید تمدن‌ها: ابن خلدون در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تمدن‌ها به دلیل فساد در درون خود، از بین می‌روند، اما این نابودی به معنای پایان تاریخ نیست. او باور داشت که تمدن‌ها می‌توانند دوباره از نو شکل بگیرند، اما این فرآیند همواره با تغییرات و تحولات اساسی همراه است. ابن خلدون معتقد بود، که هر تمدن چهل سال یکبار تجدید می‌شود، و تمدن را مانند یک انسان در نظر می‌گرفت، که دوران کودکی، جوانی و کهن سالی را طی می‌کند (مهدی، ۱۹۷۱).

دیدگاه علامه سید جمال الدین افغانی در مورد تمدن:

دیدگاه علامه سید جمال الدین افغانی درباره تمدن، یکی از جنبه‌های مهم اندیشه سیاسی و اجتماعی اوست که بر مبنای تلفیق عقلانیت دینی، بیداری اسلامی و ضرورت پیشرفت مسلمانان شکل گرفته است. علامه سید جمال الدین افغانی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ ق)، از متفکران برجسته نهضت بیداری اسلامی در قرن نوزدهم میلادی، با نگاهی اصلاح‌گرایانه و انتقادی به مسئله تمدن و عقب‌ماندگی مسلمانان می‌نگریست. او تمدن را نه صرفاً مجموعه‌ای از مظاهر مادی و صنعتی، بلکه تجلی عقلانیت، پیشرفت فکری، عدالت اجتماعی و اقتدار سیاسی در بستر فرهنگ و دین می‌دانست. دیدگاه تمدنی سید جمال در تقابل با انحطاط فرهنگی و سلطه استعمار غرب شکل گرفت و بر بیداری امت اسلامی و بازگشت به اصول اصیل اسلامی تأکید داشت.

۱. تمدن به مثابه عقلانیت و اصلاح دینی

در اندیشه سید جمال، تمدن از عقلانیت جدا نیست. او بر این باور بود که جوهر تمدن غربی، نه در قدرت نظامی یا صنعت پیشرفته، بلکه در بهره‌گیری از عقل، علم، سازماندهی و نظم اجتماعی است. وی معتقد بود که جوامع اسلامی زمانی متمدن شوند که عقلانیت، اجتهاد، علم و پیشرفت در آن‌ها شکوفا شود، و آغوش جوامع اسلامی به روی دروازه‌های علم و دانش و دانشمندان کشورهای مختلف گشوده شود. از این رو، او خواستار احیای عقلانیت اسلامی و دوری از جمود و تقلید بود. فکر و اندیشه

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

علامه سید جمال آشتی جوامع مسلمان با علوم عصری بود، و عامل پیشرفت کشورهای غربی را در پوهنتون‌ها و مکاتب شان می‌پنداشت.

۲. تمدن اسلامی و بازگشت به خویشتن

سید جمال تمدن را پدیده‌ای درونی و خودجوش می‌دانست و نه امری تحمیلی از بیرون. او بر این نکته تأکید داشت که مسلمانان باید با بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی، به‌ویژه توحید، عدالت، علم و وحدت، تمدن خود را بازسازی کنند. در این مسیر، نه تقلید از غرب، بلکه بازاندیشی در سنت اسلامی و اصلاح درونی و ارزیابی خودی جوامع مسلمان را ضروری می‌دانست. علامه سید جمال سعی می‌نمود با ایجاد انگیزه در بین حاکمان کشورهای اسلامی زمینه و بستر رشد و تعالی علمی را در بین مسلمانان زنده کند.

۳. نقد تمدن غربی و استعمار

هرچند سید جمال دستاوردهای تمدن غرب را انکار نمی‌کرد، اما نسبت به ماهیت سلطه‌جویانه و استعماری آن هشدار می‌داد. او معتقد بود که غرب با استفاده از علم و صنعت، در پی سیطره سیاسی و فرهنگی بر ملت‌های شرقی و اسلامی است. و سعی می‌کند کشورهای اسلامی را به بند بکشد و زمینه استثمار آنها را فراهم نماید. بنابراین، تمدن غربی اگر بدون نقد و از موضع انفعال پذیرفته شود، موجب نابودی هویت اسلامی خواهد شد، و کشورهای اسلامی یکی بعد از دیگری به تله استعمار گرفتار خواهند شد.

۴. تمدن و وحدت اسلامی

از منظر علامه سید جمال، تمدن اسلامی با وحدت امت اسلامی پیوندی ناگسستنی دارد. او معتقد بود که تفرقه مذهبی، تعصبات بی‌اساس و جدایی ملت‌های اسلامی از یکدیگر، مانع اصلی در راه تجدید تمدن اسلامی است. وی ایده «اتحاد اسلام» را به‌عنوان راهی برای بازیابی قدرت و شکوفایی تمدنی مسلمانان مطرح کرد. به همین دلیل با سفر به کشورهای مختلف اسلامی در صدد ایجاد اتحاد و همبستگی بین مسلمانان را در سر می‌پروراند، زیرا مجد و عظمت مسلمانان را در اتفاق و اتحاد آنها می‌دانست (محمد، ۲۰۰۱ و فاروقی، ۲۰۱۲).

دیدگاه محمد عبده درباره تمدن

محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵م)، از برجسته‌ترین متفکران نواندیش دینی و از چهره‌های اصلی جنبش اصلاح دینی در مصر و جهان اسلام، نقش مهمی در شکل‌گیری گفتمان مدرنیته اسلامی ایفا نمود.

وی در آثار خود تلاش کرد تا تصویری از تمدن ارائه دهد که هم‌زمان با آموزه‌های اصیل اسلامی سازگار بوده و در عین حال با مظاهر تمدن جدید نیز همخوان باشد.

۱. تمدن به مثابه عقلانیت و نظم اجتماعی

محمد عبده، تمدن را فراتر از مظاهر مادی آن می‌دانست و آن را فرآیندی فرهنگی و عقلانی تعریف می‌کرد که در آن عقلانیت، اخلاق، عدالت و نظم اجتماعی نقش محوری دارند. از نظر او، تمدن زمانی شکل می‌گیرد که جامعه‌ای بر پایه‌ی عقل و هدایت و حیانی سامان یابد و در آن ارزش‌هایی چون علم‌گرایی، قانون‌مندی و مسئولیت‌پذیری نهادینه شده باشند، و به عقیده وی دانش‌گم‌شده مومن است و باید مسلمانان گم‌شده‌ی خویش را پیدا کنند. تا زمینه رشد و توسعه در کشورهای اسلامی فراهم شود. عبده معتقد بود، باید ابتدا بر روی فکر و اندیشه جوامع اسلامی کارکرد. و به صورت تدریجی تغییرات بین طبقات مختلف اسلامی ایجاد نمود.

۲. سازگاری اسلام با مظاهر تمدن جدید

محمد عبده با تفکیک میان جوهر و مظاهر تمدن غربی، بر این باور بود که اصول تمدنی مدرن نظیر آزادی، عدالت، برابری و علم‌گرایی نه تنها با اسلام ناسازگار نیستند، بلکه ریشه در تعالیم اصیل دینی دارند. وی با استناد به قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص)، تلاش می‌کرد نشان دهد که اسلام دینی عقل‌پذیر، دانش‌پرور و تمدن‌ساز است و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی نه به سبب اسلام، بلکه به دلیل انحراف از مقاصد اصلی دین و رکود فکری رخ داده است. او معتقد بود، کشورهای اروپایی با رها نمودن خرافات و بدعت‌ها زمینه رشد و توسعه علمی را فراهم نمودند و کشورهای اسلامی با ترک نمودن اصل دین خود و پرداختن به خرافات زمینه عقب‌ماندگی را مهیا نمودند.

۳. انتقاد از تقلید و دعوت به اجتهاد

عبده از منتقدان جدی تقلید کورکورانه-چه از تمدن غربی و چه از سنت دینی منجمد بود. او معتقد بود که احیای تمدن اسلامی مستلزم بازگشت به اصول اجتهاد، بازخوانی نصوص دینی در پرتو عقل، دانش و علم روز بود، مقتضیات زمانی، و مبارزه با خرافات و جمود فکری از ارکان اصلی اندیشه محمد عبده را تشکیل می‌داد. در این راستا، وی بر ضرورت اصلاح دینی به عنوان پیش‌شرطی برای اصلاح اجتماعی و تمدن‌سازی تأکید داشت.

۴. نقش آموزش در تحقق تمدن

در اندیشه محمد عبده، آموزش رکن اساسی و اصلی را در فرآیند تمدن‌سازی ایفا می‌کند. او خواستار اصلاح نظام آموزشی موجود، گسترش علوم عقلی و دانش روز، و تربیت نسلی متفکر، اندیشمند و

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

صاحب فکر، مستقل و مسئول در برابر جامعه بود. از نظر او، تنها از رهگذر آموزش عقلانی، علمی و تربیت اخلاقی است که جوامع اسلامی می‌توانند گامی به سوی تعالی و تمدنی پویا، انسانی و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی دست یابند (انیق، ۲۰۲۲).

دیدگاه رشید رضا در مورد تمدن:

رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵م) یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان اصلاح‌گر مسلمان در سده بیستم میلادی است که در پاسخ به چالش‌های ناشی از مواجهه‌ی دنیای اسلام با تمدن غرب، دیدگاه‌هایی منسجم و نظام‌مند در باب تمدن ارائه نمود. او ضمن تأکید بر ضرورت بازسازی تمدن اسلامی، نگاهی انتقادی و گزینشی به مظاهر تمدن غربی داشت و در پی ایجاد تعادلی میان آموزه‌های اسلامی و پیشرفت‌های مادی نوین بود.

۱. تمایز میان تمدن مادی و معنوی

رشید رضا تمدن را دارای دو ساحت مادی و معنوی می‌دانست. از نظر او، تمدن مادی شامل علوم طبیعی، صنعت، صحت، نظام‌های حکومتی و فنون نظامی است، در حالی که تمدن معنوی به ارزش‌هایی نظیر عدالت، اخلاق، دین، آزادی و معنویت اشاره دارد. او باور داشت که تمدن غربی اگرچه در جنبه‌های مادی پیشرفت چشمگیری داشته، اما در بُعد معنوی دچار بحران و انحطاط شده است؛ در مقابل، تمدن اسلامی از نظر معنوی غنی است اما در عرصه‌های مادی دچار عقب‌ماندگی شده است.

۲. رویکرد انتقادی نسبت به تمدن غربی

رشید رضا با پذیرش پیشرفت‌های علمی و فنی غرب، به شدت از تقلید کورکورانه از مظاهر تمدن غربی انتقاد می‌کرد. به اعتقاد او، تمدن غربی با وجود دستاوردهای علمی، از لحاظ اخلاقی، اجتماعی و دینی با چالش‌های بنیادینی مواجه است. از این رو، او بر گزینش آگاهانه، برخورد پدیدارشناسانه به جای ستیز ایدئولوژیک و نقادانه را با عناصر تمدن غربی تأکید داشت و معتقد بود مسلمانان باید آن دسته از جنبه‌های تمدن غربی را که با مبانی اسلامی ناسازگار نیستند، اقتباس نمایند. مخصوصاً بر تحصیل فرزندان مسلمان و فراگیری علوم عصری تأکید فراوان داشت.

۳. احیای تمدن اسلامی

یکی از اهداف اساسی رشید رضا، احیای تمدن اسلامی از طریق بازگشت به اصول بنیادین اسلام بود. او بر این باور بود که اسلام دینی تمدن‌ساز است و تمدن اسلامی در گذشته، با تکیه بر تعالیم قرآن و

سنت و بهره‌گیری از عقل، توانسته بود الگویی بی‌بدیل از پیشرفت مادی و معنوی را به ارمغان آورده بود. بنابراین، برای بازسازی این تمدن، لازم است مسلمانان به اصلاح درون‌دینی و اصلاح فردی بپردازند، بازنگری در فهم متون اسلامی، و تجدید بنای فکری و اجتماعی بپردازند.

۴. نقش دین در پیشرفت تمدن

رشید رضا برخلاف رویکرد سکولاریستی رایج در غرب، دین را نه مانعی برای پیشرفت، بلکه عاملی اساسی در رشد تمدن می‌دانست. از نظر او، اسلام دینی است که انسان را به علم، تعقل، تفکر، تدبیر، اندیشه، نظم، عدالت، انصاف و آبادانی دعوت می‌کند و در صورت فهم صحیح دینی و اجرای دقیق آن، می‌تواند بنیانی محکم و استوار برای تمدن‌سازی فراهم آورد.

۵. نظام خلافت و وحدت امت اسلامی

رشید رضا در اثر مهم خود الخلافة أو الإمامة العظمی، احیای خلافت اسلامی را شرط لازم برای بازسازی تمدن اسلامی می‌دانست. به زعم او، خلافت می‌تواند عامل وحدت امت اسلامی و انسجام سیاسی- اجتماعی مسلمانان باشد، و این وحدت، زمینه‌ساز بازگشت به دوران شکوفایی تمدنی اسلام خواهد بود. او البته به اصلاح در مفهوم و ساختار خلافت نیز تأکید داشت و بر لزوم سازگاری آن با شرایط زمانه اصرار می‌ورزید. رشید رضا نسبت به خلافت عثمانی خوشبین نبود و با سازوکار خلافت عثمانی مشکل داشت و مورد قبول او نبود (میرسپاس، ۲۰۰۶).

دیدگاه علامه اقبال لاهوری درباره تمدن

محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸م)، فیلسوف، شاعر، اندیشمند و متفکر مسلمان اهل شبه‌قاره هند، از جمله دانشمندانی است که در آثار خود به تحلیل و بررسی ماهیت تمدن، به‌ویژه تمدن اسلامی و تمدن غربی، پرداخته است. او با نگاهی ترکیبی از عقلانیت، وحی، تجربه تاریخی مسلمانان و نیازهای معاصر انسان، تصویری نو از تمدن ارائه می‌دهد که بر اساس آن، تمدن صرفاً مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و تکنولوژیک نیست، بلکه تجلی نوعی نظام ارزشی، جهان‌بینی و نگرش به بشر و هستی است.

۱. تمدن به مثابه تجلی روح انسان

از دیدگاه علامه اقبال لاهوری، تمدن حقیقی حاصل رشد و بلوغ انسان در ابعاد مختلف وجودی اوست؛ تمدنی که در آن عقل، اخلاق، ایمان و خلاقیت انسانی در تعادل و تعامل قرار گیرند. او تمدن

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

را تنها با ابزارهای علمی و تکنولوژیکی نمی‌سجد، بلکه آن را نتیجه‌ی پویایی فکری و اخلاقی انسان در مسیر «خودی» (خویش‌شناسی و اراده‌ی فعال) می‌داند.

۲. نقد تمدن غربی

علامه اقبال از جمله نخستین متفکران و اندیشمندان مسلمان در عصر مدرن بود که نقدی عمیق و فلسفی بر تمدن غربی وارد کرد. او تمدن غرب را علی‌رغم پیشرفت‌های چشم‌گیر علمی و صنعتی، گرفتار بحران معنویت، خودباختگی فرهنگی و فقدان ارزش‌های انسانی می‌دانست. اقبال معتقد بود که تفکیک دین از زندگی اجتماعی و تسلط عقل ابزاری، باعث فروپاشی اخلاق و بی‌معنایی زندگی در تمدن غرب شده است. علامه اقبال معتقد بود، که در اروپا عشق به لجن کشیده شده و در کشورهای اسلامی انسانیت، به همین دلیل در کشورهای غربی پدیده‌ی عشق و محبت و دوستی کمتر دیده می‌شود، و جامعه‌ی انسان‌ها را به موجوداتی روبات مانند و ماشینی تبدیل نموده است، و در کشورهای اسلامی روحیه ایثار و فداکاری کم‌رنگ‌تر شده و فضایل اخلاقی رو به اضمحلال می‌رود. همچنین علامه اقبال لاهوری بیان می‌نماید: «تمدن غرب، روح را در میان ابزارها گم کرده است»

۳. تمدن اسلامی، تمدنی متعادل و معنوی

تمدن اسلامی در اندیشه علامه اقبال، تمدنی است که بر پایه‌ی توحید، عدالت، انصاف، آزادی معنوی و کرامت انسانی بنا شده است. او معتقد بود اسلام با ارائه‌ی نظامی جامع از معرفت، اخلاق، عشق، محبت، سیاست و اقتصاد، توان تمدن‌سازی دارد. از منظر اقبال لاهوری، قرآن مجید منبع اصلی تمدن اسلامی است و مسلمانان با بازگشت خلافت به معارف قرآنی و بازاندیشی دینی در سنت اسلامی می‌توانند تمدنی نوین و پویا بنیان نهند.

۴. انسان، محور تمدن

علامه اقبال در فلسفه خود، انسان را موجودی مختار، خلاق و مسؤول معرفی می‌کند، که می‌تواند با شناخت خودی (self) و شکوفایی استعدادهای درونی‌اش، جامعه و تمدنی نوآور و متعالی بسازد. در تمدن مورد نظر اقبال لاهوری، انسان تنها مصرف‌کننده‌ی مظاهر تمدنی نیست، بلکه آفریننده‌ی آن است.

۵. تمدن، محصول تعامل عقل و وحی

از منظر علامه اقبال، تمدن اصیل نه تنها به تجربه و عقلانیت، بلکه به هدایت وحیانی نیز نیاز دارد. او بر این باور بود که تنها با توازن میان عقل و ایمان می‌توان تمدنی انسانی و پایدار ایجاد کرد. تمدنی که

از وحی الهی گسسته باشد، گرچه ممکن است از نظر مادی موفق باشد، اما از نظر معنوی رو به زوال و انحطاط خواهد رفت (رحیم، ۲۰۱۵).

دیدگاه مالک بن نبی درباره تمدن

مالک بن نبی، اندیشمند، فیلسوف سیاسی، روان‌شناس، جامعه‌شناس و متفکر الجزایری در سال ۱۹۰۵ چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۷۳ چشم از دنیا فرو بست، یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان معاصر در زمینه تمدن اسلامی است. او با نگاهی تحلیلی به تاریخ تمدن اسلامی و وضعیت جوامع مسلمان، مسئله تمدن را به عنوان یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های جهان اسلام مطرح می‌کند. از نظر او، تمدن نه یک پدیده اتفاقی، بلکه حاصل ترکیب و تعامل چند عامل اساسی در بستر زمان، مکان و تحت تأثیر یک اندیشه یا ایده الهام‌بخش است. در نگاه مالک بن نبی، تمدن از تعامل سه عنصر اصلی شکل می‌گیرد: انسان، زمان و مکان، این سه عنصر زمانی به تمدن منتهی می‌شوند که توسط یک "ایده راهنما" یا "روح فرهنگی" هدایت شوند؛ ایده‌ای که می‌تواند دینی یا معنوی باشد و به زندگی فردی و جمعی جهت و معنا بخشد. او تمدن را فرایندی می‌داند که از درون انسان و تحول فکری، اخلاقی و شخصیتی او آغاز می‌شود و سپس به ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سازه‌های تمدنی گسترش می‌یابد. مالک بن نبی برای تمدن سه مرحله قائل است: مرحله روحی، که آغاز حرکت تمدنی و بیداری معنوی جامعه است؛ مرحله عقلانی، که جامعه به دانش، فن و نظم روی می‌آورد که مرحله بلوغ فکری انسان را شامل می‌شود؛ و در نهایت مرحله غریزی یا مادی، که در آن جامعه به مادی‌گرایی، لذت‌طلبی، تجمل‌گرایی و افول اخلاقی دچار می‌شود و تمدن رو به زوال و انحطاط می‌رود. او معتقد است تمدن اسلامی در دوره‌ای از تاریخ خود، پس از شکوفایی عقلانی و پرورش علوم مختلف، وارد مرحله افول غریزی و مادی شده و اکنون نیازمند بازگشت به مرحله روحی و احیای دوباره معنویت است. یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه مالک بن نبی، "قابلیت تمدن‌پذیری" است، زیرا دین اسلام این ظرفیت را دارا بود، که از تمدن‌های دیگر اقتباس نماید و موجب بالندگی و رشد تمدن اسلامی را فراهم نماید. همان‌طور که در تاریخ اسلام مکتوب است، خیلی از کارهای اداری را در زمان خلفای راشدین، مسلمانان از مردم بلاد فارس و روم فراگرفتند. او تأکید دارد که قبل از آن‌که جامعه‌ای وارد فرآیند تمدن‌سازی شود، باید آمادگی فکری، روحی، روانی و فرهنگی آن را کسب نماید. به باور او، تمدن را نمی‌توان از بیرون وارد کرد؛ بلکه باید در درون انسان‌ها و فرهنگ آن‌ها جستجو نمود و تحولی بنیادی را ایجاد کرد، کاری که رسول گرامی اسلام (ص) در دوران نبوت خود

انجام دادند، و در بین مردم مکه و مخصوصاً طیف جوان را وادار به فکر و اندیشه می نمودند و چرایی برای شان خلق می کردند تا از حالت جمود فکری خارج شوند. نکته قابل توجه دیگر در نظریه او، مسئله "استعمارزدگی ذهنی" است، خیلی از مسلمان ها از لحاظ جسمی از بند استعمار رها می شدند اما از لحاظ ذهنی و فکری برای سال متمادی در بنده غل و زنجیر گرفتار بودند، به همین دلیل از بین بردن استعمار فکری به مراتب سخت تر و مشکل تر از استعمار جسمی است. مالک بن نبی معتقد بود که مهم تر از استعمار خارجی، روحیه استعمارزدگی درونی است؛ حالتی که در آن، ملت ها احساس ضعف، وابستگی و بی ارادگی می کنند. این روحیه مانعی بزرگ بر سر راه تمدن سازی است. از دید او، تا زمانی که ملت ها خود را ناتوان بیندارند، حتی اگر استعمار بیرونی از میان برود، پیشرفتی حاصل نخواهد شد. در نهایت، مالک بن نبی راه تمدن سازی را از اصلاح فرد آغاز و به اصلاح جامعه ختم می کند، زیرا اگر افراد جامعه اصلاح شوند مجموع این افراد جامعه را تشکیل می دهند و متعاقب آن، اجتماع نیز اصلاح خواهد شد. به باور او، با پرورش انسان هایی دارای تفکر، اندیشه، اخلاق، نظم، و احساس مسئولیت، می توان زمینه های تمدن را فراهم کرد. او بازگشت به اصول اخلاقی و دینی، و بیداری فکری جوامع مسلمان را کلید اصلی احیای تمدن اسلامی می داند (عمر، ۲۰۰۴).

دیدگاه سید قطب درباره تمدن

سید قطب، در سال ۱۹۰۶ در مصر دیده به جهان گشود و در سال ۱۹۶۶ چشم از دنیا فروبست. سید قطب، اندیشمند، مفسر، جامعه شناس، نظریه پرداز و یکی از متفکران برجسته مسلمان قرن بیستم، نظرات ویژه ای درباره تمدن و جایگاه آن در جهان اسلام داشت. او در آثار خود به ویژه در کتاب هایی چون *في ظلال القرآن* و *معالم في الطريق* به تفصیل به تحلیل تمدن و نقش اسلام در شکل دهی به آن پرداخته است. دیدگاه های سید قطب درباره تمدن را می توان در چند محور اصلی بررسی کرد:

۱. تمدن اسلامی و تمدن غربی

سید قطب بر این باور بود که تمدن غربی، با ویژگی های منحصر به فرد خود مانند فردگرایی، مادی گرایی، هستی گرایی، انسان گرایی و سکولاریسم، موجب بحران های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع بشری شده است. او تمدن غرب را که بر پایه اصالت انسان و جدایی دین از سیاست استوار است، تمدنی ناموفق و عقیم می داند که نتیجه اش درگیری ها و جنگ ها، استثمار، استعمار و

بی عدالتی بود. به عقیده او، غرب با ایجاد یک ایدئولوژی مادی و بی اعتنائی به جنبه‌های روحانی، روانی و اخلاقی زندگی، انسان را از هویت واقعی خود دور کرده است.

۲. اسلام و نقش آن در تمدن

سید قطب برای تمدن اسلامی ارزش خاص و جایگاه رفیعی قائل بود. او تمدن اسلامی را تمدنی می‌دانست که بر پایه ایمان به الله و ارزش‌های الهی بنا شده است. از نظر او، این تمدن به‌طور کلی با تمدن‌های مادی‌گرای غرب تفاوت دارد، زیرا به انسان هدفی عالی‌تر از تأمین نیازهای مادی ارائه می‌دهد و به ابعاد روحی، روانی و معنوی انسان توجه ویژه‌ای دارد. در نظر سید قطب، اسلام نه تنها یک دین، بلکه یک نظام جامع فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که می‌تواند تمدنی برتر و پایدارتر از تمدن‌های مادی ایجاد کند.

۳. انتقاد از اسلام‌شناسی مدرن

قطب به انتقاد از روند غربی‌شدن جامعه اسلامی و تأثیرات آن بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی پرداخت. او معتقد بود که بسیاری از جوامع اسلامی تحت تأثیر تمدن غربی قرار گرفته‌اند و دچار انحطاط و زوال فرهنگی شده‌اند. به همین دلیل، او بر بازگشت به اصول اسلامی و تجدید میثاق با تمدن، ارزش‌های اسلامی و شعایر دینی تأکید می‌کرد. او با اشاره به مشکلات جوامع اسلامی، از آن‌ها می‌خواست که برای بازسازی تمدن اسلامی باید به قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) بازگردند.

۴ بازسازی تمدن اسلامی از درون

قطب به این نکته اشاره می‌کرد که تمدن اسلامی باید از درون خود بازسازی شود. او معتقد بود که اسلام، به‌ویژه از طریق جهاد فکری و فرهنگی می‌تواند رکود اندیشه، تفکر و جمود فکری را در جامعه اسلامی ریشه‌کن کند، و زمینه‌های بازسازی تمدن اسلامی را فراهم آورد. این بازسازی، به نظر قطب، به معنای تغییرات اساسی در ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع مسلمان است که باید بر اساس اصول اسلامی صورت گیرد.

۵. نقد سکولاریسم و لزوم بازگشت به اسلام

سید قطب به شدت مخالف سکولاریسم بود و آن را عامل اصلی سقوط تمدن‌های اسلامی می‌دانست. او باور داشت که سکولاریسم و جدایی دین از سیاست باعث بروز فساد و انحطاط در جوامع اسلامی شده است. از نظر او، تنها با بازگشت به اسلام به عنوان یک نظام جامع می‌توان تمدن اسلامی را احیا کرد و جهانی عادلانه، اخلاقی و مشحون از انصاف، عدل و داد ساخت (اردوغان، ۲۰۱۸).

دیدگاه غزالی مصری درباره تمدن

غزالی مصری، در سال ۱۹۱۷ چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۹۶ چشم از جهان فرو بست. که یکی از اندیشمندان و فیلسوفان بزرگ معاصر عرب است، دیدگاه خاصی درباره تمدن و نقش آن در جامعه انسانی دارد. او در مباحث خود به بررسی روابط میان تمدن‌های مختلف، تاثیرات فرهنگ و توسعه اجتماعی، و چالش‌های پیش روی جوامع می‌پردازد. به طور خاص، دیدگاه غزالی مصری بر محورهای زیر قرار دارد:

۱. تمدن اسلامی و هویت فرهنگی: غزالی مصری معتقد است که تمدن اسلامی باید در جوامع معاصر به عنوان یک الگو برای توسعه فرهنگی و اجتماعی شناخته شود. او به شدت بر حفظ هویت اسلامی در مقابل تمدن‌های غربی تأکید می‌کند و بر این باور است که در دنیای مدرن، نیاز به بازگشت به اصول اسلامی و بهره‌برداری از آن‌ها در فرایند توسعه وجود دارد. او به این نکته اشاره دارد که در عصر حاضر، بسیاری از جوامع اسلامی از هویت فرهنگی و دینی خود دور شده‌اند و به فرهنگ‌های غربی تمایل یافته‌اند که این امر تهدیدی برای پایداری تمدن اسلامی است.
۲. تقابل و تعامل تمدن‌ها: غزالی مصری، برخلاف برخی اندیشمندان که تقابل تمدن‌ها را مطرح می‌کنند، معتقد است که تمدن‌ها می‌توانند از هم یاد بگیرند و با هم تعامل داشته و بر روی یکدیگر تاثیر گذار باشند. او در این زمینه از مفهوم "محواره تمدنی" سخن می‌گوید و بر لزوم ایجاد گفت‌وگوی فرهنگی و فکری بین تمدن‌ها به ویژه تمدن اسلامی و غرب تأکید می‌کند. او بر این باور است که از این تعاملات می‌توان به یک تمدن جهانی و مشترک رسید که هم‌زمان از هویت‌های فرهنگی مختلف حمایت کند.
۳. نقد توسعه غربی: یکی از محورهای مهم تفکرات غزالی مصری، نقد مدل توسعه غربی است. او معتقد است که تمدن غربی به دنبال توسعه اقتصادی و صنعتی است، اما این توسعه به جای توجه به ابعاد انسانی و معنوی، بیشتر بر جنبه‌های مادی و انسان‌گرایی تمرکز دارد. از نظر او، این نوع توسعه نمی‌تواند به جوامع اسلامی و دیگر فرهنگ‌ها الگوی مناسبی برای پیشرفت باشد، چرا که نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی، اسلامی و شعیار دینی می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شود.

۴. مدیریت بحران‌ها و چالش‌ها: غزالی مصری همچنین به چالش‌هایی که جوامع اسلامی در دنیای مدرن با آن مواجه هستند، اشاره می‌کند. او به بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای اسلامی پرداخته و بر این باور است که برای حل این بحران‌ها باید از درون فرهنگ اسلامی به دنبال راهکارهای جدید و مؤثر بود. این راهکارها باید مبتنی بر اصول دینی و فرهنگی باشند و در عین حال با نیازهای عصر حاضر همخوانی داشته باشند. همچنین غزالی مصری معتقد بود، که گذشتگان ما بد کاشتن و آینده‌گان بد درو خواهند کرد، به بیانی دیگر باید زیر ساخت‌ها از قبل فراهم شود تا آینده‌گان مسیر را با مشکلات کمتر طی کنند.
۵. سیاست و تمدن: در نگاه غزالی مصری، سیاست و تمدن به‌طور تفکیک‌ناپذیری با هم مرتبط هستند. او معتقد است که توسعه تمدنی بدون توجه به سیاست‌های درست نمی‌تواند به موفقیت برسد. از نظر او، سیاست‌های اشتباه می‌توانند روند توسعه تمدنی را مختل کرده و به بحران‌های متعدد اجتماعی و فرهنگی دامن بزنند (موسی، ۲۰۱۲).

دیدگاه ابوالحسن ندوی درباره تمدن

ابوالحسن ندوی در سال ۱۹۱۳ در کشور هند چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۹۹ چشم از جهان فرو بست. یکی از چهره‌های برجسته اسلامی در دوران معاصر است که تأملات عمیقی در زمینه تمدن و فرهنگ اسلامی دارد. دیدگاه او درباره تمدن، به‌ویژه تمدن اسلامی، بر اساس اصول دینی، فرهنگی و تاریخی استوار است. از نظر ندوی، تمدن اسلامی از ابتدا به‌عنوان یک تمدن الهی شکل گرفته است که مبنای آن قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) می‌باشد. در اینجا برخی از مهم‌ترین نکات دیدگاه او درباره تمدن را مورد بررسی و غور قرار می‌دهیم:

۱. تمدن اسلامی و وحی: ابوالحسن ندوی بر این باور است که تمدن اسلامی نه تنها بر مبنای عقل و تجربیات انسانی، بلکه اساساً بر وحی الهی استوار است. در این تمدن، انسان‌ها باید در پی کشف حقیقت و معانی عمیق دینی باشند و تمامی پیشرفت‌ها و دستاوردهای بشری در خدمت این هدف قرار گیرد.

۲. عوامل شکل‌دهنده تمدن اسلامی: در نظر ندوی، تمدن اسلامی به‌طور عمده از دو عامل اصلی شکل می‌گیرد: یکی آموزه‌های دینی و دیگری برخورد اسلام با فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف در دوران فتوحات. او بر این نکته تأکید دارد که اسلام در تعامل با سایر فرهنگ‌ها، از جمله

فرهنگ‌های ایرانی، یونانی، هندی و عربی، توانسته است فرهنگی غنی و متنوع بسازد که بر اساس آموزه‌های دینی استوار است، به بیانی دیگر آغوش اسلام جهت پذیرش خوبی‌ها و نقاط قوت فرهنگ‌های دیگر همواره آماده پذیرش بوده است.

۳. نقد تمدن غربی: ندویی انتقادات زیادی به تمدن غربی دارد. او معتقد است که تمدن غربی، که در عصر مدرن به اوج خود رسیده است، بر اساس اصولی نظیر فردگرایی، مادی‌گرایی، هستی‌گرایی و نفی ارزش‌های دینی شکل گرفته است. این تمدن از نظر او در بسیاری از زمینه‌ها، به‌ویژه در ابعاد اخلاقی و معنوی، دچار بحران است.

۴. بازسازی تمدن اسلامی: ندویی در زمینه بازسازی تمدن اسلامی نیز دیدگاه‌های مشخصی دارد. او معتقد است که مسلمانان باید با بازخوانی صحیح آموزه‌های دینی خود و استفاده از منابع غنی علمی و فرهنگی اسلامی، تمدنی نوین و متناسب با شرایط عصر جدید ایجاد کنند. از نظر او، این تمدن جدید باید در توازن با جهان مدرن باشد و از دستاوردهای علمی و فنی بهره‌برداری کند بدون آن‌که از اصول دینی و اخلاقی خود فاصله بگیرد.

۵. رابطه دین و تمدن: یکی از نکات برجسته در دیدگاه ندویی، اهمیت رابطه دین و تمدن است. او تأکید دارد که دین نمی‌تواند از تمدن جدا باشد و تمدن اسلامی باید در چارچوب آموزه‌های دینی شکل گیرد. این تمدن به دنبال تحقق عدالت، صلح و همبستگی انسانی است که در آن نیازهای مادی و معنوی انسان به‌طور هم‌زمان برآورده می‌شود (یانپو، ۲۰۱۵).

دیدگاه محمد عماره درباره تمدن

محمد عماره در سال ۱۹۳۱ در مصر چشم به جهان گشود و در سال ۲۰۲۰ چشم از دنیا فروبست. او اندیشمند، متفکر و نویسنده برجسته مصری، یکی از چهره‌های مهم در حوزه اندیشه اسلامی معاصر است. او دیدگاه‌های گسترده‌ای درباره تمدن اسلامی، مدرنیته، و گفت‌وگو میان تمدن‌ها داشته است.

۱. تمدن اسلامی به مثابه تمدن انسانی - الهی

محمد عماره تمدن اسلامی را تمدنی می‌داند که هم بُعد الهی دارد و هم بُعد انسانی. یعنی این تمدن بر اساس وحی الهی بنا شده، اما با عقل، علم و تجربه بشری هم‌افزاست. او تمدن اسلامی را دارای تعادلی میان مادیت و معنویت می‌داند، به بیانی دیگر دین اسلام جنبه مادی و معنوی زندگی انسان را در نظر گرفته است.

۲. تمدن در اسلام، تمدن تک‌بعدی نیست

به عقیده عماره، تمدن غربی گرایش زیادی به مادی‌گرایی، فردگرایی و انسان‌گرایی دارد، در حالی که تمدن اسلامی توازن میان جسم و روح، فرد و جامعه، دنیا و آخرت را حفظ می‌کند. از نگاه او، تمدن اسلامی تمدنی متعادل است که تمام ابعاد وجود انسان را در بر می‌گیرد. و به تمام غرایز انسانی پاسخ می‌دهد.

۳. بازگشت به تمدن اسلامی اصیل، نه بازگشت به گذشته

محمد عماره با «سلفی‌گری تحجری» مخالف بود. او تأکید می‌کرد که بازگشت به تمدن اسلامی باید به معنای بازخوانی میراث اسلامی و بهره‌گیری از آن برای ساخت آینده باشد، نه تکرار صرف گذشته، به نظر محمد عماره باید شعایر دینی را مطابق نیازهای نسل جوان و مقتضیات زمانی در نظر گرفت تا پاسخ‌گوی دغدغه‌های نسل جدید باشد.

۴. گفت‌وگو میان تمدن‌ها

عماره معتقد بود که گفت‌وگوی تمدن‌ها یک اصل قرآنی و اسلامی است. او با برخورد تمدنی خصمانه، چه از سوی غرب نسبت به اسلام و چه بالعکس، مخالف بود و از همکاری، تعامل و تبادل فرهنگی در چارچوب احترام متقابل حمایت می‌کرد. زیرا تعامل مثبت بین تمدن اسلامی و غربی زمینه و بستر شکوفایی علمی و اجتماعی را فراهم می‌نماید و داد و ستد تمدنی را پایه‌گذاری می‌کند.

۵. تمدن اسلامی و عدالت اجتماعی

یکی از عناصر کلیدی تمدن اسلامی از دید عماره، عدالت اجتماعی است. او اسلام را دینی می‌دانست که تمدن آن بر پایه ارزش‌هایی چون عدالت، انصاف، آزادی، کرامت انسانی و شراکت اجتماعی ساخته شده است. عدالت و انصاف را گم‌شده جامعه اسلامی می‌دانست، که با اجرای عدل و داد در جامعه اسلامی زمینه رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌شود (هالیلوویچ، ۲۰۱۳).

دیدگاه دکتر عبدالرزاق مقری درباره تمدن

دکتر عبدالرزاق مقری در سال ۱۹۶۰ در الجزایر دیده به جهان گشود، او با الهام از میراث فکری متفکرانی چون مالک بن نبی، تمدن را پدیده‌ای چندلایه و وابسته به شرایط روانی، فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع می‌داند. به باور او، تمدن یک مسیر پیوسته است که از درون انسان آغاز می‌شود و در نهایت به اجتماع ختم می‌گردد، همچنین او معتقد است، با سامان‌دهی و نظم بخشی به منابع و ظرفیت‌ها در راستای یک «پروژه تمدنی» به شکوفایی می‌رسد. مقری تأکید دارد که جهان

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

اسلام برای بازسازی تمدن خویش، نیازمند یک بازنگری عمیق در اندیشه‌ها، افکار و ساختارها و عملکردهاست.

از نگاه مقری، تمدن اسلامی در تاریخ خود به دلیل فاصله گرفتن از اصول اولیه دین، کاهش روحیه اجتهاد، سلطه استبداد، روحیه استبدادپذیری و وابستگی به بیگانگان دچار انحطاط شده است. او بر این باور است که رهایی از این وضعیت، مستلزم دو حرکت بنیادین است: بازسازی فکری و تمدنی از درون، و مقابله هوشمندانه و آگاهانه با چالش‌های بیرونی.

وی مفهوم «پروژه تمدنی» را مطرح می‌کند؛ پروژه‌ای که نیازمند اراده سیاسی، مشارکت مردمی، برنامه‌ریزی علمی، استقلال اقتصادی و روح معنویت‌گرایانه است. مقری بارها هشدار می‌دهد که بدون تکیه بر هویت اسلامی، تلاش برای نوسازی تمدن تنها به تقلید از غرب منجر خواهد شد و نمی‌تواند پایداری و اصالت داشته باشد.

دکتر مقری بر نقش نخبگان و جنبش‌های اسلامی در احیای تمدن تأکید ویژه دارد. از نظر او، این جنبش‌ها باید از صرف فعالیت سیاسی به سمت ایفای نقش تمدن‌ساز حرکت کنند و الگوهای نو برای جامعه ارائه دهند. او اصلاح جامعه را نه از بالا، بلکه از پایین و از درون انسان‌ها، خانواده، نهادهای مدنی و آموزش و پرورش می‌داند.

همچنین، مقری در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش به چالش‌های تمدن‌سازی در عصر جهانی شدن می‌پردازد؛ از جمله بحران‌های هویتی، استحاله فرهنگی، وابستگی تکنولوژیکی و فشارهای نظام سلطه قلم داد می‌کند. او راه‌حل این چالش‌ها را در بازگشت به خود، خودباوری، توسعه پایداری، پیوند با دانش روز، و حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌داند.

در مجموع، دکتر عبدالرزاق مقری تمدن را پدیده‌ای دین‌محور، انسان‌محور و فرایندمحور می‌داند که باید بر اساس هویت اسلامی و نیازهای معاصر جوامع مسلمان بازسازی شود. تمدن‌سازی، از نظر او، نه با شعار بلکه با کار عمیق فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی امکان‌پذیر است (زینی، ۲۰۱۶).

نسبت دین و تمدن در اسلام

دین در قرآن به معانی متعددی چون کیش و شریعت و آیین پرستش، طاعت و فرمانبرداری، رسم و قانون، منش و عادت، دعا و عبادت، آیین یگانه‌پرستی و توحید آمده (خرمشاهی، ۱۳۷۷)، و منشأ کشش، دانش، کرنش و پرستش خداخواهانه را در فطرت انسان‌ها نهفته می‌داند. دین الهی و آموزه‌های وحیانی سامان‌بخش امور زندگی فردی و اجتماعی بشر و رابطه انسان با خدا و ماوراءالطبیعه، دیگر

انسان‌ها و مخلوقات و طبيعت است. (انعام: ۵۹) جامعه پيشرو و متمدن قرآنی، آن است که افراد آن اهل تقوا و کسب فضایل اخلاقی بوده و از گناه و نافرمانی حق بپرهیزند؛ بنابراین بی‌ایمانی و حاکمیت ضد ارزش‌ها سبب ایستایی و فروپاشی تمدنی خواهد شد (اعراف: ۹۶). نخستین کسی که معتقد بود اجتماعات بشری از قوانین تغییرناپذیر و ثابتی پیروی می‌کنند ابن‌خلدون بود. او اسلام را به عنوان یک تمدن بشری جهانی باور داشت. از نظر این مورخ بزرگ مسلمان، سرشت مدنی انسان او را ناگزیر از زندگی گروهی نموده است. پدیده‌های که عمران نام داشته و امکان بروز و ظهور در بادیه و شهر را دارد. وی تمدن را خروج از بادیه‌نشینی و ورود به مرحله شهرنشینی نمیداند، بلکه بادیه‌نشینی را اصل و گهواره اجتماع و تمدن و اساس تشکیل شهرها و هر دو را برای رشد و توسعه لازم میداند. وی نقش دین را در تمدن‌سازی بسیار پررنگ می‌بیند. از نظر او دین عامل قدرتمدنی است که نیروی عصبيت اجتماع را مضاعف و نیروی اصلی در ایجاد فاصله و شکاف بین عصبيت قبیله‌ای از ساختار جامعه است. تألیف قلوب مردم تنها به یاری خدا حاصل میشود تا دین الهی را در جهان استقرار بخشد. (ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۳۶/۱ و ۳۰۱ و ۳۰۲) ابن‌خلدون فطرت پاک انسانی را مایل به صفات و افعال نیک و پسندیده و شهرنشینان را به واسطه دنیادوستی و میل به تجمل و شهوت‌رانی که لازمه مدنیت و تمدن است از اخلاق نیک نسبت به بادیه‌نشینان دورتر می‌داند؛ بنابراین وی اخلاق و تمدن را در نسبت معکوس با یکدیگر می‌یابد و شواهدی برای اینکه «شهرنشینی پایان اجتماع و عمران بشر است و سرانجام آن فساد و منتهای بدی و دوری از نیکی است» ارائه کرده است (همان: ۲۳۲/۱). می‌گویند تمدن، زمانی است که در صورت ظاهری اجتماع، ثروت و تجمل عیان است (زیدان، ۱۳۹۳: ۹۵۳)، ولی ابن‌خلدون نه تنها این زمان را مرحله زایش تمدن نمی‌داند،

بلکه زمان تباهی تمدن و دولت قلمداد میکند. هرچند در آغاز، ناز و نعمت بر نیروی قدرت حاکمه می‌افزاید و از امور تمدن محسوب میشود؛ اما تنوع‌طلبی، تجملخواهی و نازپروردگی برای مردم تباه‌آور است، زیرا در نهاد آدمی انواع بدی‌ها و فرومایگی‌ها، تناسایی‌ها و عادات زشت پدید آورده و ویژگی‌های نیک را از بین می‌برد. اگر این امور استحکام یابد تمدن و دولت به سراشیبی سال‌خوردگی و پیری روی می‌آورد. (ابن‌خلدون، ۳۳۳-۳۲۰/۱: ۱۳۹۳) دیدگاه ابن‌خلدون نه به منزله نفی تمدن است، نه به منزله نفی اخلاق؛ به باور او، غلبه وجه مادی انسان در تمدن و مدنیت است که دورشدن از اخلاق و

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

انسانیت دست آورد آن است. (همان: ۷۴۰-۷۳۵/۲؛ ۵۵۲/۱ تا ۵۶۰) پس تردیدی در ضرورت عمران نیست و برای پویایی و ماندگاری تمدن، باید اخلاق‌مداری شیوه دولت و ملت باشد.

نسبت دین و تمدن از دید ویل دورانت

ویلیام جیمز دورانت (۱۸۸۵-۱۹۸۱م) فیلسوف، تاریخ‌نگار و تمدن‌شناس آمریکایی است که در بازه زمانی بیش از چهل سال (از ۱۹۳۵ تا ۱۹۷۵م) به نوشتن تاریخ تمدن بشر از دوران پیش از تاریخ تا نیمه اول سده بیستم در یازده جلد پرداخت. او پس از انتشار هر جلد از این مجموعه به نگارش مجلدی دیگر می‌پرداخت. تصور تغییر یا تلطیف دیدگاه وی درباره نسبت دین و تمدن با در نظر داشتن عنصر زمان و همچنین مشاهده واقعیاتی است که از نتایج سفرهای او بود و با ادعای خودش در زمینه تحلیل تاریخ بشر با تکیه بر تعقل و خردورزی و رویکرد بی‌طرفی در بررسی حق یا باطل بودن هر دینی را در پیش گرفته است، مردود شمرده می‌شود. به باور او مورخ اطلاعات کافی برای این قضاوت را در اختیار ندارد. آنچه وی می‌خواهد بیشتر آن است که چه عوامل اجتماعی و روان‌شناختی مایه ظهور آن دین شده و تا چه اندازه توانسته وحشیان را آدمی‌خوی و بدویان را به شهروند شایسته مبدل کند و امید و شجاعت و ایمان را در دل‌های مایوس نفوذ دهد، چقدر برای تکامل ذهنی آزادی باقی گذاشته و چه نفوذی در تاریخ داشته است. در چهارمین مجلد با عنوان عصر ایمان که در ۱۹۵۰ میلادی منتشر گردید آورده است: «تمدن سرچشمه‌های گوناگون دارد و حاصل تعاون اقوام و طبقات و ادیان مختلف است... محقق اگرچه به حکم روابط محکم خویشی متعلق به کشورش است، در عین حال احساس می‌کند که جزو تبعه قلمرو عقل است که دشمنی و مرز نمی‌شناسد. اگر در اثنای مطالعات خود تابع تعصبات سیاسی یا تبعیضات نژادی یا خصومت‌های دینی باشد شایسته عنوان خود نیست.»... (دورانت، ۱۳۹۰: ۲۲۷، ۴۳۵) بدین ترتیب در مجموعه تاریخ تمدن از کتاب مشرق زمین گاهواره تمدن که در ۱۹۳۵ میلادی نشر یافت، عوامل کلی تمدن و عناصر آن را بر شمرده است. بر اساس تعریف ویل دورانت، تمدن به گونه کلی آن نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌گردد و جریان پیدا می‌کند. (دورانت، ۱۳۸۰: ۳/۱) تمدن از نگاه ویل دورانت چنین است «تمدن را میتوان، به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود

آن، خلاقيت فرهنگي امکان‌پذير مي‌شود و جريان پيدا مي‌کند. در تمدن چهار رکن اساسي مي‌توان تشخيص داد: پيشيني و احتياط در امور اقتصادي، سازمان سياسي، سنن اخلاقي و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. (دورانت، ۱۳۸۰: ۳/۱) وي عوامل اقتصادي، سياسي، اخلاقي، روي و علمي تمدن را بيان کرده و در تبين عوامل اخلاقي تمدن به بحث درباره دين، معبودهاي مختلف ديني، آداب ديني، دين و اخلاق پرداخته است و ازدواج، اخلاق جنسي، اخلاق اجتماعي و دين را زير مجموعه‌هاي عامل اخلاق دانسته است. از نظر او دين به معنای پرستش نيروهاي برتر از طبيعت است که عموم افراد بشر را شامل و همواره با تاريخ انسان همراه است (دورانت، ۱۳۸۷: ۶۹ و ۷۰) و آداب و رسوم و سنن اقوام و ملت‌ها را آداب ديني و اندک عقیده فرد يا جامعه يا علاقه و توجه و فعاليت در راه آن عقیده را دين تلقی مي‌نمايد و در انتساب به اين عنوان فرقي بين موحد و مشرک و لائيک نيست. ويل دورانت تمدن را بر پايه رويکرد علي تعريف مي‌کند که بر اين اساس واکاوي و ويل دورانت تمدن را بر پايه رويکرد علي تحليل علل و عوامل پيدايش تمدن، معيار تعريف و مفهوم شناسي تمدن واقع مي‌شود. اين نوع رويکرد مفهومي به تمدن در ميان تمدن‌پژوهان رويکردي شايع است. (ميرحمدي و باراني، ۱۳۹۱: ۱۰) در اين رويکرد مطالعاتي، تمدن‌ها، چونان پديده‌هاي عيني و بيروني تحقيقيافته در مقطع تاريخي خاص خود به صورت توصيف عناصر تشکيل‌دهنده بررسي مي‌گردند. اين نگرش و رويکرد برخاسته از جاگاه‌شناختي و رويکرد فيلسوفانه ويل دورانت است که با چنين پشتوان‌هاي علمي در فلسفه به بررسي تاريخي تمدن‌هاي گذشته و مقايسه آنها براي يافتن پاسخي واقع‌بينانه بر اساس بستر تاريخي درباره عوامل پيدايش، گسترش و نابودي تمدن‌ها پرداخته است. اين پژوهش مهمترين ديدگاه‌هاي او را در اين زمينه در شش عنوان طرح و براي نقد هر مورد، از ديدگاه برخي شرق‌شناسان از گروه همگريان بهره برده است. رهاورد تقابل ديدگاه‌ها استخراج شاخصه‌هاي تمدني دين و همگرابي نسبت دين و تمدن است.

بحث و مناقشه

تمدن به عنوان یک پدیده اجتماعی، مجموعه‌ای از نهادها، ارزش‌ها، دانش، فرهنگ، اقتصاد و سیاست است که جوامع انسانی را شکل می‌دهد. تغییر تمدنی در جهان اسلام، موضوعی پیچیده و چندبعدی است که متأثر از عوامل درونی و بیرونی متعددی است. در ادامه به بررسی ابعاد این تغییر، چالش‌ها و دیدگاه‌های مختلف در مورد آن پرداخته خواهد شد. تمدن را می‌توان مجموعه‌ای از پیشرفت‌های مادی و معنوی یک جامعه دانست که در طول زمان تکامل می‌یابد. تغییر تمدنی در واقع تحول در این مولفه‌ها است که می‌تواند در اثر عوامل داخلی یا تعامل با سایر تمدن‌ها رخ دهد.

(Farooqui, 2012)

عوامل درونی تغییر در تمدن اسلامی

تحولات تمدنی در هر جامعه‌ای، نتیجه مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی است. در تمدن اسلامی نیز، عوامل متعددی در درون ساختارهای فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این تمدن موجب تغییر، تحول و در برخی موارد، رکود یا باززایی فرهنگی شده‌اند. در این نوشتار، تمرکز بر عوامل درونی است؛ عواملی که برخاسته از بطن خود تمدن اسلامی بوده و نقش مهمی در تحولات تاریخی آن ایفا کرده‌اند.

۱. تحولات فکری و اجتهادی

یکی از مهم‌ترین عوامل درونی تغییر در تمدن اسلامی، تحول در اندیشه و اجتهاد دینی است. نهاد اجتهاد که در سنت اسلامی، به‌ویژه در مذاهب فقهی گوناگون (شیعه، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) وجود داشته است، ظرفیت پویایی و بازتولید فکری را فراهم ساخته است. ظهور متفکران بزرگی چون امام محمد غزالی، ابن رشد، فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبایی، نشان از فعالیت ذهنی گسترده در درون تمدن اسلامی دارد. این تحولات باعث بازاندیشی در مفاهیم فلسفی، کلامی، عرفانی و فقهی شده و زمینه‌ساز شکوفایی علمی و فرهنگی در دوران طلایی تمدن اسلامی بوده‌اند. در برخی دوره‌ها، بسته شدن باب اجتهاد و غلبه ظاهرگرایی در اندیشه دینی، به رکود فکری و انجماد نظری انجامید.

۲. تحولات اجتماعی و طبقاتی

تغییرات در ساختار اجتماعی نیز نقش مهمی در تحولات تمدن اسلامی داشته است. شکل‌گیری طبقات اجتماعی جدید، افزایش نقش شهرنشینان، بازرگانان، علما و صوفیان در مدیریت و هدایت

اجتماعی و فرهنگی، از جمله عواملی بودند که موجب جابه‌جایی قدرت و تغییر در اولویت‌های تمدنی شدند. رشد شهرهایی مانند بغداد، قرطبه، نیشابور و قاهره به‌عنوان مراکز علمی و فرهنگی، نشان‌دهنده نقش فعال جامعه شهری در توسعه تمدن اسلامی است. تغییر در الگوهای زندگی، گسترش سواد، و شکل‌گیری نهادهای آموزشی نظیر مدارس نظامیه، سبب رشد عقلانیت و علم‌گرایی در جامعه شد.

۳. نقش نخبگان و علما

نخبگان فکری، فرهنگی و دینی از جمله محرک‌های اصلی تغییر در تمدن اسلامی بوده‌اند. حضور فعال عالمان، مفسران، محدثان، فیلسوفان و صوفیان در فضای فکری و اجتماعی، عامل پویایی و نوآوری در اندیشه اسلامی شد. ارتباط مستمر میان علما و حاکمان در برخی دوره‌ها مانند عباسیان یا آل‌بویه، موجب ترویج علوم و معارف گوناگون شد. در دوره‌هایی نیز فاصله میان طبقه علما و مردم یا حاکمیت، زمینه‌ساز بحران اعتماد و رکود در تولید فکر دینی شد.

۴. تنوع مذهبی و فکری در جهان اسلام

تنوع در نحله‌های فکری، مذهبی و کلامی، موجب غنای تمدنی و گفت‌وگوهای درون‌دینی گردید. وجود مکاتب مختلف در فقه، کلام و تصوف، بستر مناسبی برای تضارب آرا و رشد علمی فراهم ساخت. همزیستی نسبی میان اهل سنت، شیعه، معتزله، اشاعره و صوفیه، در مقاطعی از تاریخ اسلامی، منجر به تبادل فکری و تحرک فرهنگی شد. البته در برخی برهه‌ها، این اختلافات به تعارضات فرقه‌ای و سیاسی انجامید که موجب تضعیف انسجام تمدنی شد.

۵. بحران‌های درونی و ناکارآمدی‌های سیاسی

از دیگر عوامل مهم درونی، بحران‌های سیاسی در درون خلافت‌ها و دولت‌های اسلامی است. تضعیف قدرت مرکزی، گسترش فساد اداری، بی‌ثباتی سیاسی و عدم کارآمدی نظام‌های حکومتی، از جمله عواملی بودند که به ضعف تمدن اسلامی در برخی دوره‌ها منجر شدند. زوال عباسیان، کشمکش‌های داخلی در دوران ممالیک و عثمانی‌ها، و فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت در حکمرانی، نمونه‌هایی از این بحران‌هاست. این وضعیت موجب از بین رفتن انسجام سیاسی و در نتیجه کاهش توان تمدنی در برابر چالش‌های بیرونی شد. تمدن اسلامی، همچون دیگر تمدن‌های بزرگ تاریخ، محصول و نتیجه کنش‌های پیچیده و چندلایه میان عوامل درونی و بیرونی بوده است. در این میان، عوامل درونی همچون تحولات فکری، تغییرات اجتماعی، نقش نخبگان، تنوع مذهبی و ناکارآمدی‌های سیاسی، نقشی بنیادین در جهت‌دهی به مسیر رشد یا افول تمدن ایفا کرده‌اند. درک

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

این عوامل، نه تنها برای تحلیل تاریخی تمدن اسلامی ضروری است، بلکه در مسیر بازسازی تمدنی نوین در دنیای معاصر نیز راهگشا خواهد بود. تمدن اسلامی، همچون دیگر تمدن‌های بزرگ تاریخ، محصول و نتیجه کنش‌های پیچیده و چندلایه میان عوامل درونی و بیرونی بوده است. در این میان، عوامل درونی همچون تحولات فکری، تغییرات اجتماعی، نقش نخبگان، تنوع مذهبی و ناکارآمدی‌های سیاسی، نقشی بنیادین در جهت‌دهی به مسیر رشد یا افول تمدن ایفا کرده‌اند. درک این عوامل، نه تنها برای تحلیل تاریخی تمدن اسلامی ضروری است، بلکه در مسیر بازسازی تمدنی نوین در دنیای معاصر نیز راهگشا خواهد بود. (Madani, 2016)

۲ عوامل بیرونی در تغییر تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، به مثابه یکی از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین تمدن‌های بشری، در طول قرون مختلف دستخوش تغییرات بنیادین بوده است. این تحولات نه تنها ریشه در پویایی‌های درونی جوامع اسلامی داشتند، بلکه از عوامل بیرونی نیز تأثیر پذیرفته‌اند. شناخت این عوامل بیرونی از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که نشان‌دهنده تعامل تمدن اسلامی با دیگر تمدن‌ها، ساختارهای قدرت، و تحولات جهانی است. در این نوشتار، مهم‌ترین عوامل بیرونی مؤثر بر تغییر در تمدن اسلامی بررسی می‌گردند.

۱. تهاجمات نظامی و حملات خارجی

یکی از مهم‌ترین و ملموس‌ترین عوامل بیرونی مؤثر بر تغییر تمدن اسلامی، تهاجمات نظامی و لشکرکشی‌های بیگانگان بوده است. این حملات در مواردی منجر به فروپاشی سیاسی، بحران‌های اقتصادی و فرهنگی، و جابه‌جایی‌های تمدنی شد.

الف) حملات مغولان در قرن هفتم هجری (سده سیزدهم میلادی) یکی از ویرانگرترین رویدادهای تاریخ اسلام بود که منجر به سقوط بغداد در سال ۶۵۶ هجری و پایان خلافت عباسی گردید. این تهاجم نه تنها موجب تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و علمی شد، بلکه تأثیرات روانی و سیاسی عمیقی بر جامعه اسلامی داشت.

ب) جنگ‌های صلیبی نیز باعث تشدید تنش‌های مذهبی، نظامی‌گری، و تحرکات سیاسی میان مسلمانان و جهان غرب شد، و نقش مهمی در تغییر نگرش‌های سیاسی و نظامی مسلمانان ایفا کرد.

۲. ارتباط و تعامل با تمدن‌های دیگر

تعامل تمدن اسلامی با دیگر تمدن‌ها، از جمله تمدن‌های یونانی، ایرانی، رومی، هندی و بعدها تمدن غربی، تأثیرات ژرفی در شکل‌گیری و تغییر مسیر آن داشته است.

الف) ترجمه آثار یونانی و هندی به عربی در دوران عباسیان، به‌ویژه در "بیت‌الحکمه" بغداد، منجر به شکوفایی علوم عقلی همچون فلسفه، ریاضیات و پزشکی شد.

ب) این تعامل علمی نه تنها به جذب دستاوردهای دیگر تمدن‌ها انجامید، بلکه زمینه‌ساز تولید علمی در چارچوب معرفت اسلامی شد.

۳. تحولات اقتصادی جهانی

تحولات اقتصادی در سطح جهانی، به‌ویژه در زمینه تجارت بین‌المللی، مسیر تحولات تمدنی اسلامی را تغییر داد.

الف) جاده ابریشم، مسیرهای تجاری دریایی، و بازارهای بین‌المللی، موجب پیوند جهان اسلام با شرق آسیا، اروپا و آفریقا شد. این تبادلات تجاری به گسترش فرهنگ، زبان و هنر اسلامی نیز کمک کرد.

ب) اما با کشف مسیرهای دریایی جدید توسط اروپاییان در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی، و انتقال تمرکز تجارت جهانی از خاورمیانه به اقیانوس اطلس، موقعیت اقتصادی جوامع اسلامی تضعیف شد.

۴. نفوذ فرهنگی و علمی تمدن‌های دیگر

ورود عناصر فرهنگی بیگانه به جوامع اسلامی، به‌ویژه از طریق استعمار یا رسانه‌های نوین، موجب تغییر در سبک زندگی، ارزش‌ها، و نگرش‌های فرهنگی شد.

الف) در عصر جدید، با گسترش استعمار اروپایی و ورود فرهنگ غربی به سرزمین‌های اسلامی، بسیاری از سنت‌های فکری و فرهنگی تحت تأثیر قرار گرفتند.

ب) مدرنیته غربی و مفاهیم نوینی چون فردگرایی، سکولاریسم، و لیبرالیسم، به چالش‌های عمیقی برای جوامع اسلامی تبدیل شدند و زمینه‌ساز جنبش‌های اصلاح‌طلبانه یا احیایی شدند.

۵. استعمار و نفوذ سیاسی قدرت‌های بیگانه

در سده‌های اخیر، قدرت‌های استعماری غربی با تسلط بر بخش‌هایی از جهان اسلام، ساختارهای سیاسی و اجتماعی این جوامع را به‌طور مستقیم تغییر دادند.

الف) استعمار انگلیس، فرانسه، و دیگر قدرت‌ها، با تحمیل نظام‌های حقوقی، آموزشی و اداری جدید، ساختارهای سنتی جوامع اسلامی را دگرگون ساختند.

ب) همچنین، ایجاد مرزهای سیاسی جدید پس از فروپاشی خلافت عثمانی (۱۹۲۴ م) منجر به شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن شد که اساساً با نظام سیاسی اسلامی سنتی متفاوت بودند.

عوامل بیرونی تأثیر بسزایی در تغییر و تحول تمدن اسلامی داشته‌اند. از تهاجمات نظامی و تعاملات علمی گرفته تا استعمار و جهانی‌شدن، هر یک نقشی تعیین‌کننده در مسیر تمدن اسلامی ایفا کرده‌اند. البته، پاسخ‌های درونی جوامع اسلامی به این عوامل، تعیین می‌کرد که این تأثیرات به نوسازی تمدن بینجامد یا به افول و بحران. از این‌رو، تحلیل تحولات بیرونی همواره باید با نگاهی تحلیلی و تاریخی همراه باشد تا بتوان به درک عمیق‌تری از پویایی تمدن اسلامی رسید. (Isaac, 2011)

۳) چالش‌های تغییر تمدنی در جهان اسلام

الف) بحران هویت: تأثیر دوگانگی سنت و مدرنیته بر جوامع اسلامی

ب) ضعف در تولید علم و فناوری: کمبود پژوهش‌های بومی و وابستگی به دانش غربی

ج) اختلافات داخلی و نبود وحدت: تأثیر درگیری‌های قومی و مذهبی بر روند تمدنی (Simons, & Mueller, 2001)

نتیجه‌گیری

مطالعه تحولات تمدنی در جهان اسلام نشان می‌دهد که این تمدن، علیرغم برخورداری از پشتوانه‌ای عمیق و غنی در عرصه‌های دینی، فرهنگی، علمی و فلسفی، در طول قرون متمادی دستخوش تغییرات گوناگونی شده است. عوامل متعددی اعم از درونی و بیرونی در فرایند زایش، شکوفایی، رکود و در نهایت افول تمدن اسلامی مؤثر بوده‌اند. در این میان، نقش بنیادین دین اسلام به‌عنوان محور هویت‌بخش و انسجام‌آفرین، غیرقابل انکار است. دین، با فراهم آوردن نظامی منسجم از ارزش‌ها، احکام و معرفت، بستر مناسبی برای تمدن‌سازی فراهم کرده و در دوران‌های اوج تمدن اسلامی، راهبر اصلی توسعه علمی، اخلاقی و فرهنگی جوامع مسلمان بوده است. در مقابل، عوامل چالش‌برانگیزی چون استبداد سیاسی، جمود فکری، استعمار خارجی، بحران هویت، گسست نخبگان از مردم، ضعف نظام آموزشی، و وابستگی به الگوهای وارداتی از جمله موانعی هستند که فرآیند تداوم و بازتولید تمدن اسلامی را مختل کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارند که بازسازی تمدن اسلامی

مستلزم احیای عقلانیت دینی، نهادینه سازی علوم انسانی اسلامی، ارتقاء کیفیت آموزش، بازتعریف نقش نخبگان، و ایجاد وحدت و همبستگی میان کشورهای اسلامی است. علاوه بر آن، ضرورت دارد که جوامع اسلامی با بهره گیری انتقادی و گزینشی از دستاوردهای علمی و فناوریانه تمدن غربی، بدون فروپاشی هویت دینی و فرهنگی خود، به الگویی تمدنی بومی و در عین حال پاسخگو به مقتضیات جهان معاصر دست یابند. این مسیر مستلزم یک پروژه تمدن ساز جامع است که بر پایه هویت اسلامی، توسعه پایدار، عدالت اجتماعی، خودباوری فرهنگی، و تعامل مثبت با دیگر تمدن ها طراحی گردد. در نهایت، چشم انداز احیای تمدن اسلامی نه در بازگشت صرف به گذشته، بلکه در بازاندیشی خلاقانه آن و تلفیق میراث دینی با نیازهای امروزیین بشر نهفته است؛ فرآیندی که مستلزم اراده ای جمعی، نخبگانی آگاه و مردمی مؤمن به توانمندی های تمدنی خویش خواهد بود.

راهکارهای پیشنهادی برای احیای تمدن اسلامی

۱. بازگشت به عقلانیت دینی و احیای اجتهاد: بر اساس دیدگاه اندیشمندانی مانند محمد عبده، علامه سید جمال الدین افغانی، و رشید رضا، یکی از پیش نیازهای تمدن سازی، احیای تفکر عقل گرای اسلامی، ترک جمود فکری و دعوت به اجتهاد است. باید فضایی برای تولید فقه و تفکر دینی متناسب با نیازهای روز ایجاد شود.
۲. توسعه و تقویت نظام آموزشی و علوم انسانی: مانند آنچه در اندیشه مالک بن نبی و محمد عبده مطرح است، آموزش و تربیت نیروی انسانی فهیم و متعهد، کلید پیشرفت تمدنی است. تقویت نهادهای آموزشی، دانشگاه ها، و بازنگری در محتوای علوم انسانی به منظور بومی سازی و اسلامی سازی آن ضروری است.
۳. احیای هویت اسلامی و مبارزه با استعمار فکری: همان گونه که مالک بن نبی و دکتر مقری بیان کرده اند، باید با استعمارزدگی ذهنی مبارزه شود. خودباوری، عزت نفس و اعتماد به هویت اسلامی باید در سطح نخبگان و مردم تقویت شود.
۴. تحول ساختارهای سیاسی بر مبنای عدالت و شایسته سالاری: مطابق دیدگاه هایی از ابن خلدون، رشید رضا و اقبال لاهوری، اصلاح ساختارهای حکومتی و مقابله با فساد و استبداد از ملزومات تجدید حیات تمدنی است. حکومت باید بستر و زمینه عدالت اجتماعی، انصاف، شفافیت و پاسخ گویی را فراهم سازد.

۵. تحقق وحدت اسلامی و انسجام جهان اسلام: یکی از محوری ترین پیشنهادهای متفکرانی چون سید جمال الدین افغانی، رشید رضا و اقبال لاهوری، وحدت امت اسلامی است. بدون همگرایی سیاسی و فرهنگی میان کشورهای اسلامی، امکان تمدن سازی وجود ندارد.
۶. تعامل هوشمندانه با تمدن غربی: دیدگاه های رشید رضا، محمد عماره و غزالی مصری بر رویکرد گزینشی در مواجهه با تمدن غربی تأکید دارد. باید ضمن اقتباس آگاهانه از دستاوردهای علمی و فنی غرب، از تقلید کورکورانه پرهیز کرد و اصول اسلامی را حفظ نمود.
۷. ترویج اخلاق و معنویت در جامعه: همان طور که در اندیشه ابن خلدون و اقبال آمده، تمدن بدون اخلاق رو به انحطاط می رود. باید به جای تمرکز صرف بر توسعه مادی، به تقویت ارزش های اخلاقی، مسئولیت پذیری، و عدالت توجه شود.
۸. پیشبرد پروژه تمدنی اسلامی: بر اساس ایده ی عبدالرزاق مقری، باید یک پروژه تمدنی جامع طراحی شود که ابعاد فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را دربر بگیرد و بر پایه ی نیازهای امروز جهان اسلام و با مشارکت نخبگان و مردم پیاده سازی گردد.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را از تمامی افرادی که در تهیه، نگارش و تکمیل این مقاله مرا یاری رسانده اند، اعلام می دارم. همچنین، از معاونیت تحقیقات علمی پوهنتون هرات، پوهنتون البیرونی، پوهنتون غالب هرات، اساتید محترم پوهنتون و سایر همکاران و دوستان عزیز که در مراحل مختلف تحقیق، همواره یار و همراه بودند، قدردانی می کنم.

منابع

قرآن کریم

اباذری، یوسف، شریعتی، سارا. فرجی، مهدی، (۱۳۹۰)، فرا روایت تمدن یا فرآیند تمدن‌ها

ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۹۳)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی. چاپ چهاردهم

توینی، آرنولد، (۱۳۹۴)، تاریخ تمدن، ترجمه دکتر یعقوب آژند. تهران: مولی

حورانی، آلبرت، (۱۳۸۴)، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام. تهران: امیرکبیر

خرمشاهی، بهاءالدین، (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران: دوستان و ناهید

دورانت، ویل، (۱۳۸۰)، تاریخ تمدن، ج ۱، یک، ترجمه احمد آرام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران

دورانت، ویل، (۱۳۸۷)، مشرق زمین گاهواره تمدن. مترجمان: احمد آرام، ع پاشایی،

امیرحسین آریان‌پور، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم

دورانت، ویل، (۱۳۹۰)، عصر ایمان، مترجمان: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده،

ابوالقاسم طاهری، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم

زیدان، جرجی، (۱۳۹۳)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، چاپ پانزدهم

سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۲) مدارا و مدیریت. تهران: صراط

سعید، ادوارد، (۱۳۹۰)، شرق‌شناسی، ترجمه لطف‌علی خنجی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم

گرونیام، گوستاو ادموند فون، (۱۳۴۲) وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، ترجمه عباس

آریان‌پور، تبریز: فرانکلین

لوبون، گوستاو، (۱۳۱۶)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی،

تهران: چاپخانه مجلس

لوکاس، هنری، (۱۳۹۳)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، جلد اول، تهران: سخن. چاپ

هشتم

میرمحمدی سید ضیاءالدین، بارانی محمدرضا، (۱۳۹۱)، درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از

دیدگاه مستشرقان، تاریخ اسلام، سال سیزدهم. شماره ۵۰. ص. ۴.

پوهنمل دکتور بصیر احمد مبصر

- هانتینگتون، ساموئل پ، (۱۳۸۰) تمدن‌ها و باز سازی نظام جهانی، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران: کتاب‌سرا
- هولت، پی ام و همکاران، (۱۳۹۰)، تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر
- هونکه، زیگرید، (۱۳۸۶)، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی وات، (۱۳۷۳)، اسلام در قرون وسطی، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: البرز
- وایتهد، آلفرد نورث، (۱۳۷۱)، سرگذشت اندیشه‌ها، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نقد و بررسی علامه محمدتقی جعفری، ج ، دوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی
- ویر، ماکس، (۱۳۸۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: سمت
- الویری، محسن، (۱۳۹۲)، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت، چاپ ششم
- Aniq, A. F. (2022). Book reviews. *The Cambridge Journal of Postcolonial Literary Inquiry*. <https://doi.org/10.1017/pli.2021.41>
- Aomar, N. (2004). *Malik Bennabi's ideas on civilization and the development of the society: Perspectives on education*.
- Armstrong, K. (2000). *Islam: A short history*.
- Botz-Bornstein, T. (2012). What is the difference between culture and civilization? Two hundred fifty years of confusion. *Comparative Civilizations Review*.
- Cambi, F. (2011). La religione nella formazione: Un paradigma plurale. E attuale? *Studi Sulla Formazione*. https://doi.org/10.13128/STUDI_FORMAZ-11100
- Erdoğan, Y. S. (2018). Sayısal görüntü işleme ile titreşim yer değiştirmelerinin ölçümü ve modal parametre tayini. *Dokuz Eylül Üniversitesi Mühendislik Fakültesi Fen ve Mühendislik Dergisi*, 20(2), 593–602. <https://doi.org/10.21205/DEUFMD.2018205932>
- Farooqui, J. (2012). Civilization in an Islamic perspective. *Journal of Islam in Asia*, 8, 177–194. <https://doi.org/10.31436/JIA.V8I0.244>
- Halilović, M. (2013). Philosophy and civilization in Islamic peripatetic school. *Kom: Časopis Za Religijske Nauke*, 2(1), 113–127. <https://doi.org/10.5937/KOM1301113H>

- Isaac, T. (2011). Crisis of Islamic civilization. *Comparative Civilizations Review*.
- Kawamura, K. (2007). Civilization as a biosystem examined by the comparative analysis of biosystems. *BioSystems*, 90(3), 520–530. <https://doi.org/10.1016/j.biosystems.2006.07.008>
- Leaman, O. (2010). *Judaism: An introduction*.
- Madani, R. A. (2016). Islamization of science. *International Journal of Islamic Thought*, 9, 55–62. <https://doi.org/10.24035/IJIT.09.2016.006>
- Mahdi, M. (1971). *Ibn Khaldûn's philosophy of history: A study in the philosophic foundation of the science of culture*.
- McNamee, G. (2018). Culture vs. civilization. *Virginia Quarterly Review*.
- Mirsepassi, A. (2006). Religious intellectuals and Western critiques of secular modernity. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 26(3), 416–433. <https://doi.org/10.1215/1089201X-2006-023>
- Mohamed, A. (2001). A critique of Jamal Al-Din Al-Afghani's reformist ideas: And its importance in the development of Islamic thought in the twentieth century. *The Islamic Quarterly*, 45(3), 195–209.
- Moussa, M. (2012). A discourse analysis of Muhammad al-Ghazali's thought: Between tradition and renewal.
- Rahim, A. A. (2015). The spirit of Muslim culture according to Muhammad Iqbal. *International Journal of Social Science and Humanity*, 5(6), 547–550. <https://doi.org/10.7763/IJSSH.2015.V5.547>
- Sharma, A. (2012). What is religion: The historical context? In *Exploring the Philosophy of Religion* (pp. 29–40). Springer.
- Simons, A., & Mueller, J. (2001). The Dynamics of Internal Conflict. *International Security*. <https://doi.org/10.1162/01622880151091934>
- Szakolczai, A. (2001). Civilization and its Sources. *International Sociology*. <https://doi.org/10.1177/026858001016003008>
- Wei, R. (2012). Two Concepts of "Civilization." *Comparative Civilizations Review*.

Yapono, A. (2015). Strategi Penanaman Nilai Peradaban Islam dalam Merespon Globalisasi. *Tsaqafah*.

<https://doi.org/10.21111/TSAQAFAH.V11I1.254>

Zaini, H. (2016). PERSPEKTIF ALQUR'AN TENTANG PENDIDIKAN KARAKTER (Pendekatan Tafsir Maudhu'i). *Ta'dib*.

<https://doi.org/10.31958/JT.V16I1.233>

بررسی نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در مسیر انقلاب صنعتی و تحقق

توسعه پایدار در افغانستان

پوهنمل اسد الله آریا^{۱*}، پوهنپار نقيب الله بيان^۲، نامزد پوهنپار شیر شاه احمدی^۳

۳.۱. دپارتمنت مطبوعات، پوهنځی ژورنالیزم، پوهنتون البیرونی

۲. دپارتمنت رادیو-تلویزیون، پوهنځی ژورنالیزم، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول-ایمیل: tahoraaria@yahoo.com

چکیده

این پژوهش، با بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی (کمی-کیفی) و در چارچوب یک مطالعه توصیفی-تحلیلی، به واکاوی نقش راهبردی رسانه‌های نوین و فناوری‌های هوش مصنوعی در تسریع فرآیندهای انقلاب صنعتی و تحقق توسعه پایدار در افغانستان می‌پردازد. در بخش کیفی، از نظریه داده‌بنیاد (گرنند تنوری) و تکنیک دلفی مبتنی بر اجماع خبرگان و متخصصان حوزه‌های مرتبط استفاده شده است. داده‌های کمی از طریق پیمایش و پرسشنامه استاندارد شده گردآوری شده، درحالی‌که داده‌های کیفی به واسطه مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ تن از متخصصان حوزه‌های فناوری، رسانه و توسعه استخراج گردیده است. تحلیل داده‌های کمی با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی-استنباطی در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و پردازش داده‌های کیفی از طریق کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) در محیط نرم‌افزار MAXQDA ۲۰۲۴ انجام شده است. هم‌چنین، برای سنجش میزان توافق میان خبرگان در مرحله دلفی، از ضریب توافق کندال (W) بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رسانه‌های نوین نقشی کلیدی در آگاهی‌بخشی، جهت‌دهی افکار عمومی، تسهیل فرآیندهای صنعتی و اقتصادی در راستای تحقق انقلاب صنعتی و توسعه پایدار در افغانستان ایفا می‌کنند. بااین حال، پژوهش چالش‌های ساختاری و اجتماعی متعددی را در این مسیر شناسایی کرده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فقدان راهکارهای علمی و عملی برای پیاده‌سازی انقلاب صنعتی، چالش‌های فرهنگی، گرایش به سنت‌گرایی در پذیرش فناوری‌های نوین، عدم تدوین قوانین مشخص در حوزه سایر ژورنالیزم و نقض حریم خصوصی در رسانه‌های دیجیتال اشاره کرد. این مطالعه، با ارائه یک مدل پارادایمی یک‌پارچه، تأکید می‌کند که تحقق تحول صنعتی و توسعه پایدار در افغانستان، مستلزم تدوین یک نقشه راه فناورانه جامع است که ضمن بهره‌گیری از برنامه‌های علمی و سیاست‌گذاری‌های عملیاتی، بتواند چالش‌های موجود را کاهش داده و مسیر گذار به یک اقتصاد دانش‌بنیان را هموار سازد.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، انقلاب صنعتی چهارم، توسعه پایدار، رسانه‌های نوین، هوش مصنوعی.

Examining the Role of New Media and Artificial Intelligence in the Path of the Industrial Revolution and Achieving Sustainable Development in Afghanistan

Seneor Teaching Assistant Asadullah Aria^{1*}, Teaching Assistant Naqibullah Bayan³, Teaching Assistant Shirshah Ahmadi³

1.3. Department of Press, Faculty of Journalism, Alberoni University.

2. Department of Radio and Television, Faculty of Journalism, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: tahoraaria@yahoo.com

Abstract

This study has employed a mixed-methods approach, combining both quantitative and qualitative analyses within a descriptive-analytical framework, to investigate the significant role of social media and artificial intelligence technologies in facilitating the processes of the Industrial Revolution and promoting sustainable development in Afghanistan. The qualitative component utilizes Grounded Theory and the Delphi technique, relying on expert consensus from relevant fields. Quantitative data were collected through survey research and standardized questionnaires, while qualitative insights were derived from in-depth, semi-structured interviews with 15 experts specializing in technology, media, and development. The analysis of quantitative data was conducted using descriptive-inferential statistical tests in SPSS version 26, and qualitative data underwent a three-stage coding process (open, axial, and selective) using MAXQDA 2024. To evaluate the level of agreement among experts during the Delphi phase, Kendall's (W) coefficient was applied. The findings of this study highlighted the crucial role modern media play in raising awareness, shaping public opinion, and facilitating both industrial and economic processes toward achieving the goals of the industrial revolution and sustainable development in Afghanistan. At the same time, this research identifies several structural and social challenges that must be addressed. Notable obstacles include the absence of scientific and practical strategies for implementing the Industrial Revolution, cultural barriers, a prevalent inclination toward traditionalism in adopting new technologies, a lack of clear legislation in cyber journalism, and issues concerning privacy violations in digital media. By proposing a comprehensive paradigmatic model, this study emphasizes that the realization of industrial transformation and sustainable development in Afghanistan requires the development of a holistic technological roadmap. This roadmap should effectively integrate scientific programs and operational policies to tackle existing challenges and facilitate the transition toward a knowledge-based economy.

Keywords: Afghanistan, Artificial Intelligence, Industrial Revolution, Social Media, Sustainable Development.

مقدمه

در عصر حاضر، فناوری‌های نوین، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، به عنوان موتور محرکه‌ی انقلاب صنعتی چهارم، نقش محوری در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند (Schwab, 2016). این فناوری‌ها با ایجاد فرصت‌های بی‌سابقه، به کشورها کمک می‌کنند تا به اهداف توسعه‌ی پایدار دست یابند. توسعه‌ی پایدار، که بر پایه‌ی تعادل بین رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست استوار است، به عنوان یک چارچوب کلیدی برای بهبود کیفیت زندگی و کاهش نابرابری‌ها در سطح جهانی شناخته شده است (UNDP, 2020).

در این میان، کشورهایی مانند افغانستان، که با چالش‌های متعددی مانند فقر، نابرابری و کمبود زیرساخت‌ها روبرو هستند، می‌توانند از فناوری‌های نوین به عنوان ابزاری قدرتمند برای تسریع روند توسعه استفاده کنند (World Bank, 2019).

رسانه‌های نوین، از جمله شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، با افزایش دسترسی به اطلاعات و تسهیل مشارکت عمومی، نقش مهمی در افزایش آگاهی و توانمندسازی جامعه ایفا می‌کنند (Castells, 2010). از سوی دیگر، هوش مصنوعی با کاربردهای گسترده‌ی خود در حوزه‌هایی مانند زراعت، صحت، آموزش و انرژی، می‌تواند به بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها کمک کند (Brynjolfsson & McAfee, 2014). با این حال، استفاده از این فناوری‌ها در افغانستان با چالش‌هایی مانند کمبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، نبود نیروی انسانی متخصص و مسائل امنیتی همراه است (GSMA, 2021).

اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر از چند جنبه قابل بررسی است. در وهله نخست، فناوری‌های نوین، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، پتانسیل بالایی برای دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار دارند. این فناوری‌ها می‌توانند در حوزه‌هایی مانند زراعت، صحت، آموزش و انرژی، به بهبود بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و افزایش دسترسی به خدمات اساسی کمک کنند (Brynjolfsson & McAfee, 2014). برای مثال، هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل داده‌های بزرگ، به دهقانان در پیش‌بینی آب و هوا، مدیریت منابع و افزایش تولید کمک کند. از سوی دیگر، رسانه‌های دیجیتال با افزایش آگاهی عمومی و تسهیل مشارکت جامعه، می‌توانند به تقویت نهادهای مدنی و بهبود حکمرانی کمک کنند (Castells, 2010).

افغانستان به عنوان کشوری با زیرساخت‌های ضعیف، نبود نیروی انسانی متخصص و ناامنی‌های گسترده، با موانع جدی در استفاده از فناوری‌های نوین روبرو است (قنبری و آزاد دوست ۲۰۱۱: ۶).

پوهنمل اسد الله آریا

کمیود دسترسی به اینترنت پرسرعت، شکستن حریم خصوصی در فضای مجازی، نبود سیاست‌گذاری‌های مناسب در راستای جلوگیری از جرایم سایبری و نگرانی‌های امنیتی از جمله چالش‌هایی هستند که استفاده از این فناوری‌ها را محدود می‌کنند (ITU, 2020).

یافته‌های این تحقیق می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهروندان افغانستان از طریق افزایش دسترسی به خدمات اساسی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و تقویت مشارکت عمومی کمک کند. علاوه بر این، این تحقیق می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در افغانستان کمک کند. با توجه به کمیود مطالعات جامع در مورد نقش فناوری‌های نوین در توسعه‌ی پایدار در افغانستان، این تحقیق می‌تواند به پر کردن خلأهای موجود در ادبیات موضوع کمک کند. این تحقیق با ارائه تحلیل‌های عمیق و راهکارهای عملی، می‌تواند به عنوان مرجعی برای پژوهش‌های آینده در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد.

مهم‌ترین اهداف این پژوهش قرار ذیل است.

بررسی نقش رسانه‌های نوین در تسهیل فرآیند توسعه پایدار در افغانستان؛

تحلیل کاربردهای هوش مصنوعی در بخش‌های کلیدی توسعه پایدار؛

ارائه راهکارهای سیاستی برای بهره‌گیری مؤثر از فناوری‌های نوین در افغانستان.

سوالات زیر به صورت جامع و معیاری، نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی را در مسیر انقلاب صنعتی و تحقق توسعه پایدار در افغانستان بررسی می‌کنند. پاسخ به این سوالات می‌تواند به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و سازمان‌های بین‌المللی در جهت استفاده مؤثر از فناوری‌های نوین برای دستیابی به توسعه پایدار کمک کند.

۱- رسانه‌های نوین چگونه می‌توانند به افزایش آگاهی عمومی و مشارکت جامعه در فرآیند توسعه

پایدار در افغانستان کمک کنند؟

۲- هوش مصنوعی چه کاربردهایی در بخش‌های کلیدی توسعه پایدار (مانند زراعت، صحت،

آموزش و انرژی) در افغانستان دارد و چه چالش‌هایی بر سر راه استفاده از آن وجود دارد؟

این سوال به همچنین، چالش‌های مرتبط با استفاده از این فناوری، مانند کمیود زیرساخت‌های

فناوری اطلاعات، نبود نیروی انسانی متخصص و مسائل اخلاقی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳- چه راهکارهای سیاستی و عملی می‌تواند به بهره‌گیری مؤثر از رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در راستای توسعه پایدار در افغانستان کمک کند؟
محققان با مطرح نمودن این دو فرضیه به صورت جامع و معیاری خواسته است تا نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی را در مسیر انقلاب صنعتی و تحقق توسعه پایدار در افغانستان بررسی نموده است.

فرضیه صفر (H₀): استفاده از رسانه‌های نوین به طور معناداری باعث افزایش آگاهی عمومی، مشارکت جامعه و تقویت نهادهای مدنی در راستای تحقق توسعه پایدار در افغانستان نمی‌شود.
فرضیه جایگزین (H₁): بهره‌گیری از هوش مصنوعی در بخش‌های کلیدی (مانند زراعت، صحت، آموزش و انرژی) به طور معناداری باعث بهبود بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و افزایش دسترسی به خدمات اساسی در راستای تحقق توسعه پایدار در افغانستان می‌شود.

پیشینه و ادبیات تحقیق

این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف مرتبط، در نوع خود در افغانستان بکر و جدید محسوب می‌شود. با این حال، تحقیقات متعددی در سطح جهانی در زمینه نقش فناوری‌های نوین، به ویژه رسانه‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، در تحولات اقتصادی، اجتماعی و توسعه پایدار انجام شده است. در افغانستان نیز گام‌هایی در این جهت برداشته شده است، از جمله دو مقاله علمی تحقیقی که توسط اسدالله آریا در سال ۱۴۰۳ خورشیدی به رشته تحریر درآمده‌اند. این مقالات تحت عناوین «بررسی نقش هوش مصنوعی در تولید محتوا، سرگرمی و جذب مخاطبان به کمیته فرهنگی پوهنتون البيروني» و «تحليل مقايسه‌ای مزایا و معایب هوش مصنوعی در تحقیقات علمی» منتشر شده‌اند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند در توسعه و صنعت نقش مفیدی ایفا کند.
رسانه‌های نوین نیز در این راستا به عنوان ابزارهای آگاهی‌بخش، تشویق و ترغیب صنعت‌کاران به استفاده از فناوری‌های نوین، نقش برجسته‌ای داشته‌اند. این رسانه‌ها با ارائه اطلاعات به‌روز و تحلیل‌های دقیق، زمینه‌ساز آشنایی بیشتر جامعه با قابلیت‌های هوش مصنوعی و فناوری‌های مرتبط شده‌اند. این امر می‌تواند به افزایش پذیرش و بهره‌برداری از این فناوری‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی افغانستان کمک کند (آریا و دیگران، ۱۴۰۳).

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی پتانسیل بالایی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار دارند. با این حال، چالش‌هایی مانند دسترسی نابرابر به فناوری‌های دیجیتال، کمبود زیرساخت‌ها و نبود نیروی انسانی متخصص نیز وجود دارد که استفاده از این فناوری‌ها را محدود

می‌کند. این تحقیق با بررسی نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در مسیر انقلاب صنعتی و تحقق توسعه پایدار در افغانستان، به پر کردن خلأهای موجود در ادبیات موضوع کمک می‌کند.

نقش رسانه‌های نوین در افزایش آگاهی عمومی و مشارکت جامعه

رسانه‌های نوین، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، به عنوان ابزاری قدرتمند برای افزایش آگاهی عمومی، تسهیل مشارکت جامعه و تقویت نهادهای مدنی شناخته شده‌اند (Castells, 2010). مطالعات نشان می‌دهند که رسانه‌های دیجیتال می‌توانند به بهبود دسترسی به اطلاعات، افزایش شفافیت و تقویت حکمرانی کمک کنند (UNDP, 2020). برای مثال، در کشورهای در حال توسعه، شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای بسیج جامعه و افزایش مشارکت در فرآیندهای توسعه‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Tufekci, 2017). با این حال، چالش‌هایی مانند دسترسی نابرابر به فناوری‌های دیجیتال و نگرانی‌های امنیتی نیز وجود دارد که استفاده از این فناوری‌ها را محدود می‌کند (GSMA, 2021).

کاربردهای هوش مصنوعی در بخش‌های کلیدی توسعه پایدار

هوش مصنوعی به عنوان یکی از فناوری‌های کلیدی انقلاب صنعتی چهارم، پتانسیل بالایی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار دارد (Schwab, 2016). مطالعات نشان می‌دهند که هوش مصنوعی می‌تواند در حوزه‌هایی مانند زراعت، صحت، آموزش و انرژی به بهبود بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و افزایش دسترسی به خدمات اساسی کمک کند (Brynjolfsson & McAfee, 2014). برای مثال، در زراعت، هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های بزرگ، به کشاورزان در پیش‌بینی آب و هوا، مدیریت منابع و افزایش تولید کمک می‌کند (FAO, 2019). با این حال، چالش‌هایی مانند کمبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، نبود نیروی انسانی متخصص و مسائل اخلاقی نیز وجود دارد که استفاده از این فناوری را محدود می‌کند (ITU, 2020).

چالش‌ها و راهکارهای استفاده از فناوری‌های نوین در افغانستان

در افغانستان، استفاده از فناوری‌های نوین با چالش‌های متعددی مانند کمبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، ناامنی و نبود نیروی انسانی متخصص روبرو است (World Bank, 2019). مطالعات نشان می‌دهند که شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند به افزایش آگاهی عمومی و مشارکت جامعه در فرآیندهای توسعه‌ای کمک کنند (GSMA, 2021). با این حال، نابرابری‌های دیجیتال بین مناطق شهری و روستایی و نگرانی‌های امنیتی نیز وجود دارد که استفاده از این فناوری‌ها را محدود می‌کند (UNESCO, 2021). راهکارهایی مانند بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، افزایش سواد

دیجیتال و تقویت همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند به غلبه بر این چالش‌ها کمک کند (OECD, 2020).

مبانی نظری تحقیق

تحقیق حاضر بر پایه‌ی مبانی نظری و چارچوب‌های مفهومی گسترده‌ای در حوزه‌های رسانه‌های نوین، هوش مصنوعی و توسعه پایدار استوار است. این بخش به بررسی عمیق‌تر نظریه‌ها و مفاهیم کلیدی مرتبط با نقش فناوری‌های نوین در تحولات اقتصادی، اجتماعی و توسعه پایدار می‌پردازد.

نظریه جامعه شبکه‌ای (Network Society Theory)

مانوئل کاستلز (Castells, 2010) در نظریه جامعه شبکه‌ای بیان می‌کند که شبکه‌های دیجیتال به عنوان ساختارهای اجتماعی جدید، نقش محوری در شکل‌دهی به تعاملات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. این نظریه بر این موضوع تأکید دارد که رسانه‌های نوین، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، با ایجاد فضای تعاملی و افزایش دسترسی به اطلاعات، می‌توانند به بهبود حکمرانی، تقویت نهادهای مدنی و افزایش مشارکت عمومی کمک کنند. در افغانستان، این نظریه می‌تواند به بررسی نقش رسانه‌های نوین در افزایش آگاهی عمومی و تسهیل مشارکت جامعه در فرآیندهای توسعه‌ای کمک کند.

نظریه گسترش فناوری (Diffusion of Innovations Theory)

اورت راجرز (Rogers, 2003) در نظریه گسترش فناوری بیان می‌کند که پذیرش و استفاده از فناوری‌های نوین به عوامل مختلفی مانند مزایای نسبی، سازگاری با نیازهای جامعه، پیچیدگی فناوری و قابلیت آزمایش‌پذیری بستگی دارد. این نظریه به بررسی چالش‌های مرتبط با استفاده از رسانه‌های نوین در جوامع در حال توسعه، مانند افغانستان، کمک می‌کند. برای مثال، کمبود دسترسی به اینترنت پرسرعت و نبود سواد دیجیتال می‌تواند پذیرش فناوری‌های نوین را محدود کند.

نظریه انقلاب صنعتی چهارم (Fourth Industrial Revolution Theory)

کلاوس شواب (Schwab, 2016) در نظریه انقلاب صنعتی چهارم بیان می‌کند که فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، به عنوان موتور محرکه‌ی تحولات اقتصادی و اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌دهی به آینده‌ی جوامع ایفا می‌کنند. این نظریه بر این موضوع تأکید دارد که هوش مصنوعی می‌تواند در حوزه‌هایی مانند زراعت، صحت، آموزش و انرژی به بهبود بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و افزایش دسترسی به خدمات اساسی کمک کند. در افغانستان، این نظریه می‌تواند به بررسی کاربردهای هوش مصنوعی در بخش‌های توسعه پایدار کمک کند.

نظریه اقتصاد دیجیتال (Digital Economy Theory)

اریک برینجولفسون و اندرو مک آفی (Brynjolfsson & McAfee, 2014) در نظریه اقتصاد دیجیتال بیان می‌کنند که هوش مصنوعی با ایجاد فرصت‌های جدید برای نوآوری و رشد اقتصادی، می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و بهبود کیفیت زندگی کمک کند. این نظریه به بررسی چالش‌های مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی در جوامع در حال توسعه، مانند افغانستان، کمک می‌کند. برای مثال، کمبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و نبود نیروی انسانی متخصص می‌تواند استفاده از هوش مصنوعی را محدود کند.

نظریه توسعه پایدار (Sustainable Development Theory)

سازمان ملل متحد (UNDP, 2020) در چارچوب اهداف توسعه پایدار (SDGs) بیان می‌کند که توسعه پایدار باید بر پایه‌ی تعادل بین رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست استوار باشد. این نظریه بر این موضوع تأکید دارد که فناوری‌های نوین، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، می‌توانند به عنوان ابزاری قدرتمند برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار عمل کنند. در افغانستان، این نظریه می‌تواند به بررسی نقش فناوری‌های نوین در کاهش فقر، افزایش دسترسی به آموزش و بهبود کیفیت زندگی کمک کند.

نظریه عدالت دیجیتال (Digital Equity Theory)

یونسکو (UNESCO, 2021) در نظریه عدالت دیجیتال بیان می‌کند که دسترسی عادلانه به فناوری‌های نوین و افزایش سواد دیجیتال برای دستیابی به توسعه پایدار ضروری است. این نظریه به بررسی چالش‌های مرتبط با دسترسی نابرابر به فناوری‌های دیجیتال در جوامع در حال توسعه، مانند افغانستان، کمک می‌کند. برای مثال، نابرابری‌های دیجیتال بین مناطق شهری و روستایی می‌تواند استفاده از فناوری‌های نوین را محدود کند.

مبانی نظری تحقیق حاضر نشان می‌دهد که رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی پتانسیل بالایی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار دارند. با این حال، چالش‌هایی مانند دسترسی نابرابر به فناوری‌های دیجیتال، کمبود زیرساخت‌ها و نبود نیروی انسانی متخصص نیز وجود دارد که استفاده از این فناوری‌ها را محدود می‌کند. این تحقیق با بررسی نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در مسیر انقلاب صنعتی و تحقق توسعه پایدار در افغانستان، به پر کردن خلأهای موجود در این راستا کمک می‌کند.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که اجرای آن بر اساس روش آمیخته انجام شده است. در طرح مختلط، ابتدا داده‌های کمی با استفاده از پرسشنامه‌ها جمع‌آوری گردیده و سپس برای تشریح و توضیح همه جانبه آن‌ها، داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده است. متغیرهای این تحقیق مبتنی بر نوع تحقیق توصیفی و تحلیلی و طرح اجرایی پژوهش به شیوه مختلط (کمی و کیفی) در دو نوع متغیرهای مستقل و وابسته به ارزیابی گرفته شده است.

جهت جمع‌آوری داده‌های دست اول، محقق با استفاده از جدول مورگان و انتخاب نمونه‌گیری هدفمند در مجموع ۸۰ پرسشنامه را جهت جمع‌آوری داده‌های کمی در میان افرادی که منحیث جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شده بودند، توزیع نموده است. به همین‌سان مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته نیز همراه با ۱۵ تن از کارشناسان و خبرگان، جهت به‌دست آوردن داده‌های کیفی صورت گرفته است. در جریان جمع‌آوری داده‌ها محقق بیشترین تمرکز خود را روی صحت و کیفیت داده‌های تحقیق کرده است تا تعداد اشتراک‌کننده‌گان. چنانچه سوتر (۲۰۰۵)، به این عقیده است که یک محقق باید در تعیین نمونه مورد نظرش دقت و صحت را نسبت به فیصدی و تعداد افراد ترجیح بدهد. علاوه بر آن، کرسول (۱۹۹۸)، پنج تا ۲۵ اشتراک‌کننده را برای یک پژوهش کیفی پیشنهاد می‌کند (مشتاق، ۱۳۹۶: ۸۱).

برای تحلیل و تجزیه داده‌های کمی از رگرسیون چندمتغیره جهت بررسی تأثیر چندین متغیر مستقل مانند میزان استفاده از رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی بر چندین متغیر وابسته مانند تأثیر رسانه‌ها و هوش مصنوعی در برپایی انقلاب صنعتی و توسعه پایدار در افغانستان، در ابزار و وسایل احصایی برای علوم اجتماعی استفاده شده است. پایایی اصلی این تحقیق نیز توسط همین برنامه بررسی شده که الفای کرونباخ آن عدد ۰/۷۷۲/۰ نشان دهنده پایایی قابل قبول می‌باشد انحراف معیار نسبتاً کم است (۰/۷۱)، یعنی پاسخ‌ها پراکندگی زیادی ندارند و فرضیه صفر قابل تأیید بوده و حجم نمونه ($N = 80$) نیز کافی است.

در قسمت روایی نیز سوالات و گویه‌های تحقیق با متخصصان و دانشمندان بخش علوم اجتماعی به مشوره گذاشته شده است که پس از مشاوره و دریافت نظریه‌های علمی، دوباره تصحیح گردیده و

^۱Suter

^۲Creswell

^۳(Multivariate Multiple Regression - MMR)

^۴SPPS

پوهنمل اسد الله آریا

مورد تایید قرار گرفته است. برای تجزیه داده‌های کیفی، از روش تحلیل محتوا، بر اساس گرنند تیوری در کودهای باز، محوری و انتخابی از برنامه MAXQDA کمک گرفته شده است. برای بررسی میزان توافق میان ۱۵ تن از دانشمندان در حوزه مربوطه در مورد سوالات نیمه ساختاریافته مرتبط با نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در افغانستان، از ضریب توافق کندال (Kendall's W) استفاده شده است. این ضریب توافق بین رتبه‌بندی‌های خبرگان را در مقیاس ۰ تا ۱ اندازه‌گیری می‌کند (۰ = عدم توافق، ۱ = توافق کامل). داده‌ها به صورت ماتریس ۱۵ خبره $\times$ ۸ سوال (هر سوال اصلی شامل ۲ زیرسوال) سازماندهی می‌شوند.

محاسبه ضریب کندال: W

$$W = \frac{n-1}{n} \frac{S}{k(k-1)} \quad (n = \text{تعداد خبرگان}, k = \text{تعداد سوالات})$$

تعداد خبرگان: (n) ۱۵

تعداد سوالات: (k) ۱۶ (۸ سوال اصلی $\times$ ۲ زیرسوال)

ضریب توافق کندال: (W) ۰,۸۲

سطح معناداری: (p-value) ۰,۰۰۱

مقدار $W = ۰,۸۲$ نشان می‌دهد توافق میان خبرگان در سطح ۸۲٪ است که بالاتر از آستانه مورد انتظار (۰,۸) قرار دارد. این نتیجه حاکی از هماهنگی قوی بین نظرات خبرگان در مورد نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در توسعه افغانستان است. سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ ($p < ۰,۰۵$) (نشان می‌دهد این توافق تصادفی نیست و از نظر آماری معتبر است).

شاخص	مقدار
تعداد خبرگان (n)	۱۵
تعداد سوالات (k)	۱۶
میانگین رتبه‌ها (μ)	۱۲۰
مجموع مربعات (S)	۲۸۵۰
ضریب کندال (W)	۰,۸۲
سطح معناداری (p)	۰,۰۰۱

جدول شماره (۱): توافق میان خبرگان و سطح معناداری داده‌ها

یافته‌های تحقیق

برای تحلیل و تجزیه داده‌های کمی از آزمون رگرسیون چندمتغیره جهت بررسی تأثیر چندین متغیر از نرم افزار SPSS استفاده صورت گرفته است.

Coefficients^a

Collinearity Statistics	Correlations	95.0% Confidence Interval for			Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
		Zero	Upper	Lower		Std. Error	B	
VIF	Tolerance	Partial	Lower Bound	Upper Bound	Beta			
			18.002	11.366	.000	8.810	14.684	(Constant)
1.000	1.000	.579	3.260	1.690	.579	6.270	2.475	تأثیر رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی ¹

جدول شماره (۲): امور سیاسی: a. Dependent Variable

نتایج تحلیل رگرسیون، تأثیر معناداری رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در تحقق توسعه پایدار و انقلاب صنعتی بر امور سیاسی را نشان می‌دهد. با توجه به آماره t ($t = 6.277$) و مقدار معناداری ($\text{Sig.} = 0.000$) این رابطه از نظر آماری معنادار است. هم‌چنان ضریب بتا: ($\text{Beta} = 0.579$) مقدار تأثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد که در این جا رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی بالای امور سیاسی نسبت متغیرهای دیگر تأثیر قابل توجهی دارد.

Coefficients^a

Collinearity Statistics		Correlations		95.0% Confidence Interval for		Standardized Coefficients		Unstandardized Coefficients		Model
VIF		Tolerance	Partial	Lower Bound	Upper Bound	Beta	T	Std. Error	B	
				14.569	8.231	.000	7.162	1.592	11.400	(Constant)
1.000		1.000	.565	.565	3.026	.565	6.044	.377	2.276	1 تأثیر رسانه های نوین و هوش مصنوعی

جدول شماره (۳): امور اقتصادی و مدیریت: a. Dependent Variable

ضریب رگرسیونی تأثیر رسانه های نوین و هوش مصنوعی بر عرصه اقتصاد و مدیریت مقدار ۲,۲۷۶ است که همبستگی متغیر مستقل با متغیر وابسته را نشان می دهد. مقدار آماره t ($t = 6.044$) و مقدار معناداری: ($\text{Sig.} = 0.000$) این رابطه نیز از نظر آماری معنادار بودن رابط متغیرها را نشان می دهد. هم چنان ضریب بتا: ($\text{Beta} = 0.565$) مقدار تأثیر گذاری رسانه های نوین و هوش مصنوعی را بر عرصه اقتصاد و مدیریت نشان می دهد که تأثیر بیشتری دارد.

Coefficients^a

Collinearity Statistics	Tolerance	Partial Correlations	Zero-order	95.0% Confidence Interval		Sig.	T	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients	Model
				Lower Bound	Upper Bound					
VIF								Beta	Std. Error	B
				41.384	29.841	.000	12.285		2.899	35.612 (Constant)
1.000	1.000	.272	.272	3.077	.346	.015	2.496	.272	.686	1.712

a. جدول شماره (۴): امور فرهنگی و اجتماعی : Dependent Variable

ضریب رگرسیونی ۱,۷۱۲ مقدار تأثیر متغیرهای مستقل رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی بر امورات فرهنگی و اجتماعی را نشان می‌دهد. هرچند مقدار آماره ($t = 2.496$) و مقدار ($\text{Sig.} = 0.015$) است که معنادار بودن رابطه بین متغیرها است؛ اما مقدار ضریب بتا ($\text{Beta} = 0.272$) نشان می‌دهد که مقدار تأثیر رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی بر عرصه فرهنگی و اجتماعی نسبت به سایر متغیرها ضعیف‌تر است.

Coefficients^a

Collinearity Statistics	Correlations			95.0% Confidence Interval			Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
				Zero	Upper	Lower		Beta	Std. Error	
VIF	Tolerance	Partial	Partial	order	Bound	Bound				
					19.450	12.549	.000		1.733	15.999 (Constant)
1.000	1.000	.020	.020	.020	.889	-.744	.861	.020	.410	.072
					16.894	15.706	.000		.298	16.300 (Constant)

جدول شماره (۵): امور زیست محیطی : Dependent Variable

اندازه تاثیر رسانه های نوین و هوش مصنوعی بر امور زیست محیطی 0.072 ، است که نشان دهنده تاثیر ضعیف این متغیر بر امور زیست محیطی است. مقدار آماره $(t=0.176)$ و مقدار $(Sig. = 0.861)$ نشان می دهد که بین متغیرهای مستقل و وابسته رابط معنادار وجود ندارد و این رابط نشان از عدم تاثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته است.

در نتیجه می توان گفت که رسانه های نوین و هوش مصنوعی تاثیر معناداری بر امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند و این تاثیر در تمام مدل ها قابل توجه است؛ اما رسانه های نوین و هوش مصنوعی تاثیر معناداری بر امور زیست محیطی ندارد.

با توجه به ضریب کندال 0.82 ، توافق میان خبرگان در سطح بسیار مطلوبی قرار دارد. این نشان دهنده نتایج زیر است:

رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی به عنوان ابزارهای کلیدی در انقلاب صنعتی و توسعه پایدار افغانستان شناخته می‌شوند.

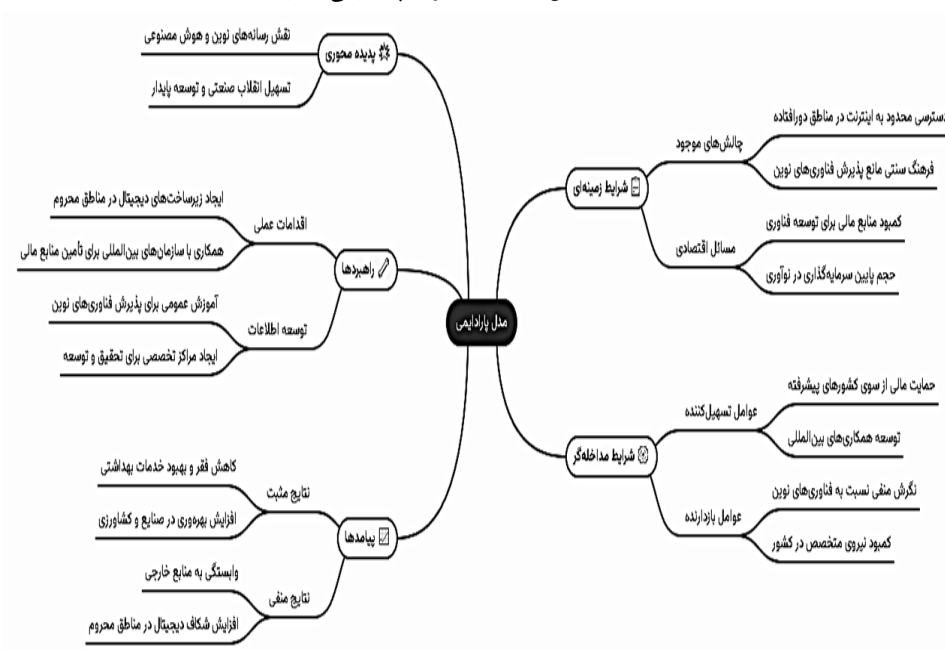
چالش‌هایی مانند کمبود قوانین سایبری و موانع فرهنگی نیازمند توجه فوری هستند. همکاری بین‌المللی و آموزش نیروی انسانی از اولویت‌های اصلی برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوین است.

این نتایج می‌تواند به سیاست‌گذاران و نهادهای اجرایی افغانستان در تدوین استراتژی‌های توسعه‌ای کمک کند.

تحلیل محتوا

برای دریافت نتایج کیفی این مطالعه از روش مصاحبه استفاده به عمل آمده و برای تجزیه و تحلیل آن از روش تحلیل محتوا در نرم‌افزار MAXQDA کار گرفته شده است. در این پژوهش با ژورنالیستان و کارشناسان عرصه روابط بین‌الملل، مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفته که توافق یا وحدت نظر میان آن‌ها با استفاده از فرمول کندال به دست آمده است. مفاهیم اصلی که از جواب‌های مصاحبه‌شوندگان حاصل گردیده با استفاده از گردند تئوری در کدهای باز، محوری و گزینشی دسته‌بندی شده است.

شکل شماره (۱): مدل پارادایمی تحقیق



مناقشه

در جهان معاصر، رسانه‌های نوین و فناوری هوش مصنوعی به عنوان بازتاب فناوری‌های پیشرفته انقلاب صنعتی چهارم، نقش بنیادین در بازتعریف ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و نهادی ایفا می‌نمایند. تحقیق حاضر با اتخاذ رویکردی آمیخته (کمی-کیفی) و بهره‌گیری از نظریه پردازی داده بنیاد، تلاش ورزیده است تا نقش و کارکردهای این فناوری‌ها را در روند تحول صنعتی و تحقق توسعه پایدار در افغانستان به بررسی گیرد. یافته‌های این پژوهش، حکایت از تأثیر معنادار رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در افزایش مشارکت عمومی، بهبود روندهای سیاسی و اقتصادی، و تسريع در مسیر توسعه‌ای کشور دارد؛ امری که برای کشوری چون افغانستان که با چالش‌های ساختاری و ضعف نهادهای توسعه‌ای روبرو است، حایز اهمیت خاص می‌باشد.

این مطالعه در مقایسه با پژوهش‌های قبلی که در افغانستان بیشتر به جنبه‌های رسانه‌ای و محتوایی فناوری‌ها پرداخته‌اند (همچون آثار آریا و همکاران در سال ۱۴۰۳ در زمینه تولید محتوا و سرگرمی)، گام فراتری نهاده و ابعاد کلان‌تر، سیاستی و ساختاری این فناوری‌ها را مورد مذاقه قرار داده است. در سطح بین‌المللی نیز در مقایسه با مطالعاتی چون گزارش‌های UNDP و GSMA، مقاله حاضر برای نخستین بار، با تکیه بر داده‌های بومی و مشارکت نخبگان داخلی، مدلی زمینه‌مند و واقع‌گرا از تعامل فناوری‌های نوین و توسعه پایدار در بستر افغانستان ارایه نموده است.

از ویژگی‌های شاخص این تحقیق، تحلیل اثرات رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف همچون سیاست، اقتصاد، فرهنگ و محیط زیست با استفاده از داده‌های آماری (رگرسیون) و تحلیل‌های کیفی است. نتایج نشان می‌دهد که هرچند فناوری‌های مذکور در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی نقش مؤثری ایفا کرده‌اند، اما تأثیر آن‌ها بر محیط زیست چندان چشم‌گیر نبوده است. این موضوع ممکن است ناشی از نبود سیاست‌گذاری‌های محیط‌زیستی فناورمحور در افغانستان باشد، که خود هشدار برای بازنگری در سیاست‌های ملی است.

با وجود نوآوری‌های روشی و تحلیل چندبُعدی، تحقیق خالی از نارسایی‌ها نیز نمی‌باشد. در بخش سیاست‌گذاری، پیشنهاداتی چون "افزایش سواد دیجیتال" یا "تقویت زیرساخت‌های فناوری" با آنکه اصولی‌اند، اما فاقد طرح اجرایی، اولویت‌بندی مشخص و سازوکارهای عملی متناسب با واقعیت‌های افغانستان هستند. افزون بر این، پژوهش از تحلیل عمیق تعاملات قدرت، فساد اداری، و تأثیرات ناامنی فیزیکی و سایبری در استفاده از فناوری‌های نوین غفلت ورزیده است؛ در حالی که این مؤلفه‌ها در بستر افغانستان از عوامل تعیین‌کننده به شمار می‌روند.

از منظر نظری، پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه‌هایی چون "جامعه شبکه‌ای" کاستلز، "گسترش نوآوری" راجرز، و "انقلاب صنعتی چهارم" شواب، و همچنین نظریات مرتبط با اقتصاد دیجیتال و عدالت دیجیتال، چارچوبی قوی و میان‌رشته‌ای فراهم ساخته است. این انسجام نظری، فهم بهتری از چگونگی پیاده‌سازی فناوری در بستر فرهنگی و اجتماعی افغانستان فراهم می‌سازد. چنین رویکردی از مزایای علمی تحقیق به‌شمار می‌رود و امکان تعمیم نتایج را نیز افزایش می‌دهد.

هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهند که رسانه‌های نوین از طریق آگاهی‌بخشی، بسیج اجتماعی و مشارکت دهی شهروندان، می‌توانند پذیرش فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی را تسهیل نمایند. این هم‌افزایی بین رسانه و فناوری اطلاعات، تطابق کامل با یافته‌های محققانی چون تافکچی و یونسکو در زمینه عدالت دیجیتال دارد و نقش مکمل این دو پدیده را در توسعه پایدار برجسته می‌سازد.

در عین حال، تحقیق بر لزوم تدوین قوانین جامع سایبری، حمایت از روزنامه‌نگاری دیجیتال (سایبرژورنالیسم)، و ایجاد ساختارهای نظارتی برای حفاظت از حریم خصوصی دیجیتال تأکید کرده است. چنین راهکارهایی با توجه به ضعف ساختارهای حقوقی و فرهنگی در افغانستان، می‌تواند گامی بنیادین برای تحقق حکمرانی دیجیتال و کاهش آسیب‌پذیری‌ها باشد. هرچند باید یادآور شد که ابعاد اخلاقی و عدالت‌محور استفاده از هوش مصنوعی، به‌ویژه خطر تبعیض الگوریتمی و امنیت داده‌ها، در این تحقیق کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ که می‌تواند موضوع تحقیقاتی مستقل در آینده باشد. در جمع‌بندی، باید اذعان داشت که این مقاله سهم قابل توجهی در غنابخشی ادبیات علمی مربوط به فناوری و توسعه در جوامع آسیب‌پذیر دارد. با ترکیب روش‌های کمی و کیفی، بهره‌گیری از ابزارهای علمی پیشرفته مانند SPSS و MAXQDA، و اتکا به مبانی نظری متنوع، تحقیق موفق شده است مدلی بومی و علمی برای بهره‌برداری از رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در افغانستان ترسیم نماید. این مدل نه تنها برای افغانستان، بلکه برای سایر کشورهای در حال‌گذار نیز می‌تواند به‌عنوان یک الگوی عملی و کاربردی مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با بررسی نقش رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در مسیر انقلاب صنعتی و تحقق توسعه پایدار در افغانستان، نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین پتانسیل بالایی برای تسریع رشد اقتصادی، افزایش مشارکت عمومی، و بهبود دسترسی به خدمات اساسی دارند. رسانه‌های دیجیتال با آگاهی‌بخشی و تسهیل ارتباطات، و هوش مصنوعی با بهینه‌سازی فرآیندها در حوزه‌هایی مانند زراعت، صحت، و آموزش، می‌توانند به کاهش شکاف‌های توسعه‌ای کمک کنند. با این حال، موانع

ساختاری مانند کمبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، نبود نیروی انسانی متخصص، چالش‌های امنیتی، و مقاومت‌های فرهنگی، استفاده از این فناوری‌ها را محدود کرده‌اند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که تأثیر فناوری‌های نوین بر امور زیست محیطی ناچیز است، که احتمالاً ناشی از فقدان داده‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان در این حوزه است. این تحقیق اهمیت تدوین استراتژی‌های بومی و چندبعدی را برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوین در افغانستان برجسته می‌کند.

رسانه‌های نوین به عنوان ابزارهایی مؤثر در آگاهی‌بخشی، مشارکت اجتماعی و تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری در افغانستان عمل کرده‌اند. فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در بخش‌هایی همچون زراعت، صحت، آموزش و انرژی پتانسیل بالایی برای بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها دارند.

چالش‌هایی مانند نبود قوانین مشخص در حوزه سایبر ژورنالیزم، نقض حریم خصوصی، کمبود زیرساخت‌های دیجیتال، نابرابری در دسترسی به فناوری و موانع فرهنگی از جمله موانع کلیدی در بهره‌گیری از این فناوری‌ها در افغانستان هستند.

برای رفع چالش‌های موجود و بهبود بهره‌برداری از رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در افغانستان، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

- تدوین و اجرای سیاست‌های حمایتی و قانونی
- تنظیم قوانین مشخص برای حفاظت از داده‌های کاربران و حریم خصوصی در فضای دیجیتال.
- تدوین مقرراتی برای توسعه سایبر ژورنالیزم و حمایت از روزنامه‌نگاران دیجیتال.
- بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)
- توسعه شبکه اینترنت پرسرعت در سراسر افغانستان، به‌ویژه در مناطق روستایی.
- سرمایه‌گذاری در مراکز داده و پلتفرم‌های داخلی برای کاهش وابستگی به سرورهای خارجی.
- افزایش سواد دیجیتال و آموزش تخصصی
- راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی برای توسعه مهارت‌های دیجیتال در بین شهروندان و متخصصان.
- ایجاد دوره‌های تخصصی هوش مصنوعی و رسانه‌های نوین در دانشگاه‌ها و مراکز علمی.
- ایجاد مراکز نوآوری و استارت‌آپ‌های فناوری محور
- حمایت مالی و فنی از استارت‌آپ‌های فعال در حوزه رسانه‌های دیجیتال و هوش مصنوعی.
- برقراری ارتباط بین شرکت‌های فناوری داخلی و نهادهای بین‌المللی برای جذب سرمایه‌گذاری.
- افزایش امنیت سایبری و مقابله با جرایم دیجیتال

ایجاد نهادهای نظارتی مستقل برای کنترل و پیش‌گیری از جرایم سایبری .
توسعه ابزارهای هوش مصنوعی برای مقابله با انتشار اخبار جعلی و سوءاستفاده‌های اینترنتی .
تقویت همکاری‌های بین‌المللی
جلب حمایت سازمان‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در توسعه فناوری‌های نوین .
تبادل تجربه با کشورهای پیشرو در حوزه هوش مصنوعی و رسانه‌های دیجیتال .
افزایش نقش رسانه‌های دیجیتال در ارتقای فرهنگ پذیرش فناوری
اجرای کمپاین‌های آگاهی‌بخش در مورد مزایای هوش مصنوعی و دیجیتال‌سازی .
کاهش موانع فرهنگی از طریق ایجاد محتواهای آموزشی و مستندهای علمی .
برای آنکه افغانستان بتواند از ظرفیت‌های رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در مسیر انقلاب صنعتی و توسعه پایدار بهره‌برداری کند، نیازمند سیاست‌گذاری‌های کلان، بهبود زیرساخت‌ها، توسعه نیروی انسانی متخصص و همکاری‌های بین‌المللی است. اجرای این پیشنهادها می‌تواند مسیر توسعه دیجیتال را هموار ساخته و به افزایش کیفیت زندگی مردم این کشور کمک کند.

منابع

- آریا، اسدالله و دیگران. (۱۴۰۳) مطالعه نقش هوش مصنوعی در تولید محتوا، سرگرمی و جذب مخاطبان به کمیته فرهنگی پوهنتون البیرونی. کنفرانس ملی هوش مصنوعی: پوهنتون کاردان، کابل، افغانستان.
- آریا، اسدالله؛ امان، سمیع الله. (۱۴۰۲). بررسی نقش رسانه‌های نوین در مدیریت بحران صنعت گردشگری: (مطالعه موردی پارک طبیعی- تفریحی صیاد). کنفرانس ملی گردشگری. بدخشان، افغانستان: پوهنتون بدخشان.
- استیوارت، د. (۲۰۱۴). نظریه‌های ارتباطات جمعی و رسانه. نیویورک: انتشارات آکسفورد.
- انجمن مطالعات حقوقی و اجتماعی افغانستان. (۲۰۲۰). نقش رسانه‌های نوین در کاهش افراط‌گرایی. گزارش پژوهشی.
- بارتلت، ج. (۲۰۱۷). رسانه‌های دیجیتال و تغییرات اجتماعی. ژورنال فناوری و جامعه.
- ترنر، ج. (۲۰۱۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر (ترجمه حسن مهرگان). تهران: انتشارات پوهنتون تهران.
- جانسون، ا. (۲۰۱۹). تحلیل تأثیر رسانه‌های دیجیتال در مدیریت بحران‌های اجتماعی. ژورنال مدیریت رسانه.
- رهنما، ع. (۲۰۱۶). نقش رسانه‌های نوین در تغییر نگرش اجتماعی. مجله جامعه‌شناسی کاربردی.
- رشیدی، م. همکاران. (۲۰۰۸). نقش رسانه‌ها در مهاجرت و مدیریت بحران‌های اجتماعی. پرتال جامع علوم انسانی.
- زندى ناوگران و همکاران. (۲۰۲۲). درک مهاجران از فاصله اجتماعی با ایرانیان: پژوهش کیفی در بین مهاجران افغانستانی.
- سروری، ع. (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحقیق. کابل، افغانستان: نشر پرند.
- شیرزاد، م. (۲۰۱۸). رسانه و جامعه در افغانستان. مزار شریف: انتشارات پوهنتون بلخ.
- صدیقی، ع. (۲۰۱۵). رسانه‌های نوین در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه رسانه و توسعه.
- قنبری، س. آزاد دوست، م. (۲۰۱۱). کارکردها و رویکردهای رسانه در مدیریت بحران. فصلنامه مدیریت رسانه.
- مشتاق، احمدجاهد. (۱۳۹۶). فرهنگ روزنامه‌خوانی در افغانستان. کابل، افغانستان: انتشارات سعید.
- نصراللهی، ا. (۲۰۱۱). نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران‌های اجتماعی. تهران: انتشارات شارا.

- Aria, A., Bayan, S., & Hazeem, R. (2024). Investigating the impact of TOLONews TV's political and news programs on the political participation of the Afghan people. *Studies in Media, Journalism, and Communications*, 2(2), 1. <https://doi.org/10.32996/smjc>
- Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (2014). *The second machine age: Work, progress, and prosperity in a time of brilliant technologies*. W. W. Norton & Company.
- Camp, W. G. (2011). Formulating and evaluating theoretical frameworks for career and technical education research. *Journal of Vocational Educational Research*, 27-39.
- Castells, M. (2010). *The rise of the network society* (2nd ed.). Wiley-Blackwell.
- FAO. (2019). *Artificial intelligence: Transforming the future of agriculture*. Food and Agriculture Organization.
- GSMA. (2021). *The mobile economy: Afghanistan*. GSMA Intelligence.
- ITU. (2020). *Measuring digital development: Facts and figures*. International Telecommunication Union.
- OECD. (2020). *Digital transformation in the age of COVID-19: Building resilience and bridging divides*. OECD Publishing.
- Rogers, E. M. (2003). *Diffusion of innovations* (5th ed.). Free Press.
- Schwab, K. (2016). *The fourth industrial revolution*. Crown Business.
- Tufekci, Z. (2017). *Twitter and tear gas: The power and fragility of networked protest*. Yale University Press.
- UNDP. (2020). *Sustainable development goals*. United Nations Development Programme.
- UNESCO. (2021). *Artificial intelligence and education: Guidance for policy-makers*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- World Bank. (2019). *World Development Report 2019: The changing Nature of work*. World Bank.

جایگاه صنعت در پرتو قرآن کریم

پوهنمل صبغت الله غیائی^{۱*}، پوهنمل صبغت الله جلیلی^۲، پوهنمل نعمت الله نظری^۳

۱. دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: sebgheatullahghayasi@yahoo.com

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی جایگاه صنعت در پرتو قرآن کریم انجام شده است. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، صنعت و مهارت های فنی را ابزاری برای رفاه بشریت و تقویت تمدن معرفی کرده و با ذکر نمونه هایی چون کشتی سازی حضرت نوح، آهنگری و ساخت زره توسط حضرت داوود، معماری و ساختمان سازی در عصر حضرت سلیمان، بر اهمیت آن تأکید می کند. هم چنین، قرآن کریم انسان را به تدبیر، تفکر و بهره گیری از دانش برای آبادانی زمین فرا می خواند. روش تحقیق به صورت توصیفی، تحلیلی و بر مبنای گردآوری اطلاعات از منابع معتبر، به ویژه تفاسیر قرآن و آثار علمی مرتبط به موضوع، انجام شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که صنعت در قرآن کریم به عنوان نشانه ای از قدرت الهی مطرح شده و باید در مسیر بهبود زندگی، تحقق عدالت اجتماعی و جلوگیری از فساد و ظلم استفاده شود و در چارچوب اخلاق و توحید در خدمت پیشرفت مادی و معنوی جامعه باشد. بر این اساس، نتیجه گیری تحقیق بیان می کند که بهره گیری صحیح از صنعت و فناوری، در تعالیم قرآن کریم، زمینه ساز رفاه، عزت و موجب پیشرفت مادی و معنوی جامعه و تقویت تمدن اسلامی می شود، در حالی که استفاده نادرست از آن، به فساد و تباهی می انجامد. بنابراین، قرآن ضمن تشویق به تلاش و کار، بر ضرورت به کارگیری صنعت در چارچوب اخلاق و توحید تأکید دارد.

واژه های کلیدی: اخلاق، تمدن، توحید، تفکر، پیشرفت، صنعت، عدالت اجتماعی

The Role of Industry in the Light of the Qur'an

Seneor Teaching Assistant Sabghatullah Ghyasi^{1*} Seneor Teaching Assistant Sabghatullah Jalili², Seneor Teaching Assistant Nematullah Nazari³

1. Department of Islamic Education, Faculty of Sharia, Alberoni University

* Corresponding Author Email: sebgatullahghayasi@yahoo.com

Abstract

This study examines the significance of industry in the Qur'an, recognized as the divine book of guidance. The Qur'an portrays industry and technical expertise as vital instruments for human prosperity and the advancement of civilization. It provides exemplary references, including the shipbuilding of Prophet Noah (Hud: 37), the ironworking and armor production of Prophet David (Saba: 10–11), and the architectural achievements of Prophet Solomon (An-Naml: 44). Moreover, the Qur'an calls upon humankind to engage in reflection, reasoning, and the application of knowledge for the cultivation and development of the earth (Al-Mulk: 15). Industry is also presented as a manifestation of divine power, with God endowing humanity with essential skills and resources (An-Nahl: 81). The Qur'anic perspective dictates that industry should serve the betterment of life, the realization of social justice, and the prevention of corruption and oppression (Al-Qasas: 77). Accordingly, the Qur'an encourages industriousness while insisting on the ethical and monotheistic use of industry, ensuring its role in fostering both material advancement and spiritual enrichment within society.

Keywords: industry, civilization, reflection, social justice, progress, ethics, monotheism.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين القائل في كتابه الكريم {وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ} و الصلاة والسلام على رسوله الأمين الذي قال: «إن الله يحب إذا عمل أحدكم عملاً أن يتقنه و على آله وأصحابه الطيبين الطاهرين. اما بعد: در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که می توان آن ها را در ارتباط با انقلاب صنعتی تفسیر کرد، به ویژه آیاتی که به قدرت علم، صنعت و اهمیت اقتصادی آن در قرآن و کشف قوانین طبیعی و استفاده از منابع زمین اشاره دارند.

تشویق به علم و صنعت: خداوند متعال فرموده است. {وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ} [یونس: ۱۰۵] این آیه به انسان دستور می دهد که در مسیر حق حرکت کند که یکی از مصادیق آن، استفاده از دانش و فناوری برای بهبود زندگی بشر است. و می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ} [الرعد: ۱۱] این آیه مبارکه بیان می کند که تغییراتی مانند پیشرفت صنعتی، به تلاش انسان ها بستگی دارد.

صنعت در اقتصاد یک کشور و به ویژه در اقتصاد کشورهای پیشرفته، محرک نوآوری، صادرات و رشد هرچه بیشتر بهره برداری، وسیله ارتقا و پویایی شاخص های مقاومتی اقتصاد ملت هاست. رشد، پویایی و رونق بخشی صنعت؛ رشد و رونق را در دیگر بخش های زندگی ملت ها تسریع می بخشد؛ از این جهت گفته اند که اقتصاد یکی از مبانی اصلی مقاومت و ایستادگی ملت ها و کشورهاست. جوامع بشری زمانی رشد می نمایند که به صنعت و نوآوری روی آورد، طوریکه از ارشادات قرآن کریم هویدا است. عکس آن، جوامع عقب مانده است. جامعه عقب مانده کشورهایی است که در برنامه های خود به صنعت و نوآوری توجه لازم نه نموده است.

قرآن کریم همواره انسان ها را به دو بعد (مادی و معنوی) رهنمائی می کند، از این جهت توجه خوانندگان عزیز را به پیام واضح و روشن ارشادات الهی که در قسمت نوآوری و صنعت برای بشریت، به خصوص مسلمانان دارد، طی این مقاله جلب می نمایم.

بیان مسئله

در عصر حاضر، صنعت و نوآوری به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد و توسعه پایدار جوامع مطرح است. قرآن کریم در آیات متعددی به اهمیت علم، کشف قوانین طبیعی و بهره برداری از منابع زمین تأکید کرده است. با این حال، بررسی علمی و دقیق نقش آموزه های قرآنی در ترویج صنعت و نوآوری در جامعه اسلامی، به ویژه در زبان های ملی؛ مانند دری، کمتر انجام شده است. این تحقیق

پوهنمل صبغت الله غیاثی

بر آن است تا با تحلیل محتوایی قرآن و تفاسیر معتبر، پیام‌های قرآنی را درباره صنعت و نوآوری استخراج و خलाهای پژوهشی موجود را پر نماید.

ضرورت تحقیق

با توجه به جایگاه مهم صنعت در ارتقاء اقتصاد ملی و نقش قرآن کریم در هدایت انسان‌ها به سوی پیشرفت و عمران، نیاز به مطالعه‌ای تخصصی و علمی درباره این موضوع احساس می‌شود. علاوه بر این، کمبود منابع تخصصی و قابل فهم به زبان‌های ملی از جمله دری، ضرورت این تحقیق را دوبرابر کرده است.

اهمیت موضوع

صنعت و نوآوری از عوامل کلیدی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع انسانی است، که قرآن کریم به‌عنوان یک منبع اساسی هدایت، به آن‌ها توجهی ویژه دارد. شناخت این موضوع از منظر دینی به درک بهتر رابطه میان دین و پیشرفت مادی و معنوی کمک می‌کند.

اهمیت تحقیق

این پژوهش با روی‌کرد تحلیلی و موضوعی، نقش آموزه‌های قرآن کریم را در تشویق صنعت و نوآوری بررسی می‌کند و می‌تواند مبنایی برای مطالعات آتی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اقتصادی در کشورهای اسلامی باشد. بر علاوه، این تحقیق تلاش می‌کند تا خلاهای موجود در منابع زبان دری را پر کرده و مطالب را به زبانی ساده و قابل فهم ارائه نماید.

سوالات اصلی تحقیق

۱. پیام‌های کلیدی قرآن کریم درباره علم، صنعت و نوآوری کدام است؟
۲. چگونه می‌توان این آیات را به گونه‌ای تفسیر کرد که در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشد؟

۳. قرآن چگونه روحیه نوآوری و خلاقیت را در جوامع اسلامی ترویج می‌نماید؟

۴. مهم‌ترین خلاهای پژوهشی موجود در این حوزه کدام است؟

فرضیه تحقیق (در صورت نیاز)

آیات قرآن کریم، ضمن تشویق به علم و دانش، به صورت مستقیم و غیرمستقیم به صنعت و نوآوری توجه کرده و می‌تواند منبع اساسی راهنمای توسعه‌ی پایدار در جوامع اسلامی باشد.

هدف اصلی تحقیق

شناسایی و تحلیل پیام‌های قرآن کریم درباره صنعت و نوآوری به منظور ارایه‌ی راهکارهای علمی برای پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی.

پیشینه‌ی تحقیق

در حالی که آثار محدودی مانند تفسیر موضوعی قرآن کریم، کتاب‌های محمد غزالی و مجموعه‌ی مقالات شورای عالی امور دینی مصر به بررسی کلی نوآوری پرداخته‌است، تحقیقات تخصصی و متمرکز به زبان دری درباره‌ی ارتباط قرآن و صنعت کم‌تر صورت گرفته است، بناً این تحقیق تلاش می‌کند تا این خلا را برطرف سازد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی بر مبنای جمع آوری کتابخانه‌ای استفاده شده است که آنهم با مراجعه به قرآن کریم و کتب معتبر تفسیر، خصوصاً تفاسیر معاصر، موضوع فوق را موشگافی نموده و به زبان ساده و آسان خدمت خوانندگان عزیز به رشته تحریر در آورده تا دانسته شود که قرآن کریم دارای رهنمایی‌های مادی و معنوی برای بشریت است.

مفهوم صنعت در پرتو قرآن کریم

این یک حقیقت است که قرآن کریم در هر دو بعد، چه مادی و چه معنوی، یک کتاب هدایت برای بشریت است، علماء کرام در خصوص تفسیر این کتاب بزرگ به دو بخش تقسیم شده‌اند؛ برخی از آن‌ها قرآن کریم را در روشنایی معلومات دینی، عقیدتی و مسایل فقهی تفسیر کرده اما آیات کونی و آفاقی را تفسیر عمیق ننموده‌اند، برخی دیگری از مفسرین، علاوه بر این بخش، به تفسیر آیات کونی و آفاقی طوری پرداخته‌اند که جواب‌گو برای انکشافات و صنعت و اختراعات جدید می‌باشد.

صنعت در لغت: واژه «صنعت» از ریشه «ص - ن - ع» به معنای عمل صانع است که با علم و دقت انجام می‌شود. (الفیومی، (۱۴۳۱هـ). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر: ۱/ ۳۴۸) و (الرازی، (۱۳۹۹هـ). مقایس اللغة: ۳/ ۳۱۳): واژه «صُنْع» خاص‌تر از واژه «فعل» است و بر خلاف فعل که به حیوان و جماد نیز نسبت داده نمی‌شود. (اصفهان‌ی، (۱۴۱۲هـ). المفردات فی غریب القرآن: ص ۴۹۳).

پوهنمل صبغت الله غیاثی

صنعت در اصطلاح: عبارت از ملکه‌ی نفسی است که افعال بگونه‌ی اختیاری و بدون تفکر از آن صادر می‌شود و یا علمی است متعلق به کیفیت عمل یا کار و یا حرفه (پیشه) که متعلق به کارگر است. البرکتی، (۱۴۲۴هـ). التعریفات الفقہیة: ص ۱۳۱).

صنعت در روزگار ما در تمام امور زندگی انسان‌ها از جمله زراعت، صحت، نظامی، نساجی و ارتباطات نقش دارد.

کلمه صنعت یک بار در قرآن کریم در باره‌ی صنعت زره سازی حضرت داود علیه السلام به کار رفته است؛ الله متعال می‌فرماید: {وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ} [الأنبياء: ۸۰].

ترجمه: و برای او ساختن زره را آموختیم تا (این لباس جنگی) شما را در جنگ‌ها حفظ کند. آیا (خدا را در برابر همه این نعمت‌ها) سپاس‌گزاری می‌کنید؟

اما مشتقات آن (۱۹) بار در قرآن کریم به کار رفته است، منجمله کشتی‌سازی حضرت نوح علیه السلام، خانه‌سازی قوم هود علیه السلام، سازه‌های فرعونیان. {وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ} [الأعراف: ۱۳۷].

ترجمه: و ما همه جهات و نواحی پرنعمت و برکت سرزمین (مصر و شام) را به قوم مستضعف (و در بند زنجیر ظلم و ستم، یعنی بنی اسرائیل) واگذار کردیم، و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که نشان داده اند، تحقیق یافت، و آنچه فرعونیان (از کاخ‌های مجلل) ساخته بودند، و آنچه از باغ‌های داربست فراهم آورده بودند، درهم کوبیدیم.

از لابه‌لای ارشادات آیات قرآن برداشت می‌شود که صنعت به سبب کارکرد و رفع نیاز بشر، بسیار ارزشمند و داری جایگاه بلند است. طوری که حضرت داود علیه السلام هر روز یک زره می‌ساخت و آن را می‌فروخت و از این طریق امرار معاش می‌کرد.

صنایع که در قرآن کریم از آنها یاد شده است، با ذکر عناوین فرعی قرار زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. **کشتی سازی:** کشتی سازی سابقه تاریخی دارد و نخستین ساخت کشتی به زمان حضرت نوح علیه السلام بر می‌گردد. ساخت کشتی فرمان خدای متعال بوده و زیر نظر او برای نجات هدایت‌یافتگان و مؤمنان به حضرت نوح علیه السلام ساخت کشتی دستور داده شد. الله متعال می‌فرماید: {وَاصْنَعِ

پوهنمل صبغت الله غیائی

الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ [هود: ۳۷].

ترجمه: و (به نوح وحی شد که) کشتی را تحت نظارت ما و برابر تعلیم وحی ما بساز (و بدان که تو و مؤمنان همراه تو از مراقبت و محافظت ما برخوردار است و محفوظ از ظالمان و مصئون از اشتباه در کار ساختن کشتی می‌باشید. از این پس به مشرکان رحم مکن) و با من درباره (گذشت) از ستمگران گفت وگو شما (که آنان محکوم به عذابند) و مسلماً ایشان غرق خواهند شد.

آیه کریمه نشان می‌دهد که صنعت کشتی سازی حضرت نوح (علیه السلام) با آموزش و هدایت عملی و مراقبت ویژه‌ی الله متعال انجام شده است؛ از این جهت حضرت نوح (علیه السلام) کشتی بزرگ و دارای ابعاد مختلف را متناسب با طوفان آینده ساخت و طبق گزارش تاریخ، نخستین سازنده کشتی ایشان اند. (ابن عاشور، ۱۹۸۴هـ). التحریر والتنویر: ۶۶/۱۲. (قرطبی ۱۳۸۴هـ). الجامع لأحكام القرآن الکریم: ۳۰/۹. و پس از ایشان در قرآن کریم یاد از کشتی پیامبران دیگر، علیهم السلام صورت گرفته است از جمله حضرت یونس علیه السلام: [وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ] [الصفات: ۱۳۹، ۱۴۰].

ترجمه: مسلماً یونس هم از زمره پیغمبران بود. زمانی، او به‌سوی کشتی پر (از مسافر و کالا، بدون اجازه پروردگارش، از میان قوم خود) گریخت.

کشتی حضرت موسی و خضر علیهما السلام: [فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا] [الکھف: ۷۱].

ترجمه: پس (موسی و خضر با یکدیگر) به راه افتادند و (در ساحل دریا به سفر پرداختند) تا اینکه سوار کشتی شدند. (خضر در اثنای سفر) کشتی را سوراخ کرد. موسی گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینان آن را غرق کنی؟! واقعاً کار بسیار بدی کردی!

و کشتی زمان نزول قرآن: [هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ] [یونس: ۲۲].

ترجمه: او است که شما را در خشکی و دریا راه می‌برد و (امکان سیر و حرکت در قاره‌ها و آب‌ها را برای شما میسر می‌کند). چه بسا هنگامی که در کشتی‌ها قرار می‌گیرید و کشتی‌ها با باد موافق سرنشینان را (آرام آرام به‌سوی مقصد) حرکت می‌دهند و سرنشینان بدان شادمان می‌گردند، به ناگاه باد سختی وزیدن می‌گیرد و از هر سو موج به سوی‌شان می‌دود و می‌پندارند که (توسط مرگ از هر سو) احاطه شده‌اند (و

پوهنمل صبغت الله غیاثی

راه گریزی نیست؛ در این وقت، خدا را به فریاد می خوانند و طاعت و عبادت و فرمانبرداری و دین را تنها از آن او می دانند، چرا که همه کس و همه چیز را بسی ضعیف تر و ناتوان تر از آن می بینند که کاری از دست آنان برآید و از این ورطه، رستگارشان نماید. بدین هنگام عهد می کنند به الله که اگر ما را از این حال برهانی، از زمره سپاس گزاران خواهیم بود و دیگر به کسی و چیزی جز تو روی نمی آوریم و هرگز این و آن را به فریاد نمی خوانیم و نمی پرستیم.

۲- سدسازی: سدسازی (حائل و مانع میان دو چیز، بند) نیز پیشینه‌ی تاریخی دارد و به هزاران سال قبل بازمی گردد. نخستین سد توسط ذوالقرنین برای مانع شدن تجاوز و هجوم یاجوج و ماجوج ساخته شده است. الله متعال می فرماید: {قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَاجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا} [الکھف: ۹۴].

ترجمه: مردمان آنجا، هنگامی که قدرت و امکانات ذوالقرنین را دیدند، به او گفتند: ای ذوالقرنین! یاجوج و ماجوج در این سرزمین تباہ کارند و بر ما تاخت می آورند آیا برای تو هزینه‌ی معین داریم که میان ما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازی؟.

سد دیگری که قرآن از آن یاد کرده است، سد ذخیره آب قوم سبأ برای زراعت و کشاورزی است. این سد میان کوه‌های سرزمین سبأ ساخته شده بود و آب‌های منطقه را برای کشاورزان ذخیره می کرد و برای آبیاری زمین‌های زراعتی و باغ‌ها به کار می رفت که پس از کفران نعمت، سد شکسته شد و آب‌های ذخیره شده سبب نابودی باغ‌ها گردید (ابن عاشور، ۱۹۸۴هـ). التحریر والتنویر: ۱۷۰/۲۲.

۳- ساختمان سازی: با همه‌ی آب و تابش از قوم عاد یاد شده است که در این زمینه بسیار پیشرفته بودند. الله جلا جلاله می فرماید: {اتَّبَتُّونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ} [الشعراء: ۱۲۸، ۱۲۹].

ترجمه: آیا شما بالای هر بلندی و مکان مرتفعی کاخ سر به فلک کشیده‌ی می سازید و در آن به خوش گذرانی و کارهای بیهوده می پردازید؟ و قصرهای محکم و استوار بنا می کنید، گویی که در دنیا جاودانه می مانید.

از جمله ساختمان‌های آنان این بود که نشانه‌ها و مناره‌های را جهت راه یابی مسافران ساختند تا این که مسافر راه گم نشود. زیرا در آنجا بادهای تند می وزید که آثار پای مسافرین را توسط ریگ‌ها از بین می برد از این جهت آن‌ها منارها را منحیث علائم می ساختند. و هم چنان ذخیره‌های آبی را

پوهنمل صبغت الله غیاثی

جهت نوشیدن آب می ساختند و نیز برای زندگی و سرپناه خویش تعمیرهای بلندی بالای اماکن مرتفع می ساختند « ابن عاشور، (۱۹۸۴هـ)؛ التحریر والتنویر: ۱۹/۱۶۵).

ثمودیان نیز مانند عادیان در صنعت ساختمان سازی پیشرفته بودند و در دشت ها، کوه ها و میان صخره ها، منازل، خانه ها ساختمان های مستحکم می ساختند. خداوند می فرماید: {أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} [الأعراف: ۶۹].

ترجمه: و بیاد داشته باشید که خداوند شما را جانشینان قوم عاد کرده است و در سرزمین حجر، میان حجاز و شام استقرار بخشیده است. سرزمینی با دشت های مسطح و حاصل خیز، و با کوهستان های مستحکم و مستعدی که می توانید در دشت های آن، کاخ ها برافرازید و در کوه های آن خانه ها بتراشید و بسازید. پس نعمت های خدا را به یاد داشته باشید و در زمین، تباهاکارانه فساد راه می نندازید.

ثمودیان قوم حضرت صالح علیه السلام، نخستین کسانی بودند که صخره ها را می شکافتند و برای خود خانه می ساختند (ابن عاشور، (۱۹۸۴هـ)؛ التحریر والتنویر: ۳۰/۲۷۴). برای خانه های تابستانی صنعت خشت پزی داشتند و با خشت کاخ ها می ساختند و برای خانه های زمستانی، کوه های سنگی و صخره ها را می تراشیدند. (زحیلی، (۱۴۱۱هـ). تفسیر المنیر: ۸/۲۷۴).

حضرت سلیمان علیه السلام نیز در صنعت ساختمان سازی بسیار پیشرفته بود. قصر سلطنتی حضرت سلیمان علیه السلام از امکانات پیشرفته برخوردار بود. قصری که دارای فرش و کف بلورین بود و ملکه ی سبا با ورود در آن قصر، شگفت زده شد.

الله متعال می فرماید: {قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ} [النمل: ۴۴].

ترجمه: بعد از مشاهده تخت خود بدو (بلقیس) گفته شد: داخل کاخ (عظیم سلیمان) شو. هنگامی که صحنه شیشه ای آن را دید، گمان برد که آب عمیقی است، چرا که ماهی ها در آن شنا می کردند. ساق پاهای خود را برهنه کرد تا از آب عبور کند و جامه های درازش تر نشود، سلیمان بدو گفت: قصر از بلور صاف ساخته شده است! بلقیس از دم و دستگاه سلیمان شگفت زده شد و سلطنت و قدرت مادی و معنوی خود را در برابر فرمانروایی و توانایی و دارایی سلیمان ناچیز دید. دل خود را متوجه خالق جهان کرد و گفت: پروردگارا! من به خود ستم کرده ام و گول کفر و غرور شاهی را خورده ام، و هم اینک پشیمانم و با سلیمان خویشتن را تسلیم پروردگار جهانیان می دارم و به پیغمبری

پوهنمل صبغت الله غیاثی

او اقرار می‌نمایم و تو را به یگانگی می‌ستایم.

جنیاتِ مسخر شده، برای سلیمان علیه السلام هرچه می‌خواست، می‌ساختند، چنان‌که از جمله، معبدها و حوض‌ها درست می‌کردند. [يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ] [سبأ: ۱۳].

ترجمه: آنان هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند، از قبیل پرستش‌گاه‌های عظیم، مجسمه‌ها، ظرف‌های بزرگِ غذاخوری، همانند حوض‌ها و دیگ‌های ثابت که از بزرگی قابل جابه جایی نبود. به دودمان داود گفتیم: ای دودمان داوود! سپاس‌گزاری این همه نعمت را بکنید، و بدانید که اندکی از بندگانم سپاس‌گزارند و خدای را به هنگام خوشی و نعمت یاد می‌آورند. پس کاری کنید که از زمره‌ی این گروه برگزیده شکرگزار باشید.

فرعون نیز در صنعت ساختمان‌سازی پیشرفته بود. وی برای عوام فریبی و اغفال مردم که خدای حضرت موسی علیه السلام را از بین می‌برد، از هامان وزیر خود خواست که برای اشراف بر خدای موسی، ساختمان‌های بلند بسازد، الله می‌فرماید: [وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ] [القصص: ۳۸].

ترجمه: فرعون گفت: ای سران و بزرگان قوم! من خدایی جز خودم را برای شما سراغ ندارم. اما محض احتیاط و تحقیق بیشتر به هامان می‌گوید! آتشی بر گل بیفروز و از خشت‌ها آجرهای محکم بساز و برای من کاخ بزرگی بساز. شاید من خدای موسی را از بالا ببینم، هر چند که من یقین دارم که موسی از زمره دروغ‌گویان است.

۴- صنعت زره‌سازی داوود علیه السلام: [وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لَتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ] [الأنبياء: ۸۰].

ترجمه: و بدو ساختن زره را آموختیم تا این لباس جنگی شما را در جنگ‌ها حفظ کند. آیا خدا را در برابر همه‌ی این نعمت‌ها سپاس‌گزاری می‌کنید؟

زره‌سازی برای نخستین بار توسط حضرت داود علیه السلام آغاز شده است. این صنعت را خدای متعال برای وی آموزش داده که با استفاده از آهن، وسایل و سلاح‌های دفاعی، مانند شمشیر، نیزه و سپر تهیه می‌کرد.

صاحب تفسیر قرطبی می گوید: این آیت اصل و دلیل است بر صنعت و ساختن اسباب زندگی، در ادامه می گویند: آدم علیه السلام کسب دهقانی داشت و حضرت نوح علیه السلام کسب نجاری، حضرت لقمان خیاطی و حضرت طالوت چرم ساز یا سقاء (آب رسان) بود، لذا صنعت چیزی است که انسان را از سوال به دیگران مستغنی ساخته و ضرر را دفع می کند. القرطبی، (۱۳۸۴هـ)؛ الجامع لأحكام القرآن: ۱۱/۳۱۹-۳۲۰.

۵- ظروف سازی: صنعت ظروف سازی را توسط جنیات، برای نخستین بار حضرت سلیمان علیه السلام ایجاد کرد. {وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحُ غَدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ} [سبأ: ۱۲].

ترجمه: باد را برای سلیمان مسخر کردیم که صبحگاهان مسیر یک ماهه راه را می پیمود، و شامگاهان مسیر یک ماهه را. و چشمه ی مس مذاب را برای او روان ساختیم، و پروردگارش گروهی از جنیان را رام او کرده و در پیش او کار می کردند و اگر یکی از آن ها از فرمان ما سرپیچی می کرد و به سخن سلیمان گوش نمی داد، کیفرش می دادیم و از آتش سوزان بدو می چشانیدیم.

جنیات مسخر، برای وی هر چه می خواست، می ساختند، از قبیل معبد، تمثال ها، کاسه های غذا خوری، دیگ های بزرگ ثابت و حوض ها.

دیگ های بزرگ برای این بود که به تهیه غذای لشکر بزرگ سلیمان علیه السلام کافی شود. امروزه نیز صنعت ظرف سازی از جمله صنایع مورد ضرورت و پیشرفته دنیای معاصر است.

۶- خشت پزی: صنعت خشت پزی برای نخستین بار به زمان حضرت صالح علیه السلام باز می گردد که قوم ثمود برای ساخت و ساز خانه های تابستانی، صنعت خشت پزی داشتند و با خشت، کاخ- هایی برای زندگی تابستانی می ساختند، طوری که برای ساخت و ساز خانه های زمستانی، از کوه ها استفاده می کردند و کوه های سنگی و صخره ها را می تراشیدند و خانه می ساختند. (زحیلی، المنیر، ج ۸ ص ۲۷۴).

امروز نیز صنعت خشت پزی در اوج رونق خود قرار دارد.

۷- شیشه گری: صنعت بلور و شیشه گری به زمان حضرت سلیمان علیه السلام باز می گردد. این صنعت در دوران وی رونق داشت و حضرت سلیمان با استفاده از جنیات ساختمان های بلورین، قصرها از جمله، عمارت بیت المقدس را ساختند. {يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ} [سبأ: ۱۳]

ترجمه: آنان هر چه سلیمان می خواست برایش درست می کردند، از قبیل پرستش گاه های عظیم، مجسمه ها، ظرف های بزرگ غذاخوری همانند حوض ها، و دیگ های ثابت که از بزرگی قابل جابه جایی نبود. به دودمان داوود گفتیم: ای دودمان داوود! سپاس گزاری این همه نعمت را بکنید، و بدانید که اندکی از بندگانم سپاس گزارند و الله را به هنگام خوشی و نعمت یاد می آورند. پس کاری کنید که از زمره این گروه گزیده شکرگزار باشید). خازن، (۱۴۱۵هـ)، لباب التأویل فی معانی التنزیل: ۴/ ۴۴۳).

۸- ذوب فلزات: صنعت ذوب فلزات به زمان ذوالقرنین باز می گردد. وی با ذوب مس، سد بزرگی را جهت جلوگیری تجاوز و هجوم یاجوج و ماجوج ساخت. {آتُونِي زَبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا} [الکھف: ۹۶].

ترجمه: سپس شروع به کار کرد و گفت: قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید. آن گاه دستور چیدن آن ها را بر روی یکدیگر صادر کرد تا کاملاً میان دو طرف، دو کوه را برابر کرد و شکاف بین آن ها را از آهن پُر نمود. فرمان داد که بالای آن آتش بی فروزند، و گفت: بدان بدمید؛ تا وقتی که قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد و قطعات به هم جوش خورد. سپس گفت: مس ذوب شده برای من بیاورید تا آن را بر این سد بریزم.

حضرت داوود علیه السلام با نرم شدن آهن، صنعت زره سازی را به وجود آورد. {وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِنُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ} [الأنبياء: ۸۰]

ترجمه: و بدو ساختن زره را آموختیم تا این لباس جنگی شما را در جنگ ها حفظ کند. آیا خدا را در برابر همه ی این نعمت ها سپاس گزاری می کنید؟

۹- قرآن کریم به نقش مهم و ارزشمند آهن اشاره نموده و آن را وسیله ی منافع بسیاری برای مردم خوانده است: {لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ} [الحديد: ۲۵]

ترجمه: ما پیغمبران خود را همراه با دلائل متقن و معجزات روشن به میان مردم روانه کرده ایم، و با آنان کتاب های آسمانی و قوانین و موازین شناسائی حق و عدالت را نازل نموده ایم تا مردمان برابر آن در میان خود دادگرا نه رفتار کنند. و آهن را پدیدار کرده ایم که دارای نیروی زیاد و سودهای فراوانی برای مردم است. هدف از ارسال انبیاء و نزول کتب آسمانی و هم چنین آفرینش وسایلی چون آهن این است که خداوند بداند چه کسانی او را و فرستادگانش را بگونه ی نهان و پنهان از دیدگان مردمان

یاری می کنند. خداوند نیرومند و چیره است.

از این جهت بشر امروزی از آهن و ذوب آن در بیشترین صنایع جنگی، انتقالات، سیخ‌های رنگارنگ به حجم‌های متفاوت جهت تعمیرات، سواری و سلاح‌ها استفاده می‌کنند.

بخش صنعت، علاوه بر اینکه نقش مهم در اقتصاد کشور ایجاد می‌کند، در اشتغال زایی برای مردم نیز نقش ارزنده دارد. کار در حوزه صنعت در کشور ما نسبت به همه چیز دیگر، میدان وسیع و گسترده دارد، از یک طرف زمینه موجودیت معادن صنعت‌زا و از سوی دیگر ایجاد شرکت‌های صنعتی در زمینه‌های مختلف نیازمندی مردم، بهترین فرصت برای رشد و ترقی و پویایی ملت ماست.

امید است که امارت اسلامی با مهیا ساختن شرایط داخلی و بین‌المللی حاکم بر اقتصاد کشور، آسیب‌های متوجه را کنترل نموده موجب بیشتر ایجاد و رشد صنایع در کشور شوند و با توسعه صنعت باعث رشد اقتصاد پایدار و ایجاد اقتصاد مستقل و مقاومتی گردند تا کشور برای همیشه از اقتصاد وابسته رهایی یابد.

یافته‌ها

تحقیق از لابلای موضوعات دریافته است که:

۱- قرآن کریم علاوه بر این که کلام رب العالمین است؛ دستور العمل واقعی، حقیقی و معتمد در بعد مادی و معنوی برای بشریت می‌باشد.

۲- اصل شریعت بر کار و صنعت استوار است.

الف: شریعت اسلامی انسان را به تلاش، تولید، نوآوری و ساخت و ساز، تشویق می‌کند.
ب: از پیامبران به‌عنوان الگوهای صنعت‌گر یاد شده است؛ مثلاً: حضرت نوح؛ کشتی‌سازی.
حضرت داوود، زره‌سازی، حضرت سلیمان، معماری و ظروف‌سازی، ذوالقرنین، سدسازی با آهن و مس مذاب.

۳- اساساً قرآن کریم انسان را به کار کردن و داشتن اقتصاد خوب امر می‌کند، چنانچه آیات صنعتی قرآن، انسان را به تفکر، ابداع، تسخیر طبیعت و سیر در زمین دعوت می‌کند.

۴- صنعت باعث رشد اقتصاد پایدار می‌شود. چنانچه قرآن کریم از واژه‌های چون: حديد، آهن، لبوس، زره، صرح، قصر و طین، گل یاد آور می‌شود.

۵- قرآن کریم با اختراعات و وانکشافات علمی امروزی در تضاد نیست بلکه الهام بخش تمامی علوم می‌باشد چنانچه آیات آفاقی بر این مدعا بهترین دلیل است.

پوهنمل صبغت الله غیاثی

۶- قرآن، منبع هدایت مادی و معنوی؛

*- قرآن کریم نه تنها کتاب هدایت روحانی، بلکه راهنمای زندگی مادی بشر نیز هست.

*- در قرآن کریم به کار، صنعت، نوآوری و آبادانی زمین توجهی ویژه شده است.

۷- قرآن انسان را به تفکر، علم و تسخیر طبیعت دعوت می کند. آیاتی مانند: آیه (سوره ملک: ۱۵، رعد: ۱۱) و (حدید: ۲۵) بر نقش عقل، تفکر و تلاش در توسعه تأکید دارند.

۸- صنعت، عامل رشد اقتصادی پایدار.

*- صنعت، بنیان اقتصاد مقاوم و مستقل است.

*- در قرآن از ابزارهای صنعتی چون آهن، حدید، زره، لبوس، قصر، صرح و گل، طین یاد شده است.

۹- صنعت در نگاه قرآن، همراه با تقوا و عدالت باید باشد. هدف صنعت تنها رفاه نیست، بلکه باید با شکرگزاری، تقوا، و عدالت اجتماعی همراه شود.

۱۰- تطابق قرآن با علوم روز؛

*- آیات قرآنی نه تنها با علم مدرن در تضاد نیستند، بلکه الهام بخش آن است.

*- قرآن مشوق بهره گیری صحیح از فناوری و نوآوری در راستای رشد بشریت است.

۱۱- قرآن، مخالف خرافات و بت سازی است؛ صنعت باید در مسیر توحید باشد و نه برای اهداف خرافی مثل بت سازی دوران جاهلیت.

مناقشه

تحقیق حاضر تلاش دارد جایگاه صنعت را در پرتو آموزه های قرآنی بررسی کند. یافته های تحقیق نشان می دهد که قرآن کریم نه تنها با مقوله ی صنعت و نوآوری مخالف نیست، بلکه آن را تأیید کرده، و گاه آن را نشانه ی از قدرت الهی و زمینه ساز رفاه بشر معرفی می کند. با این حال، تحلیل نتایج در پرتو منابع علمی و واقعیات جامعه ی اسلامی، نشان دهنده نکاتی است که قابل بحث و بررسی است؛

۱- تعمیم مفاهیم سنتی بر مصادیق مدرن: یکی از مهم ترین نقاط قابل تأمل در این تحقیق، تعمیم مفاهیم قرآنی مانند کشتی سازی، زره سازی یا معماری و فناوری های مدرن است. اگرچه کاربردهای تفسیری این آیات برای اثبات مشروعیت صنعت در اسلام مفید است، اما انتقال این مفاهیم به عرصه ی فناوری های نوین، نیازمند تحلیل های عمیق تر و تخصصی تر است.

۲- تکیه بر تفسیر موضوعی بدون نقد: نویسندگان، بیشتر از تفاسیر سنتی و معاصر در قالب تفسیر موضوعی بهره برده‌اند، اما نقد علمی به روش‌شناس تفسیری، تعدد قرائات، یا اختلاف نظر مفسران در تبیین آیات، قابل بررسی است.

۳- غفلت از چالش‌های اخلاقی صنعت: در حالی که مقاله، صنعت را در راستای عدالت و تقوا معرفی می‌کند، اما به چالش‌های اخلاقی ناشی از صنعت در دنیای مدرن اشاره‌ی ضرورت است. مسایل مربوط به آلودگی محیط زیست، بهره‌کشی از نیروی کار، یا نابرابری اقتصادی ناشی از تمرکز فناوری، موضوعاتی است که باید در ترازوی تعالیم قرآنی قرار گیرند.

۴- نسبت صنعت با عدالت و توحید: مقاله به‌درستی تأکید می‌کند که صنعت در قرآن باید با عدالت اجتماعی و توحید همراه باشد. این نکته مزیتی است که دیدگاه اسلامی را از نگاه‌های صرفاً سودمحور غربی متمایز می‌سازد.

۵- محدودیت در دامنه بررسی: تمرکز مقاله بر نمونه‌های قرآنی از صنعت انبیاء علیهم السلام، مانند: نوح، داوود، سلیمان و ذوالقرنین محدود به صنایع ابتدایی و سنتی است. در حالی که بحث توسعه پایدار، سیاست‌گذاری صنعتی، اقتصاد دانش‌بنیان و رابطه‌ی علم دینی با فناوری مدرن از جمله موضوعاتی اند که در چنین پژوهشی باید مورد توجه قرار گیرند.

۶- ضعف در مقایسه با مطالعات معاصر: مقاله به پیشینه‌ی پژوهش در زبان دری اشاره کرده اما مطالعات جهانی درباره‌ی رابطه‌ی دین و توسعه صنعتی نیاز به پژوهش بیش‌تری دارد.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر گامی مؤثر در تبیین نقش صنعت از منظر قرآن کریم است و نشان می‌دهد که آموزه‌های الهی از پیشرفت‌های فناورانه استقبال می‌کند، به شرط آن‌که در چارچوب اخلاق و عدالت قرار گیرند. اما برای تعمیق این بحث، نیاز است رویکردهای تفسیری متنوع‌تر، تحلیل‌های میان‌رشته‌ای و بررسی دقیق چالش‌های اخلاقی و اجتماعی در ارتباط با صنعت نیز مورد توجه قرار گیرد. بدون در نظر گرفتن این ابعاد، بهره‌گیری از قرآن کریم به‌عنوان منبع توسعه صنعتی، ناقص و غیرقابل تعمیم خواهد بود. امیدوارم که این ابعاد از محورهای فرعی کنفرانس هذا بوده باشد. نتایج عبارت‌اند از:

- ۱- قرآن کریم صنعت را هم از جنبه‌ی فنی و کاربردی و هم به‌عنوان وسیله‌ی معنوی برای خودکفایی، عدالت و شکوفایی معرفی می‌کند.
- ۲- پیامبران الهی در قرآن به‌عنوان الگوهای صنعت‌گر معرفی شده‌اند تا انسان از آن‌ها الگو گرفته و دنیا را در خدمت آخرت قرار دهد.
- ۳- تفسیر موضوعی آیات مرتبط با صنعت، می‌تواند در تربیت نسل نوآور، متعهد و اخلاق‌محور در جوامع اسلامی نقش مهمی ایفا کند.
- ۴- قرآن کریم صنعت را تنها به‌عنوان یک فعالیت مادی و فنی مطرح نمی‌کند، بلکه آن را نعمتی الهی و نشانه‌ی از قدرت خداوند می‌داند که در راستای رشد، عدالت، آبادانی زمین، تقوا، و شکرگزاری باید از آن کار گرفته شود.
- ۵- از منظر قرآن، صنعت وسیله‌ی برای تحقق عدالت اجتماعی، توسعه‌ی پایدار، خودکفایی اقتصادی، و ارتقای معنوی جامعه است.
- ۶- این کتاب آسمانی با اشاره به صنایع پیامبران؛ مانند کشتی‌سازی حضرت نوح، زره‌سازی حضرت داوود، معماری حضرت سلیمان علیهم السلام و سدسازی ذوالقرنین، پیام روشنی درباره اهمیت و جایگاه صنعت در زندگی بشر ارائه می‌دهد.
- ۷- قرآن کریم انسان را به تفکر، تلاش، علم‌آموزی، بهره‌گیری از منابع طبیعی و نوآوری دعوت کرده و تأکید دارد که صنعت باید در چارچوب اخلاق، عدالت و توحید قرار گیرد.
- ۸- در نهایت، از این مقاله نتیجه می‌گیریم که قرآن نه تنها با علوم و فناوری‌های نوین ناسازگار نیست، بلکه خود الهام‌بخش آن‌هاست و می‌تواند اساس فکری و اخلاقی محکمی برای رشد صنعتی و علمی در جوامع اسلامی باشد.

پیشنهادات

پیشنهادات ارائه شده در مقاله عمدتاً ناظر بر بهره‌گیری علمی و دینی از مفاهیم قرآنی برای توسعه‌ی صنعت و نوآوری در جوامع اسلامی بوده، در ادامه و پایان، پیشنهادات خویش را طی چند نکته زیر ارایه می‌داریم:

- ۱- تحلیل موضوعی آیات قرآن در رابطه با صنعت و فناوری: برای تبیین رابطه‌ی دین با صنعت، فناوری و تولید، پیشنهاد می‌شود، باید محققین به تحلیل موضوعی آیات مرتبط با این حوزه بپردازند.
- ۲- افزودن تفسیر موضوعی به نصاب آموزشی: پیشنهاد می‌شود تفسیر موضوعی آیات قرآن کریم، به‌ویژه آیاتی که به صنعت و نوآوری مربوط‌اند، به‌عنوان بخشی از نصاب، در مدارس دینی و پوهنخی‌های شرعیات گنجانیده شود.
- ۳- تقویت گفتمان دینی پیرامون تولید و فناوری: لازم است در قالب کارگاه‌ها (ورکشاپ‌ها)، مناظر و نشست‌های علمی، گفتمان دینی پیرامون تولید، نوآوری و صنعت در روشنایی تعلیم اسلامی عملاً راه اندازی شود.
- ۴- ایجاد کمیته‌های علمی میان‌رشته‌ای: پیشنهاد می‌شود تا کمیته‌هایی از متخصصین دینی، اقتصادی و صنعتی تشکیل شده و تحقیقات مداوم و هماهنگ با پیشرفت‌های علمی جدید صورت گیرد تا آموزه‌های قرآنی در صنعت کاربردی شوند.

مراجع

القران الكريم

- ابن عاشور، محمد الطاهر. (١٩٨٤هـ). *التحرير و التنوير*. محقق: ياسر بن حامد المطيري. الناشر: مكتبة دار المنهاج للنشر والتوزيع، الرياض، المملكة العربية السعودية.
- اصفهانى، الراغب أبو القاسم الحسين بن محمد. (١٤١٢هـ). *المفردات في غريب القرآن*. محقق: صفوان عدنان الداودي. الناشر: دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت.
- بغوى، أبو محمد الحسين بن مسعود. (١٤١٧هـ). *معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي*. المحقق: حققه وخرج أحاديثه محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش. الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الرابعة.
- جرجاني، علي بن محمد بن علي الزين الشريف. (١٤٠٣هـ). *كتاب التعريفات*. المحقق: ضبطه وصححه جماعة من العلماء بإشراف الناشر. الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى.
- خازن، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشيعي أبو الحسن. (١٤١٥هـ). *لباب التأويل في معاني التنزيل*. تصحيح: محمد علي شاهين. الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت. الطبعة: الأولى.
- رازى، أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين. (١٣٩٩هـ). *معجم مقاييس اللغة*. محقق: عبد السلام محمد هارون. الناشر: دار الفكر.
- زبيدي، س. م. ح. (٢٠٢٢م). *الصناعة في القرآن الكريم*. «Al-Adab Journal» (دانشگاه بغداد)، شماره ٨٣، ص ١٢٨ - ١٥٤.
- زحيلي، دكتور وهبة بن مصطفى. (١٤١١هـ). *التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج*. الناشر: دار الفكر (دمشق - سورية). دار الفكر المعاصر (بيروت - لبنان).

پوهنمل صبغت الله غياثی

زحیلی، دکتور وهبة بن مصطفى. (۱۴۲۲ هـ). *التفسير الوسيط للزحيلي*. الناشر: دار الفكر - دمشق، الطبعة: الأولى.

سباعي، مصطفى بن حسني. (۱۴۱۸هـ). *هكذا علمتني الحياة*. الناشر: المكتب الإسلامي، الطبعة: الرابعة، دار الوراق.

غزالي، محمد السقا. (ب - ت). *جدد حياتك*. دار القلم.

غضنفری، ع.؛ محمدی نبی کندی، ب. (۱۳۹۰). *بررسی توسعه اقتصادی از منظر قرآن کریم*. مجله معارف قرآنی، دوره ۲، شماره ۷، ص

۱۰۳ - ۱۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی.

فیومی، أحمد بن محمد بن علي ثم الحموي، أبو العباس. (۱۴۱۲هـ). *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*. الناشر: المكتبة العلمية -

بيروت.

قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين. (۱۳۸۴هـ). *الجامع لأحكام القرآن الكريم*.

تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة.

المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية، مصر. (ب - ت). *بحوث حول الابتكار والتجديد في الإسلام*. القاهرة.

رویکردی بر توسعه پایدار و زیرساخت‌های صنعتی تحت شرایط تغییر اقلیم (منطقه مورد مطالعه حوضه کابل)

پوهنمل عبدالعزيز قاضی زاده^{۱*}، پوهنمل دکتور عزیز الرحمن جلال^۲، پوهنمل دکتور عبدالمنیر رحیمی^۳

۱. دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

۲. دیپارتمنت بیولوژی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول- ایمیل: Qazizada.aziz@gmail.com

چکیده

توسعه پایدار و زیرساخت‌های صنعتی در مواجهه با شرایط تغییر اقلیم به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در مدیریت منابع آب مطرح است. حوضه آبریز کابل، به عنوان یکی از حوضه‌های آبی مهم افغانستان، در معرض اثرات منفی تغییرات اقلیمی قرار دارد که می‌تواند تبعات سنگینی برای زیرساخت‌های صنعتی و منابع آبی آن به همراه داشته باشد. تغییرات اقلیمی، از جمله افزایش دما، تغییر الگوهای بارش، وقوع سیلاب‌ها و کاهش منابع آبی، تهدیدهایی جدی برای پایداری زیرساخت‌ها و توسعه پایدار در این منطقه ایجاد می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی راهبردهای توسعه پایدار و طراحی زیرساخت‌های صنعتی مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی در حوضه آبریز کابل انجام شده است. در این راستا، داده‌های بارندگی روزانه، ماهانه و سالانه در بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰ از ۲۸ ایستگاه‌های آب و هواشناسی محدوده منطقه مورد مطالعه از وزارت انرژی و آب کشور جمع‌آوری گردیده است. نقشه بارش با استفاده از نرم افزار GIS (سیستم اطلاعات جغرافیایی) و نقشه شیب روند با استفاده از سامانه گوگل ارث انجن و روش آنومالی شیب سنس، در بازه زمانی ۱۹۹۱-۲۰۲۰ ترسیم شده است. تحلیل تغییرات شدت بارندگی با استفاده از مدل PCI (شاخص پراکندگی بارش) انجام گرفت. شاخص پراکندگی بارش نشان می‌دهد که بارندگی در این حوضه بسیار شدید و با مدت زمان کوتاه است. داده‌های جریان آب (دبی) (۲۰۰۸-۲۰۲۰) با داده‌های تاریخی (۱۹۶۰-۱۹۸۰) تحلیل گردیده است. نتیجه نشان می‌دهد که تغییرات قابل توجهی در حجم جریان سطحی حوضه آبریز رودخانه کابل مشاهده نشده است، زیرا منبع تغذیه اصلی این حوضه آبریز، برف و یخچال‌ها را در بر می‌گیرد. اما پیامدهای منفی تغییر اقلیم منجر به کاهش ظرفیت منابع آب سطحی و زیرزمینی حوضه آبریز کابل گردیده است. این کاهش حدود ۴.۴ درصد، معادل ۱ میلیارد مترمکعب آب، برآورد شده است. بنابراین بر اثر تغییرات اقلیمی افزایش دما و تغییر الگوی بارش، احتمال وقوع سیلاب و خطرات مرتبط با آن و تنش در منابع آبی حوضه کابل در آینده جدی‌تر خواهد شد. از منظر علمی، بررسی دقیق‌تر تغییرات اقلیمی بر منابع آب و ارزیابی اثرات آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی و زیرساخت‌ها در حوضه کابل، می‌تواند به تدوین سیاست‌ها و راهبردهایی برای انطباق با تغییرات اقلیمی و حفظ پایداری کمک کند. این پژوهش می‌تواند در شناسایی راهکارهای مناسب برای مدیریت منابع آب، کاهش خطرات سیلاب و خشکسالی، و افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌های صنعتی در برابر تغییرات اقلیمی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، تغییر اقلیم، حوضه آبریز کابل، منابع آب.

^۱Google Earth Engine

^۲Theil-Sen's Slope

^۳Precipitation Concentration Index

An Approach to Sustainable Development and Industrial Infrastructure under Climate Change Conditions (Case Study: Kabul River Basin)

Seneor Teaching Assistant Abdulaziz Qazizada^{1*} Seneor Teaching Assistant Dr Azizurrahman Jalal², Seneor Teaching Assistant Dr Abdulmunir Rahimi³

1.3 Department of Geography, Faculty of Education, Alberoni University

2. Department of Biology, Faculty of Education, Alberoni University

* Corresponding Author Email: Qazizada.aziz@gmail.com

Abstract

Sustainable development and industrial infrastructure in the face of climate change represent one of the fundamental challenges in water resource management. The Kabul River Basin, as one of Afghanistan's key watersheds, is increasingly vulnerable to the adverse effects of climate change, which could have severe consequences for both its industrial infrastructure and water resources. Climate-related changes—such as rising temperatures, altered precipitation patterns, frequent flooding, and reduced water availability—pose serious threats to infrastructure resilience and sustainable development in the region. This study aims to explore sustainable development strategies and design climate-resilient industrial infrastructure within the Kabul River Basin. To achieve this, daily, monthly, and annual precipitation data from 1991 to 2020 were collected from 28 meteorological and hydrological stations across the study area, provided by the Ministry of Energy and Water. Precipitation maps were created using GIS (Geographic Information System), while slope trend maps were generated using Google Earth Engine and the Sen's slope anomaly method for the 1991–2020 period. The variability in precipitation intensity was analyzed using the Precipitation Concentration Index (PCI), which indicated that rainfall in the basin is highly intense and occurs over short periods. Surface water flow (discharge) data from 2008–2020 were compared with historical data from 1960–1980. The results showed no significant change in surface water volume in the Kabul River Basin, mainly because its primary water sources are snow and glaciers. However, the negative impacts of climate change have led to a reduction in surface and groundwater resources within the basin, estimated at approximately 4.4%, equivalent to 1 billion cubic meters of water. Consequently, due to climate change, rising temperatures, and shifting precipitation patterns, the risk of floods and associated hazards, as well as stress on water resources in the Kabul Basin, are expected to intensify in the future. From a scientific perspective, a more in-depth analysis of climate change impacts on water resources, along with evaluating its effects on various economic sectors and infrastructure within the Kabul Basin, can inform the development of adaptation strategies and policies to ensure sustainability. This research contributes to identifying effective solutions for water resource management, mitigating flood and drought risks, and enhancing the resilience of industrial infrastructure against climate change.

Keywords: Sustainable development, Climate change, Kabul River Basin, Water resources.

مقدمه

تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از چالش‌های مهم قرن حاضر، تأثیرات گسترده‌ای بر محیط‌زیست، منابع آب، کشاورزی و معیشت انسان‌ها در سراسر جهان داشته است. تغییر اقلیم یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث اقلیمی است. بیشتر اقلیم‌شناسان معتقدند که تغییرات گرمایی یا بارشی را نمی‌توان به عنوان نوسانات طولانی یا کوتاه‌مدت آب و هوا تفسیر کرد (امیدوار و همکاران، ۲۰۱۰).

تغییرات در ویژگی‌های بارش و دما باعث تغییر در دسترسی به آب می‌شود و پیامدهایی برای انسان و زیست‌کره دارد. مطالعات نشان می‌دهند که تغییر اقلیم یک تهدید جهانی است که پایداری بخش‌های مختلف سامانه‌ی زمین را مختل کرده است (پارسا و همکاران، ۲۰۲۴). افزایش دما و نوسانات بارش نیز می‌تواند بر دسترسی به آب و تولید محصول در آینده تأثیر بگذارد (رحیمی و همکاران، ۲۰۱۹؛ IPCC, 2021).

بنابراین، آگاهی از شرایط کنونی و پیش‌بینی‌های اقلیمی برای شناسایی آسیب‌پذیری‌ها و توسعه‌ی راهبردهای سازگاری با تغییرات اقلیمی بسیار ضروری است. جنگ‌های داخلی طولانی‌مدت، اقلیم متنوع، توپوگرافی پیچیده و کمبود ایستگاه‌های هواشناسی از عواملی هستند که مانع انجام تحقیقات گسترده در این زمینه شده‌اند. تاکنون تحقیقات علمی اندکی درباره‌ی رژیم جریان آب حوضه‌ی آبریز کابل صورت گرفته است؛ اما در این تحقیق تلاش شده است با استفاده از روش‌های متنوعی از جمله روش‌های آنومالی، شیب سنس، و مدل PCI به بررسی جریان آب سطحی پرداخته شود تا گوشه‌ای از خلأ تحقیقاتی پر گردد.

حوضه‌ی آبریز کابل به عنوان یکی از مناطق کلیدی افغانستان، نقش مهمی در تأمین منابع آب کشاورزی، شرب و شیرین و پایداری اقتصادی جمعیت مسکون این حوضه دارد. تغییرات اقلیمی که منجر به کاهش بارش و دما شده است، پیامدهای جدی بر منابع آبی و زیرساخت‌های صنعتی این منطقه داشته و چالش‌های متعددی را برای توسعه‌ی پایدار ایجاد می‌کند. تغییر الگوهای بارش و افزایش دما می‌تواند منابع آب سطحی و زیرزمینی را کاهش دهد، که این امر تأثیر مستقیمی بر تأمین آب صنایع، کشاورزی، و آب شرب شیرین برای شهر نشینان خواهد داشت. علاوه بر این، وقوع مکرر سیلاب‌ها و خشکسالی‌ها در این حوضه، زیرساخت‌های صنعتی را در معرض خطرات جدی قرار داده و برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای کاهش آسیب‌پذیری این زیرساخت‌ها را ضروری می‌سازد. این تغییرات همچنین بر تولید انرژی، سیستم‌های حمل‌ونقل، و مدیریت منابع آب تأثیرگذار هستند که همگی از

عوامل کلیدی برای دستیابی به توسعه پایدار در منطقه محسوب می‌شود. از منظر علمی، بررسی دقیق‌تر تغییرات اقلیمی بر منابع آب و ارزیابی اثرات آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی و زیرساخت‌ها در حوضه کابل، می‌تواند به تدوین سیاست‌ها و راهبردهایی برای انطباق با تغییرات اقلیمی و حفظ پایداری کمک کند. این بررسی‌ها می‌توانند در شناسایی راهکارهای مناسب برای مدیریت منابع آبی، کاهش خطرات سیلاب و خشکسالی، و افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌های صنعتی در برابر تغییرات اقلیمی مؤثر واقع گردد.

در نتیجه این تحلیل نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از چالش‌های اصلی پیش‌روی توسعه پایدار در حوضه کابل، نیازمند رویکردی جامع و علمی برای مدیریت پایدار منابع آبی و زیرساخت‌های صنعتی است. اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند به کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی و دستیابی به توسعه پایدار در منطقه کمک شایانی کند.

پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر، تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از چالش‌های جهانی، تأثیرات عمیقی بر منابع آب، امنیت غذایی و توسعه زیرساخت‌ها داشته است. تغییر در دما، بارش و شدت پدیده‌های حدی اقلیمی نه تنها کشورهای توسعه‌یافته بلکه کشورهای در حال توسعه‌ای چون افغانستان را نیز با تهدیدهای جدی مواجه ساخته است. با توجه به اهمیت منابع آب در توسعه پایدار و صنعتی، شناسایی روندهای اقلیمی و آثار آن‌ها در مناطق مختلف جهان پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است در زیر به شکل خلاصه به چند مورد پژوهش پرداخته شده است.

مولر اسکمید و همکاران (۲۰۲۱) این پژوهش در سطح جهانی به بررسی اثرات تغییرات اقلیمی بر دما و الگوهای بارش پرداخته است. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که افزایش دما و وقوع بارش‌های شدید با پراکندگی نامنظم، از پیامدهای شاخص تغییر اقلیم در بسیاری از مناطق جهان بوده است. این تغییرات سبب بروز خشکسالی در برخی مناطق و سیلاب در مناطق دیگر شده و پایداری منابع آب را به خطر انداخته است.

اشرف و همکاران (۲۰۱۲) در این تحقیق، تأثیر تغییر اقلیم بر الگوهای بارندگی و دمای مناطق مختلف ایران مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تغییر اقلیم باعث کاهش

پوهنمل عبدالعزيز قاضی زاده

بارش‌های منظم، افزایش بارش‌های شدید کوتاه‌مدت و همچنین افزایش میانگین دمای سالانه در برخی نقاط ایران شده است.

آذری و همکاران (۲۰۱۳) این پژوهش با هدف ارزیابی تغییرات اقلیمی در مناطق خاصی از ایران انجام شده است و تأثیر آن بر منابع آبی بررسی گردیده است. نتایج تحقیق بیانگر کاهش تدریجی بارش و افزایش نوسانات دما در بازه‌های زمانی مختلف بوده است که اثرات مستقیمی بر جریان رودخانه‌ها و تأمین منابع آبی داشته است.

بابار و همکاران (۲۰۱۶) این مطالعه در افغانستان انجام شده و یکی از پژوهش‌های پیشگام در بررسی تأثیر تغییرات اقلیم بر منابع آب در این کشور به‌شمار می‌رود. در این تحقیق، داده‌های دمایی و بارشی مناطق مختلف افغانستان تحلیل شده و نشان داده شده که گرایش به افزایش دما و کاهش بارش به‌ویژه در مناطق مرکزی کشور قابل توجه است.

برومند (۲۰۱۵) تحقیق در تحقیقی با تمرکز بر تحلیل تغییرات اقلیمی و اثرات آن بر منابع آب افغانستان انجام داده است. نتایج این پژوهش نیز حاکی از کاهش بارندگی‌های فصلی و افزایش دمای متوسط سالانه است که به کاهش جریان رودخانه‌ها و منابع سطحی انجامیده است.

مسترشد (۲۰۱۳) در پژوهشی، وضعیت تغییرات دما و بارش در افغانستان و تأثیر آن بر کشاورزی و منابع آب بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که کاهش بارش به‌ویژه در فصل زمستان و افزایش تدریجی دما در دهه‌های اخیر موجب کاهش بازده منابع آب سطحی شده است.

نصرتی (۲۰۱۸) نصرتی در این تحقیق به ارزیابی روندهای دمایی و بارشی در افغانستان پرداخته و با استفاده از روش‌های آماری، کاهش بارش در فصل بهار و افزایش دما در تابستان را به‌عنوان روندهای اصلی شناسایی کرده است. این روندها بر چرخه آب و مدیریت منابع تأثیر مستقیم دارند.

شرافت (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی الگوهای همدیدی بر بارش‌های سنگین افغانستان پرداخته است. نتیجه تحقیق ایشان نشان می‌دهد بارش‌های سیلابی متأثر از سامانه‌های جوی هند و سایبری شمال کشور می‌باشد.

^aBabar

^bBromand

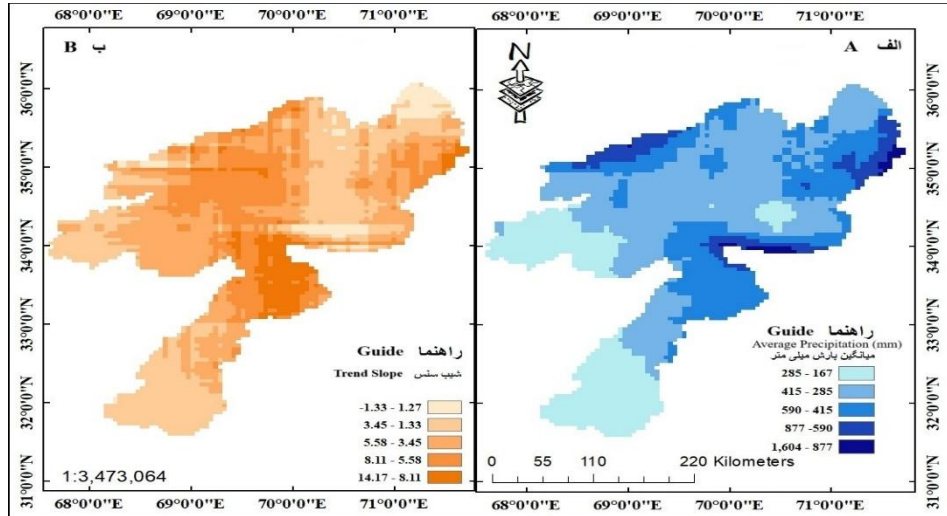
صالحی (۲۰۲۲) پژوهش صالحی با تمرکز بر حوضه آبریز کابل انجام شده و اثرات تغییرات اقلیمی بر الگوهای بارش، دما و منابع آب زیرزمینی را بررسی کرده است. این تحقیق نشان می‌دهد که کاهش قابل توجه منابع آب در این حوضه عمدتاً ناشی از افزایش دما و کاهش بارندگی زمستانی بوده است. اگرچه مطالعات جهانی و منطقه‌ای متعددی به بررسی تغییرات اقلیمی پرداخته‌اند، اما در افغانستان، به‌ویژه در حوضه‌های مهمی چون کابل، هنوز نیاز جدی به پژوهش‌های جامع، بومی‌سازی شده و داده‌محور وجود دارد. تحلیل دقیق این روندها می‌تواند به اتخاذ راهبردهای مؤثر در جهت انطباق با تغییر اقلیم، مدیریت منابع آب و حفاظت از زیرساخت‌های صنعتی کمک نماید.

روش تحقیق

به‌منظور بررسی منابع آب تحت شرایط تغییرات اقلیمی در مقیاس سالانه، از داده‌های زمینی ۲۸ ایستگاه هواشناسی در بازه زمانی ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۰ و داده‌های هوایی و بگاه ناسا (میرا ۲) استفاده شده است. در این فرایند نقشه بارش با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) ترسیم گردید و نقشه شیب روند با استفاده از سامانه گوگل ارث انجن و روش آنومالی شیب سنس ترسیم شده است. تحلیل تغییرات شدت بارندگی با استفاده از مدل PCI یا شاخص پراگندگی بارش انجام گرفت. برای تحلیل داده‌ها از سامانه گوگل ارث انجن و نرم‌افزارهای ArcGIS, Excel و SPSS نیز کار گرفته شده است.

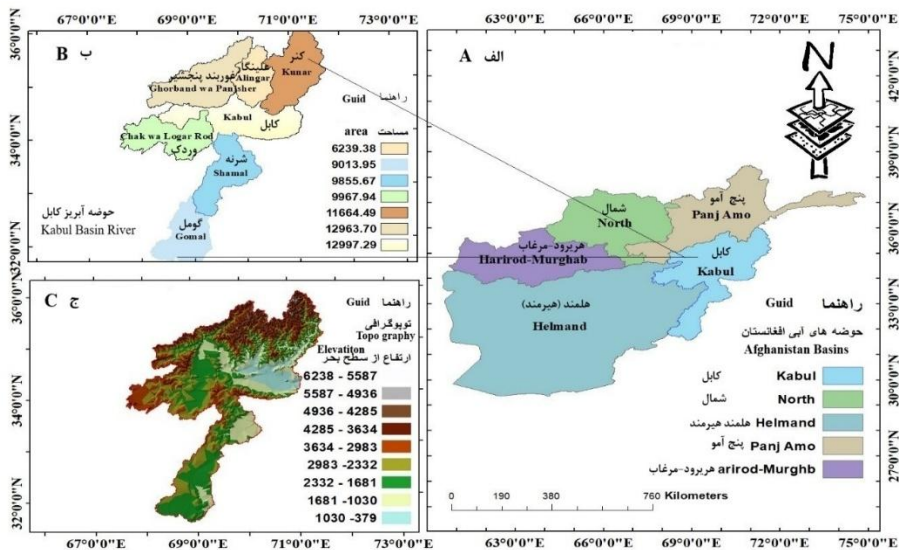
منطقه مورد مطالعه

حوضه‌ی کابل در شمال شرق افغانستان قرار دارد. این حوضه از طرف شمال به حوضه‌ی آمو، از طرف شرق به کشور پاکستان و از جنوب غرب به حوضه‌ی آبریز هیرمند (هلمند) متصل می‌باشد. استان‌های کابل، لوگر، میدان وردگ، پنجشیر، پروان، کاپیسا، لغمان، ننگرهار، کنر، نورستان، خوست، پکتیا و پکتیکا را در برمی‌گیرد. شکل (۱) مساحت کل حوضه‌ی آبریز کابل تقریباً ۷۶۹۰۸ کیلومترمربع است. حدود ۵۵ درصد از اراضی این حوضه ارتفاعات کوهستانی را تشکیل می‌دهد و بیش‌ترین مناطق آن در ارتفاعات بالاتر از ۲۵۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. ظرفیت منابع آبی قابل دسترسی این حوضه ۱۹۰ میلیارد مترمکعب است که از این مقدار، ۵/۲ میلیارد مترمکعب برای زراعت و سایر مقاصد مصرف می‌شود. رود کابل و شاخه‌های آن از دامنه‌های جنوبی هندوکش و کوه‌های مرکزی سرچشمه گرفته و پس از طی مسافتی به رود سند می‌ریزد (حسنزی، ۱۴۰۱).



شکل (۱): الف حوضه‌های آبی افغانستان، ب منطقه مورد مطالعه ج توپوگرافی

یافته‌ها



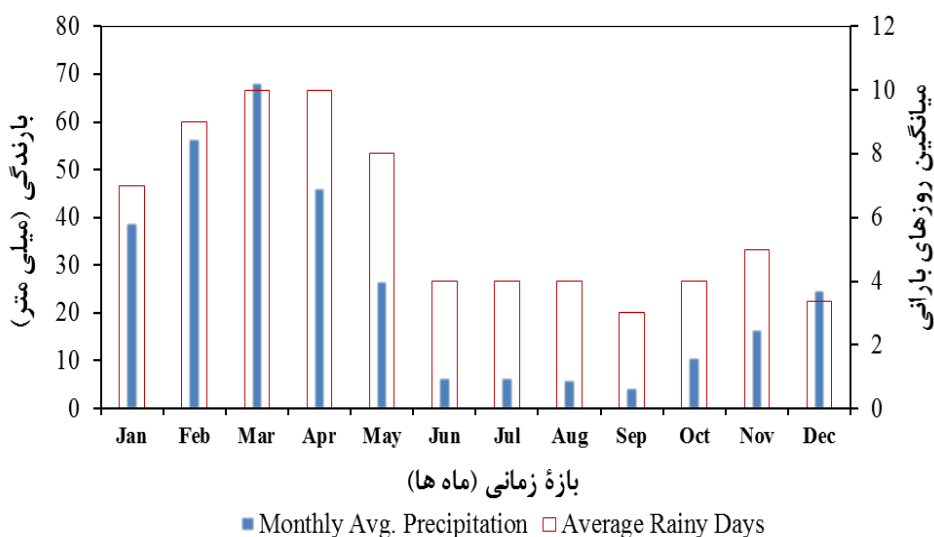
شکل (۲): (الف) نقشه بارش و (ب) نقشه شیب روند حوضه کابل.

شکل ۲- (الف) نقشه بارش، توزیع مکانی میانگین بلندمدت بارندگی را در حوضه کابل نمایش می دهد. رنگ های مختلف در این نقشه از آبی روشن تا آبی تیره، مقادیر متفاوت بارندگی را نشان می دهد. مناطق با رنگ آبی روشن نشان دهنده کمترین میزان بارندگی متوسط سالانه (۱۶۶ تا ۲۸۴ میلی متر) این مناطق اغلب در ارتفاعات پایین قرار دارد، جایی که بارش به حداقل می رسد. مکان های با رنگ آبی کمی تیره تر نشان دهنده مناطقی با بارندگی متوسط سالانه هستند. رنگ آبی تیره ترین نشان دهنده مناطقی با بالاترین میانگین بارش سالانه (۸۷۶ تا ۱۶۰۳ میلی متر) است. این مناطق در ارتفاعات بالاتر از ۳۰۰۰ متر قرار دارند و عمدتاً تحت تأثیر جریان های سایبری زمستانی، جریان مونسون، و بادهای مرطوب هند قرار می گیرند. این نواحی عمدتاً قسمت های شمال و شمال شرقی حوضه کابل را در بر می گیرند. در مقابل، بخش های جنوبی و جنوب غربی حوضه کابل کمترین میانگین بارش را نشان می دهد که با شرایط اقلیمی خاصی روبه رو است باید در برنامه ریزی های صنعتی و توسعه پایدار در نظر گرفته شوند.

شکل ۲- (ب) نقشه شیب روند بارش است که با استفاده از شیب سنس در بازه زمانی ۱۹۹۱-۲۰۲۰ حوضه کابل ترسیم شده است. این نقشه به بررسی تغییرات بارش در نقاط مختلف حوضه طی این بازه زمانی می پردازد. رنگ های مختلف در نقشه شیب روند، میزان و جهت تغییرات بارش در طول زمان را نشان می دهد. رنگ های روشن تر، نشان دهنده شیب منفی (بین ۱،۳۳- تا ۱،۲۷- میلی متر) هستند که بیانگر کاهش بسیار کم بارش در طول زمان است. رنگ های نارنجی تیره تر نشان دهنده بیش ترین شیب تغییرات بارش (بین ۸،۱۱ تا ۱۴،۱۷ میلی متر) در طول زمان هستند. این تغییرات می توانند نشانه ای از تغییرات اقلیمی منطقه ای یا جهانی باشند و در صورتی که شدت آن ها ادامه یابد، می توانند اثرات جدی بر زیرساخت های صنعتی، منابع آبی و به طور کلی توسعه پایدار حوضه کابل داشته باشد. کاهش بارش در برخی مناطق می تواند منجر به کاهش منابع آبی و آسیب به زیرساخت های صنعتی مرتبط با منابع آبی شود. تغییرات در الگوهای بارش می تواند اثرات عمیقی بر زیرساخت های صنعتی حوضه کابل داشته باشد. مناطق با بارندگی کم، به ویژه در بخش های جنوبی و جنوب غربی حوضه، ممکن است با بحران های منابع آبی مواجه شوند که این بحران ها می تواند به کاهش بهره وری صنایع وابسته به آب مانند کشاورزی، انرژی و صنعت آب و فاضلاب منجر شود. از سوی دیگر، افزایش بارش و وقوع سیلاب ها در مناطق شمالی و شمال شرقی می تواند به تخریب زیرساخت های حمل و نقل،

پوهنمل عبدالعزيز قاضی زاده

انرژی و مسکن در این مناطق منجر شود. بنابراین، درک دقیق تغییرات بارش و روند آن در حوضه کابل، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های تغییر اقلیم، برای مدیریت بهینه منابع و طراحی زیرساخت‌های مقاوم و پایدار ضروری است.

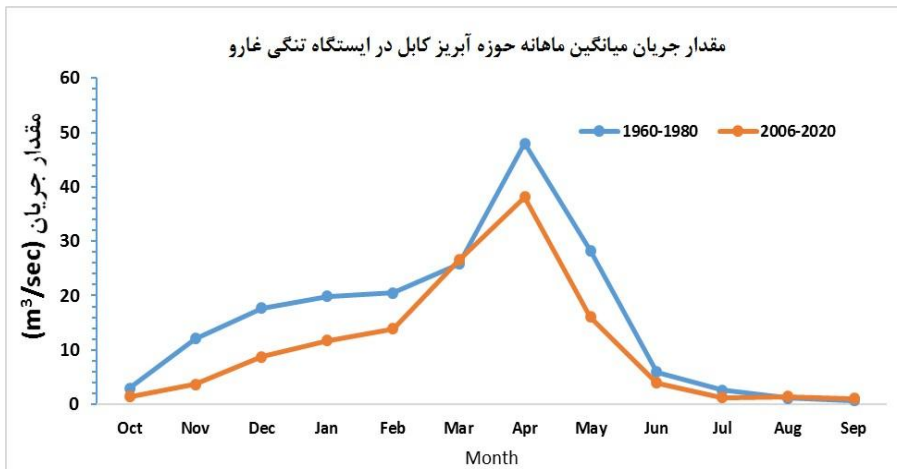


شکل (۳): میانگین بارش ماهانه درازمدت و روزهای بارانی حوضه کابل بازه زمانی ۱۹۷۹-۲۰۲۰.

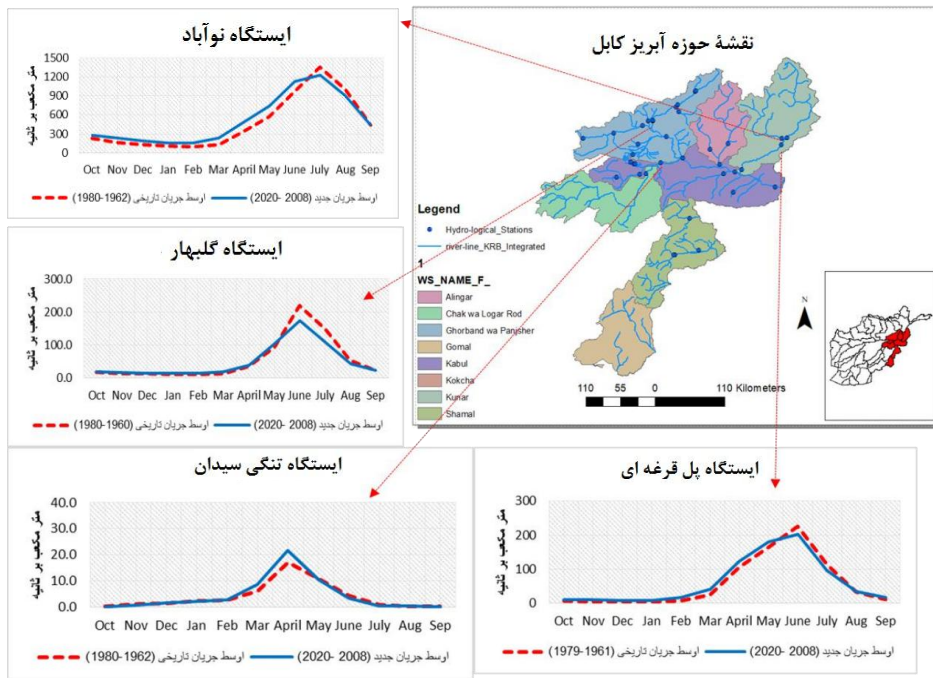
برای تحلیل تغییرات شدت بارندگی در حوضه آبریز کابل، از داده‌های بلندمدت بارندگی در بازه زمانی ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۰ و با استفاده از مدل شاخص پراکندگی بارندگی (PCI) استفاده شده است. طبق داده‌های ۱۹۷۹-۲۰۲۰، بیشترین میزان بارندگی در ماه‌های ژانویه تا می، تقریباً به ۷۰ میلی‌متر در ماه می‌رسد. این بازه زمانی با بیش‌ترین تعداد روزهای بارانی (۱۰ تا ۱۵ روز) همراه است. در مقابل، بارش‌ها در ماه‌های نوامبر و دسامبر محدود به چند روز هستند. این ویژگی‌های بارندگی نشان‌دهنده نوسان شدید در الگوهای بارش و توزیع زمانی آن است که به‌ویژه در فصل‌های بارانی به‌طور ناگهانی شدت می‌گیرد.

با توجه به نمودار (۳) شاخص پراکندگی بارندگی (PCI)، که بارش‌های شدید و دوره‌های بارش کوتاه مدت را نشان می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که حوضه آبریز کابل در معرض خطر وقوع

سیلاب‌های فصلی و ناگهانی است. این نوع بارش‌ها می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر زیرساخت‌های صنعتی، از جمله سیستم‌های حمل‌ونقل، انرژی و تولیدات صنعتی، داشته باشند. به‌طور خاص، بارندگی‌های شدید در زمان‌های کوتاه می‌تواند باعث ایجاد جریان‌های سطحی بالا و سیلاب‌های مخرب شود که به‌ویژه در مناطق با زیرساخت‌های ضعیف‌تر و در شرایط تغییرات اقلیمی، تهدیدی جدی برای پایداری این زیرساخت‌ها به شمار آید. از این رو، تحلیل تغییرات شدت بارندگی در حوضه آبریز کابل نه تنها به ارزیابی وضعیت کنونی بارش و منابع آبی کمک می‌کند، بلکه به مدیران و سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد تا پیش‌بینی‌های دقیق‌تری از شرایط اقلیمی آینده داشته باشند. این پیش‌بینی‌ها می‌تواند در برنامه‌ریزی برای مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها و تطبیق آن‌ها با شرایط تغییر اقلیم مفید باشد و گام‌های مؤثری برای دستیابی به توسعه پایدار در این منطقه برداشته شود.



شکل (۴): نمودار مقایسه مقدار جریان میانگین جدید و تاریخی در ایستگاه تنگی‌غارو حوضه آبریز کابل.

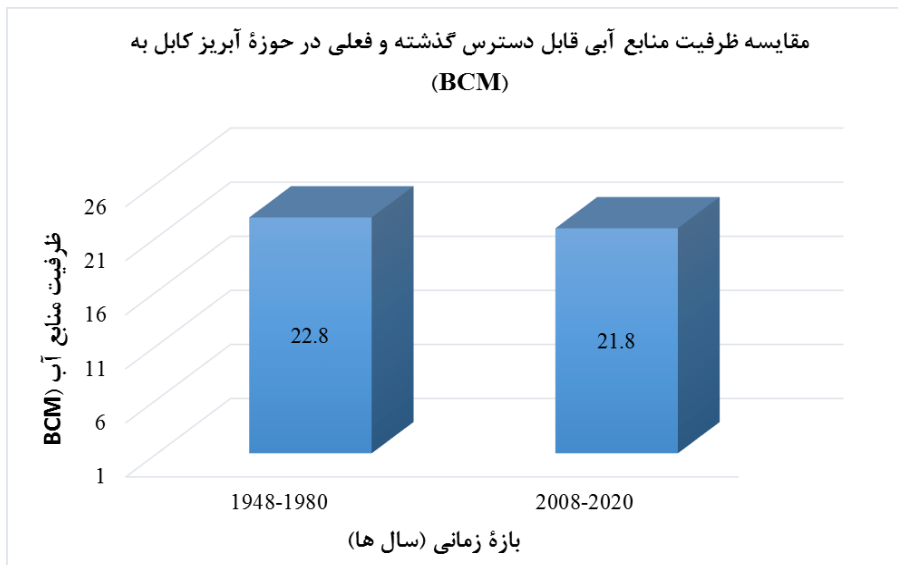


شکل (۵): موقعیت جغرافیایی و نمودار مقایسه مقدار جریان میانگین جدید و تاریخی در چهار ایستگاه حوضه آبریز کابل.

به منظور بررسی تأثیرات تغییرات اقلیمی بر رژیم جریان آب در حوضه آبریز کابل، ایستگاه تنگی غارو برای مقایسه میانگین جریان آب در دوره‌های مختلف انتخاب شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقادیر جریان آب در دوره جدید (۲۰۲۰-۲۰۰۸) از ماه اکتبر تا فوریه، نسبت به میانگین تاریخی (۱۹۶۰-۱۹۸۰) کاهش یافته است. این کاهش در دبی جریان آب می‌تواند نشانه‌ای از اثرات تغییرات اقلیمی بر الگوهای جریان آب باشد، که ممکن است به علت تغییرات در بارش‌ها، تبخیر و ذوب برف باشد. هم‌چنین، در ماه مارس، مقادیر جریان آب جدید و تاریخی به یکدیگر نزدیک می‌شود و تقاطعی مشترک ایجاد می‌کند. این تغییرات نشان‌دهنده روندی است که می‌تواند در بلندمدت اثرات منفی بر سیستم‌های آبی و به تبع آن بر زیرساخت‌های صنعتی مرتبط با منابع آبی، از جمله تولید انرژی هیدروالکتریک، کشاورزی و تأمین آب شرب داشته باشد (شکل ۴).

برای دقیق‌تر کردن تحلیل پیامدهای تغییر اقلیم بر منابع آبی حوضه آبریز کابل، چهار ایستگاه آب‌شناسی دیگر، شامل نواباد، گلبهار، پل قرغه‌ای و تنگی سیدان که در مناطق خروجی حوضه قرار دارند، به عنوان نمونه‌های تکمیلی انتخاب شده‌اند. بررسی داده‌های تاریخی و جدید این ایستگاه‌ها

نشان می‌دهد که حجم جریان آب سطحی تغییرات قابل‌توجهی نداشته است؛ زیرا منابع آبی این حوضه عمدتاً از پوشش برف و یخچال‌ها تغذیه می‌شود. با این حال، تغییرات رژیم جریان آب در بلندمدت می‌تواند تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای بر تمامی بخش‌های وابسته به منابع آبی، به‌ویژه بخش کشاورزی، بگذارد (شکل ۵) این تغییرات در رژیم آبی حوضه کابل، به‌ویژه در شرایط تغییر اقلیم، ممکن است موجب مشکلات جدی برای زیرساخت‌های صنعتی و کشاورزی شود، از جمله کاهش دسترسی به منابع آب در فصل‌های بحرانی، افزایش شدت سیلاب‌ها و تهدید به پایداری منابع آبی. به‌عنوان مثال، در بخش کشاورزی، که به شدت به منابع آب وابسته است، کاهش حجم جریان آب می‌تواند منجر به بحران‌های آبی و کاهش تولید محصولات کشاورزی شود.



شکل (۶): مقایسه ظرفیت منابع آب قابل دسترس در دو بازه زمانی ۱۹۴۸-۱۹۸۰ و ۲۰۰۸-۲۰۲۰

شکل ۶ نشان می‌دهد که در بازه‌ی زمانی ۱۹۴۸-۱۹۸۰، ظرفیت منابع آب حدود ۲۲٫۸ میلیارد مترمکعب (BCM) برآورد شده است، در حالی که این مقدار در بازه‌ی ۲۰۰۸-۲۰۲۰ به ۲۱٫۸ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است. نتایج تحلیل پتانسیل منابع آب در دو بازه زمانی (۱۹۴۸-۱۹۸۰) و (۲۰۰۸-۲۰۲۰) نشان می‌دهد که ظرفیت کلی منابع آبی حوضه کابل حدود ۴٫۴ درصد، معادل یک میلیارد مترمکعب (BCM)، کاهش یافته است. این کاهش به‌طور مستقیم پیامد تغییرات اقلیمی نظیر افزایش

دما، کاهش بارندگی در برخی فصول، و تغییر در روند ذوب برف و تغذیه آب‌های زیرزمینی است. چنین تغییراتی می‌توانند بر تداوم فعالیت‌های صنعتی و توسعه زیرساخت‌های پایدار تأثیر منفی بگذارند. کاهش منابع آبی سطحی و زیرزمینی می‌تواند پیامدهای متعددی داشته باشد، از جمله کاهش تولید انرژی هیدروالکتریک، کمبود آب برای مصارف صنعتی و شهری، و کاهش بهره‌وری کشاورزی. این چالش‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق برای مدیریت منابع آبی، از جمله بهینه‌سازی مصرف آب، ذخیره‌سازی کارآمد، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای حفظ و بازیافت منابع آبی هستند.

مناقشه

نتایج این مطالعه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین در افغانستان و مناطق دیگر همخوانی و تفاوت‌هایی دارد. تحقیقات (Sidiqi & Shrestha, 2021) در حوضه کابل کاهش بارش و افزایش دما را در آینده پیش‌بینی کرده‌است که با یافته‌های این پژوهش مبنی بر کاهش ۴٫۴ درصدی منابع آبی و تغییر الگوهای بارش هم‌راستا می‌باشد. هم‌چنین، پژوهش (Mayar, 2020) نشان داد که بارش‌های زمستانی کاهش یافته و بارش‌ها به فصول دیگر منتقل شده است، الگویی که در تحلیل PCI این مطالعه نیز به‌صورت شدت بالای بارش‌های کوتاه‌مدت تأیید شد. این تغییرات با روندهای جهانی گزارش‌شده توسط (IPCC, 2021) و (Müller Schmied et al., 2021) مبنی بر افزایش شدت بارش‌ها و کاهش بارش‌های جامد (برف) مطابقت دارد.

در مقایسه با مطالعات محلی، (Raoufi, Taqwa, & Attayee, 2024) افزایش دما در شهر کابل را گزارش کرده‌اند که با نتایج این پژوهش در مورد تأثیر افزایش دما بر ذوب برف و کاهش تغذیه منابع آبی همخوانی دارد. هم‌چنین، (Hedayat et al., 2024) و (Rahmati et al., 2024) به کاهش منابع آب سطحی و زیرزمینی در مناطق مختلف افغانستان اشاره کرده‌اند که با کاهش برآوردشده ۱ میلیارد مترمکعبی در حوضه کابل سازگار است. با این حال، برخلاف برخی مطالعات که تغییرات شدیدی در جریان آب سطحی گزارش کرده‌اند (مانند Safi & Rasikh, 2024)، این پژوهش نشان داده است که جریان سطحی حوضه کابل به دلیل تغذیه از یخچال‌های کوه‌های هندوکش تاکنون تغییر قابل‌توجهی نداشته است. این تفاوت می‌تواند به ویژگی‌های خاص جغرافیایی و اقلیمی حوضه کابل و وابستگی آن به منابع برفی مربوط باشد.

در سطح منطقه‌ای، یافته‌های این مطالعه با پژوهش‌های اشرف و همکاران (۲۰۱۲) و آذری و همکاران (۲۰۱۳) در ایران مشابهت دارد که افزایش دما و تغییر الگوهای بارش را گزارش کرده‌اند. با

این حال، کمبود ایستگاه‌های هواشناسی و داده‌های بلندمدت در افغانستان، همان‌طور که در این مطالعه و تحقیقات بابار و همکاران (۲۰۱۶) و نصرتی (۲۰۱۸) اشاره شده است، تحلیل‌های دقیق‌تر را محدود کرده است. در مجموع، این پژوهش با تأیید روندهای جهانی و منطقه‌ای تغییرات اقلیمی، بر ضرورت توجه ویژه به حوضه کابل به عنوان منطقه‌ای استراتژیک تأکید می‌کند و خلأ تحقیقاتی در زمینه زیرساخت‌های صنعتی را تا حدی پر کرده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی اثرات تغییرات اقلیمی بر منابع آبی، زیرساخت‌های صنعتی و توسعه پایدار در حوضه آبریز کابل انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی، از جمله افزایش دما، تغییر الگوهای بارش و کاهش ۴,۴ درصدی ظرفیت منابع آبی (معادل ۱ میلیارد مترمکعب)، تهدیدی جدی برای پایداری این حوضه به شمار می‌رود. اگرچه حجم جریان آب سطحی در بازه‌های زمانی مورد مطالعه (۱۹۶۰-۱۹۸۰ و ۲۰۰۸-۲۰۲۰) تغییرات قابل توجهی نشان نداده است، اما وابستگی این حوضه به برف و یخچال‌ها و کاهش تدریجی این منابع، زنگ خطر برای آینده منابع آبی و زیرساخت‌های وابسته به آن است. تحلیل شاخص پراکندگی بارش (PCI) نیز حاکی از شدت بالای بارش‌ها در دوره‌های کوتاه‌مدت است که خطر سیلاب‌های ناگهانی را افزایش می‌دهد و می‌تواند به زیرساخت‌های صنعتی، حمل‌ونقل و تولید انرژی آسیب برساند. یافته‌ها بر ضرورت طراحی زیرساخت‌های صنعتی مقاوم و اتخاذ راهبردهای سازگار با تغییرات اقلیمی تأکید دارد. کاهش منابع آبی سطحی و زیرزمینی، همراه با افزایش مخاطرات اقلیمی نظیر سیلاب و خشکسالی، نیازمند برنامه‌ریزی جامع برای مدیریت بهینه منابع آبی، افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌ها و حفظ توسعه پایدار در منطقه است. این مطالعه پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌گذاری‌ها بر ذخیره‌سازی آب، بهینه‌سازی مصرف و استفاده از فناوری‌های نوین متمرکز شود تا اثرات منفی تغییرات اقلیمی کاهش یابد. در نهایت، رویکردی جامع و مبتنی بر داده‌های علمی می‌تواند به توسعه پایدار حوضه کابل کمک کند و از پیامدهای بلندمدت تغییرات اقلیمی بر اقتصاد و معیشت منطقه جلوگیری نماید.

پیشنهادهای

۱. نصب ایستگاه‌های هواشناسی و هیدرومتری در نقاط کلیدی حوضه کابل برای نظارت دقیق دما، بارش، رواناب و برف.

پوهنمل عبدالعزيز قاضی زاده

۲. استفاده از داده‌های ماهواره‌ای و فناوری‌های نوین سنجش از دور برای جبران کمبود داده‌های زمینی.
۳. افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌های صنعتی و شهری با در نظر گرفتن سناریوهای تغییر اقلیم، به‌ویژه در برابر سیلاب‌ها و خشکسالی‌ها.
۴. احداث سدهای کوچک و بزرگ در بالادست رودخانه‌های حوضه‌کابل به‌منظور کنترل و مهار بارش‌های شدید.
۵. توسعه سیستم‌های ذخیره‌سازی آب مانند سدهای کوچک، حوضچه‌های تغذیه مصنوعی، و بهره‌گیری از روان آب باران.
۶. بهینه‌سازی مصرف آب در بخش‌های کشاورزی، شهری و صنعتی از طریق آموزش و فناوری.
۷. هماهنگی میان نهادهای مرتبط با محیط‌زیست، منابع آب، انرژی، صنعت و شهرداری‌ها برای مدیریت یکپارچه حوضه.
۸. تدوین برنامه‌های بلندمدت توسعه پایدار با مشارکت جوامع محلی، نهادهای علمی و سیاست‌گذاران.
۹. تحلیل‌های مدل‌سازی پیش‌بینی آینده اقلیم و منابع آب (استفاده از مدل‌های اقلیمی منطقه‌ای (RCMs) و مدل‌های هیدرولوژیکی برای سنجش سناریوهای آینده تا سال ۲۰۵۰ یا ۲۱۰۰).
۱۰. بررسی وابستگی صنایع به منابع آب در سطوح مختلف (بومی، شهری، منطقه‌ای) و اثرات بالقوه کم‌آبی.
۱۱. تحلیل تاب‌آوری زیرساخت‌ها در برابر مخاطرات ترکیبی (سیلاب + خشکسالی).
۱۲. استفاده از هوش مصنوعی و اینترنت اشیا برای مدیریت هوشمند منابع آب.

منابع

- آذری، م.، مرادی، ح.، ثقفیان، ب.، و فرامرزی، م. (۲۰۱۳). ارزیابی اثرات هیدرولوژیکی تغییر اقلیم در حوضه آبخیز گرگانرود. *نشریه آب و خاک علوم و صنایع کشاورزی*، ۲۷ (۳)، ۵۳۷. <https://sid.ir/paper/fa141329>
- اشرف، س.، بایگی، م. م.، کمالی، غ.، و داوری، ک. (۲۰۱۲). ارزیابی تغییر مصرف آب گندم و چغندرقد با توجه به اثرات تغییر اقلیم در دو دهه آتی در دشت‌های منتخب استان خراسان رضوی. *مجله آبیاری و زهکشی ایران*، ۶ (۲)، ۱۰۵.
- ۱۱۷- <https://civilica.com/doc/173377>
- امیدوار، ک.، و خسروی، ی. (۲۰۱۰). بررسی تغییر برخی عناصر اقلیمی در سواحل شمالی خلیج فارس با استفاده از آزمون کندال. *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۱ (۲)، بدون شماره صفحه. <https://ensani.ir/fa/article/231183>
- پارسا، س.، زرین، آ.، مفیدی، ع.، و داداشی رودباری، ع. (۲۰۲۴). پیامدهای تغییر اقلیم بر دما و بارش کشور افغانستان با تأکید بر حوضه‌های هیرمند و هریرود. *نشریه آب و توسعه پایدار*، ۱۱ (۱)، ۳۵-۳۸. <https://doi.org/10.22067/jwsd.v11i1.2312-1294>
- حسنزی، فضل حق. (۱۴۰۱). (بررسی و تحلیل پیامدهای تغییر اقلیم بر منابع آب در پنج حوضه آبریز افغانستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گرایش آب‌وهواشناسی فیزیکی، دانشکده فیزیک، دانشگاه یزد. <https://ganj.irandoc.ac.ir/>
- رحیمی، د.، و زارعی، ف. (۲۰۱۹). اثرات تغییر اقلیم بر حجم منابع آب و انتقال آب بین حوضه‌ای. *علوم مهندسی و آبیاری (مجله علمی کشاورزی)*، ۴۲ (۳)، ۶۱.
- ۷۴- <https://www.sid.ir/paper/fa217043>
- صالحی، ف. ا. (۲۰۲۲). تحلیل همدیدی برف‌های سنگین افغانستان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، گروه جغرافیا گرایش آب‌وهواشناسی). <https://ganj.irandoc.ac.ir/>
- شرافت، ا. (۲۰۲۰). مطالعه همدیدی حداکثر بارش‌های روزانه استان کابل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، گروه جغرافیا گرایش آب‌وهواشناسی). <https://ganj.irandoc.ac.ir/>
- هدایت، س. ج.، ابراهیمی خوسفی، م.، امیدوار، ک.، و شریفی پیچون، م. (۲۰۲۴). بررسی عوامل مؤثر بر منابع آب سطحی و زیرزمینی با استفاده از محصولات ماهواره‌ای (مطالعه موردی: کابل-افغانستان). *نشریه آب و توسعه پایدار*، ۱۱ (۱)، ۱۳-۲۴.
- https://jwsd.um.ac.ir/article_45256.html

پوهنمل عبدالعزيز قاضی زاده

مسترشد، م. (۲۰۱۳). شناسایی ویژگی‌های بارشی و دمایی در سرزمین افغانستان (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی).

<https://ganj.irandoc.ac.ir/>

نصرتی، ر. (۲۰۱۸). بررسی خشکسالی نیم‌قرن اخیر در کشور. کابل: ریاست اطلاعات و ارتباطات

عامه، اکادمی علوم افغانستان. <https://scholar.google.com/scholar>

IPCC. (2021). *The physical science basis: Working Group I contribution to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change*. Chapter 11, 955-917.

<https://doi.org/10.1017/9781009157896.011>

Müller Schmied, H., Pokhrel, Y., Felfelani, F., Satoh, Y., Boulange, J., Burek, P., Gädeke, A., ... & Wada, Y. (2021). Global terrestrial water storage and drought severity under climate change. *Nature Climate Change*, 11(3), 226-233. <https://doi.org/10.1038/s41558-021-01099-5>

Babar, Z. A., Zhi, X., Ge, F., Riaz, M., Mahmood, A., Sultan, S., Shad, M. A., Aslam, C. M., & Ahmad, M. F. (2016). Assessment of Southwest Asia surface temperature changes: CMIP5 20th and 21st century simulations. *Pakistan Journal of Meteorology*, 13(25), 1-15. <https://www.prdb.pk/article/assessment-of-southwest-asia-surface-temperature-changes-cm-190>

Bromand, M. T. (2015). *Impact assessment of climate change on water resources in the Kabul River Basin, Afghanistan* (Master's thesis). Environmental Systems and Civil Engineering, Ritsumeikan University, Shiga, Japan. Retrieved from

نقش سرمایه انسانی آموزش دیده در گذار افغانستان به توسعه صنعتی و پایدار

پوهنمل عنایت الله اکبری^{۱*}، پوهنیار نجیب الله مجددی^۲

۱. دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین الملل، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول-ایمیل: Enayatullah.akbari2@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سرمایه انسانی آموزش دیده در فرآیند گذار افغانستان به سوی توسعه صنعتی و پایدار انجام شده است. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل اسنادی، تلاش شده است تا ضمن تبیین جایگاه سرمایه انسانی در نظریه‌های توسعه، ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود افغانستان در این حوزه تحلیل گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم برخورداری افغانستان از جمعیت جوان و ظرفیت‌های بالقوه انسانی، ضعف در نظام آموزشی، کمبود مهارت‌های تخصصی، عدم انطباق آموزش با نیازهای بازار کار، و چالش‌های ساختاری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مانع بهره‌برداری مؤثر از این پتانسیل شده است. در نتیجه، گذار به توسعه صنعتی و پایدار مستلزم اصلاح بنیادین نظام آموزشی، تقویت مهارت‌آموزی، سیاست‌گذاری هدفمند و ایجاد پیوند میان آموزش، صنعت و بازار کار است. این تحقیق با بهره‌گیری از ادبیات نظری و تجارب بین‌المللی، راهکارهایی نظیر بازنگری نظام آموزشی با رویکرد مهارت‌محور، تدوین استراتژی صنعتی ملی، و ایجاد نهاد مستقلی همچون مرکز ملی توسعه سرمایه انسانی را برای بهره‌برداری مؤثر از سرمایه انسانی در مسیر توسعه صنعتی افغانستان پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: آموزش، افغانستان، انقلاب صنعتی، توسعه پایدار، سرمایه انسانی

The Role of Educated Human Capital in Afghanistan's Transition to Industrial and Sustainable Development

Seneor Teaching Assistant Enayatullah Akbari^{1*} Teaching Assistant Najibullah Mujadadi²

1. Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University

* Corresponding Author Email: Enayatullah.akbari2@gmail.com

Abstract

This study aims to examine the role of educated human capital in Afghanistan's transition toward industrial and sustainable development. Using a descriptive-analytical method based on document analysis, the research explores the theoretical foundations of human capital and assesses Afghanistan's capacities and structural challenges in this area. The findings indicate that despite Afghanistan's young population and potential human resources, weaknesses in the education system, lack of specialized skills, mismatch between education and labor market needs, and structural economic, social, and political barriers have hindered effective utilization of this potential. Therefore, a successful transition toward industrial and sustainable development requires fundamental reforms in the education system, enhancement of technical and vocational training, targeted policymaking, and the establishment of effective linkages between education, industry, and the labor market. Drawing on theoretical literature and international experiences, this study proposes key strategies for effectively utilizing human capital in Afghanistan's path toward industrial development. These include revising the education system with a skill-based approach, formulating a national industrial strategy, and establishing an independent institution such as a National Center for Human Capital Development.

Keywords: Afghanistan, education, human capital, industrial revolution and sustainable development.

مقدمه

جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به نقش انسان به عنوان عنصر محوری در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فناورانه پی برده است. برخلاف گذشته که توسعه عمدتاً بر اساس منابع طبیعی و سرمایه فیزیکی سنجیده می شد، سرمایه انسانی اکنون به عنوان دارایی راهبردی و اصلی ترین منبع رقابت پذیری و پیشرفت جوامع شناخته می شود. سرمایه انسانی به مجموعه ای از مهارت ها، دانش، تجربه، توانایی های فنی، سلامت جسمی و روانی و ویژگی های فردی اطلاق می شود که موجب افزایش بهره وری، کارایی و ارزش اقتصادی آن ها می گردد (شولتز، ۱۹۶۱).

در دنیای معاصر، موفقیت اقتصادی و اجتماعی کشورها دیگر صرفاً بر پایه منابع طبیعی یا فیزیکی سنجیده نمی شود، بلکه عامل اصلی تمایز میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کیفیت و بهره داری سرمایه انسانی آن ها است. هرچند سرمایه انسانی در برابر سرمایه فیزیکی (مانند ماشین آلات، زمین و پول) قرار دارد، اما نقش آن در توسعه اقتصادی، صنعتی و اجتماعی به مراتب از سرمایه فیزیکی مهم تر تلقی می شود، چون که سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید اند، در حالی که انسان ها عوامل فعالی هستند که از منابع طبیعی بهره داری نموده، سرمایه ها را متراکم ساخته و توسعه ملی را به جلو می برند.

کشورهای در حال توسعه، از جمله افغانستان، با چالش های اساسی در مسیر توسعه صنعتی مواجه اند. این کشورها هم با کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص که لازمه رشد پایدار صنعتی است روبه رو هستند و هم با مازاد نیروی کار غیرماهر. این عدم توازن ناشی از فقدان نظام مند آموزش عالی، مهارتی و فنی و ضعف سرمایه گذاری در سرمایه انسانی است. به باور تقوی و محمدی (۱۳۹۸) در این کشورها منابع طبیعی وجود دارد، ولی روش های تولید مناسب، مهارت های ضروری، بازارهای کامل و عوامل نهادی و اقتصادی برای استفاده مؤثر و عقلانی از این منابع برای ارتقای شرایط اقتصادی و اجتماعی محدود است. تجربه کشورهای موفق، مانند کرپای جنوبی، سنگاپور و ویتنام نشان می دهد که تمرکز بر آموزش فنی و سرمایه گذاری هدفمند بر نیروی انسانی می تواند ظرف کمتر از نیم قرن اقتصادهای کشاورزی را به قدرت های صنعتی تبدیل کند و بدون نیروی ماهر و آموزش دیده، هیچ صنعتی قادر به شکل گیری و پایدار ماندن نیست، حتی در کشورهایی با منابع طبیعی غنی. از طرف دیگر، تاریخ ثابت ساخته که در تمامی مراحل انقلاب های صنعتی - از انقلاب اول با محوریت نیروی

پوهنمل عنایت الله اکبری

بخار؛ تا انقلاب چهارم با محوریت فناوری‌های دیجیتال - عامل مشترک، وجود نیروی انسانی توانمند و آموزش دیده بوده است.

اهمیت این تحقیق در آن است که نشان دهد چگونه بهره‌برداری مؤثر از سرمایه انسانی می‌تواند مسیر توسعه صنعتی و پایدار را در افغانستان تسهیل کند و فرصت‌های راهبردی برای رشد اقتصادی و اجتماعی فراهم آورد. با وجود تلاش‌ها و حمایت‌های بین‌المللی در دو دهه گذشته و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و فنی، افغانستان هنوز نتوانسته است اقتصاد سنتی و واردات‌محور خود را به یک اقتصاد تولیدمحور، فناورانه و پایدار تبدیل کند. ضعف در بهره‌گیری از سرمایه انسانی آموزش دیده، نبود زیرساخت‌های صنعتی، ناتوانی دولت در جذب و حفظ نخبگان و کمبود پیوند میان آموزش و بازار کار از جمله عوامل اصلی این ناکامی محسوب می‌شود.

اهداف این پژوهش شامل تحلیل وضعیت سرمایه انسانی آموزش دیده در افغانستان، شناسایی موانع ساختاری و نهادی بهره‌برداری از این سرمایه و ارائه راهکارهایی برای تسهیل مسیر صنعتی‌شدن کشور است. این تحقیق از روش کتاب‌خانه‌ای و تحلیلی استفاده می‌کند و داده‌ها از منابع علمی، گزارش‌ها و تجربیات کشورهای موفق در مسیر صنعتی‌شدن جمع‌آوری و بررسی شده‌اند.

بر این اساس، مسأله اصلی این پژوهش آن است که چرا افغانستان تاکنون نتوانسته است از سرمایه انسانی آموزش دیده خود برای توسعه صنعتی و پایدار بهره‌برداری کند؟ چه موانع ساختاری، نهادی و سیاسی در این مسیر وجود دارد؟ و چگونه می‌توان مسیر صنعتی‌شدن کشور را هموار ساخت؟ بدون شک، پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برای استفاده بهینه از سرمایه انسانی و توسعه صنعتی کشور باشد.

پیشینه تحقیق

نقش سرمایه انسانی آموزش دیده در فرآیند توسعه صنعتی و پایدار، یکی از محورهای اصلی در ادبیات علمی و سیاست‌گذاری جهانی به شمار می‌رود. بر اساس دیدگاه عجم‌اوغلو و رابینسون (۲۰۱۲)، در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند»، کشورهای موفق در صنعتی‌شدن و توسعه اقتصادی، پیش از هر چیز بر آموزش و پرورش نیروی انسانی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این رویکرد در تجربه تاریخی انگلستان نیز مشهود است؛ به گونه‌ای که Crafts (۲۰۰۴) تأکید می‌کند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نیروی کار ماهر و موفقیت انقلاب صنعتی بریتانیا

داشته‌اند. هم‌چنین گزارش سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که سیستم‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، با ایجاد آمادگی شغلی در نیروی کار، می‌توانند روند صنعتی‌شدن را تسهیل نمایند (ILO, 2014).

در راستای این تحلیل نظری، غفاری و همکاران در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل نقش سرمایه‌گذاری در آموزش جهت تحقق توسعه پایدار» بر اهمیت آموزش، به‌ویژه آموزش محیط زیستی، در ایجاد بنیان‌های توسعه پایدار تأکید کرده‌اند. آنان توسعه سیاست‌های آموزشی و ارتقای درک عمومی از آموزش پایدار را برای تحقق اهداف بلندمدت توسعه‌ای ضروری می‌دانند. این یافته، با دیدگاه صدری و مرادی نیز همسوست. آن‌ها در مطالعه‌ای با عنوان «توسعه انسانی و فرهنگی در کشورهای اسلامی» نشان داده‌اند که اگرچه نرخ سواد و شاخص توسعه انسانی در دهه‌های اخیر در کشورهای اسلامی بهبود یافته، اما هنوز میان کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای اسلامی آفریقا شکاف چشمگیری وجود دارد. این تفاوت عمدتاً ناشی از وضعیت اقتصادی مناسب‌تر و سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش و زیرساخت‌ها در کشورهای حوزه خلیج فارس است.

در تأیید نقش تعیین‌کننده سرمایه انسانی در رشد اقتصادی، نظری و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه انسانی عامل پایداری در رشد اقتصادی کشورهای اسلامی از جمله افغانستان است. این پژوهش تأکید دارد که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی منجر به ارتقاء مهارت‌ها، توانایی‌ها و ارزش‌های کاری در نیروی کار شده و نقش اساسی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. این یافته با نتیجه‌گیری صادقی و عمادزاده (۱۳۸۲) نیز تطابق دارد. آن‌ها در تحلیل تأثیر آموزش عالی بر رشد اقتصادی، سرمایه انسانی را عاملی معنادار و مثبت در تحقق توسعه اقتصادی معرفی کرده‌اند. مطالعه سروری و همکاران (۲۰۱۳) با عنوان «بررسی نقش سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در پاکستان در دوره (۱۹۹۳-۲۰۱۲)» نیز نشان می‌دهد که میان سرمایه انسانی و رشد اقتصادی رابطه‌ای بلندمدت وجود دارد و عواملی همچون نیروی کار شاغل، هزینه‌های آموزش و جمعیت از متغیرهای اثرگذار محسوب می‌شوند.

مطالعه Bundala (۲۰۱۲) نیز در سطح بین‌المللی با استفاده از داده‌های ۴۰ کشور، رابطه قوی و معناداری بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی را تأیید کرده است. وی با بهره‌گیری از مدل‌های چندمتغیره، به این نتیجه رسید که رشد اقتصادی در کشورهای نمونه مستقیماً تحت تأثیر توسعه سرمایه انسانی قرار دارد. در همین راستا، کابوسکی (۲۰۰۹) نیز تأکید می‌کند که آموزش عالی می‌تواند از

پوهنمل عنایت الله اکبری

طریق ایجاد مهارت‌ها، ایجاد مشاغل جدید و تغییر ساختار عرضه نیروی کار، به رشد اقتصادی کمک کند. محمدی و تقوی در مطالعه‌ای درباره ایران نیز نتایجی مشابه ارائه داده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که رشد شاخص‌های سرمایه انسانی، مانند نرخ سواد و میانگین سال‌های تحصیل، طی چند دهه (دوره‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۱ و ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۱) تأثیر مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی ایران داشته است. با این حال، در افغانستان چالش‌های گسترده‌ای فراروی توسعه سرمایه انسانی قرار دارد. فاطمی (۲۰۱۷) در پژوهشی درباره آموزش‌های ارائه شده در افغانستان، تأکید می‌کند که بخش عمده‌ای از آموزش‌ها همچنان نظری و نامرتبط با نیازهای واقعی بازار کار هستند. او نبود هماهنگی میان آموزش و صنعت را یکی از عوامل اساسی عقب‌ماندگی صنعتی کشور می‌داند. در همین راستا، نورگل و همکاران (۲۰۱۹) به نقل از کتاب (راهنمای سیاست‌گذاری) اثر آنتونیو سوما، بر ضرورت توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای در افغانستان به عنوان ابزار بازسازی اقتصادی تأکید کرده‌اند. آنان معتقدند این بخش از نظام آموزشی به شدت تحت تأثیر جنگ‌های طولانی مدت آسیب دیده و احیای آن نیازمند سرمایه‌گذاری جدی در منابع انسانی و زیرساخت‌های آموزشی است. در همین زمینه، گزارش بانک جهانی (۲۰۱۸) بر نیاز فوری افغانستان به تقویت زیرساخت‌های آموزشی، هماهنگی میان آموزش و بازار کار و برنامه‌ریزی برای ایجاد مشاغل پایدار تأکید دارد. اگرچه دولت افغانستان طی دو دهه گذشته برخی اصلاحات آموزشی را در دستور کار قرار داده، اما همچنان در ایجاد پیوند اثربخش میان آموزش و نیازهای صنعتی ناکام مانده است.

در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که سرمایه انسانی آموزش دیده، به عنوان محرک کلیدی توسعه صنعتی و پایدار، نه تنها در کشورهای توسعه یافته، بلکه در کشورهای در حال توسعه و اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. افغانستان نیز با بهره‌گیری از این تجارب و سرمایه‌گذاری هدفمند در حوزه آموزش، می‌تواند از فرصت جمعیت جوان خود برای گذار به توسعه صنعتی بهره‌برداری نماید.

چارچوب نظری

۱. توسعه پایدار

توسعه پایدار رویکردی نسبت به توسعه است که به دنبال ایجاد توازن بین نیازهای مختلف زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. از توسعه پایدار تعبیرهای مختلفی صورت گرفته

است. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه معروف به کمیسیون (بروندلند) توسعه پایدار را چنین تعریف می‌کند: «توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را بدون خدشه وارد کردن به توانایی‌های نسل‌های آینده در تأمین نیازهای‌شان، تأمین نماید (WECD, 1987). به عبارت دیگر، توسعه پایدار به دنبال توسعه‌است که در آن برای نسل‌های فعلی و آینده از قلمروهای اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی صیانت و از تخریب آن‌ها جلوگیری شود (پورمند و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹). بدین ترتیب، توسعه پایدار سه قلمرو محیط‌زیست (شامل آب و پسماندها)، جامعه (شامل دسترسی عادلانه به آموزش، بهداشت و خدمات عمومی، توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و اقلیت‌ها، احترام به تنوع فرهنگی و قومی، همبستگی اجتماعی، صلح و امنیت انسانی و اقتصاد (شامل کاهش فقر و نابرابری‌های اقتصادی، ایجاد اشتغال پایدار و مولد، افزایش بهره‌وری و نوآوری، مدیریت مسئولانه منابع مالی و طبیعی و تقویت زیر ساخت‌های اقتصادی و مقاوم) را به هم مرتبط می‌سازد. تحقق این توازن و صیانت پایدار از سه قلمرو یادشده، در گرو حضور انسان‌های آگاه، متخصص و توانمندی است که با برخورداری از دانش، مهارت و تعهد اجتماعی، بتوانند توسعه را در مسیر پایدار و مسئولانه هدایت کنند.

۲. انقلاب صنعتی

انقلاب صنعتی به مجموعه تحولاتی در حوزه تولید، فناوری و سازماندهی اقتصادی اطلاق می‌شود که موجب جهش‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی می‌گردد. تاریخ تمدن بشری با نقاط عطفی نظیر انقلاب کشاورزی، انقلاب علمی، و انقلاب‌های صنعتی شکل گرفته است که هر یک تأثیرات عمیقی بر مسیر اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جوامع داشته‌اند. انقلاب کشاورزی، با انتقال از زندگی شکارچی-گردآورنده به سکونتگاه‌های دائمی، زیربنای جوامع پیچیده و ساختارهای اجتماعی پایدار را فراهم کرد. انقلاب علمی، با بهره‌گیری از روش‌های تجربی و عقل‌گرایی، علوم مدرن را پایه‌گذاری نمود. انقلاب‌های صنعتی نیز با معرفی فناوری‌ها و ماشین‌آلات جدید، بهره‌وری را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش دادند و شیوه‌های تولید و زندگی را متحول ساختند.

اولین انقلاب صنعتی با استفاده از نیروی بخار و مکانیزاسیون تولید آغاز شد، درحالی‌که انقلاب دوم، برق، تولید انبوه، و صنایع شیمیایی را توسعه داد. انقلاب سوم با ظهور فناوری‌های دیجیتال و

^۱World Commission on Environment and Development (WCED)

³ Brundtland Commission

کامپیوتری، پایه‌ای نوین برای ارتباطات و اطلاعات ایجاد کرد. در حال حاضر، انقلاب صنعتی چهارم با تمرکز بر هوش مصنوعی، اتوماسیون پیشرفته، و اتصال دیجیتال، تغییرات بنیادینی در کار، زندگی، و تعاملات اجتماعی ایجاد کرده است. این روند تدریجی که از قرن هجدهم آغاز شده، نه تنها مسیرهای تولید و زندگی را متحول ساخته، بلکه آینده‌ای پیچیده و نامشخص را پیش روی بشریت قرار داده است.

جدول ۱: انواع انقلاب صنعتی با تفکیک ویژگی‌های آن

شماره	نوع انقلاب صنعتی	زمان	ویژگی‌ها
۱	انقلاب صنعتی اول	قرن ۱۸ و ۱۹	۱. اختراع ماشین آلات جدید چون ماشین بخار و ماشین بافندگی؛ ۲. استفاده از ذغال سنگ به جای چوب به عنوان منبع انرژی در صنایع و تسهیل حمل و نقل افراد و کالاها؛ ۳. جایگزینی نیروهای انسانی و حیوانی با ماشین؛ ۴. ظهور کارخانه‌ها و انتقال تولید از خانه‌ها به کارخانه‌ها. ۵. تبدیل زمین‌های کشاورزی به کارخانه؛ ۶. افزایش تولید و ۷. مهاجرت مردم به شهرهای بزرگ‌تر.
۲	انقلاب صنعتی دوم (انقلاب فناوری)	اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰	۱. توسعه صنایع سنگین چون فولاد و آهن؛ ۲. ظهور منبع جدید انرژی (برق، گاز و نفت) مانند اختراع لامپ برق توسط توماس ادیسون؛ ۳. گسترش سامانه‌ها ارتباطی مانند اختراع تلیفون به وسیله الکساندر گراهام بل؛

۴. توسعه صنعت خودروسازی به ویژه توسط هنری فورد و ۵. استفاده از ماشین آلات تخصصی و گران قیمت.			
۱. توسعه رایانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال؛ ۲. اتوماسیون شدن صنایع؛ ۳. ظهور اینترنت، کامپیوتر و شبکه‌های ارتباطی جهانی؛ ۴. افزایش سرعت تولید از طریق سامانه‌ها کامپیوتری؛ ۵. کم اهمیت شدن نیروی انسانی در تولید؛ ۶. تسهیل در ارتباطات و تجارت جهانی و دسترسی به اطلاعات و ۷. افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها در صنایع.	دهه‌های ۱۹۷۰ به بعد	انقلاب صنعتی سوم (انقلاب دیجیتال)	۳
۱. اینترنت اشیاء (IoT)، هوش مصنوعی (AI) و رباتیک پیشرفته و تکنولوژی‌های بلاک چین؛ ۲. دیجیتالی شدن، ۳. چاپگر سه بعدی، محاسبات کوانتومی، ۴. افزایش سرمایه گذاری در نیروی انسانی و فناوری؛ ۵. افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها و ۶. تسریع فرآیندهای خودکار و هوشمند در کارخانه‌ها و صنایع.	در حال وقوع	انقلاب صنعتی چهارم (امروزه)	۴

منبع: نگارنده

پوهنمل عنایت الله اکبری

۳. سرمایه انسانی

سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع معاصر به شمار می‌رود. این مفهوم به دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها و سلامت افراد اشاره دارد که نقش اساسی در افزایش بهره‌وری، نوآوری و رشد پایدار ایفا می‌کند. در عصر حاضر که اقتصاد جهانی به سوی دانش‌محوری و فناوری‌گرایی حرکت می‌کند، سرمایه انسانی به عنوان محرک اصلی رقابت‌پذیری و تحول ساختاری کشورها شناخته می‌شود.

مفهوم «سرمایه انسانی» قدمتی هم‌پای نظریه اقتصادی دارد. آدام اسمیت نخستین اقتصاددانی بود که به مفهوم سرمایه انسانی اشاره کرد (Smith, 2003). او این موضوع را در کتاب مشهور خود «ثروت ملل» مطرح نمود و ارتقای توانایی‌های کارگران را به عنوان منبعی اساسی برای پیشرفت اقتصادی و رشد رفاه اجتماعی شناساند (Bottone, 2008: 7). تلاش‌های نخستین برای استدلال درباره مفهوم سرمایه انسانی از قرن ۱۷ انجام شده بود، طوری که گفته می‌شود نخستین استفاده رسمی از اصطلاح «سرمایه انسانی» در علم اقتصاد احتمالاً به اروینگ فیش در سال ۱۸۹۷ بازمی‌گردد. این اصطلاح بعدها توسط نویسندگان مختلف مورد استفاده قرار گرفت، اما تا اواخر دهه ۱۹۵۰ به عنوان بخشی جدی از زبان تخصصی اقتصاددانان درنیامد (کیکر، ۱۹۶۶). این مفهوم پس از انتشار مقاله معروف ژاکوب مینسر در نشریه اقتصاد سیاسی در سال ۱۹۵۸ با عنوان «سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و توزیع درآمد شخصی»، محبوبیت بیشتری یافت. سپس در دهه ۱۹۶۰ افرادی همچون مینسر، شولتز، دنیسون، بکر و میلر در سطح خرد و کلان به بحث سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی (آموزشی) و دریافتی افراد پرداختند (نادری، ۱۳۸۳). مبانی تئوری سرمایه انسانی به وسیله تئودور شولتز (۱۹۶۱) پایه‌گذاری شد که زمینه را برای اولین تیوری فراهم ساخت که منابع انسانی گونه‌ای سرمایه به شمار می‌روند (شولتز، ۱۹۶۱). به دنبال آن گری بکر تیوری سرمایه انسانی را توسعه و بیان کرد افراد به طور منطقی نرخ بازگشت سرمایه انسانی خود را در آموزش و مهارت‌آموزی را محاسبه می‌کنند (بکر، ۱۹۷۵).

سرمایه انسانی به زبان ساده به هر چیزی غیر از سرمایه فیزیکی از قبیل: اموال، تجهیزات و سرمایه مالی گفته می‌شود. سرمایه انسانی در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد چنین تعریف شده است: «مهارت‌هایی که نیروی کار دارا است و به عنوان یک منبع یا دارایی تلقی می‌شود». سازمان همکاری

^۴Human Capital

^۵Schultz

پوهنمل عنایت الله اکبری

و توسعه اقتصادی؛ سرمایه انسانی را این گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، شایستگی‌ها و سایر ویژگی‌هایی که در افراد تجسم یافته‌اند و در فعالیت‌های اقتصادی نقش ایفا می‌کنند» (OCED, 1998). عوامل و زمینه‌های متعددی وجود دارد که از طریق آن‌ها می‌توان سرمایه انسانی را کسب، توسعه و تقویت نمود. بر اساس یافته‌های پژوهشی، می‌توان پنج منبع اصلی برای شکل‌گیری و ارتقای سرمایه انسانی شناسایی کرد:

۱. توانایی‌های ذاتی: (Innate Abilities)

تفاوت‌های ژنتیکی، استعدادهای طبیعی و ظرفیت‌های ذهنی اولیه، پایه ابتدایی سرمایه انسانی را شکل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، افراد به‌طور طبیعی با سطوح متفاوتی از استعداد، توانایی و قابلیت یادگیری متولد می‌شوند که این تفاوت‌ها در تعیین و ارتقای سطح سرمایه انسانی آنان نقش مؤثر دارند.

۲. تحصیلات رسمی (Formal Education)

مکاتب، دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی به عنوان اصلی‌ترین بسترهای ساختارمند آموزش، نقش اساسی در انتقال دانش نظری و پرورش مهارت‌های پایه ایفا می‌کنند؛ این نهادها از بارزترین و ملموس‌ترین اشکال سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به شمار می‌روند.

۳. کیفیت آموزش و عوامل غیررسمی: (Quality of Schooling and Non-formal Inputs)

کیفیت مکاتب و پوهنتون‌ها، محیط یادگیری، و دسترسی به منابع آموزشی غیر درسی مانند کتاب، اینترنت و... تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری سرمایه انسانی دارد.

۴. آموزش‌های حین کار (On-the-job Training)

مهارت‌هایی که افراد پس از ورود به بازار کار، در محیط واقعی کسب می‌کنند، بخش مهمی از سرمایه انسانی کاربردی را تشکیل می‌دهد.

۵. تأثیرات پیش از ورود به بازار کار (Pre-labor Market Influences)

محیط خانوادگی، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، سلامت جسمی و روانی، و تعاملات اجتماعی در دوران کودکی و نوجوانی، بنیان‌های سرمایه انسانی را از سنین پایین شکل می‌دهند.

هر یک از عوامل فوق می‌تواند به سهم خود در شکل‌گیری دانش، مهارت، نگرش و شایستگی‌هایی نقش داشته باشد که فرد را قادر می‌سازد تا نقش مؤثرتری در جامعه و اقتصاد ایفا کند. با این حال،

پوهنمل عنایت الله اکبری

این پژوهش صرفاً به بررسی نقش آموزش دانشگاهی در شکل‌دهی سرمایه انسانی و تسهیل گذار افغانستان به سمت توسعه صنعتی و پایدار متمرکز است.

۴. آموزش

آموزش فرآیندی اساسی در توسعه انسانی است. در ساده‌ترین مفهوم، انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر است. آموزش به عمل یا فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، دانش، مهارت، شایستگی و کیفیت‌های مطلوب رفتار یا منش به فرد آموخته می‌شود (کوئن، ۱۳۹۳: ۱۹۴). به عبارت دیگر، فرایند یادگیری و توسعه‌ای که به افراد کمک می‌کند دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت مؤثر در جامعه و دستیابی به رفاه شخصی و اجتماعی را کسب کنند، آموزش گفته می‌شود. با توجه به نقش بنیادینی که آموزش در رشد انسانی، انتقال دانش، و پرورش مهارت‌ها و نگرش‌های اجتماعی ایفا می‌کند، این حوزه به عنوان یکی از ارکان کلیدی توسعه پایدار شناخته شده است. از همین رو، هدف چهارم از اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار سازمان ملل متحد (Agenda 2030) به «آموزش با کیفیت» اختصاص یافته است. این هدف بر تضمین آموزش فراگیر، عادلانه و با کیفیت برای همه و هم‌چنین ارتقای فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر تأکید دارد. در واقع، تحقق این هدف، زیرساختی برای دستیابی به سایر اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شود، چرا که تنها از مسیر آموزش است که می‌توان سرمایه انسانی توانمند، آگاه و مشارکت‌جو را برای ساختن جوامع پایدار و عادلانه پرورش داد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، در زمره تحقیقات توصیفی از نوع تحلیل اسنادی قرار می‌گیرد. این پژوهش بر مبنای شواهد حاصل از مطالعات اسنادی انجام شده است؛ به این معنا که داده‌ها، اطلاعات و یافته‌های مورد استفاده، عمدتاً از آثار و پژوهش‌های پیشین در حوزه موضوعی تحقیق استخراج شده‌اند. پیش از بهره‌برداری از این منابع، شاخص‌هایی نظیر تناسب با موضوع، اعتبار علمی و کفایت داده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق

آموزش، به‌ویژه آموزش رسمی (دانشگاهی) و فنی - حرفه‌ای، اصلی‌ترین عامل در تکوین سرمایه انسانی محسوب می‌شود. رابطه میان آموزش، سرمایه انسانی و توسعه پایدار و انقلاب صنعتی یک رابطه متقابل، چندلایه و پیوسته است. طوری که آموزش، با ایجاد دانش، مهارت و توانایی‌های

خلافتانه، زیرساخت لازم برای شکل‌گیری و ارتقای سرمایه انسانی را فراهم می‌سازد. سرمایه انسانی آموزش دیده، موتور توسعه صنعتی و فناوری پنداشته می‌شود؛ و این مجموعه، در قالب سیاست‌گذاری صحیح می‌تواند بستر توسعه پایدار را فراهم سازد. بنابراین، بدون آموزش و سرمایه انسانی توانمند، تحقق انقلاب صنعتی و توسعه پایدار عملاً ممکن نیست. آدام اسمیت، اقتصاددان معروف کلاسیک، معتقد است که آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه‌گذاری بر آنهاست. به عقیده او، انسان‌ها با آموزش به سرمایه مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولید آنها به صورت بهتری بهره‌مند گردد (Emadzadeh, 1995). تئودر شولتز که به پدر نظریه سرمایه انسانی معروف است، نیز از آموزش به عنوان نوعی از سرمایه‌گذاری یاد می‌کند و بیان می‌دارد که کلید توسعه اقتصادی خود انسان است، نه منابع مادی (غفاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه‌ی در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که همه‌ی این کشورها از آموزش توانمند و کارآمد برخوردار بوده و تمرکز خود را به جای گسترش منابع مادی و کالبدی، به گسترش دانش و سرمایه‌گذاری در بخش نیروی انسانی معطوف کردند.

سازمان ملل متحد با درک نقش بنیادین آموزش در تحقق توسعه پایدار، رویکردی نوین و میان‌رشته‌ای را با عنوان «آموزش برای توسعه پایدار» مطرح کرده است؛ رویکردی که هدف آن پرورش شهروندانی آگاه، مسئول و متعهد به ارزش‌های پایداری است. در این چارچوب، از دولت‌ها خواسته می‌شود تا آموزش را به ابزاری برای تغییر نگرش‌ها و رفتارها در جهت عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و رشد اقتصادی پایدار تبدیل کنند. این سازمان نقش آموزش را در توسعه پایدار در چهار محور اساسی تبیین کرده است: نخست، ارتقا و بهبود آموزش پایه به گونه‌ای که علاوه بر ارتقای سواد، به تقویت مهارت‌ها، دانش و کیفیت زندگی افراد برای رسیدن به حیات پایدار کمک کند؛ دوم، بازنگری در برنامه‌های درسی و آموزشی موجود با هدف گنجاندن اصول و ارزش‌های توسعه پایدار در تمامی رشته‌ها؛ سوم، ایجاد ذهنیت و آگاهی مشترک درباره اهداف پایداری در میان آحاد جامعه؛ و چهارم، تربیت نیروهای کاری توانمند که با دانش و مهارت کافی در مسیر تحقق پایداری در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نقش آفرین باشند (UNESCO, ۲۰۰۲). در این صورت می‌توان گفت که آموزش تنها زمانی به توسعه پایدار کمک می‌کند که بر بالا بردن نرخ باسوادی، ارتقای تفکر سیستمی و مهارت‌های ارتباطی، مدیریتی و تصمیم‌گیری، هم‌چنین

^۱Education for Sustainable Development (ESD)

پوهنمل عنایت الله اکبری

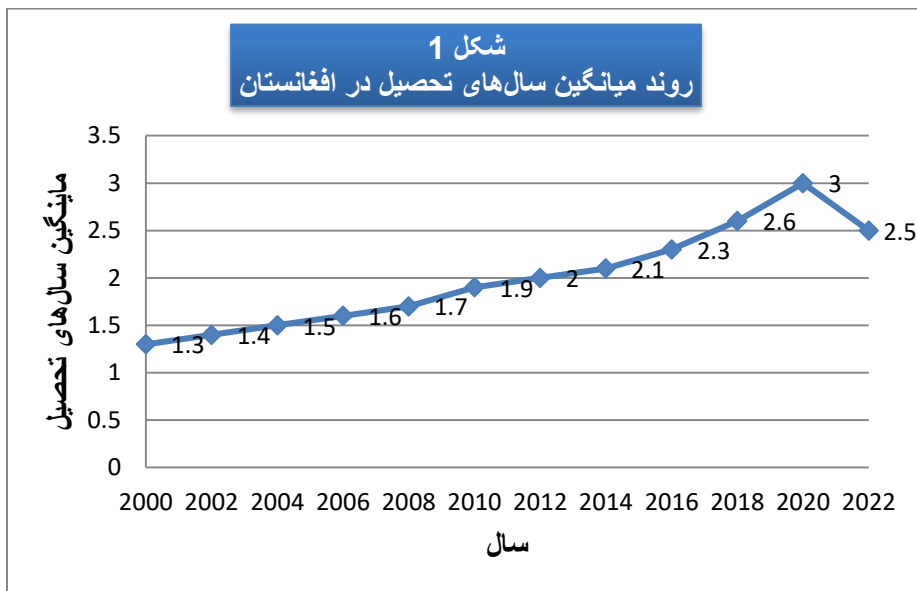
توانایی استفاده از فناوری‌های نوین تمرکز کند. علاوه بر این، پرورش خلاقیت، نوآوری و مشارکت‌جویی در افراد جامعه و توسعه دانش و مهارت‌های بهبود معیشت خانواده از دیگر محورهای مهمی است که آموزش باید به آن‌ها بپردازد (Todaro & Smith, 2010). به گفته غفاری و همکاران (۱۳۹۵)، نظام آموزشی که خروجی آن فاقد این ویژگی‌ها باشد، قادر به ترویج رفتارهای سازگار با توسعه پایدار نخواهد بود، چرا که توسعه پایدار بر پایه تعامل سازنده با طبیعت و جامعه و تضمین رفاه و عدالت بین‌نسلی استوار است.

تحلیل وضعیت آموزش در افغانستان میبین آن‌ست که تا سال ۲۰۲۲، بیش از ۴۰ دانشگاه و مؤسسه دولتی و حدود ۱۳۰ دانشگاه و مؤسسه خصوصی در سراسر کشور وجود داشت (MoHE, ۲۰۲۲). دسترسی به آموزش در افغانستان طی دو دهه اخیر، به‌طور چشم‌گیری افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که تعداد دانش‌آموزان از یک میلیون نفر در سال ۲۰۰۱ به ۱۰ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ رسید. تعداد دختران در مکاتب ابتدایی از صفر در سال ۲۰۰۱ به ۲٫۵ میلیون در سال ۲۰۱۸ رسید و در سال ۲۰۲۱، از هر ۱۰ دانش‌آموز در تعلیمات ابتدایی، ۴ نفر دختر بودند. علاوه بر این، تعداد دختران در تحصیلات عالی از حدود ۵۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۱ به حدود ۹۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت (UNESCO, 2021). این پیشرفت‌ها که با سرمایه‌گذاری‌ها و تلاش‌های بین‌المللی همراه بود، باعث افزایش نسبی میانگین سال‌های تحصیل شد.

میانگین سال‌های تحصیل یکی از شاخص‌های کلیدی^۴ در ارزیابی سطح توسعه انسانی است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) در گزارش‌های توسعه انسانی محاسبه و منتشر می‌شود. این شاخص نشان‌دهنده میانگین تعداد سال‌هایی است که افراد ۲۵ ساله و بالاتر در یک کشور در سیستم آموزشی گذرانده‌اند. افرادی که سال‌های بیشتری در نظام آموزشی سپری می‌کنند، معمولاً بهره‌وری بالاتری در بازار کار دارند و احتمال بیشتری برای مشارکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی دارند. این شاخص به‌ویژه در کشورهایی که در حال توسعه هستند، معیاری مهم برای شناسایی نقاط ضعف در نظام آموزشی و برنامه‌ریزی برای بهبود آن است. بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰، افغانستان با بهره‌گیری از کمک‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، توانست میانگین سال‌های تحصیل شهروندان خود را افزایش دهد. آمارها حاکی از آن است که این شاخص

^۴Mean Years of Schooling

از ۱,۳ در سال ۲۰۰۰ به ۳ در سال ۲۰۲۰ رسید؛ بااین حال، در سال ۲۰۲۲ با کاهش جزئی به ۲,۵ کاهش یافت. اگرچه این تغییرات بیانگر پیشرفت نسبی در دو دهه اخیر است، اما میانگین سال‌های تحصیل همچنان پایین‌تر از استانداردهای جهانی قرار دارد و نشان‌دهنده محدودیت‌های موجود در نظام آموزشی کشور است (Human Development Index, 2024).



منبع: نگارنده، با استفاده از داده‌های UDNDP

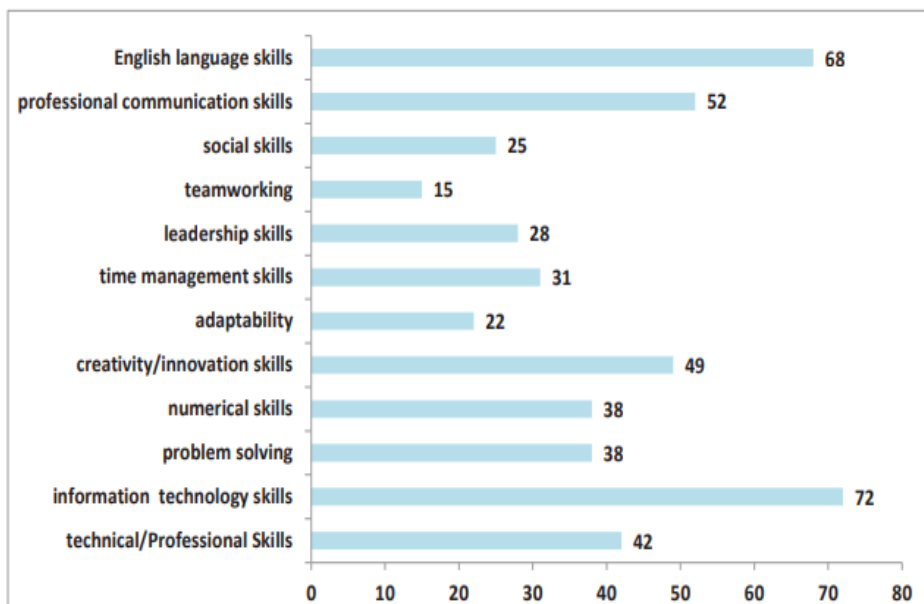
با این‌که نظام آموزشی، به‌ویژه آموزش عالی در افغانستان، طی دو دهه گذشته شاهد رشد کمی بوده است، اما در تربیت سرمایه انسانی آموزش‌دیده، کارآمد و متناسب با نیازهای توسعه پایدار همچنان با چالش‌های جدی روبه‌رو است. کیفیت پایین آموزش به دلیل کمبود استادان متخصص، نبود تجهیزات آموزشی مدرن، ناکافی بودن مراکز آموزش‌های فنی-حرفه‌ای و مهاجرت گسترده فارغ‌التحصیلان و استادان ناشی از فقدان فرصت‌های شغلی مناسب، از جمله موانع اصلی ارتقای سرمایه انسانی در کشور به شمار می‌روند (BBC, 2022). همچنین، ضعف در مهارت‌های زبانی،

^۸ به جز از مرکز آموزش‌های فنی - حرفه‌ای افغان کوریا در چارچوب وزارت کار و امور اجتماعی و چند نمایندگی‌های آن در ولایت کشور دیگر مراکز آموزش‌های فنی-حرفه‌ای در سطح کشور وجود ندارد.

آشنایی محدود با فناوری آموزشی، و غلبه آموزش نظری بر محتوای مهارتی و فنی، باعث شده است که نظام آموزش عالی در پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی بازار کار ناتوان باشد. افزون بر این، فقدان زیرساخت‌های ضروری مانند فضاهای آموزشی مناسب، آزمایشگاه‌ها و بودجه کافی، و نبود برنامه‌ریزی کلان برای جذب و بهره‌برداری از نیروی متخصص، مانعی در مسیر شکل‌گیری نیروی انسانی توانمند و متعهد ایجاد کرده است. در حالی که کشورهای دیگر با تأکید بر مهارت‌های نرم و عملی، آموزش را به ابزار مؤثری برای توسعه انسانی تبدیل کرده‌اند. برای نمونه، کارفرمایان مالزیایی بر تسلط بر زبان انگلیسی، دانش فناوری اطلاعات (ICT)، توانایی ارتباط مؤثر، و خلاقیت به عنوان اولویت‌های کلیدی نیروی کار تأکید دارند [شکل ۲]؛ و در سریلانکا، مهارت‌هایی چون تصمیم‌گیری، ابتکار، انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری به شدت مورد توجه قرار دارند [شکل ۳].

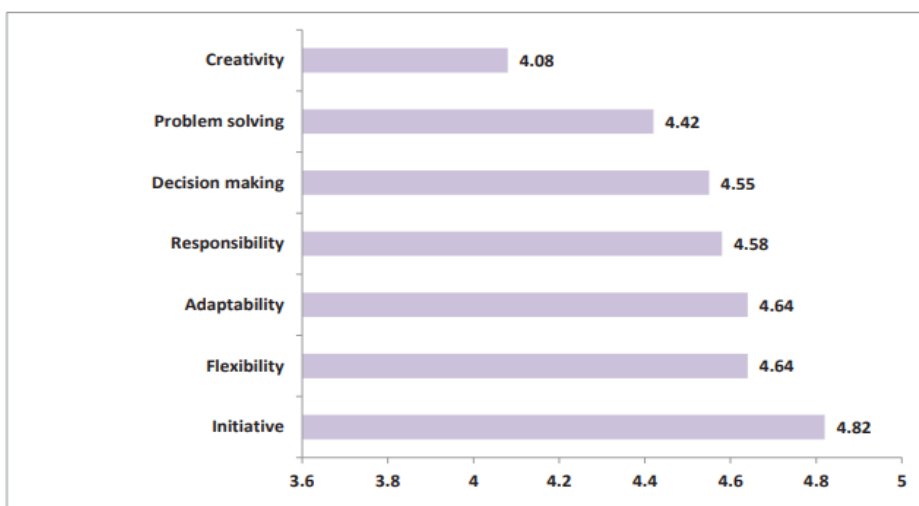
در همین راستا، تحولات ناشی از انقلاب صنعتی چهارم نیز ضرورت تربیت نیروی انسانی با مهارت‌های جدید و چندوجهی را برجسته ساخته است. انقلاب صنعتی چهارم که مبتنی بر فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، رباتیک، اینترنت اشیا و بیوتکنولوژی است، ساختار بازار کار جهانی را متحول کرده و انتظارات از نیروی کار را دگرگون ساخته است (اسلاملو و همکاران، ۲۰۲۴). در چنین شرایطی، نقش آموزش عالی در تربیت سرمایه انسانی آموزش‌دیده و سازگار با این تحولات بسیار حیاتی است. مهارت‌هایی مانند کار با فناوری‌های دیجیتال، حل مسائل پیچیده، تفکر بین‌رشته‌ای، توانایی همکاری و ارتباط مؤثر، و یادگیری مستمر و انطباق‌پذیری با تحولات فناورانه، در زمره‌ی شایستگی‌هایی قرار دارند که برای حضور مؤثر در بازار کار آینده ضروری‌اند (Brynjolfsson & McAfee, 2014; Frey & Osborne, 2017; Ada et al., 2021; Bühler et al., 2022).

شکل ۲: مهارت‌های شغلی کلیدی مورد نیاز کارفرمایان در مالزی



Source: World Bank (2010b)

شکل ۳: مهارت‌های نرم یا ویژگی‌های شخصیتی اولویت‌دار از دید کارفرمایان در سریلانکا

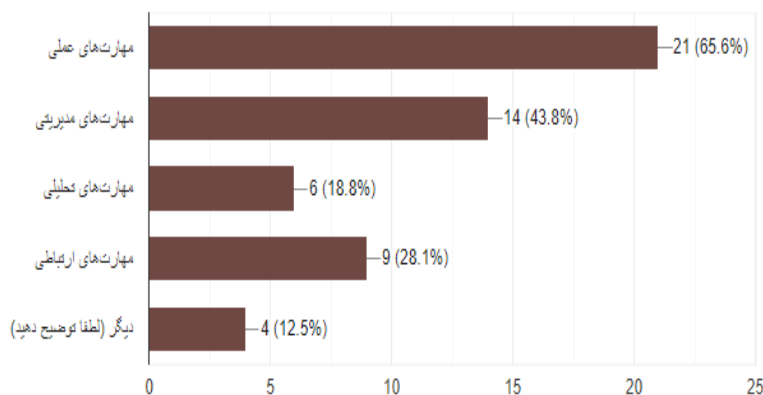


Source: World Bank (2012b)

این درحالی است که یافته‌های یک نظرسنجی انجام شده توسط دیپارتمنت علوم سیاسی پوهنچی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون البیرونی، که بر ارزیابی میزان کاربردی بودن آموزش‌های دانشگاهی در محیط کار تمرکز داشت، نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان فاقد مهارت‌های عملی، مدیریتی و ارتباطی لازم برای اشتغال هستند. از مجموع ۳۲ پاسخ‌دهنده، بیش از ۶۵٪ اعلام کردند که در طول تحصیل مهارت‌های عملی کافی نیاموخته‌اند، و حدود ۴۴٪ نیز به کمبود آموزش مهارت‌های مدیریتی اشاره کرده‌اند. ضعف در مهارت‌های ارتباطی (۲۸٪) و تحلیلی (۱۹٪) نیز از دیگر خلأهای شناسایی شده بود. این نتایج تأیید می‌کند که برنامه‌های آموزشی فعلی فاقد رویکرد مهارت‌محور و بازارگرا هستند (دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پوهنتون البیرونی، ۱۴۰۳).

چه مهارت‌هایی را که برای محیط کار لازم داشتید، در طول تحصیل نیاموختید؟ 9.

32 responses



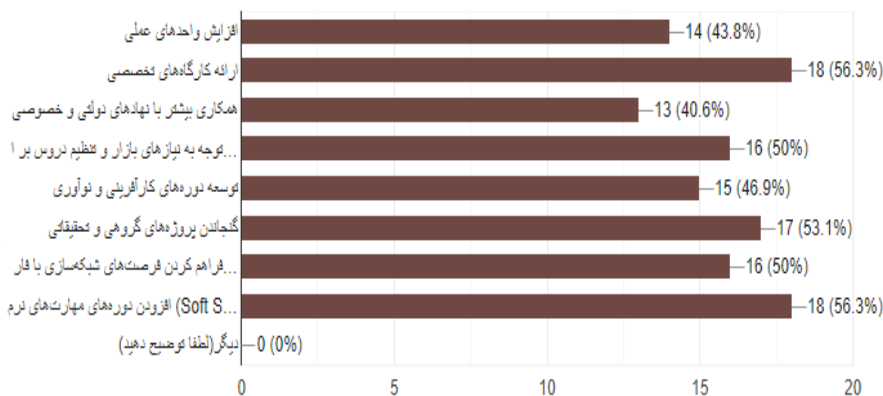
هم‌چنین در همین نظرسنجی، از فارغ‌التحصیلان پرسیده شد که برای آمادگی بهتر دانشجویان برای ورود به بازار کار، چه تغییراتی باید در نصاب تحصیلی ایجاد شود. پاسخ‌ها نشان می‌دهد که اکثریت شرکت‌کنندگان خواستار تحول برنامه‌های آموزشی به سوی مهارت‌محوری و انطباق با نیازهای واقعی اشتغال هستند. بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۵۶،۳٪) بر ضرورت برگزاری کارگاه‌های تخصصی و آموزش مهارت‌های نرم مانند ارتباط مؤثر، مدیریت زمان و کار تیمی تأکید داشتند. در کنار آن، ۵۰٪ بر تنظیم برنامه درسی بر پایه نیاز بازار و ایجاد فرصت‌های شبکه‌سازی با فارغ‌التحصیلان موفق اشاره کردند. هم‌چنین ۵۳،۱٪ خواهان گنجاندن پروژه‌های گروهی و تحقیقاتی در دروس، و ۴۶،۹٪ خواستار

پوهنمل عنایت الله اکبری

توسعه دوره‌های کارآفرینی و نوآوری شدند. درخواست افزایش واحدهای عملی (۴۳,۸٪) و تقویت ارتباط با نهادهای دولتی و خصوصی (۴۰,۶٪) نیز نشان‌دهنده مطالبه جدی برای آموزش‌های تجربی و کاربردی است.

چه تغییری در کاریکولم (نصاب تحصیلی) پیشنهاد می‌کنید تا دانشجویان بهتر برای ورود به بازار کار آماده شوند؟

32 responses

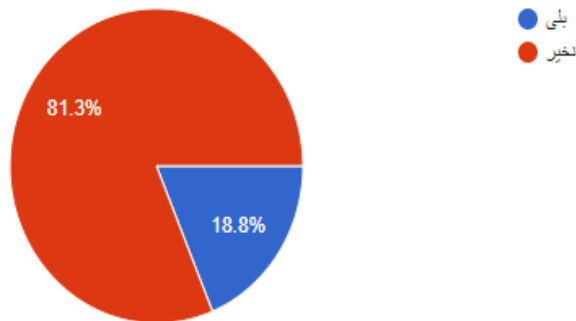


یافته‌های مربوط به فرصت‌های کارآموزی و تجربیات عملی نیز نشان می‌دهد که نظام آموزشی در فراهم‌سازی زمینه‌های تجربه‌محور برای دانشجویان ناکارآمد بوده است. از مجموع ۳۲ پاسخ‌دهنده، تنها ۱۸,۸٪ تجربه کافی در این زمینه داشته‌اند، در حالی که ۸۱,۳٪ به کمبود فرصت‌های عملی در دوران تحصیل خود اشاره کرده‌اند. این شکاف آشکار میان آموزش نظری و نیازهای واقعی بازار کار، میزان آمادگی سرمایه انسانی آموزش‌دیده برای ورود مؤثر به محیط حرفه‌ای را به شدت کاهش می‌دهد و بر ضرورت گنجاندن فعالیت‌های عملی و پروژه‌محور در برنامه‌های دانشگاهی تأکید دارد (دیارمونت علوم سیاسی پوهنتون البیرونی، ۱۴۰۳).

از این رو، نظام آموزش عالی افغانستان نیز برای ایفای نقش مؤثر در توسعه انسانی و صنعتی کشور، ناگزیر است به جای آموزش صرفاً نظری، بر پرورش مهارت‌های کاربردی و تجربه و بازارمحور تمرکز کند و از این طریق، سرمایه انسانی کارآمد، خلاق و سازگار با الزامات عصر دیجیتال و توسعه پایدار را تربیت نماید.

آیا در دوران تحصیل خود فرصت‌های کافی برای کارآموزی یا پروژه‌های عملی داشتید؟ 12.

32 responses



در عین حال، افغانستان از جمله کشورهایی است که ساختار جمعیتی جوان آن، یک ظرفیت استراتژیک برای توسعه محسوب می‌شود. طبق گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP، ۲۰۲۱)، حدود ۶۳ درصد جمعیت افغانستان زیر ۲۵ سال سن دارند؛ به عبارت دیگر، بیش از نیمی از جمعیت کشور در سنین آموزش، توانمندسازی و ورود به بازار کار قرار دارند. این ساختار جمعیتی اگر با برنامه‌ریزی هدفمند و سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه مهارت‌ها همراه شود، می‌تواند به شکل‌گیری سرمایه انسانی توانمند، خلاق و کارآمد منجر گردد که نقشی محوری در رشد اقتصادی، نوآوری، و توسعه پایدار کشور ایفا خواهد کرد. با این حال، نرخ بالای بی‌سوادی—که طبق گزارش سازمان ملل بیش از ۸۰ درصد زنان و نیمی از مردان را در بر می‌گیرد—نشان می‌دهد که بخش بزرگی از این جمعیت جوان از ابتدایی‌ترین مهارت‌های خواندن، نوشتن، درک و مشارکت اجتماعی محروم‌اند (آریانا نیوز، ۱۴۰۴).

این ضعف شدید در سواد پایه، همراه با نرخ بالای بیکاری و شرایط ناپایدار اقتصادی، منجر به مهاجرت گسترده نیروی کار تحصیل کرده و کاهش سرمایه انسانی شده و به شدت توان رقابت‌پذیری و ظرفیت توسعه‌ای کشور را نیز تضعیف کرده است. بنابراین، بدون اصلاح بنیادین در نظام آموزشی، به‌ویژه در ارتقای کیفیت و پوشش سواد عمومی، و ایجاد پیوند مؤثر میان آموزش، مهارت و اشتغال، نمی‌توان از ظرفیت نیروی انسانی به‌عنوان پیشران توسعه بهره‌برداری نمود. در غیر این صورت، بی‌توجهی به آموزش و عدم سرمایه‌گذاری کافی، این فرصت بالقوه را به تهدیدی جدی تبدیل خواهد

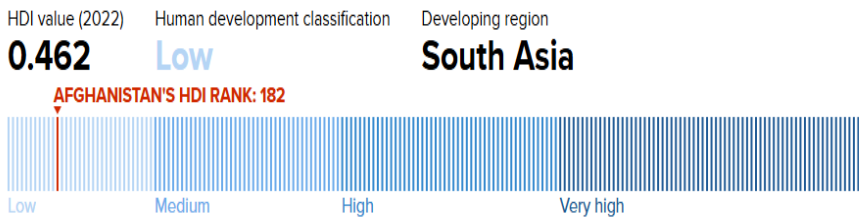
کرد که پیامدهای آن شامل بیکاری گسترده، فقر، مهاجرت نیروی کار متخصص، و افزایش بی ثباتی اجتماعی است. این شرایط همچنین زمینه را برای جذب جوانان به گروه های جرمی، باندهای تبهکار و سازمان های تروریستی فراهم می کند که تهدیدی بزرگ برای امنیت و توسعه پایدار کشور به شمار می آید.

مجموع مسائل فوق موجب گردیده تا افغانستان در شاخص توسعه انسانی در دسته کشورهای با توسعه انسانی پایین قرار گیرد. شاخص توسعه انسانی که توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) محاسبه می شود، یک ابزار آماری است که برای ارزیابی توسعه انسانی کشورها در سه بُعد زندگی طولانی و سالم، دسترسی به آموزش و استاندارد زندگی مناسب - به کار می رود. بُعد سلامت با امید به زندگی در بدو تولد ارزیابی می شود. بُعد آموزش از طریق میانگین سال های تحصیل برای بزرگسالان بالای ۲۵ سال و سال های مورد انتظار تحصیل برای کودکان در سن ورود به مکتب اندازه گیری می شود. بُعد استاندارد زندگی نیز با استفاده از درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI per capita) سنجیده می شود. برای محاسبه HDI، سه شاخص فوق به صورت جداگانه استانداردسازی می شوند و سپس میانگین هندسی آنها محاسبه می شود. به عبارت دیگر، برای هر کشور یک امتیاز بین ۰ و ۱ محاسبه می شود که نشان دهنده سطح توسعه انسانی آن کشور است. امتیازهای نزدیک به ۱ نشان دهنده سطح بالای توسعه انسانی و امتیازهای نزدیک به ۰ نشان دهنده سطح پایین توسعه انسانی هستند. بر اساس HDI، کشورها به چهار گروه تقسیم می شوند: کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا (نزدیک به ۱) مانند ناروی و سوئیس که بیشترین سطح رفاه را دارند؛ کشورهای با توسعه انسانی بالا (بین ۰,۷ تا ۰,۸) که همچنان با چالش هایی مانند نابرابری اقتصادی مواجه اند؛ کشورهای با توسعه انسانی متوسط (بین ۰,۵۵ تا ۰,۷) که مشکلاتی نظیر کمبود منابع آموزشی و بهداشتی دارند؛ و کشورهای با توسعه انسانی پایین (کمتر از ۰,۵۵) که اغلب با فقر، بحران های بهداشتی و آموزشی، و مشکلات اقتصادی روبه رو هستند.

طبق گزارش سال ۲۰۲۲ شاخص توسعه انسانی برنامه توسعه ای ملل متحد، افغانستان با امتیاز ۰,۴۶۲ در دسته کشورهای با توسعه انسانی پایین قرار دارد و در رتبه ۱۸۲ از میان ۱۹۳ کشور و قلمرو جهان جای گرفته است. بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲، ارزش شاخص توسعه انسانی افغانستان

^۱Human Development Index (HDI)

از ۰,۲۸۴ به ۰,۴۶۲ تغییر کرده است که نشان دهنده افزایش ۶۲,۷ درصدی است، اما این پیشرفت همچنان در مقایسه با سایر کشورها محدود بوده است (UNDP, 2024).



منبع: شاخص توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۲۴

در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که افغانستان با وجود ساختار جمعیتی جوان، علاقه‌مند، و آموزش‌پذیر و نیز برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه در بخش‌هایی کشاورزی، انرژی‌های تجدیدپذیر، و منابع طبیعی، هنوز آمادگی لازم برای ورود به مسیر توسعه صنعتی و پایدار را ندارد. ضعف در سرمایه‌گذاری آموزشی، کمبود مهارت‌های تخصصی، کمبود فقر ۱۰ منابع مالی و زیرساخت‌های حیاتی (همچون انرژی برق، جاده‌ها و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات)، ناتوانی در جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نامنی، بی‌ثباتی سیاسی و نبود سیاست‌گذاری منسجم برای حمایت از توسعه صنعتی و پایدار از جمله چالش‌های بنیادینی هستند که به‌طور مستقیم بر توسعه و پیشرفت کشور تأثیر می‌گذارد. تحقق‌گذار به توسعه صنعتی و پایدار، مستلزم اصلاح بنیادین نظام آموزشی، ارتقای مهارت‌های تخصصی، و تدوین سیاست‌های منسجم برای حمایت از سرمایه انسانی آگاه و توانمند است.

۱۰ بر اساس گزارش دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشر دوستانه سازمان ملل (Office for the Coordination of Humanitarian Affairs)، بیش از ۴۸ درصد از جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، که این امر تأثیر

مستقیمی بر توانایی آن‌ها برای مشارکت در انقلاب صنعتی دارد (OCHA, 2024).

۱۱ طبق گزارش بانک توسعه آسیایی (۲۰۲۱)، تنها ۳۴ درصد از جمعیت افغانستان به برق پایدار دسترسی دارند. علاوه بر این، گزارش بانک جهانی (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که افغانستان با محدودیت‌های جدی در زمینه دسترسی به اینترنت پرسرعت، پوشش شبکه تلفن همراه، و خدمات دیجیتال مواجه است.

برای گذار به توسعه صنعتی و پایدار، لازم است سرمایه انسانی خلاق و نوآور تقویت شود که این امر مستلزم اصلاح بنیادین نظام آموزشی، ارتقای مهارت‌های تخصصی و سیاست‌گذاری منسجم در حمایت از نیروی انسانی توانمند است. به عنوان مثال، توسعه همکاری‌های بین‌المللی، تقویت پیوند آموزش و صنعت، تشویق پژوهش و نوآوری، سرمایه‌گذاری در آموزش اساتید متخصص، بهبود زیرساخت‌های آموزشی و بازنگری برنامه‌های درسی، از مهم‌ترین اقدامات برای تحقق این هدف به شمار می‌آیند.

مناقشه

با توجه به نقش کلیدی سرمایه انسانی آموزش‌دیده به عنوان یکی از الزامات بنیادین برای تحقق انقلاب صنعتی و توسعه پایدار، دستیابی به این اهداف در افغانستان، از نظر تئوریک ممکن به نظر می‌رسد. چرا که آموزش باکیفیت، همراه با ارتقای مهارت‌های تخصصی، می‌تواند مسیر تحول اقتصادی، اجتماعی و فناورانه را هموار سازد. این موضوع، به ویژه در افغانستان با توجه به ساختار جمعیتی جوان و مستعد یادگیری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ظرفیت بالقوه‌ای برای تولید سرمایه انسانی خلاق، فناورمحور و نوآور فراهم می‌کند.

با تحلیل نتایج این پژوهش و مقایسه آن با یافته‌های پیشین، دو رویکرد متمایز درباره نقش سرمایه انسانی آموزش‌دیده در فرآیند صنعتی‌سازی و توسعه پایدار قابل شناسایی است. دیدگاه نخست، دیدگاه موافق است که بر اهمیت سرمایه‌گذاری راهبردی در آموزش و مهارت‌آموزی به عنوان زیربنای اصلی توسعه انسانی و پیش شرط گذار به انقلاب صنعتی تأکید دارد. در این نگاه، توسعه سرمایه انسانی آموزش‌دیده، به ویژه در حوزه‌های علوم، فناوری و مهارت‌های میان‌رشته‌ای، عاملی تعیین‌کننده در بهره‌برداری از ظرفیت‌های انقلاب صنعتی چهارم تلقی می‌شود.

در مقابل، دیدگاه چالش‌محور بر موانع ساختاری افغانستان تأکید دارد؛ از جمله ضعف زیرساخت‌های آموزشی، کمبود استادان و متخصصان، نبود دسترسی گسترده به فناوری‌های نوین، محدودیت‌های مالی، و ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی. این موانع، نه تنها فرآیند شکل‌گیری سرمایه انسانی آموزش‌دیده را مختل کرده، بلکه اثربخشی هرگونه سیاست آموزشی و صنعتی را نیز کاهش داده‌اند. از این منظر، بدون ایجاد پیش‌زمینه‌هایی چون امنیت پایدار، ثبات سیاسی، حمایت بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، دستیابی به انقلاب صنعتی از مسیر توسعه سرمایه انسانی در افغانستان امکان‌پذیر نخواهد بود.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که توسعه سرمایه انسانی آموزش‌دیده، ضرورتی بنیادین و اجتناب‌ناپذیر برای گذار افغانستان به صنعتی‌سازی و پایداری توسعه است؛ اما تحقق این امر نیازمند تحول بنیادین در نظام آموزشی، تقویت زیرساخت‌ها، و تدوین سیاست‌های هدفمند و هماهنگ با نیازهای جامعه و صنعت است. ارزش این تحقیق در آن است که ضمن تحلیل انتقادی دیدگاه‌های موجود، بر هم‌افزایی میان آموزش تخصصی، فناوری‌محوری و حکمرانی کارآمد به‌عنوان راهبردی برای ایجاد جهش صنعتی در افغانستان تأکید می‌ورزد.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، ضعف در تنوع محتوایی داده‌هاست. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، با بهره‌گیری از روش‌های میدانی، داده‌های دست‌اول و جامعه آماری گسترده‌تر، نقش آموزش، اصلاح سیاست‌های آموزشی و توسعه زیرساخت‌های مرتبط با انقلاب صنعتی در افغانستان به‌صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که افغانستان به‌رغم برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه چون جمعیت جوان و متمایل به یادگیری، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و نیز منابع طبیعی غنی، هنوز از نظر زیرساخت‌های آموزشی، صنعتی و فناوریانه برای ورود به مسیر توسعه صنعتی و پایدار آماده نیست. موقعیت حاشیه‌ای این کشور در تحولات جهانی، ناشی از عواملی چون ضعف نظام آموزشی، کمبود سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌محور، ناهماهنگی میان آموزش و بازار کار، و چالش‌های سیاسی و امنیتی، موجب شده تا نقش سرمایه انسانی آموزش‌دیده در فرایند صنعتی‌سازی و توسعه پایدار به درستی تحقق نیابد.

در چنین شرایطی، سرمایه انسانی آموزش‌دیده می‌تواند به‌عنوان پیشران توسعه صنعتی و ابزاری برای جبران عقب‌ماندگی فناوریانه عمل کند، مشروط بر آن‌که نظام آموزشی بازنگری اساسی شده و سیاست‌های آموزشی، صنعتی و اقتصادی به‌صورت هماهنگ تدوین و اجرا گردند. اصلاح ساختاری در محتوای درسی، تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ارتقاء زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، و ایجاد پیوند مؤثر میان نهادهای آموزشی و صنعت، از اقدامات کلیدی در این مسیر به‌شمار می‌روند. علاوه بر این، بهبود فضای امنیتی و ایجاد زمینه برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، به‌ویژه در حوزه‌های نوآورانه، می‌تواند زمینه‌ساز تربیت نیروی انسانی خلاق و توانمندی شود که توانایی مشارکت مؤثر در انقلاب صنعتی چهارم را داشته باشند. توسعه همکاری‌های بین‌المللی، استفاده از

پوهنمل عنایت الله اکبری

تجارب موفق سایر کشورها، و ایجاد نهادهای پشتیبان توسعه سرمایه انسانی نیز از دیگر ملزومات این گذار است.

در نهایت، گذار به توسعه صنعتی و پایدار در افغانستان، بدون ارتقاء کیفی و هدفمند سرمایه انسانی آموزش دیده، قابل تحقق نیست. از این رو، سرمایه گذاری در آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص، باید در مرکز راهبردهای توسعه محور کشور قرار گیرد.

پیشنهادهای

جهت تبدیل چالش ها به فرصت ها و تسریع فرآیند صنعتی سازی در افغانستان، ذیلًا چنین پیشنهاد می گردد:

۱. نظام آموزشی باید بازنگری شده و آموزش عالی به سمت مهارت محوری، عملی و میان رشته ای سوق داده شود.
۲. آموزش های فنی و حرفه ای باید توسعه یافته و استاندارد سازی شوند تا نیروی کار ماهر برای صنایع کوچک و متوسط تربیت شود.
۳. آموزش برای توسعه پایدار باید در نظام آموزشی نهادینه شده و مهارت های اجتماعی، محیط زیستی، کارآفرینی و شهروندی تقویت گردد.
۴. یک استراتژی صنعتی ملی باید تدوین و اجرا شود که اولویت های صنعتی، مناطق هدف و نقش نیروی انسانی را مشخص کند.
۵. پارک های صنعتی-دانشگاهی ایجاد شود تا دانشگاه ها به مراکز نوآوری و انتقال فناوری تبدیل شوند و ارتباط بین نخبگان و تولید تقویت گردد.
۶. حمایت ویژه ای از صنایع دانش بنیان مانند فناوری اطلاعات، انرژی تجدیدپذیر و فرآوری محصولات کشاورزی با محوریت فناوری، از طریق معافیت های مالیاتی، تسهیلات بانکی و خدمات مشاوره ای صورت گیرد.
۷. برنامه های تشویقی برای بازگشت نخبگان و مهاجرین تحصیل کرده اجرا شود تا از فرار مغزها جلوگیری گردد.
۸. نظام استخدام تخصص محور و شایسته سالار در نهادهای دولتی و خصوصی به منظور بهره گیری بهتر از سرمایه انسانی روی دست گرفته شود.

۹. نهادهای مستقل مانند مرکز ملی توسعه سرمایه انسانی تشکیل شود تا نیازهای مهارتی آینده را شناسایی، بازار کار را پایش و برنامه‌های توسعه منابع انسانی را طراحی کند.

منابع

آل عمران، ر و آل عمران، س، ع. (۱۳۹۱). سنجش اثرگذاری ارتقای سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو اوپک. فصلنامه تخصصی پارک ها و مراکز رشد، ۳۲. آریانا نیوز. (۱۴۰۴). نماینده ملل متحد: افغانستان یکی از بالاترین نرخ های بی سواد را دارد. برگرفته در ۱۵ سرطان ۱۴۰۳ از

<https://www.ariananews.af/fa/> نماینده ملل متحد-افغانستان-یکی از بالا

اکبری، ا. دیهیم، ج و دهنوی، م. (۱۳۹۵). نقش سیاست های آموزش عالی در تحقق برنامه های توسعه پایدار، <https://civilica.com/doc/705428>

پورمند، ح.، ذاکر صالحی، غ.، افهمی، ر.، و کریمی، س. (۱۳۹۹). چالش های تلفیق الگوی آموزش برای توسعه پایدار در آموزش عالی صنایع دستی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، (۲۶)، ۵۱-۷۲.

بی بی سی. (۲۰۲۲). فرار مغزها پس از تسلط طالبان؛ تنها از سه دانشگاه ۲۲۹ استاد کشور را ترک کرده اند؛

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-60200786>

تقوی، م و محمدی، ح. (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران. پژوهشنامه اقتصادی. ثابتی، م.، سپهر، م.، ه و احمد، ف. (۱۳۹۳). نقش آموزش عالی در توسعه ملی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم/شماره چهارم. دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین الملل پوهنتون البیرونی. (۱۴۰۳). ارزیابی میزان کاربردی بودن آموزش های تحصیلی.

صدری، ع و مرادی، س. (۱۳۹۶). توسعه انسانی و فرهنگی در کشورهای اسلامی؛ مطالعه شاخص نرخ سواد و مصرف اینترنت در کشورهای اسلامی. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره بیست و دوم، ۳۰۵-۳۲۹.

عمادزاده، م، خوش اخلاق، ر و صادقی، م. (۱۳۸۲). نقش سرمایه انسانی در رشد. مجله برنامه بودجه، ۴۹ (۵۰).

غفاری، ه.، یونسی، ع.، و رفیعی، م. (۱۳۹۵). تحلیل نقش سرمایه‌گذاری در آموزش جهت تحقق توسعه پایدار؛ با تأکید ویژه بر آموزش محیط زیست. فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار.

نادری، ا. (۱۳۹۳). یک ارزیابی بنیادی از مسائل و چالش‌های نظری و روش‌شناسی. فصلنامه علمی پژوهشی، ۳، ص ۲۲۵۱-۹۰۹۲.

نظری، ع. حسینی، س، ک و ارشد، ن. (۱۳۹۶). بررسی اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در افغانستان و کشورهای همسایه. فصلنامه کاتب، علمی و پژوهشی، ۴ (۵).

Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity, and poverty*. Crown Business. Crown Publishers, New York.

Asian Development Bank (ADB). (2021). *Infrastructure Development in Afghanistan*.

Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (2014). *The Second Machine Age: Work, Progress, and Prosperity in a Time of Brilliant Technologies*. W.W. Norton & Company.

Bühler, M. M., Jelinek, T., Nübel, K. (2022). Training and preparing tomorrow's workforce for the fourth industrial revolution. *Education Sciences*, 12(11), 782.

Bundala, N. (2012). *Economic Growth and Human Development; a link mechanism: An Empirical Approach* MPRA Paper. 47464

Guterres, A. (2019). *The Future Is Now: The Science for Achieving Sustainable Development*, Global Sustainable Development Report 2019. Department of Economic and Social Affairs, United Nations. Retrieved November 17 2020, from https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/24797GSDR_report_2019.pdf.

Crafts, N. (2004). Productivity Growth in the Industrial Revolution: A New Growth Accounting Perspective. *The Journal of Economic History*, 64(2), 521–535. <http://www.jstor.org/stable/3874783>

Emadzadah, M. (1995). *Education Economics*, Isfahan, University of Isfahan Press.

- Fatemi, M. (2017). *Gap Analysis Between Education and Industrial Needs in Afghanistan*. Kabul University Press.
- Frey, C. and Osborne, M. (2017) The Future of Employment: How Susceptible Are Jobs to Computerization? *Technological Forecasting & Social Change*, 114, 254-280.
<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2016.08.019>
- International Labour Organization (ILO). (2014). *Skills for Employment Policy: Bridging the Skills Gap for Industrial Growth*. Geneva: ILO Publications. Retrieved from https://www.ilo.org/sites/default/files/wcmsp5/groups/public/%40ed_emp/%40ifp_skills/documents/publication/wcms_216427.pdf
- Noor Gul., Khan, K., & Anwar, S. (2019). Development of small and medium enterprises through technical vocational and educational training in Afghanistan. *Kardan Journal of Economics and Management Sciences*, 2(4), 83–96.
<https://doi.org/10.31841/KJEMS.2021.47>
- OECD. (2020). *Education at a Glance*. Retrieved from https://www.oecd.org/content/dam/oecd/en/publications/reports/2020/09/education-at-a-glance-2020_19b01e87/69096873-en.pdf
- Schultz, T.W. (1961). Investment in Human Capital. *American Economic Review*, Vol, 51.
- UNESCO. (2021). *The Education for Sustainable Development (ESD) in Afghanistan*. Retrieved from <https://www.unesco.org>
- UNESCO. (2021) The right to education: What's at stake in Afghanistan? A 20-year review. Retrieved from <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000378911>
- World Bank (2012b). *Putting Higher Education to Work: Skills and Research for Growth in East Asia*. The World Bank, Washington DC.
- World Bank. (2018). *Afghanistan Development Update (Dari)*. Washington, D.C. : World Bank Group. Retrieved from <http://documents.worldbank.org/curated/en/506211539111192304/Afghanistan-Development-Update>
- World Bank. (2020). *Afghanistan: Digital Economy and ICT Development*. Retrieved from <https://www.worldbank.org>

پوهنمل عنایت الله اکبری

World Commission on Environment and Development. (1987).
“*O u r Common Future*”. O x f o r d: O x f o r d University Press.

بازتاب مفاهیم صنعت و تکنالوژی در مجموعه اشعار «ادب در فن» محمود طرزی بر

مبنای مفهوم واژگانی

پوهنمل دکتور نورالرحمن ناصح^۱، پوهنوال دکتور سید تسلیم کاویان^۲، پوهندوی دکتور رویدا احمدی^۳

۱. دیپارتمنت فارسی دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول-ایمیل: nasehnoorahman123@gmail.com

چکیده

محمود طرزی یکی از شخصیت‌های برجسته ادبیات معاصر افغانستان است که در آثارش به مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته که در این مقاله از روش کیفی در تحلیل داده‌ها برای رسیدن به اهداف تحقیق استفاده شده است. مجموعه اشعار "ادب در فن" او در راستای بازتاب مفاهیم صنعت و تکنالوژی، در بسیاری از ابعاد، می‌تواند نمایانگر نگرش‌های زمانه‌اش باشد. در این مجموعه، واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با صنعت و تکنالوژی به‌طور مستقیم، عاری از استعاره‌ها و تصاویر هنری به کار رفته‌اند. مفاهیم واژگانی در اشعار طرزی گاه با استفاده از ابزارهای جدید و پیشرفته زمانه و گاه با به‌کارگیری تصویری از ماشین‌ها و ابزارهای صنعتی، به‌عنوان نمادی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی معرفی شده‌اند. این تحقیق به‌صورت دقیق و عمیق روشن می‌سازد که طرزی تا چه اندازه توانسته با زبان شعر اهمیت صنعت و تکنالوژی را شرح دهد، در این پژوهش واژه‌هایی که بازگوکننده مفاهیم صنعت و تکنالوژی در اشعار طرزی‌اند انتخاب شده بر مبنای رویکرد زبان‌شناسانه مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته‌اند. در نتیجه، بررسی دقیق‌تر مفاهیم واژگانی به‌کاررفته در اشعار طرزی، نشان می‌دهد که وی توانسته است به‌طور ماهرانه‌ای بین مفاهیم مدرن و سنتی در پیوندی گسسته و درعین حال نوآورانه ارتباط برقرار کند. از این منظر، "ادب در فن" به‌عنوان یک اثر ادبی، بازتاب‌دهنده توجه شاعر به آینده‌نگری و توجه به تغییرات بنیادین در جامعه از طریق چشم‌اندازهای صنعت و تکنالوژی است.

واژه‌های کلیدی: ادب در فن، تکنالوژی، شعر، صنعت و مفهوم واژگانی

Reflection of Industrial and Technological Concepts in Mahmoud Tarzi's Poetry Collection "Adab dar Fan" Based on Lexical Concepts

Seneor Teaching Assistant Dr Noorul Rahman Naseh^{1*}, Associate Professor Dr Sayed Tasleem Kaveyan², Assistant Professor Dr Rowaida Ahmadi³

1. Department of Dari Persian, Faculty of Languages and Literature, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: nasehnoorahman123@gmail.com

Abstract

Mahmoud Tarzi is one of the prominent figures in contemporary Afghan literature, who has paid special attention to social, cultural, and economic issues in his works. In this article, a qualitative approach has been employed in data analysis to achieve the research objectives. his poetry collection "*Adab dar Fan*" reflects industrial and technological concepts, which, in many aspects, can represent the viewpoints of his era. In this collection, words and concepts related to industry and technology are used directly, without metaphors or artistic imagery. The lexical concepts in Tarzi's poems, sometimes with the use of the advanced tools of his time and at other times with the depiction of machines and industrial tools, are introduced as symbols of social and cultural changes. This research clearly and deeply demonstrates how Tarzi has succeeded in explaining the significance of industry and technology through the language of poetry. In this study, the words that convey the concepts of industry and technology in Tarzi's poems have been selected and analyzed based on a linguistic approach. Consequently, a more detailed examination of the lexical concepts used in Tarzi's poetry shows that he has skillfully established a link between modern and traditional concepts in a disconnected yet innovative manner. From this perspective, "*Adab dar Fan*" as a literary work reflects the poet's foresight and attention to fundamental changes in society through the lens of industry and technology.

Keywords: Adab dar Fan, industry, lexical concept, poetry and technology.

۱- مقدمه

محمود طرزی یکی از تأثیرگذارترین فرد در گستره نویسندگی در اوایل قرن بیست در افغانستان است. او تأثیر بزرگی در ساخت و مفاهیم شعر گذاشت. هر کلمه از شعر و نثر محمود طرزی نیاز به بررسی و تحلیل دارد، او مفاهیم صنعتی و نوگرایانه را ظریفانه در نوشته‌های خود به‌خصوص در "ادب در فن" جا داده است، نیاز است تا جنبه‌های مختلف از مفاهیم نهفته در نوشته او مورد بررسی قرار گیرد. مجموعه اشعار «ادب در فن» می‌تواند به‌عنوان یک نمونه از بازتاب تحولات صنعتی و فناوری در ادبیات عصر خود بررسی شود. این مجموعه انبوهی از مفاهیم صنعت تکنالوژی را با توجه به تحولاتی که در قرن بیستم در حوزه‌های مختلف علمی و صنعتی در جهان به وقوع پیوسته، انعکاس داده است. در این پژوهش این مفاهیم شرح و تفسیر شده‌اند، تا چگونگی و ارزشمندی دیدگاه یک نویسنده ده قبل در مورد انکشاف و ترقی جامعه واضح و اشکار گردد

این تحقیق با هدف تحلیل، شرح و تفسیر دقیق و علمی مجموعه اشعار «ادب در فن» با رویکرد واژگانی تدوین شده است.

در مورد محمود طرزی زندگی‌نامه، آثار، تجزیه و تحلیل شعر از نگاه‌های مختلف مقالات، کتاب‌ها و غیره به رشته تحریر درآمده است. در همایش‌های معتبر داخلی و خارجی پیرامون شخصیت موصوف بحث‌های زیادی صورت گرفته، به‌صورت خلاصه می‌توان از نویسندگان و موضوعات کارشده در ذیل اشاره کرد شفق (۱۳۹۱) بازگشت در شعر دری در افغانستان را مورد بررسی قرار داده است در این تحقیق به صورت بالقوه به محمود طرزی و شعر اشاره نموده است. قویم (۱۳۹۵) در تاریخ ادبیات معاصر دری در افغانستان به جایگاه ادبی محمود طرزی اشاره نموده و آن را یک از شاعران برجسته در عرصه شعر معاصر دانسته است، شمال (۱۴۰۰)، که در مورد زندگی‌نامه و فعالیت‌های سیاسی محمود طرزی اشاره نموده است، او موضوعی را تحت عنوان "بررسی شعر مدرن در افغانستان کار کرده است در این میان به محمود طرزی و آثار او پرداخته است. کرمانی (۱۴۰۲) درون مایه شعر دوره مشروطیت را به صورت کل مورد بررسی قرار داده و یکی از شاعران و نویسندگان آن دوره محمود طرزی بود است، او نقش و کارکردهای محمود طرزی در شعر مشروطیت قابل توجه دانسته است. محسنی (۲۰۱۹)، محمود طرزی را بنیان‌گذار شعر مدرن یا معاصر در افغانستان می‌داند در این میان یکی از ویژگی‌های این نوع شعر موجودیت کلماتی است که مفاهیم صنعتی داشته و اشعار محمود طرزی را در این میان برانزده است. واجد (۲۰۲۰) نقش آثار ادبی محمود طرزی در

پوهنمل دکتور نورالرحمن ناصح

اشعار معاصر فارسی دری در افغانستان را مورد بررسی قرار داده است. هم‌چنان نوسندگانی مانند؛ سهام (۱۳۹۶)، فرهادی (۱۳۸۷)، بیانفر (۱۴۰۲) نیز کارهای ارزشمندی در مورد انجام داده‌اند. بیشتر کارهای که در مورد شرح و تفسیر شعر موصوف صورت گرفته جنبه همه‌گانی و رویکرد کلی دارد، تفاوت این تحقیق با کارهای گذشته این است که در این پژوهش بیشتر جنبه واژگانی مسئله مورد نظر است یعنی اینکه کلمات و اشعاری که در آن‌ها مفاهیم صنعتی انعکاس یافته‌اند مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است، نویسنده مجموعه شعر «ادب در فن» محمود طرزی را بررسی نموده، واژه‌های که بار معنایی صنعت و تکنولوژی را برجسته نموده و به اهمیت آن پرداخته‌اند. مورد تحلیل، شرح و تفسیر نموده است.

اهمیت تحقیق فعلی را می‌توان از نگاه مختلف بررسی کرد، شرح و توضیح ابیات پیچیده طرزی، که در آن به مفاهیم صنعتی اشاره نموده است. این نگاه در عصر فعلی می‌تواند برای شکوهمندی جامعه، سعی و تلاش در راستای خودکفایی کشور، همبستگی مردم برای کار و رونق جامعه اثرگذار باشد. در نتیجه نشان دادن ابعاد مختلف تأثیرات صنعت و تکنولوژی در این اشعار به جامعه ادبی و فرهنگی، می‌تواند نقشی مهم در تبیین تحولات فکری و هنری در افغانستان ایفا کند.

۲. یافته‌ها

محمود طرزی پسر محمد طرزی در سال ۱۲۴۴ هجری در غزنی تولد شده است، محمود طرزی تحت تأثیر سید جمال‌الدین افغانی و اندیشه‌های او قرار داشت. پدر محمود غلام محمد طرزی نامه به او فرستاد تا محمود طرزی را آموزش داده تحت تأثیر افکار او قرار گیرد (طرزی م.، ۱۳۳۲).

محمود طرزی چندین ماه با سید جمال‌الدین به عنوان یک شاگرد سخت‌کوش ماند، انگیزه و هوشیاری او افزایش یافت تا آنجا که گویی سید جمال‌الدین معدن علم بود این همراهی هفت‌ماهه پربارتر از هفتاد سال گردش در سراسر جهان بود (Wajed, 2020).

سکونت و مطالعات محمود طرزی در دمشق حدود ۱۴ سال یعنی ۱۸۸۶-۱۹۰۰ م را در بر می‌گیرد. در این زمان پدر و ملا محمد اکرم هوتک از مرشدان علمی او بودند (فرهادی، ۱۳۸۷).

گفتار و اشعار طرزی شامل کلمات و عبارات زبان گفتاری بوده و حقایق را به صورت ساده بدون آرایه‌های ادبی منعکس کرده است تا همه به مفاهیم گفته‌های وی پی ببرند. نمونه از این گفته‌ها را می‌توان در «مرثیه مینا» به صورت وضوح مشاهده کرد.

پوهنمل دکتور نورالرحمن ناصح

مرغکان اینجه خوش نوایی‌ها اینجه پرواز و پرفشانی‌ها
اینجه جمعیت سرود آئین اینجه چرچر همه سرور آگین

(Mohseni, 2019)

غلام محمد غبار و محمد حیدر ژوبل هم از نخستین کسانی استند که با داوری واقع بینانه شعر محمود طرزی و هم کارانش را سست و افتاده عنوان کرده اند (شمال، ۱۴۰۰).
طرزی تأکید فراوانی بروطندوستی دارد. از نظر وی کسی که دلش خالی از عشق به وطن باشد، فرزند پاک وطن و هم‌میهن او نیست. او از مخاطبش می‌خواهد کمرهمت برای حفظ وطن و خدمت به آن ببندد (کرمانی، ۱۴۰۲).

کسی که در دل او نیست حب خاک وطن محقق است که او نیست نسل پاک وطن
به باور طرزی وطن‌دوستی نشانه ایمان‌داری است، تا آنجا که از خداوند بی‌نیاز درخواست می‌کند که دشمنان وطن زیر خاک شده و نابود گردند (احمدی، ۱۴۰۳).
محمود طرزی آن‌قدر به وطن عشق می‌رزید که کتابی به نام "افغانستان" را نوشت، چنانچه در جایی در مورد ولایت بلخ می‌گوید:

اندر مزار (بلخ) بیا و صفا ببین

او را مقام معنوی با صفا ببین (طرزی م.، ۱۳۳۰)

محمود طرزی در سال ۱۹۲۷م به ایران رفته و از آنجا به ترکیه اقامت نمود، موصوف در ۲۴ نومبر ۱۹۳۳م در استانبول درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد (طرزی، ۱۳۰۵).
محمود طرزی به غیر مقالات چاپ‌شده در سراج‌الانبار که تعداد آن به پنج صد می‌رسد (سیستانی، ۱۳۸۳) سی‌ویک کتاب و رساله منشور و منظوم به فارسی‌دری تألیف و ترجمه نموده است. آثار محمود طرزی را می‌توان به شرح ذیل نام گرفت:

دبستان معارف؛

سیاحت‌نامه سه قطعه روی زمین در بیست و نه روز آسیا، اروپا و افریقا؛

روضه حکم؛

حقوق بین الدول؛

از هر دهن سخن و از هر چمن سخنی؛

سعادت‌نامه در سعاده؛

تاریخ محاربه روس و جاپان؛ این کتاب دارای پنج جلد می باشد که عثمان ثنایی و علی فواد دو افسر عالی رتبه ترکی آن ها را نوشته اند (بیانفر، ۱۴۰۲).

پراکنده، وطن و معانی محاکات حکیمه آن، سیاحت دورادور کره زمین به هشتاد روز، سیاحت در جو هوا، بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر بحر، افغانستان، توحید خالق یگانه، ادب درفن، پراکنده، ژولیده و پژمرده، دیدنی ها و شنیدنی ها، مجموعه صنایع، مجموعه اخلاق، معلم حکمت، مختصر جغرافیای عمومی، جزیره پنهان، ترجمه ناول های ژول ورن، سراج الاطفال، آیا چه باید کرد، و برخی از آثار دیگر تا هنوز به چاپ نرسیده اند (سیستانی، ۲۰۰۴)

۲. ۱. مجموعه «ادب در فن» طرزی و درون مایه شعر آن

محمود طرزی شعر زمانی شعر می دانست که در عمل سودمند و کارآمد باشد. یعنی عنصر مفیدیت سیاسی - اجتماعی در شعر برای او اهمیت بیشتری داشت تا عنصر زیبایی شناختی. او علاقه داشت تا شعر به گونه صریح و عریان، آن گونه سروده شود تا شنونده و خواننده بدون تأمل به اهداف و اندیشه های شاعر دست یابد. او از شعر اراده آن را داشت که این گونه ادبی بتواند به ترقی اجتماعی و بهبود زندگی سیاسی - اجتماعی یاری رساند. از این نقطه نظر او به مضمون شعر توجه داشت تا به فرم آن. طرزی عمدتاً شاعر مضمون است. این نوع از دیدگاه و اندیشه محمود طرزی در گنجینه «ادب در فن» انعکاس یافته است. «ادب در فن» چنانکه در مقدمه، خود طرزی به آن پرداخته است. به تاسی از «محمودنامه» پنج کتاب سروده شده است. با این تفاوت که محمودنامه اشعار ادبی مملو از آرایه های لفظی است اما «ادب در فن» فارغ از این آرایه است. طرزی این اثر را با رعایت ردیف الفبا در قافیه انجام داده است.

با این همه بزرگ ترین اهمیت کار طرزی در زمینه شعر این است که برای نخستین بار مضمون پردازی به شیوه گذشته گان و خاصتاً مکتب هند را مورد پرسش قرار داد. شعر را با زندگی و جامعه پیوند زد. خواست تا شعر به جای مفاهیم انتزاعی دور از ذهن به بیان رویدادهای اجتماعی و سیاسی روزگار بپردازد.

در شعر محمود طرزی نه تنها مسائل تربیتی بازتاب یافته بلکه نابسامانی های روزگار درون جامعه شمرده شده، و راه بیرون رفت آن نیز بازتاب یافته است. طرزی در نوشته هایش کمبودی های اجتماعی را به صورت دقیق بر ملا کرده و می گوید «بس است صید بودند به طرف کشت زارها..... این حرف مستقیماً به امیر وقت بر می خورد و از گفتن آن هراس هم ندارد (سها، ۱۳۹۷)

پوهنمل دکتور نورالرحمن ناصح

محمود طرزی در اشعار خود علاوه از اینکه برای روشن کردن اذهان عامه اشاراتی دارد، از خرافه‌گویی نیز به عنوان یک پدیده زشت یاد نمود است، چنانکه در شعری به گونه "وقت سحر و ساحری بگذشت و رفت.... این موضوع به وضوح مشاهده می‌گردد (شفق، ۱۳۹۱)

طرزی در «ادب در فن» کوشیده است تا خواننده از طریق شعر با دست آوردهای دانش و فن‌آوری و تحولات سیاسی-اجتماعی آشنا شود. چنین است که اهمیت دانش و سواد، وطن‌دوستی، آزادی و آزادگی، اتحاد جهان اسلام، همبستگی ملی، همبستگی کشورهای خاورزمین و به همین گونه توصیف دست آوردهای فن‌آوری مانند ماشین، ریل، تلگراف، هواپیما، زغال سنگ و پدیده‌هایی از این دست موضوعات شعری او را می‌سازند.

«بگذشت و رفت» یکی از شعر معروف طرزی در «ادب در فن» است، او در این شعر به گونه جدی از پیشرفت در بخش‌های متفاوت در جهان صحبت می‌کند، نمونه از این شعر؛

وقت اقدام است و سعی و جدوجهد غفلت و تن‌پروری بگذشت و رفت

عصر عصری موتر و ریل است و برق گام‌های اشری بگذشت و رفت

تلگراف آرد خبر از شرق و غرب قاصد و نامه‌بری بگذشت و رفت

ابیات فوق وانمود می‌سازد که اشعار محمود طرزی بازتاب‌دهنده واژه‌های مملو از افکار صنعت و تکنالوژی اند.

در ذیل به بعضی اشعار که به موضوعات علمی و صنعتی در شعر محمود طرزی اشاره نموده است پرداخته می‌شود.

محمود طرزی جانبداری از علم و فن را در اشعار خود به صورت گسترده بازتاب داده است، چنانکه او غزل‌های خود را با وصف برق، ریل، تلفون، و غیره جمع کرده به شکل مجموعه «ادب در فن» چاپ نموده است. طبعاً این مجموعه خالی از آرایه‌های لفظی و ادبی است (قویم، ۱۳۹۵) از اینکه مبنای پژوهش حاضر مفاهیم واژگانی است به صورت فشرده موضوع را به بررسی می‌گیریم.

۲.۱.۱ تلگراف

شعر تلگراف یکی از قطعات معروف محمود طرزی است که در اثر شعری او «ادب در فن» آمده است. طرزی در این قطعه شعر خود اهمیت تلگراف را بیان می‌کند. او یاد آور می‌شود که تلگراف و دیگر وسایل ارتباطی مدرن مدیون علم است.

چیست آن سیمی که گویندش خطوط تلگراف

کو خبر آرد یک لحظه تو را از کوه قاف
اسم اعظم برق و آن دیو و پری و وحش و طیر
زیر حکم آصف علم است و بی لاف و گزاف
خارقه یا معجزه یا سحر و یا افسون نبود
علم بود و علم با جهل آمده اندر مصاف
سیم آهن را نگر گز علم جان پیدا نمود
با تو می گوید سخن هردم ز هر سو صاف صاف
علم داوود است که آهن در کف او موم شد
سیم را برداشت بی سیم از هوا شد تلگراف
تلفون هم گرامافون و هم بی سیم و سیم
سحرپردازی این عصر است، کی باشد خلاف
تا بکی «محمود طرزی» پیش یار نکته دان
گویی از علم و خودت بی بهره ماندی چون خلاف
(طرزی ۱۳۳۱)

چنانکه در غزل فوق می بینیم اهمیت تلگراف و مؤثریت صحبت کردن با آن از فاصله دور را به تصویر کشیده است، این همه را مدیون علم می دانسته نه سحر و جادو، در ادامه علم و جهل را به مجادله به مصاف هم قرار می دهد، نقش علم را برجسته ساخته و اشاره می کند که سیم بی تحرک از فیض علم به یک پدیده زنده تبدیل می گردد. در بیت پنجم صنعت تلمیح به کار برده است و شاعر علم را به داوود^ع که معجزه اش نرم شدن آهن در دست آن بود تشبیه می کند. همچنان عصر امروزی را عصر علم و همه چیز را مدیون علم و دانش می داند.

۲.۱.۲ الکتریک (برق)

محمود طرزی شعری به گونه ذیل در مورد برق دارد؛

روشن شده جهان به ضیای الکتریک	سرعت مجسم است به پای الکتریک
ذات یگانه خالق این کائنات زرف	پیچیده دهر را به ردای الکتریک
جذب است و دفع خاصه اجسام کائنات	برپا شده جهان به عصای الکتریک
از در و دلک و از حرکت شد ظهور او	کرات جمله محفظه های الکتریک

پوهنمل دکتور نورالرحمن ناصح

این طفل نورسیده به پا نامده هنوز	بگرفته عالمی به لوی الکتریک
دوری ظلمت همه تعطیل‌های دهر	یکسو شده است از نعمهای الکتریک
کابل ز فیض شاه منور شده از آن	(محمود) گشته شعر سرای الکتریک

(طرزی ۱۳۳۱)

در غزل فوق طرزی از برق به عنوان پدیده‌ای که جهان را روشن کرده است یاد می‌کند. او در این غزل تمام ارزشمندی جهان را در گروه برق می‌بیند، پایداری جهان را از مزیت برق دانسته، برق را به عنوان جریان الکتریک در یک هادی فلزی می‌داند، برق به عنوان کودک نورسیده که جهان را در دست گرفته است تصور می‌کند، او اضافه می‌کند که همه ظلمت و تعطیلی جهان به فیض و ارزشمندی برق دور شده است.

دید و اندیشه طرزی در این قطعه شعر واضح و روشن است که صنعت برق را یگانه راه پیشرفت و ترقی کشور می‌داند. چنانچه آمد، بن مایه اشعار «ادب در فن» در کل اهمیت جهانی شدن و پیشرفت و ترقی علم و صنعت است.

۳.۱.۲ زغال سنگ

محمود طرزی شعری به گونه ذیل در مورد زغال سنگ دارد؛

انوارها پدید شده از زغال سنگ	ظلمت به ما بعید شده از زغال سنگ
ظلمت کجا و نور کجا اینجه حکمت است	تاریک شب سفید شده از زغال سنگ
غاز(گاز) هوا که روشنی شهر از اوست	بهر ضیا مفید شده از زغال سنگ
ماشین جمله کار گه کره زمین	در دور بس مدید شده از زغال سنگ
این رو سیاه را تو بین صنعتش بین	چون زندگان حدید شده از زغال سنگ
بهر حدید هر حرکات حیات وش	ماشین چو خوش نوید شده از زغال سنگ
(محمود) در وطن بود این جوهر عزیز	موجود و ناامید شده از زغال سنگ

(طرزی ۱۳۳۱)

محمود طرزی در قطعه فوق از ارزش زغال سنگ یاد صحبت می‌کند. او وانمود کرده که از زغال سنگ روشنی‌ها پدید شده و ظلمت از بین رفته است، شب تاریک از مزیت زغال سنگ سفید شده است، معلوم است در این بیت صنعت ایهام به کار رفته است منظور از شب جامعه تاریک و عقب‌ماندگی و از روز پیشرفت جامعه رفاه مردم است. او روشنی شهرها، فعالیت ماشین، و

پوهنمل دکتور نورالرحمن ناصح

کارخانه‌های متعدد در سرتاسر جهان را مدیون زغال سنگ می‌داند، او حتا زغال سنگ را عامل روشن شدن کارخانه‌های ذوب آهن می‌داند، موجودیت ذغال سنگ را در وطن ارزشمند و جوهری پربها تلقی می‌کند.

با این وضع مشخص می‌گردد که محمود طرزی تا چه اندازه شعر را در خدمت بیان اندیشه‌های علم و صنعت قرار داده است.

۴.۱.۲ ریل

محمود طرزی شعری به گونه ذیل در مورد ریل سنگ دارد؛

از عجایب‌های عصر ما یکی ریل است ریل	راحت و ثروت سعادت جملگی ریل است ریل
ریل بهر ملک رگ‌های حیات دل بود	دل بود پایتخت و هر قاصدش ریل است ریل
آن خطوط آهنین ریل بر روی زمین	هست پنداری که سیل آهن ریل است ریل
اینجه عصر آهن است کاندلر زمین و هم هوا	سیم‌های تلگراف و جاده ریل است ریل
اینجه دجال است کو دارد جحیم و هم نعیم	آنکه خرمای ذهب ریزد همان ریل است ریل
تلگراف و ریل با هم دیگر خود ملصق‌اند	تار برقی پیشوا و رهبر ریل است ریل
شعر فنی گفتن محمود از فن ادب	گرچه دور افتاده لیکن خامه‌اش ریل است ریل

(طرزی ۱۳۳۱)

چنانچه در شعر فوق ملاحظه می‌گردد محمود طرزی ریل را عجایب جهان دانسته و راحت ثروت و سعادت بشر می‌داند، ریل را به مثابه رگ حیات بشر تلقی نموده و قدرت نیروی آن را مانند سیل تصور می‌کند. در ادامه ریل و تلگراف را با هم پیوند می‌دهد و از آن‌ها به عنوان تار برقی و پیشوا و رهبر یاد می‌کند. محمود طرزی به یک ظرافت دیگر در بیت آخر شعر اشاره می‌کند و آن اینکه هر چند شعر خود را از فنون و بلاغت ادبی عاری می‌داند ولی با رسالت اجتماعی که دارد ارزشش را چون ریل قلمداد می‌کند.

۵.۱.۲ زراعت

محمود طرزی شعری به گونه ذیل در مورد زراعت دارد؛

از بهر بشر فیض حیات است زراعت	از بهر حیات تازه برات است زراعت
از دفتر انعام خداوند تعالی	مقبول برات است و سباط است زراعت
گویند زمین است به شاخ بقر اما	چون غور شود راست بساط است زراعت

بی علم زراعت به زراعت نبود خیر این فن همگی پر ز نکات است زراعت
یکباره زمین که به فن تربیه یابد محصول وی از غیر سه قاتست زراعت
بی علم نه زرعت و نه صنعت نه تجارت علم و عمل صبر و ثباتست زراعت
محمود نه زارع شده ای نه تو تاجر این مدح سرای چه صفات است زراعت
(طرزی ۱۳۳۱)

محمود طرزی در این شعر خود اهمیت زراعت برای بشریت حیاتی می داند، حیات که در آن خوشی و سعادت است، زراعت را به مثابه سفره الهی پهن شده در روی زمین دانسته، سفره مقبول و زیبا، رنگین و معطر، در بیت سوم به یک ارسال المثل اشاره می کند برداشت فلکلوریک مردم در مورد زمین را بازگو می کند، برداشت که زمین را بر سر شاخ گاو می پنداشتند، او به این مسئله عمیق اشاره دارد اگر روی این زمین فکر و تعمق شود جای هموار و پهن شده برای زراعت است. قابل ذکر است ممکن است نویسندگان ظریفانه به موضوع ایهام نیز اشاره کرده است. یعنی تناسب گاو با شخم زدن زمین در موقع کاشت محصول باشد.

از طرف دیگر طرزی نقش و ارزش علم را بر حاصلات زراعتی برجسته می کند، او بیان می دارد که بی علم در کشت زراعت خیری نیست یعنی آن زمان طرزی به صنعتی ساختن زراعت تأکید داشته است. این مسئله مبین این است که نباید زراعت به شکل سنتی اش کشت و برداشت شود، طرزی تأکید بر این دارد که اگر زمین را با فن علم تربیه یعنی کاشت کرد محصول آن چندین برابر می شود. در ادامه خاطرنشان می سازد که بدون علم نه زرع درست است، نه صنعت و نه تجارت این همه را محصول علم و دانش می داند.

۶.۱.۲ ترقی

محمود طرزی شعری به گونه ذیل در مورد ترقی و اهمیت صنعتی شدن دارد؛

علم است که بنمود به ما راه ترقی علم آمده محبوبه دلخواه ترقی
بی علم و هنر نیست ترقی به دو دنیا از علم به حق می رسی از راه ترقی
جان علم جسد مکتب و اولاد وطن خوان جهل است مرض های جگرگاه ترقی
این عصر سراج است که هر سو شده روشن از پرتو رخساره چون ماه ترقی
محمود ز اخلاص دعا گوید و خواهد عالی شود این ملک هوا خواه ترقی
(طرزی ۱۳۳۱)

پوهنمل دکتور نورالرحمن ناصح

در بیت‌های فوق محمود طرزی ترقی و پیشرفت را یگانه راه سعادت بشریت می‌داند. و این ترقی، سعادت و پیشرفت را مدیون علم دانسته است. او وانمود می‌کند که بی‌علم و هنر در دنیا ترقی و پیشرفت به وجود نمی‌آید، اگر بخواهی در واقعیت امر به ترقی بررسی آن واقعیت تنها و تنها در پهنای علم است. در ادامه مثال‌های زیبایی می‌زند، جان انسان را به علم، جسد را به مکتب و اولاد وطن را به خون بدن انسان تشبیه می‌کند. در واقع نشان می‌دهد آیا بقای انسان بدون داشتن روح، جسد و خون امکان دارد، که ندارد؛ یعنی بدون علم و مکتب و ترقی اصلاً بقای برای انسان وجود ندارد، و در ادامه خود را دعاگو و هواخواه مردم افغانستان و این ملک می‌داند.

۷.۱.۲ معارف

محمود طرزی شعری به گونه ذیل در مورد معارف دارد؛

معارف گلستان دان که ریحانش بود تحصیل	معارف عندلیبی خوان که الحانش بود تحصیل
اگر اهل معارف بگذرد باقی بود نامش	حیات جاودان علم و است برهانش بود تحصیل
می بزم معارف می دهد از جهل آزادی	خسارت دید کانرا رفع خسرانش بود تحصیل
بدور افتادگان علم جان بخشد مضامینش	معارف نامه لطف است عنوانش بود تحصیل
معارف شد غذای روح و جان آن بود مکتب	جهالت درد جانکاهست در مانش بود تحصیل
معارف جمع آگاهی بود اندر زبان ما	که از شر جهالت‌ها ننگه‌بانش بود تحصیل
بیا محمود از فیض معارف تازه کن جان را	بنای قصر جان عرفان و ارکانش بود تحصیل

(طرزی ۱۳۳۱)

محمود طرزی در شعر فوق به معارف، مکتب و تحصیل ارزش و جایگاه خاص قایل شده است، او معارف را با گل، گلستان، بوستان و ریحان تشبیه کرده کست، در سطح گسترده‌تر اگر بسنجیم همان‌گونه هیچ چمن و سبزه بدون گل، بلبل و بوی خوش زیبا و خوش آیند نبوده، هیچ جامعه بدون تحصیل، معارف و علم زیبا و ارزشمند نیست. او معارف حیات جاودان تلقی می‌کند یعنی چیزی که هیچ‌گاه ارزشش کم فروغ و نابود نمی‌شود، بزم معارف را حیات‌بخش می‌داند و آن را پدیده در نظر می‌گیرد که انسان را از جهالت دور می‌سازد، اما آنانی را که از تحصیل دوراند در خسران و زیان می‌داند، معارف را غذای روح، جان آن را مکتب دانسته و جهالت را درد جانکاه تلقی و درمان این درد را فقط معارف و تحصیل می‌داند. در اخیر هم از خود می‌خواهد که جان خود را با فیض معارف تازه کند تا از این همه جهالت و بدبختی دور باشد.

۳. نتیجه گیری

چنانکه در جریان تحقیق مشخص گردید نه تنها محمود طرزی در مجموعه «ادب در فن» پیرامون مفاهیم صنعتی و ترقی کشور پرداخته است، بلکه در اکثر نوشته های خود این موضوع را به صورت کلی و ظریفانه مورد بحث و بررسی قرار داده است، اما «ادب در فن» که از نام مجموعه به وضوح مشاهده می گردد موضوعات ترقی، صنعت و دانش عصری را به صورت مشخص بیان نموده است، مفاهیم مطروحه در «ادب در فن» مبنای واژگانی دارد. زیرا طرزی در موارد متعدد کلماتی از قبیل ریل، برق، تلفون، تلگراف و غیره را در ساختار متن این مجموعه به کار برده است. طرزی با استفاده از واژگان خاص و تصاویر که از دنیای مدرن و صنعتی به دست می آورد، به بررسی تناقض ها و تضادها می پردازد که ناشی از ورود تکنالوژی به جامعه است، تأثیرات مثبت منفی تحولات را بر زندگی انسان ها مورد بررسی قرار داده یعنی تأثیراتی که تصورات جدید را در ذهن خواننده وارد می کند.

در نتیجه بررسی پژوهش فعلی نشان می دهد که طرزی به خوبی توانسته است ابعاد مختلف صنعت و تکنالوژی را در اشعار خود تبیین کند، این آثار به درک بهتر تحولات در جامعه انسانی منجر شده و به تفکر در باره تأثیر مثبت این تغییرات و می دارد.

منابع

- احمدی، م. (۱۴۰۳). تحلیل اندیشه‌های محمود طرزی. *ادبیات پایداری*، ۱-۴۲.
- بیانفر، ز. (۱۴۰۲). زندگی و فعالیت‌های سیاسی-فرهنگی محمود طرزی. *پانزدهمین همایش ملی و پژوهش‌های مدیریت علوم انسانی در ایران*، ۴۲۴۸-۴۲۵۹.
- سهام، ن. (۱۳۶۷). محمود طرزی. کابل: مطبعه دولتی.
- سیستانی، م. (۲۰۰۴). وطن و حب وطن از نظر محمود طرزی. پشاور: دانش.
- شفق، ا. (۱۳۹۱). بازگشت ادبی در شعر فارسی دری افغانستان. *فنون ادبی (علمی-پژوهشی)*، ۵۳-۶۱.
- شمال، م. (۱۴۰۰). بررسی شعر مدرن در افغانستان. *پیام معرفت*، ۱-۳۶.
- طرزی، م. (۱۳۳۰). *افغانستان*. کابل: عنایت.
- طرزی، م. (۱۳۳۲). *پراگنده*. کابل: بهار.
- طرزی، م. (۱۳۰۵). *مجموعه اخلاق*. کابل: مطبعه دولتی.
- طرزی، م. (۱۱۳۲). *ادب در فن*. کابل: بهار.
- طرزی، م. (۱۳۳۱). *ادب در فن*. کابل: مطبع دارالسلطنه.
- فرهادی، ع. (۱۳۸۷). *مقالات محمد طرزی*. کابل: مطبعه میوند.
- قویم، ع. (۱۳۹۵). *ادبیات معاصر دری*. کابل: سعید.
- کرمانی، آ. (۱۴۰۲). بررسی درون‌مایه شعر دوره دوم مشروطه افغانستان. *پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان*، ۴۱۳-۴۳۲.
- Mohsein, d. (2019). mohmood tarzi the founder of modern dari-persian poetry. *computer engineering(iosr-jce)*, 1-4
- Wajed, z. (2020). role of works of mahmaod tarzi in improvmen of persian-dari contemporary literature in afghanistan . *international journal innovatation research and scientific(ijrss)*, 119-123.

نقش میراث فرهنگی در توسعه اقتصاد پایدار (مطالعه موردی موزیم ملی افغانستان)

پوهنمل عبدالمنیر فایق^{۱*}، پوهنوال دکتور عبدالرافع علیمی^۲، نامزد پوهنیار حیات الله سلجوقی^۳

۱. دیپارتمنت عربی، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون البیرونی.

۳. دیپارتمنت مطبوعات، پوهنځی ژورنالیزم، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول- ایمیل: abdulmunirfaiq2000@gmail.com

چکیده

میراث فرهنگی به عنوان بخش جدایی ناپذیر از هویت و تاریخ ملت‌ها، علاوه بر ارزش‌های فرهنگی، نقش کلیدی در تحقق اقتصاد پایدار و رونق گردش‌گری ایفا می‌کند. تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش موزیم ملی افغانستان در توسعه اقتصاد پایدار و شناسایی چالش‌های پیشرو، به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد: «چه گونه می‌توان از ظرفیت‌های میراث فرهنگی در جهت تقویت اقتصاد پایدار بهره برد؟» این مطالعه با روش آمیخته (کیفی - کمی) و روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با (۱۲) تن از مسؤولان نهادهای مرتبط (وزارت اطلاعات و فرهنگ، موزیم ملی و پوهنتون البیرونی) گردآوری شده و داده‌های کمی نیز با استفاده از توزیع پرسش‌نامه میان (۸۰) تن از استادان پوهنتون البیرونی، که نمونه‌گیری آن بر اساس جدول مورگان بوده، جمع‌آوری گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موزیم ملی افغانستان، علی‌الرغم برخورداری از گنجینه‌های فرهنگی غنی، به دلیل چالش‌های هم‌چون ناامنی، کمبود بودجه، پایین بودن سطح آگاهی مردم، کمبود متخصصین عرصه میراث فرهنگی، ناپایداری سیاسی و عدم توجه کافی محققان به نقش اقتصادی میراث فرهنگی، نتوانسته سهم مؤثری در توسعه پایدار و جذب گردشگران داشته باشد. این پژوهش بر ضرورت بازتعریف موزیم‌ها به عنوان محرک‌های اقتصادی، افزایش بودجه، اجرای کمپین‌های آگاهی‌بخش و تقویت همکاری میان نهادهای علمی و فرهنگی تأکید دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند سیاست‌گذاران عرصه فرهنگی را در تدوین راهبردهای عملیاتی برای تبدیل میراث فرهنگی به عامل مؤثر در اشتغال‌زایی، توسعه گردشگری و رشد اقتصادی پایدار یاری رساند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال‌زایی، توسعه پایدار، گردش‌گری فرهنگی، موزیم ملی افغانستان، میراث فرهنگی

The Role of Cultural Heritage in the Development of a Sustainable Economy (A Case Study of the National Museum of Afghanistan)

Senior Teaching Assistant Abdul Munir Faiq^{1*}, Associate Professor Dr Abdul Rafi Alemi², Teaching Assistant Hayatullah Saljuqi³

1.2. Department of Arabic, Faculty of Languages and Literature, Alberoni University

3. Department of Press, Faculty of Journalism, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: abdulmunirfaiq2000@gmail.com

Abstract

Cultural heritage, as an inseparable part of a nation's identity and history, plays a key role not only in preserving cultural values but also in achieving sustainable economic development and promoting tourism. This study aims to investigate the role of the National Museum of Afghanistan in fostering sustainable economic growth and to identify the challenges it faces. It addresses the fundamental question: How can the potential of cultural heritage be harnessed to strengthen a sustainable economy? The research adopts a mixed-methods approach (qualitative and quantitative) and employs descriptive-analytical methodology. Qualitative data were collected through semi-structured interviews with twelve officials from relevant institutions (the Ministry of Information and Culture, the National Museum, and Alberoni University). Quantitative data were gathered by distributing questionnaires to 80 faculty members at Alberoni University, with the sample size determined using the Morgan Table. Findings reveal that despite possessing a rich collection of cultural treasures, the National Museum of Afghanistan has been unable to make a significant contribution to sustainable development and tourism due to several challenges, including insufficient funding, public unawareness, political instability, and limited academic focus on the economic dimensions of cultural heritage. Furthermore, a review of the literature indicates a scarcity of scientific studies in Afghanistan that explore the role of cultural heritage in economic development. The study emphasizes the need to redefine museums as economic drivers, increase funding, launch awareness campaigns, and strengthen collaboration between academic and cultural institutions. The findings of this research can assist policymakers in formulating operational strategies to transform cultural heritage into an effective factor in job creation, tourism development, and sustainable economic growth.

Keywords: cultural heritage, sustainable development, Afghanistan national museum, cultural tourism, job creation

مقدمه

افغانستان به عنوان کشوری با پیشینه تاریخی چند هزار ساله، دارای تمدن کهن و میراث فرهنگی غنی ای است که ظرفیت بالایی برای استفاده از این سرمایه ها در راستای توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی، و محیط زیستی دارد. در این میان موزیم ملی افغانستان به عنوان یکی از مهم ترین مراکز نگهداری آثار تاریخی و فرهنگی کشور، می تواند نقش کلیدی در روند توسعه اقتصاد پایدار از طریق جذب گردشگران داخلی و خارجی، ایجاد فرصت های شغلی و تقویت هویت ملی داشته باشد. با این حال، چالش هایی مانند نا امنی، کمبود بودجه، تخریب آثار تاریخی، نبود سیاست های حمایتی مؤثر و کمبود آگاهی عامه موجب شده است که این سرمایه عظیم به درستی مدیریت نشود و نتواند نقش مطلوبی در توسعه اقتصادی کشور ایفا کند. اما تا چه اندازه از این ظرفیت استفاده شده است و چه گونه می توان نقش آن را در توسعه اقتصاد پایدار بهبود بخشید؟

یکی از مزایای با اهمیت میراث فرهنگی، عامل اقتصادی آن است که در حوزه گردشگری فرهنگی نمایان می شود. مطالعه موزیم ملی افغانستان از این جهت ارزشمند است که می تواند به عنوان الگوی برای بهره برداری درست از میراث فرهنگی در راستای توسعه پایدار معرفی گردد. این تحقیق پاسخ های مناسبی را در رابطه به سؤال های زیر ارائه می دهد: میراث فرهنگی چه نقشی در توسعه اقتصاد پایدار کشور دارد؟ موزیم ملی افغانستان تا چه اندازه در رشد صنعت گردشگری و ایجاد فرصت های شغلی نقش آفرین بوده است؟ چه موانع و مشکلات، مانع بهره برداری مؤثر اقتصادی از ظرفیت های موزیم ملی می شود؟ کدام راه کارهای می تواند برای تقویت نقش موزیم ملی در توسعه اقتصاد پایدار مؤثر باشد؟

اهداف تحقیق حاضر، مبنی بر شناسایی نقش میراث فرهنگی بر توسعه اقتصاد پایدار، تحلیل نقش موزیم ملی افغانستان در جذب گردشگران و ایجاد فرصت های شغلی، چالش های موجود در مدیریت و بهره برداری اقتصادی از میراث فرهنگی کشور، ارائه پیشنهاداتی برای بهبود استفاده از ظرفیت های موزیم ملی افغانستان در راستای توسعه اقتصادی پایدار، استوار است. این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی جایگاه موزیم ملی افغانستان و نقش آن در توسعه اقتصادی، راهکارهای علمی برای بهره برداری بهتر از این ظرفیت ارائه دهد و اهمیت توجه به میراث فرهنگی و صنعت گردشگری را در سیاست های توسعه ای کشور برجسته سازد.

پیشینه تحقیق

در خصوص کلیت میراث فرهنگی و موارد مرتبط به آن، کارهای مفید و مؤثری در داخل کشو و خارج کشور، از سوی مراکز علمی و آکادمیک صورت گرفته که راه را برای تحقیقات بیشتر فراهم نموده است. تحقیقات که در داخل کشور انجام یافته، نشان می‌دهد که سهم میراث فرهنگی، در تحقیقات علمی محققان و مراکز آکادمیک افغانستان، بسیار اندک است، از مهم ترین این تحقیقات می‌توان به کتاب (جمال الدین شبلی و همکاران، ۱۳۹۷). تحت عنوان "چگونگی حفاظت از میراث فرهنگی افغانستان" اشاره کرد، نتایج نشان می‌دهد، استفاده از میراث فرهنگی تأثیر بزرگی در روند اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی جوامع بشری می‌گذارد و این عنصر می‌تواند به عنوان پایه اساسی توسعه پایدار در کشورها محسوب شود. (شریفی ۱۴۰۰) در کتاب خویش تحت عنوان "حمایت از میراث فرهنگی در قوانین افغانستان و اسناد بین المللی" نیز به موضوعات مشابه پرداخته و به این نتیجه رسیده است، امروزه صنعت گردشگری بزرگترین تحولات اقتصادی را در کشورهایی که دارای جاذبه‌های فرهنگی - تاریخی هستند؛ ایجاد نموده است. (روزنامه ۸ صبح، ۱۳۹۲) در مقاله تحت عنوان "نقش گردشگری در توسعه پایدار" دریافته است که گردشگری یکی از پررونق‌ترین فعالیت‌های اقتصادی جهان است و می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و افزایش درآمد ملی، به عنوان یک صنعت پیشرو در توسعه اقتصادی افغانستان ایفای نقش کند.

اما پژوهش‌های خارجی انجام شده در این حوزه متعدد و فراوان است. و هرکدام نتایج مثبت و مفیدی را به دست آورده اند. بگونه مثال (سلیمانی، ۱۴۰۴) در مقاله تحت عنوان "بررسی نقش موزه‌های تاریخی در توسعه اقتصاد گردشگری پایدار: تجزیه و تحلیل راهبردهای بین المللی، پرداخته است" نتایج نشان می‌دهد که اتخاذ راهبردهای نوین در مدیریت موزیم‌ها می‌تواند اثرات مثبت اقتصادی و فرهنگی این مراکز را دوچندان کند. (احمد و همکاران ۱۳۹۱) در مقاله زیر عنوان "بررسی و تحلیل نقش موزیم‌ها در توسعه گردشگری فرهنگی، مطالعه موردی موزیم‌های شرق استان مازندران" به این نتیجه رسیده است که موزیم‌های کلبادی شهر ساری و گوهرتپه‌ی شهر بهشهر، به صورت بالقوه نقش به سزایی در جذب گردشگری و معرفی تاریخ و فرهنگ شرق مازندران داشته است. (افخمی، ۱۳۹۵) در مقاله تحت عنوان "راهبرد توسعه اقتصادی مبتنی بر میراث فرهنگی" به این نتیجه دست یافته است که اقتصادی کردن میراث فرهنگی یکی از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی و کارآفرینی در کشورها است. (زال و همکاران، ۱۳۹۹) در مقاله‌ی به بررسی "عملکرد موزیم‌های

باستان شناختی و نقش آن در توسعه گردشگری میراث فرهنگی مطالعه موردی، موزیم خانه کلبادی شهر ساری" پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عمل کرد این موزیم تأثیر معناداری بر توسعه گردشگری میراث فرهنگی، در این شهر داشته است. همچنان (تیمورتاش، ۱۴۰۰) در مقاله‌ی تحت عنوان "شاخص‌های به کارگیری ظرفیت میراث فرهنگی برای توسعه پایدار اقتصاد محلی" نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نگارنده، حفاظت از میراث فرهنگی را یک اقدام نخبه‌گرا تلقی نمی‌کند، بلکه به عنوان یک شریک پیشرو و نیروی محرکه توسعه اقتصادی می‌داند. به همین گونه یونسکو (۲۰۲۰) در گزارش سالانه خود تحت عنوان "Urban Future Culture" دریافته است که میراث فرهنگی می‌تواند عامل کلیدی در توسعه پایدار باشد، مشروط بر آن‌که دولت‌ها سیاست‌های حمایتی مناسب از میراث را در قالب برنامه‌های اقتصادی، آموزشی و گردشگری تدوین و اجرا نمایند. (احمدی، ۱۳۹۷) در مقاله تحت عنوان "تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری فرهنگی و اثرات آن در پایداری اقتصادی نواحی روستایی استان زنجان" به نتایج دست یافته است که گردشگری فرهنگی به عنوان یک ابزار مؤثر در پایداری اقتصادی و اجتماعی روستاهای زنجان شناخته می‌شود. برای بهره‌گیری بهتر از این ظرفیت، باید بر آموزش نیروی انسانی، توسعه خدمات گردشگری، حفظ میراث فرهنگی، و تقویت بازاریابی فرهنگی تمرکز کرد. (عسگری و محمود، ۱۳۹۹) در مقاله تحت عنوان "تأثیر آشنایی بامیراث فرهنگی بر مدیریت توسعه سرمایه فرهنگی جوانان شهر تهران" به این نتیجه رسیده که آشنایی با میراث فرهنگی، سرمایه فرهنگی جوانان را افزایش می‌دهد. حس تعلق به شهر و جامعه را افزایش داده و جوانان را در حفظ و ترویج ارزش‌های فرهنگی فعال‌تر می‌کند. (SUBHIKSU و همکاران ۲۰۱۵). در مقاله تحت عنوان "موزه‌ها به عنوان جاذبه‌های فرهنگی". نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که موزیم‌ها نقشی مهمی در توسعه گردشگری و توسعه اقتصادی جوامع از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی ایفا می‌کنند.

با توجه به تحقیقات پیشین، مشخص است که میراث فرهنگی به ویژه موزیم‌ها، می‌تواند تأثیر قابل توجهی در توسعه اقتصاد پایدار داشته باشند. اما در مورد موزیم ملی افغانستان هنوز تحقیقات جامع که مستقیماً بر تأثیر اقتصادی آن متمرکز باشد، کمتر انجام شده است. بنابراین نیاز به تحقیقات بیشتری در این زمینه را نشان می‌دهد.

مبانی نظری تحقیق

(افخمی، ۱۳۹۵: ۲۷) به این نظر است که "در سال‌های اخیر تفکر جهانی در مورد میراث فرهنگی تغییرات قابل توجهی داشته است. به طوری که میراث فرهنگی و منابع میراث باستان شناختی را به عنوان یک منبع اقتصادی مهم به رسمیت شناخته اند." و میراث فرهنگی را یکی از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی و کا آفرینی قلمداد نموده است. از نظر (امارتیاسن، ۱۹۹۹) میراث فرهنگی، به ویژه از طریق موزیم‌ها، این ظرفیت را دارد که همزمان با حفظ هویت تاریخی، فرصت‌های شغلی جدید را، به ویژه در بخش گردشگری فرهنگی، ایجاد کند. (مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۶) مقصود از گردشگری فرهنگی بحث در باره آن بخش از این صنعت است که به جذابیت‌های فرهنگی توجه خاص می‌کند. این جنبه‌های جذاب، متفاوتند و شامل بخش‌های مختلف از جمله: موزیم‌ها و نمایشگاه‌ها، آداب و رسوم، صنایع دستی است. (احمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۵) معتقد است که گردشگری به ویژه گردشگری فرهنگی، می‌تواند در پیچه‌های نوینی از شناخت، توسعه و پایداری را برای جوامع به همراه داشته باشد. (UNESCO & UNDP, 2020) در گزارش خود، میراث فرهنگی را به عنوان یکی از منابع اصلی اقتصاد خلاق شناخته است که نقش مهمی در ایجاد اشتغال، توسعه گردشگری و افزایش درآمد جوامع محلی دارد. (عابد، ۱۳۹۹: ۷۳) گردشگری را پُر درآمدترین صنعت دنیا می‌داند و می‌افزاید: بسیاری از کشورها توانسته‌اند با برنامه ریزی و توسعه جاذبه‌های گردشگری خود، از این صنعت در رشد اقتصادی خویش به گونه مؤثری بهره ببرند. از نظر (David Throsby, 2001: 112) میراث فرهنگی را نوعی سرمایه فرهنگی می‌داند که می‌تواند نقش کلیدی در فرایند توسعه پایدار ایفا کند. از نظر وی، آثار فرهنگی دارای ارزش دوگانه اقتصادی و نمادین‌اند که باید در طراحی سیاست‌های توسعه مدنظر قرارگیرد. (سلیمانی، ۱۴۰۴: ۱۰) تأکید می‌کند که موزه‌های تاریخی با جذب گردشگران فرهنگی، می‌تواند به عنوان موتور محرک اقتصادی محلی عمل کنند و اشتغال‌زایی را افزایش دهد. (آذری ۱۴۰۲: ۲۲۵)، به این باور است که موزیم‌ها با ارائه تجربه‌های فرهنگی منحصر به فرد، نقش مهمی در توسعه پایدار گردشگری و افزایش درآمدهای اقتصادی دارد. (ترابی، و همکاران ۱۴۰۲: ۳۰)، بیان می‌کنند که همکاری بین موزه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند به توسعه گردشگری پایدار و ارتقای اقتصاد محلی کمک کند. بر پایه نظر (پایلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۴). موزیم‌ها، بناهای تاریخی، صنایع دستی و ... می‌تواند جاذبه‌های باشند که توجه گردشگران داخلی و خارجی را به خود جلب کنند. (کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۷) به این نظر است که در گردشگری فرهنگی، هدف اصلی دیدن جلوه‌های

فرهنگی یک مقصد از قبیل مراسم، رفتارها، نمایشگاه‌ها هنر و... آن است، برای مثال بازدید از موزیم لوور در فرانسه یا پرادو در مادرید. (زال و همکاران ۱۳۹۹: ۳۸) موزیم‌ها یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری در سراسر جهان هستند و همواره اهمیت گسترده آن در رونق بیشتر صنعت گردشگری، مورد توجه و تأکید محققان بوده است. به باور (زال و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۲) موزیم و گردشگری هم نشین هم هستند. موزیم‌ها می‌توانند نقش مهمی در تجدید حیات فرهنگی، اجتماعی و توسعه گردشگری فرهنگی را فراهم سازد. از همین روی کارشناسان و برنامه ریزان گردشگری جهان، برنامه‌ها و تبلیغات خاص و درازمدتی در مورد موزیم‌های کشورشان را باهدف جذب گردشگر در دستور کار خود قرار داده اند. این موضوع نشان می‌دهد جذب گردشگری به عنوان یکی از کارکردها یا مهم ترین کارکرد موزیم‌ها تلقی می‌شود.

روش و طرح تحقیق

تحقیق حاضر، از نظر روش گردآوری و تحلیلی داده‌ها، به شکل مختلط (کمی و کیفی) است. بخش کیفی باهدف درک عمیق دیدگاه‌ها و تجربه‌های متخصصان حوزه میراث فرهنگی و اقتصادی، و بخش کمی به منظور سنجش میزان تأثیرگذاری فعالیت‌های مرتبط با موزیم ملی افغانستان بر شاخص‌های اقتصادی پایدار صورت گرفته است. محل اصلی تحقیق، موزیم ملی افغانستان در شهر کابل می‌باشد. با توجه به جایگاه نمادین و فرهنگی این نهاد، این مکان به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است.

ابزار جمع آوری اطلاعات در بخش داده‌های کمی پرسشنامه بوده که به صورت پیمایشی با در نظر داشت مقیاس (لکرت) تنظیم شده است. و ابزار جمع آوری اطلاعات در بخش داده‌های کیفی، مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده که شامل کارشناسان، مدیران و کارکنان موزیم ملی، مسئولان دولتی و برخی از پژوهشگران حوزه میراث فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. جواب‌های بدست آمده از این بخش بعد از جمع آوری کدگذاری و به اساس روش تحلیل کیفی مبتنی بر گرنند تیوری (Grounded Theory) صورت گرفته است.

جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی، شامل متخصصان و کارشناسان مرتبط با حوزه میراث فرهنگی، اقتصادی و گردشگری می‌باشند. نمونه گیری در این بخش به صورت هدفمند و بر اساس معیارهای تخصص، تجربه و آشنایی با موضوع تحقیق صورت گرفته است. (در حدود ۱۰ مصاحبه). در بخش کمی، از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده و با توجه به محدودیت زمانی، تعداد

پوهنمل عبدالمنیر فایق

(۱۰۰) پرسش نامه در میان اساتید دانشگاه بیرونی، توزیع گردیده که (۸۰) پرسش نامه آن قابل تحلیل می باشد.

در بخش کیفی، داده های مصاحبه به روش تحلیل محتوا و بر اساس مراحل کدگذاری اولیه، محوری و گزینشی بررسی و دسته بندی شده اند. در بخش کمی، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شده و به کارگیری از روش های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون T، مستقل ضریب همبستگی پیرسون) برای آزمون فرضیه ها و بررسی روابط میان متغیرها بهره گرفته شده است. پایایی اصلی این تحقیق نیز توسط همین برنامه بررسی شده که الفای کرونباخ آن عدد ۰/۶۲۹ / نشان دهنده پایایی قابل قبول می باشد.

یافته های تحقیق

در این قسمت به تجزیه و تحلیل یافته ها و آزمون فرضیات پژوهش اشاره می شود؛ این قسمت دارای سه بخش است که در بخش اول توصیف یافته های عمومی پاسخ گویان، در بخش دوم تحلیل توصیفی یافته ها در زمینه ی مولفه های نقش اقتصادی میراث فرهنگی و گردشگری در توسعه کشور در بخش سوم نیز نتایج آزمون های آماری مورد اشاره قرار می گیرد.

توصیف یافته های عمومی پاسخ گویان

براساس نتایج جدول یافته های توصیفی در خصوص پاسخ گویان، نشان می دهد که تمام پاسخ گویان را تنها طبقه ذکور تشکیل داده است.

جدول شماره (۱): جنسیت

	فراوانی	درصدی	درصدی اعتبار	درصدی مجموعی
فراوانی مرد اعتبار	۸۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
مطابق جدول کنونی تمامی اشتراک کنندگان مردان بوده اند که به تعداد ۸۷ تن در این تحقیق اشتراک نموده اند.				
جدول شماره (۲) شغل				
	فراوانی	درصدی	درصدی اعتبار	درصدی مجموعی

۸۶,۲	۸۶,۲	۸۶,۲	۷۵	استاد	فراوانی اعتبار
۱۰۰	۱۳,۸	۱۳,۸	۱۲	کارشناس فرهنگی	
	۱۰۰	۱۰۰	۸۷	مجموعی	
اشتراک کننده گان این تحقیق به تعداد ۷۵ تن استاد، ۱۲ تن کارشناس فرهنگی شامل بوده که بیشترین اشتراک کننده گان استادان می باشند.					
جدول شماره (۳) سطح تحصیلات					

فیصدی مجموعی	فیصدی معتبر	فیصدی	فریکانسی	
۴۶	۴۶	۴۶	۴۰	لیسانس
۹۲	۴۶	۴۶	۴۰	ماستر
۱۰۰	۸	۸	۷	دکتور
	۱۰۰	۱۰۰	۸۷	مجموعه

سطح تحصیلات اشتراک کننده گان مبین آن است که به تعداد ۴۰ تن ماستر، ۴۰ تن لیسانس و تنها ۷ تن از پاسخ دهنده گان دارای اسناد تحصیلی دکتورا بوده اند.

جدول شماره (۴) موثریت موزیم ملی در حفظ و نگهداری آثار باستانی

فیصدی مجموعی	فیصدی معتبر	فیصدی	فریکانسی	
۹۸,۹	۹۸,۹	۹۸,۹	۸۶	موافقم
۱۰۰	۱,۱	۱,۱	۱	نظری ندارم
	۱۰۰	۱۰۰	۸۷	مجموعه

پاسخ دهنده گان این تحقیق باور داشته اند که موزیم ملی در حفظ و نگهداری آثار باستانی نقش موثر داشته است. تنها یک تن از پاسخ دهنده گان در این مورد نظری نداشته است.

جدول شماره (۴) نقش موزیم ملی در ترویج فرهنگ و تاریخ افغانستان

فیصدی مجموعی	فیصدی معتبر	فیصدی	فریکانسی	
۸۰,۵	۸۰,۵	۸۰,۵	۷۰	موافقم
۹۸,۹	۱۸,۴	۱۸,۴	۱۶	نظری ندارم

مخالقم	۱	۱,۱	۱,۱	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	۱۰۰	

اینکه موزیم ملی در ترویج فرهنگ و تاریخ افغانستان نقش داشته است، بیشترین پاسخ دهنده گان که بیشتر از ۸۰ درصد کل پاسخ دهنده گان را تشکیل می دهد، گزینه موافقم را انتخاب نموده اند. تنها یک پاسخ دهنده نظر مخالف ارایه نموده است. بناء یافته ها نشان می دهد که موزیم ملی در ترویج فرهنگ و تاریخ افغانستان نقش بسزایی دارد.

جدول شماره (۵) تاثیر مثبت نمایشگاه های برگزار شده توسط موزیم ملی در شناخت فرهنگ افغانستان

فریکانسی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی مجموعی
موافقم	۷۶	۸۷,۴	۸۷,۴
نظری ندارم	۱۰	۱۱,۵	۹۸,۹
مخالقم	۱	۱,۱	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

در پاسخ به این پرسش که چقدر برگزاری نمایشگاه ها توسط موزیم ملی در شناخت فرهنگ افغانستان تاثیر دارد، بیشتر ین پاسخ دهنده گان که بیشتر از ۸۰ درصد را شامل است، گزینه موافقم را انتخاب نموده اند. ۱۱,۵ درصد گزینه نظری ندارم را انتخاب نموده و تنها یک درصد پاسخ دهنده گان گزینه مخالفم را انتخاب نموده اند. بناء یافته ها حاکی از آن است که برگزاری نمایشگاه ها در شناخت آثار فرهنگی افغانستان موثر بوده است.

جدول شماره (۶) ظرفیت موزیم ملی در جذب گردشگران داخلی

فریکانسی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی مجموعی
موافقم	۷۰	۸۰,۵	۸۰,۵
نظری ندارم	۱۵	۱۷,۲	۹۷,۷
مخالقم	۲	۲,۳	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

در پاسخ به این که موزیم ملی به چه اندازه ظرفیت جذب گردشگران را دارا می‌باشد، بیشتر از ۸۰ درصد پاسخ دهنده گان به این نظر اند که موزیم ملی کشور ظرفیت بالایی در جذب گردشگران داخلی را دارا می‌باشد. تنها دو درصد که کمترین میزان نظریات را شامل می‌باشد نظر موافق نداشته اند.

جدول شماره (۷) ظرفیت موزیم ملی در جذب گردشگران خارجی

فریکانسی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی مجموعی
موافقم	۶۶	۷۵,۹	۷۵,۹
نظری ندارم	۲۰	۲۳	۹۸,۹
کاملاً مخالفم	۱	۱,۱	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

در پاسخ به این که موزیم ملی به چه اندازه ظرفیت جذب گردشگران را دارا می‌باشد، بیشتر از ۷۰ درصد پاسخ دهنده گان به این نظر اند که موزیم ملی کشور ظرفیت بالایی در جذب گردشگران خارجی را دارا می‌باشد. تنها یک درصد که کمترین میزان نظریات را شامل می‌باشد نظر موافق نداشته اند. بناء نتیجه می‌توان گرفت که با توجه به معرفی نشدن آثار فرهنگی و دایر نشدن نمایشگاه ها سبب شده تا گردشگران خارجی کمتر از موزیم ملی افغانستان بازدید نمایند.

جدول شماره (۸) نقش افزایش بازدید موزیم ملی در بهبود اقتصاد محلی

فریکانسی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی مجموعی
موافقم	۷۷	۸۸,۵	۸۸,۵
نظری ندارم	۱۰	۱۱,۵	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

میراث فرهنگی، به ویژه از طریق موزیم‌ها، این ظرفیت را دارد که همزمان با حفظ هویت تاریخی، فرصت های شغلی جدید را، به ویژه در بخش گردشگری فرهنگی، ایجاد کند. پاسخ دهنده گان نیز باور دارند که بازدید از موزیم ملی سبب بهبود وضعیت اقتصادی در کشور می‌شود. بیشتر از ۸۸ درصد پاسخ دهنده گان با نظر ارایه شده موافق می‌باشند.

جدول شماره (۹) نقش کمبود بودجه در مانع توسعه فعالیت‌های موزیم ملی

فريکانشي	فيصدي	فيصدي معتبر	فيصدي مجموعي
موافقم	۵۸	۶۶,۷	۶۶,۷
نظري ندارم	۲۷	۳۱	۹۷,۷
مخالقم	۲	۲,۳	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

بيشتر از ۶۶ درصد پاسخ دهنده گان باور دارند که کمبود بودجه و منابع مالي و نبود تبليغات و بازاریابی تاثیر منفي بر توسعه فعالیت های موزيم ملی افغانستان داشته است.

جدول شماره (۱۰) تاثير منفي نبود آگاهی عمومي در باره اهميت موزيم ملی بر تعداد بازديدکنندگان

فريکانشي	فيصدي	فيصدي معتبر	فيصدي مجموعي
موافقم	۷۳	۸۳,۹	۸۳,۹
نظري ندارم	۱۲	۱۳,۸	۹۷,۷
مخالقم	۲	۲,۳	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

عدم آگاهی مردم از موزيم ملی و آثار باستانی آن سبب شده تا تعداد بازديدکننده گان موزيم ملی کم رنگ باشد. ۸۳ درصد پاسخ دهنده گان با اين نظر موافق بوده اند و تنها ۲ درصد نظر موافق نداشته اند.

جدول شماره (۱۱) نقش ناپایداری سياسي در کشور مانع پيشرفت موزيم ملی

فريکانشي	فيصدي	فيصدي معتبر	فيصدي مجموعي
موافقم	۷۴	۸۵,۱	۸۵,۱
نظري ندارم	۱۳	۱۴,۹	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

عدم ثبات سیاسی در کشور باعث شده که موزیم ملی پیشرفت بهتر نداشته باشد. ۸۵ در صد پاسخ دهنده گان با این نظر موافق بوده و تنها ۱۴ درصد ابراز نظر ننموده اند.

جدول شماره (۱۲) نقش افزایش بودجه و سرمایه گذاری در موزیم ملی برای ایجاد فرصت های شغلی جدید

فریکانسی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی مجموعی
موافقم	۷۹	۹۰٫۸	۹۰٫۸
نظری ندارم	۷	۸	۹۸٫۹
مخالقم	۱	۱٫۱	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

سرمایه گذاری دولتی و خصوصی در حوزه موزیم و میراث فرهنگی و بازاریابی فرهنگی برای افزایش بهره گیری و نوآوری، همچنان ایجاد فرصت های شغلی جدید تاثیر قابل ملاحظه دارد.

۹۰ درصد از پاسخ دهنده گان گزینه موافقم را تایید کرده اند و تنها یک درصد پاسخ دهنده گان به این پرسش موافق نبوده اند.

جدول شماره (۱۳) نقش برگزاری کمپین های آگاهی بخش در افزایش بازدید از موزیم ملی

فریکانسی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی مجموعی
موافقم	۷۹	۹۰٫۸	۹۰٫۸
نظری ندارم	۸	۹٫۲	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	

پاسخ دهنده گان باور داشته اند که برگزاری کمپین های آگاهی بخش در افزایش بازدید از موزیم ملی موثر بوده است. ۹۰ در صد از پاسخ دهنده گان باور داشته اند که کمپین ها موثر اند اما ۹ درصد در مورد ابراز نظر نکرده اند.

جدول شماره (۱۴) نقش همکاری بین نهادهای علمی و فرهنگی برای تقویت نقش موزیم ملی در توسعه اقتصادی

فریکانسی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی مجموعی
موافقم	۸۲	۹۴٫۳	۹۴٫۳

پوهنمل عبدالمنیر فایق

نظری ندارم	۴	۴,۶	۴,۶	۹۸,۹
مخالقم	۱	۱,۱	۱,۱	۱۰۰
مجموعه	۸۷	۱۰۰	۱۰۰	

ایجاد ارتباط بین نهادهای فرهنگی افغانستان و نهادهای بین المللی مانند یونسکو و آیکوم برای جذب حمایت‌های مالی، فنی و تجربی و سهم ساختن استادان، محققان و سایر پژوهشگران برای مطالعات یافته‌های مربوط به میراث فرهنگی افغانستان در تقویت موزیم ملی در توسعه اقتصاد پایدار افغانستان نقش در خور اهمیت دارد.

تحلیل کیفی مبتنی بر گزند تیوری (Grounded Theory)

در این پژوهش، داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ تن از کارشناسان، مدیران و پژوهشگران حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، به روش گزند تیوری مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد.

۱. کدگذاری باز (Open Coding)

داده‌ها به صورت خطبه خط بررسی و مفاهیم کلیدی استخراج شدند. نمونه‌ای از کدهای به دست آمده عبارت‌اند از:

- کمبود بودجه و منابع مالی
- نبود تبلیغات و بازاریابی
- ناآگاهی عمومی از ارزش اقتصادی موزیم
- ظرفیت بالای جذب گردشگران خارجی
- اشتغال‌زایی از طریق صنایع دستی
- همکاری با نهادهای بین‌المللی
- موانع ناشی از ناپایداری سیاسی
- نیاز به تغییر نگرش از نگاه صرفاً فرهنگی به نگاه اقتصادی-اجتماعی

۲. کدگذاری محوری (Axial Coding)

کدهای هم‌معنا و مرتبط در قالب مقوله‌های محوری دسته‌بندی شدند و روابط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر شناسایی گردید:

۱. موانع ساختاری

- کمبود بودجه و امکانات
- نبود زیرساخت گردشگری
- ناپایداری سیاسی و ناامنی

۲. عوامل توانمندساز

- همکاری با نهادهای بین‌المللی (یونسکو، آیکوم)
- کمپین‌های آگاهی‌بخش
- مشارکت بخش خصوصی و پوهنتون‌ها

۳. ظرفیت‌های بالقوه

- تنوع آثار تاریخی و فرهنگی
- موقعیت جغرافیایی مناسب
- قابلیت جذب گردشگران داخلی و خارجی

۴. پیامدهای مورد انتظار

- ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم
- افزایش درآمد پایدار
- تقویت هویت ملی و فرهنگی

۳. کدگذاری انتخابی (Selective Coding)

تحلیل نهایی نشان داد که همه مقوله‌ها حول یک پدیده محوری سازمان می‌یابند:

پدیده محوری: "بازتعریف موزیم ملی افغانستان به عنوان محرک توسعه اقتصادی پایدار از طریق گردشگری فرهنگی"

این پدیده حاصل تعامل بین شرایط علی (ظرفیت‌های فرهنگی و جاذبه‌های تاریخی)، شرایط مداخله‌گر (کمبود منابع، ناپایداری سیاسی)، و راهبردهای کنش‌گرانه (سرمایه‌گذاری، تبلیغات، همکاری چندجانبه) است که به پیامدهایی چون اشتغال‌زایی، رشد گردشگری و تقویت هویت ملی منجر می‌شود.

پوهنمل عبدالمنیر فایق

۴. مدل نظری برآمده از داده‌ها

بر اساس تحلیل گزندد تیوری، مدل مفهومی زیر استخراج شد:

شرایط علی → پدیده محوری → راهبردها → پیامدها

- شرایط علی: وجود گنجینه فرهنگی غنی، موقعیت جغرافیایی راهبردی، تنوع آثار تاریخی
- پدیده محوری: تبدیل موزیم ملی به نهادی اقتصادی-اجتماعی با کارکرد گردشگری فرهنگی
- راهبردها: سرمایه‌گذاری زیرساختی، تبلیغات هدفمند، همکاری ملی و بین‌المللی، برگزاری رویدادهای فرهنگی

- پیامدها: توسعه پایدار اقتصادی، رونق گردشگری فرهنگی، اشتغال‌زایی، افزایش آگاهی عمومی

۵. ارتباط یافته‌ها با پرسش‌های تحقیق

- پرسش اول (نقش میراث فرهنگی در توسعه پایدار): داده‌ها نشان داد که موزیم ملی می‌تواند از طریق گردشگری و صنایع فرهنگی به توسعه پایدار کمک کند، مشروط به رفع موانع ساختاری.
- پرسش دوم (تأثیر موزیم بر گردشگری و اشتغال): ظرفیت بالایی برای ایجاد شغل و جذب گردشگر وجود دارد که با راهبردهای مناسب قابل بهره‌برداری است.
- پرسش سوم (چالش‌های اقتصادی): کمبود بودجه، نبود تبلیغات و ناپایداری سیاسی موانع اصلی هستند.

۶. مقایسه با بخش کمی و پیشینه پژوهش

نتایج کیفی با یافته‌های کمی همخوانی دارد؛ به‌طوری که ۸۸،۵٪ پاسخ‌گویان موافق بودند که افزایش بازدید از موزیم بر اقتصاد محلی تأثیر مثبت دارد، و ۶۶،۷٪ کمبود بودجه را مانع اصلی دانسته‌اند. همچنین، نتایج با مطالعات بین‌المللی یونسکو (۲۰۱۲) و پژوهش سارا تیمورتاش (۱۴۰۰) همسو است.

مناقشه

یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که میراث فرهنگی، به‌خصوص از طریق فعالیت‌های موزیم ملی افغانستان و صنعت گردشگری، قابلیت ایفای نقش مؤثری در توسعه اقتصاد پایدار را دارد. تحلیل کیفی مصاحبه‌ها با متخصصان، کارشناسان و نیز داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها، حاکی از آن است که موزیم ملی نه تنها در حفظ هویت ملی و تاریخی مؤثر بوده، بلکه توانسته است

در سه محور اصلی - تقویت هویت فرهنگی، جذب صنعت گردشگری فرهنگی، و آگاهی‌دهی اقتصادی به جامعه، تأثیرگذار باشد.

نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش‌هایی چون (امارتیاسن، ۱۹۹۹) و (محمد حسن زال و همکاران ۱۳۹۹) همخوان است که در آن‌ها بر نقش زیرساخت‌های فرهنگی در جذب گردشگران، ایجاد مشاغل محلی و رونق صنایع خلاق تأکید شده است. همچنین یافته‌ها با دیدگاه سازمان جهانی (یونسکو، ۲۰۲۰) درباره نقش موزیم‌ها در توسعه اقتصادی، آموزشی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، همخوانی دارد.

با وجود ظرفیت‌های شناخته شده از میراث فرهنگی، تحلیل کیفی نشان می‌دهد که نارسایی در سیاست‌گذاری فرهنگی، کمبود منابع مالی، نبود آگاهی عامه و نادیده گرفتن ارزش اقتصادی میراث فرهنگی از سوی نهاد‌های دولتی، از جمله چالش‌های عمده در مسیر بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها می‌باشند. این نکته با نتایج (SUBHIKSU و همکاران ۲۰۱۵). مطابقت دارد که تأکید دارند توسعه اقتصادی مبتنی بر فرهنگ نیازمند برنامه ریزی کلان، سرمایه‌گذاری پایدار و مشارکت چند بخشی است. همچنان باید به این نکته اشاره کرد که برخلاف برخی کشورها که از ظرفیت‌های موزیم‌ها به صورت تجاری، آموزشی و صنعت گردشگری استفاده می‌نمایند، در افغانستان این نهادها عمدتاً جنبه نمادین داشته و هنوز نتوانسته‌اند به عنوان نهاد فعال اقتصادی تبدیل شوند. این واقعیت نشان می‌دهد که برای نیل به توسعه اقتصاد پایدار برپایه میراث فرهنگی، تغییر نگرش از «موزیم به مخابه مخزن اشیای تاریخی» به «موزیم‌ای به مثابه نهاد اقتصادی - اجتماعی» ضروری است.

در مجموع یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که موزیم ملی افغانستان، ظرفیت بالقوه‌ای برای ایفای نقش در توسعه اقتصاد پایدار دارد. اما تحقق این امر مستلزم تدوین استراتژی‌های حمایتی، توانمندسازی منابع انسانی، جلب سرمایه‌گذاری و ارتقاء سطح مشارکت مردمی است.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میراث فرهنگی، به ویژه موزیم ملی افغانستان، نقش برجسته‌ای در توسعه اقتصاد پایدار کشور ایفا می‌کند. یافته‌ها بیانگر آن است که موزیم ملی نه تنها به عنوان یک نهاد فرهنگی در حفظ و نمایش آثار تاریخی مؤثر است، بلکه می‌تواند به عنوان یک محرک اقتصادی نیز عمل کند. از جمله مهم‌ترین اثرات اقتصادی این موزیم می‌توان به جذب گردشگران داخلی و خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم و غیر مستقیم، و تقویت صنایع دستی و محلی اشاره کرد.

پوهنمل عبدالمنیر فایق

تحلیل‌ها همچنین نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت‌های بالای موزیم ملی افغانستان، چالش‌هایی چون کمبود بودجه، عدم آگاهی عمومی از ارزش اقتصادی میراث فرهنگی، و ضعف در زیرساخت‌های گردشگری، مانع بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها می‌شوند. با این حال، توسعه سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر اقتصاد پایدار، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ، و آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی مرتبط با موزیم‌ها می‌تواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی پایدار مبتنی بر میراث فرهنگی گردد. در نتیجه، تقویت جایگاه موزیم ملی افغانستان نه تنها یک اقدام فرهنگی است، بلکه به مثابه یک راهبرد اقتصادی بلند مدت می‌تواند در راستای توسعه پایدار کشور مؤثر واقع گردد.

ارائه پیشنهادات

برپایه یافته‌های تحقیق، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

طراحی و اجرای سیاست‌های ملی فرهنگی که جایگاه موزیم‌ها و میراث فرهنگی را به عنوان ابزارهای توسعه پایدار به رسمیت بشناسند.

توسعه زیرساخت‌های گردشگری فرهنگی در پیرامون موزیم ملی به منظور افزایش جذابیت و دسترسی گردشگران داخلی و خارجی. سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی متخصص در حوزه موزیم داری، میراث فرهنگی و بازاریابی فرهنگی برای افزایش بهره‌گیری و نوآوری.

ایجاد ارتباط بین نهادهای فرهنگی افغانستان و نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو و آیکوم برای جذب حمایت‌های مالی، فنی و تجربی.

سهیم ساختن استادان، محققان و سایر پژوهشگران برای مطالعات یافته‌های مربوط به میراث فرهنگی افغانستان.

منابع

- آذری، ماريا (۱۴۰۲) مطالعه توسعه پایدار گردشگری بر مبنای موزه‌ها، ژئوتوریسم و اقتصاد، فصلنامه مطالعات مدیریت و کارآفرینی، شماره ۹، صص: ۲۲۹-۲۱۸.
- احمد و همکاران (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل نقش موزه‌ها در توسعه گردشگری فرهنگی، مطالعه موردی: موزه‌های شرق استان مازندران. مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، شماره ۱. صص ۱۲۸-۱۰۵.
- احمدی، منیژه (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری فرهنگی و اثرات آن در پایداری اقتصادی نواحی روستایی استان زنجان. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره پیاپی ۲۹. صص: ۹۲-۷۹.
- بسم الله، شریفی (۱۴۰۰). حمایت از میراث فرهنگی در حقوق بین‌المللی و قوانین افغانستان. تهران: انتشارات زرینمهر.
- بهرروز، افخمی (۱۳۹۵). راهبرد توسعه اقتصادی مبتنی بر میراث فرهنگی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. شماره ۱۴. صص ۴۸-۲۷.
- پایلی یزدی محمد حسین (۱۳۸۵) گردشگری (ماهیت و مفاهیم) تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی پوهنتون‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ترابی، و همکاران (۱۴۰۲)، تبیین نقش مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و موزه‌ها در فرایند ترویج گردشگری پایدار، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، شماره ۶۳. صص ۱۵-۴۰.
- شبلې، جمال‌الدین و همکاران (۱۳۹۷). چگونگی حفاظت از میراث فرهنگی افغانستان. علوم اجتماعی پوهنتون کابل. مرکز ملی تحقیقات پالیسی همکاری‌نهاد کنراد ادناور، کابل افغانستان.
- روزنامه ۸ صبح (۱۳۹۲). نقش گردشگری در توسعه پایدار روزنامه ۸ صبح، ۳ میزان ۱۳۹۲.
- سارا، تیمورتاش و دیگران (۱۴۰۰). شاخص‌های به کارگیری ظرفیت میراث فرهنگی برای توسعه اقتصاد محلی. مطالعات معماری ایران، دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنری، دانشگاه کاشان، سال دهم شماره ۲۰. صص ۲۱۱-۱۹۶.
- یونسکو با همکاری آی‌کوم، (۲۰۱۲). نقش موزیم‌ها در آموزش و توسعه گردشگری فرهنگی.

پوهنمل عبدالمنیر فایق

- سلیمانی، حمید رضا (۱۴۰۴) بررسی نقش موزه‌های تاریخی در توسعه اقتصاد گردشگری پایدار: تجزیه م تحلیل راهبردهای بین المللی. نشر: اولین کنفرانس بین المللی حسابداری، مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع. صص: ۲۳-۵.
- عابد، عبدالحبار (۱۳۹۹) نقش راه ابریشم در صنعت توریسم، ارگان نشراتی فرهنگ مردم، وزارت اطلاعات و فرهنگ، شماره ۲۱، صص: ۷۵-۶۶.
- کاظمی، مهدی (۱۳۸۵). مدیریت گردشگری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- محمد حسن، زال و دیگران (۱۳۹۹). موزه‌های باستان شناختی و نقش آن در توسعه گردشگری میراث فرهنگی در شهرهای تاریخی، مطالعه موردی: موزه خانه کلبادی شهر ساری. فصلنامه علمی گردشگری شهر. شماره ۱، صص: ۵-۳۷.
- مهدوی، مسعود (۱۳۹۱). نقش موزه‌های میراث روستایی در توسعه فرهنگی روستایی، مطالعه موردی: موزه میراث روستایی گیلان. مجله چشم انداز جغرافیایی، (مطالعات انسانی). شماره ۲۱، صص: ۲۵-۱۴.
- یونسکو و برنامه عمران ملل متحد (۲۰۱۳) گزارش اقتصادی خلاق ۲۰۱۳: گسترش مسیرهای توسعه محلی. پاریس: انتشارات یونسکو، ص: ۵۴.
- پیمان‌ه عسگری، محمود گودرزی، (۱۳۹۹)، تأثیر آشنایی با میراث فرهنگی بر مدیریت توسعه سرمایه فرهنگی جوانان شهر تهران. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۵۰. صص: ۲۶۸-۲۵۲.
- (David Throsby, 2001) اقتصادی و فرهنگ. کمبریج: دانشگاه کمبریج.

- Sen, A (1999) Development as Freedom. Oxford University Press.
- Subhiksu, Ida Bagus Kade. & Ardika, I Wayan. & Putra. (2015) Nyoman Darma. & Madiun, I Nyoman. Museums as Cultural Tourism Attractions in Ubud Bali Indonesia, International Journal of Scientific & Engineering Research, Vol.6, No.2, pp.278-285.
- UNESCO. (2020) Culture: Urban Future – Global Report on Culture for Sustainable Urban Development. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization

تحلیلی بر بازتاب نقش علم و فن برای پیشرفت و بیداری جوامع اسلامی در دیدگاه

اقبال لاهوری

پوهنمل خالد سدید^۱، نامزد پوهنیار عزیز الله راسخ^۲

۱. دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی.

۲. دیپارتمنت فارسی دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول- ایمیل: Khalidsadid6@gmail.com

چکیده

مقاله‌ی حاضر تحت عنوان (تحلیلی بر بازتاب نقش علم و فن برای پیشرفت و بیداری جوامع اسلامی در دیدگاه اقبال لاهوری) ترتیب گردیده و روی این موضوع از زوایای مختلف می‌پردازد؛ علامه اقبال لاهوری از جمله شاعرانی است که با دیدی تازه‌ی به علم و فن پرداخته است، علامه اقبال لاهوری به "علم و فن" توجه بس عمیق داشته و در زمینه مسلمانان را ترغیب می‌نماید. دیگر اینکه اقبال، علم و فن و صنعت را مایه‌ی شکوه و ابهت مسلمانان دانسته و اغفال در این زمینه را سخت ناپسند می‌داند که سبب گدایی و طلب می‌شود. بنابر بررسی این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و بازتاب این موضوع از موضوعات مهم تاریخ جهان اسلام به حساب می‌رود. با آشکار شدن این موضوع جوانان و رهبران آینده این سرزمین که همانا نسل‌های امروز و آینده اند؛ جهت پیشرفت و توسعه پایدار آینده کشور استفاده خواهند کرد. هدف نگارندگان تحلیل و شناسایی نقش علم و فن برای پیشرفت و بیداری جوامع اسلامی از دیدگاه اقبال لاهوری می‌باشد. در این تحقیق به آن بخشی از دیدگاه، نظریات و اشعار علامه اقبال پرداخته شده است که انعکاس دهنده نوع نگاه نافذ و عمیق اقبال به علم و فن است. تحقیق حاضر برای تحلیل دیدگاه علامه اقبال لاهوری، از آثار اصلی او به خصوص کتاب‌های احیای فکر دینی در اسلام و اسرار خودی استفاده شده است. هم‌چنان اشعار و مقالات او در پیام مشرق به عنوان منابع تکمیلی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی بوده و مواد یافته‌های این تحقیق از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای انجام یافته و مفاهیم مرتبط به موضوع در آثار مذکور استخراج و بررسی شده است. تحقیق حاضر بر اساس این تحقیق در پی پاسخ به پرسش زیر است: از دید علامه اقبال لاهوری مسلمانان برای بازیابی شکوه، عظمت و پیشرفت گذشته خود نیازمند کدام راهکارهای علمی و فکری می‌باشند و عوامل درونی که سبب ضعف و انحطاط جوامع اسلامی شده، چه بوده است؟

واژه‌های کلیدی: اقبال، انحطاط، اشعار، علم و فن، عوامل، دین و صنعت.

An Analysis of the Reflection of the Role of Knowledge and Technology in the Progress and Awakening of Islamic Societies in the Thought of Allama Iqbal Lahori

Senior Teaching Assistant Khalid Sadid^{1*}, Teaching Assistant Azizullah Rasikh²

1. Department of History, Faculty of Education, Alberoni University
2. Department of Dari Persian, Faculty of Languages and Literature, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: Khalidsadid6@gmail.com

Abstract

This article, titled "An Analysis of the Reflection of the Role of Knowledge and Technology in the Progress and Awakening of Islamic Societies in the Thought of Allama Iqbal Lahori", explores the topic from multiple dimensions. Allama Iqbal Lahori is one of the poets who approached knowledge and technology with a renewed vision. He paid profound attention to "knowledge and technology" and strongly encouraged Muslims in this regard. Moreover, Iqbal viewed knowledge, science, and industry as sources of honor and dignity for Muslims, considering neglect in these areas as highly undesirable, leading to dependence and humiliation. Thus, the study of this topic holds special importance and is considered one of the key subjects in the history of the Islamic world. Bringing this matter to light can serve as a guide for the youth and future leaders of this land—namely the present and future generations—to contribute to the sustainable development and progress of their country. The authors aim to analyze and identify the role of knowledge and technology in the advancement and awakening of Islamic societies from Iqbal's perspective. The present study, aimed at analyzing Allama Iqbal Lahori's views, draws primarily on his major works, particularly *The Reconstruction of Religious Thought in Islam* and *Asrar-i Khudi*. In addition, his poems and essays in *Payam-e-Mashriq* have been used as supplementary sources. The research method is descriptive and analytical, with data collected through the study of library resources. Relevant concepts related to the subject were extracted and examined from the aforementioned works. The research seeks to answer the following question: According to Allama Iqbal Lahori, what scientific and intellectual strategies do Muslims need to reclaim their former glory, greatness, and progress? And what internal factors have caused the decline and weakness of Islamic societies?

Keywords: Iqbal, decline, poetry, knowledge and technology, factors, religion, indus

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

از آغاز تاریخ، هر عصری، ماهیت مخصوص خود را داشته است، از حجر آغاز شده تا عصر علوم، سپس انقلاب صنعتی و تکنالوژی. عصر ما و به عبارت دیگر عصر حاضر، عصر صنعت و تخنیک و تکنالوژی و عصر انفجارات علم و فن است. امروز خانواده بشریت سیاره زمین را درنوردیده و حالا دارند از رفتن به ماه و مریخ صحبت می نمایند و می خواهند که توسط "سلطان" یعنی علم و دانش و فن که همانا قدرت است، از گوشه ها و اکناف زمین بیرون بروند. هم چنان رشد علم و صنعت، از قرن نهم میلادی به این سو زندگی بشر و چهره جوامع انسانی را به شدت متحول نموده است، به طوری که فناوری به عنوان مهم ترین ثمره این توسعه بر همه چیز سایه افکنده است و اکنون به مثابه مهم ترین شاخص برای سنجش میزان توسعه و یا عقب ماندگی کشورها محسوب می شود. فناوری افزون بر رفع مشکلات و بر آوردن ساخت نیازهای بشر، بسیاری از آرزوهای دست نیافتنی انسان را تحقق بخشیده و بلند پروازی های او را پاسخ مثبت داده است. امروزه فناوری یک وجه اساسی از جهان مدرن شمرده می شود و به گونه ای که انسان را موجودی تکنولوژیک می خوانند. با این اساس علامه اقبال لاهوری (۱۸۷۳-۱۹۳۸) فلیسوف، شاعر فرزانه، بیدارگر معاصر و متفکر بزرگ اسلامی، در آثار به خصوص اشعارش به علم و تکنالوژی به عنوان ابزارهای برای تعالی و پیشرفت جوامع اسلامی نگاه می کند (سالاری، ۱۳۹۲: ۱-۱۲). از دید این متفکر بزرگ جهان اسلام، بهترین راه رسیدن به "علم و فن" و صنعت و تکنالوژی، تربیه جوانان به علوم عصری و جدید و فنون مختلفه است. در اشعار او، جلوه هایی از علم و فن به وفرت دیده می شود؛ مانند: شمشیر، تیر، تفنگ، تبر، چراغ، ایغ، خیابان، گلزار، باغ. این بیدارگر معاصر معتقد است که علم و فن و صنعت، مایه ابهت، شکوه و عظمت ملت ها و سرزمین ها بوده و می باشد. نگرش آن نسبت به علم و فن و صنعت، نگرشی است که دین لازمه آن بوده و به عبارت دیگر؛ علامه اقبال، علم جدید و صنعت را با دین، لازم و ملزوم می داند که انفکاک هریک از دیگری را سبب ایجاد فاجعه هایی متنوع دانسته است. بنابراین در سراسر اشعار و آثار اقبال لاهوری، این دو (علم و فن و دین) لازم و ملزوم و در کنار هم دیده می شود. هم چنان از نظر علامه اقبال، علم و فن به اضافه دین، رحمتی است الهی و قوتی است که سبب حفظ عزت و

آزادی و استقلال ملت‌ها و سرزمین‌ها شده و خواهد شد. حضرت علامه اقبال، روح و معنی علم و فن، و هنر و صنعت، و تکنالوژی را آموزه‌های اسلامی و دینی می‌داند. وقتی از اقبال و اندیشه‌های او صحبت می‌نمائیم، خواسته و یا ناخواسته بحثی ما به دین هم کشیده می‌شود، چون پایه و اساس اندیشه‌ای اقبال را دین تشکیل داده است و می‌دهد. از دید علامه این فلیسوف و شاعر فرزانه، باید از دیوار و حجره‌ها و لایه‌های علم و فن و صنعت و تکنالوژی، رایحه‌ی خوش آموزه‌های اسلامی به مشام برسد و سنگ‌بنای صنعت باید با این عقیده بنا شود و الا مهلکه‌ی بیش نخواهد بود، هم برای صانع و هم برای محیط پیرامون و دنیای بشریت. آلبرت انشتین، فزیک دان نامی و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، هم می‌گوید: "علم و دانش بی‌دین لنگ است و دین بی‌دانش کور (نایک، ۱۳۹۶: ۱۳).

در این مقاله به نگرش علامه اقبال لاهوری در باره "علم و فن" و صنعت و اهمیت آن برای بیداری و پیشرفت مسلمانان، پرداخته شده و این مقاله نشان می‌دهد که در نظر اقبال؛ علم جدید و صنعت چقدر مهم بوده و عوامل بازدارنده و عقب‌گرد پیشرفت و تعالی تمدن و جوامع اسلامی چه بوده، ریشه و شاخص‌های بازیاب و احیای شکوه و عظمت قبلی مسلمانان را در کدام راستا می‌توان پیدا کرد؟

پیشینه تحقیق

هرچند در مورد جایگاه علم و فناوری جهت رشد و بیداری جوامع اسلامی برخی از دانشمندان بحث کرده‌اند. هم‌چنان در بعضی کتاب‌های تاریخ به‌طور مختصر در زمینه اهمیت و ارزش علم و تکنالوژی برای پیشرفت و بیداری مسلمانان اشاره صورت گرفته است. در اینجا به بعضی مواردی که در رابطه به اهمیت علم و فن و علل عقب ماندگی جوامع اسلامی که از طرف محققین تذکر صورت گرفته می‌پردازیم که می‌تواند در ارتباط به موضوع تحقیق کمک کند:

ندوی، سید ابوالحسن علی حسنی (۱۳۹۶) در کتاب خویش تحت عنوان افکار شگفت اقبال به این باور است که محمد اقبال در باره علوم و شعر و ادب، آراء صائب و نیکویی دارد که عصاره تفکر و تجربه وی هستند، از جمله اینکه می‌گوید: شعر و ادب نیرو و موهبت بزرگ الهی است که انسان به وسیله آن در جامعه، انقلاب فکری به وجود می‌آورد و علیه اوضاع فاسد قیام می‌کند و در قلوب، حماسه و شور زندگی می‌آفریند و مردم را به سوی خیر و نکوئی رهنمون شده از متعقدات فاسد و انحراف باز می‌دارد. این کتاب صرف توصیفی بوده و به صورت تحلیلی در رابطه به موضوع نه پرداخته است. بنده در تحقیق خود در رابطه به این موضوع به‌صورت تحلیلی و انتقادی پرداخته‌ام.

عزیزالله سالاری (۱۳۹۲) در مقاله خویش تحت عنوان حکمت خودی و فلسفه شرقی در نگاه علامه اقبال لاهوری به این باور است که علامه اقبال لاهوری و به ویژه در سروده هایش به زبان پارسی، از یک نظام فکری و فلسفی برجسته به نام حکمت خودی سخن می گوید که هیچ کدام از روش های فکری مشایی، اشراقی، سلوکی، عرفانی و استدلالی کلامی کاملاً مشابه نیست. بنابر این بنده در تحقیق خویش بر علاوه از شناسایی دلیل این امر و چالش های دیگری را نیز تذکر داده ام.

رستم شاه محمدی (۱۳۸۴) در مقاله خود تحت عنوان تعامل علم و دین از دیدگاه علامه اقبال لاهوری بر این عقیده است که از نظر اقبال لاهوری برخورداری از توانمندی های نظامی و غلبه بر عقب ماندگی در عرصه فناوری عمده ترین عاملی بود که جهان اسلام را به سمت بهره گیری از علوم جدید و دستاوردها سوق داد. از آنجایی که تحولات اجتماعی تک علتی نمی باشد. در این کتاب تنها از توانمندی های نظام و غلبه بر عقب ماندگی فناوری سخن به عمل آمده. اما از عوامل عمده دیگری که سبب شد مسلمانان به علوم بیش تر بپردازند پرداخته نه شده است. بناً بنده در تحقیق به عوامل اصلی و عمده پرداخته ام.

زهره محمدی (۱۴۰۰) در اثر خویش تحت عنوان علل و عوامل عقب مانی تمدن اسلامی در عصر فعلی می نگارد: که یکی از مهم ترین عناصری که هر تمدن را بر می کشد و به آن فروغ و روشنائی و اوج می بخشد احساس مسوولیت اجتماعی است، این احساس مسوولیت در بخشی با عنوان کار خودش را نمایان می سازد که در یک جامعه به صورت مطلوب و موثری باید وجود داشته باشد توجه به کار به عنوان یک احساس مسوولیت اجتماعی می تواند نقش مهمی ایفا نماید. از این رو کار، جوهر تمدن است. بنابر این وقتی این جواهر آسیب ببیند در واقع یک تمدن آسیب دیده است. با این اساس دوری از تنبلی و تن پروری و روی آوردن به کار و تلاش نه تنها می تواند در سرنوشت جوامع مسلمانان را بلکه هر جامعه ای را دچار تغییرات اساسی نماید. در واقع بدون تلاش و کار داشتن احساس مسوولیت اجتماعی هیچ چیزی ساخته نمی شود هر تمدنی محصول کارهای تولیدی است. در این کتاب به عوامل موثر بازدارنده خارجی پرداخته نه شده است. بنده در تحقیق به عوامل اصلی بازدارنده خارجی نیز پرداخته ام.

مواد و روش کار

نوع تحقیق کتابخانه ای و گردآوری اسناد، آثار، استفاده از مقالات علمی سایت های مختلف و ژورنال های مختلف بوده و روش تحقیق که استفاده نمودم توصیفی و تحلیلی است.

یافته‌های تحقیق

مفهوم لغوی و اصطلاحی علم و فن

علم به معنی یقین کردن، دریافتن، دانش، آگاهی، معرفت و شناسایی آمده است (دهخدا، ۱۶۰۵۲: ۱۳۷۷). علم حالت دانستن و یقین داشتن، آنچه که واقعیت یا درستی آن به تجربه و اسباب تحقیق به اثبات رسیده است (انصاف پور، ۱۳۸۴: ۷۲۰). علم در قرآن کریم به معنای: دانستن، دانش، شناختن، آگاهی، دانایی و با تعبیری مانند و هم یعلمون، و انتم تعلمون، به معنای وحی: من بعد ماجاءك من العلم و به معنای روشن ساختن چیزی درباره خداوند سبحان: ليعلم الله و من يخاف بالغيب به کار رفته است (صالحی، ۱۳۸۹: ۲). فن شیوه، قاعده و روش انجام دادن کاری، آگاهی‌های مربوط به امور صنعتی می‌باشد (همان، ۱۳۸۴: ۷۹۴). به عباره دیگر به معنی داشتن و به کار گرفتن روش‌های علمی در یک حیطه خاص و ورزیدگی در آن حیطه است (رحیمی، ۱۳۹۰: ۸۷). صنعت امروزه تنها صنعت به ساخت و ساز و کالا و وسایل پیشرفت بشر گفته می‌شود ولی خداوند در قرآن صنعت را هم به کالا و وسایل پیشرفت بشر که عبارت از تکنالوژی است به کار برده "اصنع الفلک" و هم به تربیت انسانی. "لتصنع علی عینی" (خرم دل، ۱۳۹۷: ۲۵) بنابراین؛ "صنعت" کلمه‌ی جامعی است که تمام زوایای زندگی بشر را از ساخت و ساز و وسایل و تکنالوژی گرفته تا تربیه و تعلیم انسان، شامل می‌شود. علم و تکنالوژی پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به طوری که تکنالوژی را علم عملی و یا دانش کاربردی و علم را بخش نرم افزاری تکنالوژی می‌دانند. نزدیکی این دو مفهوم به گونه‌ای بوده است که اکثراً این دور واژه به صورت مرکب «علم و تکنالوژی» به کار می‌رود (رحیمی، ۱۳۹۰: ۸۸). علم تنها توده‌ای از ثنوری‌ها و ایده‌ها است ولی تکنالوژی شیوه به کارگیری و کاربردی کردن این علم است. در واقع بسیاری از مسلمانان تصور می‌کنند که ما تنها به آموختن علم و دانش توصیه شده ایم. در حالی که توصیه‌های بیشتری در به کارگیری و استفاده از علوم و دانش که همان تکنالوژی است، وجود دارد (خالد، ۱۳۹۶: ۴۵۰). خطر علم و فن و تکنولوژی‌های وارداتی: تمام وسایل و ادواتی را که ما امروز از آن استفاده می‌نمائیم وارد می‌شود. تمام سیستم‌هایی که در بانک‌ها، عملیات محاسباتی انجام می‌دهند از خارج وارد می‌شود. این امر در مورد سیستم‌های هواپیماها و تانک‌ها و دیگر وسایل‌ها نیز صادق می‌آید، چون این وسایل‌ها را ما استفاده می‌کنیم ولی دانش مربوط به عملیات داخلی این سیستم‌ها را سازندگان آن در اختیار دارند (همان، ۱۳۹۶: ۴۵۸).

نگاهی مختصر پیرامون جایگاه علم و فن از دیدگاه دانشمندان مسلمان

دیدگاه و اندیشه دانشمندان اسلامی در مورد علم و فن بسیار ارزنده، مثبت و تشویق کننده بوده است. به خصوص دین مقدس اسلام به فراگیری علم به شدت تاکید داشته است. طوری که اولین آیه نازل شده بر پامبر اسلام (صلی الله و علیه و سلم): *اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ* (ترجمه: بخوان به نام پروردگارت که آفرید) که نشان دهنده جایگاه و عظمت علم در اسلام می باشد. اسلام، علم را وسیله درک بهتر جهان و شناخت الله متعال دانسته است. علم و معرفت در قرآن کریم به عنوان هدف آفرینش و هدف خلقت انسان مطرح شده است. اصل کلمه علم در قرآن کریم هشتاد بار در مواضع مختلف تکرار گردیده است و مشتقات آن مانند *يعلمون* و *يعلم* و غیره به گونه وافر به کار رفته است. افزون بر این ها، واژه هایی مانند حکمت، برهان، و مشتقات عقل بارها در قرآن کریم به کار رفته است. قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) به شدت تاکید بر اهمیت علم و دانش تاکید نموده اند (صالحی، ۱۳۸۹: ۲). طوری که الله متعال در قرآن کریم می فرماید: *قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ*. ترجمه بگو آیا کسانی می دانند و کسانی که نمی دانند برابر اند؟ (آیه ۹ سوره الزمر). با این اساس مفهوم علم و دانش در اندیشه اسلامی دایره وسیعی از انواع معرفت های حصولی، حضوری، تصور، تصدیق کلی و جزئی را شامل می گردد. آموزه های اسلامی بدنه جامعه را از حیث اجتماعی و فرهنگی تحت تاثیر قرار داده و افراد (نه تنها مومنان بلکه کافران و مشرکان و حتی پیروان دیگر ادیان) از جانب الله متعال و انبیاء اش برخوردارمندی و به کارگیری عقل دعوت می شوند. هم چنین انسان در قرآن کریم به تعمق نگری در آثار خلقت و طبیعت فراخوانده می شود. و توسعه می شود به اینکه باید علوم را از هرمنبعی که واجد آن باشد اخذ نماید (صالحی، بی تا: ۱).

این نشان دهنده جایگاه و اهمیت والای علم در دین مبین اسلام می باشد. دانشمندان مسلمانان به ویژه ابن سینا، خوارزمی، امام محمد غزالی، ابن هیثم، فارابی، البیرونی، ذکریا رازی، ابن خلدون و دیگران، در طول تاریخ و زندگی پر بار خویش نقش مهم در پیشرفت علوم مختلف ایفا نموده و به شدت تاکید برای فراگیری علم و دانش داشته اند. ابن سینا دانشمند برجسته جهان اسلام علم را به عنوان ابزاری بهبود زندگی بشری و راهی برای شناخت حقیقت و تقرب به الله متعال می دانند. او به این باور بود که علم یک روند پویا در حال توسعه بوده و انسان باید همواره با مطالعه و تحقیق، به کشف حقایق جدید بپردازد. هم چنان بنابر عقیده او علم انسان را قادر به درک حقایق و شناخت جهان

می سازد (رسولی، ۱۳۹۲: ۷-۹). از دید و اندیشه ابن سینا اهداف فراگیری علم و تعلیم و تربیه کسب اخلاق نیکو و عادات پسندیده، ایمان، تندرستی، سواد، پیشه و هنر می باشد (احمد پوری، ۱۳۹۶: ۱). ابن سینا علم را راهی برای رسیدن به سعادت و در نهایت به الله متعال و شناخت حقیقت می داند و در راستای این اعتقاد ارزش و اهمیت تجربه در علم را نیز بیان می کند و تربیت را فعالیت مقدس دانسته که انسان به شدت محتاج آن می باشد. هدف ابن سینا منحصراً رشد عقلانی و اندوختن دانش نیست و توجه خویش را تنها وقف جنبه های اخلاقی نمی کند بلکه هدف او ساخت شخصیت کامل از حیث جسمی، عقلی و منش بوده و کار تعلیم و تربیت را محدود به تشکیل یک شهروند کامل نمی کند بلکه بیش تر باور دارد که تعلیم و تربیه باید شهروند را برای شغلی که از طریق آن بتواند در ساختار اجتماعی شرکت کند آماده نماید (غفاری، ۱۳۹۵: ۲). یکی از برجسته ترین دانشمندان دیگر جهان اسلام که به اهمیت و ارزش علم پرداخته و فراگیری علم و فن را به شدت تاکید نموده است زکریای رازی است. علم و نظروری در دیدگاه رازی از چنان جایگاهی برخوردار است. به باور او فراگیر علم وظیفه تمام انسان ها بوده است. رازی مانند ابن سینا فراگیری علم و دانش را وسیله حیاتی در جهت دست یافتن انسان ها و جوامع بر بهبود زندگی و رفاه انسانی دانسته است. هم چنان این دانشمند بزرگ جهان اسلام تاکید بر ارزش تجربه و مشاهده در علم دارد. او به این باور بود که علم و فن باید مبتنی بر شواهد تجربی استوار باشد و نه محدود بر پایه نظریه های قدیمی. هم چنان رازی علم را ابزاری سازنده زندگی مادی و وسیله شناخت حقیقت جهان و درک نظام هستی می داند. زکریا فراگیری علم را نه تنها وسیله پیشرفت فردی بلکه برای عرضه خدمات برای جامعه بشری الزامی می داند. به علت همین نوع دید به علم و ادیشه ورزی است که رازی در زندگی تلاش طاقت فرسایی برای کسب علم و معرفت می نماید و سعی می کند در هر حوزه ای که آن را ضروری می دانست به فراگیری علم و به تحقیق بپردازد (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱-۱۸). از جمله این دانشمندان جهان اسلام یکی فارابی است که ملقب به معلم ثانی، پدر فلسفه اسلامی که به اهمیت و ارزش فراگیری علم و به معنی و مفهوم اهداف، اصول و روش های آن پرداخته است. به باور فارابی انسان برای این شده است که با بالاترین مرتبه سعادت برسد. و ابزاری رسیدن به این سعادت را فراگیر علم و فن می داند. اندیشه فارابی به علم و فن، دیدگاه جامع، نظاممند و انسان محور بود. او به مانند رازی و ابن سینا، علم را نه تنها وسیله بهبود رفاه اقتصادی و مادی بلکه به عنوان مسیر تفکیک حق از باطل و راه رسیدن به الله متعال می دانست. فارابی به این باور بود که بین علم و دین رابطه نزدیک وجود داشته و مکمل کننده یکدیگر به حساب

می‌روند و در آثار تحقیقی خویش کوشش نمود تا میان تعلیمات دینی و یافته‌های علمی و فلسفی هماهنگی را ایجاد نماید. هم‌چنان فارابی معتقد بود که علم یک روند پویا و در حال پیشرفت بوده انسان باید همواره به خاطر فراگیری علم، مطالعات و تحقیق تلاش کند و علم را وسیله رفاه و عدالت اجتماعی دانسته است. از دیدگاه او تعلیم یعنی ایجاد فضایل، تقویت اعتقاد، کسب مهارت‌های لازم برای تصدی وظایف در مدینه فاضله، انجام عمل بر طبق عقاید صحیح و وظایف مدنی سالم (روشناس، ۲۰۰۷: ۱-۱۰). ابوحامد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هجری) یکی از بزرگترین و اصیل‌ترین متفکران نه تنها در تاریخ اسلامی بلکه در تاریخ تفکر بشر است که بر جایگاه حیاتی علم و فن پرداخته و اندیشه‌های ژرف و متنوعی در باره علم و فن دارد (نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). او در آثاری خود به-خصوص در کتاب کیمیای سعادت بر جایگاه علم و فن پرداخته است (دولت شاهی، ۱۳۹۵: ۸۶). غزالی علم را راهی رسیدن به الله متعال دانسته و علم را به دو دسته علم دینی و علم اخروی تقسیم نموده است. از دید او علم دینی به علوم طبیعی، ریاضیات و فناوری گفته می‌شود که اگر در راه خدمت به انسان و تقرب الله متعال استفاده شود، با اهمیت می‌باشد (محمد غزالی، ۱۳۸۵: ۱۰۰-۱۲۰). اما علم اخروی در اندیشه او جایگاه بلندی دارد چون از دید آن فهم دینی برای توسعه و پیشرفت جوامع مهم بوده است. او به این باور بود که علم باید در خدمت دین و اخلاق قرار بگیرد و اگر از این مسیر بیرون شود احتمال زیاد می‌رود به گمراهی و فساد منجر شود (محمد غزالی، ۲۰۰۳: ۱۵۰-۱۷۰). غزالی از کسانی که علم را به منظور هدف فردی یعنی به خاطر نام و کسب دانش فرا می‌گیرند انتقاد کرده و تاکید می‌کند که علم باید برای بهبود زندگی و سعادت اخروی فرا گرفته شود (محمد غزالی، ۲۰۰۵: ۳۰-۴۰). خوارزمی یکی از شخصیت‌ها و دانشمندان برجسته دیگر جهان اسلام است که فراگرفتن علم و فن تاکید داشته و به ارزش و اهمیت هردو می‌پردازد. خوارزمی دانشمند برجسته دیگر جهان اسلام نیز در آثار خویش به اهمیت و ارزش علم و فناوری تاکید زیادی نموده است. خوارزمی در اثر پر بهای خود الجبر و المقابله به نیاز علم و دانش برای مسایل و بهبود زندگی پرداخته است و به این باور است که علم ابزاری حیاتی و مهم برای بهبود شرایط زندگی و توسعه جوامع انسانی بوده است. او در این اثر با ارزش خود به اهمیت علم ریاضیات و کاربردهای آن در حل مسایل زندگی روزمره انسان‌ها اشاره کرده است.

به هر حال از اندیشه و دیدگاه دانشمندان اسلامی چنین استنباط گردید که علم نه تنها ابزاری برای درک و فهم اجتماعی از جهان بلکه وسیله بسیار مهم برای تقویت ایمان، بهبود رفاه اجتماعی و

پوهنمل خالد سدید

اقتصادی و حفظ میراث و هویت تمدن اسلامی به حساب رفته است. با این اساس آنان در طول تاریخ همواره علم و فناوری را ابزاری حیاتی و مهم برای پیشرفت و توسعه تمدن اسلامی و بیداری امت اسلامی محسوب نمودند. از این رو هریک آنان مانند خوارزمی، ابن سینا، ابن خلدون، جابر بن حیا، البیرونی، امام محمد غزالی، زکریا رازی و فارابی با تالیفات و تحقیقات خویش خدمات ارزنده و مهمی را انجام دادند.

نقش علم در بیداری و پیشرفت جوامع اسلامی

علامه محمد اقبال لاهوری، دانشمند، متفکر و شاعر بزرگ دنیای اسلام، علم و فن را بهترین وسیله برای توسعه و بیداری جوامع اسلامی دانسته و در آثار و تالیفات خود جهت بهبود شرایط زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی و هم چنان برای رهایی از عقب ماندگی و مقابله با استعمار غرب، تاکید بر فراگیری علم و فن کرده است و به باور او یکی از عوامل عمده و اساسی که سبب عقب مانگی جوامع اسلامی شد؛ تعلل و غفلت مسلمانان در فراگیری علم و تکنالوژی بوده است و در آثار خود به امت اسلامی هشدار می دهد که بدون تکنالوژی و علم نمی توان در برابر استعمار و سلطه غرب مقابله نمود. هم چنان این متفکر و دانشمند بزرگ اسلامی، علم را وسیله توسعه و رفاه اقتصادی و اجتماعی دانسته و به این عقیده است علم ابزاری است که می توان توسط آن فقرزدایی کرده و از عقب مانگی های اجتماعی و اقتصادی جامعه جلوگیری کرد. در ضمن این متفکر بزرگ اسلام علم و تکنالوژی را به عنوان ابزاری - های الزامی برای بیداری و توسعه جوامع اسلامی محسوب کرده است. مسلمانان را مکلف به استفاده از علم و تکنالوژی برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و تامین عدالت، مقابله با استعمار غرب و تقویت و تحکیم هویت و ارزش های اسلامی کرده است.

علامه اقبال لاهوری، درخشش و تعالی بشریت را توجه به علم و فن و تازه کاری ها دانسته و با عنصرهای متعدد و متنوعی به صنعت و تکنالوژی اشاره می نماید و جهان اسلام را به سوی آن فرا میخواند، مانند: "تازه کاری ها، جلوه های عصر نو، علم و فن و کاسب" که همه به انفجارات و اختراعات بشری در پهنه ی هستی و علم و فن دلالت می نماید (لاهوری، ۱۳۸۴: ۱۶۵). از نگاه علامه اقبال، انسان از جایگاه علم و فن و صنعت است که با خداوند وارد گفتگو شده و در امر خلافت با او سهیم می شود (همان، ۱۳۸۴: ۲۴۸).

یکی از مواردی دیگری که علامه اقبال لاهوری برای توسعه و پیشرفت جوامع به آن پرداخته است صنعت است. او به این باور بود که صنعت و تکنالوژی از جمله ابزاری بسیار مهم برای احیای تمدن

اسلامی، رفاه اقتصادی و ایجاد خودکفایی امت اسلامی محسوب می‌شود. اشاره‌های او، به اختراعات و صنعت بشری، خیلی زیباست. او صنعت را وسیله کسب خودکفایی و استقلال اقتصادی می‌داند. بنابر عقیده او یکی از وسیله‌های مهم می‌تواند به جوامع اسلامی کمک کند تا از وابستگی اقتصادی به غرب رهایی پیدا کنند و به خودکفایی دست یابند صنعت است. به همین اساس در اشعار خود مسلمانان را توصیه به توسعه صنعت و تقویت اقتصاد می‌نماید. او می‌خواهد با اشاره به شمشیر و تیر و تفنگ، و برق و خیابان و گلزار، که همه قدرت و شوکت جامعه و ملت‌ها را به نمایش می‌گذارد، انسان را متوجه استعدادهای نهفته در سرزمین وجودش نماید (همان، ۱۳۸۴، ۲۴۹) امروزه، وقتی که سخن از شمشیر به میان می‌آید، دیگر آن شمشیری که شکل و هیئت مخصوص داشته و در زمان خود به کار برده می‌شده، نیست. شمشیر نماد از قدرت و هیمنت است. سمبولی است برای مقاومت، شکوه و عظمت. یکی از اختراعات دست بشر، تیر و تفنگ است. زمانی که کشورگشایی‌های ناپلئون به مصر رسید، استفاده آن‌ها از تفنگ، باعث شکست و سرنگونی مسلمانان شد. مسلمانان در آن زمان چیزی جز شمشیر برای دفاع از خودشان نداشتند در حالی که سربازان ناپلئون با تفنگ می‌جنگیدند (خالد، ۱۳۹۶، ۴۶۰). به گونه مثال چراغ و یا برق توسط فارابی اختراع شد. او پسر چارده ساله بود و تا بیست سالگی، کتاب فروش بود. اما زمانی که در کتاب فروشی کار می‌کرد، وقت خود را به مطالعه می‌گذراند تا اینکه موفق شد برق را اختراع کند. بنابراین یک مخترع، یک انسان غیرعادی و عجیب و غریب نیست. (همان، ۱۳۹۶: ۴۶۰) هم‌چنان تصور کنید زندگی بشر را قبل از اختراع کاغذ و ماشین چاپ، قبل از اینکه گوتنبرگ چاپگر را اختراع نماید. چرا افرادی مانند خوارزمی، دیگر در میان ما ظاهر نمی‌شود؟ او مرد ساده بود اما دینش را دوست داشت. او علم جبر را پایه ریزی نمود و "الگوریتم" را اختراع کرد که هم اکنون در کتاب‌های علمی غرب ارائه می‌شود. الگوریتم روشی برای یافتن راه حل بسیاری از مسایل ریاضی است. نه فقط این بلکه او چیزهایی اختراع کرده است که تاریخ را متحول کرده و از آن به عنوان بزرگترین کشف در دنیای ریاضیات نام برده می‌شود. او صفر را اختراع کرد. آیا می‌توانید تصور کنید، ریاضیات قبل از اختراع عدد صفر چگونه بود؟ آیا علم کامپیوتر می‌توانست بدون عدد صفر به وجود بیاید؟ (همان، ۱۳۹۶: ۴۶۰)

به همین اساس که علامه اقبال لاهوری با صراحت و واضح تمام می‌گوید که علم و فن و صنعت و اختراعات خیره‌کننده‌ی دنیای بشری، فرنگی زاد نیست و سهم دنیای اسلام و اختراعات مسلمانان را طلایه‌ی راه دانسته و می‌داند. او به این باور بود که توسعه صنعت باعث ایجاد فرصت‌های کاری و

پوهنمل خالد سدید

فقرزدایی در جوامع اسلامی می‌گردد و از این رو اقبال اشعار خود به امت اسلامی را توصیه به پیشرفت صنعت نموده و شرایط زندگی مردم را بهبود ببخشند.

تو شب آفریدی چراغ آفریدم
سفال آفریدی ایاغ آفریدم
بیابان و کھسار و راغ آفریدی
خیابان و گلزار و باغ آفریدم
(لاهوری، ۱۳۸۴: ۴۵۷).

از نظر اقبال انسان مسئولیت سنگینی را در جهان دارد. در بخشی از بال جبرئیل می‌گوید: از تابندگی همین انسان جهان نورانی شده. اقبال براین اعتقاد است که انسان موجودی کاملی نیست و او در مسیر تغییر جهان و علم و صنعت قرار دارد. از دید اقبال، معراج پیامبر (صلی الله علیه و سلم) این نشان را دارد که انسان می‌تواند آسمان‌ها را تسخیر کند (لاهوری، ۱۴۰۱: ۸۴).

در نظر اقبال، برای پیشرفت و بازسازی امت اسلامی به دو چیز نیاز بیشتری برده می‌شود: یکی به اصلاح فرهنگ و تمدن، و دیگر توجه به علم (تعلیمات عمومی و تحصیلات). در باره تحصیلات عمومی اقبال است که می‌گوید: مسلمانان بیش از تمام رشته‌ها به فراگرفتن صنعت احتیاج دارند و باید به آن توجه کنند. او صنعت و حرفه را ضرورت حاد ملت می‌داند و می‌گوید: "اگر کسی از دل من بپرسد، در جوابش می‌گویم؛ در نظر من دست‌های آن نجار که با کارکردن با تیشه پینه بسته است از آن دست‌های نرم و لطیف که جز گرفتن قلم بار هیچ چیزی دیگری را نمی‌تواند قبول نماید، بسیار زیباتر است.

آنکه خاشاک بتان از کعبه رُفت
مرد "کاسب" را حبیب الله گفت
(لاهوری، ۱۳۸۴: ۲۴).

به گمان اقبال، زمانه‌ای نو در جهان طلوع کرده که در پرتو آن تحولات ژرف و عمیقی در ابعاد مختلف حیات بشر و نیز در حوزه‌های مختلف معرفت بشر به وقوع پیوسته که جهان اسلام نمی‌تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد (لاهوری، ۱۳۸۴: ۹۰) او می‌گوید: عصر حاضر، عصر انقلاب اطلاعات است. امروزه، ما جریانی از اطلاعات آماده را در زمینه‌های مختلف زندگی به سهولت در دسترس داریم که همه و همه ثمره و نتیجه‌ی علم و فن است (همان، ۱۳۸۴، ۷۱).

عصر نو از جلوه‌ها آراسته
از غبار پای ما برخاسته

اقبال، روی آوردن به علوم و دست آوردهای آن را نه دوری از تفکر اسلامی بلکه نوعی بازسازی و احیای فرهنگ قرآنی و اسلامی می‌داند (لاهوری، ۱۳۸۴: ۹۰).

عصر نو کاین صد چراغ آورده است چشم در آغوش او وا کرده است
اقبال لاهوری یکی از راه‌های وصول به کمال را در آفریدن، ایجاد و تحقق بخشیدن هدف
می‌داند. او هدف را خضر راه می‌داند و بر این باور است که هرکس که مقاصد عالی‌تر و سعی و عمل
بیشتر داشته باشد، حیات پاینده‌تر و پربارتر خواهد داشت (لاهوری، ۱۳۹۹: ۳۱۸). اما انسان بی
هدف، انسان منفعل و بدون تحرک و مرده‌ای است که فقط نفس می‌کشد. سربق‌ای آدمی و نیروی
محرک کاروان بشریت از منظر اقبال، آرزو و تلاش در جهت نیل به اهداف است؛ در واقع تکامل
مادی و معنوی جوامع بشری و پیشرفت تکنالوژی و رفاه مردم در گرو برکت حرکت در جهت تحقق
بخشیدن به آنهاست. حضرت علامه اقبال، علم و فن را مایه و وسیله‌ای که برای حفظ و استحکام
خودی انسان که در حقیقت سرمایه‌ی این سرای آب و گل است می‌داند، و هم‌چنان جامعه و
حکومت (همان، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۴)

آگهی از علم و فن مقصود چیست علم از سامان حفظ زندگی است
غنچه و گل از چمن مقصود چیست علم از اسباب تقویم خودی است.
هم‌چنان از دید علامه اقبال لاهوری، علم و فن و صنعت که نتیجه‌ی سعی و تلاش انسان‌ها
می‌باشد، قدرتی است با ابهت، همچون عصا و ید بیضای حضرت موسی علیه السلام که می‌تواند با
جلوه‌ها و نمودش جهانی را مرعوب و متزلزل نماید.

زندگی جهد است و استحقاق نیست جز به علم انفس و آفاق نیست
علم اشیا علم الاشیاسنی هم عصا و هم ید بیضاستی
علم اشیا داد مغرب را فروغ حکمت او ماست می‌بندد ز دوغ
(لاهوری، ۱۳۸۴، ۲۰۵).

از نگرگاه حضرت علامه اقبال، علم و فن و صنعت و تکنالوژی می‌تواند راه انسان‌ها را به جهان-
های دیگر باز نماید و انسان را از محدوده‌ای این عالم آب و گل، بدر برد. می‌توان گفت این سخنان
حضرت اقبال عیناً ملهم از آموزه‌های قرآنی است.

علم حرف و صوت را شهپر دهد پاکی کوهر به ناگوهر دهد
علم را بر اوج افلاک است ره تا ز چشم مهر بر کندد نگه

(همان، ۱۳۸۴، ۳۴).

خداوند می‌فرماید: يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ. (رحمن، آیه ۳۳). این آیه ناظر به دنیا و اشاره به مسافرت‌های فضائی بشر است که شرط آن داشتن سلطه‌ی علمی و صنعتی و قدرت مادی دانسته شده است (تفسیر نور، ۱۳۹۷: ۱۱۴۰)

اقبال می‌خواهد بگوید که ما بنده و عبد ذات قوی هستیم و رمز این نام این است که الله از ما قوت و مکت و شوکت و عظمت را طالب است. یکی از نام‌های خداوند "القوی" است. یعنی الله بنده ضعیف خواب رفته که هیچ سعی و تلاش و تحرکی از خود نشان نمی‌دهد، دوست ندارد، و ذات قوی می‌خواهد که بندگان هم قوی و توانمند بوده و بحر و بر در گوشه‌ی دامانش مسخر شده باشد. می‌توان گفت که اقبال اشاره‌ای دارد به آیه‌ی از قرآن که خداوند بزرگ می‌فرماید: اگر به تمام ممالک و سرزمین‌هایی که امروز حریت ندارند و بنحوی متأثر هستند، نظر یندازیم خواهیم دانست که از علم و فن به دور مانده اند و یا هم دیگران نمی‌گذارند که به علم و فن دست بیازند. خداوند می‌فرماید: (وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ) الأنفال (۶۰) من قوة: من الآلات التي تكون لكم قوة عليهم من الخيل والسلاح. و پیامبر صلی الله علیه و سلم بر بالای منبر قرار داشته و رو به حاضرین این آیه را خوانده می‌فرماید: "وأعدوا لهم ما استطعتم من قوة؛ ألا إن القوة الرمي، ألا إن القوة الرمي، ألا إن القوة الرمي".

هم چنان پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیثی می‌فرماید: (اليدُ العُلْيَا خيرُ من اليدِ السُّفْلَى). مراد از "اليد العلیا" دست قوی و قدرتمند است. این حدیث برای ما در مناسبات جهانی و روابط با کشورها یک معیار و مقیاس به شمار می‌رود اگر ما دست بالا و قدرت مند باشیم. (گولن، ۱۳۹۶: ۳۶۸)

بنابراین؛ مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی زمانی قدرت مند بوده می‌توانند که از خود صنعت و تکنالوژی و چاپخانه و توپخانه و کارخانه داشته باشند. امروز و در این جهان جلوه‌ها، و در این عصر انفجارات علم و فن و صنعت و تکنالوژی، دنیای اسلام و مسلمانان ضرورت به تحول دارند، تحول در تمام زمینه‌های زندگی؛ تحول در سطح تفکر و اندیشه و تحول نمودن از غفلت و تن‌پروری و بلند شدن از خواب غفلت و رفتن به سوی جهان نوین، که همان علم و فن و صنعت و تکنالوژی است. بنابراین سرنوشت ما به دست خود مان است. پس ریشه‌ی این همه تیره روزی‌ها و مرارت‌ها از کم‌همتی

و کاهلی خود ماست و ما باید خود را متحول کنیم. الله متعال می فرماید: "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ." (رعد: ۱۱) "تغییر ما بانفسهم" در اینجا عمق و دامنه‌ی شگفتی میابد! برای فهمیدن معنی باید فهم و نگرش خود را عوض کنیم، و در زمینه‌های علم و صنعت و تکنولوژی، دست یابیم. عمرو خالد می نویسد: ملاک سنجش یک امت، جوانانش هستند. جامعه‌شناسان می توانند مشخص کنند که کدام دولت و سرزمین می تواند تا چه مدت استوار بماند و چه وقتی سقوط خواهد کرد. چگونه این مسئله را می فهمند و تخمین می زنند؟ جواب: عزم راسخ و جدیت است. (حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ). جامعه‌شناسان در میان مردم و اماکن فرهنگی می روند و اهتمام و توجه جوانان را می سنجند و تحقیق می کنند: چه مقصد و آرزو هایی دارند؟ هدف شان از زندگی چیست و چه می خواهند؟ و بعد بر اساس نتایج بدست آمده حکم می کنند و می گویند که این ملت و جامعه تا هشتاد و یا صدسال دوام می کند. چرا؟ زیرا جوانان شان به دنبال امور بی ارزش و پست هستند. به گونه مثال: تنها هدف شان دوستی با یک دختر است، نه دنبال تغییر خود و دنیای پیرامونش. (جان چو دیگر شد، جهان دیگر شود، ۸۱)

در ضمن به باور علامه اقبال لاهوری در آثار و اشعار خود به موضوعات عمیق فلسفی، اجتماعی و دینی پرداخته است. یکی از مفاهیم مهمی که در اشعار خود به آن اشاره نموده است، این بیت معروف است: «جلوه باطل از قوت است». این عبارت به این مفهوم است بعضی اوقات باطل یعنی نادرستی، شر، ظلم به دلیل قدرت و قوتی که دارد، خود را به شکل حق یعنی درستی، خیر یا عدالت نشان می دهد. به عبارت دیگر، باطل ممکن است با استفاده از قدرت و ظاهر فریبنده، خود را پسندیده جلوه دهد مردم را گمراه نماید و این مفهوم در اندیشه علامه اقبال به عنوان هشدار برای مسلمانان و جامعه اسلامی مطرح می گردد تا در تشخیص از حق از باطل توجه نموده و فریب ظواهر را نخورند. هم چنان با این مفهوم می خواهد برای امت اسلامی بازگو نماید که قدرت می تواند باطل را به کرسی حق و حق را به کرسی باطل بنشاند. در ضمن اشاره دارد بر اینکه اگر ما از علم و فن که منشأ قدرت است به دور باشیم و به آن دست نیازیم و ناتوان و ضعیف بمانیم، بی گمان باطل دیگران به عنوان حق به ما حق تحمیل خواهد شد. اگر دست ما به علم و فن علیا و بلند باشد، اهداف ما می تواند بر جهان فرمان روابی کند و اگر کوتاه باشد، اهداف دیگران بر سرنوشت ماحکومت خواهند نمود (لاهوری،

(۵۹: ۱۳۸۴)

پوهنمل خالد سدید

مدعی گر مایه دار از قوت است دعوی او بی نیاز از حجت است
باطل از قوت پذیرد شان حق خویش را حق داند از بطلان حق
از کن او زهر کوثر می شود خیر را گوید شری، شر می شود

اقبال می‌خواهد بگوید که زمانی ما صاحب تاج و افسر بودیم و حکومت و شکوه و فرمان روائی از آن ما بود و در تمام زمینه‌های زندگی، دست ما بالا و قدرت مند و توانا بود، ولی کم سواد و غفلت و تن‌پروری و بی‌برنامه‌گی ما از یک طرف و حمله دشمنان جهان اسلام همانند گرگی در لباس میشِ حيله‌گر از طرف دیگر سبب شدند که ما از اصل و تاریخ درخشان و از میدان و بازار علم و فن دور شویم. به باور حضرت اقبال، دشمنان اسلام وظیفه گرفته اند که باید ما را از بازار دنیا و صنعت و اقتصاد جهان بیرون کنند، که کرده اند.

به باور علامه اقبال، ما زمانی شیران بودیم و دشمنان اسلام در خانه و منزل‌شان از ما می‌ترسیدند و واهمه داشتند. تا اینکه دنیای جهان‌خوار غرب تصمیم گرفتند و نقشه‌ها کشیدند و وظیفه گرفتند که باید همان گرگی در میشی حيله‌گر بیابند و گوی بازی را از دست ما بگیرند و خود وارد بازی و میدان شوند. آمدند و ما را با شیوه‌های متنوع فریفتند و شیران خراج‌ستان را به جیره خوارانِ خوانِ خود تبدیل نمودند که ما امروز این ذلت و تلخی و مرارت این جیره خواری را به چشم سر مشاهده می‌کنیم (لاهوری، ۱۳۸۴: ۵۰). وقتی که امروز ما به حال و احوال جهان اسلام نظر می‌اندازیم، واقعاً می‌بینیم که افسون دشمنان در لباس میش، همه چیز را از کف ما ربوده است و دیگر به جایی رسیده‌ایم که قدرتی تصمیم‌گیری بر خود را هم از دست داده‌ایم. امروزه درس‌ها و افسون‌های دشمنِ میش‌نما به رنگ‌ها و شیوه‌های مختلف در هر گوشه و اکناف و در خوانواده‌ها تلقین می‌شود، و می‌بینیم که پذیرفته‌ایم که قدرت و شوکت و تیزی دندان، خوب نیست، پذیرفته‌ایم که جنت از برای ضعیفان است، پذیرفته‌ایم که باید جای و نان و دوغ بخوریم که نشانه‌ی زهد و تقوا است و در نهایت جاهلانه، پذیرفته‌ایم که انحطاط و پستی و حقارت و ذلت و خواری عبارت از تهذیب و تذکیه‌ی نفس و تقرب به خدا است، این همه سبب شده است که همیشه محتاج باشیم و این احتیاجات ما را روبه مزاج بسازد. با این اساس حالت و وضعیت مسلمانان امروزی، علامه اقبال لاهوری را خیلی اندوهگین ساخته است، تا آنجا که می‌گوید؛ ای مسلمان آزاده! چرا خود، سازنده و خود بیوش، نیستی و چرا نمی‌خواهی سر پای خود استاد شوی و راه بروی، و اشاره به عصر درخشانِ خود کفایی اسلام می‌نماید و

به نحوی؛ تلنگری است برای تنبیه و بیدار سازی و درس از گذشته و الگوهایی که جهان را ممنون احسان خود کرده بودند.

هم چنان حضرت علامه اقبال لاهوری، با اشاره به منابع سرشار جهان اسلام و غارت و تاراج آن توسط دست‌های بیرونی اشاره نموده و می‌گوید که، هم اکنون جهان اسلام منبع و سرچشمه‌ی علم و فن برای جهان غرب بوده و می‌باشد، و ما توان‌مندی حفظ سرمایه و اموال خود را نداریم، چون علم و فن و قدرت دفاع نداریم. بنابراین؛ منابع و داشته‌های ما ربوده شده و با شکل و شمایل جدید دوباره به ما عرضه می‌شود (لاهوری، ۱۳۸۴: ۴۳۹).

دنیای غرب، امروز همچون غواصان هستند. در فن صنعت و تکنالوژی مهارت کسب نموده اند و سرمایه دنیای اسلام را غارت نموده و بعد از ساخت و ساز و آب و رنگ دادن، دوباره بالای جهان اسلام و مسلمانان به بهای مضاعف می‌فروشند. امروز تمام نیازمندی‌های دنیای اسلام و به ویژه جهان سومی‌ها وارد می‌شود. یعنی از ما جهان سومی‌ها می‌برند و دوباره با جلوه‌های نو می‌آورند و به ما می‌فروشند. زمانی که اقبال مسلمانان را خواب رفته می‌بیند و می‌بیند که فقط به امور آخرت پرداخته و توجه دارند، و انحطاط و عزلت و گوشه نشینی را که سبب سیر قهقرایی می‌شود، تهذیب نامیده‌اند. و به دنیا و تقویت صنعت و تکنالوژی و علم و فن دست نمی‌یازند، در حضور حق دست به دعا و مناجات بلند نموده و می‌گویند: "الهی! از این ملت خواب رفته که بار دوش است، کاری ساخته نمی‌شود، ملتی می‌باید که قوی، متحرک و با انرژی باشد و حق خویش را از دهان شیر اخذ نماید، ملتی که دنیا و آخرت را به دوش خود حمل نماید."

دیگر ملت که نوش از نیش گیرد

دو عالم را به دوش خویش گیرد

دیگر ملت که کاری پیش گیرد

نگردد با یکی عالم رضامند

(کلیات اقبال، ۱۳۸۴، ۴۶۵).

به هر حال علامه اقبال با نگاه تیزبین و فلک پیمایش، جهان اسلام و مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید که، ما "کتاب" و "حکمت" که سرمایه‌ی معنوی و مادی هستند در دست خود داریم، و این دو می‌توانند سبب قوت و اعتبار و شکوه و جلال در پهنه‌ی عالم شود و عزت و جلال از دست رفته را هم باز گردانند، چرا به آن دست نمی‌یازید و از این دو جهت درخشش دین و دنیای خود، استفاده نمی‌کنید. هم چنان حضرت علامه اقبال، اشاره نموده و می‌گوید که درخشش و رونق جهان غرب، ریشه‌ی اسلامی دارد.

برگ و ساز ما کتاب و حکمت است	این دو قوت اعتبار ملت است
هر دو انعام خدای لایزال	مؤمنان را آن جمال است این جلال
حکمت اشیا فرنگی زاد نیست	اصل او جز لذت ایجاد نیست
نیک اگر بینی مسلمان زاده است	این گهر از دست ما افتاده است
چون عرب اندر اروپا پرگشاد	علم و حکمت را بنا دیگر نهاد
دانه آن صحرا نشینان کاشتند	حاصلش افرنگیان برداشتند
این پری از شیشه‌ی اسلاف ماست	باز صیدش کن که او از قاف ماست

(لاهوری، ۱۳۸۴: ۴۵۷).

اقبال با بسیار اندوه و تحسر به جهان اسلام نگاه می‌کند و می‌بیند که همه خواب اند. و بعد ندا می‌کند که ای مسلمانان! شما دیروز خراج‌ستان گردن کشان بودین و امروز شما را چه شده است؟ بی‌گمان اقبال می‌داند که عدم دست رسی به علم و فن، سبب ضعف و ناتوانی و احتیاج مسلمانان شده است. سعی و تلاش در راه علم و فن، منجر به قدرت می‌شود و قدرت نیرویی است که می‌تواند دنیا را مطیع و خراجگذار کند و علم و فن و قدرت، لازم و ملزوم هم اند (لاهوری، ۱۳۸۴: ۴۶-۴۷). اقبال دارد می‌گوید که ما باید در تمام قسمت‌ها و زمینه‌های زندگی و به ویژه در راستای علم و فن، ید علیا باشیم و منت پذیر احسان دیگران نباشیم.

اگر به تمام ممالک و سرزمین‌هایی که امروز خُریت ندارند و بنحوی متأثر هستند، نظر بندازیم خواهیم دانست که از علم و فن به دور مانده اند و یا هم نمی‌گذارند که به علم و فن دست بیازند. دنیای علم و فن امروز؛ فقط از وحدت اسلام، از قوت و قدرت گرفتن اسلام، از رفتن اسلام به سوی علم و فن و صنعت و اختراعات و دست یازیدن مسلمانان به جهانی شدن، می‌ترسند و بس. اقبال، علوم و فنون دنیای طاغوت طغیان‌گر را که در برابر خداوند، نظام طبیعت متوازن و ملت‌ها و سرزمین‌ها دست به تعدا و طغیان‌گری زده اند، بی روح و خشک و بی معنی، و هیچ و پوچ می‌داند (همان، ۱۳۸۴: ۳۴۱). از نگاه اقبال؛ روح و معنای علم و فن، و هنر و صنعت و تکنالوژی، آموزه‌های اسلامی است. حضرت اقبال، علم و فن و صنعت و تکنالوژی خشک را نمی‌پذیرد و هم چنان از شخصی که فقط به مصابه‌ی یک مکانیک عمل نموده و توجه اش به علم و فنی است که روح و نفخه‌ی از آموزه‌های اسلامی در آن نیست، انتقاد می‌کند (همان، ۱۳۸۴: ۴۲۳). ازدید اقبال؛ از دیوار و حجره‌های علم و فن، صنعت و تکنالوژی و تخنیک، باید رایحه‌ی خوش آموزه‌های اسلامی به مشام

برسد و سنگ بنای صنعت باید با این عقیده بنا شود و الا مهلکه‌ی بیش نخواهد بود، هم برای صانعش و هم برای محیط پیرامون و دنیای بشریت. ما امروز پیامدهای منفی صنعت خشک و بی روح دنیای بی سرسام غربی را دیده و می بینیم (ندوی، ۱۳۹۶، ۴۳-۴۴).

به هر حال علامه اقبال لاهوری علم و تکنالوژی را به عنوان بهترین وسیله بیداری و پیشرفت امت اسلامی محسوب نموده است. او به این باور بود علم تکنالوژی ابزاری هستند که توسط آن می توان مسلمانان از غفلت و تعلل دور ساخته، زمینه های فرصت اشتغال زایی را فراهم، فقر را کاهش، با استعمار غرب مبارزه نمود و امت اسلامی را از وابستگی اقتصادی به غرب رهایی داده و به خود کفایی رسانید.

نقد علامه اقبال از تمدن غرب و تأکید بر پیروی از تمدن و ارزش های اسلامی

علامه اقبال لاهوری در آثار خود تمدن غرب را مورد نقد قرار داده و بیان می دارد که قدرت و برتری تمدن غرب (فرنگ) ناشی از علم و فناوری است. اما این قدرت صرف جنبه مادی گرایی داشته و از بعد روحانی و اخلاقی کاملاً خالی است. او این موضوع را بازتاب می دهد که تمدن غرب به علت تکیه ی بیش از حد بر عقل و علم تجربی، از معنویت و ارزش های اخلاقی فاصله گرفته است. چون در آغاز قرن بیستم، جوانان اسلامی با علاقه ی زیادی در دانش و علوم غربی، پیش رفتند و آن ها را در دانشکده های مترقی هند، می آموختند (ندوی، ۱۳۹۶: ۴۸). به این اساس جوانان جهان اسلام، جلوه های علوم و فنون غربی را دیده و فریفته و مجذوب شده اند و شروع نموده اند به تقلید. البته تقلید در زمینه های واهی و پوشالی و بی اساسی که شالوده زندگی را قلع و قمع نموده و ویران می نماید. بی گمان اقبال رو به جوانان اسلام و شرق نموده، می گوید که این همه جلوه و زرق و برق مسحور کننده ی دنیای غرب که چشم های شما را دزدیده است، برخواسته از علم و فن است، و شما هم می توانید با دست یافتن به علم و فن به درخشش و بالندگی برسید و می توانید علم و فن غرب را بیاموزید، اما همراه با ایمان و ارزش های اسلامی. چون او خواستار ترکیب علم مدرن با معنویت اسلامی بوده است تا تمدنی متوازن و انسانی ایجاد شود (لاهوری، ۱۳۸۴: ۳۹۸).

قوت افرنگ از علم و فن است از همین آتش چراغش روشن است

هم چنان علامه اقبال برای نقد تمدن غرب می گوید که علم اشیا، همان علم و فن است که سبب قوت و فروغ جهان غرب شده است. اما باوجود این پیشرفت های شان فاقد جهت گیری الهی، معنویت و روح بوده، دارد می درخشد و همه مجذوب آن شده است، و حال آنکه شما ای ملت

پوهنمل خالد سدید

مسلمان! از بنیه‌ی قوی و فرهنگی عظیمی برخوردار هستید و میراث دار تمدن بزرگی که بحر و بر خراج‌گذار گوشه‌ی دامنش بود، چرا این همه تمدن را کنار گذاشته و به جای آن و توجه به فرهنگ و گذشته‌ی درخشان خود به غرب چسپیده‌اید. یعنی می‌خواهد بگوید که قدرت تمدن غرب از علم و فن ناشی می‌گردد، اما این علم بدون عشق و ایمان نمی‌تواند سعادت حقیقی را برای بشر به ارمغان آورد (لاهوری، ۱۳۸۴: ۲۰۵)

علم اشیا داد مغرب را فروغ حکمت او ماست می‌بندد ز دوغ
علم و فن غرب با این همه درخششی که دارد، بی‌روح و خشک و بی‌معنی است و نتیجه‌ی آن جز غارت و چپاول و جهان‌خواری و قتل و غارت ملت‌ها و سرزمین‌ها چیزی دیگری نیست، که ما امروز نکت‌های به بارآورده‌ی علوم و فنون غربی را در سرزمین‌های مختلف می‌بینیم، و می‌بینیم که چقدر سرزمین‌ها ویران شده و ملت‌ها به خاک و خون کشیده شده است.

ابوالحسن علی ندوی می‌فرماید: محمد اقبال لاهوری به حق، یکی از نوابغ بزرگ شرق است که در آغوش تمدن غربی تربیت یافته و از بزرگترین اندیشمندان بزرگ اسلامی است که نظیر آن را مشرق زمین کم‌تر به خود دیده است. او با دیدی عمیق و بی‌طرفی کامل، عیب‌های تمدن ماشینی غربی را بازگو می‌کند (ندوی، ۱۳۹۶: ۴۸).

اقبال می‌گوید: شعار تمدن جدید، چپاول و غارت اصول انسانی و کشتن افراد نوع بشری است. دید همبستگی آن، تجارت و اقتصاد می‌باشد.

شیوه تهذیب نو آدم دری است پرده آدم دری سوداگری است

تا ته و بالا نگرود این نظام دانش و تهذیب و دین سودای خام

(همان، ۱۳۹۶: ۴۹).

عوامل بازدارنده احیا و بازیابی شکوه و عظمت قبلی امت مسلمه

علامه اقبال لاهوری به عنوان یکی از متفکران، عارفان فرزانه، و شاعران بیدارگر بزرگ جهان، در آثار خود به تحلیل عوامل عقب‌مانی و انحطاط جهان اسلام پرداخته است. او با نگاهی ژرف و منتقدانه خود ریشه‌های این انحطاط را در ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جهان اسلام دانسته و راه حل‌های ارزنده‌ای را برای بیرون رفت از وضعیت ارائه کرده است. برخی از این عوامل بازدارنده مهم پیشرفت جهان اسلام قرار آتی اند:

یکی از عوامل مهم بازدارنده پیشرفت و تعالی جهان اسلام را علامه اقبال همانا فاصله گرفتن مسلمانان از تعالیم اصیل اسلام و ترک دستورات قرآن کریم می‌داند. او به این باور است که امت اسلامی از روح حقیقی اسلام و تعالیم قرآن فاصله گرفته است. در حالی که هدف قرآن کریم بیدار کردن عالی‌ترین آگاهی آدمی است تا روابط چند جانبه خود را با خدا و با جهان فهم کند. علاوه بر این که زندگی ما را وسعت می‌بخشد و ثروتمند می‌کند، بینش ما را افزایش می‌دهد، و به این ترتیب ما را برای برخورد با جنبه‌های دقیق‌تر تجربه‌ی بشری مسلط‌تر می‌سازد. در واقع بهترین نقشه زندگی را این کتاب بزرگ آسمانی برای ما می‌دهد و آن نقشه‌ای که نه پدر می‌دهد و نه مادر، نه استاد و نه مربی، نه انجینر و نه داکتر (لاهوری، ۱۳۳۲: ۱۲-۱۹). بنابر عقیده او یکی از عامل عقب مانگی مسلمانان برداشت‌های ناصحیح، فاصله‌گیری از معارف دینی و ایجاد انحراف در آموزه‌های دینی است و این برداشت هم در حوزه معارف و عقاید و هم در حوزه علم و تمدن صورت گرفته است. این متفکر و بیدارگر، اسلام را دین قدرت تحرک، حرکت و حلاقیات می‌داند، اما مسلمانان به جای آن، به تقلید و رکود روی آورده‌اند. این فاصله‌گرفتن از اصول دینی سبب شده است تا مسلمانان نتوانند از ظرفیت‌های عظیم اسلام برای رشد و تعالی استفاده کنند.

از دید علامه اقبال یکی از عوامل مهمی دیگری که سبب عقب مانگی مسلمانان گردیده است ضعف و کاستی‌های فراوان در نظام آموزشی جوامع اسلامی می‌باشد. چون از دید این متفکر بزرگ اسلام در نظام آموزشی مسلمانان خبری از حکمت و بصیرت نبوده است. او می‌گوید تحصیل کرده‌های ما مؤمن‌اند ولی از رمز مرگ و توحید خالص آگاهی ندارند. مسلمانان به فکر بتان هستند، تمدن غرب آن‌ها را بدون ضرب و جنگ کشته است لذا دارای افکار بی‌بند و بار، قلب تاریک، چشمان بی‌باک هستند، هرچه دارند از دانش، فنون، سیاست، عقل و اعتقاد همه و همه به محور مادیات می‌چرخد، زندگانی‌شان حالت خمود و جمود داشته است و اندیشه‌های‌شان از نوآوری و ابتکار به دور مانده است. هم‌چنان علامه اقبال می‌گوید دلیل ترس و ضعف اخلاقی نسل جدید، همانا وضع نظام آموزشی فعلی است که به جنبه اخلاقی توجهی ندارد، لذا نسلی خجالتی، بزدل، هرزه و بی‌بندوبار تربیت یافته است در قلب آنان نور ایمان و سوز و گداز وجود ندارد. از دید علامه اقبال بزرگترین ضعف نظام آموزشی مسلمانان این است که انسان را از سخت‌کوشی باز داشته و به راحت طلبی و بی‌تحرکی وا می‌دارد. یکی از دیگر نقاط ضعف نظام آموزشی این است که اضطراب فکری ایجاد نموده و یقین را از دل می‌رباید و به سویی بی‌دینی و مکتب‌های فاسد رهنمون می‌شود. او به

این باور است که کوری و بی سوادی هزار مرتبه از این گونه دانش بهتر است. خطاب به یکی از مربیان می گوید: «ای مربی نسل جدید، درس تواضع و فروتنی، اعتماد به نفس استغفار و سخت کوشی به آنان بیاموزد. از نظر علامه اقبال این گناهی نابخشودنی است، و علمی که مجاهد را خلع سلاح کند. از دید وی عمده ترین نقطه ضعف این دانش این است که انسان را ابتکار و اجتهاد باز می دارد و روح پیروری کورکورانه و جمود فکری را در انسان زنده می کند. با این اساس یکی از مواردی که سبب شده که عظمت و شوکت مسلمانان عصر ما از بین برود و آن ها را به مسلمانانی بی ارزش تبدیل کند محبت و علاقه دنیا در قلوب بسیاری از آن ها و عدم توجه به نظام آموزشی پویا و کارآمد مبتنی بر نیازی های جوانان مسلمان بود. همان طوری که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده «إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةٌ وَإِنَّ فِتْنَةَ أُمَّتِي الْمَالُ» برای هر قومی فتنه ای آمده و آن ها را تباه ساخت فتنه امت من مال می باشد براستی همین طور است محبت دنیا و علاقه به معتقات دنیوی سبب شده که فکر آخرت و روز قیامت در اذهان مسلمانان کم رنگ گردد. از این رو علامه اقبال بر جایگاه و ارزش تعلیم و تربیه مدرن و هماهنگ با نیازهای زمان تاکید دارد. وی معتقد بود که نظام آموزشی ناکارآمد یکی از دلایل اصلی عقب ماندگی مسلمانان می باشد و باید به اصلاح آن پرداخت (ندوی، ۱۳۹۶: ۳۷-۴۰).

یکی از عوامل اصلی و مهم بازدارنده دیگری که سبب عدم بازیابی شکوه و عظمت قبلی مسلمانان و هم چنان پیشرفت و تعالی آنان از دیدگاه علامه اقبال گردیده است عدم وحدت و همبستگی و فقدان روحیه جهاد و از دست دادن اراده قوی در میان آنان بوده است. طوری که اسلام به پیروانش امر نموده که هیچ گاه ذلت را در دین شان را نپذیرند و بر آن ها واجب است که تمام تلاش شان را برای منع حصول ذلت به کار برند و اگر غلبه کفار بر آنان حاصل شد نشان دهنده آنست که آنان در تطبیق فرمان الله کوتاهی کرده اند شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید الله متعال برای کسانی که آن ها را دوست دارد، دو نشانه قرار داده است. یکی پیروی کردن از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و دیگر جهاد کردن در راهش به دلیل اینکه جهاد کردن در راهش حقیقت اجتهاد و تلاش در راستای جلب رضایت و محبت الله متعال است و نیز ابن تیمیه رحمه الله می فرماید اهل حق را در سه مکان جستجو کن در قبرستان، در زندان و در جهاد فی سبیل الله. یکی از علما می گوید دین بدون تطبیق حکم الله و بدون جهاد دین یهودت است. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: «إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعَيْنَةِ وَ أَخَذْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقَرِ وَ رَضِيتُمْ بِالزَّرْعِ تَرَكْتُمُ الْجِهَادَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ» سنن أبوداود یعنی هرگاه به حيله و ربا داد و ستد کنید و دم گاوها را بگیرید به دنیا

مشغول شوید و به کشت و زراعت خرسند و راضی گردید و جهاد در راه الله را رها کنید الله متعال بر شما خواری و ذلتی را مسلط می کند و آن را از شما بر نمی دارد تا آن که به دین تان باز گردید اگر اهل اسلام جهاد را ترک کنند، اهل کفر می آیند و دولت اسلام را نابود و مردم را به فساد می کشانند اگر جهاد تعطیل شود مسلمانان به اختلاف ها کشمکش های داخلی مشغول می شوند بر چیزهای بیهوده با هم درگیر می شوند (محمدی، ۱۴۰۰: ۳۴-۳۸). با این اساس علامه اقبال به این عقیده بود که اختلافات داخلی و نبود وحدت میان مسلمانان یکی از عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی آنان بوده است. او امت اسلامی می خواست با ایجاد همبستگی و اتحاد، قدرت خود را بازیابد و در برابر چالش های جهانی محکم بایستند. هم چنان او معتقد بود که امت اسلامی روحیه جهادی و اراده قوی خود را از کف داده اند. وی تاکید داشت که برای امت مسلمة لازم است با اراده قوی و مستحکم روحیه ای پویا به سوی ترقی و پیشرفت گام بردارند و از رخوت و بی عملی دوری نمایند (لاهوری، ۱۳۸۷: ۹۷-۳۵).

برخی از تفسیرهای نادرست از دین؛ یکی از عوامل بازدارنده دیگر بازیابی دوران عظمت و شکوه مسلمانان به حساب رفته است. علامه اقبال بر این باور بود که برخی تفسیرهای نادرست از اسلام سبب شده است که امت اسلامی از روح واقعی دین فاصله بگیرند. درحالی که پیروی از قرآن کریم و سنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بی اعتنا هستند و برای آن اهمیتی قایل نیستند و حتی شاید در بسیاری جاها از انجام آن شرم داشته باشند چرا که با فرهنگ غربی ها سازگار نیست رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید (ولو ترکتم سنة نبیکم الضللت) صحیح مسلم اگر سنت پیامبر تان را ترک نمودید گمراه می شوید بسیار جای تاسف است برای ما مسلمانان که از سنت ها و روش رهبر مان دور شده ایم و عمل به آن را ننگ و مایه عقب ماندگی می دانیم در حالی که در جوامع دیگر برای رهبران دنیوی خویش بسیار احترام قایل هستند و در هر جای به احیا آداب و سنن خویش می پردازند یاران رسول الله (صلی الله علیه وسلم) حاضر نبودند که در کوچکترین کاری و در ساده ترین امری خلاف روش رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گام بردارند اگر خواست درونی شان چیزی دیگری می بود به خاطر فعل و کار رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خواست خویش را فدا می کردند عمر فاروق (رضی الله عنه) هنگامی که حجر الاسود را بوسه می کرد فرمود اگر رسول الله (صلی الله علیه وسلم) چنین عمل را انجام نمی داد من هیچگاه تو پارچه سنگ را بوسه نمی زدم. اما ما امروز در صحبت کردن، راه رفتن، شیوه زندگی، لباس پوشیدن و خلاصه اکثر اعمال و رفتار ما از غربی ها و غیر مسلمین تقلید می کنیم و

پوهنمل خالد سدید

خیلی راحت سنت‌های رسول‌الله (صلی‌الله علیه وسلم) را گذاشته ایم و خیلی بی‌شرمانه برای عدم عمل به آن نیز دلیل می‌آوریم. امام بخاری رحمه الله می‌فرماید برترین مسلمانان آنهایی هستند که سنتی از سنت‌های رسول‌الله (صلی‌الله علیه وسلم) را که فراموش شده زنده می‌کنند صبر پیشه کنید. ای صاحبان سنن الله! عزوجل رحمتش را بر شما نازل می‌کند چون که در میان مردم اندک هستید. با این اساس علامه اقبال خواستار بازگشت مسلمانان به قرآن و سنت با نگاهی نو و پویا بود تا مسلمانان بتوانند با شرایط جدید سازگار شوند (محمدی، ۱۳۸۴: ۸۸-۹۷).

یکی از عوامل مهم بازدارنده دیگری که سبب عدم پیشرفت و تعالی مسلمانان شده است نقد تقلید کورکورانه از غرب می‌باشد. او از وابستگی فکری و فرهنگی امت اسلامی به غرب انتقاد کرده است. او معتقد بود که مسلمانان باید هویت خود را حفظ نموده و از پیروری کورکورانه غرب دوری نمایند. وی خواستار ایجاد تمدنی مستقل و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی بود. طوری که می‌فرمود: ما روشن‌فکران آگاه و اصیل و مسئول این سوی جهان، باید بفهمیم که آن سویی‌ها اساساً، ما را نمی‌فهمند و فاجعه از این فجیع‌تر وجود ندارد که روشن‌فکرما، برای دیدن خودش، عینک آن‌ها را به چشم بزند و برای فهم فکر و فرهنگ و تاریخ ایمان خودش، یعنی تمامی محتوای انسانی و هویت وجود خویش - قالب‌های ذهنی و شیوه‌ها و روش تعبیر و تلقی و برداشت، آن‌ها را خود آگاه و بدتر از آن، ناخود آگاه تقلید کند (لاهوری، ۱۳۸۴: ۵۰) اقبال، در حقیقت دارد می‌گوید: ای جوانان شرق! درخشندگی و بالندگی دنیای غرب از علم و فن است، نه از آراسته کردن و پیراسته کردن سر و روی و جامه‌های غربی به تن کردن و همچون غربیان به بیرون بر آمدن و ساق‌ها را عریان نمودن و به رقص و پای کوبی پرداختن. این‌ها خو نشانه‌ی تمدن و روشنفکری نیست. یعنی دارد می‌گوید که اگر شما می‌خواهید تقلید کنید، در زمینه‌ی علم و فن تقلید کنید. چه زیبا می‌فرماید:

شرق را از خود برد تقلید غرب	باید این اقوام را تنقید غرب
قوت مغرب نه از چنگ و رباب است	نی ز رقص دختران بی حجاب است
نی ز سحر ساحران لاله روست	نی ز عریان ساق و نی از قطع پوست
محکمی‌او را نه از لادینی است	نی فروغش از خط لاتینی است
قوت افرنگ از علم و فن است	از همین آتش چرغش روشن است
قوت افرنگ از علم و فن است	از همین آتش چراغش روشن است
حکمت از قطع و برید جامه نیست	مانع علم و هنر عمامه نیست

علم و فن را ای جوان شوخ و شنگ
مغر می‌باید نه ملبوس فرنگ
گیرد از علم و فن و حکمت سراغ
گر کسی شب‌ها خورد دود چراغ
(اقبال لاهوری، ۱۳۸۴، ۳۹۸).

این تقلیدهای غفلت‌زا سبب شده است که بهترین فرصت‌ها را که هریک می‌توانست دین و دنیای ما را دگرگون کند و ما را بر تارک قدرت و صنعت و شوکت برساند، از دست داده ایم. در آغاز قرن بیستم، جوانان اسلامی باعلاقه‌ی زیادی در دانش و علوم غربی، پیش رفتند و آن‌ها را در دانشکده‌های مترقی هند، می‌آموختند (ندوی، ۱۳۹۶: ۴۸). اقبال با هر تقلیدی کورکورانه‌ای در میان هر ملتی از ملت‌های دنیا به ویژه در ملتی همچون ملت اسلامی که برای رهبری ملت‌های دیگر لیاقت و شایستگی دارند، مبارزه می‌کند و می‌گوید: "تنها چیزی که در این جهان دگرگون می‌گردد زمان است و بس، ای مسلمان هرگز با شخصیت و کیان خود به وسیله تقلید کورکورانه از تمدن غرب بازی نکنند (همان، ۱۳۹۶: ۵۲).

علامه اقبال نیز یکی عوامل اساسی عقب‌مانی جوامع اسلامی را تنبلی و عدم احساس مسولیت-های اجتماعی می‌دانند. او متعقد بود که تنبلی و عدم تلاش یکی از عوامل مهم است که سبب عقب‌ماندگی جوامع اسلامی شده است. او به این باور بود که امت اسلامی با دور شدن از روش‌های اصیل اسلامی و روحیه جهاد و تلاش دچار رکود و انحطاط گردیده اند. از این رو ایشان تاکید بر کار و تلاش کرده و می‌فرماید که انسان برای زندگی و آینده خویش نیاز به برنامه ریزی دارد و نباید نسبت به آینده زیست خود و هم نوعان خود غافل باشد. آنچه که به آن تاکید شد به عملکرد خود انسان در جامعه باز می‌گردد در واقع عقب‌ماندگی تحمیلی نیست و کسی نمی‌تواند عقب‌ماندگی را بر فرد و جامعه‌ای تحمیل نماید بلکه این خود انسان است که با عمل خود به ضعف و عقب‌ماندگی خود و جامعه و تمدنی که در آن زیست می‌کند مساعدت می‌کند با اذعان به این که دیگران می‌توانند موانعی را در سر راه پیشرفت انسان قرار دهند علامه اقبال با تاکید براین که انسان موجودی خودمختار و صاحب اراده است پیشرفت و عقب‌ماندگی جامعه در دستان خود انسان است. انسان سازنده جامعه و حکومت است و توجه به امور عمومی شرط ایمان است اگر نقص و انحراف و پراگندگی، جهل، فقر و مرض در جامعه می‌بینیم این همه به دست خودمان است (لاهوری، ۱۳۸۴، ۴۸) همانطوری که قرآن‌کریم به صراحت می‌گوید «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (سوره رعد آیه ۱۱) ایمان به خدا مستلزم توجه و موجبات پیوند میان دین و اجتماع و سیاست را فراهم می‌سازد در نتیجه مجدداً بر

پوهنمل خالد سدید

مسئولیت انسان در قبال جامعه با توجه به این که انسان موجودی مختار و صاحب اراده است تاکید می‌نماید. بنابر این میان ایمان یک انسان موحد و مومن و پذیرش مسئولیت اجتماعی و حضور موثر در اجتماع و تعامل با جامعه و پیشرفت و عقب ماندگی یک رابطه مستقیم وجود دارد یک انسان موحد به ویژه یک انسان مسلمان خودش را از مسائل جامعه کنار نمی‌کشد و از زیر بار مسئولیت خویش شانه خالی نمی‌کند تنبلی و تن آسایی را کنار می‌گذارد و برای پیشرفت جامعه خود تلاش می‌کند یکی از نتایج سستی و تنبلی کنار گذاشتن علم در جوامع اسلامی است که عقب ماندگی جامعه اسلامی را تشدید کرد این در حالی است که مسلمانان در دوره ای به رشد و پیشرفت چشم‌گیری در دانش‌های مختلف رسیده بودند و سرآمد روزگار خود بودند البته آموزه‌های اسلامی در پیشرفت علم بی تاثیر نبوده است. به این صورت علامه اقبال معتقد بود که تنبلی و سستی و غفلت و تن‌پروری عامل باز دارنده ای احیا و بازیابی پیشرفت و تعالی گذشته مسلمانان به حساب رفته است. هم‌چنان اقبال می‌فرماید که قدرت مایه قوت است و اگر ما در پهنه ای این جهانی که "عصر طلوع علم و فن" است، قدرت و قوت نداشته نباشیم، و در مقیاس بین المللی از دیگران عقب باشیم، حتما مورد طمع دست‌های قوی قرار گرفته و شکار می‌شویم. از این رو او در اشعار و آثار پربهای خویش بارها به این موضوع اشاره نموده که مسلمانان باز از کف دادن روحیه جهاد و تلاش، دچار انحطاط و عقب مانگی شدند. او از مسلمانان می‌خواهد که به جای سستی و تنبلی به سمت فعالیت و پیشرفت حرکت کنند. علامه به این باور است که در طول تاریخ، انقلاب‌های صالح به دست مسلمانان انجام گرفته است، لذا فرد مسلمان همواره پیشاهنگ ان تحولات و پیام اور زندگی بوده و خواهد بود. او معتقد است که مسلمان آفریده نه شده است که در جامعه ذوب گردد. افزون بر آن از نظر اقبال مسلمان از مفاخرت‌های نژادی، عصبیت‌های قومی و آب خاک پرستی به دور می‌باشد (لاهوری، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۰).

دریای تو دریاست که آسوده چو صحراست دریای تو دریاست که افزون نشد و کاست
بیگانه‌ی آشوب و نهنگ است چه دریاست از سینه چاکش صفت موج روان خیز
از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز
(همان، ۱۳۹۶: ۶۶).

فقدان خودباوری و اعتماد به نفس یکی از عوامل دیگری بود که باعث عقب مانگی جوامع اسلامی گردید. اقبال معتقد بود که مسلمانان به علت فشار استعمار و برخی شکست‌های خود اعتماد

به نفس خود را از دست داده است. در حالی که مسلمین در عصر سیادت علمی و فرهنگی خود همه چیز را از اعتماد به نفس و ایمان داشتن به توانایی‌های خویش بدست آوردند آنان با توکل به خدا به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کردند. اما متأسفانه فشار و ایجاد تفرقه و اختلافات داخلی توسط استعمار این اعتماد به نفس را از ایشان گرفت (لاهوری، ۱۳۹۶: ۷۰-۸۵). این نبود خودباوری باعث گردید که آنها نتوانند از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود برای ترقی و پیشرفت استفاده کنند. از آنجایی که از مهم‌ترین عوامل بالندگی و رشد فرد و جامعه باور به خود و توانایی‌های خویش و اعتماد و ایمان به این حقیقت است. خود باختگی خود کم‌بینی و نداشتن اعتماد به نفس و احساس حقارت در برابر دیگران سرافندگی و عقب ماندگی انسان را در پی دارد شیوه تفکر و عملکرد مسلمانان به ویژه برخی اقشار تحصیل کرده و روشن فکر به گونه‌ای است که گویا سخن دانشمندان غربی آسمانی است و مغز انسان اروپای و آمریکایی از دیگران بیشتر می‌فهمد و حقایق تنها به آنان الهام می‌شود (محمدی، ۱۴۰۰: ۴۱).

پیروری از فرهنگ غرب یکی از عوامل مهم و اساسی دیگر است که باعث عقب مانگی و انحطاط جوامع اسلامی شده است. چون آنان از مطالعه‌ی که در رابطه به تاریخ درخشان و عصر طلایی اسلام و مسلمانان انجام داده اند، از قدرت و شوکت اسلام ترسیده اند و می‌ترسند و همیشه واهمه دارند و خواهند داشت. بدین ملحوظ، میلیاردها پول هزینه می‌نمایند تا ما را از صنعت و علم و فن دور نگه دارند و همیشه به جهان اسلام تلقین می‌نمایند که دین اسلام و راه سعادت جز تسبیح و سجاده نیست، و می‌خواهند خوی شیرینی را از جهان اسلام بگیرند، که گرفته اند، و به ما فهمانده اند که باید انحطاط و پستی را تهذیب نفس بنامیم و بدانیم. هم‌چنان به نظر علامه اقبال غربی‌ها میلیاردها پول را صرف تضعیف شعور دینی، شجاعت، شهامت، اخلاص خداجوئی، تقدس و پرهیزکاری و دلاوری امت اسلامی کردند. که در نتیجه آن شعله ایمان به خاموشی گراییده و شهامت اسلامی و روح جهاد مفقود گشت و مادگرایی و نفع اندوزی و ترس از مرگ بین امت مسلمة رونق یافت.

مناقشه

از آنجایی که بازتاب نقش علم و فن در پیشرفت و بیداری اسلامی از دیدگاه علامه اقبال لاهوری از جنبه‌های مختلف و برجسته بررسی شده است، نکات بسیار ارزشمند و بکری نیز وجود دارد که دست-آویز خوبی را برای آگاهی نقش انعکاس علم و فن برای ترقی و بیداری جوامع اسلامی برای نخبه‌گان سیاسی و فرزندان امروز و فردای کشور تشکیل خواهد داد.

پوهنمل خالد سدید

دریافت اهمیت و جایگاه علم و تکنالوژی در خودآگاهی و استقلال فکری و عملی مسلمانان برای احیا و بازیاب شکوه و عظمت تمدن اسلامی خیلی مهم و حیاتی بوده است و از این طریق مسلمانان عزیز می‌توانند به هماهنگی کامل دسته یافته و به پیشرفت‌های مادی و معنوی جامعه کمک نمایند. هم‌چنان شناسایی عوامل بازدارنده و عقب‌گرد مسلمانان که و شکوه تمدن اسلامی به صورت همه‌جانبه مورد بررسی قرار گرفته است، اما در آثار قبلی در مورد موضوع مذکور تحقیق مستقل صورت نگرفته و تمام تحقیقات قبلی تاریخی توصیفی بوده است و تحلیل اساسی انجام نگرفته است.

مقایسه یافته‌های این تحقیق حاضر با یافته محققین قبلی که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت نشان می‌دهد که روشناس، دانا پاچیده (۲۰۰۷)، رحیمی، غلامحسین (۱۳۹۰) اقبال لاهوری، محمد (۱۳۸۴)، خالد، عمر (۱۳۹۶)، نصرآباد، حسین علی (۱۳۸۶)، محمدی، رستم شاه (۱۳۸۴)، محمد غزالی، ابوحامد (۲۰۰۳)، لاهوری، محمد اقبال (۱۳۷۵)، ایک، ذاکر (۱۳۹۶)، غفاری، اسلام (۱۳۹۵)، سید میثم احمد پوری، یونس احمد پوری (۱۳۹۶) و دیگران در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافته‌اند که علامه اقبال لاهوری متفکر، شاعر فرزانه و فلیسوف بزرگ اسلام به اهمیت نقش علم و تکنالوژی برای ترقی و بیداری جوامع اسلامی تاکید زیادی داشت. از نظر این دانشمند بزرگ دنیای اسلام علم و تکنالوژی از جمله وسیله و ابزاری های نیرومند و سازنده برای احیا و بازیاب عظمت و شکوه قبلی تمدن اسلامی و رسیدن به خودآگاهی و استقلال فکری و عملی امت اسلامی محسوب شده است.

در کتاب احیای فکر دینی در اسلام نوشته محمد اقبال لاهوری که نخستین کتاب علمی و انتقادی محمد اقبال لاهوری به شمار می‌رود، فقط در مباحث کلی به صورت انتقادی بیان می‌دارد که تفسیر- های سنتی از دین باید با یافته‌های علمی جدید هماهنگ شوند تا اسلام بتواند به عنوان یک نیروی پیشتاز و پیشگام در جهان معاصر عمل نماید. عدم قرار گرفتن علم در خدمت انسانیت و بهبود شرایط زندگی تمام افراد جامعه، عدم توجه و استفاده از علم و فن به عنوان ابزار پیشرفت و بیداری توسط مسلمانان، عدم قرار داشتن علم در خدمت اخلاق و معنویت در نزد مسلمانان و نه پرداختن به علم و فن به عنوان ابزار مبارزه و مقابله با استعمار و رسیدن به پیشرفت‌های مادی و معنوی و از جمله دلایل اصلی و اساسی عقب ماندگی مسلمانان در گذشته جوامع اسلامی بیان شده است. این کتاب تاریخی بوده و به صورت توصیفی و تحلیلی به عوامل بازدارنده و عقب‌گرد جوامع اسلامی نه پرداخته و به

شناسایی شاخص‌های بازیاب و احیایی عظمت و شکوه از دست رفته جوامع اسلامی پرداخته نه شده است.

تها کتابی که می‌توان نام برد به نام افکار شگفت اقبال به نگارش "متفکر و نویسنده معروف جهان اسلام استاد سید ابوالحسن علی حسنی ندوی" می‌باشد که به این مساله پرداخته است که فقط به تحلیل دیدگاه‌های علامه اقبال لاهوری در رابطه به علم و تکنالوژی پرداخته؛ و فرضیه آن این است که غفلت و وابستگی فکری و عدم استفاده از علم به عنوان وسیله مبارزه با استعمار غرب به عنوان وسیله بازیاب شکوه و عظمت قبلی مسلمانان و تمدن اسلامی را دلایل اصلی عقب ماندگی جوامع اسلامی بیان نموده است. در این کتاب فقط بر یکی از عوامل خارجی عقب ماندگی جوامع اسلامی توجه شده و به عوامل عمده و اساسی داخلی توجهی صورت نگرفته است.

در پاسخ این پرسش‌ها از دیدگاه علامه اقبال لاهوری؛ علم جدید و صنعت چقدر مهم بوده و عوامل بازدارنده و عقب گرد پیشرفت و تعالی تمدن و جوامع اسلامی چه بوده، ریشه و شاخص‌های بازیاب و احیا شکوه و عظمت قبلی مسلمانان را در کدام راستا می‌توان پیدا کرد؟ آنچه دریافت گردید نظر و بینش علامه اقبال به علم جدید و صنعت مدرن بسیار سازنده و مهم بوده است. او علم جدید و دست یافتن به صنعت مدرن را به عنوان وسیله‌های اساسی و مهم برای احیای و بازیاب اوج شکوفایی تمدن اسلامی و پیشرفت جوامع اسلامی می‌دانست. و از نظر او علم جدید و تکنالوژی نه تنها به ترقی و تعالی جوامع اسلامی کمک می‌کند بلکه مسلمانان با دست یافتن به این دو (علم و تکنالوژی) به بیداری فکری و روحی قادر خواهد بود و این متفکر بزرگ جهان اسلام بهترین راه حل برای بیرون رفت جوامع اسلامی از عقب ماندگی و رسیدن به جایگاه بلند و متعبر در جهان معاصر ارائه می‌کند. هم‌چنان این شاعر و فیلسوف فرزانه جهان اسلام شاخص‌های اصلی را برای احیا و بازیاب عظمت و شکوه گذشته تمدن اسلامی از جمله رجوع به خودآگاهی و هویت اسلامی، توجه سالم و درست به علم و تکنالوژی، تقویت روحیه اجتهاد و ابتکار، کنار گذاشتن اختلافات، تامین عدالت اجتماعی، پرورش و تربیت انسان مومن کامل، باز سازی اندیشه و فکر دینی، توجه شایسته به تعلیم و تربیه و احیای ارزش‌های اخلاقی و انسانی را مطرح نموده است.

نتیجه‌گیری

طوری‌که علم و تکنالوژی از منظر دین مبین اسلام از اهمیت زیادی برخوردار بوده و از آن به نور تعبیر شده و در موارد گوناگونی به فراگیری علم و فن سفارش گردیده و مزایای علم را بر سایر امور

پوهنمل خالد سدید

برشمرده است. علامه اقبال نیز مانند سایر دانشمندان به اهمیت حیاتی و سازنده علم و فن پرداخته است و از نظر او علم و تکنالوژی نقش وافر و کلیدی را در ترقی و بیداری جوامع اسلامی ایفا نموده است. او علم و فن را بهترین وسیله و ابزار برای تعالی و پیشرفت‌های مادی و معنوی، بهبود اقتصاد و رفاه اجتماعی، خودکفایی، بیداری فکری، همبستگی وحدت جامعه اسلامی، مبارزه با غرب به-خصوص استعمار و باز یاب شکوه و عظمت از دست رفته تمدن اسلامی دانسته است. بازتاب این دیدگاه می‌تواند الهام بخش جوامع اسلامی در عصر حاضر باشد.

عوامل بازدارنده متعدد داخلی و خارجی از جمله، فقدان تفکر انتقادی و علمی، پیروری کورکورانه از غرب، نبود اتحاد و همبستگی میان امت اسلامی، تعلل و غفلت در امر تعلیم و تربیه، ترویج فساد سیاسی و اجتماعی، عدم وجود ایمان کامل و قوی به الله متعال، عدم محبت به رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، دوری از سنت‌های رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، ترک جهاد و مبارزه، وابستگی شدید مسلمانان به دنیا و فراموش کردن جهاد و آخرت، ضعف اقتصادی و وابستگی به قدرت‌های خارجی، بی توجهی بر نقش مادران و زنان در جامعه، ترک امر به معروف و نهی از منکر، قرائت و برداشت‌های نادرست از دین و ترک دستورات قرآنکریم، خود باختگی و نداشتن اعتماد به نفس، ضعف در احساس مسوولیت‌های اجتماعی و فردی در جامعه، نبود صداقت و امانت داری در قول و عمل، مصادره تمدن اسلامی توسط غرب، رکود و انحطاط علوم و دوری از اصول اصل اسلامی از جمله عوام عمده بازیاب شکوه و عظمت قبلی مسلمانان محسوب می‌گردد و هم‌چنان این همه از جمله عوامل اصلی و اساسی عدم پیشرفت و جوامع اسلامی به شمار می‌رفتند. در واقع اگر موانع مذکور وجود نمی‌داشت واقعاً جهان اسلام مانند دوره‌های قبلی خود شکوه و عظمت و رهبری جهان به‌دست می‌داشت. با این اساس یگانه راه حل این مشکل و مرض کشنده مراجعه و بازگشت به اصول اصیل اسلامی، و اصلاح نظام‌های سیاسی و اجتماعی، تحیکم و تقویت علم و تکنالوژی، در ایجاد یکپارچگی و اتحاد و نسجام امت اسلامی امت اسلامی باشد. با فراهم سازی چنین شرایط و اصول، مسلمانان می‌توانند به قله‌های ترقی و پیشرفت و عزت دست یابند.

منابع

- قرآن کریم.
- انصاف پور، غلامرضا. (۱۳۸۴). کامل فرهنگ فارسی. تهران: زوار.
- ایک، ذاکر. (۱۳۹۶). قرآن و علوم نو بنیان. ترجمه‌ی انس محمودی، منبع: کتابخانه قلم. فرهنگستان علوم.
- بهارنژاد، زکریا. (بی تا). عقل و دین از دیدگاه فارابی. ایران: فلصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم.
- ثبوتی، یوسف. (۱۳۹۴). ابوریحان بیرونی، محمد ابن احمد. ایران:
- خرم دل، مصطفی. (۱۳۹۷). تفسیر نور. تهران: احسان.
- خالد، عمر. (۱۳۹۶). خالد. ترجمه‌ی جواد محمودی، تهران: احسان.
- خالد عمر. (۱۳۹۴). جان چو دیگر شد جهان دیگر شود. ترجمه‌ی عبدالحمید گل مهر آبادی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دولتشاهی، محمد عارف. (۱۳۹۵). اندیشه‌های سیاسی امام محمد غزالی. کابل: پوهنتون غالب.
- رسولی، زهرا. (۱۳۹۲). علم خداوند به جزئیات از دیدگاه حکمت متعالیه و بررسی آن در آیات و روایات. ایران: VIRA SCIENCE.
- روشناس، دانا پاچیده. (۲۰۰۷). بررسی اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی. Archive of SID.
- رحیمی، غلامحسین. (۱۳۹۰). فارابی علم حیل و فلسفه فناوری. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی.
- رضا نیان، حمید رضا و برکت الله. (۱۳۹۹). تحلیل انتقادی تلقی اقبال لاهوری از فلسفه اسلامی. ایران: اسرا حکمت.
- سید میثم احمد پوری، یونس احمد پوری (۱۳۹۶). مراحل تعلیم و تربیت در اسلام از نظر ابن سینا. تهران: مرکز آموزشی توابعی مشکلات ویژه یادگیری همسو.
- سلیمانی، ثریا. (۱۳۹۷). ضرورت تعلیم فلسفه برای نیل به سعادت از دیدگاه محمد بن زکریا رازی. ایران: دانشگاه رازی.
- سالاری، عزیزالله. (۱۳۹۲). حکمت خودی و فلسفه شرقی در نگاه اقبال لاهوری. ایران: دانشگاه شیراز.
- صالحی، زهرا (بی تا). نقش اجتماعی دین اسلام در گسترش علم. ایران: دانشگاه باقر علوم.

پوهنمل خالد سدید

عبدی، امید حیدری. (بی تا). بررسی نقش دانشمندان مسلمان در شکوفایی و پیشرفت علوم.

.Archive of SID

غفاری، اسلام. (۱۳۹۵). بررسی آراء تربیتی این سینا در خصوص اهداف تعلیم و تربیت. Archive

.of SID

کرامتی، یونس. (۱۴۰۱). بنیان‌گذاری علم جبر در دوره اسلامی. انجمن ریاضی ایران.

گولن، محمد فتح الله. (۱۳۹۶). نور جاویدان. ترجمه‌ی فیض محمد عثمانی، کابل: باران امید.

لاهوری، محمد اقبال. (۱۳۷۵). اندیشه‌های فلسفی غزالی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

لاهوری، محمد اقبال. (۱۳۳۲). احیای فکر دینی در اسلام. ایران: موسسه فرهنگی منطقه‌ئی.

لاهوری، محمد اقبال. (۱۳۸۴). اقبال لاهوری. تهران: الهام.

محمدی، رستم‌شاه. (۱۳۸۴). تعامل علم و دین از دیدگاه اقبال لاهوری. شماره ۲۱ و ۲۲.

محمدی، محیا. (۱۴۰۰). علل و عوامل عقب‌مانی تمدن اسلامی در عصر فعلی. کاپیسا: پوهنتون

البیرونی.

محمد غزالی، ابوحامد. (۲۰۰۳). احیاء علوم الدین. بیروت: دارالکتاب العربی.

محمد غزالی، ابوحامد. (۱۳۸۵). کیمیای سعادت. تهران: امیرکبیر.

محمد غزالی، ابوحامد. (۲۰۰۵). المتقذ من الضلال. بیروت: دارالکتاب العلمیه.

ندوی، سید ابوالحسن علی. (۱۳۹۶). افکار شگفت اقبال. ترجمه‌ی ابوشعید عبدالقادر دحقان.

نصرآباد، حسین علی. (۱۳۸۶). درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی. ایران:

.Archive of SID

ارتقاء کیفیت زندگی در شهرها از طریق بهبود زیرساخت‌های سبز (مطالعه موردی: کلان شهر کابل)

پوهنمل سمیع الله امان^{۱*}، پوهنیار پرویز قادری^۲

۱. دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول - ایمیل: Sami.aman1368@gmail.com

چکیده

کیفیت زندگی مفهوم گسترده‌ای است که مواردی چون زندگی خوب، با ارزش، زندگی رضایت بخش و زندگی شاد را دربر می‌گیرد. مفهوم کیفیت زندگی در سال‌های اخیر با گسترش شهر و جمعیت شهری و به تبع آن افزایش مشکلات متعدد در شهرها بسیار مورد توجه بوده است. در تحقیق حاضر تلاش شده تا کیفیت زندگی شهری از طریق بهبود زیرساخت‌های سبز بررسی شود. نوع تحقیق کمی بوده و به اساس روش کار آن توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها از طریق مطالعه اسناد و میدانی می‌باشد. هم‌چنین، با استفاده از روش پیمایشی از طریق پرسشنامه (بر اساس طیف لیکرت) به گردآوری اطلاعات در باره کیفیت زندگی از دیدگاه و منظر کارشناسان و مردم اقدام می‌شود. در این تحقیق تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به دست می‌آید. نتایج پژوهش، نمایانگر آن است که با تقویت و ایجاد زیرساخت‌های سبز در کلان‌شهر کابل کیفیت زندگی می‌تواند بهبود یابد. در نتیجه با ایجاد زیرساخت‌های سبز در کلان‌شهر کابل زندگی کردن و کیفیت زندگی بهتر خواهد شد و پیشنهاد می‌شود که حفظ و مراقبت از زیرساخت‌های سبز شهر کابل یک امر ضروری برای حکومت محلی و شهروندان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: زندگی، زیرساخت‌های سبز، شهر، کلان شهر کابل، کیفیت زندگی

Enhancing Urban Quality of Life through Improvement of Green Infrastructure (Case Study: Kabul Metropolis)

Senior Teaching Assistant Samiullah Aman^{1*}, Teaching Assistant Parwiz Qadery²

1. Department of Geography, Faculty of Education, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: Sami.aman1368@gmail.com

Abstract

the concept of quality life is broad and encompasses aspects such as a good life, a valuable life, a satisfying life, and a happy life. In recent years, the concept quality of life is with urban expansion, population growth, and the consequent rise in various urban challenges, the concept of quality of life has gained significant attention. This research aims to examine urban quality of life through the improvement of green infrastructure. The study adopts an applied developmental approach with descriptive-analytical methods. Data collection is conducted through documentary research and field studies, along with a survey method using Likert-scale questionnaires to gather perspectives from both experts and residents on quality of life. The sample size is determined using Cochran's formula. The findings indicate that enhancing and establishing green infrastructure in Kabul city can improve quality of life. As a result, developing green infrastructure in Kabul would lead to better living conditions and an enhanced quality of life. It is recommended that the protection and maintenance of Kabul's green infrastructure be considered a crucial responsibility for both local authorities and citizens.

Key words: Life, Green infrastructures, City, Kabul city, Quality of life

مقدمه

زیرساخت‌های سبز شهری با سلامت انسان و تنوع زیستی در مناطق شهری مستقیماً در ارتباط است و نقش مهمی را در اکولوژی شهری ایفا می‌کند. اخیراً تحقیق در مورد چگونگی مدیریت شهرها و سیستم‌های اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی افزایش یافته تا بتواند در جهت ارتقاء مدیریت پایدار شهرها قدم بردارد. زیرساخت‌های سبز شهری علاوه بر حفظ و گسترش طبیعت و ایجاد یک اکوسیستم فعال شهری می‌توانند مزایای اقتصادی و اجتماعی نیز برای شهر به همراه داشته باشند و می‌توانند در مقیاس‌های مختلف، از سطح خانه یا ساختمان، تا سطح چشم انداز وسیع تر مورد استفاده قرار گیرند. عدالت در تقسیم فضای سبز شهری، ارتقا سطح بهداشت و سلامت، آموزش عمومی و شهروندی، بهبود کیفیت محیطی، زیبای بصری و به‌طور کل کیفیت زندگی را می‌توان به- عنوان دیگر مزایای فضاهای سبز شهری نام برد (نوروزی و بمانیان، ۱۳۹۸: ۱۷۵). توجه به فلسفه زندگی خوب و معیارهای آن به قدمت تاریخ جوامع بشری است؛ لیکن، "کیفیت زندگی" گامی بلند از فرایند تکامل شاخص‌های اجتماعی در دهه شصت میلادی بوده، از آن هنگام، طیف گسترده‌ای از تحقیقات در رشته‌های علمی را به خود اختصاص داده است؛ اگر چه دامنه پژوهش در خصوص کیفیت زندگی، نسبت به گذشته بهتر شده، لیکن، با چالش‌های جدید نیز مواجه است؛ یکی از این چالش‌ها مفهوم عملیاتی کیفیت زندگی در شرایط جوامع گوناگون است (Moller & Huschka, 2008; 2,3). ارائه تعریفی کامل از کیفیت زندگی در عمل دشوار است؛ زیرا، تجربه‌ای ذهنی و وابسته به ادراک و احساسات افراد بشمار می‌آید. بیش از ۱۰۰ تعریف و مدل از کیفیت زندگی وجود دارد ولی در عین حال، کیفیت زندگی دارای ساختاری چند بعدی و تعاملی است که جنبه‌های زندگی مردم و محیط زندگی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. کیفیت زندگی به رضایت فرد از زندگی و احساس رضایت از هر آنچه انجام می‌دهد و هم‌چنین تجربه (واثر بخشی) فرد در اجتماع مرتبط است (A. Kathleen: 2011: 249). اهمیت فضاهای سبز شهری تا بدان حد می‌باشد که امروزه وجود این کاربری به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ی جوامع به حساب می‌آید. بنابر این برخورداری از کاربری‌های سبز در شهرها برای گذران اوقات فراغت و تماش مستقیم شهروندان با محیط طبیعی به‌عنوان یکی از کاربری‌های پیشنهادی منشور آتن ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد و توجه به نقش پارک‌ها به‌عنوان ریه‌های تنفسی شهر از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. "لوکوربوزیه برای وجود فضاهای سبز شهری اهمیت زیادی قائل شده است و اعتقاد دارد که از هر ده واحد فضای شهری برای

سکونت باید نه واحد آن فضای سبز باشد" (حکمتی: ۱۳۷۱، ۳۱۳). شهر کابل یکی از شهرهای تاریخی و پایتخت افغانستان بوده که متأسفانه به کمبود جدی زیرساخت‌های سبز شهری مواجه است، بناً تلاش می‌شود با تحقیقات بیشتر و پیشنهادهای مرتبط به موضوع جهت پر نمودن این خلاء بزرگ کارهای صورت گیرد. چون هویداست فضاهای سبز و زیرساخت‌های سبز شهری اهمیت و نقش برآورده‌ی در زیبایی و کیفیت زندگی شهری دارند، بناً تحقیق هذا با هدف کلی شناخت و بررسی زیرساخت‌های سبز شهری در کلان‌شهر کابل و نقش آن در ارتقای کیفیت زندگی صورت گرفته است و سوالی که مطرح می‌شود؛ آیا با بهبود زیرساخت‌های سبز شهری در شهر کابل می‌توان برای زندگی شهروندان ارتقای کیفیت داد؟ فرضیه حاکمی از آن است که بلی؛ با تقویت و بهبود زیرساخت‌های سبز می‌توان برای شهروندان کابل کیفیت نسبی زندگی را مهیا کرد.

پیشینه و ادبیات تحقیق

در مورد ارتقای کیفیت زندگی از طریق بهبود زیرساخت‌های سبز در کلان‌شهر کابل تا هنوز کار مشخص صورت نگرفته، اما موضوعات مرتبط در مقالات فارسی و انگلیسی دیگر کشورها وجود دارند که مورد استفاده ذیل قرار گرفته است:

در مناطق شهری از عناصر محیط طبیعی ارائه دهنده خدمات اکوسیستم به‌عنوان "زیرساخت سبز" یاد می‌شود. زیرساخت‌های سبز شهری نه تنها فضاهای باز مانند پارک‌ها، زمین بازی‌ها، گورستان‌ها و باغ‌های خصوصی بلکه بام‌ها و دیوارهای سبز، درختان خیابانی و سیستم‌های زهکشی پایدار شهری، حوضچه‌ها، رودخانه‌ها و کانال‌ها را در خود جای داده است (Wentworth, ۲۰۱۷). استراتژی زیرساخت‌های سبز اتحادیه اروپا، زیرساخت سبز را چنین تعریف می‌کند: "زیرساخت‌های سبز یک شبکه برنامه‌ریزی استراتژیک از مناطق طبیعی و نیمه طبیعی با سایر ویژگی‌های زیست محیطی است که با ارائه طیف گسترده‌ای از خدمات اکوسیستم مانند تصفیه آب، بهبود کیفیت هوا، فضایی برای تفریح و کاهش تأثیرات شدید آب و هوایی و سازگاری طراحی و ساخته شده است. این شبکه که از فضای سبز و آب تشکیل شده است می‌تواند باعث پشتیبانی از اقتصاد، فراهم‌آوری فرصت‌های شغلی، بهبود تنوع زیستی و بهبود شرایط محیطی و در نتیجه سلامت و کیفیت زندگی شهروندان شود (European commission, 2019).

زیرساخت مجموعه‌ای از عناصر ساختاری است که عملکرد روزانه را پشتیبانی می‌کند و بر روابط جامعه بشری تأثیر می‌گذارد. زیرساخت‌های پایدار به طراحی، ساخت و بهره‌برداری از این عناصر

ساختاری اشاره می‌کند به گونه‌ای که روند فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مورد نیاز برای حفظ حق و انسانی، تنوع و عمل کرد سیستم‌های طبیعی را کاهش نمی‌دهد. زیرساخت به عنوان امکانات و خدمات لازم برای فعالیت جامع شناخت شده و در دو بخش عمده زیرساخت‌های سخت و زیرساخت‌های نرم تعریف می‌شوند. زیرساخت ساخت به صورت کلی به امکانات و خدمات مربوط به بخش‌های حمل و نقل، تاسیسات و دیگر شبکه‌های فیزیکی اشاره دارد و زیرساخت نرم در برگیرنده نظام‌های سازمانی و روابط دخیل در ساختار جوامع می‌باشد. با وجود فضاهای سبز پیشین بامشکل مواجهه میشود (Sandstorm & Hunter et al., 2006).

نگاهی به برنامه شهرهای پایدار سازمان ملل متحد گویای این مطلب است که احیا و استفاده از منابع و زیرساخت‌های سبز و طبیعی در شهر لازمه توسعه پایدار شهری است. به عبارتی شهرها برای رسیدن به توسعه پایدار بدون صدمه زدن به محیط زیست خود ساختارهای اجتماعی و اقتصادی خود را توسعه دهند (Rasoolimanesh et al, 2011). علاوه بر این، شبکه‌های سبز شهری ارتباط بین مناطق سبز شهری و مناطق روستایی و طبیعی پیرامون شهرها را تسهیل می‌کنند. از نظر اقتصادی، از سرمایه‌گذاری در زیرساخت سبز نیز می‌توان برای ارتقاء توسعه منطقه‌ای و شهری در ایجاد اشتغال سبز استفاده کرد. برقراری اتصال بین فضاهای باز طبیعی، نیمه طبیعی و ساخته شده توسط انسان برای ایجاد یک شبکه به هم پیوسته، علاوه بر فراهم کردن امکان فعالیت‌های بدنی برای شهروندان، در داخل شهرک‌ها و حومه‌های اطراف دسترسی‌ها را افزایش می‌دهد و هم‌چنین طیف گسترده‌ای از مزایای دیگری چون: بهبود سلامتی و بهزیستی، فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و آموزشی، تقویت تنوع زیستی، کمک به کاهش تغییرات آب و هوایی، ارتقاء گردش‌گری و ترویج استفاده پایدار از منابع کمیاب زمین را فراهم می‌کند (Scottish & Yuhog et al, 2011).

از سوي دیگر، در چند سال گذشته آخرین یافته‌های تحقیقاتی در ارتباط با شبکه سبز شهری به وسیله بهره‌گیری از الگوهای شهری متناسب با فضای سبز شهری به همراه نگاهی جزئی در راستای حفظ و بهره‌مندی از خدمات اکوسیستم آغاز شده است که در این بخش به برخی اشاره می‌شود (Fichera et al., 2016).

در همین راستا بای و گو (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان «ساخت شبکه سبز از منظر خدمات اکوسیستم و حساسیت اکولوژیکی در شهر هاربین چین»، این ایده را پیشنهاد می‌کنند که یک شبکه سبز شهری از دیدگاه خدمات اکوسیستم و حساسیت اکولوژیکی شناسایی و ایجاد می‌شود. هدف

پوهنمل سمیع الله امان

این شبکه، بهبود و حفاظت از پایداری اکوسیستم و هدایت بهتر شهرها و روستاها به سمت توسعه سبز و پایدار است؛ هم‌چنین شناسایی قطب‌ها از طریق ارزیابی خدمات اکوسیستمی و حساسیت اکولوژیکی امکان‌پذیر است (Bai & Guo, 2021).

در پژوهش دیگری تحت‌عنوان «زیرساخت سبز و انسجام شبکه»، اسلویس و جانگمن (۲۰۱۹) به نقش بی‌بدیل شبکه‌های اکولوژیکی در شکل‌گیری مفهوم شبکه سبز شهری اشاره دارند و فرآیند شبکه‌سازی و انسجام آن را نشأت گرفته از بوم‌شناسی منظر می‌دانند (Sluis & Jongman, 2019).

تولیسی (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت‌عنوان «طراحی شبکه سبز شهری: تعریف شبکه سبز از منظر برنامه ریزی شهری»، ساختار سبز شهری را به عنوان شبکه‌ای مورد مطالعه قرار داده است و با ایجاد مدل‌هایی عملکرد سیستم ساختار سبز را اندازه‌گیری می‌کند (Tulisi, ۲۰۱۷).

موگیاکو و فوتیس (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و برنامه ریزی شبکه فضایی سبز شهری: بهینه‌سازی قابلیت دسترسی براساس اتصال و تجزیه و تحلیل (Raster Gis)» به ارزیابی و بهینه‌سازی شبکه سبز شهری در مناطق شهری متراکم با بهره‌گیری از چارچوب روش شناختی و مدل‌سازی فرآیندهای فضایی توجه کرده‌اند و به این موضوع اشاره دارند که اتصال فضایی نقش برجسته‌ای در کنترل و ارزیابی ساختار شبکه سبز شهری ایجاد شده ایفا می‌کند (Mougiakou & Photis, ۲۰۱۴). در پژوهش دیگری، تحت‌عنوان «مفهوم شبکه سبز شهری پایدار برای شهر گدینا، لهستان» کووالوسکا (۲۰۱۱) شبکه سبز شهری را از نظر فضا و عملکردهای عمومی تعریف می‌کند. به‌طوری که شبکه سبز شهری را ابزاری برای برنامه‌ریزی به‌منظور طراحی و مدیریت بیشتر و مطابقت با استانداردهای توسعه برای انواع خاصی از مناطق سبز در شهر معرفی می‌کند که در راستای افزایش کیفیت زندگی، به کاهش محرومیت و شکاف اجتماعی و هم‌چنین احیای مناطق فقیر نشین منجر می‌شود (Kowalewska, ۲۰۱۱).

در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی ساختار شهر و سیستم فضای سبز شهر سوپرون، فرصت‌های توسعه با رویکرد تاریخی» به این مسئله اشاره دارد که با ایجاد پیوستگی در جنگل کاری و کشت گونه‌های گیاهی مختلف در مناطقی که تراکم گیاهی پایینی دارند، کمک شایانی به ساختاربندی برنامه‌ریزی شهری و با استفاده از برنامه ریزی فضای سبز شهری، توسعه کمی و کیفی فضاهای سبز، تعادل شبکه سبز شهری و رشد متناسب فیزیکی شهر را تأمین کرد (Eva, ۲۰۱۱).

کلان شهر کابل یکی از شهرهای بزرگ و پر جمعیت کشور محسوب می شود که با داشتن کم ترین زیرساخت های سبز تا جایی توانسته است ارتقای نسبی کیفیت زندگی را برای تعداد از شهروندانش مهیا کند.

مفاهیم زندگی

زندگی بزرگ ترین موهبتی است که خداوند به انسان ها عطا کرده است. داشتن زندگی مطلوب همواره آرزوی بشر بوده و هست. در هر دورهای بشر به دنبال راهکارهایی برای ارتقای کیفیت زندگی عینی و ذهنی خود بوده و هست اما به شکل آکادمیک، مدرن و بایک چارچوب مشخص در اواسط قرن ۱۶ و بعد از جنگ جهانی دوم مباحث، الگوها و مدل هایی برای توسعه، پیشرفت و رفاه جوامع مطرح شد. به طور کلی الگوها و مدل های توسعه در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی بیشتر مبتنی بر رشد اقتصادی بود و کمتر به پیامدها و سرریز شدن رشد اقتصادی بر روی زندگی بیشتر مردم، عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی توجه می شد تا این که در اواخر دهه ی ۶۰ میلادی انتقاداتی به این الگوها و مدل های توسعه شد و در کنار رشد اقتصادی به الگوها و شاخص های رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی توجه بیشتری شد و به این موضوع پرداخته شد که رشد اقتصادی چگونه به بهبود کیفیت زندگی آحاد افراد جامعه کمک می کند (جاییان و حداد، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

قبل از هر چیز لازم است که اول معنای زندگی را بدانیم و برای زندگی خود معنایی پیدا کنیم زیرا هر طور که زندگی را برای خود تعریف کنیم بر اساس همان تعریف هویت، شخصیت، باورها، نگرشها، اعمال و رفتار ما شکل میگیرد. کسی که معتقد است زندگی مثل یک بازی میماند طبیعی است که همه چیز را مانند بازی بداند و همیشه دنبال تفریح و لذت و سرگرمی باشد و ممکن است برای خیلی ها هم زندگی معنایی نداشته باشد یعنی پوچ باشد این افراد هیچ هدفی در زندگی خود ندارند چون وقتی زندگی پوچ باشد نیازی هم نیست برای آن تلاش کنند (Saraji, 2006: 14).

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهوم چند وجهی و بین رشته ای می باشد برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان سنجه ای برای میزان جذابیت، و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی، و... تفسیر کرده اند. کیفیت زندگی از لحاظ روح، محتوا، و سرزندگی در کنار کالبد شهر بسیار اهمیت دارد. کیفیت زندگی مفهوم گسترده ای است که مواردی چون زندگی خوب، باارزش، زندگی رضایت بخش و زندگی شاد را در بر می گیرد. کیفیت زندگی ویژگی

پوهنمل سمیع الله امان

های کلی اجتماعی و اقتصادی محیط دریک ناحیه را نشان می‌دهد که می‌تواند به عنوان ابزاری قدرت مند برای نظارت بر برنامه ریزی و توسعه اجتماع به کار رود. هم چنین، به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی، روانی و مادی جامعه و خانواده تعریف شده است (زیاری و دیگران، ۱۳۹۹: ۳).

شهر

شهر کانونی همه‌ی جاذبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. شهری جایی است که دارای تأسیسات شهری و شهرداری باشد. شهر کانون اصلی همه میراث‌های فرهنگی، عواطف و احساسات بشری است. شهر منشاء سقوط تمدنی است که خود پرورش داده است. شهر تجلی گاه نظام ارزش‌های انسانی، اعتقادات، امیدها و نگرانی‌ها است (رویان و امیری، ۱۳۹۷: ۱۰).

تعریف واحد و جهانی از «شهر» وجود نداشته و پژوهشگران و صاحب نظران مختلف، تعاریف گوناگونی از آن ارایه داده اند. دیویس، شهر را به عنوان «تمرکز و اسکان مردم در نزدیکی یکدیگر به منظور سودآوری و یا سکونت تعریف می‌نماید. به همین نحو، کشورهای مختلف نیز مناطق شهری را بر اساس عامل‌های گوناگون از جمله تسهیلات موجود در منطقه، شاخص‌های کالبدی (تراکم ساختمان‌ها و یا جمعیت)، فعالیت‌های اقتصادی عمده جمعیت (کارکردی) حوزه اداری و غیره تعریف می‌کنند. برای نمونه در سودان سکونتگاه‌های با اهمیت اداری یا تجاری با جمعیت بیش از ۵۰۰۰ نفر، در کانادا مکان‌هایی با بیش از ۱۰۰۰ نفره تراکم جمعیتی بیش از ۴۰۰ نفر در کیلومتر مربع دارند و در پرو مراکز جمعیتی با بیش از ۱۰۰ نفر ساکن، شهر نامیده می‌شود. در نیکاراگوئه سکونتگاه‌هایی با مراکز اداری، شهر داری و یا مکان‌های با بیش از ۱۰۰۰ نفر یا بیشتر که خیابان‌های آن روشنایی برقی دارد، شهر گویند (صرافی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۷).

کلان شهر

متروپلیس یا مادر شهر، ریشه یونانی دارد و از کلمه Meter (مادر) و Polis (شهر) ترکیب شده است. از مادر شهر تا کنون مفاهیم و تعاریف مختلفی ارایه شده است که علمی‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- مادر شهر یا کلان شهر، شهری است که از نظر مرکزیت دولتی و فعالیت اقتصادی یا فرهنگی بر دیگر سکونتگاه‌ها برتری دارد. این شهر ممکن است شهر اصلی یک ناحیه، یک استان، یا یک

کشور و گاهی پایتخت آن باشد. بر مبنای این تعریف، عنوان مادر شهر را می توان در مورد هر شهر بزرگ به کار برد.

۲- در نظریه مکان مرکزی، مادر شهر به شهری گفته می شود که حداقل دارای یک میلیون نفر جمعیت باشد و در سلسله مراتب شهری بتواند به صورت مرکز کنترل اقتصاد جدید درآید و بر ناحیه ای دارای پنج میلیون تا سی میلیون نفر جمعیت مسلط شود. با توجه به تعاریف مذکور، در بسیاری از کشورها مبنای شناخت مادر شهرها از شهرهای معمولی، میزان جمعیت است (شکویی، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۱۹۹).

کلان شهر کابل

کلان شهر کابل در روایات فولکلوریک و اساطیری به مثابه بزرگ ترین وثیقه فرهنگی و ملی، پیوند خود را به دوره های مرموز و ابهام آمیز حماسه های کهن می رساند. شهر کابل به عنوان پایتخت کشور افغانستان از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است. مناطق مهم و قابل توجه در زمینه گردشگری نیز به شمار می آید. دشت های وسیع و دره های پر از گل های وحشی که در پای کوه های سر به فلک کشیده ی پغمان و قورغ گسترده شده اند، در هر فصل چشم انداز خاصی بوجود آورده و طبیعت دوستان را جذب زیبایی های خود می کند. اطراف کابل را رودخانه های خروشان در برگرفته که مناسب انواع ورزش ها و تفریحات آبی هستند. سابقه طولانی پایتخت افغانستان، اصلی ترین دلیل وجود بناها و آثار تاریخی و معماری با اهمیت در این ولایت است (رفیعی، امیری، ۱۳۹۶).

زیرساخت های سبز

فضای سبز شهری بخشی از فضاها ی باز شهری است که عرصه های طبیعی یا اغلب مصنوعی آن زیر پوشش درختان، درختچه ها، بوته ها، گک ها، چمن ها و سایر گیاهانی است که بر اساس نظارت و مدیریت انسان، با در نظر گرفتن ضوابط، قوانین و تخصص های مرتبط آن برای بهبود شرایط زیستی، زیستگاهی و رفاهی شهروندان، حفظ، نگهداری و یا احداث می شود (نوروزی، ۱۳۹۸: ۱۰۰).

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی- توسعه ای و از نظر شیوه اجرا توصیفی- تحلیلی است و بر اساس استاندارد اسناد و تکمیل پرسش نامه انجام شده است. نخست، با استفاده از شیوه کتابخانه ای اطلاعات

مورد نیاز جمع آوری شد. سپس، از طریق ابزار پرسش نامه داده های اصلی تحقیق گردآوری شد و در پایان نتایج پرسش نامه ها تحلیل شد. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق را ساکنان شهر کابل تشکیل می دهند. ابزار جمع آوری اطلاعات از کارشناسان ۷۰ پرسش نامه ۲۰ سوالی است که با استفاده از مقیاس گذاری لیکرت پنج گزینه ای طراحی شده است و به صورت برابر در میان کارشناسان توزیع شده است. مقیاس اندازه گیری داده ها به صورت اسمی و ترتیبی است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون T در سطح اطمینان ۰,۹۵ و برای اجرای آزمون های همبستگی از نرم افزار SPSS استفاده شده است. پایایی پرسش نامه ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد که میزان پایایی برای مؤلفه ها برابر با ۰,۷۸ و در سطح قابل قبولی است. برای آزمون فرضیه ها از تحلیل واریانس استفاده شده است.

منطقه مورد مطالعه

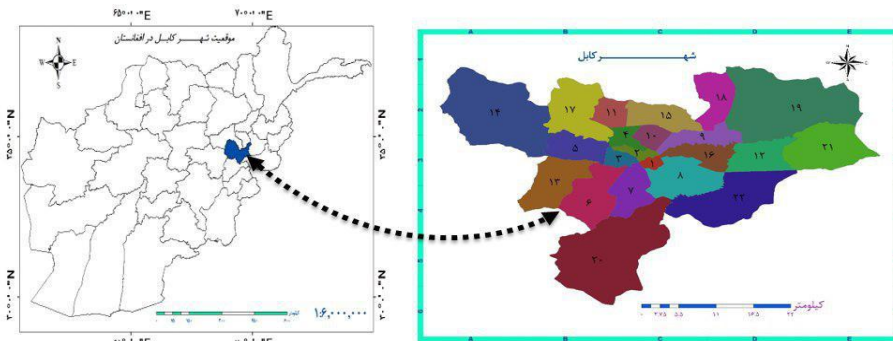
کابل یا "کارورا" و یا "کابورا" که در عهد قدیم خوانده میشد پایتخت و مرکز کابلستان از ناحیت بزرگ سیستان است که در یکی از حوزه های مسطح مرتفع جنوب هندوکش واقع و از نظر ژئولوژیکی موقعیت و ساختمان آن در اثر تحقیقاتی که صورت گرفته به سلسله جبال هندوکش ارتباط می گیرد. بعد از دوره یخچال کابل آهسته آهسته به فلات زراعتی تبدیل گردید، رسوبات مواد عضوی استعداد بیشتری را بنواحی کابل بخشید. سلسله کوه ها و تپه هایی که نسبت یخچال سوم در شهر کابل بوجود آورده است، کوه آسمایی و شیر دروازه می باشد. تپه مرنجان، تپه زمرد (بالاحصار) تپه قلعه بلند، تپه بی بی مهر و تپه کلوله پشته تماماً در عهد سوم ژئولوژیکی به میان آمده اند (آهنگ، ۱۳۸۷: ۴).

کابل پایتخت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی افغانستان، در زون مرکزی کشور موقعیت دارد. این ولایت ۴۵۸۵ کیلومتر مربع مساحت و ۱۸۰۰ متر از سطح بحر ارتفاع دارد. ولایت کابل دارای ۱۵ ولسوالی است که هر ولسوالی آن مملو از جاذبه های توریستی و تفریحی می باشد (رفیعی، امیری، ۱۳۹۶: ۱).

این ولایت در شرق افغانستان و بین ۳۴ درجه و ۸ دقیقه و ۴۸ ثانیه تا ۳۴ درجه و ۵۳ دقیقه و ۱۲ ثانیه عرض البلد شمالی و ۶۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۹ درجه و ۵۶ دقیقه طول البلد شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته که از شمال به ولایت کاپیسا و پروان از جنوب به لوگر، از شرق به لغمان و ننگرهار و از مغرب به ولایت وردک محدود می شود. شهر کابل پایتخت کشور افغانستان و مرکز ولایت کابل است که ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۸۰۳ متر می باشد. جمعیت ولایت کابل طبق احصائیه تخمین

پوهنمل سمیع الله امان

نفوس ۱۳۸۹ ه.ش در حدود ۳۶۹۱۴۰۰ نفر می باشد که تراکم نسبی این جمعیت در هرکیلومتر مربع ۸۰۵ نفر می باشد و منحنی ولایتی که در آن پایتخت کشور قرار دارد از بیش ترین حد تراکم جمعیت در سطح کشور برخوردار می باشد (عظیمی، ۱۳۹۰: ۳۱۲).



شکل شماره (۱) کلان شهر کابل منبع: نگارنده

یافته ها

در این قسمت به تجزیه و تحلیل یافته ها و آزمون فرضیات پژوهش اشاره می شود؛ این قسمت دارای سه بخش است که در بخش اول توصیف یافته های عمومی پاسخ گویان، در بخش دوم تحلیل توصیفی یافته ها در زمینه ی مولفه های کیفیت زندگی در شهرها از طریق بهبود زیرساخت های سبز کلان شهر کابل و در بخش سوم نیز نتایج آزمون های آماری مورد اشاره قرار می گیرد.

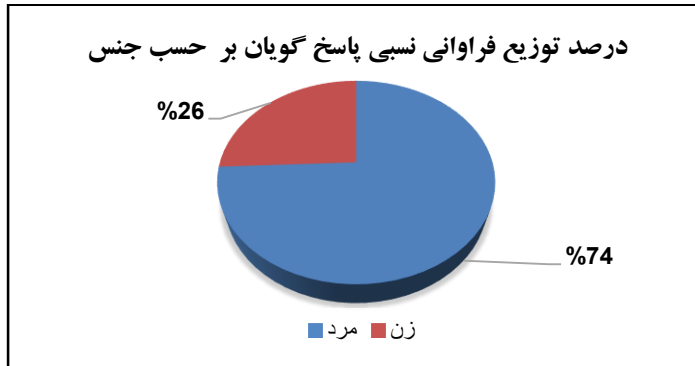
توصیف یافته های عمومی پاسخ گویان

براساس نتایج جدول یافته های توصیفی در خصوص پاسخ گویان، نشان می دهد که از میان ۷۰ مخاطب نمونه، ۵۲ نفر مرد و ۱۸ نفر زن بوده اند که در این میان زنان ۲۵٫۷ درصد از کل پاسخ گویان را تشکیل داده اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب جنس

جنسیت	فراوانی	درصد	تجمعی درصد
مرد	۵۲	۷۴٫۳%	۷۴٫۳%
زن	۱۸	۲۵٫۷%	۱۰۰%
کل	۷۰	۱۰۰%	-

ماخذ: استخراج و پردازش نگارنده از پرسشنامه پیمایش میدانی



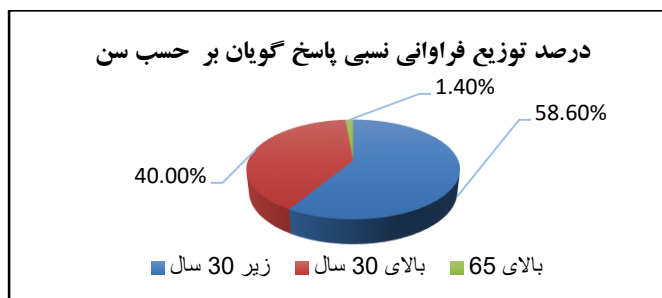
نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی نسبی پاسخ گویان بر حسب جنس

هم چنین توزیع پاسخ گویان بر حسب سن گویای آنست که ۵۸,۶ درصد از مخاطبین زیر سی سال، ۴۰ درصد بالای سی سال و نیز ۱,۴ درصد بالای ۶۵ سال سن داشته اند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد	تجمعی درصد
زیر ۳۰ سال	۴۱	۵۸,۶%	۵۸,۶%
بالای ۳۰ سال	۲۸	۴۰,۰%	۹۸,۶%
بالای ۶۵	۱	۱,۴%	۱۰۰,۰%
کل	۷۰	۱۰۰%	-

ماخذ: استخراج و پردازش نگارنده از پرسشنامه پیمایش میدانی



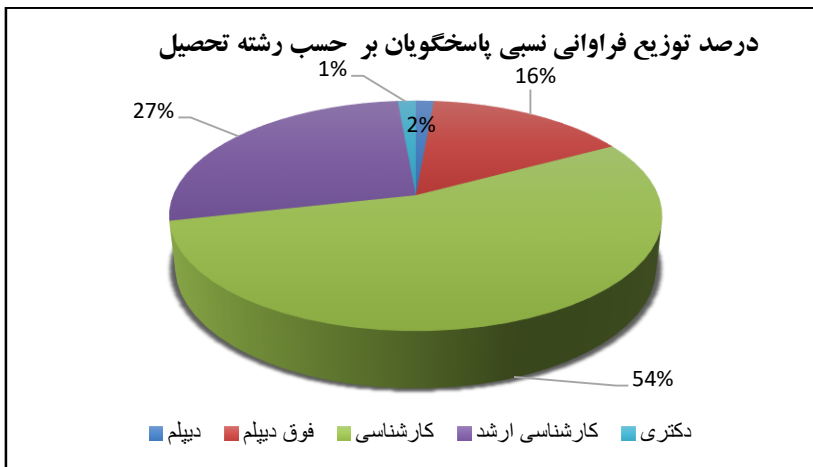
نمودار شماره ۲: توزیع فراوانی نسبی پاسخ گویان بر حسب سن

براساس نتایج جدول شماره ۲ هم چنین، توزیع پاسخ گویان بر پایه میزان تحصیلات نشانگر آنست که ۱,۴ درصد پاسخ گویان دوازده پاس، ۱۵,۷، چهارده پاس، ۵۴,۳ درصد لیسانس، ۲۷,۱ ماستر و ۱,۴ درصد دوکتور بوده اند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سطح تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	تجمعی درصد
دوازده پاس	۱	۱,۴%	۱,۴%
چارده پاس	۱۱	۱۵,۷%	۱۷,۱%
لیسانس	۳۸	۵۴,۳%	۷۱,۴%
ماستر	۱۹	۲۷,۱%	۹۸,۶%
دوکتور	۱	۱,۴%	۱۰۰,۰%
کل	۷۰	۱۰۰%	

ماخذ: استخراج و پردازش نگارنده از پرسش نامه پیمایش میدانی



نمودار شماره ۳: توزیع فراوانی نسبی پاسخ گویان بر حسب سطح تحصیلات

تحليل يافته‌های توصيفی در خصوص اجزای مولفه زیرساخت‌های سبز شهر کابل

براساس نتایج جدول شماره ۳، یافته‌های توصيفی در خصوص گویه‌ها یا متغیرهای شاخص " زیرساخت‌های سبز شهر کابل " نشان می‌دهد، حدود ۷۵,۷ درصد از پاسخ‌دهندگان در گزینه نا مناسب قرار گرفته است؛ در میان گویه‌ها، حداکثر مقدار پاسخ در گزینه نامناسب مربوط به متغیر؛ وضعیت زیرساخت‌های سبز در محیط زیست شهری کلان شهر کابل چگونه است (۷۲,۹ درصد) و حداقل مقدار پاسخ در گزینه مناسب مربوط به متغیر فضاهای سبز و زیرساخت‌های آن نقش بسزای در برقراری اجتماعی سالم و مشارکت اجتماعی سالم دارد موجودیت آن در شهر کابل (۱ درصد). از سویی میانگین رتبه ای پاسخ‌ها به تفکیک هریک از متغیرها نشان می‌دهد، متغیرهای سطح کیفیت زندگی از طریق بهبود زیرساخت‌های سبز و شرایط هوای داخل شهر در کلان شهر کابل مهیا می‌شود با میانگین ۲,۵۳ واحد، شرایط بهتری نسبت به سایر متغیرها داشته اند، در این میان متغیر سیما و منظر شهرکابل را از لحاظ داشتن زیرساخت‌های سبز چگونه ارزیابی می‌کنید با میانگین رتبه‌ای ۱,۳۰ کم-ترین مقدار را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۴: یافته‌های توصيفی مولفه زیرساخت‌های سبز

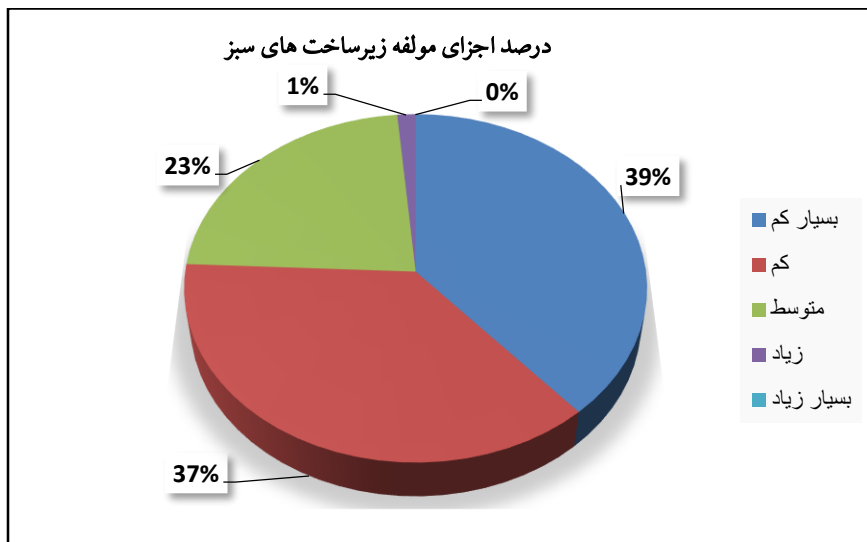
بهبود زیرساخت های سبز	گویه/سوالات	تعداد	کاملاً نا مناس ب	نا مناس ب	متوس ط	مناس ب	کاملاً مناس ب	جمع	میان گین رتبه پاسخ	انحراف معیار
زیرساخت های سبز شهر در کلان شهرکابل	سیما و منظر شهرکابل را از لحاظ داشتن زیرساخت های سبز چگونه	تعداد	۵۱	۱۷	۲	۰	۰	۷۰	۱,۳۰	۰,۵۲ ۱
		درصد	۷۲,۹ %	۲۴,۳ %	۲,۹ %	۰ %	۰ %	۱۰۰ %		

ارزیابی می کنید								
وضعیت زیرساخت های سبز در محیط زیست شهری کلان شهر کابل چگونه است؟	تعداد	۲۳	۳۳	۱۲	۲	۰	۷۰	
	درصد	۳۲,۹ %	۴۷,۱ %	۱۷,۱ %	۲,۹ %	۰ %	۱۰۰ %	۰,۷۸ ۳
وضعیت پیاده روها از نظر کیفیت، عرض و ساحات سبز آن در شهر کابل چگونه است؟	تعداد	۱۹	۲۷	۱۸	۶	۰	۷۰	
	درصد	۲۷,۱ %	۳۸,۶ %	۲۵,۷ %	۸,۶ %	۰ %	۱۰۰ %	۰,۹۲ ۷
وضعیت اماکن تفریحی و دسترسی به آنها را در کلان شهر کابل چگونه	تعداد	۱۳	۲۰	۲۶	۹	۲	۷۰	
	درصد	۱۸,۶ %	۲۸,۶ %	۳۷,۱ %	۱۲,۹ %	۲,۹ %	۱۰۰ %	۱,۰۳ ۲

								ارزیابی می کنید؟	
		۷۰	۰	۴	۲۴	۳۱	۱۱	تعداد	تا چه اندازه
۰.۸۰ ۵	۲.۳۰	۱۰۰ %	%۰	%۵.۷	۳۴.۳ %	۴۴.۳ %	۱۵.۷ %	درص د	محل سکونت خود را از منظر داشتن زیرساخت های سبز برای زندگی مناسب می دانید؟
		۷۰	۱	۹	۲۲	۲۹	۹	تعداد	موجودیت
۰.۹۲ ۸	۲.۴۹	۱۰۰ %	۱.۴ %	۱۲.۹ %	۳۱.۴ %	۴۱.۴ %	۱۲.۹ %	درص د	زیرساخت های سبز را در بهبود روحیه، سلامت فیزیکی و روانی شهروندان شهر کابل چگونه ارزیابی می شود؟
		۷۰	۰	۱	۱۶	۲۶	۲۷	تعداد	مؤلفه زیرساخت ها سبز
۰.۸۱ ۵	۱.۸۷	۱۰۰ %	%۰	%۱.۴	۲۲.۹ %	۳۷.۱ %	۳۸.۶ %	درص د	
		-	۲.۹ %	۱۲.۹ %	۳۷.۱ %	۴۷.۱ %	۷۲.۹ %	حد اکثر	

		-	%۰	%۰	%۲,۹	۲۴,۳	۱۲,۹	حدا	
						%	%	قل	

ماخذ: استخراج و پردازش نگارنده از پرسش نامه پیمایش میدانی



نمودار شماره ۴: مولفه زیرساخت های سبز

تحلیل یافته های توصیفی در خصوص اجزای مولفه کیفیت زندگی

یافته های توصیفی از گویه ها یا متغیرهای کیفیت زندگی گویای آن است که حدود ۵۵,۷ درصد از پاسخ دهندگان در گزینه متوسط قرار گرفته است؛ در میان گویه ها، حداکثر مقدار پاسخ در گزینه نامناسب مربوط به متغیر؛ فضاهای سبز شهری موجود در شهر کابل دارای ویژگی های است که آن ها را به فضاهای مناسبی برای ارتقای کیفیت زندگی انسان چگونه است؟ (۴۸,۶ درصد) و حداقل مقدار پاسخ در گزینه ی مناسب مربوط به زیرساخت های سبز که بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان، کاهش استرس، افزایش ارتباط جمعی و بهبود سلامت جسمی و روحی می پردازد چگونه است؟ (صفر درصد). از سویی میانگین رتبه ای پاسخ ها به تفکیک هریک از متغیرها نشان می دهد، تاثیرات فضای سبز شهری و موجودیت آن در شهر کابل برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان یک امر الزامی است آن را چگونه ارزیابی می کنید؟ با میانگین ۲,۸۶ واحد، شرایط بهتری نسبت به سایر متغیرها داشته اند، در این میان کیفیت زیرساخت های سبز برای ارتقای کیفیت زندگی ساکنان کلان شهر کابل تا چه میزان مناسب است؟ با میانگین رتبه ای ۲,۳۳ واحد کم ترین مقدار را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۵: یافته‌های توصیفی مولفه کیفیت زندگی

انحراف معیار	میانگین رتبه	جمع	کاملاً مناسب	مناسب	متوسط	نا مناسب	کاملاً نا مناسب		گروه/اسوالان	ارتقای کیفیت زندگی
۰,۸ ۱۲	۲,۵ ۰	۷۰	۰	۹	۲۲	۳۴	۵	تعداد	فضاها ی سبز شهری موجود در شهرک ابل دارای ویژگی های است که آنها را به فضاها ی مناسبی برای ارتقای کیفیت زندگی انسان	کیفیت زندگی شهر و ندان کابل
		۱۰۰ %	%۰	۱۲,۹ %	۳۱,۴ %	۴۸,۶ %	۷,۱% %	در صد		

چگونه است؟									
زندگی شهروندان، کاهش استرس، افزایش ارتباط جمعی و بهبود سلامت جسمی و روحی می پردازد چگونه است؟	تعداد	۱۳	۲۴	۲۴	۸	۱	۷۰		
	در صد	۱۸,۶ %	۳۴,۳ %	۳۴,۳ %	۱۱,۴ %	۱,۴ %	۱۰۰ %	۲,۴	۰,۹
تاثیرات فضای سبز شهری و موجود	تعداد	۱۳	۲۷	۲۴	۶	۰	۷۰	۲,۳	۰,۸
	در صد	۱۸,۶ %	۳۸,۶ %	۳۴,۳ %	۸,۶ %	۰ %	۱۰۰ %	۳	۸۰

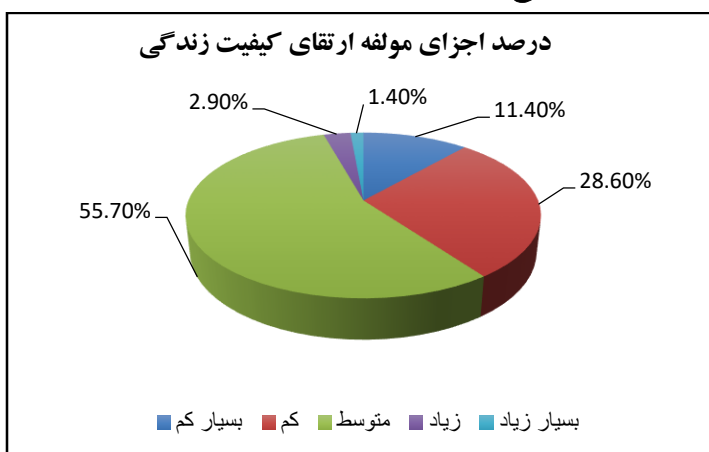
یت آن در شهر کابل برای ارتقای کیفیت زندگی شهروند ان یک امر الزامی است آن را چگونه ارزیابی می کنید؟									
کیفیت زیرس اخت های سبز برای ارتقای کیفیت زندگی	تعداد	۱۱	۲۷	۲۷	۳	۲	۷۰	۲,۴	۰,۹
در صد		۱۵,۷ %	۳۸,۶ %	۳۸,۶ %	۴,۳ %	۲,۹ %	۱۰۰ %	۰	۰,۷

ساکنان کلان شهرک ابل تا چه میزان مناسب است ؟	تعداد	۹	۲۳	۲۴	۱۳	۱	۷۰	۲,۶	۰,۹
ایجاد زیرس اخت های سبز برای ورزش و تفریح به عنوان یک راه حل موثر برای ارتقای کیفیت زندگی	در صد	۱۲,۹ %	۳۲,۹ %	۳۴,۳ %	۱۸,۶ %	۱,۴ %	۱۰۰ %	۳	۸۱

								شهروند ان در شهرها مطرح می شود آیا مناسب هستند؟	فضاها ی سبز و زیرس اخت های آن نقش بسزای در برقراری اجتماع ی سالم و مشارک ت اجتماع
۱،۰ ۲۷	۲،۶ ۰	۷۰	۳	۹	۲۵	۲۳	۱۰	تعدا د	در صد
		۱۰۰ %	۴،۳ %	۱۲،۹ %	۳۵،۷ %	۳۲،۹ %	۱۴،۳ %	در صد	
		۱۰۰ %	۴،۳ %	۲۴،۳ %	۳۴،۳ %	۲۷،۱ %	۱۰،۰ %	در صد	

ی سالم دارد موجود یت آن چگونه است؟									
کیفیت زندگی	تعداد	۸	۲۰	۳۹	۲	۱	۷۰	۲,۵ ۴۲	۰,۷ ۹۲
	درصد	۱۱,۴%	۲۸,۶%	۵۵,۷%	۲,۹%	۱,۴%	۱۰۰%		
	حد اکثر	۱۸,۶%	۴۸,۶%	۴۰,۰%	۲۴,۳%	۵,۷%	-		
	حد اقل	۷,۱%	۲۴,۳%	۲۵,۷%	۴,۳%	۰%	-		

ماخذ: استخراج و پردازش نگارنده از پرسشنامه پیمایش میدانی



نمودار شماره ۴: مولفه ارتقای کیفیت زندگی

نتیجه گیری

زیرساخت‌های سبز شهری علاوه بر حفظ و گسترش طبیعت و ایجاد یک اکوسیستم فعال شهری می‌توانند مزایای اقتصادی و اجتماعی نیز برای شهر به همراه داشته باشند و می‌توانند در مقیاس‌های مختلف، از سطح خانه یا ساختمان، تا سطح چشم انداز وسیع تر مورد استفاده قرار گیرند. عدالت در تقسیم فضای سبز شهری، ارتقا سطح بهداشت و سلامت، آموزش عمومی و شهروندی، بهبود کیفیت محیطی، زیبای بصری و به‌طور کل کیفیت زندگی را می‌توان به‌عنوان دیگر مزایای فضاهای سبز شهری نام برد. نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر درکلان شهر کابل نشان می‌دهد که از دیدگاه متخصصان و کارمندان سازمان‌های محیطی زیستی، زیرساخت‌های سبز، تاثیری مثبتی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در کلان شهر کابل دارد. لیکن دامنه تاثیرگذاری بر اجزای کیفیت زندگی همسان نبوده است. بدین اعتبار، برای تصمیم سازان منطقه‌ای و کلیه ذینفعان در سطح مردم شهرکابل ضروری خواهد بود که در برنامه‌های زمانی آتی به مولفه‌هایی از زیرساخت‌های که تاثیر پذیری کمتری در ارتقای کیفیت زندگی شهری در شهرکابل داشته اند، اهتمام ویژه داشته و تلاش نمایند تا با تعریف برنامه اقدام راهبردی مطلوب، کلیه مولفه‌های زیرساخت‌های سبز شهری را متاثر از جریان و روند رو به رشد رفاء زندگی و ارتقای کیفیت آن به شکلی متوازن و پایدار بهبود بخشند و در کل نتایج پژوهش، نمایانگر آن است که با تقویت و ایجاد زیرساخت‌های سبز درکلان شهر کابل کیفیت زندگی می‌تواند بهبود یابد. در نتیجه با ایجاد زیرساخت‌های سبز درکلان شهر کابل زندگی کردن و کیفیت زندگی بهتر خواهد شد.

پیشنهادهای

- حفظ و مراقبت از زیرساخت‌های سبز شهر کابل یک امری ضروری برای حکومت محلی- و شهروندان می‌باشد.
- فضای سبز شهری و موجودیت آن در شهر کابل برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان یک امر الزامی است توجه به ایجاد بیشتر آن ضروری است.
- وضعیت زیرساخت‌های سبز در محیط زیست شهری کلان شهر کابل آنقدر خوب نیست باید در امر خوب شدن آن کار بیشتر صورت گیرد.

پوهنمل سمیع الله امان

- پیشنهاد می‌شود رویکرد پژوهش حاضر در سایر شهرهای مهم به لحاظ زیرساخت‌های سبز درگستره کشور در چارچوب پایان نامه‌ها، رساله‌های پژوهشی و مقالات در دستورکار قرار گیرد تا بر اساس نتایج آن، بتوان سیاست‌های راهبردی اثر بخش برای سربسزی شهرها را در سطح کشور پایه ریزی نمود.

منابع

- آهنګ، محمد آصف. (۱۳۸۷). کابل قدیم، چاپ اول، انتشارات میوند.
- جاییان، علی اصغر فیروز و حداد، محسن دهقان. (۱۳۹۳). ارتباط و تأثیر کیفیت زندگی عینی بر کیفیت زندگی ذهنی
- حکمتی، جمشید. (۱۳۷۱). طراحی باغ و پارک. تهران: انتشارات فرهنگ جامع.
- در شهر آمل استان مازندران، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره سوم، شماره ۴، بهار ۹۴، صفحات ۱۵۷-۱۸۴.
- رفیعی، عنایت‌الله و امیری، طوبی. (۱۳۹۶). جاذبه‌های توریستی ولایت کابل، انتشار: ریاست توریسم.
- رویان، عبدالقدیر، امیری، ضیاء‌الحق. (۱۳۹۷). جغرافیای روستایی- شهری، چاپ دوم، کابل، انتشارات سعید.
- زیاری، کرامت‌الله و دیگران. (۱۳۹۹). سنجش کیفیت زندگی از دیدگاه عدالت اجتماعی: (مطالعه موردی: مناطق ۲ و ۶۱ شهری تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، ص. ۱۵-۱.
- شکویی، حسین. (۱۳۸۷). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ دوازدهم، انتشارات سمت.
- صرافی، مظفر و دیگران. ۱۳۹۳. اندیشه‌های نو در برنامه ریزی شهری، جلد عمومی، چاپ اول، انتشارات قدیانی.
- عظیمی، محمد عظیم. (۱۳۹۰). بنیادهای جغرافیایی اقتصاد افغانستان، چاپ اول، انتشارات خراسان.
- نوروزی، مریم. (۱۳۹۸). تحلیل اثر ز زیر ساخت‌های سبز شهری بر ارتقاء شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی کیفیت زندگی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵۴، بهار ۹۸.

Saraji GN, Dargahi HJ. Study of quality of work life (QWL). 2006; 35(4):8-14.

Kathleen L. Andereck, and Gyan P. Nyaupane. (2011), Exploring the Nature of

- Moller, V., & Huschka, D. (2009). *Quality of life and the millennium challenge : advances in quality-of-life studies, theory and research*. Paper presented at the International Society for Quality of Life, Studies.
- Wentworth, Jonathan. 2017. Urban Green Infrastructure and Ecosystem Service. POST brief from UK
- Experience: Psychological, Parliamentary Office of Science and Technology: London, UK 26.
- European Commission. 2019. EU Guidance on Integrating Ecosystems and Their Services into Decision Making.
- Scottish Natural Heritage (SNH). 2012. Green Networks in Development Planning.
- Sandstorm UG Angelstam P Mikusinski G. 2006. Ecological diversity of birds in relation to the structure of urban green space. Landscape and Urban Planning.
- Hunter AJ Luck GW. 2015. Defining and measuring the social-ecological quality of urban greenspace: a semi-systematic review. Urban Ecosystem.
- Rasoolimanesh, M, Nurwati, B., Mastura, J (2011). City Development Strategies (CDS) and Sustainable in Developing World.
- Hartig T, van den Berg AE, Hagerhall CM, et al. Health benefits of nature social and cultural processes in: Nilsson K, Sangster Raisinghani. Mahesh S, 2016, Green Information system for Sustainability, (TWU School Management, USA)
- Kowalewska, A. 2011. Sustainable Urban green network concept for the city of Gdynia, Poland. In Gdynia Sustainable Green Network, 47th ISOCARP Congress.
- Eva, S. 2011. Research of town structure and green space system of Sopron, opportunities of development with a historical approach. Ph.D. Thesis, University of West Hungary.

- Bai, Y., & Guo, R. 2021. The construction of green infrastructure network in the perspectives of ecosystem services and ecological sensitivity: The case of Harbin, China. *Journal of Global Ecology and Conversation*.
- Fichera, A., Frasca. M., Paiermo, V., & Volpe, R 2016. Application of the complex network theory in urban environment: A case study in Catania. *Energy Procedia*.
- Sluis, T., & Jongman, R. 2019. Green infrastructure and network coherence. *Routledge*.
- Mougiakou, E., & Phoutis, Y. 2014. Urban green space network evaluation and planning: optimizing accessibility based on connectivity and raster GIS analysis. *European Journal of Geography*.

بررسی نقش انقلاب صنعتی در الگوبرداری شاه امان‌الله‌خان برای صنعتی‌سازی افغانستان (۱۹۲۹-۱۹۱۹)

پوهنمل خالد سدید^۱، پوهنمل خیب نوری^۲

۱. دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول - ایمیل: Khalidsadid6@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر تحت عنوان بررسی نقش انقلاب صنعتی در الگوبرداری شاه امان‌الله‌خان برای صنعتی‌سازی افغانستان (۱۹۲۹-۱۹۱۹) ترتیب گردیده و روی این موضوع از زوایای مختلف می‌پردازد؛ دوره سلطنت امان‌الله‌خان که یکی از مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر افغانستان و نقطه عطف توجه نخبه‌گان سیاسی و قلم به‌دست‌تان داخلی و خارجی بوده‌است؛ و هدف نگارندگان تحلیل و شناسایی الگوبرداری شاه امان‌الله‌خان از دست‌آوردهای انقلاب صنعتی در اروپا برای صنعتی‌سازی افغانستان می‌باشد. چون شاه امان‌الله‌خان در سفر تاریخی خود به کشورهای اروپایی از نزدیک شاهد پیشرفت‌های صنعتی و مدرنیزه‌سیون در کشورهای مانند آلمان، فرانسه، ترکیه و شوروی بود. بناً بررسی این موضوع از اهمیت پر بهای برخوردار بوده و بازتاب این موضوع از موضوعات مهم تاریخ معاصر افغانستان و جهان به حساب می‌رود. با آشکار شدن این موضوع رهبران آینده این سرزمین که همانا نسل‌های امروز و آینده‌اند؛ از تجارب گذشته برای آینده پویا استفاده خواهند کرد. این تحقیق در دو بخش سازمان‌دهی شده‌است؛ که در مرحله اول به توسعه زیر ساخت‌ها، ایجادکارخانه‌ها، اصلاحات آموزشی و فنی، حمایت از صنایع داخلی، توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری پرداخته شده و در مرحله دوم به چالش‌ها و موانع داخلی و خارجی که در مسیر صنعتی‌سازی کشور قرار گرفتند پرداخته شده است و در نهایت به شرح آن با توجه به فرضیه‌های که در این تحقیق طرح گردیده است؛ به نقش انقلاب صنعتی در الگوبرداری شاه امان‌الله‌خان برای جهت‌دهی صنعتی‌سازی افغانستان پرداخته می‌شود. تحقیق حاضر بر اساس روش توصیفی و تحلیلی بوده و مواد و یافته‌های این تحقیق از طریق مطالعه منابع کتاب‌خانه‌ای انجام شده‌است. این تحقیق در پی پاسخ به پرسش زیر است: شاه امان‌الله‌خان با الهام از انقلاب صنعتی تا کدام راستا برای صنعتی‌شدن افغانستان تلاش کرد و کدام چالش‌های داخلی و خارجی عامل بازدارنده کامل برنامه‌های او گردید و در میان این چالش‌ها و موانع داخلی و خارجی کدام یک نقش اصلی را ایفا کرده است؟

واژه‌های کلیدی: افغانستان، انقلاب، شاه امان‌الله‌خان، صنایع، عوامل، کارخانه‌جات

Examining the Role of the Industrial Revolution in King Amanullah Khan's Model for the Industrialization of Afghanistan (1919-1929)

Senior Teaching Assistant Khalid Sadid^{1*}, Senior Teaching Assistant Khabib Noori²

1. Department of History, Faculty of Education, Alberoni University.

* Corresponding Author Email: Khalidsadid6@gmail.com

Abstract

This study, titled “Examining the Role of the Industrial Revolution in King Amanullah Khan’s Model for the Industrialization of Afghanistan (1919-1929),” explores various aspects of this subject. The reign of King Amanullah Khan represents a critical and decisive period in the contemporary history of Afghanistan, attracting significant attention from both domestic and foreign political elites and scholars. The primary objective of this research is to analyze and identify the extent to which King Amanullah Khan drew inspiration from the achievements of the Industrial Revolution in Europe to advance the industrialization of Afghanistan. During his historic travels to European countries, King Amanullah Khan closely observed the industrial and modernization progress in nations such as Germany, France, Turkey, and the Soviet Union. Consequently, investigating this subject holds substantial value and contributes to a broader understanding of a significant topic in both Afghan and global contemporary history. By uncovering these insights, future leaders of Afghanistan—representing the present and future generations—can leverage past experiences to build a more progressive future. This research is structured into two main sections. The first section examines the development of infrastructure, the establishment of factories, educational and technical reforms, support for domestic industries, expansion of trade, and investment initiatives. The second section addresses the internal and external challenges and obstacles encountered in the country’s industrialization efforts. Finally, based on the hypotheses proposed in this study, the role of the Industrial Revolution in King Amanullah Khan’s approach to industrializing Afghanistan is analyzed. This research adopts a descriptive and analytical methodology, relying on data collected through a comprehensive review of library resources. The study seeks to answer the following key questions: (1) To what extent did King Amanullah Khan, inspired by the Industrial Revolution, strive for the industrialization of Afghanistan? (2) What internal and external challenges hindered the full realization of his industrialization programs? and (3) Among these internal and external obstacles, which played the most significant role in impeding his efforts?

Keywords: Afghanistan, revolution, king Amanullah Khan, industries, factories, contributing factors

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنُسْتَهْدِيهِ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

امان‌الله‌خان سومین فرزند امیر حبیب‌الله‌خان پس از قتل پدرش در سال ۱۹۱۹م به پادشاهی افغانستان رسید و در همین سال موفق به دستیابی استقلال کشور از بریتانیا گردید و در میان مردم به عنوان پادشاه وطن دوست و ترقی خواه محبوبیت بزرگی کسب کرد. سلطنت وی در میان سال‌های (۱۹۱۹-۱۹۲۹م) از نقطه دگرگونی در تاریخ معاصر افغانستان به شمار می‌رود. چون سبب تحول اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این کشور گردید. از برجسته ترین برنامه‌های راهبردی او، ترویج علم و فرهنگ و ایجاد ارتباط با دیگر کشورها، افزایش همکاری چند جانبه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تصویب نخستین قانون اساسی، رسمی شدن افغانی به عنوان واحد پولی تازه، تنظیم تعرفه‌های مالیاتی برکالاها، راه اندازی موسسه بانکی، اصلاح شیوه مالیاتی از جنس به پول نقد، بنیان‌گذاری شرکت حمل و نقل هوایی، بازرنگری و بازسازی زیر ساخت-های ارتباطی، تصویب نظامنامه تجاریه، وضع قوانین کار و کارگر و اصلاح مواصلات جاده‌ها به شمار می‌رفتند (فرهنگ، ۱۳۸۴: ۶۲۳-۶۴۹).

افغانستان همواره در مسیر تاریخ خود با اصلاح گران متعددی روبه برو بوده است. ولی هربار که شاه یا صدراعظمی در این کشور مسیر اصلاح را در پیش گرفته، موانعی موجب توقف او شده یا زمینه سقوط آن را فراهم کرده اند؛ امان‌الله‌خان نیز با چنین عوامل بازدارنده‌ای در افغانستان مواجه شد باوجود اینکه مانند امیران و شاهان قبلی افغانستان در پی آبادی و ترقی افغانستان و درضمن اراده قوی برای عمران و آبادی خانه مشترک افغان‌ها داشت. وی پس از اعلام سلطنت خود به منظور بهبود اوضاع و شرایط اقتصادی و اجتماعی افغانستان در ابتداء اقتصاد رهنمایی شده را اعلان کرد و بعداً خواست که این اصول را در چوکات پلان‌های هفت ساله هم تطبیق نماید. انیگزه‌ها را برای این پلان‌ها از نگاه بین‌المللی می‌توان بر تاثیرات انقلاب صنعتی قلمداد نمود. چون کشورهای که بعداز استعمار و از جنگ دوم جهانی به آزادی رسیده بودند و آزادی سیاسی خود را به دست آورده بودند، می-خواستند آزادی اقتصادی هم پیدا نمایند. آزادی اقتصادی مخصوصاً از راه انکشاف صنایع مسیر بود

پوهنمل خالد سدید

و انکشاف پول و سرمایه کار داشت و اعتقاد عمومی بر این بود که بخش خصوصی فاقد سرمایه، و دانش تخنیکی است و بنابر آن فقط دولت‌ها می‌توانند که سرمایه و دانش لازم را داشته باشند و وظیفه انکشاف را به دوش بگیرند و با این اساس امان‌الله‌خان هم از این شرایط بین‌المللی، و از این باور بین‌المللی، متأثر شده بود.

از آنجایی که امان‌الله‌خان از همان شروع سلطنت خود با الهام از انقلاب صنعتی اروپا، تلاش کرد، تا افغانستان را از یک کشور سنتی به یک کشور صنعتی تبدیل نماید. با این اساس گام‌های بزرگی را در بخش‌های اقتصادی، صنعتی، زراعتی، تجاری و حتی اجتماعی و فرهنگی کشور برداشت و این اقدامات شامل ایجاد کارخانجات کوچک برای تولید محصولات داخلی مانند پارچه، قند و آرد، تأسیس صنایع نساجی، فلزکاری و تولید برق در کابل و سایر شهرها، احداث پروژه‌های راه سازی، ارتباطات و حمل و نقل برای تسهیل توسعه صنعتی، اصلاحات گسترده در بخش تعلیمی و فنی و اعزام محصلان افغان به اروپا به منظور فراگیری مهارت‌های صنعتی و انجیری، دعوت متخصصان خارجی به خصوص از آلمان و ترکیه برای فراگیری دانش صنعتی، ایجاد صنایع نظامی و دفاعی مانند تأسیس کارخانه‌های تولید اسلحه و مهمات برای کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی، اصلاح سیستم مالی و بانکی برای حمایت از توسعه اقتصادی و توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری پرداخت.

پیشینه تحقیق

با آن که تاکنون کتاب‌های مستقلی درباره شخصیت امان‌الله‌خان و تلاش‌های وی در جهت پیشرفت و توسعه افغانستان نگاشته نشده است، اما در برخی آثار مربوط به تاریخ معاصر افغانستان به گونه‌ی کوتاه و گذرا به آن اشاره شده است. در اینجا به برخی از مواردی پرداخته می‌شود که محققان در رابطه با عواملی که در شکل‌گیری شخصیت امان‌الله‌خان در راستای صنعتی‌سازی کشور مؤثر بوده‌اند، از جمله تأثیرات انقلاب صنعتی و دیدار وی از کشورهای بزرگ صنعتی اروپا، مورد اشاره قرار داده‌اند؛ مسائلی که می‌تواند در ارتباط به موضوع تحقیق کمک کند:

فاروق انصاری (۱۳۹۱) در کتاب خویش تحت عنوان تاریخ فشرده افغانستان به این باور است که امان‌الله‌خان پس از بازگشت از سفر اروپایی، برنامه‌ای را اعلام کرد که در آن به یک سلسله رسوم اجدادی و امتیازات دیگر حمله شده بود اما در این کتاب از وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

مردم سخن به میان نیامده است؛ بنابر این بنده در تحقیق خویش بر علاوه عوامل یادشده عوامل و چالش‌های دیگری را نیز تذکر داده‌ام.

محمد ابراهیم عطایی (۱۳۸۴) در کتاب خود تحت عنوان تاریخ معاصر افغانستان بر این عقیده است که غرور شاهی به شاه امان‌الله‌خان بسیار کم اجازه می‌داد تا به مشوره اشخاص سالم و آگاه بر مسایل گوش دهد. او فکر می‌کرد که شاه دارای قدرت مطلقه ابدی و پایدار است و شاه چیزی که بخواهد عملی می‌کند، این یک اشتباه ذهنی او بود، اشتباه دوم وی در این بود که بدون دلیل براقوام مادری متکی بود (باید جهت روانی این مسئله مطالعه گردد) درباریان بارکزیایی مردمان چندان پاک‌نیت نبودند، آنان فقط ملکه سرور سلطان (مادر امان‌الله) را خوشحال نگه می‌داشتند و در حمایت او فتنه‌های بزرگی را برپا و از راه رشوه ستانی جیب‌های خود را پر می‌نمودند اما در این کتاب از داشتن اعتماد بلند امان‌الله‌خان تذکر نرفته است او از اعتماد بسیار قوی برخوردار بود ولی نظام امان‌الله‌خان از اقتدار کافی برخوردار نبود که بتواند تمام فرمان‌های خود را به کرسی عمل به نشاند.

کریم پیکار پامیر (۱۴۰۰) در کتاب خود تاریخ مختصر سیاسی افغانستان به این عقیده است که اغلب اصلاحات امان‌الله‌خان برای مملکت ضروری و به مورد نبودند. نه‌تن‌ها با خواست‌ها و منافع دشمنان آزادی، دانش و ترقی کشور سازگاری نداشت بلکه برخی آن از جمله تعیین سن ازدواج، منع تعدد زوجات، اخذ امتحان از علما و قضات، جلوگیری از فعالیت‌های علمای دیوبندی، حذف حجاب، منع رواج پیری و مریدی در چارچوپ عسکری، فرستادن گروهی از دوشیزه‌های افغان برای تحصیلات عالی به خارج کشور، افزایش مالیات و توزیع تذکره تابعیت با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور هماهنگی نداشتند. اما در این کتاب از تطبیق پلان‌های غیر مطالعه شده اصلاحی امان‌الله‌خان تذکر داده نشده است.

مواد و روش کار

روشی که در مقاله حاضر استفاده شده است توصیفی-تحلیلی بوده و براساس منابع تاریخی، کتاب-خانه‌ای و تحلیل‌های علمی تدوین یافته است.

یافته‌های تحقیق

انقلاب صنعتی که در اواخر قرن ۱۹ میلادی در اروپا اتفاق افتاد، تغییرات عمیقی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و تکنالوژی ایجاد کرد. این انقلاب سبب گردید که کشورهایی مانند آلمان، انگلستان، فرانسه و روسیه به شکل بی‌پیشینه توسعه یابند و به قدرت‌های بزرگ صنعتی تبدیل شوند.

پوهنمل خالد سدید

انقلاب مذکور تاثیرات عمیقی مستقیم و یا غیر مستقیم خویش را بر جوامع مختلف از جمله افغانستان داشت و در دوره سلطنت امیر حبیب الله خان به خصوص در زمان حاکمیت فرزندش، امان الله خان (۱۹۲۹-۱۹۱۹م) نیز پیامدهای این تحولات در افغانستان قابل مشاهد بوده است. چون امان الله خان در سفرهای خود به اروپا از نزدیک شاهد تغییر و تحولات بزرگ این انقلاب بر کشورهای مانند آلمان، انگلستان، فرانسه، شوروی و حتی ترکیه بود. این تحولات صنعتی به او انگیزه و باور داد که بدون توسعه صنعت، افغانستان نمی تواند به یک کشور مستقل و قدرتمند تبدیل شود. هرچند افغانستان در مقایسه با کشورهای اروپایی، مرحله ابتدایی صنعتی شدن را طی می کرد، اما تاثیرات غیر مستقیم انقلاب صنعتی بر سیاست های توسعه گرایانه و صنعتی سازی امان الله خان قابل انکار نبوده و نمی باشد. امان الله خان یکی از رهبران اصلاح طلب افغانستان بود و بعید نیست که با این انگیزه های بین المللی و داخلی تلاش کرد صنعتی سازی افغانستان را به عنوان راهی برای توسعه اقتصادی و کاهش وابستگی به کشورهای خارجی به اجرا بگذارد. او تلاش داشت که افغانستان را از یک کشور عمدتاً کشاورزی به سمت صنعتی شدن هدایت کند.

مفهوم لغوی و اصطلاحی صنعت

واژه صنعت در لغت به معنای حرفه، پیشه، فن، مهارت در ساخت چیزی و هرگونه فعالیت تولیدی است. در زبان عربی از ریشه صنع، گرفته شده که به معنی ساختن و به کارگیری مهارت در انجام کارها است. منظور از ساخت، ایجاد دگرگونی در نمود و شکل ظاهری یا دگرگونی در ترکیب و چگونگی موادی است که نیازمندی معینی را برآورده می سازد. در اصطلاح صنعت به مجموعه ای از فعالیت های اقتصادی و تولیدی به کار برده می شود که با استفاده از نیروی کار، تکنالوژی و مواد اولیه به تولید کالا یا خدمات پرداخته و ارزش افزوده ایجاد می نماید. صنعتی شدن (صنعتی کردن)، تجهیز شهر و یا یک منطقه از نظر صنعتی است. در سطح یک کشور، به معنای گذشتن از یک مرحله فعالیت های زراعتی تا پیدایی فرایند صنعت اساسی است. نقش و وظیفه ای که دولت ها در عرصه ای اقتصاد جوامع بشری عهده دار می شوند، در طول زمان دستخوش تغییرات جدی قرار گرفته است. به ویژه بعد از انقلاب صنعتی این نقش به صورت مداوم اهمیت یافته است. شکل گیری انقلاب صنعتی آثاری را در جوامع آن روز اروپا برجای نهاد که حضور و نقش آفرینی دولت ها را در عرصه ای اقتصاد ضروری ساخت (عوفی پور، ۱۳۹۴: ۱-۶). صنعتی شدن، زیر بنای تحریکات توسعه ای در هر کشور و از مهم ترین عوامل تحول ساختاری اقتصاد و نیل به اقتصاد بدون اتکاء به درآمدهای نفتی است.

یکی از کانال‌های عمده تسریع رشد اقتصادی کشورها، رشد بخش صنعت آن‌هاست. و صنعتی- شدن به فرایند تغییر و تحول از یک جامعه سنتی مبتنی بر کشاورزی به یک جامعه صنعتی مبتنی بر تولید میکانیزه گفته می‌شود. این روند تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد، جامعه و محیط زیست دارد (عادلی و میدانی، ۱۳۹۴: ۱-۴). هم‌چنان صنعتی‌شدن باعث افزایش بهره‌وری و تولید کالاها شده و به رشد اقتصادی کشورها کمک می‌نماید. ایجاد صنایع جدید فرصت‌های کاری و سطح درآمد و رفاه عمومی را بلند می‌برد. با صنعتی‌شدن، زیر ساخت‌های مانند حمل و نقل، انرژی و ارتباطات توسعه می‌یابد که زمینه را برای پیشرفت بیشتر فراهم می‌نماید. صنعتی‌شدن و توسعه صنعتی از شروط لازم برای پیشرفت اقتصادی و زمینه‌ساز تحولات ساختاری گسترده در حوزه‌های اقتصادی و تکنولوژی است. رشد اقتصادی ناشی از صنعتی‌شدن با اثرات زیاد شدن که بر اقتصاد کشورها و ساختار تولیدی آن‌ها می‌گذارد، به ارتقای سطح زندگی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود. بخش صنعت در مقایسه با فعالیت‌های سنتی، امکانات وسیع‌تر و سریع‌تری را برای پیشرفت تکنولوژیکی در فرآیندهای تولید فراهم می‌کند و کشورهایی که از بخش‌های صنعتی خود غفلت کنند ناگزیر در معرض خطر عقب ماندگی و عقب افتادگی فنی قرار می‌گیرند. به طور کلی، صنعتی‌شدن از سه جهت قابل اهمیت است؛ اول این که صنعت به عنوان یک زیر مجموعه از اقتصاد، با رشد و شگوفایی خود، درآمد آحاد جامعه را افزایش می‌دهد. دوم، صنعت به عنوان محمل تحولات تکنولوژیکی، از طریق ایجاد روش‌ها و اختراع ابزارهای نوین تولید، بهره‌وری را در بخش‌های دیگر اقتصاد نیز افزایش می‌دهد، به طوری که به کارگیری ابزارهای جدید تولید در بخش‌های کشاورزی، خدمات و ساختمان، درآمدزایی این بخش‌ها را نیز افزایش می‌دهد. سوم، توسعه صنعت، ناگزیر در گرو رشد مهارت‌ها و توانمندی‌های علمی و فنی نیروی انسانی است که ارتقاء سطح دانش، خود موجب افزایش درآمد می‌شود. با رشد درآمد، تقاضا برای محصولات مختلف صنعتی و خدماتی افزایش پیدا می‌کند و در چنین محیط اقتصادی مشاغل مختلفی ایجاد می‌شوند که ارتباط تنگاتنگی با هم داشته و به طور چند جانبه‌ای به یکدیگر خدمات ارائه می‌کنند. بدین ترتیب، توسعه صنعتی منجر به توسعه یافتگی جوامع می‌شود. بنابراین اهمیت توسعه صنعتی، تنها رشد و توسعه بخش صنعت یا ایجاد مجموعه‌ای از کارخانجات و ماشین‌آلات صنعتی نیست، بلکه اهمیت آن به خاطر این است که رشد و توسعه بخش صنعت، دیگر فعالیت‌های اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سفری های خارجی شاه امان الله خان

امیرامان الله خان پس از خاموش ساختن شورش های زمین داران بزرگ (فیودال ها) به منظور آشنایی بیشتر با جهان نوین و پیشرفت های حاصل از آن مسافرت به کشورهای منطقه و اروپایی را آغاز نمود. در فاصله بین ماه قوس ۱۳۰۶ - جوزا ۱۳۰۷ هجری امیرامان الله خان و خانمش ملکه ثریا و یک هیات سیاسی رسمی سفر به هندوستان، مصر و کشورهای اروپایی (ایتالیا، فرانسه، سویس، آلمان، بریتانیا، بلجیم، پولند، اتحاد شوروی ترکیه) خاور میانه و ایران دست زدند. وی با سفر با کشورهای اروپایی به خصوص ایتالیا، فرانسه، آلمان و بریتانیا با پیشرفت نوین و نوین غرب بیشتر آشنا شدند و بیشتر دل بسته و مجذوب این تمدن و دستاوردهای آن گردید. در کشور مصر پذیرایی گرمی از او به عمل آمد. در کشور هند «سخنرانی های پرشور او در دعوت مسلمانان به اتحاد با هندوان و مبارزه علیه استعمار بریتانیه، موجب تشویق و حساسیت های شد.» در کشور آلمان توانست موفقیت های مالی کسب نماید؛ به گونه ای که «دولت آلمان، اعتباری معادل پنج میلیون مارک بدون بهره، برای افغانستان در نظر گرفت». در انگلیس نیز به گرمی مورد استقبال قرار گرفت. اما اوج این مسافرت کشور ترکیه بود؛ که از جانب شاه معاصرش مصطفی کمال اتاترک به آغوش باز پذیرفته و از او استقبال به عمل آمد. او در سفر به ترکیه موفق گردید مقداری سلاح از این کشور خریداری نماید و از سویی از مشورت های اتاترک در امر نوین سازی افغانستان بهره منده شود و ن دوستی و روابط دوستی و همکاری فرهنگی و نظامی میان دو دولت، به گونه ای صادقانه تحکیم یافت. ولی در سفر به کشور ایران، برعکس به گرمی مورد استقبال قرار نه گرفت، چون در آن زمان رضاه شاه قانون حذف حجاب را اجرا نکرده بود. در حالی که بانو اول کشور یعنی ملکه ثریا حجاب نداشت و حال آنکه همسر رضا شاه از امان الله خان روی گرفت. در حالی که این سفر بالغ بر هفت ماه طول کشید. شاه امان الله خان از طریق ولایت هرات به کشور بازگشت. شاه امان الله خان دو هدف داشته است. نخست شناساندن و معرفی افغانستان به کشورهای جهان، به خصوص کشورهای اروپایی، و عقد قراردادها با آنان؛ دوم آشنایی با فرهنگ و پیشرفت های نوین این کشورها، به نظر می رسد به این اهداف خود تاجایی رسیده بود. از جانب دیگر دیدار با پیشرفت های فنی و جلوه های ظواهر تمدن غرب، وی را به اجرای اصلاحات با شتابی بیش از اندازه ترغیب کرد. پس از بازگشت از سفر در صدد اجرای بسته ای از اصلاحاتی برآمد که وی در اروپا با تمدن و پیشرفت های آن آشنا و الگو گرفته بود، در صدد برآمد که این فرهنگ و پیشرفت ها را بدون توجه به ارزش های جامعه افغان انتقال دهد. در این مرحله

اصلاحات، برعکس مرحله اول که متوجه امور زیر بنایی و اساسی بود. در این مرحله بیشتر به امور فرهنگی و اجتماعی شد که وی در صدد اجرای ظواهر تمدن غرب از جمله آموزش اجباری، اعزام محصلان به بدون محرم به خارج از کشور، حذف حجاب، امتحان گیری از روحانیون توسط دولت، جواز دادن امامان مساجد از سوی دولت، برچیدن رسم چند همسری و یا تعدد زوجات در میان کارمندان دولتی، تعیین سن ازدواج از ۱۸ تا ۲۲ سال، آموزش مختلط دختران و پسران در مکاتب، گسترش و تشویق هنرهای زیبا، شامل سینما تئاتر و ارتقای مکاتب موسیقی، پوشیدن اجباری لباس و کلاه اروپایی در شهر کابل، تغییر روز رخصتی از جمعه به پنجشنبه تغییر پرچم ملی، تدوین نظامنامه نسوان زنان به منظور تعیین حقوق و وظایف اجتماعی آنان، ایجاد انجمن حمایت از زنان با هدف حمایت و تقویت جایگاه آنان در جامعه، جدا نمودن امور عمومی از مذهب، تصویب و اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده و تغییر تقویم هجری به میلادی و منع رسم پیری و مریدی در میان کارمندان دولت و نیروی‌های نظامی را پس از سفر خارجی و الگوبرداری او با مشاهده ترکیه اتاترک و اروپایی صنعتی به منظور دولت سازی و صنعتی سازی افغانستان افغانستان شروع کرد. اما این الگوگیری اصلاحات نه تنها به گونه‌ای شتاب زده و بدون زیرساخت‌های کافی، بدون پشتوانه اجتماعی یا سیاسی صورت گرفت بلکه در مغایرت با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی کشور ما قرار گرفت، که موج شورش‌های مردمی را به باور آورد که در نتیجه شورش‌های مذکور مانع نهاده شدن کامل آن گردید (مرزائی، ۱۳۹۳: ۵۱-۵۴).

۱- بنیان‌گذاری کارخانجات و تاثیر اقتصادی آن بر اشتغال مردم

آغاز قرن بیستم عصر انکشاف و تحکیم مبادی جریان‌های جدید فکری، در زندگی بشر بود که بعد از دوره رنسانس، به‌خصوص وقوع انقلاب صنعتی قرن نوزده اروپا نشست کرده است. هسته این مرکزی این جریان را تغیر و دگرگونی، زوال زندگی قرون وسطی و نوینیزه ساختن حیاتی اجتماعی تشکیل می‌داد که محور اساسی آن بر ساینس و صنعت جدید متکی بوده و می‌باشد. افغانستان عضو خانواده بزرگ بشری محل تلاقی فرهنگی‌ها و تمدن‌ها در طول تاریخ به نحوی از آنجای بوده از اثرات این نهضت جدید به دور مانده نمی‌توانست. امان الله خان به مانند پدر خود امیر حبیب الله خان تصمیم داشت تا متناسب با اقتضا و خواست‌های مبرم زمان تغیرات و نوآوری‌های را در ساختار دستگاه دولتی رونما ساخته و آن را با شرایط جدید عصر مطابقت بخشد. (رسولی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). امیرامان الله خان بعد از روی کار آمدن، در نخستین روزهای حکومت‌داری خود برای مردم افغانستان وعده

اصلاحات وسیع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخلی، اداری و تامین عدالت اجتماعی را داده و جهت تحقق این اهداف و حصول استقلال سیاسی کشور و برقراری ارتباط دیپلماتیک با جهان یک هیئت سیاسی را به رهبری وزیر خارجه اش محمد ولی خان دروازی به سوی کشور روسیه و سایر کشورهای اروپایی و آمریکا فرستاد. درگام بعدی به تعداد یکصد زن غیرنکاحی و کنیزان پدرش (امیر حبیب الله خان) را با احترام کامل مرخص نموده و تشکیلات گسترده و پر خرج آن‌ها را منحل اعلام کرد و با صدور فرامین متعدد، خود سیستم بردگی یعنی خرید و فروش انسان به عنوان غلام و کنیز را ملغی قرار داده، و بهره‌کشی انسان از انسان را ننگین و شرم آور اعلام کرد. که در نتیجه این اقدام نیکو، هزاران مرد و زن از نعمت آزادی برخوردار شدند. در ضمن معاشات یا تنخواه مفت و امتیازات قومی و درباری و حتی استحقاق طعام فامیلی سرداران متنفذ را که سال‌ها از آشپزخانه‌ی ارگ شاهی برای شان فرستاد می‌شد، قطع نمود. شاه در همین مورد بیان داشت که هیچ فرد بدون کار و زحمت نمی‌تواند حقوق و امتیازات دریافت نماید (پیکار، ۱۴۰۰: ۳۵۲-۳۵۳).

گسترده‌ترین و عمده‌ترین گام اصلاحی امان‌الله خان را اصلاحات صنعتی تشکیل می‌داد. او آرزو داشت با اصلاحات صنعتی کشور عزیز ما افغانستان را از یک کشور سنتی به یک کشور صنعتی مبدل بسازد و برخی از مهم‌ترین آن قرار آتی اند: تأسیس کارخانجات و کارخانه‌های صنعتی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اقدامات امان‌الله خان برای بهبود شرایط زندگی مردم و کاهش وابستگی افغانستان به واردات بوده و برای این هدف اقدام به تأسیس کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی به مانند کارخانه‌های چرم‌گری، باروت‌سازی، سم‌سازی، گوگرد، ترمیم موتر، پرزه‌سازی، صابون‌سازی، عطریات، نختابی، نساجی نخی، پشمینه بافی، نجاری، یخ‌سازی، نجاری، دکمه‌سازی، پروسس میوه و حفظ میوه جات، مسکه و پنیر سازی، روغن کشی، پارچه بافی، و ویژه کارخانه نساجی در جلال آباد و کابل، کارخانه تولید اسلحه و مهمات، کارگاه تولید لباس و بوت برای نیروی‌های نظامی و غیر نظامی کشور و ایجاد شرکت‌های مانند شرکت ادویه، شرکت ثمر، شرکت اتحادیه موترداران، شرکت برق، قالین بافی، قره قل، ده شرکت دیگر برای بهبود شرایط صنعت، تجارت و رفاه اجتماعی تأسیس نمود. هم‌چنان اقدام به ساخت چندین بند برق و آب‌گردان که می‌توان از بند غازی، بند برق سروبی در کابل، بند برق پلخمیری، تکمیل بند سراج غزنی و بستن بند آب چمکنی و تکمیل نهر رزاق روی دست گرفته شد و استشین‌های تولید برق را در شهر کابل، پغمان، قندهار و جلال آباد به کار انداخت می‌توان نام برد (غبار، ۱۳۸۹: ۷۹۱). نه تن‌ها امان‌الله خان به این مقدار کار و اصلاحات اکتفا نکرد،

بلکه برای بهبود شرایط زندگی و جهت فراهم آوری تسهیلات و آسایش برای مردم کشور عزیز خویش، ماشین‌های حفظ و نگهداری میوجات، ماشین‌های حفظ و نگهداری شرمایع، ماشین حفظ و نگهداری مسکه، بمبه‌ی آبکشی، ماشین طباعتی، ماشین چوپه کشی مرغ، دستگاه ساخت جوراب، و دستگاه جاکت سازی، ماشین‌های اکسری برای شفاخانه‌ها، و سایل تیل کشی، ماشین‌های حساب و امثال را نیز با الهام و تاثیر از تحولات انقلاب صنعتی از خارج خریداری نموده به کشور وارد و به کار انداخت (پیکار، ۱۴۰۰: ۳۵۴).

اقدام مفید و مهم دیگر امان الله خان در زمینه رشد و انکشاف صنعت افغانستان تدوین و تصویب قوانین صنایع کشور بود. او برای نخستین بار نظامنامه صنعت را به تصویب رسانید، که در نتیجه آن صنعت کشور تنظیم، برای هر صنعت یک اداره خاص ایجاد، صنعتگران تشویق و ممنوع ترک پیشه شدند، مطابق به آن ماشین آلات صنعتی از محصول گمرکی معاف و هم چنان کارخانجات برای مدت پنج سال از پرداخت مالیه به دولت معاف گردیدند. در ضمن دولت جهت تقویت و حمایت صنایع داخلی کشور مالیت هنگفت را بالای صنایع خارجی گذاشت، تاکید بیش تر بر استفاده از تولیدات وطنی نمود و در یکی از سخنرانی‌های خود خطاب به مردم افغانستان گفت: باید همه‌ی تان لباس‌های وطنی خود را پوشید و تولیدات داخلی خویش را تقویت نماید جالب است که حتی گفت تکه‌های وطنی ما به مراتب از تکه‌های خارجی بهتر بوده چون با ساخت هر تار و پود آن بسم الله و خیر الله گفته می‌شود. آیا پوشیدن این تکه‌های پاک خوب است یا پوشیدن تکه‌های ناپاک خارجی از دست یک بی وضو و بی نماز خارجی ساخته شده باشد. با این اساس عصر امان الله خان عصر مدنیت معاصر افغانستان به حساب رفته است. در این عصر صنعت ترقی بیش تر کرد. او توجه زیادی به صنعت داخلی کشور نمود.

یکی از اقدامات مهم و اساسی دیگری که امان الله خان برای بهبود توسعه تکنالوژی و آموزش صنعتی و جهت انکشاف صنایع ملی افغانستان انجام داد؛ ایجاد نهادهای تعلیمی و آموزشی و اعزام دانشجویان به کشورهای پیشرفته برای یادگیری علوم انجینیری و صنعتی بود. هم چنان امان الله خان کارشناسان و اساتید مسلکی را از خارج کشور به صفت معلمین استخدام نمود. برعلاوه امان الله خان تعلیمات ابتدای را اجباری ساخته، در هر ولسوالی یک مکتب ابتدائیه و در هر ولایت یک مکتب متوسط اعمار نمود که در نتیجه آن ۳۲۰ باب مکتب در کشور ساخته شد. بلکه امان الله خان اقدام به تأسیس مکاتب مسلکی در رشته‌های لسان، مخابره، هنر رسامی، زراعت، نجاری، موزیک، قالین

پوهنمل خالد سدید

بافی، انجنیری، طب، پولیس، تدبیر منزل نموده و صدها جوان افغان را جهت فراگیری تحصیل علوم و فنون مذکور به کشورهای اتحاد شوروی، آلمان، فرانسه، ایتالیا و ترکیه فرستاد. از جمله تعداد دختران نیز به منظور تحصیل رهسپار کشور ترکیه شدند. تن‌ها در کشور ترکیه ۲۰۵ محصل افغان به شمول ده دختر مشغول تحصیل در شقوق ملکی و نظامی گردیدند (سادات، انصاری: ۲۰۲۴: ۵-۶). هم‌چنان امان الله‌خان به منظور تربیه کارگران فنی، مکتب صنایع را در کابل تأسیس کرد. مراحل تدریس در مکتب مذکور شامل دو مرحله گردیده و هر مرحله آن دو سال را دربر می‌گرفت. در مکتب صنایع، صنعت‌های مختلف مانند، نجاری، آهنگری، تکه‌بافی، میخانیکی تدریس می‌شد. ورکشاپ موتر، برق نیز در مکتب برای تمرین و تدریس شاگردان ایجاد شد. استادان مکتب مذکور آلمانی و افغانی تشکیل می‌داد و در پهلوی مکتب صنایع، امان الله‌خان کارخانه کوچکی را به مقصد کار عملی برای شاگردان نیز تأسیس نمود.

در جمله اقدامات اساسی دیگری که امان الله‌خان برای رفع اختیاجات مردم خود و جهت انکشاف صنعت افغانستان روی دست گرفت خریداری کارخانجات صنعتی از کشورهای اروپایی بود. او در هنگام سفر و دیدار خود از شهرهای صنعتی اروپا تحولات زیادی را در ساحه صنعت در افغانستان پیش آورد. امان الله‌خان از شهرهای صنعتی آلمان، انگلستان، فرانسه و روسیه دیدن کرد. در جریان سفر مذکور کارخانه‌ها و ماشین‌آلات صنعتی را به مانند کارخانه باروت سازی، سمیت، صابون، نساجی، چوپ، کارخانه روغن و بوره را از کشور آلمان، انگلستان و فرانسه خریداری نمود ولی متأسفانه تمامی این کارخانه‌های خریداری شده قبل از سقوط رژیم او از سوی حکومت بریتانیا در بندر کراچی متوقف شدند و امان الله‌خان موفق به دیدن آن‌ها نشد. یکی از دلایل عمده‌ی نه رسیدن و عدم موفقیت امان الله‌خان در این زمینه نبود یک راه مستقل در کشور بود (مجددی، ۲۰۲۰: ۳۰۹-۳۰۶). زیرا رویدادهای تاریخ معاصر افغانستان نشان می‌دهد بزرگ‌ترین نیاز اساسی این کشور راه مستقل تشکیل می‌داد. حمل و نقل یکی از اجزاء مهم اقتصاد ملی به حساب می‌رود. چون وجود راه مستقل نقش زیربنایی تأثیر فراوانی بر فرآیند رشد اقتصادی یک کشور دارد (دانشجویان هرمزگان، ۱۳۸۳: ۵۹۷).

پول در نوین‌سازی یک کشور نقش عمده داشته و به عنوان ابزاری برای تسهیل مبادلات اقتصادی، ذخیره ارزش و واحد حساب عمل می‌نماید. وجود یک سیستم پولی کارآمد به توسعه

اقتصادی، بهبود زیر ساخت‌ها و ارتقای سطح زندگی شهروندان کمک می‌کنند. هم‌چنین تجربه کشورها نشان می‌دهد که استفاده مؤثر از پول و نظام بانکی می‌تواند به توسعه و رونق اقتصادی منجر شود و دستیابی به توسعه در کشورها بدون پول امکان پذیر نبوده است (مسعود، ۱۳۹۰: ۱۳). با درک این اهمیت امان الله‌خان به منظور نوین‌سازی نظام اقتصادی افغانستان و کاهش وابستگی به اقتصاد سنتی و پول خارجی اقدام به تأسیس بانک و نشر پول نمود. چون قبل از امان الله‌خان واحد-های پولی مختلفی مانند کلداری هندی، تومان ایرانی و روپیه بریتانیایی در افغانستان مروج بودند که باعث بی‌ثباتی اقتصاد این کشور می‌گردید. با این اساس امان الله‌خان برای حل این مشکل و جهت ارتقاء اقتصاد ملی به نشر پول اقدام کرد. در سال ۱۹۲۳م برای بار نخست افغانی به واحد جدید ارز تبدیل شد و در نتیجه اولین پول افغانستان به نام افغانی معرفی شد. پول جدید ۹۰٪ نقره بود و این صورت نشر پول در بهبود اقتصاد خصوصاً در ساحه تجارت داخلی کمک بیش‌تر نمود. علاوه بر این امان الله‌خان به اهدافی از جمله مدیریت و تنظیم امور مالی و پولی کشور، حمایت از تجارت بین-المللی و سرمایه‌گذاری داخلی و به منظور حفظ ارزش پول ملی و جلوگیری از نوسانات ارزی امان الله‌خان اقدام به تأسیس بانک نموده در سال ۱۹۲۸م پیشنهاد تأسیس بانک را پیش کرد ولی متأسفانه موفق نشد در این زمینه موافقه وکلای را به دست آورد هر چند وزیر مالیه سعی نمود اهمیت بانک را برای وکلای توضیح دهد اما نتیجه نداد و بلاخره در اواخر سال ۱۹۲۸م به حمایت سرمایه داخلی از سوی دولت و تاجران افغان موفق به تأسیس بانک ملی شده و بانک مذکور به عنوان نهادی برای تقویت اقتصاد داخلی فعالیت می‌کرد به این صورت می‌توان گفت که امان الله‌خان نخستین خاکم کشور بود که نظام بانکی و پول ملی را بنیان گذاشت و نشر پول و تأسیس بانک ملی، گام‌های مهمی در راستایی استقلال اقتصادی به حساب می‌رفت هر چند اصلاحات مذکور پس از فروپاشی رژیم او دچار وقفه گردید، اما پایه‌های سیستم مالی و پولی نوین افغانستان را بنا نهاد که بعدها توسعه یافت (مجددی، ۲۰۲۰: ۲۹۲).

در جمله یکی از برنامه‌های مهم دیگری که امان الله‌خان به منظور نوین‌سازی و استقلال مالی افغانستان انجام داد معرفی بودجه ملی بود. چون افغانستان تا آغاز قرن بیستم با نظام بودجه ملی معرفت و آشنائی نداشت، زعمای سیاسی افغانستان تلاش و تجربه‌های کافی در شئون اقتصادی و اهمیت بودجه نداشتند. امراء سرمایه و عایدات ملی را از جمله دارایی‌های شخصی حساب می‌کردند. امیر عبدالرحمن‌خان در تاریخ معاصر افغانستان برای اولین بار به فکر تنظیم امور مالی شد و اداره خاص

مالی را بنام (خزانه) در قصر سلطنتی تأسیس کرد. خزانه دارای دو شعبه بود: خزانه نقدی و خزانه نسی. هر دو شعبه مربوط به شخص امیر و در قصر سلطنتی بود. امیر حبیب الله خان کاری که امیر عبدالرحمن خان شروع کرده آن را ادامه داد و برای تنظیم امور مالی و اداره آن محمد حسین خان را به صفت مستوفی الممالک را مقرر نمود. مستوفی محمد حسین خان بود، نخستین بودجه ملی را به امیر معرفی کرد، ولی امیر حبیب الله خان و مستوفی او به دلیل عدم همکاری شهزاده‌ها، والیان و سایر نخبه‌گان سیاسی داخل دربار برای تحقق بخشیدن آن موفق نشدند و این برنامه ناتمام ماند. تا اینکه امان الله خان به اربکه قدرت تیکه زد. مجددی، ۲۰۲۰: ۲۹۳-۲۹۴). با درک این اهمیت امان الله خان در اواسط برج دلو سال ۱۳۰۳ ه. ش به منظور برنامه‌ریزی مالی منظم و منابع درآمد و هزینه‌های کشور به طور شفاف تدوین بودجه ملی را ترتیب به وزارت مالیه تسلیم و بعد از تعدیلات به مجلس عالی وزرا سپرده شد و مجلس وزراء پس از ملاحظه برای تصویب به مجلس شورای ملی فرستاد. مجلس شورای ملی بعد از غور و تعمق تصویب و چندین معروضه‌ی برای امان الله خان تقدیم نمود (پوپولزایی، ۱۳۶۴: ۶۹). اما متأسفانه این اقدام امان الله خان به دلایل متعددی از جمله عدم فهم و آگاهی مردم، مامورین و کارمندان دولتی از مفهوم و اهمیت بودجه به موفقیت نه رسید. به گونه مثال فهم مردم از مفهوم بودجه به حدی پایین بود تمام مشکلات اقتصادی خود را ارتباط به بودجه می‌دادند. روزی امان الله خان از دهقانی راجع به حاصلات سال سؤال کردند دهقان جواد داد: از روزی که پادشاه بودجه ساخته حاصلات بسیار خراب شده است (مجددی، ۲۰۲۰: ۲۹۴-۲۹۵).

به هر حال برنامه‌های گسترده‌ای اقتصادی و صنعتی امان الله خان به خصوص تأسیس کارخانجات و شرکت‌های تجارتی نقش مهمی را در ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری ایفا نمودند. هرچند این برنامه‌های نوین سازی و ساختار اقتصادی امان الله خان به دلایل متعدد داخلی و خارجی ناتمام ماند. اما این اقدامات نه‌تن‌ها به ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش بیکاری و فقرزدایی در آن دوره کمک کرد بلکه پایه‌های توسعه صنعتی و اقتصادی افغانستان را نیز تقویت کرده و مسیر پیشرفت آینده کشور را هموار نمودند.

۲- ایجاد صنایع تجارتی، زراعتی و عوامل بازدارنده آنها

درحالی که اقتصاد به عنوان ستون فقرات هر کشور، نقشی مهمی در تعیین سطح رفاه، توسعه و ثبات آن ایفا می‌نماید. و اقتصاد قوی با افزایش تولید ناخالص داخلی برای بهبود زیرساخت‌ها و ایجاد فرصت‌های کاری و شغلی، به توسعه و توسعه پایدار کشور کمک می‌کند و با بهبود شاخص‌های

اقتصادی در یک کشور، رفاه اجتماعی افزایش و سطح زندگی مردم ارتقا نموده و دست‌رسی به خدمات بهداشتی آموزشی و رفاهی بهبود پیدا می‌نماید. هم‌چنان اقتصاد پویا در یک جامعه فرصت‌های شغلی متنوع را رشد داده و نرخ بی‌کاری را کاهش و معیشت افراد را بهبود و از نارامی‌های اجتماعی و سیاسی جلوگیری کرده و در تامین امنیت و ثبات یک کشور کمک می‌کند. اما با وجود این اهمیت حیاتی و اساسی؛ تا آغاز قرن بیستم، اقتصاد افغانستان شبیه اقتصاد قرون وسطی بود، متأسفانه اکثر حاکمان این کشور در موضوع اقتصاد توجه خاصی نداشتند و مردم به طور عموم در فقر و ناتوانی زندگی می‌کردند. نظام مالیات ثابت وجود نداشت، تجارت به شکل ابتدایی بود و دولت دارای بودجه ثابت نبود و خزانه دولتی مربوط به امیر و در قصر حفظ می‌شد و در راس آن شخصی به نام خزانه‌دار قرار داشت. تجارت به صورت بسیار ابتدایی آن توسط مرکب، اسب و اشتر به صورت قافله انجام گرفته و مبادله تجارتي عموماً به جنس در مقابل جنس صورت می‌گرفت و پول به صورت فراوان در جریان نبود. مالیات متعدد از طرف امیر بالای مردم گذاشته می‌شد و زعمایی قبایل به نمایندگی از امیر مالیه را جمع آوری می‌کردند. حکومت برای مصارف و اختیاجات خود به مالیه و کمک‌های مالی دولت بریتانیا متکی بود. تا اینکه امان‌الله خان برای رفع این مشکلات اقدام به ساخت و تقویت صنایع تجارتي و زراعتی کشور اقدام نمود. در نتیجه این اصلاحات تجارت ساحه وسیعتری پیدا کرد. گمرکات متعدد داخلی لغو گردید، سرمایه‌داری انکشاف نمود، محاکم شرعی معاملات تجارتي به وجود آمد و شرکت‌های تجارتي مانند تنویرات، موتر، ادویه‌جات، رفقایی افغان، اتحاد افغان، قمر ضیاء و جرمنی با تجارت‌خانه شوروی در کابل تأسیس شد. با دولت‌های اروپایی از جمله انگلستان، آلمان و فرانسه به شمول شوروی قرار دادهای تجارتي به امضا رسید نمایندگان تجارتي افغانستان (قونسل‌ها و وکلای تجار) هم در همسایگی‌های افغانستان به تسهیل امور تجارتي موظف شدند (غبار، ۱۳۸۹: ۷۹۱).

یکی از برنامه‌های مهمی که به منظور بهبود شرایط زندگی مردم و انشکاف تجارت کشور انجام گرفت تأسیس شرکت نقل هوایی در کشور می‌باشد. افغانستان برای نخستین بار به ناوگان هوایی جهان پیوست. در این راستا نخستین میدان هوایی در بی‌بی مهوری کابل اعمار گردید، چند بال‌طیاره که از شوروی سابق خریداری شده بود توسط موتر از راه شهر مزار شریف به کابل انتقال داده شد به تعداد ۱۱ بال‌طیاره را از آلمان و انگلستان و موترهای نظامی را از ایتالیا خریداری نمود و ۶۵ نفر شاگرد برای تحصیل در این رشته کشورهای مانند روسیه، فرانسه و ایتالیا اعزام نمود، هم‌چنین یک عده‌ای

دیگری برای آموزش رشته‌های نظامی به اتحاد شوروی و جمهوریت ترکیه فرستاده شدند. در داخل کشور آموزشگاه‌های مسلکی مختلف تأسیس گردید، تعلیم سوادآموزی در افراد سپاه پیش‌رفت و به این صورت در توسعه هوانوردی کشور گام‌های موثر برداشته شد (فریاد افغان، ۱۳۸۴: ۲۱۳). تأسیس شرکت هوایی یکی از برنامه‌های مهم حکومت امان الله خان بود، این شرکت به هدف تامین خدمات ملکی و نظامی برای هموطنان در داخل و خارج کشور در نظر گرفته شده بود. چون افغانستان از نظر موقعیت جغرافیایی محاط به خشکه بود و برای ارتقاء و پیش‌رفت تجارت روابط خارجی به خطوط هوایی بیش‌تر ضرورت داشت. به این صورت امان الله خان موفق شد در حیات خود اولین پرواز شرکت هوایی افغانی بین کابل و تاشکند را افتتاح نماید. هم‌چنان در ۲۶ اپریل ۱۹۲۳م افغانستان با شرکت آلمانی توافقانه تجارتي امضاء شده؛ و در نتیجه آن پروازهای منظم میان کابل و اروپا از راه تاشکند شروع شد. در ضمن پس از قراردادی با شرکت لوفت‌هانزا پرواز میان کابل و تهران آغاز گردید. افزون بر پروازهای خارجی در این دوره پروازهای داخلی نیز از ولایات کابل، قندهار، هرات، مزار شریف و جلال آباد شروع شد (مجددی، ۲۰۲۰).

یکی اصلاحات گسترده و با ارزش دیگری که در این دوره صورت گرفت در بخش زیر ساخت‌های افغانستان از جمله احداث مواصلات و جاده‌ها در کشور بود. زیرا تا این حال مردم عزیز کشور دسترسی به وسیله نقلیه از جمله موتر نداشتند وسیله حمل و نقل عمومی و بخش بزرگ تجارت داخلی و خارجی شان به وسیله حیوانات مانند اسب، قاطر و شتر تشکیل می‌داد و آن هم تن‌ها در مسیرهای دشوار راه ارتباطی کم عرض بود. بناً امان الله خان این معضله و مشکل بزرگ را درک نموده و برای حل آن پرداخت. چون او برای نوینیزه کردن افغانستان علاقمند بود، جهت بهبود شبکه حمل و نقل گام‌های مهمی برداشت. که در نتیجه آن سرک‌های میان کابل و جلال آباد و از جلال آباد به تورخم که ارتباط افغانستان را با هند بریتانوی (پاکستان امروزی) تسهیل کرد. سرک دیگری از کابل به جانب غرب کشور یعنی از کابل به قندهار احداث گردید. عمده ترین سرک دیگری که در دوره احداث گردید سرک کابل و مزار شریف برای ارتباط کابل به شمال کشور ساخته شد. افزون بر این امان الله خان به ترمیم و نوسازی سرک‌های قدیمی کشور که از دوره حاکمان پیشین به جا مانده بودند اقدام کرد. علاوه بر این کار مهم و ارزشمندی دیگر جهت حمل و نقل در کشور صورت گرفت وارد شدن موتر لاری بود. اما متأسفانه برخی اقوام کشور در برابر این اصلاحات امان الله خان واکنش و شورش کردند چون ورود موتر لاری کار به وسیله قافله حیوانات را از آن‌ها گرفت هم‌چنان قانون

تجارت خارجی و داخلی و حمایت از سرمایه‌گذاری ملی و خارجی سبب شده که برای اولین بار در افغانستان شرکت‌های تجارتي ملی و خارجی تأسیس گردد. شرکت‌های ملی در آغاز قرن بیستم ستون فقرات اقتصاد ملی کشور را می‌ساختند. (مجددی، ۲۰۲۰: ۳۰۳-۳۱۲).

کار مفید و با ارزشی دیگری که امان الله خان به آن اقدام نمود توجه امور زراعتی در کشور بود. او اصلاحات گسترده‌ای را در بخش زراعت کشور انجام داده و تلاش کرد تا بخش کشاورزی را نوین بسازد، تولیدات زراعتی را افزایش دهد و شدت وابستگی زراعتی افغانستان را کاهش دهد. مهم‌ترین اصلاحات زراعتی این دوره شامل رونق بخشیدن روش‌های نوین زراعتی مانند استفاده از تخم‌های اصلاح شده و کودهای کیمیاوی، توسعه شبکه‌های آبیاری، بازسازی سیستم‌های آبیاری قدیمی کشور و حفر کانال‌ها و بند‌های آب گردان برای آبیاری و رشد زراعت بود که در نتیجه آن زراعت افغانستان انکشاف کرد (مجددی، ۲۰۲۰: ۲۸۷). هم‌چنان امان الله خان به منظور فراهم آوری تسهیلات زراعتی و مساعدت به دهقانان دستور داد تا زمین‌های وسیع دولتی به قیمت نازل فی جریب فقط ده افغانی برای زارعان به فروش برسانند و آنقدر به شگوفایی زراعت علاقمند بود که در روزهای اول سال نو، خودش بالای زمین‌های زراعتی حاضر شده با لباس دهقانی شخصاً قلبه می‌راند تا دهقانان را در کشت و کارشان تشویق بیش‌تر نماید. که در نتیجه آن بار اول افغانستان خود کفا گردید و در سال ۱۹۲۰ و ۱۹۲۳ افغانستان گندم به ایران و میوه خشک به کشورهای اروپایی صادر کرد (پیکار، ۱۴۰۰: ۳۵۸). به این صورت امان الله خان تلاش‌های فراوانی را در جهت بهبود زراعت و اقتصاد کشاورزی انجام داد، اما بسیاری از این اصلاحات بنابر عوامل متعددی داخلی به طور کامل عملی نشدند.

به هر حال اصلاحات امان الله خان بخش اقتصادی کشور از جمله تجارت و زراعت قابل ستایش بوده است که سبب رشد و انکشاف تجارت و زراعت کشور گردید. اما بنابر عوامل متعددی بسیاری از این اصلاحات به طور کامل تحقق نیافت و عوامل بازدارنده متعدد داخلی و خارجی از جمله، کمبود منابع مالی، بی‌ثباتی سیاسی، عدم پرسونل متخصص و مامورین با تجربه در امور مالی، فساد در سیستم جمع‌آوری مالی به دلیل معاش کم کارمندان مالی، عدم معلومات کافی تجار افغانی در امور اقتصاد جهانی، واکنش و عدم حمایت وکلا و مردم افغانستان از تأسیس بانک و بودجه ملی کشور، نبود راه مستقل بحری و یا خشکه و متوقف شدن کارخانجات و ماشین آلات خریده شده از

پوهنمل خالد سدید

کشورهای اروپایی در بندر کراچی از جانب بریتانیا، فقدان کارخانه‌های بزرگ، خط آهن و نبود کنله-های کارگری، مصارف بیش از حد پول و سرمایه دولت در برنامه‌های غیر ضروری مانند قصرسازی، خط آهن دارالامان و عدم توجه به خدمات و ضروریات اولیه مردم، عدم تقویت سرمایه‌گذاری اروپا، عدم ذخیره سازی اسعار خارجی و بیرون شدن آن به دلیل استخدام کارگران خارجی، تحریم دریافت قرضه‌های خارجی توسط وکلا به دلیل حرام دانستن آن و استخدام افراد غیر صادق و عیاش را به سمت‌های مهم اجرایی و حکومتی از جمله عوامل عمده باز دارنده این اصلاحات به شمار می‌رفتند اگر موانع مذکور وجود نمی‌داشت واقعاً کشور ما در جایگاه بلند اقتصادی در منطقه قرار می‌گرفت. هر چند اصلاحات زراعتی و تجارتی امان الله خان نتیجه نداد اما اساس اقتصاد نوین را در افغانستان گذاشت. این اقدامات نشان دهنده تعهد امان الله خان به توسعه اقتصادی و صنعتی افغانستان بود که با ایجاد شرکت‌های تجارتی مذکور پایه‌های ترقی و انکشاف آینده افغانستان تقویت گردید.

به نظر می‌رسید اگر امان الله خان در انجام روند اصلاحات خود موفق می‌شد و آن ادامه می‌یافت احتمال می‌رفت افغانستان از وابستگی اقتصادی نجات پیدا کرده و مانند کشورهای منطقه به یک کشور توسعه یافته مبدل شده، مالکیت خصوصی و سامایه داری به طور کامل آن تحکیم و تسریع گردیده و اقدامات مذکور ممکن سبب رفاه، فقر زدایی و کاهش بی‌کاری در این کشور می‌گردید.

به هر حال باجودی عوامل متعدد داخلی و خارجی که سبب بازدارنده انجام کامل این روند اصلاحی امان الله خان گردید اما اقدامات مذکور در مجموع به تقویت توان دفاعی افغانستان در دوره امان الله خان منجر گردید و نقش مهمی را در تأمین امنیت و عدالت اجتماعی در کشور ایفا نمود.

۳- ایجاد صنایع دفاعی و نقش آن در تأمین امنیت و عدالت اجتماعی

با آن‌که شالوده‌ی ارتش منظم افغانستان در زمان حکومت امیر شیرعلی خان ریخته شد. تا قبل از امیر شیرعلی خان، نیروهای نظامی افغانستان عمدتاً ماهیتی قبیله‌ای داشتند و در شرایط خاص، تحت فرمان برخی از سران اقوام و طوایف تشکیل می‌شدند. این نیروها از نظر سازماندهی نظامی بسیار ابتدایی بودند و فاقد ساختار تشکیلاتی منسجم و نهادهای فرماندهی عالی به شمار می‌رفتند.

اما این اردو از نظر سوق الجیشی ابتدایی بوده تشکیلات بالاتری وجود نداشت. با قدرت رسیدن امیر عبدالرحمن خان، وضعیت ارتش منظم‌تر شد و امیر عبدالرحمن خان با اینکه در ظاهر با تمامی طرح‌ها و برنامه‌های امیر شیرعلی خان مخالفت ورزید ولی طرح وی را درباره تشکیل اردوی منظم

دائمی از خود کرده و آن را به نام خود تکمیل کرد و به همین گونه در زمان امیر حبیب الله خان نیز یک سلسله تغییرات در ارتش صورت گرفت.

در زمان سلطنت امان الله خان نظام اردوی افغانستان تحول بزرگی کرد، پس از حصول آزادی و استقلال افغانستان حق خریداری اسلحه را از منابع مختلف کسب نمود. به این اساس مهم ترین تغییرات در ارتش در زمان امان الله خان انجام گرفت. زیرا او با این پیش زمینه متوجه سازمان دهی و نوین ساختن ارتش و یا اردوی کشور گردید و برای نخستین بار ارتش را از حالت سنتی آن بیرون ساخت. امان الله خان تقریباً تمام نیروی های نظامی را با الگوی برادری از ارتش ترکیه سازمان دهی کرد. وی تشکیل و آموزش اردو را به کارشناسان نظامی که اتاترک به افغانستان فرستاده بود، واگذار نمود. مسئولیت اصلی را هیئت نظامی که جنرال کاظم پاشا، ریس پیشین ستاد ارتش مشترک ترکیه آن را سرپرستی می کرد. و از سویی با آمدن مستشاران نظامی آلمانی و ایتالیایی، گروه کارشناسان برای آموزش نیروهای نظامی کشور تکمیل گردیده به صورت نوین و فنی تعلیم می دیدند.

اقدام و گام بعدی امان الله خان در این راستا مجهز ساختن ارتش به نیروی هوایی بود که برای اولین بار در امور نظامی کشور قوه هوایی مشتمل بر ۱۱ طیاره تشکیل گردید. وی به تعداد ۱۱ فروند طیاره را از آلمان و انگلستان و موترهای نظامی را از ایتالیا خریداری نمود و ۶۵ نفر شاگرد برای تحصیل در رشته مذکور به کشورهای روسیه، فرانسه و ایتالیا اعزام شدند، هم چنین یک عده ای دیگری برای آموزش رشته های نظامی به اتحاد شوروی و جمهوریت ترکیه فرستاده شدند. در داخل کشور آموزشگاه های مسلکی مختلفه تأسیس گردید، تعلیم سوادآموزی در افراد سپاه پیش رفت.

یکی دیگر از اقدامات امان الله در بخش سیاسی اجباری ساختن خدمات عسکری و سربازی در افغانستان بود. وی به منظور تحکیم جایگاه دولت در اجتماع و جهت افزایش نیروی های نظامی این گام بزرگ را برداشت و خدمات سربازی را اجباری ساخت. به دلیل اینکه یک نفر از جمله هشت نفر به خدمت عسکری بر اساس قرعه انتخاب می شدند، این موضوع با مخالفت قبایل روبرو شده بود که تا حال سرباز اجباری به دولت نداده بودند. در مورد واکنش های قبایل در مبحث بعدی می پردازیم. هم چنان گام مهم دیگری که امان الله خان در این راستا انجام داد مجهز کردن اردو از لحاظ امکانات و تجهیزات نظامی به شکل نوین آن بود. از جمله ایجاد کارخانه حربی کابل، تقویه مهمات جنگی با وارد کردن از خارج از جمله توپ های دافع، طیاره، موترهای زره پوش داخل قوای نظامی افغانی گردید. با وجود اینکه که امان الله خان گام های جهت نوین سازی اردوی افغانستان روی دست

گرفت (میرزایی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۹). اما این گام‌های اصلاحی امان الله خان نیز مانند سایر طرح و برنامه‌های دیگر آن بررسی و مطالعه شده نبود به گونه مثال امان الله خان معاش اردو را بسیار زیاد کاهش داد، و تمام امکانات نظامی را که خریداری نموده بود به دلیل ضعف تمرینات نظامی و استفاده از وسایل نظامی نوین در مبارزه علیه شورشان ناکام ماندند و توجه عنایت الله خان به نظام عسکری، بیش-تر جنبه تشریفاتی نسبت تخصص آکادمی داشت (مجددی، ۲۰۲۰: ۳۲۰-۳۲۱).

تأسیس مکاتب حرفه‌ای مسلکی و تأثیرات آن در تحولات صنعتی

تعلیم و تربیه رکن اصلی توسعه به شمار می‌آید، به که گونه‌ای که تحول اجتماعی نیازمند نگاه ویژه به نظام آموزش است. «کارکرد اصلی فرایند تعلیم و تربیه انتقال دانش از نسلی به نسلی دیگر است» (عصّد انلو، ۱۳۸۴: ۲۱). اما این دانش و یادگیری نقش تعیین کننده‌ای در توسعه دارد؛ به گونه‌ای که زمینه ساز مشارکت بیش تر مردم در تحولات اقتصادی و اجتماعی شده و در مردم نوعیت قابلیت و تحرک ذهنی ایجاد نموده که باورهای مناسب توسعه انسانی را پذیرفته و درونی می‌سازد. هم‌چنان تأسیس مکاتب حرفه‌ای و مسلکی یکی از ارکان اساسی توسعه صنعتی محسوب شده است. این مکاتب با آموزش نیروی کار متخصص، بهره‌وری را افزایش، بی‌کاری را کاهش داده و به رشد اقتصادی و پیشرفت تکنالوژی کمک می‌کند. بنابراین، سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، یکی از استراتژی‌های مهم برای توسعه پایدار صنعتی و اقتصادی به شمار می‌رود (غفاری، ۱۳۹۳: ۱۲۲). ارزش و اهمیت موضوع به حدی است که در بسیاری از کشور های فقیر، آموزش رسمی بزرگترین صنعت و بزرگترین مصرف کننده والدین تشخیص داده اند که در زمانی که نیروی انسانی ماهر کمیاب است، هرچه فرزندان شان تعلیم و تربیه مدارک بیش تر به دست آورند شانس آنان در به دست آوردن شغل پر درآمد بیش تر خواهد بود. این مسئله به خصوص برای خانواده‌های فقیر روزنه امید نجات شان از فقر است (تودارو، ۱۳۷۸: ۳۴۶-۳۴۷). با این درک این موضوع امان الله خان، گسترده ترین به نحوی اساسی ترین اصلاحات آموزشی و فرهنگی را برای نوین ساختن افغانستان و تجددخواهی روی دست گرفت. امان الله خان در این بخش از حساس ترین و مناسب ترین نقطه که همانا نیاز مبرم و اساسی جامعه‌ای افغانستان شمرده می‌شد یعنی معارف و تعلیم و تربیه؛ آغاز کرد. وی تصمیم داشت که با توسعه و گسترش نظام آموزش عمومی و توسعه مکاتب و مدارس نوین و در نتیجه تربیت افراد متخصص و با سواد را افزایش داده و بنای یک جامعه نوین و نوین را بگذارد، چون این موضوع را درک کرده بود که داشتن نیروی انسانی مسلکی و ماهر و فنی در رشته‌های مختلف

یکی از اصول اساسی پیشرفت کشورها تلقی می‌گردد و آموزش گام نخست در برنامه‌ریزی توسعه نیروی انسانی محسوب می‌شود. می‌توان بیان داشت که اساس توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری را نیروی انسانی مسلکی، ماهر و فنی تشکیل می‌دهد و نظام آموزش با تربیت نیروی متخصص، توانای جامعه را در نوگرایی و نوین‌ساختن آن بالا می‌برد و آهنگ پیشرفت و توسعه‌یافتگی آن را تقویت می‌کند. به همین دلیل شاه سرمایه‌گذاری خاصی در راستای معارف و تعلیم و تربیه انجام داد (میرزایی، ۱۳۹۳: ۴۷).

اگرچه نخستین اقدامات در عرصه آموزش‌های جدید از زمان پدرش امیر حبیب‌الله خان (۱۹۰۱-۱۹۱۹م) با تأسیس مکاتب جدید آغاز شد که در آن‌ها اکثراً معلمان خارجی از جمله ترکی، هندی و ایرانی مشغول تدریس بودند. در عصر امیر حبیب‌الله خان فرهنگ اسلامی افغانی با علوم معاصر و فرهنگ غرب آشناگردید، امیر حبیب‌الله خان با استفاده از استقرار و تأمین امنیت تلاش کرد تا روش تعلیم غربی را با حفظ فرهنگ و ثقافت اسلامی در افغانستان یکجا نماید. ولی امان‌الله خان مؤسس نهضت علمی و معارف افغانستان بود به این حرکت اصلاحی پدر خود امیر حبیب‌الله خان سرعت وقت بیشتری بخشید و ۳۲۲ باب مکتب را در تمام ولایات افغانستان گشود و تعداد دانش‌آموزان تا سال ۱۹۲۷م به ۵۱ هزار نفر رسید. بر علاوه در مقاطع بالاتر رشدیه و مسلکی نیز سه هزار مشغول تحصیل شدند و تا سال ۱۳۰۷ه.ش ۴۸۳۲ نفر آموزش دوره ابتدایی را به پایان رساندند و ۱۵۸ نفر از لیسه فارغ‌التحصیل شدند. در بین این دانش‌آموزان پسر امان‌الله خان و هدایت‌الله بدون محافظ و نگهبان به مدرسه می‌رفت و به تحصیل می‌پرداخت، به‌منظور تشویق مردم جهت فرستادن دختران شأن به مدرسه، امان‌الله خان ۲۵ تن از خواهران ناتنی خود را که همه از فرزندان پدرش بودند روانه مکتب دخترانه کابل نمود (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۶۱). عصر امان‌الله خان استقلال فکری و آزادی‌های سیاسی می‌باشد. در این عصر می‌باشد که ملت و زعیم سیاسی افغانستان حق انتخاب زندگی کلتوری و فرهنگی خود را بدون مداخله خارجی کسب نمودند، در همین دوره مردم افغانستان حق یافتند تا از علوم نوین جهان شرق و غرب طوری که می‌خواهند استفاده نمایند. امان‌الله خان شعار حکومت خود را تعلیم قرار داد و در مناسبات دینی تلاش نمود تا از جایگاه و اهمیت علم و دانش به مردم افغانستان اظهار نماید. در مقدمه سخن خود می‌فرمود عصر حاضر، عصر فرهنگ و علوم می‌باشد نه عصر شمشیر و یا اسلحه، در یکی از صحبت‌های خود به مردم افغانستان گفت فرزندان

پوهنمل خالد سدید

تان را به مکتب روان کنید و بیشترین ثروت و سرمایه خویش را در راه تعلیم و تربیت اطفال تان به مصرف برسانید (مجددی، ۲۰۲۰: ۲۳۲-۲۳۳).

طبق ماده ۶۸ نظامنامه اساسی دولت در ماه دلو ۱۳۰۳ ه. ق برای نخستین بار در افغانستان، مرحله تحصیل معارف تا درجه ابتدایی برای تمام اطفال افغانستان به صورت اجباری اعلان شد و برای مردم افغانستان گفته شد برای رعایا و اتباع کشور تعلیم درجه ابتدایی لازم و ضروری است. در شهر کابل به علاوه لیسه حبیبیه، لیسه‌های امانی توسط پروفیسوران فرانسوی، جرمنی و استادان داخلی تأسیس گردید، مکاتب رشدیه غازی، رشدیه مستورات، رشدیه جلال آباد، رشدیه قندهار، رشدیه هرات، دارالمعلمین هرات، رشدیه مزار شریف، رشدیه استقلال، مخاברה، رسامی، نجاری، معماری، السنه، زراعت، دارالعلوم عربی، رشدیه قطغن، مکتب پولیس، موزیک، قالین بافی، تدبیر منزل زنانه، مکتب طبییه، مستورات، و بیش تر از ۳۲۲ باب مکاتب ابتدایی در تمام ولایات کشور باز شد. اقدام دیگر او تأسیس کتابخانه عامه به‌ویژه کتابخانه ملی در کشور بود که در نوع خود نخستین کتابخانه در کشور محسوب می‌شد. از جانب دیگر با آوردن گروه کارشناسان و باستان شناسان فرانسوی به سرپرستی پروفیسور آلفرد فوچ در این زمینه فعالیت آغاز گردید.

قدم مهم‌تر در عرصه آموزش این بود که امان‌الله خان به منظور تربیت کادرهای فنی و کارشناسان ورزیده تعدادی از دانش آموزان را به خارج از کشور فرستاد که این قدم مهم هم از همان آوان مورد توجه قرار گرفت، به نحوی که در سال ۱۳۰۱ هجری مطابق ۱۹۲۲ میلادی تعداد ۳۵ نفر از جمله هدایت‌الله پسر امان‌الله خان به پاریس و ۴۸ نفر دیگر به کشور آلمان و هم چنان ۶ نفر به شمول فرزند محمود طرزی به کشور ایتالیا فرستاده شدند و این رقم در سال‌های پایانی حکومت امانی باز هم افزایش یافته به ۱۵۱ نفر رسید و همین قشر دیوان سالاران دهه‌های بعد را تشکیل دادند. اما اعزام دختران به خارج از کشور، عکس العمل منفی را در میان جامعه سنتی افغان فراهم آورد. به طوری که از آن پس این موضوع را از جمله موارد تکفیر امان‌الله خان قرار دادند. در نتیجه این اقدامات مهم و اساسی دولت امانی در زمینه آموزش و پرورش و خاصاً با تعیین بودجه مشخصی برای معارف یا آموزش و پرورش افغانستان در زمان حبیب‌الله ۶۰۰۰ روپیه بود اینکه بعد از وزارت دفاع و دربار در مرتبه سوم قرار می‌گرفت و به بیش از ۵۰ میلیون روپیه رسید، یکی از پایدارترین خدمات دوره امانی محسوب می‌گردد. به نظر می‌رسد هدف اصلی امان‌الله خان از راه اندازی سیستم آموزش نوین و اعزام دانش آموزان به خارج کشور جهت تحصیل، به وجود آوردن طبقه روشنفکران تحصیل کرده در کشور بوده

که عامل اساسی برای به موفقیت رسانیدن پروژه رفورم و اصلاح جهت ترقی و توسعه افغانستان بوده است. (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۶۱).

تأسیس وزارت معارف در قدم اول اصلاحات امان‌الله‌خان در ساحه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد؛ که در نتیجه برای نخستین بار وزارت معارف در تاریخ معاصر افغانستان تأسیس گردید و بودجه آن از بودجه وزارت حریه تمویل می‌شد. وظایف وزارت مذکور شامل تدوین قوانین معارف، مطالعه و تهیه نصاب درسی و هم‌چنان تأسیس مکاتب برای دختران و پسران بود؛ و به منظور ارتقای سویه علمی معلمان وزارت مذکور دارالمعلمین و یا ریاست عالی تعلیم و تربیت به ریاست محمود طرزی را ایجاد کرد. در ضمن وزارت معارف پیمان‌های فرهنگی و همکاری تعلیمی با کشورهای بزرگ صنعتی جهان هم چون ترکیه، بلژیک، ایتالیا، روسیه و هندوستان به امضا رسانید بر مبنای این پیمان‌ها افرادی زیادی مسلکی و متخصص از کشورها به منظور مساعدت و همکاری به معارف افغانستان به کابل آمدند و در کنار معلمان و کارمندان معارف افغانستان مصدر همکاری شدند. با وجود تمام تلاش‌های امان‌الله‌خان در ساحه معارف نوین اکثر اتباع افغانستان فرزندان خود را شامل مکتب نکردند و از جانب دیگر به دلیل شورش‌ها در نقاط مختلف کشور موجب شد تا معارف افغانستان نتواند گام بیش‌تر را در ارتقا تعلیم و تربیت اولاد این وطن بردارد (مجددی، ۲۰۲۰: ۳۳۴-۳۳۹).

از دیگر ویژگی‌های شاخص دوران سلطنت امان‌الله‌خان، رشد و توسعه مطبوعات و نشریات از لحاظ کمی و کیفی بود. که به نظر می‌رسد این موضوع را می‌توان معلول دو عامل عمده و اساسی محسوب نمود، موجودیت ذوق و علاقه‌ای شدید امان‌الله‌خان به مطبوعات چون جوان تجددطلب بود و به همین علت سبب گسترش مطبوعات و محیط روشن در جامعه گردیده و از جانب دیگر ورود متخصصین مسلکی، مستشاران و معلمان خارجی به افغانستان باعث آشنایی جوانان افغان به فکر زندگی نوین می‌شد. بر این اساس تهداب مجلات و جراید دولتی بخصوص نخستین دستگاه نشریات رادیو در کشور گذاشته شد نشریات و مطبوعات بسیاری در کابل و ولایات به زبان فارسی و پشتو به فعالیت خود آغاز کردند که از آن جمله می‌توان به ستاره افغان، نوروز، سراج الاخبار، ارشاد نسون، افغان ابلاغیه، امان افغان، نسیم مهر و اتحاد مشرقی اشاره کرد. نقش این مجلات و جراید در نشر و طبع خیلی برجسته و عمده بود زیرا که در نتیجه همین نشریات می‌باشد که نسل جوان معاصر افغانستان مورد تربیت فکری و بیداری قرار گرفتند. در واقع مطبوعات نقش بسیار بزرگ را در تحولات سیاسی افغانستان و کسب استقلال از انگلیس داشت و سراج الاخبار نقش کمتر از مجاهدین در مبارزات ملی

پوهنمل خالد سدید

نداشت. هم‌چنان طبع و نشر جراید و مجلات مذکور زیربنای فکری رفورم و اصلاحات را در جامعه گسترش می‌دادند. از سوی هم در دوره‌های مختلفی به زبان فارسی ترجمه می‌شد که زیربنای پیشرفت و ترقی کشور، بیداری مردم و فرارگیری علوم جدید را معرفی کردند (غبار، ۱۳۸۹: ۷۹۴-۷۹۵).

مناقشه

از آنجایی که انقلاب صنعتی و تاثیرات آن برالگوبرداری امان‌الله‌خان برای صنعتی‌سازی افغانستان (۱۹۲۹-۱۹۱۹م) از جنبه‌های مختلف و برجسته بررسی شده است، نکات بسیار ارزشمند و بکری نیز وجود دارد که دست‌آویز خوبی را برای شناخت نقش انقلاب صنعتی در الهام و الگو گرفتن امان‌الله‌خان به هدف تبدیل جامعه سنتی افغانستان به یک جامعه صنعتی تشکیل خواهد داد.

شناخت و دریافت علل اصلی در شکل‌گیری شخصیت نوینیت و الگوبرداری امان‌الله‌خان از انقلاب صنعتی جهت صنعتی‌سازی افغانستان و هم‌چنان شناسایی عوامل بازدارنده، این اصلاحات گسترده به‌صورت همه‌جانبه مورد بررسی قرار گرفته است، اما در آثار قبلی در مورد موضوع مذکور تحقیق مستقل صورت نگرفته و تمام تحقیقات قبلی تاریخی توصیفی بوده است و تحلیل اساسی انجام نگرفته است.

مقایسه یافته‌های این تحقیق حاضر با یافته محققین قبلی که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت نشان می‌دهد که تودارو، مایکل (۱۳۷۸)، میر غلام محمد غبار (۱۳۸۹ش)، رسولی، سیما (۱۳۹۰)، انصاری (۱۳۹۱ش)، میرزایی (۱۳۹۳ش)، عافی‌پور، سکینه (۱۳۹۴)، محمد صدیق فرهنگ (۱۳۸۰ش)، عطایی (۱۳۸۴ش)، عضدانلو، حمید (۱۳۸۴)، مجددی (۲۰۲۰)، پامیر (۱۴۰۰)، غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳)، میدانی، عادل (۱۳۹۴) و دیگران در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافته‌اند که دوره حکومت‌داری امان‌الله‌خان یکی از دوره‌های مهم تاریخ پرآشوب سیاسی و اجتماعی افغانستان بوده است. برتحت نشستن امان‌الله‌خان در افغانستان در سال ۱۹۱۹م حاکی از پیروزی گروه اصلاح‌طلب دربار بود که خواهان اصلاحات گسترده در کشور و روانه ساختن افغانستان در مسیر پیشرفت و توسعه بودند. این در حالی بود که جامعه کشور در آن زمان در فقدان بستر مناسب علمی قرار داشت و فرهنگ روستایی و قبیله‌ای در زندگی مردم آن عمیقاً ریشه دوانیده بود. موضوع نقش انقلاب صنعتی در الهام‌گیری امان‌الله‌خان برای صنعتی‌سازی افغانستان و عوامل بازدارنده آن به‌عنوان پدیده سیاسی و اجتماعی تک‌علتی نبوده است و در این زمینه مجموعه‌ای انگیزه‌های موثر

داخلی بویژه نقش انقلاب صنعتی اروپا در شکل‌گیری شخصیت نویتیه مان‌الله‌خان و گام صلاحی او نقش ایفا نموده‌اند.

در کتاب صفحه از تاریخ معاصر افغانستان نوشته فضل غنی مجددی که نخستین کتاب تاریخ سیاسی و انتقادی افغانستان به شمار می‌رود، فقط در مباحث کلی به صورت تاریخی بیان می‌دارد که نبود نیروی انسانی ماهر و ورزیده، خزانه خالی دولت، فساد در سیستم جمع‌آوری مالیه به دلیل معاش کم کارمندان مالی، عدم معلومات کافی تجار افغانی در امور اقتصاد جهانی، واکنش و عدم حمایت وکلا و مردم افغانستان از تأسیس بانک و بودجه ملی کشور و از جمله دلایل اساسی ناتمام ماندن برنامه‌های صنعتی‌سازی افغانستان بیان داشته است. این کتاب صرفاً تاریخی بوده و به صورت توصیفی به عوامل بازدارنده در موفقیت برنامه‌های صنعتی سازی امان‌الله‌خان بازگو نموده است. اما در این کتاب به شکل تحلیلی به مجموعه عوامل موثری که در شکل‌گیری شخصیت نویتیه امان‌الله‌خان و الگوگیری او از پیشرفت‌های کشورهای صنعتی اروپایی در جریان سفر خارجی و دلایل برجسته ناکام ماندن برنامه‌های او پرداخته نشده است.

تنها کتابی که می‌توان نام برد به نام افغانستان در دوره امانی به نگارش "سنزل نوید" می‌باشد که به این مساله پرداخته است که فقط به واکنش‌های مذهبی و تحولات اجتماعی در برابر اصلاحات امانی و به روابط امان‌الله‌خان و علماء پرداخته؛ و فرضیه آن این است که دلیل شکست اصلاحات، مخالفت و بسیج روحانیون درجه اول با این اصلاحات بود. مخالفت‌های علماء علیه اصلاحات، بیشتر بر موضوعات رفع حجاب و حقوق و آزادی‌های زنان و قانون جدید قضاء متمرکز شده بود. در این کتاب فقط بر یکی از عوامل ناکام ماندن اصلاحات توجه شده و به عوامل دیگر توجهی صورت نگرفته است.

در پاسخ این پرسش کشور افغانستان، در تاریخ خود شاهد رهبران و شاهان اصلاح طلب بسیار زیادی بوده است اما هر بار پادشاه و یا رهبری که در این کشور گام در راه اصلاح امور گذاشته موانع پیشرو یا از ادامه راه منصرفش کرده یا زمینه سقوط آن‌را فراهم نموده است آنچه دریافت گردید امان‌الله‌خان در اصلاحات اعتدال و توازن را در نظر نگرفت و بسیار عجولانه و آمرانه رفتار کرد، این روش سبب ناکام ماندن برنامه‌های صنعتی‌سازی آن گردید.

پیشنهادها

- ۱- مستلزم است مورخین کشور با استفاده از منابع دست اول تلاش های وافر کرده تا در زوایای تاریک عوامل بازدارنده ناکامی اصلاحات شاه امان الله خان در جهت صنعتی سازی افغانستان روشنی بیش تر بیندازند و بحث در این ساحه به دقت و امانت داری بیش تر ضرورت دارد.
- ۲- لازم است که دانشمندان و علاقمندان عرصه تاریخ و فرهنگ کشور نظریات خصمانه غیر واقع بینانه و مغرضانه نویسندگان بیرونی را با قلم فرسایی و متکی بر واقعیات و رویدادهای تاریخی متوجه ساخته و ابراز نظرهای غیر واقع بینانه آن ها را نقد و با ارایه دلایل زنده رد و بی اثر سازند.
- ۳- در زمینه به طور تخصصی کتاب و مقالات چندانی تألیف نشده است و ایجاب می نماید به طور تخصصی مستقل کتاب و مقالات علمی بیش تر نگارش گردد. تا باشد با آگاهی دادن نسل امروز که همانان نسل فردای کشور را تشکیل می دهند، کسب اندوخته و تجارب بیش تر شأن گردد.
- ۴- لزوم می دانم از طریق گشایش سمینارها، کنفرانس ها در زمینه نقش انقلاب صنعتی در الگو برداری شاه امان الله خان برای صنعتی سازی افغانستان آگاهی دهی بیش تر انجام گیرد.
- ۵- ایجاب می نماید در زمینه شناسایی نقش نیروی های اجتماعی و سیاسی داخلی شامل روحانیت، قبایل و نخبگان شهری در موفقیت یا ناکامی صنعتی سازی این دروه با تاثیرات الگو از انقلاب صنعتی در کشورهای اروپایی تحقیقات جدید و بیش تر صورت گیرد.
- ۶- سرزمین افغانستان در تاریخ خود اصلاحگران بی شمار داشته است ولی هر حاکم و پادشاهی اقدام به اصلاحات نموده است به موانع بزرگ مواجه شده است. ایجاب می نماید که در مورد نقش و اهمیت اصلاحات و راه تحقق آن تحقیقات متعدد صورت گیرد. تا باشد بسترهای اجتماعی و فرهنگی از پیش برای تحقق و انجام اصلاحات مهیا گردد.
- ۷- جامعه افغانستان در طول تاریخ خود همواره نیازمند یک وفاق ملی برای پذیرش اصلاحات بوده است و ایجاد این وفاق ملی به آگاهی دهی بیش تر از طریق تحقیقات و سمینارهای نیازمند است و این از جمله و ظایف نهاد های آکادمیک و استادان است.

نتیجه گیری

از بررسی نقش انقلاب صنعتی در الگو برداری امان الله خان برای صنعتی سازی افغانستان این نتیجه حاصل گردید که چندین علل در شکل گیری شخصیت و موضوع گیری های امان الله خان جهت اقدام به اصلاحات صنعتی افغانستان موثر بوده است. یکی امان الله خان به عنوان فرزند و شهزاده امیر

حبیب‌الله‌خان از نزدیک شاهد آغاز و بعداً متوقف شدن اقدامات اصلاحی پدر مقتدر خود بود و این اقدامات در شکل‌گیری و روحیه تجددخواهی و داشتن اراده اصلاحات در امان‌الله‌خان تأثیرات مؤثر خود را داشته است، امان‌الله‌خان نه تنها خواهان متوقف کردن این اقدامات نبود بلکه خواهان ادامه اصلاحات مذکور به شکل گسترده و بنیادی آن بود. بنابر همان انگیزه بود که وی با به قدرت رسیدن برای نوین ساختن افغانستان همه اقدامات اصلاحی پدر، را به شکل تعمیم یافته و گسترده‌تر و عمیق‌تر پی‌گیری و تطبیق کرد. از جانب دیگر شراره ضرورت برای انجام اصلاحات در تفکر امان‌الله‌خان، با تحصیل او در لیسه حبیبیه که مرکز و کانون اصلی مشروطه‌خواهان در آن زمان بود و آشنایی او با دیدگاه‌های تجددخواهی معلمان افغان، هندی و ترکی پیوند زده شده است. در ضمن اذهان و اندیشه محمودطرزی خسروش نه تنها اثرات عمیق و بنیادی را بر نسل نو و روشن‌فکران آن عصر داشت بلکه اثرات عمیق خود را بر شخصیت شهزاده امان‌الله‌خان نیز گذاشت و عامل عمده اساسی دیگر را می‌توان در سفرهای خارجی امان‌الله‌خان به کشورهای اروپایی و تأثیرات آن در الگوبرداری از تحولات آن کشورهای صنعتی دانست. چون امان‌الله‌خان در سفر تاریخی خود به کشورهای اروپایی از نزدیک شاهد پیشرفت‌های صنعتی و نوینیزه سیون در کشورهای مانند آلمان، فرانسه، ترکیه و شوروی بود بنابر امان‌الله‌خان از همان روزهای نخستین بازگشت خود با الهام از انقلاب صنعتی اروپا، تلاش کرد، تا افغانستان را از یک کشور سنتی به یک کشور صنعتی تبدیل نماید. او گام‌های بزرگی را در بخش‌های اقتصادی، صنعتی، زراعتی، تجاری و حتی اجتماعی و فرهنگی کشور برداشت و این اقدامات شامل ایجاد کارخانجات کوچک برای تولید محصولات داخلی مانند پارچه، قند و آرد، تأسیس صنایع نساجی، فلزکاری و تولید برق در کابل و سایر شهرها، احداث پروژه‌های راه‌سازی، ارتباطات و حمل و نقل برای تسهیل توسعه صنعتی، اصلاحات گسترده در بخش تعلیمی و فنی و اعزام محصلان افغان به اروپا به منظور فراگیری مهارت‌های صنعتی و انجینری، دعوت متخصصان خارجی به خصوص از آلمان و ترکیه برای فراگیری دانش صنعتی، ایجاد صنایع نظامی و دفاعی مانند تأسیس کارخانه‌های تولید اسلحه و مهمات برای کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی، اصلاح سیستم مالی و بانکی برای حمایت از توسعه اقتصادی و توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری پرداخت.

عوامل بازدارنده متعدد داخلی و خارجی از جمله، فقدان پشتیبانی اقتصادی و یا خزانه خالی دولت، نبود زیرساخت‌های پایدار و چارچوب تئوری و نظری در حوزه اقتصادی، عدم طرح دقیق و پلان بررسی‌شده در اصلاحات و به‌کارگیری و استفاده از مشاورین متخصص و ورزیده در امور

اقتصادی، نبود هماهنگی و یک دستگی میان نخبه گان سیاسی دربار، فقدان بستر مناسب علمی در سطح کشور، عدم در نظر داشت سنت های حاکم در کشور، کمبود منابع مالی، بی ثباتی سیاسی، عدم پرسونل متخصص و مامورین با تجربه در امور مالی، فساد در سیستم جمع آوری مالیه به دلیل معاش کم کارمندان مالی، عدم معلومات کافی تجار افغانی در امور اقتصاد جهانی، واکنش و عدم حمایت وکلا و مردم افغانستان از تاسیس بانک و بودجه ملی کشور، نبود راه مستقل بحری و یا خشکه و متوقف شدند کارخانجات و ماشین آلات خرید شده از کشورهای اروپایی در بندر کراچی از جانب بریتانیا، فقدان کارخانه های بزرگ، خط آهن و نبود کتله های کارگری، مصارف بیش از حد پول و سرمایه دولت در برنامه های غیر ضروری مانند قصر سازی، خط آهن دارالمان و عدم توجه به خدمات و ضروریات اولیه مردم، عدم تقویت سرمایه گذاری اروپا، عدم ذخیره سازی اسعار خارجی و بیرون شدن آن به دلیل استخدام کارگران خارجی، تحریم دریافت قرضه های خارجی توسط وکلا به دلیل حرام دانستن آن و استخدام افراد غیر صادق و عیاش را به سمت های مهم اجرای و حکومتی از جمله عوام عمده باز دارنده این اصلاحات به شمار می رفتند اگر موانع مذکور وجود نمی داشت واقعا کشور ما در جایگاه بلند اقتصادی در منطقه قرار می گرفت. هر چند اصلاحات زراعتی و تجارتی امان الله خان نتیجه نداد اما اساس اقتصاد نوین را در افغانستان گذاشت.

منابع

- انصاري، فاروق (۱۳۹۱ ه. ش). فشرده تاريخ افغانستان. کابل: امیری.
- پامير، کریم پیکار (۱۴۰۰ ه. ش). تاريخ مختصر سياسي افغانستان، کانادا: انجمن دانش.
- تودارو، مايکل (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبري.
- رسولي، سيما (۱۳۹۰). افغانستان در دوره سلطنت امير حبيب الله خان. کابل: پوهنتون تعليم و تربيه.
- زمانی، خير محمد (۱۳۹۸). تاريخ معاصر افغانستان. کابل: عازم.
- سيستاني، محمد اعظم (۲۰۰۴ م). علامه محمود طرزی، امان الله خان و روحانيت متنفذ، سويدن: سوند.
- سياری، حبيب الله (۱۳۸۷). نقش نیروی دریایی بر حفظ قدرت و سيادت دریایی جمهوری اسلامی ایران. ایران: فصلنامه علوم و فنون نظامی.
- سید، مسعود (۱۳۹۰). پول و کريدت. کابل: مطبعه کاروان.
- عافی پور، سکینه (۱۳۹۴). بررسی تاثیر اندازه دولت بر صنعتی شدن کشور های توسعه یافته و در حال توسعه. Archive of SID.
- عطایی، محمد ابراهيم (۱۳۸۴ ه. ش). تاريخ معاصر افغانستان: میوند: کابل.
- عظیمی، محمد اعظم (۱۳۹۷). جغرافیایی افغانستان و فرصت های ثروت سازی. کابل انتشارات نشر نگار. ارجرودی، عبدالرضا رضایی (۱۳۸۳). اهمیت و جایگاه صنعت حمل و نقل در ارتقا و شگوفایی اقتصاد کشور. ایران: دانشگاه هرمزگان
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهيم جامعه شناسی. تهران: انتشارات نی.
- غبار، میر غلام محمد (۱۳۸۹ ه. ش). افغانستان در مسیر تاريخ. کابل: سرور سعادت.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳). جامعه شناسی توسعه. تهران انتشارات: کیهان.
- فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۸۴ ه. ش). افغانستان در پنج قرن اخیر. کابل: محمد ابراهيم شریعتی افغانستانی.
- فرازنه پور، شوکا (۱۳۹۶). توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جنوب شرق ایران و ارایه یک چارچوب کلی در راستای توسعه بنادر ایران. ایران: فصلنامه علمی- تخصصی شاخص کار آفرینی.
- فرخ، مهدی (۱۳۱۴ ه. ش). تاريخ سياسي افغانستان. ایران: تهران.

مصباح زاده، سید محمدباقر. (۱۳۸۸ ه. ش). تاریخ سیاسی مختصر افغانستان. مشهد: مرنديز.
متفی، عبدالقدیر (۱۳۹۷) تحلیل استراتژیک بندر چابهار روابط افغانستان- ایران - هند. کابل
انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
مجددی، فضل غنی (۲۰۲۰ م) صفحه از تاریخ معاصر افغانستان، ایالات متحده امریکا: فقه اسلامی.
میرزایی، محمدناصر- (۱۳۹۳ ه. ش). اصلاحات امان‌الله خان شاه افغانستان، ایران: بنیاد اندیشه.
میدانی، عادل. (۱۳۹۴). بررسی رابطه صنعتی شدن و کارایی انرژی بخش صنعت در ایران. مجله
علمی-پژوهشی سیاست گذاری اقتصادی.

سیاست تقنینی کار دیجیتال و نقش آن در توسعه پایدار افغانستان

پوهنمل دکتور سیدعباس موسوی^۱، نامزد پوهنیار نورالحق مجددی^۲

۱. دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق و علوم سیاسي، پوهنتون البیروني.

* نویسنده مسئول- ایمیل: sayedabbasmosavi8324@gmail.com

چکیده

توسعه اقتصادی و فناوری، انقلاب صنعتی چهارم، جهانی شدن و رقابت شدید در دنیای کسب و کار، تحولات عظیمی را در عرصه حقوق کار ایجاد کرده‌اند. در نتیجه، تقریباً تمام حوزه‌های کاری تحت تأثیر دیجیتالی شدن قرار گرفته و ابزارها و دستگاه‌های دیجیتال، مانند کامپیوترها، تلفن‌های هوشمند و تراشه‌ها به بخش جدایی‌ناپذیر محیط کار تبدیل شده‌اند. در این دنیای کار در حال تغییر و تحول، تضاد بین حقوق سنتی کارگران و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، منجر به ظهور مدل‌های کاری جدیدی شده است که در آن لزوم حمایت از حقوق کارگر به مراتب از اهمیت فزاینده‌ی برخوردار می‌باشد. با توجه به نقش کار دیجیتال در توسعه پایدار و مزایای متعدد آن (افزایش انعطاف‌پذیری، کاهش هزینه‌های عملیاتی و دسترسی به نیروی کار جهانی) از یک‌طرف، داشتن ظرفیت و استعداد تبدیل شدن به یکی از رایج‌ترین اشکال کار در آینده از طرف دیگر، بررسی این نوع از کار به عنوان یک پدیده‌ی جدید در قلمرو حقوق و ضرورت اتخاذ اقدامات تقنینی، بدون شک نیاز مبرم عصر و جامعه امروزی است. زیرا این پدیده حاصل انقلاب دیجیتالی است که زندگی کاری ما را دگرگون کرده است. امروزه، از این‌که تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، نظارت و انجام کارها در محیط دیجیتال انجام می‌شود، با استفاده از زیرساخت‌های دیجیتالی مشترک در محیط‌های کار، امکان کار کردن در هر زمان و هر مکان فراهم شده است. این امر ضرورت بررسی جنبه‌های حقوقی این پدیده و حمایت از حقوق کارگران را بیان می‌کند. این تحقیق با بررسی توصیفی-تحلیلی کار دیجیتال در اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی و بیان نقش آن در توسعه پایدار افغانستان، برای بهبود وضعیت حقوقی کار دیجیتال و حمایت از کارگران این شکل از کار، راهکارهای اتخاذ اقدامات تقنینی لازم نسبت به کار دیجیتال و توسعه زیرساخت‌های دیجیتالی را به‌عنوان پیشنهاد مطرح می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، انقلاب صنعتی، توسعه پایدار، کار از راه دور، کار دیجیتال، کارگر

Legislative Policy of Digital Work and Its Role in the Sustainable Development of Afghanistan

Senior Teaching Assistant Dr. Sayed Abbas Mosavi^{1*}, Teaching Assistant NoorulHaq Mujaddedi²

1. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University

* Corresponding Author Email: sayedabbasmosavi8324@gmail.com

Abstract

Economic and technological development, the Fourth Industrial Revolution, globalization, and intense competition in the business world have brought about significant transformations in the realm of labor law. Almost all work domains have been influenced by digitalization, with digital tools and devices such as computers, smartphones, and chips becoming indispensable components of the workplace. In this evolving world of work, the conflict between traditional workers' rights and technological advancements has led to the emergence of new work models, where the need to protect workers' rights has become increasingly critical. Given the role of digital work in sustainable development and its numerous advantages (increased flexibility, reduced operational costs, and access to a global workforce) on one hand, and its potential to become one of the most common forms of work in the future on the other, examining it as a new phenomenon in the realm of law within legal systems and the necessity of adopting legislative measures is undoubtedly an urgent need of our era and society. This phenomenon is the result of a digital revolution that has transformed our working lives. Today, decision-making, planning, monitoring, and task execution are carried out in digital environments. The use of shared digital infrastructures in workplaces has made it possible to work anytime and anywhere. This highlights the necessity of examining the legal aspects of this phenomenon and protecting workers' rights. This research, through a descriptive-analytical examination of digital work in domestic and international legal documents and its role in the sustainable development of Afghanistan, proposes necessary legislative measures for digital work and the development of digital infrastructures as solutions to improve the legal status of digital work and protect workers in this form of employment.

Keywords: Afghanistan, Industrial Revolution, Sustainable development, Remote work, Digital work, Worker.

مقدمه

پدیده کار دیجیتال نتیجه‌ی مستقیم تحولات عظیمی است که در دنیای کار رخ داده است. عواملی مانند تغییرات جمعیتی، جهانی شدن و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، به‌ویژه در سال‌های اخیر و با شیوع همه‌گیری کووید-۱۹، به شکل‌گیری یک انقلاب دیجیتال در حوزه کار منجر شده است. دیجیتالی شدن، ساختار و سازمان‌دهی کار را به‌طور بنیادی تغییر داده است. فرآیندهایی مانند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، نظارت و اجرای کارها به‌طور فزاینده‌ای به محیط دیجیتال منتقل شده‌اند. این امر امکان کار در هر زمان و مکان را برای افراد فراهم کرده است. در این دنیای کار در حال تغییر و تحول، تضاد بین حقوق سنتی کارگران و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، منجر به ظهور مدل‌های کاری جدیدی شده است که هرچند ریشه در گذشته دارند، اما از آن فراتر رفته‌اند و یا کاملاً نوآورانه هستند. همه‌گیری کووید-۱۹ باعث شد تا کار دیجیتال به‌سرعت گسترش یابد و به یکی از رایج‌ترین اشکال کار تبدیل شود. بسیاری از افراد برای حفظ سلامت خود و دیگران مجبور شدند به‌صورت دورکاری (کار از راه دور) فعالیت کنند و این امر باعث شد تا کار دیجیتال به‌عنوان یک مدل کاری قابل اعتماد و کارآمد شناخته شود.

توسعه‌ی تکنولوژیکی و تحولات اجتماعی و اقتصادی، علاوه بر تمامی شاخه‌های حقوق، بر حقوق کار نیز تأثیرات شگرفی بجا گذاشته است. این تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، به پیدایش روابط کاری جدید و متفاوت از نوع کلاسیک منجر شده و در نتیجه، ایجاد چالش‌هایی در تعریف و طبقه‌بندی مفاهیم موجود در حقوق کار را نیز به همراه داشته است. در این راستا، مفهوم تحت عنوان «انعطاف‌پذیری» که در حقوق کار به‌منظور پاسخگویی به نیازهای متغیر و حفظ ماهیت حمایتی این حوزه از حقوق، مطرح است (Ekonomi, 1994)، در فرایند دیجیتالی شدن بیشتر مورد تأکید قرار گرفته، اما مشکلات پیچیده‌ای را نیز ایجاد کرده است. دیجیتالی شدن محیط کار، به‌طور قابل‌توجهی بر روابط کارگری-کارفرمایی، روابط کارگری-کارگاهی، اعمال حق مدیریت کارفرما، سازمان‌دهی کار و تعادل بین زندگی شخصی و کاری کارگران تأثیر گذاشته است. این تحولات نه تنها آینده کار را شکل می‌دهند، بلکه قدرت تغییر و تحول در ساختارهای حقوق کار و تأمین اجتماعی را نیز دارا هستند. در نتیجه، با توجه به مزایای متعدد کار دیجیتال (افزایش انعطاف‌پذیری، کاهش هزینه‌های عملیاتی و دسترسی به نیروی کار جهانی) و امکان تبدیل شدن آن به یکی از رایج‌ترین

شکل کار، سؤالاتی نسبت به ماهیت این شکل از کار، کارگران آن و نحوه حمایت حقوقی در سطح داخلی و بین‌المللی از آن‌ها مطرح می‌شود.

هرچند کارمندان اداری مدت‌هاست که با کامپیوتر کار می‌کنند، اما امروزه، استفاده از کامپیوتر به همراه زیرساخت‌های اینترنتی، امکان ایجاد مدل‌های کاری جدید، غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر را فراهم کرده است. این فناوری به تیم‌های کاری اجازه می‌دهد تا اطلاعات مربوط به پیشرفت کار خود را به‌صورت لحظه‌ای دریافت کنند و با استفاده از دستگاه‌های هوشمند، به شبکه‌های انسان-ماشین متصل شده و در شبکه کار دیجیتال ادغام شوند. در نتیجه به نظر می‌رسد، کار دیجیتال فراتر از کار با کامپیوتر در گذشته بوده و نسبت به این شکل از کار و حمایت‌های حقوقی لازم از کارگر در آن، برخلاف نظام حقوقی افغانستان که در این رابطه هیچ نوع اقدامات صورت نگرفته است، در سطح بین‌الملل اقدامات لازم و اما نه کافی صورت گرفته است.

راجع به پیشینه‌ی تحقیق نیز باید گفت؛ در مورد کار دیجیتال در نظام حقوقی افغانستان، تا جایی که جستجوی آن برای ما مقدور بود، تحقیق صورت نگرفته و یا حداقل نویسنده به آن دست نیافته است؛ لذا در این تحقیق بیشتر منابع خارجی و کنوانسیون‌ها، توصیه‌نامه و گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار مورد استفاده قرار گرفته است.

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش تحقیق کیفی و با رویکرد تطبیقی بررسی اسنادی، طوری انجام یافته است که ابتدا مطالب مربوطه از اسناد معتبر حقوقی، کتب و مقالات علمی استخراج شده و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا و چگونگی مطابقت آن با نظام حقوقی افغانستان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱. مفاهیم

پیشرفت تکنولوژی باعث تغییرات بزرگی در دنیای کار شده است. قوانین کار هم باید با این تغییرات هماهنگ شوند تا از حقوق کارگران محافظت شود. با ورود عصر جدید کار در حوزه حقوق کار، ابهامات زیادی نسبت به رابطه کارگر و کارفرما در حقوق کار مطرح شده است (Soyer, 2021). در چنین محیطی که تحت تأثیر شدید دیجیتالی شدن قرار گرفته است، شیوه‌ی کاری جدیدی شکل گرفته که به افراد اجازه می‌دهد در هر مکانی که به اینترنت دسترسی دارند، کار کنند. این تحول دیجیتال که با ظهور گوشی‌های هوشمند، تبلت‌ها و دوربین‌های کوچک مطرح شده است که می‌توان آن را آغازگر

«صنعت ۴,۰» دانست، شکل جدیدی از اشتغال و شیوه کار را در آینده کاری ایجاد کرده است (Beytar, 2022). کار دیجیتال به طور کلی به شیوه‌ای از کار اشاره دارد که در آن فرد می‌تواند در هر مکانی که به اینترنت دسترسی دارد، کار کند. این نوع کار در واقع شکل پیشرفته‌ای از کار از راه دور است که با استفاده از فناوری‌های روز دنیا به وجود آمده است (Beytar, 2022). برای فهم دقیق‌تر مفهوم کار دیجیتال و یافتن راه‌حل‌های حقوقی در مورد اختلافاتی که ممکن است از این مدل کاری ناشی شود، تلاش می‌شود تا توضیحاتی پیرامون این مفهوم، مفاهیم مشابه و مفهوم کارگر در کار دیجیتال ارائه شود.

۱.۱. کار از راه دور

با گسترش فناوری اطلاعات در دنیای کار، مدل‌های کاری از حالت سنتی خود فراتر رفته‌اند و به مدل‌های متنوعی تبدیل شده‌اند که اگرچه ریشه در مدل‌های سنتی دارند، اما ویژگی‌های خاص خود را نیز دارا هستند (Beytar, 2022). یکی از این نوع کارها، کار از راه دور می‌باشد که به عنوان یک روش کار انعطاف‌پذیر و کارآمد برای بهبود کیفیت کار و رضایت کارکنان مطرح شده است.

با توجه به اینکه شرط اصلی کار از راه دور، کار کردن کارگر خارج از محل کار اصلی است، لذا کار کردن در خانه یا هر مکان دیگری که کارگر انتخاب می‌کند نیز زیرمجموعه کار از راه دور می‌باشد. به عبارت دیگر، «کار از راه دور» عنوان کلی برای همه اشکال کار مانند «کار از خانه به طور آنلاین» (کار کردن در خانه با استفاده از ابزارهای دیجیتال)، «کار سیار» (کار کردن در مکان‌های مختلف و در حال حرکت)، کار در خانه و کار از راه دور به مفهوم خاص می‌باشد که خارج از محل کار انجام می‌شود (Beytar, 2022). اصطلاح «کار از راه دور» به ویژه در دوران گذار از فناوری‌های آنالوگ به دیجیتال، به عنوان یک اصطلاح کلی برای توصیف کار با استفاده از فناوری اطلاعات استفاده می‌شد؛ اما امروزه با مفهوم گذشته («کار در خانه» و «کار از راه دور به مفهوم خاص»)، این اصطلاح برای توصیف دقیق‌تر انواع مختلف کار از راه دور، کافی نیست (Alpagut, 2021b). در حقوق

^۱ صنعت ۴,۰ یا «انقلاب صنعتی چهارم» به ادغام فناوری‌های دیجیتال، فیزیکی و بیولوژیکی در فرآیندهای صنعتی و تولیدی اشاره دارد. این اصطلاح بیانگر تحولی بنیادین در نحوه تولید، کار و تعامل ما با ماشین‌آلات و سیستم‌ها است که با ادغام فناوری‌های پیشرفته، کارخانه‌های هوشمندتر، انعطاف‌پذیرتر و کارآمدتری را به ارمغان می‌آورد.

^۲ Home Office

^۳ Mobile Office

^۴ Tele Work

تطبیقی نیز برای توصیف کارهایی که خارج از محل کار اصلی انجام می‌شوند، از اصطلاح واحدی استفاده نمی‌شود (Eurofound, 2017; Yangin et al., 2021). اگرچه اصطلاح «کار از راه دور به مفهوم خاص» به‌طور گسترده‌تری استفاده می‌شود، اما در ادبیات تخصصی، تعاریف مختلفی برای این مفهوم ارائه شده است که بر اساس محل انجام کار و دامنه‌ی فعالیت‌ها متفاوت هستند (Krieger et al., 2020).

مفهوم کار از راه دور یا مفهوم خاص (Tele work) در دهه‌ی ۱۹۹۰ شروع به شکل‌گیری کرد و با تصویب پیمان چارچوب اروپا در سال ۲۰۰۲، به یک روش کار شناخته‌شده و تنظیم‌شده تبدیل شد. هدف اصلی این روش، ایجاد شرایط کاری بهتر برای کارمندان از طریق توافقی‌های داوطلبانه، رعایت استانداردهای ارگونومی، پرداخت هزینه‌های کارمندان و جلوگیری از تبعیض بود (Beytar, 2022). اما امروزه، با پیشرفت روزافزون فناوری دیجیتال، ما به تدریج از مدل کاری‌ای که بر بهبود کیفیت کار و تمرکز بر نیازهای کارکنان تأکید داشت، دور می‌شویم. به جای آن، وارد عرصه مدل کاری جدیدی می‌شویم که در آن کارمندان معمولاً خارج از محیط کار سنتی فعالیت کرده، در آن صرفاً بر انجام کار تمرکز شده و مکان کار اهمیت چندانی ندارد. ساعات کاری و محیط کار نیز عمدتاً تحت تأثیر تقاضاهای مشتریان و کارفرمایان شکل می‌گیرد. این مدل کاری جدید، ویژگی‌هایی، مانند خودکنترلی کارکنان، انعطاف‌پذیری بالا، عدم توجه کافی به اصول ارگونومی و درخواست‌های بیش از حد از کارکنان را به همراه دارد (Beytar, 2022).

نوع دیگر کار از راه دور، مدل کاری «کار در منزل» است. این نوع کار خود به دو شکل تقسیم می‌شود که یکی کار در منزل به روش سنتی است (بیشتر در صنایع دستی و کارهایی که نیاز به کار دستی دارند، رایج بوده، کارمندان در منزل خود، محصولات را تولید می‌کنند) و دیگری کار در منزل

° ارگونومی (Ergonomics) که در فارسی به آن مهندسی فاکتورهای انسانی یا سازگاری کار با انسان نیز گفته می‌شود، علم مطالعه و طراحی محیط کار، ابزارها، تجهیزات و فرآیندها به گونه‌ای است که با توانایی‌ها و محدودیت‌های فیزیکی و شناختی انسان سازگار باشد. هدف اصلی ارگونومی، بهینه‌سازی تعامل بین انسان و سیستم کاری برای افزایش سلامتی، ایمنی، راحتی، کارایی و بهره‌وری است. به زبان ساده، ارگونومی تلاش می‌کند تا کارها، محیط‌ها و ابزارها را که ما استفاده می‌کنیم، به گونه‌ای طراحی شوند که برای بدن و ذهن ما مناسب باشند و از بروز آسیب‌ها، خستگی و ناراضی‌های جلوگیری کنند. در نتیجه با رعایت اصول ارگونومی در طراحی ایستگاه‌های کاری دیجیتال (مانند تنظیم صحیح ارتفاع میز و صندلی، قرارگیری مناسب مانیتور، استفاده از کیبورد و ماوس ارگونومیک و غیره)، می‌توان این مشکلات را به میزان قابل توجهی کاهش داده و محیط کاری سالم‌تر، راحت‌تر و کارآمدتری ایجاد کرد.

به روش از راه دور می‌باشد. (در این نوع کار، کارمندان با استفاده از ابزارهای ارتباطی مانند کامپیوتر و اینترنت، از منزل خود با شرکت/اداره در ارتباط هستند و کارهای خود را انجام می‌دهند). به این مدل از کار اصطلاحات متفاوت نظیر "Telecommuting" در آمریکا و "Home-based telework" در اروپا گفته می‌شود (Dulay, 2016).

برخلاف نظام حقوقی افغانستان که در مورد کار از راه دور احکام خاصی ندارد (هرچند قواعد و احکام عمومی قانون کار و بسیاری از احکام عمومی قانون مدنی در مورد عقد کار می‌تواند مبنای جواز این شکل از کار تلقی شود و بر این نوع از کار قابل اعمال باشد)، در بسیاری از نظام‌های حقوقی در این زمینه اقدامات تقنینی صریحی روی دست گرفته شده است؛ مثلاً در نظام حقوقی ترکیه، قانون کار ترکیه در ماده شانزدهم، بند سوم، تعریفی از «کار از راه دور» ارائه داده است. بر اساس این تعریف، کار از راه دور به کاری گفته می‌شود که کارمند در خارج از محل کار و در چارچوب سازمان‌دهی کاری کارفرما انجام می‌دهد (Beytar, 2022). بر اساس این ماده‌ی قانون کار ترکیه، کار از راه دور شامل؛ کار در منزل و کار از راه دور با استفاده از فناوری می‌شود (Yangin et al., 2021). لذا دیده می‌شود که در نظام حقوقی ترکیه نیز مفهوم «کار از راه دور» به عنوان یک چارچوب کلی برای تنظیم همه اشکال کاری که در خارج از محل کار انجام می‌شود، مورد پذیرش قرار گرفته است (Beytar, 2022). در نظام حقوقی آلمان نیز، همانند ترکیه، کار از راه دور شامل کار در منزل و کار از راه دور سیار می‌شود (Krieger et al., 2020).

۱.۲. مفهوم کار دیجیتال

با توجه به اینکه در کار دیجیتال، کاربرد ابزارهای فناوری امر غیرقابل انکار است، لذا در کار دیجیتال، سطح استفاده از فناوری‌ها بسیار مهم است و استفاده از کامپیوتر در مرکز این موضوع قرار دارد؛ زیرا کامپیوترها به عنوان فناوری غالب دیجیتال در محیط‌های کاری مطرح هستند (Beytar, 2022). به طور کلی، کار دیجیتال را می‌توان به عنوان تمام فعالیت‌هایی که افراد با استفاده از کامپیوتر در حوزه کاری خود انجام می‌دهند، تعریف کرد. به نظر بعضی‌ها، کار دیجیتال باید شامل فعالیت‌هایی مانند «کار با کامپیوتر» و «استفاده از اینترنت» باشد؛ به این معنی که با افزایش استفاده از کامپیوتر و اینترنت برای ارتباطات، میزان دیجیتالی شدن کار نیز افزایش می‌یابد. دلیل این امر آن است که این دو فناوری در ده سال گذشته به طور قابل توجهی دنیای کار دیجیتال را متحول کرده‌اند (Beytar, 2022). این کارها می‌توانند شامل فعالیت‌هایی چون استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی، پردازش داده‌های دیجیتال،

پوهنمل دکتور سیدعباس موسوی

ارتباطات آنلاین، همکاری در پروژه‌های مجازی، ایجاد و مدیریت محتوای دیجیتال و غیره باشد. بنابراین، «کار دیجیتال به هر نوع کاری گفته می‌شود که با استفاده از فناوری‌های دیجیتال اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود و در آن، اصلی‌ترین بخش کار، اطلاعات دیجیتالی شده است» (Beytar, 2022). به عبارت دیگر: «کار دیجیتال به هر روش کاری اشاره دارد که در آن از ابزارهای دیجیتال برای پردازش اطلاعات استفاده می‌شود و این اطلاعات به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌شوند.» این نوع از کار دارای ویژگی‌هایی می‌باشد که عمده ترین آنها عبارت اند از: استفاده از فناوری دیجیتال، مانند کامپیوتر، اینترنت، نرم افزارها و ابزارهای دیجیتال دیگر؛ پردازش اطلاعات دیجیتال (کار با اطلاعات به صورت الکترونیکی)؛ انعطاف پذیری از لحاظ امکان انجام کار در هر مکان و هر زمان؛ همکاری از راه دور با افراد در نقاط مختلف جهان؛ نوآوری (استفاده از فناوری‌های جدید برای بهبود روش‌های کار و وابستگی به اطلاعات و داده‌ها) (کار دیجیتال به شدت به اطلاعات و داده‌های دیجیتال وابسته است) (Alpagut, 2021b; Fabbri, 2018).

کار دیجیتال به عنوان یک مدل کاری جدید و در حال رشد، تحولات عظیمی را در دنیای کار ایجاد کرده است. این مدل کاری به افراد اجازه می‌دهد تا به صورت مؤثرتر، انعطاف پذیرتر و کارآمدتر کار کنند. لذا با اینکه برای بهره‌مندی از مزایای کار دیجیتال، نیاز به کسب مهارت‌های دیجیتال و تطبیق با تغییرات فناوری است؛ اما این امر به معنی معادل بودن کار دیجیتال با «دیجیتال بوهم‌ها» که افرادی هستند که با استفاده از فناوری‌های دیجیتال درآمد کسب می‌کنند، نیست (Beytar, 2022). همچنین، محدود کردن تعریف کار دیجیتال به کارهایی که در پلتفرم‌های دیجیتال انجام می‌شود، نیز دقیق نیست. کار در پلتفرم‌های دیجیتال درواقع زیرمجموعه‌ای از کار دیجیتال است (Yıldız, 2022).

^۶ امروزه وقتی از فناوری اطلاعات و ارتباطات صحبت می‌کنیم، منظورمان دستگاه‌های الکترونیکی مثل کامپیوتر، گوشی‌های هوشمند، تبلت‌ها و دستگاه‌هایی است که می‌توانند صدا، تصویر و انواع فایل‌ها را منتقل کنند.

^۷ اصطلاح «دیجیتال بوهم‌ها» (Digital Bohemians) «به افرادی اطلاق می‌شود که با استفاده از فناوری‌های دیجیتال و اینترنت به کسب درآمد می‌پردازند و معمولاً از یک سبک زندگی سیار و غیرسنتی پیروی می‌کنند. این افراد اغلب از راه دور کار می‌کنند و محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه به سفر و جابجایی علاقه نشان می‌دهند و می‌توانند از هر نقطه‌ای که به اینترنت دسترسی داشته باشند، به کار خود ادامه دهند. دیجیتال بوهمی‌ها برعکس مدل‌های استخدام کلاسیک، از فناوری به شیوه‌ای بسیار آگاهانه استفاده می‌کنند و آن را به خوبی در زندگی کاری خود به کار می‌گیرند؛ زیرا این سبک زندگی با فلسفه کار و زندگی آن‌ها سازگارتر است.

در نتیجه، به نظر می‌رسد که استفاده صرف از اصطلاح «کار از راه دور به مفهوم خاص» برای توصیف کارهایی که با استفاده از فناوری اطلاعات انجام می‌شوند، کافی نیست. زیرا این اصطلاح نمی‌تواند تمام ابعاد تغییرات اجتماعی و فیزیکی ناشی از دیجیتالی شدن را پوشش دهد (Beytar, 2022). امروزه، کارفرمایان، کارمندان، مشتریان و مصرف‌کنندگان نهایی، می‌توانند در مکان‌های بسیار دور از هم قرار داشته باشند (Graham et al., 2017). این واقعیت نشان می‌دهد که تعریف کار دیجیتال فراتر از کار کردن محض در خارج از محیط کار است و باید به‌عنوان یک پدیده‌ی اقتصادی جدید و محصول تحولات دنیای کار، در نظر گرفته شود؛ درحالی‌که کار دیجیتال و کار از دور ممکن است در نگاه اول مشابه به نظر برسند، در حالی‌که تفاوت‌های مهمی بین آن‌ها وجود دارد. چنانچه کار از دور معمولاً به معنای انجام کار در خانه یا مکانی خارج از محل کار اصلی است، درحالی‌که کار دیجیتال به استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای انجام کار اشاره دارد و ممکن است شامل انواع مختلفی از کار، مانند کار در پلتفرم‌های آنلاین، کار فریلنسری و کار در شرکت‌های دیجیتال باشد. همه‌گیری کووید-۱۹ نیز باعث شد تا کار دیجیتال به سرعت گسترش یابد و به یکی از رایج‌ترین اشکال کار تبدیل شود. بسیاری از افراد برای حفظ سلامت خود و دیگران مجبور شدند به‌صورت کار از راه دور فعالیت کنند و این امر باعث شد تا کار دیجیتال به‌عنوان یک مدل کاری قابل اعتماد و کارآمد شناخته شود. در نتیجه، با گسترش فناوری اطلاعات و استفاده روزافزون از کامپیوتر و اینترنت در محیط‌های کاری، مفهوم «دیجیتالی شدن کار» و «کار دیجیتال» به‌طور فزاینده‌ای در ادبیات تخصصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگرچه این دو عبارت اغلب به‌جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما تفاوت‌های مهمی بین آن‌ها وجود دارد. دیجیتالی شدن کار به معنای تغییرات اساسی در روش‌های کار به کمک فناوری‌های دیجیتال است. این فرایند شامل اتوماسیون وظایف، استفاده از نرم افزارهای تخصصی و ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال برای بهبود بهره‌وری و کارایی است. به عبارت دیگر، دیجیتالی شدن کار به معنای به‌کارگیری فناوری برای تغییر روش‌های سنتی کار است؛ در حالی که

^۸ Tele Work

^۹ واژه «فریلنسری» به نوعی از کار اشاره دارد که در آن فرد به صورت خوداشتغال و مستقل به ارائه خدمات یا انجام پروژه‌ها برای کارفرمایان مختلف می‌پردازد، بدون آنکه به استخدام دائمی یک شرکت یا سازمان درآمده باشد. به عبارت ساده‌تر، یک فریلنسر (آزادکار) برای خود کار می‌کند و می‌تواند انتخاب کند که چه پروژه‌هایی را بپذیرد، چه زمانی و کجا کار کند و نرخ خدمات خود را تعیین نماید. فریلنسرها معمولاً بر اساس قراردادهای موقت یا پروژه‌ای با کارفرمایان همکاری می‌کنند و پس از اتمام کار، دستمزد خود را دریافت می‌کنند.

پوهنمل دکتور سیدعباس موسوی

کار دیجیتال به عنوان نتیجه نهایی فرایند دیجیتالی شدن تعریف می شود. این عبارت به انواع شغل هایی اشاره دارد که به طور کامل یا تا حد زیادی به استفاده از فناوری های دیجیتال وابسته هستند. کارمندان در این مشاغل از کامپیوترها، اینترنت و سایر ابزارهای دیجیتال برای انجام وظایف خود استفاده می کنند (Beytar, 2022).

۱.۳. مفهوم کارگر در کار دیجیتال

در حقوق کار، مفهوم «کارگر» در رأس مفاهیم بنیادین حقوق کار قرار دارد. زیرا حقوق کار برای تنظیم روابط بین کارگر و کارفرما ایجاد شده است و برای اعمال این قوانین، تشخیص اینکه فردی کارگر است یا نه، بسیار مهم است. برای تعیین وضعیت کارگری، علاوه بر ملاحظات مربوط به نظم عمومی، قرارداد کار به عنوان معیار اصلی در نظر گرفته می شود. اگر فردی بر اساس قرارداد کار برای فرد دیگری کار کند، کارگر محسوب می شود. در نتیجه وجود قرارداد کار، اصلی ترین معیار برای تشخیص کارگر محسوب می شود. از طرفی هم بحث از اصل آزادی قراردادی در حقوق کار نیز مطرح شده می تواند. طبق این اصل، طرفین می توانند با توافق یکدیگر، هر قراردادی را که بخواهند منعقد کنند و شرایط آن را تعیین کنند (İlarslan & Esen, 2024)؛ اما اینکه طرفین یک قرارداد، آن را «قرارداد کار» و یکی از طرفین را «کارگر» بنامند، به این معنا نیست که الزاماً آن قرارداد، یک قرارداد کار است (Beytar, 2022). اگر یکی از طرفین در قرارداد با عنوان دیگری مانند «کارآفرین» معرفی شود، این موضوع به معنای آن نیست که او کارگر محسوب نمی شود (Kandemir, 2011). در نتیجه، در تعیین رابطه کارگری، نامی که طرفین بر روی قرارداد می گذارند، ملاک اصلی نیست؛ بلکه آنچه مهم است، ماهیت واقعی رابطه بین طرفین است. به عبارت دیگر، اگر فردی بر اساس یک قرارداد، برای دیگری کار کند و تحت نظارت و کنترل او باشد، صرف نظر از اینکه این قرارداد با چه نامی ثبت شده باشد، از نظر قانون کار، کارگر محسوب می شود (ماده ۱۵۲۹ قانون مدنی). پس باید در تشخیص نوع قرارداد به عناصر اصلی آن دقت صورت گیرد. عناصر اصلی قرارداد کار عبارت اند از: انجام کار، پرداخت دستمزد و وجود رابطه وابستگی. البته رابطه وابستگی، ویژگی متمایزکننده قرارداد کار است (Güzel, 1997).

از آنجایی که کارگر به عنوان کسی تعریف می شود که بر اساس یک قرارداد کار به کارفرمایی وابسته است، بنابراین، برای تعیین اینکه آیا قوانین کار و قوانین تأمین اجتماعی بر یک رابطه کاری خاص قابل اعمال هستند یا خیر، قرارداد کار ملاک عمل قرار می گیرد و نه یک تعریف انتزاعی از

کارگر (Güzel, 1997; Mollamahmutoğlu et al., 2020b, 2020a; Süzek, 2019). بنابراین، می‌توان گفت؛ کارگر فرد حقیقی است که بر اساس قرارداد کار، کاری را برای کارفرما در مقابل دستمزد انجام می‌دهد (Arıcı, 2022; Eyrenci et al., 2016; Mollamahmutoğlu et al., 2020a; Sümer, 2020; Uşan & Erdoğan, 2022). به عبارت دیگر، کارگر کسی است که به صورت وابسته به کارفرما کار می‌کند و در برابر کار خود، حقوق مشخصی دریافت می‌کند (ماده ۱۵۲۹ قانون مدنی).

با توجه به تعریف فوق، شخصیت‌های حقوقی نمی‌توانند کارگر محسوب شوند (Beytar, 2022). با آن‌هم نسبت به این موضوع، این سؤال پیش می‌آید که آیا روبات‌هایی که دارای هوشمندی هستند و قابلیت‌هایی مانند تفکر، استدلال، یادگیری، حل مسئله و ایجاد ارتباط بین مفاهیم مختلف مانند انسان را دارند، می‌توانند کارگر محسوب شوند؟ با توجه به این تعریف، می‌توان گفت که روبات‌های مجهز به هوش مصنوعی نمی‌توانند کارگر محسوب شوند (Ekici, 2022; Yamakoğlu, 2020). زیرا آن‌ها قانوناً شخصیت حقوقی ندارند که بتوانند طرف قرارداد کار واقع شوند. با آنکه در حال حاضر، قانون مدنی برای هوش مصنوعی شخصیتی قائل نیست؛ اما در حوزه حقوقی، نظرات مختلفی در مورد وضعیت حقوقی هوش مصنوعی وجود دارد (Akkurt, 2019; Ekici, 2022). برخی معتقد اند که هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک شیء، برده، شخص حقوقی یا یک موجود الکترونیکی (Akkurt, 2019; Zeytin & Gençay, 2019) طبقه‌بندی شود.

طبق تعریف سنتی، کارگر کسی است که از نیروی بدنی و مهارت دست برای انجام کار دیگری استفاده می‌کند (Beytar, 2022). امروزه، با کاهش تعداد کارگران بدنی و افزایش کارگران ذهنی، به دلیل پیشرفت فناوری، این تعریف سنتی در حال تغییر است. این تحولات در روابط کاری سنتی نیز تأثیر گذاشته و امکان کار کردن کارگران از هر نقطه‌ی جهان با استفاده از دستگاه‌هایی مانند کامپیوتر، تبلت و تلفن همراه و سیستم‌های ابری برای ذخیره داده‌ها را فراهم کرده است (Mollamahmutoğlu et al., 2020b). لذا با توجه به تغییر در ماهیت کار (با پیشرفت فناوری، بسیاری از مشاغل از کارهای فیزیکی به سمت کارهای ذهنی و استفاده از فناوری اطلاعات تغییر کرده‌اند)، انعطاف‌پذیری در محل کار (کارگران دیگر محدود به محیط‌های کاری سنتی نیستند و می‌توانند از هرجایی کار کنند)، با توجه به تغییرات ایجاد شده، از اینکه نیاز به بازنگری در تعریف کارگر و روابط کاری احساس می‌شود، لازم است تا نسبت به تعریف سنتی کارگر نیز تجدیدنظر صورت گیرد؛ زیرا به دلیل وسعت

پوهنمل دکتور سیدعباس موسوی

قلمرو کار، تعریف یک مفهوم واحد و ثابت برای کارگر ممکن است چالش برانگیز باشد. یکی از راهکارهای پیشنهادی، ایجاد یک تعریف منعطف تر از کارگر است. این رویکرد می تواند به پوشش بیشتر کارگران و افزایش حمایت های قانونی از آنها کمک کند (Alpagut, 2021a; Mollamahmutoğlu et al., 2020b).

با توجه به مطالب فوق می توان گفت؛ «کارگر عبارت از شخصی است که بر اساس قرارداد کار و در مقابل دستمزد برای کارفرما و طبق اوامر او کاری را انجام می دهد» (ماده ۱۵۲۹ و ۱۵۳۶ قانون مدنی). طبق این تعریف به جز برخی موارد استثنائی، افرادی که بر اساس قرارداد کار در هر حوزه و مخصوصاً در حوزه دیجیتال فعالیت می کنند، معمولاً باید به عنوان کارگر شناخته شوند. لذا هرگاه افراد هرچند از ابزارهای دیجیتال استفاده کنند و روش کاری انعطاف پذیری داشته باشند، در صورتی که به کارفرمایی وابسته باشند، باید به عنوان کارگر محسوب شوند (Beytar, 2022).

۲. اقدامات تقنینی نسبت به کار دیجیتال

کار دیجیتالی به دانش استفاده از فناوری نیاز دارد و در بیشتر موارد به صورت آنلاین انجام می شود، در نتیجه نیازمند دسترسی دائمی و اتصال به اینترنت است. ساختار کاری در کار دیجیتالی انعطاف پذیر است و محل کار می تواند خانه یا هر مکان دیگری باشد که به تجهیزات فناوری مورد نیاز مجهز باشد. این وضعیت مستلزم آن است تا برای جلوگیری از مشکلات و ایجاد راه حل برای اختلافات ناشی از کار دیجیتال، نظام های حقوقی به طور مستقیم یا غیرمستقیم اقدامات لازم را اتخاذ نموده و با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره... قوانین جامعی را در زمینه تدوین نمایند. کار دیجیتالی با کار در کارخانه و یا کار های معمولی دیگر متفاوت است، لذا به دلیل ساختار کاری انعطاف پذیر آن، مفهوم گسترده ای از محل کار را به همراه دارد (Beytar, 2022). در این بخش، سعی خواهد شد به منابع حقوقی مستقیم یا غیرمستقیم داخلی و بین المللی مربوط به کار دیجیتالی اشاره شود.

۲.۱. کار دیجیتال در نظام حقوقی افغانستان

مفهوم کار دیجیتال در افغانستان نوظهور است و تا اکنون قوانین جامع و مشخصی برای آن تدوین نشده است؛ اما نبودن قوانین جامع و مشخص در زمینه، به معنی عدم پذیرش این نوع از کار نیست. قواعد

کلی قانون کار و احکام کلی مربوط به عقد کار در قانون مدنی می تواند^۱ راه گشای پذیرش این نوع از کار در نظام حقوقی افغانستان باشد. برخی از حقوق اساسی کارگران، که در قانون کار و قانون مدنی ذکر شده اند، می توانند به طور ضمنی به کارگران دیجیتال نیز تعلق بگیرند. مانند حق دریافت دست مزد عادلانه (کارگران دیجیتال نیز حق دارند برای کار خود دست مزد عادلانه و به موقع دریافت کنند) (ماده ۵۹ و مواد بعدی قانون کار و ماده ۱۵۲۹ و ۱۵۳۵ قانون مدنی)؛ حق امنیت شغلی (اگرچه مفهوم امنیت شغلی در کار دیجیتال متفاوت است، اما کارگران حق دارند از شرایط کاری ایمن و عادلانه برخوردار باشند) (ماده ۱۵۴۰ قانون مدنی، ماده ۱۰۷ و مواد بعدی قانون کار)؛ حق بیمه (کارگران دیجیتال نیز باید تحت پوشش بیمه های اجتماعی قرار گیرند تا در صورت بروز حوادث یا بیماری های ناشی از کار، از حمایت های لازم برخوردار شوند) و حق رخصتی (اگرچه مدت و نوع رخصتی برای کارگران دیجیتال ممکن است متفاوت باشد، اما آن ها نیز حق استفاده از رخصتی های قانونی را دارند) (ماده ۱۵۳۰ قانون مدنی و ماده ۳۹ و مواد قانون کار). با آن هم وجود این قواعد و احکام کلی به هیچ وجه به معنی بسندگی تقنین در این زمینه نبوده و لزوم اتخاذ سیاست تقنینی در این موضوع خاص را مرفوع نمی سازد.

۲.۲. کار دیجیتالی در اسناد حقوقی بین المللی

منظور از منابع حقوقی کار دیجیتال در حقوق بین الملل کنوانسیون ها و توصیه نامه هایی می باشد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم امور مربوط به کار دیجیتال را تنظیم و قابلیت تطبیق بالای آن را دارد. مقررات مربوط به کار دیجیتالی، که زیر مجموعه ای از کار از راه دور است، عموماً در مورد کار در منزل و کار از راه دور به مفهوم خاص وضع شده است. این انواع کار، به ویژه کار از راه دور آنلاین یا کار سیار مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT-mobile work) که با کار دیجیتالی همپوشانی دارند، به عنوان انواع کار غیر معمول، با ویژگی های مشابه کار دیجیتالی، در عمل شناخته می شوند (Beytar, 2022).

^۱ ماده ۱۰، ۱۱، ۳۹، ۴۱ و ۴۲، ۴۶ و مواد بعدی آن و ۵۹ و مواد بعدی قانون کار.

^۱ ماده ۱۵۲۹ و مواد بعدی قانون مدنی.

^۲ Tele Work.

^۳ Mobile office.

۲،۲،۱. کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO)

سازمان بین‌المللی کار، سازمانی است که برای ایجاد یک رویه واحد در روابط کارگری و کارفرمایی و اجرای هنجارهای حقوقی مدرن در کشورها تلاش می‌کند. سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ تأسیس شد و با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی کار، پیش‌نویس کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌ها را برای نمایندگان حاضر در کنفرانس تهیه می‌کند. با تصویب کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌ها توسط نمایندگان، کنوانسیون‌های بین‌المللی شکل می‌گیرد. این مقررات، حقوق بین‌الملل کار را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان راهنمایی کلی برای کشورها عمل می‌کنند (Beytar, 2022).

در عرصه کار دیجیتال و کار از راه دور، سازمان بین‌المللی کار پس از بررسی‌های طولانی، در هشتاد و سومین کنفرانس عمومی خود در سال ۱۹۹۶، کنوانسیون شماره ۱۷۷ و توصیه‌نامه شماره ۱۸۴ را تصویب کرد. اگرچه این کنوانسیون در رابطه با کار در منزل تنظیم شده است، اما به دلیل قابل اعمال بودن بر روی کار دیجیتالی در منزل و همچنین به‌عنوان اولین سند بین‌المللی که اصول اولیه‌ای را برای کارهایی که خارج از محل کار انجام می‌شود، تعیین می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Aydinöz, 2014; Bozkurt Gümrükçüoğlu, 2020; Kandemir, 2011).

طبق این کنوانسیون، باید سیاست‌هایی اتخاذ شود که بر اساس آن، کارکنانی که در منزل کار می‌کنند، با سایر کارمندان تمام‌وقت تا آنجا که امکان دارد، به‌طور برابر در نظر گرفته شود. البته با توجه به شرایط کار یکسان یا متفاوت در یک مؤسسه (Beytar, 2022). اگرچه اصل برابری به‌طور گسترده در این کنوانسیون گنجانده نشده است، اما به آن اشاره شده است (Kandemir, 2011). در این کنوانسیون آمده است که باید تدابیر لازم برای حفظ ایمنی و بهداشت شغلی برای کارمندان در منزل و محل کار اتخاذ شود (Aydinöz, 2014). همچنین، کنوانسیون تصریح می‌کند: «کارمندان شاغل در منزل باید در زمینه تشکیل اتحادیه، عضویت در اتحادیه، مشارکت در فعالیت‌های اتحادیه، عدم تبعیض در زمینه فعالیت و اشتغال، دستمزد، امنیت اجتماعی، ایمنی و بهداشت شغلی، آموزش حرفه‌ای، اشتغال و آموزش و غیره از حقوق برابر با سایر کارمندان برخوردار باشند» (Eyrenci & Bakırcı, 2000). از آنجایی که این کنوانسیون به‌طور کلی به مشکلاتی می‌پردازد که ممکن است از کار در

^۱ این کنوانسیون و توصیه‌نامه در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۹۶ تصویب شد. این کنوانسیون در تاریخ ۲۲ آوریل ۲۰۰۰ با تصویب ۲۲ کشور به اجرا درآمد.

خارج از محل کار ناشی شود، به عنوان اولین سند بین المللی در نظر گرفته می شود که مقرراتی را برای کارمندانی که از راه دور و به ویژه به صورت دیجیتالی کار می کنند، وضع کرده است (Beytar, 2022).

سازمان بین المللی کار در طول همه گیری کووید-۱۹ گزارش هایی را در مورد کار از راه دور به مفهوم خاص منتشر کرده است. از آنجایی که دوره همه گیری نقطه عطفی در روش های دورکاری یا کار از راه دور بوده است، این موضوع در گزارش های منتشر شده توسط این سازمان نیز به وضوح دیده می شود. به عنوان مثال، در یکی از گزارش ها این سازمان (Office, 2020a)، به بررسی روش های مختلف کار از راه دور و تفاوت های آن ها پرداخته شده و اشاره شده است که اگرچه کشورها از نام های مختلفی برای این روش ها استفاده می کنند، اما ویژگی های مشترکی دارند. همچنین در این گزارش، به آمار و ارقام مربوط به کار از راه دور نیز پرداخته شده است (Beytar, 2022).

در گزارش دیگر این سازمان که در دوران همه گیری کوید ۱۹ منتشر کرده است، به موضوع مسئولیت کارکنان در قبال تجهیزات کار از راه دور پرداخته و تأکید کرده است که کارکنان باید از مسئولیت های احتمالی خود در صورت گم شدن، آسیب دیدن یا به سرقت رفتن تجهیزات آگاه باشند. در این گزارش تصریح می شود که در صورتی که کارکنان در گم شدن یا آسیب دیدن تجهیزات تقصیری نداشته باشند، نباید مسئولیت مالی این خسارات را بر عهده بگیرند (Office, 2020b). این بند از گزارش سازمان بین المللی کار با ماده ۷ آیین نامه کار از راه دور همخوانی دارد. در همین گزارش، سازمان از کارفرمایان خواسته است که برنامه ها و روش های کاری خود را به گونه ای تنظیم کنند که با واقعیت کار از راه دور سازگار باشد (Beytar, 2022). همچنان گزارش سازمان بین المللی کار به این نکته اشاره می کند که در دوران کار از راه دور، کارفرمایان باید به موضوعاتی مانند مسئولیت کارکنان در قبال تجهیزات، تنظیم برنامه های کاری منعطف و حفظ سلامت روان کارکنان توجه ویژه داشته باشند (Office, 2020b). علاوه بر این ها، سازمان بین المللی کار تأکید کرده است که کارمندان کار از راه دور باید انعطاف پذیری کافی برای مدیریت برنامه کاری خود داشته باشند، تا بتوانند نیازهای شخصی خود را برآورده کنند. همچنین این سازمان بر اهمیت تعیین ساعات کاری مشخص و زمان های اختصاص یافته به استراحت و زندگی شخصی تأکید کرده است (Beytar, 2022).

با توجه به شرایط اضطراری ناشی از همه گیری کووید-۱۹ و اجبار به کار از راه دور، این سازمان پیشنهاد کرده است که کارفرمایان برای حمایت از کارمندان کار از راه دور، بخشی یا تمام هزینه های

مرتبط با کار از راه دور، مانند برق، ارتباطات و گرمایش را پرداخت کنند (Office, 2020b). همچنان این سازمان در گزارش خود در مورد ایمنی و سلامت شغلی در دوران همه‌گیری، پیشنهاد کرده است که کارفرمایان به کارمندانی که مسئولیت مراقبت از اعضای خانواده یا آموزش فرزندان خود را بر عهده دارند، اجازه دهند تا ساعات کاری خود را به گونه‌ای انعطاف‌پذیر تنظیم کنند که بتوانند به این مسئولیت‌ها نیز رسیدگی کنند (Beytar, 2022). علاوه بر آن سازمان به این نکته نیز اشاره کرده است که کار از راه دور می‌تواند منجر به انزوای اجتماعی و افزایش استرس شود. لذا برای جلوگیری از آن باید تدابیر لازم اتخاذ شود (Beytar, 2022).

در کنار این گزارش‌ها، برخی از کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کار از راه دور تأثیر می‌گذارند، عبارت‌اند از: ۱) کنوانسیون شماره ۱۵۶ در مورد کارگران دارای مسئولیت‌های خانوادگی (۱۹۸۱): این کنوانسیون به حقوق کارگرانی می‌پردازد که علاوه بر کار، مسئولیت‌های خانوادگی نیز دارند و می‌تواند برای تنظیم ساعات کار و ارائه انعطاف‌پذیری بیشتر به کارمندان کار از راه دور مفید باشد. ۲) کنوانسیون شماره ۱۵۵ در مورد ایمنی و بهداشت شغلی و محیط کار (۱۹۸۱): موضوع این کنوانسیون ایجاد محیط‌های کاری ایمن و سالم بوده و برای کار از راه دور نیز قابل اعمال است و به کارفرمایان توصیه می‌کند تا محیط کاری ایمن و سالم را برای کارمندان کار از راه دور نیز فراهم کنند. ۳) توصیه‌نامه شماره ۱۶۴ در مورد ایمنی و بهداشت شغلی (۱۹۸۱): این توصیه‌نامه مکمل کنوانسیون شماره ۱۵۵ است و جزئیات بیشتری در مورد اجرای اصول ایمنی و بهداشت شغلی ارائه می‌دهد. ۴) توصیه‌نامه شماره ۲۰۶ در مورد خشونت و آزار و اذیت (۲۰۱۹): این توصیه‌نامه به موضوع خشونت و آزار و اذیت در محیط کار می‌پردازد و می‌تواند برای پیشگیری از این‌گونه رفتارها در محیط‌های کاری کار از راه دور نیز مفید باشد. ۵) کنوانسیون شماره ۱۹۰ در مورد خشونت و آزار و اذیت (۲۰۱۹): این کنوانسیون الزام‌آورتر از توصیه‌نامه‌ی شماره ۲۰۶ است و استانداردهای بین‌المللی را برای پیشگیری و مقابله با خشونت و آزار و اذیت در محیط کار تعیین می‌کند. ۶) کنوانسیون شماره ۱۵۴ در مورد مذاکرات جمعی (۱۹۸۱): این کنوانسیون نسبت به حق کارگران برای تشکیل اتحادیه و مذاکره جمعی می‌پردازد. این کنوانسیون می‌تواند برای کارمندان کار از راه دور نیز مفید باشد، تا بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. ۷) کنوانسیون شماره ۱۸۳ در مورد حمایت از کارمندان مادر (۲۰۰۰): این کنوانسیون جایگزین کنوانسیون قدیمی‌تر در مورد حمایت از کارمندان مادر و باردار است و حمایت‌های بیشتری را برای زنان شاغل در دوران بارداری و پس از زایمان فراهم

می‌کند. این کنوانسیون می‌تواند برای کارمندان زن در کار از راه دور که مادر هستند نیز مفید باشد (Aydinöz, 2014; Beytar, 2022).

با توجه به کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌های فوق، به این نتیجه می‌رسیم که سازمان جهانی کار، به عنوان یکی از آرژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد، با توجه به تحولات سریع در دنیای کار و گسترش روزافزون کار دیجیتال، به بررسی ابعاد حقوقی و اجتماعی این حوزه پرداخته و به طور کلی اقدامات کلیدی لازم را در زمینه کار دیجیتال روی دست گرفته و با تدوین این کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌ها، تلاش کرده است تا حقوق کارگران را در محیط‌های کاری مختلف، از جمله محیط‌های کار از راه دور، تضمین کند. این اسناد می‌توانند به عنوان یک چارچوب قانونی برای تنظیم روابط کار و بهبود شرایط کاری کارمندان کار از راه دور مورد استفاده قرار گیرند. با این حال، اجرای این کنوانسیون‌ها در هر کشور به قوانین و مقررات ملی آن کشور بستگی دارد.

۲،۲،۲. کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان ملل متحد

اگرچه سازمان ملل متحد هنوز اسناد جامع و اختصاصی در مورد کار دیجیتالی ندارد، اما اصول کلی حقوق بشر و کار که در اسناد این سازمان آمده است، می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تنظیم مقررات ملی و بین‌المللی در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد. اسناد سازمان ملل متحد بیشتر در زمینه حقوق بشر به موضوع کار دیجیتالی پرداخته اند. به طور خاص، در اصل چهاردهم «اعلامیه حقوق بشر و اصول اساسی مربوط به استفاده از اینترنت» که با عنوان «اینترنت و حق کار» شناخته می‌شود، به طور مستقیم به کار دیجیتالی اشاره شده است.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در تاریخ ۵ جنوری ۲۰۱۲، تصمیمی مهم در مورد حفاظت از حقوق بشر در فضای مجازی اتخاذ کرد. این تصمیم که به پیشنهاد کشور سوئد ارائه شد، با اتفاق آرا و حمایت بیش از ۷۰ کشور از مناطق مختلف جهان به تصویب رسید. این اولین تصمیم در نوع خود محسوب می‌شود که به طور خاص به موضوع حقوق بشر در فضای مجازی می‌پردازد. در این تصمیم، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام کرده است که افراد باید در فضای مجازی نیز از همان

^۱ برای اطلاعات بیشتر، می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید: وبسایت سازمان جهانی کار: <https://www.ilo.org/>

حقوقی که در دنیای واقعی دارند، برخوردار باشند. به عبارت دیگر، حقوقی مانند آزادی بیان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی حقوق بشر ذکر شده است، باید در محیط کار آنلاین نیز رعایت شود (Beytar, 2022). همچنین، این تصمیم بر اهمیت اینترنت به عنوان یک نیروی محرک در دنیای امروز تأکید کرده و از همه کشورها خواسته است تا به توسعه و دسترسی به اینترنت کمک کنند و همکاری بین المللی در این زمینه را تقویت کنند. این تصمیم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یک نقطه عطف در زمینه حقوق بشر در فضای مجازی محسوب می شود. این تصمیم نشان می دهد که جامعه بین المللی به اهمیت حفاظت از حقوق بشر در دنیای دیجیتال پی برده است و برای ایجاد یک فضای آنلاین امن تر و آزادتر تلاش می کند. این تصمیم نه تنها به عنوان اولین تصمیم در نوع خود اهمیت دارد، بلکه به دلیل تشویق به همکاری در جهت گسترش اینترنت نیز حائز اهمیت است. گسترش اینترنت که به عنوان پایه و اساس کار دیجیتال محسوب می شود، برای گسترش روش های کاری مبتنی بر اینترنت نیز ضروری است (Beytar, 2022).

منشور حقوق بشر و اصول اینترنت، به دلیل نیاز به ایجاد یک درک مشترک از نحوه اجرای حقوق و آزادی های بشر در فضای دیجیتال نوشته شده است. هدف اصلی این منشور، تعیین و اجرای استانداردهای مشترک در محیط دیجیتال است. ماده چهاردهم این منشور با عنوان «اینترنت و حق کار»، سه معیار اصلی را برای نحوه کار در فضای مجازی مشخص می کند: (۱) احترام به حقوق کارگران: این بند بیان می کند که همه افراد حق دارند در فضای مجازی به تشکیل اتحادیه و فعالیت های صنفی بپردازند و به صورت آزادانه در محیط های مجازی انتخاب شده، جمع شده و از منافع خود دفاع

^۱ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در تصمیمات بعدی خود در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ نیز به موضوعاتی مانند افزایش سواد دیجیتال، تقویت حریم خصوصی و امنیت در اینترنت و حفظ حریم خصوصی آنلاین پرداخته است. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: "The promotion, protection and enjoyment of human rights on the internet"، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، A/HRC/26/13، ۲۶، ۰۶، ۲۰۱۴؛ "The promotion, protection and enjoyment of human rights on the internet"، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، A/HRC/32/13، ۲۷، ۰۶، ۲۰۱۶.

<https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session20/Pages/ResDecStat.aspx>

(تاریخ دسترسی: ۲۰، ۰۱، ۲۰۲۵).

کنند. ۲) دسترسی به اینترنت در محل کار: این بند حق همه کارمندان را برای دسترسی به اینترنت در هر مکانی که به اینترنت متصل است، به رسمیت می‌شناسد. همچنین، هرگونه محدودیت در استفاده از اینترنت در محل کار باید به‌طور واضح در مقررات داخلی سازمان مشخص شود. نظارت بر استفاده کارمندان از اینترنت نیز باید با رعایت قوانین حفاظت از داده‌ها و به‌صورت شفاف انجام شود. ۳) حق کار در اینترنت: این بند حق همه افراد را برای جستجوی کار از طریق اینترنت و همچنین کار کردن از طریق اینترنت یا با استفاده از اینترنت به رسمیت می‌شناسد. این بند به‌طور مستقیم و کلی به حق همه افراد برای کار دیجیتال اشاره دارد (Beytar, 2022). در کل، این منشور به اهمیت حقوق کارگران در فضای دیجیتال اشاره می‌کند و حق همه افراد را برای کار کردن در اینترنت به رسمیت می‌شناسد. همچنین، این منشور بر اهمیت شفافیت، حفاظت از داده‌ها و رعایت قوانین کار در محیط‌های کاری دیجیتال تأکید می‌کند.

۳. مفهوم توسعه‌ی پایدار

توسعه پایدار، مفهومی چندوجهی و فراگیر است که به دنبال برآورده ساختن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در تامین نیازهایشان می‌باشد. این رویکرد، فراتر از رشد صرف اقتصادی، سه رکن اساسی را در بر می‌گیرد: توسعه اقتصادی که به دنبال بهبود سطح زندگی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی است؛ توسعه اجتماعی که بر عدالت، برابری، مشارکت و بهبود کیفیت زندگی افراد و جوامع تأکید دارد؛ و حفاظت از محیط زیست که شامل حفظ منابع طبیعی، تنوع زیستی، کاهش آلودگی و مقابله با تغییرات اقلیمی می‌شود. دستیابی به توسعه پایدار مستلزم ایجاد تعادل و هم‌افزایی میان این سه رکن است، به گونه‌ای که پیشرفت در یک حوزه، به بهای آسیب رساندن به حوزه‌های دیگر تمام نشود.

مفهوم توسعه پایدار در اواخر قرن بیستم و با افزایش آگاهی نسبت به محدودیت‌های منابع طبیعی و اثرات مخرب فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست، به تدریج شکل گرفت. گزارش «آینده مشترک ما» (Our Common Future) که در سال ۱۹۸۷ توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) منتشر شد، نقش بسزایی در تبیین و ترویج این مفهوم ایفا کرد (WCED, 1987). این گزارش، تعریف جامعی از توسعه پایدار ارائه داد و بر ضرورت نگرشی یکپارچه و بلندمدت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تأکید نمود. از آن زمان تاکنون، توسعه پایدار به عنوان یک

چارچوب راهبردی در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی مورد توجه قرار گرفته و در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها، نهادهای مدنی و بخش خصوصی قرار گرفته است.

تحقق توسعه پایدار نیازمند تغییرات اساسی در الگوهای تولید و مصرف، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و نگرش‌های فردی و جمعی است. این امر مستلزم توجه به امور مختلف از جمله مدیریت پایدار منابع طبیعی، کاهش تولید زباله و آلودگی، ارتقای آموزش و آگاهی عمومی و غیره است. در سطح سیاست‌گذاری و اسناد بین‌المللی، دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار سازمان ملل متحد (United Nations, 2015) یک چارچوب جامع و فراگیر برای دستیابی به توسعه پایدار در سطح جهانی ارائه می‌دهد. این دستور کار شامل ۱۷ هدف توسعه پایدار (SDGs) است که طیف گسترده‌ای از مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد. این اهداف، که با ۱۶۹ هدف جزئی‌تر همراه هستند، نشان‌دهنده یک اجماع جهانی بر سر اولویت‌های توسعه پایدار و ضرورت همکاری‌های چندجانبه برای دستیابی به آن‌ها هستند (Sachs et al., 2019).

با در نظر گرفتن ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار، می‌توان به نقش و جایگاه کار دیجیتال در این چارچوب نگرست. از منظر اقتصادی، کار دیجیتال می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کاهش هزینه‌های عملیاتی کسب‌وکارها و تسهیل دسترسی به بازارهای جهانی، به رشد اقتصادی پایدار کمک کند. همچنین، با کاهش نیاز به زیرساخت‌های فیزیکی گسترده، می‌تواند به استفاده بهینه‌تر از منابع منجر شود. از جنبه اجتماعی، کار دیجیتال می‌تواند با فراهم آوردن امکان کار از راه دور و انعطاف‌پذیری در ساعات کاری، تعادل بهتری بین زندگی شخصی و حرفه‌ای افراد ایجاد کرده و فرصت‌های شغلی را برای گروه‌های مختلف جامعه، از جمله افراد دارای معلولیت یا ساکنان مناطق دورافتاده، گسترش دهد. با این حال، برای تحقق این پتانسیل اجتماعی، توجه به مسائلی نظیر تضمین شرایط کاری عادلانه، دسترسی برابر به آموزش و مهارت‌های دیجیتال و کاهش شکاف دیجیتالی ضروری است. در نهایت، از منظر محیط زیستی، کار دیجیتال با کاهش نیاز به رفت‌وآمدهای فیزیکی و کاهش مصرف کاغذ و سایر منابع فیزیکی، می‌تواند به کاهش اثرات منفی فعالیت‌های اقتصادی بر محیط زیست کمک کند. با این وجود، افزایش مصرف انرژی ناشی از زیرساخت‌های دیجیتال و تولید زباله‌های الکترونیکی نیز چالش‌هایی هستند که باید به صورت پایدار مدیریت شوند. بنابراین،

کار دیجیتال، با مدیریت صحیح و در چارچوب اصول توسعه پایدار، می‌تواند ابزاری قدرتمند برای دستیابی به آینده‌ای عادلانه‌تر، شکوفاتر و سازگارتر با محیط زیست باشد.

۴. نقش کار دیجیتالی در توسعه پایدار

کار دیجیتالی که یکی از زیرشاخه‌های کار از راه دور می‌باشد، با تحولات گسترده در دنیای کار و فناوری، به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد جهانی تبدیل شده است. این نوع کار که به واسطه‌ی پیشرفت‌های تکنولوژی و افزایش دسترسی به اینترنت امکان‌پذیر شده است، تأثیرات قابل توجهی بر توسعه پایدار می‌گذارد. این تأثیرات را به شکل ذیل می‌توان بیان نمود:

۱. کاهش کاربن و حفاظت از محیط‌زیست: کار دیجیتال با فراهم‌سازی زمینه کاهش رفت‌وآمد (یکی از مهم‌ترین مزایای کار دیجیتالی، کاهش نیاز به رفت و آمدهای روزانه می‌باشد که به‌طور مستقیم به کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و در نتیجه‌ی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر می‌شود)، کاهش مصرف کاغذ (بسیاری از فرایندهای کاری در محیط‌های دیجیتال به‌صورت الکترونیکی انجام می‌شوند و نیاز به چاپ اسناد کاغذی را کاهش داده که این امر به صرفه‌جویی در منابع طبیعی، مانند چوب و آب کمک می‌کند) و مدیریت بهتر زباله (با کاهش استفاده از منابع فیزیکی، مانند کاغذ و پلاستیک، حجم زباله‌های تولید شده نیز کاهش می‌یابد) می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن داشته باشد.

۲. افزایش بهره‌وری و خلاقیت: کار دیجیتال با ایجاد تمرکز بیشتر (در محیط‌های کاری دیجیتال، عوامل حواس‌پرتی، مانند سروصدا و ترافیک کمتر بوده و به کارکنان اجازه می‌دهد تا تمرکز بیشتری بر روی وظایف خود داشته باشند و بهره‌وری را افزایش دهند)، انعطاف‌پذیری بیشتر (کارکنان می‌توانند ساعات کاری خود را با توجه به ریتم شخصی خود تنظیم کنند و در نتیجه خلاقیت و نوآوری بیشتری داشته باشند) و دسترسی آسان به اطلاعات (با استفاده از ابزارهای دیجیتال، کارکنان به راحتی می‌توانند به اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند و از آن‌ها برای حل مشکلات و ارائه راهکارهای نوآورانه استفاده کنند) می‌تواند در افزایش بهره‌وری و خلاقیت مفید واقع شود.

۳. بهبود تعادل بین کار و زندگی شخصی: کار دیجیتال با داشتن انعطاف‌پذیری در زمان و مکان (کارکنان می‌توانند از هر مکان و در هر زمانی که بخواهند به کار خود مشغول شوند)، کاهش

استرس (با حذف رفت و آمدهای طولانی و کاهش فشارهای ناشی از محیط کار سنتی، سطح استرس کارکنان کاهش می‌یابد) و افزایش رضایت شغلی (زمانی که کارکنان بتوانند تعادل بهتری بین کار و زندگی شخصی خود برقرار کنند، رضایت شغلی آن‌ها افزایش می‌یابد)، می‌تواند در بهبود و موثریت کار و ایجاد تعادل بین زندگی شخصی و کاری عملکرد مفید داشته باشد.

۴. گسترش فرصت‌های شغلی: کار دیجیتال با ایجاد زمینه دسترسی به بازار کار جهانی (کار دیجیتالی به افراد این امکان را می‌دهد تا با شرکت‌ها و سازمان‌های سراسر جهان همکاری کنند و از فرصت‌های شغلی بیشتری بهره‌مند شوند)، ایجاد مشاغل جدید (با رشد فناوری‌های دیجیتال، مشاغل جدیدی در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌شود که به افراد با مهارت‌های دیجیتال نیاز دارند) و شامل شدن افراد با محدودیت‌های فیزیکی (کار دیجیتالی به افرادی که به دلایل فیزیکی امکان کار در محیط‌های سنتی را ندارند، فرصت می‌دهد تا در بازار کار فعال باشند)، می‌تواند در گسترش فرصت‌های شغلی نقش مؤثر داشته باشد.

۵. کاهش هزینه‌های عملیاتی برای کسب و کارها: کار دیجیتال با فراهم‌سازی زمینه کاهش هزینه‌های دفتر کار (با کاهش نیاز به فضای فیزیکی، هزینه‌های اجاره و نگهداری ساختمان کاهش می‌یابد) کاهش هزینه‌های تجهیزات (بسیاری از ابزارهای مورد نیاز برای کار دیجیتال به صورت آنلاین در دسترس می‌باشد و نیازی به خرید تجهیزات فیزیکی نیست) و افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های نیروی کار (با افزایش بهره‌وری کارکنان، هزینه‌های نیروی کار به ازای هر واحد محصول یا خدمات کاهش می‌یابد)، می‌تواند نسبت به کاهش هزینه‌های عملیاتی کارها نقش فعال ایفا نماید.

مناقشه

اگرچه تحولات شگرف ناشی از دیجیتالی شدن دنیای کار، از جمله انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی و دسترسی به نیروی کار جهانی، آشکار است و همه‌گیری کووید-۱۹ نیز بر سرعت و دامنه آن افزوده است، اما چگونگی انطباق این واقعیت‌های نوین با چارچوب‌های سنتی حقوق کار، پرسش‌های بنیادینی را پیش روی ما قرار می‌دهد. آیا مفاهیم کهنه‌ای چون «کارگر»، «کارفرما» و «رابطه کارگری-کارفرمایی» که در بسترهای فیزیکی و ساختارهای سازمانی مشخص شکل گرفته‌اند، همچنان قادر به تبیین و تنظیم روابط پیچیده و اغلب غیرمتمرکز حاکم بر کار دیجیتال هستند؟

یکی از نقاط محوری این تحقیق، تعریف دقیق «کارگر» در عصر دیجیتال است. در حالی که قانون مدنی و قانون کار، با تأکید بر عواملی چون انجام کار در قبال دستمزد و وجود رابطه وابستگی، تلاش در تعیین مصادیق کارگر دارند؛ ماهیت غیرمتمرکز بودن کار دیجیتال، تشخیص این وابستگی را دشوار می‌سازد. آیا فردی که از طریق یک پلتفرم آنلاین به ارائه خدمات می‌پردازد و با کارفرمایان متعددی در تعامل است، یا یک فریلنسر که پروژه‌های مختلف را از راه دور انجام می‌دهد، را می‌توان به سادگی در قالب تعریف سنتی کارگر جای داد؟ این ابهام، به ویژه در نظام حقوقی افغانستان که فاقد قوانین مشخص در این حوزه است، می‌تواند منجر به تضییع حقوق این دسته از فعالان گردد.

علاوه بر تعریف کارگر، مفهوم «رابطه کارگری-کارفرمایی» نیز در بستر کار دیجیتال دستخوش تحول شده است. در بسیاری از موارد، مرزهای میان کارگر و کارفرما کمرنگ شده و اشکال جدیدی از همکاری و تعامل اقتصادی ظهور کرده‌اند که با الگوهای سنتی مطابقت ندارند. اعمال حق مدیریت کارفرما، سازمان‌دهی کار و نظارت بر عملکرد کارگران در محیط‌های دیجیتال، با چالش‌های جدیدی روبرو شده است. این تغییرات، نه تنها ساختار روابط کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه پیامدهای قابل توجهی بر تعادل میان زندگی شخصی و کاری کارگران دیجیتال و همچنین امنیت شغلی آن‌ها دارد.

در سطح بین‌المللی، تلاش‌هایی از سوی سازمان بین‌المللی کار برای پرداختن به این چالش‌ها صورت گرفته و کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌هایی در زمینه کار در منزل و کار از راه دور تدوین شده است. با این حال، میزان شمول و کفایت این اسناد برای پوشش تمامی ابعاد کار دیجیتال و تضمین حقوق کارگران در این حوزه، همچنان محل بحث و بررسی است. به نظر می‌رسد که نظام‌های حقوقی داخلی، از جمله افغانستان، نیازمند اتخاذ رویکردهای نوآورانه و تدوین قوانین و مقررات خاصی هستند که با در نظر گرفتن ویژگی‌های منحصر به فرد کار دیجیتال، بتوانند از حقوق فعالان این عرصه به نحو موثرتری حمایت کنند. فقدان تحقیق در این زمینه نیز ضرورت توجه ویژه به این موضوع را دوچندان می‌سازد.

نتیجه‌گیری

تحولات اقتصادی و فناوری، به‌ویژه انقلاب صنعتی چهارم و جهانی‌شدن، تأثیرات عمیقی بر عرصه حقوق کار داشته است. ظهور مدل‌های کاری جدید، مانند کار دیجیتال و کار از راه دور، چالش‌های جدیدی را برای حقوق کار ایجاد کرده است. در این شرایط، لازم است که قوانین و مقررات حقوق کار با تحولات دنیای کار هماهنگ شوند و از حقوق کارگران در برابر خطرات و چالش‌های جدید

محافظت کنند. کار دیجیتال به نوعی از کار اطلاق می شود که با استفاده از فناوری های دیجیتال، مانند اینترنت، کامپیوتر و تلفن همراه انجام می شود. این نوع کار، مزایای زیادی برای کارگران و کارفرمایان نظیر؛ افزایش انعطاف پذیری، کاهش هزینه های عملیاتی، دسترسی به نیروی کار جهانی و افزایش بهره وری دارد. با این حال، کار دیجیتال چالش هایی مانند عدم شفافیت در قراردادهای کاری، عدم وجود حمایت های اجتماعی کافی برای کارگران دیجیتال و مشکلات مربوط به حریم خصوصی و امنیت داده ها برای حقوق کار ایجاد می کند.

پیشنهادهای

با توجه به مطالب فوق و نقش کار دیجیتال در توسعه پایدار افغانستان، برای نیل به آن پیشنهادهای ذیل صورت گرفته می تواند:

- تدوین قانون جامع کار دیجیتال: تدوین یک قانون جامع و مشخص که تمامی ابعاد کار دیجیتال را پوشش دهد، اولین و مهم ترین گام برای تنظیم و ورود به این حوزه است. این قانون باید به طور دقیق حقوق و تکالیف کارفرما و کارگر را مشخص کند و همچنین سازوکارهای نظارتی و حل اختلاف را تعیین نماید.
- تعریف روشن کار دیجیتال: در این قانون باید تعریف روشنی از کار دیجیتال ارائه شود و انواع مختلف کار دیجیتال مانند کار از راه دور، کار نیمه وقت، کار پروژه محور و... مشخص شوند.
- انعطاف پذیری قوانین: قوانین کار دیجیتال باید به گونه ای طراحی شوند که بتوانند با تغییرات سریع فناوری همراه شوند. برای این منظور می توان از مفاهیم کلی و منعطف در قوانین استفاده کرد و همچنین سازوکارهایی برای به روزرسانی مداوم قوانین در نظر گرفت.
- توجه به حقوق کارگران: قوانین کار دیجیتال باید به طور ویژه به حقوق کارگران دیجیتال توجه کنند و از آن ها در برابر سوء استفاده کارفرمایان محافظت نمایند. این حقوق شامل حق دستمزد عادلانه، حق امنیت شغلی، حق بیمه، حق رخصتی و... است.
- تقویت زیرساخت های فناوری اطلاعات: برای توسعه کار دیجیتال در افغانستان، تقویت زیرساخت های فناوری اطلاعات و بهبود دسترسی به اینترنت ضروری است.
- آموزش مهارت های دیجیتال: آموزش نیروی انسانی در زمینه فناوری های دیجیتال و مهارت های مورد نیاز برای کار دیجیتال باید در اولویت قرار گیرد. ارائه آموزش های لازم برای ارتقاء

پوهنمل دکتور سیدعباس موسوی

مهارت‌های دیجیتال کارکنان، به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند در محیط‌های کاری دیجیتال به‌طور مؤثر فعالیت کنند.

- ترویج فرهنگ کار از راه دور: ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب برای کار از راه دور، به کارکنان کمک می‌کند تا تعادل بهتری بین کار و زندگی شخصی برقرار کنند.
- توجه به مسائل امنیتی: اتخاذ تدابیر امنیتی مناسب برای محافظت از داده‌های شخصی و سازمانی، اعتماد به محیط‌های کاری دیجیتال را افزایش می‌دهد.

در نتیجه، برای توسعه پایدار و نهادینه شدن کار دیجیتال در افغانستان، تدوین قوانین جامع و مشخص، تعریف روشن از کار دیجیتال، توجه به حقوق کارگران و تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات ضروری است. همچنین، مقایسه قوانین افغانستان با سایر کشورها و بهره‌گیری از تجربیات موفق آن‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت حقوقی کارگران دیجیتال در افغانستان کمک کند.

منابع

- Akkurt, S. S. (2019). Yapay Zekânin Otonom Davranişlarından Kaynaklanan Hukukî Sorumluluk. *Uyuşmazlık Mahkemesi Dergisi*, 13, 39–59.
- Alpagut, G. (2021a). Dijitalleşen Çalışma Yaşamında İş Sözleşmesinin Unsurları. *Onikilevha Yayıncılık*, 87–127.
- Alpagut, G. (2021b). Teknolojik Gelişmelerin İşçilik Haklarına Etkisi-Daimi Ulaşılabilirlik. *Seçkin Yayıncılık*.
- Arıcı, K. (2022). *Türk İş Hukuku-I Ferdi İş İlişkileri Hukuku*. Gazi Kitabevi.
- Aydınöz, G. (2014). *İş hukukunda tele (uzaktan) çalışma* [Doktora]. Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.
- Beytar, E. (2022). *Dijital Çalışma Ve Dijital Çalışmada İşçi Hakları Ve Borçları* [Doktora]. Kocaeli university.
- Bozkurt Gümrükçüoğlu, Y. (2020). COVID-19 pandemi döneminde home-office uygulamasına ilişkin Türk ve Alman Hukuku'nda mukayeseli bir değerlendirme. *Koronavirüs Döneminde Güncel Hukuki Meseleler Sempozyumu: Bildiri Tam Metin Kitabı* 29-30 Mayıs 2020.
- Dulay, D. (2016). *Türk İş Hukukunda evde çalışma*. Turhan Kitabevi.
- Ekici, Ş. (2022). *Bilişim ve Teknoloji Hukuku*. Seçkin Yayıncılık.
- Ekonomi, M. (1994). Türk iş hukukunda esnekleşme gereği. *Çalışma Hayatında Esneklik, Flexibilitat Im Arbeitsleben, Çeşme Altın Yunus*, 27–31.
- Eurofound, I. L. O. (2017). Working anytime, anywhere: The effects on the world of work. *Luxembourg, Geneva*.
- Eyrenci, Ö., & Bakırcı, K. (2000). *Dünyada ve Türkiye’de evde çalışma ve eve iş verme*. Ticaret Odası.
- Eyrenci, Ö., Taşkent, S., & Ulucan, D. (2016). *Bireysel İş Hukuku* (Vol. 7). Beta Yayıncılık.
- Fabbri, T. (2018). Digital work: An organizational perspective. *Working in Digital and Smart Organizations: Legal, Economic and*

Organizational Perspectives on the Digitalization of Labour Relations, 29–38.

- Graham, M., Hjorth, I., & Lehdonvirta, V. (2017). Digital labour and development: Impacts of global digital labour platforms and the gig economy on worker livelihoods. *Transfer: European Review of Labour and Research*, 23(2), 135–162.
- Güzel, A. (1997). Fabrikadan İnternete İşçi Kavramı ve Özellikle Hizmet Sözleşmesinin Bağımlılık Unsuru Üzerine Bir Deneme. *Prof. Dr. Kemal Oğuzman'a Armağan, Ankara*, 83–179.
- İlarslan, M., & Esen, O. (2024). Sözleşme Özgürlüğünün Sınırlarından Biri Olarak Genel Ahlaka Aykırılık. *Anadolu Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi*, 10(2), 747–774.
- Kandemir, M. (2011). *İş hukuku ve sosyal güvenlik hukuku açısından tele çalışma*. Legal Yayıncılık.
- Krieger, S., Rudnik, T., & Povedano Peramato, A. (2020). Homeoffice und Mobile Office in der Corona-Krise. *Neue Zeitschrift Für Arbeitsrecht*, 8, 473–544.
- Mollamahmutoglu, H., Astarlı, M., & Baysal, U. (2020a). *İş Hukuku* (7th ed.). Lykeion Yayıncılık.
- Mollamahmutoglu, H., Astarlı, M., & Baysal, U. (2020b). *İş Hukuku Ders Kitabı Cilt: 1: Bireysel İş Hukuku* (5th ed.). Lykeion Yayınları.
- Office, I. L. O. (2020a). *Guidance for labour statistics data collection, Defining and measuring remote work, telework, work at home and home-based work*. International Labour Organization ILO.
- Office, I. L. O. (2020b). *Teleworking during the COVID-19 pandemic and beyond: A Practical Guide*. International Labour Organisation (ILO).
- Sachs, J. D., Schmidt-Traub, G., Mazzucato, M., Messner, D., Nakicenovic, N & ,Rockström, J. (2019). Six transformations to achieve the sustainable development goals. *Nature Sustainability*, 2 (9), 505-814.
- Soyer, P. (2021). Ekonomik ve Teknolojik Gelişmelerin İş Hukuku ve Sosyal Güvenlik Hukukuna Etkileri. *Onikilevha Yayıncılık*, 87–127.
- Sümer, H. H. (2020). *İş Hukuku* (25th ed.). Seçkin Yayıncılık.

- Süzek, S. (2019). *İş Hukuku, Yenilenmiş* (18th ed.). Beta Yayıncılık.
- Uşan, M. F., & Erdoğan, C. (2022). *İş ve Sosyal Güvenlik Hukuku* (3rd ed.). Seçkin Yayıncılık.
- United Nations. (2015). *Transforming our world: the 2030 agenda for sustainable development* .A/RES/70/1.
- World Commission on Environment and Development (WCED). (1987). *Our common future* .Oxford University Press.
- Yamakoğlu, E. (2020). *Bilişim Teknolojilerinin Kullanımının İş Sözleşmesi Taraflarının Fesih Hakkına Etkisi*. Onikilevha Yayıncılık.
- Yangın, D. D., Baycık, G., Yay, O., & Doğan, S. (2021). COVID 19 pandemisinde uzaktan çalışma: Tespit ve öneriler. *Çalışma ve Toplum*, 3(70), 1683–1728.
- Yıldız, G. B. (2022). Dijitalleşen Çalışma İlişkilerinde Bağımlılık Unsurunun Değerlendirilmesi. *İş Hukukunun Güncel Konuları Sempozyumu II*, 93.
- Zeytin, Z., & Gençay, E. (2019). Hukuk Ve Yapay Zekâ: E-Kişî, Mali Sorumluluk ve Bir Hukuk Uygulaması. *Türk-Alman Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi*, 1(1), 39–70.
- وزارت عدلیه. (۱۳۵۵). قانون مدنی. جلد سوم، کابل: جریده رسمی شماره (۳۵۳).
- وزارت عدلیه. (۱۳۸۷). قانون کار. کابل: جریده رسمی شماره (۹۶۶).

تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی

پوهنمل عبدالقهار صمیم^۱، پوهنیار عبدالقدیر محسن^۲، نامزد پوهنیار امین الله نعیمی^۳

۱. دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول - ایمیل: samimabdulqahar@gmail.com

چکیده

انقلاب صنعتی یکی از مهمترین و مؤثرترین رخدادهای قرن هجدهم به شمار می‌رود. این انقلاب، تحولات عظیمی را در جهان به وجود آورد که بشر قبل از آن چنین تحول را شاهد نبوده است؛ تحولات جهان امروز بستگی به تحولات صنعتی دارد، هر قدر درصنعت و تکنالوژی تحول، ترقی و پیشرفت به میان بیاید، به همان اندازه در زندگی بشر، تحول به وجود می‌آید، این فرایند تنها شامل تغییرات اقتصادی و فناوری نمی‌شود، بلکه جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی دینی را در بر می‌گیرد، هدف تحقیق، تبیین ابعاد تأثیرگذاری تحولات صنعتی بر زندگی مسلمانان در جوامع اسلامی، و چالش‌های برآمده از آن می‌باشد، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جهان اسلام و مسلمانان از محصولات این تحول بی‌بهره نبوده بلکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرات عمیقی بر مراحل مختلف زندگی مسلمانان از جمله علمی، تحقیقی، طبی، زیربنایی، زراعتی، خدماتی، ترانسپورتی (هوایی، زمینی و بحری)، تألیف و ترجمه؛ چاپ و انرژی... در جوامع اسلامی، گذاشته است، با این همه تحولات صنعتی در جوامع اسلامی، با چالش‌های خاصی رو برو بوده است که ناشی از ارزش‌مداری جوامع اسلامی و تفاوت‌های فرهنگی آنان با جوامع دیگر است. نتیجه‌گیری، انقلاب صنعتی یکی از مهم‌ترین نقطه عطف در تاریخ بشر به شمار می‌رود؛ زیرا این تحول سبک زندگی بشر را در جوامع اسلامی متحول گرانیذ و در عین حال دارای ابعاد مثبت و منفی می‌باشد، در این تحقیق از روش تحلیلی توصیفی از نوع مطالعه مروری استفاده گردیده است.

واژه‌ها کلیدی: انقلاب، تحولات، تأثیر، جوامع، زندگی، صنعتی.

Ethical Principles of Industrial Use from the Perspective of Islam

Senior Teaching Assistant Abdul Qahar Samim^{1*}, Teaching Assistant Abdul Qadeer Muhsin², Teaching Assistant Aminullah Naemi³

1. Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Alberoni University

* Corresponding Author Email: samimabdulqahar@gmail.com

Abstract

The Industrial Revolution is considered one of the most important and influential events of the 18th century. This revolution brought about immense changes in the world that humanity had not witnessed before. Today's global developments heavily depend on industrial progress; the more advancements occur in industry and technology, the greater the transformations in human life. This process encompasses not only economic and technological changes but also involves various social, political, economic, cultural, and even religious aspects. The aim of this research is to elucidate the dimensions of the impact of industrial transformations on the lives of Muslims in Islamic societies, as well as the challenges arising from these changes. The findings indicate that the Muslim world and Muslims have not been unaffected by these developments; rather, they have experienced deep and often direct or indirect effects across different stages of Muslim life, including scientific, research, medical, infrastructural, agricultural, service, transportation (air, land, and sea), publishing, translation, printing, and energy sectors. Despite this, industrial transformations in Islamic societies have faced specific challenges, which stem from the value systems of Islamic communities and their cultural differences with other societies. The conclusion is that the Industrial Revolution represents one of the most pivotal milestones in human history, as this transformation has profoundly changed the lifestyle of people in Islamic societies. It also has both positive and negative dimensions. This study employs a descriptive-analytical method based on a review of existing literature.

Keywords: Revolution, Transformations, Impact, Societies, Life, Industrial.

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله واصحابه ومن ولاة. اما بعد:

انقلاب صنعتی یکی از مهم ترین انقلاب های تاریخ معاصر است. این انقلاب سبب تحول عظیمی و تغییرات بنیادینی در روند حیات انسان ها، تولیدات، تجارت و ساختارهای زیر بنای جوامع بشری گردید. این فرایند تنها شامل تغییرات اقتصادی و تکنولوژیکی نمی شود، بلکه جنبه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و حتی دینی را در بر می گیرد، در این مقاله ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار می گیرد.

موضوع محوری در این تحقیق بیان تأثیرگذاری محصولات صنعتی بالای روند زندگی مسلمانان در جوامع اسلامی است، تا دیده شود به چه میزان و مقیاس مسلمانان از محصولات صنعتی در زندگی روزمره شان استفاده می کنند، و تا چه اندازه استفاده از محصولات صنعتی در جوامع اسلامی تأثیرگذار و نقش آفرین بوده و تا چه اندازه بحران آفرین و چالش زا بوده است.

بیان نقش آفرینی تحولات صنعتی در راستایی بهبود و آسایش زندگی مسلمانان در جوامع اسلامی است، بیان نقش صنعت در پیشرفت جوامع بشری به ویژه جوامع اسلامی است، ترغیب و تشویق نسل خبیر و آگاه امت اسلامی برای گام نهادن در مسیر صنعت، تکنولوژی، فناوری و... بیان نقش آفرینی تحولات صنعتی در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان در جوامع اسلامی، بیان چالش های ناشی از تحولات صنعتی در روند زندگی مسلمانان در جوامع اسلامی می باشد.

اهمیت تحقیق، بلا تردید انقلاب صنعتی و تأثیرگذاری آن بر جوامع بشری به ویژه جوامع اسلامی در جهان معاصر از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا زندگی در شرایط امروزی بدون استفاده از محصول تحولات صنعتی بی معنا به نظر می رسد، بنابر این استفاده از فراآوردهای صنعتی جز لاینفک زندگی قرار گرفته است، و مسلمانان به عنوان جز جامعه بشر از محصولات گسترده صنعتی در عرصه های مختلف زندگی چون علمی، صحتی، کشاورزی، خدماتی، حمل و نقل، راه های مواصلاتی، شبکه های ارتباطی، آب رسانی، سیستم های تصفیه آب و... استفاده اعظمی می نمایند، امروز ما شاهد آن هستیم که مسلمانان بر علاوه از موارد فوق الذکر حتی در عبادات، تلاوت و دعوت هم به مایک، بلندگو و کمپیوتر، موبایل های هوشمند که جز محصول تحولات صنعتی استند نیاز دارند و استفاده می نمایند، تحولات صنعتی بر تمام کشورهای اسلامی اعم از عقب مانده و پیشرفته تأثیرگذار بوده و هرکدام به سهم خویش مدیون محصول تحولات صنعتی امروز استند و بعد از گستره دامنه دولت اسلامی در شرق و غرب تمام تمرکزشان را بالای صنعت و فناوری معطوف نموده و توجه ویژه را به

پوهنمل عبدالقهار صمیم

تقدم و پیشرفت صنعت در تمام نقاط جهان اسلام مبذول داشتند که افق و دور نمایی جدیدی را برای انواع صنعت‌های چون بافندگی، داروسازی، شیشه‌سازی، کشتی‌سازی، نجاری، معماری، کاغذ-سازی، اسلحه‌سازی... در سرزمین‌های اسلامی ایجاد نمودند، و بعد از تحولات صنعتی هم دست‌نگه نداشتند بلکه هم‌گام با تکنالوژی معاصر و انقلاب صنعتی به پیش می‌روند و امروز بسیاری از کشورهای اسلامی با استفاده از صنعت بمب‌اتم، فرستادن ماهواره‌های مختلف به مدار زمین، ساخت پهباد و کلاهک‌های هستی، ساخت ماشین آلات مختلف، زمینه‌سازی طبابت مدرن، ایجاد زیرساخت‌های معیاری و تحصیلات معیاری با استانداردهای جهانی هم طراز کشورهای منطقه هستند.

پیشینه تحقیق، به طورعموم پیرامون ابعاد مختلف تحولات صنعتی کتاب‌ها، رساله‌ها، و مقاله‌های زیادی تحریرگردیده است، احمد حسن البرعی، کتابی را تحت عنوان « الثورة الصناعية وآثارها الإجتماعية والقانونية » پیرامون عوامل انقلاب صنعتی، آثار اجتماعی و قانونی انقلاب صنعتی تحریر نموده است.

ابراهیم غرابیه، کتابی را تحت عنوان « الثورة الصناعية الرابعة، التحدى والاستجابة » راجع به نسل چهارم انقلاب صنعتی و پیامدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن تحریر نموده است. مهدی عباسی، مقاله علمی را تحت عنوان « نقش زیر ساختها در توسعه منطقه ای » پیرامون امکانات زیر بنایی عمومی و برنامه‌ریزی شهری از تسهیلات اجتماعی مانند جاده‌ها، پل‌ها، سیستم‌های آبرسانی و فاضلاب، فرودگاه‌ها و تسهیلات عمومی و تأثیرات اساسی بر کیفیت زندگی اجتماعی و چشم اندازهای توسعه اقتصادی تحریر نموده است.

به طور ویژه در مورد تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی، امیره زیادات، مقاله مختصری را تحت عنوان « أثر الثورة الصناعية على العالم الإسلامي » پیرامون تأثیرات سلبی تحولات صنعتی برکشوری اسلامی تحت سطیره امپراطوری عثمانی در آسیا و شمال افریقا تحریر نموده است.

تاجایی که اطلاع داریم هیچ کتابی و مقاله علمی مستقل و مفصل روی تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی تحریر نگردیده است، بنابراین نیاز است تا پیرامون موضوع، مقاله علمی تحقیقی تحریر شود، همانگونه که برگزار کنندگان کنفرانس ملی انقلاب صنعتی این نقیصه را درک نموده و کنفرانس ملی را پیرامون بررسی ابعاد مختلف انقلاب صنعتی در سطح افغانستان راه اندازی نموده اند، با در نظر داشت این امر مقاله هذا را در رابطه به تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی تحریر نماییم.

روش تحقیق، در این تحقیق پیرامون انقلاب صنعتی به عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی تأثیرگذار بر جوامع اسلامی از روش تحلیلی- توصیفی از نوع مطالعه مروری استفاده نموده ایم، موضوعات محوری این مقاله بر رسی تأثیرات انقلاب صنعتی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جوامع اسلامی است، و بعد از مرور ده‌ها کتاب، رساله‌ها، مقاله‌های علمی و مرور سایت‌های انترنیتی به تهیه و ترتیب آن پرداختیم.

طرح تحقیق، این تحقیق مشتمل بر چکیده، مقدمه، مناقشه، نتیجه‌گیری و فهرست منابع می‌باشد. قبل از بیان تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی، مفهوم تحولات صنعتی و مراحل آن را به بررسی می‌گیریم و سپس وارد اصل موضوع می‌شویم.

۱- مفهوم تحولات صنعتی:

اصطلاح «تحولات صنعتی» یا «انقلاب صنعتی» یا «Industrial Revolution» به معنای تغییر در صنعت است، و در اصطلاح عبارت از «کاهش سهم انسان و افزایش سهم تکنولوژی» است. (بدران، ۲۰۱۸).

پس گفته می‌توانیم انقلاب صنعتی یک مقطع تاریخ بشر (اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم) است که در اثر این تحول صنعت به شدت رشد کرد، ماشین‌آلات به شکل روز افزون اختراع شد، کارگاه‌های بزرگ تأسیس شد، و سطح و سبک زندگی اکثریت مردم در جهان تغییر کرد، این انقلاب دایمی می‌باشد و ما اکنون در عصر انقلاب صنعتی زندگی می‌کنیم و این روند ادامه پیدا می‌کند. (فقّی، ۲۰۱۸).

۲- مراحل انقلاب صنعتی:

انقلاب صنعتی تاکنون چهار مراحل را پشت سرگذرانده است، و تمام این مراحل به نوبه خود در عصر ظهور شان بالای جوامع اسلامی تأثیر بسزای داشته‌اند، پیرامون عرصه‌های تأثیرگذاری آنها در جوامع اسلامی به گونه تفصیلی بحث می‌نماییم، این مراحل به نام نسل‌های چهارگانه انقلاب صنعتی شناخته می‌شوند، معرفی مختصر آنها با ذکر نمونه‌های شان در چارت ذیل درج گردیده است:

۳- تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی:

تحولات صنعتی یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ بشر معاصر است، این رخداد در واقع آینده بشر را رقم زد، بشر در روشنی فرآورده‌های این رخداد تاریخی و محصول تحولات صنعتی تأثیرات عمیقی را در ابعاد زندگی شان تجربه نمودند، به ویژه مسلمانان در جوامع اسلامی از زندگی رقت‌بار و جانکاه به آسایش و آرامش نسبی، و از قامت‌های خمیده به قامت‌های استوار روی آوردند و آهسته آهسته گلیم محرومیت‌ها بر چیده شد و گلیم تنعم و عیش و عشرت هموار گردید و در نتیجه تحولات، مهم‌ترین تحولات تاریخی و بزرگ‌ترین اکتشاف عصر مدرن بوده که بشر شاهد آن است و از همین رو لقب «انقلاب صنعتی» را به خود اختصاص داد، و برای نخستین بار در تاریخ، بشر نیروی تولید استقلال و آزادی خود را در یافت، و پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در نظام اقتصادی از لحاظ کمی و کیفی، چند بعدی، چند مرتبه‌ی کالا و خدمات به شکل بی‌سابق در تاریخ بشر به وجود آمد، این عوامل باعث تحول در زندگی بشر گردید انسان‌ها در آغاز به تحولات گوناگونی دست یافتند از روستا-ها به شهرهای بزرگ، و از کارهای دستی به کارهای ماشینی، از کارگاه‌های خانگی و فامیلی به کارگاه-های بزرگ، از تولیدات کوچک به تولیدات بزرگ روی آوردند و سر انجام این تحول شکل جدید زندگی را برای بشر رقم زد. (برعی، ۱۹۸۲). این تحول تنها بر کشورهای اروپایی تأثیرگذار نبود بلکه دامنه انقلاب صنعتی بر کشورهای آسیایی و جوامع اسلامی نیز سایه افکند و گسترش یافت، تمام مراحل انقلاب صنعتی بر جوانب مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی، تعلیمی و دینی جوامع اسلامی تأثیر گذاشت. (فقی، ۲۰۱۸).



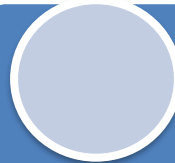
نسل اول انقلاب صنعتی
• انقلاب صنعتی اول در
اواخر قرن هجدهم و
اوایل قرن نوزدهم اتفاق
افتاد و با اختراعات
موتور بخار و ماشین‌های
بافندگی آغاز شد.



نسل دوم انقلاب صنعتی
• انقلاب صنعتی دوم در
اواخر قرن نوزدهم و
اوایل قرن بیستم رخ داد
و با استفاده گسترده از
برق، تولید انبوه، و
اختراعاتی مانند تلفن و
موتور احتراق داخلی
همراه بود.



نسل سوم انقلاب صنعتی
• انقلاب صنعتی سوم در
اواخر قرن بیستم و اوایل
قرن بیست و یکم به
وقوع پیوست و با ظهور
تکنولوژی‌های دیجیتال،
اینترنت، و کامپیوتر
مشخص می‌شود.



نسل چهارم انقلاب صنعتی
• انقلاب صنعتی چهارم که
در حال حاضر در
جریان است، با استفاده
از تکنولوژی‌های
پیشرفته‌ای مانند هوش
مصنوعی، اینترنت اشیا،
بیگ دیتا، و رباتیک
مشخص می‌شود.

٤، ١- تأثیرات اقتصادی تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی

انقلاب صنعتی نه تنها بر تجارت، اقتصاد جوامع اسلامی تأثیرات ژرف و عمیق داشته است، بلکه در ساختارهای اساسی و شکل گیری جامعه اسلامی نیز تغییرات چشم گیری را به وجود آورده است، تأثیرات آن امروز در تمامی جوامع اسلامی مشهود و ملموس بوده و هیچ صاحب بصارت و بصیرت نمی تواند نقش تحولات صنعتی را در جوامع اسلامی انکار نماید، برخی از تأثیرات اقتصادی انقلاب صنعتی قرار ذیل اند:



«فابریکه نساجی افغان یلغمری رو به رکود نهاده است»

٤، ١، ١- تأثیرات تحولات صنعتی بر تولیدات: یکی از

اصلی ترین تأثیرات انقلاب صنعتی در جوامع اسلامی تحول از تولید دستی به تولید جمعی و مکانیزه است، این تغییر و تحول با وارد شدن ماشین آلات به صنعت، بازارکار و عرصه فعالیت های اقتصادی زمینه های بهره وری بیشتر و کاهش هزینه های تولیدی را مساعد گردانیده و تولید انبوه کالا و

خدمات را به بازارها افزایش داده است، بدون تردید تولید کالا و عرضه خدمات معیاری و استاندارد بزرگترین عامل رشد و توسعه اقتصادی در یک کشور است، به طور مثال وقتی که ماشین آلات وارد مرحله ریسندگی و بافندگی در فابریکه ها گردید، از یک سو چندین برابر بر تولیدات فابریکه های نساجی افزایش به میان آمد و از سوی دیگر بر کیفیت کالای تولید شده بهبود و تغییرات مثبت و سازنده وارد گردید این دو امر چرخه اقتصادی جوامع اسلامی را به حرکت در آورد، به همین منوال با وارد شدن صنعت بر چاپخانه ها، فابریکه های صنعتی، فابریکه های پروسس و ذخیره سازی لبنیات، و فابریکه های سیمنت، شکر و غیره بیش از ده ها مرتبه بر تولیدات آنها افزایش به میان آمد و از طریق افزایش تولیدات، افزایش قیم کالا، امتعه و توسعه اقتصادی یک امر حتمی است، و به خصوص نسل چهارم تحولات صنعتی که ترکیبی از چندین نوآوری مهم در فناوری دیجیتال است، مانند رباتیک پیشرفته، هوش مصنوعی، حسگرهای پیشرفته، تجزیه و تحلیل و ضبط داده ها، ساخت دیجیتال، مدل های جدید بازاریابی، گوشی های هوشمند و عامل پهباد، تأثیرات عمیقی بر تولید و قیم کالا و امتعه در جوامع بشری به شمول جوامع اسلامی گذاشته است. (part of 2019)

٤، ١، ٢- تأثیرات تحولات صنعتی بر توسعه صنایع و کارخانه ها: انقلاب صنعتی باعث توسعه

صنایع و ایجاد کارخانه های بزرگ در جهان اسلام شد، امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی کارخانه های بزرگ نساجی، ماشین آلات، صنعت موتر و چاپخانه های بزرگ فعالیت دارند، تولیدات

پوهنمل عبدالقهار صمیم

آنها مطابق با استاندارد جهانی است، افغانستان قبل از اشغال شوروی سابق از چنین موقعیتی برخوردار بود، تولیدات زیاد و استفاده از ماشین آلات به جای کار دستی باعث افزایش تولید و کاهش هزینه های تولید شد، این تغییرات منجر به ظهور صنایع مختلف، کارخانه ها و ایجاد شغل های جدید در جوامع اسلامی گردید، و زمینه ثروت سازی عظیمی را برای کارخانه داران، صنعتگران و شرکت های بزرگ صنعتی، مساعد ساخت، و شیوه توزیع بهتر ثروت را در جوامع اسلامی تضمین نمود، و درکنار آن به ایجاد بازارهای جدید منجر شد. (خلیفه، ۲۰۱۹).

۴، ۱، ۳- تأثیرات تحولات صنعتی بر تغییرات بازار کار: با توسعه صنایع و کارخانه های تولیدی نیاز به نیروی کار فنی و مسلکی در بازارکار افزایش یافت، و بسیاری از افراد در پی آموزش های مسلکی برآمدند و با تخصص های ویژه در کارخانه ها مشغول به کار شدند، این تغییرات باعث پیشرفت در ساختار بازار کار شد، امروز افراد زیادی در کشورهای اسلامی مشغول کار و فعالیت در شرکت های خطوط هوای، قطار آهن، حمل و نقل زمینی، کارخانه های ریسندگی، ساختمان سازی، شرکت های ذوب آهن، استخراج معادن با استفاده از محصولات صنعتی، کمپیوترسازی، موتورسازی، اسلحه سازی، تهیه ماشین آلات مختلف و بخش های مختلف فناوری، شرکت گوگل، مایکروسافت، فیسبوک، واتساپ، سافت ویرها و... مصروف کار استند (خلیفه، ۲۰۱۹).

۴، ۲- تأثیرات اجتماعی تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی:

انقلاب صنعتی همچنان منجر به تغییرات اجتماعی قابل توجهی در جوامع اسلامی گردید، بزرگترین تغییرات تحول صنعتی افزایش شهر نشینی بود، مردم از روستاها جهت کارایی در کارخانه ها به شهرها سرازیر گردیدند، این موضوع سبب رشد سریع شهرهای صنعتی در جهان اسلام گردید، ولی در کنار این تغییرات، چالش های بزرگی چون افزایش تراکم جمعیت، آلودگی محیط زیستی، مشکلات کلان صحتی و اجتماعی را نیز در پی داشت. (غرایبه، ۲۰۲۱).

۴، ۲، ۱- تأثیرات انقلاب صنعتی بر سطح زندگی: تأثیرات حقیقی انقلاب صنعتی قبل از هرچیز دیگر بر سطح زندگی بشر سایه افکنده بود، ولی با آنهم به علت نبود زمینه های شغلی، پایین بودن مزد کارگر، و عدم توازن میان مزد و قیمت مواد غذایی، تا اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم سطح زندگی اکثریت ساکنان زمین، تحول قابل ملاحظه و ملموسی را ندیده بود، اما در خلال انقلاب صنعتی صنایع و کارخانه ها رشد کرد و زمینه های شغلی بیشتری ایجاد گردید، این امر منجر به جذب بیشتر نیروی کار و بلند رفتن میزان مزدکارگران شد، و آهسته آهسته سطح زندگی بشر در سراسر جهان به شمول

کشورهای آسیایی و اسلامی در بخش خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها و زیستنی‌ها بهتر شد. (غرایبه، ۲۰۲۱).

۴، ۲، ۲- تأثیرات انقلاب صنعتی بر سطح زیربنایی: در خلال قرن نهم ساخت و ساز زیربناها در تمام شهرهای صنعتی جهان به گونهٔ سریع آغاز شد، شرکت‌های بزرگ ساختمانی آغاز به ساخت و ساز آپارتمان‌ها، بلاک‌های رهائشی و تجارتي و شبکهٔ آب‌رسانی، سیستم فاضلاب، شفاخانه، راه‌های مواصلاتی، تسهیلات ارتباطی و... نمودند، این صنعت آهسته آهسته بر کشورهای در حالت توسعه و سرانجام به کشورهای جهان سوم و اسلامی راه یافت. (سیف الدین، ۱۳۱۸). و امروز خوشبختانه ما شاهد بزرگترین آسمان خراش‌ها در کشورهای اسلامی به شمول برج خلیفه در دبی، برج ساعت در شهر مکه معظمه و برج سنابل در کویت هستیم.

۴، ۲، ۳- تأثیرات انقلاب صنعتی بر سطح غذایی: در جریان نسل‌های مختلف انقلاب صنعتی



تأثیرات زیادی در سطح غذایی جوامع بشری و به خصوص جوامع اسلامی به وجود آمده است، قبل از انقلاب صنعتی جهان به تنوع غذایی آشنا نبود؛ زیرا از طریق نیروی بشری و زراعت سنتی و شکار حیوانات و پرندگان به مشکل، نیازهای اولیهٔ خویش را برآورده می‌ساختند، اما با صنعتی شدن زراعت تنوع غذایی بیشتر و

فرآورده‌های بیشتر غذایی، از طریق آموختن نحوهٔ کشاورزی مسلکی، استفاده از کودهای کمیایی، بذر تخم‌های اصلاح شده، و انکشاف انواع پیوندها به دست آمد، این موضوع سبب بلندرفتن سطح بهتر و تنوع غذایی در جهان و به تبع آن در کشورهای اسلامی گردید، اما زراعت تنها منبع تأمین کنندهٔ مواد غذایی نیست بلکه در کنار آن منبع خوبی تهیهٔ مواد خام برای صنعت نساجی در جهان است، از پنبه و پشم در تولید پارچه‌های مختلف برای تهیهٔ انواع البسه استفاده می‌گردد. (فقی، ۲۰۱۸).

۴، ۲، ۴- تأثیرات تحولات صنعتی بر محصولات زراعتی: تحولات صنعتی بر افزایش محصولات زراعتی در جوامع اسلامی نیز تأثیر گذاشته است، قبل از انقلاب صنعتی محصولات زراعتی در مقیاس کوچک به شکل دستی و با ماشین‌آلات ساده و بسیار ابتدایی که در کارگاه‌های کوچک تولید می‌شدند تولید می‌گردید، نیروی محرک و منبع انرژی کارگاه‌ها را حیوانات، انسان‌ها، باد و آب تأمین می‌کرد، دستگاه‌های روغن‌کشی را اسب‌ها می‌چرخاندند تا عصارهٔ دانه‌های روغنی را بگیرند، گاوها نقش مهم در زراعت داشتند، انسان‌ها هم نیروی فیزیکی دیگری بودند که در کنار حیوانات، و آب و باد به کارگرفته می‌شدند، اما بعد از انقلاب صنعتی با وارد شدن ماشین‌آلات جدید و منبع انرژی جدید در

پوهنمل عبدالقهار صمیم

کنار نیروی انسانی، حیوانی، آب و باد در محصولات زراعتی چندین برابر افزایش به میان آمد. (فقی، ۲۰۱۸).

۴، ۲، ۵- تأثیرات انقلاب صنعتی بر سطح صحت: مهمترین بخش تأثیرگذاری انقلاب صنعتی بخش صحت و بهداشت است، قبل از انقلاب صنعتی بشر با طبابت ابتدایی، طب وقایوی، طبابت گیاهی، حیوانی و معدنی. (احمد، ۱۹۹۰م). شفایابی از طریق کاهنان معابد. (دفاع، ۱۴۰۶). داغ کردن جسم. (سرجانی، ۱۴۳۰). و بعضاً با سحر و جادو و افسونگری و خرافات و اساطیر رو برو بود. (عفیفی، ۱۹۷۷م). اگرچه قبل از انقلاب صنعتی روش طبابت در نتیجه کشف و اختراعات علمی طیبیان مسلمان چون ابن سینا، رازی و زهرای تغییر کرد و از حالت سنتی به حالت پیشرفته، از طبابت ابتدایی به جراحی مسلکی و از طبابت نباتی به کمیای در آمد.



(مظهر، ۱۹۷۴). ولی بعد از انقلاب صنعتی تأثیرات ملموسی در بخش صحت و بهداشت تمام جوامع بشری، به شمول کشورهای اسلامی به میان آمد، امروز صنعت جز لاینفک طبابت قرار گرفته و در بخش تشخیص امراض و عملیات های جراحی نقش مؤثری را ایفا می نماید و بدون به کار بستن ماشین آلات طبی، پای طبابت امروزی لنگ خواهد بود.

۴، ۲، ۶- تأثیرات انقلاب صنعتی بر روند حمل و نقل: یکی از مهم ترین مورد تأثیر پذیر از انقلاب صنعتی روند حمل و نقل در جوامع اسلامی است، قبل از انقلاب صنعتی برای حمل و نقل در سفرهای بری از نیروی حیوانی آلاخ، اسب، قاطر، شتر و عرابه، در سفرهای دریای و نهادهای بزرگ از کشتی - های بادی و کشیدن تناب توسط نیروی بشری و حیوانی و... استفاده می کردند. (برعی، ۱۹۸۲). اما بعد از انقلاب صنعتی تحول عظیمی در روند حمل و نقل به میان آمد، وسایط نقلیه از اسب و شتر به موتر، قطار، هواپیما تبدیل شد، مسلمانان در جوامع اسلامی امروزی مسافت های یک ماهه را طی چند ساعت می پیمایند.. قرآن کریم هم از تحول صنعت پرده برداشته است و تحولات جدید و وسایط نقلیه را در دراز مدت پیشبینی نموده است. (نابلسی، ۱۳۸۴). الله



حکمت قطار دبی - بهترین تصاویر

سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿وَالتَّيْلَ وَالبَغَالَ وَالحُمَيْرَ لِرَکْبُوها وَ زینةً وَ یَخْلُقُ ما لا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۸). و (خدا) اسب ها، شترها و الاغ ها را (آفریده است) تا بر آنها سوار شوید و زینتی باشند،

چیزهایی را (برای حمل و نقل و طی مسافت) می آفریند که (شما هم اینک چیزی از آنها) نمی دانید. منظور از «وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» ماشین ها و هواپیماها و سفینه های فضایی و قطارها و دیگر وسایل و مرکب های سریع السیری است که مولود استعدادی است که خدا به انسانها داده است. (خرم دل، ۱۳۹۳).

۴، ۳- تأثیرات سیاسی تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی

انقلاب صنعتی نقطه عطف در ایجاد شکاف توسعه و پیشرفت میان کشورها می باشد؛ زیرا انقلاب صنعتی تنها تحول وابسته به جهان صنعت و تکنالوژی نیست، بلکه تحول استراتژیک است که ساختار نظامی و سیاسی جهان تحت تأثیر انقلاب صنعتی تغییر کرد، برخی از کشورهای اسلامی که پیش از انقلاب صنعتی در جهان بودند به قدرت های بزرگ جهان و منطقه تبدیل شدند، مانند کشور پاکستان و برخی از کشورهای اسلامی که از مواد اولیه (معادن) و انرژی (نفت) برخوردار بودند، اهمیت استراتژیک پیدا کردند، چون عربستان، ایران، عراق، کویت، امارات متحده، قطر، مصر، سوریه و... برخی از کشورهای اسلامی که دارای صنعت ساختمانی برتر در منطقه بودند اهمیت اقتصادی پیدا کردند، مانند: کشور امارات متحده عربی، توازن قدرت سیاسی باعث کمال سیاست ها، نظام ها و قوانین در جوامع بشری گردیده روابط سیاسی دولت ها را تنظیم می نماید.

۴، ۳، ۱- تأثیرات تحولات صنعتی بر روابط دیپلماتیک: مؤثرترین بخش تأثیرات سیاسی تحولات صنعتی را تحول روابط دیپلماتیک بین کشورها تشکیل می دهد، به طور مثال دولت امارات متحده عربی براساس همین رابطه دیپلماتیک سیاسی از میان کشورهای جهان بر منصب سفیر دولت انقلاب صنعتی چهارم تکیه زد، و عنقریب دولت امارات متحده عربی به خاطر ایجاد شرکت های ساختمانی جدید در جهان به عنوان صنعت برتر، اشراف و نظارت از قوانین و سیاست های حامی انقلاب صنعتی چهارم و جلب و جذب بهترین تجارت برای کشورها، عنوان سفیر تقویت روابط دیپلماتیک تکنالوژیکی را در منطقه از آن خود برگرداند، و من بعد به عنوان سفیر برای ایجاد فرصت های تعاونی و تبادل تجارت تکنالوژی و ایجاد پل ارتباطی بین سکتورهای صنعتی و تعلیمی و تنظیم روابط شرکت های دولت امارات با شرکت ها و موسسات پیش از در عرصه تکنالوژی انقلاب صنعتی چهارم فعالیت می کند، تا در ایجاد محیط آراسته با تکنالوژی و صنعت نسل چهارم نقش اساسی داشته باشد و بتواند نتایج مثبت این روابط را به سکتورهای سیاسی و اقتصادی گسترش دهد. (غرایه، ۲۰۲۱). این در حالی است که قبل از این مسئولیت تامین روابط انقلاب صنعتی و دیپلوماسی تکنالوژیکی را امپراطوری های بزرگ و کشورهای صنعتی دنیا مانند انگلستان، روسیه و فرانسه بدوش داشتند.

پوهنمل عبدالقهار صمیم

۴،۳،۲- تأثیرات تحولات صنعتی بر بخش نظامی: مهمترین تأثیرات سیاسی تحولات صنعتی،

تحول در بخش‌های نظامی کشورهای جهان و جوامع اسلامی است، قبل از انقلاب صنعتی کشورها از وسایل و ابزار رزمی بسیار ابتدایی مانند اسب، شمشیر، نیزه، تیر و کمان به شکل بسیار ساده و بسیط در جنگ‌ها استفاده می‌کردند، اما بعد از انقلاب صنعتی تحولات عظیمی در عرصه نظامی به وجود آمد، وسایل و ابزار جنگی و نظامی هم به تدریج به اسلحه خفیه و ثقیله از قبیل توپ، تانک، طیاره، موشک، راکت‌های دور بر، انواع کلاهک‌های هسته‌ای، بمب‌اتم و طیاره‌های بی‌سرنشین تبدیل شد، امروز ما شاهد این همه تحولات در کشورهای اسلامی از طیاره‌های بی‌سرنشین کشورهای ترکیه، سعودی، قطر، امارات متحده عربی، نایجریا، عراق، مصر و ایران گرفته تا بمب‌اتم کشوری پاکستان و... استیم. (اسپارو، بی تا).



پهباد مسلم بايراکتار (بی‌قادر) ساخت ترکیه

۴،۳،۳- تأثیرات تحولات صنعتی بر بخش‌های استخبارات: همانگونه که تحولات صنعتی در بخش‌های دیپلوماسی و نظامی سبب تحول عظیمی گردیده است به همین منوال تحولات صنعتی در بخش‌های استخبارات کشورهای اسلامی نیز تأثیرات مهم از خود برجا گذاشته است، قبل از انقلاب صنعتی بخش‌های اطلاعات کشورها تنها از طریق گماشتن افراد خود، و ارسال پیام از طریق تلگراف و کبوتر بخش‌های اطلاعات و جاسوسی را پیش می‌بردند، اما بعد از انقلاب صنعتی تغییرات مهم روی روند بخش‌های اطلاعاتی و جاسوسی کشورها به شمول کشورهای اسلامی به میان آمده است، امروز کشورها از طریق ماهواره‌های اطلاعاتی، نظامی، شنود الکترونیکی، جاسوسی، عکس برداری، و هک کرن سایت‌های امنیتی کشورها، و با استفاده از ایمیل و اینترنت می‌توانند اطلاعات را بدست بیاورند، کشور ترکیه، امارات متحده عربی و ایران از جمله کشورهای اسلامی دارای ماهواره‌های نظامی، اطلاعاتی و جاسوسی در منطقه استند. (السویدی، ۲۰۱۸م).

۴، ۴- تأثیرات فرهنگی تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی

انقلاب صنعتی یکی از نقاط عطف مهم در تاریخ بشر است، این انقلاب تأثیرات قابل توجهی بر ابعاد گوناگون فرهنگی جهان گذاشت، و جوامع اسلامی هم از این تأثیرات بی‌بهره نمانده‌اند، یکی از تأثیرات مهم فرهنگی رشد وسیع رسانه‌های چاپی (روزنامه‌ها و مجلات)، صوتی (رادیوها)، تصویری (تلویزیون‌ها، چاینل‌های یوتیوب و...)، مطابع و چاپخانه می‌باشد که اطلاعات بیشتری از جهان به اسرع وقت به جهانیان اطلاع رسانی می‌کنند، این امر منجر به افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم در جوامع اسلامی شده است.

۴، ۱-۴- تأثیرات تحولات صنعتی بر نظام آموزش و پرورش: انقلاب صنعتی بر نظام آموزش و پرورش نیز تأثیرات داشته است؛ زیرا با انقلاب صنعتی نیاز به نیروی کار متخصص، مسلکی و تحصیل کرده افزایش می‌یابد، این موضوع منجر به تغییرات گسترده‌ی در نظام آموزش و پرورش گردید، امروز پوهنتون‌های جوامع اسلامی شاهد تغییرات بزرگی انقلاب صنعتی به ویژه نسل سوم و چهارم انقلاب صنعتی روی نظام آموزش و پرورش هستند، مراکز تعلیمی، تحصیلی و تحقیقاتی مجهز با اینترنت، کمپیوتر، ال‌سی‌دی، پروجکتور، استدیوهای معیاری، کتابخانه‌های الکترونیکی و لابراتورهای مجهز مطابق مسلک متعلمان و محصلان می‌باشد، این در حالی است که مراکز تعلیمی و تحصیلی ما قبل از انقلاب صنعتی به شکل بسیار ساده از تخته سیاه، طباشیر، قلم نی و دوات استفاده می‌کردند. (بدران، ۲۰۱۸م).

۴، ۲- تأثیرات تحولات صنعتی بر دانش و فناوری: انقلاب صنعتی به گسترش دانش و فناوری در جوامع اسلامی تأثیرات به سزای داشته است، با پیشرفت‌های علم و تکنولوژی نوین، معادله تحقیق و نوآوری‌ها در جوامع اسلامی عوض می‌شود، تالیفات از دست نویس به حالت چاپی در می‌آید، نسخه‌های کیماب خطی به شکل واضح به ورد تبدیل می‌شود، و به خاطر حفظ و نگهداری بهتر و تسهیل بهره‌برداری بسیاری از منابع نایاب علمی، کتاب‌ها، مقاله‌ها، روزنامه‌ها و دیگر منابع چاپی دیجیتالی سازی شده در دسترس عام و خاص قرار می‌گیرند، در ضمن با استفاده از دانش فناوری امروز میلیون‌ها جلد کتاب به شکل کتابخانه‌های مجازی مانند: کتابخانه‌شامله، کتابخانه‌قلم، موسوعه-های علمی، دایرة المعارف‌ها و..تنظیم، و درسی‌دی ذخیره و از طریق انستالیشن در کمپیوترها جابجاگردیده مورد استفاده قرار می‌گیرند، دانشمندان می‌توانند با پنجاه افغانی کتابخانه بزرگ چند صد جلد کتابی را خریداری و باخود حمل نموده و هرگاهی از آن استفاده نمایند، این همه مدیون تحولات صنعتی در جهان بوده که زمینه‌ساز تحولات بزرگ علمی و فنی در قرن‌های بعدی شد. (غرایبه، ۲۰۲۱).

۴، ۳- تأثیرات تحولات صنعتی بر رسانه‌ها: انقلاب صنعتی تحول عظیمی را بر بخش اعلام و رسانه در جهان، به ویژه کشورهای اسلامی به وجود آورده است، این تحول در سه بخش رسانه‌ی رسانه‌های چاپی، صوتی و تصویری تأثیرات چشم‌گیری داشته است، انقلاب صنعتی با فراهم نمودن ماشین چاپ زمینه چاپ سریع رسانه‌های چاپی از قبیل روزنامه‌ها و مجلات را مساعد ساخت تا اخبار مهم و مطالب علمی ارزشمند در کمترین وقت به دسترس خوانندگان قرارگیرد، و ازسوی دیگر تحولات صنعتی با

پوهنمل عبدالقهار صمیم

اختراع رادیو، انتقال امواج رادیویی به صورت پایدار و باکیفیت، تولید زیاد گیرنده‌ها و فرستنده‌های رادیویی، توسعه استگاه‌های رادیویی و امکان پخش برنامه‌های رادیویی در مسافت‌های طولانی اخبار، اطلاعات، برنامه‌های آموزشی، علمی، پزشکی و فرهنگی را به گونه صوتی، دقیق و سریع به گوش مردم اطلاع رسانی می‌کنند، علاوه بر این شبکه تلویزونی برنامه‌های مختلف تصویری از جمله اخبار، تفریحی، آموزشی، سریال‌ها، نشست‌های خبری و... خویش را از طریق امواج رادیویی، ماهواره یا اینترنت به مخاطبان ارسال می‌نماید. (غرایبه، ۲۰۲۱). نمونه بارز آن رادیو و تلویزون ملی افغانستان است، امروز رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های تلویزیونی به عنوان یکی از ابزارهای ارتباط جمعی، جهان را به یک دهکده تبدیل نموده است، و تأثیرات عمیقی بر زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع اسلامی دارند.

۴، ۵- تأثیرات دینی تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی

انقلاب صنعتی بالای ثوابت و متغیرات دینی مسلمانان هیچ نوع تأثیرات نداشته، ندارد و نخواهد داشت، پس منظور ما از تأثیرات دینی تحولات صنعتی تأثیرات روی زیربنایها، تسهیلات و سایل و ابزارکار بردی در مسایل دینی است، قبل از انقلاب صنعتی در مساجد و مراکز دینی از بوریا استفاد می‌شد اما بعد از انقلاب صنعتی از بهترین نوع قالین و فرش‌ها استفاده می‌شود، قبل از انقلاب صنعتی مؤلفان، محققان و پژوهشگران مسلمان از قلم نی، دوات، تخته چوبی و کاغذ برای ثبت آثار علمی شان استفاده می‌کردند، اما بعد از انقلاب صنعتی از قلم‌های نوری و کمپیوتر... استفاده می‌کنند.

۴، ۵، ۱- تأثیرات تحولات صنعتی بر زیرساخت‌های مراکز دینی: یکی از مهمترین تحولات



صنعتی تأثیرات عمیقی انقلاب صنعتی بر زیرساخت‌های مراکز دینی و فرهنگی جهان اسلام است، اگرچه مسلمانان قبل از انقلاب صنعتی در عرصه دست آوردهای معماری و به خصوص زیرساخت مراکز دینی، علمی و فرهنگی از دیگران پیشی گرفته

بودند؛ نمونه‌های بارز آن مسجد الحرام در مکه، مسجد نبوی در مدینه، مسجد قبة الصخره در قدس، مسجد جامع اموی در دمشق. (صلابی، ۱۴۲۹هـ). مسجد جامع زیتونه در تونس، مسجد قرطبه در اندلس نمادی از زیربنای‌های جهان اسلام اند. (صمیم، ۱۳۹۵هـ.ش). اما بعد از انقلاب صنعتی زیر-ساخت‌های مراکز دینی جهان اسلام چهره جدیدی به خود گرفت، و این مراکز مطابق نیاز عصر جدید و با استفاده مواد ساختمانی و لوازم ساختمانی عصر مدرن از قبیل داشتن زینت‌های برقی، نصب آی سی، پکه‌های برقی، قندیل‌های بزرگ، گنبد‌های خودرو، عیاربه سیستم هواشناسی، بلندگو،

میکروفون، ساعت‌های دیجیتالی، فرش و قالین‌ها و... تغییر شکل می‌دهند، نمونه‌های بارز آن زینت‌های برقی مسجد الحرام، گنبد‌های خود رو، که وزن هر کدام به ۸۰ تن می‌رسد، و عیار با سیستم هواشناسی و چتری‌های بزرگ مسجد نبوی می‌باشد. (ar./hotelsplatform.com)

۴، ۵، ۲- تأثیرات تحولات صنعتی بر روند تألیف و تصنیف: مؤثرترین بخش تحولات دینی انقلاب صنعتی بر جوامع اسلامی فراهم شدن تسهیلات روند تألیف و تصنیف است، همانگونه که در بالا اشاره نمودیم، قبل از انقلاب صنعتی مؤلفان، نویسندگان، محققان و پژوهشگران مسلمانان آثار خویش را توسط قلم و کاغذ می‌نوشتند، اما بعد از انقلاب صنعتی تسهیلات فراوان فراهم شد حالا مؤلفان می‌توانند از قلم‌های نوری و کامپیوتر برای تألیف آثار خویش استفاده نمایند، قبل از انقلاب صنعتی برای پیدا کردن یک مطلب باید یک مؤلف، نویسنده، محقق و پژوهشگر صدها جلد کتاب را ورق می‌زد، تا مطلب مورد نیاز را پیدا می‌کرد، و برای این کار باید ساعت‌ها، شب و روزها را سپری می‌کرد، اما بعد از انقلاب صنعتی می‌توانند با یک کلیک کردن در ثانیه‌ها به همان مطلب در هزار جلد کتاب دست یابند، قبل از انقلاب صنعتی در مراکز علمی و دینی جوامع اسلامی تنها از کتابخانه‌های سنتی استفاده می‌کردند. (عجاج، ۱۴۲۲هـ). اما بعد از تحولات صنعتی مراکز علمی و دینی مسلمانان می‌توانند از کتابخانه‌های الکترونیکی و دیجیتالی استفاده نمایند.



۴، ۵، ۳- تأثیرات تحولات صنعتی بر روند طباعتی: بر علاوه از گزینه‌های قبلی یکی از مهم‌ترین بخش تحولات دینی انقلاب صنعتی تأثیرات تحول صنعتی بر روند چاپخانه و طباعتی مسایل دینی و اسلامی است،

مسلمانان از گذشته دور و دراز دارای فکر تألیف و تصنیف در بخش‌های مختلف علمی بودند، و با آنکه مخترع اصلی صنعت طباعت و ماشین چاپ دانشمند مسلمانان علامه زهراوی است که چندین قرن قبل از گوتنبرگ آلمانی آن را اختراع نموده بود. (شوقی، بی تا). ولی تا هنوز میلیون‌ها کتاب مخطوط مسلمانان در کتابخانه‌های مشهور دنیا نگهداری می‌شوند و میلیون‌ها نسخه خطی مسلمانان در کشورهای اروپایی و غربی قرار دارند که از روی قصد و یا عدم دسترسی مسلمانان به آنان از زیور طبع باز مانده اند، همین اکنون حدود یک صد هزار مخطوط عربی تنها در کشور آمریکا و اروپا قرار دارد. (عجاج، ۱۴۲۲هـ). اما بعد از انقلاب صنعتی این صنعت رشد بسیار سریع داشت و توانسته در گوشه گوشه جهان گسترش یابد و کشورهای اسلامی هم از این صنعت بهره‌ء اعظمی بردند، شهر بغداد

پوهنمل عبدالقهار صمیم

عراق مرکز تألیف و ترجمه، و شهر بیروت لبنان مرکز طباعت و چاپخانه امت اسلامی شهرت جهانی دارند، و بهترین نمونه آن چاپخانه قرآنی ملک فهد در شهر مدینه عربستان است، این چاپخانه یکی از بزرگترین مراکز چاپ قرآن کریم در جهان اسلام است، چاپخانه ملک فهد توانایی چاپ قرآن کریم را با نسخ مختلف، با ترجمه‌های مختلف به بیش از ۵۰ زبان دنیا، مجهز با فناوری پیشرفته، استندرد جهانی، قابلیت چاپ ۱۸ میلیون نسخه سالانه داشته که مرکز توزیع رایگان قرآن در سراسر جهان اسلام است.

۵- چالش‌های تأثیرات تحولات صنعتی

به قول پروفیسور کلاوس شواب اقتصاددان آلمانی تحولات صنعتی با تمام داشته‌های فارقۀ تاریخی‌اش که عصر انقلاب صنعتی را از عصور دیگر متمایز می‌سازد، یک سری چالش‌ها و نتایج سلبی را نیز برای جوامع بشری به بار آورده است، مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۵، ۱- **آلودگی آب هوا و تخریب محیط زیست:** نخستین چالش انقلاب صنعتی بر بشری و جوامع اسلامی آلودگی آب و هوا، و تخریب محیط زیست است؛ زیرا افزایش صنایع و کارگاه‌ها در جوامع اسلامی سبب آلودگی آب و هوا، تخریب محیط زیست و گرمایش زمین گردیده و منجر به شیوع امراض گوناگون در جامعه می‌گردد. (سیسی-کلاوس، ۲۰۱۸).

۵، ۲- **افزایش تلفات نیروی بشری و تخریب مبانی در میدان نبرد:** در لشکرکشی‌ها و نبردهای نظامی قبل از تحولات صنعتی آمار تلفات نیروی انسانی، تخریب مبانی محدود و کمتر بود، اما در لشکرکشی‌های عصر تکنالوژی و تحولات صنعتی آمار تلفات نیروی انسانی، کشتارهای جمعی، تخریب مبانی، دکاکین، اراضی و مواشی را در میدان‌های نبرد در نتیجه استفاده از سلاح‌های سبک و سگین در حملات زمینی و هوایی و بهبادی صدها مرتبه افزایش داده است، نمونه روشن آن تلفاتی انسانی و تخریب مبانی در سرزمین غزۀ فلسطین عربی است.

۵، ۳- **بحران‌های اقتصادی:** پروفیسور کلاوس شواب می‌گوید: یکی از چالش‌های انقلاب صنعتی بحران‌های اقتصادی و مالی در جهان است، جهان در نتیجه محصولات صنعتی و به خصوص بازار بورس و اوراق بهادار است.

۵، ۴- **سرقت‌های علمی و ادبی:** چالش دیگری تحولات صنعتی در بعد علمی سرقت‌های علمی و ادبی است، امروز برخی از نویسندگان با استفاده از تکنالوژی و فناوری مدرن دست به سرقت علمی و ادبی می‌زنند، سخن دیگران را انتحال نموده به خود نسبت می‌دهند و مطالب دیگران را کاپی و پست نموده به نام خود چاپ می‌نمایند.

۵.۵- **سوی استفاده تکنالوژیکی:** یکی از مهم‌ترین چالش‌های تحولات صنعتی سوی استفاده ابزاری از تکنالوژی است، امروز با استفاده از تکنالوژی سرقت‌های پولی از بانک‌ها صورت می‌گیرد، سیستم‌ها و کدهای امنیتی کشورها و سران کشورها ردیابی، جنگ‌های سایبری راه اندازی، بر حریم خصوصی اشخاص تعرض نموده شنودها و استراق السمع‌ها صورت می‌گیرد و سبب اذیت و آزار فامیل‌ها، ربودن عزت و شرف دختران عفیفه، فرار از منزل و تماس‌های نامشروع پنهانی و... صدها معضل اجتماعی می‌گردد.

۵،۶- **جایگزینی هوش مصنوعی:** چالش بزرگی که امروز جهان را تهدید می‌کند جایگزینی هوش مصنوعی بر جایگاه نیروی انسانی و بشری است، امروز در رستوران‌ها از هوش مصنوعی به عنوان خدمه، در مزارع و شرکت‌ها به عنوان کارگر استفاده می‌شود، حتی در مسایل عاطفی و جنسی قرار است جای‌گزین همسران شود، همان نیازهای که مردان به خانم‌ها دارند مانند مهر، عاطفه و اشباع غریزه جنسی از طریق هوش مصنوعی و ربات‌ها برآورده می‌شود، و درآینده نزدیک شاید از ربات‌ها به عنوان نیروی نظامی در میدان‌های نبرد استفاده شود و این بزرگترین فاجعه انقلاب صنعتی در جهان است. وطفه، ۲۰۱۹).

۶- نتایج یافته‌ها:

مهم‌ترین تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی قرار ذیل است:

۱- تغییرات اقتصادی و صنعتی بر جوامع اسلامی: یکی از مهم‌ترین تأثیرات تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی مکانیزه شدن زراعت و صنعت، و افزایش استفاده از تکنالوژی و ماشین آلات زراعت و صنعت است.

۲- توسعه تجارت و صنعت در جوامع اسلامی: پیشرفت‌های صنعتی در جوامع اسلامی سبب تحول عظیم در زیر ساخت‌های اقتصادی و افزایش تجارت داخلی و بین‌المللی شد.

۳- تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر جوامع اسلامی: تحولات صنعتی با ایجاد فرصت‌های شغل زایی در کشورهای اسلامی باعث تغییر در رفتارهای اجتماعی و فرهنگی گردید.

۴- تغییرات آموزش و تحقیقاتی بر جوامع اسلامی: تحولات صنعتی باعث شد تا جوامع اسلامی به شکل تدریجی در عرصه‌های علمی، فنی و تحقیقاتی پیشرفت نمایند.

۵- تحولات سیاسی در جوامع اسلامی: تحولات صنعتی منجر به تغییر نظام و قدرت‌های سیاسی در جوامع اسلامی گردید.

پوهنمل عبدالقهار صمیم

۶- تاثیرات منفی تحولات صنعتی بر جوامع اسلامی: تحولات صنعتی باعث از دست دادن مشاغل سنتی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و ارزش شکنی‌ها در جوامع اسلامی گردید.

۷- مناقشه:

همانگونه که در بالا تذکر رفت تحولات صنعتی تاثیرات مثبت و منفی بر جوامع اسلامی در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی دارد:

- مشکل ایجاد توازن میان سنت و مدرنیته، برخی‌ها بدین نظر استند که پذیرش بی‌قید و شرط صنعت مدرن در جوامع اسلامی، منجر به از بین رفتن هویت دینی و فرهنگی می‌شود، اما باید با نظارت و رعایت اصول اخلاقی اسلام از تکنالوژی و علم باید استفاده شود.

- می‌توان به شدن زراعت و صنعت باعث کاهش اشتغال در بخش‌های سنتی و نابرابری اجتماعی می‌گردد، بلی: تحولات صنعتی در کنار کاهش اشتغال در بخش‌های سنتی و نابرابری اجتماعی ده‌ها شغل دیگر را نیز ایجاد کرده است از این طریق می‌تواند اشتغال زایی نموده و عدالت اجتماعی را به وجود بیاورد.

- تغییر در سبک زندگی و گسترش رسانه‌های غربی می‌تواند منجر به هویت دینی، غرب‌گرای و تهاجم فرهنگی شود، پس باید از این تحولات به نحوه استفاده کرد که منافع فرهنگی و دینی جوامع اسلامی به عنوان خط، سرخ حفظ شود.

- تحولات صنعتی می‌تواند منجر به مشکلات اجتماعی، افزایش جرایم، و اختلال در روابط خانوادگی شود، ولی مسلمانان می‌توانند از طریق نهادهای ساختن باورهای دینی، پیاده نمودن ارزش‌های اخلاقی از تحولات صنعتی، طوری بهره برداری نمایند که کوچکترین ضرری به اجتماع پدید نیاید.

۸- پیشنهادات:

۱- برای دولت مردان امارت اسلامی افغانستان پیشنهاد می‌نمایم، تا زمینه استفاده مؤثر از دست آورد-های انقلاب صنعتی را در عرصه‌های مختلف زندگی برای مردم افغانستان مساعد نمایند.

برای رهبری پوهنتون‌های افغانستان به ویژه پوهنتون البیرونی، پیشنهاد می‌نمایم، برای بهتر شدن آموزش و تحقیقات علمی از وسایل و ابزار معاصر، استفاده نمایند.

۲- و برای علما و دعوت‌گران پیشنهاد می‌نمایم، برای ابلاغ رسالت علمی خویش از منبر الکترونیکی و صفحات اجتماعی با استفاده از تکنالوژی معاصر ادای مسؤولیت نمایند.

۹- نتیجه‌گیری:

از خلال تحقیق فوق به نتایج ذیل دست یافتیم .

- انقلاب صنعتی در واقع «کاهش سهم انسان و افزایش سهم تکنولوژی» است.
- انقلاب صنعتی یکی از مهم‌ترین نقطه عطف در تاریخ بشر است؛ زیرا این تحول سطح زندگی و سبک زندگی بشر را در جهان به ویژه در جوامع اسلامی متحول و دگرگون کرد.
- انقلاب صنعتی با سایر انقلاب‌های جهان به ویژه انقلاب‌های سیاسی تفاوت دارد، یگانه انقلابی که بدون قیادت و رهبری جهان را تسخیرکرد انقلاب صنعتی است.

- انقلاب صنعتی دارای جنبه‌های مثبت و منفی بوده است:

الف- تأثیرات مثبت تحولات صنعتی بر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی، آموزشی، فرهنگی، نظامی، سیاسی، دینی و... جوامع اسلامی به مراتب بیشتر و مؤثرتر بوده است.

ب- و درعین حال تحولات صنعتی تأثیرات منفی نیز بر محیط زیست، افزایش تلفات و کشتار- جمعی در لشکرکشی‌ها و نبردهای نظامی، سرقت‌های علمی و ادبی، سوی استفاده از تکنالوژی و پایین آمدن کیفیت برخی از تولیدات داشته است.

- باید یاد آور شویم که در تأثیرگذاری منفی تحولات صنعتی دو عامل نقش بساری کلیدی دارد: یکی عدم سازگاری برخی از فرآوردهای انقلاب صنعتی با ارزش‌های اخلاقی جامعه اسلامی. و دوم عدم نهادینه شدن دقیق با ورهای دینی است.

در کل می‌توان گفت: تحولات صنعتی دو نقطه عطف بزرگ و جدی در تاریخ بشر داشته است: یکی رشد اقتصادی بلند مدت را برای بشریت رقم زد. و دوم مسیر زندگی بشر را برای همیشه تغییر داد.

منابع

قرآن كريم:

احمد (١٩٩٠م)، تاريخ العلوم عند العرب، دار النهضة العربية، بيروت، ص ٤٨.
بدران، عبدالله، (٢٠١٨م)، الثورة الصناعية الرابعة الشغف بالمستقبل الغامض، مجلة التقدم العلمي، (عدد: ١٠٣)، مؤسسة التقدم العلمي، الكويت، ص ٥٨.

بدران، ابراهيم، (٢٠١٨م) الدورة الصناعية في تقدم التعليم، [http:// wwibrahimbadiran. com](http://wwibrahimbadiran.com)
برعى، أحمد حسن، (١٩٨٢)، الثورة الصناعية وآثارها الاجتماعية والقانونية، دارالفكر العربي، قاهره، ص ٩-١١.

خرم دل، مصطفى، (١٣٩٣)، تفسير نور، چاپ دهم، انتشارات احسان، تهران، ص ٥٠٠.
خليفه، إيهاب، (٢٠١٩)، تأثير الثورة الصناعية الرابعة على الأمن القومي، دارالعربي للنشر والتوزيع، القاهرة، ص ٢٥-٢٩.

دفاع، على عبدالله، (١٤٠٦)، رواد علم الطب في الحضارة الإسلامية، چاپ اول، مؤسسة الرسالة، بيروت، ص ١٦.

سرجاني، راغب، (١٤٣٠)، قصة العلوم الطبية في الحضارة الإسلامية، چاپ اول، مؤسسة إقرأ للنشر و التوزيع و الترجمة، القاهرة، ص ١٦.

سويدى، د. جمال سند، (٢٠١٨م)، التطور التكنولوجي و الثورة الصناعية الرابعة، (ب ن)، امارات متحده عربى، ص ٣.

سيسى، عبدالمنعم- كلاوس شواب، (٢٠١٨م)، خمسة تحديات رئيسية تواجه العالم، <https://www.alwafd.news>. (ب ن).

سيف الدين، (١٣٨٣)، مباني برنامہ ريزى شهرى، انتشارات آييز، تهران، ص ١٠.
شوقى، أبو خليل، (ب ت)، علماء الأندلس إبداعاتهم المميزة و أثرها في النهضة الأوروبية، دار الفكر، دمشق، سوريه، ص ٣٢.

صلايى، على محمد محمد، (١٤٢٩ هـ)، الدولة الأموية عوامل الإزدهار و تداعيات الإنهيار، چاپ- دوم، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ج ٢، ص ٧٥.

صميم، عبدالقهار، (١٣٩٥هـ ش)، دست آوردهای تمدن اسلامی، انتشارات تمدن شرق، کابل، ص ١٥٩.

پوهنمل عبدالقهار صميم

عجاج، محمد، (١٤٢٢هـ)، لمحات في المكتبة و البحث و المصادر، چاپ نزد هم، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان، ج ١، ص ٤٧-٥٦.

عفيفي، محمد صادق، (١٩٧٧م)، تطور الفكر العلمي عند المسلمين، مكتبة الخانجي، القاهرة، ص ١٧٠.

غرايه، ابراهيم (٢٠٢١)، الثورة الصناعية الرابع-التحدى و الإستجابة، الجامعة الأردنية، مركز الدراسات الاستراتيجية، عمان، ص ١٤٤ و ٣٢٤ و ٣٢٧.

فقي، محمد عبدا لقادر، (٢٠١٨)، الثورات الصناعية الأربع: إطالة التاريخية، مجلة التقدم العلمي، (عدد: ١٠٣)، مؤسسة التقدم العلمي، الكويت، ص ٩-١٤.

مظهر، جلال (١٩٧٤)، حضارة الإسلام وأثرها في الترقى العالمى، مكتبة الخانجي، القاهرة، ص ٣٢١-٣٢٢.

معلومات لا تعرفها عن قباب المسجد النبوي .<https://www.hotelsplatform.com./ar>.

نابلسي، محمد راتب، (١٣٨٤)، دايرة المعارف اعجاز علمى در پرتو قرآن و سنت چاپ اول، انتشارات احسان، تهران، ص ٤٠٤.

وطفه، على أسعد، (٢٠١٩م)، الثورة الصناعية الرابعة: فرص و تحديات، .researchgate.net.
<https://www>. (ب ن)، ص ١١-٢٠.

Industry 4.0: Industrial Revolution of the 21st Century, Elena G. Popkova, Yulia V. Ragulina, Aleksai V. Bogoviz Editors, Springer International Publishing AG, part of Springer Nature 2019.p:123.

اهمیت تحولات صنعتی از نظر اسلام

پوهنمل زمري محمدی^{*۱}

۱. دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول - ایمیل: zemaray79@gmail.com

چکیده

تحولات صنعتی، عامل ترقی و تعالی کشورها بوده، که زمینه رفتن به سوی تکنالوژی برتر را مساعد می‌سازد، اسلام چه به تعریف عام و چه به عنوان لقب شریعت محمد صلی الله علیه وسلم خود از پایه گذاران تمدن در تاریخ بشر است، تحقق قسط و عدالت، عمارت و آبادانی زمین، آسایش انسان از مهمترین اهداف اسلام در جهان کنونی را تشکیل می‌دهد، به منظور تحقق مولفه‌های فوق الله متعال منابع کار بردی در این راستا را در زمین به ودیعت گذاشته است، تا بشر بتواند آنرا استخراج نموده در راستای تسخیر هستی و فراهم سازی تسهیلات لازم زندگی از آن استفاده نماید، تحقیق پیرامون اهمیت تحولات صنعتی از نظر اسلام عامل مهم مشوق پژوهش‌ها در این زمینه است، زیرا، قوی‌ترین انگیزه برای اجرای هر امری انگیزه دینی است، اسلام آنچه در جهان است را برای انسان خلق نموده است و آن را نعمتی برای انسان دانسته که در صورت عدم استفاده یا تعلل و کوتاهی در آن مورد سوال و بازخواست قرار می‌گیرد، بیان اهمیت این مأمول از نظر اسلام از یک طرف جایگاه بلند علمی و تمدنی اسلام را به نمایش می‌گذارد از جانب دیگر استفاده از تمدن و صنعت را اخلاقمند و ضابطه مند می‌سازد، اسلام نمی‌گذارد تمدنی در جهان خلق شود که نسل و نفس انسانی را تهدید نماید، روش تحقیق ما در این پژوهش توصیفی و تحلیلی بوده که مطالب علمی خویش را از کتاب خانه‌های حقیقی، مجازی و سایت‌های انترنتی مفید گردآوری نموده‌ام، تحقیق با مفهوم شناسی آغاز با یافته‌ها، مناقشه، نتیجه گیری، سفارشات و مراجع خاتمه می‌پذیرد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، تحولات، تمدن، صنعت، صنعتی شدن.

The Importance of Industrial Transformations from the Perspective of Islam

Senior Teaching Assistant Zamary Mohammadi ^{1*}

1. Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Alberoni University

* Corresponding Author Email: zemaray79@gmail.com

Abstract

Industrial transformations have been a driving force behind the progress and advancement of nations, paving the way toward superior technologies. Islam, both in its general definition and as the religion revealed to Prophet Muhammad (peace be upon him), is regarded as one of the foundational contributors to civilization in human history. The realization of justice, the construction and development of the earth, and human well-being are among the principal objectives of Islam in the modern world. To fulfill these goals, Almighty Allah has entrusted humanity with various practical resources on earth, enabling mankind to explore and utilize them for the purpose of harnessing the universe and facilitating the necessities of life. Research into the significance of industrial transformations from an Islamic perspective serves as a vital encouragement for further academic inquiry in this field. This is because the strongest motivation for human action is rooted in religious belief. Islam declares that everything in the world has been created for the benefit of humanity, and it considers these resources as divine blessings, the neglect or misuse of which may result in accountability. Highlighting the importance of industrial progress in Islam not only showcases the profound scientific and civilizational status of the religion but also ensures that industrial and technological development is governed by ethical principles and regulations. Islam does not allow for the creation of a civilization that poses a threat to human life or future generations. The research methodology employed in this study is descriptive and analytical, with data gathered from both physical and digital libraries as well as reputable online sources. The study begins with conceptual definitions and concludes with findings, discussion, conclusions, recommendations, and references.

Keywords: Islam, Transformations, Civilization, Industry, Industrialization.

مقدمه

الحمد لله الذي أرسل رسله بالبينات وأنزل معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط وأنزل الحديد فيه بأس شديد ومنافع للناس وليعلم الله من ينصره ورسله بالغيب إن الله قوي عزيز وختمهم بمحمد صلى الله عليه وسلم الذي أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله وأيده بالسلطان النصير.

وبعد: تحولات صنعتی یکی از مهم ترین عوامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع است که از دیدگاه اسلام نیز جایگاه ویژه ای دارد. اسلام، با تأکید بر علم، تحقیق و تسخیر طبیعت، انسان را به استفاده صحیح از منابع و توسعه فناوری های مفید تشویق می کند. اهمیت صنعتی شدن از نگاه اسلام، نه تنها در ایجاد رفاه عمومی، بلکه در تقویت استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی به بیگانگان نیز نمایان است. این تحقیق، به بررسی جایگاه تحولات صنعتی در آموزه های اسلامی می پردازد و تلاش دارد ارتباط میان دین و توسعه صنعتی را نشان دهد.

اهمیت تحقیق

تحولات صنعتی از مهم ترین عوامل پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در جوامع بشری است. از منظر اسلام، صنعت و فناوری ابزاری برای آبادانی زمین، تأمین رفاه عمومی و تحقق عدالت اجتماعی محسوب می شود. با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای اسلامی هنوز به سطح مطلوبی از توسعه صنعتی نرسیده اند، بررسی جایگاه صنعت در آموزه های اسلامی می تواند راهگشای سیاست گذاری های اقتصادی و اجتماعی باشد. این تحقیق اهمیت دارد، زیرا نشان می دهد که اسلام نه تنها با پیشرفت فناوری مخالف نیست، بلکه انسان را به تحقیق، نوآوری و بهره گیری مسئولانه از منابع طبیعی تشویق می کند. همچنین، این پژوهش به تبیین اصول اخلاقی و دینی در صنعت پرداخته و چارچوبی برای استفاده صحیح از فناوری در جوامع اسلامی ارائه می دهد. در نهایت، این تحقیق به بررسی چالش های موجود در مسیر صنعتی شدن کشورهای اسلامی پرداخته و راهکارهایی برای توسعه پایدار و مبتنی بر ارزش های اسلامی پیشنهاد می کند.

سوالات تحقیق

سوالات اصلی:

۱. دیدگاه اسلام درباره تحولات صنعتی و نقش آن در توسعه افغانستان چیست؟
۲. چگونه می توان توسعه صنعتی را در چارچوب ارزش های اسلامی مدیریت و هدایت کرد؟

سوالات فرعی:

۱. چه مبانی و اصول اسلامی بر فرایند صنعتی شدن تأثیرگذار هستند؟
۲. چالش‌های پیش‌روی کشورهای اسلامی در مسیر صنعتی شدن چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف کرد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. اسلام صنعتی شدن را ضروری دانسته و آن را در راستای آبادانی زمین و رفاه عمومی توصیه کرده است.
۲. مدیریت توسعه صنعتی در چارچوب ارزش‌های اسلامی از طریق رعایت اصولی مانند عدالت، امانت‌داری، استفاده مسئولانه از منابع و منع اسراف امکان‌پذیر است.
۳. مبانی اسلامی همچون تسخیر طبیعت، تلاش برای رفاه عمومی و استقلال اقتصادی، زمینه‌ساز پیشرفت صنعتی جوامع اسلامی هستند.
۴. مهم‌ترین چالش‌های صنعتی شدن در کشورهای اسلامی، وابستگی اقتصادی، کمبود سرمایه‌گذاری در فناوری‌های بومی و عدم رعایت اصول اخلاقی در صنعت است که با تأکید بر تحقیق، نوآوری و همکاری میان کشورهای اسلامی می‌توان آن‌ها را برطرف کرد.

روش تحقیق

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، متون اسلامی، تفاسیر قرآن و احادیث نبوی به تحلیل دیدگاه اسلام درباره تحولات صنعتی پرداخته است. همچنین برای بررسی تأثیر صنعتی شدن بر جامعه، از مقایسه تاریخی و مطالعات تطبیقی استفاده شده است. داده‌ها از کتاب‌ها، مقالات علمی، و پایگاه‌های اینترنتی معتبر گردآوری شده‌اند. هدف از این روش، ارائه تصویری دقیق از جایگاه صنعت در اسلام و نحوه بهره‌برداری از آن در جوامع مسلمان است.

اهداف تحقیق

۱. تبیین دیدگاه اسلام درباره تحولات صنعتی و نقش آن در توسعه جوامع.
۲. بررسی تأثیر صنعت بر بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی مسلمانان.
۳. تحلیل راهکارهای اسلامی برای استفاده بهینه از فناوری و منابع طبیعی.
۴. ارائه اصول اخلاقی و دینی برای جلوگیری از سوءاستفاده از صنعت.
۵. تأکید بر لزوم خودکفایی و کاهش وابستگی اقتصادی کشورهای اسلامی.

پیشینه تحقیق (ادبیات تحقیق)

مطالعه جایگاه صنعت و تحولات صنعتی در اسلام، موضوعی است که در متون مختلف اسلامی و پژوهش‌های معاصر مورد بررسی قرار گرفته است. قرآن کریم و احادیث نبوی به‌طور گسترده به اهمیت کار، تولید و استفاده از منابع طبیعی اشاره کرده‌اند. برخی از مفسران، صنعت را یکی از ارکان تمدن بشری دانسته‌اند که در چارچوب احکام اسلامی باید به شکوفایی برسد [ابن عاشور: ۱۹۸۴، ج ۱۱ ص ۲۵۵].

در کتاب "التحریر والتنوير"، ابن عاشور تأکید دارد که صنعت، از جمله مواردی است که اسلام آن را تشویق کرده و مسلمانان را به بهره‌گیری از منابع طبیعی برای توسعه جوامع خود دعوت نموده است. وی در تفسیر آیه ۲۵ سوره حدید، بیان می‌کند که نزول آهن و اشاره به "بأس شدید" نشان‌دهنده نقش کلیدی صنعت در تأمین قدرت اقتصادی و دفاعی جوامع اسلامی است [همان، ج ۱۱ ص ۲۵۵]. همچنین، در کتاب "أحكام القرآن"، امام جصاص بر این باور است که استفاده از صنعت و ابزارهای تولیدی در جهت رفاه جامعه، یکی از دستورات قرآنی است و بر اساس اصل تسخیر طبیعت، انسان‌ها موظف‌اند در مسیر صنعتی شدن و توسعه گام بردارند [الجصاص، ۱۴۰۵: ج ۴ ص ۳۷۸]. از سوی دیگر، مصطفی مراغی در تفسیر خود بیان می‌کند که پیشرفت صنعتی باید همراه با اصول اخلاقی و دینی باشد تا به رفاه عمومی منجر شود و از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. [المراغی: ۱۹۴۶، ج ۲۷ ص ۱۸۳].

در متون معاصر، توجه ویژه‌ای به صنعتی شدن جوامع اسلامی شده است. ساروخانی در کتاب "درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی"، تأکید می‌کند که صنعت، یکی از ارکان توسعه پایدار جوامع است و کشورهای اسلامی برای رسیدن به خودکفایی باید بر فناوری‌های بومی تمرکز کنند. [ساروخانی، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۳۹۶].

این مطالعات نشان می‌دهد که اسلام، صنعتی شدن را نه تنها ضروری می‌داند، بلکه بر مدیریت صحیح و اخلاقی آن نیز تأکید دارد تا موجب عدالت، پیشرفت و استقلال جوامع اسلامی شود.

یافته های تحقیق

مفهوم صنعت

واژه «صنعت» از ریشه «ص - ن - ع» به معنای عمل صانع است که با علم و دقت انجام می‌شود [الفیومی، ص ۳۴۸].

پوهنمل زمیری محمدی

واژه «صُنْع» خاص تر از واژه «فعل» است و بر خلاف فعل به حیوان و جماد نسبت داده نمی شود [الاصفهانى: ۱۴۱۲، ۴۹۳].

صنعت در اصطلاح به معنای حرفه، پیشه و هنر است. برخی گفته اند که صنعت عبارت از استخراج و تبدیل مواد خام، ساخت کالاهای گونه گون و تامین خدمات اجتماعی است [فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵ ص ۴۷۷۳].

صنعت در روزگار ما در تمام امور زندگی انسان ها از جمله زراعت، صحت، نظامی، نساجی و ارتباطات نقش دارد.

کلمه صنعت یک بار در قرآن کریم در باره ی صنعت زره سازی حضرت داود علیه السلام به- کاررفته است اما مشتقات آن (۱۹) بار به کاررفته است و از کشتی سازی حضرت نوح علیه السلام و خانه سازی قوم هود علیه السلام و سازه های فرعونیان، یاد کرده است چنانچه الله متعال در این زمینه می فرماید {وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِینَ کَانُوا یُسْتَظْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِی بَارَكْنَا فِیْهَا وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ الْحُسْنَىٰ عَلَیٰ بَنِی إِسْرَآئِیْلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا کَانَ یَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا کَانُوا یَعْرِشُونَ} [الأعراف: ۱۳۷]

ترجمه: مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم؛ و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت؛ و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخهای مجلل) می ساختند، و آنچه از باغهای داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم!

{وَأَصْنَعُ الْفُلْکَ بِأَعْیْنِنَا وَوَحْیِنَا} [هود: ۳۷]

ترجمه: و (به نوح وحی شد که) کشتی را تحت نظارت ما و برابر تعلیم وحی ما بساز. صنعت به مفهوم عام، به کار سیستماتیک یا منظمی اطلاق می گردد که به منظور تغییر شکل مواد اولیه در جهت خلق ارزش اقتصادی انجام می گیرد. لکن صنعت به معنای خاص، که در تحلیل های اقتصاد کلان از آن سخن به میان می آید مترادف تولید انبوه است که مختص نظام کارخانه ای است. تولید انبوه از طریق صنعت به مفهوم خاص و در مقیاس وسیع آن حاصل می گردد. از این دیدگاه صنعت به فعالیت های کارخانه ای و معدن که در آن از ماشین آلات برقی و تکنیک های پیشرفته تولید استفاده می شود اطلاق می گردد. [فریار: ۲۱، ۱۳۷۵-۲۲].

مفهوم صنعتی شدن

صنعتی شدن (صنعتی کردن)، تجهیز شهر و یا یک منطقه از نظر صنعتی است. در سطح یک کشور، به معنای گذشتن از یک مرحله فعالیت‌های زراعی است که تا پیدایی فرایند صنعت اساسی شناخته می‌شوند، و دستیابی به فعالیت‌های صنعتی یعنی مجموع فنون و حرقی که مواد اولیه را در جهت انطباق با نیازهای انسانی مورد استفاده قرار می‌دهند (به استثنای امور مربوط به فعالیت‌های کشاورزی). [بیرو، آلن: ۱۳۷۵، ص ۱۷۲-۱۷۳].

فرانسوا پرو اقتصاددان فرانسوی، فرایند صنعتی شدن را ساخت‌دهی یک واحد اقتصادی با ادغام نظام ماشینی در درون آن می‌داند، چنانکه کارایی انسان ارتقاء پذیرد [ساروخانی: ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹۶].

با در نظر داشت تعریف فوق از صنعتی شدن، به این نتیجه می‌رسیم که صنعتی شدن یک فرایند است، یا به عباره دیگر گذار از یک مرحله به مرحله دیگر است، یا اینکه استفاه خوبتر و درست تر از منابع خداداد در زمین به منظور تکامل سریع و فراهم سازی تسهیلات لازم زندگی تاسطح رسیدن به حد رفاه.

اهمیت صنعتی شدن از دیدگاه قران

اسلام می‌خواهد حالت مسلمانان بهتر و بالاتر از دیگران باشد، روی این ملحوظ تمام مولفه‌ها که بالای این روند مؤثر است از نظر اسلام مطلوب می‌باشد، ما در ذیل اهتمام اسلام نسبت به این مأمول را مختصراً توضیح می‌دهیم:

تسخیر هستی

طوریکه بنده حساب کردم الله متعال هفده (۱۷) مرتبه سخن از تسخیر در قرآن کریم زده است.

(۲) بار از تسخیر کوها برای داوود علیه السلام.

(۶) مرتبه از تسخیر آفتاب و مهتاب.

(۱) مرتبه از تسخیر آفتاب، مهتاب و همه ستاره گان.

(۲) مرتبه از تسخیر شب و روز.

(۴) مرتبه از تسخیر کشتی و بحر.

(۲) مرتبه از تسخیر همه هستی.

پوهنمل زمري محمدی

به باور بنده، مراد از تسخیر هستی مسلط شدن بالای آن بوده و استفاده از منافع آن است، چنانچه می بینیم در مورد تسخیر بحر و دریا الله متعال صرحتاً می فرماید: {اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ} [الجماعه: ۱۲]

ترجمه: خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانند از فضل او بهره گیرید، و شاید شکر نعمتهایش را بجا آوریدز

در این آیه سخن از تسخیر بحر رفته که به وسیله کشتی رانی از بحر می توان استفاده نمود؛ از کلمه [لتبغوا من فضله] منافع بحری از ناحیه حمل و نقل دریایی است، که ما به وسیله آن می توانیم

در جای دیگر با زهم هم سخن از تسخیر بحر و استفاده از منابع دریایی رفته است چنانچه الله متعال در این زمینه می فرماید: {وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَآخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ} [النحل: ۱۴].

ترجمه: او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید!

لذا تا بالای بحر مسلط نباشیم نه ماهی آن از ماست و نه آب آن، بنا بر این تمام علومى که ما را در تسخیر بحر کمک میکند و هر آن وسایلی که زمینه تسخیر بحر و بیرون ساختن ماهی را برای ما فراهم میسازد تعلیم آن بالای ما لازم و ضروری است

اعداد و تجهیز نیرو

اسلام ما را به تجهیز نیروی امر نموده تا دیگران بالای ما تفوق نداشته باشند چنانچه در این زمینه الله متعال فرموده است: {وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ} [الأنفال: ۶۰]

ترجمه: برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهاي ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید. در آیه فوق سخن از قوت یا نیرو رفته است که هدف تهیه آن هم ترساندن دشمنان خود و دین الله می باشد امروز می دانیم هر آنچه بتواند تفوق یک ملت را بر دیگران ثابت کند، قدرت نامیده می شود؛ برابر سخن است که اقتصاد باشد یا تکنالوژی، سیاست باشد یا فناوری، مطابق به این آیه

مبارکه ایجاب می نماید تا جهت ترساندن دشمنان ما و دین اسلام در میادین مختلف فوق الذکر چنان ید طولاً داشته باشیم تا دست ما به دیگران دراز نشود.

قرآن تا رسیدن به این مرحله از خود کفایی و استقلال از ما می خواهد شب و روز تلاش بورزیم، سعی به خرج دهیم تا کار آزموده ترین نظامیان، قوی ترین تسلیحات، بزرگترین اقتصاد، هوشمندترین فناوری و اطلاعات، شگوفاترین مرحله علمی و پژوهشی را به میان آریم، تا دیگران محتاج ما باشند، و قوت ما آن‌ها را مات و مبهوت بسازد، که نهایتاً منجر به ایجاد ترس در دل آن‌ها شود، بی مبالاتی ما در میادین فوق سبب شده است تا دیگران به این مرحله برسند و از نعماتی که الله آن‌ها را به ما جهت نشر و پخش دین اش داده است استفاده اعظمی نموده از آن در ترساندن ما استفاده نمایند.

کشور عزیز ما افغانستان که جدیداً استعمار غربی را کنار زده است، و حکومت اسلامی به رهبری فرزندان خودش در آن قایم شده است، محراق توجه کشور های مختلف اسلامی و غیر اسلامی است، نقطه ژئوپولیتیک کشور ما باعث شده است تا کشور گشایان مختلف به این سرزمین چشم بدوزند، لذا ایجاب این را می نماید تا با یک حرکت معقولانه و مسئولانه به طرف صنعتی شدن، با استفاده از منابع خدا داد خود بتواند به یکی از کشور های صنعتی جهان مبدل شود، موجودیت معدن آهن حاجیگکک و مس عینک از مهم ترین شانس خوب کشور به سوی صنعتی شدن می باشد.

استفاده از فلزات

فلز آهن در سه آیه قرآن کریم دوبار در کنار مس و یک بار تنها تذکر رفته است که در ذیل به آن اشاره می نمایم:

اول: ضمن داستان ذوالقرنین و ساختن سد میان آنها و یاجوج ماجوج مردم از ذوالقرنین خواهان ایجاد سد می شوند، ذوالقرنین از آنها قطعات آهن را طلب می نماید و با قطعات آهن سد می سازد بعداً از مردم می خواهد آتش بیفروزد تا آهن گداخته شود به تعقیب آن مس مذاب را خواسته روی درزهای آن می ریزد تا قطعات آهن به هم محکم شدند، و به این ترتیب از شر یاجوج و ماجوج نجات پیدا کردند. چنانچه الله متعال در این زمینه از آن به ما حکایت می نماید: {اَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ اَتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا} [الكهف: ۹۶] ترجمه: قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید) تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: (در اطراف آن آتش بیفروزد، و) در آن بدمید! (آنها دمدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: (اکنون) مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم.

پوهنمل زمري محمدی

دوم: بار دیگر ذکر آن ضمن داستان داوود علیه السلام است که الله متعال خطاب به داوود علیه السلام می فرماید که آهن را به وی نرم ساختیم تا از آن زره بسازد چنانچه در این مورد الله متعال می فرماید: {وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ (۱۰) أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ} {سبأ: ۱۰، ۱۱}

ترجمه: آهن را (همچون موم) برای او نرم کردیم که زره های کامل و فراخ بسازد، و بافته های (حلقه های آنها) را به اندازه و متناسب کن.

سوم: مرتبه سوم در سوره حدید ضمن بیان حکمت ارسال پیامبران از آن به عنوان قوای اجرایی احکام شرعی و تأمین عدالت یاد می نماید {وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ} [الحديد: ۲۵]

ترجمه: و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است!

تذکر قرآن کریم از صنایع مختلف

کشتی سازی: کشتی سازی سابقه تاریخی دارد و نخستین ساخت کشتی به زمان حضرت نوح علیه السلام بر می گردد. طبق گزارش تاریخ نخستین سازنده کشتی ایشان هستند [ابن عاشور، ج ۱۱ ص ۲۵۵].

۱- سد سازی: سدسازی نیز پیشینه ی تاریخی دارد و به هزاران سال قبل بازمی گردد. نخستین سد توسط ذوالقرنین برای مانع شدن تجاوز و هجوم یاجوج و ماجوج ساخته شده است که قبلاً از آن یاد آور شدیم، سد دیگری که قرآن از آن یاد کرده است، سد ذخیره آب قوم سبأ برای زراعت و کشاورزی است این سد میان کوه های سرزمین سبأ ساخته شده بود و آب های منطقه را برای کشاورزان ذخیره می کرد و برای آبیاری زمین های زراعتی و باغ ها به کار می رفت که پس از کفران نعمت، سد شکسته شد و آب های ذخیره شده سبب نابودی باغ ها گردید [ابن عاشور، ج ۲۲ ص ۳۶].

۲- ساختمان سازی: ساخت و ساز خانه و کاشانه به منظور پیشبرد زندگی انسان، از مهم ترین وظایف انسان به شمار می رود طوریکه الله متعال می فرماید: {هُوَ أَشْأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا} [هود: ۶۱]

علامه امام ابوبکر رازی مشهور به جصاص در تفسیر آیه مبارکه فوق می فرماید: به شما امر شده است که زمین را به آنچه نیاز دارید و این دلالت به وجوب آبادانی زمین از طریق کشاورزی، غرس درختان، ساخت و ساز قصر ها و بنا ها دارد. [جصاص: ۱۹۹۴، ج ۴ ص ۳۷۸].

زره سازی: زره سازی برای نخستین بار توسط حضرت داود علیه السلام آغاز شده است. این صنعت را خدای متعال برای وی آموزش داده که با استفاده از آهن، وسایل و سلاح های دفاعی مانند شمشیر، نیزه و سپر تهیه می کرد.

۳- **شیشه گری:** صنعت بلور و شیشه گری به زمان حضرت سلیمان علیه السلام باز می گردد. این صنعت در دوران وی رونق داشت و حضرت سلیمان با استفاده از جنیات ساختمان های بلورین می ساختند.

۴- **ذوب فلزات:** صنعت ذوب فلزات به زمان ذوالقرنین باز می گردد. وی با ذوب مس، سد بزرگی را جهت جلوگیری تجاوز و هجوم یاجوج و مأجوج ساخت. حضرت داود علیه السلام با نرم شدن آهن، صنت زره سازی را به وجود آورد. حضرت سلیمان علیه السلام با زمینه سازی خدای متعال به صنعت ذوب مس دست یافت.

تفوق و برتری نسبت به کفار

اسلام پیام جهانی بوده و باید به جهان رسانده شود، رساندن اسلام به جهان توسط وسایل و امکانات صورت میگیرد، لذا مطابق فرموده الله و رسول اش حالت مسلمانان بلند تر از حالت غیر مسلمانان در تمام سطوح علمی و تمدنی باشد، زیرا بر مسلمانان حرام است تا زیر سلطه سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، فرهنگی، و علمی قرار داشته باشند همان طور که الله متعال می فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۱]

ترجمه: و هرگز الله برای کافران نسبت به مؤمنان راه تسلطی باز نکرده است.

با در نظر داشت آیه مبارکه فوق مسلمانان باید از تمام توان خود در راستای استفاده درست از منابع طبیعی و خداد روی زمین، استفاده درست از عقل در جهت تسخیر هستی و کشف قوانین و سنت های تسخیر هستی بهره برد و هیچ گونه کوتاهی و تقصیر در این راستا ننماید، لذا رسیدن تا این سرحد ترقی و پیشرف بدون رفتن به سوی صنعتی شدن امکان پذیر نیست.

برنامه های اسلام به منظور صنعتی شدن

اسلام از ما می خواهد امت محتاج نباشیم، خوشبختانه کشور ما دارای معادن دست ناخورده و منبع وافر آب شیرین در سطح منطقه، روز های آفتابی فراوان، بادهای زیاد، آب و هوای مناسب، دشت های وافر، ژئوپولیتیک سیاسی و نقطه وصل شمال و جنوب آسیا به عنوان راه ترانزیت به عنوان فرصت های خوبی برای رفتن به سوی صنعتی شدن می باشد، لذا از موارد فوق که نعمت بزرگ الهی برای ما

به حساب می‌رود و یک روزی از آن مورد بازخواست قرار می‌گیریم باید در راستای تقویه بنیه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی... و غیره استفاده نمایم.

استفاده از فلزات

قرآن کریم در مختلف از آن و مس به عنوان فلزات مفید به ما یاد آوری نموده است، که در فوق ضمن داستان ذوالقرنین، داود علیه السلام و حکمت ارسال پیامبران از آن یاد نموده است، معدن آهن حاجی گگ و معدن مس عینک لوگرفرست خوبی برای ما است تا به وسیله استخراج آن و ذوب آن بتوانیم از منافع آن که خود قرآن فرموده است که در آهن منفعت برای مردم است استفاده نماییم طوریکه قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: {وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ} [الحديد: ۲۵]

ترجمه: و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعتی برای مردم است. علامه طنطاوی در تفسیر آیه مبارکه می‌فرماید: الله آهن را خلق نموده و به وسیله آن ما را مورد انعام خویش قرار داده از آن خود را جهت دفاع از خود در برابر دیگران قوی بسازیم، و دشمنان خویش را به وسیله آن تأدیب نمایم همچنین آهن منبع منفعت در تحقق مصالح زندگی ما به حساب می‌رود. که ما از آهن وسایل نظامی خویش را ساخته و از آن در ساخت و ساز کاخ‌ها، تعمیرات، کارگاه‌ها فابریکات، وسایل زراعتی و تجارتی استفاده می‌نمایم [طنطاوی: ۱۹۹۸، ج ۱۴ ص ۲۲۸].

همینگونه مصطفی مراغی می‌فرماید: آهن را الله برای ما خلق نموده است تا از آن وسایل دفاعی و هجومی، کشتی‌های بحری ساخته و همه آنچه ما را در برابر ظالم حفاظت می‌نماید بسازیم، زیرا در آهن منافع زیادی در جهت برآورده سازی حاجات ما از قبیل وسایل صنعتی، نیازهای خانه سازی و غیره وجود دارد [المراغی: ۱۹۴۶، ج ۲۷ ص ۱۸۳].

استخراج معادن : طوریکه در قرآن کریم می‌خوانیم: {أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً} [لقمان: ۲۰].

ترجمه: آیا ندانسته اید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، مسخر و رام شما کرده، و نعمت‌های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشته.

آیه فوق از تسخیر فضا و زمین سخن می‌زند و انسان را به تفکر فرامی‌خواند تا بتواند فضا و زمین را تسخیر کند و برای اینکه چطور بتواند فضا و زمین و اعماق زمین را تسخیر کند عقل برایش داده است تا با قوه خلاقیت خود طریق تسخیر فضا و اعماق زمین را به دست آورد؛ بدون شک وقتی الله برای ما

سوال طرح می‌کند که آیا ندانسته اید که الله آنچه بین زمین و آسمان است برای شما مسخر کرده است که شامل نعمت های ظاهر و پوشیده می‌شود گرچند مفسرین مراد نعمت ظاهر را کلمه توحید و اقرار آن به زبان و مراد از نعمت باطن تصدیق آن را بیان کرده اند لکن باور بنده اینست که اینجا سخن از تسخیر و استفاده از نعمت رفته است ممکن مراد از نعمت ظاهر آنچه از منابع اقتصادی در روی زمین و مراد از نعمت باطن معادن زیر زمین نیز باشد. امام نسفی رحمه الله می‌فرماید: مراد از تسخیر هستی قابل استفاده بودن بحر ها، دریاها و معادن آن است^۱ النسفی: ۱۹۹۸ ج ۲ ص ۷۱۷].

با در نظر داشت آنچه بحث کردیم که صنعتی شدن فرایند ماشینزده شدن و رفتن به سوی تکنالوژی می‌باشد، قرآن کریم همه راهکارهای را که بتواند ما را در رسیدن به این فرایند کمک نماید توضیح داده است، و ضمن توضیح ما را مکلف به رعایت آن نیز ساخته است، تا بتوانیم خودکفا باشیم، تفوق و برتری نسبت به دیگران داشته باشیم.

صنعت در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم

اصل استفاده از آهن و نقره توسط دولت اسلامی روایتی است که انس رضی الله تعالی عنه می‌فرماید: سی تن از آهنگران در غزوه خیبر اسیر شدند، پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد آن‌ها فرمود: ایشان را بگذارید تا از صنعت آن‌ها مسلمانان استفاده نمایند، و در جهاد علیه دشمنان از دست سازی های آن‌ها کمک بگیرند [کنانی: ۱۳۸۸، ص ۲۶۱].

روایت دیگری که در مورد تشویق استفاده از فلزات و صنعتگری است همانا توصیف عملکرد داوود علیه السلام از زبان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید: «أَنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَانَ لَا يَأْكُلُ إِلَّا مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ» [البخاری: ۱۴۲۲، ج ۳ ص ۵۷].

ترجمه: بدون شک نبی خدا داوود علیه السلام جز از عمل دست خود از راه دیگر امرار معاش نمی‌کرد.

علامه امام ابن حجر عسقلانی رحمه الله می‌فرماید: آنچه به نظر می‌رسد کاری که داوود علیه السلام با دست خود با دست خود انجام می‌داد بافتن زره بود؛ خداوند آهن را برای او نرم کرد پس او زره ها را می‌بافت و می‌فروخت و جز از همین رهگذر از راه دیگری تأمین معاش نمی‌کرد [العسقلانی: ۱۳۷۹، ج ۳۸ ص ۳۳۹].

علامه امام ماوردی رحمه الله می‌فرماید: اصول درآمد ها زراعت، تجارت و صنعت است^۱ الصنعاني: ۱۹۶۰، ج ۲ ص ۳].

در مورد استفاده از صنایع چوبی همانا روایت امام بخاری رحمه الله است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى امْرَأَةٍ: «مُرِي غُلَامَكَ النَّجَّارَ، يَعْمَلْ لِي أَعْوَادًا، أَجْلِسُ عَلَيْهِنَّ» [بخاری: ج ۱ ص ۹۷].

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم به زنی گفت به غلامت دستور بده از چوب ها برایم چیزی بسازد تا بالای آن بنشینم.

به تعلیق مصطفی البغا مراد آن منبر بود تا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روی آن جلوس کند.

افغانستان و تحولات صنعتی

توجه به بخش زراعت

طبق احصائیه گرفته شده تقریباً ۷۵٪ مردم افغانستان مصروف زراعت و مالداري می باشند، که سکتور زراعت حدوداً ۵۱٪ عاید ناخالص داخلی را تأمین می نماید؛ همین گونه این کشور با داشتن ۶۵۲۲۲۵ کیلومتر مربع مساحت که از جمله ی آن ۱۲٪ منابع زمین قابل کشت ۴۶٪ علفچرهای دایمی ۳٪ جنگل و ۳۹٪ کوه است، تعدا مواشی کشور در حدود بیست ملیون رأس است [احمدی: ۱۳۹۷، ص ۳۱-۳۲].

وقتی متوجه ظرفیت های فوق به لحاظ امکانات مالداري و زراعتی می شویم سرمایه گذاری در این بخش می تواند عامل مهم توسعه اقتصادی افغانستان باشد، زیرا موجودیت ۴۶٪ علفچر در کشور فرصت خوب سرمایه گذاری در بخش سکتور زراعت است، و الله متعال در زمین اهمیت آب در بخش زراعت می فرماید: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (۱۰) يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ} [النحل: ۱۰، ۱۱]

ترجمه: او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است؛ و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می برید، نیز از آن است. خداوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه ها می رویاند؛ مسلماً در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است.

در آیه فوق الله متعال می فرماید آب فرو فرستاده شده بخشی از آن سهم نوشیدن تان و قسمت دیگر آن مربوط استفاده زراعت و باغداری تان است، در ختم آیه سخن از تفکر و یا فراخواندن انسان به تفکر است، تا چگونه بتواند آب ها را مدیریت کرده آن را پروسس کرده من حیث آب معدنی

صادر نماید، قسمت دیگرش را در بخش زراعت و باغداری با ایجاد سد های بزرگ ذخیره کرده استفاده نماید.

توجه به استخراج معادن

تحقیقات جیولوجیکی نشان میدهد که در افغانستان ۲۴ نوع مواد معدنی در ۸۹ منطقه افغانستان شناسایی شده است، که از اکثر این معادن تا هنوز استفاده صورت نگرفته است [همان، ۱۱۳]. با توجه به آیات فوق که در زمین استفاده از فلزات و مواد معدنی تذکر رفت و به عنوان نعمت از آن یاد شد می تواند کشور ما را به یکی از صنعتی ترین کشور های جهان تبدیل نماید.

توجه به مدیریت آبها در تولید برق

جریان عمومی سالانه آب دریا های کشور در حدود (۴۰) کیلومتر مکعب در سال است؛ افغانستان با داشتن ارتفاعات متعدد ظرفیت تولید ۲۰۰ میلیون کیلو وات برق را دارا می باشد [همان: ۱۶۲].

رهنمود های اسلام پیرامون تحولات صنعتی

رهنمود های شرعی درباره تحولات صنعتی بر اساس اصول کلی اسلام شامل موارد زیر است:

۱. حلال و حرام - تولیدات صنعتی باید از نظر مواد اولیه و روش های تولید، مطابق با احکام حلال و حرام باشند.

زمانیکه استفاده از خود مرده برای اهل کتاب حرام شد آنها روغن آن را ذوب کرده در چرب کردن کشتی های شان از آن استفاده می کردند یا اینکه آنرا ذوب کرده به فروش می رساندند و پول آنرا مصرف می کردند، پیامبر صلی الله علیه وسلم در این زمینه می فرماید: «قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا حَرَّمَ شُحُومَهَا جَمْلُوهُ، ثُمَّ بَاعُوهُ، فَكَلَوْا ثَمَنَهُ» [بخاری، ج ۳ ص ۸۴].

ترجمه: خداوند یهود را بگشود بدون شک وقتی روغن حیوانات برای شان حرام شد آن ها آنرا ذوب کرده می فروختند و پول را می گرفتند.

۲. عدالت و انصاف - رعایت حقوق کارگران، پرداخت منصفانه و جلوگیری از استثمار از اصول اساسی است.

تعریف عدالت منحصر به دادگاه نبوده بلکه دامنه وسیعی از زندگی را احتوا می نماید، وقتی کشوری به سوی خود کفایی و صنعتی شدن حرکت می نماید، استفاده از نیروی کار انسانی را نباید نادیده بگیرد، زیرا هدف است صنعتی شدند و صنعتی سازی تحقق رفتن به سوی رفاهیت انسان است، وقتی انسان های شامل پروسه صنعتی شدن پشت ماشین و کارگاه ها قرار می گیرند، میزان توان آن ها

پوهنمل زمري محمدی

در انجام کار و پرداخت مزد مناسب از اخلاق صنعتی شدن در آموزه اسلام است طوریکه در این زمینه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ، قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ» [قزوینی: ۱۴۱۳، ج ۲ ص ۸۱۷]

ابن عمر رضي الله عنهما می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم فرمود: «دستمزد کار گر را پیش از آنکه عرقش خشک شود، بدهید».

ابوذر غفاری رضي الله تعالى عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده است که فرموده: فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ، فَلْيُطْعِمَهُ مِمَّا يَأْكُلُ، وَلْيَلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ، وَلَا تَكْلَفُوهُمْ مَا يَغْلِبُهُمْ، فَإِنْ كَلَّفْتُمُوهُمْ فَأَعِينُوهُمْ» [بخاری: ص ۱۵]

ترجمه: پس هر کس برادرش زیردست او باشد، از آنچه خود می خورد به او خوراک دهد و از آنچه خود می پوشد، او را بپوشاند و کاری که توانش را ندارد از وی نخواهد و اگر چنین کاری را از او خواست، باید که یاریش کند.

۳. حفظ محیط زیست - تولیدات نباید منجر به تخریب محیط زیست و ضرر به مخلوقات خداوند شوند.

خطرناک ترین تاثیر تحولات صنعتی بالای جامعه انسانی آزاد سازی سالانه ۵۱ میلیارد تن گازات گلخانه‌ای به فضای جو از طریق فعالیت های صنعتی است که تاثیر خطرناک بالای طبیعت دارد و باید این رقم به صفر تقلیل نماید [گیتس: ۲۵، ۱۴۰۲].

حفاظت محیط زیست در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به عنوان رحمت بر عالمیان الگو برای امت اش در این زمینه است، به پاکی محیط زیست، نهال شانی، حفاظت آب، دور کردن اشیای ضرر رسان و ترحم بر حیوانات امر نموده و از قطع بی مورد جنگلات و کشتن بی مورد حیوانات منع می نماید در ذیل فقط به ذکر احادیث در این مورد اشاره می نماییم:

۱- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَبُولَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْمَاءِ الدَّائِمِ ثُمَّ يَغْتَسِلُ مِنْهُ» متفق عليه [قشیری: ۱۴۲۸ ج ۱ ص ۲۳۵].

ترجمه: ابو هريره رضي الله تعالى عنه می گوید: از پیغمبر صلی الله علیه وسلم شنیدم فرمود: نباید در آب راکدی که در جای خود باقی می ماند، و حرکت نمی کند ادرار کنید که سپس هم ناچار شوید، خودتان را در آن بشویید.

۲- عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " اتَّقُوا الْمَلَاعِنَ الثَّلَاثَةَ: الْبِرَّكَازَ فِي الْمَوَارِدِ، وَقَارِعَةَ الطَّرِيقِ، وَالظَّلْسَجِسْتَانِي: ١٤١٠، ج ١ ص ٧].

ترجمه: از معاذ ابن جبل رضی الله تعالی عنه روایت است که فرمودند: از سه چیز که موجب لعنت و نفرین مردم است پرهیز کنید: نشستن برای قضای حاجت در محل آب خورها، و در راه ها، و درجای سایه که مردم آنجا جمع می شوند".

۳- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» [بخاری، ج ۳ ص ۱۰۳].

ترجمه: از انس ابن مالک رضی الله تعالی عنه روایت است که فرمودند پیامبر صل الله علیه وسلم فرمودند: هر مسلمانی که درختی، غرس نماید، یا بذری بیافشاند و انسان، پرنده، و یا حیوانی، از آن بخورد، برایش صدقه محسوب می گردد.

۴- «مَنْ غَسَلَ سَخِيمَتَهُ عَلَى طَرِيقٍ عَامِرٍ مِنْ طُرُقِ الْمُسْلِمِينَ، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» [نيسابوری ۱۹۹۰، ج ۱ ص ۲۹۶].

ترجمه: هر کس کثافت هایش را سر راهی از مسیرهای رفت و آمد مسلمانان بشوید، لعنت و نفرین خداوند و فرشتگان و تمامی مردم بر او بادا.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: اتَّقُوا اللَّعَانِينَ قَالُوا: وَمَا اللَّعَانَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ؟ قَالَ: الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ، أَوْ فِي ظِلِّهِمْ» [قشیری: ۱۴۲۸، ج ۱ ص ۲۲۶].

ترجمه: حضرت ابی هریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده است که فرمودند: از افتیدن به دو لعنت بپرهیزید برایش گفته شد آن دو لعنت چیست؟ فرمود: آنکه در راه مردم و در جاییکه به قصد نشستن سایه بان ساخت اند کثافات را باندازد.

۱- مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا عَجَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ يَا رَبِّ إِنَّ فُلَانًا قَتَلَنِي عَبَثًا وَلَمْ يَقْتُلْنِي لِمَنْفَعَةٍ» [نسای ۱۴:۲، ج ۷ ص ۲۷۵].

ترجمه: هر کس گنجشکی را به عبث و بیهوده بکشد روز قیامت آن گنجشک زبان به شکایت می گشاید و می گوید: خداوند! فلانکس مرا بیهوده کشت، نه برای منفعتی.

امام شاولی الله دهلوی رحمه الله می فرماید: من می گویم: اینجا دو امر مشابه است که باید بن آن ها تمیز قایل شد:

پوهنمل زمري محمدی

اول: هدف از کشتن پرنده یا حیوان به منظور رفع ضرورت و نیاز انسانی جهت تحقق مصلحت زندگی انسان است که نیاز انسان خواستار آن می شود.

دوم: هدف از کشتن یا ذبح حیوان به گونه عبث و بیهوده بودن آن است که نشانه قساوت قلبی و بلهوسی انسان است [دهلوی: الله. ۱۳۸۳، ج ۲ ص ۲۴۸].

« مَنْ قَطَعَ سِدْرَةَ صَوَّبَ اللَّهُ رَأْسَهُ فِي النَّارِ ». سئل أَبُو دَاوُدَ عَنْ مَعْنَى هَذَا الْحَدِيثِ فَقَالَ هَذَا الْحَدِيثُ مُخْتَصَرٌ يَعْنِي مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً فِي فَلَاةٍ يَسْتَبْطِلُ بِهَا ابْنُ السَّبِيلِ وَالْبَهَائِمُ عَبَثًا وَظُلْمًا بَغَيْرِ حَقٍّ يَكُونُ لَهُ فِيهَا صَوَّبَ اللَّهُ رَأْسَهُ فِي النَّارِ [سجستانی، ج ۴ ص ۵۳۰].

ترجمه: پیامبر صل الله علیه وسلم فرمودند: هر کس درخت سدره (کتار) را قطع کند، خداوند سر او را در آتش آویزان می کند از امام ابوداود رحمه الله در مورد معنی این حدیث شریف پرسیده شد امام ابوداود رحمه الله فرمودند: این حدیث مختصر است و مراد آن این است هرکس درختی را که در بیابان ها موجود باشد و مردم و حیوانات از سایه آن استفاده نمایند و آنرا به ناحق و بیهوده و از روی ظلم قطع الله سر وی را در آتش آویزان می نماید.

مناقشه

یکی از چالش های اساسی در زمینه تحولات صنعتی از نگاه اسلام، توازن میان توسعه فناوری و رعایت اصول اخلاقی و دینی است. برخی بر این باورند که صنعتی شدن، موجب فاصله گرفتن جوامع از ارزش های دینی و افزایش نابرابری های اجتماعی می شود. در مقابل، طرفداران توسعه صنعتی اسلامی معتقدند که اسلام نه تنها با پیشرفت فناوری مخالف نیست، بلکه مسلمانان را به تسخیر طبیعت و استفاده از منابع برای بهبود زندگی ترغیب کرده است. همچنین برخی از منتقدان، وابستگی اقتصادی کشورهای اسلامی به فناوری های غربی را یک چالش جدی می دانند که نیازمند راهکارهای اسلامی برای استقلال صنعتی است.

نتیجه گیری

تحولات صنعتی از منظر اسلام، بخشی از وظایف بشر در آبادانی زمین و تحقق عدالت اجتماعی محسوب می شود. آموزه های اسلامی، انسان را به تحقیق، نوآوری و بهره گیری صحیح از منابع طبیعی تشویق کرده اند. پیشرفت صنعتی، می تواند به کاهش فقر، افزایش رفاه عمومی و استقلال اقتصادی مسلمانان کمک کند. با این حال، برای جلوگیری از آسیب های اخلاقی و زیست محیطی ناشی از صنعت، باید چارچوب های دینی و اخلاقی رعایت شود.

پیشنهادات

۱. ایجاد مراکز تحقیقاتی در پوهنتون‌های اسلامی برای توسعه فناوری‌های مطابق با اصول اسلامی.
۲. حمایت دولت‌های اسلامی از صنایع داخلی برای کاهش وابستگی اقتصادی.
۳. تدوین قوانین اسلامی در حوزه صنعت و محیط‌زیست برای جلوگیری از آسیب‌های صنعتی.
۴. افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه فناوری.
۵. گسترش همکاری میان کشورهای اسلامی در تبادل دانش و تجربه‌های صنعتی.

مراجع

- الأصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد الراغب. (١٤١٢ هـ). *المفردات في غريب القرآن*. المحقق: صفوان عدنان الداودي. الناشر: دار القلم، الدار الشامية: دمشق بيروت.
- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله. (١٤٢٢ هـ). *صحيح البخاري*. المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر. الناشر: دار طوق النجاة.
- بيرو، آلن (١٣٧٥). *فرهنگ علوم اجتماعي، باقر ساروخاني، تهران، كيهان، چاپ چهارم*.
- الجصاص، أحمد بن علي أبو بكر الرازي. (١٤٠٥ هـ) *أحكام القرآن*. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- دهلوی، شاولی الله. (١٣٨٣ هـ. ش). *حجة الله البالغة*. حقانيه: پشاور.
- ساروخانی، باقر (١٣٨٠). *درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعي، تهران، كيهان، چاپ سوم*.
- سجستانی، أبو داود سليمان بن الأشعث. (١٤١٠ هـ ق). *سنن أبي داود*. دار الكتاب العربي: بيروت.
- الصنعاني، محمد بن إسماعيل الأمير الكحلاني (١٩٦٠ م) *سبل السلام*. الناشر: مكتبة مصطفى البابي الحلبي.
- طنطاوي، محمد سيد. (١٩٩٨ م). *التفسير الوسيط للقرآن الكريم*. الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة.
- العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي. (١٣٧٩ هـ ق). *فتح الباري شرح صحيح البخاري*. رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار المعرفة - بيروت.
- فريار، اكبر. (١٣٧٥). *اصول و مباني جامعه شناسي صنعتي، مشهد، آستان قدس رضوي*.
- الفيومي، أحمد بن محمد بن علي الحموي، أبو العباس. (٢٠١٠ م) *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*. المكتبة العلمية: بيروت.
- قزويني، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني. (١٤١٣ هـ ق). *سنن ابن ماجه*. مكتبة أبي المعاطي: هند.
- قشيري، مسلم بن حجاج. (١٤٢٨ هـ ق). *صحيح مسلم*. دار احياء التراث العربي: بيروت.
- كتاني، عبد الحى. (١٣٨٨ هـ. ش). *نظام اداري مسلمانان در صدر اسلام*. مترجم عليرضا ذكاوتي قراگزلو. سمت: تهران.

پوهنمل زمرى محمدى

محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (١٩٨٤م) /التحرير والتنوير. الناشر: الدار التونسية للنشر: تونس.

المراغي، أحمد بن مصطفى. (١٩٤٦ م). تفسير المراغي. الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر.

نساى، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي. (١٤٢٠ هـ ق). سنن النسائي. دار المعرفة بيروت. النسفي، أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين (١٩٩٨ م). تفسير النسفي (مدارك التنزيل وحقائق التأويل). محقق: يوسف علي بدوي. الناشر: دار الكلم الطيب: بيروت.

نيسابورى، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (١٤١١ - ١٩٩٠). المستدرک على الصحيحين. چاپ اول، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا. ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

(فرهنگ بزرگ سخن، ج ٥ ص ٤٧٧٣)

بررسی تأثیر انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی مورد مطالعه: شهر شیرگان

پوهنمل عنایت الله حمیدی^۱، پوهنمل محمد کریم الوغ بیگ^۲

۱. دیپارتمنت روانشناسی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون جوزجان

۲. دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون جوزجان

* نویسنده مسئول- ایمیل: enayat.hamidi23@gmail.com

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی است، جامعه آماری تحقیق، ساکنان شهر شیرگان در سال ۱۴۰۳ بوده که تعداد شان از نظر جامعه در جمع جامعه نامحدود قرار داشت، با محاسبه انحراف استاندارد در نمونه‌ای اولیه ۰,۶۲، براساس فرمول کوکران ۵۷۲ نفر نمونه محاسبه گردید و نمونه آماری با روش تصادفی قابل دسترس انتخاب و پرسش‌نامه محقق ساخته جهت بررسی تأثیر انقلاب صنعتی و پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی صحت (WHO-QIL-BREF-26) توزیع و توسط مشترکین تکمیل گردیده و با روش توصیفی و همبستگی با آزمون رگرسیون؛ به وسیله برنامه spss26 تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که انقلاب صنعتی با کیفیت زندگی ۶۵ درصد رابطه داشته و ۵۳ درصد بالای مؤثر است، همچنان مؤلفه‌های انقلاب صنعتی با کیفیت زندگی در کل ۴۹ درصد ارتباط داشته و ۴۸ درصد بالای آن مؤثریت دارد. در برخی از مؤلفه‌ها تأثیر مثبت و در برخی از مؤلفه‌ها تأثیر منفی داشته‌اند. در نهایت تحولات صنعتی و اقتصادی بر بخش‌های مختلف زندگی ساکنان شهر شیرگان تأثیرگذار بوده و می‌تواند در بهبود یا تضعیف برخی جنبه‌های زندگی مردم نقش داشته باشد. بر این اساس، برنامه‌ریزی مناسب و هدفمند برای بهره‌گیری بهتر از فرصت‌های ناشی از انقلاب صنعتی و کاهش اثرات منفی آن بر کیفیت زندگی شهروندان ضروری است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب صنعتی، زندگی، شهر شیرگان، کیفیت زندگی.

The Impact of the Industrial Revolution on Life Quality Case Study: Sheberghan City

Senior Teaching Assistant Enayatullah Hamidi^{1*}, Senior Teaching Assistant Mohammad Karim Olughbik²

1. Department of Psychology, Faculty of Social Sciences, Jawzjan University

2. Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Jawzjan University

* Corresponding Author Email: enayat.hamidi23@gmail.com

Abstract

The aim of the present study is to examine the impact of the Industrial Revolution on quality of life. The statistical population of the research consists of the residents of Sheberghan city, whose number is considered unlimited in terms of the population. Based on the calculation of the standard deviation in the pilot sample (0.61) and Cochran's formula, 572 individuals were determined as the statistical sample of the study and were selected using an available random sampling method. A researcher-made questionnaire and the World Health Organization's Quality of Life Questionnaire (WHO-QOL-BREF-26) were distributed, completed by the participants, and analyzed using descriptive and correlational methods through SPSS version 26. The results indicated that the Industrial Revolution is correlated with quality of life by 65% and has a 53% effect on it. Furthermore, the components of the Industrial Revolution, as a whole, are related to quality of life by 49% and have a 48% effect on it. In some components, the impact is positive, while in others it is negative. Ultimately, industrial transformations have influenced various aspects of life among the residents of Sheberghan city and play a fundamental role in either improving or weakening certain dimensions of people's lives. Accordingly, appropriate and targeted planning is essential to better utilize the opportunities arising from the Industrial Revolution and to reduce its negative effects on citizens' quality of life.

Keywords: Industrial Revolution, Life, Sheberghan City, Life Quality.

مقدمه

انقلاب صنعتی یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخی است که تأثیرات گسترده‌ای بر جنبه‌های مختلف زندگی بشر گذاشته است. این انقلاب که در قرن ۱۸ میلادی از بریتانیا آغاز شد، به تدریج در سراسر جهان گسترش یافت و موجب تغییرات عمده‌ای در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دیگر بخش زندگی شد (منصورکیایی و همکاران، ۱۴۰۰). در کشورهای مانند افغانستان، اثرات انقلاب صنعتی به طور خاص در برخی از مناطق و شهرها قابل مشاهده است. در سال‌های اخیر، چشم‌انداز صنعتی جهان تحولات عمیق و وسیعی را تجربه کرده است (تفضلی، ۱۳۸۱). بنابر این انقلاب صنعتی را به دوره مختلف تقسیم کرده است (خراسانچی و همکاران، ۱۴۰۰).

شهر شبرغان، یکی از شهرهای مهم شمال افغانستان، با ویژگی‌های خاص جغرافیایی و اقتصادی، در چندین سال آخر تغییرات زیادی را تجربه کرده است. با ظهور صنعتی شدن و فرآیند شهرنشینی، بسیاری از مردم از نواحی روستایی به شهرها مهاجرت کردند تا از فرصت‌های شغلی بهتر بهره‌مند شوند و شرایط (کیفیت) زندگی بهتری برای خود و خانواده‌های‌شان فراهم آورند (Karim, ۲۰۱۲). یکی از مهم‌ترین پیامدهای این رشد سریع، افزایش آلودگی‌های شهری است که ناشی از فعالیت‌های صنعتی و ترافیک سنگین شهری است (امان‌پور و آبیاری، ۱۳۹۳). این آلودگی‌ها نه تنها به سلامت جسمی و روانی افراد آسیب می‌زند بلکه تأثیرات منفی بر محیط‌زیست نیز دارد (آبادیان و قهرودی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، تغییرات سبک زندگی ناشی از صنعتی شدن و شهرنشینی باعث شکل‌گیری الگوهای جدید در رفتار و روابط اجتماعی شد (درویش پور کاخکی، ۱۳۸۲). از جمله این تغییرات می‌توان به کاهش روابط اجتماعی در مقایسه با جوامع روستایی، افزایش فشارهای روانی ناشی از زندگی در محیط‌های جمع و پر استرس، و تضعیف حمایت‌های اجتماعی اشاره کرد که منجر به مشکلات اجتماعی جدید مانند افزایش جرم و جنایت، فقر، و بی‌ثباتی خانوادگی می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۶). از جمله این تأثیرات می‌توان به تغییر در ساختار اقتصادی، بهبود یا کاهش شرایط کاری، تغییرات در سطح صحت و تعلیم، و همچنین مشکلات محیط زیستی اشاره کرد. مسأله اصلی تحقیق این است که تأثیرات انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی مردم شبرغان چگونه بوده است؟ آیا تحولات صنعتی باعث بهبود وضعیت زندگی مردم شبرغان شده یا مشکلات جدیدی را به وجود آورده است؟ در این تحقیق تلاش می‌شود تا با تحلیل و بررسی رابطه انقلاب صنعتی با کیفیت زندگی، به درک بهتری از شرایط موجود و نیازهای توسعه‌ای این منطقه دست یابیم.

اهمیت این تحقیق از آنجا نشأت می‌گیرد که انقلاب صنعتی می‌تواند به‌طور مستقیم بر ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع تأثیر بگذارد، و بهبود شرایط زندگی مردم را در پی داشته باشد، به‌ویژه در زمینه‌های اشتغال، درآمد، بهداشت، آموزش و زیرساخت‌ها. خصوصاً در شبرغان که ممکن است فعالیت‌های صنعتی باعث افزایش فرصت‌های شغلی و رشد اقتصادی شده باشد، بررسی تأثیرات این تحولات می‌تواند راه‌گشای بهبود برنامه‌های توسعه‌ای برای ارتقاء کیفیت زندگی باشد. بنابراین، انجام این تحقیق نه تنها برای شبرغان، بلکه برای سایر مناطق مشابه در افغانستان نیز اهمیت دارد تا از تجربیات آن برای توسعه و بهبود شرایط (کیفیت) زندگی استفاده شود.

ادبیات تحقیق

انقلاب صنعتی

اولین انقلاب صنعتی در اواسط قرن هجدهم در صنعت نساجی بریتانیا آغاز گردید که به واسطه مکانیزه شدن ریسندگی و بافندگی شکل گرفت (کریمیان و عطارزاده، ۱۳۹۰). در طول یک قرن بعد از آن، این انقلاب به تحولاتی در دیگر صنایع منجر شد و باعث ایجاد صنایعی مانند تولید فولاد، ماشین بخار و خط ریل‌ها گردید (وفامهر، ۱۳۸۸). انقلاب کلمه دال بر تغییر رادیکال و تند است انقلاب‌های علمی در طول تاریخ زمانی عرض وجود نموده اند که فناوری‌های جدید و روش‌های بدیع از درک جهان، موجب تغییر عمیق در نظام‌های اقتصادی و ساختارهای اجتماعی شده اند. آشکار شدن تندی این تغییرات در چارچوب تاریخ ممکن است سال‌ها به طول بی‌انجامد. صنایع جدید موجب تغییرات قابل توجهی در نحوه همکاری و رقابت شدند (نادرپور، ۱۴۰۱). در حقیقت، تأثیرات این انقلاب‌ها به اندازه‌ای وسیع بود که کلمه صنعتی امروزی قادر به پوشش این تحولات نیست. گرچه اولین انقلاب صنعتی در راستای استعمارگری و آسیب به محیط زیست نقش داشت، اما در عین حال باعث ثروت‌مندتر شدن کشورهای صنعتی گردید. پیش از سال ۱۷۵۰، حتی ثروتمندترین کشورهای جهان نظیر بریتانیا، فرانسه، پروس و هالند، تنها سالانه رشد کمی داشتند که در بیشتر موارد ناپایدار بود. نابرابری اقتصادی در آن زمان به مراتب بیشتر از امروز بود و درآمد سرانه در سطحی قرار داشت که امروزه آن را فقر شدید می‌نامیم. اما تا سال ۱۸۵۰، به لطف پیشرفت‌های صنعتی، میزان رشد سالانه در این کشورها به ۲ تا ۳ فیصد افزایش یافت و درآمد سرانه به‌طور یکنواخت بهبود یافت (دایرة المعارف اقتصاد، ۱۳۸۱). انقلاب‌های صنعتی همواره تحولی بنیادین در تاریخ بشر ایجاد کرده‌اند (توکل و موسوی، ۱۴۰۲). هر یک از این انقلاب‌ها نه تنها به‌طور مستقل بلکه به‌صورت پیوسته بر پایه

نوآوری ها و دستاوردهای پیشین ساخته شده اند (موحدیان عطار و موحدیان عطار، ۱۴۰۲). از اولین انقلاب صنعتی که ماشین آلات بخار و تولید انبوه را به همراه داشت تا انقلاب های بعدی که با برق و سایر کشفیات را بوجود آوردند (پیره بابی، یعقوبی و زندی، ۱۴۰۳). با گذشت زمان و تغییرات عظیمی که در نتیجه انقلاب صنعتی در جوامع مختلف به وجود آمده است، بسیاری از مناطق در کشورهای در حال توسعه همچنان تحت تأثیر این تحولات قرار دارند (زیاری، ۱۳۸۲).

کیفیت زندگی

امروزه بررسی و مطالعات کیفیت زندگی مورد تمرکز بسیاری از علوم برای انجام تحقیقات مربوط به رشته خود شده است. اما تاکنون هیچ اجماع کلی برای چگونگی تعریف این کلمه عرض وجود نکرده است. کیفیت زندگی یک ساختار پیچیده، چندبعدی است که به منظور بررسی و مطالعه آن نیازمند تعاریف مختلف از دیدگاه های نظری مختلف می باشد و می توان گفت که تاکنون بیش از ۱۰۰ تعریف در علوم مختلف از کیفیت زندگی شده است (امان پور و آبیاری، ۱۳۹۳). فرهنگ جغرافیایی جانستون کیفیت زندگی را به عنوان رفاه اجتماعی افراد و گروه ها در جامعه چه به عنوان درک افراد از وضعیت رفاهی خود و چه به عنوان شاخص های قابل مشاهده شناخته است. اما درک ارسطو فیلسوف یونانی از کیفیت زندگی این است که شادی به عنوان پایان نهایی فرد است. شادی در تمام درجه آن خوب است، و هیچ چیز با ارزش تر از شادی وجود ندارد. به طور کلی شادی از طریق فضائل اخلاقی مانند: شجاعت، اعتدال، سخاوت، بزرگواری، عشق افتخار، ملائمت، صداقت، دوستی و بالاتر از همه آن ها عدالت؛ بیان می شود (Karim, 2012). کیفیت زندگی عبارت است از برداشت هر شخص از وضعیت سلامتی خود و میزان رضایت از این وضعیت است (حمیدی زاده و همکاران، ۱۳۸۷). سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را درک فرد از جایگاهش در زندگی در بافت سیستم فرهنگ و ارزش هایی که او در آنها زندگی می کند می داند که در ارتباط با هدف ها، انتظارات، استانداردها و نگرانی های اوست (شاه و همکاران، ۲۰۱۱). کیفیت زندگی شیوهی قدرتمند برای تعیین احتیاجات جامعه هستند، پیگیری تغییرات در ابعاد مختلف زندگی و ارزشیابی انواع توسعه مطلوب شهری، برای تشخیص دلایل نارضایتی شهروندان و تعیین زمینه های به منظور دستیابی به سیاست های توسعه پایدار شهری با هدف توسعه برابر نواحی شهری و بهره مندی همه ساکنان شهری از محیط سالم و امکانات مورد نیاز زندگی استفاده می شود (امان پور و آبیاری، ۱۳۹۳).

ابعاد کیفیت زندگی

کیفیت زندگی را می‌توان بر اساس رضایت شخص از امکانات زندگی مانند مسایل صحی، آرامش جسمانی - روانی، تعامل اجتماعی و ... دانست و بر خلاف دیدگاه عده‌ای تنها عامل کیفیت زندگی پول نیست درحالی‌که یکی از عوامل مهم رضایت از کیفیت زندگی می‌تواند درآمد باشد (یوسف فرخزاد و موسوی، ۱۳۹۷). در مجموع رضایت شخصی از کیفیت زندگی تحت تأثیر فرهنگ یا تفکری که فرد بر اساس آن زندگی می‌کند قرار دارد. به اعتقاد سازمان جهانی صحت کیفیت زندگی افراد را باید با توجه به چهار بخش مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. این ۴ بعد تأثیرگذار، بر روی کیفیت زندگی عبارتند از: سلامت فیزیکی، سلامت روانی، روابط و ارتباطات اجتماعی، سلامت محیط. سازمان جهانی بهداشت برای هر یک از این ابعاد مصادیقی را نیز ارائه می‌نماید (Karim, ۲۰۱۲). در یک نظرسنجی که در سراسر جهان به تازگی توسط محققان فرانسوی انجام شده، نشان داد که پیش شرط اساسی زندگی خوب در شهرها شامل امنیت، سلامت، تحرک، بهداشت، هزینه‌های زندگی می‌باشد. و این پیش شرط‌ها به مراتب مهم‌ترین تأثیر را در دیدگاه کلی جواب دهندگان در مقایسه با عواملی از قبیل زیبایی و جذابیت محیط و جامعه داشته است در سال ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد در مطالعه‌ای با موضوع شاخص‌های اجتماعی جدید؛ شاخص‌های کیفیت زندگی را برای کشورهای آسیایی و اقیانوس آرام توسعه داد. این شاخص‌ها شامل اطلاعات ذهنی و عینی در مورد صحت، امنیت و محیط زیست، ثبات اقتصادی، خانواده، کار و زندگی، آموزشی، مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی می‌باشد (shah & et al, 2011).

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت و هدف کاربردی و روش انجام آن از نوع توصیفی - همبستگی است، در این تحقیق از روش توصیفی جهت بررسی موارد (اطلاعات عمومی) و از روش همبستگی جهت بررسی نقش انقلاب صنعتی بالای کیفیت زندگی از آزمون رگرسیون استفاده شده است، جامعه آماری تحقیق، ساکنان شهر شیرگان در سال ۱۴۰۳ بوده که تعداد شان از نظر جامعه در جمع جامعه نامحدود قرار دارد، با محاسبه انحراف استاندارد در نمونه‌ای اولیه ۶۲، ۰، براساس فرمول کوکران ۵۷۲ نفر نمونه محاسبه گردید و نمونه آماری با روش تصادفی قابل دسترس انتخاب و پرسشنامه محقق ساخته جهت بررسی تأثیر انقلاب صنعتی و پرسش‌نامه کیفیت زندگی سازمان جهانی صحت (WHO-QIL-BREF)

۲۶) توزیع و توسط مشترکین تکمیل گردیده و با روش توصیفی و همبستگی با آزمون رگرسیون؛ به وسیله برنامه spss26 تجزیه و تحلیل شد.

پرسشنامه انقلاب صنعتی: جهت بررسی تأثیر انقلاب صنعتی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید، این پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ گزینه ساخته شده بود، برای بار اول به ۳۰ نفر توزیع گردیده، روایی و پایایی آن دریافت گردید که روایی آن ۰,۷۶ و پایایی آن ۰,۸۲ بدست آمد. در تمام نمونه پایایی آن ۰,۸۹ گزارش گردید.

پرسشنامه کیفیت زندگی: سازمان سلامت جهانی به منظور وجود انسجام در تحقیقات و سنجش کیفیت زندگی، گروهی را برای ساخت پرسشنامه مأمور کرد. حاصل کار این گروه پرسشنامه کیفیت زندگی ۱۰۰ سوالی بود. (WHOQOL-100) چند سال بعد برای استفاده آسان تر از این پرسشنامه فرم کوتاهی از آن تهیه شد. پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ۲۶ سوالی (WHOQOL-BREF) (۲۶) یک پرسشنامه ۲۶ سوالی است که کیفیت زندگی کلی و عمومی فرد را می سنجد. این مقیاس در سال ۱۹۹۶ توسط گروهی از کارشناسان سازمان سلامت جهانی و با تعدیل گویه های فرم ۱۰۰ سوالی این پرسشنامه ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۴ زیر مقیاس و یک نمره کلی است. این زیر مقیاس ها عبارتند از: سلامت جسمی، سلامت روان، روابط اجتماعی، سلامت محیط اطراف و یک نمره کلی. در ابتدا یک نمره خام برای هر زیر مقیاس به دست می آید که باید از طریق یک فرمول به نمره ای استاندارد بین ۰ تا ۱۰۰ تبدیل شود. نمره بالاتر نشان دهنده کیفیت زندگی بیشتر است. این پرسشنامه به ۱۹ زبان مختلف ترجمه شده است که در کشورهای مختلف برای اندازه گیری کیفیت زندگی افراد از آن استفاده میشود. گروه مطالعاتی سازمان جهانی بهداشت، این مقیاس را یک مقیاس بین فرهنگی می داند و به همین دلیل از آن در فرهنگ های مختلف استفاده می شود (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۶). در ایران نیز نصیری و همکاران (۱۳۸۵) این مقیاس را به فارسی ترجمه و روایی و پایایی آن را گزارش کرده است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ نشان دهنده همسانی درونی مطلوب آن است. از طرف دیگر تحلیل عاملی در ۲۶ گویه این مقیاس، مشخص کرد که در این مقیاس چهار زیر مقیاس (یعنی سلامت جسمی، سلامت روانشناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی که در مقیاس اصلی وجود داشتند) وجود دارد که نشان دهنده روایی ساختاری آن است. همچنین برای بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه تحقیقی بر روی ۱۱۶۷ نفر از مردم تهران انجام گرفت. شرکت کنندگان به دو گروه دارای بیماری مزمن و غیرمزمن تقسیم شدند. پایایی آزمون بازآزمون برای زیرمقیاس ها به این صورت

به دست آمد: سلامت جسمی ۰/۷۷، سلامت روانی ۰/۷۷، روابط اجتماعی ۰/۷۵، سلامت محیط ۰/۸۴ به دست آمد. سازگاری درونی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که در جدول زیر آمده است (نجات و همکاران، ۱۳۸۵).

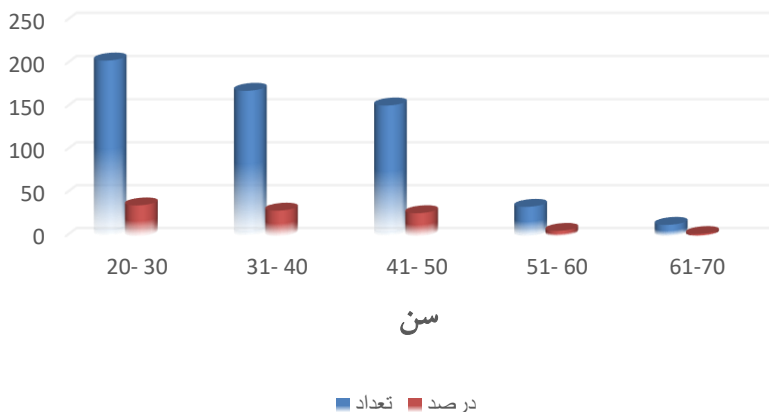
نتایج

الف- نتایج توصیفی:

جدول ۱. تعداد و فیصد برای متغیر سن را نشان می دهد. همچنان شکل ۱. گراف مربوط به متغیر سن را نشان می دهد. براساس نتایج مندرج در جدول، حدوداً به تعداد ۲۰۴ نفر (۳۵,۶۶ فیصد) از مشترکین بین سنین ۲۰-۳۰، حدوداً به تعداد ۱۶۹ نفر (۲۹,۵۵ فیصد) از مشترکین بین سنین ۳۱-۴۰، حدوداً به تعداد ۱۵۲ نفر (۲۶,۵۷ فیصد) از مشترکین بین سنین ۴۱-۵۰، حدوداً به تعداد ۳۴ نفر (۵,۹۵ فیصد) از مشترکین بین سنین ۵۱-۶۰ و حدوداً به تعداد ۱۳ نفر (۲,۲۷ فیصد) از مشترکین بین سنین ۶۱-۷۰ سال بودند. بیشترین تعداد و بیشترین فیصدی را از نظر توزیع فراوانی افراد بین سنین ۲۰-۳۰ تشکیل می دهد که تعداد آنها در حدود ۲۰۴ نفر و فیصدی آنان به ۳۵,۶۶ می رسد، نشانگر شوق و علائق جوانان به تحقیقات است و کمترین (پایین ترین) تعداد و کمترین (پایین ترین) فیصدی را از نظر توزیع فراوانی افراد بین سنین ۶۱-۷۰ تشکیل می دهد که تعداد آنها در حدود ۱۳ نفر و فیصدی شان ۲,۲۷ است.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به سن

سن	تعداد	فیصد
۲۰-۳۰	۲۰۴	۳۵,۶۶
۳۱-۴۰	۱۶۹	۲۹,۵۵
۴۱-۵۰	۱۵۲	۲۶,۵۷
۵۱-۶۰	۳۴	۵,۹۵
۶۱-۷۰	۱۳	۲,۲۷
مجموع	۵۷۲	۱۰۰



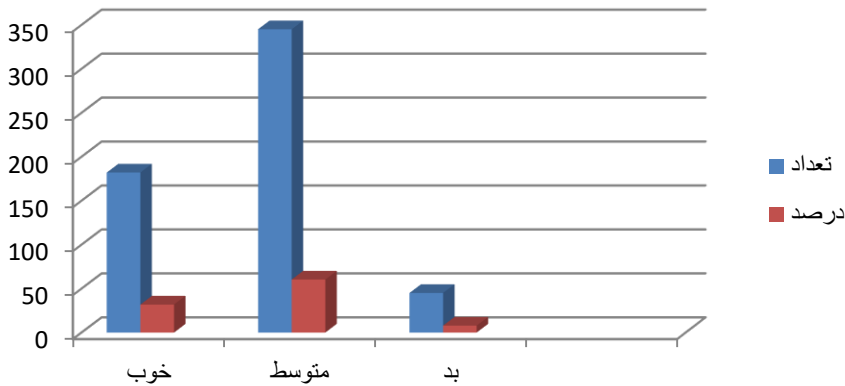
شکل ۱. مربوط به متغیر سن

جدول ۲. تعداد و فیصد برای متغیر وضعیت اقتصادی خانواده‌ها را نشان می‌دهد. همچنان شکل ۲. گراف مربوط به متغیر وضعیت اقتصادی خانواده‌ها را نشان می‌دهد. براساس نتایج مندرج در جدول حدوداً به تعداد ۱۸۲ نفر (۳۱,۸۲ فیصد) از مشترکین دارای وضعیت اقتصادی خوب یعنی از رفاه کامل مالی و وضعیت اقتصادی که هیچگونه احتیاجات و ضرورت به چیزی نداشته باشد برخوردار بودند، ۶۰,۳۱ فیصد از مشترکین دارای وضعیت اقتصادی متوسط (وضعیت مالی و معیشتی آنان به حد بوده به کسی محتاج نبوده ما یحتاج زندگی خود را خود آنها تأمین کرده می‌تواند) و ۳۲,۱۷ فیصد از مشترکین دارای وضعیت اقتصادی بد بودند یعنی؛ جهت بر آورده کردن ما یحتاج و برخی لوازم زندگی به دیگران محتاج باشند از رفاه مالی و اقتصادی کافی برخوردار نیستند. نظر به تعداد و فیصدی مندرج در جدول بیشترین افراد شهر شیرخان دارای اقتصاد متوسط بودند.

جدول ۲. آمار توصیفی مربوط به وضعیت اقتصادی خانواده‌ها

وضعیت	تعداد	فیصد
خوب	۱۸۲	۳۱,۸۲
متوسط	۳۴۵	۶۰,۳۱
بد	۴۵	۷,۸۷
مجموع	۵۷۲	۱۰۰

وضعیت اقتصادی



شکل ۲. وضعیت اقتصادی خانواده‌ها

ب- نتایج استنباطی:

جهت آزمون سوالات و فرضیه‌ها از آزمون t و رگرسیون خطی استفاده گردید؛ اما قبل از آن آزمون‌های پیش فرض را انجام می‌دهیم؛ بناً از آزمون چولگی و کشیدگی استفاده شد. همچنان برای بررسی عدم همبستگی از آزمون دورین واتسن استفاده گردید. نتایج در جدول ۳. نشان داد که توزیع نورمال بوده که در آزمون چولگی و کشیدگی توزیع واریانس در بازه $+2$ و -2 قرار دارد. همچنان آزمون دورین واتسو نیز نشان می‌دهد که نتیجه در بازه‌ای $1.5 - 2.5$ قرار داشته عدم بستگی در متغیر را نشان می‌دهد؛ بناً برای اجرای رگرسیون مساعد است.

جدول ۳. نتایج کجی (skewness)، کشیدگی (kurtosis) و دورین واتسون برای متغیر وابسته

متغیر	چولگی	کشیدگی	دورین واتسن
کیفیت زندگی	۱.۶۱۷	۰.۹۱۴	۲.۰۰۱

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون بررسی نقش انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی

R	R^2	adjusted R^2	خطای استاندارد تخمین زده
۰.۶۵۱	۰.۵۳۲	۰.۵۱۱	۳.۰۱۹

خلاصه تحلیل رگرسیون در جدول ۴. نشان داد که مقدار ضریب همبستگی بین انقلاب صنعتی و کیفیت زندگی ۰,۶۵۱ و میزان R^2 (ضریب تعیین) برابر با ۰,۵۳۲ است. یعنی ۵۳ صدم واریانس توسط انقلاب صنعتی قابل تبیین است.

جدول ۵. خلاصه تحلیل رگرسیون برای بررسی نقش انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	sig
رگرسیون	۶۷۱,۴۶۵	۲	۲۱۳,۹۸۱	۲۳,۱۲۱	۰,۰۰۰
باقیمانده	۳۱۸,۲۱۱	۵۷۰	۱۲۱,۲۲۱۰		
مجموع	۱۲۳۱,۱۸۹	۵۷۱			

به منظور بررسی معناداری ضریب همبستگی بدست آمده، نتایج مندرج جدول ۵. نشان می دهد که میزان F بدست آمده معنادار است ($P < ۰,۰۵$) $F(۲,۵۷۰) = ۲۳,۱۲۱$. بنابر این انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی مؤثر است.

جدول ۶. نتایج مربوط به ضریب رگرسیون

متغیر مؤثر	B	SE	Beta	t	sig
انقلاب صنعتی	۰,۶۱۸	۰,۱۱۹	۰,۶۵۱	۱۱,۲۹۱	۰,۰۰۰

به منظور بررسی نقش انقلاب صنعتی؛ نتایج مندرج در جدول ۶. نشان می دهد که انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی مؤثر بوده است ($p < ۰,۰۵$).

همچنان جهت بررسی فرضیه دوم تحقیق نیز از آزمون رگرسیون استفاده گردید که نتایج آن در جداول ۷، ۸ و ۹ گزارش داده می شود:

جدول ۷. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون بررسی نقش مؤلفه های انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی

R	R^2	adjusted R^2	خطای استاندارد تخمین زده
۰,۴۹۰	۰,۴۸۴	۰,۴۶۵	۳,۲۱۸

خلاصه تحلیل رگرسیون در جدول ۷. نشان داد که مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه های انقلاب صنعتی و کیفیت زندگی ۰,۴۹۰ و میزان R^2 (ضریب تعیین) برابر با ۰,۴۸۴ است. یعنی ۴۸ صدم فیصد واریانس توسط مؤلفه های انقلاب صنعتی قابل تبیین است.

جدول ۸. خلاصه تحلیل رگرسیون برای بررسی نقش مؤلفه های انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	sig
رگرسیون	۹۱۷,۲۲۳	۲	۴۵۶,۶۷۸	۴۵,۰۰۶	۰,۰۰۴
باقیمانده	۵۴۱,۸۹۱	۵۷۰	۲۳۴,۲۴۴		
مجموع	۱۴۲۸۷,۶۵۷	۵۷۱			

به منظور بررسی معناداری ضریب همبستگی بدست آمده، نتایج مندرج جدول ۸. نشان می دهد که میزان F بدست آمده معنادار است ($P < ۰,۰۵$) $F(۵۷۰,۲) = ۴۵,۰۰۴$. بنابر این مؤلفه های انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی مؤثر بوده است.

جدول ۹. نتایج مربوط به ضریب رگرسیون

متغیرهای مؤثر	B	SE	Beta	t	sig
تأثیرات اقتصادی	۰,۷۸۱	۱,۵۶۷	۰,۷۶۱	۲۸,۵۴۱	۰,۰۲۲
تأثیرات اجتماعی	۰,۶۷۲	۲,۱۱۷	۰,۶۵۸	۱۳,۳۹۱	۰,۰۰۰
تأثیرات محیط زیستی	-۰,۵۷۶	۱,۶۱۱	-۰,۵۴۱	۱۵,۸۱۲	۰,۰۰۳

همچنان به منظور بررسی نقش مؤلفه های انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی؛ نتایج مندرج در جدول ۹. نشان می دهد که دو مؤلفه ای انقلاب صنعتی (تأثیرات اقتصادی و تأثیر اجتماعی) مؤثریت مثبت داشته در حالیکه مؤلفه (تأثیرات محیط زیستی) نشان تأثیر منفی انقلاب صنعتی در بخش محیط زیست است ($p < ۰,۰۵$).

مناقشه

تا حال در مورد تأثیر انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی در شهر شیرخان هیچ گونه تحقیقات علمی انجام نشده است، حتی در افغانستان و کشورهای دیگر در مورد تأثیر انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی؛ تحقیقات میدانی و علمی، کمی صورت گرفته که به صورت گزارش ها و نقل قول ها است. اما تحقیقات که به طور میدانی و موشگافانه به بررسی تأثیر انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی بپردازد؛ صورت نگرفته است. اما برخی تحقیقات بطوری؛ یکی از اجزای کیفیت زندگی بدر بر می گیرد انجام شده است از جمله نتایج تحقیق امان پور و آب یاری (۱۳۹۳) و توکل و موسوی (۱۳۸۱) با نتایج حاضر مطابقت

نسبی دراد؛ همچنان پرداختن به این موضوع می‌تواند گامی نو در عرصه مسائل مرتبط با تأثیر انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی باشد. تحقیقات مشابه و تولید نتایج علمی و تحقیقی در این زمینه، می‌تواند برای دست‌اندرکاران و فعالان عرصه تحقیقات مفید و تأثیرگذار باشد. این نوع تحقیقات علاوه بر شناخت بهتر تأثیر انقلاب صنعتی، می‌تواند به‌عنوان مبنای تحقیقات علمی باشد. در این تحقیق، تلاش بر این بود که تأثیر انقلاب صنعتی بر کیفیت زندگی به‌طور علمی مورد بررسی قرار گیرد. در عین حال، تأثیرات انقلاب صنعتی بر دیگر بخش‌ها نیز در نظر گرفته شده است. این بررسی‌ها می‌تواند به ارائه راه‌کارهای مناسب برای بررسی تأثیرات انقلاب صنعتی کمک کند و در فرجام به درک تأثیرات مثبت و منفی انقلاب صنعتی منجر شود.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که انقلاب صنعتی تأثیر قابل‌توجه‌ای بر کیفیت زندگی داشته است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که انقلاب صنعتی توانسته است تغییرات مهمی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ایجاد کند که در مجموع بر کیفیت زندگی تأثیر گذاشته است. از نظر اقتصادی، رشد صنایع و افزایش فرصت‌های کاری به بهبود وضعیت زندگی بسیاری از مردم کمک کرده است. این تحول باعث زیاد شدن تولیدات، کم شدن مصارف کالاها و دسترسی بیشتر به منابع و خدمات شده که همگی سبب بهبود کیفیت زندگی در جوامع صنعتی شده‌اند. در بعد اجتماعی، افزایش شهرنشینی و تغییر در ساختار شهری از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب صنعتی بوده‌اند. این تغییرات در برخی موارد موجب بهبود شرایط زندگی و گسترش مسایل تعلیمی شده، اما از سوی دیگر، مشکلاتی مانند افزایش فاصله طبقاتی و مشکلات مربوط به زندگی شهری را نیز به همراه داشته است. در عرصه محیط زیست، یافته‌ها نشان می‌دهند که انقلاب صنعتی تأثیرات منفی چشمگیری داشته است. افزایش تخریب منابع طبیعی و تغییرات اقلیمی، همگی از پیامدهای منفی انقلاب صنعتی هستند که کیفیت زندگی را در بلندمدت تحت تأثیر قرار داده‌اند.

پیشنهاده‌ها

نتایج این تحقیق تأیید می‌کند که انقلاب صنعتی یک پدیده دوجوهی است که از یک سو موجب پیشرفت اقتصادی و اجتماعی شده، اما از سوی دیگر، آسیب‌های محیط زیستی نیز به همراه داشته است. بنابراین، برای افزایش تأثیرات مثبت انقلاب صنعتی و کاهش اثرات منفی آن، پیشنهاد می‌شود:

پوهنمل عنایت الله حمیدی

- تصامیم جهت اتخاذ برنامه‌های اقتصادی پایدار که رشد صنعتی را با بهبود رفاه عمومی همسو کند.
- استفاده از تکنالوژی‌های جدید، دوست‌دار محیط‌زیست برای کاهش آلودگی و تخریب منابع طبیعی.
- توجه بر توسعه اجتماعی متوازن که علاوه بر رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی را نیز در نظر بگیرد.

منابع

- امانپور، سعید و آبیاری، شهناز. (۱۳۹۳). ارزیابی میزان رضایتمندی از کیفیت زندگی در محله‌های مجاور صنایع شهری: مطالعه موردی منطقه ۸ شهر اهواز. برنامه ریزی فضایی، ۴(۳)، ۱۵۷-۱۷۸.
- آبادیان، محمدرضا و کریمی قهرودی، محمدرضا. (۱۳۹۹). انقلاب صنعتی چهارم و تأثیرات آن در بهداشت (پزشکی) و بیمه. چهارمین کنفرانس ملی دانش و فناوری مهندسی برق، کامپیوتر و مکانیک ایران، تهران. <https://civilica.com/doc/1116935>
- پیره بابی، سامان، یعقوبی، علی اکبر و زندی، مجید. (۱۴۰۳). مروری بر انقلاب‌های صنعتی: انقلاب صنعتی پنجم، عصر انرژی. مهندسی مکانیک دانشگاه تبریز، ۵۴(۲)، ۷۹-۸۸. doi: [10.22034/jmeut.2024.59876.3356](https://doi.org/10.22034/jmeut.2024.59876.3356)
- تفضلی، فریدون. (۱۳۸۱). از یونان و روم باستان تا انقلاب صنعتی: تکامل آهسته اندیشه‌ها و شیوه تفکر اقتصادی. تحقیقات اقتصادی، ۶۱(۱)، ۱۰۷-۱۴۷.
- توکل، محمد و موسوی، سید محمدعلی. (۱۴۰۲). بررسی اثرات صنعتی شدن بر ابعاد سلامت اجتماعی (ارائه مدل نظری). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۲(۴)، ۶۰۸-۶۲۸. doi: [10.22059/jisr.2024.363426.1425](https://doi.org/10.22059/jisr.2024.363426.1425)
- حمیدی زاده؛ سعید؛ احمدی، فضل اله؛ اصلانی، یوسف؛ اعتمادی فر، شهرام؛ صالحی، کمال؛ کردیزدی، رحمت اله. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر برنامه ورزشی گروهی بر کیفیت زندگی سالمندان در سال ۱۳۸۵-۸۶. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی یزد، ۱۶(۱)، ۸۱.
- خراسانچی، مهرناز، باب الحوائجی، فاطمه، فتاحی، رحمت اله، حریری، نجلا و نوشین فرد، فاطمه. (۱۴۰۰). تأثیر انقلاب‌های صنعتی بر سیر تحول کتابخانه‌های عمومی: تحقق کتابخانه پلتفرمی در انقلاب صنعتی چهارم. کتابداری و اطلاع رسانی، ۲۴(۲)، ۱۱۲-۱۳۹.
- دایره‌المعارف اقتصاد. (۱۳۸۱). انقلاب صنعتی و استانداردهای زندگی. قابل دسترس در <https://blog.faradars.org/industrial-revolution/>
- درویش پور کاخکی، علی. (۱۳۸۳). کیفیت زندگی و ابزار اندازه‌گیری کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی. کیفیت زندگی، ۲(۲)، ۲۲-۲۵.
- زیاری، کرامت اله. (۱۳۸۲). تحولات اجتماعی فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی در توسعه فضایی تهران. جغرافیا و توسعه، ۱(۱)، ۱۵۱-۱۶۴.

پوهنمل عنایت الله حمیدی

- شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۶). اثرات فن آوری های نوین بر محیط زیست و بهداشت روانی. روانشناسی و دین. ۱، ۱۲۳-۱۴۲.
- کریمیان، حسن، و عطارزاده، عبدالکریم. (۱۳۹۰). نقش انقلاب صنعتی در تحولات صنایع دستی ایران. مطالعات تاریخ اسلام، ۳(۱۱)، ۹۹-۱۲۰.
- منصورکیایی، زهرا، پالی، سمیرا، فضل هاشمی، سیدمحمد و مرادخواه، وحید. (۱۴۰۰). سیری در تاریخچه انقلاب صنعتی و زمینه های آن. یازدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، بابل. <https://civilica.com/doc/1184088>
- موحدیان عطار، محمدرضا و موحدیان عطار، مینا. (۱۴۰۲). آینده گردشگری سلامت در دوران انقلاب صنعتی ۴،۰. در مقالات همایش ملی گردشگری خلاق: فرصت ها و چالش ها. علی آباد. <https://civilica.com/doc/2064425>
- نادری پور، رفعت. (۱۴۰۱). کارآفرینی در بستر انقلاب صنعتی ۴ و ۵. کنفرانس ملی مدیریت و کارآفرینی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی (با محوریت محرومیت زدایی در منطقه جازمو قابل دسترس در <https://sid.ir/paper/1065232/fa>).
- نجات، سحرناز؛ منتظری، علی؛ هلاکویی نایینی، کورش، محمد، کاظم؛ مجدزاده، سیدرضا. (۱۳۸۵) استاندارد سازی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF) ترجمه و روان سنجی گونه ایرانی. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. ۴ (۴).
- وفامهر محسن و احمدی، سعید. (۱۳۸۸). تاثیر انقلاب صنعتی بر معماری در جوامع انسانی. ساخت شهر. ۱۲.
- یوسف فرخزاد، سودا و موسوی، میرسعید. (۱۳۹۷). رابطه برخی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان رضایت از کیفیت زندگی در مجتمع های مسکونی (مجتمع آفتاب و برج تابان شهرک ولیعصر تبریز). مطالعات جامعه شناسی. ۱۰ (۴۰)، ۱۰۱-۱۱۷.
- Karim, H, A. (2012). Low Cost Housing Environment: Compromising Quality of Life?, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 35(0) , 44-53.
- Shah R, Kulhara P, Grover S, Kumar S, Malhotra R, Tyagi S.(2011). Contribution of spirituality to quality of life in patients with residual schizophrenia. Psychiatry Res. 30;190(2-3):200-5. doi: 10.1016/j.psychres.2011.07.034.

بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان

پوهنمل ملاجان رحمانی^۱، پوهنمل دکتور عبدالمنیر رحیمی^۲

۱. دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون پروان

۲. دیپارتمنت جغرافیه، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول - ایمیل: mullajan.rahmani@gmail.com

چکیده

سرمایه‌گذاری در صنایع یکی از اولویت‌های مهم حکومت‌ها بوده، این عنصر حیاتی سبب توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی کشورها می‌شود. افغانستان از جمله کشورهای جهان سوم بوده که تا هنوز نتوانسته در عرصه تولید صنایع و سرمایه‌گذاری در آن نظر به عوامل مختلفی فایق آید. در عرصه تقویه صنعت سرمایه‌گذاری در آن بعضی فرصت‌ها و چالش‌های وجود دارد که عبارت از موجودیت و استقرار امنیت، نبود فساد اداری، در گذشته این دو فکتور یکی از جمله چالش‌های بزرگی در بخش سرمایه‌گذاری به شمار رفته، اما خوشبختانه امروزه به فرصت تبدیل شده است، موجودیت نیروی بشری جوان و فعال کشور، حمایت و توجه حکومت و نظام در بخش سرمایه‌گذاری، موقعیت مهم و حساس افغانستان در سطح منطقه، موجودیت منابع طبیعی و خاصاً منابع معدنی، وجود منابع آبی فراوان و سایر عوامل دیگر از جمله فرصت‌های سرمایه‌گذاری به شمار رفته، اما در کنار آن چالش‌های نیز وجود دارد که عبارت از نبود انرژی کافی برق، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی، عدم به رسمیت شناختن نظام توسط جهان، فعالیت شبکه‌های مخرب فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی مانند افغانستان انترنیشنل، آمو و غیره، ضعف سیستم بانکی و خدماتی بیرون کشوری و غیره. هدف این تحقیق مطالعه و بررسی نمودن فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان می‌باشد، اینکه افغانستان کشوری است که دارای فرصت‌های زیادی سرمایه‌گذاری بوده، اما در کنار آن دارای چالش‌ها نیز وجود دارد. اهمیت تحقیق آن است که توسط این گونه پژوهش‌ها دریافت میشود تا فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری شناخته شود و زمامداران امور به رفع چالش‌ها اقدام نمایند. شیوه پژوهش آن به شکل کیفی بوده و به گونه تحلیلی و توصیفی بیان شده، نتیجه تحقیق کسب معلومات و آگاهی در رابطه به معرفی ساختن فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در عرصه صنایع کشور می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: بررسی، چالش‌ها، سرمایه‌گذاری، صنایع و افغانستان، فرصت‌ها.

Examining investment opportunities and challenges in Afghanistan industries

Senior Teaching Assistant Mullajan Rahmani^{1*}, Senior Teaching Assistant Dr Abdul Muneer Rahimi²

1. Department of Geography, Faculty of Social Science, Parwan University

2. Department of Geography, Faculty of Education, Alberoni University

* Corresponding Author Email: mullajan.rahmani@gmail.com

Abstract

Investment in industries has been one of the important priorities of governments; this vital element leads to economic development and political stability in countries. Afghanistan is one of the developing countries that has not yet been able to overcome various factors in the production of industries and investment in them. there are some opportunities and challenges, which include the establishment of security, the absence of administrative corruption; in the past, these two factors were among the significant challenges in the investment sector, but fortunately, they have now turned into opportunities. The presence of a young and active workforce in the country, government support and focus on investment, Afghanistan's important and sensitive position in the region, the existence of natural resources, especially mineral resources, abundant water resources, and other factors are considered investment opportunities. However, alongside these, there are also challenges, including the lack of adequate electricity, sanctions and economic and political pressures, the lack of international recognition of the system, the activities of certain harmful networks in cyberspace and social media, weaknesses in the banking system, and external services. The aim of this research is to study and examine the opportunities and challenges of investment in the industries of Afghanistan, as Afghanistan is a country that has many investment opportunities, but at the same time also faces challenges. The importance of the research lies in the fact that such studies help identify the opportunities and challenges of investment, so that policymakers can take action to address them. The research method is qualitative, presented in an analytical and descriptive manner, and the outcome of the research is to gain information and awareness regarding the introduction of investment opportunities and challenges in the industrial sector of the country.

Keywords: Review, opportunities, challenges, investment, industries, and Afghanistan.

مقدمه

سرمایه‌گذاری در صنعت یکی از مهمترین عناصر اقتصادی کشورها، سازمان‌ها و شرکت‌های تولیدی ملی و فراملی اند. اقتصاد و درآمد کلی کشورهای جهان اول وابسته به همین عنصر حیاتی اند که آنها را به قله‌های بزرگ تولیدی، درآمدزا و غول‌های اقتصادی رسانده است که میلیون‌ها دالر عاید روزانه آنها می‌باشد، کشورهای جهان دوم یا کشورهای در حال توسعه نیز گام‌های استواری را در عرصه سرمایه‌گذاری برداشته و توجه اساسی خود را به این امر مبذول نموده و شرکت‌های بزرگ ملی و بین‌المللی را برای سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف به خصوص در بخش صنعت مشوق ساخته و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت اولویت‌های مهم کاری آنها را تشکیل میدهد، اما کشورهای جهان سوم و آن هم رده‌های سوم آن مثل افغانستان در این عرصه خیلی ضعیف و ناتوان بوده که نظر به عوامل مختلفی نتوانسته سرمایه‌گذاری نماید که از جمله جنگ، نا امنی، بی‌ثباتی سیاسی، بحران اقتصادی، عدم استقلال کامل سیاسی و سایر عوامل دیگر نتوانسته در این عرصه پیشگام باشد و زمینه را برای سرمایه‌گذاران مساعد سازد تا سرمایه‌گذاری صورت گیرد که تا سبب ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی کشور گردد. اینکه افغانستان کشوری است که دارای امکانات و فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری بوده، اولین عنصر بخش سرمایه‌گذاری کشورها همانا موجودیت فضای آرامش و امنیت می‌باشد، اینکه در گذشته نبود امنیت از جمله چالش‌های بزرگ سرمایه‌گذاری به شمار رفته و سد راه این فکتور مهم اقتصادی قرار داشته، اما با استقرار امارت اسلامی با برقراری فضای نسبتاً بهتر امنیتی، فرصت خوبی برای سرمایه‌گذاری در صنایع میسر شده که دولت و نظام باید گام‌های استوار خود را بردارد که لله الحمد حکومت موجوده نیز علاقمند به این موضوع بوده و برنامه‌های مهم سرمایه‌گذاری را روی دست گرفته است که این هم از جمله فرصت‌ها شمرده می‌شود، به همین شکل نبود فساد اداری، موجودیت نیروی بشری کافی و ارزان، موقعیت مهم و حساس جغرافیایی افغانستان در منطقه برای سرمایه‌گذاری، وجود کافی و فراوان منابع معدنی، اینکه اکثر منابع معدنی افغانستان به شکل دست نخورده باقی مانده که از جمله فرصت خوبی بر سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. وجود منابع آبی فراوان، اقلیم معتدل و سازگار برای سرمایه‌گذاری و تقویه صنعت کشور، حمایت و توجه حکومت در عرصه سرمایه‌گذاری، قیمت ارزان بر خرید و یا هم به کرایه گرفتن ملکیت‌ها، پرداخت مالیات کمتر و غیره از جمله فرصت‌های مهم سرمایه‌گذاری در بخش صنایع بوده، در کنار آن چالش‌های سرمایه‌گذاری نیز وجود دارد که عبارت از: نبود کافی انرژی برق که این مورد یکی از فکتورهای بسیار مهم

سرمایه‌گذاری بوده که متأسفانه در افغانستان به شکل کافی و ارزان و همیشه وقت وجود ندارد، تحریم و فشارهای اقتصادی و سیاسی جهان، عدم به رسمیت شناسی نظام، فعالیت برخی از شبکه‌های مخرب فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، ضعف سیستم بانکی و فعالیت‌های خدماتی کشور در بیرون از کشور و جهان، نبود زیرساخت‌های اولیه و سایر عوامل و فکتورهای دیگری از جمله چالش‌های سرمایه‌گذاری به شمار رفته که در این مقاله به آن اشاره شده است. هدف این تحقیق بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان می‌باشد که به آن پرداخته شده است. بناءً این تحقیق از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و لازمی پنداشته می‌شود که پیرامون آن تحقیق علمی صورت گیرد. اینکه افغانستان کشوری است که دارای فرصت‌های خیلی زیادی در عرصه سرمایه‌گذاری بوده و مهم پنداشته می‌شود که پیرامون این موضوع تحقیق صورت گیرد. در رابطه به این موضوع تحقیقات علمی کمتری صورت گرفته و تحقیقات مشابهی که انجام شده همانا علی‌قادری در بحث تحقیقی خویش به فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری افغانستان پرداخته و به مباحثی اشاره داشته که در گذشته چالش بوده و امروزه به فرصت تبدیل شده است، به همین شکل خانم ولی در مقاله تحقیقی خویش تحت عنوان: چرا بیکاری در افغانستان افزایش می‌یابد، خانم موصوفه در این نوشتار در رابطه به عوامل مهاجرت و سایر عوامل بیکاری پرداخته است، اما در رابطه به عوامل فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری چیزی را به رشته تحریر نیاورده است. اینکه تحقیق‌ها به خلا و رفع مشکلات تحقیقات فوق پرداخته است و تمام فرصت‌ها و چالش‌های که درین زمینه وجود دارد به آن اشاره شده است. شیوه این تحقیق به شکل کیفی بوده و به گونه تحلیلی و توصیفی بیان شده و جمع‌آوری منابع آن از کتب، مقالات علمی، سایت‌های اینترنتی صورت گرفته است. سوالی که به این تحقیق طرح شده همانا این است که کدام عوامل و فکتورها سبب فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنایع افغانستان گردیده است؟ فرضیه که حاصل شده و به نتیجه رسیده که همانا عوامل و فکتورهای مختلفی در رابطه به فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنایع کشور وجود داشته که در ذیل به آن پرداخته شده است.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش کیفی استفاده شده و ارایه مطالب آن به شکل توصیفی و تحلیلی بیان شده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع کتب، مقالات و استفاده از سایت‌های معتبر اینترنتی گردآوری شده است. این تحقیق در رابطه به بررسی و مطالعه فرصت‌ها و

چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان صورت گرفته، اینکه در بخش سرمایه‌گذاری چه فرصت‌ها و چالش‌های وجود دارد به آن پرداخته شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیقی که در این زمینه صورت گرفته که تحت عنوان: بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان می‌باشد، پیرامون همچو عنوان یک تحقیق علمی و همه جانبه صورت نگرفته است. تحقیقات مشابهی که توسط دیگران صورت گرفته قرار ذیل است:

قادری (۱۳۹۲): در مقاله تحقیقی خویش تحت عنوان: چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان، می‌باشد، موصوف در این مقاله به چالش‌های اشاره کرده که امروز به فرصت تبدیل شده که از آن جمله امنیت و فساد اداری می‌باشد، در گذشته این موضوع از جمله چالش‌های بزرگ سرمایه‌گذاری بوده، اما فعلاً به فرصت مبدل شده، فرصت‌های که قبلاً وجود داشت همانا نقش سرمایه-گذاران خارجی بوده، که از جمله فرصت‌ها به شمار نرفته، به هر صورت موصوف به مباحثی پرداخته که در شرایط فعلی برهم خورده.

آیسا (۲۰۰۳-۲۰۱۳م): آیسا یا اداره حمایه سرمایه‌گذاری افغانستان در گزارش تحلیلی خویش، در رابطه به روند سرمایه‌گذاری در افغانستان: چالش‌ها و مشوق‌ها پرداخته، در این گزارش بیشتر به شکل خیالی بحث شده، وضعیت سرمایه‌گذاری را در سال‌های متذکره بحث کرده و سرمایه‌گذاری را بر اساس فکتورهای مختلفی تقسیم بندی کرده و به شکل گزارش گونه پرداخته است، اما اینکه در شرایط فعلی چه فرصت‌ها و چالش‌های وجود دارد به این موضوع پرداخته نشده که در سال‌های قبلی تحریر یافته که در آن وقت این فرصت‌ها جز چالش‌ها به شمار میرفت.

ولی (۱۴۰۱): در مقاله تحقیقی آن تحت عنوان: چرا بیکاری در افغانستان افزایش می‌یابد، می‌باشد، خانم ولی در این مقاله تحقیقی خویش در رابطه به علل و عوامل بیکاری و اثرات ناشی از آن پرداخته است و بیشتر اینکه چرا یک تعدادی از شهروندان به مهاجرت رو می‌آورد و اساس زندگی خود را به فروش می‌رساند تمرکز نموده است، اما در رابطه به عوامل فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه-گذاری چیزی را به رشته تحریر نیاورده است.

بنابراین تحقیقی که بنده انجام داده، به مشکلات و خلای تحقیقات فوق پرداخته است، از منابع مختلف استفاده شده، علل و عوامل چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در امور صنایع کشور به شکل همه جانبه به آن پرداخته شده است.

الف: فرصت‌ها

۱- برقراری امنیت

اولین عنصر و شاخص بسیار مهم برای تمام امور حیاتی اعم از بازسازی و سرمایه‌گذاری، رسیدن به قله‌های موفقیت، پیشرفت‌ها و توسعه پایدار کشورها همانا وجود امنیت و برقراری فضای امن و رفاه می‌باشد، با استقرار نظام امارت اسلامی امنیت سرتاسری در کشور به وجود آمده، جنگ، اختلافات منطقه‌ای و قومی وجود نداشته و فرصت مناسبی است برای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی کشور، اینکه در جریان چند دهه جنگ، نا امنی و بی‌ثباتی‌های سیاسی، زمینه‌ی مناسب برای سرمایه‌گذاری مساعد نشده، اینکه لله‌الحمد در شرایط فعلی، امنیت وجود دارد و هر کسی در هر گوشه و کنار کشور به شکل آزاد و بدون هیچ گونه ممانعت رفت و آمد کرده می‌تواند، یک فرصت خوبی برای رشد و انکشاف تمام عرصه‌های زندگی مهیا شده به خصوص در عرصه رشد و انکشاف صنعت و سرمایه‌گذاری در این بخش، اینکه در اثر نبود امنیت تمام امور زیربنایی، توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشور به شکل چالش‌زا بوده، امروزه به فرصت مبدل شده و سرمایه‌گذاران را مشوق می‌سازد تا در این کشور سرمایه‌گذاری نمایند (رحمانی، ۱۴۰۳: ۲۱۸-۲۱۹).

۲- نبود فساد اداری

نبود و مبارزه در مقابل فساد اداری، یکی از مزیت‌های موجوده سرمایه‌گذاری در کشور می‌باشد که در شرایط فعلی فرصت خوبی برای آن مساعد شده، یکی از عوامل اساسی سرمایه‌گذاری، نبود زیرساخت‌ها و ضعف صنعت در کشور، همانا فساد اداری بوده، اینکه در گذشته‌ها فساد اداری و مالی بیشتر بوده، تا که ادارات مرتبط از سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها سهم خویش را نمی‌گرفت، هیچ پروژه‌ای اجرا نمی‌شد (jomhornews.com). از جانب دیگر از مسئول بزرگ گرفته تا یک فرد کوچک از خدمات یک شرکت، پروژه‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران سهم و فیصدی خود را نمی‌گرفت، پروژه و یا برنامه انکشافی اجرا نمی‌شد که در نتیجه به بی‌کیفیت‌ترین شکل انجام میشد. این گسترش فساد مانع تحقق برنامه‌های اقتصادی و کندی کار در روند سرمایه‌گذاری شده بود. اما خوشبختانه که امروزه این چالش تا حد زیادی رفع شده، فساد اداری کم شده و مبارزه در مقابل آن جریان دارد که این موضوع یکی از جمله فرصت‌های خوب سرمایه‌گذاری در کشور می‌باشد.

۳- نیروی بشری فعال و جوان کشور

نفوس افغانستان از نظر ترکیب سنی، نفوسی است بسیار جوان، تعداد نیروی بشری زیر ۱۵ سال کشور در حدود ۴۵/۲ درصد بوده است، ۵۴٪ از نفوس کشور را بزرگ سالانی که در سنین کار قرار دارند تشکیل می‌دهد و فقط ۱/۸٪ از نفوس آن سالخوردگان و پیرانی که در گروه سنی ۶۴ سال و بالاتر قرار گرفته‌اند تشکیل می‌دهد. باید گفت نفوس جوان کشور برای جامعه افغانستان هم یک فرصت بوده و هم یک تهدید. فرصت به دلیل وجود نیروی جوانی که داعیه زندگی بهتر و مدرن از منظر آموزش، کسب مهارت، نیازمندی به کار و شغل و فعال شدن جامعه دارد و از سوی دیگر یک تهدید است زیرا در صورت عدم آموزش و تربیت این جمعیت و ناتوانی نظام اجتماعی در به کارگیری این جمعیت، مشکلاتی بسیاری را از قبیل بی‌کاری، فقر، تعارض‌ها و آسیب‌های چون اعتیاد، انزوای اجتماعی، تعارض اجتماعی و مهاجرت بروز خواهد کرد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۹۴-۹۵).

بنابراین افغانستان یکی از جمله کشورهای با نیروی بشری جوان، فعال و کارا بوده، میلیون‌ها جوان کشور در اثر نبود زمینه کار و اشتغال، آواره در کشورهای همسایه و منطقه به سر میبرد، اگر زمینه کار و اشتغالزایی در کشور مساعد باشد، از یک طرف از مهاجرت‌های غیر قانونی جلوگیری شده، از طرف دیگر نیروی بشری به فعالیت‌های کاذب و مخرب نمی‌پردازد و آغشته به مواد مخدر نشده و به درآمد کم در امور زیربنایی کشور می‌پردازد (جمالی، ۱۳۹۷).

۴- موقعیت مهم و حساس افغانستان در منطقه

افغانستان یکی از جمله کشورهای است که از موقعیت بسیار مهم جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برخوردار بوده، این کشور در میان سه حوزه اقتصادی، فرهنگی، تجاری و ژئوپلیتیکی منطقه قرار دارد. در جنوب و شرق آن منطقه آسیای جنوبی، در شمال آن آسیای مرکزی و در غرب آن ایران می‌باشد، افغانستان با قرار گرفتن در میان این سه حوزه، سبب شده که آنها را بپیوندد، با آنکه این حوزه‌ها به ویژه حوزه آسیای مرکزی و جنوب آسیا می‌توانند، فرصت‌های فراوانی را به روی یکدیگر داشته باشند، اما به نسبت نبود مسیرهای مطمئن ترانسپورتی و راه‌های ارتباطی لازم کمتر توانسته‌اند که با هم روابط تجارتي و فرهنگی سودمند و سازنده‌ای داشته باشند. از سوی دیگر افغانستان با قرار گرفتن در یک موقعیت جغرافیایی ویژه می‌تواند، فرصت‌های اقتصادی زیادی در زمینه تجارت و ترانزیت برخوردار شود و از آن در توسعه، سازندگی و پیشرفت کشور خود استفاده نماید. از نگاه موقعیتی افغانستان شریان‌های وصل کننده قاره آسیا بوده و تمام جهات آسیا را با هم وصل می‌سازد، در صورتی

که از موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی این کشور استفاده بهتر صورت گیرد، نه تنها سبب توسعه اقتصادی این کشور می شود، بلکه در ابعاد مختلف سبب رشد و پیشرفت آن می گردد. عوامل طبیعی - محیطی و ژئوپلیتیکی افغانستان در توسعه اقتصادی آن مانند مدیریت درست و بهتر منابع آبی، استخراج و صدور منابع طبیعی، توصل آسیای مرکزی به آسیای جنوبی، به همین شکل شرق آسیا (قدرت اقتصادی چین) به کشور ایران از طریق افغانستان، احیای مجدد پروژه راه ابریشم، پروژه توتاپ، پروژه کاسا یک هزار، پروژه تاپی، موجودیت رودخانه های بزرگ آبی و غیره که همه آنها از جمله عوامل و عناصری است که از موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور دانسته می شود که در ثبات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی آن نقش داشته است و در توسعه پایدار افغانستان ارزنده تلقی می شود و از جمله فرصت های خوب سرمایه گذاری در بخش صنایع کشور می باشد.

افغانستان نقطه تقاطع آسیای میانه، غرب و جنوب آسیا، مرز قدرت های خشکی و اقیانوسی و آوردگاه قدرت های مخالف قوی تر از آن در منطقه بوده است. موقعیت جغرافیایی افغانستان به آن حیثیت پل ارتباطی میان کشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا می باشد (رحمانی، ۱۴۰۲: ۶۷-۶۸).

۵- وجود کافی منابع معدنی

اینکه افغانستان یک کشور غنی از منابع طبیعی، خاصاً معادن بوده و تمام این معادن دست نخورده باقی مانده است (تینوال، ۱۳۹۶: ۳۴). افغانستان از نگاه داشتن معادن در صدر جدول های دارنده انواع معادن و منابع طبیعی جهان قرار دارد که از نگاه کیفی و کمی در رده های خیلی بالایی قرار دارد. اینکه در نتیجه چند دهه جنگ، نا امنی و بی ثباتی های سیاسی به استخراج معادن توجه لازم مبذول نشده است و با استقرار نظام امارت اسلامی توجه به این اصل زیربنایی بیشتر شده است که یکی از جمله فرصت های خوبی بر توسعه پایدار کشور شمرده می شود و نقش سازنده ای در بازسازی و سرمایه گذاری کشور داشته، اگر استخراج و سرمایه گذاری بالای معادن کشور صورت گیرد، زمینه کار به صدها هزار نیروی جوان کشور مهیا شده و در کنار آن هزاران خانواده صاحب یک لقمه نان می گردد و نیروی بشری کشور از قاچاق انسانی و رو آوردن جوانان به مواد مخدر و فعالیت های مخرب جلوگیری می گردد.

بنابراین یکی از جمله فرصت های خوب سرمایه گذاری در کشور همانا موجودیت منابع معدنی افغانستان می باشد که شهرت جهانی داشته و تمام آن باقی مانده و کمتر استخراج شده است. افغانستان از نگاه داشتن منابع معدنی بنام جدول زنده مندلیف شهرت دارد. مس عینک دومین منابع مسی در

سطح جهان، به همین شکل آهن حاجی گنگ شهرت جهانی دارد، ذغال سنگ، طلا، سنگ‌های قیمتی، نفت و گاز، نفرایت، بیرایت، کرومیت، یورانیم طبیعی و غیره از جمله منابع معدنی مهم کشور بوده که در افغانستان وجود دارد که سبب علاقمندی سرمایه‌گذاران بزرگ ملی و بین‌المللی شده و از جمله فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور به شمار رفته (مسلم، ۱۳۹۸).

۶- وجود منابع آبی فراوان

آب یک نعمت الهی، مایه و بقای حیات تمام موجودات زنده بوده، بدون آب زندگی کردن و زنده ماندن ناممکن بوده. آب در تمام عرصه‌های زنده‌گی بشری نقش اساسی و سازنده داشته که سبب رشد، رفاه، توسعه و پیشرفت کشورها، نظام‌ها و تمدن‌ها می‌شود. آب وافر که در هر کشور و جغرافیا وجود داشته باشد سبب تولید قدرت، ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی و نظام سیاسی پیشرفته آن کشورها شده، البته در صورتی که از آن مدیریت و استفاده موثری شود (احمدی، ۱۳۹۱: ۹۶).

افغانستان یکی از جمله کشورهای است که از ذخایر و منابع آبی وافر برخوردار بوده و دارای ده‌ها دریاها و بزرگ و کوچک و حوضه‌های آبی مختلفی در هر قسمت این سرزمین جریان داشته، اما متأسفانه از آن مدیریت و بهره‌برداری درست نشده و استفاده بیشتر را کشورهای همسایه می‌نماید، از تمام منابع آبی کشور در حدود ۳۰ درصد استفاده شده، متباقی دیگر آن کشورهای همسایه مانند پاکستان، ایران، ازبکستان و ترکمنستان استفاده اعظمی نموده است و در کنار آن به افغانستان چالش و تهدید مبدل شده است (هاشمی، ۱۳۹۲: ۹۸).

افغانستان در سطح منطقه‌ای آسیای مرکزی، جنوبی، غربی و خاور میانه، بعد از تاجیکستان دومین کشوری است که از منابع آبی کافی برخوردار بوده. تمام منابع آبی کشور به پنج حوضه بزرگ و ۴۲ حوضه کوچک تقسیم شده است (حمیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۵).

بنابراین با داشتن آب‌های کافی و فراوان و جریان آن در هر گوشه و کنار کشور، یکی از فرصت‌های خوبی بر سرمایه‌گذاری می‌باشد، قسمی که زراعت وابسته به آب بوده و بدون آب کافی امور زراعتی کشورها رشد و انکشاف نخواهد کرد، به همین شکل صنعت نیز ضرورت به آب داشته و سرمایه‌گذاری در این عرصه خیلی مهم بوده. یک بخش مهم صنعت و استقرار آن همانا موجودیت انرژی برق می‌باشد، زمانی که منابع آبی وجود داشته باشد، هم منابع انرژیکی تولید شده و هم سرمایه‌گذاری بالای آن می‌گیرد. بناءً صنعت با آب رابطه مشترک و لازم و ملزومی داشته و بدون آب کافی صنعت انکشاف نمی‌نماید.

پوهنمل ملاجان رحمانی

۷- اقلیم متعادل کشور

با وجود اینکه افغانستان در منطقه اقلیمی خشک و نیمه خشک قرار گرفته، اما موجودیت سلسله جبال بزرگ در آن مانند هندوکش، بابا، سفید کوه، کوه‌های سلیمان، سپین غر و تورغر و سایر سلسله‌های بزرگ در کشور سبب شده که آب و هوای معتدل را به این جغرافیا بخشیده است. آب و هوای تعداد زیادی از ولایات کشور معتدل بوده که خیلی مناسب و سازگار برای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی کشور شمرده می‌شود و ضرورت به مصرف انرژی مازاد ندارد.

۸- حمایت و توجه حکومت در عرصه سرمایه‌گذاری

یکی از جمله فکتورهای مثبت و قابل ارزش در شرایط فعلی، همانا حمایت دولت و حکومت در عرصه سرمایه‌گذاری بوده، خوشبختانه امارت اسلامی افغانستان در این عرصه علاقمندی زیادی داشته تا سرمایه‌گذاری در کشور صورت گیرد و افغانستان به طرف خود کفایی اقتصادی برود. اینکه دیده می‌شود در سطح کشورهای جهان معاونیت مشخص و مستقلى تحت عنوان معاونیت اقتصادی نخست وزرا/ یا رئیس الوزرا وجود ندارد، اما در افغانستان این پُست و سمت مستقلى وجود دارد که برنامه‌ها و عملکردهای شان مشخص پیرامون مسایل اقتصادی کشور می‌باشد و آقای ملا عبدالغنی برادر علاقمندی خاصی به این امور داشته، لذا این یکی از جمله فرصت‌های خوب سرمایه‌گذاری در افغانستان به شمار رفته که تاجرین و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را در بخش سرمایه‌گذاری تشویق و ترغیب می‌نماید تا در بخش‌های مختلفی سرمایه‌گذاری نمایند.

۹- ارزان بودن خرید و فروش ملکیت‌ها

یکی از جمله فرصت‌های خوب در عرصه سرمایه‌گذاری در افغانستان همانا، قیمت کمتر یا پرداخت هزینه کم بر خرید یا به کرایه گرفتن زمین و ملکیت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد، در بیشتر ولایات و شهرهای افغانستان هزینه و قیمت خرید و فروش زمین آنقدر پر هزینه و گزاف به مانند کشورهای دیگری نیست که سبب هزینه بیشتر سرمایه‌گذاری شود. در ضمن هزینه پرداخت مالیات آن نیز ناچیز بوده، بر سرمایه‌گذاری کوچک، آنهایی که دارایی شان کمتر از یک میلیون افغانی باشد، از پرداخت مالیه معاف بوده، آنهایی که بیشتر دارد نظر به دارایی و ثروت شان مالیه را می‌پردازد، که این هم یکی از جمله فرصت‌ها و مزایای خوبی در بخش سرمایه‌گذاری در امور صنعتی کشور می‌باشد (ذهین، ۲۰۱۹).

ب: چالش‌های سرمایه‌گذاری

۱- نبود کافی انرژی برق

یکی از نیازهای خیلی مهم و ضروری جوامع بشری امروزی، وجود انرژی برق بوده، چون بواسطه انرژی برق است که تمام صنعت و تکنالوژی امروزی به چرخش درآمده. بدون برق نمی‌توان به جهان مدرن امروزی متصل یافت و یکی از نیازهای خیلی مهم زنده‌گی بشری بوده، زمانی که تصمیم به سرمایه‌گذاری و تولید صنایع می‌شود، ضرورت به انرژی برق بوده که باید به شکل کافی وجود داشته باشد، اگر انرژی برق نباشد سرمایه‌گذاری در بخش صنعت دچار مشکل و چالش شده و سرمایه‌گذار نمی‌تواند در بخش تولید صنایع و تقویه امور صنعتی سرمایه‌گذاری نماید. اینکه بیشترین میزان انرژی برق افغانستان وارداتی از کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و ایران بوده و میلیون‌ها دالر سالانه از بابت صرفیه برق به آنها پرداخت می‌شود و هرزگاهی که کشورهای متذکره خواسته باشد آنرا قطع می‌نماید؛ این بزرگترین چالش در بخش سرمایه‌گذاری صنایع افغانستان بوده. از اینکه افغانستان بیشترین میزان آب کافی و شیرین را داشته و بهترین زمینه برای ساخت سدها و بندها بوده، اما متأسفانه نظر به عوامل جنگ و بی‌ثباتی‌های سیاسی و خیانت مسئولین امور نتوانسته در کشور سرمایه‌گذاری نماید و منابع آبی کشور را کنترل نماید و انرژی برقی کشور را غنی بسازد (رحمانی، ۱۴۰۳: ۲۲۷-۲۲۸).

۲- تحریم و فشارهای اقتصادی و سیاسی جهان

یکی از فکتورها و عناصر بسیار مهم چالش‌ها در امور سرمایه‌گذاری کشور همانا تحریم و فشارهای اقتصادی و سیاسی جهان غرب به رهبری امریکا و هم پیمانان آن می‌باشد، اینکه امریکا به شکل بی‌شرمانه آن شکست خورد و از افغانستان بیرون شد، بخاطر جبیره و اعاده حیثیت خود بعضی تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی را بالای نظام وضع ساخته، سیستم مالی و بانکی کشور دچار مشکل شده، خدمات ارتباطی و تعاملی با دنیا کمتر شده، فعالیت بعضی موسسات توقف نموده و اعمال فشار به نظام گردیده و کشورهای دیگری هم به سوی امریکا نگاه داشته که دارای کدام عملکرد است. بنابراین این اعمال فشار و تحریم نیز از جمله چالش‌های سرمایه‌گذاری در امور صنعتی کشور که سرمایه‌گذاران خارجی کمتر علاقمند می‌شود.

پوهنمل ملاجان رحمانی

۳- عدم به رسمیت شناسی نظام

یکی از جمله مشکلات و چالش‌های بسیار مهم و اساسی در بخش سرمایه‌گذاری بالای صنایع کشور، توسط سرمایه‌گذاران خارجی و ضعف منابع مالی و تولیدی همانا موضوع عدم به رسمیت شناسی نظام افغانستان می‌باشد. بنابراین بعضی مؤسسات و سازمان‌های کمکی جهان خدمات شان را توقف ساخته و در این عرصه سرمایه‌گذاری نمی‌نماید. اگر این چالش مهم توسط نظام سیاسی افغانستان حل شود و موضوع به رسمیت شناسی کشور توسط دول جهان صورت گیرد، ان شاءالله این چالش به فرصت تبدیل میشود و سرمایه‌گذاران مختلفی در این کشور به سرمایه‌گذاری می‌پردازد.

۴- فعالیت شبکه‌های مخرب فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی

فعالیت مخرب بعضی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی وجود دارد که در مخالفت با نظام فعالیت داشته که همانا افغانستان انترنیشنل، رادیو و تلویزیون آزادی، آمو، فضا و بعضی رسانه‌های دیگری است که تمام روز فعالیت‌های منفی و پور و پاکندهای پوچ و غیر واقعی را پخش و نشر می‌سازد که ذهن شهروندان کشور را مغشوش ساخته و سبب ایجاد روحیه منفی می‌گردد. همچنان در فضای مجازی فعالیت بعضی شبکه‌ها و صفحات اجتماعی وجود دارد که در مخالفت با نظام فعالیت می‌نماید. دست آوردها و فعالیت‌های مثبت نظام را هیچ بحث نکرده، بر عکس سبب ترویج ذهنیت منفی و مخرب شده و آنرا برجسته می‌سازد، این موضوع نیز یکی از جمله عواملی اند که بالای افکار و ایده‌های سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در بُعد سرمایه‌گذاری تاثیر منفی گذاشته که علاقمند به سرمایه‌گذاری نمی‌شود. بناء دولت برای جلوگیری همچو شبکه‌های مخرب را سانسور وضع نماید یا هم آنها را مسدود نموده و جلو فعالیت آنها را بگیرد تا سبب ذهنیت سازی مثبت شده و از پور پاکندهای منفی جلوگیری صورت گیرد تا حقیقت عینی به جامعه معرفی گردد.

۵- ضعف سیستم‌های بانکی و فعالیت خدمات بیرونی

با ایجاد تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی دنیای غرب به رهبری امریکا، ضعف و مشکلاتی در سیستم بانکی کشور دیده می‌شود. تعدادی از بانک‌ها دارای خدمات و فعالیت‌های کمتری بوده و خدمات آن در بیرون از کشور کمتر داشته، منابع پولی به شکل آزاد و بدون قید و شرط انجام نمی‌شود، انتقالات پولی وجود ندارد و اگر هست با پرداخت صرفیه بیشتر، که تمام این موارد در بخش سرمایه‌گذاری تاثیر منفی داشته و رشد صنعت را دچار مشکل ساخته است.

۶- نبود زیرساخت‌ها

اینکه زیرساخت‌های اولیه در کشور وجود نداشته، بنابراین سرمایه‌گذاران را در عرصه سرمایه‌گذاری کمتر علاقمند ساخته است، که عبارت از نبود جاده‌ها و شاهراه‌های قیر و استفالت شده، ضعف فعالیت مخابرات و سیستم انترنتی در شهرها و تعداد ولایات، بعضی مناطقی اند که تا هنوز خدمات شبکه‌های مخابراتی هیچ فعالیت ندارد و مردم اصلاً انترنت را نمی‌شناسد. هتل‌ها و رستوران‌های معیاری وجود ندارد. فروشگاه‌ها و سایر مراجع خدماتی کمتر وجود داشته، سیستم ترانسپورتی مجهز و با هزینه مناسب کمتر بوده، انرژی برق وجود نداشته که در فوق به آن اشاره شد، سیستم اداری به همان شکل کلاسیک شان بوده و دیجیتلی نشده، ماه‌ها طول می‌کشد که پروسه اداری یک پروژه انجام شود، کندکاری‌های اداری و دفتری بیشتر بوده و هنوز هم بعضی مشکلات و خلاهای مفاسد دیده می‌شود که از جمله عواملی اند که سبب چالش‌های سرمایه‌گذاری در کشور شده است (رحمانی، ۲۲۳: ۱۴۰۳-۲۲۶).

مناقشه

افغانستان کشوری است که از امکانات و فرصت‌های محیطی، موقعیتی، طبیعی و جغرافیایی بیشتری برخوردار بوده. اما در رابطه به رشد اقتصادی، صنعتی و تولیدی آن توجه اساسی نظر به عوامل سیاسی، امنیتی، اجتماعی، ساختاری و مدیریتی صورت نگرفته است. افغانستان کشوری است سرشار از منابع طبیعی و معدنی و موقعیت ممتازی را در سطح قاره آسیا داشته، اما نظر به چالش‌های فوق به آن توجه نشده است. در رابطه به فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنایع افغانستان تا هنوز تحقیقات و مطالعات علمی کمتری صورت گرفته است، بعضی محققین که پیرامون این موضوع پرداخته به شکل خیلی مختصر و گذرا در رابطه به آن بحث کرده است و از طرف دیگر مطالب نوشتاری آن به سالیان گذشته بوده که در آن زمان فرصت‌های موجود به شکل چالش دیده میشد. اما بعضی از محققین به تحقیقات پرداخته که عبارت از: آقای ولی قادری در مقاله تحقیقی خویش تحت عنوان: چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان، بحث نموده و به چالش‌های اشاره کرده که امروزه آن به فرصت تبدیل شده است، از آن جمله امنیت، فساد اداری و غیره می‌باشد، به همین شکل (آیسا) یا اداره حمایه سرمایه‌گذاری افغانستان در گزارش تحلیلی خویش، در رابطه به روند سرمایه‌گذاری در افغانستان به مطالعه چالش‌ها و مشوق‌ها پرداخته، در این گزارش بیشتر به شکل خیالی بحث شده، وضعیت سرمایه‌گذاری را در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۳ م مورد بحث قرار داده، اینکه در آن

زمان امکانات مالی بسیار زیادی وجود داشت، اما توجه به این اصل مهم نشده است. به همین شکل خانم ولی در مقاله تحقیقی خویش تحت عنوان چرا بیکاری در افغانستان افزایش می‌یابد، موصوفه در رابطه به علل و عوامل بیکاری و اثرات ناشی از آن پرداخته است و بیشتر اینکه چرا یک تعدادی از شهروندان به مهاجرت رو می‌آورد و ترک کشور می‌نمایند بحث نموده. به همین شکل آقای رحمانی در مقاله خویش تحت عنوان: بررسی فرصت‌ها و چالش‌های صنعت توریسم پرداخته است، به مواردی اشاره کرده است که رابطه به صنعت توریسم دارد. لذا تحقیقی که تحت همجو عنوان صورت گرفته، به معرفی و شناسایی همه جانبه فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنایع کشور پرداخته شده و نقش آن بیان شده، که با تحقیقات قبلی کاملاً فرق بارزی دارد. به اهمیت و مزایای جغرافیایی کشور پرداخته و نقش آن مطالعه شده است.

نتیجه‌گیری

نظر به عوامل مختلفی در افغانستان سرمایه‌گذاری صورت نگرفته است بخصوص در عرصه صنایع، اینکه در اثر جنگ‌ها، نا امنی، نابسامانی‌های سیاسی، مستقل نبودن نظام‌ها در عرصه سیاسی و غیره از جمله عواملی اند که مانع برنامه‌های سرمایه‌گذاری شده اند. در شرایط فعلی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور بیشتر مساعد شده که عبارت از امنیت، اینکه در گذشته امنیت کامل و سرتاسری در کشور وجود نداشت و فساد اداری هم بیشتر بود که از جمله چالش‌های بزرگ و سد راه سرمایه‌گذاری قرار داشت، اما امروزه این دو عنصر مهم به فرصت‌ها تبدیل شده است، از جمله فرصت‌های دیگری که وجود داشته همانا وجود منابع کافی آب و جریان رودخانه‌های پر آب افغانستان می‌باشد، اقلیم سازگار و گوارای این سرزمین از جمله فرصت‌های دیگریست که سبب زمینه سرمایه‌گذاری می‌شود، نیروی بشری ارزان و کافی که با پرداخت هزینه کمتر مصروف کار می‌شود در این کشور وجود دارد، خریداری و سرمایه‌گذاری در زمین‌های که به هزینه بیشتر ضرورت نبوده، وجود منابع طبیعی و معادن فراوان کشور که تمام آنها به شکل دست نخورده باقی مانده، موقعیت مهم و حساس جغرافیایی افغانستان در منطقه برای سرمایه‌گذاری، حمایت و توجه حکومت در عرصه سرمایه‌گذاری و غیره از جمله فرصت‌های مهم سرمایه‌گذاری در بخش صنایع کشور بوده، در کنار آن چالش‌های سرمایه‌گذاری نیز وجود داشته که عبارت از نبود کافی انرژی برق می‌باشد، اینکه برق از جمله عناصر و فکتورهای مهمی بر تولید و سرمایه‌گذاری بوده به شکل کافی وجود نداشت و بیشتر منابع انرژیکی کشور وارداتی بوده، تحریم و فشارهای اقتصادی و سیاسی جهان، عدم به رسمیت شناسی نظام،

فعالیت شبکه‌های مخرب فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، ضعف سیستم بانکی و فعالیت خدمات بیرون کشوری آن، نبود زیرساخت‌های اولیه و سایر عوامل و فکتورهای دیگر از جمله چالش‌های سرمایه‌گذاری که به شکل مفصل در تحقیق متذکره به آن پرداخته شده است.

پیشنهادهات:

- ۱- تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران داخلی کشور در عرصه سرمایه‌گذاری در بخش صنایع.
- ۲- مهار ساختن و مدیریت نمودن منابع آبی کشور و ساخت و ساز بندها و کانال‌های آبی بالای حوضه‌های مختلف آبی کشور.
- ۳- توجه جدی به افزایش انرژی برقی در داخل و خاصتاً ساخت و ساز برق‌های آبی
- ۴- کوشش بیشتر در عرصه به رسمیت شناسی کشور و توجه جهانیان در عرصه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت افغانستان.
- ۵- توجه و تمرکز به زیرساخت‌های کشور مانند سرک‌ها، جاده‌ها، رستوران‌ها و سیستم مخابرات.
- ۶- تقویه و حمایت سکتور خصوصی و سهیم ساختن آنها در عرصه سرمایه‌گذاری.

منابع

- احمدی، میرهارون (۱۳۹۱). جغرافیای فیزیکی افغانستان، چاپ دوم، کابل: انتشارات نامی.
- تنیوال، محمدظریف (۱۳۹۶). جغرافیه اقتصادی افغانستان، چاپ دوم، انتشارات: نامی، کابل.
- رحمانی، ملاجان (۱۴۰۲). نگاهی به ارزش موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان، مجله سیمه‌بیز مطالعات، فصل نامه مرکز مطالعات منطقه‌یی افغانستان آکادمی علوم، شماره ۷۰-۷۱، صفحات ۶۵-۹۸.
- رحمانی، ملاجان (۱۴۰۳). مطالعه‌ی فرصت‌ها و چالش‌های صنعت توریسم در افغانستان، مجله علمی قلم پوهنتون پکتیا، سال نهم، شماره ۱۹، صفحات ۲۱۳-۲۳۳.
- مسلم، ابو شاکر (۱۳۹۸). حرمت دخانیات در اسلام، چاپ دوم، انتشارات ابو مسلم، ایران.
- هاشمی، سید رفیع (۱۳۹۲). بررسی هایدروپولیتیک رودهای مرزی افغانستان کابل و آمو دریا، پایان- نامه تحصیلی دوره ماستری، رشته جغرافیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، به رهنمایی دکتر سیدهادی زرقانی.
- عظیمی، محمد عظیم (۱۳۹۱). جغرافیای انسانی افغانستان، چاپ اول، کابل: انتشارات علم و دانش- خراسان.
- حمیدی، سمیه، اشرفی، فاطمه، بخشی، احمد (۱۳۹۶). تأثیر الگوی سد سازی بر مناسبات ایران با همسایگان (مطالعه موردی: هریرود)، مجموعه مقالات همایش دیپلوماسی آب و فرصت‌های هایدروپولیتیک غرب آسیا، تهران، دانشگاه خوارزمی. صفحات ۲۳۱-۲۴۳
- فرصت‌ها و موانع سرمایه گذاری در افغانستان (۱۳۹۶). در سایت: www.jomhornews.com تاریخ بازدید ۱۴۰۳/۱۱/۱۸
- جمالی، اسماء (۱۳۹۷). ابعاد فقر و عوامل آن در افغانستان، در سایت: www.dailyafghanistan.com تاریخ بازدید ۱۴۰۳/۹/۲۵
- ذکی، بسم الله (۲۰۱۹). فقر چیست و چرا افغانستان در رده بالایی کشورهای فقیر جهان قرار دارد؟ در سایت: www.csrskabul.com تاریخ بازدید ۱۴۰۳/۹/۲۴
- هفت علت اصلی فقر- تیم آکادمی مالی مسعود، در سایت: www.masoudko.com تاریخ بازدید ۱۴۰۳/۹/۲۴
- مظفری زاده، زهرا (۲۰۲۱). بررسی عوامل تعیین کننده اقتصاد جرمی در اقتصاد بازار (مطالعه موردی افغانستان)، در سایت: www.research.ru.edu.af تاریخ بازدید ۱۴۰۳/۹/۲۲
- ذهین، حمیدالله (۲۰۱۷). بحران بیکاری در افغانستان؛ پیامدها، علل و راه های بیرون رفت از آن، در سایت: www.eslahonline.net تاریخ بازدید ۱۴۰۳/۹/۲۶

آموزش زبان عربی و نقش آن در توسعه‌ی پایدار افغانستان

پوهنمل عبدالعزيز واعظ^۱، پوهنوال دكتور محبوب الرحمن صافی^۲، پوهنمل محمد ادیب عظیمی^۳

۱. دیپارتمنت عربی، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول - ایمیل: azizwa318@gmail.com

چکیده

آموزش زبان عربی در افغانستان به عنوان زبان قرآن و زبان بین المللی برای ما افغان‌ها بنا به دلایل دینی، ملی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ مهم و ارزنده می‌باشد. هدف این پژوهش، روشن ساختن نقش آموزش زبان عربی در دستیابی به توسعه‌ی پایدار در افغانستان، با تحلیل تاثیرات آن در زمینه‌های مختلف می‌باشد. چون زبان عربی نقش محوری در تقویت هویت اسلامی ایفا می‌کند. گسترش زبان عربی افق‌های جدیدی را برای دانش‌جویان و پژوهندگان جهت دستیابی به منابع معارف اسلامی و علمی می‌گشاید که سطح آموزش را ارتقا و به توسعه‌ی برنامه‌های علمی کمک می‌کند. از منظر اقتصادی، تسلط بر زبان عربی فرصت‌های گسترده‌یی را در بازارکار فراهم می‌کند، که سبب به‌تر شدن اقتصاد و شرایط زندگی افراد در جامعه می‌گردد. روش این تحقیق روش تحلیلی توصیفی می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد آموزش زبان عربی می‌تواند به تقویت روابط فرهنگی و دیپلماتیک بین افغانستان و کشورهای عربی کمک کرده و راه را برای هم‌کاری در پروژه‌های توسعه‌ی پایدار از جمله فرصت‌های شغلی در سازمان‌های بین المللی و مؤسسات دینی، زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری بازکند. با این حال چالش‌های که مانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های توسعه‌ی پایدار این زبان شده است عبارت از: کم‌بود منابع آموزشی، کم‌بود اساتید متخصص، روش‌های سنتی تدریس و... می‌باشد. بنابراین برای حل این چالش‌ها، پیشنهاد می‌شود که از روش‌های آموزشی معاصر، تألیف کتاب‌های درسی مناسب و تعلیم و تربیت استادان متخصص کار گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش، افغانستان، اقتصادی، توسعه، زبان عربی.

تعليم اللغة العربية ودوره في التنمية المستدامة في أفغانستان

الأستاذ المعيد عبدالعزيز واعظ^١، الأستاذ المشارك الدكتور محبوب الرحمن صافي^٢، الأستاذ المعيد محمد اديب عظيمي^٣

١. أستاذة قسم اللغة العربية في كلية اللغات والآداب، جامعة البيروني، محافظة كاپيسا- أفغانستان.

البريد الإلكتروني: azizwa318@gmail.com

ملخص البحث

لقد كان تعليم اللغة العربية في أفغانستان، باعتبارها لغة القرآن الكريم ومبادئ الدين ولغة دولية، أمراً مهماً بالنسبة للشعب الأفغان على مر التاريخ؛ لأسباب دينية ووطنية وثقافية واقتصادية وسياسية واجتماعية. يهدف هذا البحث إلى توضيح وتبين دور تعليم اللغة العربية في تحقيق التنمية المستدامة في أفغانستان من خلال تحليل آثاره في المجالات المختلفة. لأن اللغة العربية لها دور محوري في تعزيز الهوية الإسلامية. إن انتشار اللغة العربية يفتح آفاقاً جديدة أمام الطلبة والباحثين للوصول إلى مصادر المعارف الإسلامية والعلمية التي ترفع مستوى التعليم وتساعد في تطوير المناهج العلمية. ومن الناحية الاقتصادية فإن إتقان اللغة العربية يوفر فرصاً واسعة في سوق العمل، مما يحسن الوضع الاقتصادي والمعيشي للأفراد في المجتمع. والمنهج المتبع في هذا البحث هو المنهج الوصفي التحليلي. تشير نتائج البحث إلى أن تعليم اللغة العربية يساعد الناس على تعزيز العلاقات الثقافية والدبلوماسية بين أفغانستان والدول العربية ويمهد الطريق للتعاون في مشاريع التنمية المستدامة، بما في ذلك فرص العمل في المنظمات الدولية والمؤسسات الدينية وغير ذلك. ومع ذلك، فإن التحديات التي حالت دون استغلال إمكانات التنمية المستدامة لهذه اللغة، منها: نقص الموارد التعليمية، ونقص المعلمين الخبراء، وطرق التدريس التقليدية، وما إلى ذلك. لذلك، لحل هذه التحديات، نقترح استخدام الأساليب التعليمية المعاصرة، وتأليف الكتب المدرسية المناسبة، وتدريب المعلمين الخبراء.

الكلمات المفتاحية: أفغانستان، الاقتصاد، التعليم، التنمية، اللغة العربية.

مقدمه

زبان وسیله حرکت انسان در عرصه‌های علمی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی است. زیرا پیشرفت بشر در تمام جنبه‌های زندگی گواه پیشرفت زبان می‌باشد و زبان پایه‌ای است که بنای ملت‌ها بر آن استوار است و هر گروه از طریق آن می‌تواند با افتخار در باره هویت خود صحبت کند. زبان عربی نیز یکی از مهم‌ترین زبان‌های علمی جهان است، که آموزش آن در افغانستان به عنوان زبان قرآن و اصول دین و زبان بین‌المللی برای افغان‌ها در طول تاریخ مهم بوده است؛ زیرا در عصر حاضر بیش از ۴۲۲ میلیون نفر به آن صحبت می‌کنند. این زبان رسمی ۲۷ کشور عربی می‌باشد، هم‌چنان زبان رسانه‌ها و نهادهای حقوقی است و در اکثر کشورهای جهان به صورت رسمی یا غیر رسمی این زبان تدریس می‌گردد.

مسأله که این مقاله به دنبال تحقیق و بررسی آن است، تبیین پیوند میان آموزش زبان عربی و روند توسعه پایدار در افغانستان می‌باشد؛ زیرا توسعه پایدار در هیچ کشوری بدون آموزش و مخصوصاً آموزش زبان بین‌المللی که عربی از جمله آن می‌باشد امکان پذیر نیست. هم‌چنین بحث در مورد واقعیت آموزش زبان عربی و مهم‌ترین چالش‌های فرا راه آن و راه‌کارها برای دستیابی توسعه پایدار در افغانستان است.

اهمیت این موضوع بر آن است که این پژوهش به موضوع مهم و حیاتی پرداخته که عبارت از آموزش زبان عربی و نقش آن در توسعه پایدار افغانستان است، که میتوان مهم‌ترین آن‌ها را در موارد ذیل شمرد:

- پیوند زبان عربی با افراد جامعه به معنای پیوند آن با عقاید، فرهنگ، روابط اجتماعی، هویت ملی و جهت‌گیری‌های توسعه آن است.
- زبان عربی کار ارتباط و تبادل اطلاعات و دانش را از طریق اشتراک اجتماعی انجام می‌دهد.
- بیان نقش آموزش زبان عربی در توسعه اجتماعی، کاری که کشورهای صنعتی پیشرفته انجام می‌دهد که با تکیه بر زبان بین‌المللی آموزش و پژوهش علمی را تقویه می‌نمایند.
- کمک به تحقیقات علمی به نحوی که زبان عربی و افراد جامعه نفع ببرند زیرا این دو مهم‌ترین عنصر پیشرفت جامعه می‌باشد.

پوهنمل عبدالعزیز واعظ

هدف این پژوهش تبیین مفهوم آموزش زبان عربی و توسعه‌ی پایدار، واضح نمودن میزان نقش آموزش این زبان در دستیابی به توسعه‌ی پایدار، و چالش‌های فرا راه آموزش زبان عربی در افغانستان است.

روش که در این تحقیق کار گرفته شده، روش تحلیلی توصیفی می‌باشد، زیرا تحقیق توصیفی، روش مناسبی برای انجام این نوع پژوهش زبانی است.

فرضیه این پژوهش را می‌توانیم چنین بیان نماییم:

- از آنجایی که توسعه‌ی پایدار یک فرایند پویا و مستمر بوده، که مستلزم توسعه‌ی همه سطوح آموزشی در کشور می‌باشد، به ویژه آموزش زبان عربی به عنوان زبان دین و زبان بین المللی.

- آموزش زبان عربی می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای تقویت روابط فرهنگی و اجتماعی به توسعه‌ی پایدار افغانستان کمک کند.

- یادگیری زبان عربی در افغانستان می‌تواند باعث بهبود آموزش و پژوهش در زمینه‌های مختلف علمی و دینی شود که به توسعه‌ی پایدار کمک خواهد کرد.

پیشینه تحقیق: در رابطه به موضوع (آموزش زبان عربی و نقش آن در توسعه‌ی پایدار افغانستان) کدام پژوهش جدی صورت نگرفته است؛ اما مقالات و پژوهش‌های علمی وجود دارد که با این تحقیق ارتباط موضوعی نسبی دارند و می‌توان به‌طور نمونه از آن‌ها یاد کرد:

- باسل، د. گل محمد، غفوری، شریف الله. (۲۰۲۱). نشاندهی فرصت‌های کاری فارغ

التحصیلان زبان و ادب عربی در افغانستان. المجلة العربية الدولية للبحوث الخلافة، المجلد ۲، العدد ۱.

- کشاورز، حبیب. (۱۳۹۵). نقش دانش آموختگان رشته زبان و ادبیات عربی در توسعه‌ی

تجارت الکترونیک با کشورهای عربی. مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۹.

- وکیلی، رضا، نظری، آرمان. (۱۴۰۲). اهمیت و نقش آموزش زبان عربی در فرهنگ سازی

معلمان و دانش آموزان. اولین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش: تهران.

همچنان محققان به شکل پراکنده موضوعاتی را در مورد اهمیت آموزش زبان عربی، جایگاه زبان عربی، نقش زبان عربی در انتقال مفاهیم دینی و غیره پرداخته است.

محتویات تحقیق: این تحقیق شامل خلاصه تحقیق، مقدمه، اصل موضوع و نتیجه گیری می باشد. که اصل موضوع آن در چهار محور مهم تقسیم شده که محور اول آن مفهوم زبان، زبان عربی و توسعه‌ی پایدار، محور دوم: اهمیت و جایگاه آموزش زبان عربی در افغانستان، محور سوم: نقش زبان عربی در توسعه‌ی پایدار افغانستان، محور چهارم: چالش‌ها و فرصت‌های آموزش زبان عربی و توسعه پایدار است.

محور اول: مفهوم زبان، زبان عربی و توسعه‌ی پایدار

تعریف زبان: زبان در لغت به معنی کلام یا سخن و در اصطلاح تعریف‌های متعددی برای کلمه زبان ارایه شده است چنانچه ابن جنی در کتاب خود (الخصائص) زبان را اینگونه تعریف می نماید: «مجموعه‌ی از صداهایی که، هر قوم به وسیله آن اهداف خود را بیان می نماید» (ابن جنی، ب.ت، ص ۸۷). یا زبان مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا دلالت‌های وضعی است که از روی قصد میان افراد بشر برای القای اندیشه یا فرمان یا خبری از ذهنی به ذهن دیگر به کار می رود (خانلری، ۱۳۶۹، ص ۱۴۵). بعضی از زبان‌شنان معاصر به این نظر اند که «زبان سیستمی از نمادهای آوایی است که در ذهن اعضای یک گروه زبانی ذخیره می شود و برای فهم و درک میان اعضای یک جامعه خاص استفاده می شود» (ضامن، ۱۹۸۹، ص ۳۲).

زبان عربی: زبان عربی از اهمیت و جایگاه والایی در میان زبان‌های جهان برخوردار است؛ زیرا طولانی ترین و قدیمی ترین زبان زنده است و در بین زبان‌های سامی از جمله کامل ترین زبان به شمار می آید. زبان عربی از نظر تعداد گویندگان و میزان تاثیر آن بر سایر زبان‌های جهان به عنوان یکی از زبان‌های بزرگ در علم وفن می باشد. فارابی در «دیوان الأدب» می گوید: «زبان عربی زبان اهل بهشت و خالی از هر نقص و نقیصه است» (فارابی، ۲۰۰۳، ص ۲۴).

مفهوم توسعه: توسعه عبارت از پیشرفت جامعه و انتقال آن از وضعیت ثابت به وضعیت عالی و بهتر، یا توسعه به مفهوم تحول کیفی گزار از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر که مستلزم ایجاد تغییر همه جانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... است. واژه «توسعه» از اصطلاحات کلیدی اقتصاد و سیاست اجتماعی قرن بیستم می باشد که در یک معنی وسیع و گسترده به فرایند تغییر اجتماعی یا سطح وضعیت برنامه‌ها در جهت تحول اقتصاد ملی به ویژه در جغرافیای کشورهای جهان سوم اشاره دارد. توسعه و بالندگی هر جامعه‌ای در نتیجه برنامه ریزی توسعه و تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه‌ی پایدار است (مهرداد، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵، ۲۱۷).

توسعه‌ی پایدار: عبارت از فقدان کاهش سطح رفاه در طول زمان است، به این معنی که هر الگوی توسعه‌ی بی‌دنبال بهبود سطح رفاه افراد در زمان حال به بهای سطح رفاه آن‌ها در آینده پس از یک الگوی ناپایدار است، یعنی هدف از توسعه‌ی پایدار، به حد اکثر رساندن منفعت خالص حاصل از توسعه‌ی پایدار و بلند بردن کیفیت خدمات است (بیتر، ۲۰۰۲، ص ۶۵).

محور دوم: اهمیت و جایگاه آموزش زبان عربی در افغانستان

زبان عربی زبان دین مقدس اسلام است، که بخش عظیمی از فرهنگ غنی هزار و چند صد ساله این دین را در قالب الفاظ و عبارات خود جای داده است. ضرورت یادگیری زبان عربی، برای کسانی که با شریعت، دین و فرهنگ آن سر و کار دارند صد چند است (گیلاتی، ۱۳۹۷، ص ۸). از این که بیشتر از ۹۹ درصد مردم افغانستان مسلمان است، با دین اسلام رابطه محکم و مستقیم دارند؛ بناءً آموزش زبان عربی در افغانستان از اهمیت والایی برخوردار است، که مهم‌ترین آن را می‌توانیم از ابعاد مختلف بررسی نماییم:

- **دینی و مذهبی:** خداوند متعال زبان عربی را زبان دین اسلام و شریعت محمدی قرار داده و خاتم الأنبياء حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) را از تبار عرب فرستاد و قرآن کریم را به زبان عربی فصیح بر او نازل کرد. هم‌چنان علمای اسلام آموزش زبان عربی را برای مسلمانان مهم و ضروری و حتی بعضاً واجب پنداشته است؛ زیرا آموزش آن فقط جنبه آموزشی ندارد بلکه آموزش آن یک مسأله اعتقادی و پیام متعالی است، چنان‌که حضرت عمر بن الخطاب (رضی الله تعالی عنه) می‌فرماید «تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا مِنْ دِينِكُمْ» عربی بیاموزید زیرا عربی جزئی از دین شماست؛ زیرا فهم قرآن و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) به آن بستگی دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند عبادتش را بدون عربی کامل کند و انسان بدون مهارت بر زبان عربی، قرآن کریم و احادیث نبوی و علوم اسلامی را نمی‌فهمد. بناءً پیوند زبان عربی با افراد جامعه به معنای پیوند آن با عقاید، دین، و ارزش‌های اسلامی است. از این رو آموزش و یادگیری آن برای ما افغان‌ها ضروری است (ماه پورا، ۲۰۲۱، ص ۱۳۲).

- **فرهنگی و تاریخی:** زبان عربی هزاران سال است که به یک زبان و تمدن کهن و پیشرفته تبدیل شده است. بنابراین یادگیری آن به انسان این امکان را می‌دهد که این فرهنگ را درک کند و ارزش‌ها و سنت‌های آن را به درستی بفهمد. هم‌چنان زبان عربی به یک زبان ادبی مهم تبدیل شده است که

شامل قرآن کریم، احادیث نبوی، متون دینی، شعر، رمان، داستان وغیره است. پس یادگیری آن به انسان این امکان را می‌دهد که این ادبیات را بخواند و مزایای آن را بفهمد (وکیلی، ۱۴۰۲، ص ۳).

- **گسترش علم و تحقیقات:** آموزش و فهم زبان عربی برای گسترش علم و تحقیقات علمی به نحوی کمک می‌نماید که زبان عربی و افراد جامعه نفع ببرند زیرا این دو مهم ترین عنصر پیشرفت جامعه می‌باشد. هم‌چنان آموزش زبان عربی نقش ویژه‌ای در توسعه اجتماعی دارد و این کاری است که کشور های صنعتی پیشرفته انجام می‌دهد که با تکیه بر زبان بین المللی آموزش و پژوهش علمی را تقویه می‌نمایند (وکیلی، ۱۴۰۲، ص ۴).

- **جایگاه زبان عربی در نظام آموزشی افغانستان:** طوری که به همه هویداست، آموزش زبان عربی در نظام آموزشی افغانستان جایگاه ویژه‌ای دارد که از دوران مکتب و مدرسه آغاز می‌گردد. ابتداءً اطفال در مسجد و مدرسه با خواندن قاعده بغدادی و یا نورانی و یا قاعده اقرأ شروع، سپس به آموزش قرآن کریم و متون دینی و فقهی دیگری می‌پردازند و در دوره متوسطه مکاتب نیز این زبان منحیث یک مضمون اساسی برای متعلمین آموزش داده می‌شود. در مدارس دینی افغانستان زبان عربی به عنوان زبان اصلی برای آموزش تفسیر قرآن کریم، احادیث، متون دینی، فنون عربی و دیگر علوم اسلامی تدریس می‌شود. هم‌چنان در دوره تحصیلی پوهنتون، زبان عربی در بخش‌های مختلف از جمله فقه و قانون، تعلیمات اسلامی، عقیده، تفسیر و حدیث، علوم و فرهنگ اسلامی، ثقافت اسلامی، زبان و ادبیات پشتو، زبان و ادبیات فارسی دری و زبان و ادبیات عربی تدریس می‌گردد. بناءً محصلین این رشته‌ها باید به زبان عربی تسلط داشته باشند، تا بتوانند به طور درست به منابع درسی این بخش‌ها دسترسی پیدا کنند. فلهذا زبان عربی در نظام تحصیلی افغانستان جایگاه ویژه داشته و آموزش آن مهم و ضروری است.

محور سوم: نقش زبان عربی در توسعه پایدار افغانستان

زبان عربی به عنوان یک زبان بین المللی در جهت رسیدن به توسعه پایدار افغانستان منجر به یک تعداد تغییرات کارکردی و علمی می‌شود که به نفع جامعه افغانستان است. برای دستیابی به رفاه اقتصادی و اجتماعی مطلوب، ما افغان‌ها باید از تمامی منابع علمی قابل فهم خویش استفاده درست و اعظمی نماییم، که از جمله زبان عربی است. تیوری‌های اقتصادی مدرن تایید می‌کنند که توسعه و پیشرفت تنها به جامعه کشاورزی و صنعتی وابسته نیست، بلکه بیشتر به دانش و فهم جامعه‌ی وابسته است که اطلاعات و دانش علمی و فنی را در اختیار دارد و آن را در خدمات و مدیریت درست به کار می‌گیرد.

پوهنمل عبدالعزيز واعظ

در اینجا می‌توانیم به طور نمونه به مواردی اشاره نمائیم که نقش زبان عربی را در توسعه‌ی پایدار افغانستان تبارز می‌دهد:

- **نقش زبان عربی در توسعه‌ی بخش‌های دینی و مذهبی:** یادگیری زبان عربی برای درک و فهم درست قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) و متون فقهی و مذهبی ضرور است؛ زیرا در افغانستان ۹۹ درصد مردم مسلمان هستند، بنابراین فهم درست قرآن کریم و احادیث نبوی و متون دینی به تفسیر و توضیح دقیق‌تر دین و آموزه‌های اسلامی کمک می‌نماید. از این رو آموزش این زبان به مردم کمک می‌نماید تا مفاهیم دینی را به طور درست از منابع کلیدی دین یاد بگیرند و در جامعه به صورت عادلانه تطبیق نمایند. این خود منجر به توسعه‌ی دینی و مذهبی در کشور و جهان می‌شود.

- **نقش زبان عربی در توسعه‌ی علمی و فرهنگی:** همان‌طوری‌که کالاهای تجاری و خدمات بین افراد از طریق پول مبادله می‌شود، تبادل اطلاعات و انتقال دانش بین اعضای یک جامعه و جوامع دیگر از طریق «زبان» صورت می‌گیرد. زبان عربی از اینکه یک زبان علمی و تمدن اسلامی به شمار می‌رود، در زمینه‌های مختلف علوم مانند، ریاضیات، فزیک، طب و فلسفه تأثیرات زیادی داشته و آموزش آن برای دانشجویان ما کمک می‌نماید که از منابع علمی و تحقیقاتی و فرهنگی متعددی که به زبان عربی موجود است استفاده نمایند که توسعه‌ی پایدار نیز نیازمند آموزش و پرورش با کیفیت است.

- **نقش زبان عربی بر توسعه‌ی اقتصادی و تجاری:** مکاتب، پوهنتون‌ها، کارخانه‌ها، مزرعه‌ها، ادارات، آزمایشگاه و غیره نیازمند ابزاری برای درک و ارتباط است که همانا «زبان» است و زبان عربی می‌تواند نقش مهمی را در تقویت روابط اقتصادی افغانستان (بازار کار، فرصت‌های تجاری و اقتصادی با کشورهای عربی) ایفا کند. زبان عربی به عنوان یکی از زبان‌های بین‌المللی می‌تواند به گسترش روابط اقتصادی با کشورهای عربی و اسلامی کمک کند. بناءً آموزش زبان عربی می‌تواند در صادرات و واردات، ایجاد فرصت‌های شغلی و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان مؤثر باشد به ویژه در زمینه‌های مانند کشاورزی، معدن و انرژی که کشورهای عربی نقش مهمی در آن دارند. هم‌چنان افغانستان با داشتن مراکز دینی و تاریخی می‌تواند از گردشگری دینی به عنوان یک منبع درآمد پایدار بهره‌برداری کند. کشورهای عربی به دلیل رونق اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردارند. بیشتر کشورهای عرب زبان از نظر منابع طبیعی ثروتمند هستند. تسلط به زبان عربی

درهای فرصت‌ها را برای ما باز می‌نماید و دسترسی ما را به منابع مختلف بیشتر می‌سازد. علاوه بر این، کشورهای عرب زبان محصولات و خدمات بیشتری را به بازار جهانی عرضه می‌کنند. با یادگیری زبان عربی، می‌توانیم در عرصه تجاری نیز دخیل باشیم. امروزه همراه با توسعه اینترنت، تجارت الکترونیک نیز به یک ضرورت و پدیده بین‌المللی تبدیل شده که با استفاده از ظرفیت‌های آن می‌توان با معرفی محصولات و خدمات خود به جهان سهم زیادی در توسعه صادرات و تجارت، و در کنار آن اشتغال به جوانان داشته باشیم. کسانی که عربی می‌آموزند و بر آن تسلط دارند می‌توانند از ظرفیت‌های خود برای اشتغال و انجام کارهای اقتصادی استفاده نمایند (کشاورز، ۱۳۹۵، ص ۲۵۳).

- نقش زبان عربی در ارتباط با جهان عرب، فرصت‌های شغلی و تقویت روابط دیپلماتیک و تجاری: بدون شک زبان یکی از ابزارهای ارتباطی جهانیان در این عصر است. به ویژه زبان عربی که نقش مهمی را در ساختن ارتباطات با جهان عرب ایفا می‌کند، پس انسان باید زبان را بیاموزد زیرا اساس تفاهم و ارتباط بین ملت‌ها زبان است، بناءً فهم درست زبان عربی می‌تواند فرصت‌های شغلی مانند: سفر، زیارت و سیاحت، مترجمی، معلمی و استادی در مکاتب، مدارس و پوهنتون‌ها، مدیریت دینی در مؤسسات، اشتراک در کنفرانس‌ها و اجلاس‌های دینی و علمی، کار در بخش‌های مرتبط به وزارت خارجه کشور، کار در سفارت خانه‌های افغانستان در کشورهای عربی، کار در سفارت-خانه‌های کشورهای عربی در افغانستان، کار در مربوطات وزارت حج و اوقاف، ترجمان شرکت‌های صنعتی و تجاری و... را برای جوانان ایجاد نماید (د. باسل، ۲۰۲۱، ص ۶۱-۷۲). هم‌چنان در زمینه های دیپلماتیک و تجاری، آشنایی با زبان عربی می‌تواند به عنوان یک مهارت مهم شغلی و ارتباطی به شمار آید؛ زیرا تسلط با این زبان به شما کمک می‌کند تا با متخصصان تجاری کشورهای عربی ارتباط برقرار کنید و دسترسی بهتری به مدیران کسب و کار و درک دیدگاه آن‌ها خواهید داشت.

- نقش زبان عربی بر توسعه صنعت گردشگری: صنعت گردشگری از جمله صنایع برتر در توسعه اقتصادی کشورها است و دانستن زبان گردشگران خارجی یک امتیاز ویژه برای موفقیت کشورهای میزبان در بازار گردشگری به حساب می‌آید؛ بنابر این آموزش هدفمند و کاربردی مهارت‌های زبانی به فراگیران زبان عربی می‌تواند توسعه و رونق بازار گردشگری عرب‌ها در افغانستان را به

واسطه تامین ارتباط کلامی عرب زبان‌ها تضمین کند (زارع، ۱۴۰۳، ص ۵۸). بر این اساس، توسعه - ای که جامعه افغانی ما مد نظر دارد و به دنبال آن است، مبتنی بر اشاعه فرهنگ علمی و فنی در بین تمامی اقشار جامعه است و این امر تنها به زبان‌های ملی انجام نمی‌شود بلکه ضرورت به زبان عربی که همانا زبان بین المللی و زبان کشورهای جهان عرب است نیز نیازمند می‌باشد.

- نقش دیپارتمنت های زبان و ادبیات عربی در توسعه پایدار افغانستان: بدون شک تحصیلات اکادمیک زبان عربی در دانشگاه‌های افغانستان یک عنصر مهم در توسعه جامعه افغان است. زیرا محتوای آموزش یکی از مهم ترین نتایج تلقی می‌شود که از طریق آن اهداف و مقاصد ما مشخص می‌شود. آنچه را که در زمینه آموزش زبان عربی و تخصص‌های آن در دانشگاه‌های افغانستان مخصوصا دانشگاه کابل، ننگرهار، البیرونی، بلخ، هرات، بدخشان، تخار و... تاسطح برنامه ماستری و دکتورا مشاهده می‌کنیم، به دنبال دستیابی اهداف عمومی و اختصاصی توسعه افغانستان است. دیپارتمنت های زبان عربی کوچکترین بخش پوهنتون‌ها و در عین حال اساسی ترین رکن علمی هر پوهنتون است؛ چون این دیپارتمنت با ارایه آموزش های علمی، دینی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به تقویت بنیان های توسعه پایدار در این کشور کمک کند. با توجه به اینکه زبان عربی نقش حیاتی در بخش های مختلف مانند علم، دین، تجارت، فرهنگ و دیپلماسی دارد، توسعه و تقویت آن می‌تواند باعث پیشرفت بیشتر جامعه افغانستان شود (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۴).

محور چهارم: چالش‌ها و فرصت‌های آموزش زبان عربی و توسعه پایدار

موانع و چالش‌های آموزش زبان عربی در افغانستان: مهم ترین چالش‌های آموزش زبان عربی در مکاتب و پوهنتون‌های افغانستان که باعث ضعف توسعه بخش از جامعه افغانستان می‌شود می‌توان قرار ذیل برشمرد: ضعف نیروی انسان آموزش زبان عربی (کم بود استادان، معلمان و متخصص)، فقر اقتصادی متعلمین، روش‌های سنتی آموزش زبان عربی، غلبه قواعد محوری در آموزش زبان عربی، نبود وسایل آموزشی دیداری و شنیداری، عدم تبیین درست اهداف آموزش زبان عربی، نامناسب بودن روش ارزشیابی درس زبان عربی، غفلت اکثریت استادان و معلمان از رویکردهای ارزیابی، عدم تبیین و بومی‌سازی مدل‌های ارزیابی، عدم مشارکت دانش آموزان در دوره‌ها و کورس‌های آموزش زبان عربی، استفاده از روش مستقیم استادمحوری آموزش زبان عربی در پوهنتون‌ها، اعمال سلیقه در انتخاب کتاب‌های درسی جهت تدریس و کمبود مواد کمک درسی در بخش مربوطه، بی - توجهی به مدل‌های کارآمد تدریس، نادیده گرفتن عناصر تأثیرگذار بر زبان مبدأ و مقصد از جمله

نسبیت زبانی، تداخل زبانی، ابهام‌های زبانی...، عدم انگیزه بخشی و ترسیم آینده روشن شغلی برای فراگیران، از جمله چالش‌های عمده آموزش این زبان می باشد.

به صورت کل سه عنصر (معلم، شاگرد و روش تدریس) از پایه اساسی آموزش است. ما الآن در زمینه آموزش زبان عربی در هریک از این سه عنصر با مشکلاتی مواجه هستیم.

- شاگرد برای یادگیری زبان عربی علاقه ندارد؛ زیرا او نمی داند که چرا عربی می خواند؟ آیا عربی برای او کار می آید یا نه؟ و تدریس زبان عربی در دوره‌های پایین نیز موجب فهم قرآن کریم و احادیث نبوی نشده است و این خود دل سردی و بی علاقه‌گی را برای شاگردان ایجاد می نماید، که باید به این معضله جدی توجه صورت گیرد.

- عامل دوم به معلم بر می گردد که معلمین عزیز ما خود انگیزه تدریس ندارند چرا که وقتی مشاهده می کنند با مدرک لیسانس و یا بالاتر معاش ناچیزی را در مقایسه با افراد با مدرک پائین تر می گیرند خود دلسردی آن‌ها را موجب می شود و عدم کارایی و تدریس فعال و ثمر بخش در صنف درسی را منجر می شود.

- از عوامل دیگر بی علاقه‌گی دانش آموزان به آموزش زبان عربی استفاده از نیروی غیر متخصص می باشد. از آنجا که کمبود دانش تخصصی معلم باعث می شود درس به خوبی تفهیم نشود و یا پاسخ سؤالات دانش آموزان به اشتباه داده شود دلسردی دانش آموز را به دنبال دارد (جلیلی، ب.ت، ص ۵).

- فرصت‌های گسترده آموزش زبان عربی در توسعه پایدار افغانستان (مدارس دینی، مکاتب، دانشگاه‌ها): آموزش زبان عربی در افغانستان بسیار ساده و قابل دسترس در اکثریت مناطق می باشد؛ زیرا در هر ولایت و ولسوالی و دهکده‌های افغانستان مدارس دینی دولتی و خصوصی، مکاتب وجود دارد که زبان عربی و قواعد آن تدریس می گردد. اگر شاگردان بخواهند این زبان را بیاموزند، می توانند از این فرصت به شکل ساده استفاده نمایند. هم چنان دیپارتمنت زبان و ادبیات عربی در بیشتر پوهنتون‌های افغانستان موجود می باشد که به خاطر تخصص این زبان در خدمت این ملت قرار دارد و این خود فرصت برای آموزش و تخصص این زبان به شمار می آید.

- راهکارهای بهبود آموزش زبان عربی در افغانستان: برخی از مهم ترین راهکارها عبارتند از: بازنگری در بخش تعلیم و تربیه زبان عربی در برنامه‌های درسی با رویکرد تأکید بر نقش ارتباطی زبان عربی در متون درسی، بازنگری و اصلاح فرایند تربیت نیروی انسانی مخصوص

آموزش زبان عربی، بررسی و تطبیق درست نصاب آموزشی معیاری، برگزاری دوره‌های تخصصی و حضوری آموزش معلمان، توجه به متن محوری، ایجاد تحول اساسی در روش‌های سنتی تدریس و استفاده از روش‌ها و فناوری‌های جدید آموزش زبان خارجی، تغییر و بازنگری در محتوای درسی با رویکرد پرهیز از قواعد محوری، اهداف و ضرورت‌های ارائه آموزش زبان عربی در مدارس، مکاتب و پوهنتون‌های افغانستان. نظام آموزشی برای هر بخشی از منابع یادگیرندگان، امکانات و سیاست‌هایی را فراهم کرده که از مهم‌ترین این اقدامات، زمان اختصاص داده شده به فرآیند یادگیری یاددهی است. چنانچه زمان بیش یا کمتر از حد معمول باشد، این فرایند دچار نقص خواهد شد. در این فرآیند آموزشی، زمان اختصاص داده شده به آموزش زبان عربی سبب نارضایتی دانش آموزان شده است. راهکارهایی برای این مشکلات مانند پودمانی شدن درس عربی، افزایش زمان فراگیری درس عربی، تغییر کتب، آموزش معلمان، استفاده از طرح درس‌های کارآمد، آزمون‌های مستمر، گروه‌بندی، آموزش مطالعه روشمند ارائه شده است. ایجاد انگیزه و استفاده از روش‌های نوین یادگیری مانند یادگیری مشارکتی، بهترین نوع یاددهی در این زمینه است (عموری، خرم آبادی، ۱۳۹۹، ص ۷). کتاب آموزشی یکی از مهم‌ترین مواد آموزشی زبان خارجی است که غالباً به عنوان منبع اصلی ارائه می‌شود و از سایر مواد آموزشی به عنوان منابع فرعی استفاده می‌شود. اهمیت و سیطره کتاب آموزشی در آموزش زبان خارجی به حدی است که غالباً روش تدریس مدرس چیزی خارج از اهداف کتاب، روش ارائه محتوا و تمرینات آن نیست. روش یادگیری زبان آموزان نیز تا حد بسیار بالایی متأثر از کتاب آموزشی است. کتاب‌های آموزشی زبان خارجی در طول یک قرن گذشته بر اساس روش‌ها و رویکردهایی که در آموزش زبان ظهور کرد تغییرات زیادی را شاهد بوده‌اند؛ از کتاب‌های مفردات، قواعد و جمله محور در رویکرد ترجمه گرفته تا کتاب‌های گفت‌گومحور با تکیه بر روش‌های تکرار، حفظ و تمرینات جای‌گزینی در روش شنیداری گفتاری و کتاب‌های با محوریت نقش‌ها و تکالیف و تمرینات ارتباطی در رویکرد ارتباطی آموزش زبان، طبیعتاً انتخاب روش یا رویکرد کلی آموزش زبان، نوع رویکرد کتاب و روش نگارش آن را تعیین می‌کند. با وجود این، نگارش هر کتاب، سوای از رویکرد و روش کلی آن نیاز به رعایت چهارچوب علمی و اصول و مبانی روشمند دارد تا به اهداف مطلوب خود دست یابد. (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۱). با این حال چالش‌های که مانع بهره برداری از ظرفیت‌های

توسعه‌ی پایدار این زبان شده را بیان نمودیم و فرصت‌ها را نیز تذکر دادیم، می‌توانیم بگوییم که برای آموزش درست زبان عربی که منجر به توسعه و پیشرفت شود، باید از روش‌های آموزشی معاصر، تألیف کتاب‌های درسی مناسب، تعلیم و تربیت استادان متخصص کار گرفته شود.

نتیجه‌گیری

آگاهی از اهمیت زبان عربی و نقش آن به عنوان یک توانایی و دستاورد برای توسعه‌ی پایدار ملت مسلمان افغانستان، موضوع مهم پنداشته شده است؛ زیرا آموزش زبان عربی ضامن اساسی برای توسعه‌ی اجتماعی، دینی و فرهنگی در کشور است. به طور کلی آموزش زبان عربی می‌تواند در توسعه‌ی پایدار افغانستان نقشی را ایفا کند. آموزش این زبان نه تنها از نظر دینی و فرهنگی، بلکه در ابعاد علمی، اقتصادی و سیاسی نیز اهمیت دارد. اما این نقش زمانی تحقق می‌یابد که چالش‌های موجود در مسیر آموزش زبان عربی به‌طور مؤثر حل شوند. بنابر این می‌توانیم مهم‌ترین نتایج به دست آمده در این مقاله را قرار ذیل بیان نماییم.

- زبان عربی نمایانگر اساس توسعه در جهان عرب به طور عام و در کشورهای اسلامی، مخصوصاً افغانستان به طور خاص است.
- برنامه‌های درسی آموزشی زبان عربی به گونه تدوین شود که همگام با روندها و تحولات جهانی باشد. تا از نتایج کمی و کیفی اطمینان حاصل شود. که این به طور مؤثر در دستیابی به توسعه‌ی پایدار کمک می‌کند.
- آموزش هدفمند و کاربردی مهارت‌های زبانی به فراگیران زبان عربی می‌تواند توسعه و رونق بازار گردشگری عرب‌ها در افغانستان را به واسطه تامین ارتباط کلامی عرب زبان‌ها تضمین کند.
- آموزش زبان عربی به مردم کمک می‌نماید تا مفاهیم دینی را به طور درست از منابع کلیدی دین یاد بگیرند و در جامعه به صورت عادلانه تطبیق نمایند و این خود منجر به توسعه‌ی دینی و مذهبی در کشور و جهان می‌شود.
- آموزش زبان عربی می‌تواند به گسترش روابط اقتصادی با کشورهای عربی و اسلامی کمک کند.
- زبان عربی از این که زبان علمی و تمدن اسلامی به شمار می‌رود، در زمینه‌های مختلف علوم مانند، ریاضیات، فزیک، طب، و فلسفه تاثیرات زیادی داشته و آموزش آن برای دانشجویان کمک می‌نماید که از منابع علمی و تحقیقاتی و فرهنگی متعددی که به زبان عربی موجود است استفاده نمایند.

پوهنمل عبدالعزيز واعظ

- فعال بودن سه عنصر مهم آموزشی زبان (معلم، شاگرد و روش تدریس) منجر به پیشرفت و توسعه‌ی پایدار در کشور می‌شود.
- فهم درست زبان عربی می‌تواند فرصت‌های شغلی مانند: مترجمی، معلمی و استادی، مدیریت دینی، کار دربخش‌های مرتبط به وزارت خارجه و سفارت خانه‌ها، ترجمان شرکت‌های صنعتی و تجارتي و... را برای جوانان ایجاد نماید.
- آموزش و توسعه‌ی پایدار دو روی یک سکه محسوب می‌شوند. تمرکز این دو بر روی انسان است و هدف آن ایجاد قابلیت‌های اوست.
- آموزش اساس و مؤثرترین وسیله‌ی تلاش مدرن بشر در جهت توسعه‌ی پایدار است.

پیشنهادهای تحقیق

- گنج‌نیدن مضمون آموزش زبان عربی در نصاب تعلیمی معارف از صنف چهارم الی صنف دوازدهم و جذب معلمان متخصص زبان عربی در مکاتب بخاطر تدریس مضامین عربی.
- ایجاد مرکزهای تخصصی آموزش زبان عربی در ولایات مختلف، با استفاده از استادان مجرب داخلی و خارجی.
- برگزاری برنامه‌های آموزشی ارتقای ظرفیت برای معلمان زبان عربی، با هدف به‌روز رسانی روش‌های تدریس.
- تهیه کتاب‌های درسی مطابق با نیازهای فرهنگی و زبانی افغانستان، با در نظر داشت اصول معیارهای علمی زبان عربی.

منابع

- ابن جنی، أبي الفتح عثمان بن جني. (ب.ت.). الخصائص. تحقيق: محمد علي النجار. مصر- القاهرة: دارالكتب المصرية.
- باسل، د. گل محمد، غفوری، شریف الله. (۲۰۲۱). نشاندہی فرصت های کاری فارغ التحصیلان زبان و ادب عربی در افغانستان. المجلة العربية الدولية للبحوث الخلافة، المجلد ۲، العدد ۱.
- بیتر، تراند بادی. (۲۰۰۲م). التنمية السياسية. ترجمة: محمد نور المهداوی، ليبيا: مطبعة تاله للطباعة والنشر.
- جلیلی، منصوره. لاشاری، فاطمه بلوچ. (ب.ت.). بررسی علل بی علافگی دانش آموزان به درس عربی. ایران: کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.
- زارع، مرتضی، رضائی، پوران. (۱۴۰۳). آموزش هدفمند زبان عربی کلید توسعه ای و رونق بازار گردشگری عرب در ایران. مجله الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها. دوره: ۲۰، شماره: ۷۱.
- سیده ماه پورا. (۲۰۲۱م). أهمية اللغة العربية وعلاقتها بالدين الإسلامي. مدلة: المؤتمر الدولي للغة العربية وآدابها وتعليمها.
- ضامن، د. حاتم الصالح. (۱۹۸۹). علم اللغة. ط ۱، جامعة بغداد، دمشق: وزارة التعليم العالي والبحث العلمي.
- عموری، نعیم و خرم آبادی، فزیده. (۱۳۹۹). ناکارآمدی آموزش زبان عربی در هنرستان های فنی حرفه ای و چالش های یادگیری آن.
- مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۵۵.
- فارابی، أبو ابراهیم اسحاق بن ابراهیم. (۲۰۰۳)، دیوان الأدب. تحقیق: مختار عمر، مصر- القاهرة: الشركة المصرية العالمية للنشر- أنوجمان.
- کشاوری، حبیب. (۱۳۹۵). نقش دانش آموختگان رشته زبان و ادبیات عربی در توسعه ای تجارت الکترونیک با کشورهای عربی. مجله علمی- پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۹.
- گیلانی، مرضیه، کولیوند، راضیه، منصور، فتانه. (۱۳۹۷). طراحی آموزشی و اهمیت آن در آموزش زبان عربی. چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت علوم انسانی در ایران، دانشگاه تهران.

محمدي، دانش. (۱۳۹۵). مبانی رویکردی در تالیف کتاب دانشگاهی «مکالمه زبان عربی» بر اساس اصول آموزش زبان خارجی. فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. دوره ۲۰. شماره ۳۸. مهرداد، گودرزوند. (۱۳۹۴). توسعه‌ی پایدار شاخص‌ها و سیاست، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره دوم.

میرزایی، فرامرز، علی، سلیمی. (۱۳۸۸). نقش آفرینی گروه‌های زبان و ادبیات عربی در توسعه علمی دانشگاه‌ها، مجله علمی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی (فصلنامه)، دوره ۶، شماره ۱۴.

ناتل، خانلری، د. پرویز. (۱۳۶۹). دستور زبان فارسی. ایران، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.

وکیلی، رضا، نظری، آرمان. (۱۴۰۲). اهمیت و نقش آموزش زبان عربی در فرهنگ سازی معلمان و دانش آموزان. کنفرانس بین المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش: تهران.

انقلاب صنعتی در پرتو عدالت اجتماعی در فقه اسلامی

پوهنمل محمد نسیم عظیمی^۱، پوهنمل فضل الرحمن حقیار^۲، نامزد پوهنیار فاضل بیک حقجو^۳

۱. دیپارتمنت فقه و قانون، پوهنځی شرعیات، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول-ایمیل: nasimazimi390@gmail

چکیده

صنعت از امور مهم در هر جامعه است که نقش بسزای در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی یک جامعه دارد، در اسلام نیز توجه خاص به حرفه، صنعت و کسبه کاران شده است، و همواره انسان را بر کسب مشروع تشویق و ترغیب نموده است، در پهلوی این اسلام کسب های مشروع و نا مشروع را بر مردم به طور مفصل بیان داشته و شیوه های ربح، انواع تجارت و صنایع را با شرایط خاص ایشان توضیح و تفصیل نموده است. انقلاب صنعتی یکی از تحولات بزرگ بشری است که تاثیرات فراوانی در تمامی جنبه های زندگی انسان داشته است، در اسلام اهمیت صنعت و تولید از جنبه های مختلف به خصوص در راستای خدمت به جامعه تأمین نیازهای بشری و ایجاد عدالت مورد تأکید قرار گرفته است. این مقاله به بررسی اهمیت انقلاب صنعتی و تاثیر آن در پرتو عدالت اجتماعی از دید فقه اسلامی می-پردازد.

واژه های کلیدی: صنعت، عدالت اجتماعی، فقه اسلامی

The Industrial Revolution in the Light of Social Justice in Islamic Jurisprudence

Senior Teaching Assistant mohmmad nasim azimi^{1*}, Senior Teaching Assistant fazal rahman haqyar², Teaching Assistant fazal bek haqgo³

1. Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Sharia, Alberoni University

* Corresponding Author Email: abualialanwree@gmail.com

Abstract

Industry is one of the important sectors in every society, playing a significant role in the economic and social development of the community. In Islam, special attention is given to professions, industries, and business owners. Humans are always encouraged and motivated to engage in lawful (halal) work. Alongside this, Islam clearly differentiates between lawful and unlawful occupations and thoroughly explains the methods of profit, types of trade, and industries with specific conditions. The Industrial Revolution is one of the greatest transformations in human history, having profound effects on all aspects of human life. In Islam, the importance of industry and production is emphasized from various perspectives, especially in terms of serving society, meeting human needs, and establishing justice. This article explores the significance of the Industrial Revolution and its impact in light of social justice from the perspective of Islamic jurisprudence (Fiqh).

Keywords: Industry, Social Justice, Islamic Jurisprudence

مقدمه

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی سیدنا محمد الصادق الأمین، وعلی آله و اصحابه و من تبع هداه یا احسان إلی یوم الدین.

اما بعد.

انقلاب صنعتی در جوامع بشری تأثیرات عمیقی در عرصه اقتصادی و اجتماعی به جا گذاشته است، این انقلاب با بکارگیری ماشین آلات و توسعه تولید صنعتی منجر به تغییرات عظیمی در ساختار اجتماعی شده یکی از مسائل مهم در امور اقتصادی یک کشور شناخته شده و می شود و سبب ترقی و رفاه جامعه محسوب می گردد.

در این مقاله تلاش می شود تا ارتباط این تحولات با اصول عدالت اجتماعی در فقه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

اهمیت موضوع: انقلاب صنعتی یکی از بزرگ ترین تحولات اقتصادی و اجتماعی تاریخ بشر است که اثرات عمیقی بر جوامع مختلف گذاشته است.

با وجود پیشرفت های چشمگیر در زمینه تولید و فناوری این تحول در بسیاری از موارد با بحران های اجتماعی و اقتصادی و آسیب های زیست محیطی همراه بوده است.

بیان مسئله: این مقاله بر آن است تا انقلاب صنعتی را از منظر فقه اسلامی بررسی کرده و به اهمیت و تحلیل آن بپردازد.

سولات تحقیق

- ۱- دیدگاه اسلام در ارتباط صنعت چگونه است؟
- ۲- آیا اسلام در مورد صنعت و عدالت اجتماعی رهنمودهای دارد؟
- ۳- روش اسلام در ارتباط عدالت اجتماعی چگونه می باشد؟

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی صنعت و شغل در روشنی قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم
- ۲- بررسی صنایع و کسب در روشنی اقوال فقهاء
- ۳- جایگاه صنعت و تجارت و کسب در فقه اسلامی

پوهنمل محمد نسیم عظیمی

روش تحقیق

روش های که در تهیه و ترتیب این مقاله بکار گرفته شده -تحلیلی- کتابه خانه ای است و از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم و از اقوال فقهاء جمع آوری شده است.

مفهوم صنعت و اهمیت آن

صنعت در لغت به معنی عمل صانع، حرفه، شغل و کیفیت آماده نمودن چیزی است طوری که کتب لغت می نگارند: (الصَّنَاعَةُ) بِالْكَسْرِ حِرْفَةُ الصَّانِعِ وَعَمَلُهُ (الصَّنْعَةُ) (مختار الصحاح (ص: ۱۷۹) صنعت بکسر (صاد) به معنی حرفه صانع و عمل او صنعت است.

و در اصطلاح: عبارت است از تسلط و مهارت داشتن در انجام کار.

طوری که علامه اصفهانی می نگارد:

الصُّنْعُ: إِجَادَةُ الْفِعْلِ، فَكُلُّ صُنْعٍ فِعْلٌ، وَلَيْسَ كُلُّ فِعْلٍ صُنْعًا، وَلَا يَنْسَبُ إِلَى الْحَيَوَانَاتِ وَالْجَمَادَاتِ كَمَا يَنْسَبُ إِلَيْهَا الْفِعْلُ (المفردات في غريب القرآن ص: ۴۹۳)

صنع عبارت از نیکو انجام دادن و مهارت داشتن انجام کار است و هر فعل صنع نیست (بلکه باهم فرق دارند طوری که) صنع بر حیوانات و جمادات نسبت نمی شود و فعل بر آن ها نسبت داده می شود.

اهمیت صنعت در اسلام

صنعت یکی از بخشهای مهم مورد نظر اسلام عزیز است که همواره بر تحقق آن در جوامع انسانی تاکید نموده است و جهت تشویق و ترغیب بر آن همواره در نصوص شرعی از صنعت و صنعتگران به عبارات مختلف تحسین و از ایشان یا دآوری شده است.

اهمیت صنعت و مشاغل در نصوص شرعی بیان شده است که در ذیل بگونه مرتب و مختصر از آن تذکر می گردد:

اولا: آیات

۱- {وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا لَهُ الْحَدِيدَ (۱۰) أَنْ اِعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ} [سبأ: ۱۰، ۱۱]

و از نزد خویش به داوود بزرگی بخشیدیم (و فرمان دادیم) ای کوه ها با داوود (در ستایش پروردگار) هم نوا شوید و پرندگان را (مسخرش کردیم) و آهن را برایش نرم نمودیم.

(دستور دادیم) که زره های فراخ بسازد و در بافتن حلقه ها اندازه نگه دار و کارهای شایسته انجام دهید یقینا من بر کردار تان بینا هستم.

آیه متبرکه فوق به صراحت دالالت بر این دارد که صنعت ساخت زره یکی از مهمترین اموری است که الله متعال آن را به پیامبر خویش عطا نموده است.

۲- {هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ} [الملک:

[۱۵]

او ذاتی است که زمین را برای تان رام گرداند پس در گوشه و کنار آن راه بروید واز روزی اش بخورید و (وقوع) رستاخیز در نزد اوست.

آیه متبرکه فوق دال است بر این امر که زمین به عنوان مرکز زیست و معاش مردم بر ایشان مسخر است و میتوانند از هر گوشه و کنار آن با ایجاد مشاغل و صنایع و سائر امور استفاده نموده واز آن بهره ببرند و معیشت، امور ضروری و قوام خویش را از آن تأمین نمایند.

۳- {وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا} [هود: ۳۷]

وزیر امر ما و به فرمان ما (آن) کشتی را بساز.

این هم بر صنعت کشتی سازی و اهمیت آن به عنوان موهبت الهی به پیامبر اش دلالت دارد.

ثانیا: احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم

۱- عَنْ الْمَقْدَامِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ، خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ» (صحیح البخاری ۵۷/۳)

از مقدم رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هیچ کس هرگز غذایی بهتر از آنکه از کار دست خود به دست آورده باشد نخورده است و یقینا نبی الله داود علیه السلام از عمل دست خود می خورد.

۲- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ أَطْيَبِ مَا أَكَلَ الرَّجُلُ مِنْ كَسْبِهِ وَوَلَدَهُ مِنْ كَسْبِهِ» سنن أبي داود (۲۸۸/۳).

از عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: یقینا از پاکیزه ترین چیزهای که انسان می خورد (روزی است که) از کسب خویش به دست آورده باشد و ولد او از کسب او است.

احادیث فوق به وضوح دلالت به فضیلت صنعت و شغل دارد و در اهمیت آن کافی است که این از موهبت های الهی بر پیامبران بوده است.

ثالثا: اقوال فقهاء

فقهاء کرام همواره در کتب فقهی از مشاغل و صنایع در ابواب مستقل بحث نموده و یک بخش عمده فقه در بخش معاملات می باشد فقهاء کرام همه و تمام ابعاد معاملات را مفصل تشریح و توضیح نموده اند که در عناوین بعدی از صنایع مشروع و غیر مشروع تذکر می رود اما تحت عنوان فوق فقط جایگاه صنعت و تشویق بر آن از اقوال فقهاء عظام چند نمونه ذکر می گردد:

۱- ثُمَّ الْمَذْهَبُ عِنْدَ جُمْهُورِ الْفُقَهَاءِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ أَنَّ الْكُسْبَ بِقَدَرِ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ فَرِيضَةٌ. (الكسب لمحمد بن حسن الشيباني ص: ٤٤)

نزد جمهور فقهاء از اهل سنت و جماعت کسب به اندازه ضرورت از آن فرض می باشد.

۲- طَلَبُ الْكُسْبِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ كَمَا أَنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. (الكسب لمحمد بن حسن الشيباني ص: ٣٢).

طلب کسب فريضة است بر هر مسلمان طوری که طلب علم یک فريضة است.

۳- وَلَإِنَّهُ لَا يُتَوَسَّلُ إِلَى إِقَامَةِ الْفَرَضِ إِلَّا بِهِ فَكَانَ فَرَضًا لِأَنَّهُ لَا يَتِمُّكَ مِنْ أَدَاءِ الْعِبَادَاتِ إِلَّا بِقُوَّةِ بَدَنِهِ، وَقُوَّةُ بَدَنِهِ بِالْقُوَّةِ عَادَةً وَخَلْقَةً. قَالَ تَعَالَى: {وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ} [الأنبياء: ٨] وَتَحْصِيلُ الْقُوَّةِ بِالْكَسْبِ وَلَإِنَّهُ يَحْتَاجُ فِي الطَّهَارَةِ إِلَى آلَةِ الْإِسْتِقَاءِ وَالْأَنِيَّةِ، وَيَحْتَاجُ فِي الصَّلَاةِ إِلَى مَا يَسْتُرُ عَوْرَتَهُ، وَكُلُّ ذَلِكَ إِنَّمَا يَحْصُلُ عَادَةً بِالْاِكْتِسَابِ. (الاختيار لتعليل المختار ١٧٠ / ٤)

و دیگر اینکه متوسل نمی شود به اقامه فرض مگر توسط آن (کسب) پس آن فرض است؛ زیرا قوت به ادای عبادات ممکن نمی باشد مگر به قوت بدن و قوت بدن مربوط به خوراک انسان عادات و خلقه است. الله متعال فرمود: {وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ} و آنان را جسدی که خوراک نخورند نگردانیدیم.

و تحصيل خوراک توسط کسب می شود؛ زیرا در طهارت احتیاج است بر آله ای برداشتن آب و ظروف و در نماز ضرورت است به ساتر عورت و همه اینها فقط از طریق کسب حاصل می گردد.

۴- أَفْضَلُهُ الْجِهَادُ ثُمَّ التَّجَارَةُ ثُمَّ الْحِرَاثَةُ ثُمَّ الصَّنَاعَةُ وَمِنْهُ فَرَضٌ وَهُوَ قَدَرُ الْكِفَايَةِ. (ملتقى الأبحر ص: ١٨٣)

افضل آن جهاد است بعدا تجارت بعدا کشاورزی بعدا صنعت و از آن به اندازه ضرورت فرض است.

شرائط ایجاد صنایع

چون شریعت اسلامی پاسخ گوی همه نیاز های بشری در همه ابعاد و در تمام زمانه ها می باشد احکام صنعت و شغل را نیز مفصل در ابعاد مختلف اش بر امت مسلمه معرفی نموده و فقهاء کرام شرائط ایجاد صنایع و مشاغل را در کتب فقهی بیان نموده اند اینکه مختصراً به چند از آنها اشاره می شود:

۱- منع اضرار به دیگران

شریعت اسلام با وجود اینکه ملکیت فردی را تایید می کند اما اجازه نمی دهد که کسی از ملکیت خویش هرطوری که بخواهد استفاده کند بلکه استفاده از ملکیت را که سبب نگرانی و ضرر به دیگران شود منع فرموده است.

۲- منع ربح و ازدیاد اموال از طریق غیر مشروع

شریعت اسلامی نمو و ازدیاد مال از طریق مشروع همانند تجارت، صنعت، زراعت و مانند اینها جائز شمرده است، و از یاد مال را از طریق غیر مشروع همانند ربوا، قمار، احتکار و مانند اینها حرام نموده است.

۳- منع اسراف

شریعت اسلامی از هر نوع اسراف و صرف مال را بخاطر بخطر اهداف چون خود نمایی، کبر و مانند اینها منع نموده است. (الفقه الإسلامی وأدلته للزحیلی ۷ / ۴۹۸۰).

حکم تکلیفی صنعت و کسب در اسلام

۱- کسب و صنعت فرض می باشد: بقدر کفایت بر نفس و عیال و قضاء دیون و نفقه کسانی که بر او نفقه ایشان واجب است. (الفتاوی الهندیة ۵ / ۳۴۸).

۲- مستحب است در صورتی که زیاد از حد کفایت باشد جهت یاری رساندن فقراء و اعطای ان به اقربای جهت صله رحمی. (الفتاوی الهندیة ۵ / ۳۴۹، والکسب ص ۶۰، ومطالب أولی النهی ۶ / ۳۴۲).

۳- مباح است بخاطر زیادت مال، جاه، رفاه، و توسعه بر عیال در صورت حفظ دین، آبرو و مروءة. (الفتاوی الهندیة ۵ / ۳۴۹).

آداب کسب و صنعت

ابوليث سمرقندی رحمه الله می فرماید: کسی که می خواهد که کسب و کار او پاک باشد با ید پنج امور آتی را رعایت نماید:

- ۱- کوتاهی در فرائض الله متعال بخاطر کسب نکند.
 - ۲- بخاطر کسب سبب آزار واذیت خلق الله نگردد.
 - ۳- مقصود از کسب استعفاف خویش و عیال او بوده باشد وهدف جمع وکثرت نباشد.
 - ۴- خود را به حد نهایی بخاطر کسب وکار خسته وزحمت نکند.
 - ۵- رزق خویش را از کسب نداند بلکه رزق را از جانب الله دانسته وکسب را فقط سبب پندارد.
- (تنبيه الغافلین ۲ / ۵۰۰ - ۵۰۱)

فقهاء کرام با وجود مصروفیت های علمی صنعت هم داشتند

مسلمانان با دید عالی وقدر به کارگران می نگریستند. کارگر به خاطر کار خود محترم و مورد سپاس است؛ البته نه در عالم خیال بلکه در واقعیت های زندگی. و برای کارگر، از نظر اسلام، چگونگی کار و هنر و صنعت مایه ننگ و پستی نیست. کار هر نوع که باشد، مورد سپاس است و البته صنعت و حرفه وی هم هرگز مانع از تحصیل و برتری در علم و احترام وی، نخواهد بود.

چنان که بسیاری از فقهاء و علماء، تاجر یا صنعتگر بودند مثلاً امام خصاف، احمد بن عمر بن مهیر است که پدرش شاگرد محمد و حسن، یاران ابوحنیفه رحمهم الله، بود و خصاف هنگامی که کتابش را درباره خراج تألیف می کند و یا کتابهای بزرگ فقهی خود را می نویسد: در بین کفشهای پینه دوزی زندگی می کند.

و کرایسی کرباس و کتان می فروخت و ابن قفال هنگامی که دست خود را بیرون می آورد، آثار کار بر روی آنها پیدااست و خود می گوید: این از اثر کار من (قفل سازی) است.

و این ابن قطلوبغاست که در خیاطی کار می کند. و همچنین افراد دیگری از قبیل: صیدلانی (عطرفروش) و حلوانی (پدر وی شیرینی فروش) و دقاق (آرد فروش) بود و امثال آنها فراوان است.

(عدالت اجتماعی در اسلام: ص ۱۹۵).

عدالت اجتماعی

عدل در لغت به معنی تسویه، موازنه، میانه روی و ضد ظلم و جور می باشد، عدالت اجتماعی به معنی اقامه اعتدال و موازنه در جامعه و نبود ظلم در آن است.

و در اصطلاح عبارت است از امر متوسط بین افراط و تفریط (الموسوعة الفقهية الكويتية ۵/۳۰)

اسلام عزیز جهت پیشرفت اقتصادی و رفاه مردم و تحقیق عدالت اجتماعی در مکاسب و صنایع بعضی عقود را همانند احتکار، معاملات ربوی، غش، قمار و غیره حرام اعلان نموده است، همین

طور جهت تحقیق هرچه بیشتر عدالت اجتماعی و تکافل فقراء و مساوات معیشتی بین مردم اموری را همانند زکاة، غنایم، عشر و امثال اینها مشروع و واجب التعمیل اعلان نموده است. اسلام عدالت اجتماعی را در همه ابعاد زندگی بشری امر مهم دانسته و تحقق آن را سبب اصلاح جامعه و بر عمل نمودن بر آن مردم را مکلف دانسته است که اینک طبق عنوان فقط پیرامون عدالت اجتماعی اقتصادی اشاره می شود:

اسلام عزیز از منع ثروت در دست عده خاصی تایید دارد و بر نشر و پخش ثروت بر شیوه های مشروع که قبلاً ذکر گردید امر نموده است، الله متعال می فرماید:

إِنَّمَا أَفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَلِلْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ [الحشر: ٧]

چیزهای را که الله متعال از اهالی این آبادی ها به پیغمبرش ارمغان داشته است، متعلق به الله و پیغمبر و خویشاوندان (پیغمبر) و یتیمان و مستمندان و مسافران در راه ماند می باشد. این بدان خاطر است که اموال تنها در میان اشخاص ثروتمند شما دست بدست نگردد (و نیاز مندان از او محروم نشوند) چیزهای را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجرا کنید و از چیزهای که شما را از آن باز داشته است دست بکشید از الله بترسید که الله عقوبت سختی دارد. اسلام تمرکز ثروت در گوشه ای و محرومیت گروهی در گوشه دیگر را نمی پسندد و در راه بر طرف ساختن این چنین حالت بر انسان طبق شرایط شرعی اجازه تصرف در اموال (همانند تجارت، صنعت زراعت) را می دهد، و قرآن کریم طوری که در آیه فوق ذکر گردید بر عدم انحصار ثروت در نزد یک گروه تاکید دارد.

دیدگاه فقهاء در باره عدالت اجتماعی

۱- ابن تیمیه رحمه الله می فرماید: إِنَّ الْعَدْلَ نِظَامُ كُلِّ شَيْءٍ؛ فَإِذَا أُقِيمَ أَمْرُ الدُّنْيَا بَعْدَلَ قَامَتْ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِصَاحِبِهَا فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَمَتَى لَمْ تَقُمْ بَعْدَلَ لَمْ تَقُمْ وَإِنْ كَانَ لِصَاحِبِهَا مِنَ الْإِيمَانِ مَا يُجْزَى بِهِ فِي الْآخِرَةِ (مجموع الفتاوی ۱۴۶/۲۸)

عدل نظم دهند چیز است، پس اگر امور دنیا به عدل اقامه گردد بر پا خواهد ماند، اگر که صاحب او حصه در آخرت نداشته باشد، و اگر بدون عدل بر پا شود پایدار نخواهد ماند اگر که صاحب آن ایمانی داشته باشد که در آخرت پاداش داده شود.

۲- امام ابویوسف رحمه الله می فرماید:

إِنَّ الْعَدْلَ وَالْإِنصَافَ الْمَظْلُومُ وَتَجَنَّبِ الظُّلْمَ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْأَجْرِ يَزِيدُ بِهِ الْخَرَجُ وَتَكْثُرُ بِهِ عِمَارَةُ
الْبِلَادِ وَالْبِرْكَةُ مَعَ الْعَدْلِ تَكُونُ وَهِيَ تُفْقَدُ مَعَ الْجَوْرِ. (الخراج لأبي يوسف ص: ۱۲۵)

یقیناً عدل و انصاف (کمک) مظلوم و پرهیز از ظلم علاوه بر پاداش اخروی سبب افزایش درآمد می شود و سبب زیادت عمارت بلاد می گردد و برکت همراه عدل می باشد و همراه ظلم مفقود می گردد.

مناقشه

چون دین مبین اسلام دین جامع و پاسخ گوی تمام نیازهای بشری در همه زمانه ها است و در هر مورد هدایات لازم و جوابات مناسب دارد، در مورد صنعت و کسب در پرتو عدالت اجتماعی هم هدایات و رهنمای ارزش مند بر امت مسلمه ارایه فرموده است هم از نگاه انواع صنایع مشروع و غیر مشروع و همین طور شرایط و احکام مربوط به حرفه و کسب، البته فقهاء کرام بطور مفصل و مشروح در کتب فقهی ابواب مختلفی در مورد معاملات و داد ستد مردم را در ابعاد مختلف بیان و بر امت مسلمه عرضه نموده، صنعت و کسب را مورد توجه و اهمیت قرار داده و توضیحات لازم و مفید پیرامون آن بیان داشته اند در این مقاله بعد از مشروعیت و اهمیت صنعت در روشنایی از قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم احکام، شرائط و انواع آن از کتب فقهی بطور مفصل ذکر گردیده و بگونه مفصل و معنون صنعت و اهمیت آن از دیدگاه اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، هم چنین جایگاه صنعت در فقه اسلامی و عمل فقهاء کرام در صنعت و شغل، بیان و توضیح گردیده است.

از محتویات مقاله هذا به خوبی معلوم می گردد که دین مبین اسلام به صنعت اهمیت زیادی داده است و همواره کسب را به عنوان موهبت الهی و امر با ارزش معرفی نموده و امت را بر آن تشویق و ترغیب نموده است.

همین طور اسلام عزیز عدالت اجتماعی را در کسب و کار امر لازم و ضروری دانسته و جهت تحقق آن بر رعایت حقوق کارگران، صداقت و انصاف در معاملات و منع احتکار و فریب و... تاکید نموده است.

نتیجه گیری

بعد از بحث و بررسی در مورد انقلاب صنعتی در پرتو عدالت اجتماعی در فقه اسلامی به نتایج آتی دست یافته ام:

- ۱- صنعت، تجارت کسب و مهارت یک امر مهم و رکن اساسی یک جامعه می باشد.
- ۲- صنعت و شغل در پیشبرد امور اقتصادی یک کشور نهایت مهم و موقوف علیه می باشد.
- ۳- قرآن کریم همواره از صنایع به عنوان موهبت الهی بر پیامبران یاد آوری نموده و ضمناً مردم را بر آن تشویق نموده است.
- ۴- رسول الله صلی الله علیه و سلم صنعت کاران و پیشه وران را تحسین کرده و محصول بدست آمده از صنعت را به عنوان بهترین خوراک معرفی نموده است.
- ۵- فقهاء کرام بر صنعت اهمیت خاصی قایل شده و در کتب فقهی خویش عناوین مختلفی را در این باب معین نموده اند.
- ۶- صنعت دارای انواع و شرائط بوده، طبق دستورات شرعی در ایجاد آن باید توجه گردد.
- ۷- عدالت اجتماعی در اسلام یک اصل بوده و در همه ابعاد باید رعایت گردد.
- ۸- اسلام همانند سایر معاملات در برنامه اقتصادی رعایت عدالت را لازم گردانیده است.
- ۹- فقهاء کرام با وجود مصروفیت در بر نامه علمی خویش هرکدام دارای حرفه و مهارت های خاص نیز بودند.
- ۱۰- رعایت عدالت اجتماعی در همه امور سبب زیادت، برکت و ثبات گردیده در صورت نبود عدالت اجتماعی خیر و برکت و ثبات مفقود می گردد.

پیشنهاها

- ۱- اهمیت صنعت و کسب از طریق منابع بر مردم ابلاغ گردد.
- ۲- دیدگاه شریعت اسلامی و تشویق های آن پیرامون صنعت و حرفه بر مردم بیان گردد.
- ۳- در نصاب مکاتب یکی مضمون به نام مهارت ها ایجاد گردد.
- ۴- در پهلوی صنعت و اقتصاد از عدالت اجتماعی نیز صحبت گردد.
- ۵- تقسیم ثروت بر اساس عدالت اجتماعی صورت گیرد.

منابع

قرآن کریم

البخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طوق النجاة.

سجستانی، سلیمان بن الأشعث. (ب ت). سنن ابی داود، بیروت، دار الكتاب العربی.

الزحیلی، وهبة الزحیلی. (ب ت). الفقه الاسلامی وادلتہ، دمشق، دارالفکر.

الرازي، زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي. (۱۴۲۰هـ). مختار الصحاح، المكتبة العصرية، بيروت.

الأصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب. (۱۴۱۲هـ). المفردات في غريب القرآن، دار القلم، دمشق بيروت.

الشیبانی، أبو عبد الله محمد بن الحسن بن فرق. (۱۴۰۰). الکسب، عبد الهادي حرصوني، دمشق. الموصلي، عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي البلدي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي، (۱۳۵۶هـ). الاختيار لتعليل المختار، مطبعة الحلبي، القاهرة.

سید قطب، (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی در اسلام، تهران، چاپخانه سوره. الحنفي، إبراهيم بن محمد بن إبراهيم الحَلَبِي الحنفي، (۱۴۱۹هـ). مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر، دار الكتب العلمية، بيروت.

البلخي، لجنة علماء برياسة نظام الدين بلخي، (۱۳۱۰هـ). الفتاوى الهندية، دار الفكر. السيوطي، مصطفى بن سعد بن عبده، (۱۴۱۵هـ). مطالب أولي النهى في شرح غاية المنتهى، المكتب الاسلامي.

السمرقندی، ابو الليث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهيم، (۱۴۲۱هـ). تنبيه الغافلين باحاديث سيد الانبياء والمرسلين، دار ابن كثير، دمشق، بيروت.

وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، (من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷هـ). الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت. ابويوسف، أبو يوسف يعقوب بن إبراهيم بن حبيب بن سعد بن حبة الأنصاري، (ب ت). كتاب الخراج، المكتبة الازهرية للتراث.

الحراني، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية (۱۴۱۶هـ). مجموع الفتاوى، مجمع الملك، المدينة النبوية.

په صنعتي انقلاب کې د لاسي صنايعو ارزښت

پوهنمل اسد الله نور^۱

۱. پښتو څانگه، ښوونې او روزنې پوهنځی، روزگان د لوړو زده کړو مؤسسه

* نویسنده مسئول - ایمیل: Asadnoorkh@gmail.com

لنډيز

د دې څېړنې اساسي موخه دا ده، چې د صنعتي انقلاب په برخه کې د لاسي صنايعو ارزښت، دوام، اقتصادي ونډه او بدلونونه تحلیل شي. په دې څېړنه کې به دا هم څېړل شو، چې څنګه لاسي صنايع د صنعتي سياليو په دا چټک بهیر کې خپل ارزښت او کیفیت ساتلای شي. دا چې لاسي صنايعو محصولات د کیفیت، هنر او ابتکار له امله د ارزښت وړ وبلل کېږي، نو د لاسي صنايعو لکه غالی، لاسي جوړ شوي غاړي یا ګنډونه، د کرنې د برخې لاسي توکي او نور هنرونه لا هم د لوړ کیفیت له امله د خلکو پام ځان ته را اړوي دی. لاسي صنايع د صنعتي انقلاب تر سیوري لاندې هم دوام کوي او د کوچنیو تولیدي واحدونو، خصوصي کاروبارونو او د محلي بازارونو د ودې سبب ګرځي. په ډېرو سیمو کې لاسي صنايع د فقر کمولو، د کارموندنې چانسونو او د سیمه ییز اقتصاد د ساتنې لپاره اړین بلل سوي. په دې څېړنه کې ترکیبي مېتود (Composite method) کارول سوی دی، چې د تاریخي اسنادو، اقتصادي تیوريو او ټولنې ته مراجعه سوي ده. د دې ترڅنګ د صنعتي انقلاب د اقتصادي پایلو ارزونه هم شوې او معلومه شوې ده، چې لاسي صنايع د صنعتي تولیداتو ترڅنګ څومره بریالي پاتې دي.

کلېدي کلمې: اقتصاد، صنعتي انقلاب، لاسي صنايع، هنر.

The Value of Handicrafts in the Industrial Revolution

Senior Teaching Assistant Asadullah Noor^{1*}

1. Department of Pashto, Faculty of Education, Urozgan Higher Education Institute

* Corresponding Author Email: Asadnoorkh@gmail.com

Abstract

The primary objective of this research is to analyze the value, sustainability, economic contribution, and changes in handicrafts within the context of the Industrial Revolution. This study will also examine how handicrafts can maintain their value and quality amidst the rapid pace of industrial competition. Handicraft products, such as carpets, handmade necklaces or embroidery, agricultural tools, and other crafts, are still valued for their quality, art, and innovation, drawing the attention of people. Handicrafts continue to thrive under the shadow of the Industrial Revolution, contributing to the growth of small production units, private businesses, and local markets. In many regions, handicrafts are considered essential for reducing poverty, creating job opportunities, and preserving local economies. A composite method will be used in this study, referring to historical documents, economic theories, and social impacts. Additionally, the economic outcomes of the Industrial Revolution will be assessed to determine how successful handicrafts have remained alongside industrial products.

Keywords: Economy, Industrial Revolution, Handicrafts, Art.

سریزې

د صنعتي انقلاب پېژندنه او د هغه اغېزې د بشري تمدن په پرمختګ کې یو له مهمو پړاوونو څخه ګڼل کېږي. د صنعتي انقلاب راتګ د نړۍ اقتصادي جوړښت بدل کړ. د دې انقلاب له برکته د انساني خلافت دروازې لا نورې پرانیستل شوې، نوي اختراعات منځته راغلل او د نړیوال بازار پراخوالي ته زمینه برابره کړه. ((انقلابونه د خپل محرک ځواک او خصلت له مخې سره توپیر لري او کولای سو د انقلابونو نومونه واخلو لکه: فرهنګي، صنعتي، سیاسي، ټولنیز او نور. ټول انقلابونه په یوه ټولنه کې ټاکلی رول لري، چې یو له دې انقلابونو څخه صنعتي انقلاب دی او د هغه په راڅرګندېدو سره په صنایعو کې ژور تحولات رامنځ ته سوي دي.)). (اریانا، لومړۍ ټوک ۱۳۹۰، ص: ۷۰۵). په ټوله کې صنعتي انقلاب د بشریت د پرمختګ یو نه هېرېدونکی فصل دی، چې د تکنالوژۍ، اقتصاد او ټولنیزو جوړښتونو په ژوره بدلون کې اساسي رول لري. خو نننۍ نړۍ ته اړتیا ده، چې د دې انقلاب مثبت لاسته راوړنې وساتي او منفي ې د متوازنو پالیسو له لارې مهار کړي، ترڅو اقتصادي وده، ټولنیز عدالت او چاپېریالي ساتنه سره یو ځای پر مخ ولاړ سي.

لاسي صنایع خپل ارزښتمن ځای نه دی بايللی، ځکه د زمانې له بدلونونو سره یې نوې بڼه خپله کړې ده، د نوښت رڼا یې لا پېسېڅلېدلې او د تخلیق نوي لارې یې موندلې دي. که څه هم صنعتي پرمختګونو دوی له سختو سیالیو سره مخ کړل، خو د مهارت، ذوق او هنر نازکۍ ته لا هم ځای شته، چې د تمدن له یوې زمانې څخه بلې ته په نویو رنگونو او نویو روحياتو سره ولېږدول سي. ((علمي نړۍ لېد د مادي شیانو تولید ته د معنوي کلتور د زېربنا او سرچینې په نظر ګوري او له همدې امله کلتور د خلکو د پرمختګو د فعالیتونو زېږنده ګڼل کېږي، اما سره له دې چې معنوي کلتور اساساً د مادي شرایطو په واسطه ټاکل کېږي، خو د دې مانا دا نه ده چې معنوي کلتور په اتوماتیک ډول مادي کلتور تعقیبوي.)) (روهې، ۱۳۹۴، ص: ۸۷).

په افغانستان کې د لاسي صنایع بله منبع زموږ نباتات دي، چې په لاسي صنعت کې ور څخه زیاته موثره استفاده کېږي. د ملي عایدو د ودې بنسټ په کرنه کې پروت دی. د کرنیزو تولیداتو زیاتوالی د صادراتو سره مستقیمه اړیکه لري، کله چې اضافي تولید د کورني بازار لپاره برابر شي. Noorzoy, ۱۹۸۳. بیا د دې تولید زیاتوالی موږ ته زیات خام مواد په لاس راګوي، نو کولای سو د دې مواد څخه په لاسي صنایعو کې استفاده وکړو او خپل کورنۍ او ملی اقتصاد برابر کړو. د لرګیو او نباتاتو څخه بېلابېل طبي او نور د ورځني استعمال توکي له ښکلي کنده کارۍ څخه تر ډېر ساده ډیزاینونه جوړېږي.

د صنعتکارانو په هنري کار کي د ځانگړو نښو لرونکو توکو لکه، کاشین، ملاخه، فرنیچر، سینگار توکي او نور محصولات شامل دي (Hashmi, S. K, 2012; p: 2). افغانستان یو داسي هیواد دی، چي د نفوس نیمايي برخه ښځي دي او هغوی په کورنیو مرکزونو کي د مشرتابه له لاري مهم اقتصادي رول لوبوي. د افغان ښځو رول په هیواد کي د اقتصاد په پرمختگ کي په ښکاره توگه خورا مهم دی (Rarify, 2023; p: 59). افغان ښځي د کورني اقتصاد د ملا د تیر حیث لري، د غالیو اوبدل، د گنډونو او غاړو جوړول خورا لویي حوصلې او هنر ته اړتیا لري او الله ج افغان ښځو ته دا نعمت ورکړی او زموږ ښځي د خورا ښه هنر خاونداني دي. د موضوع اهمیت په دې کي دی، چي لاسي صنایع د اقتصادي، فرهنگي او ټولنیزې ودې لپاره مهم دي، خو د صنعتي تولید له پراخېدو سره یې بقا له ستونزو سره مخ سوي. اصلي مسئله دا ده چي څنگه لاسي صنایع د صنعتي تولید سیالی ته دوام ورکړي او څه ډول یې خپل ارزښت ساتل شوې دی. په ولسي ادب کې دا موضع په واضع ډول وړاندې شوې ده.

ولس د خپلو لاسي صنعت د لا ښه ستایلو لپاره ادبیات ایجاد کړي دي او د دې لاري د خپلو ارزښتونو بیان کوي او راتلونکو ته هم د دې توکو ارزښت بیانوي. د څېړنې اهمیت دا دی، چي د لاسي صنایعو دوامدار رول د هغوی د اقتصاد پر ځان بسیايني او د کلتوري هویت په ساتلو کي ونډه روښانه کړي. اساسي څېړنیزې پوښتنې دا دي، چي صنعت او لاسي صنایع څه ته وایي؟ صنعتي انقلاب د لاسي صنایعو په پرمختگ او زوال څه اغېز درلود؟ دغه صنایع څنگه د ماشیني صنعت سره رقابت کولای شي؟

کړنلاره: په دې څېړنه کې مو د څېړنیزو موخو د ترلاسه کولو لپاره ترکیبي مېتود (Composite Method) کارولی دی، ځکه چي د موضوع اړوند نظریات او لیدلوري په مختلفو علمي آثارو کې خپاره شوې او ځانگړې او پراخه څېړنه نه ده شوې. د ترکیبي مېتود کارول موږ ته دا فرصت راکوي چي د بېلابېلو سرچینو او نظریو ترمنځ تړاو رامنځته کړو او د هغوی ترمنځ علمي همربغې جوړه کړو. د راټول شویو معلوماتو د تحلیل لپاره مو توصیفي-تحليلي مېتود کارولی دی. په دې لاره کې، لومړی د موجودو نظریاتو او تاریخي شواهدو تفصیلي بیان وړاندې شوې، وروسته بیا د هغوی پر بنسټ د لاسي صنایعو پر اقتصادي، کلتوري او ټولنیزو ارزښتونو ژور تحلیل ترسره شوې دی. د دې مېتود په مرسته مو د معلوماتو مختلفي برخي سره یوځای کړي دي او له دې لاري مو یو جامع او بشپړ تحلیل

وړاندې کړی دی. دا ترکیب د مختلفو سرچینو څخه د موادو راټولولو په مقصد کارول شوې، ترڅو دقیق او پراخه معلومات وړاندې کړو. د څېړنې موخه دا ده، چې د لاسي صنایعو اقتصادي، ټولنیزو او فرهنګي ارزښتونه تحلیل شي، د هغوی د بقا لارې ولټول شي او د لاسي صنعتي تولید له نوښتونو سره وڅېړل شي، ترڅو اړوندې برخې د ولسي وګړو لپاره د کار زمینه برابره کړي.

تاریخي پس منظر

د بشر د تمدني بهیر په اوږدو کې د تولید وسایلو، کار کولو طریقو او ټولنیزو جوړښتونو بدلونونه، تل د تاریخ مهم پړاوونه جوړ کړي دي. له همدې جملې څخه یو ستر بدلون، صنعتي انقلاب و، چې په ۱۸م پېړۍ کې په انگلستان کې پیل سو او بیا ئې تدریجاً اروپا، امریکا او د نړۍ نورو برخو ته هم خپور سو. دا انقلاب د انساني ژوند ټول اړخونه ئې بدل کړل، له اقتصاد نیولې تر ټولنیزو ارزښتونو، له ښارونو جوړېدو تر چاپیریال او حتی د انسانانو تر فکره او فرهنګ پورې. «لاسي صنایع Hand work په دغه ډول صنعت کې د ماشین پر ځای د انسان مټ کار کوي او خام توکي په ګوتو او لاسونو او یو شمېر ساده وسایلو بدلون مومي. د دغه ډول صنعت کار ځای ته مانو فکتور ویل کېږي، دا باید د یاده ونه باسو چې د ټکنالوژي په پرمختګ سره لاسي صنعت خپل ارزښت له لاسه ورکړی دی، د دې برخلاف د لاسي صنایعو د تولیداتو ارزښت د ماشین په پرتله اوچت دی» (اریانا، څلورم ټوک، ۱۳۹۰، ص: ۸۱۹).

مخکې له دې انقلاب څخه بشر په خپل اقتصادي ژوند کې پر لاسي کار، دودیزو لارو، کرنه، څارویو او لاسي صنایعو متکي و. دا ډول تولیدات د محلي بازار لپاره وو او د خلکو د مهارت، ذوق او هنري ارزښتونو ښکاره بڼه ئې درلوده. خو کله چې ماشیني تولید را پیدا سو، دا دودیز صنعتونه له سخت رقابت او حتی له زوال سره مخامخ سول. ((لاسي صنایع: هغه جوړونې او د جوړېدو چارې چې د ماشینونو پرته په لاسونو سره تر سره کېږي.)) (بابی، ۱۳۸۸، ص: ۴۳۴).

په افغانستان کې که څه هم صنعتي انقلاب مستقیمه اغېزه نه درلوده، خو د نړیوال بازار له لارې ئې د افغاني تولیداتو پر ارزښت، هنر او بازار ژور اثر واچاوه. لاسي صنایع چې د افغاني کلتور، میراث او اقتصاد یو مهم اړخ و، د دې تغیراتو له امله له ننگونو سره مخ سول. بیا هم، افغان ولس د خپل فرهنګي ژوندوالي، دودونو او هنري ابتکار له لارې د دې صنعت بقاء ته دوام ورکړ.

د لاسي صنايعو ارزښت د يو ملت د کلتوري هويت، هنري ذوق، تاريخي تسلسل او ټولنيز اقتصاد برخه ده. د ښځو ونډه، د نباتاتو او لرگيو استعمال او د ولسي ادب له لاري د دې ارزښتونو ستاينه دا ښيي چي افغان ولس لاسي صنايعو ته يوازې د کار وسيله نه، بلکي د ارزښتونو د انتقال يوه ژوندي لاره گڼي. دا تاريخي بهير موږ ته دا ښيي چي څنگه يو ملت کولی سي د نړيوالو تحولاتو سره د خپل کلتوري توليد توازن وساتي او له ماشيني رقابت سره هم خپل اصلي هويت او ارزښتونه ژوندي وساتي. ((د ټولنې پرمختگ: لومړۍ څپه: کرنيز انقلاب. دويمه څپه: صنعتي انقلاب. درېيمه څپه: صنعتي تمدون جوړوي.)) (بهاند، ۲۰۱۵؛ ص: ۵۴).

که څه هم تر اوسه پورې په ځانگړې توگه د صنعتي انقلاب او لاسي صنايعو ترمنځ د اړيکو په اړه يو جامع اثر نه دی ليکل سوی، خو په گڼو علمي آثارو، مقالو او تحقيقاتو کي دې موضوع ته اشاره سوې ده. دغه اشارې عموماً د بېلابېلو برخو لکه: اقتصاد، کلتور، ټولنه او هنر په متونو کي خپري سوې دي، خو تر اوسه په يوه منسجمه څېړنه کي نه دي راټولې سوې. له همدې امله ما دا موضوع د خپلي ليکني لپاره وټاکله، تر څو دغه پاشلي نظرونه، څېړنيزي موندني او تحليلي ليدلوري يوځای کړم، علمي بڼه ورکړم او په يوه مقاله کي ئې خوندي کړم. دا کار د صنعتي بدلونونو او کلتوري ميراث ترمنځ د اړيکي ژوره مطالعه وړاندې کوي، چي له يوې خوا د علمي تشي ډکولو هڅه ده او له بلې خوا د لاسي صنايعو د بقاء او ارزښت په اړه د زده کوونکو او څېړونکو لپاره يو مهم ماخذ کېدلی سي.

موندني

د سوداگرۍ او کارموندني په برخه کي د لاسي صنايعو ونډه د محلي اقتصاد د پراختيا، د کاري فرصتونو د ايجاد او د صادراتو د زياتوالي له پلوه مهم رول لري. دا صنعتونه چي زياتره د محلي خامو موادو پر بنسټ تولېدېږي، د کوچني او متوسطو کاروبارونو د ودې لپاره غوره فرصتونه برابروي او د محلي تولېداتو ارزښت لوړوي. لاسي صنايع د کورنيو سوداگرېزو فعاليتونو ترڅنگ نړيوال بازار ته د دوديزو محصولاتو د صادرولو زمينه هم برابروي، چي د هيواد د عايدو په زياتوالي کي مرسته کوي. دا صنعتونه په ځانگړي ډول د کليوالي سيمو کي د ښځو، ځوانانو او کسبگرو لپاره د کاري فرصتونو د رامنځته کولو مهمه سرچينه ده. د دې صنعتونو له برکته گڼ کسان د خپلو دوديزو مهارتونو پر بنسټ اقتصادي خپلواکي ترلاسه کوي، چي د ټولنيز ثبات او فقر د کمښت سبب گرځي.

سره له دې که حکومت، خصوصي سکتور او نړيوالو بنسټونو له خوا د لاسي صنايعو پراختيا ته پاملرنه وشي، نو به محلي سوداگري وده وکړي او د کارموندنې امکانات به هم پراخ شي، چي پايله کي به ټولنه اقتصادي وده او پرمختگ تجربه کړي. صنايع د توکو د تولد، پروسس کولو او جوړولو بهر ته ويل کېږي، چي په مختلفو بڼو، لکه لاسي صنايع، کوچني صنايع او سترې فابريکې ويشل کېږي. د خامو موادو په کارولو سره مختلف محصولات تولېدوي. صنايع د ټکنالوژۍ، تولېدي وسيلو او انساني مهارتونو په مرسته د ټولنيز اړتياوې پوره کوي. «د خامو او لومړنيو موادو د بڼې بدلون دی، چي د وکړو د استفادي په خاطر په دغو لومړنيو او نيم کاره موادو باندي د پروسس او بدلون عمليه تر سره کېږي» (اړيانا، څلورم ټوک، ۱۳۹۰، ص: ۸۱۸). لاسي صنايع هغه تولېدات دي، چي د انساني مهارت، تخليق او دوديزو تخنيکونو پر بنسټ د ماشينونو له زياتي مداخلې پرته جوړېږي او د ټولني کلتوري هويت منعکس کوي.

لاسي صنايع اقتصادي، کلتوري او ټولنيز اهميت لري، ځکه چي د کاري فرصتونو د رامنځته کېدو، د دوديزو مهارتونو د ساتني او د محلي تولېداتو د ودې لامل گرځي. سره له دې دا صنعت د ماشيني تولېداتو، ارزانه وارداتو، د بازار موندنې محدوديتونو او د دوديزو مهارتونو د له منځه تلو له گواښونو سره مخ دی. د دې صنعت د دوام او پراختيا لپاره د حکومتي ملاتړ، بازار ته د لاس رسي او د محلي تولېداتو د ترويج اړتيا ده، تر څو دوديز مهارتونه ژوندي پاتې شي او محلي اقتصاد ته وده ورکړي.

«د خلکو د گټې اخيستې لپاره د شيانو استحصال، کيفيت او بڼې بدلون ته صنعت ويل کېږي، چي د اقتصاد د علم له نظره يوه تولېدي پروسه ده، چي له خامو موادو لکه: وړۍ، پنبه، پوستکي او نورو څخه د انسان د مټ قوت، ځواک او يا هم د ماشين په واسطه ترې کار اخيستل کېږي» (ارشاد، ۱۳۹۰، ص: ۴۰۵). د صنعت پراختيا د بشري ژوند په هره برخه کي ژور اغېز ښودلی دی. که دا د لومړنيو وسايلو د جوړولو له پړاو څخه د عصري ټيکنالوژۍ تر برياوو پورې وي، صنعت تل د ټولنو بڼه بدله کړې ده. فابريکې، ماشينونه او تخنيکي پرمختگونه د تولد سرعت لوړوي، د سوداگري، ترانسپورت او مخابراتو د ودې لپاره نوي امکانات برابروي. صنعت د انساني زحمت، نوښت او هڅو هغه ښکلی انعکاس دی، چي د نړۍ د تحول لويې کيسې پکښي نغښتې دي. که دا د يو هنرمند د لاسونو ظرافت وي، که د يوه انجنير تخليقي فکر او که د يوه صنعتکار زحمت، صنعت د ژوند د پرمختگ هغه نه سترې کېدونکي قافله ده، چي انسانيت يې تل د نوي سبا په لور رهبري کړی دی.

د بشري تمدن په وده او بازار موندنې کې د لاسي صنايعو ارزښت

د بشري تمدن په وده کې د لاسي صنايعو ارزښت د تاريخ له پيله مهم او ارزښتمن دی، ځکه صنايع د انسانانو د اړتياوو پوره کولو وسيله وه او د کلتوري هويت، هنري تخليق او اقتصادي پراختيا يو اساسي عنصر هم گڼل کېږي. ((هغه لومړني گرافيکي انځورونه، چي له ډېر پخوا څخه راپاته دي، پر هلوکو، تيرو او د فيل پر غاښونو يو شمېر تورل سوي خطونه دي، چي له نن څخه ډېرش زره کاله مخکي لرغونتوب لري.)) (اريانا، شپږم ټوک؛ ۱۳۹۶؛ ص: ۳۶). لاسي صنايع د تمدنونو د پرمختگ په بېلابېلو پړاوونو کې د مهارتونو د انتقال، د ټولنيزو او اقتصادي نظامونو د بنسټ ايښودو او د سوداگريزو اړيکو د پياوړتيا لپاره مهم رول لوبولی دی. دلته د ليکوال موخه دا ده، چي کله کرنيز انقلاب راغلی نو دغه وخت بشر د کرهڼي په لاره روان سو، مخکې کي کرهڼه پيل سول او په دې سره د غذا توليد زيات سو او ټولنيز جوړښتونه بدل سول.

همداسي په صنعتي انقلاب کې انسانانو د ماشينونو څخه گټه پورته کړه او توليد په لويه کچه زيات سو. دا انقلاب د اقتصاد، ټکنالوجي او ټولنيزو اړيکو بدلولو لامل سو. (... په يو شمېر سيمو کې لکه کاپيسا، بگرام، هاده، باميان ای خانم، ميرزکه او نورو نقاتو کې د پلټنو او کيندنو په نتيجه کې داسې لاسي صنايع تر لاسه شوي، چي د ډېر ښه او لوړ هنري ذوق استازيتوب کوي. د ځينو تاريخ پوهانو او لرغون پېژندونکيو د اټکل له مخې (۹۰۰۰) کاله دمخه په آريانا کې د فلزياتو دوره پيل شوې، چي د مس او قلعي گډ مرکب د هلوکو او تيرو څخه د جوړو اسبابونو ځای يې ونيو او بيا له نن نه پنځه زره کاله وړاندې زموږ د هېواد د ډول ډول ميکوکاتو، کلالي صنعت...) (ارشاد، ۱۳۸۴؛ ص: ۴۰۶). د لاسي صنايعو ارزښت د اقتصادي ارزښت ترڅنگ ټولنيز او کلتوري اړخونه هم لري، ځکه چي دا د خلکو د کار، تفکر او چاپېريالي شرايطو انعکاس کوي. که څه هم صنعتي انقلاب او عصري ټيکنالوژي د لاسي صنايعو پر اهميت اغېزه کړې، خو لا هم دا صنعت د دوديزو مهارتونو د ساتني، د محلي اقتصاد د پياوړتيا او د کلتوري هويت د خوندي ساتلو لپاره ارزښت لري. ((د گور کي په نظر، اسطوري دزيار ايستونکي انسان د هيلو، ارمانونو او له سختو فزيکي کارونو څخه د خلاصون دپاره ده دهلو څلو يو خيالي او ارمانيز تجسم دی. هغه اړتياوې چي اوس د ټکنالوجي په برکت په اساني سره پوره کېږي لرغونيانو د اسطوري په څېره کې تمثيلولې. په دې اساس، اسطوره بايد له ټولنيزو ژوند، بشري اړتياوو، غوښتنو او ارمانونو سره په ارتباط کې وڅېړل شي.)) (روهې، ۱۳۹۴؛ ص: ۶۳). د بشري

تمدن د دوام او متوازنې ودې لپاره، د لاسي صنايعو د ارزښت پېژندل او د هغوی ساتنه لازمي ده، تر څو راتلونکي نسلونه د خپلو کلتوري ريښو سره اړيکه وساتي او اقتصادي پراختيا ته وده ورکړي.

((صنايع په بشري ټولنو کې ډېره اوږده سابقه لري، د بېلګې په توګه د خټينو لوبڼو جوړول، د لومړنيو لرګينو وسايلو توليد او حتی له هلوکو او مفرغ څخه د اسبابونو چمتو کول، ټول د صنايعو هغه لومړنۍ بېلګې دي، چې بشري ټولنو ورته مخ اړولی و.)) (اريانا، څلورم ټوک، ۱۳۹۰؛ ص: ۸۱۸). د بشري تمدن د زېږېدو لومړنی څرک د انساني لاس ساخته صنايعو په بڼه راڅرګند سو. کله چې لومړني انسانان د کانو، لرګيو او هلوکو څخه وسايل جوړول، د بقا لپاره يې لاري موندلې او خپل ژوند يې اسانه کاوه، نو دا د تمدن د بنسټ اېښودلو لومړۍ هڅې وې. د وخت په تېرېدو، انسان د لاسي صنايعو ترڅنګ د ميخانیکي او ماشيني وسايلو پر اختراع لاس پورې کړ. د ساده وسايلو نه نيولې، تر پرمختللو ماشينونو پورې، ټولنيز او اقتصادي پرمختګ ته يې لاره هواره کړه. همدا و چې تمدن د تدريجي ودې په لور ګامونه واخيستل، د توليد صنعتونه رامنځته سو او ټولنه د نويو تخنيکونو او افکارو په مرسته د پرمختګ لوړو پوړيو ته ورسېده. له لاسي صنايعو څخه تر ماشيني وسايلو پورې، بشري تمدن دا اوږد مزل د انساني نوښت، تفکر او تخليق بېلګه ده، چې لا هم د تحول په حال کې دی او انسان د لا پرمختللي سبا په لټه کې مزل ته دوام ورکوي.

د لاسي صنايعو او دوديزو کسبونو دوام او ټولنيز ارزښت

دا صنعتونه د انساني خلاقيت، مهارت او دوديزو تخنيکونو محصول دي، چې نسل پر نسل انتقال سوی او د ټولنو د ځانګړې هويت څرګندونه کوي. لاسي صنايع او دوديز کسبونه د محلي اقتصاد پياوړتيا ته وده ورکوي. ((زموږ ګران هيواد چې د زرګونو کلونو لرغوني تاريخ لري او د دې تاريخ په اوږدو کې د فرهنگ او مدنيتونو زانګو بلل سوی ده. د تاريخ په اوږدو کې چې څومره يرغلونه زموږ پر خاوره سوي دي دا ټول د هيواد اهميت او ښکلا له امله شوې دي.)) نړيوال، چاپ کال نه لري؛ ۳۰۹. که څه هم د ماشيني توليداتو پراخېدل او صنعتي سيالي د لاسي صنايعو او دوديزو کسبونو پر بقا منفي اغېز لري، خو د دې صنعتونو دوام د فرهنگي تنوع، اقتصادي خودکفايت او ټولنيز ثبات لپاره حياتي ارزښت لري.

((ګلالي: د کلاسي هنر د افغانستان له مشهورو لاسي صنايعو او کسبونو څخه دی، د هېواد په هره سيمه کې ډېر ارزښت لري او په مشکله به داسې يو کور په کليو او بانډو کې و موندل شي، چې هلته د کلال د لاس جوړ لوبڼې يا لوبڼې موجود نه وي.)) (ارشاد، ۱۳۸۴؛ ص: ۴۱۲). د لاسي صنايعو

اقتصادي او ټولنيز ارزښت د محلي اقتصاد د پياوړتيا او د ټولنيز ثبات په برخو کې مهم رول لري. له اقتصادي پلوه لاسي صنايع د کوچني او متوسطو کاروبارونو د ودې لپاره اساسي سرچېنه گڼل کېږي، چې د محلي توليداتو ارزښت لوړوي او د صادراتو له لاري عوايد زياتوي. ((کندهار ښار د افغانستان په جنوب لويديځ کې موقیعت لري، چې په دوبي کې ئې هوا ډېره گرمه او په ژمي کې ډېره يخه وي. کلونو مخکې د ياد ښار خلگو د زياتي کرمۍ او يخۍ څخه د خوندیتوب له پاره زيات ضخامت لرونکي خټيني ودانۍ جوړولې. خو په اوسني وخت کې د ودانيو جوړول کانکريټي سوي دي، چې د دوبي گرمي او د ژمي يخني ورباندې زيات تاثير کوي او په عادي حرارت کې ساتل يې زياتي انرژي ته ضرورت لري.)) (نوري، ۱۳۹۷، ص: ۷۶). لاسي صنعتونه په ځانگړې توگه د کليوالي سيمو او وروسته پاته اقتصادي چاپېريالونو لپاره د کارموندنې مهم فرصتونه برابروي، چېرې چې صنعتي فابريکې او لويي اقتصادي سرچينې محدودې وي. دا صنعتونه د افرادو اقتصادي ثبات ته وده ورکوي، دبلي خوا د ټولنو ترمنځ د فرهنگي تنوع د بقا سبب گرځي. همداراز د ښځو، ځوانانو او معلولينو لپاره د اقتصادي خپلواکۍ ښه فرصتونه برابروي، چې د ټولنيزې ودې او برابرۍ د تايمين سبب کېږي.

ښانک: د لرغوني تمدن له شته نښو څخه يوه هم د انسانانو د اړتياوو له مخې د بېلابېلو لوبڼو جوړول دي. که څه هم ځينو خلکو به د خټو لوبڼي کارول، خو په ځينو سيمو کې د لرگيو ځانگړي لوبڼي هم جوړېدل، چې د خپل ځانگړي جوړښت او کارونې له امله يې ارزښت درلود. ښانک همداسې يو پخوانی ولسي او ځانگړی لوبڼی و، چې د خلکو په ورځني ژوند کې مهم رول درلود. د دې لوبڼي په اړه د ولسي ادب کې يو منظمه کيسۍ هم سته.

((دا نجارانو جوړولی، د ولې (يو ډول ونه ده) وچ لرگی به يې رواخيستی د کوندې په شکل به وو، دا کونده به يې ښه و تراشل، د کاسي په نخشه به يې نس ځني وکښي او جگوالی به يې شاوخوا د يوې لويشتي په اندازه وو او بر يې تر يوې نيمې لويشتي پوري رسېدی، دا پخوا د سوړسک د ميده کېدلو او بيشکي د ټکولو لپاره زيات استعمالېدی.)) (معروف ماما، شخصي مکالمه، ۲۳ دلو، ۱۴۰۳).



د دې صنعتونو دوام او وده د پابداري ودې، ټولنيز عدالت او اقتصادي تنوع لپاره حیاتي ارزښت لري، چې د حکومتي ملاتړ، د بازار موندنې اسانتیاوو او د نوې ټیکنالوژۍ سره د دودیزو کسبونو د تطبیق له لارې لایاوبری کېدای شي.

د فابریکو د ایجاد له امله د لاسي صنایعو کمزوري کېدل

د فابریکو د ایجاد له امله د لاسي صنایعو کمزوري کېدل یوه جدي اقتصادي او کلتوري مسئله ده، چې د صنعتي انقلاب له راپیلېدو راهیسې دوام لري. ((د لومړي ځل لپاره کله، چې د انګلیستان صنعتي انقلاب رامنځ ته شو، نو د نړۍ په اقتصادي ژوند او ژواک کې لوی بدلون رانځ ته شو، تر هغې وروسته ډېر دلاس کارونه په ماشین بدل شول او هر هېواد د خپل ځواک په اندازه له ماشیني الاتو څخه د کار اخیستل پیل کړل.)) (ارشاد، ۱۳۸۴؛ ص: ۴۰۷). فابریکې د ټیکنالوژۍ پر مټ تولیدي لړۍ ګړندی کړه، د محصولاتو لګښت کموي او د لویو بازارونو اړتیاوې پوره کوي، خو له دې سره د لاسي صنایعو اهمیت او بقا له ګواښ سره مخ کړل. د فابریکو پراخېدو لاسي صنایع له څو اړخونو زیانمن کړي دي. لومړی، د ماشیني تولیداتو ارزاني او چټکتیا د لاسي تولیداتو ارزښت کم کړی، ځکه مصرفوونکي معمولاً ارزانه محصولات غوره کوي.

دویم، د بازار محدودیت، دودیز کسبګر خپل تولیدات و نه پلوري، په پایله کې اقتصادي زیان ګالي او خپله کسبي وده له لاسه ورکوي.

درېیم، د نسلونو ترمنځ د دودیزو مهارتونو انتقال کم سوی، ځکه چې د اقتصادي ستونزو په اساس خلک د لاسي صنایعو پر ځای د ماشیني صنعت ته ترجیح ورکوي، چې د دودیزو هنرونو او کسبونو د له منځه تلو خطر زیاتوي.

په اريانا دايرة المعارف كي راغلي دي: چي د انقلابونو په ډول كي يو صنعتي انقلاب دی، چې په راتگ سره يې په صنعت كي ژور بدلونونه رامنځ ته سول، لومړی هيواد چي د ماشيني صنايعو د پيدا كېدو په دليل د ۱۷۵۰-۱۸۵۰م كلونو تر منځ د كرنې او سوداگرۍ له مرحلې څخه صنعتي مرحلې ته راووت. (اريانا، لومړی ټوك، ۱۳۸۶:ص: ۷۰۵). كه څه هم فابريكې اقتصادي ودې ته وده وركړي، خو د لاسي صنايعو د بقا لپاره د حكومتي پاليسو، بازار موندنې او عصري ټيكنالوژۍ سره د دوديزو مهارتونو تطبيق ته اړتيا ده، تر څو دا صنعت له بشپړي له منځه تلو څخه وژغورل شي او د اقتصادي تنوع برخه پاتې شي.

د ماشيني توليد او لاسي صنايعو ترمنځ رقابت

د بهار كمبله ټوله كړه خزان سو
د زاغانو په جامه سوه بلبلان تور
(بريالي، ۱۳۸۲، ص: ۷۲).

د ماشيني توليد او لاسي صنايعو ترمنځ رقابت د صنعتي پرمختگ له پيله روان دی، چي دواړه لوري خپل ځانگړي ارزښتونه او ننگونې لري. ماشيني توليد د ټيكنالوژۍ، چټك توليد او ارزانه لگښتونو له امله بازار ته پراخ لاسرسۍ لري، ځكه چي فابريكې په لنډ وخت كې د معياري او ارزانه محصولاتو د توليد وړتيا لري. له بلي خوا لاسي صنايع د هنري تخليق، دوديزو مهارتونو او كلتوري ارزښتونو پر بنسټ ولاړ دی، چې هر محصول ته ځانگړی هويت او كيفيت وركوي. ((د صنعت په چټك پرمختگ سره په ټولو ډگرونو كي بدلونونه رامنځ ته سوي دي، چي د غاليو د صنعت لپاره گټور تمام سوي دي او د اوبدلو د ماشينونو له لاري ډول ډول غالۍ او فرشونه جوړ او بازار ته وړاندي كېږي. خو لاسي غالۍ په ځانگړي ډول افغاني غالۍ د نړۍ په سطحه ځان ته مينه وال او ښه بازار لري. افغاني غالۍ په كورني بازار سربيره له هيواد څخه بهر هم خرڅېږي او زموږ د هيواد له مهمو صادرونكو توكو څخه گڼل كېږي.)) (اينا، پنځم ټوك، ۱۳۹۲، ص: ۲۴۳).

په نړۍ كي د افغانستان غالۍ د يو اقتصادي محصول په توگه شهرت لري، همداسي د دې هيواد د كلتور او هويت يوه ستره ښه هم ده. د غالۍ اوبدل او جوړول په افغانستان كي د خلكو د ژوند يوه مهمه برخه ده. د كورني اړتياو پوره كولو لپاره غالۍ جوړېږي او ترڅنگ يې په نړيوال بازار كي هم د افغان غاليو خورا زيات شهرت او ارزښت موجود دئ. ((ويدي عصر هغه دوره ده، چې په دې وخت كي د ټولو ختيزو آريايانو دودونه او عقيدې، د ژوند طرز او توليدي منابع او تمدن او كلتور ټول اړخونه

سره یو شان وو. د دوی په ژوند کې ساده گې موجوده وه او کالي یې وږین او څرمین وو. دوی دغه وخت د وړیو او بدل، د څرمو رنگول او ساده بافت زده و. له فلزاتو څخه یې په ابتدایي ډول استفاده کولای شوه او داوسیني آلات او د ښکار او د فاع وسلې یې لرگي، چې مهمه وسله یې غشي او لیندۍ وه، آسونه، پسونه، وزی، خره، سپي او غوایان یې ساتل. (شریف، ۱۳۷۸؛ ص: ۱۳-۱۴).

خو په دې رقابت کې لاسي صنایع د څو مهمو ننگونو سره مخ دی، لکه د ماشیني تولیداتو ټیټ قیمت، د بازار محدودیت او د دودیزو کسبونو د نسل په نسل انتقال کمزوري کېدل. په مقابل کې ماشیني تولید که څه هم اقتصادي ګټه ډېروي، خو د هنر، دودیزو مهارتونو او محلي هویت د کمزوري کېدو لامل ګرځي. ((خامک یا کندهار دوزي د مېرمنو د لاسي صنعت یو په زړه پورې ډول دی، د هېواد په ډېرو سیمو کې ګنډل کېږي، د کندهار خامک ګنډل شوي، شیان ځانګړی نوم او ښکلا لري، خو په وردگو کې یې هم نجونې او مېرمنې په ښکلیو ګلونو ښایسته ګنډي. (وردګ، ۱۳۹۰؛ ص: ۷۶). سره له دې چې ماشیني تولیدات په هره برخه کې پراخه سوي، خو لا هم د لاسي توکو غوښتنه او ارزښت ډېر دی.

خلک د کیفیت او ښکلا له مخې چې په لاسي کارونو کې سته د دې توکو په لټه کې دي. لاسي صنایع د خپلو خاصو ځانګړتیاوو په اساس خلکو ته د یوې نوې ښکلا او فکر پیغام ورکوي، ماشیني توکو نه شي کولای په اسانۍ د ځینو لاسي صنایعو ځای ونیسي. دکندهارۍ غاړې په وړاندې، که څه هم ماشیني ګنډونه او خامکونه په زیاته اندازه بازار ته راوتلي، خو بیا هم لاسي خامک د خپل ځانګړي ارزښت په ساتلو کې بریالی دی. که څه هم ماشیني تولیدات د اقتصادي لحاظه لږ بار لري، خو لاسي خامک د هغه د هنري او کلتوري ځانګړتیاو له مخې خپل ځای نه دی له لاسه ورکړی. دا هر ګنډ او خامک چې د لاسونو په مهارت او کمال سره جوړېږي، د افغان کلتور د ژوندي پاته کېدو یوه ښکاره نښه ده.

روغ کړۍ پټو: روغ کړۍ پټوان چې پخوا یې په روزگان ولایت کښې خورا رش درلو دی، یو زوم د روغ کړۍ پټو په اساس پېژندل کېده. یعنې هغه کس چې کوزده یا واده به یې کړی وو، نو روغ کړۍ پټو به یې پر اوږه وو. زما په یاد دي، چې زموږ په کلي کښې د عبدالرشید په نوم یو کس وو، نوی واده یې کړی وو. د یاد کس پټو چې دویم متره (۲۵۰ سانتي متر) اوږد والی یې درلود، د پټو د یوه او بل سره څخه دوني رغول سوی وو، چې یوازي د پټو په منځ کښې د ولسي اندازې په اساس یوه لوېشت

ځای د پتو په منځ کې پاته وو او نور ټول رغول شوی وو. خلکو دغه لاسي پتووان پر اوږو کول، چې په کورونو کې به ورته په خاص فرمایش جوړېدل او هرې جوړې خپل جوړې پتو درلود.

سپین پتو می کئ ور جوړ

که په روزگان کې کی گران زوړ

د پتو حاشې پر مځکه

کندهاری نه سې هلکه

کواره: چې د انار د لښتو څخه جوړېږي، د یوه مهارت او هنر ښکاره بېلگه ده. دغه لښتي لومړی په اوبو کې خیشېږي، ترڅو چې د ۱۵ ورځو نه تر ۳۰ ورځو پورې په بشپړه توګه خیشتي شي. د کواري د جوړېدو په پیل کې، ۸ یا ۱۰ لښتي راواخلي او سرونه یې پورته کړي. وروسته نورې لښتي په احتیاط سره په جار ایستل کېږي، ترڅو هره لښته په ځیرکتیا سره د کار لپاره تیار شي. دغه لښتي، چې د یوه خاص مهارت او د لاس د کار نتیجه ده، د انارو، انګورو او نورو مېوو د انتقال لپاره کارېږي. د دې لښتو په جوړولو کې، دوې یا درې لښتي د لاس د نیولو لپاره په سر کې ورکوي. (عبدالرازق کاکا، شخصي مکالمه، ۲۳ دلو ۱۴۰۳).



کجاوه یا سید یو داسې لوبنۍ دی، چې د ارغوان، سرې ولې او د ورغشته له څانګو څخه جوړېږي، کلیوال خلک خپلې تازه مېوې لکه: شفتالو، زردآلو، آلبالو، گیلاس، توت، آلو او داسې نورې له یوه ځای څخه بل ځای ته پکښې لېږدوي. بزگران د جوارو وږي، د څارویو لپاره واښه او حیواني سرې هم د دې په واسطه د مقصد ځای ته پر خپلو اوږو له یوه ځای څخه بل ځای ته وړي.

د لسم ټولګۍ فرهنگ، ۱۳۹۰: ۲۰. د دې رقابت متوازن کولو لپاره اړینه ده، چې د لاسي صنایعو محصولات د کیفیت، هنري ارزښت او دودیزو ځانګړتیاوو له مخې په نړیوالو بازارونو کې مطرح شي. د حکومت، سوداګرو او نړیوالو بنسټونو همکارۍ کولی شي، د لاسي صنایعو د بازار موندنې، صادراتو او تخنیکي پرمختګ له لارې دا رقابت متوازن کړي، ترڅو دواړه سکتورونه د اقتصاد وده، کارموندنه او کلتوري ساتنې ته ګډ کار وکړي.

پایله

د ولسي پوهې په اړه ویلای شو چې په ولسي ژوند کې د پرمختګ او وده کولو په برخه کې خورا مهم رول لري. دا پوهه د خلکو د ورځني ژوند یوه برخه ده، همداسې د صنعت پرمختګ او د خلکو د ژوند په بڼه کولو کې ستره ونډه لري. هغه لاسي صنایع چې د کلیوالو سیمو په زړه کې خپل ځای ساتلی دي، د تاریخ یوه نه هېرېدونکې برخه جوړوي، په دې لاسي صنایعو کې تخنیکي پوهه، مهارتونه او د کاري ځواک ځانګړې تجربې هم شاملې دي. کلیوال خلک د خپلو دودیزو صنایعو له لارې د خپل ژوند د اړتیاوې پوره کوي. همدا لاسي صنایع د کلیوالو سیمو په اقتصاد کې بنسټیز رول لري، ځکه چې دا صنعتونه د یوې ټولنې د فقر کچه راتیټوي، د خلکو لپاره د کار کولو فرصتونه برابر وي.

د دې صنعتونو د بقا او پرمختګ لپاره اړینه ده، چې نوې تګلارې جوړې شي، ترڅو دا لاسي صنایعي یوازي د تاریخ یوه برخه جوړه نه شي، بلکې د راتلونکي نسلونو لپاره د ژوند کولو سرچینه وي. سره له دې د عصري صنعت او ټیکنالوژۍ د پراختیا سره، لاسي صنعت له ګڼو ننگونو سره مخ دی. د صنعتي تولیداتو او ټیکنالوژیکو بدلونونو له امله، ځینې دودیز کسبونه او لاسي صنایعو ته زیان رسېدلی او یا د منځه تللو په لور روان کې دي، که په واضحه توګه ووايو، چې د لاسي صنعت د پاداري ودې او د فرهنگي ارزښتونو د ساتلو لپاره اړینه ده، چې دودیز کسبونه او لاسي صنایع په عصري کړنلارو او ټیکنالوژۍ سره سمبال کړل شي. چې دغه هېرېغې به د نوو اقتصادي لارو چارو، عصري مدیریت، بازارموندنې، نوښت او ټیکنالوژیک ملاتړ له لارې رامنځته شي. که چېرې د عصري صنعت اصول د لاسي صنایعو د وده لپاره وکارول شي، نو دغه صنایع له زوال ژغورل کېږي او د کارموندنې، صادراتو او سیمه ایزې اقتصادي پراختیا لپاره به نوي فرصتونه رامنځته کړي.

وړاندیزونه

بازارموندنه: د لاسي صنايعو توليداتو دي، د نړېوالو او محلي بازارونو سره ونښلول شي. د آنلاین پلورني، ټولنيزو رسنيو او نورو په کارولو سره بايد دا محصولاتو نړيوال بازار ته لاسرسی پيدا کړي.

د نوو کاري فرصتونو رامنځته کول: د لاسي صنايعو په کار کولو کې د ځوانانو لپاره روزنيز پروگرامونه او ورکشاپونه بايد جوړ شي. دا به د هغوی لپاره نوې کاري فرصتونه رامنځته کړي او همداشان به د کليوالي سيمو په اقتصادي پراختيا کې مرستندويه شي.

د چاپېريال ساتنه: د لاسي صنايعو د پراختيا په لړ کې بايد د چاپېريال ساتنې اصول هم په پام کې ونيول شي، نو دا به د صنعت دوي او بقا لپاره اوږد مهاله گټه ولري.

د مالياتي او حکومتي ملاتړ زياتول: د حکومتي ادارو لپاره مهمه ده، چې د لاسي صنايعو پر ملاتړ تمرکز وکړي، ترڅو د دې صنعت د پراختيا لپاره مالي مرستو راجلب کړي، ماليه کم کړي او کاري اسانتياوو ورته برابري کړي.

د ټولني فرهنگي ارزښتونو ته وده ورکول: لاسي صنايع د اقتصادي سربېره فرهنگي ارزښتونه هم خوندي کوي. له دې امله د دې صنعت د تاريخ، دودونو او کلتور په اړه معلومات بايد د ټولني په منځ کې شريک کړل شي، ترڅو دا صنعت د خلکو هویت او کلتور ته هم وده ورکړي.

د توليداتو کيفيت لوړول: د لاسي صنايعو محصولاتو کيفيت بايد لوړ شي، ترڅو د نړيوالو بازارونو اړتياوې پوره کړي، دا به د صادراتو په زياتولو او د نړيوالو سيالانو سره د رقابت کولو لپاره يو مهم گام وي.

د ټيکنالوژۍ ادغام: د لاسي صنايعو د ودې لپاره اړينه ده، چې دوديزې طريقې د عصري ټيکنالوژۍ سره يو ځای شي. د ساده ماشینونو او اتوماتيک سیستمونو په مرسته کولی شو، چې د توليد پروسه چټکه او موثره کړو.

ماخذونه

- ارشاد، اورنگ. (۱۳۹۰). افغانستان پېژندنه، دانش خپرندويې ټولنې تخنیکي څانګه.
- بابی، عبدالمجید. (۱۳۸۸). جغرافیایي شیند، خپرونډی: کندهار د اطلاعاتو او کلتور ریاست.
- بریالی، عبدالغفار. (۱۳۸۲). اهار. مکتبه قاسمیه - کاشي روډ کوټه.
- بھاند، لطیف. (۲۰۱۵). کلتور پوهنه، خپرنډوی: پښتو ادبي غورځنګ، شالکوټ.
- روهي، محمد صدیق. (۱۳۹۴). فولکلور پېژندنه، ننگرھا: خپرنډوی، گودر کتاب خپرنځی.
- شریف، ساهره کریمي. (۱۳۷۸). په افغانستان کې د ښځو د ښوونې او روزنې تاریخي بهیر، پېښور: دانش کتابخانه قصه خوانی بازار.
- عاطف، عبدالحمید او قرار، عبدالغفور. (۱۳۹۰). فرهنګ، د پوهني وزارت: د تعلیمي نصاب د پراختیا، د ښوونکو د روزني او د سانیس مرکز معینیت.
- علومو اکاډمي. (۱۳۸۶ل). ادیان دایرة المعارف اول ټوک، د علومو اکاډمي د دایرة المعارف د مرکز ریاست.
- علومو اکاډمي. (۱۳۹۰ل). ادیان دایرة المعارف څلور ټوک، د علومو اکاډمي د دایرة المعارف د مرکز ریاست.
- علومو اکاډمي. (۱۳۹۲ل). ادیان دایرة المعارف پنځم ټوک، د علومو اکاډمي د دایرة المعارف د مرکز ریاست.
- علومو اکاډمي. (۱۳۹۶ل). ادیان دایرة المعارف شپږم ټوک، د علومو اکاډمي د دایرة المعارف د مرکز ریاست.
- نور، اسدالله. (۱۴۰۲). د روزگان فولکلور او فولکلوریک ادبیات. خپرنډوی ارزگان د لوړو زده کړو موسسه.
- نوري، عبدالغني. (۱۳۹۷). په کندهار ښار کې د ودانیو تودولو او یخولو د مؤثره تخنیکونو ارزونه، د کندهار پوهنتون علمي او تحقیقي مجله، منلېګک، درېیم کال، اوله او دوهمه ګڼه وېری اکب، ۱۳۹۷.
- نړیوال، رازقي. چاپ کال نلري، د افغانستان تاریخي او فرهنګي ویاړون، دانش خپرنډوی ټولنه.
- وردګ، روشنا. (۱۳۹۰). فولکلوري وړانګې، دانش خپرنډويې ټولنې تخنیکي څانګه.

- Arify, M. (2023). The Role of carpet weaving women in the rural economy of Afghanistan. Sprin Journal of Arts, Humanities and Social Sciences, 2(05), 59-71.
- Hashmi, S. K. (2012). Market for Indian handicrafts. Excel Journal of Engineering Technology and Management Science, 1(1), 1-7.
- Noorzoy, M. S. (1983). Alternative Economic Systems for Afghanistan. International Journal of Middle East Studies, 15(1), 25-45.

د ديني عالمانو له نظره د صنعتي پراختيا اخلاقي لارښوونې «ننگرهار ولايت کې د

ننگرهار علماؤ يوه موردې څېړنه»

پوهنيار عبدالسميع سعيد^۱، پوهنيار مفتي وقايت الله وقار حنفي^۲، پوهنوال دكتور عبدالحق حنيف^۳

۱. اسلامي تعليماتو څانگه، شرعياتو پوهنځی، لغمان پوهنتون

۲. اسلامي ثقافت څانگه، شرعياتو پوهنځی، البيروني پوهنتون

۳. فقه او قانون څانگه، شرعياتو پوهنځی، پروان پوهنتون

* نويسنده مسئول-ايميل: sami14399999@gmail.com

لنډيز

اسلامي شريعت د ټولنې هرې برخې او زاويې ته نظر کوي، د اسلام مبارک دين د ټولنې مادي او معنوي پرمختگ غواړي او د مادي پرمختگ ټولې هغه لارې چارې يې حلالې گرځولې دي چې د بل چا حقوقو ته پکې صدمه نه وي، اسلام يوازې په فردي گټو تمرکز نه کوي؛ بلکې ټولې هغه چارې مد نظر نيسي چې د فرد او د ټولنې مصلحت پکې وي او هغه لارې چارې يې حرامې گرځولې دي چې فرد او ټولنې ته يې زيان وي، په همدې اساس د اسلام مبارک دين ته د اعتدال دين هم وايي، ددې څېړنې هدف د ديني عالمانو له نظره د صنعتي پراختيا اخلاقي لارښوونې دي، ددې څېړنې فرعي موخې عبارت دي له د صنعتي پراختيا لپاره ديني لارښوونې روښانه کول، د صنعتي پراختيا په وړاندې د شته ننگونو برسېره کول او د صنعتي پراختيا په وړاندې د شته ننگونو لپاره حللارې پيدا کول دي. ددې څېړنې تگلاره کمي ده، د ننگرهار ولايت د علماؤ څخه ۶۰ تنه انتخاب شوي او له هغوی سره مرکې ترسره شوې دي، ددې څېړنې په پای کې دې نتيجه ته ورسېدو چې په اسلامي شريعت کې صنعتي پراختيا لپاره ډېر شمېر ديني لارښوونې شته، روښانه شوه چې د صنعتي پراختيا په وړاندې يو شمېر ننگونې شته، همدا راز روښانه شوه چې د صنعتي پراختيا په وړاندې د شته ننگونو لپاره لازمي حللارې موندل کېږي چې د همدې مقالې په جريان کې به تشرېح شي، د لوړو زده کړو محترم وزارت ته وړاندیز کېږي چې د صنعتي پراختيا په هکله د ټولنې وگړو ته معلومات ورکړي. کليدي کلمې: ديني عالمان، صنعتي پراختيا، اخلاقي لارښوونې، ننگرهار ولايت.

التوجيهات الأخلاقية للتنمية الصناعية من وجهة نظر العلماء الدينية

الأستاذ المعيد عبدالسمیع سعید^١، الأستاذ المعید مفتی وقایت الله وقار حنفی^٢، الأستاذ الدكتور عبدالحق حنیف^٣

١. قسم: تعلیمات الاسلامیة، کلیة: الشریعة، جامعة: لغمان

٢. قسم: الثقافة الاسلامیة، کلیة: الشریعة، جامعة: البیرونی

٣. قسم الفقه والقانون کلیة الشریعة، جامعة بروان

البرید الإلكتروني: sami1439999@gmail.com

الملخص

الشریعة الإسلامیة تهتم بجميع جوانب المجتمع، فالدين الإسلامي المبارك يسعى إلى تقدم المجتمع مادياً وروحياً، وقد جعل الشریعة جميع الطرق التي تؤدي إلى التقدم المادي حلالاً طالما أنها لا تضر بحقوق الآخرين. الإسلام لا يركز فقط على المنافع الفردية، بل يأخذ في الاعتبار كل ما فيه مصلحة للفرد والمجتمع معاً، وقد حرم الطرق التي تضر بالفرد أو المجتمع. ومن هذا يُسمى الدين الإسلامي أيضاً بدين الاعتدال. هدف هذه الدراسة هو دراسة الإرشادات الأخلاقية للتنمية الصناعية من وجهة نظر العلماء. الأهداف الفرعية لهذه الدراسة هي توضيح الإرشادات الدينية للتنمية الصناعية، تسليط الضوء على التحديات التي تواجه التنمية الصناعية، وإيجاد طرق الحل لهذه التحديات. أتبع في هذه الدراسة المنهج الكمي، حيث تم اختيار ٦٠ من العلماء من ولاية نجرهار وتم إجراء مقابلات معهم. في نهاية هذه الدراسة، تم التوصل إلى أن هناك العديد من الإرشادات الدينية المتعلقة بالتنمية الصناعية في الشریعة الإسلامیة، وقد تبين أنه توجد تحديات معينة تواجه التنمية الصناعية. كما تبين أنه يمكن إيجاد طرق الحل لهذه التحديات، والتي سيتم شرحها في سياق هذه المقالة. يُقترح لوزارة التعليم العالي الموقرة أن تقدم معلومات للمجتمع حول التنمية الصناعية.

الكلمات المفتاحية: العلماء، التنمية الصناعية، التوجيهات الأخلاقية، محافظة نجرهار.

سریزه

صنعتي پراختیا د معاصرې نړۍ یوه مهمه اړتیا ده، چې د اقتصادي ودې، ټولنیز ثبات، او د خلکو د پرمختګ لپاره اړین رول لري. دا پرمختګ که د اسلامي شریعت په رڼا کې ترسره شي، نه یوازې دا چې مشروعیت لري، بلکې د اسلام له اساسي روح سره غښتلې اړیکه هم لري. اسلامي شریعت چې د بشري ژوند ټولو اړخونو ته لازمي لارښوونې کوي، د صنعتي پراختیا لپاره هم ځانګړي اصول او احکام لري، دا اصول نه یوازې د اقتصادي فعالیتونو مشروعیت روښانه کوي؛ بلکې د عدالت، شفافیت، امانتداری، او ټولنیز انصاف پر بنسټ د صنعتي پرمختګ ته هم لار هواروي. په دې څېړنه کې هڅه شوې چې د اسلامي لارښوونو په رڼا کې د صنعتي پراختیا اهمیت، اصول، ننگونې او حللارې وڅېړل شي. د بحث پر بنسټ څرګندېږي چې اسلام نه یوازې د حلال کسب او اقتصادي ودې ملاتړ کوي، بلکې د صنعتي سکتور د ودې لپاره د عدل، صداقت او امانت اصول اړین بولي، سربېره پر دې صنعتي پراختیا له ځینو ستونزو سره مخ ده، لکه سود، فساد، او د کارګرو د حقوقو نه رعایت، چې د اسلامي احکامو له مخې باید ورته مناسبې حللارې وموندل شي. دغه څېړنه به دا روښانه کړي چې د اسلامي اصولو تطبیق د صنعتي پرمختګ لپاره نه یوازې دیني ضرورت دی، بلکې د اقتصادي عدالت او ټولنیز ثبات د تأمین لپاره هم یو ضروري عامل ګڼل کېږي. د صنعتي پراختیا موضوع نه یوازې د اقتصادي ودې لپاره حیاتي ارزښت لري، بلکې د ټولنیز عدالت، د فقر له منځه وړلو او د اقتصادي توازن د رامنځته کولو لپاره هم ضروري ده، په معاصره نړۍ کې چیرې چې صنعتي پرمختګ د هر هېواد د اقتصادي ځواک، ثبات او خلکو د پرمختګ معیار ټاکي دا اړینه ده چې د اسلام له نظره یې مشروعیت، اصول، او حدود وڅېړل شي. اسلامي شریعت نه یوازې د صنعتي ودې جواز ورکوي، بلکې د هغې د عادلانه او شفاف پرمختګ لپاره ځانګړي اصول هم لري، د حلال کسب، صداقت، امانتداری، او عدالت اصول د صنعتي سکتور د بریا او دوامدارې ودې اساسي بنسټونه شمېرل کېږي. سربېره پر دې د صنعتي پرمختګ له مهمو ننگونو سره د اسلامي لارښوونو پر بنسټ مقابله کول؛ لکه د سود مخنیوی، د کارګرو د حقوقو رعایت، او د فساد له منځه وړل، نه یوازې صنعتي پرمختګ یقیني کوي، بلکې د اقتصادي نابرابرۍ د مخنیوي لپاره هم ضروري دي. له همدې امله، د صنعتي پراختیا د موضوع څېړنه د اسلامي اصولو په رڼا کې د معاصر اقتصاد، ټولنیز عدالت، او اخلاقي صنعت د رامنځته کولو لپاره ځانګړی اهمیت لري.

ددې مقالې موخې په لاندې ټکو کې خلاصه کېږي:

۱- د دیني عالمانو له نظره د صنعتي پراختیا لپاره دیني لارښوونې روښانه کول

۲- د دیني عالمانو له نظره د صنعتي پراختیا په وړاندې د شته ننگونو څېړل

۳- د دیني عالمانو له نظره د صنعتي پراختیا په وړاندې د شته ننگونو حللارې سپړل

ددې مقالې پوښتنې په لاندې ټکو کې خلاصه کېږي:

۱- د دیني عالمانو له نظره د صنعتي پراختیا لپاره کومې لارښوونې شتون لري؟

۲- د دیني عالمانو له نظره د صنعتي پراختیا په وړاندې شته ننگونې کومې دي؟

۳- د دیني عالمانو له نظره د صنعتي پراختیا په وړاندې د شته ننگونو حللارې څه دي؟

دڅېړنې کړنلاره

دا کيفي څېړنه ده چې د موضوعي څېړنې له طريقې څخه په کې کار اخيستل شوی دی، لکه څنگه چې روښانه ده چې کيفي څېړنې تشریحي او توصيفي معلومات را ټولوي، نو له دې ډول څېړنې او طريقې څخه ددې له پاره گټه اخيستل شوې ده ترڅو وکولای شو دڅېړنې له گډوډوالو څخه د څېړنې موخو ته د رسيدو په خاطر نوي، تازه او دقيق نظريات راټول کړو او موضوعي څېړنه ورته ځکه وايو چې دغه څېړنه يوازې د ننگرهار ولايت علماؤ پورې تړاو لري او تر ډېره کچه په کې د علماؤ څخه د هغوی نظريات او معلومات راټول شوي دي. مونږ د کيفي څېړنې تعريف په مسلکي ډول په دې توگه کولای شو چې: کيفي تحقيق د څېړنې په برخه کې له هغو مهمو تگلارو څخه دی چې پر شمېرو يا ارقامو د تکيې پر ځای د پېښو او واقعو ځانگړتياوې په پام کې نيسي، په دې تگلاره کې د ټولنيزو پېښو د صفاتو، ځانگړتياوو او چلندونو په اړه ژور بحث او تحليل کېږي (اديب، ۲۰۲۳، ص: ۱۵). د څېړنې پروسيجر يو منظم او اغېزمنه تگلاره ده چې د څېړنې د اعتبار او دقت په څرگندولو کې مرسته کوي نو په همدې اساس، په دې څېړنه کې موږ معلومات د مرکو د لارې په ننگرهار ولايت کې د ۶۰ بېلابېلو علماؤ څخه په مخامخ ډول د پوښتنپاڼو په وسيله معلومات راټول کړي دي، د راټولولو څخه وروسته مو راټول کړي معلومات په درست او دقيق شکل سره د ورډ پروگرام په مرسته تايپ کړي او په منظم ډول مو د څېړنې موخو ته په کتلو ترتيب کړي دي او بيا په موضوعي تحليل سره تحليل شوي دي، په اخر کې د څېړنې پوښتنو ته په درست شکل ځوابونه ورکړل شوي دي. دا چې ننگرهار ولايت د افغانستان په مشرقي زون کې قرار لري او يو له هغو ولايتونو څخه شمېرل کېږي چې ډېر شمېر ديني علماء او پوهان پکې شتون لري، نو په همدې موخه د صنعتي پراختيا اخلاقي لارښوونې د ننگرهار په

ولايت پورې منحصره شوه، دا چې د ننگرهار په ولايت کې ډېر شمېر علماء شتون لري د هغوی د جملې څخه شپېته تنو هغو کسانو سره د پوښتنپاڼو له لارې مصاحبې او مرکې شوې دي چې د مساجدو امامان، د مدارسو او د شرعياتو پوهنځي استادان وو او بيا د هغوی مرکې تحليل شوې دي. د دې څېړنې د پوښتنو د ځوابونو موندلو لپاره موږ د پوښتنپاڼو له لارې د مرکو څخه کار اخيستی دی، دا مرکې په دوه عمومي برخو وېشل شوي دي: لومړۍ برخه کې د مرکه کوونکي شخص اړوند شخصي معلومات ذکر شوي لکه: نوم، عمر، د زده کړو کچه، دنده او د دندې ځای او دويمه برخه د څېړنې له پوښتنو سره په تړاو ځانگړې خلاصې او تړلې پوښتنې شامل شوي دي. چې دغه مرکې د (۱۴۰۳ ل) کال د حوت مياشت کې پلي شوي. په دې بهير کې، د هر عالم څخه د مرکې له لارې معلومات راټول شوي او وروسته دا مرکې د تحليل لپاره په ورد پروگرام کې ټايپ شوي دي او په موضوعي ډول هره پوښتنه تحليل شوې چې د هرې موضوع لپاره فرعي موضوع گانې د ځوابونو څخه سپړل شوي او بيا هر يو په جزياتو او شواهدو تشرېح شوي دي.

تېرو ليکنو ته کتنه

د صنعت په موضوع باندې ډېر شمېر ليکنې ترسره شوې دي، چې د صنعت پېژندنه، ډولونه يې، اهميت يې او احکام او اړوند مسائل يې پکې روښانه شوې دي، مونږ د هغې ليکنو يادونه په لاندې ډول کوو: العمل و قضايا الصناعة في الاسلام د دکتور السيد حنفي عوض کتاب دی چې په ۲۰۰۶ م کال کې خپور شوی دی، همدا راز الصناعة في الحضارة الاسلامية د عبدالباقي احمد مقاله ده چې په مجله آفاق الحضارة الاسلامية کې په کال ۱۴۱۱ ق خپره شوې ده، همدا رنگه الصناعة و دورها في الحضارة د رقية فاضل مقاله ده چې په مجله دائرة النفيس کې په کال ۲۰۱۸ م کې خپره شوې ده، مفهوم الصناعة وتطورها د ايمان الحياړي مقاله ده چې په کال ۲۰۲۱ م کې په مجله الأسوة الحسنة کې خپره شوې ده، همدا راز الصناعة في التاريخ الاسلامي د انس محمد قصار مقاله ده چې [په ۲۰۱۱ م کال په مجله قصة الاسلام کې خپره شوې ده. همدا راز ځينې نورې ليکنې هم شته چې مونږ د هغو ليکنو مهم مطالب په لاندې کړنو کې ذکر کوو: د لغت له مخې صنعت د عربي کلمې صناعت څخه اخيستل شوی دی چې د کوشنې او سخت عمل په معنی سره راځي (الفيروزآبادي ۲۰۰۵ م، ماده صنع) په اصطلاح کې يې ډېر شمېر تعريفونه ذکر شوي دي چې مونږ به دلته هغه مشهور تعريف ذکر کړو: «هي کل علم او فن يمارسه الانسان حتى يكون ماهرا فيه ويُصبح حرفة له» (الحياړي، ۲۰۲۱ م). ژباړه: له هغه علم او مسلک څخه عبارت دی چې انسان يې تر هغې ترسره کوي چې پکې ماهر شي

او دا یې خپل کار او مسلک وگرځي. همدا راز معاصرو علماؤ یې داسې تعریف ذکر کړی دی: «هي مجموعة من الأنشطة الاقتصادية الثانوية التي تحول المواد الأولية إلى منتجات ذات قيمة أكبر للناس» (الحیاری، ۲۰۲۱ م) ژباړه: دا د هغو اقتصادي هڅو ټولګه او مجموعه ده چې خام او د لومړي لاس مواد خلکو ته په سترو قیمتي شیانو بدلوي. په اسلامي شریعت کې د صنعت په هکله ډېر شمېر لارښوونې راغلي دي، قرآن کریم د صنعت مختلف ډولونه بیان کړي دي، یو ځای الله متعال د کښتیبو صنعت ته داسې اشاره کوي: «وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ» (رحمن ۲۴). ژباړه: او دا بېړۍ د همغه دي چې په سمندر کې د دنگو غرونو په څېر لوړې پورته شوې دي. د جاهلیت په زمانه کې صنعت ډېر پرمختګ نه وو کړی، بلکې ډېر ابتدائي شکل یې درلود، هغه وخت سره په یمن کې د تورو، نېزو او منجنيقو صنعت روان وو؛ خو د اسلام په راتګ سره صنعت پرمختګ وکړ، اسلام د صنعت داسې ډولونه رامنځته کړه چې عربانو یې نوم هم نه وو اورېدلی، الله تعالی په عمومي لحاظ داسې لارښوونه کړې ده: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». (الجماعه ۱۳). ژباړه: الله تعالی د اسمانونو او ځمکې ټول شیان ستاسې لپاره مسخر کړل، هر څه له خپل لوري نه، پدې کې سترې نښانې دي د هغو خلکو لپاره چې غور او فکر کوونکي دي. په قرآن کریم کې د صنعت مختلفو ډولونو ته اشاره شوې ده هغه چې د هوسا او پرمختللي ژوند لامل او د دولتونو د قوت اساس ګڼل کېږي، چې دلته به د یو څو یادونه وکړو:

لومړۍ: د جامو او بدلولو صنعت

الله متعال فرمایي: «يَسْنِيْ اٰدَمَ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَیْكُمْ لِبَاسًا یُّوَارِیْ سَوَاتِکُمْ وَرِیْشًا» (الأعراف ۲۶). ژباړه: ای د آدم (ع) اولادې! مونږ تاسې ته جامې نازلې کړې دي چې ستاسې د بدن شرم ځایونه وپوښي او ستاسې د بدن د ساتنې او ښکلا وسیله هم وي (عشي علي ۲۰۲۰ م).

دویم: غذايي صنعت

الله تعالی فرمایي: «وَلَمْ یَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِّمَّا عَمِلَتْ اَیْدِیْنَا اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَلِکُوْنَ، وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَکُوبُهُمْ وَمِنْهَا یَاکُلُوْنَ، وَلَهُمْ فِیْهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ اَفَلَا یَشْکُرُوْنَ» (یس، ۷۱ - ۷۳). ژباړه: ایا دوی نه ویني چې مونږ پخپلو لاسونو (قدرت) سره جوړو شویو شیانو څخه د دوی لپاره څاروي پیدا کړل او اوس دوی د هغو خاوندان دي، مونږ هغه په داسې شان دوی ته ښکېل کړي دي چې له هغو نه پرځینو باندې دوی سپرېږی د ځینو دوی غوښه خوري، او په هغو کې د دوی لپاره راز راز ګټې او د څښلو شیان دي نو ایا دوی شکر نه باسي؟

درېم: مدني او عسکري صنعت

الله تعالی فرمایي: ﴿وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾ (الحديد ۲۵). ژباړه: او اوسپنه مو راکوزه کړه چې په هغې کې ډېر زور دی او د خلکو لپاره پکې گټې دي. په «ومنافع للناس» کې جنگي صنعتونو او اسبابو ته اشاره شوې ده (ابن عاشور، ۲۰۰۷ م). نبوي احاديثو کې هم د صنعت په هکله ډېرې اشارې شوې دي، رسول الله صلی الله علیه وسلم په ډېر شمېر ځایونو کې خپل ملگري صنعت ته هڅولي دي (عویس، ۲۰۱۹ م). رسول الله صلی الله علیه وسلم په یو حدیث کې فرمایي: «عَنْ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ» (الطبراني، ۸۹۳۴). ژباړه: الله تعالی کسبگر مؤمن خوښوي. صحابه کرامو رضي الله عنهم هم د صنعت سره بلد وه او هغوی کې داسې اشخاص وه چې د صنعت چارې یې مخته وړلې، د خباب بن الارت رضي الله په هکله راځي چې هغه به د تورو جوړولو کسب کاوه، همدا راز د سلمان فارسي، سعد بن أبي وقاص او عثمان بن طلحة رضي الله عنهم صنعت پېشه خلک وو، له دې وروسته د عمر فاروق رضي الله عنه د خلافت پر مهال د صنعت لمن پراخه او ځینې جنگي اسباب هم جوړل شوه، د عثمان رضي الله عنه د خلافت پر مهال کښتۍ جوړېدل پیل شوه، بیا له دې وروسته د أمویانو د خلافت پر مهال مختلف صنعتي کارونه ترسره شوه، همدا راز د عباسیانو خلافت او د أندلس خلافت پر مهال صنعتي پرمختګ د یادونې وړ دی، دا ټول د صنعت د رامنځته کېدنې او خپرېدنې تصدیق کوي، نو معلومېږي چې صنعتي چارې مخته وړل د مسلمانانو ایجاد او اغاز دی (قصار، ۲۰۱۱ م، ص: ۱۹). د اسلامي شریعت په رڼا کې د صنعتي چارو پر مخ وړولو لپاره علماؤ ډېر شمېر شرایط ذکر کړي دي، چې په لاندې ټکو کې به ورته اشاره وکړو:

۱- **اخلاص**: صنعتگر شخص باید د خپل صنعت په چاره کې مخلص وي او موخه او هدف یې ترې حلال رزق گټل او خلکو ته خدمت کول وي، رسول الله صلی الله علیه وسلم په یوه حدیث کې داسې فرمایي: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (البخاري، الحديث: ۱). عملونه په نیتونو پورې تړلي دي. په ډېر شمېر نبوي احاديثو کې د رسول الله صلی الله علیه وسلم څخه په نیت کې د اخلاص په هکله لارښوونې روښانه شوې دي. ډېر شمېر صحابه کرامو رضي الله عنهم د تجارت او صنعت په برخه کې کار کړی دی او هېڅکله یې اخلاص له پامه نه دی غورځولی (قصار، ۲۰۱۱ م، ۲۲).

۲- **بل ته د ضرر نه رسول**: صنعتگر شخص باید د صنعت په چاره کې له ضرر رسولو ځان وساتي، له همدې امله اسلامي شریعت د ضرر رسولو څخه په کلکه منع کړې ده، په یو حدیث کې رسول الله

پوهنیار عبدالسمیع سعید

صلی الله علیه وسلم داسې فرمایي: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: " لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ ، مَنْ ضَارَّ ضَرَّهُ اللَّهُ ، وَمَنْ شَاقَّ شَقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ » (البیهقي، ۱۱۵۰۲). ژباړه: په اسلام کې بل ته ابتداءً ضرر نشته او د ضرر مقابله په ضرر هم نشته، چا چې بل ته ضرر ورسولو الله تعالی به دا بنده متضرره کړي او چا چې سختي وکړه الله تعالی به په همدې بنده سختي وکړي. د صنعت په کار کې ځان او بل شخص ته ضرر رسول جائز نه دي، همدا راز دا هم جائز نه دي چې یو کس ته د هېڅ دلیل پرته ضرر ورسول شي او دا هم جائز نه دي چې د ضرر مقابله په ضرر سره وشي (قصار، ۲۰۱۱ م، ۲۳).

۳- د حلال کسب او کار لټول: د صنعت په کار کې بل شرط دا دی چې د کسبگر موخه او هدف به له صنعت څخه د حلال کسب او کار لټول وي، رسول الله صلی الله علیه وسلم په یو حدیث کې داسې فرمایي: «فَمَنْ يَأْخُذْ مَالًا بِحَقِّهِ يُبَارِكْ لَهُ فِيهِ ، وَمَنْ يَأْخُذْ مَالًا بِغَيْرِ حَقِّهِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يَشْبَعُ» (مسلم، ۱۰۵۲).. ژباړه: هر هغه څوک چې د خپل حق په اساس مال ترلاسه کړي، نو الله تعالی به ورته په دې مال کې برکت واچوي او څوک چې په نا حق مال ترلاسه کړي، نو دده مثال د هغه چا په څېر دی چې خوراک کوي او پرې نه مېرېږي. امام ابن حجر العسقلاني رحمه الله ددې حدیث په شرح کې داسې وایي: کوم کسبگر چې په حلاله توګه مال نه ګټي، نو ګټه به یې بې برکته وي او دا مال به پرې د قیامت په ورځ بوج وي (العسقلاني، ۱۳۷۹ ق، ج ۱۱ ص: ۲۴۹).

۴- د بیع او شرا متعلق شرعي احکامو پېژندنه: د صنعت په ډګر کې کسبگر ته په کار ده چې د بیع او شرا متعلق شرعي احکام وپېژني، عمر بن الخطاب رضي الله عنه فرمایي: «قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: لَا يَبِعُ فِي سَوْقِنَا إِلَّا مَنْ قَدْ تَفَقَّهَ فِي الدِّينِ» (الترمذي، ۱۹۹۶ م). ژباړه: زمونږ په ښار کې دې یوازې هغه څوک اخیستل او خرڅول وکړي چې په دین کې معلومات ولري. له همدې امله په ډېر شمېر دیني نصوصو کې دا خبره راغلې ده چې باید کسبگر شخص د بیع او شرا په شرعي احکامو ځان پوه کړي، تر څو په سود او نورو ناروا ګټو کې اخته نشي (قصار، ۲۰۱۱ م، ص: ۲۵).

۵- د تجارت د اصولو زده کړه کول: د صنعت په ډګر کې په کسبگر باندې لازمه ده چې د تجارت ټول اصول زده کړي، ابن خلدون رحمه الله وایي: «وَأَمَّا مَنْ كَانَ فَاقِدًا لِلْعِلْمِ بِالْتِجَارَةِ وَالصَّنَاعَةِ فَيَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَجَنَّبَ الْأَحْتِرَافَ بِالتِّجَارَةِ وَالصَّنَاعَةِ» (ابن خلدون، ۲۰۰۱ م، ج ۱ ص: ۴۹۵). ژباړه: څوک چې د تجارت او صنعت په اړه معلومات نلري، نو مناسبه خبره دا ده چې د تجارت او صنعت کار څخه ځان وساتي.

موندنې

ددې څېړنې لومړۍ موخه دا ده چې د ديني عالمانو له نظره د صنعتي پراختيا لپاره ديني لارښوونې و ارزول شي، نو مونږ د مرکو د دقيق تحليل او ارزونې څخه وروسته دې پايلې ته ورسيدو چې په اسلامي شريعت کې د صنعتي پراختيا لپاره ډېر شمېر ديني لارښوونې شته.

د صنعتي پراختيا په اړه ديني لارښوونې

په دې برخه کې څېړونکي د تېلو مرکو لپاره د ۶۰ تنو ديني علماؤ څخه د صنعتي پراختيا په اړه معلومات راټول کړي دي چې هغوی د شرعي نصوصو څخه په استفادې خپل دلايل ذکر کوي، د معلوماتو د تحليل څخه وروسته روښانه کېږي چې ډېر شمېر علماء کرام د قرآن کریم له دې آيت څخه استدلال کوي: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة ۲) ژباړه: کوم کارونه چې د نيکۍ او خداى پالنې دي په هغو کې له ټولو سره مرسته وکړئ او کوم کارونه چې د گناه او تيري وي په هغو کې د هېچا ملاتړ مه کوئ. علماء کرام ددې آيت څخه په استدلال وايي چې حلال تجارت، صنعت او کسب کول نيکي او په نيکۍ کې د يو بل سره مرسته کول الهي لارښوونه او امر دی. علماء کرام په دې نظر دي چې د صنعتي پراختيا لپاره ځينې ديني لارښوونې عملي کول اړين دي چې عبارت دي له: د کار او هڅو قدر کول، عدالت او شفافيت رامنځته کول چې ددې خبرې د ثبوت لپاره دا قرآني آيت د دليل په توگه ذکر کوي: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ (النساء ۵۸) ژباړه: مسلمانانو! الله تاسې ته حکم کوي چې امانتونه د هغو اهل ته وسپارئ، او کله چې د خلکو په مینځ کې فيصله کوئ نو په عدالت سره یې وکړئ، همدا راز ځينې علماء کرام بله لارښوونه د حلال او حرام تفکيف يادوي چې دا قول د الله تعالى د دليل په ډول ذکر کوي: ﴿وَاحْلُلْ لِّلّٰهِ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (البقرة ۲۷۵) ژباړه: الله تعالى تجارت حلال او سود حرام گرځولی دی. په دويم قدم کې روښانه کېږي چې د اسلامي اصولو په اساس په صنعت کې انصاف، صداقت او امانتداري رامنځته کېږي، علماء کرام ددې لپاره د ځينو لارو چارو يادونه کوي، لکه: د خلکو ترمنځ توپير نه کول، د کارکوونکو حقوقو ته درناوی کول، د شفافيت اصل ته نظر کول، د مالونو په سمه توگه کنترول او مديريت کول، ځينې علماء په دې گومان دي چې د متخصصو خلکو گومارنه اړينه ده، په دې هکله دوى د رسول الله صلى الله عليه وسلم هغه حديث ذکر کوي چې ابو ذر رضي الله عنه ته يې مسؤليت ونه سپارلو او هغه ته يې وويل چې ته ددې وړتيا نلري: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا تَسْتَعْمِلُنِي؟ قَالَ: فَضْرَبَ بِيَدِهِ عَلَىٰ مَنْكِبِي، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا

أَمَانَةٌ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا». (مسلم، ۱۸۲۵).
ژباړه: أبو ذر رضي الله عنه وايي چې ما رسول الله صلى الله عليه وسلم ته وويل چې ايا ماته كوم مسؤليت نه راكوي؟ هغه وايي چې رسول الله صلى الله عليه وسلم په اوږه باندې وار راکړ او بيا يې وويل: ای ابو ذره! ته کمزوری یې او دا امانت دی، او دا د قیامت په ورځ شرمنده گي او پښېمانتیا ده، مگر هغه چاته شرمنده گي او پښېمانتیا نه ده چې په ټولو شرایطو سره یې ترسره کړه. په درېیم قدم کې معلومېږي چې اسلامي اصول او لارښوونې د صنعت په ډگر کې د کارگرو حقوق تضمینوي، دیني عالمانو په دې هکله ډېر شمېر نظریات وړاندې کړي دي، ځینې دیني عالمان په دې نظر دي چې د کارگرو ترمنځ توپیر نه کول د کارگرو حقوق تضمینوي دوی ددې خبرې د ثبوت په موخه دا آیت په دلیل کې راوړي: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (النحل ۹۰) ژباړه: الله د عدل او ښېگڼې کولو حکم کوي. همدا راز ځینې دیني عالمان کارگرو ته په خپل وخت د معاش ورکولو خبره کوي چې د خپلې خبرې د ثبوت په موخه دا نبوي حدیث د دلیل په ډول ذکر کوي: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ». (سنن ابن ماجه، ۲۴۴۳) ژباړه: مزدور او کارگر ته د هغه مزدوري او معاش مخکې له دې ورکړئ چې خپلې خولې وچې کړي. همدا راز ځینې دیني عالمان په دې نظر دي چې د کارگرو د عزت ساتنه به کوي، همدا راز په چارو کې به ورسره مرسته کوي او دومره اندازه به یې مکلف کوي چې هغه یې توان ولري، ددې خبرې د ثبوت په موخه د رسول الله صلى الله عليه وسلم دا حدیث راوړي: «إِخْوَانُكُمْ حَوْكُمُ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ، فَمَنْ كَانَ أَحْوَهُ تَحْتَ يَدِهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ، وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ، وَلَا تَكْلَفُوهُمْ مَا يَغْلِبُهُمْ، فَإِنْ كَلَّفْتُمُوهُمْ فَأَعِينُوهُمْ». (صحيح البخاري، ۳۰) ژباړه: ستاسو وروڼه ستاسو خادمان دي، دوی الله تعالی ستاسو د لاسونو لاندې کړي دي، نو د چا چې د لاس لاندې کوم ورور وو، نو هغه خواره دې ورکړي چې دا یې خپله خوري، هغه جامه دې ورکړي چې دا یې خپله اغوندي، په داسې کار دې نه مکلف کوي چې هغه پرې بوج او ترې ونه شي وتلای، که چېرې مو په کوم دروند کار مکلف کړ، نو مرسته ورسره وکړئ. په څلورم قدم کې روښانه کېږي چې د صنعتي پراختیا لپاره اسلامي اخلاق ټولنیز عدالت او توازن رامنځته کوي، په دې کله دیني عالمان مختلف نظریات لري، یو شمېر دیني عالمان وايي چې اسلام یوازې فردي پرمختګ نه غواړي بلکې ټولنیز پرمختګ هم غواړي او ددې ټولنیز پرمختګ په هکله ډېر شمېر لارښوونې لري، دیني عالمان وايي چې اسلامي اخلاق د ټولنیز عدالت او اقتصادي توازن رامنځته کوي، ددې خبرې د ثبوت په موخه دا قرآني آیت ذکر کوي:

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾
(فصلت ۲۴) ژباړه: او ای پیغمبره! نیکي او بدې یو شاته نه دي ته د بدۍ مخنیوی په هغې نیکۍ سره وکړه چې هغه ډېره ښه وي ته به وگورې چې له تا سره چې د چا دښمني لوېدلې وه هغه دې لکه صمیمي دوست ګرځېدلی دی.

د همدې پایلې د پخلي لپاره لاندې نقل قولونو ته مراجع وکړئ:

۱. جدول د صنعتي پراختیا لپاره دیني لارښوونې

شمبره	نقل قول	ګډون کونکي
۱	((د صنعت پراختیا لپاره باید دا دیني لارښوونې عملي شي: عدل او انصاف څخه کار اخیستنه، صحت او پاکوالی، اخلاقي مسؤلیت ته جدي پاملرنه دلیل: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة ۲)).	۷
۲	((د اسلامي اصولو په اساس انصاف، صداقت او امانتداري په صنعت کې ددې لارو چارو په اساس رامنځته کېږي: د خلکو ترمنځ توپیر نه کول، د کارکوونکو حقوقو ته درناوی کول، د شفافیت اصل ته نظر کول، د مالونو په سمه توګه کنټرول او مدیریت کول...))	۱۲
۳	((په اسلام کې ډېر داسې اصول او لارښوونې شته چې د کارګرو حقوق تضمینوي، په خپل وخت معاش ورکول، په معاش کې تعادل ساتل، د کارګرو ترمنځ توپیر نه کول او داسې نور دلیل: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ)) (سنن ابن ماجه ۲۳۴۳).	۱۷
۴	((د صنعت پراختیا لپاره اسلامي اخلاق ټولنیز عدالت او اقتصادي تعادل رامنځته کوي دلیل: ﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت ۳۴)).	۳۲

ددې څېړنې دویمه موخه دا ده چې د صنعتي پراختیا په وړاندې شته ننگونې وارزول شي، نو مونږ د مرکو د دقیق تحلیل او ارزونې څخه وروسته دې پایلې ته ورسیدو چې د صنعتي پراختیا په وړاندې ځینې ننگونې او ستونزې شته.

د صنعتي پراختیا په وړاندې شته ننگونې

د دیني عالمانو د معلوماتو په اساس د صنعتي پراختیا په وړاندې ځینې ننگونې شته چې یو د هغې د جملې څخه د ربا (سود) شتون دی، دیني عالمان په دې نظر دي چې د صنعت په ډگر کې د ربا (سود) او حرامو کاروبارونو شتون د اسلامي اصولو سره مستقيماً ټکر لري او دا د صنعتي پراختیا مخنیوی کوي، په دې هکله دیني عالمان مختلف دیني نصوص ذکر کوي، الله تعالی فرمایي: ﴿وَاحْلُ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (البقرة ۲۷۵) ژباړه: الله تجارت روا او سود ناروا کړی دی. همدا راز ډېری دیني علماء د حرامو کاروبارونو د حرمت په هکله دا قرآني آیت د دلیل په ډول ذکر کوي: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ﴾ (الأعراف ۱۵۷) ژباړه: (نو نن دا رحمت د هغه چا په برخه دی) چې ددې نبي امی پیغمبر پېروي غوره کړي چې د هغه یادونه هغوی خپلې مخې ته په تورات او انجیل کې لیکلې مومي. هغه دوی ته د نیکی حکم ورکوي، له بدۍ نه یې منع کوي، ددوی لپاره پاک شیان حلال او ناپاکه شیان حراموي. دیني عالمان په دې نظر دي چې په ټولنه کې سودي معاملات او حرام کاروبارونه په ټولنه کې نابرابري رامنځته کوي، غریب لا پسې غریب کوي او مالدار نور هم شتمن کوي. په دویم قدم دیني عالمانو د صنعتي پراختیا په وړاندې ځینې خنډونه په گوته کړي دي، لکه غلا، رشوت، فساد او یا ځینې نورې درغلی چې ددې د رامنځته کېدلو لپاره یې ځینې خاص لاملونه په گوته کړي دي، ځینې دیني عالمان ددغې درغلیو او فسادونو د رامنځته کېدنې لامل دا بولي چې په لوړو موقعونو باندې ناوړه اشخاص وگمارل شي هغه چې د مزدور ارزښت نه پېژني او هغه چې د اسلامي اصولو په رڼا کې د صنعت په اهمیت نه پوهېږي، همدا راز ځینې دیني عالمان په دې نظر دي چې د صنعتي پراختیا په وړاندې بله لویه ننگونه کمزوری مدیریت او د حکومتدارۍ ضعف دی هغه چې په سمه توګه د اصولو او قوانینو تطبیق نشي کولی، ځینې عالمان په دې نظر دي چې د دین په اړه کمزوری فهم ددې لامل کېږي چې د صنعتي پراختیا په وړاندې ستونزې او خنډونه رامنځته شي. په درېیم قدم کې دیني عالمان په دې نظر دي چې د کارګرو حقوق نه تضمین کول د صنعتي پراختیا په وړاندې بل لوی خنډ دی او ددې خنډ د رامنځته کېدلو لپاره خاص لاملونه شته چې

عبارت دي له: په لوړو موقفونو د ناوړه او کمزورو خلکو توظيف کول، د نظارت کمښت، د اسلامي اصولو نه رعايت کول، د کارگرانو د اتحاديې نشتون، د ادارو فاسد سسټيمونه، د کاري فرصتونو کمښت، کمزوری اقتصادي حالت او داسې نور.

د همدې پايلې د پخلي لپاره لاندې نقل قولونو ته مراجع وکړئ:

۱. جدول د صنعتي پراختيا په وړاندې شته ننگونې

شمېره	نقل قول	گډون کونکي
۱	((د صنعتي پراختيا په وړاندې ډېر شمېر ننگونې شته چې د هغې له امله صنعت ټکنی کېږي، د هغې د جملې څخه د سود او حرامو کاروبارونو شتون دی، هغه چې اسلامي شريعت د هغې څخه په کلکه منع کوي، الله تعالی فرمايي: «وَاحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» . (البقره ۲۷۵).	۳۶
۲	((د صنعتي پراختيا په وړاندې مختلفې ننگونې موجودې دي چې ځينې يې دا دي: غلا، فساد، رشوت، خيانت، چې دا د مختلفو لارو چارو څخه رامنځته کېږي، لکه کمزوری مدیریت، اسلامي اصولو ته نه پابندي، د اقتصادي ستونزو ډېرښت، بې باوري، کمزوری مدیریت وغيره...))	۳۹
۳	((د صنعتي پراختيا په وړاندې لوی خنډ او ننگونه دا گڼل کېږي چې د کارگرو حقوق تضمین نشي، دا ددې لامل کېږي چې کارگر په خپل کار کې اخلاص ونکړي او په دې ډول په ټول صنعتي کاروبار کې بې باوري رامنځته کېږي))	۴۰
۴	((د صنعتي پراختيا په وړاندې ډېرې ننگونې شته چې لوی لامل يې د ټولنيز عدالت نه شتون گڼلی شو، همدا راز د کارگرو ترمنځ د تعادل نه ساتل هم لوی خنډ دی...))	۴۲

ددې څېړنې درېیمه موخه دا ده چې د صنعتي پراختیا په وړاندې د شته ننگونو حللارې و ارزول شي، نو مونږ د مرکو د دقیق تحلیل او ارزونې څخه وروسته دې پایلې ته ورسیدو چې د صنعتي پراختیا په وړاندې شته ننگونې او ستونزې ځینې حللارې لري.

د صنعتي پراختیا په وړاندې د شته ننگونو حل لارې

د دیني عالمانو د باور او معلوماتو په اساس د صنعتي پراختیا په وړاندې شته ننگونې خپلې ځانگړې حللارې لري، دوی په دې باور دي چې سودي معاملات او حرام کاروبارونه یوه لویه ننگونه ده چې حللاره یې داسې کېدای شي چې د شریعت په وړاندې یې بد عواقب بیان شي، همدا راز ټولنې ته یې ناوړه اغېزې روښانه شي او د مختلفو مجالسو، خطبو، ورکشاپونو او سیمینارونو په اساس عامه پوهاوی ترسره شي، ځینې عالمان یې دا حللاره گڼي چې داسې اصول او مقررات رامنځته شي چې سودي معاملاتو او کاروبارونو ته پکې ځای پاتې نشي، همدا راز دې ډول سرغړونکو خلکو ته مجازات وټاکل شي.

په دویم قدم کې دیني عالمان په دې نظر دي چې غلا، فساد، خیانت، رشوت او ځینې نورې درغلۍ د صنعتي پراختیا په وړاندې لویې ننگونې دي په همدې اساس لازمه ده چې د یادو بدو کړنو بدې خلکو ته بیان شي، همدا راز ځینې عالمان په دې نظر دي چې د فساد په وړاندې باید قوانین او مقررات رامنځته او په جدي توگه تعقیب شي، همدا راز د غیر مشروع تولیداتو مخنیوی وشي، ځینې دیني عالمان ددې ننگونې په وړاندې ښه حللاره عامه پوهاوی او مجازاتي برخورد گڼي، ځینې دیني عالمان په دې نظر دي چې د صنعتي پراختیا په ډگر کې دغه ننگونې په داسې توگه حللاره لري چې کارگرو حقوق تضمین، معاشات ورته لوړ او په سمه توگه یې څارنه ترسره شي، همدا راز د کارگرو په انتخاب کې له دقت کار واخیستل شي، تر څو داسې کسان انتخاب شي چې په کړنو یې صنعتي پراختیا کې خنډونه رامنځته نکړي. په درېیم قدم کې دیني عالمان د صنعتي پراختیا په وړاندې لویه ننگونه او خنډ د کارگرو د حقوقو نه تضمین یادوي او ددې لپاره لازمي حللارې وړاندې کوي چې عبارت دي له: یو شمېر عالمان په دې آند دي چې د یو هر اړخیزه قانون موجودیت، حق حقدار ته سپارل، د قانون نظارت ترسره کول د کارگرو حقوق تضمینوي، دوی د خپلې د خبرې د ثبوت په موخه دا قرآني لارښوونه ذکر کوي: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (النساء ۵۸) ژباړه: الله تعالی تاسو ته امر کوي چې امانتونه (حقونه) خپلو حقدارانو ته وروسپارئ. ځینې عالمان په دې نظر دي چې په عادلانه توگه د مزدورۍ ورکول، په لوړو موقفونو اهل خلک گومارل هغه چې د کارگر اهمیت ورسره

وي ددې لامل کېږي چې د کارگرو حقوق ورسره تضمين شي، يو شمېر نور ديني عالمان په دې نظر دي چې ټولنيز مسؤليت په نظر کې ساتل، د کارگرو فزيکي او ذهني روغتيا ته پاملرنه او د اسلامي شريعت په اساس قراردادونه ددې لامل کېږي چې د کارگرو حقوق تضمين شي هغه چې په صنعتي ډگر کې يې عملي کول ډېر اړين دي.

د همدې پايلې د پخلي لپاره لاندې نقل قولونو ته مراجع وکړئ:

۱. جدول د صنعتي پراختيا په وړاندې د شته ننگونو حللارې

شمبره	نقل قول	گډون کونکي
۱	((د صنعتي پراختيا په وړاندې ډېر شمېر ننگونې موجودې دي چې د هغې لپاره مختلفې حللارې هم شته، مثلاً سودي کاروبارونه لويه ننگونه ده؛ خو حللاره دا ده چې بديل حلالو کاروبارونو باندې تکيه وشي، همدا راز ټولنې ته بايد د سود او حرامو کاروبارونو بدي بيان شي. . .))	۴۷
۲	((د صنعتي پراختيا په وړاندې د پرتو ننگونو د جملې څخه غلا، فساد، خيانت او نورې درغلۍ دي چې ددې لپاره مختلفې حللارې شته لکه: اسلامي ټولنې ته ددې درغليو او خيانتونو بد عواقب او نتيجې بيانول، د يو بې پرې قانون ايجادول او په سيستم کې د شفافيت رامنځته کول.	۵۱
۳	((د صنعتي پراختيا په وړاندې لوی خنډ او ننگونه دا گڼل کېږي چې د کارگرو حقوق تضمين نشي، ددې ننگونې ځينې حللارې شته، چې عبارت دي له: د کارگرو د حقوقو په اړه اصولنامه رامنځته کول، د دولتونو توجه کول، کوم اشخاص چې د کاگرو حقوق پايمال کوي د هغوی مجازات کول. ((	۵۵
۴	((د صنعتي پراختيا په وړاندې د شته خنډونو د جملې څخه لوی لامل د ټولنيز عدالت نشتون دی چې حللاره يې دا ده چې د اسلامي شريعت په رڼا کې هر شخص ته يې خپل حق ورکړل شي، په دې هکله قرآني لارښوونه او امر داسې دي: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾. (النساء ۵۸).	۵۸

پایله

د څېړنې پای کې دا روښانه کېږي چې صنعتي پراختیا د اسلامي اصولو پر بنسټ نه یوازې مشروع ده، بلکې د ټولنیز عدالت، اقتصادي پرمختګ، او د ټولنې د هوساینې لپاره هم ضروري ګڼل کېږي. د قرآن کریم او نبوي احادیثو لارښوونې د صنعتي پراختیا لپاره اساسي اصول وړاندې کوي، چې د عدل، امانت، صداقت، او د کارګرو د حقوقو ساتنې ته ځانګړې پاملرنه لري. همداراز، د صنعتي پراختیا په وړاندې شته ستونزې، لکه سود، فساد، او د کارګرو حقوقو نقض، د اسلامي احکامو په رڼا کې حل کېدای شي. د صنعتي پرمختګ لپاره د اسلامي اصولو تطبیق ضروري دی، چې پکې د شفافیت، د حلال او حرام تفکیک، د اداري فساد مخنیوی، او د کارګرو حقوقو ساتنه شامل دي. څېړنه دا هم ښيي چې که اسلامي اصول په سمه توګه پلي شي، نو نه یوازې صنعتي وده به یقیني شي، بلکې د ټولنیز عدالت او اقتصادي توازن رامنځته کېدل به هم یقیني شي. په آخر کې اسلامي شریعت د صنعتي پراختیا لپاره د یوه متوازن او عدالت محوره چوکاټ وړاندیز کوي، چې د اقتصادي پرمختګ تر څنګ د ټولنې سوکالي او د اخلاقي ارزښتونو د ساتنې تضمین هم برابر وي، د لوړو زده کړو وزارت ته وړاندیز کېږي چې د صنعت په هکله مختلف کانفرانسونه دائر او پایلې یې له اړونده ادارو سره شریکې کړي.

وړاندیزونه

- ددې څېړنې وروسته یو شمېر لازم وړاندیزونه په لاندې کړښو کې ذکر کېږي:
- ۱- د افغانستان اسلامي امارت ته وړاندیز کېږي چې د صنعت په ډګر کې شته ستونزې رابرسېره او هغې ته لازمي حللارې پیدا کړي.
 - ۲- د لوړو زده کړو محترم وزارت ته وړاندیز کېږي چې د صنعت په هکله مختلف کانفرانسونه دائر کړي او نتیجې یې له اړونده ادارو سره شریکې کړي.
 - ۳- دیني عالمانو، استادانو او څېړونکو ته وړاندیز کېږي چې د صنعت په هکله مختلفې څېړنې ترسره او پایلې یې له ذي ربطه ادارو سره شریکې کړي.
 - ۴- د ټولنې وګړو ته وړاندیز کېږي چې د صنعت په ډګر کې باید د اسلامي شریعت په رڼا کې اخلاقي لارښوونې په پام کې ونیسي.

مناقشه

د پورته څېړنې مناقشه د لاندې ټکو په اساس ترسره کېږي:

د پورته بحث او څېړنې څخه وروسته روښانه کېږي چې صنعتي پراختیا د اسلامي اصولو له نظره نه یوازې جواز لري، بلکې د اسلام د ټولنیز عدالت، اقتصادي توازن، او د خلکو د هوساینې یوه مهمه برخه ګڼل کېږي. د دیني عالمانو له نظره د صنعتي پراختیا لپاره د اسلامي شریعت مختلفې لارښوونې شته، چې نه یوازې مشروعیت ورکوي بلکې د هغې پرمختګ ته زمینه هم برابروي. له بلې خوا د صنعتي پراختیا په وړاندې ځینې ننگونې هم شته، چې د اسلامي احکامو له نظره باید ورته حللارې وموندل شي.

۱. د اسلامي لارښوونو تحلیل

په دې څېړنه کې روښانه کېږي چې اسلامي شریعت د صنعتي پراختیا لپاره ځانګړي اصول ټاکلي دي. له قرآنکریم او نبوي احادیثو څخه اخذ شوي اصول لکه حلال کسب، عدل، امانتداری، صداقت، شفافیت، او د کارګرو حقوق د صنعتي پراختیا د بنسټونو په توګه وړاندې شوي دي. د ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة ۲) آیت د دې ثبوت وړاندې کوي چې د مشروع او ګټور صنعت رامنځته کول یو دیني اصل دی. سربېره پر دې، ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ (النساء ۵۸) آیت ښيي چې صنعتي پراختیا باید د عدل او امانت پر بنسټ وي.

۲. د اسلامي اصولو تطبیق او د صنعت وده

په دې څېړنه کې روښانه کېږي چې د صنعتي پراختیا لپاره باید عملي دیني اصول په پام کې ونیول شي، لکه:

- د کار او هڅې ستاینه: د کسب حلالوالی او د صادقانه کار ارزښت د اسلام له اساسي اصولو څخه دي.

- د حلال او حرام تفکیک کول "﴿وَاحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (البقرة ۲۷۵) د مشروع اقتصاد لپاره یو مهم اصل بیانوي.

- د کارګرو حقوق "أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ" (سنن ابن ماجه، ۲۴۴۳) حدیث د کارګرو د حقونو د تضمین لپاره مهمه دیني لارښوونه ده.

• **مدیریتي اصول:** د متخصصو خلکو گمارنه د صنعتي پراختیا لپاره مهم اصل ګڼل شوی، لکه څرنګه چې رسول الله صلی الله علیه وسلم ابو ذر ته وویل چې مسؤلیت یو امانت دی او ته ورته وړ نه یې.

۳. د صنعتي پراختیا ننگونې او لازمي حللارې

د څېړنې دویمه برخه د صنعتي پراختیا په وړاندې شته ننگونو ته ځانګړې شوې ده، چې مهمې ستونزې یې د سود شتون، د حرامو کاروبارونو موجودیت، کمزوری مدیریت، فساد، رشوت، او د کارګرو د حقوقو نه رعایت کول دي. دیني عالمان دا ستونزې د اسلامي اصولو په رڼا کې ارزوي او لازمي حللارې وړاندې کوي:

• **د سود او حرامو کاروبارونو مخنیوی:** د ﴿وَاحْلَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (البقره ۲۷۵) آیت په صراحت سره د سود حراموالی بیانوي.

• **د اداري فساد مخنیوی:** د عدل، امانتدارۍ او شفافیت اصول د فساد د مخنیوي لپاره مهم ګڼل شوي.

• **د کارګرو د حقوقو تأمین:** د کارګرو د حقوقو نه تضمین د صنعتي ودې یو لوی خنډ دی، چې اسلامي لارښوونې یې د حل لپاره ځانګړي اصول وړاندې کوي.

• **اقتصادي عدالت:** د ټولنیز عدالت نشتوالی د اقتصادي ودې مانع ګڼل شوی، او "إِخْوَانُكُمْ خَوَلُكُمْ..." حدیث د اقتصادي عدالت او کارګرو د عزت ساتنې اړوند مهمه دیني لارښوونه ده.

دا روښانه کېږي چې اسلامي شریعت د صنعتي پراختیا لپاره نه یوازې اصول وړاندې کړي، بلکې د هغې د ودې لپاره عملي حللارې هم لري، د صنعتي پراختیا لپاره د اسلامي اخلاقو پلي کول، د کارګرو د حقوقو ساتنه، د عدل، شفافیت او صداقت اصول رعایتول او د سود، فساد، او حرامو کاروبارونو مخنیوی د صنعتي پرمختګ د تضمین لپاره ضروري دي. څېړنه دا هم ښيي چې که اسلامي اصول په سمه توګه پلي شي، نو نه یوازې صنعتي وده به یقیني شي، بلکې د ټولنیز عدالت او اقتصادي توازن رامنځته کېدل به هم ورسره یقیني شي.

القرآن الكريم

الحيارى، إيمان، (٢٠٢١ م)، مفهوم الصناعة وتطورها، مجلة الأسوة الحسنة جامعة طبرس ماليزيا.
ابن عاشور، محمد طاهر بن عاشور، (٢٠٠٧ م) التحرير والتنوير الناشر: دار التونسية للنشر، قسم تفسير القرآن الكريم

رقية فاضل، (٢٠١٨ م)، الصناعة و دورها في الحضارة مجلة دائرة النفيس، جامعة لبنان.

الطبراني، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، (١٩٩٥ م) المعجم الأوسط، الطبعة الثانية، الناشر: دار الحرمين - القاهرة

البيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي، (١٤٢٤ ق) السنن الكبرى، الطبعة الثالثة، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان،

العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر (١٣٧٩ ق)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة، بيروت، لبنان.

الترمذي، أبو عيسى محمد بن عيسى، (١٩٩٦ م)، الجامع الكبير (سنن الترمذي)، الطبعة الأولى، الناشر: دار الغرب الاسلامي، بيروت.

پوهنيار عبدالسميع سعيد

ابن خلدون، لعلامة ولي الدين عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، (٢٠٠١ م)، مقدمة ابن خلدون الناشر:
دار الفكر العربي، بيروت.
عويس، دكتور عبدالحليم، (٢٠١٩ م)، الحرف والصناعات في عصر الرسول، مجلة البحوث
والدراسات السرجاني.

بررسی تنش های آب های فرامرزی افغانستان در راستای توسعه پایدار این کشور

پوهنیار غلام حسین فایق^{۱*}، پوهنیار مونس اکبری^۲

۱. دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین الملل، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول - ایمیل: ghulamhassanfaiq2@gmail.com

چکیده

آب های فرامرزی افغانستان همواره زمینه ساز تنش میان افغانستان و کشورهای همسایه آن بوده است که این تنش ها، با ایجاد اثرات منفی، در عرصه های که پایه های اساسی توسعه پایدار را تشکیل می دهد، به شکل موانع فراه راه توسعه پایدار در افغانستان واقع گردیده است که بررسی همه جانبه آن ایجاب تحقیق علمی را می نماید. بنابر این، درک پیامدهای منفی این تنش ها و نقش آن به عنوان یک چالش در راستای توسعه پایدار این کشور، هدف تحقیق را تشکیل می دهد. جمع آوری معلومات این پژوهش به روش کیفی، نوع کتابخانه ای انجام یافته و با استفاده از روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل گردیده است. چنین نتیجه گیری می گردد که تنش های ناشی از آب های فرامرزی افغانستان بر توسعه پایدار این کشور دارای پیامدهای منفی ناگوار بوده و به عنوان یک مانع اساسی در راستای توسعه و پیشرفت این کشور عمل نموده است. تأثیرات منفی این تنش ها در بخش های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی و محیط زیستی اثرات مخرب داشته است که وجود مشکلات در هریک از این بخش ها به عنوان شاخص های اساسی توسعه پایدار، سبب ایجاد موانع در راه تحقق توسعه پایدار افغانستان گردیده است. نتایج متوقعه تحقیق این است که اثرات منفی تنش های ناشی از آب های فرامرزی، بر توسعه پایدار افغانستان بیشتر بوده و حل تنش های موجود می تواند در تحقق توسعه پایدار این کشور کمک نماید.

واژه های کلیدی: افغانستان، آب های فرامرزی، توسعه پایدار، تنش ها، تأثیرات.

Investigation of Transboundary Water Tensions in Afghanistan in the Context of Sustainable Development

Teaching Assistant Ghulam Hassan Faiq^{1*}, Teaching Mones Akbari²

1. Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University

* Corresponding Author Email: ghulamhassanfaiq2@gmail.com

Abstract

Transboundary waters in Afghanistan have always been a source of tension between Afghanistan and its neighboring countries. These tensions, with their negative effects, have manifested as obstacles to sustainable development in Afghanistan, while at the same time, they have also acted as opportunities that require comprehensive scientific investigation. Therefore, understanding the positive and negative consequences of these tensions and their role as either opportunities or challenges in the context of sustainable development in this country constitutes the objective of this research. The data collection for this study was conducted qualitatively through library research and analyzed using content analysis methods. It is concluded that the tensions arising from transboundary waters have impacted sustainable development in Afghanistan both positively and negatively. On the negative side, the effects of these tensions have been destructive in economic, social, security, political, and environmental sectors, with problems in each of these areas serving as fundamental indicators of sustainable development, thereby creating obstacles to achieving sustainable development in Afghanistan. Conversely, on the positive side, these tensions have facilitated regional cooperation, served as a tool for achieving external goals, increased national awareness, and led to investments in infrastructure. The expected results of the research indicate that the negative effects of tensions arising from transboundary waters on sustainable development in Afghanistan are more significant, and resolving the existing tensions could contribute to the realization of sustainable development in the country.

Keywords: Afghanistan, transboundary waters, sustainable development, tensions, impacts.

مقدمه

آب‌های فرامرزی افغانستان با وجود اینکه نقش حیاتی در توسعه این کشور دارد، همواره زمینه‌ساز اختلافاتی میان این کشور و کشورهای همسایه بوده است. در این میان، بیشترین تنش‌های آبی افغانستان با کشور ایران در مورد حقابه رود هلمند می‌باشد. هم‌چنین، حوزه آبی کابل همواره باعث تیره شدن روابط افغانستان با پاکستان گردیده است. علاوه بر این، ساخت بندهای آب‌گردان در مسیر دریای آمو و هریرود، زمینه‌ساز تنش‌های بالقوه میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی شده است. این تنش‌ها از جهات مختلف بر توسعه و پیشرفت افغانستان تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین، بررسی ابعاد منفی پیامدهای ناشی از تنش‌های آب‌های فرامرزی افغانستان بر توسعه پایدار این کشور نیاز به تحقیق علمی و همه‌جانبه دارد.

لذا تحقیق و بررسی همه‌جانبه‌ای در مورد نقش این تضادها در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و امنیتی کشور، در ابعاد منفی و پیوند آن با توسعه پایدار افغانستان حائز اهمیت است. شناسایی این تنش‌ها به عنوان چالش در راستای توسعه پایدار این کشور ضروری بوده و می‌تواند به این پرسش اساسی پاسخ دهد که تنش‌های ناشی از آب‌های فرامرزی به عنوان موانع در توسعه پایدار افغانستان چه میزان نقش دارند. در نتیجه، متولیان امور می‌توانند این موضوع را در روند تحقق توسعه پایدار کشور مد نظر قرار دهند. هم‌چنین، تحقیق حاضر به اندوخته‌های علمی متخصصین امور اقتصادی و سیاسی نیز می‌افزاید.

در مورد چگونگی تحقیقات قبلی باید اذعان کرد که تا جایی که ملاحظه گردید، تحقیقات انجام شده قبلی در پیوند به مسائل آب‌های فرامرزی کشور بیشتر به نقش تنش‌ها بر سایر موارد غیر از توسعه پایدار افغانستان پرداخته‌اند. بنابراین، در تحقیق حاضر تلاش شده است تا پیامدهای منفی تنش‌های آب‌های فرامرزی افغانستان بر توسعه پایدار این کشور شناسایی و به عنوان یک عامل بنیادی در پیشرفت و توسعه کشور برای کارگزاران امور پیشنهاد گردد.

از این رو، چنین سوالی مطرح می‌شود که تنش‌های ناشی از آب‌های فرامرزی افغانستان بر توسعه پایدار این کشور چه تأثیرات منفی داشته‌اند؟ تنش‌های آب‌های فرامرزی افغانستان به عنوان یک متغیر مستقل به گونه‌ای منفی بر توسعه پایدار این کشور به عنوان متغیر وابسته تأثیر اساسی داشته و در اکثر موارد به عنوان موانع در روند تحقق توسعه پایدار عمل کرده‌اند. بررسی و شناسایی دقیق و همه‌جانبه پیامدها و اثرات تنش‌ها و تضادهای ناشی از آب‌های فرامرزی افغانستان با همسایگان، هدف اساسی

پوهنیار غلام حسین فایق

این تحقیق را تشکیل می‌دهد. همچنین، تحقیق به تشخیص سطح تنش‌ها میان افغانستان و همسایگان آن در مورد استفاده از آب‌های فرامرزی و برجسته‌سازی جایگاه منابع آبی افغانستان به عنوان یک عامل اساسی در توسعه پایدار این کشور نیز پرداخته است.

ادبیات تحقیق

درباره نقش تنش‌های آب‌های فرامرزی افغانستان بر توسعه پایدار این کشور، پژوهشی که ارتباط مستقیمی با موضوع تحقیق حاضر داشته باشد، مشاهده نشد. با این حال، پژوهش‌های محدودی به صورت غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

در کتابی تحت عنوان "په افغانستان کی روانی اوبه او ده هغوسرچینی" به نگارش نادری (۱۳۷۷ ه. ش)، به معرفی حوزه‌های آبی فرامرزی افغانستان پرداخته شده و از نبود توافق‌نامه‌های مشخص که همواره منجر به تنش و منازعه گردیده، توضیح داده شده است. کتاب دیگری تحت عنوان "آب عرصه تقابل منافع افغانستان با همسایه‌گان" به نگارش فهیم (۱۳۹۲ ه. ش) به بررسی برخورداری افغانستان از مزیت نسبی در داشتن منابع آبی پرداخته و از آب به عنوان یک اهرم نفوذ افغانستان در کشورهای همسایه یاد کرده است. همچنین، نویسنده توضیح داده که چگونه وابستگی کشورهای همسایه باعث تنش و تضاد میان افغانستان و همسایه‌گان شده است.

کتاب دیگری تحت عنوان "ابعاد سیاسی و امنیتی بحران آب در خاورمیانه" به نگارش افغانی (۱۳۷۸ ه. ش) نیز به بررسی این موضوع پرداخته که چگونه کمبود منابع آب باعث تشدید بحران میان کشورها می‌گردد، اما از پیامدهای آن بر توسعه پایدار افغانستان بحث نشده است. علاوه بر آن، اثر علمی دیگری تحت عنوان "آب و امنیت بین‌الملل" که توسط محسن جت ساز نگاشته شده، نگاهی به نقش آب در به وجود آوردن بحران داشته و توضیح داده است که عواملی مانند کمبود منابع آب، مصرف بی‌رویه آب، ضعف مدیریتی و تهدیدات امنیتی باعث شکل‌گیری بحران آب می‌گردند. همچنین، کتاب دیگری تحت عنوان "آب، مدیریت و مشارکت" به نگارش هوتکی (۱۳۹۶ ه. ش) به مسایل نقش امنیت آب در تأمین ثبات دولت‌ها به عنوان یک فاکتور مؤثر پرداخته است.

موارد یادشده نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌های مورد بررسی، صرفاً به تنش‌های ناشی از آب‌های فرامرزی در روابط افغانستان و کشورهای همسایه پرداخته‌اند؛ اما در این مقاله، ضمن توصیف تنش‌های موجود، به بررسی نقش و تأثیرات تنش‌های ناشی از آب‌های فرامرزی بر توسعه پایدار افغانستان نیز پرداخته شده است.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر، برای جمع آوری داده‌ها از روش تحقیق کیفی که در برگزیده نوع روش کتاب-خانه‌ای می‌باشد استفاده صورت گرفته است و تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نیز با استفاده از روش تحلیل نظری و تحلیل محتوای موضوع محور انجام شده است. همچنان در ارائه نتایج تحقیق از روش‌های استنباط و نتیجه‌گیری استفاده صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

۱. آب‌های فرامرزی افغانستان

آب قابل استحصال سالانه در افغانستان حدود ۷۵ میلیارد مترمکعب می‌باشد که ۵۷ میلیارد متر مکعب آن را آب‌های سطحی و ۱۸ میلیارد مترمکعب آن را آب‌های زیرزمینی تشکیل می‌دهد. افغانستان حدود ۲۳ میلیارد متر مکعب آب را در خود این کشور استفاده کرده و مابقی حدود ۵۲ میلیارد متر مکعب آن به کشورهای همجوار سرازیر می‌شود (نبوی، ۱۳۹۹: ۳). از مجموع مقدار (۹,۳) میلیارد مترمکعب آب، سالانه دریای هلمند مقدار (یک میلیارد و ششصد میلیون) مترمکعب آب آن به خاک ایران میریزد، از مجموع مقدار (۳,۰۶) میلیارد مترمکعب آب سالانه، دریای هریرو، مقدار (هشتصد و بیست میلیون) مترمکعب آب آن به طرف ایران و ترکمنستان جریان دارد، از مجموع مقدار (۲۱۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰) مترمکعب آب سالانه، دریای کابل، مقدار (چهارمیلیارد و سه صد و سی میلیون) مترمکعب آب آن به داخل خاک پاکستان می‌ریزد و از مقدار (۴۸,۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰) مترمکعب آب دریای آمو، مقدار (سه میلیارد و هشتصد و چهل و نه میلیون و ششصد هزار) مترمکعب آب آن بطرف کشورهای آسیای مرکزی سرازیر می‌شود (آریوبی، ۱۳۹۶: ۱۸-۳۰). بناً گفته می‌توانیم که افغانستان در شرایط موجود تنها توان استفاده از ۲۵ تا ۳۰ درصد آب‌های خود را دارد. افغانستان دارای چهار حوزه آبی فرامرزی بوده است (۱۳۹۵: ۴). از این میان رودخانه آمو میان افغانستان و کشورهای آسیای میانه، رودخانه کابل میان افغانستان و پاکستان و رودخانه‌های هریرو و هیرمند بین افغانستان و ایران مشترک اند (نبوی، ۱۳۹۹: ۵-۶).

۲. سطح تنش‌های ناشی از آب‌های فرامرزی میان افغانستان و همسایه‌گان

موضوع استفاده از آب‌های مشترک در روابط افغانستان و همسایه‌گان آن یک موضوع جنجال‌برانگیز بوده و سایه آن در طی سال‌های طولانی، روابط این کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. مناسبات

آبی ایران و افغانستان در بهره‌برداری مشترک از آب‌های فرامرزی، فراز و فرودهای فراوانی داشته است. در شرایط کنونی، روابط طرفین بر سر بهره‌برداری منصفانه از آب‌های مشترک، نه در شرایط همکاری و نه در شرایط تنش شدید قرار دارد. اما برخی اقدامات دولت افغانستان در استفاده از حقابه خود در بالادست این رودخانه‌ها و وابستگی شدید ایران به این آب‌ها، باعث بروز تنش‌های جدی میان دو کشور شده است (لطفی، ۱۳۹۴: ۱۰-۱۱).

حوضه رودخانه کابل یکی دیگر از حوضه‌های تنش‌زا میان افغانستان و پاکستان است. دیدگاه غالب در افغانستان این است که این کشور از حق حاکمیتی برای استفاده از آب موجود در قلمرو خود، مطابق با حاکمیت ملی‌اش برخوردار است؛ اما پاکستان معتقد است که حق استفاده تاریخی خود از آب را با استفاده از اصل «یکپارچگی رودخانه» دارد و حق افغانستان را برای استفاده از آب‌های خودش نمی‌پذیرد. با این حال، هیچ راه‌حلی برای دستیابی به همکاری در مورد آب‌های فرامرزی وجود ندارد و این امر به دشمنی میان دو کشوری که از قبل مشکلات فراوانی دارند، می‌افزاید؛ تا حدی که پاکستان، سدسازی بالای دریای کابل توسط افغانستان را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌خواند. همچنین، دولت افغانستان تهدیدات امنیتی در خاک خود را مرتبط با موضوع آب دانسته و به پاکستان نسبت می‌دهد (هوتکی، ۱۳۹۶: ۲۹-۳۰).

در حوضه آمودریا، رقابت برای آب میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی با سرعت نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است. افزایش تقاضا برای آب در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و تلاش‌ها برای بازسازی در افغانستان، اکنون فشار بیشتری بر منابع آب آمو وارد کرده است. این فشار بیشتر بر منابع آب جهت مصرف، سبب به وجود آمدن چرخه‌ای از اختلافات بین کشورهای پایین‌دست آسیای مرکزی و کشور بالادست یعنی افغانستان بر سر آمودریا شده است و چشم‌انداز آینده آن نشان‌دهنده یک اختلاف بالقوه میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد (عظیمی، ۱۳۸۵: ۲۹۰).

با توجه به عمق تنش‌های ناشی از آب‌های فرامرزی میان افغانستان و کشورهای همسایه و پیامدهای آن برای توسعه پایدار افغانستان، ایجاب می‌کند تا ابعاد مختلف این تضادها را در مورد هر یک از حوزه‌های آبی مشترک بیشتر توضیح دهیم.

۱.۲. سطح تضادها در مورد استفاده از آب دریای هلمند و هریود میان افغانستان و ایران

ایران و افغانستان سال‌هاست که بر سر میزان آب مورد استفاده طرفین از رودخانه‌های هیرمند و هریرود دچار اختلافات اساسی هستند. سابقه اختلافات آبی ایران و افغانستان در مورد هیرمند بسیار طولانی است؛ با اجرای «حکمت گلداسمیت» در سال ۱۸۷۲ میلادی مبنی بر تعیین مرز ایران و افغانستان در دلتای رودخانه هیرمند، اختلافات مربوط به چگونگی استفاده از آب هیرمند نیز شکل گرفت. به رغم اعمال حکمت‌های حقوقی و انعقاد قراردادهای مختلف، به دلیل بروز علل طبیعی، انسانی و سیاسی، اختلاف نظر دو کشور بر سر میزان برداشت آب این رودخانه ادامه پیدا کرد. تا اینکه در پی مذاکرات بین امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر وقت ایران، و موسی شفیق، نخست‌وزیر افغانستان، معاهده‌ای در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی تنظیم شد که بر اساس آن، آب باید همواره جریان داشته و در هر ثانیه ۲۶ مترمکعب آب سهم سیستان و دریاچه هامون باشد. اما احداث سد کمال خان بر روی رودخانه هیرمند دوباره باعث تنش گردید.

سابقه اختلاف ایران و افغانستان بر سر «هریرود» نیز کمتر از رود هیرمند نیست. با این حال، در زمینه بهره‌برداری از هریرود، معاهده‌ای بین ایران و افغانستان منعقد نشده است. همچنین، احداث بند «دوستی» توسط ایران و ترکمنستان و احداث بند سلما توسط افغانستان بر روی دریای هریرود این اختلافات را تشدید کرده است (سینایی، ۱۳۹۷: ۷۷-۷۸).

۲.۲. سطح تضادها در مورد استفاده از آب دریای کابل، میان افغانستان و پاکستان

مسیر هشتاد ساله روابط افغانستان و پاکستان همواره پُر تنش بوده است، که بهره‌برداری از آب‌های مشترک و عدم توافق‌نامه مشخص بر دامنه این تنش‌ها افزوده است. آب رودخانه کابل نقش اساسی در حیات میلیون‌ها خانواده در ایالات سیستان و خیبرپختونخواه دارد؛ با این حال، بین افغانستان و پاکستان هیچ توافق رسمی برای مدیریت آب‌های مشترک وجود ندارد که این خلأ قانونی از بدو تأسیس پاکستان تا کنون باعث اختلاف در مورد استفاده از آب‌های مشترک گردیده است. در سال ۲۰۰۶، این دو کشور با میانجی‌گری بانک جهانی مذاکراتی را برای تهیه پیش‌نویس یک معاهده دو جانبه آغاز کردند که ناکام ماند. اعمار سدهای «شاه و عروس» و «شاه توت» در حقیقت منبع اختلاف آبی افغانستان با پاکستان هستند. مقام‌های پاکستانی این سدسازی‌ها را یک سیاست تهاجمی می‌دانند که توسط هند، «دشمن دیرینه پاکستان»، طرح‌ریزی شده است. همچنین، ساخت بند آب «داسو» بر شاخه دریای کابل توسط پاکستان، بدون مشورت و ارزیابی افغانستان به عنوان کشور بالادست، نقض قوانین بین‌المللی پنداشته شده و به اختلافات میان افغانستان و پاکستان افزوده است.

پوهنیار غلام حسین فایق

۳،۲. سطح تضادها در مورد اسفاده از آب دریای آمو میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی رودخانه آمو بخشی از خط مرزی افغانستان با تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد. این سه کشور مستقیماً از استفاده آب در افغانستان تأثیر می‌پذیرند. مهم‌ترین توافق‌نامه تقسیم آب میان کشورهای آسیای مرکزی، توافق‌نامه آلماتی است که در سال ۱۹۹۲ و پس از استقلال این جمهوری‌ها به امضاء رسید؛ اما افغانستان در این توافق‌نامه عضو نبوده و تقریباً نادیده گرفته شده است. این موضوع در حقیقت زمینه‌ساز اختلاف در مورد استفاده از آب دریای آمو میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی گردید.

با تثبیت نسبی اوضاع در افغانستان، دولت این کشور به دنبال استفاده بیشتر از منابع آب آمودریا جهت توسعه کشور شد. در حال حاضر پروژه‌هایی به منظور مدیریت و مصرف آب در حوضه آبریز آمو طرح‌ریزی یا در حال ساخت است. عملی‌سازی این پروژه‌ها باعث انحراف مقدار بیشتری از آب در داخل افغانستان گردیده و کشورهای آسیای مرکزی را به عنوان کشورهای پایین‌دست رودخانه آمو با کمبود آب مواجه می‌سازد. در نتیجه، این وضعیت می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلاف میان این کشورها شود. همچنین، عدم مدیریت درست آب باعث تخریب اطراف این رودخانه شده و موجب تغییر در سطح آب و خطوط مرزی گردیده است. با تغییر بیشتر مسیر آب، ممکن است مشکلات میان افغانستان و ترکمنستان افزایش یابد و به خصومت تبدیل شود (نبوی، ۱۳۹۹: ۵).

۳. تأثیر تنش‌های آب‌های فرامرزی افغانستان بر توسعه پایدار این کشور

تنش‌های ناشی از آبهای فرامرزی افغانستان با همسایه‌گان از بیشتر از جهت منفی بر توسعه پایدار این کشور تأثیر گزار بوده است که در این بخش پیامدها و تأثیرات منفی این تنش‌ها را بر توسعه پایدار افغانستان مفصلاً بحث می‌نمایم.

۱،۳. تأثیرات منفی تنش‌های آب‌های فرامرزی بر توسعه پایدار افغانستان

اختلافات آبی افغانستان با همسایه‌گان بر توسعه پایدار این کشور از جنبه‌های مختلف با پیامدهای منفی همراه بوده است که این پیامدهای منفی از جهات متعدد مانع تحقق توسعه پایدار در این کشور شده است که در زیر به توضیح همه جانبه آن در عرصه‌های مختلف پرداخته میشود:

۱،۱،۳. از لحاظ اقتصادی

از لحاظ اقتصادی تنش‌های آب‌های فرامرزی موجب ایجاد چالش‌های متعدد در بخش‌های که شاخص‌های اساسی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد، گردیده است که در ذیل توضیح می‌گردد.

أ. موانع برای توسعه بخش کشاورزی: اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی هر کشور، چه ثروتمند و چه فقیر، بیانگر این واقعیت است که کشاورزی به عنوان اولین بخش اقتصاد و عرضه‌کننده عوامل اساسی زندگی بشر، نقش مهمی را در توسعه همه‌جانبه کشورها ایفا می‌کند. در یک جامعه زراعتی مانند افغانستان، کشاورزی به عنوان مادر تمام فعالیت‌ها و صنایع مورد نیاز ملت‌ها شناخته می‌شود. همان‌گونه که آدم اسمیت نیز می‌گوید: «کشاورزی و تغذیه، رشد حیاتی هر اقتصاد است» (گودرزوند، ۱۳۹۴: ۱۵).

به طور خلاصه، کشاورزی می‌تواند نقش خود را در توسعه پایدار افغانستان به اشکال زیر ایفا نماید:

اول - عرضه نیروی کار و سرمایه مازاد؛ دوم - تأمین مواد غذایی و مواد خام صنعتی؛ سوم - گسترش صادرات و تأمین ارز خارجی؛ چهارم - تهیه بازار برای کالاهای صنعتی؛ پنجم - تشویق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی؛ ششم - رونق مبادلات تجاری محصولات کشاورزی به عنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی.

بنابراین، توسعه کشاورزی، افزایش تولیدات کشاورزی را در پی خواهد داشت که این خود منجر به افزایش صادرات و کاهش واردات می‌شود و نتیجه این کار، افزایش تولیدات ملی، رفاه اقتصادی و توسعه پایدار خواهد بود. از مجموع مساحت افغانستان، حدود ۵۸,۱ درصد زمین آن قابل کشاورزی بوده و نزدیک به ۸۵ درصد از نیروی کار افغانستان در بخش کشاورزی فعال هستند. همچنین، حدود ۹۳ درصد منابع آب به مصرف کشاورزی می‌رسد که ۸۴,۶ درصد از آب مورد نیاز کشاورزی به رودخانه‌ها وابسته است (کریم، ۱۳۹۳: ۵ و ۱۸). با توجه به اینکه بخش وسیعی از خاک و تعداد زیادی از مردم افغانستان به کشاورزی وابسته‌اند و آب بیشتر آن نیز از رودخانه‌ها تأمین می‌شود، وجود مشکلات در استفاده از آب رودها موجب عقب‌ماندگی بخش کشاورزی شده و در نتیجه، مانع اساسی فرا راه توسعه پایدار این کشور است.

ب. موانع برای سرمایه‌گذاری در سکتور آب: سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی یا خارجی، در واقع یکی از پایه‌های اساسی توسعه پایدار در یک کشور است. بنابراین، یکی از حوزه‌های اقتصادی در افغانستان که در آن سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی صورت گرفته، سکتور آب است. از این طریق،

پوهنیار غلام حسین فایق

کشور می‌تواند به استقلال اقتصادی و در نهایت به توسعه پایدار برسد. روندهایی که نشان می‌دهد چگونه سرمایه‌گذاری موجب استقلال اقتصادی و توسعه پایدار در افغانستان می‌شود، در زیر توضیح داده شده است.

- ثبات مالی: در شرایط سرمایه‌گذاری داخلی یا خارجی و برابری قدرت خرید، ثبات مالی و تورم از جمله مقیاس‌های مهم هستند که بطرف ثبات حرکت نموده و زمینه ساز توسعه اقتصادی می‌گردد.

- افزایش درآمد ناخالص سرانه ملی: سرانه تولید ناخالص داخلی مهمترین شاخص در توسعه است بناً درآمد سرانه نقش مؤثری در سنجش توسعه اقتصادی دارد که این امر از طریق سرمایه‌گذاری به خوبی فراهم می‌شود.

- افزایش در آمد دولتی: یک بخش اساسی مالیات دولتی از طریق سرمایه‌گذاری در کشور تأمین می‌شود. نبود سرمایه‌گذاری باعث کاهش قابل ملاحظه عواید دولتی شده و روند توسعه را با کندی مواجه می‌سازد.

- خود ا تکایی منابع طبیعی: غذا، مواد سوخت و واردات مواد اولیه کشاورزی به عنوان درصد واردات کلی محسوب می‌شوند. این الگوها در واقع یک مقیاس عمومی پایداری منابع داخلی یک کشور هستند که از طریق سرمایه‌گذاری مناسب به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند.

- پایداری انرژی: یکی از انواع انرژی خالص، انرژی آبی است. استدلال مربوط به اهمیت این شاخص و پایداری انرژی آبی، بر مبنای این فرض استوار است که در آینده این استراتژی نقش سودمندانه‌ای در توسعه پایدار کامل افغانستان دارد که این مهم نیز از طریق سرمایه‌گذاری و مدیریت انسانی بدست آمده می‌تواند.

- پتانسیل کاربری اراضی: موجودیت یا دسترسی به اراضی قابل کشت، نقش و جایگاه مهمی در توسعه و رشد آینده افغانستان دارد که زمینه ساز، عرضه غذا به جمعیت‌های خاص می‌شود که بر آوردن این نیازها ضرورت به سرمایه‌گذاری در عرصه کشاورزی داشته تا بر علاوه رفع نیازهای داخلی به صادرات کشور نیز کمک نماید.

- احیای منابع آب‌های شیرین: جریان منابع آب‌های شیرین داخلی قابل احیا، اشاره به جریان رودها در کشور دارد. بر این اساس، به منظور استفاده از اراضی قابل زراعت و آب‌های شیرین، باید به شناسایی منابع مورد نیاز و سرمایه‌گذاری در این بخش پرداخت.

با توجه به اهميت سرمايه‌گذاري در رشد و توسعه اقتصادي يک کشور، افغانستان به عنوان کشوري کمتر توسعه‌يافته، نياز مبرم به سرمايه‌گذاري داخلي و خارجي در عرصه‌هاي مختلف، از جمله سکتور آب دارد. سرمايه‌گذاري در پروژه‌هاي آبي، به ويژه ايجاد بندهاي آب‌گردان، زمينه‌ساز استفاده از زمين‌هاي قابل کشاورزي بوده و در توليد انرژي آبي کمک مي‌کند. اين امر به بخش صنايع کمک مي‌کند تا به خوداتکائي برسد و همچنين زمينه استفاده از آب به عنوان منبع طبيعي فراهم مي‌شود که موجب افزايش صادرات مي‌گردد. علاوه بر آن، اين سرمايه‌گذاري‌ها موجب افزايش درآمد ملي و دولتي شده و در نهايت ثبات مالي در کشور را ايجاد مي‌کند و راه رسيدن به توسعه پايدار کشور را کوتاه مي‌سازد. اما از آنجايي که افغانستان در همه حوزه‌هاي آب‌هاي فرامرزي خود با همسايگان دچار تنش و اختلاف است، زمينه سرمايه‌گذاري در اين عرصه از جهات زير دشوار شده است: اولاً، وجود تنش‌ها باعث شده تا کشورها و نهادهاي سرمايه‌گذار در سکتور آب، ريسک سرمايه‌گذاري را نپذيرند. ثانياً، سرمايه‌گذاران به دليل همسويي با منافع کشورهاي همسايه از سرمايه‌گذاري اجتناب مي‌کنند. ثالثاً، اختلافات همواره موجب مداخله کشورهاي همسايه در اجراي پروژه‌هاي آبي شده است. رابعاً، تنش‌ها باعث صرف وقت و هزينه دولت افغانستان در حل تنش‌هاي موجود شده که خود مديریت درست منابع آب را تضعيف کرده است.

با توجه به موارد فوق، تضادها و اختلافات موجود در عرصه آب‌هاي فرامرزي افغانستان، مانع اساسي فرا روی سرمايه‌گذاري در اين بخش بوده و عدم سرمايه‌گذاري در سکتور آب به عنوان يک بخش کليدي در توسعه کشور، زمينه رسيدن افغانستان به توسعه پايدار را با مشکل مواجه ساخته است (گودرزوند، ۱۳۹۴: ۱۶).

ج. موانع فراه راه تجارت خارجي و دست يابي به بازار هاي جهاني: افغانستان بيش از ۹۰ درصد نيازهاي خود را از خارج، به ويژه از همسايگان تأمين مي‌کند. ايران يکي از شرکاي تجاري افغانستان است که تجارت سالانه آن حدود دو و نيم ميليارد دالر محسوب مي‌شود. بر اساس آمارها، در يک دوره پنج ساله، صادرات افغانستان به ايران تغيير چنداني نکرده است. تا سال ۱۳۹۳ هـ.ش، از بين ۱۰۳۰ کالايي که افغانستان صادرکننده و ايران واردکننده آن‌هاست، تنها هفت قلم کالا به بازار ايران وارد شده و بقيه، که مي‌توانند حدود ۸۵ ميليون دالر صادرات به ايران را پوشش دهند، موفق به حضور در بازار ايران نشده‌اند. مبادلات اقتصادي فعلي ايران و افغانستان در خوش‌بينانه‌ترين حالت، فقط ۵۰ درصد پتانسيل تجارت دوجانبه را فعال کرده و نيمي ديگر بدون استفاده باقي مانده است. به نظر

می‌رسد، در یک دهه اخیر، وجود واگرایی سیاسی ناشی از تنش‌ها و اختلافات آبی، از عوامل مهم عدم رشد مبادلات اقتصادی بین دو کشور بوده است (قصاب، ۱۳۹۳: ۲۱).

افغانستان به علت محصور بودن در خشکی، برای تجارت با سایر نقاط دنیا تا حدود زیادی به مسیرهای سرزمینی و دریایی ایران، پاکستان و کشورهای آسیای میانه وابسته است. احداث خطوط ریلی و اتصال آن به شبکه‌ای منطقه‌ای ریلی یکی از نیازهای اساسی افغانستان است. در این راستا، بهره‌برداری از خط ریلی خواف-هرات و فعال‌سازی کریدورهای ترانزیتی از طریق کشورهای همسایه جهت وصل شدن به بازارهای جهانی یک نیاز مبرم است. بر این اساس، مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی، دسترسی زمینی افغانستان به تجارت بین‌المللی و صدور محصولات افغانستان به سایر نقاط دنیا می‌باشد. علاوه بر این، افغانستان در مقابل ارائه این اقدامات و خدمات ترانزیتی می‌تواند معادل تعرفه‌ای ترانزیت کالاهای تجار افغان از خاک کشورهای همسایه، آب اضافی که به آن کشورها سرازیر می‌شود را معاوضه نماید. اما به دلیل وجود تنش‌ها و تضادها در مورد استفاده از آب‌های فرامرزی میان افغانستان و کشورهای همسایه، زمینه استفاده از این فرصت‌ها سلب گردیده که این خود به عنوان یک مانع اساسی در راه توسعه پایدار افغانستان عمل نموده است (جمالی، ۱۳۹۷: ۱۶).

د. مشکل در تهیه آب برای صنایع: مصرف آب در تأسیسات تجارتي-صنعتی مانند استخراج معادن، صنایع فلزی، صنایع شیمیایی، صنایع نساجی، صنایع غذایی، کارخانه‌های تولید غذا و سایر صنایع بزرگ و کوچک نقش مهمی دارد و اساس زیربنای اقتصادی یک کشور را تشکیل می‌دهد. اما استفاده بی‌رویه از آب در صنایع مذکور باعث آلودگی و کاهش منابع آبی در افغانستان و کشورهای همسایه آن گردیده است. کاهش میزان آب‌های مشترک و تلاش برای دستیابی به آن همواره باعث بروز منازعات میان این کشورها شده است. این چالش‌ها زمینه دسترسی به منابع آب کافی برای استفاده در صنعت را در افغانستان با مشکل مواجه ساخته و در نتیجه یکی از پایه‌های اساسی توسعه اقتصادی، که صنایع تشکیل می‌دهند، سست نموده است (اداره ملی حفاظت محیط زیست، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۳).

ه. افزایش کشت کوکنار: بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که کشت کوکنار و کمبود آب در افغانستان رابطه‌ای مستقیم دارند. یکی از دلایل اصلی که دهقانان به کشت کوکنار روی می‌آورند، نیاز کم این گیاه به آب است؛ زیرا با حداقل مقدار آب، می‌توان بیشترین محصول را برداشت کرد. بر اساس گزارش‌های دفتر جرایم مواد مخدر سازمان ملل متحد، حدود ۱۷ درصد کشاورزان افغان، کمبود آب را یکی از دلایل مهم و اولیه در تصمیم خود برای کشت کوکنار می‌دانند. در حالی که

اکثر محصولات زراعتی نیازمند آب فراوان هستند، افغانستان به دلیل اختلافات در مورد استفاده از آب‌های مشترک نتوانسته است آب‌های فرامرزی خود را مهار کند و زمینه کشت سایر محصولات را فراهم سازد تا بدین وسیله مانع از کشت کوکنار گردد. با وجود صرف هزینه‌های مالی و نیروی کار، کشت کوکنار به هیچ وجه در توسعه کشور کمک نکرده است. در حالی که افغانستان می‌تواند با مدیریت درست منابع آبی خود، زمینه کشاورزی در سایر بخش‌ها را فراهم کرده و نقش مؤثری در توسعه پایدار کشور ایفا کند (افغانی، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

۲.۱.۳. از لحاظ اجتماعی

پیامدهای منفی تنش‌های آبی در عرصه اجتماعی بیشتر بر ظرفیت انسانی و بشری، به عنوان نیروی محرکه توسعه و پیشرفت در این کشور تأثیرگذار بوده است. در ادامه، مهم‌ترین موارد آن شرح داده خواهد شد.

ا. بیکاری: چالش بیکاری در افغانستان مسئله‌ای جدی است و برای توسعه پایدار کشور حائز اهمیت می‌باشد. حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط، تشویق به کارآفرینی و ایجاد بسترهای مالی برای افراد می‌تواند به کاهش بیکاری و توسعه یک راهکار مناسب کمک کند. استفاده از آب برای به کارگیری صنایع و کشاورزی می‌تواند به اشتغال‌زایی و توسعه پایدار کمک کند، اما وجود اختلافات در حوزه‌های آبی سبب شده است که افغانستان نتواند به‌طور درست و همه‌جانبه، آب‌های فرامرزی خود را مهار کند و با به کارگیری آن در بخش‌های فوق، زمینه کار و اشتغال را فراهم نماید تا از این طریق به توسعه پایدار این کشور کمک کند (خطیبی، ۱۳۹۸: ۵).

ب. فقر: تجزیه و تحلیلی که از نظرسنجی‌های ملی ارزیابی خطر و آسیب‌پذیری به دست آمده است، مردم افغانستان را در پایین‌ترین ردیف جهان از لحاظ فقر رتبه‌بندی نموده است. بر این اساس، سهم بخش آب در کاهش فقر از اهمیت شایانی برخوردار است. در مطالعات مشارکت‌های جهانی آب، که از سال ۲۰۰۳ به این سو انجام شده‌اند، ملاحظات مهمی در ارتباط با اتخاذ شیوه‌ای جامع برای مدیریت منابع آب مشاهده شده است. یکی از این موارد وجود تنش‌ها میان استفاده‌کنندگان مشترک آب است که این مسئله موجب شده تا مردم فقیر به‌طور مطلق دسترسی به آب پاک و بهداشت نداشته باشند. یکی از دلایل عدم دسترسی مردم فقیر به آب سالم و بهداشت، و همچنین مصرف ناپایدار آب از منظر محیط زیست، عدم توافق جامع میان کاربران آب و اختلافات ناشی از آن می‌باشد. بهبود دسترسی به آب تازه و وضعیت بهتر بهداشت می‌تواند عامل عمده‌ای در کاهش فقر

پوهنیار غلام حسین فایق

باشد و کاهش فقر خود یکی از شاخص‌های اساسی برای توسعه پایدار در کشور به حساب می‌آید (اداره منابع آب، ۱۳۸۷: ۳-۴).

ج. مهاجرت خارجی (فرار مغزها): مسائل رشد و توسعه کشورهای کم‌توسعه، نظیر افغانستان، را نمی‌توان بدون اشاره به مهاجرت نیروی کار و متخصصان این کشور به خارج بررسی کرد. اینگونه مهاجرت‌ها معمولاً به دو شکل صورت می‌گیرد: گاهی به صورت مهاجرت دائمی نیروی متخصص و کارآمد این کشورها به خارج و گاهی به صورت مهاجرت موقتی نیروی کار نیمه‌ماهر و غیرماهر.

افغانستان به دلیل اختلافات در مورد استفاده از آب‌های فرامرزی در تأمین نیازهای آبی خود با مشکل مواجه است که این امر موجب فقر و بیکاری شده و یکی از علل اساسی مهاجرت‌های خارجی را نیز به وجود آورده است. تعداد اینگونه مهاجران از افغانستان به سایر کشورها در حدود ۶,۴ میلیون نفر می‌رسد که عمده‌ترین اثرات منفی اقتصادی آن برای افغانستان عبارت است از: اول- فرار نیروی کار متخصص که مهاجرت این افراد، میزان کارایی نیروی کار در کشور را کاهش داده و به این ترتیب به عقب‌ماندگی کشور کمک کرده است. دوم- انتقال سرمایه به خارج از کشور؛ این مسئله نیز فرصت سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی را در افغانستان محدود ساخته است. سوم- منتقل شدن چرخه یا دوره بازتولید سرمایه به سایر کشورها؛ در این حالت، مهاجران بیشترین عواید خود را دوباره به کشور میزبان مصرف کرده و از انتقال آن به کشور خود اجتناب می‌کنند.

پیامدهای منفی این مهاجرت‌ها برای افغانستان بیشتر در عرصه اقتصادی متمرکز بوده و می‌توان گفت که این کشور را در مسیر رسیدن به توسعه پایدار با چالش مواجه ساخته است (ساعی، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

۳, ۱, ۳. از لحاظ امنیتی

تقویت امنیت، یکی از ارکان و عوامل اساسی در توسعه پایدار هر کشور است و افغانستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. امنیت قوی باعث جلب سرمایه‌گذاری، تسهیل توسعه اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های اساسی می‌شود که در نهایت زمینه‌ساز رسیدن به توسعه پایدار خواهد بود. از آنجایی که افغانستان بیشترین اختلافات آبی را با همسایگان خود دارد، مسئله آب امنیت شهروندان این کشور را در عرصه‌های مختلف تهدید می‌کند. بخش زیادی از ناامنی‌ها در افغانستان مرتبط با استفاده از

آب‌های فرامرزی این کشور توسط شرکای آبی آن، به خصوص ایران و پاکستان، می‌باشد که در ذیل مختصراً توضیح داده می‌شود (فهیم، ۱۳۹۲: ۳۷).

ا. نقش ایران در نا امنی افغانستان بخاطر اختلافات آبی: با اینکه افغانستان در سال‌های گذشته تلاش زیادی برای حل تنش‌های آبی با ایران انجام داده است، اما سیاست‌های افزایشی ایران مانع دستیابی به این اهداف شده است. این مسئله با احداث بند سلما بر روی رودخانه هریرود توسط هند، موجب نارضایتی دولت ایران شده و همواره مشکلات امنیتی را در آن منطقه تشدید کرده است (علیزاده، ۱۳۸۸: ۲۸۲).

ب. نقش پاکستان در نا امنی افغانستان بخاطر اختلافات آبی: کمبود آب، به همراه سایر عوامل، از جمله نیت خصمانه پاکستان، نا امنی را در دولت‌های مربوطه افزایش داده و می‌تواند به عنوان یک عامل تنش‌زا تلقی شود. اختلافات افغانستان و پاکستان در حوضه‌رود کابل از موضوعات مهم در روابط دو کشور به شمار می‌آید (هادیان، ۱۳۹۸: ۱۰). این مسئله با ساخت سدها توسط هند در افغانستان، منجر به گسترش تنش در روابط افغانستان با پاکستان شده است. پاکستان با درک این نکته که ساخت پروژه‌های آبی می‌تواند به گسترش همکاری میان هند و افغانستان منجر شود و از طرف دیگر باعث توسعه و تقویت افغانستان گردد، همواره تلاش کرده است تا از طریق ایجاد نا امنی، مانع رشد و توسعه افغانستان شود (نجیب آقا، ۱۳۹۵: ۸۳).

وضعیت وخیم امنیتی طی چندین دهه در کشور سبب شده که مدیریت درست منابع آبی صورت نگیرد و همچنین سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های انکشافی در بخش آب انجام نشود. این مسئله باعث عقب‌ماندگی افغانستان، به ویژه در مناطق نا امن گردیده است. همچنین تداوم نا امنی موجب ضعف زیرساخت‌های فنی، ساختاری، قانونی و تجاری در افغانستان شده و این کشور را از مسیر رسیدن به توسعه پایدار دور ساخته است.

۴,۱,۳. از لحاظ تغییرات اقلیمی

بر اساس آمارها، وجود برخی عوامل و زمینه‌ها، چون تغییرات اقلیمی و بروز دوره‌های طولانی خشکسالی، موجب شده است که منابع مشترک آبی، و به‌طور خاص رودهای مرزی، به منبع مهمی از تنش و درگیری در بسیاری از مناطق جهان تبدیل شوند و مانع توسعه پایدار کشورهای درگیر در اختلاف گردند (فانی حق، ۱۳۹۲: ۴). بر اساس گزارش‌های سال ۱۹۹۶ میلادی وزارت انرژی و آب افغانستان، تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های پی‌درپی موجب کاهش ۷,۷ میلیارد مترمکعب آب در

مقطع زمانی ۳۰ ساله در این کشور شده است. این مسئله، به علاوه توزیع نابرابر آب های موجود، می تواند مانع رشد و توسعه کشور در درازمدت گردد (اداره منابع آب، ۱۳۸۶: ۲۲). تغییرات اقلیمی بیشتر بر مسائل محیط زیست و تغییرات آب و هوا که از جمله فاکتورهای اساسی توسعه پایدار بوده و رابطه مستقیم با منابع آب دارند، تأثیرگذار می باشد که در ذیل به طور مختصر توضیح داده می شود. تخریب محیط زیست: تخریب محیط زیست، سبب ایجاد شکاف های اجتماعی شده و اشکال جدیدی از تعارضات منطقه ای را ایجاد می کند، به ویژه در مناطقی که اختلافات در مورد سرزمین یا مالکیت و کنترل منابع آب وجود دارد. یکی از نواحی که از دیدگاه زیست محیطی خطرناک بوده و می تواند منبع تنش و بحران محسوب گردد، منطقه سواحل رودخانه آمودریا است. تخریب مداوم کنار سواحل آمودریا، شرایط زندگی را برای ساکنان اطراف آن دشوار ساخته و باعث از بین رفتن اکوسیستم ها و گونه های دریایی گردیده است. این امر موجب اختلافات مرزی و سیاسی میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی شده و به تسریع بحران آب در این منطقه کمک کرده است. در صورت عدم مدیریت این وضعیت، می تواند در آینده نزدیک به مهم ترین بحران زیست محیطی در منطقه تبدیل شود.

تغییرات آب و هوایی: در سال های اخیر، میزان بارش به عنوان یک منبع تأمین کننده آب های سطحی در افغانستان به دلیل تغییرات اقلیمی به شدت کاهش یافته است و تقریباً می توان گفت که ۴۰ درصد از میزان بارش باران در مناطق شمال افغانستان کاهش یافته است. به عنوان مثال، در یک دوره ده ساله از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰، به طور میانگین در ماه آگوست حدود ۶۰۰۰ متر مکعب آب وارد رودخانه آمودریا می شد، اما پیش بینی ها برای دهه ۲۰۵۰ نشان می دهد که این مقدار در ماه آگوست به حدود ۳۲۰۰ متر مکعب کاهش خواهد یافت که می توان آن را یک فاجعه زیست محیطی دانست. همچنین، یخچال های طبیعی در نقاط مختلف افغانستان و کشورهای همسایه به دلیل تغییرات آب و هوایی بین ۱ تا ۵ درصد از وسعت خود را از دست داده و ذوب شده اند. این موضوع می تواند روابط افغانستان با همسایگانش را تحت تأثیر قرار دهد و دامنه تنش ها را در پیوند با استفاده از آب های مشترک گسترش دهد، زیرا ذوب یخچال ها و کاهش بارندگی باعث افزایش تقاضا برای آب شده و منجر به کمبود آب برای کشورهای پایین دست می شود. این وضعیت تلاش برای انتقال آب از رودخانه های مشترک را بیشتر کرده و منجر به کاهش میزان آب می گردد (درخور، ۱۳۹۲: ۵۲).

با توجه به نقشی که تغییرات اقلیمی در کاهش منابع آبی و تنش‌زایی در عرصه آب‌های فرامرزی دارد و با توجه به اینکه افغانستان به عنوان کشوری که بیشترین تأثیرپذیری را از تغییرات اقلیمی دارد، وجود اختلافات با شرکای آبی اش مانع مدیریت درست و همه‌جانبه آب‌های فرامرزی گردیده و این کشور را با تهدیدات جدی از جمله تحقق توسعه پایدار مواجه ساخته است.

۵،۱،۳. از لحاظ سیاسی

تنش‌ها و اختلافات در مورد آب‌های فرامرزی افغانستان، بیشتر از دو جهت بر وضعیت سیاسی این کشور تأثیرگذار بوده است؛ یکی اینکه اختلافات آبی با همسایگان موجب بی‌ثباتی سیاسی داخلی گردیده است، که این بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور، مانع از مدیریت درست و همه‌جانبه آب‌های مشترک می‌شود. دوم اینکه تضادهای آبی، مانع گسترش روابط سیاسی در سطح منطقه‌ای گردیده و چالش‌های ناشی از مسائل سیاسی، پیامدهای منفی بر توسعه و پیشرفت این کشور داشته است.

مدیریت ناکافی منابع آب: کشورهای در حال توسعه و پساجنگ، مانند افغانستان، به دلیل نبود ساختارهای بنیادی و نیروی متخصص انسانی، با مشکلات زیادی در زمینه مدیریت آب مواجه هستند. یکی از راهکارهایی که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار در یک کشور باشد، مدیریت همه‌جانبه منابع آب است. این مدیریت بر سه اصل استوار است که شاخص‌های توسعه پایدار را نیز تشکیل می‌دهد:

- عدالت اجتماعی: تضمین دسترسی برابر کمی و کیفی برای همه استفاده‌کنندگان؛
- بهره‌وری اقتصادی: تأمین بیشترین سود برای بیشترین تعداد ممکن از استفاده‌کنندگان؛
- پایداری اکولوژیک: حفظ محیط زیست و اکوسیستم‌های آبی (هوتکی، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۵).

مدیریت ناکافی منابع آب در افغانستان بیشتر در دو عرصه مشکل آفرین بوده است.

- عدم تسلط کامل بر منابع آبی: مدیریت ناکافی منابع آب‌های فرامرزی سبب شده است که افغانستان نتواند به میزان آب مربوط به خود، که در حالت بالقوه حدود ۷۵ میلیارد مترمکعب تخمین زده می‌شود، مطابق با قوانین پذیرفته شده بین‌المللی در مورد استفاده از آب‌های مشترک، مالکیت خود را بر آن تثبیت کرده و با ذخیره‌سازی آن، از ورود آب اضافی به کشورهای همسایه جلوگیری کند. این ضعف موجب شده است که افغانستان نتواند از آب‌های خود در راستای آبادانی کشور بهره‌برداری کند.

ناتوانی در ایجاد زیرساخت‌های آبی نیز یکی دیگر از چالش‌هاست. نبود سیاست‌ها و برنامه‌های مشخص برای مدیریت آب‌های داخلی، باعث شده است که افغانستان نتواند زیرساخت‌های بنیادی

پوهنیار غلام حسین فایق

را در حوزه‌های آبی کشور ایجاد کرده و زمینه توسعه پایدار را فراهم سازد. این موضوع در درازمدت به ضعف اقتصادی و وابستگی افغانستان به همسایگان منجر شده است (آریویی، ۱۳۹۶: ۵۴).
چالش‌های ناشی از این عرصه‌ها نه تنها مشکلاتی در مدیریت منابع آب در داخل افغانستان ایجاد کرده، بلکه زمینه‌ساز اختلاف میان این کشور و شرکای آبی آن نیز گردیده است. مهم‌ترین پیامدهای منفی ضعف مدیریت منابع آب در افغانستان به شرح زیر است:

- بهره‌برداری نامطلوب از سازه‌های آبی و هدررفت زیاد آب؛
 - بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی؛
 - عدم توجه به مدیریت مصرف و فشار بیش از توان تولید بر منابع آب؛
 - آلودگی منابع آبی، سطحی و زیرزمینی، توسط پس آب‌ها و فاضلاب تصفیه‌نشده؛
 - تلفات زیاد آب در شبکه‌های آبرسانی شهری؛
 - عدم مشارکت ذینفعان در بهره‌برداری و حفاظت از منابع آبی؛
 - عدم برنامه‌ریزی اجرایی جهت استفاده از آب‌های فرامرزی.
- بنابراین، چالش‌های مدیریتی منابع آب که در فوق ذکر شد، سبب شده است تا افغانستان نتواند آب‌های فرامرزی خود را به‌صورت همه‌جانبه مدیریت کرده و زمینه‌ساز توسعه پایدار در این کشور گردد (شکوه، ۱۳۷۳: ۲۵-۲۹).

بی‌ثباتی سیاسی مانع برای گسترش روابط منطقه‌ای: اختلافات آبی میان افغانستان و کشورهای همسایه آن، منحصر به یک حوزه باقی نمانده و بلکه عرصه‌های مختلفی از جمله روابط سیاسی این کشور را با کشورهای منطقه تحت تأثیر قرار داده است. با وجود اینکه فرصت‌های مناسبی برای توسعه و پیشرفت افغانستان در منطقه وجود دارد، اما تضادهای آبی با همسایگان و به رغم آن، بی‌ثباتی سیاسی در این کشور سبب شده است که افغانستان نتواند از ظرفیت‌های منطقه‌ای جهت نیل به توسعه پایدار استفاده کند.

شرح کامل این ظرفیت‌ها عبارتند از:

اول- بازنگری و تکمیل «توافق‌نامه چابهار» و گنجاندن ابزارها و عناصر گسترش‌دهنده همکاری در سایر زمینه‌ها، به ویژه تأکید طرف‌ها بر اهمیت «دیپلماسی آب» در کاهش اختلافات و تحکیم مناسبات پایدار ایران و افغانستان. دوم- بهره‌برداری از فرصت‌های سازمان‌های همکاری اقتصادی منطقه‌ای مانند اکو، کنفرانس همکاری منطقه‌ای اقتصادی برای افغانستان (ریکا) و امثال آن، که بستر

مناسبی برای هم‌افزایی توانمندی‌های اقتصادی افغانستان از طریق حضور جدی‌تر در توسعه و تجارت منطقه فراهم می‌آورد. سوم- توسعه شراکت اقتصادی ایران با افغانستان، در شرایطی که برخی کشورهای منطقه از جمله پاکستان در صدد اعمال محدودیت تجاری برای این کشور هستند. چهارم- بهره‌برداری از همکاری‌های چندجانبه افغانستان با هند و توسعه «توافق‌نامه چابهار» با حضور کشورهای آسیای مرکزی و روسیه. پنجم- ارتقای توافق‌نامه آبی ایران و ترکمنستان در مورد «سد دوستی» به یک «معاهده سه‌جانبه» بین ایران، ترکمنستان و افغانستان در مورد تعیین وضعیت رژیم حقوقی رودخانه هریرود. به رغم وجود ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی دوجانبه و منطقه‌ای برای توسعه پایدار افغانستان، به نظر می‌رسد وجود اختلافات در مورد آب‌های فرامرزی میان افغانستان و کشورهای همسایه، همچنان بی‌ثباتی سیاسی ناشی از آن، سبب شده که این کشور نتواند از فرصت‌های موجود به شکل درست و همه‌جانبه استفاده کند (سینایی، ۱۳۹۷: ۲۲).

مناقشه

با توجه به اینکه افغانستان دارای بیشترین آب‌های فرامرزی است، یک بخش عمده از تنش‌های موجود میان افغانستان و کشورهای همسایه آن ناشی از آب‌های فرامرزی این کشور بوده است. این تنش‌ها به‌طور منفی بیشترین تأثیرات خود را بر توسعه پایدار افغانستان به همراه داشته‌اند، زیرا اختلافات بر سر مسأله آب باعث ایجاد مشکلات و اختلاف در سایر عرصه‌ها از جمله امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و محیط زیستی گردیده است. وجود مشکلات در این بخش‌ها که هر کدام در حقیقت بنیادهای توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند، سبب به وجود آمدن موانع یا چالش‌هایی در راستای توسعه پایدار افغانستان شده است.

از مقایسه نتایج به‌دست آمده با مطالعات پیشین، این موضوع آشکار می‌شود که با وجود اثرات منفی تضادهای ناشی از آب‌های فرامرزی افغانستان بر توسعه پایدار این کشور، در تحقیقات انجام‌شده قبلی دو دیدگاه در این زمینه مطرح بوده است. دیدگاه نخست وجود هرگونه رابطه میان تنش‌های آب‌های فرامرزی و توسعه پایدار در افغانستان را رد می‌کند و بر این باور است که اختلافات و منازعات صرفاً در محدوده حوضه‌های آبی متمرکز بوده و بر سایر بخش‌ها تأثیرگذار نیستند و وجود هرگونه نقش منفی بر توسعه پایدار افغانستان را انکار می‌کنند. در مقابل، دیدگاه دوم معتقد است که این تنش‌ها صرفاً با پیامدهای مثبت همراه بوده و فرصت‌های بیشتری را برای افغانستان فراهم کرده‌اند و هیچ توجهی به جنبه‌های منفی آن نداشته‌اند.

اما یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نه تنها تنش‌های آب‌های فرامرزی افغانستان بر توسعه پایدار این کشور کاملاً مرتبط هستند، بلکه دارای اثرات منفی مخرب نیز در این راستا بوده‌اند. مزیت این تحقیق در این است که علاوه بر تحلیل این دیدگاه‌ها، با تلفیق داده‌های به دست آمده مشخص می‌سازد که این تنش‌ها دارای اثرات منفی قابل ملاحظه‌ای بر توسعه پایدار افغانستان بوده و به شکل یک مانع اساسی در مسیر توسعه پایدار این کشور عمل نموده‌اند. همچنین عمده‌ترین پیامدهای منفی تنش‌های آب‌های فرامرزی در راستای توسعه پایدار افغانستان به صورت همه‌جانبه مورد بررسی قرار گرفته است که در نوع خود کار بکر و نوینی می‌باشد.

محدودیت اساسی در جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، مشکلات مربوط به کار میدانی بوده است، به خصوص رفتن و مشاهده حوزه‌های آبی فرامرزی از نزدیک و مستندسازی از آن‌ها که هزینه‌بر و نیازمند زمان بیشتری بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا در تحقیقات آینده به جمع‌آوری اطلاعات از طریق روش میدانی نیز اقدام شود.

نتیجه‌گیری

از تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق چنین نتیجه‌گیری می‌شود که افغانستان از جمله معدود کشورهایی است که بیشترین حوزه‌های آبی فرامرزی را دارد. با وجود حیاتی بودن آب‌های فرامرزی در توسعه و پیشرفت کشورها، این ماده حیاتی همواره زمینه‌ساز تنش و اختلاف میان افغانستان و کشورهای همسایه بوده است. بیشترین تأثیرات این تنش‌ها در راستای توسعه پایدار این کشور متمرکز بوده و پیامدهای منفی و ناگوار بر توسعه و پیشرفت افغانستان داشته است. ابعاد منفی این تنش‌ها بیشتر به عنوان موانع فرا راه توسعه پایدار عمل نموده‌اند؛ زیرا تنش‌ها در حوزه‌های آبی باعث آسیب زدن به زیرساخت‌های توسعه پایدار از جمله اقتصاد، امنیت، سیاست، محیط زیست و مسائل اجتماعی که شاخص‌های اساسی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند، گردیده و موجب عقب‌ماندگی افغانستان شده‌اند.

با وجود اینکه تجربه و تحقیق نشان‌دهنده آن است که تنش‌های ناشی از آب‌های فرامرزی میان افغانستان و همسایگان آن از جهات مختلف پیچیده بوده است، اما می‌توان به با کارگیری دیپلماسی آبی، ایجاد زیرساخت‌های آبی جهت مهار آب‌های فرامرزی و مدیریت همه‌جانبه منابع آب، به تنش‌های موجود پایان داده و در تحقق توسعه پایدار کشور کمک نمود.

پیشنهادات

با توجه به پیامدهای منفی که تنش‌های آب‌های فرامرزی بر توسعه پایدار افغانستان دارد، موارد زیر برای بهبود تنش‌های موجود و تحقق توسعه پایدار در کشور پیشنهاد می‌گردد:

- در اولویت قرار دادن مسئله آب در سیاست‌های منطقه‌ای و انجام تلاش‌های اساسی توسط سیاست‌گذاران عرصه آب، در سطح ملی و منطقه‌ای جهت حل تنش‌ها؛
- اتخاذ راه‌حل‌های مناسب، از جمله مدیریت پایدار منابع آب، استفاده از دیپلماسی آب و رسیدن به توافقات آبی؛

• انجام تحقیقات جداگانه جهت بررسی پیامدهای تنش‌های آب‌های فرامرزی در هر یک از عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و محیط زیستی و برجسته‌سازی پیامدهای آن بر توسعه پایدار کشور.

منابع

- افغانی، حجت. (۱۳۷۸). *ابعاد سیاسی و امنیتی بحران آب در خاورمیانه*. تهران: نشر کتاب خانه ملی ایران.
- اعزامی، سید عمر. (۱۳۹۹). *هایدروپولیتیک افغانستان*. کابل: انتشارات ملی.
- اداره منابع آب. (۱۳۸۷). *استراتژی انکشاف ملی افغانستان*. کابل: نشریه اداره منابع آب.
- اداره ملی حفاظت محیط زیست. (۱۳۹۷). *پالیسی ملی نظارت بر کیفیت آب*. کابل: نشریه اداره ملی محیط زیست.
- آریوبی، برکت الله. (۱۳۹۶). *د افغانستان د اوبو حقوق*. کابل: نشر جامعه نشراتی صلح.
- خطیبی، نبیله. (۱۳۹۸). *مسیرهای ممکن برای توسعه پایدار افغانستان در قرن بیست و یکم*. کابل: عازم.
- درخور، محمد. (۱۳۹۲). *بحران آب و نتایج زیست محیطی آن در آسیای مرکزی*. تهران: مطالعات اور آسیای مرکزی.
- ساعی، احمد. (۱۳۹۴). *مسائل سیاسی و اقتصادی جهان سوم*. تهران: دانشگاه خوارزمی.
- سنایی، وحید. (۱۳۹۰). *هیدروپلیتیک امنیت و توسعه همکاری های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان*. تهران: سمت.
- شکوه، حسین. (۱۳۷۳). *دیدگاه نو در جغرافیای شهری*. تهران: انتشارات سمت.
- صفوی، یحیی. (۱۳۷۷). *جغرافیای سیاسی و نظامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.
- علیزاده، حسین. (۱۳۸۸). *مطالعه سیاست خارجی در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات فردوسی.
- عظیمی، عظیم. (۱۳۸۵). *جغرافیای طبیعی افغانستان*. کابل: انتشارات مستقبل.
- فهم، نجیب آقا. (۱۳۹۲). *آب عرصه تقابل منافع افغانستان با همسایه گان*. کابل: انتشارات عازم.
- فهم، نجیب آقا. (۱۳۹۶). *وضعیت حقوقی حاکم بر رودخانه هلمند*. کابل: انتشارات عازم.
- فانی حق، عبدالکریم. (۱۳۹۲). *اهمیت سهمیه بندی منابع آب رودخانه های مرزی کشورها*. تهران: سمت.
- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۸۳). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل*. تهران: نشریه سمت.
- قصاب، جوانمرد. (۱۳۹۳). *یکصد نکته درباره داد و ستد با بازار افغانستان*. مشهد: انتشارات رصد.

پوهنیار غلام حسین فایق

کریم، محمد حسین. (۱۳۹۳). توسعه کشاورزی و اقتصاد مقاومتی جایگزین نفت. تهران: دانشگاه بیهقی.

لطفی، حیدر. (۱۳۹۴). تحلیل ژئوپلیتیکی روابط افغانستان و ایران چالشها و فرصتها. تبریز: انتشارات مهرآبادی.

مهرداد، گودرزوند. (۱۳۹۴). توسعه پایدار شاخص ها و سیاست. تهران: دانشگاه آزاد.

ناب، جاوید. (۱۳۹۴). بررسی حقوقی آب در افغانستان. کابل: انتشارات سعید.

نبوی، علیرض. (۱۳۹۹). دیپلماسی آبی افغانستان در قبال کشورهای همجوار. کابل: سعید.

هادیان، ناصر. (۱۳۹۸). امنیت سازی و چالشهای آبهای فرامرزی در جنوب آسیا. اصفهان: انتشارات تیموریان.

هوتکی، مریم. (۱۳۹۶). آب مدیریت و مشارکت. کابل: انتشارات عازم.

جمالی، جواد. (۱۳۸۷). دیپلماسی اقتصادی ج.۱. ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور. سمت، ۳(۲)، ۸-۱۰.

حازم، یحیی. (۱۳۹۵). آب های فرامرزی افغانستان سه تهدید و سه فرصت. مرکز مطالعات صلح، ۶(۴)، ۳-۴.

زارع زاده، محبوبه. (۱۳۹۵). امکان سنجی همکاری ایران و افغانستان در حوضه آبریز هیرمند. دانشگاه آزاد، ۵(۱۱)، ۱۲-۱۵.

اصول اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام

پوهنیار شیرمحمد انوری^{۱*}، پوهنمل شمس الرحمن سدید^۲، پوهنیار عابدالصمد هلال^۳

۱. دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون البیرونی.

* نویسنده مسئول- ایمیل: abualalanwree@gmail.com

چکیده

در دین اسلام رعایت اصول اخلاقی در همه بخش‌های زندگی بویژه فعالیت‌های صنعتی و فناوری از اهمیت والایی برخوردار است. استفاده از صنعت و فناوری در شرایط فعلی نقش برانده‌ای در پیشرفت جوامع بشری دارد اما این پیشرفت نباید باعث نقض اصول اخلاقی اسلام گردد. با پیشرفت روز افزون صنعت و فناوری، انجام فعالیت‌های صنعتی به مشکل جدی تبدیل شده است هدف تحقیق این است که استفاده از صنعت با در نظر داشت رعایت ارزشهای اخلاقی اسلام که در قرآن کریم و احادیث نبوی بیان شده است، صورت گیرد. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی به روش کتاب‌خانه‌ای بوده، با استفاده از این روش تلاش شده اصول اخلاقی اسلام مرتبط با صنعت و فناوری از مصادر اسلامی استخراج و بیان گردد. نتایجی که در پایان تحقیق بدست آمده این است که رعایت اصول اخلاقی اسلام در استفاده از صنعت سبب توسعه پایدار، حفظ کرامت انسانی، عدم تبعیض در دسترسی به فن‌آوری، صداقت و شفافیت در تولید و استفاده از فن‌آوری و صنعت سبب توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست و مقابله با سوء استفاده‌های مختلف می‌شود. این اصول با توجه به حقوق کارگران، تولید کالاهای سالم، شفافیت در معاملات، فساد را کاهش می‌دهد و اهل صنایع را متوجه به مسئولیت‌های شان می‌نماید. توجه به رعایت اصول اخلاقی اسلام در برنامه‌ریزی برای محصولات و فعالیت‌های صنعتی برای اولیای امور، دست اندرکاران و اهل صنایع توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اخلاقی، اسلام، اصول، صنعت، کرامت انسانی، محیط زیست و شفافیت

Ethical Principles of Industrial Use from the Perspective of Islam

Teaching Assistant Sher Mohammad Anwari^{1*}, Senior Teaching Assistant Shamsur Rahman Sadid², Teaching Assistant Abidul Samad Hilal³

1. Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Alberoni University

* Corresponding Author Email: abualalanwree@gmail.com

Abstract

In the religion of Islam, observing ethical principles in all areas of life—especially in industrial and technological activities—is of great importance. The use of industry and technology in the current situation plays a prominent role in the advancement of human societies; however, this progress must not lead to the violation of Islamic ethical principles. With the increasing development of industry and technology, carrying out industrial activities has become a serious problem. The aim of this research is that the use of industry should take place with regard to the observance of Islamic ethical values, as stated in the Holy Qur'an and the Prophetic Hadiths. The research method is descriptive and analytical through a library-based approach. Using this method, an effort has been made to extract and present the Islamic ethical principles related to industry and technology from Islamic sources. The results obtained at the end of the research show that observing Islamic ethical principles in the use of industry leads to sustainable development, preservation of human dignity, non-discrimination in access to technology, honesty and transparency in the production and use of technology and industry. This, in turn, leads to sustainable development, environmental protection, and the prevention of various abuses. These principles, with attention to workers' rights, the production of healthy goods, and transparency in transactions, reduce corruption and make industrial actors aware of their responsibilities. Observing Islamic ethical principles in planning for industrial products and activities is recommended for policymakers, those involved in the sector, and industrial professionals.

Keywords: Principles, ethics, industry, Islam, human dignity, environment, transparency

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين و بعد:

همانطور که اسلام به اخلاق به طور کلی اهمیت داده است به اخلاق در امور صنعت به طور خاص توجه نموده است اخلاق در زندگی انسان از اهمیت والایی برخوردار است؛ زیرا تأثیر زیادی بر رفتار او و اعمالی که از وی صادر می شود دارد؛ چراکه رفتار انسان مطابق با آن چیزی است که در درون او از معانی و صفات وجود دارد. هر صفتی در دل ظاهر شود، اثر آن بر اعضا و جوارح آشکار می گردد بنابراین، اعمال انسان همواره به آنچه در درون او از معانی و صفات وجود دارد، پیوسته است مانند پیوند شاخه های درخت باریشه های آن که در اعماق زمین فرو رفته است پس اصلاح اعمال انسان وابسته به اصلاح اخلاق اوست. با پیشرفت صنعت و فناوری در دنیای امروز، اهمیت رعایت ارزش های اخلاقی در استفاده از این ابزارها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. اسلام به عنوان دینی جامع، اصول و رهنمودهای خاصی را برای بهره گیری صحیح از صنعت و فناوری ارائه کرده است. این تحقیق به بررسی دیدگاه اسلام درباره ارزش های اخلاقی در این حوزه می پردازد و نشان می دهد که هدف از آفرینش انسان به طور مستقیم با استفاده مؤثر و معنوی از صنعت ارتباط دارد. صنعت تنها وسیله ای برای کسب درآمد نیست، بلکه بخشی از مسئولیتی است که انسان در بهبود زندگی خود و دیگران به عهده دارد. اسلام تأکید دارد که صنعت و فناوری باید در راستای رشد انسانیت، رفاه عمومی و عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. رعایت ارزش های اخلاقی در این زمینه نه تنها به توسعه پایدار کمک می کند بلکه موجب بهره وری بیشتر و بهبود کیفیت زندگی انسان ها نیز می شود.

در دین مبین اسلام رعایت اصول و ارزش های اخلاقی در همه بخش های زندگی به ویژه فعالیت های صنعتی و فناوری از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. استفاده از صنعت و فناوری در شرایط فعلی نقش برانده ای در ترقی و پیشرفت جوامع بشری دارد اما این پیشرفت نباید باعث نقض اصول اخلاقی اسلام گردد.

با پیشرفت روزافزون صنعت و فناوری استفاده از منابع طبیعی و انجام فعالیت های صنعتی به مشکل جدی تبدیل شده است

بررسی اصول اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام یکی از موضوعات با اهمیت و ارزشمند نظام اخلاقی اسلام است، بنابراین ایجاب می نماید که به عنوان موضوع مستقل مورد بحث و مداقه قرار گیرد. دوم اینکه دانشمندان و محققان خارجی، اگرچه موضوع را مورد بحث قرار داده اند؛ اما با تأسف

فراوان باآنکه تاریخ تأسیس مؤسسات تحصیلی و تحقیقی در افغانستان نسبت به برخی از کشورهای دیگر قدامت دارد ولی علماء و نویسندگان ما در این زمینه خیلی بی توجه بوده و هیچ نوع اثری را که در آگاه سازی مسلمانان سودمند باشد از خود بجا نگذاشته اند. سوم اینکه دانشمندان و محققان بیرونی کتاب ها و مقالات زیادی را در این زمینه، به رشته تحریر درآورده اند، اما به جانب اصولی اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام که یکی از موضوعات مهم اخلاق اسلامی است پرداخته باشند بسیار اندک و ناچیز است. چهارم، برخی از بخش های این موضوع کاملاً جدید و معاصر است و نیازی به بیان حکم و ارزش های اخلاقی اسلام دارد که هنگام استفاده از آن باید رعایت گردند.

بناءً این موضوع را تحت عنوان اصول اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام تحقیق و به رشته تحریر درآوردیم تا از این طریق توانسته باشیم خدمت ناچیزی را به دوستان و علاقه مندان علم و معرفت انجام دهیم.

۱- اصول اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام چیست؟

۲- با در نظر داشت کدام ارزش ها استفاده از صنعت مشروع است؟

به نظر می رسد که اصول اخلاقی برای استفاده از صنعت در دین مبین اسلام بیان گردیده است. گمان می رود برخی از ارزش های برای بهره گیری از صنعت در اسلام بیان شده باشد.

مرور آثار

صنعت و فناوری چون از موضوعات جدید است که در مراحل ابتدایی تشریع احکام اسلامی بخش هایی از صنعت که فعلاً اختراع گردیده است ناشناخته بود در قرآن کریم، صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابو داود و دیگر متون حدیثی، به تفصیل به اصول اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی اشاره کرده اند. در این منابع می توان به مفاهیم مختلفی مانند صداقت در تجارت، پرهیز از ظلم و فساد و لزوم رعایت حقوق دیگران در صنعت اشاره کرد. در قرون اخیر کتب متعددی پیرامون این موضوع تألیف گردیده مانند (کریم عبد ساحر، رغد حسن حسین، خلود عبد الامیر مکلف، احمد عبد قاسم و محمد حسن الحلو) در کتب ارزشمندشان (أخلاقیات المهنة ۱۴۴۱ هـ ۲۰۱۹ م) و (مفرح بن سلیمان القوسی) در مقاله شان (اخلاق العمل في الإسلام) و (محمد محمود السواعده) در مقاله (أخلاق العمل في السنة النبوية) مباحثی را پیرامون این موضوع اختصاص داده اند و کتاب های ارزشمند دیگری چون: (أخلاق النبي وآدابه ۱۹۹۸) از أبو محمد عبد الله بن محمد بن جعفر بن حیان الأنصاري المعروف بأبي الشيخ الأصبهاني و (أخلاق المؤمن م ۲۰۰۲ م مطابق ۱۴۲۳ هـ) از عمرو

خالد به گونه غیرمستقل درزمینه کارهای بس بزرگی انجام داده‌اند و به شکل اختصاصی در مورد اصول اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام بحث صورت نگرفته و نیاز مبرم به بحث پیرامون این موضوع احساس می‌گردد.

روش بحث

در نگارش این مقاله‌ی علمی از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی به شکل کتابخانه‌ای استفاده صورت گرفته است. این معمولی‌ترین حالت تحقیق بوده و برای غنای موضوع به کتب معتبر علمی مراجعه گردیده و از منابع مورد ضرورت اعم از قرآن کریم، کتب حدیث، اخلاق اسلامی و کتاب‌های مرتبط به موضوع یادداشت‌برداری شده و پس از تنظیم و تدوین یادداشت‌ها به ترتیب مقاله پرداخته شده است. اصول و آموزه‌های اسلامی مرتبط با استفاده اخلاقی از صنعت و تطبیق آن با شرایط اجتماعی و صنعتی امروز بیان گردیده و تلاش شده تا از طریق منابع اسلامی و متون دینی اصول اخلاقی مرتبط با صنعت استخراج و بررسی شود.

هدف این است که استفاده از صنعت در جوامع اسلامی باید با رعایت اصول اخلاقی که در قرآن مجید و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان شده است، همراه باشد تا توسعه صنعتی به گونه‌ای پایدار و موافق با آموزه‌های اسلامی انجام شود.

اصول اخلاقی در اسلام

تعریف ارزش‌های اخلاقی در اسلام

ارزش‌های اخلاقی در اسلام شامل صداقت، عدالت، امانت‌داری، رعایت حقوق دیگران و عدم زیان‌رسانی به دیگران است. این اصول در تمام جنبه‌های زندگی از جمله استفاده از فناوری و صنعت مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

اخلاق در کار و صنعت مجموعه‌ای از اصول، الگوها و ارزش‌های والایی است که اسلام بر پابندی به آنها و به کار بستن شان در انجام کار و صنعت تأکید کرده است. (القوسی، (ب ت) أخلاق العمل في الإسلام : ص ۱).

اصول اخلاقی در استفاده از صنعت و فناوری

آن عده اصولی که در استفاده از صنعت باید رعایت گردد، قرار ذیل است:

۱. حفظ کرامت انسانی

در این باره احترام به کارگران و پرداخت حقوق آنان در معیاد مشخص در عرصه صنعت، رعایت توازن بین سود و حقوق انسان و عدم آسیب رسانی به انسان به خصوصی قابل توجه است.

الف. کرامت انسانی

فناوری باید در خدمت انسان باشد، نه وسیله‌ای برای تحقیر، سوءاستفاده یا نقض حقوق بشر، حفظ کرامت انسان در شرایط انقلاب صنعتی یک ضرورت اساسی است؛ زیرا این موضوع به حفظ حقوق کارگران و بهبود شرایط آن‌ها ارتباط دارد. ارزش‌های اسلامی انسان را به حفظ کرامت و احترام به حقوق برابر در تمامی زمینه‌های کاری، از جمله صنعت، تشویق می‌کند. آن اندازه کرامتی که به انسان در اسلام بخشیده شده، در هیچ دینی داده نشده، خداوند در سوره مبارکه الإسراء می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (الإسراء: آیت ۷۰): و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم (و به آنان کرامت و فضیلت بخشیدیم)

این آیه بیانگر ارزش والای انسان و حقوق اوست. بر این اساس، حفظ کرامت انسان در تمامی جنبه‌های زندگی، از جمله در محیط‌های صنعتی، ضرورت مبرم است.

این یعنی در هر شغلی:

* با همه کارگران با احترام رفتار شود؛

* حقوقشان به موقع پرداخت شود؛

* شرایط کار ایمن باشد.

ب. حقوق کارگران زیادی در روش‌های کار و تأثیر آن‌ها بر کرامت انسان به وجود آمد. کار در کارخانه‌ها اغلب با استثمار و شرایط سخت همراه بود که منجر به بروز نقض حقوق و نابرابری شد؛ بنابراین، تقاضاهای مداومی برای بهبود شرایط کار و احترام به حقوق کارگران وجود داشت؛ و موجب فراخوانی دانشمندان و اندیشمندان به بهبود شرایط کار و حفظ حقوق کارگران شد.

و اسلام بر رعایت حقوق کارگران تأکید نموده، حقوق آنان را تضمین می‌کند و کار را شرفی می‌داند که باید به آن احترام گذاشته و به ارزش آن توجه شود و به شرایط کار ایمن و مناسب اهمیت می‌دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیثی می‌فرمایند: «أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ» (ابن ماجه، ۱۴۳۰ هـ. سنن ابن ماجه: ج ۳، ص ۵۱۱). به کارگر مزد او را پیش از آنکه عرقش خشک شود، بپردازید.

این حدیث بر اهمیت و لزوم پرداخت به موقع حقوق کارگران و احترام به زحمات آن‌ها تأکید دارد. کارفرمایان مسلمان باید شرایط کاری مناسبی را فراهم کنند و به کرامت کارکنان خود احترام بگذارند.

ج. منع تبعیض

در دین اسلام، هرگونه تبعیض به شدت محکوم است. کارگران نباید به خاطر تبعیض‌ها از حقوق خود محروم شوند. برقراری عدالت در پرداخت و استخدام، از اصول اساسی در شریعت اسلامی است که بر اساس آیات و احادیث مستند است.

به طور مثال پیامبر اسلام، محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: «الْأَنْسُ سَوَاءٌ كَأَنَّ سَنَانَ الْمَشْطِ» (الهندي، ب ت، كنز العمال: ج ۳، ص ۶۶). مردم بسان دندان‌های شانه، باهم مساوی‌اند. این حدیث به این معناست که همه انسان‌ها در حقوق و وظایف مساوی هستند.

د. توازن بین سود و حقوق انسان

کار در صنعت بخشی از عمران و ثروت محسوب می‌شود، اما باید این شامل مسئولیت اجتماعی باشد. شرکت‌ها باید برای کسب سود در کنار حفظ حقوق انسان‌ها تلاش کنند.

تعالیم و آموزه‌های اسلام عزیز بر لزوم حفظ توازن بین منافع اقتصادی و حفاظت از حقوق افراد تأکید دارد که این امر به ایجاد محیط‌های کاری که از کرامت انسان حمایت می‌کند، کمک می‌کند.

۲. رعایت عدالت و عدم تبعیض در دسترسی به فناوری

عدالت و انصاف به معنای تحقق حقوق افراد و برابری در رفتار است و قوانین باید به صورت عادلانه و بدون تبعیض اجرا شوند. این دو از ارزش‌های اساسی در آموزه‌های اسلامی به شمار می‌آیند که در ساختن یک جامعه پایدار و باثبات مؤثر هستند.

عدالت به اهمیت فراهم کردن محیط‌های کاری عادلانه و برابری در حقوق و فرصت‌ها با حفظ توازن بین ظرفیت‌های اقتصادی و عدالت اشاره دارد. صنایع باید به دنبال دستیابی به سود با رعایت

پوهنیار شیرمحمد انوری

حقوق و حفاظت از کارگران از یک طرف و حفاظت از محیط زیست در سایه عدالت اجتماعی از طرف دیگر باشند، صنعت و فناوری باید در خدمت همه انسان ها باشد، نه فقط گروهی خاص.

الف. ضرورت عدل

یکی از بنیادی ترین اصول در شریعت اسلامی عدل است. الله متعال در قرآن می فرماید: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ (النساء: آیت ۵۸): و چون در میان مردم حکم کنید به عدل [و انصاف] حکم کنید.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (النحل: آیت ۹۰): به راستی خداوند به داد و نیکوکاری فرمان می دهد.

این آیت مبارکه نشان دهنده اهمیت عدالت در تعاملات اجتماعی، از جمله در حوزه های اقتصادی و صنعتی است.

در سوره نساء خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾ (النساء: آیت ۱۳۵). این آیه به عدالت در تمام معاملات امر می کند.

مثال های عدالت در صنعت:

* قیمت گذاری منصفانه کالاها؛

* عدم تقلب در تولید؛

* پرداخت حقوق برابر برای کار برابر؛

پس فناوری نباید باعث بی عدالتی، انحصارطلبی یا بهره کشی از دیگران در هیچ عرصه و هیچ زمانی، شود.

ب. انصاف در معاملات

شریعت اسلام به مسلمانان دستور می دهد که در معاملات خود انصاف را رعایت کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّيِّينِ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ» (الترمذی، ب ت، سنن الترمذی: ج ۳، ص ۵۱۵). تاجر راست گو و با صداقت و امین [روز قیامت حشر خواهد شد] با انبیاء، صدیقین و شهداء.

این حدیث به اهمیت صداقت و انصاف در تجارت اشاره دارد و تشویق به رفتار خوب و منصفانه در کسب و کار می کند.

جنبه‌های عدالت و انصاف:

برابری: باید با همه افراد یکسان رفتار شود، بدون توجه به پیشینه‌های اجتماعی یا اقتصادی آن‌ها.

توزیع عادلانه منابع: منابع و فرصت‌ها باید به‌طور عادلانه توزیع شوند تا رفاه همگان تأمین گردد.

حفاظت از حقوق: عدالت تضمین‌کننده حفاظت از حقوق افراد و اجرای قوانین بدون تبعیض است.

مجازات مسئولان: باید نظامی برای مجازات افراد و نهادهایی که از عدالت تخطی می‌کنند وجود داشته باشد.

اهمیت عدالت و انصاف:

تقویت اعتماد: عدالت در عرصه صنعت، اعتماد افراد را به ادارات صنعتی و صنعت گران افزایش می‌دهد.

حمایت اجتماعی: در تحقق صلح و ثبات در جامعه مؤثر است. تحقق توسعه: عدالت و توسعه پایدار را با فراهم کردن محیط مناسب برای رشد و خلاقیت تقویت می‌کند.

ج. اصول اخلاقی در تجارت

مسلمانان بایستی از روش‌ها و سیاست‌های تجاری که شامل فریب یا سوء استفاده نباشند، در مجال صنعت استفاده نموده، قوانین اخلاقی را بکار بندند.

۳. صداقت و شفافیت در تولید و استفاده از فناوری و صنعت

از یک‌جهت باید از فریب‌کاری اجتناب صورت گیرد و از جهت دیگر رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و ارائه اطلاعات صحیح درباره محصولات باید در تمامی عرصه‌های صنعت مرعی گردد.

در تولید محصولات صنعتی و استفاده از فناوری، نباید فریب، تقلب، یا خیانت باشد؛ چون‌که پیامبر صلی‌الله علیه و سلم می‌فرماید: «مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا» (ابن‌ابی شیبه، ۱۴۰۹ هـ، المصنف فی الأحادیث والآثار: ج ۴، ص ۵۶۳). کسی که تقلب کند، از ما (مسلمانان واقعی) نیست.

این حدیث به اهمیت صداقت، شفافیت و امانت‌داری در تولید و عرضه محصولات صنعتی و فناوری اشاره دارد.

و در سوره بقره، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ {البقرة: آیت ۱۸۸}؛ و اموال خودتان را به باطل و ناحق میان خودتان نخورید.

این آیه به اهمیت امانت‌داری و شفافیت در معاملات مالی، بالخصوص در معاملات تجاری و صنعتی اشاره دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ» (الترمذی، ب ت، سنن الترمذی: ج ۳، ص ۵۱۵). تاجر راست‌گو و باصداقت و امین [روز قیامت حشر خواهد شد] با انبیاء، صدیقین و شهداء. در اینجا، ارزش امانت‌داری در کار نشان داده می‌شود.

۴. توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست

- پرهیز از استفاده نادرست از فناوری که منجر به تخریب محیط‌زیست شود؛
- مسئولیت اجتماعی در برابر آینده نسل‌های بعدی و کاهش اثرات منفی فناوری بر طبیعت؛
- ترویج فناوری‌های سبز و سازگار با محیط‌زیست.

صنعت و فناوری نباید منجر به تخریب محیط‌زیست، یا آلودگی آن و تخریب منابع طبیعی شود، خداوند در سوره اعراف می‌فرماید: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾ {الاعراف: آیت ۵۶}؛ در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید.

این آیه مسلمانان را به حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از آسیب به آن فرامی‌خواند ه هشدار می‌دهد که صنعت و فناوری باید در جهت آبادانی و رفاه انسان باشد، نه در جهت تخریب محیط‌زیست یا استثمار انسان‌ها، چنان‌که باید صنعت از امور ذیل دور باشد:

* از آلوده کردن آب و هوا؛

* زیاده‌روی در مصرف منابع طبیعی.

استفاده از فناوری باید بهینه باشد و از اتلاف منابع جلوگیری شود؛ زیرا که الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ {الإسراء: آیت ۲۷}؛ اسراف‌کنندگان برادران شیطان هستند.

صنعت باید به پایداری محیط زیست کمک کند و این می تواند با استفاده از فناوری های دوستدار محیط زیست و کاهش کثافات تحقق یابد.

استفاده از صنعت نیاز به پایداری به خدمت به جامعه و تحقق رفاه عمومی دارد و صرفاً به دنبال سود مادی نباید استوار باشد، الله متعال می فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة: آیت ۲): با یکدیگر بر نیکی و تقوا همکاری کنید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید، این به این معنی است که از فناوری و صنعت باید در راستای منفعت رسانی عمومی صورت گیرد و در مسیر ظلم، فساد و نابودی جامعه صورت نگیرد.

در کل باید از استفاده نادرست از فناوری که منجر به تخریب محیط زیست شود پرهیز صورت گیرد، مسئولیت اجتماعی در برابر آینده نسل های بعدی و کاهش اثرات منفی فناوری بر طبیعت نزد جهت های مربوطه مرعی باشد و در ترویج فناوری های سبز و سازگار با محیط زیست سرمایه گذاری های چشمگیر صورت گیرد.

۵. **مقابله با سوء استفاده های مختلف:** از جمله سوء استفاده های اجتماعی، اقتصادی، یا حتی دینی، نیازمند روش ها و تدابیر شرعی است که در چارچوب اصول اخلاقی اسلام قرار دارد. برخی از این روش ها عبارت اند از:

۱. **آگاهی دهی و تعلیم:** یکی از مهم ترین روش ها، آگاهی دادن به افراد جامعه در مورد حقوق و وظایف شان است. اسلام تأکید زیادی بر علم آموزی و افزایش آگاهی دارد تا افراد قادر به تشخیص سوء استفاده ها و برخورد با آن ها باشند. چنانچه الله عزوجل می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر: آیت ۹): بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابرند؟ و در سوره مبارکه علق می فرماید: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (العلق: آیت ۱): بخوان به نام پروردگارت که آفرید.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (الخطابی، ۱۳۵۱ هـ - ۱۹۳۲ م، معالم السنن: ج ۴ ص ۱۸۶) طلب علم بر هر مسلمانی واجب است.

این آیات و حدیث نشان می دهند که علم و آگاهی در اسلام مقدمه ی رشد و قدرت تشخیص است و از جهل که بستر سوء استفاده است، جلوگیری می کند.

۲. **اعتماد به انصاف و عدالت:** اسلام بر انصاف و عدالت تأکید دارد و هرگونه رفتار یا اقدام غیرمنصفانه و ظالمانه را حرام می‌داند. در مواجهه با سوءاستفاده‌ها، باید از راه‌های قانونی و شرعی برای اصلاح وضعیت استفاده کرد. طوری که الله عزوجل فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (النحل: آیت ۹۰): خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد.

در آیت دیگر فرموده است: ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى﴾ (الأنعام: آیت ۱۵۲): و چون سخن گوید، عدالت را رعایت کنید، هرچند به زیان خویشاوند باشد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «اتقوا الظُّلْمَ؛ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الطیبي، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، شرح المشكاة للطیبي الکاشف عن حقائق السنن: ج ۵ ص ۱۵۲۵). از ظلم بهره‌زید، زیرا ظلم تاریکی‌هایی در روز قیامت است.

۳. **تقویت نظارت اجتماعی** (امر به معروف و نهی از منکر): در قرآن کریم و احادیث نبوی به مسئولیت اجتماعی و نظارت بر رفتار یکدیگر تأکید شده است. جامعه اسلامی باید به همدیگر کمک کند تا از بروز فساد و سوءاستفاده‌ها جلوگیری شود. الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران: آیت ۱۰۴): و باید از میان شما گروهی باشند که به نیکی دعوت می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۴. **استفاده از حقوق قانونی:** در مواردی که سوءاستفاده‌ها جنبه قانونی دارند، می‌توان از قوانین شرعی و وضعی برای مقابله با آن‌ها بهره برد. به‌طور مثال، در اسلام، ضمانت و پیگرد قانونی برای سوءاستفاده از اموال دیگران (غصب مال، دزدی، کلاه‌برداری) وجود دارد. خداوند متعال فرموده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ (البقرة: آیت ۱۸۸): اموال یکدیگر را به ناحق مخورید. درجایی دیگر فرموده است: ﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (الشوری: ۴۲): راه مجازات تنها بر کسانی است که بر مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق سرکشی می‌کنند.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» (القاري، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح: ج ۸ ص ۳۲۰۸). هر که از شما منکری را دید، باید با دست خود آن را تغییر دهد؛ اگر نتوانست، با زبان خود؛ و اگر باز هم نتوانست، با قلب خود (از آن بیزار باشد) و این پایین‌ترین درجه ایمان است.

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (الأندلسی، ۱۳۳۲ هـ، المتقی شرح الموطأ: ج ۶ ص ۴۶): نه زیانی رساندن رواست و نه زیان پذیری. و نیز فرمودند: «من غش فليس منا». (القرطبي، بت، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد: ج ۱۳ ص ۳۴۶): کسی که فریب دهد، از ما نیست.

۵. پاسخ‌گویی و مجازات مناسب: در صورتی که سوءاستفاده‌ای اتفاق افتاد، باید از طریق مجازات شرعی مناسب و با رعایت عدالت، پاسخ داده شود تا از تکرار چنین سوءاستفاده‌هایی جلوگیری شود. چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (البقرة: آیت ۱۷۹): و برای شما در قصاص، زندگی است، ای خردمندان. در آیت دیگری فرموده است: ﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا﴾ (الغافر: آیت ۴۰): هر که کار بدی انجام دهد، جز به همان اندازه کیفر داده نمی‌شود.

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ» (البخاري، ۱۴۲۲ هـ، صحيح البخاري: ج ۴ ص ۱۷۵): بی‌گمان آنچه ملت‌های پیش از شما را نابود کرد این بود که اگر شخصی بلندپایه در میان آن‌ها دزدی می‌کرد، او را رها می‌کردند؛ ولی اگر ضعیفی دزدی می‌کرد، بر او حد جاری می‌کردند.

۶. تشویق به صداقت و امانت‌داری: در قرآن کریم و احادیث نبوی، به صداقت، امانت‌داری و دوری از فریب و تقلب تأکید شده است. تربیت جامعه‌ای با این ویژگی‌ها به کاهش سوءاستفاده‌ها کمک خواهد کرد.

این روش‌ها کمک می‌کنند تا جامعه از سوءاستفاده‌ها در امان باشد و افراد در چارچوب اصول اسلامی زندگی کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ» (البخاري، ۱۴۲۲ هـ، صحيح البخاري: ج ۱ ص ۱۶) نشانه‌های منافق سه چیز است: چون سخن گوید، دروغ گوید و چون وعده دهد، خلاف کند و چون امانت‌دار شود، خیانت کند. همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث شریف دیگر می‌فرماید: «أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنِ اسْتَمَنَّكَ، وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ» (الطحاوي، ۱۴۱۵ هـ، ۱۴۹۴ م، شرح مشکل الآثار: ج ۵ ص ۹۱). امانت را به کسی که تو را امین دانسته بازگردان و به کسی هم که به تو خیانت کرده خیانت نکن.

این اصول اخلاقی بر اهمیت کار خوب و عدالت در معاملات صنعتی تأکید می‌کند، کرامت انسان و حقوق کارگران را حفظ می‌نماید و به تحقق توسعه پایدار در جامعه کمک می‌کند.

نتایج

در پایان بحث و تحقیق پیرامون اصول اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام به نتایج ذیل دست یافتیم:

۱- ارزش‌ها اصول اخلاقی اسلام علاوه بر اینکه مانع توسعه صنعتی نمی‌گردد بلکه بستر خوبی را برای استفاده از صنعت فراهم می‌آورد.

۲- ارزش‌های و اصول اخلاقی اسلام مانند امانت‌داری، عدالت، احسان، صداقت، رعایت حقوق دیگران و حفظ محیط‌زیست به گونه مستقیم بالای نحوه استفاده از صنعت تأثیر می‌گذارند.

۳- ارزش‌ها و اصول اخلاقی اسلام با هرگونه بهره‌برداری صنعتی که موجب فساد، ظلم، فریب، اسراف، آلودگی محیط‌زیست، تخریب جنگل‌ها، آسیب به انسان‌ها یا طبیعت شود مخالف است، به دلیل آیه مبارکه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» {الأعراف: آیت ۵۶}. آیه مبارکه بیانگر این است که توسعه صنعتی مطابق با ارزش‌های اخلاقی اسلام انجام شود.

۴- در دین مبین اسلام کارآفرینان و مدیران صنعتی نسبت به پیامدهای عملکرد خود مسئول‌اند. این مسئولیت فراتر از قانون بوده و بر پایه تقوا استوار است.

۵- صنعت از نظر آموزه‌های اسلامی باید در خدمت رفاه عمومی، رفع نیازهای مشروع انسان‌ها و توسعه پایدار باشد.

۶- استفاده از صنعت نباید سبب آسیب فردی، اجتماعی، جسمی و روحی به انسان‌ها یا طبیعت گردد.

۷- صنایع باید از انحصارطلبی و استثمار فردی بیرون شده در خدمت رفاه عمومی قرار گیرند.

۸- هدف از صنعت و فناوری رضای خدا و آبادانی و شکوفایی جهان باشد.

۹- منابع صنعتی در حد اعتدال باید به مصرف برسد و از آسیب رساندن به منابع طبیعی و محیط‌زیست خودداری صورت گیرد.

۱۰- حقوق نسل‌های آینده در استفاده از صنعت همیشه باید قابل رعایت نزد جهات مربوطه باشد.

در کل نتایج این مقاله نشان‌دهنده این است که اسلام نه تنها اینکه با توسعه صنعتی مخالف نیست بلکه خواستار قرار دادن آن در مسیر تأمین عدالت، ترویج فضیلت و زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری اخلاقی

است و این دیدگاه می‌تواند از سقوط انسان در ورطه انحصارگرایی و انواع سوءاستفاده‌های غیراخلاقی جلوگیری نماید.

مناقشه

نتایج فوق نشان می‌دهد که نگرش اسلام در قبال صنعت، نگرش اقتصادی و یا فنی محض نیست، بلکه اسلام صنعت را کاملاً اخلاق محور و ارزش محور می‌داند، برخلاف دیدگاه سکولارها که صنعت را یکی از مهم‌ترین ابزار قدرت و هیمنه در جنگ‌های اقتصادی می‌داند، درحالی‌که اسلام آن را ابزاری برای خدمت توسعه متوازن می‌داند.

بسیاری از رویکردهای مدرن صرفاً بر سود اقتصادی تأکید دارد برخلاف اسلام که بر قصد قربت و نیت صالح تأکید می‌کند که بروز دهنده وجه تمایز میان این دو مکتب فکر است، مبارزه اسلام با صنایع آلاینده و تسلیحاتی که به ضرر بشر و جامعه بیانجامد، به اصل «لا ضرر ولا ضرار» (ابن نجیم، ۱۴۰۰ هـ = ۱۹۸۰ م، الْأَشْبَاهُ وَالنَّظَائِرُ عَلَى مَذْهَبِ أَبِي حَنِيفَةَ الْعُمَانِ: ج ۱، ص ۸۵). استناد می‌کند.

نقطه عطف دیگر که در لابلای این تحقیق به آن دست یافتیم، این است که میان تعالیم اخلاقی اسلام و واقعیت زمینه‌های صنعتی فاصله زیادی به نظر می‌رسد، به‌طور مثال: استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، عدم رعایت عدالت در دسترسی به منابع طبیعی جهت توسعه صنعت، موجودیت صنایع تخریب‌کننده و زیان‌بار ... همه و همه نشان‌دهنده عدم اجرای اصول اخلاقی اسلام در زمینه است. در فرجام، می‌توان گفت که تعلیم اخلاق صنعتی و حرفوی، نظارت بر نهادهای اقتصادی و تولیدی، تحکیم آموزه‌های دینی در بازار کار و شرکت‌ها، برای داشتن صنعت اسلامی پاک، سودمند و بی‌ضرر در جوامع اسلامی ضرورتی مبرم پنداشته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در فرجام بحث روی اصول اخلاقی استفاده از صنعت از نظر اسلام به موارد ذیل دست یافتیم.

۱. در دین مبین اسلام برای تولید و استفاده از صنعت و فن آوری اصول اخلاقی بیان گردیده است؛
۲. حفظ کرامت انسانی در تمام جنبه‌های زندگی از جمله در محیط‌های صنعتی ضرورت مبرم است؛

۳. صنایع باید به دنبال دستیابی به سود، با رعایت حقوق و حفاظت از کارگران از یک طرف، با حفاظت از محیط زیست در سایه عدالت اجتماعی از طرف دیگر باشند؛
۴. مسلمانان از روش هایی که شامل فریب یا سوء استفاده نباشند در مجال صنعت استفاده نمایند؛
۵. در تولید محصولات صنعتی و استفاده از فن آوری نباید از فریب، تقلب یا خیانت استفاده صورت گیرد؛
۶. صنعت و فن آوری نباید منجر به تخریب محیط زیست یا آلودگی آن و تخریب منابع طبیعی گردد؛
۷. به روش های مقابله با سوء استفاده از قبیل آگاهی دهی از حقوق و وظایف افراد جامعه، تامین عدالت، امر به معروف نهی از منکر و مجازات کسانی که سوء استفاده از اموال مردم می کنند، توجه جدی شود.

پیشنهاها

- بر اساس یافته های تحقیق، پیشنهاد های زیر برای توسعه اخلاق صنعتی اسلامی ارائه می شود:
۱. هر چند در این مقاله تلاش شده اصول اخلاقی استفاده از صنعت از دیدگاه اسلام بیان گردد با آن هم بسنده نبوده، بنابراین به پوهنتون ها، آکادمی علوم و مراکز تحقیقاتی پیشنهاد می نمایم تا روی این موضوع بحث و تحقیق بیشتر نمایند.
 ۲. تدوین فقه الصنعة: ایجاد شاخه ای تخصصی از فقه برای بررسی مسائل اخلاقی و فقهی صنایع نوین و توسعه فنآوری، با مشارکت فقها و کارشناسان صنعت.
 ۳. تدوین فقه صنعت در قالب فقه نوازل.
 ۴. ایجاد نهادهای نظارتی شرعی در صنایع: پیشنهاد می شود در کشورهای اسلامی نهادهایی مشابه هیئت نظارت شرعی بانک ها، برای صنایع نیز ایجاد شود تا مطابقت فعالیت ها با اصول اسلام را بررسی نماید.
 ۵. تدریس مضمون اخلاق صنعت اسلامی: گنجاندن مضامین اخلاق صنعتی در نصاب درسی انستیتوت ها و پوهنتون های علوم مسلکی که به تعلیم اصول اخلاق حرفه ای از دیدگاه اسلام بپردازد.

پوهنیار شیرمحمد انوری

۶. تهیه استانداردهای اسلامی در صنعت: ایجاد شهادت نامه‌هایی مشابه مهر «حلال»، برای محصولات صنعتی که مطابق با اصول اخلاقی اسلام و مورد تأیید نهادهای نظارتی شرعی تولید و عرضه شده‌اند.

منابع

القرآن الكريم

ابن أبي شيبة، أبو بكر عبد الله بن محمد الكوفي. (١٤٠٩ هـ). المصنف في الأحاديث والآثار. (الطبعة الأولى). الرياض: مكتبة الرشد.

ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني. (١٤٣٠ هـ). سنن ابن ماجه. (الطبعة الأولى). دار الرسالة العالمية.

ابن نجيم، زين العابدين بن إبراهيم. (١٤٠٠ هـ = ١٩٨٠ م). الأشباه والنظائر على مذهب أبي حنيفة الثعمان. بيروت لبنان: دار الكتب العلمية.

الأندلسي، أبو الوليد سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن وارث التجيبي القرطبي الباجي. (١٣٣٢ هـ). المنتقى شرح الموطأ. (الطبعة: الأولى) مصر: الناشر: مطبعة السعادة.

البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة الجعفي. (١٤٢٢ هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. (الطبعة: الأولى) الناشر: دار طوق النجاة.

البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة أبو عبد الله. (١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م). صحيح الأدب المفرد للإمام البخاري. (الطبعة: الرابعة) الناشر: دار الصديق للنشر والتوزيع.

البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة، أبو عبد الله. (١٤٠٩). الأدب المفرد. (الطبعة: الثالثة) المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار البشائر الإسلامية.

الترمذي، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة. سنن الترمذي، دار الفكر للطباعة.

الخطابي، أبو سليمان حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب البستي. (١٣٥١ هـ - ١٩٣٢ م). معالم السنن. (الطبعة: الأولى) حلب: الناشر: المطبعة العلمية.

الطحاوي، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف. (١٤١٥ هـ، ١٤٩٤ م). شرح مشكل الآثار. (الطبعة: الأولى) الناشر: مؤسسة الرسالة.

الطبي، شرف الدين الحسين بن عبد الله (١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م). شرح المشكاة للطبي الكاشف عن حقائق السنن. (الطبعة: الأولى). مكة المكرمة - الرياض: الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز.

القاري، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي. (١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م). مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح. (الطبعة: الأولى) بيروت - لبنان الناشر: دار الفكر.

پوهنيار شير محمد انورى

القرطبي ، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد آلبر بن عاصم النمري . (ب ت) التمهيد لما
في الموطأ من المعاني والأسانيد . الناشر : مؤسسة القرطبه .
القوسى ، مفرح بن سليمان . (ب ت) اخلاق العمل فى الاسلام .
الهندي ، علاء الدين علي المتقي البرهان فوري بن حسام الدين . (ب ت) . كنز العمال في سنن الاقوال
والافعال . مؤسسة الرسالة .
الهندي ، علاء الدين علي بن حسام الدين . (١٤٠١ هـ / ١٩٨١ م) . كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال .
الطبعة الخامسة) الناشر : مؤسسة الرسالة الطبعة .

په صنعتي انقلاب کې د تحصيلي نصاب او مارکيټ موازنه او اغېز

پوهنيار نور الله حقمېل^۱، پوهنمل عبدالکريم احمدی^۲

۱. پښتو څانگه، ښوونې او روزنې پوهنځی، اروزگان د لوړو زده کړو مؤسسه

۲. پښتو څانگه، ښوونې او روزنې پوهنځی، جوزجان پوهنتون

* نویسنده مسئول - ایمیل: noorullahhaqmal1@gmail.com

لنډيز

دا مقاله د صنعتي انقلاب د پرمختګ په رڼا کې د تحصيلي نصاب او د کاري بازار ترمنځ اړیکه، موازنه او یو پر بل باندې یې اغېزې تر بحث لاندې نیسي. موخه دا ده چې تحصيلي نصاب څنګه د مارکېټ اړتیاوو ته ځواب ویلی او د صنعتي بدلونونو سره سم یې بدلون موندلی دی. د صنعتي انقلاب له پیل راهېسته د تحصيلي نصاب او د کاري بازار اړتیاوې یو د بل سره په اړیکه کې پاته شوي، خو تل یو ډول نه وې. صنعتي بدلونونه د تحصيلي نصاب پر محتوا، تدریسي میتودونو او زده کړو اغېز لري. د تحصيلي نصاب او مارکېټ ترمنځ د موازنې نشتوالی د فارغانو د بېکارۍ، د مسلکي نابرابریو او د صنعتي اړتیاوو د نه پوره کېدو لامل ګرځي. نصاب باید متحرک وي، ترڅو د صنعتي پرمختګونو سره سم د فارغانو مهارتونه تنظیم شي. په دې مقاله کې د تشریحي میتود څخه ګټه پورته شوې ده، چې د صنعتي انقلاب، تحصيلي نصاب او د کاري بازار ترمنځ اړیکې تحلیلوي. پایله داده، چې د تحصيلي نصاب او د مارکېټ ترمنځ متوازنه اړیکه د صنعتي پرمختګونو سره د زده کړیز سیستم همغږې کولو ته اړتیا لري. که نصاب د مارکېټ اړتیاوې په پام کې ونه نیسي، نو د فارغانو د بېکارۍ کچه لوړېږي او د صنعتي پرمختګ چټکتیا ټکنۍ کیږي، له همدې امله د تحصيلي نصاب جوړوونکي باید د صنعتي بدلونونو او د کاري بازار اړتیاوو ته ځانګړې پاملرنه وکړي، ترڅو د زده کوونکو مهارتونه د صنعتي پراختیا او کاري بازار له معاصرو اړتیاوو سره برابر شي.

کلیدي کلمې: صنعت، نصاب، مارکيټ، تحصيل.

A review: Curriculum Market Alignment and Its Impact in the Industrial Revolution

Teaching Assistant Noorullah haqmall^{1*}, Senior Teaching Assistant Abdul Karim Ahmadi²

1. Department of Pashto, Faculty of Education, Urozgan Higher Education Institute

2. Department of Pashto, Faculty of Education, Jozjan University

* Corresponding Author Email: noorullahhaqmal1@gmail.com

Abstract

This paper explores the relationship, balance, and mutual influences between the educational curriculum and the labor market in the context of industrial revolutions. It aims to investigate how the curriculum has responded to market demands and how it has evolved alongside industrial transformations. Since the onset of the Industrial Revolution, the needs of the labor market and educational curricula have remained interlinked, though not always in harmony. Industrial changes have significantly impacted the content of curricula, teaching methodologies, and learning processes. A lack of alignment between the curriculum and the labor market leads to graduate unemployment, a mismatch of skills, and an inability to meet industrial demands. The study emphasizes the necessity for a dynamic curriculum that adapts to ongoing industrial developments in order to properly align graduate skills with market needs. This research employs both theoretical and analytical approaches to examine the interconnections between industrial revolutions, curriculum design, and labor market trends. The findings highlight that a well-balanced relationship between education and the market is crucial for aligning the educational system with industrial progress. If curricula fail to address market requirements, unemployment among graduates may rise and industrial growth may stagnate. Therefore, curriculum developers must give special attention to industrial changes and labor market demands to ensure students acquire skills relevant to contemporary industrial needs.

Keywords: Industry, Curriculum, Market, Education

سریزه

الحمد لله رب العلمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین وعلی آله و اصحابه اجمعین .
صنعت او ټکنالوژي د بشري تاريخ له بنسټيزو محرکاتو څخه شمېرل کيږي چې د تمدن د پرمختګ، اقتصادي پراختيا او ټولنيزو بدلونونو اصلي عوامل بلل کيږي. د صنعتي انقلابونو رامنځته کېدو، د بشري ژوند بڼه بدله کړه، تحصيلي نظامونه يې تر اغېز لاندې راوستل، د بشري مهارتونو ماهيت يې بدل کړ او د کاري بازار اړتياوې يې په نوې بڼه تعريف کړې. افغانستان چې له اوږده جنگي حالت څخه راوتلی او له محدودو اقتصادي منابعو څخه ګټه اخلي، د دې بدلونونو په وړاندې لا تر اوسه له سنتي تحصيلي نصاب زياته ګټه اخلي. له همدې امله د صنعتي انقلابونو اغېزې او زموږ د تحصيلي نصاب اړتياوې ددې علمي څېړنې له لارې تر بحث لاندې نيول شوي دي.

سره له دې چې صنعتي انقلابونو نړۍ ته نوې اړتياوې، مهارتونه او د زده کړې میتودونه وړاندې کوي، خو د افغانستان تحصيلي نصاب تر ډېره پر زړه او غيږي کټورو موادو ولاړ دی. نو له همدې امله د صنعتي انقلابونو په راتګ سره د پوهنتونونو د نصاب او بازار تر منځ واټن رامنځته شو او د صنعتي انقلاب اړتياو ته نه پاملرنه هغه ستونزې دي، چې نه يوازې د زده کړو کيفيت يې کمزوری کړ، بلکه د فارغينو بې کاري ته يې هم زمينه برابره کړې ده. نو ځکه اړتيا ليدل کيږي، چې پر مارکيټ د صنعتي انقلابونو اغېز او د تحصيلي نصاب ترمنځ اړيکه تحليل شي او د اړينو اصلاحاتو لپاره علمي لارې چارې وړاندې شي.

تحصيلي نصاب هغه علمي او عملي چوکاټ دی چې د زده کوونکو د روزنې، مهارتونو او پوهې د ترلاسه کولو لپاره د ښوونيزو بنسټونو له لوري ترتيبېږي. نصاب يوازې د کتابونو او مضمونونو ټولګه نه ده، بلکه د ټولنې د اړتياوو، علمي پرمختګونو او کاري بازار د غوښتنو په رڼا کې بدلېدونکی جوړښت دی.

له بلې خوا کاري بازار هغه ټولنيز او اقتصادي ډګر دی چې وګړي پکې د خپلو زده کړو، مهارتونو او وړتياوو پر بنسټ دندې ترلاسه کوي او د هېواد د اقتصادي ودې او ټولنيز پرمختګ لپاره کار کوي. د کاري بازار اړتياوې په مستقيم ډول د نصاب له محتوا سره تړاو لري، ځکه که نصاب د بازار غوښتنو ته ځواب ونه وايي، د زده کوونکو مهارتونه د عملي کار په ډګر کې نيمګړي پاته کېږي.

پوهنځی نور الله حقمیل

د تحصیلي نصاب او کاري بازار تر منځ اړیکه د هرې ټولنې د علمي، اقتصادي او ټولنیز پرمختګ لپاره ستر ارزښت لري. که نصاب د بازار د اړتیاو سره سم عیار شي، نو زده کوونکي هغه مهارتونه زده کوي چې د کار په ډګر کې ورته اړتیا پېښېږي او په دې توګه د بې روزګارۍ کچه راټیټېږي او تولیدي ځواک زیاتېږي. له همدې امله د نصاب د سمون او د کاري بازار د غوښتنو ترمنځ توازن نه یوازې د فردي بریا لامل ګرځي، بلکې د هېواد د اقتصادي ودې او د ټولنې د دوامدار پرمختګ لپاره هم ستر ارزښت لري. ددې ترڅنګ دا څېړنه به د پالیسي جوړوونکو، نصاب کتونکو استادانواو تعلیمي ادارو لپاره یو بنسټیز علمي سند وي، څو خپل تحصیلي تګلوري له نړیوالو معیارونو او داخلي اړتیاوو ته په کتو په نوې بڼه برابر کړي.

د څېړنې پوښتنې

۱. صنعتي انقلابونه څه ته ویل کېږي او پر تحصیلي نصاب څه اغېز لري؟
۲. د افغانستان اوسنی تحصیلي نصاب د صنعتي انقلابونو اړتیاوو ته څومره ځواب ویلی شی؟
۳. کومې ستونزې د نصاب او صنعت ترمنځ د واټن لامل شوي؟
۴. څنګه کولای شو نصاب د صنعت له اړتیاوو سره همغږی کړو؟

د څېړنې موخې

- پر زده کړه او اقتصاد د صنعتي انقلابونو د اغېزو تحلیلول.
- د افغانستان د تحصیلي نصاب اوسنی حالت کتنه کول.
- د نصاب او صنعت تر منځ واټن پېژندل او د حل لارو وړاندې کول.
- د عصري نصاب د جوړښت لپاره علمي او عملي وړاندیزونه کول.

د څېړنې ادبیات

د صنعت د مفهوم او صنعتي انقلابونو د رامنځته کېدو تاریخ ته په کتو، څرګندېږي چې دا پدیده یوازې تخنیکي اړخ نه لري، بلکې پراخي ټولنیز، اقتصادي او تعلیمي اغېزې هم لري. صنعت د بشري ټولنو له لومړنیو مدني هڅو سره ملګرې پدیده ده او د انسان د فکري ودې، کار، تولید، اړتیاوو او نوښتونو محصول بلل کېږي.

د صنعتي انقلابونو لړۍ له ۱۸مې پېړۍ څخه راپیل شوې، چې هر صنعتي انقلاب د ټکنالوژۍ، تولید او ټولنیز جوړښت په بڼه کې ژور بدلونونه راوستي دي. د لومړي صنعتي انقلاب پیل د بخار

ماشین له اختراع سره تړاو لري، چې د تولید دودیز شکلونه یې بدل کړل او دودیز صنعت یې په ماشیني صنعت بدل کړی (ارشاد، ۲۰۱۲). دویم انقلاب بیا د بریښنا، فولادو او د موټرو تولید ته لاره هواره کړه، دریم صنعتي انقلاب د کمپیوټر او معلوماتي تکنالوژۍ پر بنسټ ولاړ و او څلورم صنعتي انقلاب اړوند نظر دا دی چې له ۲۰۱۱م کال وروسته مطرح او پیل شوی دی (Schwab, 2016).

څېړنې ښيي چې هر صنعتي انقلاب یوازې په تولیدي ساحه کې بدلون نه دی راوستی، بلکې د ټولنیزو ارزښتونو، زده کړو، کار، اقتصاد، د انساني ژوند طرز او فکر باندې ژورې اغېزې اچولي دي (Toffler, 1980). تحصيلي نصاب د هغه مسلک د یوې ډلې متخصصینو په مرسته په داسې ډول جوړیږي، چې د یو ملت تاریخ، عقاید ارزښتونه او لید لوری یې په پام کې ونیول سي (میچل، ۱۳۹۲). له همدې امله، تحصيلي نصاب بیا کتنې باید د صنعتي بدلونونو سره سمې تر سره سي، څو نسلونه د راتلونکو بدلونونو لپاره آماده شي. د افغانستان تحصيلي نصاب، چې تراوسه ډېر له نظریو او تقلیدي روشونو اغېزمن دی، د نوې نړۍ اړتیاوو سره سمون نه خوري او د څلورم صنعتي انقلاب د تقاضاوو پوره کولو ته چمتو نه دی.

د نړیوالو څېړنو ترڅنګ، سیمه ییزې ارزونې هم دا ښيي چې د افغانستان تحصيلي نظام نه یوازې له صنعتي بدلونونو سره د برابرېو څخه وروسته پاته دی، بلکې د فقر، جګړو، ټولنیزې نابرابرۍ او د غیرفعال روزنیزو ستراتیژیو ښکار هم دی. (Carney, 2022) نو ځکه د نصاب عصري کول، د مهارتونو پر بنسټ زده کړو ته عملي بڼه ورکول، د تکنالوژۍ سره د زده کوونکو اشنا کول او د مارکیټ اړتیاوي په نصاب کې ځای پر ځای کول یوه ضروري اړتیا بلل کیږي.

د څېړنې میتود

دا څېړنه یوه کتابتوني څېړنه ده، چې د لیکلو لپاره یې بېلابېل کتابونه، مجلې او مقالې لټول سوي او په مروري ډول د موضوع اړوند معلومات تحلیل او تشریح سوي دي. په دې مقاله کې د صنعت، صنعتي انقلابونو اغېزې پر ټولنیز ژوند، زده کړه او نصاب څرګندي شوي دي؛ څو د وخت له غوښتنو سره سم تحصيلي نصاب همبرغي او له بازار سره د تحصيلي نصاب اصلاح رامنځته شي؛ ددې لپاره چې یاده موضوع په ښه ډول تشریح او تحلیل شي نو تشریحي کړنلارې څخه پکې استفاده شوې ده.

د صنعت او صنعتي انقلاب پېژندنه

پوهنیار نور الله حتمل

صنایع د خامو او لومړنیو موادو د بڼې بدلون ته ویل کیږي، چې د وگړو د استفادې په خاطر په دغو لومړنیو او نیم کاره موادو باندې د پروسس او بدلون عملیه تر سره کیږي. نن ورځ صنعت او صنایع د اقتصاد یوه مهمه برخه جوړوي، چې د هیوادونو په ټولنیز پرمختګ کې مهم رول لري. په ملي اقتصاد کې د صنایعو عاید او ارزښت معمولاً د یوه کال په ترڅ کې د اړوند هیواد په ملي پیسو افاده کیږي. دغه سکتور یو مؤلّد سکتور دی، چې له ملي منابعو څخه په کار اخیستلو، د استخدام د فرصتونو ایجاد او د ټولنیزو اړتیاوو په رفع کولو کې ځانګړی ارزښت لري. صنایع په بشري ټولنو کې ډېره اوږده سابقه لري. د بېلګې په توګه د خټینو لوښو جوړول، د لومړنیو لرګینو وسایلو تولید او حتی له هډوکو څخه د اسبابونو چمتو کول، ټول د صنایعو هغه لومړنۍ بېلګې دي، چې بشري ټولنو ورته مخ اړولی و. که موږ له لرګي څخه میز یا چوکۍ جوړوو، لرګی خام توک دی، د میز جوړول صنعتي پروسه او جوړ شوی میز صنعتي کار تمام جنس دی. په دې توګه له صنایعو څخه د خرڅلاو او مارکیټ لپاره اجناس رامنځته کیږي، د صنایعو مفهوم د لومړنیو او خامو توکو د بڼې په بدلون کې نغښې دی، چې د انسان د شعور او هدفمند کار له امله په هغو کې ګټور توب ورزیاتېږي، د دغه مفیدیت په زیاتېدو سره د لومړنیو خامو موادو کیفیت، ارزښت او د کار وړتیا هم لوړیږي (ارشاد، ۲۰۱۲).

د صنایعو ډولونه

۱- لاسي صنایع: په دغه ډول صنعت کې د ماشین پر ځای د انسان مټ کار کیږي او خام توکي په ګوتو او لاسونو او یو شمېر ساده وسایلو بدلون مومي یا هغه توکي چې اکثره د ساده وسایلو په کارولو سره په لاس جوړ شوي وي او په عمومي ډول هنري او یا دودیز طبیعت و لري لاسي صنایع بلل کیږي (Dash & Mishra, 2021). ددغه ډول صنعت کار ځای ته مانوفکتوري (Manufactory) ویل کیږي. دا باید له یاده ونه باسو، چې د ټکنالوژۍ په پرمختګ سره لاسي صنعت خپل ارزښت له لاسه ورکړی دی، خو ددې برخلاف د لاسي صنایعو د تولیداتو ارزښت د ماشین په پرتله او چټ دی.

۲- ماشیني صنایع: اصلاً د انډسټري (Industry) کلمه د همدې ډول صنعت لپاره کارول کیږي، په دې ډول صنعت کې خام توکي د لاس په واسطه نه بلکې د ماشین او ټکنالوژي په مرسته په کارتمامو توکو بدلیږي. ماشیني صنایع د اتلسمې پېړۍ په پای او د نولسمې پېړۍ په پیل کې په اروپا کې د لومړي ځل لپاره په انګلستان کې د بخار د ماشین په رامنځته کېدو سره پیل او د جیمز واط دغې اختراع ته د صنعتي انقلاب د پیل ټکی بلل کیږي (اریانا دایرة المعارف، څلورم ټوک، ۱۳۹۰).

صنعتي انقلابونه

لومړی صنعتي انقلاب: ځینې لیکوال د بخار ماشین د اختراع وخت د لومړي صنعتي انقلاب د پیل ټکی ګڼي. توماس نیوکامن په ۱۷۱۲ کال کې د لومړني بخار ماشین په اختراعولو سره دا تخنیکي لاسته راوړنه د لومړي صنعتي انقلاب د پیل په توګه مطرح کړه. وروسته، جیمز واط د بخار د ماشین اړوند ځینې بنسټیز اصلاحات راوستل (پیره بابی او ویقوبی، ۲۰۲۵).

د دویم صنعتي انقلاب د پیلېدو وخت ډېر دقیق نه دی ذکر شوی، خو ځینو اثارو د ۱۹مې پېړۍ پای او د ۲۰مې پېړۍ پیل د دویم صنعتي انقلاب د دورې په توګه ګڼي. د ځینو څېړونکو په نظر، د دې انقلاب یو له مهمو بدلونونو څخه د تخصصي او ګران بیه ماشینونو کارول وو. په دې انقلاب کې بریښنا، ګازو او تیلو کشف درېیم انقلاب لپاره لار پرانیستله.

د درېیم صنعتي انقلاب د پیل ټکی په ۱۹۷۱ کال د مایکرو چپ (microchip) اختراع ګڼل کیږي. چې د نوې کمپیوټري ټیکنالوژۍ په ځانګړې توګه د کمپیوټرونو له راتګ سره د تولید موثریت زیات شو او د کاري ځواک لګښتونه یې کم کړل.

د څلورم صنعتي انقلاب په اړه د وخت اړوند یعنې د څلورم صنعتي انقلاب د پیل اړوند د څېړونکو ترمنځ اختلاف شتون لري. ځینې پوهان باور لري چې د څلورم صنعتي انقلاب دوره پیل شوې ده، بله ډله پوهان بیا نظر لري چې څلورم صنعتي انقلاب لا تر اوسه پیل شوی نه دی او پر لاره دی. که د اوسني عصر ډیجیټالي سیستمونو، مصنوعي ځیرکتیا او د ټکنالوژي په مرسته لویو لویو تحولاتو ته ځیر شو څلورم صنعتي انقلاب راغلي او د پنځم صنعتي انقلاب د پیل نښې هم ښکاره شوي دي (پیره بابی او ویقوبی، ۲۰۲۵).

د صنعتي انقلاب دوره	شروع او ختم	د لیږد دوره	د انرژۍ سرچینې	اصلي لاسته راوړنې	اصلي تخنیکي صنعتونه	پر مختللي د انتقال وسایل
لومړی صنعتي انقلاب	۱۷۶۰- ۱۹۰۰	۱۸۶۰ - ۱۹۰۰	سکاره او د تیلو سرچینې	د بخار ماشین	ټوکر	اورګاډی

دوهم صنعتي انقلاب	۱۹۰۰- ۱۹۶۰	۱۹۴۰- ۱۹۶۰	د تیلو برق	د داخلي احتراق ماشین	ملزات او موټر	اورگاډی، موټر
درېیم صنعتي انقلاب	۱۹۶۰- ۲۰۰۰	۱۹۸۰- ۲۰۰۰	اتومي انرژي او طبیعي ګاز	کمپیټرونه، روباټونه	اټو، کېمیا	موټر، الوتکه
څلورم صنعتي انقلاب	۲۰۰۰- ۲۰۱۰	۲۰۰۰- ۲۰۱۰	شنه انرژي	انټرنیټ ۳ډي پرنټر	لوړ صنعتونه	برقي موټر، ګړندي اورگاډی

د څلورو صنعتي انقلابونو او د تمدن د پنځو دورو ترمنځ ورته والي شتون لري: د ښکار او راټولولو دوره، د کرنې دوره، د صنعت دوره، د معلوماتي کارکوونکو دوره او د راڅرګندېدونکي حکمت دوره. له همدې امله، موږ کولی شو د څلورم صنعتي انقلاب فرصتونه د تمدن د دې پنځو دورو د ځانګړتیاوو له لارې تحلیل کړو. لومړی، د هرې نوې دورې تولیدي ظرفیت د مخکینۍ دورې په پرتله پنځوس برابره لوړ شوی. د بېلګې په توګه، د کرنیزې دورې په پرتله د صنعتي دورې د تولیدي ظرفیت زیاتوالی وګورئ. دویم، هره نوې دوره د پخوانۍ دورې ډېری دندې له منځه وړي. د معلوماتي دورې پرمختګ د صنعتي دورې دندې له منځه وړي دي (Xu & Kim, ۲۰۱۸).

د صنعتي انقلاب اغېزې پر ټولنه او اقتصاد

صنعتي انقلابونه د تحصيلي او اقتصادي برخو پر پرمختګ یاندي ژور اغېز لري. په تحصيلي برخه کې، دا انقلابونه د ټکنالوژۍ، ډیجیټلي او مسلکي زده کړو ته وده ورکوي، خو له بله پلوه زده کړو ته د ځینو کسانو لاس رسی د خنډ سره مخ کوي. د ښوونکو رول د لارښود بڼه غوره کوي او د کاري بازار اړتیاوې ور بدلوي. په اقتصادي برخه کې، صنعتي انقلابونه د تولید چټکتیا، اقتصادي ودې او نړیوالو سیالیو ته وده ورکوي، خو د ساده کارکوونکو لپاره د دندو له منځه تلو او د عایداتو د ستر توپیر سبب ګرځي. څلورم صنعتي انقلاب د مصنوعي ځیرکتیا، اتومات سیستمونو او ډیجیټلي اقتصاد له لارې د ټولنې په اقتصادي او تعلیمي جوړښت کې لوی بدلونونه رامنځته کړي دي؛ خو زموږ هیواد لا هغومره چټک بدلون نه دی ورسره کړی.

ځکه په افغانستان کې دوديزي، اسلامي او عصري زده کړې تر سره کيږي، په دې درو ډولونو کې صنعتي انقلاب له دوديز او عصري زده کړې سره ډېره اړيکه لري. دا چې افغانستان خوځله د انګريزانو له خوا تر يرغل لاندې راغلی او د جګړې ميدان پاته شوی دی، نو ځکه د نورو هيوادونو په څېر د صنعتي انقلاب له کاروانه سره سم نه دی تللی او شاته پاته شوی دی. خو بياهم د خپلو هڅو څخه بې مخ نه دی اړولی او د شلمې پېړۍ په شروع کې د افغانستان عصري کول هڅه تر سره شوې، لومړی اساسي قانون تصويب شو، د نر او ښځو لپاره د زده کړو زمينه برابره شوه (Yusufzada & Sediqi, 2020) د دغو انقلابونو، په ځانګړي ډول د څلورم صنعتي انقلاب، اغېزې د ټولنې پر تعليمي

برخو د دريو اساسي محوروونو پر بنسټ تحليل شوې دي

۱. زده کړو ته لاسرسی او ګټه ور څخه اخيستل.

۲. د تحصيلي نظام لپاره شته سرچينې.

۳. د تحصيلي نظام فعاليت او پايلې.

پر دې پر بنسټ چې په تحصيلي نظام کې د کومې ډلې زده کوونکي يا محصلين شتون لري، زده کړې ته د لاسرسي بېلابېلې تجربې ډلبندي کېدای شي. د تحصيلي نظام بېلابېلو ګټو ته په کتو، داسې ښکاري چې په دې نظام کې تجربه شوې بې عدالتي د څلورو اساسي بنسټونو له مخې جلا کېدای شي:

۱- د ټولنيزو طبقو او اقتصاد له مخې نابرابري: دا نابرابرۍ تر ډېره د اقتصادي ښه والی او ټولنيز موقف يا د ټولنيزو طبقو د توپير پر بنسټ تعريف شوي دي، څېړنې ښيي چې د زده کړې په نابرابرۍ کې تر ټولو مهم او پراخ بدلونونه د کورنۍ د عايد سره تړاو لري. ځکه د والدينو شتمني د ماشومانو په تحصيلي پرمختګ کې مهم رول لري.

۲- د جنسيت پر بنسټ نابرابري: د جنسيتي نابرابرۍ مفهوم د ښځو او نارينه وو ترمنځ د تحصيلي فرصتونو د نامساوي وېش ته ګوته نيسي

د جنسيتي نابرابرۍ لاملونه د ټولنيزو، کلتوري، مذهبي، اقتصادي او داسې نورو جوړښتونو پايله ده، چې د ښځو پر تعليمي مشارکت او د زده کړو پر پېښودو باندې اغېز لري.

۳- د قومي توپيرونو پر بنسټ نابرابري: تر ډېره پوري د قومي جوړښتونو سره په اړيکه کې په وجود راځي.

۴- د جغرافيوې موقعيت پر بنسټ نابرابري: په پرمختللو هيوادونو کې د ښارونو او کليو اقتصادي ډلبندي

د ټولو خلکو لپاره یو ډول نه ده. کلیوالي سیمې د زده‌کړې او روغتیايي خدماتو له محدودیتونو سره مخ دي. د ښاري سیمو څخه لیرې استوګنه زده‌کړو ته د لاسرسۍ له لویو خنډونو څخه شمېرل کېږي. په ښارونو کې زده‌کونکي او محصلین لوړو زده‌کړو او خدماتو ته نږغ په نږغه لاس رسی مومي (Khosravipour, Alizadeh& etc, 2022).

تحصیلي نصاب

نصاب (تعلیمي پروګرام) هغه وسیله ده چې پوهنتون پرې خپل مسؤلیتونه د زده‌کونکو پر وړاندې ادا کوي (Friedman, 2002). یا نصاب د ښوونځیو او پوهنتونو لپاره مقرر شویو کتابونو ته ویل کېږي (مشواني ۲۰۱۰). د نصاب اصطلاح باید په پراخ مفهوم درک شي. که یوازې د زده‌کونکو د زده‌کړې لپاره د موضوعاتو یوه لیست ته محدوده شي، نو ممکنه ده د ارزونې (ازموینې) سره یې اړیکه دومره سطحې وګڼل شي چې دا بحث بې‌اړیکې ښکاره شي. تحصیلي نصاب د هغه مسلک د یوې ډلې متخصصینو په مرسته په داسې ډول جوړېږي، چې د یو ملت تاریخ، عقاید ارزښتونه او لید لوری یې په پام کې ونیول سي (میچل، ۱۳۹۲). خو لږ کسان به دا دومره محدود تعریف ومني. په عمومي توګه، نصاب د ښوونیز بهیر ټولو اړخونو ته شاملېږي. دا نه یوازې د درسي محتوا، بلکې د تدریس، زده‌کړې او تحصیلي سرچینو په ګډون د تحصیل اړوند ټول عناصر پکې رانغاړل کېږي.

تر ټولو ګټور تعریف هغه دی چې پراخ او انعطاف‌پذیر وي، خو په پوهنتونو کې چې د ټولو تحصیلي فعالیتونو او د زده‌کړې بهیر ټولو اړخونو ته پوښښ ورکړي. دا تعریف یوازې درسي محتوا نه، بلکې د زده‌کړې ټول عملي او نظري ابعاد رانغاړي.

نصاب د یوې تحصیلي طرحې اساسي اصول او ځانګړتیاوې داسې وړاندې کوي چې نیوکه پرې ممکنه وي او د عملي تطبیق وړتیا ولري، چې هم ارزول کېدای شي او هم په مؤثره توګه تطبیق کېدای شي (Scott, 2016).

نصاب هغه میکانیزم دی چې پوهنتون د هغه له لارې خپلې دندې د زده‌کونکو په وړاندې ترسره کوي، یا نصاب په پوهنتون کې هغه لوی سیستماتیک فعالیت دی، چې د استادانو کورس پالیسۍ، د مضمون مفردات، تحصیلي لاسته راوړنې، زده‌کړیزې موخې کوم چې استاد او محصل دواړه پکښې ښکېل وي رانغاړي (Friedman, 2002).

د تحصیلي نصاب د بدلون اړتیا

د نصاب د بدلون اړتیا ځکه لیدل کیږي، چې صنعتي انقلابونو د ژوند پر هره برخه اغېز بندلی دی، ددې لپاره چې له فرصتونو سمه استفاده وشي او ننگونو ته حللاري وموندل شي نو متحول نصاب ته اړتیا لیدل کیږي؛ ځکه د وخت له نوو پرمختگونو سره علمي او ټیکنالوژیکي بدلونونو ته اړتیا زیاته شوې، چې زده‌کوونکو ډول ډول مهارتونه ور زده شي او د پوهې کچه یې لوړه شي. نصاب باید د داسې بدلونونو په لټه کې وي چې د زده‌کوونکو له اړتیاوې په نظر کې ونیسي، د ټولنې له غوښتنو ته جواب ووايي او د نړیوالو چیلنجونو په وړاندې مقاومت څرگند کړي..

لومړۍ اړتیا دا ده چې نصاب باید د زده‌کوونکو د پوهې پراختیا ته وده ورکړي او هغوی ته داسې مهارتونه ور زړه کړي؛ خو په عملي ژوند کې ورته اړتیا ولري او عملاً پکار ورشي. د ټیکنالوژۍ، نړیوالو اړیکو او د بازارونو بدلونونو ته په کتو د نصاب بدلون د هغو فرصتونو پوره کولو لپاره اړین دي چې د علمي پرمختګ او نړیوالو چیلنجونو سره په همغږي کې وي.

همدارنګه، د نصاب بدلون باید د تحصیلي چاپیریال، کلتوري توپیرونو سره ټکر ونه لري او د زده‌کړو مختلفې اړتیاوې په پام کې ونیسي، ترڅو ټول زده‌کوونکي د معیاري او کیفیت له مخې برابر زده‌کړیزو فرصتونو ترلاسه کړي.

په دې برخه کې د زده‌کوونکو او څېړونکو د څېړنې سره د اړیکو ټینګولو پر اهمیت تمرکز شوی دی، چې د زده‌کړې په پروسه کې هغوی د یوې اساسي برخې په توګه مطرح کیږي. زده‌کوونکي باید په منظم ډول فرصتونه ولري، خو د خپلو موسسو څېړنې او همدارنګه د خپلو زده‌کړو اړوند نورې څېړنې وپېژني. د بېلګې په توګه، هغوی ممکن د څېړنیزو ډلو سره تړاو پیدا کړي، یا د یو ځانګړي څېړونکي د کار ژوره څېړنه او کتنه وکړي. د "حقیقي نړۍ" څېړنیزو مطالعاتو سره د ښکېلتیا له لارې، زده‌کوونکي هڅول کیږي چې خپلې څېړنیزې پوښتنې جوړې کړي او ځواکمن شي ترڅو پلټنې او کره کتنې تر سره کړي. (Fung, 2017).

لکه څنګه چې زده‌کړه یو سیاسي بهیر هم ګڼل کیږي، نو د نصاب بدلون باید د بحث او خبرو اترو له لارې ترسره شي، ترڅو ټول اړین اړخونه د مهمو پریکړو په نیولو کې ونډه ولري. له یوې خوا به د ګډونوالو معلومات زیات شي او هر اړخیز پرمختګ ته به لار هواره شي. ملتونه باید تل خپل موجود ښوونیز سیستمونه وازروي، نیمګړتیاوې یې وپېژني او مناسبې حللاري ورته ولټوي، ترڅو د کاري بازار د بدلونونو سره ځان عیار کړي. د معلوماتو زیاتوالی به هغوی ته د خپلو وړتیاوو د کشف او د مناسبو مسلکي لارو د انتخاب زمینه برابره کړي (Law, 2022). نو ځکه، د موجوده تحصیلي او

صنعتي اړتیاوو پر بنسټ، هېوادونه باید وخت په وخت د نصاب بدلونونه رامنځته کړي، ترڅو زده‌کوونکي د اوسني او راتلونکي کاري بازار ته ځانونه چمتو کړي.

لکه څنګه چې مخکې یادونه وشوه، د زده‌کړې بهیر د عملي پوهې او مهارتونو په لوړولو سره پیاوړی کیږي، چې دا یوه ځانګړې تحصیلي اړتیا ده. همدارنګه، د معلوماتي ټکنالوژۍ پرمختګ (لکه انټرنیټ او مصنوعي څېړنګتیا) نوي چیلنګونه رامنځته کړي، چې زده‌کړو او مسلکي مهارتونو ته نوی لوری ټاکي. باید په څرګند ډول یادونه وشي چې اوسنی سوداګریز سکتور ورځ تر بلې خپلې اړتیاوې ځانګړي کوي او هم یې روښانه کوي او د پوهنتونونو تحصیلي بهیر په مستقیم او غیرمستقیم ډول دې ته اړباسي چې وخت پر وخت له غوښتنو سره سم تغیر شي. (Sojkin & Michalak, 2016)

د بازار او زده‌کړو د همېرغې اړتیا څه ده؟

په نصاب کې د کاري وړتیا د مهارت رامنځته کول ډېر مهم دی، ځکه چې دا کار محصلان د کاري بازار اړتیاوو ته چمتو کوي او د هغوی عملي وړتیاوې پیاوړي کوي. د اوسنۍ زده‌کړې موخه یوازې نظري زده‌کړې نه دي، بلکې د داسې وړتیاوو وده هم له ځان سره رانغاړي چې فارغان وکولی شي په مسلکي چاپیریال کې اغېزمن رول ولوبوي. که نصاب د عملي مهارتونو پیاوړتیا، د ستونزو د حل، انتقادي تفکر او کاري اخلاقو ته پاملرنه ونه کړي، نو فارغان به له خورا لویو ستونزو سره مخ شي او د کاري بازار غوښتنې به ور پوره نه کړي. له همدې امله، د مسلکي او کاري وړتیا رامنځته کول باید د تحصیلي نصاب یوه اساسي برخه وي، خو زده‌کوونکي نه یوازې نظري پوهه ترلاسه کړي، بلکې عملي تجربه هم ولري (حق پرست، ۲۰۲۵) د دې لپاره چې موږ له بازار سره د همېرغې خواته حرکت وکړو او د مارکیت اړتیا په نښه شي اړتیا لیدل کیږي چې له سوداګریزو بنسټونو څخه د څېړنې او زده‌کړې لپاره مالي ملاتړ ترلاسه شي، څېړنیزو پوهنتونونو جوړ شي، د مهمو پروژو د تطبیق لپاره مالي منابعو پیدا شي، د علمي متخصصینو ګاونډی په تحصیلي بهیر کې رامنځته شي، د څېړنیزو او پراختیايي فعالیتونو د ترسره کولو لپاره لابراتوارونو او تجهیزاتو ته لاسرسی برابر شي، سوداګریزو او ټیکنالوژۍ د لېږد ګډ مرکزونو او شرکتونه رامنځته شي. همداسې د سټک هولډرانو (دولتي او غیر دولتي ادارې) ترمنځ اړیکې قوی شي ترڅو د فارغېدونکو زده‌کوونکو د لومړني استخدام او کاري فرصتونو کې چټکتیا ته لاره برابره شي. نو ددې څخه په څرګند ډول معلومیږي، چې بېلابېل سکتورونه، لکه پوهنتونونه، سوداګریز بنسټونه او دولت د استخدام په برخه کې خورا لوی رول او حیثیت لري. پوهنتونونه صنعتي او ټولنیزو اړتیاوو ته په کتو د زده‌کړو د تطبیق او عملي روزنې له لارو چارو سره

مرسته کوي. د کاري بازار اړتياوي د سوداگريز بنسټونو لخوا ټاکل کيږي. د استخدام د پاليسيو سره سم د انټرنشپ او روزنيزو پروگرامونو له لارې محصلينو ته فرصتونه برابرېږي. دولت د تحصيلي پاليسيو برابرول، د کاري بازار تنظيم او د فرصتونو د برابرولو له لارې فارغين کاري بازار د دوی وړتياو او مهارتونو ته په کتو نښاسي. د پورته ادعا پر بنسټ د کاري بازار ټول شريکان هغه که شخصي يا دولستي سکتورونه دي همغږي کول يې د فارغينو استخدام ته لاره برابروي (Yordanova, 2018).

کاري بازار ته د ننولو په وخت کې د فارغه کېدونکو محصلانو د وړتيا او تخصصي زده کړو لپاره د پوهنتونونو انتخاب خوار اغېزمن تماميږي. همدا پوهنتونونه د هغوی د مسلکي پرمختگ بنسټ ټاکي. د يو پوهنتون انتخاب يوازي د تحصيلي نصاب، کادري غړو او مادي منابعو پورې محدود نه دی، بلکې د عملي تجربو، مهارتونو او د پروژو د تطبيق په وخت کې د محصلانو گډون زيات اغېزمن وي. نن سبا له پوهنتون فارغ محصلانو ته د سيالۍ وړتيا يوازې د نظري علم پر بنسټ نه ده، بلکې تر ډېره هغه عملي مهارتونه مهم دي چې د کاري بازار د دوامداره بدلونونو سره سمون و لري. کارگومارونکي اوس زياتره هغه نومانان د خپل راتلونکي کامند په توگه غوره کوي چې د وخت له کارۍ چاپېريال سره د بلدتيا عملي وړتيا او تجربې ولري. له پوهنتون څخه هغه فارغان، چې په خپلو سوانحو کې د زده کړو په جريان کې مسلکي فعاليت و نه لري، د استخدام يا گمارني لږ فرصت لري (Sojkin & Michalak, 2016).

موږ د يوداسي ټيکنالوژيکي انقلاب په درشل کې يو، چې د ژوند، کار او يو بل سره د اړيکو طريقه بدلوي. دا بدلون، د لويوالي او پيچلتيا له پلوه د انسانو لپاره بې ساری دی. که څه هم لا معلومه نه ده چې دا بدلون به نور څه شي رامنځته کړي، خو يوه خبره روښانه ده، چې په پراخه کچه د دندو له منځه تلو تر څنگ، گڼې نورې ننگونې هم رامنځته کوي. د حل لپاره يې زموږ غبرگون بايد يووالی ولري او ټول اړخونه، له دولتي او خصوصي سکتورونو نيولې، تر علمي او مدني ټولنې پورې پکې شامل وي. د څلورم صنعتي انقلاب تر سيوري لاندې فارغ زده کونکي بايد درک کړي، چې پر تليفونو، کورنيو امنيتي کيمرو، موټرونو او نورو رغيزو وسايلو باندي سايريږي بريد، هکينگ او نورو د اوسني ژوند لويې ستونزې دي. داټول هغه مسايل دي چې زموږ فارغ کېدونکي محصلان يې بايد درک کړي (Xu & Kim, 2018). خو بدبختانه زموږ په تعليمي د ټيکنالوژۍ په چټرانو کې تر اوسه فلش کارډونه، چارتونه، پروجکټور او ډېر عادي توکي محصلانو ته تشرېح کيږي.

زموږ د تحصيلي نصاب ستونزي

پوهنتونونه ډېرې مهمې دندې ترسره کوي. هغوی خلک د صنعتي او له صنعت وروسته د دموکراتیکو ټولنو لپاره چمتو کوي. پوهنتونونه زده‌کونکي د هغو سختو او مهمو دندو لپاره روزي چې ځانګړې وړتیاوې او پوهه غواړي. دوی د خلکو په ذهنونو کې کره کتنیز فکر ته وده ورکوي، څو وکولای شي خپل چاپیریال سمه معنا او پوره مانا درک کړي. پوهنتونونه دا فرصت هم برابرې چې زده‌کونکي د بېلابېلو علمي برخو په اړه ژور فکر او څېړنې وکړي. سربېره پر دې پوهنتونونه د څېړنې مرکزونه دي چې پوهه تولیدوي او داسې پروژې پیلوي چې دا خپله نوې تولید شوي پوهه په ژوند کې عملي کړي، په دې عملي روزني سره به محصلان د سترو او سختو دندو لپاره د کارکونکو په صفت چمتو شي، د داسې بشري قوې په روزلو سره به محصلانو اوسني نړۍ د خپلو اړتیاو سره په اړیکه کې درک او تفسیر کړي، چې سمدلاسه به د علمي پلټنې او مطالعې هڅه رامنځته شي او د پوهې د عملي کولو لارې چارې به وموندل شي. نو پوهنتونونه دنده لري، چې خپل نصاب په داسې نوې زاویه او چوکاټ کې ډیزاین کړي، څو په پلي کېدو سره یې محصلان حالات درک کړي (Friedman, 2002). لنډه دا چې پوهنتونونه دا هرڅه د تحصیلي نصاب په مرسته تر سره کوي، هره سیمه په سیاسي، فرهنګي، اقتصادي او جغرافیایي لحاظ ځانګړي فرصتونه او ستونزې لري، د پوهنتونونو موقعیت او په هیواد کې د خلکو علمي کچې ته په کتو سره نصاب د خپل فرهنګ سیاست او اقتصادي حالت سره اړیکه ولري. ځکه بېله اړیکې جوړشوي نصاب نه عملي کېږي. ددې لپاره باید موږ خپل چاپیریال مطالعه کړو، چې دا کار خپله یوې څېړنې ته اړتیا لري بیا د همدې څېړنو د لاسته راغلو نتایجو پر اساس نصاب جوړېږي. زموږ په هیواد نصابونه د چټکو انقلابو په رامنځته کېدو د پورته لارو چارو په نظر کې نیولو سره نه دي جوړ شوي؛ نو ځکه زموږ تحصیلي نصاب زیاتي ستونزې لري او فارغ محصلان مو د بې کارۍ له ستونزو سره لاس او ګریوان دي.

د لوړو زده‌کړو بنسټونو خپل درسي کورسونه د لوړو زده‌کړو د لارښوونو او معیارونو سره سم نه تنظیموي. د ځینو مهمو مضمونونو د مفرداتو او درسي چټک ترمینځ د یووالی اړیکه نشته او همدارنګه، موجوده نصاب د وروستیو معلوماتو او پرمختګونو سره هم غبرۍ نه دی. د لوړو زده‌کړو لپاره ګڼ شمېر مهم او عصري کورسونه په سمه توګه نه تدریس کېږي. د زده‌کړې پروګرامونه محصل محور نه دي، بلکې تر ډېره د ښوونکو د شخصي خوښې او علاقې پر اساس تدریسېږي.

پوهنځی نور الله حتمل

په اوسني وخت کې زده کړې د پخوانیو دودیزو زده کړو پر خلاف پر پایلو او محصل محوریتوب او د تدریس پر محسوسو نتایجو تکیه کوي او د نصاب د پلي کېدو لپاره لاندې پوښتنو ته جوابونه لټوي.

۱: موږ کومې زده کړیزې پایلې غواړو، چې زده کوونکي یې ترلاسه کړي؟

۲: ولې زموږ زده کوونکو باید دا ډول پایلې ترلاسه کړي؟

۳: څنگه کولی شو زده کوونکو سره اړینه مرسته وکړو تر څو دغه زده کړې ترلاسه کړي؟

۴: موږ څنگه پوهېدای شو چې زده کوونکو دغه پایلې واقعاً ترلاسه کړي دي؟

د پایلو پر بنسټ ولارې زده کړې لاندې شپږ ځانگړنې لري.

۱. پایلې هغه وروستی لاسته راوړنې دي چې زده کوونکي یې د ټولو زده کړیزو پړاوونو له بشپړولو وروسته تر لاسه کوي.

۲. پایله یوازې دا نه ده چې زده کوونکي څه باور لري، څه احساس کوي، څه یادوي، په څه پوهېږي یا څه درک کوي او نه هم د زده کړې موقتي بڼه ده، بلکې دا هغه پروسه ده چې زده کوونکي یې په عمیق ډول په خپل درون کې ځای پر ځای کوي.

۳. پایله یوازې دا نه ده چې زده کوونکي څومره پوهېږي، بلکې دا هم ده چې دوی څومره توان لري چې له یادو زده کړو په عملي برخه کې څومره ګټه اخیستلی شي.

۴. لاسته راغلو پایلې چې په حقیقي ژوند کې هر څومره زیاتي استعمالیږي، هغومره یې د دوام احتمال زیاتېږي.

۵. پایلې باید د ژوند مهم مهارتونه او محتوا په پام کې ونیسي او باید عملي بڼه ولري؛ که نه، نو دا به یوازې د هېږدونکي معلوماتو یا یوې اړخیزې پوهې په توګه پاته شي.

۶. نصاب باید د وروستیو لاسته راوړنو پر بنسټ ډیزاین شي، وخت پر وخت د پایلو ارزونه تر

سره شي او وروستی پایلې له زده کړیز بهیر سره بې اړیکې ونه ګڼل شي (Ping,2020)

زموږ تحصیلي نصاب د پایلو پر بنسټ ولاړو زده کړو د کړنلارې سره سم نه پلي کیږي، ځکه زموږ په پوهنتونو کې تر اوسه داسې استادان سته، چې یادو زده کړو اړوند سیمارونه او ورکشاپونه یې نه دي اخیستي او سندونه یې نه لري. نو ځکه به د تحصیلي نصاب په پلي کېدو کې د محصل محوره او پایلو پر بنسټ ولاړو زده کړو ګڼلاره عملي کړو. بل دا چې په ځینو پوهنتونو کې د تدریسي ودانیو نا معیاریتوب او د کادري تشکلاتو کمبود هغه ستونزې دي چې اوس موجودې دي او زموږ نصاب

یې له ستونزو سره مخ کړي دی. په همدې اساس ځینې مضمونونه د زده‌کوونکو اړتیاوو ته په کافي اندازه برابر نه دي، نه منظم دي او نه هم د اړونده څانگو لخوا په سمه توګه اداره کیږي. په عمومي ډول، د لوړو زده‌کړو په زیاتو موسسو کې ښه روزل شوي استادان، ادارې ودانۍ، تدریسي ودانۍ، د ساینسي او څېړنیزو معیاري لابراتوارونو نه شتون هغه ستونزې دي چې زموږ د زده‌کوونکو او استادانو اړتیاوې په پوهنتونو کې نه پوره کیږي. د دې تر څنګ ورکشاپونه د زده‌کړې لپاره مناسب نه دي، ځکه اساسي مواد، وسایل او فزیکي فضا د اوسنیو معیارونو سره برابر نه دي. سربېره پر دې، د لوړو زده‌کړو سست دریځ هم د تحصیلي کیفیت ټیټوالي ته لاره جوړه کړې. د اوسني تدریسي او اداري کارکوونکو شمېر د نړیوالو معیارونو په پرتله ډېر کم دی. د ښوونکو او زده‌کوونکو ترمنځ تناسب هم خورا ستر توپیر لري، چې دا د تحصیلي موسسو لپاره یو جدي ستونزه ده. سربېره پر دې، ډېری استادان لوړې تحصیلي درجې او د تخنیکي زده‌کړو او څېړنو تخصص نه لري، چې دا د ټیټ تحصیلي کیفیت یو بل مهم لامل دی. د ښوونکو او کارکوونکو معاشونه او نور امکانات د ګاونډیو هېوادونو په پرتله کم دي، چې د دوی د نارضايتۍ سبب ګرځي او د اخلاص او کیفیت پر بنسټ د تدریس روحیه کمزورې کوي.

که څه هم د لوړو زده‌کړو وزارت هڅه کوي، چې استادانو ته اسانتیاوې برابرې کړي او د تدریسي معیارونو د لوړولو لپاره بهرني متخصصین استخدام کړي، خو لا هم د تدریس لپاره کافي تخنیکي ملاتړ او روزنیز امکانات نشته. د تدریس د ارزونې او کیفیت د یقیني کولو لپاره هېڅ واضح تګلاره یا اصول نه دي پلي شوي. دا ستونزې نه یوازې په افغانستان کې ده، بلکې پاکستان او د جنوبي آسیا په نورو پرمختللو هېوادونو کې هم د لوړو زده‌کړو لپاره سترې ننگونې دي. باید د مسلکي استادانو جذب، مناسب معاشونه، تدریسي او څېړنیزې ودانۍ، معیاري ورکشاپونه، معیاري لابراتوارونه او د استادانو لپاره د امتیازاتو ځانګړې بستې رامنځته شي، څو غوره او لوړپوړي استادان جذب شي او د تحصیلي نظام کیفیت لوړ کړي. (Yusufzada & Sediqi, 2020) بله لویه ستونزه ډک نصاب دی چې محتوا یې له حده زیاته وي او استادان مجبور وي ټولې موضوعګانې په داسې تدریس کړي، چې زده‌کوونکي یې په سمه توګه درک نه کړي. دا حالت د زده‌کړې کیفیت کمزوری کوي او زده‌کوونکو ته د ژور فکر کولو او مهارتونو د پیاوړی کولو فرصتونه له لاسه ورکوي (Scott, 2016). زموږ په تحصیلي نصاب کې ځینې مضامین ته دومره زیات مفردات ورکړل شوي وي، چې د کریډیټونو سره خورا لوی توپیر

لري لکه د پښتو څانګې د مورفولوژي مضمون، چې په یوه تحصیلي سمستر کې تدریسول محصلان د ناسم درک او نه پوهاوي له ستونزې سره مخ کوي.

د تحصیلي نصاب ډیزاین هم د مسلک یوه ساحه ده او هم د تحقیق، چې د تحقیق او عمل بیلابیلو اړخونه باندې اغېز لري. دا دواړه اړخونه باید سره یو ځای شي، څو د نصاب د ډیزاین او پراختیا لپاره اغېزمني او جامع لارې چارې رامنځته شي (Friedman, 2002). دا چې افغانستان دا څلور پنځه لسیزې د جنگ میدان پاته شوی دی، نو ځکه د مسلکي اړخه د اغېزمن او معیاري نصاب د رامنځته کولو لپاره له ستونزو سره لاس او ګریوان یو.

زموږ د نصاب بله ستونزه داده، چې په ټولګي هغه محصلان زیات ستایل کيږي، چې لوړه نمره ترلاسه او میخانیکي درس یې په یاد کړي وي. که د محصلانو د ستاینې معیار له نمرې څخه د ددوی د نوښت، تخلیق او له درس څخه د ژوند په عملي ډګر کې د زیاتې ګټې اخیستنې پر بنسټ ترسره شي نو دابه زموږ د محصلانو لپاره د کاري فرصتونو په موندلو زیاته مرسته وکړي. که د ټولګي کلتور پر انعامونو، نمرې، یا د ټولګي د مقام پر بنسټ ولاړ وي، نو زده کوونکي هڅه کوي چې تر ټولو لوړې نمرې واخلي، نه دا چې پر خپل زده کړیز ضرورت تمرکز وکړي، هغه وخت چې یو د زده کوونکي استازیتوب د هغه نمرې وکړي. له دې وضعیت څخه راپور ته سوې یوه پایله دا ده چې زده کوونکي درس په ژوند کې عملي کولو لپاره نه وایي بلکې خپل وخت او انرژي د درست ځواب موندلو ته ځانګړي کوي. بل دا چې زموږ ځینې استادان دیکتاتورې چلند کوي زیات وختونه محصلان په خپل فکر کې راټوګېدلي پوښتني ځکه نه کوي، چې استاد په قهر نه سي او استاد محصل د ناکامۍ ګندي ته ور ټیټل وي (Scott, 2016) زموږ تحصیلي نصاب د هغه استادانو د نظریاتو او پوهې پر اساس جوړیږي، چې د هغوی استخدام د دوی د ټولې تحصیلي دورې ۷۵ نمرې د سلنې د ترلاسه کولو په شرط تر سره کيږي او بیا وروسته د ګمارل شوي استاد لخوا یو کنفرانس ارایه کيږي، چې تر ډېره حده هغه ته د لوړې فیصدۍ پر اساس د کامیابۍ نمرې ورکول کيږي. که چیرې د استادانو استخدام په تحصیلي دوره کې د هغوی د نوښتي فکر او فعالیت ته په کتو تر سره شي؛ نو زموږ د تحصیلي نصاب ستونزې هم تر یوې اندازې ورسره حلېږي.

بحث

ددې څېړنې له نتایجو ښکاري چې صنعتي انقلابونه نه یوازې اقتصادي نظامونه او تولیدي فابریکې بدلوي، بلکې د زده کړو پر محتوا، سیستم او هدفونو باندې هم اغېز شوي. له لومړي میخانیکي انقلاب څخه نیولې تر څلورم ډیجیټلي انقلاب او مصنوعي ذکاوت تر پړاو پورې، له زده کړو نوي غوښتنې او اړتیاوې غوښتل کيږي؛ چې د دودیزو تحصیلي نصابونو له جوړښت سره مطابقت نه لري، په ځانگړې توگه د افغانستان په څېر هیوادونو کې. په پورته څېړنې کې معلومه شوه چې د افغانستان تحصیلي نصاب لا هم تر ډېره د دوهم او درېم صنعتي انقلاب د اړتیاوو مطابق جوړ شوی، چې تمرکز یې پر حفظي زده کړه، د معلوماتو انتقال او یوازې د محتوا پر وړاندې کولو باندې تکیه کړې ده. حال دا چې د څلورم صنعتي انقلاب غوښتنې لکه انتقادي فکر، ډیجیټل مهارتونه، نوښت، همکاري او د معاصرو ستونزو حل، د نصاب په اوسني جوړښت کې یا نشته او یا یې ځای ډېر محدود دی.

سربېره پر دې دا هم څرگنده شوه چې د افغانستان اقتصاد د ټیکنالوژۍ له نړیوالو بدلونونو سره سمون نه لري او اقتصادي وروسته پاتې والی د تحصیلي نصاب پر محتوا هم اغېز کوي. یعنې د صنعتي تحول او تحصیل تر منځ اړیکه نه ده فعال شوې او دا تشه له یوې خوا د کاري بازار او له بلې خوا د فارغانو تر منځ واټن زیاتوي. د نصاب نا مناسبه بڼه د ځوانانو لپاره نه یوازې د کاري فرصتونو د کمښت سبب شوې، بلکې د فکري پراختیا، ټولنیز مشارکت او نړیوال رقابت لپاره یې هم خنډونه پیدا کړي دي.

ددې څېړنې بله مهمه موند دا ده چې د صنعتي انقلابونو په وړاندې د افغانستان د تحصیلي سیستم د ځواب ویلو توان ډېر کم دی، ځکه د پالیسي جوړونې بهیر کمزوری دی او همداراز د استادانو روزنه، زده کړیز وسایل او د ټیکنالوژیکي بنسټونو اړتیاوې په پراخه کچه نه دي حل شوي. د څلورم انقلاب کلیدي ځانگړتیاوې لکه د معلوماتو مدیریت، مصنوعي ځیرکتیا، اتوماتیک سیستمونه او ټیکنالوژیکي پوهه باید په تحصیلي نصاب کې ځای ومومي، خو دا اړخونه تر اوسه د افغانستان په نصاب کې ندي ورگډ شوي.

همداراز، دا هم وښودل شوه چې تحصیلي پالیسي جوړونکي تر ډېره د نصاب پر سیاسي او کلتوري اړخونو تمرکز کوي او عصري اقتصادي اړتیاوو او نړیوالو تحولاتو ته پاملرنه کمه ده. دا له دې امله، چې تر اوسه د تحصیلي نصاب جوړونې په بهیر کې د بازار اړتیاوې، د صنعت نظریات او ټیکنالوژیکي پرمختگونه منظم ډول نه دي پکې ځای پر ځای شوي.

که موږ غواړو د څلورم صنعتي انقلاب له فرصتونو ګټه واخلو، باید په تحصيلي نصاب کې بنسټيز اصلاحات رامنځته کړو. دا اصلاحات باید په تحصيلي نصاب کې د صنعت له اړتياوو سره سم تنظيم شي او د مهارتونو پر بنسټ وي، همداسې تخنیکي زده کړو ته پاملرنه وشي او د نړيوال رقابت لپاره زده کوونکي چمتو کړل شي. دا به نه يوازې د زده کړو کیفیت لوړ کړي، بلکې د هيواد د اقتصادي ودې لپاره به هم نوې دروازې پرانيزي.

پایله

د څېړنې پایلې ښيي چې صنعتي انقلابونه يوازې تخنیکي يا اقتصادي بدلونونه نه دي، بلکې ټولنيز، فرهنگي او تحصيلي ابعاد هم لري چې د بشري ژوند پر ټولو اړخونو ژور اغېز کوي. څلورم صنعتي انقلاب، چې د مصنوعي ذکاوت، روباتیک سیستمونو، ډیجیټل شبکو او د څیړکو ټکنالوژيو پر بنسټ ولاړ دی، زده کړې، کار او ژوند طرز ته نوې بڼه ورکړې ده. دا انقلاب له تعلیمي نظامونو څخه غواړي چې زده کوونکو په نوو مسلکي مهارتونو، نوښتگر فکر او په ټکنالوژيکي پوهه سمبال کړي.

دا مقاله څرګندوي چې د افغانستان تحصيلي نصاب لا هم د صنعتي انقلابونو له معاصرو غوښتنو سره همغږی نه دی. اوسنی نصاب د ستړي زده کړو پر بنسټ ولاړ دی، چې نه يوازې د زده کړو معاصرو اړتياوو ځواب نه سى ویلی، بلکې زده کوونکي یې له نړيوال رقابت او خود کفایي له اړخه هم له ځنډه او ځنډ سره مخ کړي دي. دا حالت د هيواد پر اقتصادي پرمختګ، ټولنيز ثبات او ټولنيزي پراختيا منفي اغېز ښندلی دی.

نو روښانه شوه چې د تحصيلي نصاب اصلاح يوه بنسټيزه اړتيا ده، چې باید د اوسني صنعتي تحولاتو سره سم د کاري بازار د غوښتنو، اړتياوو او د نړيوالو تجربو پر بنسټ ترسره او ترتيب شي. د دې لپاره باید د زده کړو پالیسي، پلان جوړونه، د ښوونکو روزنه، د نصاب محتوا او د ارزونې میتودونه له سره وازول شي او له عصري مفاهیمو سره همغږي شي.

په ټوله کې، له پورته څېړنې دا پایله ترلاسه کېږي، چې د افغانستان د تحصيلي نظام لپاره اړینه ده چې د وخت له صنعتي بدلونونو سره سم خپل جوړښت، محتوا او موخې اصلاح کړي، ترڅو زموږ هېواد وکولای شي د علمي، اقتصادي او ټولنيز پرمختګ پر لور پیاوړي ګامونه واخلي.

ماخذونه

ارشاد، اورنگزیب. (۲۰۱۲). افغانستان پېژندنه، دانش خپرندویه ټولنه.

پیره بابی، سامان او علی اکبر، یعقوبی. (۲۰۲۴). مروری بر انقلاب‌های صنعتی: انقلاب صنعتی پنم، عصر انرژی، عصر انرژی، <https://doi.org/10.22034/jmeut.2024.59876.3356>.
علومو اکاډمي، خلورم ټوک. (۱۳۹۰). اریانا دایرة المعارف. نبراسکا مطبه.
مشوانی، عبدالقیو. (۲۰۱۰). پښتو - پښتو سیند، دانش خپرونډویه ټولنه
میچیل، ایډنا. (۱۳۹۲). د پرمختللي پیداکوڅي پیژندنه، د پوهني وزارت د ښوونکو د روزني لوی ریاست.

محمد سرور، حق پرست. (۲۰۲۵) مطالعه ی نصاب تحصیلی مبتنی بر بازار کار و ارائه ی الگوی مناسب برای پوهنتون های افغانستان. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>

Carney, S. (2022). *Reimagining our futures together: a new social contract for education: by UNESCO, Paris, UNESCO, 2021, 186 pages, ISBN 978-92-3-100478-0.*

Dash, M., & Mishra, B. B. (2021). *Problems of handicraft artisans: an overview*. International Journal of Managerial Studies and Research, 9(5), 29-38.

Friedman, K. (2002). *Design curriculum challenges for today's university*.

Fung, D. (2017). *A Connected Curriculum for Higher Education*. UCL Press. <https://doi.org/10.14324/111.9781911576358>

Khosravipour, Z., Mehralizadeh, Y., Darafsh, H., Rahimidoost, G., & Karami, M. (2023). *Analysis of Educational Inequality Policies in Six Development Programs in Iran*. Iranian Journal of Public Policy, 9(3), 165-181.

Law, M. Y. (2022). *A Review of Curriculum Change and Innovation for Higher Education*. Journal of Education and Training Studies, 10(2), 16. <https://doi.org/10.1111/jets.v10i2.5448>

Ping, Y. (2020). *Humanities education reform exploration and practice under outcomes-based education (OBE)*. Образование и наука, 22(2), 77-96.

Schwab, Klaus. "The Fourth Industrial Revolution By." (2016).

Scott, D. (2016). *New perspectives on curriculum, learning and assessment*. Cham, Switzerland: Springer.

Sojkin, B., & Michalak, S. (2016). *Cooperation of a university with business practice*. Marketing of Scientific and Research Organizations. <https://doi.org/10.14611/minib.22.12.2016.12>

Toffler, Alvin. (1984). *Previews and premises*. Black Rose books.

Xu, M., David, J. M., & Kim, S. H. (2018). *The Fourth Industrial Revolution: Opportunities and Challenges*. International Journal of Financial Research, 9(2), 90. <https://doi.org/10.5430/ijfr.v9n2p90>

Yordanova, D. (2018). *University-industry cooperation for encouragement of graduating employability – methodology for evaluation*. Proceedings of the International Conference on Business Excellence, 12(1), 1048–1058. <https://doi.org/10.2478/picbe-2018-0094>

Yusufzada, S., Xia, Z., & Sediqi, M. (2020). *Challenges and Prospects of Higher Education in Afghanistan*. International Journal of Innovation and Applied Studies, 29(1), 29-36.

بررسی حقوقی اثرات صنعتی شدن افغانستان بر محیط زیست

نامزد پوهنیمار محمد حارث شریف^۱، پوهنیمار جان آقا نیک زاد^۲

۱. دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق و علوم سیاسي، پوهنتون البیروني.

* نویسنده مسئول - ایمیل: harif2.sharif@gmail.com

چکیده

صنعتی شدن افغانستان می تواند اثرات مخرب و زیان باری بر محیط زیست بگذارد. مهم ترین تأثیری که صنعتی شدن می تواند بر محیط زیست بگذارد، آلودگی محیط زیست است. آلودگی محیط زیست هرنوع تغییر در ویژگی های هوا، آب و خاک می باشد که اثر نامطلوبی بر سلامت محیط زیست، صحت انسان و سایر موجودات می گذارد. این تحقیق به دنبال آن است تا جنبه های حقوقی اثرات ناشی از صنعتی شدن افغانستان بر محیط زیست را بیان نماید؛ ضمن آن به چالش های حقوقی فراروی صنعتی شدن و حفاظت از محیط زیست پرداخته و راهکارهای حقوقی را نیز در این زمینه پیشنهاد کند. روش تحقیق، روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و معلومات آن از طریق مطالعات کتاب-خانه ای جمع آوری شده است. نتایج نشان می دهند که صنعتی شدن باعث تخریب و آلوده ساختن محیط زیست گردیده، اما چنین نتیجه گرفته می شود که حفظ سلامت محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن توسط آلاینده های صنعتی، می تواند با کنترل دقیق فعالیت های صنعتی و در نظر گرفتن یک چارچوب حقوقی منظم برای برقراری توازن میان صنعتی شدن و حفاظت محیط زیست، صورت گیرد. راهکارهایی که پیشنهاد شده است، تقویت قوانین برای کنترل اثرات صنعتی شدن، نظارت دقیق و مؤثر از صنایع، ایجاد مسئولیت حقوقی برای صنایع، ترویج فناوری های سبز، ایجاد مشوق های اقتصادی برای صنایع، ملزم ساختن صنایع به استفاده از تصفیه کننده ها و افزایش آگاهی مردم و صنعت گران می باشند.

واژه های کلیدی: آلودگی، توسعه اقتصادی، صنعت، صنعتی شدن، محیط زیست.

A Legal Study of the Impacts of Afghanistan's Industrialization on the Environment

Teaching Assistant Mohammad Haris Sharif^{1*}, Teaching Assistant Jan Aqa Nekzad²

1. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University

* Corresponding Author Email: harif2.sharif@gmail.com

Abstract

Afghanistan's industrialization can have destructive and harmful impacts on the environment. The most significant environmental impact of industrialization is environmental pollution. Environmental pollution refers to any change in the characteristics of air, water, and soil that negatively affects the environment, human health, and other living organisms. This research aims to examine the legal aspects of the impacts of Afghanistan's industrialization on the environment. In addition, it addresses the legal challenges facing industrialization and environmental protection, while also proposing legal solutions in this regard. The research method is quantitative, with a descriptive-analytical approach, and data has been collected through library studies. The results indicate that industrialization has led to environmental degradation and pollution of the environment. However, it is concluded that protecting environment and preventing its destruction by industrial pollutants can be achieved through strict control of industrial activities and the implementation of a proper legal framework to balance industrialization and environmental protection. The proposed solutions include: strengthening laws to control the impacts of industrialization, strict monitoring of industries, establishing legal responsibilities for industrial entities, promoting green technologies, creating economic incentives for industries, obligating industries to use filtration systems, and raising awareness among the public and industrialists.

Keywords: Economic Development, Environment, Industry, Industrialization, Pollution.

۱. مقدمه

صنعتی شدن با وجود اینکه با رشد تولید، اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی همراه بوده، اما آثار ناگواری بر محیط‌زیست گذاشته است. آلودگی هوا، آب، خاک و منابع طبیعی از آثار ناگواری‌اند که فعالیت‌های صنعتی می‌توانند بر محیط‌زیست داشته باشند. افغانستان به عنوان یک کشور در حال توسعه که در گام‌های ابتدایی مسیر صنعتی شدن قرار دارد، به دور از پیامدهای منفی و تهدیدات صنعتی شدن نبوده و اگر فعالیت‌های صنعتی در این کشور بدون ارزیابی‌های دقیق محیط‌زیستی و بدون در نظر گرفتن میکانیزم‌های حقوقی مؤثر و فقدان قوانین محیط‌زیستی صورت گیرد، منجر به آسیب‌های زیان‌باری به محیط‌زیست، منابع طبیعی و سلامت عمومی خواهد گردید.

اهمیت این تحقیق در آن است که تلاش می‌شود تا با رویکرد حقوقی، جنبه‌های مختلف تأثیرات صنعتی شدن افغانستان بر محیط‌زیست بررسی شده و برای صاحبان امور این فرصت را دهد که بتوانند توازنی میان توسعه صنعتی و حفاظت از محیط‌زیست برقرار نمایند. این تحقیق هم‌چنان از لحاظ توسعه پایدار حایز اهمیت بوده و راه‌گشای اصلاحات و تقویت نظام حقوقی کشور در حوزه حفاظت محیط‌زیست می‌باشد.

اهداف عمده این تحقیق طوری است که به تحلیل اثرات سوء صنعتی شدن افغانستان بر محیط‌زیست از منظر حقوقی بپردازد، اهمیت بررسی حقوقی تأثیرات صنعتی شدن افغانستان بر محیط‌زیست را بیان نماید، چالش‌های حقوقی مرتبط به صنعتی شدن افغانستان را بررسی کند و بالاخره پیشنهادات و راهکارهایی برای رفع چالش‌ها و برقراری بهبود، ارائه نماید. این مطالعه در صدد ارائه پاسخ به سوالات ذیل است:

۱. روند صنعتی شدن در افغانستان چه پیامدهای محیط‌زیستی می‌تواند داشته باشد؟
۲. چه چالش‌های حقوقی فراوری صنعتی شدن افغانستان و حفاظت از محیط‌زیست قرار دارد؟
۳. چه راهکارهای حقوقی را می‌توان برای رفع چالش‌ها در نظر گرفت؟

۲. روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام یافته و معلومات آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (مطالعه اسنادی) جمع‌آوری شده است. اطلاعات مورد نیاز از منابع معتبر علمی از جمله کتاب‌ها، مقالات علمی و اسناد حقوقی جمع‌آوری گردیده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

نامزد پوهنیار محمد حارث شریف

۳. مفاهیم عمده

۳-۱. صنعت و صنعتی شدن

مفهوم اقتصادی صنعت را فرهنگ عمید چنین بیان می‌کند: عمل کرد هر یک از مراکز تولیدی اعم از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها.

صنعت فعالیت جمعی که هدف مستقیم آن تولید مواد اولیه و تغییر شکل آن‌ها از طریق بکار بردن ماشین‌ها است. صنعت در مقابل امور کشاورزی و خدمات که هدف خدمات نهادن محصولات کشاورزی یا صنعتی در اختیار عموم (مانند حمل و نقل و تجارت) و یا ایجاد شرایط تولید (مانند بانک‌داری) یا اموری که جنبه اقتصادی ندارند مانند امور آموزشی (لنگرودی، ۱۳۸۸). صنعتی شدن فرایندی است که طی آن اقتصاد پیشا صنعتی و مبتنی بر کشاورزی یک کشور به سمت ماشینی شدن سوق یابد و تولید محصولات با استفاده از تجهیزات و ماشین‌آلات صورت بگیرد. یعنی در فرایند صنعتی شدن یک جامعه از اقتصاد کشاورزی و سنتی به سمت اقتصاد صنعتی و مبتنی بر تولید کارخانه‌ای حرکت می‌کند. صنعتی شدن معمولاً با رشد فناوری، افزایش تولید، توسعه شهرنشینی و تغییرات اجتماعی و اقتصادی همراه است.

۳-۲. محیط زیست

محیط لغت عربی بوده و از ریشه (حوط) گرفته شده است. به معنی آن چیزی که چیزی را احاطه نموده است. هم چنان اقیانوس را در عربی حوط می‌گویند (مشهدی، ۱۳۹۴). در زبان فارسی محیط به معنای (احاطه کننده) و (دربرگیرنده دنیا) است. در فرهنگ عمید به معانی ذیل استعمال شده است: جایی که انسان در آن زندگی می‌کند اعم از کشور، شهر، جامعه یا خانواده؛ احاطه کننده، فروگیرنده و اقیانوس (ستانکزی، ۱۴۰۱). محیط مجموعه تمامی شرایط خارجی احاطه کننده را شامل می‌شود که یک موجود زنده یا یک جامعه در میان آن‌ها زندگی می‌کند یا یک شی در بین آن‌ها قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۴۰۲).

محیط زیست به محیطی گفته می‌شود که در آن موجودات زنده امکان زندگی دارند. در محیط-زیست هر موجود زنده با دیگر عوامل زنده و غیر زنده پیرامون، همواره در ارتباط متقابل است. محیط زیست مجموعه عامل‌هایی است که زندگی و حیات را در بر گرفته است (عمری و ایوبی، ۱۴۰۲). به عبارت دیگر محیط زیست دربرگیرنده کلیه عناصر طبیعی و انسان ساز می‌شود که افراد

نامزد پوهنپار محمد حارث شریف

انسانی، حیوانات و گیاهان را تنمیه نموده و می‌سازد، یا عناصر و عوامل طبیعی به هم‌دیگر عمل و تأثیر متقابل دارند (ستانکزی، ۱۴۰۱). در مجموع محیط‌زیست محیطی است که کلیه موجودات زنده اعم از انسان، حیوان، گیاه و عوامل محیطی شامل خاک، آب، نور و هوا در ارتباط متقابل با یک‌دیگر زیست می‌کنند (انصاریان، ۱۴۰۱).

۳-۳. حقوق محیط‌زیست

حقوق محیط‌زیست مجموعه از قواعدی است که روابط انسان را با محیط‌زیست و ارتباط انسان و محیط طبیعی را تنظیم می‌کند. عده دیگری حقوق محیط‌زیست را مجموعه از ارزش‌ها، مقررات، اصول، قواعد، عرف و حقوق تعاملی می‌دانند که الزاماً روابط انسان را با محیط‌زیست مورد مطالعه قرار می‌دهد (ستانکزی، ۱۴۰۱). به عبارت دیگر حقوق محیط‌زیست حقوقی است برای محیط‌زیست و مجموعه قواعدی است که در ارتباط با حفظ محیط‌زیست و روابط انسان و محیط باشد (انصاریان، ۱۴۰۱).

۴. اهمیت محیط‌زیست از لحاظ حقوقی

از لحاظ حقوقی، محیط‌زیست دارای اهمیت فراوان بوده و مورد توجه قرار گرفته‌است. امروزه کشوری در جهان وجود ندارد که الزاماً در قواعد ملی خویش، قواعد جهان‌شمول محیط‌زیست را در چارچوب قوانین ملی انعکاس نداده باشد. بناء از لحاظ حقوقی تلاش‌های بسیاری صورت گرفته‌است تا محیط‌زیست سالم بماند (ستانکزی، ۱۴۰۱).

برای زندگی آرام انسان و حفاظت و موجودیت محیط سالم، کشورها در موقع ضرورت مقررات، لوایح و تکالیف حقوقی در مسائل محیط‌زیست وضع می‌کنند و در کنار این، به مقصد حفاظت عناصر دیگر محیط‌زیست مثل حیوانات و نباتات، قیودات، شرایط، حقوق و وجایب را در قوانین ملی و بین‌المللی در نظر می‌گیرند و آنرا بالای مردم جوامع جبراً تطبیق می‌کنند (صافی، ۱۳۹۹).

بدون وضع قواعد و ضوابط نمی‌توان محیط‌زیست سالم داشت. روی همین نیازمندی، در عرصه ملی و بین‌المللی قواعد حاکم بر مسائل زیست محیطی وضع گردیده و نیاز به تطبیق جدی دارد، بناء فهم و تحلیل و در نهایت بکارگیری این قواعد و مقررات برای بهبود زندگی انسان خیلی مهم و در عین حال عملی می‌باشد، بدین اساس شناخت از قواعد ملی و بین‌المللی حقوق محیط‌زیست و

نامزد پوهنیار محمد حارث شریف

بررسی حقوق و مکلفیت‌های اتباع، مؤسسات و دولت‌ها یک امر ضروری بوده و نیاز مطالعه و شناخت آن را مبرهن می‌سازد (ستانکزی، ۱۴۰۱).

حقوق نمی‌تواند در فرایندهای طبیعی منتهی به تغییرات زیست محیطی تأثیرگذار باشد، اما می‌تواند رفتار انسان را برای مثال در پاسخ به فضای طبیعی قاعده‌مند سازد. بنابراین حقوق و قواعد و قوانین حقوقی در کنترل مخرب‌های محیط‌زیست که از جانب انسان می‌باشد، می‌تواند مؤثر و مفید عمل کند.

در حقوق اسلام به موجب اصل (لاضرر) به عنوان پشتوانه محیط‌زیست، زیان رساندن به دیگران، به هیچ وجه مشروعیت ندارد. بنابراین اگر قانونی به تصویب برسد که موجب ورود زیان به فرد یا جامعه شود و یا در مرحله اجرا موجب زیان گردد، از نظر اسلام مشروعیت ندارد. بسیاری از مسائل زیست محیطی را می‌توان در قالب قاعده لا ضرر مورد بحث قرار داد (فغفور مغربی، ۱۳۸۸). در افغانستان در رابطه به محیط‌زیست قاعده‌گذاری صورت گرفته و ساختارهای لازم در زمینه نیز وجود دارد. این قواعد مسئولیت‌های حقوقی در قبال آسیب رساندن و تخریب محیط‌زیست را متوجه مسئول آن می‌سازد. همه این‌ها نشان دهنده اهمیت حقوقی این موضوع بوده اما با آنهم نیاز به تلاش‌های حقوقی بیشتر و به کار بستن آن در عمل می‌باشد.

۵. نقش صنعتی شدن در توسعه اقتصادی

صنعتی شدن و فعالیت‌های صنعتی در توسعه اقتصادی نقش عمده‌ای را بازی می‌کند. در کشورهای جهان اول بخش بزرگی از رشد اقتصادی، مدیون فعالیت‌های صنعتی می‌باشد. صنعتی شدن افزایش تولید و بهره‌وری، پیشرفت فناوری، بهبود سطح زندگی و رفاه اجتماعی و هم‌چنان رشد اقتصاد، گسترش تجارت و افزایش درآمد ملی را به همراه دارد.

امروزه صنعت، نقش عمده‌ای را در تولید و اشتغال بر عهده دارد و همزمان بخش عمده‌ای از صادرات را نیز به خود اختصاص داده و در عین حال ورودی سایر بخش‌های اقتصادی را نیز فراهم می‌سازد، لذا نمی‌توان اهمیت و نقش صنعت در اقتصاد را نادیده گرفت (بختیاری و دهقانی زاده، ۱۳۹۲). به عنوان مثال، در دوران انقلاب صنعتی، استفاده از ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های جدید باعث افزایش چشمگیر تولیدات و رشد اقتصادی شد. این تغییرات منجر به تولید انبوه و استفاده از ماشین‌آلات به جای کار دستی، بهره‌وری را افزایش داد و هزینه‌های تولید را کاهش داد. این تغییرات منجر به ظهور صنایع جدید و گسترش بازارهای جهانی شد (شیاسی، ۲۰۲۴).

هم چنین، صنعتی شدن با بهبود زیرساخت‌ها و آموزش نیروی کار، زمینه‌ساز افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صنعتی و آموزش نیروی کار ماهر، به بهبود فرآیندهای تولید و افزایش کیفیت محصولات منجر می‌شود که در نهایت تولید را افزایش می‌دهد (اصفهانی، ۱۴۰۳). در کشورهای توسعه یافته، بطور عموم توسعه با صنعتی شدن تحقق یافته و توسعه صنایع با رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی عمومی همراه بوده است. در کشورهای در حال توسعه نیز کارایی و بهره‌وری در بخش صنعت به میزان قابل ملاحظه‌ای از بخش زراعتی بیشتر است، به خصوص آن‌که صنعت توانسته است کارایی سایر بخش‌ها را نیز افزایش دهد (بختیاری و دهقانی‌زاده، ۱۳۹۲).

اما باید به خاطر داشت، توسعه صنعتی درکنار رشد اقتصادی، تأثیرات مخربی بر محیط‌زیست داشته و به افزایش انواع آلودگی، تخریب منابع طبیعی و تشدید تغییرات اقلیمی منجر شده است. هرگونه توسعه‌ای بدون برخورداری از طرح ارزیابی، بی آنکه نیت خیرخواهانه دست‌اندرکاران امور توسعه زیر سوال رود، می‌تواند فعالیتی باشد که نه تنها سازگاری با شرایط زیست محیطی ندارد بلکه در جهت تخریب آن نیز باشد و در نهایت آن را به نابودی کشاند که توجه به گسترش تخریب محیط‌زیست در اثر روند توسعه بی‌رویه، تحت لوای عمران، در اغلب کشورهای جهان، شاهدی بر این ادعا می‌باشد. از این رو، پروژه‌های مهم در زمینه‌های صنعت، خانه‌سازی، زراعتی، دفع مواد زاید سمی و خطرناک و فاضلاب شهری، استخراج معادن، توسعه صنعت نفت، گاز و غیره نیازمند بررسی زیست محیطی توسعه می‌باشد (فغفور مغربی، ۱۳۸۸).

۶. اثرات سوء صنعتی شدن بر محیط‌زیست

صنعتی شدن با آن‌که تأثیر غیرقابل انکار بر رشد و توسعه اقتصادی جوامع دارد، می‌تواند تأثیرات فراوانی بر محیط‌زیست داشته باشد. استفاده و بکارگیری صنایع ماشینی و پیشرفته، می‌تواند سبب تخریب و آلودگی محیط‌زیست گردد.

تخریب محیط‌زیست تا ظهور انقلاب صنعتی (۱۷۵۰ م) اصولاً به شکل کنونی مطرح نبود. تا آن تاریخ، محیط‌زیست با حوادث طبیعی مثل زلزله، سیل و آتشفشان و امثال آن و بخصوص با مخاصمات داخلی و بین‌المللی مورد آسیب و خسارت قرار می‌گرفت. رشد صنایع و آلودگی ناشی از پساب کارخانه‌های صنعتی که برخی دارای اثرات پایدار و با دوام هستند و تولید گازهای گل‌خانه‌ای که خود باعث از بین رفتن لایه اوزون و تغییرات جدی آب و هوایی می‌گردد، آسیب‌های جبران

نامزد پوهنیار محمد حارث شریف

ناپذیر محیط‌زیستی از قبیل انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی را منجر می‌شود (انصاریان، ۱۴۰۱). در جهان امروز و در همه کشورها بدون استثناء البته با تفاوت‌هایی، محیط‌زیست و منابع طبیعی بر اثر اقدامات و تصمیمات ناصحیح و توسعه بی‌رویه و برخی سودجویی‌ها در معرض آلودگی‌های شدید و تخریب غیرقابل جبران قرار دارد (حقوق محیط‌زیست، ۱۳۸۷).

صنعتی شدن جهان و بهره‌برداری غیرمسئولانه از منابع طبیعی، مشکلات و پدیده‌های منفی زیاد بار آورده و روز به روز افزایش می‌یابد. آب‌های آشامیدنی و آبیاری ملوث گردیده، صحت انسان‌ها، حیوانات و نباتات تحت تهدید قرار گرفته‌است. هوای شهرها و نواحی فابریکات صنعتی از اثر استفاده بیش از حد مواد سوختی آلوده گردیده و بالای صحت انسان و سایر موجودات زنده تأثیر ناگوار را وارد می‌سازد. گسترش آلودگی‌های زیست محیطی موجب شد که در برخی از کشورهای پیشرفته و صنعتی و سپس در سطح جهان، اقداماتی برای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست صورت گیرد. (حمیدی و دیگران، ۱۳۹۳).

آلودگی تغییرات فیزیکی، کیمیاوی و بیولوژیکی را به خاک، آب و هوا وارد می‌کند و مواد نا آشنا را با آن‌ها یکجا می‌سازد (صافی، ۱۳۹۹). به اساس قانون محیط‌زیست افغانستان آلودگی تغییر مستقیم یا غیر مستقیم خواص فیزیکی، حرارتی، کیمیاوی یا بیولوژیکی محیط‌زیست است که بالاث‌ر دفع و انتشار مواد مضره بر استفاده درست اثر وارد نموده و باعث ایجاد وضعیت پرخطر برای صحت، مصونیت و رفاه عامه یا محیط‌زیست گردیده و یا منجر به نقض شرایط، حدود یا شود که اجازه آن تابع قانون محیط‌زیست می‌باشد (جریده رسمی، ۱۳۸۵). بنابر این می‌توان گفت: آلودگی محیط-زیست عبارت است از هر نوع تغییر در ویژگی‌های آب، هوا و خاک که اثر نامطلوبی بر سلامت محیط‌زیست، صحت انسان و سایر موجودات و حتی استحکام و مقاومت اشیاء داشته باشد. اصولاً در تخریب و آلودگی محیط‌زیست دو عامل دخیل است. یکی خود طبیعت و دیگر انسان (حسینی، ۱۳۹۹).

آلودگی صنعتی باعث ناپایداری، اختلال، آسیب یا ناراحتی برای موجودات زنده یک محیط می‌گردد. آلودگی صنعتی منشأ بسیاری از آلودگی‌ها مانند آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی خاک، آلودگی نوری، آلودگی صوتی، آلودگی رادیواکتیف، زباله‌پراکنی و... می‌باشد، که باعث مخدوش شدن حق انسان بر محیط‌زیست سالم شده و می‌تواند محیط‌زیست انسانی را تخریب نموده و حقوق بنیادین انسان را نابود کند (جمالی و فولادی وندا، ۱۳۹۹).

در این جا صرف به آلودگی آب، هوا و خاک که از جمله شایع ترین اقسام آلودگی ها در محیط- زیست اند، می پردازیم.

۶-۱. آلودگی هوا

آلودگی هوا عبارت است از هر گونه مواد و انرژی مضر که مستقیم و غیر مستقیم در هوا یا فضا انتشار یافته به گونه ای که به محیط زیست، رفاه، یا سلامتی عمومی آسیب وارد کند (جمالی و فولادی وندا، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر هر ماده ای که وارد هوا شود و خواص فیزیکی، کیمیاوی و زیستی آنرا تغییر دهد، هوای آلوده نامیده می شود که تهدید واضحی برای صحت و سلامتی موجودات زنده محسوب می شود. فابریکات صنعتی یک منشأ آلودگی هوا می باشند (حمیدی و دیگران، ۱۳۹۳). مصرف بیش از حد سوخت های فسیلی مانند نفت، گاز و ذغال سنگ باعث آلودگی هوا شده که این بزرگترین خطر برای سلامتی موجودات زنده است. بر اساس برآورد سازمان جهانی صحت آلودگی هوا در هر سال موجب مرگ سه میلیون نفر می شود. آلودگی هوا باعث بیماری های مزمن تنفسی، سرطان ریه، بیماری قلبی و حتی آسیب به مغز، اعصاب، کبد، کلیه ها می شود. هم چنان می تواند سه پیامد اصلی شامل باران اسیدی، تخریب لایه اوزون و گرم شدن کره زمین را داشته باشد (فغفور مغربی، ۱۳۸۸). در سال ۱۹۳۰ میلادی در دره میوز بلژیک به علت تراکم آلاینده های خروجی از صنایع اسید سلفوریک و شیشه سازی ۶۰ نفر انسان و تعداد زیادی گاو و گوسفند تلف شدند. در سال ۱۹۴۸ میلادی در پنسیلوانیا آمریکا به اثر تراکم آلاینده های صنایع فولاد ۶۰۰۰ نفر از ۱۲۰۰۰ نفر به بیماری مبتلا شدند (صافی، ۱۳۹۹).

۶-۲. آلودگی آب

آب همچون هوا از مهم ترین عناصر حیات محسوب می گردد، بنابراین آلودگی آن می تواند آسیب های فراوانی به محیط زیست وارد کرده و حق بر محیط زیست انسان را نیز خدشه دار سازد (جمالی و فولادی وندا، ۱۳۹۹).

آلودگی آب از نظر سازمان جهانی صحت عبارت است از وجود هر نوع ماده از قبیل گازها، ذرات معلق، مواد کیمیاوی یا بیولوژیکی در آب، به مدت، شدت و حالتی که تأثیر نامطلوب بر سلامت موجودات زنده بگذارد و مانع استفاده مطلوب از آن گردد. یا آلودگی آب عبارت است از

نامزد پوهنیار محمد حارث شریف

افزایش مقدار هر عامل یا مواد اعم از مواد کیمیای، فزیک یا بیولوژیکی که موجب تغییر خواص آن شود (حسینی، ۱۴۰۲).

صنعتی شدن و فعالیت های صنعتی می توانند باعث آلودگی آب شوند. طوری که ضایعات صنعتی و پساب های منتشر شده در آب های سالم باعث آلودگی آن گردیده و به انسان ها، حیوانات و نباتاتی که از آن استفاده می کنند، مضر تمام می شود.

فاضلاب و پساب های خروجی از صنایع ممکن است حاوی مواد زهری و مقادیر بالایی از فلزات سنگین مثل سیماب، سرب و ترکیبات نایتروجن دار و فاسفورس دار باشند که با تخلیه این ضایعات به مجاری فاضلاب ها و آب روهای سطحی و کشاورزی، مقادیر زیادی از این مواد به محیط وارد می شوند. آلودگی محیط با این آلاینده های خطرناک نهایتاً منجر به غیربهداشتی شدن منابع آب آشامیدنی شده و در طولانی مدت، خطرات سلامتی برای انسان و سایر موجودات زنده به همراه خواهد داشت. دفع نادرست فاضلاب و تخلیه قسمتی از آن در جریان آب های سطحی در اکثر نقاط، محیط را طوری آلوده ساخته که مردم این نقاط در معرض بدترین ابتلاها به بیماری عفونی، انگلی و بیماری های ناشی از عناصر سمی قرار گرفته که بخصوص این آلودگی ها، آمار مرگ و میر کودکان را بالا می برد (برون، ۱۳۹۲).

۶-۳. آلودگی خاک

خاک از مواد منرالی، مواد عضوی، آب، هوا و موجودات کوچک تشکیل گردیده و نقش مهمی در تداوم حیات ایفا می نماید. در محیط فزیک پس از آب و هوا، خاک سومین جزء عمده محیط-زیست به شمار می رود (حمیدی و دیگران، ۱۳۹۳).

فعالیت های صنعتی یکی از راه های آلودگی خاک است و شامل کلیه آلاینده های است که توسط کارخانه جات وارد خاک می شود. این پسماندها شامل پسماندهای صنایع فولاد و فلزات، پسماندهای صنایع کیمیای، پسماندهای صنایع نظامی، پسماندهای صنایع غذایی، پسماندهای صنایع نفتی، صنایع چوب و کاغذ، صنایع چرم سازی، ... می گردد. بحث عمده آلودگی های صنعتی، تجمع فلزات سنگین در خاک است. این فلزات شامل سرب، کادمیم، نقره و سیماب هستند که اثرات زیان بار آنها بالای موجودات زنده ثابت شده است و بارها موجب حوادث زیست محیطی شده اند. بعضی از این اثرات شامل اختلال فعالیت های بیولوژیک خاک، اثرات زهری روی نباتات، اثرات زیان بار روی انسان در اثر ورود به زنجیره غذایی و غیره می باشد (حسینی، ۱۴۰۲). فاضلاب های صنعتی، به

خصوص کارخانه‌هایی که با ترکیبات مسمی و سربی سر و کار دارند، آثار آلاینده‌گی بیش‌تری بر جای می‌گذارند. همان‌گونه که حفظ سلامت خاک می‌تواند در ادامه حیات موجودات زنده نقش اساسی ایفا کند، آلوده شدن آن نیز می‌تواند زیست و حیات موجودات را به مخاطره افکند و حتی سبب توقف رشد و نمو گیاهان شود و مرگ انسان‌ها و حیوانات را به همراه داشته باشد (جمالی و فولادی وندا، ۱۳۹۹).

۷. تلاش‌های انجام شده برای حفاظت محیط‌زیست در سطح ملی و بین‌المللی

در افغانستان قوانین و مقرراتی مثل قانون محیط‌زیست در سال ۱۳۸۵ که فصل چهارم آن در مورد کنترل آلودگی هوا است، در سال ۱۳۸۵ مقرر کنترول مواد مخرب لایه اوزون، در سال ۱۳۸۶ مقرر ارزیابی محیط‌زیستی، در سال ۱۳۸۸ مقرر جلوگیری از آلودگی هوا، در سال ۱۳۹۱ قانون جنگلات، در سال ۱۳۹۵ مقرر کیفیت و مراقبت آب و در سال ۱۴۲۱ هجری قمری قانون حفاظت از طبیعت وضع و منتشر گردیدند (ستانکزی، ۱۴۰۱).

در سطح بین‌المللی نیز برای حفاظت از محیط‌زیست تلاش‌های حقوقی و افری در قالب کنفرانس‌ها اعلامیه‌ها، معاهدات و کنوانسیون‌ها صورت گرفته‌است. در سال ۱۹۷۲ میلادی کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد حفاظت از محیط‌زیست در استکهلم برگزار شد که در این کنفرانس کشورها مکلف گردیدند در قسمت حفاظت آب دریاها، اقیانوس‌ها، هوا، خاک، حیوانات، نباتات و حفاظت محیط‌زیست توجه داشته و قوانین و مقرراتی را در این زمینه وضع نمایند؛ در سال ۱۹۷۳ از طرف سازمان ملل متحد، پروگرام سازمان حفاظت محیط‌زیست (UNEP) تاسیس شد (صافی، ۱۳۹۹)؛ در سال ۱۹۹۱ بنیاد تسهیلات محیط‌زیست از طرف سازمان ملل متحد تشکیل گردید که هدف آن اعطای کمک‌های مالی به کشورهای در حال رشد در راستای حمایت محیط‌زیست جهانی می‌باشد که از طریق UNDP مساعدت می‌شود (ستانکزی، ۱۴۰۱)؛ در سال ۱۹۹۷ پروتوکل کیوتو در مورد کاهش تولید گازهای گل‌خانه‌یی در سومین کنفرانس اعضای موسوم به کنفرانس تغییرات اقلیمی در چارچوب سازمان ملل متحد توسط اعضای آن در کیوتو جاپان به تصویب رسید؛ موارد دیگر مثل اعلامیه ریو، معاهده پاریس، کنوانسیون تنوع زیستی، پروتوکل زیستی کارتاهانا و غیره را نیز می‌توان در زمره تلاش‌های بین‌المللی حقوقی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست آورد (جمالی و فولادی وندا، ۱۳۹۹).

۸. چالش‌های حقوقی فراروی صنعتی‌شدن افغانستان و حفاظت از محیط‌زیست

با وجود آنکه تلاش‌های حقوقی در افغانستان در زمینه حفاظت از محیط‌زیست طی موارد مختلف و در چارچوب قوانین و مقررات صورت گرفته‌است، اما با آن هم صنعتی‌شدن این کشور چالش‌هایی را به همراه دارد که اگر نادیده گرفته شوند، صنعتی‌شدن پیامدهای ناگواری را ببار خواهد آورد. برخی از چالش‌های آن قرار ذیل اند:

۸-۱. فقدان قوانین جامع و سخت‌گیرانه: قانون برای زیست بهتر شهروندان در جامعه، مرزها را تعیین نموده و وسیله دآوری و قضاوت است درباره اشخاصی که این مرزها را زیر پا می‌گذارند. قانون دارای جنبه الزام آور بوده و این بهترین ممیزه و ویژگی قانون می‌باشد (رسولی، ۱۳۹۳). افغانستان به فقدان قوانین و مقرراتی که بتوانند تضمین کننده سلامت محیط‌زیست و موجودات زنده باشند، مواجه است. نبود و کمبود قوانین جامع و سخت‌گیرانه برای کنترل اثرات صنعتی‌شدن و حفاظت از محیط-زیست، می‌تواند پیامدهای جدی داشته و مشکلات بی‌شماری را بوجود بیاورد.

۸-۲. نبود ضمانت اجرای قوی: در بسیاری کشورها، به رغم وجود قوانین سخت‌گیرانه اجرای آن‌ها به دلیل ضعف نظارت، وجود فساد و منافع اقتصادی صنایع بزرگ با مشکلاتی رو به رو است (جعفری، ۱۴۰۳). با آنکه در افغانستان یک سلسله قوانین و مقررات در زمینه حفاظت محیط‌زیست قبلاً وضع گردیده، اما این قوانین و مقررات ضمانت اجرای آن چنان قوی که بتواند صنایع را از فعالیت‌های مخرب محیط‌زیستی باز دارد، ندارند. شهر کابل و دیگر شهرهای بزرگ افغانستان را می‌توان مثال داد که با وجود قانون محیط‌زیست و اداره ملی حفاظت از محیط‌زیست مدام با مشکل آلودگی دچار بوده‌اند.

۸-۳. تعارض میان منافع اقتصادی و محیط‌زیستی: تضاد بین منافع اقتصادی و محیط‌زیستی نیز می‌تواند به عنوان چالش مطرح شود. در بسیاری از موارد، منافع اقتصادی کوتاه مدت بر منافع محیط-زیستی بلند مدت ترجیح داده می‌شود. برای مثال، اجرای پروژه‌های صنعتی بدون ارزیابی محیط-زیستی، منجر به تخریب محیط‌زیست می‌شود (میمری، ۱۴۰۳).

۸-۴. مسئولیت‌گریزی صنایع: توسعه صنعتی بدون تعهد به مسئولیت‌های اجتماعی و محیط-زیستی منجر به آلودگی و تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی و تغییرات اقلیمی می‌شود. صنایعی که بدون مقررات سخت‌گیرانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی فعالیت می‌کنند، ممکن است زباله‌های

صنعتی، مواد کیمیای و آلاینده‌های شان را بدون کنترل رها کنند که این امر آب، هوا و خاک را آلوده ساخته و سلامت موجودات زنده را نیز به خطر مواجه می‌سازد.

۵-۸. کمبود قوانین بین‌المللی الزام‌آور: آلودگی محیط‌زیست مرزهای ملی را نمی‌شناسد، اما همکاری بین‌المللی برای اجرای تعهدات زیست محیطی هنوز ناکافی است (جعفری، ۱۴۰۳). اگر چه برخی مقررات و معاهدات بین‌المللی محیط‌زیستی وجود دارند، اما بسیاری از آن‌ها فاقد ابزارهای الزام‌آور هستند. این مسئله باعث می‌شود که برخی کشورها و صنایع بدون نگرانی از عواقب قانونی، به آلودگی محیط‌زیست و تخریب آن ادامه دهند.

۹. مناقشه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که صنعتی شدن و توسعه فعالیت‌های صنعتی در کنار اینکه به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و همچنان اشتغال‌زایی و رشد تولید در افغانستان کمک می‌کند، می‌تواند اثرات مخربی بر محیط‌زیست نیز بگذارد. مشابه به این تحقیق، تحقیق علمی محققان ایرانی در دانشگاه آزاد اسلامی تحت عنوان "آلودگی صنعتی و حق بر محیط‌زیست؛ رویکردی به اسناد بین‌المللی" که به بررسی آلودگی صنعتی و حق بر محیط‌زیست پرداخته‌اند، دلیل بوجود آمدن آلودگی هوا، آب، خاک و برخی انواع دیگر آلودگی‌ها (آلودگی هسته‌ای، کیمیای و صوتی) را صنعتی شدن و پیشرفت جوامع می‌داند. همچنان کمبود آگاهی و اطلاع‌رسانی را دلیل دیگر آلودگی هوا، آب و خاک تذکر می‌دهد (جمالی و فولادی وندا، ۱۳۹۹). محقق دیگری بنام مهرداد برون در تحقیق خود تحت عنوان "بررسی و مدیریت پسابهای صنعتی و اثرات مضر آنها بر محیط‌زیست" تأکید دارد که دفع مواد و پساب‌های مضر و خطرناک خروجی از کارخانجات و صنایع تولیدی، یکی از مشکلات و معضلات مهم در جهان امروز است و پساب‌ها و فاضلاب‌های خروجی از صنایع ممکن حاوی مواد سمی و مقادیر زیادی از فلزات سنگین باشند که با تخلیه این‌ها به مجاری فاضلاب‌ها و روان‌آب‌های سطحی و کشاورزی، مقادیر زیادی از این فلزات به محیط وارد می‌شوند و نهایتاً منجر به غیر بهداشتی شدن منابع آب گردیده و در طولانی مدت، خطرات سلامتی برای انسان و سایر موجودات زنده به همراه خواهد داشت (برون، ۱۳۹۲). همچنان در یک مطالعه دیگر "آلودگی هوا در صنایع تولیدی ایران" طوری بیان گردیده است که پی‌گیری هدف توسعه اقتصادی با تأکید بر بخش صنعت و بهره‌برداری غیرمسئولانه از محیط‌زیست، توسعه پایدار را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد و گام نهادن در این مسیر حتی اگر منجر به توسعه اقتصادی شود، مشکلات محیط‌زیستی بسیاری را به همراه

نامزد پوهنیار محمد حارث شریف

خواهد داشت. در این مطالعه هم چنان تذکر شده که توسعه صنعتی از یک سو با ایجاد محصولات کیمیاوی مضر و ضایعات صنعتی، شامل فلزات سنگین و از سوی دیگر با افزایش مصرف انرژی و به تبع آن انتشار گازهای آلاینده جوی باعث آلودگی محیط زیست می شود (نصرالهی و غفاری، ۱۳۹۴). با توجه به نتایج حاصله از این تحقیق، می توان گفت در صورتی که فعالیت های صنعتی در افغانستان در چارچوب منظم حقوقی قرار نگیرند و راهکارهای درستی در قبال آنها مدنظر گرفته نشود و همچنان چالش هایی که فراروی صنعتی شدن افغانستان و حفاظت از محیط زیست وجود دارند، حل نگردند، اثرات زیان باری به محیط زیست، حیات انسان و سایر موجودات وارد خواهند نمود که جبران آن امری مشکل و شاید هم ناممکن خواهد بود. اگرچه چارچوب حقوقی اولیه برای حفاظت از محیط زیست در افغانستان وجود دارد، اما نبود تطبیق مؤثر، ضعف ساختارهای نظارتی، فقدان قوانین جامع و سختگیرانه، نبود ضمانت اجرای قوی و مسئولیت گریزی صنایع از چالش هایی اند که می توانند مشکلاتی را برای محیط زیست از ناحیه صنعتی شدن وارد بسازند. از آنجا که توسعه پایدار از موضوعات مهم در جهان امروزی می باشد، بنابراین توجه جدی صورت بگیرد تا با توسعه اقتصادی توسط فعالیت های صنعتی و بهره برداری نادرست از محیط زیست، توسعه پایدار صدمه نبیند.

۱۰. نتیجه گیری

افغانستان با داشتن منابع طبیعی غنی و نیروی کار جوان، هنوز در مراحل ابتدایی صنعتی شدن قرار دارد و می تواند پیشرفت هایی در این زمینه داشته باشد. صنعتی شدن این کشور نیز در رشد اقتصادی آن نقش عمده ای خواهد داشت اما، در کنار مزیت اقتصادی، صنعتی شدن تأثیرات مخرب و زیان باری نیز بر محیط زیست می تواند بگذارد. آلودگی محیط زیست با آلاینده های صنعتی از مواردی است که کشورهای مختلف به آن سردچار بوده اند. صنایع با استفاده از مواد سوختی گوناگون و منتشر ساختن دود و گازات مضره باعث آلودگی هوا و تغییرات اقلیمی و با دفع پساب ها و فاضلات صنعتی باعث آلودگی آب های مورد استفاده و تخریب خاک می گردند. همچنان استفاده مداوم و بی رویه صنایع از منابع طبیعی غیر قابل تجدید باعث تخریب و تمام شدن منابع طبیعی گردیده که نسل های بعدی نیز مستقیماً از این ناحیه متضرر خواهند شد (بسیاری از فعالیت های صنعتی نیاز به معادن و منابع آبی و جنگلی دارند که اگر به صورت غیر مناسب از آن ها استفاده صورت گیرد، باعث نابودی آن ها خواهد شد). صدمه دیدن محیط زیست و منابع طبیعی بالای صحت انسان و سایر موجودات زنده نیز تأثیر گذاشته و حیات شان را به مخاطره می اندازد.

بنابراین برای اینکه محیط زیست سالم بماند و به صحت موجودات زنده خطر متوجه نشود، باید رویکردها و راهکارهای مناسبی در نظر گرفته شود تا توازنی میان صنعتی شدن، توسعه صنعتی و حفاظت از محیط زیست برقرار شود. باید راههای قانونی و شکل گرفته در چارچوب حقوقی منظم دنبال گردند که تضمین کننده جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست، جلوگیری از آسیب دیدن انسان ها و سایر موجودات زنده، حفاظت از منابع طبیعی و مسئولیت پذیری صنایع در قبال محیط زیست، باشند.

۱۱. پیشنهادات

برای حل چالش ها در ذیل به برخی راهکارها و پیشنهادات حقوقی اشاره می گردد که با بکار بردن آنها صاحبان امور می توانند میان توسعه صنعتی و حفاظت از محیط زیست توازن و هماهنگی برقرار نمایند:

تقویت قوانین داخلی جامع و سخت گیرانه برای کنترل اثرات صنعتی شدن؛ نظارت دقیق و مؤثر از صنایع؛ ایجاد مسئولیت حقوقی برای صنایع؛ آموزش حفظ محیط زیست و افزایش آگاهی مردم و صنعت گران؛ ایجاد مشوق های اقتصادی مثل کاهش مالیات برای دوستداران محیط زیست؛ ترویج فناوری های سبز؛ و ملزم ساختن صنایع و کارخانه ها به استفاده از فیلترهای مخصوص جهت تصفیه و جلوگیری از انتشار دود و سایر مواد و پساب های صنعتی.

منابع

- اصفهانى، نسيم. (۱۴۰۳). توسعه صنعتی: راهکارها و اثرات آن بر رشد اقتصادی. <http://bit.ly/42qwjgO>
- انصاریان، مجتبی. (۱۴۰۱). حقوق محیط‌زیست. تهران: دانشگاه پیام نور.
- بختیاری، صادق؛ دهقانی‌زاده، مجید. (۱۳۹۲). نقش فعالیت‌های صنعتی در توسعه اقتصادی. فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲.
- برون، مهرداد. (۱۳۹۲). بررسی و مدیریت پسابهای صنعتی و اثرات آنها بر محیط‌زیست. همایش ملی زهکشی در کشاورزی پایدار، دانشگاه تربیت مدرس.
- جعفری، محمد. (۱۴۰۳). چالش‌ها و راهکارهای حقوق محیط‌زیست در مواجهه با توسعه صنعتی و تغییرات اقلیمی. <https://civilica.com/note/9138/>
- جمالی، حمیدرضا؛ فولادی‌وندا، صفیه. (۱۳۹۹). آلودگی صنعتی و حق بر محیط‌زیست؛ رویکردی به اسناد بین‌المللی. دوفصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۳، شماره ۷.
- حسینی، محمد واثق. (۱۴۰۲). حفاظت محیط‌زیست و نگهداری منابع طبیعی. چاپ هشتم. کابل: انتشارات نویسا.
- حمیدی، عبدالملک؛ ناصری، غلام نقشبند و دیگران. (۱۳۹۳). آموزش‌های محیط‌زیستی در روشنائی تعالیم اسلامی. چاپ دوم. کابل: دیپارتمنت آموزش و آگاهی عامه، مؤسسه تحفظ حیات وحش افغانستان.
- رسولی، محمد اشرف. (۱۳۹۳). اصول، روش و فنون قانون‌گذاری. کابل: انتشارات سعید.
- ستانکزی، نصرالله. (۱۴۰۱). حقوق محیط‌زیست. چاپ دوم. کابل: انتشارات سعید.
- شیاسی، حسین. (۲۰۲۴). انقلاب صنعتی و تأثیر آن بر جوامع مدرن. <https://www.persianmizban.com/mag/industrial-revolution-and-its-impact-on-modern-societies/>
- صافی، شمس‌الاسلام شمس. (۱۳۹۹). حقوق محیط‌زیست. چاپ اول. جلال‌آباد: نشرات مسلم.
- عمری، انصارالله؛ ایوبی، محمد. (۱۴۰۲). جایگاه اطلاع‌رسانی زیست‌محیطی در نظام حقوقی افغانستان؛ مطالعه دیدگاه استادان روزنامه‌نگاری. کنفرانس بین‌المللی و همایش ملی مدیریت، روان‌شناسی و علوم رفتاری. تهران.

نامزد پوهنیار محمد حارث شریف

فغفور مغربی، حمید. (۱۳۸۸). *اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام*. فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره هشتم.

لنگرودی، محمد جعفر جعفری. (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ بیست و دوم. تهران: کتابخانه گنج دانش.

مشهدی، علی. (۱۳۹۴). *ترمینولوژی حقوق محیط زیست*. ایران: انتشارات خرسندی.

میمری، علی کلاته. (۱۴۰۳). *بررسی فرصت ها و چالش های حقوقی محیط زیست در ایران با توجه به*

اسناد ملی و بین المللی. <https://civilica.com/note/8318/>

نصرالهی، زهرا؛ غفاری، مرضیه. (۱۳۹۴). *آلودگی هوا در صنایع تولیدی ایران*. دوفصلنامه مطالعات تجربی اقتصاد ایران: دانشگاه ایلام، شماره نخست.

وزارت عدلیه، جریده رسمی. (۱۳۸۵). *قانون محیط زیست افغانستان*. شماره ۹۱۲، کابل: مطبعة دولتی.

تأثیر تکنالوژی بر آموزش و توسعه‌ی سبک‌های زبانی در راستای انقلاب صنعتی در افغانستان

نامزد پوهنپار صفی الله افضلی^۱، پوهنمل دکتور غلام محمد پیمان^۲، پوهنمل نوید احمد قادری^۳

۱. دیپارتمنت فارسی دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون البیرونی

۲. ۳. دیپارتمنت انگلیسی، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول - ایمیل: afzalisafiullah6@gmail.com

چکیده

سبک‌های زبانی یکی از مباحث مهم زبان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌رود که مطابق با موقعیت‌ها و طبقات مختلف اجتماعی، بسته به درجه‌ی رسمی بودن، صمیمیت، سن، درجه و رشته‌ی تحصیلی کاربرد متفاوتی دارند. تکنالوژی و فناوری از جمله عوامل مؤثر در آموزش و توسعه‌ی این سبک‌ها است. تحقیق و پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به روش کتاب‌خانه‌ای به بررسی تأثیر تکنالوژی بر آموزش و گسترش سبک‌های گوناگون زبان فارسی دری می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌توان آموزش سبک‌های محترمانه، رسمی، نیمه‌رسمی، محاوره‌یی و عامیانه را تسهیل نمود. این امر می‌تواند نقشی مؤثر در توانمندسازی منابع انسانی، به‌ویژه در عرصه‌ی ارتباطات، آموزش، و تولید دانش ایفا کند؛ امری که از پیش‌نیازهای اساسی در راستای تحقق انقلاب صنعتی در افغانستان به‌شمار می‌رود. بنابراین، گسترش سبک‌های زبانی با استفاده از تکنالوژی، زمینه‌ساز توسعه‌ی فرهنگی و تخصصی برای ورود به عصر صنعت و فناوری در کشور خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: آموزش، تکنالوژی، سبک زبانی، انقلاب صنعتی، افغانستان

The Impact of Technology on the Teaching and Development of Linguistic Styles in the Context of the Industrial Revolution in Afghanistan

Teaching Assistant Safiullah Afzali^{1*}, Senior Teaching Assistant Dr Gholam Mohammad Payman², Senior Teaching Assistant Navid Ahmad Qadiri³

1. Department of Dari Persian, Faculty of Languages and Literature, Alberoni University

2. 3. Department of English, Faculty of Languages and Literature, Alberoni University

* Corresponding Author Email: afzalisafiullah6@gmail.com

Abstract

Linguistic styles are an important subject in sociolinguistics, applied differently across various social situations and classes depending on the level of formality, familiarity, age, and educational background of the speakers. Technology is considered a key factor in the teaching and development of these styles. This study, conducted through a descriptive-analytical approach and based on library research, explores the impact of technology on the teaching and expansion of various styles in Dari Persian. The findings indicate that modern technologies can significantly facilitate the teaching of respectful, formal, semi-formal, conversational, and colloquial styles. This plays an effective role in empowering human resources—especially in the fields of communication, education, and knowledge production—which are fundamental prerequisites for achieving the industrial revolution in Afghanistan. Therefore, promoting linguistic style development through technology contributes to cultural and professional growth, paving the way for the country's entry into the age of industry and innovation.

Keywords: education, technology, linguistic style, industrial revolution, Afghanistan

مقدمه

تغییرات درون‌گوینده‌ای (سبک زبانی) به تفاوت‌های زبانی در گفتارهای یک گوینده‌ی واحد در موقعیت‌های زبانی مختلف اشاره دارد (Meyerhoff, 2006). سبک زبانی از دیدگاه‌های گوناگون توسط محققین متعددی به‌خوبی بررسی و تحلیل شده‌است (برای نمونه: بل، 2001؛ Bell, 2001؛ Labov, 1963؛ 1966؛ 1972؛ 2006؛ Kislning, 2009؛ Eckert, 2008؛ Coupland, 1985؛ 2007؛ Podesva, 2008؛ Schilling-Estes, 1998). با این حال، تحقیق حاضر تأثیر تکنالوژی بر یادگیری و توسعه‌ی سبک‌های زبانی را که موضوعی نسبتاً جدید است، در زمینه‌ی افغانستان و در پیوند با انقلاب صنعتی مورد بحث قرار می‌دهد.

گوینده‌گان زبان فارسی دری معمولاً برای بیان افکار و نیازهای خود از صورت‌های مختلف زبانی استفاده می‌کنند. صورت‌هایی که در موقعیت‌های مختلف با یک‌دیگر تفاوت تلفظی، واژه‌گانی و دستوری دارند. هر گوینده‌ی زبان نظر به موقعیت اجتماعی که دارد موضوع ارتباط خود را با شنونده با طریقه‌های متفاوت بیان نموده و از سبکی که در حد توانش است، استفاده می‌کند. تکنالوژی یا فناوری در آموزش و توسعه‌ی سبک‌های زبانی برای گوینده‌گان یک زبان، نقش مؤثری را بازی می‌کند؛ زیرا تکنالوژی جهان بزرگ را به دهکده‌ی کوچک تبدیل کرده‌است. توسط تکنالوژی اهل یک زبان از مناطق مختلف باهم در ارتباط هستند و از سبک‌های زبانی طبقات مختلف اجتماعی باخبر شده و آن را گسترش می‌دهند.

طبیعی‌ست که سبک‌های زبانی فارسی دری دارای تنوعات بوده و تکنالوژی نوین، آموزش و گسترش آن را آسان می‌سازد. بسیاری از محققان تلاش دارند تا تأثیر تکنالوژی بر آموزش را مورد بررسی قرار دهند. از میان این تحقیقات می‌توان به مقاله‌ی جاویدان، ل.، و جوادفر (۱۳۹۴) "تأثیر تکنالوژی آموزشی در آموزش و یادگیری دانش‌آموزان" و احدیان و هم‌کاران (۱۴۰۲) "مقدمات بر تکنالوژی آموزشی" اشاره نمود. اگرچه هر کدام از آن‌ها به شیوه‌ی به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما به‌صورت مشخص در مورد تأثیر تکنالوژی در آموزش سبک‌های زبانی فارسی دری پرداخته نشده‌است. با این وجود هم‌چنان شاهد هستیم که واکاوی لایه‌های پنهان سبک‌های زبانی مورد توجه قرار گرفته‌است؛ اما نقش تکنالوژی در آموزش و گسترش آن‌ها در تحولات زبانی و جایگاه این‌ها در مناسبات طبقاتی و فرهنگی کم‌رنگ بوده‌است. آن‌طور که شواهد نشان می‌دهد نادیده گرفتن سبک‌های زبانی باعث ایجاد مشکلات فراوانی بر سر راه زبان و ادبیات ما شده‌است. برخی از این

مشکلات را که بعداً مفصل بحث می‌گردد، می‌توان اینگونه برشمرد: کم‌توجهی مردم به سبک‌های زبان فارسی و عدم آشنایی با آن‌ها، فاصله طبقاتی-اجتماعی گوینده‌گان زبان، به حاشیه رفتن سبک‌های زبانی در مناسبات فرهنگی و مطرح نشدن آن‌ها در فضای تحصیلی. یکی از دلایل اصلی وقوع این چنین پیامدها را عدم استفاده از تکنالوژی در ترویج زبان و ادبیات فارسی می‌توان تلقی کرد. با توجه با این امر، هدف اصلی در این تحقیق، این است که با بررسی تأثیر تکنالوژی بر آموزش سبک‌های زبانی فارسی، چگونه‌گی آموزش و پرورش آن‌ها را به‌صورت آسانتر و خوبتر مورد توجه قرار می‌دهد. به باور ما زبان فارسی دری این توانمندی را دارد که با رویکردهای مختلف نظری بررسی شود. این تحقیق سبک‌های زبانی فارسی را از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌است. زبان‌شناسی اجتماعی زبان را در بافت اجتماعی-فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد. تلاش بر این است که سبک‌های زبانی بر اساس زبان‌شناسی اجتماعی کدام‌ها اند؟ کدام عوامل در تنوعات سبکی زبان فارسی دری نقش دارد؟ آیا تکنالوژی تأثیری بر آموزش و توسعه‌ی سبک‌های زبانی دارد؟ فرض اصلی بر این است که زبان فارسی از تنوعات گوناگون زبانی بر اساس زبان‌شناسی اجتماعی برخوردار است که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی مورد کاربرد قرار می‌گیرند.

اهمیت تحقیق این است که با تمرکز بر نقش تکنالوژی در آموزش و توسعه‌ی سبک‌های زبانی فارسی دری، یکی از خلأهای مهم تحقیقی در حوزه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی را در بافت افغانستان پر می‌کند. در شرایطی که استفاده از سبک‌های زبانی در تعاملات اجتماعی نقش بسزایی در بیان هویت، طبقه و موقعیت فرهنگی گوینده‌گان دارد، به‌کارگیری تکنالوژی به عنوان ابزاری نوین می‌تواند زمینه‌ی آموزش، آگاهی‌بخشی و گسترش این سبک‌ها را در سطح گسترده‌تری فراهم سازد. این تحقیق هم‌چنین با پیوند دادن موضوع سبک‌های زبانی به تحولات ناشی از انقلاب صنعتی، چشم‌اندازی تازه برای بررسی تأثیر فناوری بر پویایی زبان در جوامع در حال توسعه ارائه می‌دهد.

مرور بر ادبیات

نقش تکنالوژی در یادگیری زبان و توسعه سبک‌های زبانی در مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته‌است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک زبانی بسته به زمینه‌های اجتماعی، میزان رسمی بودن و رابطه بین گوینده و شنونده متفاوت است (Labov, 1972; Meyerhoff, 2006). تحقیقات بنیادین لایوفا نشان می‌دهد که رفتارهای زبانی تحت تأثیر

نامزد پوهنپار صفی الله افضلې

ساختارهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی شکل می‌گیرند و اگرچه تعاملات تکنولوژیک می‌توانند بر سبک‌های زبانی اثرگذار باشند، نمی‌توانند به‌طور کامل آن‌ها را تعیین کنند (Labov, 1966; 2006). هم‌چنین، Podesva (2008) و Eckert (2008) معتقدند که سبک زبانی ارتباط نزدیکی با هویت اجتماعی افراد دارد و ابزارهای تکنولوژیک در بیشتر موارد تنها سبک‌های غالب را بازتولید می‌کنند و ایجاد سبک‌های نو را به‌طور مستقیم تضمین نمی‌کنند. از این منظر، استفاده از پلتفرم‌های تکنولوژیک مانند رسانه‌های اجتماعی، نرم‌افزارهای آموزش زبان و محیط‌های آنلاین، بیشتر به‌عنوان مکانیسم مکمل در تعاملات اجتماعی عمل می‌کند (Coupland, 2007).

تحقیقات مرتبط با تکنولوژی آموزشی نشان داده‌اند که ادغام ابزارهای دیجیتال در آموزش زبان، می‌تواند به‌طور قابل توجهی یادگیری را تقویت کند. جاویدان و جوادفر (۱۳۹۴) نشان داده‌اند که نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای و تعاملی، نه تنها انگیزه یادگیرندگان را افزایش می‌دهند بلکه امکان مواجهه با سبک‌های مختلف زبانی را نیز فراهم می‌کنند. در زمینه سبک‌های زبانی فارسی دری، کاربرد ابزارهای تکنولوژیک مانند رسانه‌های صوتی و تصویری، یادگیری کامپیوتری و کلاس‌های مجازی، می‌تواند نمونه‌های واقعی از سبک‌های رسمی، نیمه‌رسمی و محاوره‌ای را در اختیار زبان‌آموزان قرار دهد (احدیان و همکاران، ۱۴۰۲).

مطالعات فارسی نیز بر نقش رو به رشد تکنولوژی در توسعه زبانی در افغانستان تأکید دارند. افخمی و قاسمی (۱۳۸۸) بیان می‌کنند که ابزارهای تکنولوژیک، امکان ارتباط میان اقشار مختلف و مناطق جغرافیایی را فراهم می‌کنند و به گویندگان اجازه می‌دهند تا با سبک‌های زبانی متنوع آشنا شوند. مدرسی (۱۳۹۳) نیز تأکید می‌کند که مواجهه با سبک‌ها و رجیسترهای مختلف از طریق تکنولوژی، توانایی زبانی افراد را در مدیریت موقعیت‌های اجتماعی ارتقا می‌دهد. با وجود این یافته‌ها، هنوز تحقیقاتی که به‌طور مشخص به تأثیر تکنولوژی بر آموزش سبک‌های زبانی فارسی دری در بستر افغانستان پرداخته باشند، اندک است.

علاوه بر این، تقاطع توسعه تکنولوژی و انقلاب صنعتی، دیدگاه‌های جدیدی در آموزش زبان ارائه می‌دهد. با گذر سریع جوامع به سمت تغییرات صنعتی و فناورانه، انتشار سبک‌های زبانی به‌طور فزاینده‌ای از طریق پلتفرم‌های دیجیتال صورت می‌گیرد. (Haj, 2014) ادغام تکنولوژی در آموزش، دسترسی یادگیرندگان به طیف گسترده‌ای از سبک‌های زبانی را ممکن می‌سازد که می‌تواند مهارت‌های ارتباطی و سواد فرهنگی آن‌ها را تقویت کند (Bell, 2001; Kisling, 2009).

به طور كلي، ادبيات موجود نشان مي دهد كه تكنولوژي به تنهائي نمي تواند سبك هاي زباني را ايجاد كند، اما به عنوان ابزاري توانمند براي يادگيري، مواجهه و گسترش سبك ها عمل مي كند. در افغانستان، با توجه به محدوديت هاي دسترسي به منابع زباني متنوع، بهره گيري از تكنولوژي مي تواند نقش ويژه اي در تقويت يادگيري سبك هاي زباني رسمي و غيررسمي ايفا كند. بنابر اين، بررسي نقش تكنولوژي در توسعه سبك هاي زباني فارسي دري، براي ارتقاي شايستگي زباني و بهبود نتايج آموزشي در كشور ضروري است.

روش تحقيق

اين مطالعه با رويكرد توصيفي-تحليلي انجام شده است تا تاثير تكنالوژي بر آموزش و توسعه ي سبك هاي زباني در افغانستان بررسي شود. رويكرد توصيفي-تحليلي امكان تحليل نظام مند و جامع ديدگاه ها، نظريه ها و شواهد موجود را فراهم مي كند و همزمان به توصيف وضعيت كنوني سبك هاي زباني و نقش فناوري در آموزش آن ها مي پردازد.

جمع آوري داده ها

اطلاعات مورد نياز اين تحقيق عمدتاً از طريق مطالعات كتابخانه اي و منابع ثانوي گردآوري شده است. اين منابع شامل كتاب ها، مقالات علمي و پژوهشي، گزارش هاي مرتبط و اسناد معتبر ملي و بين المللي مي باشند. معيار انتخاب منابع، مرتبط بودن با موضوع پژوهش، اعتبار علمي و تازه گي اطلاعات بوده است.

روش تحليل داده ها

داده هاي جمع آوري شده با استفاده از روش تحليل محتوا و مقايسه اي مورد بررسي قرار گرفتند. در اين فرايند، تاكيد بر شناسايي الگوها و روندهاي تاثير تكنالوژي بر آموزش و گسترش سبك هاي زباني بوده و نظريه ها و يافته هاي پيشين به صورت انتقادي تحليل شدند. هم چنين، داده ها در پيوند با تحولات انقلاب صنعتي و توسعه ي فناوري در افغانستان قرار گرفته و اثرات احتمالي آن ها بر فرايندهاي زباني و فرهنگي ارزيايي شده است.

يافته ها و نتيجه

تكنالوژي و آموزش

تكنالوژي به معنای هر گونه مهارت عملی ست كه در آن از نتايج و يافته هاي عملي استفاده مي شود. ابزار در تكنالوژي آموزشي عبارت از: وسايل ديداري و شنيداري، طراحي نرم افزارهاي آموزشي و

نامزد پوهنپار صفی الله افضلی

وسایل آزمایشگاهی است. کاملترین تعریف می‌گوید: تکنالوژی آموزشی عبارت از روش سیستماتیک طراحی، اجرا، ارزشیابی کل فرایند یادگیری و تدریس؛ طبق اهداف مشخص و بر مبنای پژوهش در زمینه یادگیری، ارتباطات انسانی، به کارگیری منابع انسانی و غیرانسانی به منظور فراهم سازی و آموزش مؤثرتر، پایداری و عمیق‌تر. تکنالوژی آموزشی در اصل از واژه‌ی «تکنو» به معنای عمل کرد سیستماتیک همراه مفاهیم علمی و «لوژی» به معنای آگاهی و یادگیری و «آموزش» به معنای فعالیت‌های هدفمند که مربیان و معلمان انجام می‌دهند. تکنولوژی آموزشی به تعبیری فن به کارگیری ابزار برای تسهیل فرایند یاددهی-یادگیری می‌باشد (جاویدان و جوادفر، ۱۳۹۴).

سبک و تکنالوژی

سبک از مباحث مهم فنون ادبی است که متأسفانه شرق‌شناسان و فارسی‌زبانان در گذشته‌ها از آن بی‌خبر بودند و نیز در سده‌ی اخیر مورد توجه‌ی دانشمندان ما قرار گرفته‌است. این فن تا سال‌های قبل برنامه‌های مشخص درسی نداشته و به صورت شفاهی از شخصی به شخص دیگر مطرح شده و گاهی در مقدمه‌تذکره‌ها و یا در مجالس ادبی عنوان می‌شد. مفهوم سبک مثل بسیاری از مفاهیم دیگر وجود بدیهی دارد که تعریف جامع و مانع آن دشوار است.

سبک در لغت عرب به معنای جدا کردن طلا از نقره است و سبیکه پاره‌ی نقره ذوب شده را می‌گویند؛ اما محققان امروزی سبک را مجازاً به معنی نحو کاربرد مشخص نظم و نثر در آثار نویسندگان دانسته‌اند که تقریباً مترادف سبیل style اروپاییان است. در اصطلاح علوم ادبی سبک عبارت از روش خاص بیان افکار و ادراک نویسندگان به وسیله‌ی ترکیب واژه‌ها و انتخاب تعبیرات منحصر به فرد به شیوه‌های گوناگون است. سبک به اثر ادبی از لحاظ شکلی و محتوایی ویژه‌گی خاصی می‌بخشد. و آن به نوبه‌ی خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده در باره حقیقت می‌باشد (بهار، ۱۳۸۸). داکتر شمیسا در باره‌ی مفهوم سبک چنین اظهار نظر کرده‌است: «سبک ویژه‌گی‌های مشترک و برجسته است که در اثر شخصی دیده می‌شود. یک عنصر یا ویژه‌گی یا ویژه‌گی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی است. به عبارت دیگر این وحدت مأخوذ از تکرار عوامل یا مؤلفه‌ی است که در آثار شخصی می‌باشد و توجهی مخاطب دقیق و کاوش‌گر را جلب می‌کند» (۱۳۸۰، ص. ۱۳-۱۴). اما در بحث زبان‌شناسی اجتماعی، سبک عبارت از گونه‌های خاص زبانی با مفهوم و معنای مشخص در موقعیت‌های خاص اجتماعی است. یا در یک جامعه‌ی زبانی افراد براساس میزان رسمی

بودن موقعیت گفت‌وگو، درجه‌ی محبت خود با شنونده و درجه‌ی فاصله موقع اجتماعی خود از شنونده، گونه‌های مختلف زبانی را استفاده می‌نمایند که سبک زبانی گفته می‌شوند.

در فرهنگ لغت انگلیسی فناوری با عبارت tech. nol. O. gy به معنای آشنایی به اصول فنی و فن‌شناسی آمده‌است که معادل آن در فرهنگستان، تکنولوژی استفاده می‌شود (حسینی و رضی، ۱۳۹۳). یا به عبارت دیگر، تکنالوژی عبارت از شناخت و اصول ضروری برای تولید خدماتی که دست‌آورد توانایی فکری و معرفت انسان و آمیزش قانون‌های به‌وجود آمده در محیط ما می‌باشد. پس تکنالوژی ماهیت اطلاعاتی دارد که در صورت‌های مختلف ظاهر می‌شود. نظر به این تعریف، نگرش‌های سطحی که تکنالوژی را مترادف وسیله و تجهیزات می‌دانند، باید این گونه تصحیح شوند که ابزارهای تجسم عینی و مادی اطلاعاتی هستند که پیش از صورت عادی و عینی جنبه‌ی نرم‌افزاری داشته‌اند و طی یک فرایند، مبدل به سخت‌افزار شده‌اند (شاعیدی، ۱۳۹۰). فناوری یا تکنالوژی به معنای مهارت‌های علمی و کاربردیست که به‌منظور نتایج و یافته‌های علمی استفاده می‌شود که اساس و پایه آن بر طراحی منظم، اجرا، ارزش‌یابی، بهره‌گیری از روش‌ها و دانش‌های فنی است.

سبک‌های زبانی

در پیدایش سبک‌های یک زبان معین، ویژگی‌های زبانی مختلفی از لحاظ واژه‌گانی، دستوری و آوایی تأثیر دارند. در هر زبان، امکانات مختلف برای بیان یک موضوع، وجود دارد که یک گوینده‌ی معین بر مبنای توانایی خود، در موقعیت‌های مختلف از سبک‌های مختلف زبانی استفاده می‌کند. سبک زبانی عاملیست که نه به گوینده‌گان یک زبان، بلکه بیش‌تر به کاربرد زبان در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون مربوط می‌شود. یک گوینده معین با خصوصیاتى مانند: سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و گروه قومی که در یک مقطع زمانی، کم و بیش ثابت هستند، در در موقعیت و بافت‌های اجتماعی مختلف از گونه‌های زبانی متفاوتی استفاده می‌کند که در اصطلاح سبک نامیده می‌شود. از دیدگاه سنتی، سبک بیشتر ویژه و احیاناً استادانه زبان در نوشتار تعبیر شده‌است اما به‌نظر جامعه‌شناسان زبان، سبک عبارت از مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی که در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون، در گفتار یا نوشتار به کار گرفته می‌شوند؛ به بیان دیگر گونه‌هایی از یک زبان که متناسب با بافت‌های اجتماعی گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرند، سبک‌های مختلف آن زبان به شمار می‌آیند (مدرسی، ۱۳۹۳). در یک زبان سبک‌های مختلف ارتباطی وجود دارد که افراد آن زبان نظر به توانایی‌شان، از میان سبک‌های مختلف، سبک مورد پسند خود را انتخاب می‌نمایند و توسط آن از افکار هم‌دیگر

آگاه شده و رفع نیازمندی می‌نمایند. هر گوینده‌ی زبان نظر به موقعیت اجتماعی که دارد موضوع ارتباط خود را با شنونده با طریقه‌های متفاوت بیان نموده و از سبکی که در حد توانش باشد استفاده می‌کند.

انواع سبک‌های در زبان فارسی دری

سبک در مجموع مختصات زبانی معین است که در موقعیت‌های اجتماعی معین در گفتار و نوشتار در بین گوینده و شنونده رد و بدل می‌شود و افراد یک جامعه، توسط این مختصات معین نظر به درجه فهم متقابل، موقف اجتماعی، شغل، سن، جنسیت، تحصیلات و غیره افهام و تفهیم می‌نمایند. این ویژگی‌ها به انواع مختلف دسته‌بندی شده که به آن‌ها سبک‌های زبانی، زبان می‌گویند.

هاج برای زبان فارسی چهار سبک متفاوت قایل شده‌است. به نظر هاج در زبان فارسی به‌طور کلی دو سبک رسمی و غیر رسمی وجود دارد که می‌توان برای هر یک آن‌ها دو سطح جداگانه قایل شد؛ به این ترتیب، هاج چهار سبک محاوره‌ای، محتاطانه، رسمی عادی و رسمی محترمانه برای زبان فارسی پیشنهاد می‌کند (مدرسی، ۱۳۹۳).

۱. سبک محترمانه: این سبک زبانی بسیار رسمی می‌باشد و در موقعیت‌هایی کاربرد دارد که جایگاه و موقف اجتماعی گوینده و شنونده بسیار بالا است، مثلاً میان دو سفیر یا دو مقام بلند پایه‌ی دولتی یا علمی یا در موقعیت‌هایی که فاصله‌ی گوینده و شنونده از لحاظ مرتبه اجتماعی یا صمیمیت بسیار زیاد است (افخمی و قاسمی، ۱۳۸۸).

از ویژگی‌های این سبک کاربرد افعال بسیار محترمانه نظیر «فرمودند» (گفت)، «ملاحظه کردند» (دید)، «تشریف بردند» (رفت)، «شرفیاب شدند» (آمد)، «عرض دارند» (می‌گوید)، «انجام دادند» (کرد)، «نوش جان کردند» (خورد)، «مطالعه کردند» (خواند) و غیره. هم‌چنین در این گونه‌ی زبانی اصطلاحات سبک محاوره‌ی و حذف حرف‌های اضافی را نمی‌بینیم. مثلاً به جای «او خانه رفت» می‌گوییم «آنجناب به خانه تشریف بردند». بسیاری از عبارات این سبک نیز کلیشه‌ی‌اند، مثلاً در مراسم عزاداری عبارت‌های «عمرش را به شما بخشید»، «زنده‌گی سرتان باشد»، «روحش شاد باد» و غیره.

۲. سبک رسمی: به سبکی گفته می‌شود که مطابق زبان معیار یک جامعه شکل می‌گیرد. اساس این سبک را زبان معیار تشکیل می‌دهد. منظور از زبان معیار، گونه‌ی از زبان است که در در روند معیارسازی توسط جامعه که روند مستقیم و آگاهانه است، انتخاب و به کار برده می‌شود.

زبان معیار یا سبک رسمی در مرکزهای اداری و آموزشی کشور و در نوشتن متون فلسفی، ادبی و علمی کاربرد فراوان دارد. این گونه‌ی زبانی فارسی دری اکثر متن‌های مکتوب از قبیل متون فلسفی، ادبی، علمی، فنی، دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره ما را در بر می‌گیرد. بر علاوه‌ی متون یاد شده، گونه‌ی جلسات رسمی، سخن‌رانی‌ها، خبرهای رادیو و تلویزیون نیز می‌باشد. در این سبک، صیغه‌های فعل به صورتی که در ژرف ساخت زبان و ادبیات فارسی قرار دارد، به کار می‌رود و تغییر نمی‌کند. حذف حروف اضافه نیز به آن شکل که در سبک‌های دیگر دیده می‌شود در این سبک وجود ندارد. هم‌چنین بسیاری اصطلاحات خودمانی و سبک محاوره‌یی در این سبک دیده نمی‌شود. مثلاً به جای «آنها کتاب خوانند» می‌گوییم «آنها کتاب را مطالعه کردند».

۳. سبک نیمه‌رسمی: به سبک زبانی گفته می‌شود که برخی ویژگی‌های سبک رسمی و برخی ویژگی‌های سبک محاوره‌یی را داشته باشد. این گونه زبانی در موقعیت‌هایی به کار می‌رود که رسمی بودن رابطه‌ی گوینده و شنونده کم است و سخن طرفین مکالمه به گونه‌ی محاوره‌یی نزدیک شده‌است. گونه‌های سبکی رسمی غیر رسمی در میان همه اعضای یک جامعه زبانی کم و بیش مشترک استند؛ اما گونه‌های سبک رسمی، معمولاً در اختیار گروه‌های تحصیل کرده‌تر، به گونه‌های سبک رسمی یک زبان بیش‌تر تسلط دارند و بنابراین بخش بزرگ‌تری از پیوستار سبکی را در اختیار دارند (مدرسی، ۱۳۹۳).

از سبک نیمه‌رسمی دانش‌آموزان در صنف و کارمندان در محل کار خود با رییس اداره استفاده بیش‌تری می‌کنند. صیغه فعل‌ها در سبک نیمه‌رسمی دارای شکل آوایی و نوشتاری متفاوت از سبک رسمی است. مثلاً «بگویید» به صورت «بگین»، «بروند» به شکل «برون»، «بیایید» به شکل «بیاین»، «بنویسید» به صورت «بنویسین»، «بخورید» به صورت «بخورین»، «بنوشید» به صورت «بنوشید» و غیره تلفظ و بر همین اساس نوشته می‌شوند.

۴. سبک محاوره‌یی: به گونه‌ی زبانی گفته می‌شود که ویژگی‌های رسمی آن نظر به سبک نیمه‌رسمی کم‌تر باشد، مانند این که در گونه‌ی نیمه‌رسمی صیغه‌های فعل شخص دوم جمع به جای شخص دوم مفرد به مفهوم احترام بیش‌تر استفاده می‌شود نسبت به گونه‌ی محاوره‌یی. واژه‌های خاص سبک رسمی از قبیل: واژه‌های ادبی، فنی و تخصصی در این سبک دیده نمی‌شوند. مثلاً به شکل معمول واژه‌های در مینوردم، پدرود، چگونه، پرداختن، تعلل و تناول در گونه‌ی محاوره‌یی به کاربرد ندارند. یکی دیگر از ویژگی‌های این گونه استعمال ساخت‌های دوگانه‌سازی شده نظیر «چیزمیز»،

نامزد پوهنپار صفی الله افضلې

«کاغذماغذ»، «پول و مول»، «ترق پرق»، «قاطی پاتی»، «کار و بار»، «گیر و گرفت» و غیره است. سبک محاوره‌یی همان گونه زبانی ست که در میان مردم کوچه و بازار که دارای سطح تحصیلاتی مختلف و گوناگون، و درجه‌ی سنی و طبقاتی مختلف‌اند، کاربرد دارد. (افخمی و قاسمی، ۱۳۸۸). سبک‌های رسمی و محاوره‌یی دایره‌ی کاربرشان بیش‌تر و بارزتر از سبک‌های دیگرند.

۵. سبک عامیانه: به گونه‌ی زبانی گفته می‌شود که برای ارتباط میان اقشار پایین جامعه و مردم بی‌سواد در کوچه و بازار به کار می‌رود. هم‌چنین این گونه در میان اشخاصی که ارتباط خیلی صمیمی با هم‌دیگر دارند، استفاده می‌شود. مانند دو دوست بسیار صمیمی، صنفی‌های مکتب، رفیق‌ای قشلاقی، شوهر با زن، پدر با فرزندانش، مادر با فرزند. این گونه با گونه‌ی محاوره‌یی تا حدی هم‌خوانی دارد، اما ویژه‌گی‌های مهم این گونه، استفاده زیاد اصطلاحات عامیانه است. چون سبک عامیانه در میان طبقه‌های اجتماعی پایین و افراد بی‌سواد کاربرد بیش‌تر داشته، در این سبک واژه‌ها و اصطلاحاتی به کار می‌رود که گاهی برای دیگران قابل درک نمی‌باشند اما گوینده و شنونده از آن آگاهی کاملی دارند و در سبک‌های دیگر به کار نمی‌روند. از ویژه‌گی‌های دیگر این سبک، کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات تابو است، مانند ضرب‌المثل‌ها و متلک‌ها عامیانه که در سبک‌های دیگر به کار نمی‌روند.

کاربرد تکنالوژی در آموزش سبک‌های زبانی

کاربرد تکنالوژی در آموزش سبک زبانی شامل هرگونه وسایل ممکن و اطلاعاتی می‌شود که می‌تواند در آموزش سبک‌های زبانی مورد استفاده قرار گیرد. این وسایل که در آموزش سبک‌های زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، شامل: تلویزیون، رادیو، کامپیوتر، موبایل، آزمایشگاه‌های زبان و انواع دیگر رسانه‌های طراحی شده دیداری و شنیداری است.

به بیان دیگر استفاده تکنالوژی در تعلیم و تربیت اساساً همان معنای عامیانه‌ی تکنالوژی یادگیری یعنی استعمال از وسایل شنیداری و دیداری، مانیتورها و صفحه کلیدهای رایانه می‌باشد. حوزه‌ی همه‌گانی وسایل شنیداری و دیداری در دو بخش قابل تفکیک می‌باشد: یکی سخت‌افزار و دیگری نرم‌افزار. بخش سخت‌افزار تجهیزات فیزیکی و واقعی را در بر می‌گیرد، از قبیل: سلایدهای پروژکتوری، وسیله‌ی ضبط صوت، دستگاه ویندوز و غیره. بخش نرم‌افزار نیز در برگیرنده‌ی مواردی است که ارتباط با تجهیزات و دستگاه‌های ذکر شده دارد، مانند: طلق‌های اووهد، اسلاید، برنامه‌های شنیداری، برنامه‌های رایانه، زبان‌های نوشتاری و غیره (جاویدان و جوادفر، ۱۳۹۴، ص. ۷) قسمی که مشهود است کاربرد تکنالوژی در آموزش زبان و سبک‌های آن از جنبه‌های مهم

نامزد پوهنیار صفی الله افضلی

تکنالوژی محسوب می‌شود که روند یاددهی و یادگیری سبک‌های زبانی را تسهیل می‌سازد و باعث درک عمیق‌تر و پایدارتر در یاددهی و یادگیری سبک‌های زبان فارسی دری می‌شود.

نقش تکنالوژی در توسعه‌ی سبک‌های زبانی

تکنالوژی بر علاوه‌ی آموزش سبک‌های زبانی، نقش مهمی را در توسعه و گسترش آن‌ها نیز بازی می‌کند. برای گسترش سبک‌های زبانی می‌توان از تکنالوژی جدید استفاده کرد و برنامه‌های سبکی را از طریق انترنت می‌توانیم به دسترس مردم قرار دهیم تا در ارتباط با طبقات مختلف از نوع زبانی آن استفاده نمایند. از طریق برنامه‌های چون: واتساپ، ایمو، تلگرام، مسنجر، فیسبوک و غیره می‌توانیم آموزش و گسترش سبک‌های زبانی را آسانتر بسازیم.

مناقشه

با وجود تأکید فراوان بر نقش تکنالوژی در آموزش زبان، برخی از محققین در خصوص تأثیر مستقیم آن بر سبک‌های زبانی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح کرده‌اند. برخی معتقدند که تکنالوژی در آموزش زبان، تنها ابزار کمکی محسوب می‌شود و نمی‌تواند به‌تنهایی به شکل‌گیری یا گسترش سبک‌های زبانی بینجامد. از دید این منتقدان، سبک‌های زبانی برآمده از کنش‌های اجتماعی، زمینه‌های فرهنگی و روابط قدرت هستند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً با استفاده از ابزارهای تکنالوژیک توسعه داد (Kisling, ۲۰۰۹; Bell, ۲۰۰۱).

برای نمونه، Labov (۱۹۶۶) در تحقیقات خود تأکید دارد که سبک‌های زبانی تابع موقعیت‌های اجتماعی و تعاملات چهره‌به‌چهره‌اند و این تعاملات، در بستر فیزیکی و ملموس جامعه معنا می‌یابند. او سبک را نه صرفاً تغییر واژگان، بلکه تحول در روابط اجتماعی می‌داند. از این منظر، استفاده از تکنالوژی‌های آموزشی اگرچه می‌تواند به انتقال دانش کمک کند، اما در شکل‌گیری سبک زبانی به معنای دقیق کلمه، نقش محوری ندارد.

هم‌چنین، برخی دیگر با استناد به دیدگاه‌های Podesva (۲۰۰۸) و Eckert (۲۰۰۸) بر این باورند که سبک زبانی امری وابسته به هویت اجتماعی افراد است و ابزارهای تکنالوژیک، در بیشتر موارد تنها به بازتولید سبک‌های غالب (و نه خلق سبک‌های نو) منجر می‌شوند. آنان هشدار می‌دهند که استفاده گسترده از تکنالوژی در آموزش، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند به یکنواختی زبانی و نادیده گرفتن تنوع‌های محلی بینجامد.

نامزد پوهنیار صفی الله افضل

در سوی مقابل، برخی محققان مانند احدیان، محمدی و مجدفر (۱۴۰۲) بر این باورند که تکنالوژی نه تنها ابزار آموزشی است، بلکه می‌تواند با فراهم آوردن زمینه‌ی ارتباطی میان افراد از طبقات، نسل‌ها و مناطق مختلف، به تعاملات زبانی و در نتیجه گسترش سبک‌های گوناگون بینجامد. آنان تأکید می‌کنند که بهره‌گیری هوشمندانه از فضای مجازی، رسانه‌ها، و نرم‌افزارهای آموزش زبان می‌تواند سبک‌های رسمی، غیررسمی و حتی عامیانه را در بسترهای گوناگون بازنمایی کرده و به توسعه آن‌ها کمک کند.

بنابراین، روشن است که دیدگاه‌ها درباره تأثیر تکنالوژی بر سبک‌های زبانی یک‌دست نیستند. اما به نظر می‌رسد که اگر از تکنالوژی به عنوان ابزار مکمل در کنار آموزش مبتنی بر زمینه‌های اجتماعی استفاده شود، می‌تواند راه‌گشای توسعه‌ی سبک‌های زبانی متنوع، به‌ویژه در جوامع در حال گذار مانند افغانستان باشد. چنین نگاهی می‌تواند شکاف میان نظریه‌های جامعه‌محور و فناوری‌محور را تا حدی پر کرده و نقش واسط تکنالوژی را در پویایی زبانی تبیین نماید.

نتیجه‌گیری

بررسی تأثیر تکنالوژی بر آموزش و گسترش سبک‌های زبانی نشان می‌دهد که زبان فارسی‌دري از تنوعات سبکی گسترده‌ای برخوردار است که در تعاملات اجتماعی، متناسب با بافت موقعیتی و سطح رسمی یا صمیمیت، به‌گونه‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود. این سبک‌ها، بازتابی از ساختار اجتماعی جوامع زبانی‌اند که در آن، عواملی چون سن، جنسیت، سطح تحصیلات، شغل، جایگاه اجتماعی و اقتصادی، و حتی نوع روابط انسانی نقش تعیین‌کننده دارند.

در این میان، تکنالوژی نوین به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب صنعتی، نقشی حیاتی و تحول‌آفرین در آموزش و توسعه‌ی سبک‌های زبانی ایفا می‌کند. تکنالوژی، موانع سنتی آموزشی را که ریشه در تفاوت‌های طبقاتی، جنسیتی، سنی یا جغرافیایی دارد، کاهش داده و بستری برابر، سریع و فراگیر برای یادگیری و ترویج گوناگونی‌های زبانی فراهم ساخته است. در بستر افغانستان، که در حال گذار به سوی دگرگونی‌های صنعتی و فناورانه است، بهره‌گیری هدفمند از ابزارهای دیجیتالی، شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آموزشی و رسانه‌های نوین، می‌تواند هم در آموزش زبان و هم در توسعه‌ی سبک‌های زبانی بومی و رسمی نقشی کلیدی ایفا کند.

بنابراین، تکنالوژی نه تنها ابزار آموزش سبک‌های زبانی است، بلکه خود به عنوان یک عامل تغییر اجتماعی و زبانی، در راستای تحولات ناشی از انقلاب صنعتی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سواد زبانی، گفتمان اجتماعی، و انسجام فرهنگی در افغانستان گردد.

پيشنهادات

با توجه به یافته‌های این مطالعه و اهمیت سبک‌های زبانی در آموزش و یادگیری، اقدامات زیر می‌تواند در بهبود کیفیت آموزش زبان در افغانستان مؤثر باشد:

- راهنمای آموزشی: تهیه منابع برای آموزش سبک‌های زبانی رایج در افغانستان.
- کارگاه معلمان: برگزاری دوره‌های کوتاه برای آشنایی معلمان با سبک‌های زبانی.
- استفاده از رسانه‌ها: تولید محتواهای آموزشی آنلاین و آفلاین برای تمرین زبان.
- پایش زبانی: ثبت و بررسی تغییرات زبانی در مدارس و محیط‌های آموزشی.

منابع

احدیان، م.، محمدی، د.، و مجدفر، م. (۱۴۰۲). *مقدمات تکنولوژی آموزشی*. تهران: انتشارات آییژ.

افخمی، ع.، و قاسمی، س. ض. (۱۳۸۸). «سبکهای زبانی در فارسی و نمود ادبی». پژوهش زبانهای خارجی، ۵۵، ۵-۱۷.

بهار، م. ت. (۱۳۸۸). سبکشناسی. ج اول. چ سوم. تهران: انتشارات زوآر.

جاویدان، ل.، و جوادفر، م. (۱۳۹۴). تأثیر تکنولوژی آموزشی در آموزش و یادگیری دانش آموزان. در دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی. بازیابی شده از <https://www.sid.ir/paper/826865/fa>

حسینی، س.، و رضی، ا. (۱۳۹۳). «شیوهها و روشهای تدریس نوین و فناوریهای جدید در آموزش زبان فارسی در دانشگاهها». نخستین همایش آموزش زبان فارسی، ۱۴۷-۱۵۸.

شاعیدی، ع. (۱۳۹۰). «نقش تکنولوژی اطلاعاتی در تکنولوژی فرهنگی با محوریت توسعه فرهنگ اسلامی-ایرانی». گروه فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه پیام نور، ۵، ۴۵-۵۱.

مدرسی، ی. (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعهشناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Bell, A. (2001). Back to the style: Revisiting audience design. In P. Eckert & J. R. Rickford (Eds.), *Style and sociolinguistic variation* (pp. 139–169). Cambridge University Press.

Coupland, N. (1985). Hegemonic speech styles and style politics. In N. Coupland (Ed.), *Style and social identities* (pp. 234–258). Routledge.

Coupland, N. (2006). *Style: Language variation and identity*. Cambridge University Press.

Eckert, P. (2008). Variation and indexical fields. *Journal of Sociolinguistics*, 12(4), 453–476.

Hosseini, S., & Razavi, A. (2014). Methods and approaches for modern teaching and new technologies in Persian language instruction at universities. *First Conference on Persian Language Teaching*, 147–158.

Javidan, L., & Javadi-Far, M. (2015). The impact of educational technology on student learning and instruction. In *Second National*

- Conference on Psychology and Educational Sciences.*
<https://www.sid.ir/paper/826865/fa>
- Kiesling, S. F. (2009). Style as stance: Stance as an explanation for sociolinguistic patterns of variation. In E. Jaffe (Ed.), *Stance: Sociolinguistic perspectives* (pp. 171–194). Oxford University Press.
- Labov, W. (1963). The social motivation of a sound change. *Word*, 19(3), 273–309.
- Labov, W. (1966). *The social stratification of English in New York City*. Washington, DC: Center for Applied Linguistics.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Labov, W. (2006). *The social stratification of English in New York City* (2nd ed.). Cambridge University Press.
- Meyerhoff, M. (2006). *Introducing sociolinguistics*. Routledge.
- Moore, E., & Podesva, R. J. (2009). Style, indexicality, and the social meaning of emphatic questions. *Language in Society*, 38(4), 447–485.
- Ochs, E. (1992). Indexing gender. In C. Goodwin & A. Duranti (Eds.), *Rethinking context: Language as an interactive phenomenon* (pp. 335–358). Cambridge University Press.
- Podesva, R. J. (2008). Exploring the indexical field: Stance, style, and sexual orientation in the production of /s/. In C. Bergmann & L. Cornips (Eds.), *Style and social identities: Alternative approaches to linguistic heterogeneity* (pp. 165–192). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Schilling-Estes, N. (1998). Investigating "self-conscious" speech: The performativity of dialect in Ocracoke English. *Language in Society*, 27(1), 53–83.
- Shaidi, A. (2011). The role of informational technology in cultural technology with emphasis on the development of Islamic-Iranian culture. *Information and Communication Technology Group, Payame Noor University*, 5, 45–51.
- Shamisa, S. (2001). *Foundations of stylistics* (6th ed.). Tehran: Ferdows Publications.

مطالعه فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان مطالعه موردی: ولایت هرات

نامزد پوهنپار ضیال‌الحق سادات^{*۱}

۱. دیپارتمنت مدیریت انکشاف، پوهنځی اداره و پالیسی عامه، پوهنتون هرات

* نویسنده مسئول - ایمیل: ziaholhaqss@gmail.com

چکیده

از آنجایی که سرمایه‌گذاری نقش به‌سزای در توسعه اقتصاد هر کشور دارد؛ افغانستان کشوری است که با محاط بودن به خشکه و موقعیت استراتژیک به حیث نقطه‌ی وصل در منطقه، با ظرفیت‌های صنعت روز است. تحقیق حاضر به هدف بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان با مطالعه موردی ولایت هرات انجام شده است. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شده و نیز روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق، روش تحلیل محتوا بوده است. جامعه آماری تحقیق به اساس نمونه‌گیری هدف‌مند به تعداد ۱۴ نفر به شمول استادان پوهنتون هرات، کارمندان ریاست صنعت و تجارت و اتاق صنایع و معادن ولایت هرات و سرمایه‌گذاران ایرانی بوده و موعد زمانی انجام آن زمستان سال ۱۴۰۳ بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که افغانستان به‌عنوان کشوری با منابع طبیعی غنی، موقعیت جغرافیایی استراتژیک و جمعیتی جوان، ظرفیت‌های بالایی برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعتی دارد. از جمله فرصت‌های موجود می‌توان به حمایت دولت از سرمایه‌گذاری، موجودیت منابع طبیعی سرشار، بازار مصرفی در حال رشد و امکانات انتقالات اشاره کرد. با این حال، چالش‌های عمده‌ای نظیر نوسانات اقتصادی، ضعف زیرساخت‌ها، پیچیدگی‌های اداری و کمبود نیروی کار ماهر در زمینه سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان گریبان‌گیر سرمایه‌گذاری در این کشور گردیده است. در این تحقیق، ضمن تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های استخراج شده، پیشنهاداتی نیز برای تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکار ارائه شده است. در نهایت، نتایج نشان می‌دهد که با اقدامات سازنده در زمینه رفع پیچیدگی‌های اداری، تقویت زیرساخت‌ها و فراهم‌آوری تسهیلات بیشتر، افغانستان می‌تواند به یک مقصد جاذب برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تبدیل شود.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، چالش‌ها، سرمایه‌گذاری، صنایع، فرصت‌ها

Studying the opportunities and challenges of investment in Afghanistan Case Study: Herat Province

Teaching Assistant , Ziaulhaq Sadat^{1*}

1. Department of Development Management, Faculty of Public Administration and Policy, Herat University

* Corresponding Author Email: ziaholhaqss@gmail.com

Abstract

Since investment plays a role in the development of the economy of any country; Afghanistan is a country that is surrounded by land and strategic position as a connection in the region with the capacities of the day industry. The present research was conducted to examine the opportunities and challenges of investing in Afghanistan's industries with a case study of Herat province. The present research is in terms of purpose, practical and in terms of nature, qualitative, and used semi-structured interviews to collect data, as well as the research method used in this research was the contained analysis. The Statistical Society of Research is based on a targeted sampling of 14 professors of Herat University, employees of the Department of Industry and Commerce and the Chamber of Industry and Mines of Herat province and Iranian investors. The results of the research showed that Afghanistan, as a country with rich natural resources, strategic geographical location and young population, has high capacities to attract investment in various industrial sectors. Among the existing opportunities, the government's support for investment, the existence of abundant natural resources, the growing consumer market and the facilities of transportation. However, major challenges such as economic volatility, weakness of infrastructure, administrative complexities and skilled labor shortages in investment in Afghanistan have been facing investment in the country. In this study, while analyzing the opportunities and challenges extracted, suggestions are also made to facilitate the investment process and improve the business environment. Finally, the results show that with constructive measures in removing administrative complexities, strengthening infrastructure and providing more facilities, Afghanistan can become an attractive destination for domestic and foreign investors.

Keywords: Afghanistan, challenges, investment, industries, opportunities.

مقدمه

سرمایه در معنای وسیع آن کالایی اقتصادی است که به طور بالقوه یا بالفعل مولد اقتصادی دیگر است و در کنار عوامل دیگری نظیر خلاقیت، نیروی کار و فن آوری مفهوم عینی در سرمایه گذاری می یابد (موسوی، ۱۳۸۵). بطور کل سرمایه گذاری در برگیرنده ی دو گونه سرمایه گذاری شامل سرمایه گذاری داخلی و خارجی می باشد. که در سرمایه گذاری داخلی اشخاص حقیقی و حقوقی تبعه یک کشور در درون نظام اقتصادی، یک فعالیت اقتصادی را شروع نموده و در سرمایه گذاری خارجی اشخاص غیر تبعه یک کشور یک فعالیت اقتصادی را شروع می نمایند (امینی و همکاران، ۱۳۹۱). افغانستان کشوری محاط به خشکه بوده که ظرفیت های بالقوه ی حیاتی چون؛ منابع طبیعی سرشار، موقعیت جغرافیایی مناسب، بازارهای بکر، نیروی کاری جوان و فروان برخوردار بوده که با اطلاع همه جانبه سرمایه گذاران از فرصت های موجود؛ می تواند سرمایه گذاران داخلی و خارجی را جذب کرده در شگوفایی اقتصاد سهم عمده ی خویش را ادا نماید. تاریخ چه ی سرمایه گذاری در افغانستان به دوره امیر شیر علی خان رجعت داده می شود که راه ابریشم مسیر تجارتي در آن دوران بوده است (احمدی، ۱۳۹۱). سرمایه گذاری داخلی و خارجی نقش مهم در توسعه اقتصاد کشورها داشته؛ به این دلیل است که بعضی از کشورها در جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی از طریق تنوع و اعظمی سازی تسهیلات رقابت شدید را متقبل شده برنامه های وزینی چون؛ اعطای تابعیت را به منصفی اجراء می گذارند. سرمایه گذاری داخلی در جای خود حایز اهمیت بوده جذب سرمایه گذاران خارجی برای دستیابی به رشد اقتصادی امر ضروری است. سرمایه گذاری خارجی به دو بخش مستقیم و غیر مستقیم تقسیم شده، در حالی است که جایگاه سرمایه گذاری خارجی برای کشورهای توسعه یافته دارای اولویت بوده و یکی از مولفه ها و شاخص های اصلی توسعه اقتصادی محسوب می شود (حسین، ۲۰۱۲). بطور کلی ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورها، دارای آثار مثبت متعدد مستقیم و غیرمستقیم می باشد. آثار مستقیم سرمایه گذاری خارجی شامل افزایش دستمزد واقعی، کاهش قیمت های داخلی و افزایش درآمدهای مالیاتی می باشد. همچنین انتقال منابع ارزی به کشور میزبان باعث ثبات بازار ارز در این کشور می گردد. این وضعیت منجر به بهبود تراز پرداخت های کشور میزبان می گردد. در واقع باگذشت زمان به تدریج سهم سود، سودهای انباشته و برگشت سرمایه تحقق گسترش می یابد. سرمایه گذاری خارجی پیوندهای اقتصاد ملی با اقتصاد بین الملل را گسترش می دهد و در درون خود موجبات انتقال فناوری به کشور میزبان گردیده و با خود رشد اقتصادی را به وجود

می آورد (بیات و همکاران، ۱۳۹۴). در این زمینه دیپلماسی می تواند به وسیله مذاکره تا حدی رهگشا باشد (شهریاری، ۱۳۹۵). البته برای رسیدن به این آثار مثبت و رشد پایدار باید تلاش های گسترده ای برای ابداع و توسعه تکنولوژی ملی فراهم ساخت و تکنولوژی خارجی را با شرایط داخلی کشور خود تطبیق داد (ازوجی و داداشی، ۱۳۷۸). بر اساس گزارش دافغانستان بانک (۲۰۱۳) در طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۳ سهم بخش های خدمات، مسکن، صنعت، معدن و زراعت از کل سرمایه گذاری مشترک خارجی و افغانی به مبلغ ۲۰۵۶ میلیارد دالر به ترتیب ۳۹، ۳۰، ۱۲، ۴ و ۱۵ درصد بوده است. در سال های اخیر تشکلات مورد نیاز چون؛ ریاست تسهیلات سرمایه گذاری در چارچوب وزارت صنعت و تجارت؛ اتاق صنایع و معادن، اتحادیه های مختلف صنفی تولیدکنندگان و صنعت کاران؛ زمینه ی ارتباطات باز را فراهم نموده که می تواند منجیت گام های با اهمیت در صنعتی کشور شناخته شده و به یادگیری بهتر در زمینه های مختلف بی انجامد که عواملی همانند: سرمایه گذاری دولتی، تورم و مالیات بر شرکت ها به عنوان عوامل موثر بر سرمایه گذاری نیاز به توجه جدی دارد (خسروی، ۱۳۹۲). در این میان برای تحریک سرمایه گذاری گزارش گری مالی به منظور رفع عدم اطمینان (علوی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ توجه به نظام سرمایه گذاری بین الملل (کارگر شورکی، ۱۳۹۹)؛ ایجاد زیرساخت های مورد نیاز (حسینی نیا، ۱۳۹۸) از جمله اقدامات ابتدایی اما کلان در هر کشور است. افغانستان با موقعیت استراتژیک خویش اخیرا توانسته است تا با احداث و فعال نگهداری پارک های صنعتی در زمینه انکشاف صنایع از طریق جلب سرمایه گذاران داخلی و خارجی گام های عملی را به منظور بهره برداری از فرصت های سرمایه گذاری و دفع چالش های فراروی آن بردارد. شناسایی فرصت ها و چالش های سرمایه گذاری در افغانستان تبعیت از تحقیقات علمی را خواستار بوده که با جستجوهای انجام شده ی محقق در مراکز تحقیقی در دسترس به آن پرداخته نشده است. این در حالی است که در تحقیقات خارجی حول موضوع با جامعه تحقیقی خارجی حسب ذیل پرداخته شده است.

کریمی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی تحت عنوان کنکاشی بر فرصت ها و چالش های سرمایه گذاری خارجی در استان آذربایجان شرقی پرداخته، به این نتیجه دست یافتند که چالش های سرمایه گذاری در منطقه آذربایجان شرقی شامل بروکراسی دست و پاگیر، نبود برنامه های اجرایی و نبود همدلی بوده؛ در حالی که فرصت های سرمایه گذاری در منطقه ی یاد شده شامل: رقابت بیشتر، سودآوری بیشتر و نیروی کار کم هزینه بوده است. همچنان محمد تقی امینی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان بررسی چالش ها و فرصت های سرمایه گذاری در مناطق مرزی ایران پرداخته، به

این نتیجه دست یافتند که فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این منطقه شامل: موقعیت راهبردی، هم-جواری با کشورهای همسایه مصرف‌گرا و نگاه حمایتی دولت بوده؛ در حالی که چالش‌های سرمایه‌گذاری در منطقه‌ی یاد شده شامل: فاصله زیاد از مناطق مرکزی، تنش و بحران‌های ملی و تحریم‌های اقتصادی بودند. و نیز در تحقیقی که محمد پور کیانی و همکاران (۱۴۰۳) تحت عنوان چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ورزش ایران پرداخته، به این نتیجه دست یافتند که فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در ورزش ایران شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، اداری، فرهنگی و اجتماعی بوده‌است.

از آنجایی که در زمینه شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری صنایع در افغانستان پرداخته نشده، جای تحقیق در زمینه به شدت خالی احساس گردیده؛ فلذا؛ این تحقیق با هدف شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان انجام شده، طوریکه مساله اصلی تحقیق کشف چستی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان بوده است. انجام تحقیق علمی در زمینه شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان برای درک بهتر از تسهیلات فراهم شده‌ی اخیر، شفاف‌سازی موانع موجود در سر راه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی امر با ارزش و ضروری بوده، می‌تواند به سیاست‌گذاران و پالیسی‌سازان کشور کمک کند تا استراتژی‌های موثری را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاران تدوین و به دست اجرا بیاورند. با توجه به اهمیت ذکر شده؛ محقق بر آن شده‌است تا در زمینه انجام تحقیق علمی در راستای شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان با مطالعه‌ی موردی ولایت بپردازد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به هدف تحقیق، از نوع کاربردی؛ به لحاظ گردآوری داده‌ها، کیفی و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های نظریه داده بنیاد از نوع تحلیل محتواء استفاده شده‌است. جغرافیای انجام تحقیق که به فضای انجام عملیات تحقیق گفته می‌شود (محمداپور، ۱۳۹۴). در این تحقیق با توجه به موضوع فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان شامل: استادان پوهنتون هرات، کارمندان ریاست صنعت و تجارت هرات، کارمندان اتاق صنایع و معادن ولایت هرات و تجار سرمایه‌گذار کشور ایران می‌باشند. نمونه آماری بوسیله روش نمونه‌گیری هدف‌مند مجموعاً ۱۴ نفر شامل ۹ تن از استادان پوهنتون هرات، ۲ تن از کارمندان ریاست صنعت و تجارت هرات، ۱

نامزد پوهنیار ضیاء الحق سادات

تن از کارمندان اتاق صنایع و معادن ولایت هرات و ۲ تن از سرمایه‌گذاران خارجی کشور ایران بودند که با اشباع نظری نمونه آماری الی اکمال آن ادامه یافته‌است. در این تحقیق با از روش مصاحبه کیفی عمیق به شیوه‌ی نیمه ساختاریافته استفاده گردیده و بصورت کامل با ۱۴ نفر از نمونه آماری مصاحبه‌های ۳۰-۴۰ دقیقه‌ای صورت گرفت. طوری که محقق با یک سوال کلی همراه بوده و مصاحبه شونده به طور آزاد عوامل را تحلیل می‌کرده است.

نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحقیقات کیفی داده‌های که محقق از روش‌های هم‌چون؛ مصاحبه یا مشاهده به دست می‌آورد، در نهایت به متن تبدیل شده از طریق تحلیل محتوا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵). بدین‌وسیله برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در تحقیق حاضر از روش تحلیل محتوا جهت شناسایی مفاهیم استفاده صورت گرفته‌است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش از تحقیق در قسمت اول، یافته‌های مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی ارائه گردیده متعاقباً؛ یافته‌های تحقیق حسب تجزیه و تحلیل به روش تحلیل محتوا ارائه گردیده‌است.

ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

جدول شماره (۱) ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

شماره	جنس	تحصیلات	تعداد
۱	مرد	لیسانس	۹
۲	مرد	ماستر	۵

سوال اول: چي فرصت‌ها فرا روی سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان وجود دارد؟

جدول شماره (۲) فرصت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان.

شماره	عامل اصلی	مفاهیم
۱	فرصت‌ها	منابع طبیعی سرشار
۲		کشور با زمینه‌ی زراعتی

۳	حمایت دولت از سرمایه‌گذاران
۴	نیروی کار جوان
۵	نیروی کار نسبتاً ماهر
۶	نیروی کار ارزان
۷	بازارهای بکر محصولات صنعتی
۸	وابستگی اقتصاد
۹	مصرف‌گرا بودن اقتصاد
۱۰	موجودیت طرزالعمل مشخص در زمینه سرمایه‌گذاری
۱۱	وجود تشکل مشخص تحت عنوان ریاست تسهیلات سرمایه‌گذاری در چارچوب وزارت صنعت و تجارت
۱۲	تسهیلات در امر اخذ جواز فعالیت
۱۳	امنیت کامل
۱۴	نبود فساد
۱۵	حاکمیت اصول شرعی در مالکیت و فعالیت مشروع
۱۶	معافیت‌های مالیاتی
۱۷	بسته‌های تشویقی
۱۸	ترجیحات محصولات داخلی
۱۹	حمایت دولت از طرح‌های کارافرینی اقتصادی
۲۰	وجود زمین‌های صنعتی قابل دسترس
۲۱	وجود خدمات معیاری ویژه و پاسپورت
۲۲	وجود رهنمود مشخص سرمایه‌گذاری
۲۳	میکانیزم‌ها و تشکلات حل منازعات
۲۴	موجودیت زیرساخت‌های انتقالات زمینی
۲۵	موجودیت امکانات انتقالات هوایی
۲۶	تسهیلات در امور گمرکی

معافیت‌های ورود مواد خام و ماشین‌الات	۲۷
عدم موانع موجود در انتقال سرمایه و مفاد	۲۸
دسترسی به مسیرهای کوتاه	۲۹
عضویت افغانستان به سازمان‌های بین‌المللی در حوزه تجارت	۳۰
حسن نیت بعضی از کشورها در قبال محصولات افغانی	۳۱
جاه افتاده بودن محصولات کشور افغانستان در بازارهای منطقه.	۳۲
مساوات در امر رسیدگی به مشکلات سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی	۳۳
عدم وجود محدودیت ناحیه‌ای در سرمایه‌گذاری	۳۴
عدم وجود محدودیت‌های سکتوری در سرمایه‌گذاری	۳۵

منبع: یافته‌های تحقیق.

طوری‌که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌گردد؛ منابع طبیعی سرشار، کشور با زمینه‌ی زراعتی، حمایت دولت از سرمایه‌گذاران، نیروی کار جوان، نیروی کار نسبتاً ماهر، نیروی کار ارزان، بازارهای بکر محصولات صنعتی، وابستگی اقتصاد، مصرف‌گرا بودن اقتصاد، موجودیت طرز العمل شخص در زمینه سرمایه‌گذاری، وجود تشکل مشخص تحت عنوان ریاست تسهیلات سرمایه‌گذاری در چارچوب وزارت صنعت و تجارت، تسهیلات در امر اخذ جواز فعالیت، امنیت کامل، نبود فساد، حاکمیت اصول شرعی در مالکیت و فعالیت مشروع، معافیت‌های مالیاتی، بسته‌های تشویقی، ترجیحات محصولات داخلی، حمایت دولت از طرح‌های کارآفرینی و اقتصادی، وجود زمین‌های صنعتی قابل دسترس، وجود خدمات معیاری ویژه و پاسپورت، وجود رهنمود مشخص سرمایه‌گذاری، میکانیزم‌ها و تشکلات حل منازعات، موجودیت زیرساخت‌های انتقالات زمینی، موجودیت امکانات انتقالات هوایی، تسهیلات در امور گمرکی، معافیت‌های ورود مواد خام و ماشین‌الات، عدم موانع موجود در انتقال سرمایه و مفاد، دسترسی به مسیرهای کوتاه، عضویت افغانستان به سازمان‌های بین‌المللی در حوزه تجارت و صنعت، حسن نیت بعضی از کشورها در قبال محصولات افغانی، جاه افتاده بودن

نامزد پوهنپار ضیالحق سادات

محصولات کشور افغانستان در بازارهای منطقه، مساوات در امر رسیدگی به مشکلات سرمایه گذاران داخلی و خارجی، عدم وجود محدودیت ناحیه‌ای در سرمایه‌گذاری و عدم وجود محدودیت‌های سکتوری در سرمایه‌گذاری به حیث فرصت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان از متون مصاحبه استخراج گردیده بدست آمد.

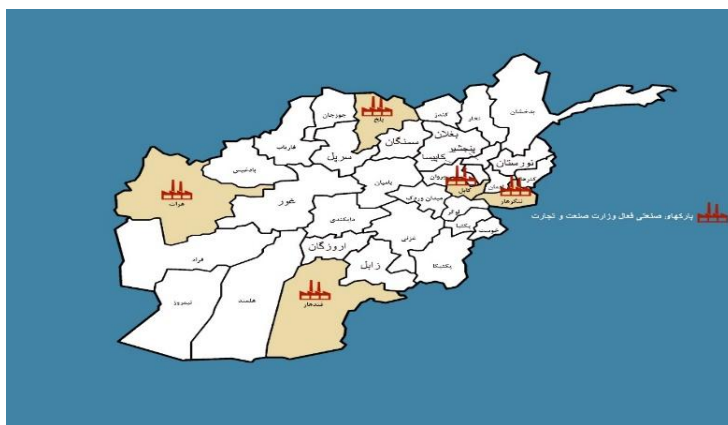
جدول شماره (۳) چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان.

شماره	عامل اصلی	مفاهیم
۱	چالش‌ها	نوسانات اقتصادی
۲		تحولات سیاسی
۳		ترس از محدودیت‌های بین‌المللی
۴		زیرساخت‌های ضعیف
۵		تصویر فساد از دوره‌های قبلی
۶		دسترسی محدود به خدمات بانکی
۷		اطمینان ضعیف به سیستم اقتصادی
۸		رقابت‌های ناسالم
۹		وجود قول‌ها و مخربین صنعتی
۱۰		سیاست‌های کشورهای همسایه
۱۱		تفکر در امر ضعف در ثبات سیاسی
۱۲		نبود بسته‌ی مدون حوزه‌های سرمایه‌گذاری
۱۳		ضعف سیستم حمل و نقل
۱۴		عدم موجودیت انرژی برق داوم‌دار
۱۵		عدم کتگوری‌بندی صنایع.
۱۶		عدم فروش و مالکیت مطلق زمین‌های صنعتی به سرمایه‌گذاران خارجی.
۱۷		نبود تیم‌های مسلکی و تخنیکی ترمیم ماشین‌آلات
۱۸		فقدان توانایی تولید قطعات جانبی ماشین‌آلات

پیچیدگی های اداری	۱۹

منبع: یافته های تحقیق.

طوری که در جدول شماره (۳) مشاهده می گردد؛ نوسانات اقتصادی، تحولات سیاسی، ترس از محدودیت های بین المللی، زیرساخت های ضعیف، تصویر فساد از دوره های قبلی، دسترسی محدود به خدمات بانکی، اطمینان ضعیف به سیستم اقتصادی، رقابت های ناسالم، وجود قول ها و مخربین صنعتی، سیاست های کشورهای همسایه، ضعف در ثبات سیاسی، نبود بسته ی مدون حوزه های سرمایه گذاری، ضعف سیستم حمل و نقل، عدم موجودیت انرژی برق داوم دار، عدم کتگوری بندی صنایع، عدم فروش و مالکیت مطلق زمین های صنعتی به سرمایه گذاران خارجی، نبود تیم های مسلکی و تخیکی ترمیم ماشین آلات، فقدان توانایی تولید قطعات جانبی ماشین آلات و پیچیدگی های اداری به حیث چالش های سرمایه گذاری در صنایع افغانستان استخراج گردیده بدست آمد.



شکل (۱). بزرگ ترین پارک های صنعتی در افغانستان.

منبع: سایت وزارت صنعت و تجارت.

مناقشه

تحقیق حاضر که به هدف شناسایی فرصت ها و چالش های سرمایه گذاری در صنایع افغانستان با جامعه آماری استادان پوهنتون هرات صاحبان داخلی و خارجی کسب و کارها و مسولین عرصه با مطالعه موردی ولایت هرات انجام یافته است؛ از نقاط اشتراک آن با تحقیقات ذکر شده در پیشینه تحقیق شامل: کریمی یزدانی و همکاران (۱۴۰۱) تحت عنوان کنکاشی بر فرصت ها و چالش های سرمایه گذاری خارجی در استان آذربایجان شرفی؛ همچنان محمد تقی امینی و همکاران (۱۳۹۱) تحت

عنوان بررسی چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی ایران و نیز تحقیقی که محمد پور کیانی و همکاران (۱۴۰۳) تحت عنوان چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ورزش ایران پرداخته اند؛ در سطح کلان و کشوری هم‌خوانی و احتواء در نتایج داشته و از نقاط افتراق آن می‌توان به سرمایه‌گذاری در سطح کلان، جامعه آماری متفاوت و عمیق، روش تحقیق، گردآوری داده‌ها، مکان انجام تحقیق، بازه‌ی زمانی، جهت‌گیری و منابع علمی یادآوری نمود. تحقیق حاضر با نتایج بدست آمده زمینه‌ی تحقیق را برای تحقیقات بیشتر در زمینه مساعد ساخته و می‌تواند در کنار بومی‌سازی فرهنگ تحقیق به منبع علمی در زمینه سرمایه‌گذاری در افغانستان عرض اندام نماید.

نتیجه‌گیری

افغانستان کشوری است که دارای فرصت‌های بالقوه‌ی فراوانی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی است. با این حال، برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، ضروری است که زیرساخت‌ها تقویت؛ نوسانات اقتصادی کنترل شده؛ ثبات سیاسی تضمین شده؛ خدمات بانکی تسهیل گردیده؛ رقابت‌های ناسالم محو گردیده؛ قول‌ها و مخربین اقتصادی دفع گردیده؛ سیستم حمل و نقل انکشاف پیدا کرده؛ انرژی برق دوام‌دار نامین گردیده و پیچیدگی‌های اداری حل گردد. برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نیاز به اتخاذ سیاست‌های حمایتی مؤثر است. افغانستان با ظرفیت‌های بالقوه‌ی که دارد در عرصه‌های مختلف برای شگوفایی اقتصاد نیازمند سرمایه‌گذاری است. افغانستان با آن که در زمینه سرمایه‌گذاری دارای فرصت‌هایی است؛ چالش‌های را نیز تجربه می‌کند با آن هم می‌تواند به‌عنوان یک اقتصاد نوپا، بازار نوظهور و استراتژیک برای سرمایه‌گذاران جذاب باشد، اما نباید فراموش کرد که این موضوع تابع برنامه‌ریزی‌های دقیق و اقدامات سازنده برای حل مشکلات موجود است.

پیشنهادهای مبتنی بر نتایج تحقیق

به منظور حل چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنایع افغانستان پیشنهادات ذیل ارایه می‌گردد:

- سرمایه‌گذاری در بخش تقویت زیربنای فیزیکی و الکترونیکی.
- رفع پیچیدگی‌های اداری.
- برنامه‌ریزی در زمینه مهار نوسانات اقتصادی.
- تضمین ثبات اقتصادی و سیاسی.

- فعال سازی خدمات بانکی معیاری.
- تامین انرژی برق دوام دار.
- مهار مخربین اقتصادی.
- تدوین سیاست های تلافی جویانه با کشورهای همسایه.
- تدوین بسته معلوماتی از وضعیت صنایع در افغانستان.
- دسته بندی و جداسازی محل فعالیت صنایع در پارک های صنعتی.
- ایجاد ساختار تبلیغات الکترونیکی در بخش تشویق سرمایه گذاری.
- انجام تحقیق هذا در سایر حوزه های جغرافیایی کشور.
- رتبه بندی فرصت ها و چالش های سرمایه گذاری از نظر متخصصین امور.
- ترکیب متخصصین رشته های اقتصاد، علوم اجتماعی، مردم شناسی، جامعه شناسی و روان شناسی به منظور انجام تحقیقات مشترک پیرامون موضوع تحقیق.

محدودیت های تحقیق

- کمبود منابع علمی داخلی در سرمایه گذاری فرصت ها و چالش ها.
- مصروفیت بیش از حد استادان محترم پوهنتون ها.
- ضعیف بودن فرهنگ تحقیق در جامعه، حتی مراکز تولید دانش.
- کمبود منابع مالی.

منابع

- احمدی، ن. (۱۳۹۱). تاریخچه مختصر سرمایه‌گذاری در افغانستان. منوگراف دوره لیسانس پوهنهی روانشناسی و علوم تربیتی پوهنتون کابل. ص ۱۱۶.
- امینی، م؛ سیادت، س و علی‌رضا، پ. (۱۳۹۱). بررسی چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی ایران. دانشگاه سیستان و بلوچستان. ص ۲۱۵-۲۲۶.
- افغانستان. (۲۰۱۳). "گزارش تحلیلی روند سرمایه‌گذاری در افغانستان: چالش‌ها و مشوق‌ها"، اداره حمایه سرمایه‌گذاری افغانستان، کابل: ایسا. ص ۲۴-۳۷.
- ازوجی، ع و صادق، د. (۱۳۷۸). نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در جهت گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با تاکید بر ایران. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. ص ۱۱۷.
- بیات، ر و عسکری، م. ۱. (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افغانستان. فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلامی (علمی- پژوهشی). سال چهارم، شماره ۱۳. ص ۱۱۴-۱۲۹.
- حسینی‌نیا، ح؛ مقدس‌فریمانی، ش و صفدری، و. (۱۳۹۸). فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیرساختی به منظور توسعه کسب و کارهای کشاورزی بر مبنای رهیافت مشارکت عمومی- خصوصی. فصل‌نامه راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی. سال ششم، شماره ۱۲. ص ۲۶۰-۲۷۵.
- خسروی، ت. (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه‌گذاری بخش عمومی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با حضور مالیات بر شرکت‌ها. فصل‌نامه علمی- پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری. سال سوم، شماره دهم. ص ۱۶۳-۱۷۹.
- سرمد، ز؛ بازرگان، ع و حجازی، ا. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات: کتاب دوستان. ص ۱۲۸-۱۳۸.
- شهریاری، ع و رئیسی، ل. (۱۳۹۵). چالش‌های دیپلماسی سرمایه‌گذاری خارجی دولت‌ها. فصل‌نامه دولت پژوهی دانشکده حقوق و علوم سیاسی. سال دوم، شماره ۸. ص ۱۴۰-۱۵۸.
- علوی، س. م و جهان‌فر، س. (۱۴۰۰). نقش گزارش‌گری مالی در رفع عدم اطمینان فرصت‌های سرمایه‌گذاری. پژوهش‌های کاربردی رد گزارش‌گری مالی. دور دهم، شماره ۱۹. ص ۲۵۳-۲۳۳.

کارگر شورکی، ه... (۱۳۹۹). نظام سرمایه‌گذاری بین‌الملل و چالش‌های حقوقی در مالکیت معنوی و

فکری. دومین کنفرانس ملی سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر. ۱-۱۵.

کیانی، م. پ؛ امامی، ف. ص؛ کجور، ع و گوهری، م. (۱۴۰۳). فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری

در ورزش ایران. دوفصل‌نامه مدیریت و کارآفرینی در ورزش. دوره ۳، شماره ۳. ص ۳۲۸-۳۴۰.

محمدی پور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح روش شناسی کیفی). نشر:

جامعه‌شناسان. ص ۲۲۵-۲۳۸

یزدانی، ک؛ دهقان، ح و طلعه، خ. (۱۴۰۱). فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در استان

آذربایجان شرقی. مطالعات جامعه‌شناسی. سال چهاردهم، شماره پنجاه و پنجم، تابستان،

۱۴۰۱. ص ۳۳-۴۳.

Azimi, Hossein. (2012). Iran's economy: development, planning, policy and culture, Tehran: Nay Publications. p23-43.

پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان

نامزد پوهنار کبیر آریایی^۱، پوهنمل عبدالملک صدیقی^۲

۱. دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی

* نویسنده مسئول - ایمیل: SAER99.KH@GMAIL.COM، ۱۱

چکیده

مقاله حاضر به تحقیق پیرامون پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان می‌پردازد و پیامدهای آن را در زمینه‌های اقتصادی و حقوقی تحلیل می‌کند. کشور عزیزما، افغانستان کشوری با چالش‌های پیچیده اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی است که نیازمند توسعه پایدار و جامع برای بهبود وضعیت زندگی مردم، به‌ویژه کارگران، است. توسعه پایدار از سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی تشکیل شده است که هر یک می‌تواند به‌طور مستقیم بر شرایط کاری و حقوق کارگران تأثیر بگذارد. در این مقاله، ابعاد اقتصادی توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته و سپس پیامدهای اقتصادی آن بر حقوق کارگران بررسی می‌گردد. تحقیق هذا مبین این است که توسعه پایدار می‌تواند فرصت‌های شغلی جدید، بهبود شرایط کاری و ارتقاء حقوق اجتماعی کارگران را فراهم کند، اما در عین حال، چالش‌هایی نظیر ضعف قوانین کار، کمبود زیرساخت‌ها و مقاوت‌های فرهنگی نیز وجود دارد که مانع اجرای مؤثر این سیاست‌ها می‌شود. روش به کار رفته در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. در نهایت، این مقاله به این نتیجه می‌رسد که توسعه پایدار می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای بهبود حقوق کارگران در افغانستان عمل کند، مشروط بر اینکه موانع برطرف شود. و هم‌چنان برای مقابله با این چالش‌های متذکره، پیشنهادهایی مانند تقویت قوانین کار، افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع پایدار و آموزش مهارت‌های فنی به کارگران ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، توسعه پایدار، پیامدهای اقتصادی، حقوق کار، کارگر.

The Economic Implications of Sustainable Development on Workers' Rights in Afghanistan

Teaching Assistant Kabir Ariayee^{1*}, Senior Teaching Assistant
Abdulmalik Seddiqi²

1. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Alberoni
University

* Corresponding Author Email: \1SAER⁹⁹.KH@GMAIL.COM.،

Abstract

This article investigates the economic implications of sustainable development on workers' rights in Afghanistan and analyzes its consequences in economic domain. Our beloved country, Afghanistan, is a nation facing complex economic, social, and environmental challenges, requiring a sustainable and comprehensive approach to improve the living standards of its citizens—especially workers. Sustainable development is composed of three dimensions: economic, social, and environmental, each of which can directly affect working conditions and labor rights. This article focuses on examining the economic dimensions of sustainable development and then analyzes its impacts on workers' rights. The findings of this research indicate that sustainable development can lead to the creation of new job opportunities, improved working conditions, and the enhancement of workers' social rights. However, it also faces significant challenges such as weak labor laws, inadequate infrastructure, and cultural resistance that hinder the effective implementation of such policies. The methodology used in this article is both descriptive and analytical. In conclusion, the article asserts that sustainable development can serve as an effective tool for improving labor rights in Afghanistan, provided that the existing obstacles are addressed. Furthermore, to overcome the aforementioned challenges, the article offers recommendations such as strengthening labor laws, increasing investment in sustainable industries, and providing technical skills training to workers.

Keywords: Afghanistan, economic implications, sustainable development, labor rights, workers.

۱. مقدمه

مفهوم توسعه پایدار، به عنوان راهکاری جامع برای رسیدن به تعادل میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست، در دهه های اخیر مورد توجه سازمان های بین المللی، نهادهای دولتی و کارشناسان قرار گرفته است. در کشور عزیزما افغانستان، که با چالش های متعدد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی دست و پنجه نرم می کند، موضوع توسعه پایدار می تواند ابزاری مؤثر برای بهبود شرایط کارگران بالاخص شرایط اقتصادی آنان و تضمین حقوق آنها باشد. در این میان، مطالعه «پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان» ضرورت ویژه ای پیدا می کند.

در افغانستان، حقوق کارگران با مشکلاتی همچون شرایط کاری نامناسب، ضعف قوانین حمایتی، عدم تطابق نظام حقوقی با استانداردهای بین المللی و چالش های اقتصادی مواجه است. این مسائل باعث شده اند تا کارگران نتوانند از پتانسیل های اقتصادی و اجتماعی کشور به طور کامل بهره مند شوند. از سوی دیگر، توسعه پایدار می تواند با ایجاد فرصت های شغلی مناسب و بهبود شرایط اقتصادی، نقشی کلیدی در ارتقای حقوق کارگران ایفا نماید. لذا، بررسی پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان، از منظر تحلیل چالش ها و شناسایی فرصت ها، برای تعیین مسیرهای اصلاحی ضروری به نظر می رسد.

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که بررسی پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار می تواند به بهبود شرایط کاری و ارتقای حقوق کارگران منجر شود که در نهایت به رشد اقتصادی و کاهش فقر در کشور کمک می کند. و هم چنان تحلیل مقایسوی شرایط اقتصادی کارگران در افغانستان با استانداردهای بین المللی توسعه پایدار، می تواند زمینه های اصلاحی را شناسایی کرده و راهکارهایی جهت تقویت حقوق کارگران ارائه دهد. در نتیجه، نتایج این پژوهش می تواند مبنای تدوین سیاست های بهبود حقوق کارگران در چارچوب توسعه پایدار باشد.

این تحقیق در راستای پاسخ به پرسش های کلیدی آتی طراحی شده است: توسعه پایدار چیست؟

پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان کدام موارد اند؟

اهداف اصلی این تحقیق عبارتند از: بررسی و تحلیل توسعه پایدار و بررسی و تحلیل پیامدهای

اقتصادی اهداف توسعه پایدار بر شرایط و حقوق کارگران در افغانستان.

نامزد پوهنیا کیر آریایی

با در نظر داشت اهمیت موضوع و لزوم مبرم به بهبود شرایط کارگران در افغانستان، این مقاله از طریق رویکرد توصیفی و تحلیلی، به بررسی ابعاد اقتصادی اهداف توسعه پایدار و تأثیر آن بر حقوق کارگران در افغانستان پرداخته است.

ادبیات تحقیق

تعریف توسعه پایدار و اهمیت آن

مفهوم توسعه در طول زمان با پیشرفت جوامع معانی مختلفی به خود گرفته است. به طور کلی، این واژه هم‌زمان با مفاهیمی مانند صنعتی شدن، مدرنیزه شدن، پیشرفت و رشد به کار رفته است. این امر تعریف مشخصی از توسعه را دشوار کرده است. به طور کلی، توسعه به معنای پیشرفت در یک حوزه یا دستیابی به سطح مطلوب اقتصادی ملی تعریف می‌شود. (Aksu, 2011, s.5)

مفهوم توسعه پایدار امروزه به عنوان یکی از موضوعات مهم در ادبیات علمی مطرح است. این واژه از ریشه لاتین "Sustinere" به معنای پایداری (Sustainability) گرفته شده است. در فرهنگ‌نامه‌ها، این واژه به معنای ادامه دادن، حفظ کردن، پشتیبانی و موجودیت آمده است (Onions, 1964, s.2095).

اگرچه مفهوم مدرن توسعه پایدار عمدتاً از گزارش براتلند در سال ۱۹۸۷ نشأت گرفته است، اما ریشه‌های آن به ایده‌های مدیریت پایداری جنگل‌ها در قرون ۱۷ و ۱۸ در اروپا باز می‌گردد. نگرانی درباره تخریب منابع طبیعی و تلاش برای مدیریت پایداری آن‌ها از همان زمان‌ها مورد توجه بوده است. (Blewitt, John, 2015: 35) که می‌توان اساسات این مفهوم را در آراء دانشمندان چون: جان اولین در مقاله خود با عنوان Sylva سال ۱۶۶۲، هانس کارل فون کارلوویتز کتابی با عنوان Sylvicultura Oeconomica، در سال ۱۷۱۳؛ الکساندر فون هومبولت و جورج لودویگ هارتینگ در قرن ۱۹ این ایده‌ها را گسترش دادند و پایه‌های علم جنگل‌داری مدرن را بنا نهادند. (Ulrich Grober, 2007: 98)

در قرن ۲۰، به دنبال رشد سریع صنعتی و تخریب محیط زیست، موضوع پایداری در قالب گسترده‌تری مطرح شد. بناء قرن بیستم که به عنوان عصر بیداری جهانی درباره محیط زیست و توسعه

۱. Brundtland Report

۲. John Evelyn

۳. Hans Carl von Carlowitz

۴. Alexander von Humboldt

۵. Georg Ludwig Hartig

نامزد پوهنپار کبیر آریایی

پایدار شناخته می شود، شاهد نخستین تلاش های جهانی در این راستا بود. که از جمله انتشار گزارش "آینده مشترک ما" توسط کمیسیون برانتلند در سال ۱۹۸۷ بود، که در آن توسعه پایدار به طور رسمی چنین تعریف شد:

"توسعه ای که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای تأمین نیازهای خود، برآورده می کند. (Smith, Charles; Rees, Gareth, 1998: 23)

توسعه پایدار به عنوان یک پروژه جهانی، مجموعه ای از اهداف جهانی به هم پیوسته است که به منظور ارائه طرحی برای دستیابی به آینده بهتر برای همه و وارد نمودن برترین ارزش ها در سیاست های توسعه ای توأم با مأمول پایداری، طراحی شده اند. این ارزش ها اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، بشردوستانه و ماهیتاً حقوقی هستند. (میرعباسی، ۱۳۹۵: ۱۹۶). نتیجه مطلوب این مفهوم جدید این است که شرایط زندگی و منابع به گونه ای استفاده شوند که نیازهای انسانی را تأمین کنند، بدون اینکه یکپارچگی و ثبات سیستم های طبیعی تضعیف شود. توسعه پایدار را می توان به عنوان توسعه ای تعریف کرد که نیازهای امروز را برآورده می کند، بدون آنکه توانایی نسل های آینده را برای تأمین نیازهای خود به خطر بیندازد.

بناء توسعه پایدار با هدف برطرف کردن نیازهای بشری و بهینه سازی کیفیت حیات به عنوان چهارچوب مناسب برای نگرش به نحوه استفاده از منابع و پدید آوردن ارتباط متوازن بین بشر و طبیعت محسوب می شود (اخباری، ۱۳۹۴: ۳۶).

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار را فرایندی می داند که حوائج نسل حاضر را بدون ایجاد اشکال در قابلیت نسل های مستقبل در بر طرف کردن حوائج آن، تأمین می کند (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۲۱).

اهمیت توسعه پایدار چیست؟

اگرچه مفهوم توسعه پایدار از دیرباز وجود داشته، اما با افزایش جمعیت، فشار بیش تری بر منابع طبیعی و محیط زیست وارد شده است. به همین دلیل، اهمیت این موضوع در ادبیات علمی روزبه روز بیشتر شده است. علی الخصوص، ایده پایداری به طور ملموس در مطالعات علمی ظاهر شد. (Mensah, 2019, s.11) علت اصلی توجه رو به افزایش به پالیسی های توسعه پایدار، محدود بودن امکانات و

۶ Sustainable development goals

۷ United Nations General Assembly (1987). Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future.

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

نامحدود بودن حوائج انسان‌ها است (زاهدی، ۱۳۹۸: ۵). به نظر می‌رسد در جهانی که با سرعت زیاد در حال تحول است و دارای منابع محدود می‌باشد، توسعه پایدار می‌تواند رفاه و توسعه را برای انسان‌ها و حفظ منابع طبیعی را به خانه مشترک آن‌ها به ارمغان آورد (زاهدی، ۱۳۹۵: ۳۸).

بر این اساس، توسعه متوازن در روشنی مفهوم توسعه پایدار به هدف غایی و نهایی تمامی سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان کشورها تبدیل شده است (شانکار و شاه، ۲۰۱۳).

از آنجا که توسعه پایدار دارای سه بُعد مهم (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) (اکولوژیکی) است، که هر یک با دیگری رابطه ناگسستگی داشته و مقتضی توازن در همه به منظور نیل به هر یک آن می‌باشد. بر اساس همین منطق توسعه متوازن که در روشنی مفهوم توسعه پایدار شکل گرفته است، می‌توان گفت که سیاست‌های متمرکز بر رشد اقتصادی به‌تنهایی برای حل مشکلات کافی نیستند. چنان‌که این پرسش مطرح می‌شود که آیا به بهانه حفاظت از محیط‌زیست (بعد زیست‌محیطی) باید کارخانه‌ها را تعطیل و کارگران (بعد اقتصادی) را به خیابان‌ها روانه کنیم؟ یعنی اینکه عدم رعایت توازن و عدم در نظر گرفتن روابط متقابل بین این ابعاد در کل مأمول توسعه پایدار را مصدوم قرار می‌دهد. (AŞICI, 2017, p.106)

هم‌چنان در راستای درک بهتر توسعه پایدار توأم با مفهوم توسعه متوازن می‌توان گفت که تلاش‌های توسعه‌ای بشر باید به‌گونه‌ای باشد که منابع طبیعی تجدیدپذیر تنها به اندازه‌ای استفاده شوند که امکان بازتولید آنها وجود دارد، منابع غیرقابل تجدید نیز تنها به میزانی مصرف شوند که با کشف منابع جدید جایگزین شوند، و آلودگی محیط‌زیست نیز در حدی باشد که ظرفیت خودپالایی طبیعت را تحت‌الشعاع قرار ندهد. (Barlas, 2013, p.237) بناء توسعه پایدار یک رویکرد جامع است که تغییرات لازم در شیوه‌های تولید و مصرف را شامل می‌شود تا نسل حاضر و نسل‌های آینده بتوانند در چارچوب محدودیت‌های زیست‌محیطی، به‌صورت عادلانه در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی مشارکت داشته باشند. (Giddings, Hopwood & O'Brien, 2002, p.188) و بُعد زیست‌محیطی توسعه پایدار تأکید بر آن دارد که نیازهای نسل حاضر و آینده را بدون تخریب منابع طبیعی، به‌گونه غیرقابل‌احیاسازی آنها یا وارد کردن آسیب‌های جبران‌ناپذیر به محیط‌زیست برآورده می‌کند. این بُعد، بقا و پویایی نظام اکولوژیک را به‌عنوان شرط لازم برای تأمین نیازهای بشر در بلندمدت به رسمیت می‌شناسد. (Özcelik, 2021, p.175)

به عبارت دیگر، توسعه پایدار به معنای همخوانی اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه نسل حاضر بدون ضرر رساندن به توانایی نسل های بعدی در برطرف کردن حوائج شان است (زاهدی، ۱۳۹۸: ۲۲). در اینجا توسعه پایدار به صورت افزایش مستمر یا حداقل حفظ رفاه انسان در طول زمان تفسیر می شود و مفهوم امکان بقاء را در خود جای می دهد که حداقل سطح رفاه را مشخص می نماید که پایین تر از آن سطح امکان ادامه حیات ندارد (زاهدی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). بنابراین، توسعه پایدار دارای یک عنصر استمرار و پایداری در تأمین رفاه افراد و عنصر امکان بقاء است. یعنی رفاه اجتماعی که در جستجوی تحقق یافتن هر آن چیزی است که آسایش و راحتی عموم و دست یافتن به زندگی مناسب را فراهم می کند، نیاز مبرم به تلاش در همه ابعاد متذکره دارد. (فرح پور، ۱۳۹۷: ۳۲). که توسعه پایدار با منطقی که ارائه می کند، ضامن آن پنداشته می شود.

در این حوزه، حقوق رفاهی یا حق های اجتماعی و اقتصادی دسته ای بسیار مهم از حقوق انسانی را تشکیل می دهد. تحقق حقوق رفاهی از آن جهت که به خودی خود به فراهم آوردن زمینه های یک زندگی مطلوب برای انسان ها و افزایش دامنه انتخاب آن ها کمک می کند، مفید می باشد و از طریق توانمند ساختن انسان ها و کمک به افزایش سرمایه انسانی نیز به فرایند توسعه یاری می رساند (زارعی هدک، ۱۳۹۳: ۹۸). با توجه به تعریف کمیسیون از توسعه پایدار، مبین آن است تا اهداف توسعه پایدار باید در هر مملکتی به طور خاص مطابق اقتضات همان کشور تعریف شود (زارعی هدک، ۱۳۹۳: ۲۱). این امر مستلزم قوانین، حکومت قانون و مشوق هایی است که افراد را تشویق به حرکت به سمت رفتارهای توسعه پایدار می کند (کمالی، ۱۳۹۱: ۴۴).

توسعه پایدار رویکردی بلند مدت برای رسیدگی به چالش های جهانی ارائه می کند. چالش هایی که پیش روی بسیاری از کشورهای جهان است و برای حل آنها نیاز به همکاری مشترک است. به علت تغییرات سریع در دولت ها و سیاست هایشان، اکثر برنامه های دولتی عمر نسبتاً کوتاهی دارند (۴-۵ سال). داشتن اهداف و برنامه های بلند مدت که توسط ۱۹۳ کشور توافق شده است، تداوم تلاش برای تحقق این اهداف را بیشتر می کند و باعث تقویت تعهد در قبال انجام آنها خواهد شد.

توسعه پایدار، در قالب اهداف توسعه پایدار نه تنها به رفاه مردم، توسعه اقتصادی کشورها و محیط زیست بهتر اشاره دارد بلکه ابزارهای مورد نیاز برای رسیدن به آنها و چگونگی ایجاد این تغییرات را نیز ارائه می دهد. این اهداف به علل ریشه ای فقر و نابرابری می پردازد. مشکلاتی از قبیل ضعف حاکمیت قانون، فساد، سنت گرایی و وهنجارهایی که باعث تبعیض می شوند. از آنجایی که

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

تمام این اهداف به هم مرتبط هستند، بدون شناختن علل ریشه‌ای یکی، نمی‌توان به دیگری دست یافت.

بناء مفهوم توسعه پایدار، ابتدا در مدیریت جنگل‌ها مطرح شد و سپس در قرن بیستم با گسترش بحران‌های زیست‌محیطی، به حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز تسری یافت. با پیشرفت‌های جهانی در این زمینه، توسعه پایدار امروزه یکی از اصول بنیادین سیاست‌گذاری در سطح بین‌المللی محسوب^۱ می‌شود.

امروزه، توسعه پایدار دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی برای بقا و پیشرفت جوامع است. دولت‌ها، شرکت‌ها، و شهروندان سراسر جهان در تلاش‌اند تا الگوهای پایدار را در سیاست‌گذاری‌ها، تولید، و مصرف به کار گیرند. با این حال، چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اقتصادی، و بحران منابع طبیعی همچنان تهدیدی جدی محسوب می‌شوند که نیازمند اقدام جهانی و همکاری مستمر هستند.

بناء تمامی کشورها به عنوان اعضای جامعه بشری مسولیت تطبیق این اهداف را در در عرصه تقنین و پالیسی‌سازی‌های خویش به دوش می‌کشند که ساحه اقتصادی نیز از آن بی‌بهره نمانده است و ساحه حقوق هم در راستای تطبیق آن سهم بسزا را می‌تواند ایفاء نماید، در این میان ساحه حقوق کار نیز پاره از این مسولیت را با مؤیدات اش به دوش می‌کشد که هم از مفهوم توسعه پایدار متأثر گشته است و هم در راستای تحقق این مأمول آن را در مواد خویش جا داده تا در عمل پیاده گردد.

تاریخچه توسعه پایدار

توسعه پایدار مفهومی بنیادین در مدیریت منابع، حفظ محیط زیست، و ایجاد تعادل بین پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی است. این مفهوم طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه در واکنش به بحران‌های زیست‌محیطی و نابرابری‌های جهانی، به عنوان یک راهبرد کلیدی در سیاست‌های بین‌المللی مطرح شده است.

حتی می‌توان گفت که ایجاد و انشاء مفهوم توسعه پایدار، اولین تلاش بین‌المللی برای ترسیم برنامه‌های عملی و استراتژیک بود که حرکت به سمت الگوی توسعه پایدار را ممکن می‌کرد.

^۱. Policy Making

ایده توسعه پایدار چگونه شکل گرفت؟

از دیرباز، جوامع بشری تلاش کرده‌اند تا تعادلی میان بهره‌برداری از منابع طبیعی و حفظ آن برای آیندگان برقرار کنند. در فرهنگ‌های کهن و ادیان مختلف، اصولی همچون مصرف بهینه، حفاظت از طبیعت، و رعایت عدالت در استفاده از منابع مورد تأکید قرار گرفته است. اما با انقلاب صنعتی، رشد بی‌رویه صنایع، و بهره‌برداری ناپایدار از منابع، نیاز به یک الگوی جدید احساس شد. انقلاب صنعتی در ظهور ایده توسعه پایدار، دخیل است. از نیمه دوم قرن نوزدهم، جوامع غربی به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی آنها تأثیر بسزایی بر محیط زیست و تعادل اجتماعی دارد. چندین بحران اکولوژیکی و اجتماعی در جهان رخ داد و نیاز به الگویی پایدارتر، افزایش پیدا کرد.

اگرچه مفهوم مدرن توسعه پایدار عمدتاً از گزارش برانلند در سال ۱۹۸۷ نشأت گرفته‌است، اما ریشه‌های آن به ایده‌های مدیریت پایدار جنگل‌ها در قرون ۱۷ و ۱۸ در اروپا باز می‌گردد. نگرانی درباره تخریب منابع طبیعی و تلاش برای مدیریت پایدار آن‌ها از همان زمان‌ها مورد توجه بوده است. (Blewitt, John, 2015: 35) که می‌توان اساسات این مفهوم را در آراء دانشمندان چون؛ جان اولین در مقاله خود با عنوان Sylva سال ۱۶۶۲، هانس کارل فون کارلوویتز کتابی با عنوان Sylvicultura Oeconomica، در سال ۱۷۱۳؛ الکساندر فون هومبولت و جورج لودویگ هارتیک در قرن ۱۹ این ایده‌ها را گسترش دادند و پایه‌های علم جنگل‌داری مدرن را بنا نهادند. (Ulrich Grober, 2007: 98) انقلاب صنعتی در ظهور ایده توسعه پایدار، دخیل است. از نیمه دوم قرن نوزدهم، جوامع غربی به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی آنها تأثیر بسزایی بر محیط زیست و تعادل اجتماعی دارد. چندین بحران اکولوژیکی و اجتماعی در جهان رخ داد و نیاز به الگویی پایدارتر، افزایش پیدا کرد.

۱. قرن بیستم: بیداری جهانی درباره محیط زیست و توسعه پایدار (نخستین تلاش‌های جهانی) در قرن ۲۰، به دنبال رشد سریع صنعتی و تخریب محیط زیست، موضوع پایداری در قالب گسترده‌تری مطرح شد:

^۹. Brundtland Report

^{۱۰}. John Evelyn

^{۱۱}. Hans Carl von Carlowitz

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

- در ۱۹۶۲، کتاب (Silent Spring) اثر ریچل کارسون، توجه جهانیان را به پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های انسانی جلب کرد. (Blewitt, John, 2015: 35)
- در ۱۹۷۲، باشگاه رم (Club of Rome) گزارش معروف Limits to Growth را منتشر کرد که برای اولین بار به محدودیت‌های رشد اقتصادی و منابع طبیعی اشاره داشت. (Finn, 2009)
- در ۱۹۸۰، اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت (IUCN) گزارشی با عنوان استراتژی جهانی حفاظت منتشر کرد (Sachs, 2015) که یکی از نخستین اسناد بین‌المللی بود که تعریف توسعه پایدار را معرفی کرد. (Smith; Rees, 1998)
- ۱۹۸۳: سازمان ملل کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه را تأسیس کرد که به نام کمیسیون برانتلند مشهور شد.
- ۱۹۸۷: انتشار گزارش "آینده مشترک ما" توسط کمیسیون برانتلند، که در آن توسعه پایدار به‌طور رسمی تعریف شد:
- "توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود، برآورده می‌کند." (Will Allen. 2007)
۲. دهه ۱۹۹۰: گام‌های جهانی پس از گزارش برانتلند (تعهد جهانی به توسعه پایدار)
- ۱۹۹۲: در اجلاس سازمان ملل در خصوص محیط زیست و توسعه (Earth Summit) در ریو دو ژانیرو، اصول توسعه پایدار در اعلامیه ریو و برنامه اجرایی Agenda ۲۱ تدوین شد. این اجلاس نقطه عطفی در همکاری جهانی برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی بود (de Jong; Vijge, ۲۰۲۱).
۳. قرن ۲۱: توسعه پایدار به‌عنوان یک سیاست جهانی
- ۲۰۰۰: تصویب اهداف توسعه هزاره (MDGs) توسط سازمان ملل، که برخی جنبه‌های توسعه پایدار را در خود داشت. سازمان ملل ۸ هدف توسعه هزاره را برای کاهش فقر، بهبود بهداشت و آموزش، و حفاظت از محیط‌زیست تعیین کرد. اما این اهداف همه ابعاد توسعه پایدار را پوشش نمی‌دادند.^۱

^{۱۶} Rachel Carson

^{۱۷} UN General Assembly (18 September 2000). "United Nations Millennium Declaration, 8 September 2000.

۲۰۱۵: تصویب اهداف توسعه پایدار (SDGs) در چارچوب دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل، که ۱۷ هدف کلیدی برای توسعه پایدار در سطح جهانی را مشخص کرد. اهداف توسعه پایدار (Sustainable Development Goals)، (با نام اختصاری SDGs) مجموعه‌ای از اهداف آینده محور اند. رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ جمع شدند و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اجندای توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این اجندا که جایگزین اهداف توسعه هزاره گردید، در برگرنده ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف خاص است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در خصوص توسعه پایدار برای چند سال آتی ترسیم می‌کند. (de Jong, Eileen; Vijge, Marjanneke J. (2021))

یعنی اینکه اهداف توسعه پایدار که به عنوان اهداف جهانی نیز شناخته می‌شوند، در توسط سازمان ملل متحد به عنوان یک فراخوان جهانی جهت اقدام برای پایان دادن به فقر، حفاظت از کره زمین و تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰ همه مردم از صلح و رفاه برخوردار خواهند بود، تصویب شد. اهداف اصلی توسعه پایدار را که مورد توافق ۱۹۳ کشور جهان می‌باشد، موارد ذیل تشکیل می‌دهد:

پایان به فقر (No Poverty)

پایان به گرسنگی (Zero Hunger)

سلامت و رفاه (Good Health and Well-being)

آموزش باکیفیت (Quality Education)

برابری جنسیتی (Gender Equality)

آب پاک و بهداشت (Clean Water and Sanitation)

انرژی پاک و مقرون به صرفه (Affordable and Clean Energy)

کار شایسته و رشد اقتصادی (Decent Work and Economic Growth)

صنعت، نوآوری و زیرساخت (Industry, Innovation, and Infrastructure)

کاهش نابرابریها - Reduced Inequality

شهرها و جوامع پایدار - Sustainable Cities and Communities

مصرف و تولید مسئولانه - Responsible Consumption and Production

اقدام برای آبوهوا - Climate Action

نامزد پوهنار کبیر آریایی

حیات زیر آب - Life Below Water

حیات در خشکی - Life on Land

صلح، عدالت و نهادهای قوی - Peace, Justice, and Strong Institutions

همکاری برای تحقق اهداف - Partnerships for the Goals

این اهداف بر سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه تمرکز دارند و به دنبال ایجاد تعادل میان این جنبه‌ها برای دستیابی به جهانی پایدارتر هستند.

تصویب ۱۷ هدف توسعه پایدار (SDGs) به عنوان بخشی از دستور کار ۲۰۳۰ توسط سازمان ملل، که به سه بُعد اصلی توسعه پایدار می‌پردازد: اقتصادی: رشد فراگیر و پایدار.

اجتماعی: عدالت، آموزش و بهداشت برای همه.

زیست محیطی: حفاظت از منابع طبیعی و مقابله با تغییرات اقلیمی.

روش تحقیق

روش به کار رفته در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. این مقاله با استفاده از منابع مکتوب، دیجیتال و آرشیوی برای پاسخ به پرسش تحقیق نگاشته شده است، یعنی با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات علمی، رساله‌ها، گزارش‌ها، اسناد تاریخی و منابع اینترنتی معتبر، داده‌ها گردآوری شده است. اما با در نظر داشت اینکه در دو دهه گذشته، اقدامات متعددی برای بهبود اقتصاد در افغانستان انجام شده است. بنا بر آن، غرض تحقیق پیرامون پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان بیشتر و متمرکزتر به بررسی و کندوکاو در پالیسی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های اقتصادی در افغانستان بین سالهای (۲۰۲۳-۲۰۱۰) پرداخته شده است. تحلیل‌ها بیشتر متمرکز به تحلیل پالیسی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های اقتصادی افغانستان بین سالهای (۲۰۲۳-۲۰۰۱) به گونه تحلیل محتوای، مقایسوی و استنتاجی یعنی بررسی مصادیق آن صورت گرفته است.

و به منظور کاهش دادن جانبداری محقق و برای این که نتایج تحقیق بی طرف و معتبر باشد؛ روش استفاده از منابع متنوع،

ارجاع دقیق در نظر گرفته شده است.

در این مقاله، ابعاد اقتصادی توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته و سپس پیامدهای اقتصادی آن بر حقوق کارگران بررسی می‌گردد. تحقیق هذا مبین این است که توسعه پایدار می‌تواند فرصت‌های

نامزد پوهنار کبیر آریایی

شغلی جدید، بهبود شرایط کاری و ارتقاء حقوق اجتماعی کارگران را فراهم کند، اما در عین حال، چالش‌هایی نظیر ضعف قوانین کار، کمبود زیرساخت‌ها و مقاوت‌های فرهنگی نیز وجود دارد که مانع اجرای مؤثر این سیاست‌ها می‌شود.

یافته‌های تحقیق

توسعه پایدار یک پروژه جهانی برای وارد نمودن برترین ارزش‌ها در سیاست‌های توسعه است. این ارزش‌ها اخلاقی، اجتماعی، بشردوستانه و ماهیتاً حقوقی هستند (میرعباسی، ۱۳۹۵: ۱۹۶). از آنجا که این پروژه جهانی از طرف سازمان ملل با ۱۹۳ عضو آن تصویب شده است، بناء بعد از این مرحله لازم است تا در عمل پیاده شود. و کشور عزیزما افغانستان نیز غرض تحقق این مأمول در عرصه اقتصادی کوشیده است تا آنرا در پالیسی‌هایش منعکس ساخته و جامه عمل ببوشاند، خصوصاً پس از برگزاری کنفرانس بن و استقرار نظام جدید در سال ۲۰۰۱، یکی از دغدغه‌های اساسی دولت افغانستان رسیدگی به معضلات اقتصادی، به ویژه مبارزه قاطع با فقر و محرومیت زدایی بود. این امر به دلیل شرایط بحرانی کشور پس از سال‌ها جنگ ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. جنگ، زیرساخت‌های اقتصادی افغانستان را به طور کامل نابود کرده بود و اکثریت مردم در فقر مطلق زندگی می‌کردند.

دولت جدید با همکاری دولتها و نهادهای بین‌المللی تلاش کرد تا با تدوین و اجرای پالیسی‌ها و برنامه‌های مختلف، بر مشکل فقر غلبه کند.

در دو دهه گذشته، اقدامات متعددی برای بهبود اقتصاد در افغانستان انجام شده است. پس خوب است که غرض تحقیق پیرامون پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان به پالیسی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های اقتصادی در افغانستان بین سال‌های (۲۰۲۳-۲۰۰۱) بپردازیم.^۹ استراتژی ملی فقرزدایی^۱ (۲۰۰۳):

استراتژی ملی فقرزدایی (۲۰۰۳) اولین سند راهبردی برای فقرزدایی در افغانستان بود که دولت افغانستان آنرا به کمک اداره توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) تدوین کرد. این استراتژی در پاسخ به وضعیت بد فقر در کشور ما پس از جن‌ها و نا امنی‌های طولانی مدت ترتیب گردید. این استراتژی بر رشد اقتصادی به عنوان کلید فقرزدایی تأکید می‌کرد. بر مبنای دیدگاه این اسپراتیژی با افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال زایی و توسعه زیربناها می‌توان به طور قابل توجهی فقر را در افغانستان کاهش داد. با وجود اهداف بلند پروازانه، استراتژی ملی فقرزدایی (۲۰۰۳) با

^۹: National Poverty reduction Strategy

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

چالش‌ها و نواقص متعددی روبرو بود که مانع از دستیابی کامل به اهداف آن شد. این چالش‌ها و نارسای‌ها عبارت بودند از:

- تمرکز بیش از حد بر رشد اقتصادی: تمرکز صرف بر رشد اقتصادی، بدون توجه به سایر ابعاد فقر، مانند: نابرابری اجتماعی و عدم دسترسی به خدمات اولیه، مانع از اثربخشی کامل این استراتژی شد

- ضعف در هماهنگی: عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف ذیدخل، از جمله نهادهای دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی، چالش اساسی در مسیر اجرای این استراتژی بود.
- ضعف نظارت و ارزیابی: ضعف در نظارت و ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها، مانع از پایش دقیق پیشرفت و شناسایی نقاب ضعف و قوت استراتژی شد.

۲. برنامه ملی انکشاف روستایی (۲۰۰۴):

برنامه ملی انکشاف روستایی (۲۰۰۴) به منظور ارتقای سطح زندگی در روستاها و کاهش فقر روستایی تدوین شد. هدف از این برنامه، ارتقای سطح زندگی مردم در روستاها و کاهش فقر روستایی بود.

اهداف و رویکرد برنامه

برنامه ملی انکشاف روستایی (۲۰۰۴) با هدف ارتقای سطح زندگی مردم در روستاها و کاهش فقر روستایی تدوین شد. این برنامه بر رویکردی جامع مبتنی بود که به ابعاد مختلف توسعه روستایی، مانند:

- رشد اقتصادی: افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغالزایی و توسعه زیربناها.
- عدالت اجتماعی: بهبود دسترسی به خدمات اولیه مانند آموزش، صحت و خدمات اجتماعی.

- توانمندسازی روستاییان: آموزش و مهارت‌آموزی، دسترسی به منابع مالی و ترویج مشارکت.

مفاد کلیدی برنامه

برنامه ملی انکشاف روستایی (۲۰۰۴) شامل مفاد کلیدی ذیل بود:

^{۱۰} National Rural Development Program

^{۱۱} آخرین بازدید ۱۱ مارچ ۲۰۲۴ <https://www.mrrd.gov.af/dr/node/406>

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

• ایجاد شوراهای انکشافی روستا: به منظور مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای توسعه روستاها

• حمایت از اشتغال زایی: ارائه قرضه‌های کوچک، تعلیمات فنی و مسلکی و ترویج صنایع روستایی

• توسعه زیربناها: احداث و بازسازی سرک‌ها، پل‌ها، کانال‌های آبیاری و تأمین آب آشامیدنی

• بهبود خدمات اجتماعی: ارتقای سطح خدمات آموزش و صحت در روستاها

• توانمندسازی زنان: ارائه تعلیمات، سواد آموزی، مهارت آموزی و ترویج مشارکت زنان در

فعالتهای

اقتصادی و اجتماعی.

اجراء و دستاوردها

برنامه ملی انکشاف روستایی (۲۰۰۴) توسط وزارت احیا و انکشاف دهات و با همکاری سایر نهادهای دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی اجراء شد. این برنامه در طول دوره اجراء، دستاوردهایی در زمینه های ذیل داشت:

• ایجاد شوراهای انکشافی روستا: بیش از ۱۰ هزار شورای انکشافی روستا در سراسر افغانستان ایجاد شد.

• حمایت از اشتغال‌زایی: بیش از ۱ میلیون شغل در روستاها ایجاد شد.

• توسعه زیربناها: بیش از ۱۰ هزار کیلومتر سرک، ۲ هزار پل و ۵ هزار کانال آبیاری احداث یا بازسازی شد.

• بهبود خدمات اجتماعی: تعداد مکاتب و مراکز صحتی در روستاها افزایش یافت و سطح سواد و صحت در روستاها ارتقا یافت.^۱

۳. چارچوب ملی مبارزه با فقر (۲۰۰۸)

در سال ۲۰۰۸، دولت افغانستان با همکاری جامعه بین‌المللی "چارچوب ملی مبارزه با فقر" را تدوین و به اجراء گذاشت. هدف از این چارچوب، انسجام بخشی به برنامه‌های فقرزدایی و ارتقای اثربخشی آن‌ها بود. علی‌الرغم تلاش‌هایی که در سال‌های گذشته برای فقرزدایی در افغانستان

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

صورت گرفته بود، فقر هم‌چنان به عنوان یک معضل بزرگ در این کشور باقی مانده بود. عدم انسجام بین برنامه های فقرزدایی، ضعف در نظارت و ارزیابی، و کمبود منابع مالی از جمله چالش‌های اساسی در مسیر فقرزدایی بودند.

اهداف و رویکرد چارچوب

چارچوب ملی مبارزه با فقر (۲۰۰۸) با هدف انسجام بخشی به برنامه های فقرزدایی و ارتقای اثربخشی آنها تدوین شد. این چارچوب بر رویکردی جامع مبتنی بود که به ابعاد مختلف فقر، مانند

- رشد اقتصادی: افزایش سرمایه گذاری، اشتغال‌زایی و توسعه زیربنای
- عدالت اجتماعی: بهبود دسترسی به خدمات اولیه مانند آموزش، صحت و خدمات اجتماعی
- توانمندسازی فقرا: آموزش و مهارت‌آموزی، دسترسی به منابع مالی و ترویج مشارکت

مفاد کلیدی چارچوب

- چارچوب ملی مبارزه با فقر (۲۰۰۸) شامل مفاد کلیدی ذیل بود:
- تقویت هماهنگی: ایجاد یک مکانیزم هماهنگی بین نهادهای مختلف ذیدخل در فقرزدایی.
- تمرکز بر نتایج: تعیین اهداف و شاخص‌های مشخص برای سنجش پیشرفت در امر فقرزدایی
- تقویت نظارت و ارزیابی: ایجاد یک سیستم نظارت و ارزیابی قوی برای پایش دقیق پیشرفت برنامه‌ها

• افزایش منابع مالی: تخصیص منابع مالی بیشتر برای برنامه های فقرزدایی

اجراء و دستاوردها

چارچوب ملی مبارزه با فقر (۲۰۰۸) توسط وزارت اقتصاد و با همکاری سایر نهادهای دولتی، سازمانهای بین‌المللی و جامعه مدنی اجراء شد. این چارچوب در طول دوره اجراء، دستاوردهایی در زمینه های ذیل داشت:

• تقویت هماهنگی: ایجاد شورای عالی انسجام ملی به عنوان مرجع اصلی هماهنگی برنامه

های فقرزدایی

- تمرکز بر نتایج: تعیین شاخص های ملی فقر و پایش پیشرفت در امر فقرزدایی
- تقویت نظارت و ارزیابی: ایجاد سیستم نظارت و ارزیابی ملی برای برنامه های فقرزدایی
- افزایش منابع مالی: افزایش تخصیص منابع مالی برای برنامه های فقرزدایی
- توانمندسازی زنان: افزایش مشارکت زنان در برنامه های فقرزدایی

٤. استراتیژی ملی انكشاف افغانستان (٢٠١١-٢٠١٥)

در سال ٢٠١١ ، دولت افغانستان با همكاری جامعه بین المللی " استراتیژی ملی انكشاف افغانستان " را برای دوره ٢٠١١ تا ٢٠١٥ تدوین و به اجراء گذاشت. این استراتیژی در حقیقت برنامه توسعه و تقلیل فقر و محرومیت در افغانستان تلقی میشود و به تأسی از اهداف انكشافی افغانستان برای ١٥ سال بعدی بنا یافته بود.

دیدگاه استراتیژی انكشاف ملی

١. حوزه سیاسی و بین المللی: کشوری متکی به قانون اساسی و اصول اسلامی با نظام سیاسی مردمی ، برخوردار از ثبات و امنیت داخلی ؛ دارای روابط صلح آمیز و دوستانه با همسایگان و جایگاه شایسته در عرصه بین المللی .

٢. ساختار اجتماعی: جامعه ای پایبند به ارزش های اسلامی ، مبتنی بر مشارکت جمعی ، عدالت و برابری حقوق شهروندی ؛ متحد ، مداراگر و چندفرهنگی .

٣. منظر اقتصادی و زیست محیطی: اقتصاد پویا با محوریت بخش خصوصی در چارچوب بازار آزاد ، توأم با عدالت اجتماعی ؛ حافظ پایداری زیست محیطی و جامعه ای امیدوار و مرفه .

اهداف محوری استراتژی

اهداف اساسی این استراتژی به شرح زیر تعیین شده اند:

- امنیت پایدار

- حکومت داری خوب و حاکمیت قانون

- توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار

- رشد و توسعه بخش خصوصی

- ارتقای شاخص های توسعه انسانی

ساختار استراتژی توسعه ملی (استراتژی کاهش فقر)

این استراتژی بر هشت رکن اصلی استوار است:

١. امنیت ملی و ثبات پایدار

٢. حکومت داری خوب ، حکومت داری سالم و حاکمیت قانون

٣. زیرساخت ها و مدیریت منابع طبیعی (انرژی ، حمل و نقل ، مدیریت منابع آب و توسعه شهری)

٤. آموزش و فرهنگ (رسانه ها و امور جوانان)

نامزد پوهنپار کپیر آریایی

۵. سلامت و تغذیه

۶. کشاورزی و توسعه روستایی

۷. حمایت‌های اجتماعی و مصونیت‌سازی جامعه

۸. حاکمیت اقتصادی، توسعه بخش خصوصی و تجارت

این چارچوب به صورت جامع و هدفمند، اولویت‌های ملی را در راستای دستیابی به توسعه پایدار و کاهش فقر ترسیم می‌نماید.

۵. برنامه ملی توسعه پایدار افغانستان (۲۰۱۷ - ۲۰۲۱)

این سند که به نام "چوکات ملی توسعه افغانستان" نیز شناخته میشود، سندی است که توسط دولت افغانستان با همکاری جامعه بین‌المللی تدوین شد. این برنامه، نقشه راه افغانستان برای توسعه پایدار در ۵ سال (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) را ترسیم می‌کند.

اهداف کلیدی برنامه:

- کاهش فقر: نرخ فقر را از ۳۸٪ در سال ۱۳۹۵ به ۲۵٪ در سال ۱۴۰۰ کاهش دهد.
- رشد اقتصادی: رشد اقتصادی سالانه را به ۶,۵٪ افزایش دهد.
- ایجاد شغل: سالانه ۵۰۰ هزار شغل جدید ایجاد کند.
- ارائه خدمات اجتماعی: دسترسی به خدمات آموزش و صحت را برای همه مردم افغانستان فراهم کند

• حاکمیت قانون: حاکمیت قانون و عدالت را در افغانستان تقویت کند.

• صل و ثبات: صلح و ثبات را در افغانستان پایدار کند

برنامه ملی توسعه پایدار افغانستان (۲۰۲۱ - ۲۰۱۷) در چهار محور اصلی تدوین شده است:

• محور اول: رشد اقتصادی و انکشاف پایدار

• محور دوم: حکومنداری خوب و حاکمیت قانون

• محور سوم: سرمایه انسانی

• محور چهارم: صلح و ثبات

برای تحقق اهداف برنامه، اقدامات متعددی روی دست گرفته شده است، از جمله:

- سرمایه‌گذاری در زیربناها: سرمایه‌گذاری در زیربناها، مانند جاده‌ها، پل‌ها و شبکه‌های برق.
- توسعه زراعت: توسعه زراعت و افزایش تولید محصولات زراعت.

- ترویج تجارت: ترویج تجارت و صادرات محصولات افغانستان.
- تقویت نهادهای دولتی: تقویت نهادهای دولتی و مبارزه با فساد.
- ارائه خدمات اجتماعی: ارائه خدمات تعلیمی و صحی به مردم افغانستان.
- تأمین صلح و ثبات: تلاش برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان.

نتیجه‌گیری

مفهوم توسعه پایدار، به عنوان راهکاری جامع برای رسیدن به تعادل میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست، در دهه‌های اخیر مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای دولتی و کارشناسان قرار گرفته است. در کشور عزیزما افغانستان، که با چالش‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی دست و پنجه نرم می‌کند، موضوع توسعه پایدار می‌تواند ابزاری مؤثر برای بهبود شرایط کارگران بالاخص شرایط اقتصادی آنان و تضمین حقوق آن‌ها باشد.

توسعه پایدار مفهومی است که به عنوان واکنشی به پیامدهای منفی زیست‌محیطی و اجتماعی ناشی از رویکردهای توسعه یک‌جانبه اقتصادی پس از انقلاب صنعتی و با تغییر نگرش انسان‌ها به مفهوم رشد و پیشرفت پدید آمده است. این مفهوم تلاش دارد که با نگاهی نو به توسعه، اشتباهات گذشته بشری را تکرار نکند و توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن را رقم بزند.

توسعه پایدار به عنوان یک پارادایم نوین، پاسخی است به پیامدهای نامطلوب زیست‌محیطی و اجتماعی ناشی از الگوهای تک‌بعدی توسعه اقتصادی که پس از انقلاب صنعتی شکل گرفت. این مفهوم با بازتعریف رابطه انسان، طبیعت و پیشرفت، درصدد است تا از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری کند و مسیری جامع و متعادل برای رشد همه‌جانبه ترسیم نماید.

این مفهوم در قالب مجموعه‌ای از اهداف به هم پیوسته جهانی طراحی شده است که چشم‌اندازی برای تحقق آینده‌ای مطلوب و عادلانه برای تمامی جوامع ارائه می‌دهد. توسعه پایدار با تلفیق **ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، بشردوستانه و حقوقی** در سیاست‌های توسعه‌ی، به دنبال نهادهای سازایی پایدار در تمامی سطوح برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است.

این چارچوب نه تنها به نیازهای نسل حاضر پاسخ می‌دهد، بلکه ظرفیت‌های نسل‌های آینده را برای دستیابی به کیفیت مطلوب زندگی حفظ می‌کند.

بر این اساس، توسعه متوازن در روشنی مفهوم توسعه پایدار به هدف غایی و نهایی تمامی سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان کشورها تبدیل شده است

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

بناء مفهوم توسعه پایدار، ابتدا در مدیریت جنگل‌ها مطرح شد و سپس در قرن بیستم با گسترش بحران‌های زیست‌محیطی، به حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز تسری یافت. با پیشرفت‌های جهانی در این زمینه، توسعه پایدار امروزه یکی از اصول بنیادین سیاست‌گذاری در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود.

امروزه، توسعه پایدار دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی برای بقا و پیشرفت جوامع است. دولت‌ها، شرکت‌ها، و شهروندان سراسر جهان در تلاش‌اند تا الگوهای پایدار را در سیاست‌گذاری‌ها، تولید، و مصرف به کار گیرند. با این حال، چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اقتصادی، و بحران منابع طبیعی همچنان تهدیدی جدی محسوب می‌شوند که نیازمند اقدام جهانی و همکاری مستمر هستند.

بناء تمامی کشورها به عنوان اعضای جامعه بشری مسولیت تطبیق این اهداف را در در عرصه تقنین و پالیسی‌سازی‌های خویش به دوش می‌کشند که ساحه اقتصادی نیز از آن بی‌بهره نمانده است و ساحه حقوق هم در راستای تطبیق آن سهم بسزا را می‌تواند ایفاء نماید، در این میان ساحه حقوق کار نیز پاره از این مسولیت را با مؤیدات اش به دوش می‌کشد که هم از مفهوم توسعه پایدار متأثر گشته است و هم در راستای تحقق این مأمول آن را در مواد خویش جا داده تا در عمل پیاده گردد.

از آنجا که این پروژه جهانی از طرف سازمان ملل با ۱۹۳ عضو آن تصویب شده است، بناء بعد از این مرحله لازم است تا در عمل پیاده شود. و کشور عزیزما افغانستان نیز غرض تحقق این مأمول در عرصه اقتصادی کوشیده است تا آنرا در پالیسی‌هایش منعکس ساخته و جامه عمل ببوشاند، خصوصا پس از برگزاری کنفرانس بن و استقرار نظام جدید در سال ۲۰۰۱، یکی از دغدغه‌های اساسی دولت افغانستان حل معضلات اقتصادی، به ویژه مبارزه قاطع با فقر و محرومیت بود. این امر به دلیل شرایط بحرانی کشور پس از سالها جنگ ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. جنگ، زیرساخت‌های اقتصادی افغانستان را به طور کامل نابود کرده بود و اکثریت مردم در فقر مطلق زندگی میکردند.

دولت جدید با همکاری دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی تلاش کرد تا با تدوین و اجرای پالیسی‌ها و برنامه‌های مختلف، بر مشکل فقر غلبه کند.

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

در دو دهه گذشته، اقدامات متعددی برای بهبود اقتصاد در افغانستان انجام شده است. از جمله این اقدامات پالیسی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های اقتصادی در افغانستان بین سال‌های (۲۰۰۱-۲۰۲۳) است:

استراتژی ملی فقرزدایی (۲۰۰۳)، برنامه ملی انکشاف روستایی (۲۰۰۴)، چارچوب ملی مبارزه با فقر (۲۰۰۸)، استراتژی ملی انکشاف افغانستان (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، برنامه ملی توسعه پایدار افغانستان (۲۰۱۷ - ۲۰۲۱) که هر یک آن حول محورهای رشد اقتصادی و انکشاف پایدار، حکومت‌داری خوب و حاکمیت قانون، سرمایه انسانی، صلح و ثبات تدوین شده است. و برای تحقق اهداف برنامه، اقدامات متعددی روی دست گرفته شده است، از جمله؛ سرمایه‌گذاری در زیربناها، توسعه زراعت، ترویج تجارت، تقویت نهادهای دولتی، ارائه خدمات اجتماعی و تأمین صلح و ثبات که هر یک در راستای بهینه سازی شرایط زنده گی قاطبه بشر به طور عموم و کارگران به شکل خاص اثرات خویش را داشته است.

نامزد پوهنیار کبیر آریایی

منابع

- اخباری، محمد. (۱۳۹۴ هـ ش). تبیین توسعه پایدار سیاسی؛ مطالعه موردی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۱(۳).
- زارعی هدک. (۱۳۹۲ هـ ش). حقوق بشر؛ توسعه پایدار، چاپ اول، نشر کتاب آوا، تهران؛
- زاهدی، شمس السادات. (۱۳۹۸ هـ ش). توسعه پایدار، چاپ نهم، سمت، تهران؛
- زاهدی، شمس السادات. (۱۳۹۵ هـ ش). توسعه پایدار جامع با تاکید بر مدیریت و کارآفرینی سبز، چاپ اول، انتشارات علامه طباطبائی، تهران؛
- فرج پور، اعظم. (۱۳۹۷ هـ ش). رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی، چاپ اول، نشر جامعه شناسان و روش شناسان، تهران؛
- مجموعه مقالات مطالعات توسعه پایدار، سازمان همکاری اقتصادی. (۱۳۹۱ هـ ش). نهادهای سازی توسعه پایدار، ترجمه: کمالی، یحیی. چاپ اول، نشر سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران؛
- میر عباسی، سیدباقر، رزی. (۱۳۹۵ هـ ش). جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق های بشری از منظر حقوق بین المللی، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران؛
- Aksu, C. (2011). Sürdürülebilir Kalkınma ve Çevre. Güney Kalkınma Ajansı;
- Aşıcı, A. A. (2017). Sürdürülebilir Yaşam İçin Bir Dönüşüm Önerisi: Yeşil Yeni Düzen. A. A. Aşıcı., & Ü. Şahin(Ed.), Yeşil Ekonomi içinde (ss. 105-132). İstanbul: Yeni İnsan Yayınları;
- Barlas, N. (2013). Küresel Krizlerden Sürdürülebilir Topluma, Çağımızın Çevre Sorunları. İstanbul: Boğaziçi Üniversitesi Yayınevi;
- Blewitt, John (2015). Understanding Sustainable Development (2. bas.). Londra: Routledge. ISBN 9780415707824. 1 Aralık 2017 tarihinde kaynağından arşivlendi. Erişim tarihi: 26 Kasım 2017;
- Mensah, J. (2019). Sustainable development: Meaning, history, principles, pillars, and implications for human action: Literature review. Cogent Social Sciences, 5(1), 1-21;

- Önder, H. (2018). Sürdürülebilir Kalkınma Anlayışında Yeni Bir Kavram: Döngüsel Ekonomi. Dumlupınar Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, (57), 196-204;
- Onions, C. (1964). The Shorter Oxford English Dictionary. Oxford: Clarendon press;
- Özçelik, Ö. (2021). Çevre ve Ekonomik Büyüme. Çevre Bilimleri içinde (s. 171-202). A. Yılmaz (Edt.), Anadolu Üniversitesi Yayınları, Eskişehir;
- Shankar, Raja & Shah, Anwar. (2013). "Lessons from European Union Policies for Regional Development. Worldbank"; Policy Research Working Papers. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-4977>;
- Smith, Charles; Rees, Gareth (1998). Economic Development, 2nd edition. Basingstoke: Macmillan. ISBN 978-0-333-72228-2;
- Ulrich Grober: Deep roots — A conceptual history of "sustainable development" (Nachhaltigkeit), Wissenschaftszentrum Berlin für Sozialforschung, 2007;
- United Nations General Assembly (1987) .*Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future* March 2022 Archived;

بررسی تأثیر صنایع دستی بر صنعت گردشگری در ولایت هرات

نامزد پوهنپار محمد اسحاق فیضانی^{۱*}

۱. دیپارتمنت اداره تجارت، پوهنچی اقتصاد، پوهنتون غالب (هرات)

* نویسنده مسئول - ایمیل: eshaq.faizani@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر به تحقیق پیرامون پیامدهای اقتصادی توسعه پایدار بر حقوق کارگران در افغانستان می‌پردازد و پیامدهای آن را در زمینه‌های اقتصادی و حقوقی تحلیل می‌کند. کشور عزیزما، افغانستان کشوری با چالش‌های پیچیده اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی است که نیازمند توسعه پایدار و جامع برای بهبود وضعیت زندگی مردم، به‌ویژه کارگران، است. توسعه پایدار از سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی تشکیل شده است که هر یک می‌تواند به‌طور مستقیم بر شرایط کاری و حقوق کارگران تأثیر بگذارد. در این مقاله، ابعاد اقتصادی توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته و سپس پیامدهای اقتصادی آن بر حقوق کارگران بررسی می‌گردد. تحقیق‌ها مبین این است که توسعه پایدار می‌تواند فرصت‌های شغلی جدید، بهبود شرایط کاری و ارتقاء حقوق اجتماعی کارگران را فراهم کند، اما در عین حال، چالش‌هایی نظیر ضعف قوانین کار، کمبود زیرساخت‌ها و مقاوت‌های فرهنگی نیز وجود دارد که مانع اجرای مؤثر این سیاست‌ها می‌شود. روش به کار رفته در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. در نهایت، این مقاله به این نتیجه می‌رسد که توسعه پایدار می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای بهبود حقوق کارگران در افغانستان عمل کند، مشروط بر اینکه موانع برطرف شود. و همچنان برای مقابله با این چالش‌های متذکره، پیشنهادهایی مانند تقویت قوانین کار، افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع پایدار و آموزش مهارت‌های فنی به کارگران ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، توسعه پایدار، پیامدهای اقتصادی، حقوق کار، کارگر.

The Economic Implications of Sustainable Development on Workers' Rights in Afghanistan

Teaching Assistant Mohammad Eshaq Faizani^{1*}

1. Department of Business Administration, Faculty of Economics, Ghalib University (Herat)

* Corresponding Author Email: eshaq.faizani@gmail.com

Abstract

Purpose: The purpose of this study was to investigate the impact of handicrafts on the tourism industry in Herat Province, Afghanistan.

Method: Owing to limitations in the target population, a random sample of 70 respondents was selected through questionnaire distribution. The research instruments included questionnaires and secondary library sources. A pilot test was conducted to assess reliability, yielding a Cronbach's alpha coefficient of 0.86, which indicates acceptable reliability. Primary data were collected from the questionnaires, while secondary data were drawn from library resources. Data were analyzed using SPSS software. The research design was descriptive-survey.

Findings: The findings reveal that handicrafts, characterized by labor intensiveness, low capital requirements, reliance on local resources, and high added value, significantly contribute to economic growth and the tourism industry. Respondents identified handicrafts as a key factor in enhancing income generation, job creation, and the overall growth of tourism in Herat.

Conclusion: The statistical results confirm that handicrafts exert a positive and significant influence on the development of the tourism industry in Herat Province. They can serve as an essential instrument for economic growth and for strengthening the role of tourism.

Keywords: Handicrafts, Economic development, Tourism industry, Cultural heritage

مقدمه

در عصری که عصر تکنالوژی نامیده می‌شود، چرا ما از صنایع دستی سخن به عمل می‌آوریم؟ اصولاً در بررسی اولیه طرحها و فعالیت‌ها توجیه فنی و اقتصادی از نکات مهمی است که مورد توجه کارشناسان می‌باشد. صنایع دستی به دلیل فراوانی مواد اولیه، ارزانی، دسترسی آسان به آن و عدم نیاز به سرمایه‌گذاری بالا، نداشتن آلاینده‌گی زیست محیطی، ارزش افزوده بالا می‌تواند بهترین گزینه در جهت رفع بیکاری و ایجاد اشتغال باشد. بدلیل ارتباط تنگاتنگ صنایع دستی با صنعت توریسم، توجه به این بخش می‌تواند برای جلب و جذب گردشگری به کشور سودمند باشد. قابلیت بهره‌برداری اقتصادی از صنایع دستی کشورها یکی از اصلی‌ترین مزایای پرداختن به صنعت گردشگری و تقویت آن است. امروزه بشر به صنایع دستی از دیدگاه دیگری می‌نگرد؛ بدین صورت که نه تنها صنایع دستی به چشم یک هنر و صنعت دستی دیده می‌شود بلکه عامل مهمی در رشد اقتصادی جامعه و در رأس آن توسعه توانایی خود بشر تلقی می‌شود. در کشور ما، مخصوصاً ولایت هرات صنایع دستی نه تنها صنعت گردشگری را مد نظر دارد بلکه این صنعت از لحاظ فرهنگی نیز خیلی برجسته و مهم بشمار می‌رود. کشور ما با داشتن هنر عمیق در صنعت دستی می‌تواند نقش فرهنگی اش را با صادر کردن آن به اکثر مردم دنیا به نمایش بگذارد، که این امر خود می‌تواند نقش کلیدی در رشد صنعت گردشگری کشور به حساب آید. صنایع دستی بیانگر صنعت و هنر نیاکان و نشان دهنده ذوق و هنر مردم هر منطقه از یک کشور است. بخاطر حفظ و نگهداشت این هنر دیرینه و در جهت تامین نیازهای بازار در راستای پایداری اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. پرداختن به صنایع دستی به لحاظ تکیه به عوامل تولید محلی، دانش بومی، درآمد زایی و افزایش سطح رفاه و کمک به صنعت گردشگری دارای اهمیت ویژه است. هر چند صنایع دستی در حقیقت پس از انقلاب صنعتی و تسلط ماشین بر کلیه ابعاد زندگی بشر تقریباً به فراموشی سپرده شده، ولی بعد از جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته به عنوان هسته اولیه شکل‌گیری اقتصاد ملی و عامل عمده تامین خود کفایی قرار گرفت که امروزه به عنوان یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی فرهنگی مطرح است. از آنجایی که یکی از اقلام صادراتی افغانستان صنایع دستی می‌باشد و این صادرات می‌تواند نقش عمده در رشد صنعت گردشگری کشور داشته باشد. بناء تحقیق حاضر می‌تواند زمینه ساز برای تشخیص فرصتها و تهدیدها به منظور معرفی استراتژی‌های گردد تا این صنعت رشد بیشتر نموده و بتواند معرف فرهنگ افغانی در سطح جهان گردد. هدف اصلی این تحقیق شناسایی وضعیت صنایع دستی و تأثیر آن بر رشد صنعت گردشگری

در ولایت هرات میباید. برای وضاعت بهتر موضوع، بررسی نقش صنایع دستی بر درآمد خانواده ها، بررسی میزان تاثیر صنایع دستی بر توسعه اقتصادی و بررسی تنوع صنایع دستی و تاثیرات آن بر رشد صادرات را همان اهداف فرعی تحقیق تشکیل داده است. براساس اهداف اصلی و فرعی این تحقیق، پرسش های تحقیق این چنین مطرح میشود: به چی میزان صنایع دستی بالای صنعت گردشگری در ولایت هرات تاثیر گذار است؟، به چی میزان صنایع دستی باعث افزایش درآمد خانواده می گردد؟، به چی میزان صنایع دستی بالای رشد اقتصادی تاثیر گذار است؟ و به چی میزان تنوع صنایع دستی باعث افزایش میزان صادرات در ولایت هرات میگردد؟

پیشینه تحقیق

با جستجوهای متعددی که در این مورد انجام گرفته است مشخص شد پژوهشی بصورت کاملاً مشابه این تحقیق وجود ندارد لیکن چند تحقیق مشایع و مرتبط در خصوص (برسی وضعیت صنایع دستی و تاثیر آن بر رشد اشتغال و صادرات ولایت هرات افغانستان) با متغیرهای دیگر در برخی از نقاط کشور انجام گرفته است که مشخصات هریک از آنها در ذیل خواهد آمد:

۱- محمد خالد توخی، پایان نامه کارشناسی خود را در سال ۱۳۹۱ خورشیدی تحت عنوان (اهمیت تجارت صنایع دستی و تاثیر آن در رشد اقتصادی ولایت هرات) با هدف بررسی تاثیرات تجارت صنایع دستی روی رشد اقتصادی ولایت هرات انجام داده است. جامعه آماری این پایان نامه کلیه شرکت های تولیدی و اهل کسب و کار صنعت دستی هرات را شامل می شود.

۲- خالد یوسفی، پایان نامه کارشناسی خود را در سال ۱۳۹۵ خورشیدی تحت عنوان (بررسی نقش بازاریابی در صادرات صنایع دستی افغانستان) با هدف بررسی تاثیر بازاریابی در افزایش صادرات صنایع دستی افغانستان انجام داده است. جامعه آماری این پایان نامه را شرکت های تولیدی و صادراتی صنایع دستی شامل می شود.

۳- عبدالدیان فایض، پایان نامه کارشناسی خود را در سال ۱۳۹۳ بصورت تحقیق کتاب خانه ای تحت عنوان (اهمیت تجارت صنایع دستی در افغانستان) بصورت کتاب خانه ای با هدف بررسی اهمیت تجارت صنایع دستی در افغانستان انجام داده است.

۴- غزال مها نورزایی، پایان نامه کارشناسی خود را در سال ۱۳۹۴ خورشیدی تحت عنوان (بررسی میزان سطح تولیدات صنایع دستی و تاثیر آن بالای سطح اشتغال در ولایت هرات) با هدف شناسایی

انواع صنایع دستی و تاثیر آن بالای سطح اشتغال در ولایت هرات انجام داده است. جامعه آماری این پایان نامه را صنعت گران کوچک در ولایت هرات تشکیل میدهد.

۵- محمد جاوید آرمان، پایان نامه کارشناسی خود را در سال ۱۳۹۳ خورشیدی تحت عنوان (بررسی نقش صنایع دستی و تاثیر آن بالای درآمد خانواده های ولایت هرات) با هدف بررسی تاثیرات صنایع دستی روی درآمد خانواده های ولایت هرات انجام داده است. جامعه آماری این پژوهش را اهل کسب و کار صنعت دستی شامل میشود.

روش تحقیق

با توجه به محدودیت جامعه آماری برای نمونه گیری از روش تصادفی ساده استفاده گردید طوریکه اطلاعات توسط ۷۰ پرسشنامه جمع آوری شد. قلمرو مکانی این پژوهش ولایت هرات می باشد. در این مطالعه برای گرد آوری داده ها از پرسش نامه و اسناد کتابخانه ای و مقالات علمی استفاده شده است. برای برآورد پایائی پرسش نامه تعداد ۲۰ پرسش نامه در مرحله پیش آزمون (pretest) مورد استفاده قرار گرفت و بعد از استخراج، نمرات مربوط به هر پرسش نامه و وارد نمودن آن ها به کامپیوتر از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. از آن جا که ضریب بدست آمده برای متغیرها بالای ۰/۸۶ می باشد می توان نتیجه گرفت که ابزار تحقیق با سطح اطمینان ۹۵ درصد ابزاری پایا و اعتماد پذیر می باشد. در این پژوهش از منابع کتابخانه ای و سایتهای علمی مختلف برای مطالعه اطلاعات موجود در زمینه صنایع دستی استفاده شده است. تمامی تحلیل های آماری توسط نرم افزار SPSS انجام شده است. نمونه آماری مطلوب برای این تحقیق با استفاده از جدول مورگان استخراج می شود. همچنان حجم نمونه به صورت تصادفی از جدول مورگان تعیین شده است. داده های مورد نیاز این تحقیق از دو دسته، داده های اولیه و ثانویه هستند. داده های ثانویه از طریق مطالعات کتابخانه ای بدست آمده و داده های اولیه هم با استفاده از پرسشنامه استاندارد در این زمینه تهیه گردیده است. برای شناخت بهتر موضوع مورد مطالعه از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. بررسی های پیمایشی به دلایلی در پژوهش ها کاربرد فراوانی دارند که پاسخ های سئوالات پرسشنامه ای را آسان تر می توان به صورت کمی در آورد و تحلیل کرد تا اطلاعاتی که بوسیله اکثر روشهای دیگر گردآوری می شوند. جهت گردآوری داده ها از دو روش کتابخانه ای (اسنادی) و روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه صنایع دستی بوده که دارای ۲۵ سوال میباشد. در

نامزد پوهنیار محمد اسحاق فیضانی

این تحقیق پایایی و روایی پرسشنامه با استفاده از روش الفای کرونباخ محاسبه شده که خود نشان دهنده این است که پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تی استودنت جهت مشخص ساختن و قبولی فرضیه ها استفاده شده است و همچنین برای آمار توصیفی از جداول درصد استفاده شده است (رسول، ۱۳۹۲).

ادبیات پژوهش

صنعت دستی بیانگر صنعت و هنر نیاکان و نشان دهنده ذوق و هنر مرد م هر منطقه از یک کشور است که در آن تولید اجناس و خدمات توسط یک نفر فنی و ماهر که مهارت و لیاقت خاص در استعمال وسایل تولید را دارد اداره میگردد. عده از علما تعریف ذیل رامکمل تر مینمایند. صنعت دستی عبارت از تشبثات افرادیست که تابع مهارت و کفایت مشخص تصدی دراستعمال وسایل تولید و ابزار کار میباشد.

تاریخچه صنایع در افغانستان

تاریخ صنعت به عهد صیقل یعنی پیش از اختراع خط شروع میشود. بعد از آن سیر تمدن همواره با بسط صنعت همراه و تابع آن بوده است. بادر نظر داشت سابقه تاریخی ثابت میشود که افغانستان از زمانه های بسیار قدیم به این طرف مرکز مهم صنعتی (خفیفه) انواع قالین، گلیم، نمد، سطرنجی و پوستین چه و صنعت زرگری، مسگری، کلالي، و همچنان صنایع نساجی مانند تکه های پشمی و ابریشمی بشمار میرفت که در اکثر نقاط افغانستان به مقدار متفاوت از آنها ساخته میشد. از جمله سایر صنایع، صنعت قالین مهمترین صنایع دستی بشمار میرود که باوجود رفع احتیاجات داخلی به مقدار زیادی به خارج صادر میگردد. در بحث های بعدی در این مورد به تفصیل سخن زده خواهد شد. اگر بحث را مفصل تر ارائه نمایم، میبینیم که در قرن ۳ قبل از میلاد صنایع دستی مجسمه سازی در کشور رشد قابل ملاحظه نموده بود. و در قرن نهم و دهم میلادی صنایع فلزکاری مانند طلا، نقره، آهن، مس، صرب و غیره انکشاف چشمگیری داشت. اما تاریخ صنایع عصری افغانستان از دوران امیر شیر علی خان در سال ۱۸۶۹ - ۱۸۷۹ آغاز میشود. در آن زمان برای اولین بار امیر شیرعلی خان فابریکه اسلحه سازی را در افغانستان تأسیس نمود. بعداً در دوران عبدالرحمن خان و فرزندش حبیب الله خان یک تعداد فابریکه های صنعتی مثل فابریکه سلاح سازی، سکه زنی، (هردو فابریکه جهت رفع احتیاجات حکومت تأسیس یافته بود. و برای بکار انداختن آنها از حرارت چوب بحیث وسیله تولید انرژی استفاده مینمودند.) بعد از آنها دیگر شاهان و داود خان تلاش های ناچیزی را در

زمينه نمودند، ولي کدام کار قابل لمس و تقديري را در زمينه بجا نگذاشتند. و سکتور خصوصي هم بخاطر اینکه صنايع در اختيار دولت قرار داشت نتوانستند کاري بکنند، که به نسل هاي بعدي شان به يادگار مانده باشد. زيرا پاليسي هاي صنعتي که توسط دولت بعد از سال ۱۹۷۸ وضع گرديده بود آنها را به چنين ابتکارات مشوق نمي ساخت (عبدالحق، ۱۳۴۷).

ليکن قبل از سال ۱۹۷۸ صنايع کشور در سطح بسيار ابتدائي رشد کرده بود که در چوکات صنايع خفيفه، مواد و اشيای مورد ضرورت سکتور زراعت و غيره توليد ميگرديد. و همچنان يک تعداد فابريکه هاي صنعتي بزرگ از قبيل کارخانه هاي پنبه، سمنت، کود کيمياوي، کارخانجات انجنيري جنگلک و ورکشاپ آهن در شهرهاي کابل، بغلان، بلخ و پروان تازه تأسيس گرديده بود. و اکثراً کالاهای توليدي صنعتي از قبيل منسوجات، لباس، کفش، فُرنيچر، سمنت، خشت و اشيای پلاستيکي و غيره اجناس مورد نياز توسط صنايع خفيفه داخل کشور توليد و به مستهلکين عرضه ميگرديد. در دهه ۱۹۷۰م جمهوري محمد داود خان انگيزه هاي خلق نمود تا صنايع شخصي را در پهلوي صنايع دولتي توسعه بخشد، و به همين منظور در سال ۱۹۷۴ قانون سرمايه گذاري داخلي و خارجي کشور به تصويب رسيد که مطابق آن ۲۰ فيصد محصول گمرکي بالاي مواد خام و کالاهای نيمه تکميل وضع گرديده بود. که صنايع و فابريکات توليدي کشور در حدود ۵ الي ۲۰ فيصد محصول گمرکي در وارد کردن مواد خام مورد ضرورت شان مي پرداختند.

ولي متأسفانه بعد از کودتاي ۷ ثور ۱۹۷۸ قانون وضع شده فسخ گرديده و تمام صنايع شخصي ملي اعلان گرديد که خسارات زيادي به فابريکات توليدي کشور وارد نمود. در همان سال توليدات سکتور صنعتي ۱۷ فيصد توليدات ناخالص ملي کشور را تشکيل ميداد. که با استخدام چهل هزار کارگر در سال ۱۹۹۰ در حدود ۳۶۰ فابريکه توليدي در شهر هاي هرات، کندهار و مزار شريف فعاليت داشت. (رسول، ۱۳۹۲)

در جريان جنگ عليه روسها تعداد زيادي از کارمندان فابريکه هاي صنعتي مجبور به ترک وطن شده و به اثر ساير عوامل از کار دور گرديده و فابريکه ها يا چپاول گرديد و يا از فعاليت باز ماند. ولي تنها صنايع که در دوران جنگ تا حدودي فعال مانده بود صنايع دستي بود. اما بعد از سال ۱۹۹۲ اکثر صنايع باقي مانده دولتي و خصوصي در شهر کابل کاملاً تخريب و اموال و وسايل آنها به غارت رفت. «اکثراً آنها به پاکستان برده شد.» ساير کارخانه جات صنعتي در اطراف کشور از چند سال به اين طرف مسدود باقي مانده بود. (سيد حسين، ۱۳۸۹)

در افغانستان از هزاران سال ففش از تا حال صنایع انكشاف ففاد نموده كه در اثر كشفیات باستان شناسان از (آف خانم) و بعضف نقاط دیگر كشور بدست آمده معلوم میگردد كه صنایع مخصوصاً صنعت ضرب سكه و مجسمه سازی به شهرت ففاد رسفده بود و در بامیان مجسمه های كه بدست آمده است ترقف و شكوفائی صنایع دستف را در مرز بوم نمایان میسازد. در دوره كوشانی ها صنایع نقفصه در تمام حقوق خود به ترقف شایان نائل آمده. در سرزمین تحت تصرف شان شهر های بزرگ اعمار گردفده و در این شهر ها ثروت های بزرگ جمع آوری و صنعت حرفه و تجارت فوق العاده ترقف كرده. در این عصر زمان صنایع مجسمه سازی، نقاشف، حكاكف، كندن كاری و سكه سازی به اوج ترقف خود رسید. در عهد غزنویان كه سلطنت شان از آخر قرن دهم تا آخر ففادهم میلادی دوام كرد صنایع دستف به بلند ترین مخارج پیشرفت و انكشاف خود رسفده بود خصوصاً در عهد امپراتوری سلطان محمود غزنوی افغانستان مركز علم و صنعت گردفده بود. صنایع معماری، كاشف سازی، منسوجات حجاری و دهانوع صنایع دیگر تأسیس گردفده بود. ففكف از آثار صنایع دستف در افغانستان منار جام بوده كه نمایانگر صنعت كاشف و نقاشف است و هم چنان مسجد جامه ولایت هرات كه توسط غوریان بنیان گذاری شده است. در اواخر قرن ۱۹ ماشین خانه كابل فابرفكه (حربف) اعمار گردفده كه بصورت منظم فعالیت داشت، از جمله صنایع دستف كه در پهلوی صنایع ماشین در این دستگاه فعالیت میكردند میتوان از صنایع نجاری، اسلحه سازی، ضرب سكه، حكاكف، بوت دوزف، بافت انواع پارچه باب میتوان (نشریه اتحادیه مولدین و صادركنندگان قالین، ۱۳۸۱) نام برد. در اوایل قرن ففستم به علاوه پیشرفت صنایع ماشینف به صنایع دستف نیز توجه جدف مبزول گردفد. صنایع دستف مانند گلم بافف، نجاری، بوت دوزف، قالین بافف، هالبافف، چرم گریف، گلدوزف، حكاكف، معماری، نقاشف و غیره با تشویق صنعتگران اساس گزاری شد. (نشریه اتحادیه مولدین و صادركنندگان قالین، ۱۳۸۱)

انواع و اشكال صنایع

فك تعداد كشورها و سازمان ملل متحد طبقه بندی های متعددف را از صنعت ارائه كرده اند. طبقه بندی های كه توسط فك تعداد از كشورها صورت گرفته به طبقه بندی استاندارد صنعتف فاد شده و به اختصار SICs موسوم است. و طبقه بندی دیگرف كه توسط سازمان ملل متحد صورت گرفته بنام طبقه بندی صنعتف استاندارد بین المللف كلیه فعالیت های اقتصادی و به اختصار ISIC موسوم شده است. چون تفهفم تقسیمات انجام شده بسیار مشكل بود، بناءً من سعی كردم تا تقسیمات دیگرف را كه

واضح تر باشد ارائه نمایم. در تقسیمات جدید، صنایع از لحاظ مکان، تکنیک، تولید، سرمایه و تجارت به سه گروپ بزرگ تقسیم میگردد. این گروپها با وجود تفاوتهاي مشخص درعين حال مُکمل یکدیگر نیز میباشد. (قوتیس، سیاست انکشاف حرفوی و صنایع دستی، ۱۳۸۶)

صنایع ابتدائی و دستی

صنایع دستی به آن بخش از صنایع اطلاق میشود، که هنرمند یا صانع با ذوق و سلیقه خود اقدام به ساختن اشیا با دست خود کند. که این شیء تا حدودی مظهر فرهنگ، اعتقادات، آداب و سنن جامعه است. به عباره دیگر صنایع دستی به آن رشته از صنایع اطلاق میگردد که مجموع و یا قسمتی از مراحل ساخت محصولات آن با دست و یا با ابزار و آلات دستی انجام گرفته که در چارچوب فرهنگ و بینش های فلسفی و عنعنوی انسانهای هر منطقه وبا توجه به میراث های قومی که مظهری از هنر دست بوده و در آن سلیقه هنرمند و روحیه و طرز تفکر سازنده آن بطور انفرادی دخالت دارد و از اصالت ملی و فرهنگی یک قوم و یک ملیت بهره مند است. (چینگرا، ۱۳۴۶)

صنایع تولیدی متوسط

این نوع فعالیت های صنعتی نتیجه توسعه و ترقی فعالیت های دستی بوده که بطور جمع شدن گروه از استادان در یک مکان مشخص و خارج از بناهای مسکونی، صنایع کارخانه را تشکیل میدهند. این نوع فعالیت های صنعتی از سه رهگذر با صنایع دستی فرق میکند. یکی اینکه فعالیت آنها بمنظور رفع احتیاجات خانواده نمیباشد. ثانیاً مواد خام مورد احتیاج کارخانه از طرف خانواده تأمین نمیگردد. و ثالثاً فعالیت آنها در مکان معین صورت میگیرد. یعنی چندین کارگر و کارفرما در یک مکان مشخص مصروف فعالیت میباشد. (چینگرا، ۱۳۴۶)

صنایع مدرن

توسعه صنایع مدرن با استفاده از ماشین آلات صورت گرفته و درطول دو قرن اخیر روز بروز توسعه و انکشافات چشمگیری را نصیب شده است. مهد ابتدائی توسعه صنایع مدرن ماشینی کشورانگلستان بود. عامل مهمی که صنایع مدرن و صنایع کارخانه را از هم جدا میسازد عبارت از رابطه فعالیت های تولیدی با عوامل و فعالیتهاي گوناگونی که موجودیت و گسترش صنایع مدرن کارخانه را فراهم ساخته اند، میباشد. بناءً میتوان گفت که صنایع مدرن کارخانه صورت منطقه ای را داشته و اکثریت نیروی انسانی را جذب و مشغول به فعالیت میسازد. (حمیدالله، ۱۳۶۰)

صنایع دستی شهری

قالین و قالینچه بافی، نمد مالی، پوستین دوزی، بافتن لنگی و دستمال ابریشمی، ساختن پتوهای کرکی، طلاسازی، نقره کاری، سواد کاری، کندنکاری به روی ظروف و لوازم مسی، نقره ای و طلائی، حکاکی، میناکاری، شیشه گری، سفالگری، کاشی سازی آلات موسیقی (دوتار، رباب، تنبور، نی، زیر بغلی و دف یا دیره)، وسایل ظریف چوبی، فلزی و سنگی، اسباب بازی و سرگرمی کودکان، عراق اسب و چهارپایان، وسایل و لوازم دهقانی، لوازم کارگاههای قدیمی ابریشم سازی، انواع کفش و پاپوش، گلدوزی، خامک کاری، ململ دوزی، گلابتون دوزی و زری دوزی، بافتن جاکت، جوراب و دستکش های پشمی، کرکی، کانونائی و نخ، کلاه بافتنی و دوختنی، انواع لباس و پوشاک لوازم ظریف توریستی، انواع لحاف، پشتی و بالشت و غیره. (عبدالحق، ۱۳۴۷)

کفشدوزی (کفاشی)

کفشدوزی از صنایع محلی و عنعنوی هرات محسوب می شود که ریشه های آن از دل تاریخ هری آب می خورد. در طول تاریخ این ولایت همواره چرم مورد نیاز کفشدوزان توسط دباغان هراتی تولید شده است که از آن انواع کفشهای محلی می ساختند. اهالی دهاتی بیشتر کفش چمکنی و چارق کورتی به پا می کردند؛ مردم ثروتمند شهرنشین کفش آوگی و ملتانی می پوشیدند. همچنان پوشیدن کفشهای قرض زریدار نیز در بین عیان و پولداران شهری و دهاتی مروج بود. مالداران کوچی از چارقه های دست ساز خود استفاده می کردند. در دهه ۱۳۵۰ کارگاه های کفشدوزی تا حدودی رشد کرد و مدل های جدید زنانه و مردانه مانند: نیم بوتی ساده و پنج تکه (هندوستانی)، سلیپر، نیم ساق، چلی (پشاور)، پوتین، پاشنه بلند زنانه و غیره به میان آمد. در سروی سال ۱۳۵۴ تعداد کارگاه های کفشدوزی شهر هرات ۸۵ دستگاه تخمین شد که در آنها ۲۱۳ کارگر کار می کردند. در دوره مهاجرت جوانان هراتی فن کفاشی را در ایران آموختند. در حال حاضر سطح مهارت کفشدوزان هراتی بالا رفته است؛ لیکن ورود کفشهای ارزان قیمت چینی، پاکستانی، ایرانی و لیلای بازار فروش را اشغال کرده و به کارخانه های داخلی فرصت رشد و توسعه نمی دهد. با آنهم براساس مصاحبه با کفشان هراتی در اسد ۱۳۸۷ معلوم شد که در حدود ۱۳۰ الی ۱۵۰ کارگاه کوچک کفاشی در هرات وجود دارد. (پویان، ۱۳۹۲)

زرگری

فن طلاسازی در هرات تاریخ بس طولانی دارد. گویند که آریائیهای عهد اوستا به طلا علاقه وافر داشتند و هرات در آن روزگار مرکز اشراف نشین زردشتیان آریائی بوده است. درباره اهمیت طلا در زندگی آریائیان در یکی از کتب تاریخ آمده است: «در زندگی آریائیهای عهد باستان طلا از معروفترین فلزات و پربهاترین آنها بوده است و بیشترین زینت آلات را از طلا می ساختند». در اوایل انتشار دین اسلام به سرزمین پهناور خراسان نیز صنعت طلاسازی و نقره کاری هرات رونق و آوازه خوبی داشت؛ چنان که داستان حضور دهگان هراتی به دربار حکمران عرب (اسد بن عبدالله) به تاریخ ۱۲۰ هجری بیانگر این حقیقت است: «در بین این هدایای (هراتیان) از مصنوعات زرگری هرات هم بود، بدین تفصیل: نمونه دو کاخ از زر و سیم، و ابریهایی طلا و نقره، کره طلایی و کاسه های طلا و سیم که تمام این امتعه زرین و سیمین خانه حکمران عربی را پر کرده بود». در دوره غزنویان، غوریها و تیموریان نیز صنعت زرگری هری دارای رونق به سزا بود؛ لیکن در قرون اغتشاش و خانه جنگی ها از رشد و رونق این صنعت ظریف بسی کاسته شد و تاخت و تازهای متواتر و بحرانهای پیاپی فرصتی برای رشد و توسعه آن نگذاشت. در قرن جاری صنعت طلاسازی هری نسبت به ایام قدیم اندکی جان گرفت. در سال ۱۳۵۴ در شهر هرات به تعداد «۹۶ دستگاه زرگری موجود بود که در این کارگاه ها در حدود ۲۷۱ نفر به کار اشتغال داشتند». (پویان، ۱۳۹۲)

در صنعت طلاسازی کارهای آتی در هرات انجام می شد: مليله کاری، گرداب کاری، تویی، تراشکاری و گورسه؛ زینت آلات طلائين: دست بند، لاکت، طوق (خفه بند)، پازیب، انگشترهای رنگارنگ، انواع گوشواره، میخک، سینه ریز، پیشانی ریز، انواع چوری (کره)، دکمه های ظریف پوشاک، گیر کروات، گیر قلم، قابهای عکس، تزئین خطوط نفیس، لوازم زینتی، ظروف و اسباب ذی قیمت منزل. (پویان، ۱۳۹۲)

نقره سازی

از استادان نقره ساز دوران اخیر می توان از حاجی ابوالقاسم، حاجی غلام، حاجی امیر و حاجی حبیب الله نام گرفت. با دستان گهربار این استادان هروی زیورآلات، لوازم خانگی و آرایشی، وسایل حمام و آثار هنری دیگر ساخته می شد. زیورآلات: انواع انگشتر، گوشواره، چوری، چوری بندک مروارید، پازیب، میخک، نت بینی، زنجیر، طلسم، بازوبند، سمسله، تعویض سه گوش، تعویض لوله، قجری های پولکدار، پیش پینکی قجری، امیری، اوغانی، پنج قرآنی خوشه دار، روسینه ای، خفه بند و غیره.

نامزد پوهنیار محمد اسحاق فیضانی

لوازم حمام: صابوندانی، پوش سنگپا، پیاله ریشتراشی، قاب شانه و آیینه، سرخی دانی و غیره. لوازم و اسباب منزل: سربالیشتی، شرابه بالشت، پشقاب، قاب دیواری، قاب عکس، گلدانی، پطنوس، میجیری نقره کوب (صندوقچه نقره کار). کارهای هنری روی قاب: کندکاری (حکاکی)، ملیله کاری، زنجیره ای، کجکچی، چند سیمه ای و حکاکیهای زیبا بر روی یراق اسبان. (پویان، ۱۳۹۲)

حکاکی

صنعت حکاکی ریشه های عمیق در تاریخ هرات دارد و نمونه کار دوران قدیم به خصوص دوره تیموریان دارای اصالت و پختگی کم نظیری می باشد که نمونه آن را بر روی سنگ هفت قلم یادگار عهد تیموری و دیگر سنگ نوشته های هری به خوبی دیده می توانیم. حکاکی در ولایت هرات به روی سنگهای قبور، سنگهای تزئینی، انواع نگین ها، بالای چوب که به منبت کاری مشهور است و به روی فلزات که شامل طلاکوبی، کوفت کاری و نقاشی می شود، از روزگاران کهن رواج داشته است.

میناکاری

هنر ظریف میناکاری در هرات پیشینه بس دراز دارد. کار آن طوری است که به وسیله رنگهای لعابدار مخصوص به روی فلزات طلا، نقره و مس نقشهای لطیف و تزئینات دلنشینی خلق کنند و در حرارت زیاد آن را پخته و ثابت نمایند. از میناکاران اخیر هراتی می توان از مرحوم عبدالرحیم زرگر نام گرفت که فرزند آن جواد ذاکری حالا در این هنر بسی خوش درخشیده است. او در اثر فشارها و جنگ افغانستان را ترک و به ایران مهاجرت کرد. وی در آنجا هم به کار هنری خود ادامه می دهد. (پویان، ۱۳۹۲)

دیگ برونزی زرکوب هرات

این دیگ که از شاهکارهای هنر فلزی و زرکوبی خراسان محسوب می شود. در سال ۵۵۹ هـ ق در هرات ساخته شد و به روی آن نقوش بسیار ظریف و استادانه نباتی، حیوانی، انسانی و هندسی به مشاهده می رسد. دیگ دیگری که در حدود ۲۵ سال بعد خلق شده به راستی انسان را غرق در حیرت می کند. جنس دیگ از برونز می باشد که روی آن با ظرافت و استادی طلا و نقر پش گردیده است. به راستی که نمایانگر میزان رشد و انکشاف صنعت فلزکاری هرات آن روزگار است. سازندگان و ایجاد گران این آثار هنری رشید الدین خطاط زنده جانی، محمد بن عبدالواحد هروی صنعتگر و محمد الهروی بوده اند. دیگ ها در موزیم ارمیتاژ لنینگراد محفوظ است درباره دیگ زرکوب هری برای

نخستین بار یکی از دانشمندان روس به نام استاد وینورسکی در سال ۱۹۱۰ میلادی مقاله ای نوشت و آن را به عنوان یک شاهکار معرفی نمود. (پویان، ۱۳۹۲)

مسگری

هنگامی که انسان وارد ضلع شرقی چهارسوق می شود صدای چکش های مسگران فضای گوش ها را پر می کند و آدم خود را درست در قرون میانه خراسان بزرگ احساس مینماید. دیدگان از تماشای تولیدات ظریف مسگرها لذت می برد. ساخته های مسی هری شهرت تاریخی دارد. در قرن جاری نیز مسگری هنوز رونق خود را از دست نداده بود؛ لیکن در دهه های اخیر به سبب ورود ظروف خارجی آلومینیومی (رویی)، پلاستیکی، چینی حلبی (ظروف لعابی)، چینی ناشکن، ملامین و غیره از یک طرف و محدودیت ساخت وسایل پخت و پز و غذا خوری از فلز مس به علل صحتی و استفاده بیشتر فلز مس در امور صنعتی مانند: (برق و وسایل صوتی و الکترونیک) از رونق مسگری در هرات کاسته شد. با آنهم در سال ۱۳۵۴ در شهر هرات ۹۷ کارگاه و دکان مسگری وجود داشت که در آن ۳۲۳ کارگر سرگرم کار بودند. در کتاب اقتصادی کالنی از «شهرت لوازم مسی هرات» یادآوری شده است. در هرات وسایل و لوازم آتی تولید می شد: وسایل پخت و پز، لوازم غذاخوری و چای خوری، وسایل قنادی، لوازم حمام، انبیههای عرق کشی، صراحی، پطنوس مشبک پایه دار، سماوار، جام، آفتابه و لگن، طشت، آبدان، چلم، شمع سوز و غیره. (پویان، ۱۳۹۲)

گدازگری

کوره های ذوب فلزات به خصوص ذوب فلز مس در ولایت هرات به قرون گذشته بر میگردد. در قرن جاری هم این کارگاه ها همان حال و هوای سده های میانه را داشت. در این کوره های گلین دستی که با زغال داغ می گردید، وسایل و ظروف مسی استهلاک شده و شکسته را ذوب کرده و به زور بازو و عرق جبین به ورقه های مسی نازک تبدیل می کردند. مواد مذاب را به اندازه معین از درون کوره به روی سندانهای بزرگ و مقاوم انتقال داده و در زیر چکشهای بزرگ و پتکهای گران به ورقه های متنوع تبدیل می کردند و از آن در ساختن ظروف مسی استفاده می شد. در سال ۱۳۵۲ در هرات ۴ کارگاه گدازگری موجود بود که حالا از آن خبری نیست. (پویان، ۱۳۹۲)

آهنگری

ریشه های کهن صنعت آهنگری هری از جامعه صنعتی روزگار باستان آب می خورد. نقل کنند که آریائیهای زمان اوستا به این فن آشنایی داشتند. در عهد هوشنگ آهن ساخته شد. در شیوه کار صنعت

نامزد پوهنیار محمد اسحاق فیضانی

آهنگری در قرن جاری کدام پیشرفت و انکشاف چشمگیری به وجود نیامده است. آهنگران تا هنوز به همان ابزار ابتدایی کار می کنند؛ کوره های گلین دستی زغالی و دم های پوستی کهن در دهات و مرکز شهر هری از قرون وسطی خراسان بزرگ حکایت کنند. فقط در تعدادی از آهنگرهای مرکز شهر دم های پوستی به چرخهای ساده دمیدن تبدیل شده است. پتک های گران و چکش های سنگین آهنگران تاکنون به نیروی بازوان کارگران به حرکت آیند. تا چند دهه پیش آهنگری در هرات رونق داشت و آهنگران هراتی در ساختن وسایل و لوازم مورد ضرورت داخلی مهارت خوبی از خود بروز می دادند. گویند که در بخش آهنگری گادی، استادان هراتی گادی زیبایی ساخته بودند که از گادی چترسنگ هندی کم نمی آورد و اگر از آن حمایت می شد، می توانست نیازهای داخلی را رفع کند. در آهنگریهای هرات ابزار و لوازم آتی تولید می شد: ابزار و لوازم ساده زراعتی، نجاری و بنایی مانند: بیل، داس، پلکی، اره های سوکنی و تاکبری، تیشه، تبر، تبرزین، کلنگ، اره، انبر، میخهای بزرگ، زنجیر، جوالدوز (سوزنهای بزرگ)، کارد و چاقو، قیچی، نعل اسب و خر، قفلهای پیچی، کپچه آتشکوبی برای گلخن حمام و داشها، سیخ تنور و غیره. (پویان، ۱۳۹۲)

زنجیربافی

این شغل در واقع شعبه ای از آهنگری است که روزگاری در هرات بازار گرمی داشت؛ لیکن در حال حاضر از رونق افتاده است. خلیفه حسن زنجیرباف که از هفت سالگی تا هفتادسالگی دراین شغل بوده است خاطرات بسیار شیرین و تلخی دارد. این مرد هفتاد ساله که از بی کاری، کساد بازار و گرانی سرسام آور دل خونینی دارد، در اسد ۱۳۸۷ درباره وضع زندگی و درآمد خود چنین لب به سخن گشود: حالا شکمم به نان گندم سیر نمی شود؛ میوه را استفاده کرده نمی توانم؛ گوشت و برنج پشت خود را به من کرده اند؛ یاد ایام قدیم بخیر که ماست من دو روپیه، روغن زرد من ده قران، برنج رشتی من نه قران، گوشت ده سیر یک قران، نان استعباسی پنج تا به یک قران، دشلمه و نبات سیر یک قران می خریدم. یک پنجهی کرایه دوکان و یک روپیه چوکیداری می دادم. حالا کسب ما از مد افتاده، جیم خالی است. (پویان، ۱۳۹۲)

سوزنگری

حرفه سوزنسازي در هرات به مانند حرف دیگر سابقه زیاد دارد و اسفزاری از آن به خوبی یاد کرده است. سوزنگران هراتی در شهر کهنه محله مخصوص داشتند که پیش از جنگ در کوچه خراطی فعال

بود. حالا از ساخت سوزن و استادان سوزنگر اثری نمانده است و از آن فقط خاطره ای در اذهان و نقوشی در اوراق تاریخ بیادگار مانده است. (پویان، ۱۳۹۲)

ریختگری

در دوران قدیم صنعت ریختگری هرات از نگاه کمی و کیفی رونق و انکشاف چشم گیری داشت. یکی از نمونه های بارز صنایع مذکور دیگ هفت جوش بزرگ و زیبای هرات است که تاکنون در مسجد جامع بزرگ هرات نگهداری می شود. به قول فکری سلجوقی تاریخ نگار هراتی، این دیگ در زمان ملک غیاث الدین پیرعلی آخرین پادشاه دودمان ملوک کرت هری (۷۷۱-۷۸۳) ریخته شد و وقف مسجد جامع گردید. همچنان در سده های اخیر ریختگران هراتی توپهای جنگی هفت جوش، تفنگ و تفنگچه های دهنپیر می ریختند که نمونه های آن تاکنون در هرات موجود است. ریختگری در هرات به دو بخش عمده تقسیم شده است؛ بخش تیشریزی که با مواد چودنی سر و کار دارد؛ این مواد از اسباب و وسایل کهن چودنی حاصل آید. در بخش دیگر که با مواد رویی و برنجی کار می شود، بیشتر وسایل منزل و سامان آلات ماشین باب را در قالبها ریزند. در ولایت هرات ۴ کارگاه تیشریزی در قریه روضه باغ حاکم نشین گذره و یک کارگاه در محله خواجه عبدال مصری در شهر کهنه هرات فعال بود. کوره ها را از گل سازند و مواد سوخت کوره ها از زغال سنگ و زغال خنجک حاصل آید. یک کوره فعال تیشریزی در مدت ۱۲ ساعت ۱۰ خروار (معادل ۴۰۰۰ کیلوگرام) چودن را ذوب کرده و از آن ۱۰۰۰ عدد تیش گاورانی و یا قلبه کنی تولید شود. از تیشریزان هراتی می توان از حاجی نورالدین معلم، حاجی غلام محمد و علی خان نام گرفت. در دهه ۱۳۵۰ چند دستگاه ریختگری جدید در هرات به وجود آمده بود که به تولید لوازم ماشین باب مثل: رینگ و پیستوم، سامان آلات واترپمپ، دیگ بخار، انواع قالب، بخاری چودنی و غیره اشتغال داشتند. ریختگران هراتی در دهه های اخیر به تولید اجناس آتی مصروف بودند: تیش، دیگهای چودنی، آفتابه، چای جوش، تابه، قاب، قاشق، ملاقه، کفگیر و غیره. (پویان، ۱۳۹۲)

نجاری

پیشه نجاری در هرات سابقه بس دراز دارد و از باستان زمانه ها هرویای فن نجاری را بلد بوده اند. به قول میرغلام محمد غبار تاریخ نویس وطن، نجاری نزد آریائیها کهن اهمیت شایانی داشته و از آن در ساختن عراده ها و کراچیها اسبی استفاده زیادی می کردند. در طول تاریخ ظرافت های هنری استادان هراتی در ساختن درب، کلکین، اورسی و دیگر اسباب و آلات مورد ضرورت خانه متبازر

بوده است. نجاری در هرات اکنون شامل بخش خراطی، درب و پنجره سازی، مبل سازی و بادیسازی می شود. خراطی در هرات تاریخ طولانی داشته و خراطان هروی محله مخصوص دارند. محل کارشان به کوچه خراط ها مشهور است. آنان مهارت و فنون خراطی را از اجداد خود به ارث برده و سده های پیاپی در این صنعت اشتغال داشته اند. تولیدات خراطی عبارت است از: اسباب بازی کودکان، وسایل چوبین زراعتی، بافندگی، لوازم شعرافی و دستگاه های پيله وری، چرخهای ریسندگی، چرخ چاه، کرسی، سه پایه، میزهای کوچک، راه زینه، لوازم خانگی، درب و پنجره و غیره. (پویان، ۱۳۹۲)

صنعت بافندگی

مردم هرات در بافتن پارچه های نفیس تجارب تاریخی و شهرت فراوان داشته و در ادوار تاریخ همواره در رشد و انکشاف این صنعت تلاش ورزیده اند. آریائیان قدیم در این فن مهارت شگفت انگیزی از خود نشان دادند. گویند که « در دوره ساسانی فن بافندگی به اوج عظمت و منتهی درجه ترقی خود رسیده بود » هرات در آن روزگاران به مثابه مرکز اعیان نشین زردشتی و مهارت در صنعت ابریشم سازی در این فن چه خوش درخشیده باشد. بلی! در جغرافیای مینگ در این باره آمده است: « مردم هرات پارچه های گوناگون از ابریشم سازند و انواع فرشهای آنها خیلی نفیس است که رنگ آن زایل نمی شود ». پس از انتشار اسلام در خطه پهناور خراسان باز هرات به عنوان قلب پر تپش خراسان زمین در صنعت بافندگی نام و آوازه بسیار یافت و تکه باب هروی از نفاست و مرغوبیت کم نظیری برخوردار بود. در هنگام تهاجم لشکر چنگیزخان به این ولایت که پس از دوره کوتاه نبرد در مرتبه نخست به مصالحه انجامید، هرویان پارچه باب بسی نفیسی به تولی خان فرزند چنگیز به عنوان تحفه پیشکش نمودند که در تاریخ حبیب السیر از آن یاد شده است: « امیر عزالدین مقدم هروی که پیشوای جامه بافان (هرات) بود با صد جامه باف که هر یکی نه جامه قیمتی در دست داشتند بحضور تولی خان مبادرت نمودند ».

همچنان در باب معجزه هنر بافندگی هرویان در قسمت احیای مجدد این خطه پس از ویرانی به دست سپاه چنگیزخان در روضات الجنات حکایتی آمده است که نقل آن خالی از لطف نخواهد بود: از خوانین چنگیزخان (قتلغ ایشی) نام روزی چند طاقه زربفت مصور خسروانه پیش قان آورد، قان را تکلف جامه ها بسیار خوش آمد، از خاتون پرسید که مصنف این بدایع و صنایع کیست؟ گفت: وقتی که تولی خان اسیران خراسان را قسمت می کرد جامه بافان بمن بخشید و این تنسوقات

از مصنوعات ایشانست، قآن گفت اگر این جامه بافان را خاتون بمن ارزانی دارد منت است، چون چندسال برین حال بگذشت عزالدین مقدم چند جامه زرنگار قیمتی بخدمت پادشاه برد. قآن فرمود که همه مصالح و صنایع این جامها خوبست اما طراوتی ندارد، عزالدین مقدم گفت، ای پادشاه خاصیت آب و هوا در این کار اثر دارد، در آب و هوای شهر بنده کمتر جامه از این جامها بمراتب خوبتر و لطیف تر تمام می شود، حکم اگر نافذ شود بنده با اتباع به شهر هرات رود و هرسال با صناعات آنچه در این ملک بخزانه می رسد آنجا برساند، پادشاه را مقبول افتاد، فرمود که امیر عزالدین با پنجاه تن از هرویایان به هرات روند و بعد از آنکه اثر کفایت ایشان بر رای ملک ظاهر شود باز آیند و اقارب خود را بدانجا برند». صنعت بافندگی هرویایان که ریشه های عمیق در تاریخ و تمدن این خطه دارد باز در عهد تیموریان درخشیدن گرفت و آوازه آن در همه جا پیچید. چنان که یکی از پژوهشگران در این باب می نگارد: «شهرهای سمرقند و هرات در زمان تیمور و جانشینانش مهمترین مراکز بافندگی پارچه های نفیسی شد که امراء و بزرگان دولت می پوشیدند و از آنها بهترین پرده ها و فرشها و بالش و متکاها درست می کردند» نظر به سروی سال ۱۳۵۴ تعداد دستگاه های کرباس بافی ۴۷۲ واحد، تعداد کارگاه های شال و لنگی (دستار) بافی ۱۸۹ دستگاه، تعداد دستگاه های گلیم بافی ۷۸۷ کارگاه، تعداد کارگاه های سطرنجی بافی ۱۴ دستگاه و تعداد دستگاه های جوال و خورجین بافی ۱۱۶۷ واحد در هرات سنجش شده بود. (پویان، ۱۳۹۲)

صنایع دستی دهاتی

بافتن قالین و قالینچه، نمد فرشی و نمد (نمد پوشاکی)، گلیم، سطرنجی، پلاس، جوال، طناب، خاک کشی، جالهای ماهیگیری و صید پرندگان، چادرشبهای قزینی، پنبه ای و ابریشمی، ساختن برک و کشمیره های رادار، انواع دستمال های دستپاک و روی پاک، سفره های پشمی، پنبه ای و موئی، بافت عرقگیر، رو زینی و زیر زینی اسب، کلاه دوزی و کلاه بافی، نخریسی و رشتن قزین، خیاطی، ساخت وسایل زراعتی، آسیاب ها و خراس ها، دستگاه های ابریشم سازی و آسیاب سنگ و غیره. (پویان، ۱۳۹۲)

صنایع دستی در بین کوچیان

بافتن قالین و قالینچه، پلاس و خیمه های موی بزی، طناب، عرقگیر اسب، زری دوزی، دستدوزی، خیاطی با سوزن دستی، پشم و موی ریسی. در جریان جنگ طولانی ساختار زندگی کوچیان در اثر

فشارهای نظامی و بحران عمومی از هم پاشید. بیشتر شان به ده ها و شهر هرات سرازیر شدند. (پویان، ۱۳۹۲)

وضعیت صنایع دستی در ولایت هرات

صنایع دستی در هر کشور به نحوی هویت و نشانه فرهنگ تاریخ هنر و تمدن همان کشور دانسته میشود تقریباً در اکثر کشورهای جهان حتی کشور هایی که در اوج صنعت و تکنولوژی قرار دارند صنایع دستی ارزش دارند و از سوی دولت ها حمایت میگردد در بیشتر کشورهای جهان تلاش صورت میگیرد تا صنایع دستی به شکل آکادمیک به علاقمندان تدریس و آموزش داده شود و حتی در بعضی از دانشگاه های جهان فرهنگ های همان جوامع آموزش داده میشود که صنایع دستی هم جزو همین بخش است ولی در کشوری مثل افغانستان که صنایع دستی نه تنها به عنوان معرف هویت و تاریخ و فرهنگ آن شناخته میشود بلکه تا به امروز به عنوان وسیله ای امرار معاش هم مطرح است و صنعت صنایع دستی روز به روز رو به رکود می باشد. هرات نیز از جمله شهر هایی است که دارای تنوع صنایع دستی میباشد انواع صنایع دستی که بیشتر به عنوان بخشی از صنعت توریستی می توان آن را بها داد در این شهر مروج است و با این که اکثر مغازه هایی که محصولات دستی را ارایه میدهند بیشتر در پی جلب افراد خارجی اند ولی مردم داخل کشور نیز برای تزئین خانه ها و دفاتر شان از صنایع دستی استفاده میکنند با این حال وضعیت صنایع دستی هرات روز به روز در حال رکود است عدم توجه به این صنایع و عدم حمایت دولت و نهاد های مربوط و بدتر از آن واردات شبیه این صنایع از کشورهای خارجی خصوصاً چین، بازار صنایع دستی اصیل را در هرات با مشکلات متعددی مواجه کرده است بافت دستمال های ابریشمی یکی از این گونه صنایع است که وضعیت رو به رکودی دارد با وجودیکه دست اندر کاران این صنعت آن را به حدود پنج قرن قبل ربط میدهند ولی به استناد تاریخ صنعت ابریشم بافی در هرات قدمتی بیش از هزار سال دارد این صنعت در گذشته از صنایع مهم صادراتی هرات بوده است که نه تنها به دیگر نقاط کشور برده میشده بلکه به کشورهای دیگر نیز صادر میگردد ولی امروزه به دلیل واردات جنس مشابه با قیمت ارزان از کشور چین، بازار ابریشم بافان با رکود روبرو شده است تا جایی که اتحادیه پیشه وران هرات تصمیم گرفته تا با این وضعیت برخورد کند و در حال حاضر از تاجران تعهد گرفته است که جنس مشابه از خارج وارد نکنند. (چینگرا، ۱۳۴۶)

گردشگری

گردشگری به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که افراد به منظور تفریح، استراحت، آشنایی با فرهنگ‌ها، جاذبه‌های طبیعی، تاریخی یا اجتماعی و همچنین برای یادگیری یا تجربه‌های جدید به مکان‌های مختلف سفر می‌کنند. گردشگری می‌تواند به‌عنوان یک صنعت مهم برای اقتصاد کشورها عمل کند و تأثیرات قابل توجهی بر اشتغال، رشد اقتصادی و تبادل فرهنگی داشته باشد. به‌طور کلی، گردشگری به سفر به خارج از محل سکونت اصلی به منظور استراحت، سرگرمی، آموزش، تجربه و لذت از محیط‌های جدید اطلاق می‌شود. گردشگری را می‌توان از جنبه‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرد. برخی از مهم‌ترین انواع گردشگری عبارت‌اند از: گردشگری تفریحی، گردشگری فرهنگی، گردشگری مذهبی، گردشگری تجاری، گردشگری طبیعت، گردی گردشگری سلامت، گردشگری ماجراجویانه، گردشگری ورزشی، گردشگری روستایی، گردشگری خوراک و گردشگری فضایی.

(وحیدالله، ۱۳۹۳)

اهمیت گردشگری

صنعت گردشگری نقش حیاتی در توسعه پایدار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها دارد. سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند منجر به افزایش درآمد، اشتغال‌زایی و بهبود روابط بین‌المللی شود. همچنین با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان از آثار منفی زیست‌محیطی آن جلوگیری کرد. صنعت گردشگری یکی از عوامل کلیدی در رشد اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. این صنعت می‌تواند از طریق افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، توسعه زیرساخت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی بگذارد. صنعت گردشگری یکی از موتورهای محرک رشد اقتصادی است که از طریق ایجاد درآمد، اشتغال‌زایی، جذب سرمایه و توسعه زیرساخت‌ها به شکوفایی اقتصادی کمک می‌کند.

(دکترحسین، ۱۳۹۰)

رابطه بین صنعت گردشگری و صنایع دستی

صنعت گردشگری و صنایع دستی رابطه‌ای متقابل و مکمل دارند. گردشگری می‌تواند باعث رشد و توسعه صنایع دستی شود، درحالی‌که صنایع دستی نیز به جذابیت‌های گردشگری یک کشور یا منطقه می‌افزاید. گردشگری و صنایع دستی یکدیگر را تقویت می‌کنند. رشد صنعت گردشگری موجب رونق بازار صنایع دستی شده و در مقابل، صنایع دستی نیز به جذب بیشتر گردشگران کمک می‌کند. با

برنامه‌ریزی و حمایت‌های مناسب، این دو صنعت می‌توانند به‌عنوان محرک‌های مهم اقتصادی و فرهنگی عمل کنند. (دکترحسین، ۱۳۹۰)

یافته‌های تحقیق

در این زمینه برای تحلیل توصیفی داده‌ها از روش آمار توصیفی همچون فراوانی مطلق، درصد، انحراف معیار، میانگین، چولگی، کشیدگی، حداقل و حداکثر استفاده شده است و همچنین در قسمت تحلیل استنباطی تفکیک‌های آمار استنباطی از آزمون تی استفاده شده است.

آمار توصیفی متغیرهای پرسشنامه

آمار توصیفی افزایش درآمد: جدول ۲- آمار توصیفی افزایش درآمد را نشان می‌دهد. میانگین این متغیر ۲۳،۹۵، انحراف معیار ۴،۲۱ بدست آمده است. مقدار چولگی و کشیدگی به ترتیب ۰،۲۵۲، ۰،۳۷۲، با توجه به کوچکتر بودنشان از یک نشان دهنده توزیع فاحش این متغیر از توزیع نرمال می‌باشد. همچنین فاصله حداقل ۱۴ و حداکثر ۳۲ نشان دهنده پراکندگی گویه‌ها در این متغیر است.

جدول ۳: آمار توصیفی افزایش درآمد

میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
۲۳،۹۵	۴،۲۱	۰،۲۵۲	۰،۳۷۲	۱۴	۳۲

آمار توصیفی رشد اقتصادی: جدول ۳- آمار توصیفی رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. میانگین این متغیر ۲۱،۱۸، انحراف معیار ۳،۴۷ بدست آمده است. مقدار چولگی و کشیدگی به ترتیب ۰،۳۴۲، ۰،۰۱۲، با توجه به کوچکتر بودنشان از یک نشان دهنده توزیع فاحش این متغیر از توزیع نرمال می‌باشد. همچنین فاصله حداقل ۱۳ و حداکثر ۲۸ نشان دهنده پراکندگی گویه‌ها در این متغیر است.

جدول ۴: آمار توصیفی رشد اقتصادی

میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
۲۱،۱۸	۳،۴۷	۰،۳۴۲	۰،۰۱۲	۱۳	۲۸

آمار توصیفی رشد میزان صادرات: جدول ۴- آمار توصیفی افزایش میزان صادرات را نشان می‌دهد. میانگین این متغیر ۲۲،۴۵، انحراف معیار ۳،۷۹ بدست آمده است. مقدار چولگی و کشیدگی به ترتیب ۰،۵۴۳، ۰،۱۸۴، با توجه به کوچکتر بودنشان از یک نشان دهنده توزیع فاحش این متغیر از توزیع نرمال می‌باشد. همچنین فاصله حداقل ۱۴ و حداکثر ۲۹ نشان دهنده پراکندگی گویه‌ها در این متغیر است.

جدول ۵: آمار توصیفی رشد میزان صادرات

میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
۲۲,۴۵	۳,۷۹	-۰,۱۸۴	-۰,۵۴۳	۱۴	۲۹

آمار استنباطی

فرضیه اصلی: صنایع دستی باعث رشد صنعت گردشگری در ولایت هرات می‌گردد.

جدول ۶: آزمون T وابسته

متغیر	T	سطح معناداری	درجه آزادی	میانگین
رشد صنعت گردشگری	۴۷,۲۰	۰,۰۰۱	۵۹	۲۱,۱۸

آزمون t وابسته فرضیه اصلی پژوهش نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری (۰,۰۰۱) بدست آمده مقدار t با درجه آزادی ۵۹ در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد.

H0: فرضیه صفر: صنایع دستی باعث رشد صنعت گردشگری در ولایت هرات نمی‌گردد.

H1: فرضیه مقابل: صنایع دستی باعث رشد صنعت گردشگری در ولایت هرات می‌گردد.

فرضیه فرعی اول: صنایع دستی باعث افزایش درآمد خانواده ها می‌گردد.

جدول ۷: آزمون T وابسته

متغیر	t	سطح معناداری	درجه آزادی	میانگین
درآمد خانواده ها	۴۵,۰۴	۰,۰۰۰	۵۹	۲۳,۹۵

آزمون t فرضیه فرعی پژوهش نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری (۰,۰۰۰) بدست آمده مقدار

t با درجه آزادی ۵۹ در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بناً فرضیه تایید می‌گردد.

H0: فرضیه صفر: صنایع دستی باعث افزایش درآمد خانواده ها نمی‌گردد.

H1: فرضیه مقابل: صنایع دستی باعث افزایش درآمد خانواده ها می‌گردد.

فرضیه فرعی دوم: تاثیر صنایع دستی بر رشد اقتصادی.

جدول ۸: آزمون T وابسته

متغفر	t	سطح معناداری	درجه آزادی	میانگین
توسعه اقتصادی	۴۵,۸۴	۰,۰۰۰	۵۹	۲۲,۴۵

آزمون t وابسته فرضفه فرعی پژوهش نشان می دهد با توجه به سطح معناداری (۰,۰۰۰) بدست آمده مقدار t با درجه آزادی ۵۹ در سطح ۹۹ درصد معنادار می باشد. بنابراین فرضفه مورد تأفید قرار میگیرد.

H0: فرضفه صفر: صنایع دستی بر رشد اقتصادی در ولایت هرات تأثیرگذار نیست.

H1: فرضفه مقابل: صنایع دستی بر رشد اقتصادی در ولایت هرات تأثیرگذار است.

فرضفه فرعی سوم: تنوع صنایع دستی باعث رشد میزان صادرات در ولایت هرات میگردد.

جدول ۹: آزمون T وابسته

متغفر	t	سطح معناداری	درجه آزادی	میانگین
رشد میزان صادرات	۴۷,۲۰	۰,۰۰۱	۵۹	۲۱,۱۸

آزمون t وابسته فرضفه فرعی پژوهش نشان می دهد با توجه به سطح معناداری (۰,۰۰۱) بدست آمده مقدار t با درجه آزادی ۵۹ در سطح ۹۹ درصد معنادار می باشد. بنابراین فرضفه مورد تأفید قرار می گیرد.

H0: فرضفه صفر: تنوع صنایع دستی باعث رشد میزان صادرات در ولایت هرات نمیگردد.

H1: فرضفه مقابل: تنوع صنایع دستی باعث رشد میزان صادرات در ولایت هرات میگردد.

مناقشه

بررسی فرضفه یک: صنایع دستی باعث افزایش درآمد خانواده ها می گردد. همچنین نتایج آماری آزمون تی وابسته فرضفه یک نشان داد که صنایع دستی در افزایش درآمد زایی تأثیرگذار می باشد. نتایج این پژوهش با تحقیق ایزدی و کیانی همخوانی دارد. کیانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان نقش صنایع دستی در توسعه اقتصادی استان گیلان بیان می کند صنایع دستی با ویژگی هایی چون کاربر بودن وارزش افزوده بسیار بالا، تأمین مواد اولیه مصرفی از منابع داخلی، نیاز به سرمایه اندک،

برخورداری از ابزار کار ساده و بازار ساده فروش محصولات، سبب افزایش تولید ناخالص ملی، افزایش درآمد سرانه، توسعه صادرات، کسب درآمد ارزی نقش دارد.

بررسی فرضیه دو: صنایع دستی بر رشد اقتصادی در ولایت هرات تاثیر گذار است. همچنین نتایج آماری آزمون تی وابسته فرضیه دو نشان داد که صنایع دستی در رشد اقتصادی تاثیرگذار می باشد. نتایج این پژوهش با تحقیق ایزدی همخوانی دارد. هادی ایزدی (۱۳۸۳) در پایانامه کارشناسی ارشد خود با عنوان نقش صنایع دستی کوچک در توسعه پایدار صنعتی شهرستان گناباد بیان می کند صنایع دستی کوچک این صنایع نسبت بسیار بزرگی را از تعداد بنگاههای تولیدی و نسبت قابل ملاحظه ای از اشتغال صنعتی و محصولات صنعتی را به خود اختصاص داده است.

بررسی فرضیه سه: تنوع در صنایع دستی در رشد میزان صادرات ولایت هرات تاثیرگذار است. همچنین نتایج آماری آزمون تی وابسته فرضیه سه نشان داد که تنوع صنایع دستی در رشد میزان صادرات تاثیرگذار می باشد. نتایج این پژوهش با لیزا همخوانی دارد. لیزا (۲۰۰۲) در پژوهش خود با عنوان نقش صنایع دستی در توسعه اقتصادی - فرهنگی در کشورهای جهان سوم به این نتیجه دست یافت که در کشورهای مختلف با توجه به بافت اقتصادی و فرهنگی آنها زمینه های شغلی متعددی قابل بررسی و مطالعه است.

پرسشنامه ها تنها در بین کارکنان میراث فرهنگی توزیع گردید و این موضوع خود منجر به محدودیت جامعه آماری پژوهش شد. از دیگر محدودیت های پژوهش عدم تعمیم دهی نتایج این تحقیق به سایر مناطق می باشد. عدم دسترسی به تولیدکنندگان صنایع دستی از دیگر محدودیتهای تحقیق می باشد. همچنین برخی از پاسخگویان در پاسخ گویی به سوالات دقت لازم را نداشته و برخی پرسشنامه ها به صورت یکنواخت پاسخ داده شده بود. محدودیت منابع نیز در زمینه موضوع مورد مطالعه، از دیگر محدودیت های این تحقیق می باشد.

نتیجه گیری

هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر صنایع دستی بر صنعت گردشگری در ولایت هرات است که بر اساس آن چهار فرضیه تنظیم گردیده است. متغیر مستقل صنایع دستی از نظریات بررسی شده و تحقیقات گذشته گرفته شد و در این تحقیق تأثیر آن بر روی متغیر وابسته (صنعت گردشگری) ارزیابی گردید.

تحقیق بر روی ۷۰ نفر از کارکنان شاغل در ادارات دولتی ولایت هرات به عنوان نمونه از روش تصادفی ساده انجام گردیده است.

پیشنهادهات

برای توسعه و تقویت صنایع دستی کشور، مجموعه‌ای از راهکارهای مؤثر پیشنهاد می‌شود که می‌تواند به رونق این بخش کمک شایانی کند. از جمله این راهکارها، ایجاد و حمایت از تعاونی‌های صادرکننده و آموزش نیروهای جوان، راه‌اندازی بازارچه‌های تخصصی، و ایجاد مراکزی برای نمایش مراحل ساخت صنایع دستی به گردشگران است. همچنین راه‌اندازی بانک اطلاعاتی جامع و ترویج تجارت الکترونیک، تدوین استانداردهای مواد اولیه با حفظ اصالت‌های فرهنگی، و افزایش پوشش بیمه‌ای برای فعالان این حوزه از اهمیت بالایی برخوردار است. ارتقای کیفیت، تنوع و دوام محصولات، بهره‌گیری از نقوش تاریخی در طراحی‌ها، و ارائه تسهیلات مناسب برای ارسال، بیمه، و تحویل محصولات نیز می‌تواند نقش بسزایی در توسعه پایدار این هنر اصیل ایفا کند.

منابع

- حبفب الله. (١٣٧٤). *مففرففب منابع انسانف*. مشهف: انتشارات دانشگاه فردوسف.
- پوفان. (١٣٩٢). *اقتصاد عمومف هرات*. هرات: چاپ و نشر توانا.
- چفنگرا. (١٣٤٦). *صناعف افغانستان*. شماره سوم.
- فسفن. (١٣٨٣). *جغراففای اقتصادف*. تهران: نشرانفشف.
- حمفءالله. (١٣٦٠). *جغراففای صنعتف افغانستان*. كابل: انتشارات پوهنتون كابل.
- فكفرفسفن. (١٣٩٠). *كردشكرف*. تهران: انتشارات سمت.
- رففمه. (١٣٩١). *خامك ءوزف*. هرات: خفءفجه الكبرا.
- رسول. (١٣٩٢). *اقتصاد عمومف هرات*. هرات: چاپ و نشر توانا.
- علف رضا. (٢٠٠٩). *مففرففب منابع انسانف ءر عصر امروز*. تهران: نشر احسان.
- سففءفسفن. (١٣٨٩). *هرات ءر عهدف ففمورفان*. مشهف: شابك.
- عءءالحق. (١٣٤٧). *افغانستان ءر ففجاه سال افر*. كابل: موسسه طبع كتب.
- عءءالحف. (١٣٨٩). *تارفخ افغانستان بعء از اسلام*. كابل: انتشارات افسون.
- قرففس. (١٣٨٦). *سففاسف انكشاف حرفوف و صناعف ءسفف*.
- قرففس. (١٩٧٢). *سففاسف هاف انكشافف حرفوف صناعف ءسفف*. كابل: نشر رسالت.
- محمد ابراهفم. (١٣٨٨). *بازسازف هرات*. هرات: مطبعه ازاءف.
- محمد بشفر. (١٣٨٨). *صناعف ءر افغانستان و نقش انها ءر اقتصاد ملی*. كابل.
- محمد ظرفف و حمفءالله. (١٣٨٢). *جغراففایف اقتصادف افغانستان*. كابل: انتشارات خففز.
- محمد قاسم. (١٣٩٣). *شناخت صناعف ءسفف*. هرات: پوهنتون هرات.
- نشرفه اتحادفه مولءفن و صاءركننءكان قالفن. (١٣٨١).
- وحفءالله. (١٣٩٣). *هرات شهرسففاحت و كردشكرف*. هرات: رفاست اطلاعات و فرهنگ.
- هرات.

فهرست جداول

جدول ١: آمار توصيفى افزايش درامد.....	٧٠٠
جدول ٢: آمار توصيفى رشد اقتصادى.....	٧٠٠
جدول ٣: آمار توصيفى رشد ميزان صادرات.....	٧٠١
جدول ٤: آزمون t وابسته.....	٧٠١
جدول ٥: آزمون t وابسته.....	٧٠١
جدول ٦: آزمون t وابسته.....	٧٠٢
جدول ٧: آزمون t وابسته.....	٧٠٢

په افغانستان کې د پانګونې فرصتونه او ننگونې

څېړنوال مفتي محمد نبي المیداني^۱

۱. د علومو اکاډمي، اسلامي بانکوالۍ ریاست کې د عیني مسائلو ډیپارټمنټ آمر

* نویسنده مسئول - ایمیل: mftymhmdnbyalmydany@gmail.com

لنډيز

د دې مقالې سرلیک (په افغانستان کې د پانګونې ننگونې او فرصتونه) دی چې خپرل شوي موضوعات یې له نوم څخه څرګندېږي، د دې موضوع ارزښت او اهمیت د لمر په څېر روښانه او زموږ ټولنه شدیدې اړتیا ورته لري، چې د تحلیلي او توصیفي میتود پر مټ د افغانستان د دوامدار پرمختګ او صنعتي کولو په موخه لومړۍ سریزه ذکر شوې چې په هغې کې د څېړنې ارزښت، لامل، موخې، اصلي او فرعي پوښتنې او د څېړنې تګلاره ذکر شوي، بیا د پانګونې تعریف، ډولونه او د پانګونې اخروي ګټې ذکر شوي، له دې وروسته په اقتصادي پرمختګ کې د پانګونې رول، په ګران هېواد کې د پانګونې ګټې ذکر شوي چې ځینې یې: له طبیعي سرچینو څخه سالمه او مؤثره استفاده، اقتصادي پرمختیا، د تولید په عواملو کې ظرفیت لوړونه، د مالي سرچینو پیاوړتیا او د ژوند کچې لوړوالی دی، بیا د افغانستان په صنعت کې د پانګونې رول خپرل شوی. له دې وروسته د پانګونې خنډونه/ننگونې خپرل شوي چې ځینې یې: د افغانستان په تېرو وختونو کې د سیاسي ثبات، امن او امان نه شتون، له پانګوالو سره د حکومتونو د ملاتړ/حمایت نه شتون، د اقتصادي وسائلو په ځانګړې ډول برقي وسائل، انټرنېټ او داسې نورو کمزوري، ورپسې د پانګونې لپاره په بېلابېلو برخو کې فرصتونه خپرل شوي چې ځینې یې: په افغانستان کې اوسمهال سیاسي ثبات، بشپړ امن او امان، له پانګوالو سره د واکمن اسلامي نظام حمایت، د پانګونې پر وړاندې د ننگونو او خنډونو له منځه تلل او داسې نور فرصتونه، په پای کې د څېړنې پایلې او ګټور وړاندیزونه شوي دي.

کلیدي کلمې: افغانستان، اقتصاد، پانګونه، ننگونې او فرصتونه.

په افغانستان کې د پانګونې فرصتونه او ننګونې

څېړنوال مفتي محمد نبي الميداني^۱

۱. د علومو اکاډمي، اسلامي بانکوالۍ رياست کې د عيني مسائلو ډيپارټمنټ آمر

* نويسنده مسئول - ايميل: mftymhmdnbyalmydany@gmail.com

ملخص البحث

هذه المقالة معنونة بـ (الاستثمار في أفغانستان فُرصه وتحدياته)، الموضوعات المبحوثة فيها واضحة من اسمها، أولاً دُكرت المقدمة وتشتمل على أهمية البحث، وسبب اختياره، وأهدافه، والأسئلة الأصلية والفرعية، ومنهجه، ثم عُرِف الاستثمار مع ذكر أنواعه، وفائدته الأخرى، وبعدها بُحث عن تأثير الاستثمار في التنمية الاقتصادية، ثم دُكرت فوائد الاستثمار في وطننا العزيز منها: الاستغلال المؤثر للمنابع الطبيعية، والتنمية الاقتصادية، وارتقاء الكوادر في عوامل الإنتاج، وتقوية المنابع المالية وغير ذلك، ثم دُكر تأثير الاستثمار في تطور أفغانستان الصناعي.

ثم بُحثت عن تحديات الاستثمار وموانعه؛ فمنها الأزمات السياسية في أفغانستان خلال الأعوام الماضية، وانعدام الأمن والاستقرار، وعدم حماية الحكومات المستثمرين، وقلة الوسائل الاقتصادية - لاسيما الوسائل الكهربائية والإنترنت وغيرها - وأيضاً بُحثت الفرصُ المساعدة للاستثمار في المجالات المختلفة منها الثبات السياسي في أفغانستان، وتحقيق الأمن والأمان، وحماية النظام الإسلامي للمستثمرين، وإزالة الموانع وتقليل التحديات أمام الاستثمار وغير ذلك من الفُرص، وأُلحقت في آخره النتائج والمقترحات المفيدة.

الكلمات الأساسية: أفغانستان، الاقتصاد، الاستثمار، الفُرص والتحديات.

سريزه

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله وأصحابه أجمعين، وبعد:

د الله جل جلاله په سترو نعمتونو کې اسلامي نظام هم ستر نعمت دی؛ په ځانگړي توگه په داسې وخت کې چې په ټوله نړۍ کې بل هېڅ هېواد کې بشپړ اسلامي نظام شتون نه لري، نو بناء د وخت ټول مسلمه امت ته پکار دی چې د اسلامي نظام په ساتلو او تقويت کې کړتلي گامونه واخلي.

په ټولنيزو علومو کې د اقتصاد اهميت او ارزښت ټولو ته د لمر په څېر روښانه دی؛ پياوړی اقتصاد د يوه هېواد د ملا د تير حيثيت لري، په ځانگړي ډول اسلامي اقتصاد بيا اسلامي ټولنې او مسلمانانو ته د روح په څېر گټل کېږي، دا چې په نړۍ کې د بشر په لاسونو بېلابېل اقتصادي نظامونه جوړ شوي او دا هم څرگنده خبره ده چې د انسان کړنه نيمگړې وي نو له همدې امله وضعي اقتصادي نظامونه د بشر اړتياوې په سمه توگه نه شي پوره کولی، آدم سميت چې د غربي اقتصاد پلار بلل کېږي پانگوال نظام (Capitalism) رامنځته کړ چې د لسگونو مفاسدو سره سره مطلقه ازادي لري او د حکومت مداخله نه مني، کارل ماکس د دې په ضد سوسياليستي نظام (Socialism) ايجاد کړ چې دا هم له بې شمېره ستونزو سره سره له شخصي ملکيت منکر او هر څه يې د حکومت په واک کې ورکړي، کله چې دا دواړه نظامونه ناکام شول نو اوس مهال په نړۍ کې مخلوط اقتصادي نظام (Mixed Economy) چلېږي، دا ټول نظامونه له سپېڅلي شريعت سره په ټکر کې دي.

زمونږ هېواد د خپل اقتصاد د پياوړتيا لپاره ارزښتناکه جغرافيايي موقعيت، پرېمانه قيمتي کانونه چې مادي ارزښت يې څو تريليونه ډالرو ته رسېږي، نفت، گاز، ليتيم، کرومايټ، خوږې اوبه، د کرنې لپاره پراخه سيمې او د صنعت لپاره زړه راښکونکي ځايونه لري، په تېرو څو لسيزو کې له دې ټولو څخه د بهرنيو يرغلونو، اداري فساد، اختلاس او کمزورې حکومتولۍ له کبله د هېواد اقتصادي ودې په موخه گټه نه ده پورته شوې، اوسمهال چې په هېواد کې يو قوي مرکزي اسلامي نظام حاکم شوی او په ټول هېواد کې بشپړ امن دی، نو د دې اړتيا ده چې د هېواد د آبادۍ لپاره مخلصانه هڅې وشي څو مو د هېواد ناخالص توليدات (GDP) ورسره لوړ او پر ځان بسيا شي.

اقتصاد چې عمده برخې يې سوداگري، کرهنه/زراعت او صنعت دي له پانگونې پرته يې چارې ترسره کول نا شوني دي؛ دا چې زموږ گران هېواد څو لسيزې جگړو ځپلې او اقتصادي ثبات په کې شتون نه لري، ځکه چې د اقتصادي ثبات لپاره سياسي ثبات اړين دی نو طبعي خبره ده چې په دې لاره کې به بېلابېلې ننگونې شتون لري، خو اوس چې په ټول هېواد کې بشپړ او خپلواک اسلامي نظام

څېړنوال مفتي محمد نبي الميداني

لرو نو پانگونې ته په کې ښه فرصتونه هم برابر شوي دي، په دې اړه ستونزې او فرصتونه په همدې مقاله کې څېړل شوي دي.

په افغانستان کې د پانگونې ننگونې او فرصتونه څېړل خورا ډېر اړين دي؛ د داسې څېړنو په پايله کې به اسلامي نظام ته د پانگونې ننگونې او خنډونه په گوته شي خو ياد خنډونه له منځه يوسي او د حل لپاره يې لارې چارې ولټوي، همداراز د هېواد بېلابېلې شتمن قشر ته به د پانگونې فرصتونه جوت شي خو په بېلابېلو برخو کې خپله شتمني په کار واچوي چې په دې سره به ذخيره شوې او کنگل شتمني په کار او د هېواد اقتصادي گرارۍ/خرڅ به ورسره په تاوېدلو شي، دا او ډېته ورته څېړنې کولی شي د پانگونې په پار د اخلي او بهرنيو سوداگرو ذهنيت برابر او عامه پوهاوی رامنځته کړي چې د همدې پانگونو له برکته به د ډېری هېوادوالو په مړه نغريو کې اور بل او ډوډۍ به يې پخه شي.

د "البيروني پوهنتون" په اډانه کې "د افغانستان دوامدار پرمختگ لپاره صنعتي انقلاب" تر سرليک لاندې د هېواد په کچه کنفرانس جوړېدونکی و، د ياد پوهنتون چار سمبالو له څېړونکو څخه د اړونده موضوعاتو د څېړنې غوښتنه کړې وه، د څېړنو لپاره بېلابېل عناوين غوره شوي و چې ما "په افغانستان کې د پانگونې ننگونې او فرصتونه" په نوم د څېړنې لپاره مقاله په کې غوره کړه. د همدې ځانگړې څېړنې د غوراوي لامل بيا دا وو چې د يوه هېواد ټولې چارې تر اقتصاد پورې تړلي وي او اقتصاد بيا تر پانگونې تړلی وي، نو په دې لړ کې شته ننگونې بايد هرو مرو هوارې او له شته فرصتونو څخه اعظمي گټه پورته شي؛ خو مو هېواد په خپلو پښو ودرېږي او له سيالانو سره سيال شي.

دا څېړنه لاندې موخې په بر کې نيسي:

۱. افغانستان ته د صنعتي پرمختگ په ډگر کې پانگوال را جذبول؛
۲. له شته فرصتونو څخه د گټې اخيستلو لارې چارې وړاندې کول؛
۳. شته وړتياوې په کار اچول او له هغو څخه سالمه اعظمي استفاده کول.

د څېړنې پوښتنې په دې ترتيب دي:

په افغانستان کې د پانگونې په برخه کې فرصتونه او ننگونې څه دي؟

آيا په افغانستان کې واکمن نظام او هېوادوال د پانگونې وړتياوې لري؟

څېړنه د تحليلي او توصيفي تگلارو پر مټ تر سره شوې ده چې په ترڅ کې يې کتابونو، کتابتونونو او د معلوماتو نورو منابعو ته مراجعه شوې، په ځانگړي توگه د دې موضوع اړوند ورستيو څېړنو او مقالو ته زياته پاملرنه شوې.

مخکينۍ څېړنې

څرنګه چې دا يوه وسيعه موضوع ده نو طبيعي خبره ده چې څېړنې به پرې کېږي؛ زما د معلوماتو پر بنسټ عين په دې نوم او ځانګړنو باندې څېړنه ونه موندل شوه، خو داسې څېړنې چې ياد عنوان ته ورته والی لري يا پکې ځينې اړخونه خپرل شوي وي دا دي: د رياست الوزراء اقتصادي معاونيت د آبادي په نوم مياشتنۍ مجله کې بېلابېلې څېړنې، د محمد اصف ننگ کتاب (اقتصاد محوره حکومتي) چې د "اقتصادي فرصتونه" تر سرليک لاندې بحث پکې شوی، د علومو اکاډمي علمي تحقيقي سيمينار بېلابېلې مقالې چې "په افغانستان کې پايښت لرونکي پرمختګ؛ ستونزې او فرصتونه" تر سرليک لاندې د اثر شوی وه، څېړونکي به مشخصاً د پانګونې په برخه کې ځينې ستونزې او فرصتونه وڅېړي، ان شاء الله.

د مقالي اصلي متن يا موندنې

د پانګونې (Investment) پېژندنه

پانګونې ته په انگليسي کې (Investment) او عربي کې استثمار وايي؛ استثمار بيا له ثمر څخه اخيستل شوی دی هغه څه ته ويل کېږي چې د يو بل شي څخه را پيدا شي، د ونې حمل / بار ته ثمره وايي^۱، الله سبحانه وتعالی فرمايلي دي: □ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۚ □^۲ او الله جل جلاله له آسمان څخه اوبه نازلې کړي دي چې په دې سره يې تاسو ته يې د رزق په توګه ډول ډول مېوې را وپستلي دي او په بل ځای کې يې فرمايلي دي: □ أَنْظَرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ □^۳ تاسو يې مېوې ته وګورئ چې کله بار ونيسي، همداراز په نبوي احاديثو کې لمسي ته ثمره ويل شوي رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمايلي دي: "إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: قَبَضْتُمْ وَلَدُ عَبْدِي، فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمَرَهُ فُؤَادِهِ، فَيَقُولُونَ: نَعَمْ" ^۴ کله چې د بنده بچی مړ شي الله تعالی ملائکو ته وايي: زما د بنده بچی مو قبض / مړ کړ؟ هغوی ووايي: هو، الله جل جلاله ووايي: د هغه د زړه مېوه مو قبض کړه؟ هغوی ووايي: هو. ثمر نماء او زياتوالي ته هم ويل کېږي لکه عرب وايي: "ثمر ماله" د هغه شتمني وده کړې، ځينې بيا وايي: "ثمر الله مالک" الله دې مال ډېر کړه، بناءً پانګونې ته هم ځکه استثمار وايي چې شتمني پکې وده مومي.

په اقتصادي لحاظ هم د پانګونې بېلابېل تعريفونه شوي دي چې د اسلامي اقتصاد پوهانو په تعريفونو کې دغه تعريف غوره کوو: پانګونه: د شريعت له اصولو سره سم شتمنی ته د ودې ورکولو په موخه خپله شتمني يا کوشنښ په کار اچولو ته وايي^۵.

د پانگونې ډولونه (Types of Investment)

پانگونه په بېلابېلو ډولونو وېشل شوي ده چې دلته يې يو ډول وېش لیکو:

پانگونه په دوه ډوله ده:

۱. داخلي پانگونه

۲. خارجي پانگونه.

داخلي پانگونه: له هغې پانگونې څخه عبارت دی چې د نظام يا خصوصي سکتور له لوري د هېواد په داخل کې په کار واچول شي.

خارجي پانگونه: له هغې پانگونې څخه عبارت دی چې د خصوصي شرکت يا افرادو له لوري له هېواد بهر په کار واچول شي. البته د نظام موخې/اهداف به ورسره تړلي وي.

په اقتصادي پرمختګ کې د پانگونې ونډه

د هېواد په اقتصادي پرمختيا کې د پانګې ونډه/رول د لمر په څېر روښانه او په هېچا هم پټ نه دی؛ طبيعي خبره ده چې په پانګونې سره په هېواد کې توليدات رامنځته کېږي، بشري ځواک ته اړتيا پيدا کېږي چې په پايله کې يې خلک په کار بسيا کېږي او د پېر په قوت کې يې زياتوالي راځي چې له دې سره په خپله د تقاضا ځنځير په ګړندۍ توګه جريان مومي او د عرضې لورې يې بېرته تشه ډکوي چې د نامرئي لاس پر مټ د بازار انډول په خپله برابرېږي او سوداګر د خلکو اړتياوو او بازار ته په کتو د خرڅلاو لپاره خپل د اړتيا وړ توکي تنظيموي.

نو ويلی شو چې ذکر شوي عملیه د اسلامي نظام د عايد يا مالي سرچينو د زياتوالي لامل کېږي چې پر مټ يې نظام عام المنفعه پروژې او داسې کارونه ترسره کوي چې د هېوادوالو مصلحت وړپورې تړلی وي، نو په هر حال د يو هېواد د اقتصادي ودې او پرمختګ لپاره پانگونه ډېره اهميت لرونکې ده، پروفیسر ولیم لسن ليکي: اقتصادي پرمختيا داسې ګړنه ده چې د دې په دوران کې په يو هېواد کې اوسېدونکي خپل وسائل په داسې ډول په کار واچوي چې هېواد کې د سړي سر د عائد ډېرښت لامل شي، همداراز پروفیسر ارتهر ليکي: اقتصادي پرمختيا په يو هېواد کې د سړي عائد څرګندوي، په هر حال د يوې زياتې پانګې شتون کولای شي چې وروسته پاتې هېوادونه د وروسته پاتې والي څخه وساتي او هېواد د پرمختګ په لور روان کړي.^۹

په هېواد کې د پانگونې گټې

له شک پرته چې پانگونه بې شمېره گټې لري چې په هېچا پټې نه دي؛ غواړو ځينې گټې يې په لنډه توگه په لاندې ډول بيان کړو:

۱- پانگونه ستره صدقه ده

په هېواد کې پانگونه کول د نورو ډېرو دنيوي گټو سره سره اخروي گټه هم لري؛ دا چې په پانگونې سره ډېر بې وزله خلک په کار گمارل کېږي او د پانگونې له برکته يې د کور په نغري کې اور بليږي يا له دې پانگونې څخه انسانان، مرغان، څاروي او نور ژوي گټه اخلي دا ټول د دې پانگوال لپاره د آخرت ذخيره گرځي، رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمايلي دي: عن أنس، رضي الله عنه، أن النبي، صلى الله عليه وسلم، قال: "مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ"^۱. له انس رضي الله عنه روايت دی چې بېشکه رسول الله صلى الله عليه وسلم وفرمايل: نه دی يو مسلمان چې يوه ونه زرغونه/ کېنوي يا کوم کبنت وکړي بيا له دې څخه مرغه، يا انسان يا کوم څاروی خوراک وکړي مگر دا به د ده لپاره صدقه وي، نو چې ونه کېنول صدقه ده، پانگونه خو بيخي ښه صدقه ده، ځکه چې پانگونه کې هم د الله تعالی ډېر مخلوق ته گټه رسېږي.

۲- له طبيعي سرچينو څخه گټه اخيسته: هېڅ هېواد نه شي کولای چې له پانگونې پرته له طبيعي سرچينو څخه په مؤثر ډول گټه پورته کړي، څېړنې ښيي چې زموږ هېواد په کال کې تقريباً (۳۰۰) ورځې لمر، ښکلی باد او هوا لري چې د پانگونې پر مټ کولای شو د برېښنا بېلابېلې مؤثرې گټې ترې پورته کړو، همداراز کولای شو د پانگونې پر مټ له اوبو څخه د بندونو جوړولو، نهرونو کندلو او د اوبو غوره مديريت له لارې لسگونه ډوله مؤثرې گټې پورته کړو، همدارنگه په معادنو، کرنې او صنعت په برخو کې د پانگونې پر مټ کولای شو خپل هېواد په اقتصادي ډگر کې په پښو ودرولو او له سياليانو سره يې سيال کړو.

۳- اقتصادي پرمختيا: څرگنده خبره ده چې د پانگونې په پايله کې هېواد اقتصادي وده او پرمختگ کوي؛ يو لوېدلی هېواد په اقتصادي ډگر کې د بډاينې په پار پانگونې ته داسې اړتيا لري لکه انسان چې وينې او اکسيجن ته اړتيا لري، نو ویلی شو چې زموږ زخمي زخمي هېواد هم همدې پټۍ او درملنې (پانگونې) ته سخته اړتيا لري او له همدې لارې مو اقتصاد پياوړی کېدای شي.

۴- د تولید په عواملو کې ظرفیت لوړونه: څرگنده خبره ده چې د تولید عوامل (ځمکه، کار، اداره او داسې نور) هر یو بېل بېل ځانګړی اهمیت لري چې د پانګونې پر مټ یې په ظرفیت او وړتیا کې وخت په وخت زیاتوالی راځي او په مؤثره توګه ترې ګټه اخیستی شو.

۵- د مالي سرچینو پیاوړتیا: هر هېواد مالي سرچینو ته شديده اړتیا لري او کوشنې کوي چې يادې سرچینې پیاوړې کړي؛ ځکه چې د هېوادوالو عامه مصلحتونه ورسره تړلي وي زموږ د مالي منابعو د پیاوړتیا مؤثره لاره هم په بېلابېلو ډګرونو کې پانګونه ده چې له همدې لارې کولای شو خپلې مالي سرچینې پیاوړې کړو او دا چاره شتمنۍ ته په خوزښت او دوران ورکولو (Circulation) تر لاسه کېږي.

۶- د ژوند د کچې لوړوالی: د نن پرمختللي نړۍ په هوسا چاپېریال کې ژوند کول او د ژوند له ټولو آسانیتاوو څخه برخمن کېدل د هر انسان حق دی؛ زموږ هېواد چې څو لسیزې د اور په لمبو کې پروت وو چې له امله یې افغان قهرمان ملت د ژوند له هر ډول آسانتیاوو بې برخې دی، نو د دې ناورین نه د راوتلو او د ژوند کچې د لوړلو لپاره تر ټولو مؤثره او بریالۍ لاره پانګونه په ګوته کولای شو. پانګونه نورې بې شمېره ګټې لري چې موږ په همدې باندې بسنه کوو.

د افغانستان په صنعت کې د پانګونې رول

د اقتصاد علم له مخې صنعت هغې کړنې ته ویل کېږي چې په ټولنه یا هېواد کې د توکو د تولید او خلکو ته د خدمتونو د وړاندې کېدو لامل شي^۸.

هر هېواد د خپل اقتصاد د پیاوړتیا، ودې، پراختیا او پرمختیا لپاره له بېلابېلو میکانیزمونو کار اخلي، ځینې هېوادونه د خپلو طبیعي زېرمو په واسطه خپل اقتصاد پیاوړی کوي، ځینې د صنعت د ودې له لارې او ځینې یې د کرنې او مالدارۍ سکتور د ودې له لارې. اوس پوښتنه داده چې د افغانستان د اقتصادي ودې لپاره څه کول په کار دي؟ دا هغه پوښتنه ده چې له کلونو راهیسې زموږ د هېواد سیاستوالو، اقتصادپوهانو او د نظر خاوندانو پرې فکر کړی دی، خو ټولو د افغانستان د جغرافیایي موقعیت او نورو شته امکاناتو له مخې په غوڅ اکثریت دا یوه خبره کړې چې په دې هېواد کې د صنعت د ودې لپاره د وړ ظرفیتونو او خامو موادو نشتوالی د تولیدي کارخونو فعالیت صفر کړی دی، همداراز د فني کسانو نشتوالی هم د دې لامل ګرځېدلی چې کاني زېرمې مو په بشپړ ډول تر خاورو لاندې پاتې شي^۹. د تاریخ په اوږدو کې چې ځینې حکومتونو تر یوه بریده د صنعت په برخه کې کار کړی هغه د کورنیو جګړو او بهرنیو یرغلونو له امله له خاورو سره خاورې شوی دی.

مخکې مو د اقتصادي پرمختګ په برخه کې د پانګونې رول او د پانګونې ګټې بيان کړې اوس غواړو د افغانستان په صنعت کې د پانګونې په رول بحث وکړو؛ د اسلامي اقتصاد په اډانه کې صنعت درېيمه برخه تشکيلوي، د ډېری څېړونکو په وينا د سوداګرۍ، کرنې او مالدارۍ په پرتله صنعت غوره بلل شوی، بل دا چې د سوداګرۍ، کرنې او مالدارۍ چارې تر صنعت پورې تړلي چې له صنعت پرته نه شي ترسره کېدې، دا چې موږ د کرنې او مالدارۍ د ودې اراده لرو نو چارې يې يوازې د صنعت پر مټ په ښه شان تر سره کولای او اعظمي ګټه ترې اخيستلی شو.

طبعي خبره ده چې هر ځای کې پانګوال د خپلې پانګونې لپاره داسې ځای غوره کوي چې خپل لګښتونه را کم او زياته ګټه ترې ترلاسه کړي، اوس د دې وخت را رسېدلی چې داخلي او بهرني پانګوال وهڅول شي څو په افغانستان کې د صنعت په بېلابېلو برخو کې خپلې پانګونې وکړي؛ ځکه چې له يوې خوا اوس په افغانستان کې اسلامي نظام واکمن او له بشپړ سياسي ثبات څخه برخمن دی او له بلې خوا د صنعت په برخه کې ډېر کار نه دی شوی نو بڼه پانګوال کولای شي چې د خپلې پانګونې پر مټ افغانستان په يو ستر صنعتي هېواد بدل کړي او په دې لاره کې کټولي ګامونه واخلي څو افغانان د صنعت په ډګر کې ځان بسيا او د نورو هېوادونو له اړتيا څخه خلاص شي.

دا چې صنعت بېلابېل ډولونه لري نو دا اړينه بولو چې داسې صنعت را منځته کړو او داسې پانګونه پکې وکړو چې د هېواد اقتصادي تنده خړوبه کړي؛ د مثال په توګه: موږ ډېری برخو کې خام مواد لرو البته د پروسس کارخونې ورته نه لرو لکه: د معادنو د پروسس کارخونې (سره زر، اوسپنه، مس او داسې نور)، که په ځينې برخو کې وي هغه ډېرې کمې او له نشت سره برابرې دي چې د بېلګې په توګه د سمنټو يا برېښنا توليد خونې يادولی شو، که چېرې په دې برخو کې پانګونه ونه شي نو دا له زرو ډک هېواد به همداسې پاتې او موږ به د سيند له غاړې تېرې پراته يو نو بڼه داخلي او بهرني پانګوالو ته دا يو زرين فرصت دی چې په همدې برخو کې پانګونې وکړي څو يې له يوې خوا خپل هېواد ته خدمت کړی وي او له بلې خوا يې خپلې پانګې رشد هم کړی وي.

د پانګونې پر وړاندې خنډونه او ننگونې

دا چې پانګونه له ځان سره بې شمېره ګټې لري بيا هم زموږ هېواد ترې بې برخې دی نو معلومه خبره ده چې په دې لاره کې داسې څه شتون لري چې د شتمنو د پانګونې مخه يې ډب کړي؛ دا چې دا ننگونې او خنډونه څه دي؟ په اړه يې لاندې څو ټکو ته اشاره کوو.

۱- **بې ثباتي:** خبرونکي ليکي چې د اقتصادي ثبات لپاره تر ټولو مهم شى سياسي ثبات دى^(۱۰)؛ چې کله په يوه هېواد کې سياسي ثبات شتون ونه لري هلته هېڅکله پانگوال دېته زړه نه ښه کوي چې پانگونه وکړي؛ ځکه چې ډېرى پانگونې اوږدمهاله وي او کلونو وروسته وده کوي، مالي سرچينه گرځي او د عائد په توگه گټه ترې اخيستل کېږي، دا چې نن يو نظام وي سبا بل دا د هېواد ټول سسټم بدلوي، مالي او پولي سياستونه ورسره تغييرېږي، قوانين ښه بدلوي او اقتصادي وضعيت ټکنى کوي، الله جل جلاله د سليمان عليه السلام کيسه کې د بلقيس قول داسې نقل کړى: **إِقَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ**^(۱۱). نو هغې و ويل (چې په جنگ کې خیر نشته): بېشکه باچاهان هر کله چې ننوځي په کوم کلي (ښار) کې (په غلبه او قهر) خرابوي دوى هغه ښار او گرځوي دغه باچاهان عزيزان (مشران) د اهل د هغه ذليلان (سپک بنديان) او هم داسې (چې ومې ويل) دوى کوي.

امام عمر بن علي دمشقي رحمه الله د دې آيت په تفسير کې ليکي چې بلقيس هغوى ته د جگړې پايله وښوده او له دې يې و وېرول چې سليمان عليه السلام د دوى ښار ته د جگړې له لارې ننوځي، ځکه چې په دې لاره کې کلي، ودانۍ او آبادۍ وړانږي او خلکو ته مالي او ځاني تلفات اوږي^(۱۲). بناءً د پانگونې په مخ کې ستر خنډ او لويه ننگونه دا ده چې زموږ هېواد کلونه کېږي چې له سياسي ثبات بې برخې دى، دا چې په هېواد کې پانگونې نه دي شوي يا په ټيټه کچه شوي ستر لامل يې همدا دى چې دلته يو ثبات او برقرار نظام شتون نه درلود له همدې امله مو پانگوال نورو هېوادونو ته خپله شتمني وېستله او هلته يې پانگونه کوله، چې لله الحمد اوس مو هېواد ښه پياوړى ثبات لري.

۲- **نا امنی:** په يوه هېواد کې تر ټولو دوه شيان ډېر مهم بلل کېږي: اقتصاد او امنيت؛ له همدې

امله الله جل جلاله د مکې مکرمې پر خلکو د انعاماتو په برخه کې هغوى ته داسې فرمايلي دي:

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ^(۱۳) هغه الله چې دوى ته يې خواږه ورکړي له لوږې څخه او له وېرې څخه يې په امن کړي دي، د دې آيت په رڼا کې تفسيرونه ليکي چې اقتصاد او امنيت د الله تعالى ستر نعمتونه دي، همداراز الله سبحانه وتعالى فرمايلي دي: **وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ**^(۱۴). الله جل جلاله د يوې قريې مثال بيان کړى چې په امن کې وه او مطمئنه وه او رزق به يې له هر ځای څخه پرېمانه راته.

دکتور وهبة الزحيلي رحمه الله د دې آيت په تفسير کې ليکي چې: له اقتصاد سره سره د الله جل جلاله له سترو نعمتونو څخه امنيت دى^(۱۵). بناءً د اقتصادي پرمختگ په برخه کې د هېواد امنيت ډېره

څېړنوال مفتي محمد نبي الميداني

مهم رول لوبوي، دا چې لسگونه کاله زموږ په هېواد کې پانگونې نه دي شوي يا په ټيټه کچه شوي عمده لامل يې همدا ښودای شو چې په هېواد کې امنيت شتون نه درلود، د بېلگې په توگه د ټاټيبي (TAPI) پروژه يادولی شو چې په تېرو کلونو کې څو ځله افتتاح شوه خو متأسفانه د نا امنۍ له کبله به بېرته پاتې شوه، نو په هېواد کې د پانگونې پر وړاندې بل ستر خنډ نا امني وه چې لله الحمد دا ستونزه هم اوس له منځه تللې او بشپړ امنيت دی.

۳- د حمايت/ ملاتړ نه شتون: هېوادونه د پانگونې د جذب په پار ډېر داسې کارونه ترسره کوي چې پانگوال خپله دېته زړه ښه کوي چې هلته پانگونه وکړي؛ د مثال په توگه کارخونو ته سبسايډي (Subsidy) ورکوي؛ له ماليې څخه يې معاف کوي يا تخفيف ورکوي، برېښنا کې مرسته ورسره کوي او داسې نور حمايتونه/ ملاتړ يې کوي تر څو پانگوال پانگونې ته زړه ښه کړي، دا چې زموږ په هېواد کې د پانگوالو حمايت او ملاتړ نشته يا له نشت سره برابر دی نو له همدې امله څوک زړه نه ښه کوي چې دلته په ډاډ منه توگه پانگونه وکړي، خو د اسلامي نظام په حاکميت سره دا ستونزه هم کرار کرار په ختمېدو ده، ان شاء الله.

۴- د وسائلو نه شتون/ کمزوري: څرگنده خبره ده چې نن سبا ډېری کارونه د برېښنا، انټرنېټ او نورو وسائلو پر مټ ترسره کېږي او زموږ په هېواد کې دا او دېته ورته وسائلو ډېر کمزوري دي نو له همدې امله دا د پانگونې پر وړاندې خنډ او ننگونه بلل کېږي، نو ځکه خلک پانگونې ته زړه نه ښه کوي.

همداراز په تېرو نظامونو کې د اداري فساد، د کدرونو نه شتون، د اشغالگرو مداخله، د شتمنو برمه کول، د پانگوالو د شتمنيو او ملکیتونو لوټل، د گاونډيو هېوادونو لاس وهنې او داسې نورې ډېرې ننگونې البته موږ په همدې باندې بسنه کوو.

که څه هم د اسلامي نظام په راتللو سره ذکر شوې ستونزې له منځه تللي خو متأسفانه چې اوس هم ځينې ستونزې شتون لري د مثال په توگه: د اسلامي امارت په رسميت نه پېژندنه، د نړيوالو له لوري بانکي بنديزونه، د راتلونکي د روښانتيا په موخه د تقينې سندونو نه موجوديت او داسې نور.

د پانگونې فرصتونه

څرنگه چې د يو کار پر وړاندې ننگونې او خنډونه شتون لري همداسې يې پر وړاندې فرصتونه هم برابرېږي او ننگونې له منځه ځي، مخکې مو د پانگونې ځينې ننگونې بيان کړې دا چې اوس په دې برخه کې کوم فرصتونه برابر شوي په لاندې ډول يې ذکر کوو:

خبرنوال مفتي محمد نبي الميداني

۱- **سیاسي ثبات:** مخکې مو وویل چې د اقتصادي ثبات او ودې لپاره ډېر مهم شی سیاسي ثبات دی؛ تاریخ پوهان لیکي چې د الجزائر هېواد اقتصادي وضعیت له همدې امله ډېر خراب وو چې ډول ډول حکومتولۍ پرې واکمنې شوې وې خو کله چې عبدالمؤمن د الجزائر واکمن شو نو ټولو ناخوالو ته یې د پای ټکی کېښود او د ده له واکمنۍ را په دې خوا یې هېواد په اقتصادي ترقۍ کې شو، دا ځکه چې سیاسي ثبات یې پیدا کړ.^۹

دا چې اوس الله الحمد زموږ په ټول هېواد اسلامي نظام بشپړ حاکمیت/ واکمني لري؛ بهرني قوتونه وېستل شوي او هېواد له سیاسي ثبات څخه برخمن دی نو د اسلامي اقتصاد په اډانه کې پانګونې ته تر ټولو ښه فرصت برابر شوی دی، اوس زموږ ملي شتمن کولای شي د خپل هېواد په بېلابېلو برخو کې پانګونې وکړي؛ ځکه اوس مو هېواد خپل څښتن لري چې له هېڅ بهرني طاقت څخه متاثر نه دي، همداراز په هېواد کې ټول احزاب، ګوندونه، سیاسي اختلافات او ګډوډۍ له منځه تللي او یو سوچه اسلامي فکر واکمن دی چې د هېواد هر ډول آبادۍ ته یې متې را نغښتي او هڅې یې ګړندۍ کړي.

۲- **بشپړ امنیت:** مخکې مو د امنیت د ارزښت په اړه ځینې قرآني آیتونه هم ذکر کړل، د اقتصاد او بډاینې لپاره امنیت تر ټولو مهم عنصر دی، د فقهي مشهور کتاب "الموسوعة الفقهية" لیکي: "فحسن السياسة ينشر الأمن، والأمان في أنحاء البلاد. وعندئذ ينطلق الناس في مصالحهم وأموالهم مطمئنين، فتنمو الثروة، ويعم الرخاء، ويقوى أمر الدين"^{۱۰}. د امام غوره سیاست د ښارونو په شاوخوا کې امن او امان خپروي چې په دې وخت کې خلک په خپلو مصالحو او مالونو کې په اطمینان سره مزل کوي، ثروت/ شتمني وده کوي، هوساینه عامیږي او د دین کار قوي کېږي.

الله الحمد څرنگه چې افغانستان اوس له بشپړ امنیت څخه برخمن دی او د دې وخت را رسېدلی چې ټول هېوادوال د وطن د آبادۍ په هره برخه کې کوتلې ګامونه واخلي نو پانګوالو ته هم په بېلابېلو برخو کې د پانګونې غوره فرصت برابر شوی، له شک پرته ویلی شو چې د دې هېواد ارزښتونه او عام مصلحتونه د شتمنو خلکو، شرکتونو، مالي مؤسسو او... له پانګونو سره تړلي دي، په ځانګړې توګه د صنعت په برخه کې پانګونه زموږ د هېواد ډېر دردونه دوا کولای او د پردیو له اړتیاوو مو خلاصولی شي.

۳- **د نظام ملاتړ/ حمایت (Protectionism):** یو له مهمو او ارزښتناکو فکتورونو څخه چې پانګوال/ سوداګر سخته اړتیا ورته لري هغه د حکومت ملاتړ او حمایت دی؛ یوازې حکومت کولای شي چې شتمن پانګونې ته وهڅوي او تر شا یې ودریږي، په افغانستان کې د پانګونې په اړه دا هم یو ښه فرصت دی چې واکمن نظام د پانګوالو تر شا کلک ولاړ دی، حمایت او ملاتړ یې کوي او هر

څېړنوال مفتي محمد نبي الميداني

ډول ستونزې يې هواروي، همداراز ياد نظام د پانگوالو امنيت تامين كړى او هر خدمت ته يې لاس په نامه ولاړ دى.

۴- اسانتياوې او امتيازات: د اسلامي نظام په راتللو په افغانستان كې له نورو فرصتونو سره سره د نظام له لوري څه اسانتياوې او امتيازات هم چمتو شوي؛ دا لا څه چې هېواد ته د راستنېدونكو صنعتكارانو او سوداگرو د اسانتياوو او امتيازاتو په موخه د اميرالمؤمنين له لوري طرزالعمل هم منظور او چاپ شوى، د ياد طرز العمل څوارلسمې مادې ځينې فقرې او بندونه په لاندې ډول دي:

۱. د لوړې او منځنۍ كچې صنعتكارانو او سوداگرو چې په نوې صنعتي برخه كې سرمايه گذاري كوي، پر نورو امتيازاتو سربېره، د كار كوونكو له ماليې پرته له نورو مالياتو څخه د (۵) كلونو لپاره معاف دي.

۲. د لوړې، منځنۍ او ټيټې كچې د صنعتكارانو او سوداگرو وارداتي ماشين آلات او وسايل له گمركي محصول څخه معاف كېدل.

۳. له ټيټې كچې صنعتكارانو او سوداگرو څخه پر موجودو مالونو باندې گمركي محصول او ماليه نه اخيستل.

۴. د صنعتكارانو او سوداگرو د غوښتنې له مخې، د هيئت له تاييد وروسته د هغوى مشخصو فني بهرنيو كار كوونكو او انجينرانو ته د دوه كلنې ويزې وركول.

۵. هغه صنعتكاران او سوداگر چې د هيئت د تاييد وړ گرځېدلي وي، د كابل په نوي ښار (ده سبز) او يا د كور او ښار جوړولو وزارت اړوندو په نورو ښارگوټو كې د يوې نمرې ځمكې مشتق بېژندل كېدل.

۶. د لوړې او منځنۍ كچې هغو صنعتكارانو او سوداگرو ته چې د صيئت له خوا ورپېژندل شوي دي، د هغوى د غوښتنې او د سرمايه گذاري د كچې پر اساس، په صنعتي ساحو كې د كارخونو جوړولو لپاره ځمكه په وړيا توگه وركول كېږي^(۸).

۵ - ستونزې او خنډونه له منځه تللي: د پانگوالو په راجذبولو كې حكومتونه له بېلابېلو ستراتيژيكيو پلانونو څخه كار اخلي؛ د افغانستان اسلامي امارت هم په دې برخه كې بېلابېلې آسانتياوې رامنځته كړي؛ د مثال په توگه:

څېړنوال مفتي محمد نبي الميداني

۱. پر خامو موادو د ماليې کمښت، د دې لپاره چې د خصوصي سکتور ښه ملاتړ او هڅونې په پار د ملا عبدالغني "برادر اخوند" په مشرۍ اقتصادي کمېسيون د خصوصي سکتور له لوري له بهر څخه د خامو موادو پر راوړلو ماليه کمه کړه.
۲. بهر ته د پيسو لېږد را لېږد/ TT کولو ستونزه حل شوې، اوسمهال هر سوداگر کولای شي په آساني سره د خامو موادو د رانيولو لپاره بهر ته پيسې TT کړي.
۳. صنعتکارانو ته برېښنا زياته شوې؛ د اوسپنې ويلې کولو او توليدي کارخونو د برېښنا ستونزه هم حل شوې، له دې مخکې به د ورته کارخونو مسئولينو د برېښنا له کمښت څخه شکايت کاوه چې دې چارې يې کارونه ټکني کړي دي، خو له نېکه مرغه د ملا عبدالغني "برادر اخوند" په مشرۍ اقتصادي کمېسيون له برېښنا شرکت سره په همغږۍ ورته کارخونو ته برېښنا ور زياته کړې ده.
۴. د افغاني محصولاتو لپاره نندارتونونه جوړ شوي؛ د سوداگرو/ پانگوالو د تشويق او بازارموندنې په موخه د هغوی د محصولاتو لپاره څو نندارتونونه جوړ شوي چې افغاني محصولات نندارې ته په کې وړاندې کېږي او له ټولو هېوادوالو غوښتل شوي دي چې د بهرنيو محصولاتو پرځای کورني محصولات وکاروي، د اسلامي نظام د هڅو په پايلو کې بهر ته د افغاني محصولاتو پر صادراتو ماليه صفر شوې چې سوداگر ډېره خوښي ترې څرگندوي، اوسمهال ځينې کارخونې بهر ته صادرات لري چې ښې بېلگې يې ځينو گاونډيو هېوادونو ته گول سيخ، سپين کاغذ او نورو توکو يادونه کولای شو.
۵. د سوداگرو د پاسپورټ او ويزې ستونزه هم حل شوې؛ مخکې به سوداگرو د پاسپورټ او ويزې اخيستلو څخه شکايت کاوه چې الله الحمد دا ستونزه په بشپړه توگه حل شوې او هر سوداگر کولای شي په آساني سره يې ترلاسه کړي.
۶. په ادارو کې بيروکراسي ختمه شوې؛ د اسلامي امارت د هڅو په پايله کې په ادارو کې د سوداگرو او پانگوالو پر مخ د بيروکراسۍ، جواز اخيستلو، د جواز تمدید، ماليې تسليمولو او نورې ستونزې ختمې شوې، د صنعت او سوداگرۍ وزارت په مشرۍ د دغو مسائلو د طي مراحل لپاره د يوه گډ ډسک (مېز) پر رامنځته کولو هم کار روان دی چې په جوړېدو سره به يې ټول طي مراحل په يوه اداره کې په يوه وخت کې ترسره کېږي^{۹۹}.

پايښت

۱. افغانستان په بېلابېلو برخو کې د داخلي او بهرنيو پانگوالو پانگوني ته سخته اړتيا لري؛ همدا پانگوني کولای شي چې د هېواد زخمونو ته پټی شي او هېوادوال مو له اقتصادي بحران څخه را وباسي.

۲. د پانگوني په برخه کې په هېواد کې ډېرې ننگونې او خنډونه و چې لکه الحمد د اسلامي امارت په راتللو سره هغه ډېرې ننگونې او خنډونه له منځه تللي؛ د هېواد سياسي ثبات او بشپړ امنيت يې د بېلگې په توگه بيانولی شو.

۳. په افغانستان کې پانگوالو ته د پانگوني غوره فرصتونه برابر شوي دي چې؛ پر صادراتو ماليه صفر، د خامو موادو پر وارداتو تخفيف شوې، د نظام له لوري کلک ملاتړ او هر ډول مرسته وجود لري، پانگوال بايد له شته فرصتونو استفاده وکړي او د هېواد د اقتصادي پرمختگ او پرځان د بسياينې لامل وگرځي.

۴. په افغانستان کې د اقتصادي چارو پرمخ بېولو غوره مالي، مسلکي او تخصصي وړتياوې شتون لري چې د خپلې وړتيا پر مټ کولای شي په بېلابېلو برخو کې پانگوني وکړي او په ښه شان يې مدیریت کړي.

وړانديزونه

۱. د رياست الوزراء محترم اقتصادي معاونيت ته وړانديز دی چې هېواد ته د افغان او بهرنيو پانگوالو په را جذبولو کې کولې گامونه واخلي او په دې برخه کې پانگوالو ته د لازمو اسانتياوو په برابرولو سره هغوی د د هېواد آبادۍ پر لور وهڅوي.

۲. صنعت او سوداگرۍ محترم وزارت ته وړانديز دی چې د پانگوني په برخه کې بېلابېلې آسانتياوې او سبسايډيانې رامنځته کړي، همداراز د پانگوالو ټول اړوند کارونه له خنډ او ځنډ پرته د ترسره کېدو زمینه برابره کړي.

۳. د ماليې وزارت محترم مقام ته وړانديز دی چې د پانگوني په برخه کې د ماليې کچه ټيټه کړي؛ خو سوداگر يا شتمن پانگوني ته زړه ښه کړي.

مأخذونه

القزويني، ابن فراس، أحمد بن فارس بن زكرياء الرازي، أبو الحسين (المتوفى: ٣٩٥هـ)، معجم مقاييس اللغة، الناشر: دارالفكر، بيروت لبنان.

[البقرة: ٢٢].

[الأنعام: ٩٩].

الترمذي، أبو عيسى، محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، (المتوفى: ٢٧٩هـ)، سنن الترمذي، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

حمزه، د. حمزه عبدالكريم، حماد، مخاطرات الاستثمار في المصارف الإسلامية، المكتبة الشاملة.

Enter keywords ليكون: عبدالوفاي نايبزي.

البخاري، أبو عبدالله، محمد بن إسماعيل الجعفي، صحيح البخاري، الناشر: دار طوق النجاة. لجنة علماء الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، صادرة عن وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، والأفريقي، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي (المتوفى: ٧١١هـ)، لسان العرب، الناشر: دار الصادر، بيروت.

د رياست الوزراء اقتصادي معاونيت د آبادي په نوم مياشتنې مجله، كنه (٤)، مخ (٤٣). المشوخي، زياد بن عابد، الاستضعاف وأحكامه في الفقه الإسلامي، الناشر: دار كنوز إشبيليا للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية. النمل: ٣٤.

دمشقي، أبو حفص سراج الدين عمر بن علي بن عادل الحنبلي النعماني (المتوفى: ٧٧٥هـ)، اللباب في علوم الكتاب، الناشر: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان. قریش: ٤.

النحل: ١٦.

الزحيلي، د وهبة بن مصطفى الزحيلي، التفسير المنير، الناشر: دارالفكر المعاصر - دمشق، و لجنة من العلماء، مجموعة من العلماء يشارف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر، التفسير الوسيط، الناشر: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية.

الجزائري، مبارك بن محمد الميلي (المتوفى: ١٣٦٤هـ)، تاريخ الجزائر في القديم والحديث، الناشر: المؤسسة الوطنية للكتاب بالجزائر.

څېړنوال مفتي محمد نبي الميداني

لجنة علماء الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، صادرة عن وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت.

جريدة، د عدلي وزارت رسمي جريده، پرله پسې نمبر: (۱۴۵۸).
د رياست الوزراء اقتصادي معاونيت د آبادي په نوم مياشتنۍ مجله، گڼه (۴)، مخ (۲۶).

بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری: با مروری بر

افغانستان

مسلک‌فهم محمد امین مدبر^{۱*}، داکتر مرضیه نظری^۲، پوهنوال سیدخلیل کوهی^۳

۱. استاد انستیتوت اداره و حسابداری بامیان و استاد موسسه تحصیلات عالی بامیکا، بامیان

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه خلیج فارس-ایران

۳. دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون بامیان

* نویسنده مسئول- ایمیل: aminullahmodaber@gmail.com

چکیده

هدف این مطالعه بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری بوده که این هدف با بررسی مطالعات و منابع در زمینه‌ی مرتبط به حوزه افغانستان تحقق یافته است. روش تحقیق مروری و اسنادی-تحلیلی می‌باشد و ماهیت اطلاعات تحقیق تحلیلی است. جامعه و نمونه آماری تحقیق مطالعات مرتبط به موضوع حاضر با رویکرد افغانستان است و روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتاب‌خانه‌ی و مرور بر منابع مرتبط و اسناد است، که حدود ۲۵ منبع در این خصوص تحت مطالعه قرار گرفته است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این تحقیق به صورت جداگانه با استفاده از محاسبات از طریق نرم‌افزار اکسل انجام شده، که ابتدا بر موضوع چالش‌های موجود، بعد فرصت‌ها و در اخیر به ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان پرداخته شده‌است. بنابراین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: به ترتیب معادن، منابع طبیعی، ایجاد زمینه‌های تحصیلی و آموزشی، ایجاد کارخانه‌جات تولیدی و صنعتی، فراهم سازی زمینه اشتغال و انجام مراودات اقتصادی، تجاری و توجه به مسائل فرهنگی با دنیای خارج از موضوعات مهم هستند. عدم توجه به آن‌ها به عنوان چالش‌هایی جهت انجام سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه‌ی سرمایه‌پذیری قلمداد می‌شوند از سوی هم توجه همه جانبه دولت و بخش‌های خصوصی به این شش مورد به عنوان فرصت‌ها و ظرفیت‌های خوبی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان خوانده شده‌است.

واژه‌های کلیدی: چالش‌ها، سرمایه‌گذاری، سرمایه‌پذیری، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها

Examining the challenges ‘opportunities ‘and capacities of investment and capitalization: with an overview of Afghanistan

Mohammad Amin Modaber^{1*}, Dr Marzia Nazari² Associate Professor
Sayed Khalil Kohi³

1. Professor in Bamyan Accounting and Administration Institute and
Bamika Higher Education Institute, Bamyan

2. student at Khalij Fars-Iran

3. Department of Islamic education, Faculty of sharia Bamyan University

* Corresponding Author Email: aminullahmodaber@gmail.com

Abstrac

The aim of this study was to examine the challenges, opportunities and capital of investment and venture capital, which this object was discovered by examining studies related to the Afghanistan's field in this issue. The research method is review and documentary-analytical and the nature of the research information is analytical. The population and statistical sample of this research is studies related to the challenges, opportunities, and capacities of investment and capitalization, and the method of collecting information is through library research and review of previous related sources, with about 25 related sources. The data analysis method of this research was carried out separately using calculations from Excel software, which first focused on existing challenges, then on opportunities, and finally on Afghanistan's specific investment and investment capacities. Therefore, the findings of the research has shown: In order of priority, mines ,natural resources, creating educational and training opportunities, creating manufacturing and industrial factories, providing employment opportunities, and economic, commercial, and cultural exchanges with the outside world are among the most important issues that cause. Lack of attention to them can be considered as challenges to investment and capitalization. On the other hand ,the comprehensive attentions of the government and the private sectors to these six items have been evaluated as good opportunities and potential for investment and capitalization in Afghanistan investment capacities.

Keywords: Challenges, Investment, Capitalization, Opportunities, Capacities

مقدمه

سرمایه از عوامل مهم تولید در هر کشوری محسوب می‌شود. زیرا در حقیقت در کنار عوامل تولید چون نیروی کار، زمین و بهره‌گیری از تکنالوژی، به مقدار کافی سرمایه لازم است تا بتوان از آن‌ها به صورت کار گرفته شود. هم‌چنان از نقطه نظر رویکردها و سیاست‌های عمومی اقتصادی راه‌های جهت تمویل کمبود منابع داخلی وجود دارد که آن هم ایجاد زمینه‌های سرمایه‌گذاری و فضای مناسب جهت سرمایه‌پذیری شاخته می‌شود. به این امر سیاست‌های عمومی مالی و پولی در یک کشور تعبیر می‌گردد (نیکجو، ۱۳۹۶).

در عرصه فعالیت‌های اقتصادی هم‌چون سرمایه‌گذاری چالش‌ها و فرصت‌های زیادی وجود دارد که از امور امنیتی و اجتماعی-فرهنگی تا سطح سواد (تخصصی کافی) را دربر می‌گیرد. با وجود عوامل تولید و حل مشکلات و استفاده از فرصت‌ها جهت سرمایه‌گذاری، می‌توان این وضعیت را به فضای مناسب جذب سرمایه تبدیل کرد.

سرمایه‌گذاری یکی از منابع تمویلی یک کشور است که از آن‌ها جهت پیشرفت و توسعه اقتصاد آن کشورها نقش کلیدی را دارا می‌باشند. در کشورهای مختلف عمل‌کردهای سرمایه‌گذاری هرچند که دارای چالش‌ها و محدودیت‌هایی هستند، فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی خود را نیز دارند (صابریان و ابراهیمی، ۱۳۹۷). از این جهت است که کشورهای جهان همگام با منابع مالی درونی شان به فکر برنامه‌ریزی به منظور تامین منابع تمویل مالی از مجرای خارجی نیز می‌باشند. این امر بیشتر در کشورهای پیشرفته از زمان‌های دور مروج بوده است. حال آنکه کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته نیز به این عمل اقتصادی روی آورده است (Burcu, 2022).

همین‌طور سرمایه‌گذاری در کشورها سبب افزایش منابع مالی و پولی، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و زیربنای عملیاتی، ایجاد و افزایش شغل، تغییرات در رژیم غذایی خانواده‌ها و شهروندان، بهبود خدمات تعلیمی و صحتی و خدمات ترانسپورتی و شهری و بسا موارد دیگر می‌گردند (مدبر، ۱۴۰۱). از سوی هم سرمایه می‌تواند بر بودجه ملی کشورها و ساحات انکشافی و عملیاتی آن‌ها نیز موثریت داشته و آن‌ها قادر می‌سازند که بتوانند به رفع نیازمندی‌های شهروندان و تامین حقوق مالی و پولی شهروندان به موقع و به صورت گسترده اقدام نمایند (فرمان آرا و همکاران، ۱۳۹۸).

در این تحقیق به بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان تمرکز صورت می‌گیرند. افغانستان از جمله کشورهای است که در جهت عمل‌کردهای اقتصادی از جمله تامین منابع مالی و ایجاد سرمایه‌گذاری نیازمند بوده که از این رو چالش‌ها و

محدودیت‌های خود را داشته‌است. همزمان با این چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های افغانستان نیز به منظور بهره‌برداری و استفاده از این منابع کارآمدی خود را داشته، اما کافی نبوده است. بنابراین زیر عنوان چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان اقدام شده است. چون همه چالش‌های موجود برای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در کشورهای جهان متفاوت می‌باشند. همین طور فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری نیز در کشورها یکسان نمی‌باشند.

لذا این تحقیق بر بخش‌های بیان مسئله، پیشینه تحقیق، روش تحقیق، بحث و یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری اختصاص یافته‌است.

بیان مسئله

سرمایه یکی از چهار منبع تولید کشورها و جوامع به شمار می‌رود. این منبع مهم عامل تولید در میان کشورها به صورت‌ها و حجم‌های متفاوتی وجود دارد (نیکجو، ۱۳۹۶). برخی کشورها و جوامع به مقدار زیاد از این امر برخوردار اند؛ در حالی که برخی دیگر دچار کمبود است و در تامین آن به مشکلات فراوانی زیادی مواجه هستند (Elena and Andreevich, 2020). از این نظر است که کشورهای جهان در سه کتگوری (توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته) تقسیم بندی شده است (اسماعیلپور، ۱۳۹۹).

سرمایه‌گذاری در میان کشورها از روابط اقتصادی و تجاری تا روابط سیاسی و فرهنگی را در بر گرفته و ناشی از برخوردها و سیاست‌گذاری‌های کشورها از این نواحی می‌باشد (مدبر، ۱۴۰۱). از سوی هم سرمایه‌پذیری در حقیقت تامین زمینه و فضای برای کاربردی ساختن از این منابع می‌باشند. در عین حال هم سرمایه‌گذاری و هم سرمایه‌پذیری دو امر مهمی هستند که کشورها بدان توجه ویژه ی می نمایند (بیات و عسکری، ۱۳۹۴). زیرا اندوخته‌ها و سرمایه‌های کشورها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی به قدر ضرورت و اکتفاء به دسترس قرار می‌گیرند. از این رو است که تامین سرمایه و منابع تمویلی آن و از چگونگی مصرف و اختصاص این منابع هماهنگی لازم را می‌طلبد. هرچند سرمایه‌گذاری دو منبع دارند: یکی سرمایه‌گذاری خارجی و دیگر سرمایه‌گذاری داخلی (ملی) (عسکری و همکاران، ۱۳۹۶). سرمایه‌گذاری‌ها چه خارجی و چه هم داخلی می‌توانند بر نقش توسعه تاثیرگذار باشند و رقابت‌های میان کشورهای سرمایه‌گذار و سرمایه پذیر شکل بگیرند. چالش‌ها و محدودیت‌های را نمی‌تواند در سد راه سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری نادیده گرفت (رضایی، ۱۳۹۱). زیرا منابع سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌های اختصاص یافتن این منابع مالی و پولی مستلزم وجود راهبردی

یک رنگ و همسو می‌باشند (Lutkenhorst, 1988). یعنی چالش‌های سرمایه‌گذاری و موانع در این حیطه درست شناسایی گردند و در عین حال سهل انگاری در زمان، مکان و هرگونه مسائل کمی و کیفی دیگر می‌توانند سبب ورشکست شدن و نابودی آن شود (عسکری و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به چالش‌های موجود برای کشورها، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری نیز در میان جوامع متفاوت بوده و برخی کشورها (به خصوص کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه) نسبت به جوامع توسعه نیافته به میزان کمیت و کیفیت بیشتری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری را دارا اند (صابریان و ابراهیمی، ۱۳۹۷)، زیرا آن‌ها زمینه‌ها و شرایط مناسب را برای جذب سرمایه‌پذیری ایجاد کرده است که امروزه به عنوان قدرت‌های اقتصادی بروز نموده و شهروندان شان در رفاه بهتر زنده گی به سر می‌برند (Mohamadiéh, 2019).

فرصت‌های سرمایه‌گذاری شامل بخش‌های معادن، ایجاد زمینه‌های اشتغال و تحصیل و صحت عامه و موارد مشابه بوده است که کشورهای توسعه یافته و سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای ملی بر روی آن‌ها تمرکز نموده تلاش می‌نمایند با انجام سرمایه‌گذاری‌ها بتوانند فعالیت‌های بیشتر را انجام داده و در عین حال به منابع حتی بیشتر از آنچه سرمایه اندوخته است، کمایی نمایند (Elena and Andreevich, 2020). در کنار چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری، توجه دولت‌ها به ویژه کشورهای توسعه یافته ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری را ایجاد می‌نمایند. این کشورها امروزه توانستند که سرمایه‌گذاری‌های انجام شده داخلی و خارجی را به شکل درست و کارآمد آن به بهره‌برداری بسپارند (Bercu and et al, 2022). ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری به مفهوم اینکه سرمایه‌های اندوخته شده، به هدف رفع نیازمندی‌های جوامع و خانواده‌ها صورت گرفته باشند. نیازها و ضرورت‌های جوامع از خوراک و پوشاک تا به تعلیم و تربیه و صحت و همین‌طور فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را شامل می‌شوند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۶).

بنابراین مسئله تحقیق حاضر این است که چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری با تاکید بر افغانستان کدام‌ها است؟ افغانستان هم‌چنان که یک کشور توسعه نیافته به حساب می‌آیند، در جهت سرمایه‌گذاری‌ها و سرمایه‌پذیری‌ها نیز دچار چه مشکلات، تنگناها و محدودیت‌هایی می‌باشند؟ دلیل عدم استفاده به موقع کمی و کیفی از منابع داخلی چیست؟ و چرا منابع مالی و سرمایه‌های خارجی‌ها را جذب و به خوبی بهره نمی‌برند؟

اهمیت تحقیق

اهمیت تحقیق حاضر بر مبنای موضوع با مطالعه منابع مرتبط آشکار می‌گردد. زیرا با مرور بر منابع حوزه سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان صورت می‌گیرد. بررسی چالش‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان و همین‌طور تمرکز مطالعه از قبیل فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌ها (از منابع داخلی و خارجی) در این کشور از اهمیت موضوع حاضر می‌باشد. کشورهای توسعه‌نیافته به شمول کشور ما افغانستان بدون شک دارای چالش‌ها و محدودیت‌های جهت سرمایه و سرمایه‌گذاری می‌باشد. بررسی و مطالعه این بخش از سرمایه‌گذاری در کشور از اهمیت بالایی برخوردار هستند. هم‌چنان فرصت‌ها و زمینه‌های برای استفاده از منابع تمویلی (چه داخلی و چه خارجی) نیازمند جستجو و مطالعه می‌باشند. بنابراین از چالش‌های کشور افغانستان این است که در جهت ایجاد ظرفیت برای جذب سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری و اختصاص منابع خارجی در راستای منابع تمویلی داخلی کم‌کاری وجود دارد. همین‌طور سطح سواد، سنتی بودن خدمات درمانی و اجرای دخل و خرج در فعالیت‌های اقتصادی و تامین معیشت زنده‌گی را نیز به عنوان محدودیت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری نباید نادیده گرفت.

هدف تحقیق

هدف تحقیق حاضر بررسی منابع و مطالعه مرتبط به افغانستان در خصوص سرمایه‌گذاری‌ها است. بررسی چالش‌های سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه می‌باشد. از سوی هم بررسی فرصت‌هایی در افغانستان است که سرمایه‌گذاری‌ها را با سهولت مواجه ساخته بتواند. مطالعه این حوزه‌های مطالعاتی جزء اهداف تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.

سوالات تحقیق

- ۱- چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان کدام‌ها است؟
- ۲- افغانستان در جهت سرمایه‌گذاری‌ها و سرمایه‌پذیری‌ها با چه مشکلات، تنگناها و محدودیت‌هایی روبه‌رو است؟

- ۳- دلیل عدم استفاده به موقع از منابع داخلی چیست؟

- ۴- چرا مردم افغانستان منابع مالی و سرمایه‌های خارجی‌ها را جذب و به خوبی بهره نمی‌برند؟

پیشینه تحقیق

فرایند رشد اقتصادی کشورها نیز به عوامل و منابع تامین مالی و ایجاد سرمایه‌گذاری‌هایی بستگی دارند که می‌توانند یا داخلی باشند یا از مجرای منابع خارجی به تامین منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری و راه

اندازی کسب و کارها اقدام می نمایند که یکی از اساسی ترین منابع برای دولت های در حال توسعه و توسعه نیافته محسوب می شود (Mohamadiet, 2019). کشورها برای توسعه و رشد اقتصادی شان نیازمند منابع و مخارج هستند که یا از پس اندازه های داخلی تامین نمایند یا هم از منابع خارجی تحت عنوان جذب سرمایه ها و منابع خارجی تامین آن امکان پذیر می گردد. البته تنها این امر که منابع داخلی و سرمایه های خارجی ها جذب شوند؛ کارساز نبوده، بلکه مدیریت و دانش بکارگیری از این منابع نیز مهم و با اهمیت می باشند (Elena and Andreevich, 2020).

اقتصاددانان تلاش دارند که راه های مناسب و کارآمد را جهت اختصاص بهینه منابع داخلی و سرمایه گذاری های خارجی در یک کشور جستجو نموده و از آن بتوان در جهت بکارگیری منابع و مبالغ مالی به وجه احسن آن بهره جست (فرمان آرا و همکاران، ۱۳۹۸). از الزامات سرمایه گذاری خارجی می توان به این موارد اشاره کرد که عبارت از: بهبود فضای کسب و کار، تغییرات در قوانین دست و پاگیر اقتصادی، ثبات سیاست های اقتصادی، تقویت سیستم مالی کشور، کاهش فساد اقتصادی می باشند. سرمایه گذاری خارجی به اشکال مستقیم و غیرمستقیم صورت اجرایی به خود می گیرند (علی شیری و شمس عراقی، ۱۳۹۲).

سرمایه گذاری های (داخلی و خارجی) باعث اشتغال زایی، افزایش درآمد، رشد و انکشاف اقتصادی و در نتیجه رفاهیت اجتماعی و خانواده ها می گردد. عدم جذب و گسترش سرمایه گذاری های کشورها باعث ایجاد مشکلات و محدودیت هایی زیادی در جهت رشد و توسعه آن ها می گردند (اسماعیل پور، ۱۳۹۹). از این رو رشد و انکشاف اقتصادی این کشورها به مشکلات و کندی مواجه می باشد. در حالی که راه بیرون رفت از این مشکلات و رسیدن به یک حالت مساعد اقتصادی عبارت از تأمین نمودن سرمایه و سرمایه گذاری در بخش های زیر بنایی، معادن، موقعیت های تعلیمی و تحصیلی و صحت عامه و افزایش تولیدات ناخالص داخلی می باشد (مدبر، ۱۴۰۱).

منشاء منابع سرمایه گذاری می تواند داخلی باشد یا هم خارجی و یا هم هر دو مورد (Harvey and et al, ۲۰۲۱). با آن هم در صورت بسنده نبودن منابع داخلی جهت سرمایه گذاری و جریان فعالیت های اقتصادی، تجاری و تولیدی، دولت ها و سازمان های ملی به منابع خارجی تحت عنوان جذب سرمایه های خارجی مراجعه می نمایند (احمدزاده و ضرونی، ۱۳۹۶). این روند بیشتر در کشورهای قابل طرح می باشند که از جهت منابع داخلی به قلت منابع جهت انجام امور اقتصادی و مالی مواجه باشند. با اینکه کشورها از نظر تامین منابع مالی شان در موقف های متفاوت قرار دارند، نمی توان چالش های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری را یکسان مدنظر گرفت (میرزاخانی، ۱۳۹۱).

چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان عبارت از عدم تجربه تامین منابع مالی با دریافت قرضه‌ها به زراعت پیشه‌گان و کارآفرینان؛ نبود و ناکافی بودن زیرساخت‌های انرژی و برق برای شرکت‌ها و تولیدکنندگان داخلی؛ دخیل بودن مسایل سیاسی داخلی در افغانستان می‌باشند (Burcu and et al, 2022). برعلاوه این مشکلات و چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در این کشور می‌توان به مواد قانون در تامین سرمایه‌گذاری‌ها؛ ناآشنایی متخصصان مالی و پولی و وجود سیستم‌های ضعیف زیرساخت‌های مالی؛ کمبود بکارگیری از تکنالوژی؛ و حمایت ناقص بخش‌های دولتی از سرمایه‌گذاران اشاره کرد (Saddique and Anwar, 2019). چالش‌های دیگر سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری این کشور ضعف سیستم‌های اقتصادی، کاهش تولید ناخالص داخلی، مسایل سیاسی و افت خدمات رفاهی و تسهیلات سرمایه‌گذاری نیز قلمداد شده است (Abdullah and et al, 2023). فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری امری است که کشورهای جهان توانسته است از آن‌ها درست استفاده نموده و سبب شده است که رشد و توسعه اقتصادی، رفاه شهروندان و سهم فعال تولیدات ناخالص داخلی گردند (احمدزاده و ضرونی ۱۳۹۶). از این لحاظ است که کشورها حین جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد آن و فراهم سازی فضای سرمایه‌پذیری مسیرهای متعددی را پیموده است (Mohamadih, 2019).

با این توضیح در زمینه فرصت‌های سرمایه‌گذاری‌ها و تفاوت آن‌ها میان کشور، افغانستان کشوری است که فرصت‌ها و شرایط خود را داشت، می‌توانند سبب رشد و توسعه اقتصادی، رفاه زنده گی و بهبود تولیدات ناخالص داخلی در این کشور شوند (صفری و همکاران، ۱۳۹۹). فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری این کشور عبارت از: زیرساخت‌ها، انرژی، معادن، زراعت، تحصیلات و صحت عنوان شده است (Abdullah and et al, 2023).

از جمله مزیت‌های دیگر افغانستان قرار گرفتن موقعیت جغرافیایی آن در میان کشورهای آسیایی میانه هستند. این ویژگی افغانستان نشان دهنده رشد سریع اقتصادی و توسعه آن است (بیات، روح‌الله و عسکری، محمدامین، ۱۳۹۴). با توجه به گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی هم چون بانک جهانی (WB) و سازمان تجارت جهانی (WTO) افغانستان این فرصت را دارد که از طریق افزایش تولیدات داخلی (به شمول بخش‌های زراعت و صنایع دستی ارتباطات وسیعی با کشورهای همسایه و سایر

‡ Asian Development Funds. (2019). Afghanistan: Progress and Remaining Challenges, ADB's Access to Information Policy.

کشورها برقرار نمایند. با اینکه کشور افغانستان به آب های آزاد راه ندارند، ولی فرصت این را دارد که از موقعیت طبیعی و چهار راه بودن شان درست استفاده نمایند.

ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در کشورهای جهان متفاوت بوده (رضایی، ۱۳۹۱). هر قدر که کشورها بتوانند با کاهش چالش ها و توجه به فرصت های سرمایه گذاری دست یابند، به همان پیمانه ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری را فراهم ساخته است (میرزاخانی، ۱۳۹۱). فراهم سازی و توجه به ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در یک کشور به نفع رشد و توسعه اقتصادی، بهبود رفاه شهروندان، ایجاد اشتغال و افزایش تولیدات داخلی، انکشافات در عرصه های تحصیلات، صحت عامه، کاهش بیکاری و فقر شان استفاده نمودند (Harvey and et al, ۲۰۲۱). با مرور چالش ها و فرصت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در افغانستان، ظرفیت های سرمایه گذاری نیز به صورت محدود است (Saad and et al, 2025). چون وابسته به نوع نظام اقتصادی و توانایی مدیریت بخش های دولتی است تا بتوانند از سرمایه گذاری ها که تامین شده از منابع مختلف داخلی و خارجی است، به صورت درست و کارآمد آن بهره برداری گردند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۶). ظرفیت های سرمایه گذاری این کشور از بخش های زیرساخت ها و معادن تا به استفاده از تکنالوژی های روز را شامل می شود. اکثر فعالیت های اقتصادی و صنایع دستی در این کشور هنوز سنتی است. در کنار آن امور تحصیلی، صحتی و خدماتی آن نیز به شکل مدرن و پیشرفته آن به انجام نمی رسند (Burcu and et al, 2022). ظرفیت های سرمایه گذاری شامل معادن، استخراج و بهره برداری از آن ها؛ ظرفیت ها در امور زیرساخت های انرژی و منابع آن؛ توسعه زیرساخت ها و زیربنای امور تحصیلی و صحتی؛ و امور فناوری ها و تحقیقات و گسترش فعالیت های اقتصادی و تجاری در افغانستان وجود دارند (صفری و همکاران، ۱۳۹۹).

روش تحقیق

روش اجرای این تحقیق از نوع مروری-تحلیلی می باشد. زیرا با بررسی مطالعات قبلی در زمینه چالش ها، فرصت ها و ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در افغانستان می توان به این هدف

^۳ Ministry of Industry & Commerce, Your guide to investment in Afghanistan (Your investment destination at the heart of Asia), 2021, www.invest.af/info@invest.af

^۴ اداره حمایه سرمایه گذاری افغانستان، گزارش تحلیلی روند سرمایه گذاری در افغانستان: چالش ها و مشوق ها (۱۳۸۲-۱۳۹۲)، ریاست تحلیل و ارزیابی.

مسلك فهم محمد امين مدبر

دست یافت. ماهیت داده ها و اطلاعات این تحقیق تحلیلی است. روایی و پایایی اطلاعات در این تحقیق براساس محتوا و از نوع صوری مدنظر گرفته شده است.

جامعه آماری این تحقیق که مروری است، مطالعات مرتبط با چالش ها، فرصت ها و ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در افغانستان می باشد. همین مطالعات به صورت نمونه آماری این تحقیق نیز برگزیده شده است. روش جمع آوری اطلاعات تحقیق حاضر به صورت کتابخانه ای و مرور بر منابع مرتبط پیشین است، که حدود بیش از ۱۵ منبع مرتبط و بیش از چند منبع دیگر به صورت موضوعات عمومی و مرتبط تحت بررسی و مطالعه قرار گرفته است. زیرا چالش ها، فرصت ها و ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در سراسر کشورهای جهان متفاوت بوده است. به همین خاطر محققان درصدد هستند که بتوانند به محتوای مرتبط و نزدیک با مطالعات افغانستان در این زمینه دست یافته و نتایج یافته های آن را در اینجا گردآوری نمایند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این تحقیق به صورت جداگانه با استفاده از محاسبات از نرم افزار اکسل انجام گرفته است که ابتدا چالش های موجود در جهت سرمایه گذاری در افغانستان فهرست شده، در امر ثانی به فرصت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری پرداخته شده و در گام نهایی به ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری مربوط به افغانستان تمرکز صورت گرفته است. پس از شناسایی و بررسی این موارد، از یک طرف برای هریک از (چالش ها، فرصت ها و ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری) نظر به اشارات آن در منابع مورد مطالعه این تحقیق و از طرف دیگر نظر به وضعیت تاثیرگذاری این شاخص ها بر روی سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در افغانستان درصدی و معیار متناسب به آن درنظر گرفته شده است.

یافته های تحقیق

چالش ها و فرصت های سرمایه گذاری در میان کشورها متفاوت بوده و در عین حال به میزان بهره برداری از این منابع مالی نیز میان کشورهای جهان تفاوت های زیادی وجود داشته است. پلان ها و پالیسی های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری با توجه به شرایط کشورها وضع شده است که امروزه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه پالیسی های شان را درست مدیریت نموده و رفاه شهروندان را تامین کرده است.

در این تحقیق چالش ها، فرصت ها و ظرفیت های سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در افغانستان موشکافی و بررسی شده است. از یک طرف با توجه به میزان تکراری بودن شاخص ها و از جهت دیگر با ملاحظه رأی استادان و محققان این تحقیق، معیار این بررسی ها نیز براساس مطالعات و آثار پیشین و مرتبط با افغانستان سنجش گردیده و شاخص ها مرتبط آن تعمیم یافته است.

الف- چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری

سرمایه‌گذاری دارای چالش‌ها و محدودیت‌هایی می‌باشند که در میان کشورها متفاوت به چشم می‌خورند. با اینکه کشورها از نظر تامین منابع مالی و پولی‌شان نیز در جایگاه‌های مختلف و متفاوت از هم قرار دارند، نمی‌توان چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری را یکسان مدنظر گرفت (میرزاخانی، ۱۳۹۱).

در این تحقیق به بررسی چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در محدوده و جغرافیای افغانستان متمرکز شده و تلاش می‌شود که این چالش‌ها بررسی و شناسایی گردند.

چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری عبارت از عدم تجربه تامین منابع مالی با دریافت قرضه ها به زراعت پیشه‌گان و کارآفرینان؛ عدم زیرساخت‌های انرژی و برق برای شرکت‌های متوسط و بزرگ و تولیدکنندگان داخلی؛ و مسایل سیاسی در سطح شرکت‌های متوسط و داخلی در افغانستان می‌باشند (Burcu and et al, 2022). در کنار این مشکلات و چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان به مواد قانون و مقررات تامین سرمایه‌گذاری؛ ناآشنایی متخصصان مالی و پولی و سیستم‌های ضعیف زیرساخت‌های مالی؛ کمبود بکارگیری از تکنالوژی؛ و حمایت ناقص بخش‌های دولتی از سرمایه‌گذاران اشاره کرد (Saddique and Anwar, 2019).

بدین ترتیب چالش‌های دیگر سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری این کشور ضعف سیستم‌های اقتصادی، کاهش تولید ناخالص داخلی، مسایل سیاسی و افت خدمات رفاهی و تسهیلات سرمایه‌گذاری نیز قلمداد شده‌است (Abdullah and et al, ۲۰۲۳).

جدول ۱. یافته‌های چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان

شماره	متغیرها (چالش‌ها)	معیارهای کمی
۱	عدم زیرساخت‌های انرژی و برق	۱۷٪
۲	مواد قانون و مقررات تامین سرمایه‌گذاری	۱۱٪
۳	ضعف سیستم‌های اقتصادی	۱۳٪
۴	کاهش تولیدات ناخالص داخلی	۱۰٪
۵	ناآشنایی متخصصان مالی و پولی	۱۲٪
۶	سیستم‌های ضعیف زیرساخت‌های مالی	۸٪
۷	حمایت ناقص بخش‌های دولتی	۶٪

۸	کمبود بکارگیری از تکنالوژی	۱۴٪
۹	افت خدمات رفاهی و تسهیلات سرمایه‌گذاری	۹٪
	مجموع ارزشیابی متغیرها (چالش‌ها)	۱۰۰٪

چالش‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان عبارت از عدم تجربه تامین منابع مالی با دریافت قرضه‌ها به زراعت پیشه‌گان و کارآفرینان؛ عدم زیرساخت‌های انرژی و برق برای شرکت‌های متوسط و بزرگ و تولیدکنندگان داخلی در افغانستان می‌باشند. در کنار این مشکلات و چالش‌ها به مواد قانون و مقررات تامین سرمایه‌گذاری؛ ناآشنایی متخصصان مالی و پولی؛ سیستم‌های ضعیف زیرساخت‌های مالی؛ کمبود بکارگیری از تکنالوژی؛ و حمایت ناقص بخش‌های دولتی از سرمایه‌گذاران اشاره کرد. بدین ترتیب چالش‌های دیگر سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری این کشور وجود ضعف در سیستم‌های اقتصادی، کاهش تولید ناخالص داخلی، مسایل سیاسی در سطح شرکت‌های متوسط و داخلی و افت خدمات رفاهی و تسهیلات به سرمایه‌گذاران نیز قلمداد شده‌است.

یافته‌های این تحقیق در زمینه چالش‌ها با تحقیقات پیشین هم‌چون میرزاخانی (۱۳۹۱)؛ Burcu Abdullah and et al (2022)؛ Saddique, Akmal and Anwar, Shahzad (2019)؛ و (۲۰۲۳)؛ Mohammaddieh, (2019) هم‌خوانی دارند.

ب- فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری

از نظر اقتصاددانان سرمایه‌گذاری‌های کشورهای جهان و همین‌طور سرمایه‌پذیری این کشورها دارای فرصت‌هایی هستند که امروزه کشورها (به ویژه کشورهای پیشرفته) از این فرصت‌های به صورت بهینه استفاده نموده و توانسته است که شهروندان در آن کشور به رفاه زنده‌گی شان رسیده‌است (احمدزاده و ضرونی، ۱۳۹۶). از این لحاظ است که کشورها حین جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد آن و فراهم‌سازی فضای سرمایه‌پذیری مسیرهای متعددی را پیموده است. در این بین کشورها از همدیگر متفاوت به نظر می‌رسد (کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه نیافته) (Mohamadi, 2019).

با توجه به عمل‌کرد کشورها در جهت سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری، افغانستان کشوری است که در این زمینه فرصت‌ها و شرایط خاص خود را داشته و این فرصت‌های برای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری می‌توانند سبب رشد و توسعه اقتصادی، رفاه زنده‌گی و بهبود تولیدات ناخالص داخلی در این کشور گردند (صفری و همکاران، ۱۳۹۹). فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری این کشور

عبارت از: زیرساخت‌ها، انرژی، معادن، زراعت، تحصیلات و صحت عنوان شده است (Abdullah and et al, 2023).

یکی از مزیت‌های افغانستان قرار گرفتن موقعیت جغرافیایی آن در میان کشورهای آسیایی میانه به عنوان چهار راه عبور (شمال به جنوب، غرب به شرق، آسیای دور و کشورهای حوزه اروپایی و غرب) می‌باشد. این ویژگی افغانستان نشان‌دهنده رشد سریع اقتصادی و توسعه آن است (بیات و عسکری، ۱۳۹۴). براساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی افغانستان این فرصت را دارد که از طریق تولیدات داخلی ارتباطات گسترده و وسیع با کشورهای همجوار و همسایه و سایر کشورهای جهان برقرار نمایند (Shirzad and Nusrat, 2018). هرچند که این کشور به آب‌های آزاد راه ندارند، ولی این فرصت را دارد که از موقعیت شان درست استفاده نمایند.

جدول ۲. یافته‌های فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان

شماره	متغیرها (فرصت‌ها)	معیارهای کمی
۱	زیرساخت‌های انرژی	۲۰٪
۲	زیرساخت‌های و استخراج معادن	۲۵٪
۳	ایجاد زیرساخت‌های تحصیلات و صحت	۱۷٪
۴	موقعیت جغرافیایی افغانستان	۱۶٪
۵	توسعه تولیدات داخلی	۱۰٪
۶	گسترش ارتباطات با کشورها	۱۲٪
	مجموع معیارهای ارزیابی فرصت‌ها	۱۰۰٪

افغانستان کشوری است که در این زمینه فرصت‌ها و شرایط خاص خود را داشته و این فرصت‌ها می‌توانند سبب رشد و توسعه اقتصادی، رفاه زنده‌گی و بهبود تولیدات ناخالص داخلی در این کشور

°. Benchmarking FDI opportunities, Investment horizons: Afghanistan (A Study of Foreign Direct Investment Costs and Conditions in Four Industries), World Bank Group, www.ipanet.net/investmenthorizons_afghanistan

°. Ministry of Industry & Commerce, Your guide to investment in Afghanistan (Your investment destination at the heart of Asia), 2021, www.invest.af/info@invest.af

مسلک فهم محمد امین مدبر

گردند. فرصت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان شامل: زیرساخت‌های انرژی، معادن، زراعت، تحصیلات و صحت عامه؛ قرار گرفتن موقعیت جغرافیایی افغانستان در میان کشورهای آسیایی میانه؛ توسعه تولیدات داخلی؛ و فراهم سازی ارتباطات گسترده و وسیع با کشورهای همجوار و همسایه و سایر کشورهای جهان می‌باشند.

یافته‌های تحقیقات با یافته‌های این تحقیق در جهت فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری هم‌خوانی و مطابقت دارند، که این تحقیقات عبارت از: احمدزاده و ضرونی (۱۳۹۶)؛ Mohammaddieh (2019)؛ صفری و همکاران (۱۳۹۹)؛ Abdullah and et al (2023)؛ بیات و عسکری (۱۳۹۴)؛ و مدبر (۱۴۰۱) می‌باشند.

ج- ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری

ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در کشورها متعدد و متفاوت هستند. به هر میزان کشورها توانسته باشند با کاهش چالش‌ها و توجه به فرصت‌های سرمایه‌گذاری دست یابند (رضایی، ۱۳۹۱)، به همان پیمانه ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری را در خاک شان ایجاد کرده است (میرزاخانی، ۱۳۹۱). در عین حال این کشورها از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری به نفع رشد و توسعه اقتصادی، بهبود رفاه شهروندان، ایجاد اشتغال و افزایش تولیدات داخلی (سهم فعال تولیدات ناخالص داخلی در تامین بودجه ملی به شمول انکشافات در عرصه‌های تحصیلات، صحت عامه، کاهش بیکاری و فقر) شان بهره برده است (Harvey and et al, 2021).

با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان، ظرفیت‌ها هم‌چنان محدود باقی مانده است. زیرا بستگی به نوع نظام اقتصادی و توانایی مدیریت بخش‌های دولتی از نظام بازار دارد که چگونه بتوانند از سرمایه‌گذاری‌ها که از منابع داخلی و خارجی تامین می‌گردند، به صورت درست و کارآمد آن استفاده نمایند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۶).

ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری این کشور از بخش‌های زیرساخت‌ها و معادن تا به استفاده از تکنالوژی‌های روز را شامل می‌شود. اکثر فعالیت‌های اقتصادی و صنایع دستی در این کشور هنوز سنتی است. در کنار آن امور تحصیلی، صحتی و خدماتی آن نیز به شکل مدرن و پیشرفته آن به انجام نمی‌رسند. ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان محدود نبوده، بلکه در بسیاری از موارد می‌توان برشمرد. ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری شامل معادن، استخراج و بهره‌برداری از آن‌ها؛

۷. اداره حمایه سرمایه‌گذاری افغانستان، گزارش تحلیلی روند سرمایه‌گذاری در افغانستان: چالش‌ها و مشوق‌ها (۱۳۸۲-۱۳۹۲)، ریاست تحلیل و ارزیابی.

ظرفيت‌هاى سرمايه‌گذاري در امور زيرساخت‌هاى انرژي و تامين منابع حرارتي؛ ظرفيت‌هاى سرمايه‌گذاري در جهت توسعه زيرساخت‌ها و زيربناهاى امور تحصيلي و صحي؛ و ظرفيت‌هاى سرمايه‌گذاري و سرمايه‌پذيري در امور فناوري‌ها و تحقيقات و گسترش فعاليت‌هاى اقتصادي و تجاري در افغانستان وجود دارند (صفرى و همکاران، ۱۳۹۹)، که به عنوان فرصت‌هاى سرمايه‌گذاري و سرمايه‌پذيري در اين کشور قلمداد مى‌شوند. هم‌چنان نکته‌ي که بايد يادآوري شود؛ اينکه سرمايه‌گذاري‌ها و سرمايه‌پذيري داراي چالش‌هايي نيز مى‌باشند که افغانستان از آن استثنى ندارد.

جدول ۳. يافته‌هاى ظرفيت‌هاى سرمايه‌گذاري و سرمايه‌پذيري در افغانستان

شماره	متغيرها (ظرفيت‌ها)	معياريهاى كمى
۱	زيرساخت‌هاى معادن	۲۰٪
۲	استفاده از تكنالوژي‌هاى بروز	۱۳٪
۳	امور تحصيلي و صحي و خدماتي	۱۶٪
۴	زيرساخت‌هاى انرژي و حرارتي	۱۴٪
۵	فناوري‌ها و تحقيقات	۱۵٪
۶	گسترش فعاليت‌هاى اقتصادي و تجاري	۱۰٪
۷	تدوين قوانين و مقررات جذب سرمايه‌گذاري	۱۲٪
مجموع معيارهاى ظرفيت‌ها		۱۰۰٪

ظرفيت‌هاى سرمايه‌گذاري اين کشور عبارت از زيرساخت‌هاى معادن؛ استفاده از تكنالوژي‌هاى روز؛ در کنار آن توجه به امور تحصيلي، صحي و خدماتي؛ زيرساخت‌هاى انرژي و تامين منابع حرارتي؛ توجه به فناوري‌ها و تحقيقات و گسترش فعاليت‌هاى اقتصادي و تجاري؛ و تدوين قوانين و مقررات مطابق شرايط سرمايه‌گذاران جهت جذب سرمايه مى‌باشند.

نتايج اين تحقيق در راستاي ظرفيت‌هاى سرمايه‌گذاري و سرمايه‌پذيري با تحقيقات انجام شده پيشين رضايي (۱۳۹۱)؛ ميرزاخاني (۱۳۹۱)؛ Harvey and et al (2021)؛ عسکري و همکاران (۱۳۹۶)؛ مدبر (۱۴۰۱) و صفرى و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت و هم‌خواني دارند.

نتیجه گیری

در این تحقیق که به بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری تمرکز صورت گرفته است. با مرور بر منابع متعدد و مطالعات آثار قبلی و مرتبط به حوزه افغانستان در این زمینه هر یک چالش‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری مرور و بررسی شد.

بنابراین چالش‌های سرمایه‌گذاری عبارت از عدم تامین منابع کافی جهت سرمایه‌گذاری، عدم آشنایی و تجربه کافی با مسایل مالی و بکارگیری از فناوری‌های مالی و نبود سیستم‌های مالی مناسب، نبود زیرساخت‌های معادن، امور تحصیلی، صحنی و سایر خدمات رفاهی و موارد مشابه می‌باشد. برعلاوه سرمایه‌گذاری در این کشور شامل تامین سرمایه برای معادن، استخراج و استفاده از آن، ایجاد زیرساخت‌های تعلیمی و صحت عامه، بهره‌برداری از منابع، وسایل و امکانات بروز فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و خدمات-شهری و... دانست. با بررسی چالش‌های صورت گرفته، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این کشور عبارت از زیرساخت‌های معادن؛ استفاده از تکنالوژی‌های روز؛ توجه به امور تحصیلی، صحنی و خدماتی؛ زیرساخت‌های انرژی و تامین منابع حرارتی؛ توجه به فناوری‌ها و تحقیقات؛ گسترش فعالیت‌های اقتصادی و تجاری؛ و تدوین قوانین و مقررات مطابق شرایط سرمایه‌گذاران جهت جذب سرمایه می‌باشند. همین طور ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری عبارت از معادن، منابع طبیعی، زیرساخت‌های تحصیلی و صحنی، ایجاد کارخانه‌جات تولیدی و صنعتی، فراهم سازی زمینه اشتغال و مراودات اقتصادی، تجاری با دنیای خارج از اهم موضوعات هستند که از یک طرف می‌تواند عدم توجه بر آن‌ها به عنوان چالش‌ها و تنگناهای برای بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری قلمداد شوند و از سوی هم توجه همه جانبه دولت و بخش خصوصی به این شش مورد به عنوان ظرفیت‌های خوبی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری در افغانستان ارزیابی شده است.

منابع

- احمدزاده، خالد و ضرونی، زهرا. (۱۳۹۶). تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه بازارهای مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، *اولین همایش بین‌المللی برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه ای؛ رویکردها و کاربردها*، ۱-۱۴. <https://ecor.modares.as.ir>
- اسماعیلپور، حسن. (۱۳۹۹). *مدیریت بازاریابی بین‌المللی*. تهران: نگاه دانش.
- بیات، روح‌الله و عسکری، محمدامین. (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افغانستان، *فصلنامه سیاسی جهان اسلام (علمی-پژوهشی)*، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۱۱-۱۳۳. <https://psiw.journals.ikiu.ac.ir>
- رضایی، حسن. (۱۳۹۱). رقابت جهانی برای سرمایه‌گذاری خارجی، *مجله سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۸۸. <https://ecor.modares.as.ir>
- صابریان، فاطمه و ابراهیمی، مهدی. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت بندی شاخص‌های ارزیابی جذابیت نسبی بازارهای صادراتی مورد مطالعه: بازار صادراتی روسیه، *بررسی‌های بازرگانی* شماره ۱۰۰، ۴۶-۶۲. <https://barresybazargani.itsr.ir>
- صفری، رضا؛ غلامی، کریمه و توسلی، کبرا. (۱۳۹۹). شناسایی و بررسی عوامل تاثیرگذار بر صنعت سنگ افغانستان (مطالعه موردی: سکتور سنگ مرمر)، *فصلنامه کاتب، علمی-پژوهشی*، سال ۷، شماره ۱۶ و ۱۷، ۱۶۹-۱۸۷. <https://research.kateb.edu.af>
- عسکری، محمدامین؛ الوندی، محسن و بیات، روح‌الله. (۱۳۹۶). عوامل موثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (با تاکید بر افغانستان)، *فصلنامه کاتب، علمی و پژوهشی*، سال ۴، شماره ۵، ۱۲۱-۱۳۹. <https://research.kateb.edu.af>
- علیشیری، بهروز و شمس عراقی، شراکیم. (۱۳۹۲). تامین منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی: مبانی، الزامات، اقدامات و دستاوردها، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی-ویژه نامه کارنامه اقتصادی دولت، سال یکم*، شماره ۲، ۴۳-۸۴. <https://qjefp.ir>
- فرمان آرا، وحید؛ کمیجانی، اکبر؛ فرزین‌وش، اسداله و غفاری، فرهاد. (۱۳۹۸). نقش بازار سرمایه در تامین مالی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران و منتخبی از کشورهای در حال توسعه)، *فصلنامه اقتصاد مالی، سال سیزدهم*، شماره ۴۷، ۱۹-۳۷. <https://sid.ir>
- مدبر، محمد امین. (۱۴۰۱). اقتصاد بازار و نقش آن در توسعه سرمایه‌گذاری، *موسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان*، ۲۰۸-۲۱۳. <https://tveta.gov.af>

ميرزاخانی، حسن. (۱۳۹۱). الزامات سرمایه‌گذاری خارجی در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، *مجله اقتصادی-دوفصلنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی*، شماره های ۷

و ۸، ۹۳-۱۱۲. <https://www.noormags.ir>

نیکجو، عبدالجلیل. (۱۳۹۶). سیاست های عمومی اقتصادی، چاپ دوم، کابل، انتشارات سعید.

Burcu, Guvenek; Zeynep Karacor, and Abdul Qahar Khatir. (2022). Challenges and opportunities for investment in Afghanistan during the coalition forces support for the government. *12th International Scientific Conference Business and Management*, ۴۲۹-۴۲۲. <https://scite.ai>

Abdullah; Amin, Kashif and Azim, Ahsan. (2023). Exploring opportunities and challenges for international investment in Afghanistan's economic development and business environment. *Journal of Positive school psychology* vol. 7, No. 5, 1016-1042. <https://journalpow.com>

Harvey, Rachel; Bolton, Patrick; Samama, Fredric; Samson, Wilse and An, Li. (2021). Global public goods and investment obstacles: A survey of the long term institutional perceptions. *Wealth Funds Research Initiative and the Committee on Global*, 1-25. <https://papers.ssrn.com>

Lutkenhorst, Wilfried. (1988). Challenges from new Trades in Foreign Direct Investment, Export Processing Zones, 1-9. <https://www.econstir.eu>

Mohamadieh, K. (2019). Challenges of Investment Treaties on Policy Areas of Concern to development countries. *Investment policy brief*, No. 17, 1-11. <https://g24.org>

Saad, Ehsanullah; Labib, Ismail and Mubariz, Hamidullah. (2025). Analyzing the Relationship Between Inflation and Unemployment in Afghanistan (2003-2011), *Journal of Social Sciences & Humanities: Kabul University*, 47-57. <https://jssh.edu.af>

Saddique, Akmal and Anwar, Shahzad. (2019). Challenges and prospects of establishing stock exchange market in Afghanistan. *Kardan Journal of Economics and Management Sciences*, 2(1), 74-87. <https://kardan.edu.af>

Sapir, Elena and Karachev, Igor. Andreevich. (2020). Challenges of a new investment policy: Investment promotion and protection. *Finance Theory and Practice*, 118-131. <https://www.researchgate.net>

Shirzad, Fazarabi and Nusrat, Rabia. (2018). Investment in infrastructure and employment in Afghanistan, Review of past and present investment plans, 1-43. <https://www.international-alert.org>

اداره حمایه سرمایه‌گذاری افغانستان، گزارش تحلیلی روند سرمایه‌گذاری در افغانستان: چالش‌ها و مشوق‌ها (۱۳۸۲-۱۳۹۲)، ریاست تحلیل و ارزیابی.

Asian Development Fund. (2019). Afghanistan: Progress and Remaining Challenges, ADB's Access to Information Policy.

Benchmarking FDI opportunities, Investment horizons: Afghanistan (A Study of Foreign Direct Investment Costs and Conditions in Four Industries), World Bank Group, www.ipanet.net/investmenthorizons_afghanistan

United Nations (Economic and Social Council for Asia and the Pacific), Growing challenges for trade and investment, 2019.

Ministry of Industry & Commerce, Your guide to investment in Afghanistan (Your investment destination at the heart of Asia), 2021, www.invest.af/info@invest.af

مراحل توسعه و شیوه‌های تأمین مالی انرژی‌های تجدیدپذیر در افغانستان

داکتر اسد الله رادمند^۱، مقتصد محمد حارث زرمتمی^۲

۱. دکترای حقوق خصوصی، استاد پوهنتون ابن سینا و دعوت و متخصص ارشد حقوقی وزارت آب و انرژی

۲. محصل ماستری MBA، محاسب مسلکی (ACCA) و رئیس حقوقی مارکیت برق، وزارت آب و انرژی

* نویسنده مسئول - ایمیل: dr.radmand@ansari.edu.af

چکیده

مراحل توسعه و شیوه‌های تأمین مالی انرژی‌های تجدیدپذیر در افغانستان یک موضوع کاملاً جدید بوده؛ ولی در کشورهای دیگر به‌ویژه غربی به بحث و بررسی گرفته شده است. هدف از این مقاله بررسی مراحل توسعه و شیوه‌های مختلف تأمین مالی از طریق روابط میان ذی‌نفعان، به همراه تحلیل مطالعه موردی عملیاتی بوده که از میان آنها روش/روش‌های مناسب برای انرژی تجدیدپذیر در افغانستان شناسایی تا در تأمین منابع مالی به‌کار گرفته شود. در این راستا، انواع شیوه‌های تأمین مالی و پالیسی‌های حمایتی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر بررسی شده تا در نهایت یک مدل نموداری تصمیم‌گیری که بر اساس مطالعات انجام شده، ارائه شود. این تحقیق با مطالعه موردی و با تحلیل تطبیقی صورت گرفته است که در آن تمرکز بر شناسایی، مقایسه و تحلیل مدل‌های موجود در جهان انجام شده و بر اساس اطلاعات معتبر کتابخانه‌ای و روش تحلیلی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و توسعه‌دهندگان پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر می‌توانند با بهره‌گیری از استراتژی‌های بهینه تأمین مالی، مسیر روشنی برای جذب سرمایه و توسعه این پروژه‌ها ترسیم کنند. با ورود پروژه به مرحله پختگی تخنیک و توسعه عملیاتی، امکان جذب سرمایه از طریق سرمایه‌گذاران خصوصی، وام‌های بانکی و مدل‌های تأمین مالی ترکیبی فراهم می‌شود. در مرحله تجاری‌سازی و مقیاس‌پذیری روش‌هایی دیگری از جمله اوراق قرضه سبز، تأمین مالی جمعی و سوبسایدی به‌عنوان ابزارهای اصلی تأمین مالی مطرح می‌شوند. این مدل می‌تواند در افغانستان نیز به‌عنوان یک الگو برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر مورد استفاده قرار گیرد. نتیجه‌گیری این تحقیق نشان می‌دهد که در تأمین مالی از روش‌های قرضه، وام، اوراق بهادار با پشتوانه دارایی، انتشار اوراق قرضه، توزیع سهام، کمک‌های بلاعوض، سوبسایدی و سرمایه‌گذاری انجام شده است که در افغانستان صرفاً از طریق سرمایه‌گذاری و کمک‌های بلاعوض انجام شده است. همین‌طور پالیسی‌های حمایت‌کننده از انرژی‌های تجدیدپذیر در افغانستان وجود ندارد. در این تحقیق برای وزارت آب و انرژی پیشنهاد می‌گردد که مقررات حمایتی را به‌منظور کاهش کاربن‌دای اکساید و مبارزه با آلودگی هوا و پالیسی‌های حمایتی را در راستای افزایش انرژی‌های تجدیدپذیر در نظر بگیرد.

واژه‌های کلیدی: انرژی تجدیدپذیر، تأمین مالی، تعرفه تغذیه‌ای، پالیسی‌های حمایتی، ذینفعان، مراحل توسعه.

Development Stages and Financing Mechanisms of Renewable Energy in Afghanistan

Dr. Asadullah Radmand¹ *, Economist Mohammad Haris Zurmaty²

1. PhD in Private Law, University Professor, and Senior Legal Expert at the Ministry of Energy and Water

2. MBA Graduate, Chartered Accountant (ACCA), and Legal Affairs of the Electricity Market, Ministry of Energy and Water

* Corresponding Author Email: dr.radmand@ansari.edu.af

Abstract

The development stages and financing mechanisms of renewable energy in Afghanistan represent an entirely new subject; however, in other countries, particularly in the West, this issue has already been widely discussed and examined. The purpose of this article is to investigate the stages of development and various financing methods through the relationships among stakeholders, accompanied by the analysis of a practical case study, in order to identify the most suitable method(s) for renewable energy in Afghanistan that may be applied in securing financial resources. In this context, different financing mechanisms and supportive policies in the field of renewable energy are examined, ultimately leading to the presentation of a decision-making model diagram based on the conducted studies. This research has been conducted through a case study and comparative analysis, focusing on the identification, comparison, and evaluation of existing models worldwide, and has been carried out on the basis of reliable library sources and an analytical method. The findings of the study indicate that policymakers, investors, and renewable energy project developers can, by adopting optimal financing strategies, chart a clear path for attracting investment and advancing such projects. As projects reach technical maturity and move into the stage of operational development, opportunities arise for securing capital through private investors, bank loans, and hybrid financing models. At the stage of commercialization and scalability, other mechanisms such as green bonds, crowdfunding, and subsidies emerge as key instruments of financing. This model can likewise serve as a framework for financing renewable energy projects in Afghanistan. The conclusion of this study demonstrates that financing in the renewable energy sector has been carried out through loans, debt instruments, asset-backed securities, bond issuance, equity distribution, grants, subsidies, and direct investment. However, in Afghanistan, financing has thus far been limited exclusively to investment and grants. Furthermore, there are no supportive policies in place for renewable energy in Afghanistan. This research therefore recommends that the Ministry of Energy and Water adopt regulatory and policy measures that both promote renewable energy expansion and address environmental concerns, including carbon dioxide reduction and air pollution mitigation.

Keywords: Renewable energy, supportive policies, financing, feed-in tariff, stakeholders, development stages.

مقدمه

تأمین مالی انرژی‌های تجدیدپذیر در مراحل مختلفی انجام می‌شود که شامل مرحله طراحی، پختگی، تخنیک، آزمایش، و مرحله عملیاتی^۱ و اجرایی است. به همین دلیل، نمی‌توان برای اجرای چنین پروژه‌هایی از یک روش تأمین مالی واحد استفاده کرد، بلکه باید از ابزارهای مالی متنوع بهره برد. از آنجاکه تأمین مالی این پروژه‌ها مراحل مختلفی را در بر می‌گیرد، برخی کشورها برای تجاری‌سازی فناوری‌های نوظهور، سیاست‌های حمایتی ویژه‌ای اتخاذ می‌کنند. این سیاست‌ها از یک سو وابستگی به فناوری‌های خارجی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، به آن‌ها کمک می‌کند تا از تولید انرژی سنتی مبتنی بر سوخت‌های فوسیلی عبور کرده و به سمت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر حرکت کنند.

مسئله‌ی قابل طرح این است که تولید انرژی برق نیازمند سرمایه‌ی کلانی است که تأمین آن توسط یک سرمایه‌گذار به تنهایی ممکن نیست. بنابراین برای اجرای موفقیت‌آمیز چنین پروژه‌هایی، باید از ابزارها و روش‌های مناسبی بهره برد تا هم اجرای پروژه‌ها تضمین شود و هم سرمایه‌گذاران بتوانند به راحتی در این حوزه مشارکت کنند. مهم‌ترین نگرانی سرمایه‌گذاران، تأمین مالی این پروژه‌ها و انتخاب شیوه‌ی مناسب برای جذب سرمایه است. حال سوال این است که چه روش‌های برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر کارآمد وجود دارد و از چه مدلی روش‌های تأمین مالی می‌توان در افغانستان جهت توسعه انرژی تجدیدپذیر بهره گرفت و دولت چه پالیسی‌های حمایتی برای انرژی‌های تجدیدپذیر دارند.

افزایش تقاضا برای انرژی‌های پاک و کاهش وابستگی به سوخت‌های فوسیلی از اهمیت بالایی برخوردار است. استفاده گسترده از سوخت‌های فوسیلی منجر به افزایش آلودگی هوا و گازهای گلخانه‌ای شده که از یک سو حیات بشر را تهدید می‌کند و از سوی دیگر، موجب گرم شدن زمین و تغییرات اقلیمی می‌شود. عبور از این وضعیت تنها با کاهش مصرف سوخت‌های فوسیلی و گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر امکان‌پذیر است. انرژی‌های تجدیدپذیر که به عنوان انرژی پاک نیز شناخته می‌شوند، نه تنها آلودگی هوا را کاهش می‌دهند و در مقابله با تغییرات اقلیمی نقش مؤثری دارند، بلکه زمینه دستیابی به انرژی پایدار را برای جوامع فراهم می‌سازند.

^۱. پختگی تخنیک یا بلوغ تخنیک (Technical Maturity) از مفاهیم نوظهور است که به میزان پیشرفت، توسعه و آماده‌سازی یک تکنولوژی برای استفاده عملی اشاره دارد و عموماً در بخش صنایع استفاده می‌گردد.

شرکت‌هایی که در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر فعالیت می‌کنند، نسبت به دولت آشنایی بیشتری با بازارهای مالی دارند و به‌طور منظم از منابع تأمین مالی بهره می‌گیرند. اما استارت‌آپ‌ها معمولاً توسط مخترعانی تأسیس می‌شوند که دانش و تجربه کافی در حوزه مالی ندارند. در افغانستان، اجرای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر شرایطی مشابه استارت‌آپ‌ها دارد؛ زیرا این حوزه، به‌ویژه در شرایط کنونی، یک موضوع نو و جدید محسوب می‌شود. با این حال، آنچه می‌تواند به سرمایه‌گذاران این بخش کمک کند، بهره‌گیری از مدل‌های موفق خارجی و استفاده از تجربیات آن‌ها است. سرمایه‌گذاران حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توانند از یافته‌های این تحقیق استفاده کنند تا از میان طیف گسترده‌ای از روش‌های تأمین مالی معرفی شده، مناسب‌ترین گزینه را برای توسعه فعالیت‌های خود انتخاب نمایند.

در این تحقیق، هشت مطالعه موردی عملیاتی مورد بررسی قرار گرفته است که بر اساس یک پژوهش جامع از منابع علمی انجام شده است. بر اساس این مطالعات، یک مدل نموداری طراحی شده که مسائل کلیدی و روابط متقابل آن‌ها را برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مشخص می‌کند. سرمایه‌گذاران پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، به‌ویژه استارت‌آپ‌های نوظهور، می‌توانند از این مدل به‌عنوان یک نقشه راه برای تأمین مالی مناسب جهت اجرای پروژه‌های مختلف در این حوزه بهره ببرند.

این تحقیق با هدف شناسایی روش‌های مناسب تأمین مالی برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در مراحل مختلف، از دیدگاه توسعه‌دهندگان این حوزه طراحی شده است تا به تصمیم‌گیری‌های مرتبط با تأمین مالی شرکت‌هایی که در افغانستان در این بخش فعالیت می‌کنند، کمک کند. افغانستان یکی از کشورهایی است که با محدودیت‌های جدی در تأمین مالی مواجه است. از آنجاکه دولت توانایی انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان در این بخش را ندارد، انتظار می‌رود که شرکت‌های مختلف وارد این حوزه شده و سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام دهند.

^۲ . واژه Startup به کسب‌وکارهای نوپایی اطلاق می‌شود که معمولاً بر پایه یک ایده نوآورانه و با هدف رشد سریع و توسعه در بازار ایجاد می‌شوند. این نوع کسب و کارها معمولاً از منابع محدودی آغاز می‌کنند و تلاش می‌کنند با استفاده از تکنولوژی، بهبودهای جدید یا فرآیندهای خلاقانه، نیازهای بازار را شناسایی و برآورده کنند.

مروری بر ادبیات تحقیق

در رابطه به تأمین مالی انرژی‌های تجدیدپذیر تحقیقات متعددی انجام شده است. Santosh (۲۰۱۹) کتابی را تحت عنوان «تأمین مالی انرژی تجدیدپذیر: تئوری و عمل» در سال ۲۰۱۹ نوشته است. این کتاب به بررسی مبانی اقتصادی، چالش‌ها و ریسک‌های تأمین مالی و همین‌طور تجارب موفق برخی از کشورها در این زمینه پرداخته است (Santosh: 2019, p.33)؛ در حالیکه ایشان به مدل‌های انجام شده نپرداخته است. همین‌طور Hernan و Luis (۲۰۱۱) کتابی را تحت عنوان «تحلیل اقتصادی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر» نوشته است. آنها به تحلیل اقتصادی و ابزارهای تأمین مالی موجود برای این پروژه‌ها می‌پردازد که در آن نحوه تأمین مالی پروژه‌ها از طریق سرمایه‌گذاری خصوصی و تأمین مالی دولتی پرداخته شده است (Hernan: 2011, p.41)؛ آنچه مورد بحث ایشان نبوده مدل‌ها و وام-های بانکی است. مقاله توسط Eric (۲۰۱۰) تحت عنوان «تأمین مالی انرژی تجدیدپذیر: چه کسانی تأمین مالی کرده و چه ریسک‌های دارند» نوشته است که در این مقاله به بررسی چگونگی تأمین مالی در سطح جهانی و شناسایی منابع مختلف تأمین مالی و ریسک‌های مرتبط به آن پرداخته است (Eric: 2010, p. 98). اما این تحقیق به روش‌های تأمین مالی و ارائه کدام مدل مشخص نپرداخته است.

ساختارهای تأمین مالی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر به عوامل مختلفی مانند میزان دسترسی به منابع طبیعی، پختگی تکنیکی (در نتیجه مرحله توسعه)، قابلیت مالی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر، و همچنین حمایت‌های دولتی و تنظیم خدمات انرژی و قوانین حاکم بستگی دارد. اجرای پروژه شرایط خاص خود را می‌طلبد و تأمین مالی آن هم متفاوت می‌باشد؛ به‌عنوان نمونه برای توسعه پروژه‌های برق آبی، تأمین مالی پیش از سرمایه‌گذاری ضروری است؛ زیرا این نوع پروژه‌ها شامل تملک زمین و تأثیرات آن بر جوامع پایین‌دست می‌شوند. به همین علت جابجایی ساکنان توسط سرمایه‌گذاران پروژه الزامی است که این موضوع باید قبل از آغاز پروژه اجرا گردد (Hussain: 2013). از همین روی است که دسترسی پایدار به منابع کافی و مقرون‌به‌صرفه یک ریسک کلیدی محسوب می‌گردد (Hussain: 2013). اجرای پروژه‌های خورشیدی نیازمند سوبسایدی‌ها و سرمایه‌گذاری قابل توجهی است که پرداخت‌های اولیه را پوشش دهند و همین‌طور شامل مشوق‌های مالیاتی و معافیت-های تعرفه‌های گمرکی می‌گردد که وابستگی کمتری به دریافت قرضه دارند (Kalamova: 2011). ولی اجرای پروژه‌های مزارع بادی عمدتاً از طریق قرضه تأمین مالی می‌شوند، زیرا هزینه‌های خدمات

قرضه در مقایسه با پرداخت سود سهام کمتر است (Harper: 2007, p. 21). این نوع تفکیک کلی به بدهی، سهام و ابزارهای سیاست‌گذاری به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

شیوه‌های تأمین مالی برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر

به‌طور کلی، سه شیوه تأمین مالی برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر وجود دارد: قرضه، سهام و سوبسایدی‌های دولتی. قرضه به منابع مالی‌ای اطلاق می‌شود که از طریق دریافت وام از بانک‌ها یا انتشار اوراق قرضه در بازار سرمایه تأمین می‌گردد. با این حال، متأسفانه مدل انتشار اوراق قرضه در افغانستان چندان رایج نیست و بانک‌ها نیز به ندرت از این شیوه استفاده می‌کنند.

از آنجایی که قرضه یک منابع تأمین مالی برای پوشش هزینه‌های اولیه و جاری پروژه‌ها در بسیاری از کشورها به‌شمار می‌رود، میزان وابستگی به این شیوه تأمین مالی، به هزینه‌های نسبی آن و نیز مدت زمان بازپرداخت بستگی دارد (Hussain: 2013). **تأمین مالی امتیازی** نوعی از روش‌های تأمین مالی است که در آن وام با نرخ بهره‌ای پایین‌تر از نرخ بازار و با دوره بازپرداخت طولانی‌تری ارائه می‌شود. این نوع تأمین مالی ممکن است به‌صورت مستقیم از طریق بانک‌های دولتی یا به‌صورت غیرمستقیم از طریق سوبسایدی که به بانک‌های تجاری و خصوصی اختصاص می‌یابد، تأمین گردد (Hussain: 2013).

آنچه دریافت این نوع وام‌ها را دشوار می‌سازد، نیاز به تضمین وام یا تضمین اعتبار آن است؛ تضمینی که باید نزد بانک‌ها سپرده شود. در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، این تضمین‌ها به‌عنوان ابزارهای تقویت‌کننده اعتبار به‌کار می‌روند و معمولاً توسط نهادهای دولتی یا مؤسسات مالی توسعه‌ای (DFIs) ارائه می‌گردند (Hussain: 2013). متأسفانه، چنین مؤسساتی در افغانستان وجود ندارند و این مسئله به‌عنوان یک خلأ مالی قابل‌توجه محسوب می‌شود. در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر، مؤسسات مالی توسعه‌ای با ارائه تضمین وام و تأمین نقدینگی با نرخ‌های امتیازی، شرایط را برای سرمایه‌گذاران تسهیل می‌کنند (Kalamova: 2011).

تضمین وام توسط مؤسسات مالی به سرمایه‌گذاران در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، امکان دریافت هم‌زمان وام‌های تجاری و امتیازی را فراهم می‌کند که در کاهش هزینه‌های کلی پروژه مؤثر است. در این میان، تأمین مالی از طریق اوراق قرضه می‌تواند گزینه‌ای مقرون‌به‌صرفه‌تر نسبت به وام‌های تجاری باشد و امکان تأمین مالی مجدد بخشی از هزینه‌های اولیه پروژه را نیز فراهم کند (Waughray: 2012). برای مثال، بانک همکاری‌های بین‌المللی جاپان (JBIC) ضمانت وام‌هایی را

برای پروژه‌های تجدیدپذیر در آسیا و آمریکای جنوبی ارائه کرده است. همچنین، در بسیاری از کشورها، اوراق قرضه پروژه با تکیه بر جریان نقدی حاصل از خود پروژه بازپرداخت می‌شوند. اما در افغانستان، به دلیل ضعف اعتبار پروژه‌ها، این روش رایج نیست (OECD: 2015). از دیگر ابزارهای نوین تأمین مالی، اوراق قرضه سبز است که توسط نهادهای مختلف برای تأمین مالی دارایی‌های مرتبط با اقتصاد کم‌کارب و مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی منتشر می‌شود. برای نمونه، بانک سرمایه‌گذاری اروپا (EIB) از این ابزار در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی استفاده می‌کند (Griffith-Jones: 2012). تا ماه جون ۲۰۲۴، ارزش کل اوراق قرضه مرتبط با اقلیم سبز به حدود ۳ تریلیون دلار آمریکا رسیده که نشان‌دهنده رشد چشمگیر و تعهد روزافزون دولت‌ها و شرکت‌ها به تأمین مالی پروژه‌های پایدار زیست‌محیطی است. این روند حاکی از گسترش چشمگیر این بازار در سال‌های آینده است (Szabó: 2010).

یکی از روش‌های تأمین مالی، اوراق بهادار با پشتوانه دارایی (Asset-Backed Securities) است که با استفاده از دارایی‌هایی مانند وام‌ها و حساب‌های دریافتی منتشر می‌شوند. در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، این اوراق اغلب توسط جریان‌های نقدی حاصل از بهره‌برداری پروژه پشتیبانی می‌شوند، زیرا پس از راه‌اندازی، درآمد این پروژه‌ها از هزینه‌های جاری کمتر است و جریان نقدی آن‌ها به عنوان پشتوانه دارایی برای تأمین مالی مجدد استفاده می‌شود.

در بسیاری از کشورها، صنایع به صورت هماهنگ عمل می‌کنند؛ یکی از نمونه‌های مهم آن، نقش صنعت بیمه در حمایت از پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر است. در این کشورها، بیمه‌گران تنها در صورتی خدمات بیمه‌ای برای تجهیزات، کارکنان و حمل‌ونقل ارائه می‌دهند که شرکت‌ها از منابع پاک استفاده کنند. در مقابل، شرکت‌هایی که همچنان از سوخت‌های فوسیلی یا منابع مخرب محیط‌زیست استفاده می‌کنند، از دریافت بیمه محروم می‌مانند. این رویکرد، شرکت‌ها را به تغییر استراتژی و حرکت به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر وادار می‌سازد. در افغانستان، با وجود فعالیت صنعت بیمه، این ابزار هنوز به عنوان سازوکاری حمایتی برای پروژه‌های تجدیدپذیر به کار گرفته نشده و شرکت‌های استفاده‌کننده از سوخت‌های فوسیلی نیز ملزم به تغییر رویکرد نشده‌اند.

یکی دیگر از ابزارهای مؤثر در کاهش وابستگی به سوخت‌های فوسیلی، برچسب سبز و گواهینامه‌های مرتبط با آن است. در بسیاری از کشورها، این برچسب به عنوان معیار پایداری محیط‌زیستی برای شرکت‌ها اهمیت بالایی دارد و در تأمین مالی نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند؛ از جمله

داکتر اسد الله رادمند

در انتشار اوراق قرضه سبز. در افغانستان این مفهوم هنوز جایگاهی نیافته و نه تنها برای شرکت‌ها ناشناخته مانده، بلکه دولت نیز سیاست مشخصی در این زمینه ندارد. البته، گسترش این گواهینامه‌ها در سطح جهانی نگرانی‌هایی را در خصوص سبزشویی برای سرمایه‌گذاران ایجاد کرده است (Hong Kong Green Building Council: 2018).

یکی دیگر از روش‌های تأمین مالی، توزیع سهام است که از طریق سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند سرمایه‌گذاری جسورانه، صندوق‌های سهام خصوصی و بازار سرمایه عمومی انجام می‌شود. سرمایه‌گذاران جسورانه معمولاً در مراحل اولیه با ریسک بالا سرمایه‌گذاری می‌کنند و در عوض، انتظار بازدهی بالایی دارند. در مقابل، سرمایه‌گذاران سهام خصوصی بیشتر بر پروژه‌های بالغ تمرکز کرده و با هدف خروج از سرمایه‌گذاری طی ۳ تا ۵ سال، به دنبال کسب سود هستند (Justice: 2009). یکی دیگر از روش‌های تأمین مالی، کمک‌های بلاعوض و سوبسایدی‌ها است که معمولاً توسط دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای عمومی به پروژه‌های کم‌خطر ارائه می‌شود. این کمک‌ها معمولاً برای کاهش هزینه‌های پروژه‌های فناوری انرژی تجدیدپذیر و افزایش رقابت‌پذیری آن‌ها هستند. افغانستان از این مدل برای پروژه‌هایی مانند شرکت زولرستان و برق بدخشان استفاده می‌کرد، اخیراً، حمایت از این نوع پروژه‌ها کاهش یافته و تنها در موارد خاص، مانند تأمین مالی شفاخانه دولتی خوست توسط UNDP در سال ۱۴۰۳، انجام شد.

به نظر می‌رسد بین پروژه‌های بزرگ و کوچک انرژی تجدیدپذیر از نظر تأمین مالی تفکیک قائل شد. پروژه‌های بزرگ‌تر به تأمین مالی بلندمدت نیاز دارند چون سرمایه‌گذاری بیشتری می‌طلبند و بازدهی بالاتری دارند، در حالی که پروژه‌های کوچک‌تر از طریق سرمایه‌گذاری شرکتی قابل اجرا هستند. در این بین، میان شرکت‌هایی که وام دریافت کرده و بازپرداخت را از جریان نقدی پروژه انجام می‌دهند، و شرکت‌هایی که به سرمایه خود تکیه دارند، تفاوت وجود دارد. مؤسسات مالی معمولاً در اعطای وام، قطعات پرداخت را بر اساس اعتبار کلی و ریسک شرکت قرض‌گیرنده تعیین می‌کنند (Sonntag-O'Brien: 2006).

در مورد شرکت‌های بزرگ مانند شرکت‌های خدمات عمومی و چندملیتی‌ها که در بازار انرژی تجدیدپذیر فعالیت دارند، این شرکت‌ها می‌توانند با انتشار اوراق قرضه و سهام جدید، ترازنامه خود را گسترش داده و تأمین مالی بلندمدت برای فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر را فراهم کنند. به عنوان مثال، شرکت‌هایی مانند گوگل و فیس‌بوک با قراردادهای بلندمدت و قیمت‌های ثابت در این حوزه

فعال هستند. این رویکرد ریسک‌های حجم و قیمت را از تأمین مالی حذف کرده و تنها ریسک ناپایداری انرژی تجدیدپذیر باقی می‌ماند. این ریسک با پیشرفت‌های تکنولوژیکی در ذخیره‌سازی انرژی کاهش می‌یابد، به‌طوری‌که آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر پیش‌بینی می‌کند هزینه‌های ذخیره‌سازی بین ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ تا ۶۴ درصد کاهش یابد (IRENA: 2017).

در افغانستان شرکت‌های بزرگ برق مانند برشنا برخلاف شرکت‌های خارجی از این مدل استفاده نکرده، بلکه بجای آن با شرکت‌های دیگر در قالب جوینت‌وینچر وارد قراردادهای بزرگ ۲۰ ساله شده است که تأمین مالی آن را با هزینه دولتی انجام می‌دهد. قرارداد شرکت برشنا با شرکت زولرستان و ۷۷ در سال ۱۴۰۳ یکی از نمونه‌های آن است که شرکت برشنا با سهامدار شدن و پرداخت ۵ میلیون دالر با شرکت‌های دیگر در قالب قرارداد B.O.T قرار است برقی را به میزان ۲۲,۷۵ مگاوات در ولسوالی سروبی ولایت کابل احداث نمایند. از مباحث فوق چنین استنباط می‌گردد که برای اجرای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر شیوه‌های مختلف تأمین مالی وجود دارد که هر کدام بستر خاص خودش را می‌طلبد.

پختگی تکنیکی و مراحل توسعه فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر

هزینه‌های فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر و صرفه‌جویی در مقیاس سیستم‌ها به منابع طبیعی هر کشور بستگی دارد (GIZ: 2011). به‌عنوان مثال، فناوری‌های زمین‌گرمایی و بادی صنعتی توسعه‌یافته‌تر از خورشیدی حرارتی و فتوولتائیک هستند (Waghay: 2012). فتوولتائیک به موقعیت خورشید وابسته است، در حالی که خورشیدی حرارتی حتی بعد از غروب خورشید نیز برق تولید می‌کند. اما هزینه نیروگاه‌های خورشیدی حرارتی به دلیل پیچیدگی سیستم‌ها بیشتر است. همچنین، نصب و نگهداری توربین‌های بادی دریایی به دلیل شرایط نصب در دریا هزینه بالاتری نسبت به سیستم‌های بادی زمینی دارد.

هزینه‌های نیروگاه‌های بایومس به نوع نصب و سوخت بایومس، مانند زباله‌های زراعی، خانگی یا صنعتی بستگی دارد. همچنین، برای پروژه‌های آبی، تأمین مالی پیش از سرمایه‌گذاری ضروری

^۳. برگرفته شده از قرارداد جوینت وینچر شرکت برشنا به همراه شرکت زولرستان و ۷۷

^۴. تأسیساتی اند که از بایومس (Biomass) به حیث منبع انرژی برای تولید برق، گرما یا سوخت استفاده می‌کنند. بایومس شامل مواد ارگانیک مانند چوب، بقایای زراعی، زباله‌های نباتی، فضولات حیوانی و زباله‌های شهری یا صنعتی می‌باشد.

است، چرا که اجرای این پروژه‌ها به تملک زمین و اسکان مجدد ساکنان مرتبط است و تأثیرات زیادی بر استفاده از زمین و جابه‌جایی جوامع پایین دست دارد.

در یک اقتصاد بازار، سه مرحله اصلی برای نوآوری فناورانه در حوزه انرژی وجود دارد: یک. تحقیق و توسعه؛ شامل تحقیق پایه، پژوهش‌های ویژه فناوری، توسعه و نمایش عملی فناوری. دو. تجاری‌سازی: نمایش فناوری برای یک بازار بالقوه و سه. نفوذ به بازار: انباشت بازار و گسترش محصول. هر مرحله شامل بهبود فناوری و کاهش هزینه‌ها است و تحت تأثیر دو نیروی اصلی، یعنی «فشار فناوری» و «کششی بازار»، قرار دارد. در مراحل اولیه تحقیق و توسعه، فشار فناوری و در مراحل بعدی، کشش بازار اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. سرمایه‌گذاری خصوصی در فناوری‌های انرژی‌های تجدیدپذیر در مراحل اولیه محدود است و به تدریج افزایش می‌یابد. فشار فناوری بیشتر از طریق تحقیق و توسعه فناوری‌های کم‌انتشار گازهای گلخانه‌ای ایجاد می‌شود، در حالی که کشش بازار از طریق مشوق‌های اقتصادی و فعالیت شرکت‌ها حاصل می‌شود. زمانی که شرکت‌ها در فناوری‌های نوآورانه سرمایه‌گذاری می‌کنند، اولویت را به پذیرش مقررات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌دهند؛ اما این کار را از طریق فناوری‌های نوآورانه انجام می‌دهند. دولت‌ها برای تشویق سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر از سیاست‌های مختلفی نظیر تعرفه‌های تغذیه‌ای، الزام تجدیدپذیر، استاندارد پرتفوئی و سهم بازار اجباری استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، در افغانستان، شرکت‌های ۷۷ و زولرستان از سیاست تعرفه‌های تغذیه‌ای استفاده کرده و برق خود را به قیمت ۴ سینت به شرکت برشنا طی ۲۰ سال می‌فروشد. در مرحله اولیه تحقیق و توسعه فناوری‌های تجدیدپذیر، معمولاً تأمین مالی از سوی دولت یا منابع عمومی انجام می‌شود، زیرا هزینه‌های بالا و ریسک‌های فناوری‌های جدید مانع سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود (Gray: ۲۰۱۲). این موضوع در افغانستان به استثنا شرکت برشنا که شرکت امارتی است، بقیه تأمین‌های مالی در ابتدا به شکل خصوصی انجام

^۵. سازوکار حمایتی طولانی مدت (۱۵-۲۰ سال) است که دولت به منظور تشویق تولید و استفاده از انرژی-های تجدیدپذیر به خرید تضمینی آن می‌پردازد.

^۶. به سیاست قانونی گفته می‌شود که دولت شرکت‌ها را ملزم به افزایش سهم انرژی تجدیدپذیر در ترکیب تولید برق می‌کند.

^۷. به سیاست قانونی گفته می‌شود که دولت تأمین‌کنندگان و تولیدکنندگان را ملزم می‌کند تا درصد مشخصی از برق خود را از طریق منابع تجدیدپذیر تأمین نماید.

^۸. به سیاست تنظیمی گفته می‌شود که دولت برای افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر اعمال می‌نماید.

می‌شود. کمک‌های مالی و وام‌های کم‌بهره از سوی دولت‌ها برای تجاری‌سازی پروژه‌ها ارائه می‌شود. همچنین، منابع عمومی بین‌المللی از طریق وام‌های توسعه‌ای و سوبسایدی‌ها از پروژه‌ها حمایت می‌کنند (Kalamova: ۲۰۱۱).

در مرحله توسعه فناوری، سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر و شرکت‌های خصوصی نقش پررنگی دارند. پس از موفقیت فناوری در این مرحله، جذب سرمایه‌های بیشتر آسان‌تر می‌شود (Jachnik: ۲۰۱۶). بانک‌ها معمولاً تمایلی به اعطای وام‌های بزرگ به فناوری‌های جدید ندارند مگر آنکه فناوری تجاری‌سازی شده باشد.

دو. تجاری‌سازی فناوری: یکی از ابزارهای تأمین مالی تجاری‌سازی فناوری، عرضه سهام عمومی است که در آن بازپرداخت‌های وام در مراحل ابتدایی و انتقال مالکیت در آخرین مرحله پروژه انجام می‌شود. به همین دلیل، بیشتر اوراق قرضه پروژه در مرحله پس از تکمیل پروژه‌ها برای بازپرداخت دارایی‌ها و بازیابی سرمایه صادر می‌شود. این شیوه هم در افغانستان تا هنوز رونق نداشته و ندارد. در هنگام بهره‌برداری از تأسیسات انرژی‌های تجدیدپذیر، شرکت‌های مادر از طریق شرکت تابعه‌ای به نام «YieldCo»^۹ برای تأمین مالی استفاده می‌کنند و به جذب سرمایه‌گذاران برای دریافت سودهای بلندمدت می‌پردازند. این مدل زمانی مؤثر است که مزایای مالیاتی به سهامداران منتقل شود و بازده‌ها به عنوان بازپرداخت ارزش‌های سهام در نظر گرفته شوند، نه سود سرمایه‌گذاری. این شرکت‌ها بین ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ در کانادا و آمریکا رونق خوبی داشتند؛ اما پس از ورشکستگی یکی از شرکت‌های مادر در سال ۲۰۱۶، از رونق افتادند و صندوق‌های تقاعد و بیمه وارد عمل شدند و پروژه‌ها را خریداری کردند. اگرچه این مدل در سال ۲۰۱۸ با خریداری توسط صندوق‌های زیرساختی دوباره احیا شد؛ اما دوام نیاورد (Konrad: ۲۰۱۸). با گسترش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، سرمایه‌گذاری جمعی به ویژه در کشورهای آسیایی به یک روش تأمین مالی قدرتمند در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر تبدیل شد (Lam PTI: ۲۰۱۶). فناوری بلاک‌چین نیز فرصت‌های جدیدی برای تجارت انرژی تجدیدپذیر به صورت توزیع شده و بدون واسطه ایجاد کرده است (Pugnatorius: ۲۰۱۸). به‌ویژه برای نیروگاه‌های انرژی تجدیدپذیر با ظرفیت‌های کوچک‌تر.

۹. این نوع شرکت‌ها از طریق فروش برق، دارایی‌های خویش را به صورت سود سهام به سرمایه‌گذاران توزیع می‌کنند.

پالیسی‌ها و برنامه‌های حمایتی

انرژی‌های تجدیدپذیر به دلیل هزینه‌های بالا تنها در بازارهای حمایت‌شده توسط سیاست‌های دولتی جذاب هستند. با کاهش هزینه‌های تولید به دلیل مقیاس بزرگ و ساختار تثبیت‌شده بازار انرژی سنتی، سرمایه‌گذاران تجدیدپذیر اغلب در حاشیه قرار دارند و مؤسسات مالی به دلیل ناآشنایی با این صنعت، تمایل کمتری به همکاری دارند (Varadarajan: 2011).

دولت‌ها نقش کلیدی در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر دارند و با تأمین مالی تحقیق و توسعه، وضع قوانین حمایتی مانند محدودیت‌های تجاری، افزایش مالیات بر تولید کاربن‌دای اکساید، تعرفه‌های تضمینی و مشوق‌های مالیاتی، به افزایش ارزش بازار فناوری‌های کاهش‌دهنده آلودگی کمک می‌کنند (Justice: 2009). این سیاست‌ها تأثیر زیادی بر توسعه فناوری‌های جدید در این بخش دارند.

برخی کشورها پالیسی‌های مبتنی بر کمیت، مانند الزام به استفاده از انرژی تجدیدپذیر دارند و مشوق‌هایی برای آن در نظر می‌گیرند (Johnstone: 2010). این سیاست‌ها به تأمین مالی خصوصی کمک کرده و ریسک مالی فناوری‌های تجدیدپذیر، مانند انرژی بادی، را کاهش می‌دهند. جدول ۱ به روابط متقابل میان ذی‌نفعان، اقدامات آنان و انواع تأمین مالی مناسب در مراحل مختلف توسعه پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر پرداخته است، که می‌تواند به عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیرندگان در برنامه‌ریزی تأمین مالی این پروژه‌ها استفاده شود.

مدل نموداری از روابط متقابل بین ذی‌نفعان، مراحل توسعه پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر و ابزارهای مالی (جدول ۱)

سهامدار		حکومت	
پالیسی و برنامه‌های حمایتی دولت (مانند تعرفه تغذیه‌ای، گواهی کاهش کاربن-دای اکساید)			
فعالیت		حمایت مستقیم	
		مقررات	
ابزارهای مالی	وام‌های توسعه‌ای	وام‌های تضمین شده	تأمین مالی پروژه
	وام‌های وثیقه‌ای	وام‌های شرکتی	
	کمک‌های مالی و سوبسایدی	سهام خصوصی	مالی

صندوق های سرمایه گذاری	اوراق قرضه
فرشته	سبز
سرمایه گذاری خطرپذیر	شرکت تابعه
	عملیاتی
	عرضه کننده
	سهام
	(YieldCo)
	سهام عمومی
	(عرضه اولیه عمومی)
مشارکت نسبی	سرمایه گذاری ها
جامعه اقتصادی و شرکت ها	
دینفع	
تحقیق و توسعه	بازاریابی
مراحل توسعه	تحقیق و توسعه فناوری ابتدائی
	نمایش بازار و تجاری- انباشتگی بازار
	انتشار و گسترش
انگیزه ها	فشار فناوری
	فناوری
	کشش بازار

مطالعات موردی

برای تقویت مباحث تأمین مالی انرژی تجدیدپذیر در مراحل مختلف توسعه پروژه، از روش مطالعه موردی استفاده شده است که به توضیح و طبقه بندی مسائل تأمین مالی بر اساس واقعیت های عینی شرکت ها پرداخته است.

قلمرو فناوری

مطالعات موردی در این بخش شامل طیف وسیعی از فناوری‌های تجدیدپذیر، از جمله نیروگاه‌های خورشیدی متمرکز زمینی، انرژی بادی فراساحلی، و بازارهای نوظهور انرژی تجدیدپذیر مانند فتوولتائیک خورشیدی و انرژی بادی خشکی می‌باشد.

شیوه‌های تأمین مالی و پالیسی‌های آن

مطالعات موردی شامل منابع مختلف انرژی تجدیدپذیر و شیوه‌های تأمین مالی هستند و حمایت‌های دولتی مختلف را نیز نشان می‌دهند. انرژی بایومس از نظر دسترسی و ریسک برای سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان نسبت به انرژی بادی و خورشیدی مطمئن‌تر است. تأمین‌کنندگان مالی بیشتر نگران تداوم تأمین مواد اولیه هستند و به منابع تأمین بیودیزل متعدد و قراردادهای تضمینی نیاز دارند. همچنین، موانع بایومس شامل مجوزهای زیست‌محیطی است. سایر موارد تأمین مالی بایومس مشابه انرژی بادی و خورشیدی است که در زیر آورده شده است:

انرژی تجدیدپذیر متمرکز اوارزازات نور مراکش (C1)

تولید برق خورشیدی «اوارزازات» با ظرفیت ۵۸۰ میگاوات در مراکش در سال ۲۰۲۰ بر روی ۱۰ کیلومتر زمین احداث شد (Anon: 2016). تأمین مالی این پروژه توسط دولت مراکش، بانک توسعه آفریقا، بانک سرمایه‌گذاری اروپا، بانک جهانی، KfW، آژانس توسعه فرانسه، اتحادیه اروپا، صندوق فناوری‌های پاک، کنسرسیوم توسعه دهندگان خصوصی و سایر مؤسسات مالی انجام شد (worldbank: 2022). دولت مراکش از طریق سوبسایدی و قراردادهای خرید برق ۲۵ ساله با قیمتی بالاتر از نرخ شبکه و ریسک درآمدی را پوشش داده که توسعه‌دهندگان خصوصی مسئول ریسک‌های ساخت و بهره‌برداری بودند (Parke: 2017). این پروژه با استفاده از سه شیوه تأمین مالی مختلف و حمایت دولتی، جذب سرمایه‌گذاری خصوصی را تسهیل کرده است.

انرژی‌های تجدیدپذیر ایالات متحده (C2)

نیروگاه فتوولتائیک ویرویل در تگزاس با ظرفیت ۳۰ میگاوات در سال ۲۰۱۱ احداث شد (Beetz: ۲۰۱۷). این پروژه ابتدا توسط شرکت SunEdison توسعه و تأمین مالی شد و سپس با قرارداد خرید برق ۲۵ ساله (PPA) به شرکت «سیستم‌های انرژی تجدیدپذیر آمریکا» واگذار گردید (Hill: 2012). بهره‌برداری اولیه به مدت ۵ سال در اختیار سازنده بود و پس از آن به شرکت SunEdison برای ۲۰ سال منتقل شد (Olson: 2012). حمایت دولت از این پروژه از طریق تعرفه تغذیه‌ای برای ۲۵ سال

بود که موجب کاهش ریسک و جذب سرمایه‌گذاران نهادی با جریان نقدی ثابت و بلندمدت شد. تأمین مالی پروژه از طریق سهام سرمایه‌گذاری نهادی انجام شد.

مزرعه بادی فراساحلی والنی بریتانیا (C3)

مزرعه بادی فراساحلی والنی با ظرفیت ۳۶۷,۲ میگاوات و هزینه ۲,۱ میلیارد دالر ابتدا توسط DONG Energy در سال ۲۰۰۷ توسعه یافت؛ اما به دلیل هزینه‌های بالا ناتمام ماند. در سال ۲۰۱۰ با امضای توافق‌نامه‌های مختلف مانند مدیریت ساخت، بهره‌برداری و نگهداری و قراردادهای خرید برق پروژه با سرمایه‌گذاری کنسرسیومی از صندوق تقاعد هلندی PGGM و آمپراکویتی فاند تکمیل گردید. چهار بانک تجاری (UK Green، Siemens Bank GmbH، Royal Bank of Scotland Plc و Investment Bank) نیز وام ۳۶۲ میلیون دالری فراهم کردند. این پروژه نشان می‌دهد که حمایت دولت و مشوق‌ها می‌توانند سرمایه‌گذاران نهادی را جذب کرده و به سرمایه‌گذاری بلندمدت ترغیب کنند. (Anon: 2013).

مزارع بادی فراساحلی نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به انرژی بادی خشکی دارند. مطالعه پروژه والنی نشان می‌دهد که حمایت دولت و مشوق‌ها می‌توانند سرمایه‌گذاران نهادی را جذب کرده و به سرمایه‌گذاری بلندمدت در این پروژه‌ها ترغیب کنند. به‌ویژه، ارائه گواهی‌های سبز قابل معامله به توسعه‌دهنده، جریان‌های درآمدی کافی ایجاد کرده و سرمایه‌گذاران نهادی را به‌عنوان سهامداران اقلیتی جذب کرد.

مزرعه بادی خشکی جدرائوس سویدن (C4)

تأمین مالی مزرعه بادی خشکی جدرائوس با ظرفیت ۲۰۳ میگاوات و ۶۶ توربین بادی از طریق مشارکت سهامی بین توسعه‌دهندگان و دریافت قرضه از صندوق‌های تقاعدی و بانک‌های تجاری انجام شد (Anon: 2013). این پروژه که با هزینه ۳۶۰ میلیون یورو در سال ۲۰۱۳ در کشور دانمارک راه‌اندازی شد، یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌ها در منطقه بود. تأمین مالی آن شامل ۱۲۰ میلیون یورو از همکاری بزرگ‌ترین توسعه‌دهنده بادی سویدن (Arise Windpower AB) و یک سرمایه‌گذار خصوصی بریتانیایی (Platina Partners LLP)، و ۲۸۰ میلیون یورو قرضه از بانک‌های تجاری اسکاندیناوی (DNB ASA & SEB AB) و صندوق تقاعد دانمارک (PensionDanmark) بود (Le Blond: 2013). دولت دانمارک (EKF) ضمانت وام‌ها را ارائه داد و پروژه از طرح گواهی‌نامه برق

داکتر اسد الله رادمند

تجدیدپذیر ۱۵ ساله سویدن بهره‌مند شد. این پروژه نشان می‌دهد که حمایت دولت (ضمانت وام‌ها) نقش مهمی در تأمین مالی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر ایفا می‌کند.

نیروگاه‌های خورشیدی حرارتی ایوان‌پاه ایالات متحده (C5)

پروژه «ایوان‌پاه» شامل سه برج خورشیدی حرارتی با ظرفیت ۳۹۲ مگاوات و هزینه ساخت ۲,۲ میلیارد دلار است که بزرگ‌ترین تأسیسات تولید برق خورشیدی حرارتی در جهان به شمار می‌رود (Ivanpah: 2017). تأمین مالی این پروژه ترکیبی از وام دولتی و مشارکت بخش خصوصی است. دولت ۱,۶ میلیارد دلار از حساب وزارت انرژی پرداخت کرد تا وام‌های تأمین شده از بانک فدرال را پشتیبانی کند. بخش‌های خصوصی شامل BrightSource، NRG Energy و گوگل بوده‌اند (Desmond: 2016). دولت این پروژه را از طریق تعرفه تغذیه‌ای حمایت کرده و زمینه امضای قراردادهای خرید برق ۲۰ و ۲۵ ساله با شرکت‌های Pacific Gas and Electric (PG&E) و Southern California Edison (SCE) را فراهم ساخت. حمایت‌های دولتی شامل ضمانت وام، قراردادهای خرید بلندمدت برق و جذب سرمایه‌های خصوصی مانند گوگل، نقش اساسی در تکمیل این پروژه داشتند.

نیروگاه خورشیدی فتوولتائیک مونتالتودی کاسترو ایتالیا (C6)

پروژه «مونتالتودی کاسترو» ایتالیا شامل دو نیروگاه فتوولتائیک با ظرفیت ۵۱ مگاوات است. تأمین مالی این پروژه توسط Andromeda Finance Srl انجام شد که مبلغ ۱۹۵,۲ میلیون یورو از دو بانک بین‌المللی (BNP Paribas و Société Générale) به صورت وام ثابت با مدت ۱۸ سال دریافت کرد (Hughes: 2010). وام‌ها به اوراق قرضه و اوراق بهادار تبدیل شدند تا هزینه‌های ساخت تأمین گردد. دولت ایتالیا برای حمایت از پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، تعرفه‌های ثابت خرید برق را ارائه کرد تا شرکت بتواند برق تولیدی را در بازار عمده‌فروشی به فروش برساند (Moody: 2010). این پروژه نخستین پروژه انرژی تجدیدپذیر است که به اوراق بهادار تبدیل و از وام‌های بلندمدت تضمین شده بهره‌مند شده است (Sweny: 2016). دولت با ارائه حمایت‌های لازم در خرید تضمینی برق، امکان جذب نقدینگی و ایجاد جریان نقدی پایدار برای پروژه را فراهم ساخت.

مزرعه بادی فراساحلی آنهولت دانمارک (C7)

مزرعه بادی آنهولت دانمارک با ظرفیت ۴۰۰ مگاوات و ۱۱۱ توربین، سومین مزرعه بادی فراساحلی بزرگ جهان است که در سال ۲۰۱۳ به بهره‌برداری رسید (Anon: 2013). این پروژه با هزینه ۱,۶۵

داکتر اسد الله رادمند

میلیارد دالر از طریق تأمین مالی ترکیبی (مشارکت خصوصی و کنسرسیوم) تکمیل شد که شامل ۲۴۰ میلیون یورو وام از بانک سرمایه‌گذاری نوردیک و ۱,۱۴ میلیارد یورو از کنسرسیوم صندوق‌های تقاعدی مانند Pension Danmark و Pensionskassernes Administration بود (Simens: ۲۰۱۳). این کنسرسیوم پس از مشارکت در تأمین مالی، سهم خود را خریداری و طی چهار قسط پرداخت کرد. شرکت DONG Energy با دو سرمایه‌گذاری نهادی قراردادی ۱۵ ساله با قیمت ۱۷ سنت به ازای هر کیلووات ساعت برای بهره‌برداری و نگهداری امضا کرد (Gray: 2012).

در این پروژه، دولت ابتدا ریسک‌ها را تضمین کرد و سپس توسعه‌دهنده آن‌ها را بر عهده گرفت (Ramboll: 2017). تعرفه خرید برق درازمدت ریسک‌های درآمدی را کاهش داد و امنیت سرمایه‌گذاران را فراهم کرد. این مدل تأمین مالی پیش از تکمیل توانست جذب سرمایه‌گذاران نهادی را تسهیل و تضمین‌های درآمد ثابت و محافظت از ریسک‌ها را موفقانه تکمیل نماید.

مزرعه‌های بادی خشکی بریز دو در آلمان و فرانسه (C8)

یکی از مدل‌های تأمین مالی مزارع بادی خشکی، مدل "بریز ۲" است که توسط شرکت Christofferson: Robb & Company (CRC) از طریق اوراق بهادارسازی وام‌های مزارع بادی اجرا شد (Anon: 2006). این شرکت نخستین مزرعه بادی خود را در سال ۲۰۰۵ در آلمان خریداری کرد. در ابتدا، تأمین مالی ساخت مزارع از طریق سرمایه شرکت CRC و وام‌های بانکی کوتاه‌مدت انجام گرفت. در بهار سال بعد، این شرکت ۲۹ مزرعه بادی را در آلمان و فرانسه با مجموع ظرفیت ۴۳۰ مگاوات خریداری کرد و سپس این مجموعه را به شرکت CRC Breeze Finance با هدف خاص (SPV) منتقل نمود. همین‌طور این شرکت برای تأمین مالی، مبلغ ۴۷۰ میلیون یورو از طریق اوراق بهادارسازی و انتشار اوراق قرضه در سه بخش (ترانش A, B & C) جمع‌آوری کرد (Anon: ۲۰۰۷).

در مدل تأمین مالی «بریز ۲»، ترانش‌های A و B به صورت اوراق یوروباند ساختاریافته و ترانش C به صورت خصوصی منتشر شد. بازپرداخت اصل سرمایه و سود از محل فروش برق انجام گرفت. اوراق کوتاه‌مدت در سال ۲۰۱۶ و بلندمدت در سال ۲۰۲۶ سررسید دارند. در سال ۲۰۰۶، مزارع بادی Breeze و سایر دارایی‌های مرتبط به شرکت برق ملی بریتانیا به ارزش ۵۷۶ میلیون یورو واگذار شد. این مدل نمونه‌ای از تأمین مالی از طریق بازار سرمایه خصوصی است که در آن مطالبات تجاری در قالب بسته‌های امنیتی ساختاردهی شده‌اند. عواید حاصل برای بازپرداخت بدهی‌های پیشین و توسعه

پروژه‌های جدید استفاده شد (Robb: 2010). شفافیت و کیفیت اطلاعات ارائه شده به سرمایه‌گذاران و نهادهای اعتبارسنجی، نقش کلیدی در موفقیت این نوع سرمایه‌گذاری دارد. همچنین، استانداردسازی اسناد و رویه‌های ارزیابی پروژه برای تسهیل اوراق بهادارسازی و کاهش الزامات بررسی نهادی ضروری است.

جدول ۲ انواع تأمین مالی و سازوکارهای سیاستی به کاررفته در ۸ مورد ذکرشده در زیر را خلاصه می‌کند. واضح است که سرمایه‌گذاری خصوصی به منبعی رایج برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر تبدیل شده است، زیرا این پروژه‌ها از نظر توسعه فناوری به مرحله بلوغ نزدیک می‌شوند و تأمین مالی از طریق بدهی برای پروژه‌هایی که به مرحله ثبات و استفاده گسترده رسیده‌اند، نقش کلیدی دارد.

خلاصه‌ای از موارد و ابزارهای مالی مدل‌ها (جدول ۲)

مطالعه موردی								منبع مالی و سازوکارهای	
C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	سیاستی	
							✓	تأمین مالی دولتی/سوبسایدی	
						✓		سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر	
			✓				✓	وام با بهره پایین	
			✓	✓				ضمانت‌نامه‌های وامی	
✓	✓		✓	✓	✓	✓	✓	سرمایه‌گذاری خصوصی	
✓	✓	✓		✓				وام از بانک‌ها/مؤسسات مالی	
								تجاری	
✓		✓						اوراق قرضه سبز	
	✓	✓						تعرفه تغذیه‌ای	
				✓	✓			گواهی‌نامه‌های قابل معامله انرژی	
								تجدیدپذیر	
						✓	✓	استانداردهای انرژی تجدیدپذیر	

تأمین مالی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در آسیا

تحقیق حاضر تاکنون بر توسعه پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در کشورهای غربی متمرکز بوده است؛ کشورهایی که در زمینه تأمین مالی این گونه پروژه‌ها پیشگام محسوب می‌شوند. با این حال، این روند در کشورهای آسیایی نیز با چشم‌اندازی امیدوارکننده در حال شکل‌گیری است و نیازمند توجه و تأمین مالی مناسب می‌باشد. کشورهای آسیایی با بهره‌گیری از مدل‌های غربی، از ابزارهای متنوعی مانند وام‌ها و ضمانت‌نامه‌ها در تأمین مالی استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه، چین که یکی از قطب‌های اصلی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر به شمار می‌رود، از سه منبع مالی شامل سرمایه‌گذاری خصوصی، وام و سوبساید بهره گرفته است (Ming: 2014).

در کنار سرمایه‌گذاری خصوصی، تأمین مالی از طریق سهام و انتشار اوراق قرضه نیز به گزینه‌ای محبوب برای توسعه‌دهندگان پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر تبدیل شده است (Gubbi: 2015). با این حال، یکی از چالش‌های اصلی در کشورهای آسیایی، وابستگی به وام‌های کوتاه مدت است که ریسک قابل توجهی برای تحقق توسعه اقتصادی پایدار ایجاد می‌کند و نیازمند گذار به وام‌های بلندمدت می‌باشد. اگرچه بانک‌های دولتی مانند بانک توسعه چین میلیاردها یوان برای حمایت از انرژی تجدیدپذیر اختصاص داده‌اند، اما سیاست‌های پولی محدودکننده این کشور، رشد وام‌های تجاری را کاهش داده و مانع توسعه بیشتر این حوزه می‌شود (Ming: 2014). افزون بر این، چین از سیاست تعرفه‌های تغذیه‌ای (Feed-in Tariffs) در قراردادهای خرید برق به عنوان ابزاری حمایتی برای ترویج انرژی تجدیدپذیر بهره گرفته است (Kidney: 2023).

هند، مشابه چین، مشوق‌های سیاستی مختلفی برای ترویج پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر اختصاص داده است، از جمله اعطای وام‌های بلندمدت (Lam: 2016). تایلند نیز به عنوان پیشرو در عرصه انرژی‌های تجدیدپذیر در منطقه، از ابزارهای تأمین مالی متنوعی مانند اعطای وام برای پروژه‌های خورشیدی و هایدروالکتریک بهره برده است و ۶۲٪ از ظرفیت نصب شده خورشیدی را به خود اختصاص داده است (Oxford Business Group: 2018). ویتنام نیز به ویژه در حوزه مزارع خورشیدی شناور، به دلیل منابع آبی فراوان خود شناخته می‌شود و از منابع مالی مختلف برای توسعه این بخش استفاده کرده است (Daniels: 2018).

تأمین مالی انرژی‌های تجدیدپذیر در افغانستان

افغانستان از جمله معدود کشورهای است که بستر مناسبی را در بخش انرژی بادی، خورشیدی و فتوولتائیک دارد. اما آنچه این موضوع را با چالش مواجه ساخته است، تأمین مالی است. به صورت کلی تأمین مالی از سه طریق (سرمایه‌گذاری خصوصی، وام‌های بانکی بین‌المللی و کمک‌های بلاعوض) انجام می‌شود. از طریق سرمایه‌گذاری خصوصی به دلیل نوپا بودن فناوری آن اجرای محدودی داشته است. از طریق وام‌های بانکی بین‌المللی بدلیل توقف آن، فعلاً اجرا نمی‌گردد و کمک‌های بلاعوض نیز از سوی جامعه بین‌المللی با محدودیت‌های مواجه گردیده است. اما سایر تأمین‌های مالی نظیر وام با بهره‌ی پایین به وسیله بانک‌های داخلی، عدم مشوق‌های مالیاتی، ضمانت-نامه‌های وامی، اوراق قرضه سبز، گواهی‌نامه‌های قابل معامله انرژی تجدیدپذیر و تأمین مالی دولتی (سوبسادی) وجود ندارد که این امر به عنوان مشکل جدی مطرح بوده و می‌تواند در عدم توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نقش بسیار پر رنگی داشته باشد. از طرف دیگر اگر به حمایت‌های دولتی دیده شود؛ اولاً در این زمینه قوانین لازم جهت حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر وجود ندارد و ثانیاً در بخش کاهش استفاده از تجهیزات کاربن ساز نیز مقررات و محدودیت‌های وجود ندارد که به صورت غیرمستقیم شرکت‌های تولیدکننده‌ی برق را وادار به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر نمایند. ثالثاً وزارت آب و انرژی بدلیل محدودیت در بودجه‌های سالانه‌ی خویش مانند برخی کشورها از جمله آمریکا، به صورت مستقیم قادر به تأمین مالی چنین پروژه‌ها نیستند. همین‌طور در افغانستان صنعت بیمه نیز رشد نکرده است که از این طریق زمینه‌های حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر را مانند سایر کشورها فراهم نمود.

تنها ابزاری که وزارت انرژی و آب از آن برخوردار است، تعرفه‌های تغذیه‌ای اند که از آن در قالب قراردادهای خرید برق (PPA) طولانی مدت استفاده می‌نماید. این سیاست از سیاست‌های بسیار خوب و موفق در بخش جذب سرمایه‌گذاری است؛ اما این صنعت به دلیل نو و نوپا بودن آن رشد قابل توجهی نیافته است. اخیراً وزارت انرژی و آب تلاش دارند، تا از لحاظ قانونی بسترهای را فراهم سازد که ترویج چنین پروژه‌ها به راحتی انجام گیرد. این امر، تنها با وضع قوانین و مقررات صورت نمی‌گیرد؛ مگر بانک‌های افغانستان نیز چنین پروژه‌ها را تحت حمایت خویش قراردادده و به اعطای وام‌های بلندمدت و تضمین وام‌هایشان بپردازند.

مناقشه

این مقاله در محراق این مسئله می‌چرخد که چه روش‌های برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر کارآمد وجود دارد و از چه مدلی روش‌های تأمین مالی در افغانستان جهت توسعه انرژی تجدیدپذیر می‌توان بهره‌گرفت و دولت چه پالیسی‌های حمایتی برای انرژی‌های تجدیدپذیر دارند. این مقاله به مراحل مختلف توسعه پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، روش‌های تأمین مالی و پالیسی‌های حمایتی دولت‌ها پرداخته است که شیوه تأمین مالی نظیر قرضه، سهام، تأمین مالی امتیازی، کمک‌های بلاعوض و سوبسایدی‌های دولتی مورد شناسایی قرار گرفته است.

در افغانستان استفاده از قرضه‌ها، اوراق قرضه سبز، صنعت بیمه رایج نبوده و بیشترین تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری خصوصی، کمک‌های بلاعوض و سوبسایدی‌ها صورت می‌گیرد که بخش سوبسایدی‌ها هم صرفاً محدود به شرکت‌های امارتی گردیده است. دولت‌های خارجی در مراحل مختلف پروژه‌ها را با شیوه‌های مختلف مورد حمایت قرار می‌دهد که بخش تحقیق و توسعه و عملیاتی‌سازی پروژه از عمده‌ترین آنها است. اما در افغانستان، کمتر پروژه‌ی را می‌توان یافت که از این طریق مورد حمایت قرار گرفته باشد. همین‌طور کشور ما به دلیل نداشتن پالیسی‌های حمایتی مشخص و نداشتن قانون سرمایه‌گذاری در این بخش در حالت ابهام قرار دارد و وضعیت آن روشن نیست.

در این تحقیق مدل‌های مختلف تأمین مالی و پالیسی‌های حمایت از کشورهای مختلف غربی و شرقی به بررسی گرفته شده است. اما سرمایه‌گذاری خصوصی نقش اصلی و کلیدی دارد که به تعقیب آن وام از بانک‌ها و مؤسسات مالی نقش برجسته دارد. آنچه در افغانستان به عنوان یک نیاز اصلی نگریسته می‌شود، تدوین پالیسی‌های حمایتی و مقررات لازم در این حوزه که در آن حمایت از صنعت بیمه، اعطای سوبسایدی‌ها، کاهش مالیات، وضع مقررات کاهش تجهیزات کارین‌ساز و تعرفه‌های تغذیه‌ای از نیازمندی‌های اصلی به شمار می‌رود که سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و توسعه‌دهندگان پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر می‌توانند با بهره‌گیری از استراتژی‌های نامبرده مسیر روشنی را برای جذب سرمایه و توسعه چنین پروژه‌ها کشف نمایند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق به شناسایی روش‌های تأمین مالی مناسب برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در مراحل مختلف توسعه از دیدگاه توسعه‌دهندگان پرداخته است تا به تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران کمک

کند. هدف این تحقیق از طریق توسعه یک مدل نموداری یکپارچه که در جدول ۱ نشان داده شده، محقق شده است و کاربردهای عملی آن از طریق ۸ مطالعه موردی به تصویر کشیده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که ساختارهای تأمین مالی هر پروژه به عواملی چون دسترسی به منابع طبیعی، پختگی تخنیکی و مالی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر و همچنین پالیسی‌ها و حمایت‌های دولتی وابسته است. در بخش فناوری‌های نوآورانه انرژی تجدیدپذیر، استارت‌آپ‌ها نیاز به سرمایه اولیه، حمایت‌های دولتی، و منابع مالی مانند سرمایه‌گذاری فرشته‌ای و ریسک‌پذیر دارند. تأمین مالی از طریق جمع‌آوری سرمایه (crowdfunding) می‌تواند گزینه‌ای مناسب باشد، اما در افغانستان به دلیل کمبود آگاهی و زیرساخت‌های لازم، قابل اجرا نیست. منابع بانکی می‌توانند گزینه‌ای مناسب باشند، مشروط بر اینکه در افغانستان اعطای وام‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به واسطه بانک‌ها و با ضمانت‌های دولتی و غیردولتی اجرا گردد. تجاری‌سازی فناوری انرژی تجدیدپذیر و ابزارهای مالی مانند وام‌های شرکتی و عرضه اولیه عمومی (IPO) در دیگر کشورها مؤثر هستند؛ اما افغانستان تا هنوز از چنین بازارها و بسترهای لازم برخوردار نشده است.

آنچه در افغانستان می‌تواند، ما را در مسیر این پروژه‌ها قرار دهد، حمایت دولت از چنین پروژه‌ها و وضع پالیسی‌های حمایتی است که در قالب‌های حمایت صنعت بیمه از پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، اعطای سوبسیدی، تقویت تعرفه‌های تغذیه‌ای، کاهش مالیات، وضع مقررات کاهش تجهیزات کاربن‌ساز و امثال آن می‌باشند. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بازار انرژی در جنوب شرق آسیا به سرعت در حال توسعه است (رشد ۶۰ درصدی در ۱۵ سال گذشته) با تقاضای قابل توجه برای تأمین مالی، اما تنها ۴۰ درصد از پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در آن کشورها قابل تأمین مالی هستند. از مطالعات موردی که انجام شد، می‌توان درس‌های مفیدی برای تأمین مالی و جایگزین کردن آن در کشور استفاده کرد. از آنجا که تصمیمات تأمین مالی برای موفقیت توسعه انرژی تجدیدپذیر حیاتی هستند، این تحقیق باید به تصمیم‌گیرندگان به‌ویژه برای فناوری‌های نوآورانه در مراحل اولیه توسعه رویکرد آگاهانه ارائه نمایند.

منابع

- Anon. (2013). Anholt offshore wind farm; Available at: <http://www.power-technology.com/projects/anholt-offshore-wind-farm> [Accessed on 14 Jan 2025].
- Anon. (2006). Capital markets tapped in financing first – Newcomer steps in with big portfolio and Breeze Two Eurobonds; Available at: <http://www.windpowermonthly.com/article/959128/capital-markets-tapped-financing-first—newcomer-steps-bigportfolio-breeze-two-eurobonds> [Accessed on 18 Jan 2025].
- Anon. (2016). Ivanpah project overview; Available at: <http://www.brightsourceenergy.com/ivanpahsolar-project#.WAmvNI97Z4> [Accessed on 8 Feb 2025].
- Anon. (2016). Morocco to switch on first phase of world's largest solar plant, The Guardian, Available at: <https://www.theguardian.com/environment/2016/feb/04/morocco-to-switch-on-first-phase-of-worlds-largest-solar-plant> [Accessed on 3 June 2024].
- Anon. (2007). New wind player in Europe – enter international power; [available at: <http://www.windpowermonthly.com/article/957422/new-wind-player-europe—enter-international-power> ; accessed on 17 Jan 2025).
- Anon. (2013). Platina and arise open nordics largest onshore windfarm, platina partners LL and Arise Windpower AB, available at: <http://www.jeccomposites.com/knowledge/international-composites-news/platina-and-arise-open-nordics-largestonshore-windfarm> [Accessed 7 June 2024].
- Anon. (2013). Walney offshore wind farm project, Cumbria; Available at: <https://www.power-technology.com/projects/walneyoffshorewindfa/> [Accessed 10 Jan 2025].
- Beetz B. (2012). SunEdison sells 30 MW PV project, Available at: http://www.pvmagazine.com/news/details/beitrag/sunedison-sells-30-mw-pv-project_100005966/#axzz4LGpKGPns [Accessed 5 Jan 2025].

- Corsatea TD, Giaccaria S, Arántegui RL. (2014). The role of sources of finance on the development of wind technology. *Renew Energy*.
- Daniels A. (2017). Boosting renewable energy bankability in Southeast Asia; Available at: <http://www.eco-business.com> [Accessed 10 Mar 2025].
- Desmond J. (2016). Ivanpah and the DOE Loan Guarantee Program; Available at: <http://www.brightsourceenergy.com/ivanpah-and-the-doe-loan-guarantee-program#.Vs7Cjk1unq4> [Accessed 8 Feb 2025].
- Eric, M. (2010). Financing Renewable Energy: Who is Financing, and What are the Risks? *Energy Policy*, Vol. 6, <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2009.11.060>
- GIZ. (2011). Cost trends of renewable energy technologies for the power generation. Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ) GmbH (availableat: [https://energypedia.info/wiki/Cost Trends of Renewable Energy Technologies for the Power Generation](https://energypedia.info/wiki/Cost_Trends_of_Renewable_Energy_Technologies_for_the_Power_Generation)
- Gray S. Tatrallyay N. (2012). The green climate fund and private finance: instruments to mobilize investment in climate change mitigation projects. London: Climate Change Capital Ltd.
- Greentechmedia website: https://www.greentechmedia.com/articles/read/solar-star-largest-pv-power-plant-in-the-world-now-operational?utm_source=chatgpt.com [Accessed on 10 Feb 2025].
- Griffith-Jones S. Ocampo JA. Spratt S. (2012). Financing renewable energy in developing countries: mechanisms and responsibilities. *European Report on Development*.
- Gubbi S. Lillis MC, Li J. Tharakan P. (2015). Finance and Investments in Renewable Energy in Asia. *Handbook of Clean Energy Systems*.
- Harper JP. Karcher MD. Bolinger M. (2007). Wind project financing structures: a review and comparative analysis. Ernest Orlando Lawrence Berkeley National Laboratory.
- Hill JSCity. (2012). of Austin Activates Largest Texas Solar Farm; available at:

<https://gov.texas.gov/uploads/files/business/renewableenergy-report.pdf> [Accessed on 6 June 2024].

Hong Kong Green Building Council., (2018). Green Bond Certification Boosting Investor Confidence and Green Building Movement. Available at:

https://www.hkgbc.org.hk/eng/GreenMAGPlus_201801.aspx#greenbiz_2 [Accessed on 10 Mar 2025].

Hughes E., (2010). SunPower subsidiary receives financing for Montalto di Castro plant. Available at:

http://www.pvtech.org/news/project_focus_sunpower_subsidiary_receives_financing_for_montalto_di_castro [Accessed 12 Feb 2025].

Hussain MZ. (2013). Financing renewable energy options for developing financing instruments using public funds. Washington, DC: World Bank.

IRENA. (2017). Electricity storage and renewables: costs and market to 2030. International Renewable Energy Agency.

Jachnik R. Caruso R. Srivastava A. (2015). Estimating mobilized private climate finance: methodological approaches, options and trade-offs. OECD Environment Working Papers, No. 83. Paris: OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/5js4x001rqf8-en> [accessed 2 May 2025]

Johnstone N. Haščič I. Popp D. (2010). Renewable energy policies and technological innovation: evidence based on patent counts. Environ Resour Econ.

Justice S. (2009). Private financing of renewable energy: a guide for policymakers. UNEP Sustainable Energy Finance Initiative.

Kalamova, M. Kaminker, C. Johnstone, N. (2011). Sources of finance, investment policies and plant entry in the renewable energy sector. OECD Environment Working Papers (37);

Kidney S Oliver P. (2014). Growing a green bonds market in China: reduce costs and increase capacity for green investment while promoting greater transparency and *accountability*. Climate Bonds Initiative. www.iisd.org/system/files/publications/growing_green_bonds_en.pdf

- Konrad T. (2018). One week, three Yield Co deals. Are more buyouts on the horizon? Available at: <https://www.greentechmedia.com> [Accessed 9 March 2025]
- Lam PTI, (2016). Law AOK. Crowdfunding for renewable and sustainable energy projects: an exploratory case study approach. Renewable and Sustainable Energy Reviews 60. <http://dx.doi.org/10.1016/j.rser.2016.01.046> [accessed on 5 Feb 2025].
- Le Blond J., (2013). Platina and Arise open Nordics largest onshore windfarm. Available at: <http://www.renewableenergyfocus.com/view/32971/platina-and-arise-open-nordics-largest-onshore-windfarm/> [Accessed 27 Dec 2024].
- Ming Z. Ximei L. Yulong L. Lilin P. (2014). Review of renewable energy investment and financing in China: status, mode, issues and countermeasures. Renew Sustain Energy Reviw.
- Moody. (2018). Moodys-assigns-definitive-ratings-to-Andromeda-Finance-Srl. Available at: P.T.I. Lam, A.O.K. Law Renewable and Sustainable Energy Reviews https://www.moodys.com/research/Moodys-assigns-definitive-ratings-to-Andromeda-Finance-Srl-PR_211162 [Accessed 12 Dec 2024].
- OECD. (2015). Mapping channels to mobilize institutional investment in sustainable energy. Paris: OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/9789264224582-en> [Accessed 28 Dec 2024].
- Olson S. (2012). SunEdison sells 30 MW Webberville solar plant to MetLife and Longsol Holdings. Available at : http://www.pv-tech.org/news/sunedison_sells_30mw_webberville_solar_plant_to_met_life_and_longsol_holding [Accessed 5 Nov 2024].
- Oxford Business Group, (2017). Thailand sharpens focus on alternative energy. Available at: <https://oxfordbusinessgroup.com> [Accessed 8 March 2025].
- Parke P. (2016). World's largest concentrated solar plant switches on in the Sahara. CNN. Available at: <http://edition.cnn.com/2016/02/08/africa/ouarzazatemorocco-solar-plant/> [Accessed on 5 Dec 2024].

- Pugnatorius. (2018). Seven opportunities: Thailand solar energy update. Available at: <https://pugnatorius.com> [Accessed 8 March 2025].
- Ramboll. (2017). Anholt offshore wind farm - Denmark's largest offshore wind farm. Available at: <http://www.ramboll.com/projects/re/anholt-offshore-wind-farm> [Accessed 14 Nov 2024].
- Robb R. (2010). Investing in onshore and offshore wind energy; Available at: <http://www.aronaldg.org/courses/envecon/files/rr.pdf> [Accessed on 16 Nov 2024].
- Santosh R. (2019). Renewable Energy Finance: Theory and Practice, Academic Press, New York.
- Simens. Denmark's largest offshore wind farm is inaugurated. Available at: [http:// https://dise.org.pl/dania2019/AnholtOffshoreWindFarm.pdf](http://https://dise.org.pl/dania2019/AnholtOffshoreWindFarm.pdf) [Accessed 14 Mar 2025].
- Sonntag-O'Brien V. Usher E. (2006). Mobilizing finance for renewable energies. Renewable energy: a global review of technologies, policies and markets. London: Earthcan.
- Sweny JP. Nicolaides M. Alviar-Baquero F. (2017). The applications of structured finance techniques to the cleantech industry.
- Szabó S. Jäger-Waldau A. Szabó L. (2010). Risk adjusted financial costs of photovoltaics. Energy Policy.
- Varadarajan U. Nelson D. Pierpont B. Hervé-Mignucci M. (2011). The impacts of policy on the financing of renewable projects: a case study analysis. San Francisco, United States: Climate Policy Initiative; [available at]. <http://climatepolicyinitiative.org/publication/the-impacts-of-policy-on-the-financing-of-renewable-projects-a-case-study-analysis> [accessed on 8 Mar 2025]
- Waghray D. Kerr T. (2012). The green investment report: the ways and means to unlock private finance for green growth. Green Growth Action Alliance.
- Worldbank website: https://ppp.worldbank.org/public-private-partnership/sites/ppp.worldbank.org/files/2022-02/MoroccoNoorQuarzazateSolar_WBG_AfDB_EIB.pdf [Accessed on 10 Mar 2025]

Scientific Research Journal of Alberoni

Sahib Imtiaz: Alberoni University

Execative Editor: Associate Professor Dr. Mahboob Ur Rahman Safi

Editor-in-Chief of Journal of Natural Sciences: Assistant Professor Dr Gul Afghan Adeel

Editor-in-Chief of Journal of Social Sciences: Senior Teaching Assistant Asadullah Aria

Pages: Jawad Rahimi

Social Sciences Editorial Board:

Associate Professor Zabihullah Quraishi, Faculty member, of Law and Political Science.

Assistant Professor Dr. Mohammad Salim Madani, Faculty member, of Sharia.

Assistant Professor Ahmad Jahid Moshtaq, Faculty member, of Journalism.

Senior Teaching Assistant Dr. Ahmad Hanif Hanif, Faculty member, of Law and Political science .

Senior Teaching Assistant Dr. Abdul Munir Rahimi, Faculty member, of Education.

Senior Teaching Assistant Dr. Gholam Mohammad Payman, Faculty member, of Languages and Literature.

Senior Teaching Assistant Abdul Qahar Samim, Faculty member, of Sharia.

Natural Sciences Editorial Board:

Assistant Professor Gulaqa Anwari, Vice Chancellor of Research and Scientific Journal of Alberoni University.

Associate Professor Fazlurrah Arya, Faculty member, of Agriculture.

Associate Professor Mohammad Haron Saberi, Faculty member, of Education.

Assistant Professor Dr. Mir Hakimullah Sayedy, Faculty member, of Education.

Assistant Professor Abdul Qahar Qarloq, Faculty member, of Agriculture.

Senior Teaching Assistant Mohammad Nasir Tahiri, Faculty member, of Agriculture.

Senior Teaching Assistant Obaidullah Yusofzai, Faculty member, of Education.

Senior Teaching Assistant Sayed Ali Aqa Sadat, Faculty member, of Education.

Contact:

Tel: 0797100896 – 0770686519

E- mail: [**journals@au.edu.af**](mailto:journals@au.edu.af)

[**vc.academic@au.edu.af**](mailto:vc.academic@au.edu.af)

Add: Alberoni University, Kapisa Province, Afghanistan.



**Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Alberoni University
Vice-chancellor for Scientific Research**

*Collection of Articles
(Social Sciences)*

**National Conference On Industrial Revolution
For Sustainable Development In Afghanistan**

Year: 2025